
بسم الله الرحمن الرحيم

آثار و اسناد شهدا و ایثارگران (۱۶)

وصیت‌نامه کامل شهدا

استان سمنان



دفتر دوازدهم

مع - نص

معصومیان - نصرتی اول

تصحیح و تنظیم:

دکتر منوچهر اکبری

استاد دانشگاه تهران

واحد انتشار آثار و اسناد شهدا و ایثارگران

بهار ۱۳۹۲

سرشناسه: **اکبری، منوچهر ۱۳۳۵**
عنوان و نام پدیدآور: **وصیت‌نامهٔ کامل شهدا/ استان سمنان/ دفتر دوازدهم مع- نص (معصومیان- نصرتی‌اول)/ منوچهر اکبری**
مشخصات نشر: **تهران، سازمان بنیاد شهید و امور ایثارگران، معاونت پژوهش و ارتباطات فرهنگی، نشر شاهد، ۱۳۹۱**
مشخصات ظاهری: **۷۹۹ صفحه، مصور، نقشه**
شابک: **۴-۴۸۳-۳۹۴-۹۶۴-۹۷۸**
وضعیت فهرست‌نویسی: **فیپا**
مندرجات: **مع- نص (معصومیان- نصرتی‌اول)**
موضوع: **جنگ ایران و عراق، ۱۳۵۹-۱۳۶۷.- شهیدان- وصیت‌نامه**
شناسه افزوده: سازمان **بنیاد شهید و امور ایثارگران- مرکز اسناد و آثار فرهنگی شهدا و ایثارگران- نشر شاهد**
رده‌بندی کنگره: **۱۳۹۱ ۶و۶۸۲۴الف/DSR۱۶۲۵**
رده‌بندی دیویی: **۹۵۵/۰۸۴۳۰۹۲۲**
شماره کتابشناسی ملی: **۲۸۱۸۱۰۳**



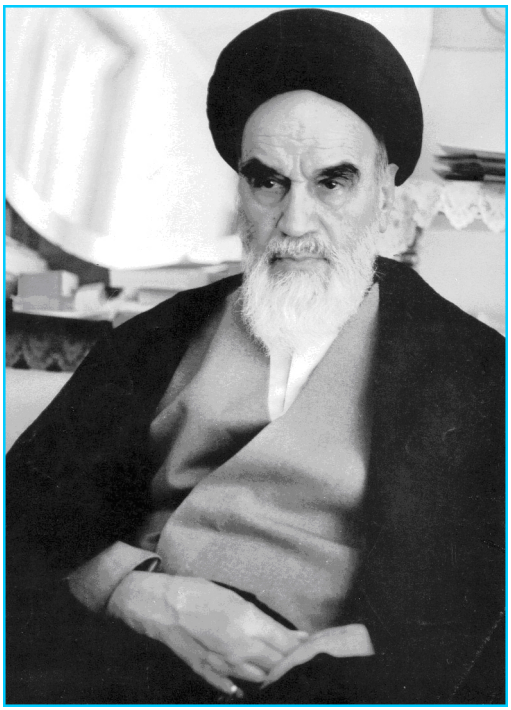
واحد انتشار آثار و اسناد شهدا و ایثارگران
آثار و اسناد شهدا و ایثارگران (۱۶)
وصیت‌نامهٔ کامل شهدای استان سمنان ◈ دفتر دوازدهم مع- نص(معصومیان، معصوم- نصرتی‌اول)
تصحیح و تنظیم: **دکتر منوچهر اکبری (استاد دانشگاه تهران)**
نوبت چاپ: **چاپ اول، بهار ۱۳۹۲ ◈** تیراژ: **۱۰۰۰ نسخه**
هماهنگی فنی: **فاطمه اکبری**
گویاسازی و نمونه‌خوانی: **منوچهر اکبری**
حروف‌چینی: **سولماز پرستاری ◈** صفحه‌آرایی: **مرتضی تبریزنیا**
هماهنگی تولید: **زهرا شیرکوند**
امور لیتوگرافی، چاپ و صحافی: **کوثر**
قیمت: **۲۵۰۰۰۰ ریال ◈** شابک: **۴-۴۸۳-۳۹۴-۹۶۴-۹۷۸**
نشانی: **تهران- خیابان آیت‌الله طالقانی- خیابان ملک‌الشعرای بهار شمالی- شمارهٔ ۵ معاونت پژوهش و ارتباطات فرهنگی بنیاد شهید و امور ایثارگران- نشر شاهد - تلفن: ۸۸۸۲۴۷۴۹**
توزیع: **مؤسسه فرهنگی هنری شاهد ◈ مرکز پخش: تهران ۶۶۴۹۱۸۵۱ قم ۰۲۵۱-۷۸۳۰۳۴۰ و فروشگاه‌های نشر شاهد و سایر فروشگاه‌های معتبر**
www.navideshahed.com

فهرست

سخن ناشر ۱۱
معصویان، معصوم ۱۵
معصومیان، مهدی ۲۲
معینی، اسماعیل ۲۹
معینیان، اسماعیل ۳۴
معینیان، نجفعلی ۴۰
مفیدی، علیرضا ۴۷
مقدسی، ابوالقاسم ۶۱
مقدسی، علی ۶۵
مقدسی، علی‌اکبر ۷۰
مقدسی، علیرضا ۷۸
مقدسی، علیرضا ۸۲
مقصودی، علی ۸۸
مقیمی، احمد ۹۷
مکاری‌نسب سمنانی، محمدعلی ۱۰۲
مکرمی، محمود ۱۰۷
ملاحسنی، اسماعیل ۱۱۶
ملایی، حمیدرضا ۱۲۳
ملک‌برمی، رمضان‌علی ۱۲۸
ملک‌جعفریان، محمد ۱۳۳
ملکیان‌برمی، رضا ۱۳۷
ممتازی، حسن ۱۴۸
منتظری، حسین ۱۵۲
منتظری، حسین ۱۶۰
منتظری، حسین ۱۶۹
منتظری، علی ۱۷۶
منتظری، محمد ۱۹۵
منتظری، محمدابراهیم ۱۹۸
منتظری، محمدحسن ۲۰۴
منسوبی، محمدحسن ۲۱۰
منشی‌زاده، محمدرضا ۲۱۳
منصوریان، محمدرضا ۲۲۰
منظمی، احمد ۲۲۴
موثق، غلام ۲۲۷
موحدی، علیرضا ۲۳۶
مؤذن، محمدرضا ۲۴۲
موسوی، سیداحمد ۲۵۱
موسوی، سیداشرف ۲۵۷
موسوی، سیدعلی‌اصغر ۲۶۲
موسوی، سیدمحمد ۲۶۶

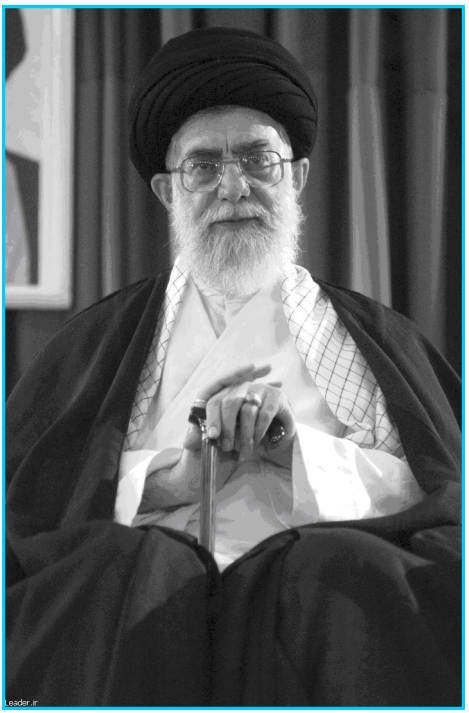
موسوی، سیدمحمدرضا ۲۷۷
موسوی چاشمی، سیدمحمود ۲۸۱
موسوی چاشمی، سیدمرتضی ۲۹۰
موسوی فولادی، سیدحسین ۲۹۵
موسویان، سیدرضا ۲۹۹
مؤمنی، اسدالله ۳۱۰
مؤمنی، علی ۳۱۴
مؤمنیان، روح‌الله ۳۲۰
مؤمنیان، ناصر ۳۳۱
مونسان، اسدالله ۳۳۴
مونسان، حسینعلی ۳۴۳
مهاجری، احمد ۳۴۹
مهدوی، حسن ۳۵۳
مهدوی، حسین ۳۵۷
مهدی‌ئی، علیرضا ۳۷۰
مهدی‌ئی، گل‌محمد ۳۷۷
مهدی‌ئی، نورمحمد ۳۸۸
مهرابی، جعفر ۴۰۳
میرآبی، علیرضا ۴۱۳
میراعلمی، یحیی ۴۳۱
میرانی، بزرگ ۴۳۴
میرباقری، سیدمهدی ۴۳۹
میرحسینی، سیدحبیب‌الله ۴۴۹
میرحسینی، سیدکاظم ۴۶۱
میرحسینی، سیدمحمود ۴۶۴
میردوستی، سیدمجتبی ۴۶۸
میرزاپور، یحیی ۴۷۲
میرزا مجنی، عباس ۴۷۸
میرزایی، رضا ۴۸۴
میرزایی، غلامرضا ۴۹۱
میرعماد، ابوالفضل ۴۹۶
میرغنی، سیدغلامرضا ۵۰۲
میرکریمی، سیدعلی‌اصغر ۵۰۸
میرکریمی، سیدمجتبی ۵۱۳
میرکمالی، سیدمحمد ۵۲۶
میری، سیدحسن ۵۳۴
میری، سیدعلیرضا ۵۴۵
میری، سیدفضل‌الله ۵۵۳
میری، سیدمحمودرضا ۵۶۱
میقانی، علی ۵۶۶

میقانی، محمد ۵۷۱
نادری باجگیران، رضا ۵۸۸
نادری، سیدمحمدرضا ۶۰۲
نادعلی، علی‌اصغر ۶۱۱
نادعلی، محمدحسن ۶۱۴
نادعلیان، علی ۶۲۲
نادعلیان، محمدعلی ۶۳۰
نادعلیزاده، محمدحسین ۶۳۶
نادعلیزاده، نعمت‌الله ۶۴۰
نادمی، حسینعلی ۶۴۴
ناصحی، کیومرث ۶۵۱
ناطقی، مجتبی ۶۶۴
ناطقی، مهدی ۶۶۸
ناهیدی، علی‌اصغر ۶۷۶
نبوی چاشمی، سید جمال ۶۷۹
نبوی چاشمی، سیدصادق ۶۸۷
نبوی چاشمی، سیدقربان ۶۹۱
نجاتی، نورالله ۶۹۶
نجار، رمضانعلی ۷۰۳
نجاری، محمد ۷۱۰
نجف‌زادگی، ابوالقاسم ۷۱۹
نجفی، قنبرعلی ۷۲۲
نجفی، محمداسماعیل ۷۳۰
نصرتی، حسین ۷۴۱
نصرتی، یحیی ۷۴۶
نصرتی‌اول، علیرضا ۷۵۴
تعلیقات ۷۶۷



«این وصیت‌نامه‌هایی که این عزیزان می‌نویسند، مطالعه کنید، پنجاه سال عبادت کردید و خدا قبول کند، یک روز هم یکی از این وصیت‌نامه‌ها را بگیرید و مطالعه کنید و تفکر کنید»

امام خمینی(ره)- صحیفه نور- جلد ۱۵ ص۳۲



منشور رسمی و قانونی انقلاب و کشور عبارت است از قانون اساسی ما... همهٔ چیزهایی که برای ادارهٔ امور ملت لازم است، به شکل متین و مستحکمی در این منشور وجود دارد. منشور معنوی انقلاب هم وصیت‌نامهٔ امام و وصیت‌نامه‌های شهداست. این وصیت‌نامه‌ها را بخوانید و ببینید شهدا که در میدان جنگ جان خود را فدا کردند، برای چه فدا کردند و دنبال چه بودند. مگر می‌شود از مجموعهٔ فداکاریها و آرمانهای یک ملت، کسی به این آسانی دست بشوید! اینها راه ماست؛ اینها مایه‌های سعادت ماست که باید دنبال کنیم.

بیانات مقام معظم رهبری- نماز جمعه تهران- آذرماه ۱۳۸۱

سخن ناشر

اطلاع‌رسانی و انتشار اسناد و آثار شهدا و ایثارگران با هدف روشن‌نمایی تاریخ پرشکوه انقلاب اسلامی و دفاع مقدس، ادامه فرآیندی است که بنیاد شهید و امور ایثارگران در ساختار اسنادی، مطالعاتی و انتشاراتی خود در نظر گرفته است.

آغاز فعالیت انتشاراتی در بنیاد مقارن با تأسیس این نهاد مهم و انقلابی در سال ۱۳۵۹ بوده و تاکنون صدها عنوان کتاب در زمینه‌های ادبی، پژوهشی، اسنادی و تاریخی برجامعه عرضه شده است؛ ولی آنچه را می‌توان بر مبنای مطالعه اهداف سازمانی در دوره‌های مختلف شکل‌گیری و توسعه بنیاد حائز اهمیت دانست، تأسیس انتشارات شاهد با هدف تدوین و انتشار آثار و اسناد شهدا و ایثارگران بوده است؛ گو اینکه به ضرورت‌های اجتماعی و فرهنگی، قلت و پراکندگی منابع و عدم تنظیم و آماده‌سازی اسناد، تمرکز فعالیت‌های نشر شاهد بر روی انتشار اسناد شهدا و ایثارگران به شیوه علمی و تخصصی تاکنون کمرنگ بوده است و لذا وجه ادبی و غیراسنادی در نشر شاهد گاه بر وجوه مطالعاتی و اسنادی آن غالب شده است.

از چندی پیش انتشارات شاهد، براساس اهداف دیرینه و در پی ایجاد شرایط مناسب‌تر که آثار و اسناد ایثارگران فراهم‌آوری و تنظیم گردید، انتشار اسناد دست اول آن بزرگواران را اولویت مهم خود قلمداد کرده است. به باور اندیشمندان و صاحبنظران تاریخی، فرهنگی و اسنادی، فراهم کردن زمینه برای انتشار اسناد فرهنگی، نیاز ضروری مجامع علمی و

پژوهشی بوده و اتخاذ شیوه‌های علمی برای پردازش و نشر آثار ایثارگران به افزایش و توسعه کمی و کیفی انتشار کتاب در سایر زمینه‌ها مدد می‌رساند. توصیه‌های مکرر و مؤکد حضرت امام(ﷺ) و مقام معظم رهبری (مد ظله العالی) برای پرداختن به اسناد و آثار، به‌ویژه وصایای شهدا نشان‌دهنده جایگاه ویژه این اسناد بوده و ضرورت انتشار آن را بر ما آشکار می‌سازد.

در جلدهای قبل، نظرات بسیار سودمند و قابل اعتناء به دفتر انتشارات شاهد رسید و مورد بررسی قرار گرفته و پس از تایید کمیته مستندات در این کتاب لحاظ گردید.

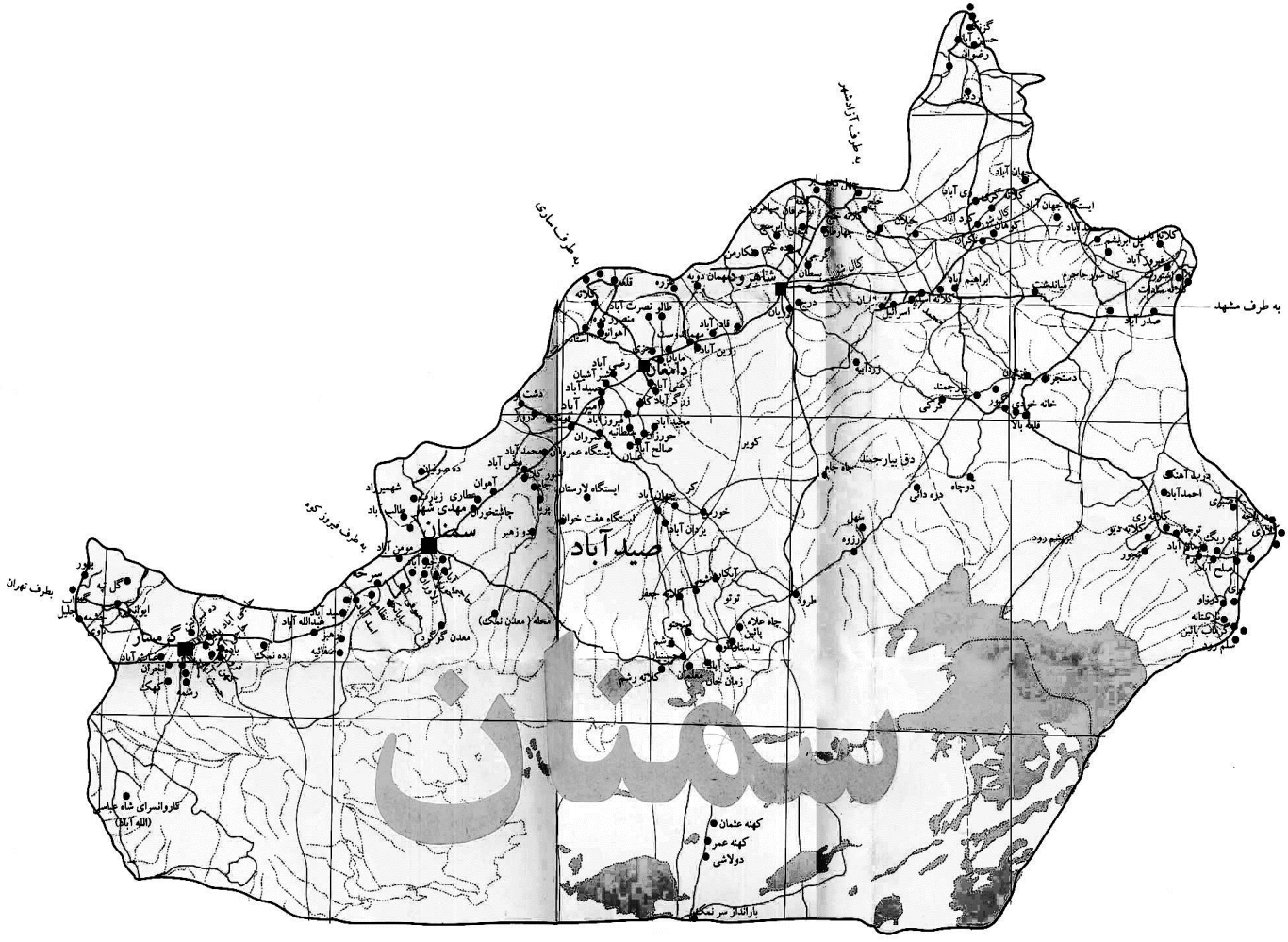
این کتاب حاوی ۱۰۶ وصیت‌نامه از وصیت نامه‌های شهدای استان سمنان است که حاصل بررسی‌ها وبازنگری‌های کارشناسانه در واحد انتشار اسناد و آثار شهدا و ایثارگران است. در اینجا شایسته است که از آقای دکتر منوچهر اکبری استاد گروه زبان وادبیات فارسی دانشگاه تهران، رئیس بنیاد دانشنامه نگاری ایران و پژوهشگر ادبیات وتاریخ دفاع مقدس به‌عنوان چهره نام آشنا در عرصه‌های دانشگاهی و پژوهشی به‌ویژه در حوزه دفاع مقدس و همکارانشان که زحمت تدوین این مجموعه را به عهده گرفته و تلاش بی‌وقفه داشته‌اند تشکر و قدردانی شود.

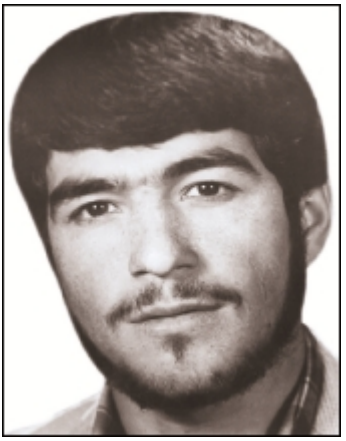
همچنین جا دارد که از رهنمودها و مساعدت‌های کارشناسان و صاحبنظران گرانقدر آقایان: دکتر اکبر اشرفی، امیر رزاق‌زاده، دکتر کیانوش کیانی و... صمیمانه تقدیر و تشکر نماییم.

در پایان دست صاحبنظران و اندیشمندان عرصه تاریخ و فرهنگ جامعه را برای همکاری، نقد و بررسی صمیمانه می‌فشاریم، امید است این تلاش فرهنگی در شناخت ابعاد ناپیدای شهدای بزرگوار و دوران با عظمت انقلاب اسلامی و دفاع مقدس مددکار پژوهشگران و حقیقت‌جویان و آیندگان قرار گرفته و موجبات خشنودی شهدای والامقام و امام شهدا و رهبر معظم انقلاب اسلامی و خانواده معظم شهدا و ایثارگران را فراهم سازد.

نشر شاهد

بهار ۱۳۹۲


به طرف آزادشهر
به طرف ساری
به طرف مشهد
به طرف تهران
به طرف فیروز کوه
شاهرود و جهمان دوده
دامغان
سمنان
صید آباد
گرمسار
سمنان



نام: **معصوم**
نام خانوادگی: **معصومیان**
نام پدر: **علی**
نام مادر: **فاطمه‌سلطان**
تاریخ تولد: **بیست‌وپنجم خرداد ۱۳۴۲**
محل تولد: **شهرستان مهدیشهر**
تحصیلات: **پایان دوره متوسطه**
ارگان اعزام‌کننده: **سپاه**
تاریخ شهادت: **بیست‌وششم اسفند ۱۳۶۶**
محل شهادت: **گوجار عراق**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش**
مزار: **گلزار شهدای زادگاهش**

عبارت‌های کلیدی

- انقلاب اسلامی و طلیعه نهضت حضرت امام در برابر مخالفین اسلام همچون حسین سیدالشهدا (علیه‌السلام) عمل می‌کند.
- اگر سعادت می‌خواهیم، باید وارد عمل شده و تا آخرین قطرات خونمان بایستیم.
- خدایا، امیدم به بهشت هست، ناامیدم مگردان.
- باید توجهمان به درون باشد. نکند عده‌ای همچون خوارج بیایند که نماز شب بخوانند- ولی علی(علیه‌السلام) حجت خدا و قرآن ناطق را به شهادت رساندند- و شما را با اینگونه اعمالشان بفریبند.
- نباید از توطئه‌های استکبار غافل بود که آن‌ها ابتدا می‌خواهند یاران امام را از صحنه خارج کرده و سپس با اسلام مخالفت کنند.
- مردم، جنگ مسئله اصلی این مملکت است.
- فرزندان خود را به‌سوی جبهه‌ها بفرستید.

معصوم معصومیان

بسم الله الرحمن الرحیم

«و اعدّوا لهم ما استطعتم من قوة و من رباط الخیل ترهبون به عدّو الله و عدّوکم و آخرین من دونهم لا تعلمونهم الله یعلمهم»[۱].

«لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم. استغفر الله الذی لا اله الا الله هو الحی القیوم الرحمن الرحیم ذوالجلال و الاکرام و اتوب الیه اللهم صل علی محمّدٍ و آل محمّد».[۲]

خدایا تو را شکر می‌کنم که به من لیاقت دادی تا در زمره پیروان مکتب پیامبرت قرار بگیرم و تو را سپاس بیکران می‌گزارم که مرا جزء پیروان و شیعیان علی‌بن ابیطالب امیرالمومنین(ع) قرار دادی و تو را شکر می‌کنم که مرا از پیروان و شاگردان مکتب امام زمان(عجل الله تعالی فرجه) قرار دادی- هرچند شاگرد بد و تنبل هستم- و تو را شکر می‌گویم که مرا جزء لبیک‌گویان به ندای نایب امام زمان(عج) حضرت امام خمینی این قلب تپنده مستضعفان جهان قرار دادی. هرچند بنده گنه‌کار ارزش آن را نداشتم اما تو از راه فضل با ن رفتار کردی.

انقلاب اسلامی راهی را طی می‌کند که رسول اکرم(ص) می‌کرد، قوانینی را می‌خواهد پیاده کند که پیامبر خدا آنان را پیاده کرد و عدالتی را می‌خواهد که علی(ع) در راه آن عدالت در محراب به شهادت رسید.

انقلاب اسلامی و طلیعه نهضت حضرت امام در برابر مخالفین اسلام همچون حسین سیدالشهدا(علیه‌السلام) عمل می‌کند و هدفشان اعتلای کلمه حق است، همان کلمه «لا اله الا الله و محمد رسول الله» که تا مرز جان نیز در این راه ایستاده‌اند. و این راه راهی است که پیامبران خدا و ائمه هدی(ع) می‌پیمودند و ما در ادامه آن شهدای زیادی تقدیم کردیم؛ افرادی عاشق و خودباخته بودند که پروانه‌وار دور معشوق چرخیدند و نهایتاً به معشوق

۱- انفال/ ۶۰. «هر نیرویی در قدرت دارید برای مقابله با آنها آماده سازید و اسب‌های ورزیده تا به وسیلهٔ آن دشمن خدا و دشمن خویش را بترسانید و گروه دیگری غیر از اینها را که شما نمی‌شناسید و خدا آنها را می‌شناسد».

۲- بخشی از تعقیبات نماز عصر.

رسیدند و در او ذوب شدند و بسی جای سعادت برایشان است. و رسالت ما در ادامه راه بسیار زیاد است.

اگر سعادت می‌خواهیم، اگر رضای دوست می‌خواهیم همانند آنان باید وارد عمل شده و تا آخرین قطرات خونمان بایستیم. دیروز در مقابل ابوسفیان‌ها[۱] و ابوجهل‌ها[۲] و ابولهب‌ها[۳] و یزیدهای طغیانگر ایستادند و امروز در مقابل امریکای جهانخوار، شوروی جنایت‌کار و صدام صهیونیست باید ایستاد. و آنان جملگی دست به دست هم داده‌اند تا تنها دشمن سرسخت خود اسلام را از بین ببرند و با فلسطین در مقابل تمامی کفر ایستاده‌ایم. «تمامی کفر در مقابل تمامی اسلام در این زمان در حال جنگند»[۴].

شاید تا به حال اینگونه مطلب زیاد گفته شده باشد، اما شما صحبت مرا گوش می‌کنید. آیا می‌خواهید در روز قیامت در نزد پیامبر خدا سرافراز باشید یا خدای نکرده می‌خواهید آن روز را که هر روزش چندین هزار روز دنیا هست در عذاب قهر و غضب خدا به‌سر ببرید، آیا می‌خواهید در پیش روی علی اصغر[۵] حسین (ع) و حبیب بن مظاهر[۶] و شهدای کربلا و پیش حسین(ع) که آنگونه در دفاع از اسلام بدنش زیر سم اسبان پاره‌پاره شد روسفید باشید یا نه و آیا کل این دنیا با ذخایر و زیبایی‌هایش به یک لحظه در بهشت بودن می‌ارزد و [به] یک لحظه در کنار دوست بودن و در نزد ائمه اطهار و پیامبران بودن می‌ارزد؟ هرگز، به خدا قسم من یک نفس کشیدن در آنجا را به تمام این دنیا نمی‌فروشم.

و راهی را که پیش گرفته‌ام که مقدمه آن مقام است نیز راه شهدا و راه اسلام است و از خدا عاجزانه می‌خواهم که مرا در این راه کمک کند و نهایتاً مرا به‌سوی خودش بخواند در

۱- ر.ک.تعلیقات.

۲- ر.ک.تعلیقات.

۳- ر.ک.تعلیقات.

۴- عبارت شهید تحت تأثیر این سخن امام خمینی است «امروز تمام اسلام در مقابل تمام کفر ایستاده است». (صحیفهٔ امام، ج۱۸، ص۴۴).

۵- ر.ک.تعلیقات.

۶- ر.ک.تعلیقات.

حالی که از من راضی شده باشد؛ و اگر او راضی شود به کمال رسیده‌ایم. «اللهم الرزقنا شهادت فی سبیلک».

اما وقتی به نفسم رجوع می‌کنم، می‌بینم چه گناهانی را که در مقابل خداوند بزرگ انجام داده‌ام. خدایا چه کنم اگر مرا نبخشی؟ خدایا من طاقت فراقت را ندارم خدایا من نمی‌توانم عذاب‌هایت را تحمل کنم. خدایا تو بخشنده‌ای تو غفاری تو ستاری. خدایا نکند در نزد شهدا ما را رسوا کنی، که البته عفو تو آنقدر واسع است که گناهان زیادم در مقابلش هیچ است. و خدایا امیدم به بهشت هست، ناامیدم مگردان. و رستگار شدن به این آسانی نیست، سختی کشیدن دارد جان دادن و مال دادن دارد استقامت و پایمردی می‌خواهد؛ الحمدالله امت اسلام اینگونه است.

مردم، به فکر باشید، که راه بسیار درازی در پیش است انشاءالله باید زمینهٔ حکومت عدل مهدی موعود امام زمان (عج) چیده شود. وقتی امام امت قیام کردند، جهان اسلام و حتی مستضعفان دنیا چشم امید به او دوختند و استکبار هم برای جلوگیری از بیداری ملت‌ها این‌همه توطئه‌ها[1] بر علیه انقلاب کرد. به خدا قسم مردم لبنان و شیعیان آنجا مستقیماً چشم به پیروزی‌های ما در جبهه دوخته‌اند، مردم مصر به انقلاب اسلامی می‌نگرند، امید مردم افغانستان به انقلاب اسلامی ایران است. همانطور که قرآن می‌فرماید «**و اعدوا لهم ما استطعتم من قوة**»[2]، باید آماده بود و به فریاد آن مظلومان ستم‌کشیده رسید.

مردم، مواظب باشید جریان را همانند جریان محرم ۶۱ نکنند که حسین(ع) را خارجی معرفی کرده و مردم را بر علیه او بشورانند. استکبار جهانی از جمله هدف‌های عمده‌اش پوشانیدن و به انحراف کشاندن انقلاب از درون است. با دقت، تیزهوشی و روشن‌بینی خاصی به مسائل بنگرید، مواظب باشید خدای نکرده کاری نکنید که بعداً پشیمان شوید. و امام امت هم فرمود که استکبار و «آمریکا و ایادیشان هیچ غلطی نمی‌توانند بکنند»[3].

۱- در اصل وصیت «توطعه‌ها».

۲- بخشی از آیهٔ ۶۰ سورهٔ انفال.

۳- امام خمینی «آمریکا هیچ غلطی نمی‌تواند نکند». صحیفهٔ امام، ج ۱۰، ص ۵۱۵.

باید توجهمان به درون باشد. نکند عده‌ای همچون خوارج[۱] بیایند که نماز شب بخوانند- ولی علی(ع) حجت خدا و قرآن ناطق را به شهادت رساندند- و شما را با اینگونه اعمالشان بفریبند. باید خیلی روشن‌بینانه برخورد کرد و البته راه حق را باید از راهش شناخت و طریقهٔ شناختن آن هم تطبیق آن با حکم خدا، حکم حجت خدا امام زمان(عج) و نایبش ولایت فقیه؛ که امروز امام عزیزمان با قامتی استوار به بلندی آفتاب در راه پیش‌برد این هدف ایستاده است و امیدوارم خداوند متعال ایشان را تا انقلاب حضرت مهدی(عج) حتی در کنارش محفوظ بدارد.

آری، «ولایت فقیه استمرار حرکت انبیا»[۲] در طول تاریخ است، و باز، نباید از توطئه‌های[۳] استکبار غافل بود که آنها ابتدا می‌خواهند یاران امام را از صحنه خارج کرده و سپس با اسلام مخالفت کنند، که این را نیز خنثی کرده‌اید. و این مسئله را بیشتر توجه داشته باشید که آیت‌الله منتظری[۴] امید امام و امت، خار چشم منافقین[۵] و دنیاپرستان خوارج‌پیشهٔ زمان ما هستند و حقیقتاً قائم مقام رهبری. مردم، قدر این فقیه عالی‌قدر را بدانید که امید اسلام و انقلاب است و هیچ کسی غیر از حضرت امام لیاقت و فقاهت و اعلمیت ایشان را ندارد.

و مردم، جنگ مسئله اصلی این مملکت است فرزندان خود را به‌سوی جبهه‌ها بفرستید که اسلام را حمایت کنند و در این راه از بذل جان و مال دریغ نورزید. و الان هم امام عزیز تکلیف را روشن کردند، هیچ توجیهی[۶] نمی‌تواند در این رابطه مؤثر باشد.

«والسلام علیکم»

۶۵/۴/۹

معصوم معصومیان

۱- ر.ک. تعلیقات.

۲- صحیفهٔ امام، ج۱۵، ص۴۹۱.

۳- در اصل وصیت «توطعه».

۴- ر.ک.تعلیقات.

۵- ر.ک.تعلیقات.

۶- در اصل وصیت «توجهی».



بسمه تعالی

"متن وصیتنامه شهید بزرگوار مصطفی مصدر ان "

بسم الله الرحمن الرحیم

و اعدوالهم ما استطعتم من قوه و من رباط الخیل ترهبون به عدوالله

و عدوکم و آخرین من دونهم لا تعلمونهم الله یعلمهم ...

لا حول ولا قوه الا بالله العلی العظیم .

استغفر الله الذی لا اله الا الله هوالحی القیوم الرحمن الرحیم ذالجلال

والاکرام واتوب الیه اللهم صل علی محمد وال محمد .

خدایا تورا شکر میکنم که به من لیاقت دادی تا در زمره پیروان مکتب پیامبرت قرار بگیرم و قورا سپاسگزار میگزارم که مرا جزء پیروان وشیعیان علی بن ابیطالب امیرالمومنین قرار دادی و تورا شکر میکنم که مرا از پیروان وشاگردان مکتب امام زمانم عجل ... قالی قرچه قرار دادی هر چند شاگرد بد و قلیل هستم و تورا شکر میکنم که مرا جزء لبیک گویان به ندای نائب امام زمان حضرت امام خمینی این قلب تپنده مستضعفان جهان قرار دادی هر چند بنده گنهکار ارزش آنرا نداشتم اما تو از راه فضل با من رفتار کردی .

انقلاب اسلامی راهی را طی میکند که رسول اکرم میکرد قرآنیان را میخواهد پیاده کند که پیامبر خدا آنان را پیاده کرد و عدالتی را میخواهد که علی ع در راه آن عدالت در محراب به شهادت رسید .

انقلاب اسلامی و طلیعه نهضت حضرت امام در برابر مخالفین اسلام همچون حسین سید الشهدا عمل میکند و هدفشان اعلای کلمه حق است همان کلمه لااله الا الله و محمد رسول ... که تا بر جان عزیزترین راه ایستاده اند و این راه ، راهی است که پیامبران خدا و ائمه هدی علیه السلام میپیمودند و ما در ادامه آن شهدای زیادی تقدیم کردیم افرادی عاشق و خود باخته بودند که پروانه وار در مشرق چرخیدند و نهایتا به معشوق رسیدند و در او ذوب شدند و بس جای سعادت برایشان است و رسالت ما در ادامه راه بسیار زیاد است اگر سعادت میخواهیم اگر رضای دوست میخواهیم سعادتمند آنان باید وارد عمل شده و تا آخرین قطرات خونمان باستیم ، دیروز در مقابل ابوسفیانها و ابوجهل ها و ابولهب ها ریزه های طاغیانگر ایستادند و امروز در مقابل امریکای جهانخوار و شوروی جنایتکار و صدام سهمگینیست باید ایستاد و آنان جلگی دست بدست هم داده اند تا تنها دشمن سرسخت شود اسلام را از بین ببرند و با فلسطین در مقابل تمامی کفر ایستاده ایم " تمامی کفر در مقابل تمامی اسلام و در این زمان در حال جنگند شاید تا بحال اینگونه مطلب زیاد گفته شده باشد اما شما صحبت را گوش میکنید آیا میخواهید در روز قیامت در نزد پیامبر خدا سرافراز باشید یا خدای نکرده میخواهید آن روز را که هر ویژگی چند برابر هزار روز دنیا است در عذاب قهر و غضب خدا بسر ببرید آیا میخواهید در پیشگاه علی امام حسین و حبیب بن مظاهر شهدای کربلا و پیش حسین که آنگونه در دفاع از اسلام بدنش زیر سم اسبان پاره پاره شد روسفید باشید یا نه و آیا تا این دنیا با خاطره زیبایش به یک لحظه در بهشت بودن می‌ارزد و یک لحظه در کنار دوست بودن و در نزد ائمه اطهار و پیامبران بودن می‌ارزد هرگز بخدا قسم من یک تکه بدن در آنجا را به تمام این دنیا نمی فروشم و راهی را که پیش گرفته ام هم که مقدمه آن مقام است بهترین راه شهدا و راه اسلام است و از خدا عاجزانه

میخواهم که مرا در این راه کمک کند و نهایتا مرا بسوی خودش بخواند در حالی که از من راضی شده باشد و اگر او راضی شود به کمال رسیده ایم (اللهم الرزقنا شهادت فی سبیلک)

اما وقتی به نفسم رجوع میکنم میبینم چه گناهانی را که در مقابل خداوند بزرگ انجام داده ام خدایا چگونه اگر مرا نبخشی خدایا من طاقت فراقت را ندارم خدایا من نمی‌توانم عذابهایت را تحمل کنم خدایا تو بخشنده‌ای تو غفاری تو ستاری خدایا نکند در نزد شهدا مرا رسوا کنی که البته خود تو آنقدر واسع است که گناهان بنده در مقابلش هیچ است و خدایا امید من به بهشت جهت تا امید من مردان و رستگار شدن باین آسانی نیست سختی کشیدن دارد جان دادن و مال دادن دارد استقامت و پایمردی میخواهد الحمدالله امت اسلام اینگونه است.

مردم" بلاگر باشید که راه بسیار دراز در پیش است انشاءالله باید زمینه حکومت عدل مهدی موعود امام زمان پیچیده شود وقتی امام امت قیام کردند جهان اسلام و حتی مستضعفان دنیا چشم امید باو دوختند و استکبار هم برای جلوگیری از پیدایش طغیان اینهمه دسیسه ها بر علیه انقلاب کرد بخدا قسم مردم لبنان و شیعیان آنجا مستقیما چشم به پیروزیهای ما در جبهه دوخته اند مردم مصر به انقلاب اسلامی مینگرند امید مردم افغانستان به انقلاب اسلامی ایران است همانطور که قرآن میفرماید واعدوا لهم ما استطعتم من قوه " باید آماده بود و به فریاد آن مظلومان ستمکشیده رسید : مردم مواظب باشید جهان را همانند جهان محرم ۶۱ نکنند که حسین را خارجی معرفی کرده و مردم را برعلیه او بشورانند استکبار جهانی از جبهه حذفهای عمده اش پوسیدن و به انحراف کشاندن انقلاب از درون است با دقت تیز هوشی و روشنبینی خاص به مسائل بنگرید مواظب باشید خدای نکرده کاری نکنید که بخدا پشیمان شوید و امام امت هم فرمود که استکبار و آمریکا و بادبیشان هیچ غلطی نمیخوانند بکنند باید توجهمان به درون باشد نکند عده ای همین خوارج بیایند که نماز شب بخوانند ولی طرح حجت خدا و قرآن ناطق را به شهادت رساندند و شما را با اینگونه اعمالشان بفریبند باید خیلی روشنبینانه برخورد کرد و البته راه حق را باید او را بش شناخت و طریقه شناختن آن هم تطبیق آن با حکم خدا حکم حجت خدا امام زمان و نائبش ولایت فقیه که امروز امام عزیزمان با قاطع استوار به بلندی آفتاب در راه پیشبرد این هدف ایستاده است و امید داریم خداوند متعال ایشان را تا انقلاب حضرت مهدی حتی در کنارش محفوظ بدارد " آری ولایت فقیه استوار حرکت انبیا در طول تاریخ است و باز نباید از توطئه های استکبار غافل بود که آنها ابتدا میخواستند یاران امام را از صحنه خارج کرده و سپس با اسلام مخالفت کنند که این را نمونش کرده اید و این مسئله را بیشتر توجه داشته باشید که آینده ... منتظری امید امام و امت " خار چشم منافقین و دنیا پرستان خوارج پیشه زمان ما هستند و حقیقتا قائم مقام رهبری " مردم قدر این فقیه عالیقدر را بدانید که امید اسلام و انقلاب است و هیچکس غیر از حضرت امام لیاقت و قامت و اهلیت ایشان را ندارد" و مردم چند مسئله اصلی این مملکت است فرزندان خود را بسوی جبهه ها بفرستید که اسلام را حمایت کنند و در این راه از بذل جان و مال دریغ نورزید و الان هم امام عزیز تکلیف را روشن کردند هیچ توجیهی نمیتواند در این رابطه موثر بخشد ٪

والسلام علیکم "

۶۵/۴/۹

معصوم معصومیان

نکته : بنیاد شهید مهدیشهر

یادگرامی و راهش پر رهرو



نام: **مهدی (قلی)**
نام خانوادگی: **معصومیان**
نام پدر: **حسین**
نام مادر: **شهربانو**
تاریخ تولد: **بیست‌وهشتم اسفند ۱۳۴۱**
محل تولد: **شهرستان مهدیشهر**
تحصیلات: **سوم متوسطه**
ارگان اعزام‌کننده: **سپاه**
تاریخ شهادت: **هفدهم مرداد ۱۳۶۲**
محل شهادت: **مهران**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش**
مزار: **گلزار شهدای زادگاهش**

عبارت‌های کلیدی

- بر خود واجب دانستم که در موقعیت زمانی که صدای «**هل من ناصر ینصرنی**» حسین زمان خمینی کبیر می‌آید، لبیک بگویم.
- هدفم یاری اسلام و قرآن و نجات دادن مستضعفان جهان از چنگال جباران تاریخ است.
- اگر در زندگی‌ام نتوانستم خدمتی به اسلام و مسلمین بکنم، شاید با شهادتم بتوانم قدم مثبتی در راه اسلام بردارم.
- دست از روحانیت و امام عزیز برندارید.
- این روحانیت بوده است از صدر اسلام تا کنون اسلام عزیز را زنده نگه داشته‌اند.
- مادر جان، آن گونه محکم و استوار باش که چون لیلا علی اکبرش (علیه‌السلام) را در صحرای کربلا داد.
- برای اسلام مفید و خدمت‌گزار اسلام باشید.

مهدی معصومیان

بسم الله الرحمن الرحیم

به‌نام الله آن‌که پاسدار حرمت خون شهیدان و درهم کوبندهٔ ستمگران.

این وصیت‌نامه‌ها انسان را می‌لرزاند و بیدار می‌کند[۱]. (امام خمینی)

«**و لاتحسبن الذین قتلوا فی سبیل الله امواتا بل احیاء عند ربهم یرزقون**»[۲].

«آنانکه در راه خدا به شهادت می‌رسند مرده مپندارید بلکه آنها زنده‌اند و نزد خدایشان روزی می‌خورند».

«**لن تنالوا البر حتی تنفقوا مما تحبّون و ما تنفقوا من شیء فإن الله به علیم**»[۳].

«شما هرگز به مقام نیکوکاران و خالصان خدا نخواهید رسید مگر آنکه از آنچه دوست می‌دارید[۴] [و] بسیار محبوب است در راه خدا انفاق کنید و هرچه انفاق کنید محققاً خدا بر آن آگاه است».

با درود و سلام بر پیامبران اولوالعزم به‌ویژه پیامبر بزرگ اسلام محمد مصطفی(ص) پایان‌بخش رسولان و با درود و سلام بر مهدی(عج) منجی عالم بشریت و با سلام و درود بر نایب برحقش امام امت، بت‌شکن زمان و یگانه یاور مستضعفان و پیر جماران[۵]، این قلب تپندهٔ ملت ایران و جهان که چشم مستضعفان جهان در انتظار اوست که آنها را از بند ظالمان تاریخ نجات دهد و با سلام و درود بر شهدای راه حق و عدالت از صدر اسلام و از کربلای حسین(ع) تا کربلاهای ایران زمین و شهدای عزیز هفت تیر[۶] و هشت شهریور[۷] و دیگر عزیزان به خون خفته ایران. با سلام و درود بر شما برادران رزمنده و پاسداران و

۱- صحیفهٔ امام، ج۱۶، ص۱۳.

۲- آل عمران/ ۱۶۹.

۳- آل عمران/ ۹۲. در اصل وصیت «و لن».

۴- در اصل وصیت «می‌دارند».

۵- ر.ک.تعلیقات.

۶- ر.ک.تعلیقات.

۷- ر.ک.تعلیقات.

ارتشیان و نیروهای مسلح که جان خود را بر کف نهاده‌اید و با دشمن مبارزه می‌کنید و با سلام و درود بر شما برادران دانش‌آموز و معلمین که با صحبت‌هایتان و با درس خواندن‌هایتان سرمشقی به ما یاد می‌دهید تا چگونه مبارزه کردن را بیاموزیم. با سلام و درود بر شما مردم شهیدپرور ایران به‌ویژه مردم قهرمان مهدیشهر که با ایثارگری‌ها و خودگذشتگی‌های خود توانستید سهم بزرگی در انقلاب اسلامی داشته باشید و انشاءالله صادقانه‌تر به تلاش خود اعم از جبهه فرستادن فرزندتان و دیگر کارها ثابت خواهید کرد که وفاداری به اسلام و مسلمین را [دارید] و این ایثارگری‌ها مشت محکمی بر دهان یاوه‌گویان شرق و غرب است.

من بنده حقیر و گناه‌کار خدا بر خود [واجب] دانستم که در موقعیت زمانی که صدای «هل من ناصر ینصرنی»[۱] حسین زمان خمینی کبیر [می‌آید] لبیک بگویم و با این عملم بگویم: ای حسین(ع) اگر کسی در آن زمان نبود صدای «هل من ناصر ینصرنی» تو را لبیک گوید و تو را یاری دهد[۲] اما امروز در کشور ما صدها علی اکبرها[۳] و عباس‌ها[۴] و دیگر برادران بودند که [به] صدای مظلومانهٔ فرزندت این پیر جماران، امام امت لبیک بگویند و عاشقانه شهادت را پذیرا باشند و من هم بر خود دانستم که امروز باید این ندا را لبیک گفت و اسلام را یاری نمود. هدفم یاری اسلام و قرآن و نجات دادن مستضعفان جهان از چنگال جباران تاریخ است. با خودم گفتم اگر در زندگی‌ام نتوانستم خدمتی به اسلام و مسلمین بکنم، شاید با شهادتم بتوانم قدم مثبتی در راه اسلام بردارم؛ و اگر خدا نصرت دهد و شهادت نصیب این بنده گناهکار بگرداند.

و اما چند نکته با مسئولین اداره‌ها. برادرها، بیاییم این کاغذبازی‌ها و تهمت زدن‌ها به یکدیگر برای دنیا و دیگر کارهای زشت دست بردارید و صادقانه کار کنید و برای مردم مزاحمت ایجاد نکنید و بگذارید مردم ناراضی از ادارات دولتی و غیره نباشند.

۱- ر.ک.تعلیقات.

۲- اشاره دارد به فرازی از زیارت وارث امام حسین(ع)، «فیا لیتنی کنتُ معکم فأفوز معکم». (فرهنگ عاشورا، جواد محدثی، ص۵۱۱).

۳- ر.ک.تعلیقات.

۴- ر.ک.تعلیقات.

و از شما مردم شهیدپرور ایران به‌ویژه مردم قهرمان مهدی‌شهر می‌خواهم دست از روحانیت و امام عزیز برندارید که این روحانیت بوده است از صدر اسلام تا کنون اسلام عزیز را زنده نگه داشته‌اند. و هر رژیم‌های ستمگری بر سر این روحانیت در طول تاریخ چه آورده‌اند! چون این روحانیت راه حق بودند نتوانستند آنها را به نابودی بکشند. و از شما برادران و محصل و معلمین و دیگر اقشار ملت می‌خواهم که دست از این قشر روحانیت برندارید تا بتوانید از دست شرق جنایت‌کار و غرب خیانت‌پیشه آسوده باشید و بتوانید مستضعفان جهان را از چنگ جباران تاریخ نجات دهید.

و شما پدر عزیزم، می‌دانم چه سختی‌ها و مشقت‌هایی کشیدی که بتوانی چنین فرزندی بزرگ کنی و آنگونه پسری تربیت کردی که بتواند در راه اسلام و قرآن خدمت کند و سرباز امام زمان(عج) باشد. پدر جان اگر از من در طول زندگی ناراحتی دیدی حلالم کن، و چون پسر خوبی برایت نبودم، و از خدای برایم طلب مغفرت کن که خدا ما را نجات دهد.

و شما مادرم، می‌دانم که داغ فرزند سخت است، ولی چه کنم که دین اسلام در خطر بود. و آفرین بر تو که چنین فرزندی شیر دادی و چنین فرزندی تربیت کردی برای یاری دین اسلام و مسلمین به جبهه‌ها شتافته تا بتواند کار مثبتی برای این انقلاب اسلامی بر دارد. مادر جان، آنگونه محکم و استوار باش که چون لیلا[1] علی اکبرش را در صحرای کربلا داد و افتخار کرد، که از این افتخارات دشمن دیگر هوس سر بلند کردن را نداشته باشد.

و تو ای برادرم، آنگونه در سنگر مدرسه‌ات مقاوم باش و اسلحه‌ام را برگیر و بر دشمن زبون بتاز که دیگر فرصت نفس کشیدن نداشته باشد و آنگونه درس بخوان که یک الگو و یک نمونه باشی. و شما ای برادر بزرگترم همچنانکه در مسئولیت خود هستی، و برای رضای خدا کار کن، که از تهمت و دیگر کارهایی که یک عده‌ای می‌کنند مهراس که خدا پشتیبان شماست. و آنگونه فرزندی تربیت کن که مانند میثم[2] زمان علی(علیه‌السلام) شود و برای

۱- ر.ک.تعلیقات. ذیل «امّ لیلی».

۲- ر.ک.تعلیقات.

اسلام مفید و خدمتگزار اسلام باشد. و تو ای خواهرم، همچنان صبر داشته باش که [در] مرگ برادر خویش زینب‌گونه صحبت شما برای خدا و گریهٔ شما برای خدا باشد. مبادا در نزد دشمن این انقلاب گریه کنی تا با گریه‌ات آنها خوشحال شوند.

پدر و مادرم، اگر من شهید شدم جنازهٔ من دست شما رسید، در مزار شهدای زیارت دفن کنید و اگر دست شما نرسید هرگز ناراحت نباشید، چون برای رضای خدا به جبهه آمده‌ام و برای رضای خدا جنگیده‌ام. اگر چیزی دارم به جبهه بفرستید و به پشت جبهه‌ها و رزمندگان کمک کنید. و دیگر خودتان می‌دانید.

خدایا خدایا، تا انقلاب مهدی(عج)، خمینی را نگه‌دار.

«والسّلام علیکم و رحمة الله برکاته»

بندهٔ حقیر خدا

مهدی معصومیان

۶۲/۳/۲

[بسم الله الرحمن الرحیم]

(پیام الله یادبود حضرت خمینی و تقدیم جوینده شدن)

وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ

آنانکه در راه خدا به شهادت می‌رسند مرده مپندارید بلکه آنها زنده‌اند و نزد خدایشان روزی می‌خورند.

وَلَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّىٰ تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ

شما هرگز به مقام نیکوکاران و خالصان خدا نخواهید رسید مگر آنکه از آنچه دوست میدارید بسیار محبوب است در راه خدا انفاق کنید و هرچه انفاق کنید محققاً خدا بر آن آگاه است.

پیام خمینی

این وصیتنامه‌ی انسان را میلرزاند و بیدار میکند.

با درود و سلام بر یاران اولوالعزم برپرده پیامبر بزرگ اسلام محمد مصطفی (ص) پایان بخش رسولان و با درود و سلام بر وصی گرامی (ع) منجی عالم بشریت و با سلام و درود بر نایب برحق ایشان امت بت شکن زمان و دیکتاتور یاور مستضعفان و پیروان این قیام تنها نهضت ملت ایران و رهبران دلیر و مستضعفان جهان را انتظار اوست که آنها را از چنگ ظالمان تاریخ نجات دهد و با سلام و درود بر شهدای راه حق و عدالت از صدر اسلام و از هر پای حسین تا کربلاهای ایران زمین و شهدای هفت تیر و ۸ شهریور و دیگر عزیزان خون خفته ایران، با سلام و درود بر شما برادران رزمنده و پاسداران ارتشیان و نیروهای مسلح که جان خود را بر کف نهاده اید و با دشمن مبارزه میکنید و با سلام و درود بر شما برادران دانش آموز و معلمین که با صلابت حاتیان و با درس خون نهاتیان سرمشقی به ما یاد میدهید تا چگونه مبارزه کردن را بیاموزیم. با سلام و درود بر شما مردم شهید پرور ایران بویژه مردم قهرمان دهدشت که با ایثارگریها و خودگذشتگیهای خود توانستید سهم بزرگی در انقلاب اسلامی داشته باشید و انشاء الله در ادامه راه تلاش خود اعم از مبهم فرستادن فرزندان دیگرتان ثابت خواهید کرد که وفادار به اسلام و مسلمین را و این ایثارگریها مشت محکمی بر دهان یاوه گویان شرق و غرب است.

من بنده حقیر و گناهکار خدا بر خود دانستم که در موقعیت زمانی که ندای (هَلْ مِنْ نَاصِرٍ يَنْصُرُنِي) حسین زمان خمینی کبیر لبیک گویم و با این عمل گویم ای حسین اگر کسی در آن زمان بود ندای (هَلْ مِنْ نَاصِرٍ يَنْصُرُنِي) ترا لبیک گفت و ترا یاری داد آیا امروز در کشور ما صدها علی اکبرها و عباسها و دیگر برادران نبودند که ندای مظلومانه فرزندت این پیروان امام امت لبیک نگویند و عاشقانه شهادت را بر نوش نباشند و من هم بر خود دانستم که امروز باید ندای خدا را لبیک گفت و اسلام را یاری نمود. هدفم یاری اسلام و قرآن و نجات دادن مستضعفان جهان از چنگال جباران تاریخ است با خودم گفتم اگر در زندگیم نتوانستم خدمتی به اسلام و مسلمین بکنم شاید با شهادتم توانم قدم کوچکی در راه اسلام بردارم و اگر خدا نصرت دهد و شهادت نصیب این بنده گناهکار گردانند و امّا چند کلمه با مسئولین ادارات: برادرها بیایید این دعاغذ بازیها و بهمت زدنها به یکدیگر را برای دنیا و آخرتمان زشت و بد دانید و



مادقاء مکارکنید برای مردم مزاحمت ایجاد نکنید و نگذارید مردم ناراحتی از ارگانها و غیره داشته باشند و از شما مردم شهید پرور ایران توقع دارم همچنان مهد تشیع سنگر اسلام دست از روحانیت و امام عزیز برندارید که این روحانیت بوده است از صدر اسلام تاکنون اسلام عزیز را زنده نگه داشته اند و هر روز میهای ستمگری بر سر این روحانیت رهبر طول تاریخ چه آورده اند چون این روحانیت راه حق را بردند نتوانستند آنها را به نابودی بکشند و از شما برادران و معصل و معلمین و دیگر اقشار ملت میخواهم که دست از این قشر روحانیت برندارید تا بتوانید از دست شرق جنایتکار و غرب خیانت پیشه آسوده باشید و بتوانید مستضعفان جهان را از چنگ مبارزان تاریخ نجات دهید.

و شاید دعوتم سیدانم چه سختیها و مشقتهایی کشیده که توانی چنین فرزندی تربیت کنی و اکنون بسری تربیت کردی که تواند در راه اسلام و قرآن خدمت کند و سرباز امام زمان (ع) باشد. پدر جان اگر از من در طول زندگی ناراحتی دیدی حلالم کن و چون سرخم برایت نوشتم و از خدای برایم طلب مغفرت کن که خدا ما را نجات دهد.

و شما مادرم میدانم که داغ فرزند سخت است ولی چه کنم که دین اسلام در خطر بود و آنرا بر تو چنین فرزندی تیرداری و چنین فرزندی تربیت کردی برای یاری دین اسلام و مسلمین بر همیه ها شتافته تا بتواند کار مثبتی برای این انقلاب اسلامی بردارد. مادر جان اکنون محکم و استوار باش که چون لیلا، علی اکبرش را در صحرای کربلا داد و افتخار کرد که از این افتخارات دشمن دیگر هوس سر بلند کردن را نداشته باشد. و تو ای برادرم اکنون در سنگر مسجد و نماز جماعت مواظب باش و اسلحه‌ام را بر زمین نگذار و بدشمن زبون بتاز که دیگر نوبت نفس کشیدن نداشته باشد و اکنون در سی جوان دیگر اگر یک اگر یک نمونه باشی. و شما ای برادر بزرگوارم همچنانکه در مسئولیت خود هستی و برای رضای خدا کار کن که از بقیت دیگر کارهایی که برای عده‌ای میکنند تو هم اسوه تو خدا پشتیبان شماست و اکنون فرزندی تربیت کن که باشد مشعم زمان علی (ع) شود.

و برای اسلام عزیز و خدمتگزار اسلام باشد. و ای خواهرم همچنان صبر داشته باش که مرگ برادر عزیزی زیبنده کوته صبت شما برای خدا و گریه شما برای خدا باشد ما با سرود و شعر این انقلاب بزرگ را با پیروزی آنها خوشحال میکنیم.

پدر و مادرم اگر من شهید شدم جنازه من دست شما رسید در مزار شهدا زیارت دفن کنید و اگر دست شما نرسید هرگز ناراحت نباشید چون برای رضای خدا و همه آمده‌ام و برای رضا خدا جنگیده‌ام. اگر چیزی دادم به همه برسید و به بقیت همه‌ها و همسنه‌گان حلالم کنید و دیگر خودتان میدانید.

(خدایا، خدایا، تا انقلاب مهدی، خمینی را نگهدار)

و السلام علیکم و رحمة الله و برکاته

بنده حقیر خدا، مهدی مصریان

۶۲/۳/۲



نام: **اسماعیل**
نام خانوادگی: **معینی**
نام پدر: **غلامرضا**
نام مادر: **سکینه**
تاریخ تولد: **بیست‌ویکم خرداد ۱۳۴۱**
محل تولد: **روستای فرومد از توابع شهرستان شاهرود**
تحصیلات: **پایان دوره ابتدایی**
ارگان اعزام‌کننده: **سپاه**
تاریخ شهادت: **بیست‌ودوم فروردین ۱۳۶۲**
محل شهادت: **فکه**
نحوهٔ شهادت: **اصابت گلوله**
مزار: **در همان منطقه بر جای ماند.**

عبارت‌های کلیدی

- امت شهیدپرور ایران همیشه گوش به‌فرمان رهبر انقلاب باشند تا بتوانند به یاری الله ریشه تمامی کسانی‌که بر علیه اسلام و مسلمین به‌پا خواسته‌اند از بن برکنند و حکومت اسلامی و قانون اسلام را جایگزین آن سازند.
- از خواهرانم می‌خواهم که زینب‌وار باشید و با حجاب کوبندهٔ خود رسالتی که به عهده شما می‌باشد انجام دهید.
- خواهرانم، فرزندانتان را مسلح به سلاح ایمان و تقوا و ادامه‌دهندهٔ راه شهیدان تربیت کنید.
- شهادت افتخارم بود و به آن هم رسیدم.

اسماعیل معینی

بسم الله الرحمن الرحیم

بسم رب الشهدا و الصدیقین

«**و لاتحسبن الذین قتلوا فی سبیل الله امواتا بل احیاء عند ربهم یرزقون**»[۱].

«مپندارید کسانی که در راه خدا کشته شده‌اند مرده‌اند بلکه زنده‌اند و نزد پروردگارشان روزی می‌خورند».(قرآن کریم)

«**انا لله و انا الیه راجعون**»[۲]

«به‌درستی‌که همه از خداییم و به‌سوی خدا باز می‌گردیم».

با سلام و درود بر رهبر کبیر انقلاب اسلامی و الگوی همه انسان‌ها بعد از پیامبران و امامان حضرت آیةالله العظمی الامام خمینی و کسی که با هر پیامش شور و عشق و ایمان به خدا را به انسان‌ها یاد می‌دهد و ترس و وحشت در دل زورگویان و جهانخواران می‌اندازد و سلام و درود بر روان پاک شهیدان که با خون خودشان اسلام و انقلاب اسلامی را آبیاری کردند و یک لحظه هم از فرمان امام امت سرپیچی نکردند و با سلام بر امت شهیدپرور ایران. و پیام من به امت شهیدپرور ایران این است که همیشه گوش به‌فرمان رهبر انقلاب باشند تا بتوانند به یاری الله ریشه مستکبران و صدامیان[۳] و لیبرال‌ها[۴] و منافقین[۵] و تمامی کسانی‌که بر علیه اسلام و مسلمین به‌پا خاسته‌اند[۶] از بن برکنند و حکومت اسلامی و قانون اسلام را جایگزین آن سازند.

و با عرض سلام و تشکر فراوان از پدر و مادرم که سال‌ها برای فرزندان خود زحمت کشیده و می‌کشید و انشاءالله اجر این زحمات خودتان را از خداوند بگیرید. و من از شما

۱- آل عمران/ ۱۶۹.

۲- بخشی از آیهٔ ۱۵۶ سورهٔ بقره. در اصل وصیت «...لله...».

۳- ر.ک.تعلیقات.

۴- ر.ک.تعلیقات.

۵- ر.ک.تعلیقات.

۶- در اصل وصیت «به‌پا خواسته‌اند».

می‌خواهم که در حقم دعا کنید و من اگر در این دوران زندگی شما را اذیت کردم مرا ببخشید. و من اگر به فیض شهادت رسیدم خودتان را ناراحت نکنید، چون این راه راه حق است و من خودم این راه را انتخاب کردم. و شما خودتان را ناراحت نکنید زیرا ناراحتی شما ناراحتی من می‌باشد.

و با سلام بر برادرانم. و با تشکر از زحماتی که تو برادر عباس برای من کشیدی و راه درست و صحیح را به من نشان دادی. من از تو خیلی ممنونم و انشاءالله اجر کارهایت را از خدا بگیری و دیگر برادران را به درس خواندن وادار سازی و سعی کنی که آنها هم همهٔ کارهایشان برای خدا و اسلام باشد و پیرو انقلاب اسلامی و رهبر انقلاب باشند. و همچنین از خواهرانم می‌خواهم که زینب‌وار باشند؛ و پیام‌رسان شهیدان باشید و با حجاب کوبندهٔ خود رسالتی که به عهده شما می‌باشد انجام دهید و فرزندانتان را مسلح به سلاح ایمان و تقوا و ادامه‌دهندهٔ راه شهیدان تربیت کنید، که در آینده برای جامعه مفید باشند. و از همه فامیل‌ها و دوستان و آشنایان و تمامی کسانی که مرا می‌شناسند می‌خواهم که حلالم کنند.

پدر جان، جنازهٔ مرا در فرومد دفن کنید و در مجالس ختم من شیرینی بدهید. و چیزهایی که دارم برادرم عباس بهتر می‌داند چقدر می‌باشد چون من با ایشان زندگی می‌کردم و خمس آن را هم برادرم عباس می‌داند برنامه‌اش چطور است. و مالم را در اختیار پدرم و مادرم و برادرم عباس قرار می‌دهم تا در جهت بهبود زندگی‌مان و درس خواندن برادرانم قرار گیرد. و مقدار ۵ هزار تومان آن را به فقرا بدهند و دو ماه روزه و دو سال نماز هم بگویید تا برایم به‌جا آورند. پدر و مادر و برادران و خویشان، حلالم کنید.

خدایا خدایا، تا انقلاب مهدی(عج)، خمینی را نگه‌دار.

شهادت سرآغاز پایندگی است　　نترسم ز مرگی که خود زندگی است

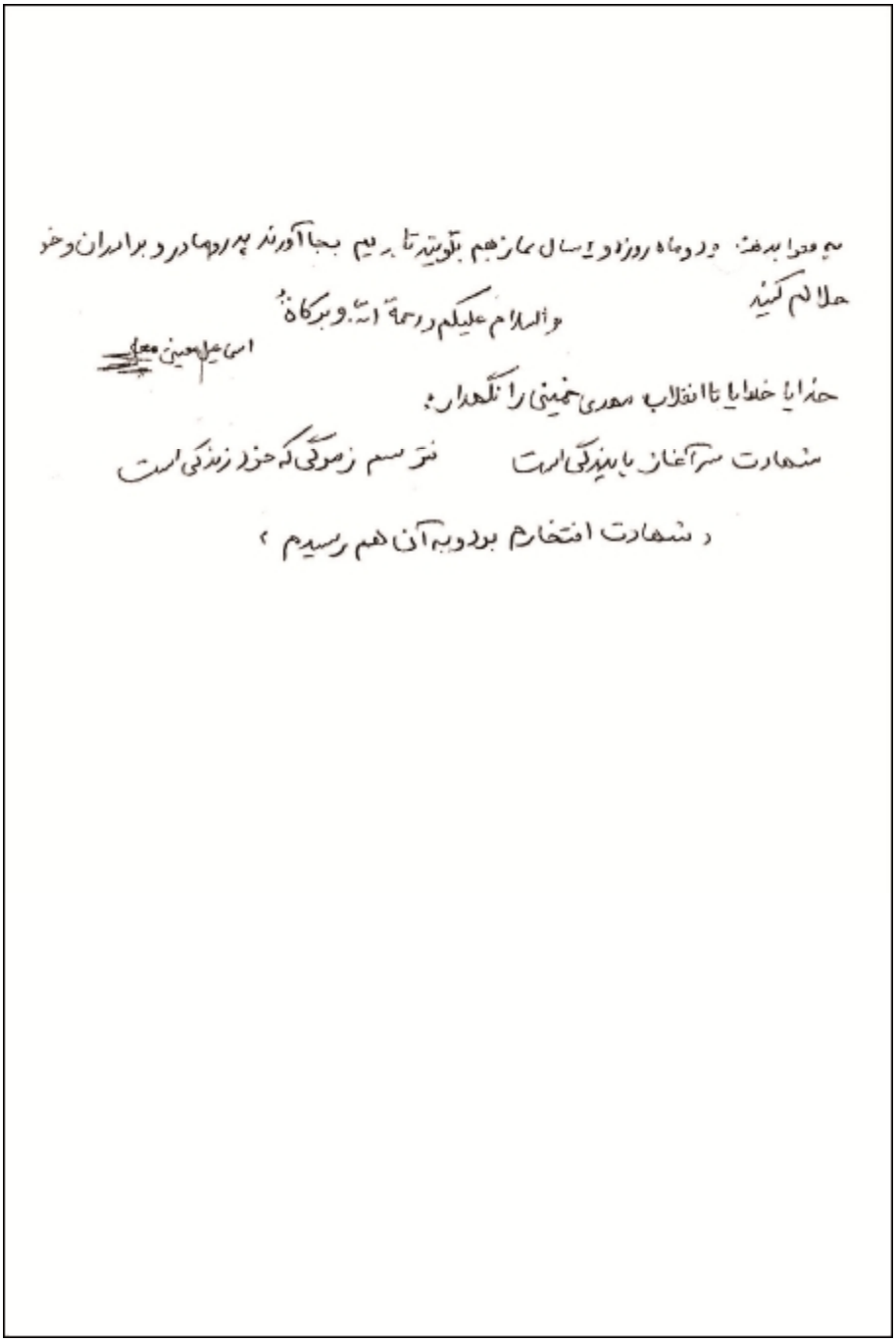
شهادت افتخارم بود و به آن هم رسیدم.

«والسلام علیکم و رحمهٔ الله و برکاته»[1]

اسماعیل معینی

۱- در اصل وصیت «برکاة»







نام: **اسماعیل**
نام خانوادگی: **معینیان**
نام پدر: **غلامحسین**
نام مادر: **کبرا**
تاریخ تولد: **چهاردهم مهر ۱۳۲۸**
محل تولد: **روستای لاسجرد از توابع شهرستان سمنان**
تحصیلات: **پایان دوره متوسطه**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **هجدهم مرداد ۱۳۶۲**
محل شهادت: **مهران**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش**
مزار: **بهشت‌زهرای شهرستان تهران**

عبارت‌های کلیدی

- خدایا رضایم به رضای تو.
- همیشه برای رضای خداوند کار کنید.
- به یاد خدا باشید. با یاد خداست که دل‌هایتان آرام می‌گیرد.
- این دنیا زودگذر است.
- همیشه قرآن را بخوانید و در آن تفکر کنید.
- من به‌خاطر هیچ کس و هیچ چیزی به جبهه جنگ نیامدم جز به‌خاطر خدا و به‌خاطر اسلام.
- اسلام حقیقی را در خمینی یافتم. حرف او حرف اسلام است.
- اسلام یعنی پیاده شدن قرآن و قرآن کلام خداست.
- مبادا روزی خدای نکرده چون مردم کوفه با امام رفتار کنید.
- پدر جان، از رهبر عزیزمان در همه اوقات حمایت کنید از او پشتیبانی نمایید.
- گوش به فرمان رهبر عزیزمان باشید.

اسماعیل معینیان

بسم الله الرحمن الرحیم*

بسم رب الشهدا و الصدیقین

آن کس که تو را شناخت جان را چه کند　　فرزند و عیال و خانمان را چه کند
دیوانه کنی هر دو جهانش بخشی　　دیوانهٔ تو هر دو جهان را چه کند[1]

با درود فراوان بر منجی انسان‌ها حضرت ولی عصر (عج) و با درود بر امام امت قلب تپندهٔ مستضعفان جهان و بت‌شکن دوران خمینی کبیر و با درود به روان پاک همهٔ شهدای اسلام.

خدایا رضایم به رضای تو که همه از آن توست، رضایم به رضایت که چگونه زیستن و چگونه مردن را به من آموختی و سپاس می‌گویم تو را که راه حق را به من شناسانیدی و مرا به‌سوی خود خوانده و من عاشقانه به‌سویت پر کشیدم.

ملت عزیز و شهیدپرور ایران، من به عنوان یک سرباز کوچک امام زمان (عج) وصیتی با شما دارم: که همیشه برای رضای خداوند کار کنید و به یاد خدا باشید. به یاد خداست که دلهایتان آرام می‌گیرد، قرآن می‌فرماید «**الا بذکر الله تطمئن القلوب**»[2]. و این دنیا زودگذر است و طبق فرمودهٔ حضرت علی (ع) مانند کاروان‌سرایی است که برای مدت کوتاهی[3] در آن توقف دارند و باید از آن رخت بربندیم[4]. پس در این چند روز زندگی بیهوده کار نکنید

---

*- در نسخهٔ حروف‌چیدهٔ مبنا، قبل از وصیت شهید آمده است: «و لاتحسبن الذین قتلوا فی سبیل الله امواتا بل احیاء عند ربهم یرزقون». «گمان نبرید آنان که در راه خدا کشته می‌شوند مردگانند بلکه آنان زنده‌اند و نزد خدای خود روزی می‌خورند». اگر این جنگ بیست سال هم طول بکشد ما ایستاده‌ایم. (امام خمینی). بار دیگر لاله سرخی از بوستان سرخ حسینی و فرزند عزیزی از اسلام و امت حزب‌الله و مقلد راست‌قامتی از خمینی کبیر ندای رهبر و حسین زمانش را آگاهانه لبیک گفته چون هزاران لاله سرخ دیگر در کربلاهای ایران در مرحلهٔ دوم عملیات والفجر۳ در منطقه مهران دعوت حق را عاشقانه پذیرا شد. وصیت‌نامه پاسدار اسلام شهید اسماعیل معینیان.

۱- شعر از خواجه عبدالله انصاری است.

۲- بخشی از آیهٔ ۲۸ سورهٔ رعد.

۳- در اصل وصیت «کوتایی».

۴- در اصل وصیت «بربندم». به سیاق عبارت باید فعل «بربندیم» باشد.

نکنید برای به دست آوردن مال و منال، و رسیدن به زرق و برق زندگی باعث آن نشود که خدا را فراموش کنید و مورد غضب او قرار گیرید. همیشه قرآن را بخوانید و در آن تفکر کنید.

پس از رفتنم از این دنیا تنها حرفم این است که به‌جای گریه بر قبرم و عزاداری برایم روحم را شاد کنید. روح من زمانی شاد می‌شود که شما از رهبرمان روح خدا (خمینی) پیروی و اطاعت کنید. من به‌خاطر هیچ کس و هیچ چیزی به جبهه جنگ نیامدم، جز به‌خاطر خدا و به‌خاطر نجات قانون خدا که همان اسلام است. و اسلام حقیقی را در خمینی یافتم و حرف او حر ف اسلام است و اسلام یعنی پیاده شدن قرآن و قرآن کلام خداست. پس شما باید سخن او را با جان و دل پذیرا باشید. مبادا روزی خدای نکرده چون مردم کوفه[1] با او رفتار کنید، که اگر چنین کردید بدانید که حتما به غضب خدا گرفتار می‌شوید و کافر از دنیا می‌روید.

پدر بزرگوارم، از تو می‌خواهم مرا ببخشی، از خدا برایم طلب آمرزش کنی. و اگر نافرمانی تو را نمودم و کاری انجام دادم که ناراحتت کردم مرا ببخش. پدر جان، بر فراق من صبور و شکیبا باش و در معرض امتحان بزرگی هستی. امام را فراموش نکن چون در معرض امتحان خدا قرار گرفتی. سعی کن با اتکال به خدای منان از این امتحان سربلند بیرون آیی. پدر جان، رهبر عزیزمان در همه اوقات حمایت کنید، از او پشتیبانی نمایید با حرف با کار و با عمل. او را از دعای خیر فراموش مکن.

مادر مهربان من. این وصیت‌نامه را قبل از اینکه به شهادت برسم نوشته‌ام و امیدوارم با پیروزی کامل و یا جزئی برای خدا و اسلام و قرآن جان بی‌ارزشم را به الله آفرینندهٔ خود تسلیم نمایم. امیدوارم برای شما فرزند نیکو و صالح بوده باشم. از شما می‌خواهم پس از شهادتم هیچ‌گونه گریه و زاری نکنی بلکه خوشحال باشی زیرا من پیروز شدم و به آرزویم رسیدم و اگر شما گریان و ناراحت باشی دشمنان خدا و مخالفان رهبر عزیزمان خوشحال خواهند شد. پس همیشه شاد باشید. شادی تو است که مشت محکمی بر دهان کوردلان و دنیاپرستان می‌باشد.

۱- ر.ک.تعلیقات.

مادر جان، هر موقع به یاد من افتادی و خواستی گریه کنی در آن لحظه به یاد کربلای حسین(علیه‌السلام) و مظلومیت حسین(علیه‌السلام) گریه کن که برای برجای ماندن اسلام و آزادی تمام مسلمانان و مستضعفان جهان از زیر سلطهٔ ظلم جنگید؛ و جان و عزیزانش را با کمال اخلاص تقدیم حق تعالی نمودند. علی اکبر[۱] و قاسم[۲] و ابوالفضل برای خدا و یاری رهبرشان شهید شدند و من که بیشتر از آن بزرگواران نیستم بلکه یک بنده گناهکار بیش نبودم. و اگر سال‌ها عبادت و اطاعت از خدا می‌کردم شاید نمی‌توانستم تمام گناهانم را جبران کنم، ولی انسانی‌که به فیض شهادت می‌رسد تمام گناهانش پاک می‌شود. من از شما می‌خواهم که اصلا نمازتان را فراموش نکنی.

برادر، شما هم راه مرا ادامه دهید. و سعی کن کمبود من را برای پدر و مادر جبران کنی و برای من ناراحتی نداشته باشید. و از تو می‌خواهم همینطور بر عقیدهٔ خود استوار و سر و پا گوش به‌فرمان رهبر عزیزمان باش و از او که نایب برحق امام زمان(عج) است و کلام او که کلام خدا است، اطاعت و پیروی کنید.

خندان می‌میرم و خوشحالم که توانستم دین خود را یاری کنم.

«والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته»

۱- ر.ک.تعلیقات.

۲- ر.ک.تعلیقات.

بسم رب شهدا والصدیقین

ولا تحسبن الذین قتلوا فی سبیل الله امواتا بل احیاء عند ربهم یرزقون

گمان نبرید آنانکه در راه خدا کشته میشوند مردگانند بلکه آنان زنده اند و نزد خدای خود روزی میخورند.

اگر این پنجاه‌بیست سال هم طول بکشد ما ایستاده‌ایم (امام خمینی)

بار دیگر لاله‌ای از بوستان سرخ خمینی و فرزند جهنده‌ای از اسلام و امت حزب‌الله و مقلد راستین نائب امام از خمینی کبیر ندای رهبر و حسین زمان را آگاهانه لبیک گفته چون هزاران لاله سرخ دیگر در کربلاهای ایران در مرحله دوم عملیات والفجر ۲ در منطقه مهران دعوت حق را عاشقانه پذیرا شد.

وصیت‌نامه پاسدار اسلام شهید اسماعیل معینیان

بسم الله الرحمن الرحیم

آنکس که تورا شناخت جان را چه کند فرزند و عیال خانه مان را چه کند

دیوانه کنی هردو جهانش بخشی دیوانه تو هردو جهان را چه کند

با درود فراوان بر منجی انسانها حضرت ولی عصر (عج) و با درود بر امام امت قلب تپنده مستضعفان جهان و پشتیبان دوران خمینی کبیر و با درود به روان پاک همه شهدای اسلام.

خدایا رضایم به رضای تو که همه از آن توست رضایم به رضایت که چگونه زیستن و چگونه مردن را به من آموختی و سپاس میگویم تو را که راه حق را به من شناسانیدی و مرا بسوی خود خوانده و من عاشقانه بسویت پر کشیدم ملت عزیز و شهید پرور ایران من به عنوان سرباز کوچک امام زمان (عج) وصیتی با شما دارم که همیشه برای رضای خداوند کار کنید و به یاد خدا باشید به یاد خدا که دلهایشان آرام میگیرد قرآن میفرماید (الا بذکرالله تطمئن القلوب) و این دنیا زود گذر است و لایق فرموده حضرت علی (ع) مانند کاروانسرای است که برای مدت کوتاهی در آن توقف دارند و باید از آن رخت بربندند پس در این چند روز زندگی بیهوده کار نکنید برای بدست آوردن مال و منال و رسیدن به زر و برز زندگی باعث آن نشود که خدا را فراموش کنید و مورد غضب او قرار گیرید همیشه قرآن را بخوانید و در آن تفکر کنید.

پس از رفتنم از این دنیا تنها حرفم این است که بجای گریه بر فیوم و عزاداری برایم روضه را بشنوید عزای من زمانی شروع میشود که شما از رهبر مان روح خدا (خمینی) پیروی و اطاعت کنید من به خاطر هیچ کس و هیچ چیزی به جبهه نیامدم جز بخاطر خدا و بخاطر اسلام که همان اسلام ناب محمدی است و اسلام حقیقی را در خمینی یافتم و حرف او حرف اسلام است و اسلام یعنی پیاده شدن قرآن و قرآن کلام خداست پس شما باید سخن او را با جان و دل پذیرا باشید مبادا روزی خدای نکرده چون مردم کوفه با او رفتار کنید که اگر چنین کردید بدانید که حتما به غضب خدا گرفتار میشوید و کافر از دنیا میروید.

پسر بزرگوارم

از تو میخواهم مرا ببخشی از خدا برایم طلب آمرزش کنی و اگر نافرمانی تو را نمودم و کارم انجام دادم که ناراحتت کردم مرا ببخش پدرجان پر فراغ من صبور و شکیبا باش و در معرض امتحان بزرگی همتی امام را فراموش نکنی چون در معرض امتحان خدا قرار گرفتی سعی کن با اتکال به خدای منان از این امتحان سربلند و بیرون آئی ، پسر جان رهبر عزیزمان در همه حال حمایت کنید از او پشتیبانی نمائید با حرف با کارت و با عمل او را از دعای خیر فراموش نکن .

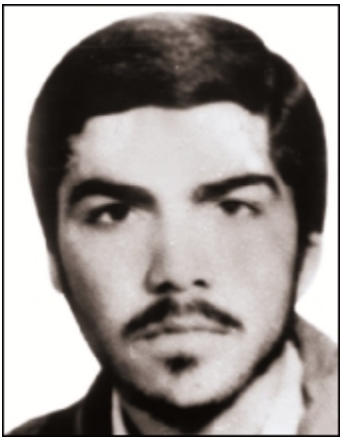
مادر مهربان من

این وصیت نامه را قبل از اینکه به شهادت برسم نوشتم و امیدوارم با پیروزی کامل و یا جزئی برای خدا و اسلام و قرآن جان بی ارزشم را به الله آفریننده خود تسلیم نمایم امیدوارم برای شما فرزند نیکو و صالح بوده باشم از شما میخواهم پس از شهادتم همچگونه گریه و زاری نکنی بلکه خوشحال باشی زیرا من پیروز شدم و به آرزویم رسیدم و اگر گریبان و نارحت باشی دشمنان خدا و منافقان رهبر عزیز ما خوشحال خواهند شد پس همیشه شاد باشید هادی توانست که منت سنگینی بر دهان کوردلان و دنیا پرستان بگذارد جان در موقع به یاد من افتادی و خواستی گریه کنی در آن لحظه به یاد کربلای حسین و مالوصیبت حسین گریه کن . که برای برجای ماندن اسلام و آزادی تمام مسلمانان و مستضعفان جهان از زیر سلطه ظالم جنگید خان و عزیزانی را باکمال اخلاص تقدیم حق تعالی نمودند ، علی اکبر و قاسم و ابوالفضل برای خدا و یاری رهبرمان شهید شدند من که بمراتب از آن بزرگواران نیستم بلکه بسیار گناهکار بودم نباید و اگر سالها عبادت و اطاعت از خدا میکردم شاید نمیتوانستم تمام گناهانم را جبران کنم ولی انسان که به فیض شهادت میرسد تمام گناهانش پاک میشود من از شما میخواهم که اعمال نمازتان را فراموش نکنی .

پسر و در عزیزم راه مرا ادامه دهید و سعی کنید کمبود من را برای پدر و مادر جبران کنی و برای من ناراحتی نداشته باشید و از تو میخواهم حسین را بر عقیده خود استوار و سرباز گوش بفرمان رهبر عزیز مان باش و از او که نایب برحق امام زمان است اطاعت و پیروی کنید .

خندان میمیرم و خوشحالم که توانستم دین خود را یاری کنم .

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته



نام: **نجفعلی**
نام خانوادگی: **معینیان**
نام پدر: **غلام‌حسین**
نام مادر: **فاطمه**
تاریخ تولد: **پانزدهم بهمن ۱۳۴۱**
محل تولد: **روستای لاسجرد از توابع شهرستان سمنان**
تحصیلات: **پایان دوره متوسطه**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **بیست‌ودوم فروردین ۱۳۶۲**
محل شهادت: **فکه**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش**
مزار: **گلزار شهدای زادگاهش**

عبارت‌های کلیدی

- رضایم به رضای خدای شهیدان، خدایی که چگونه زیستن و چگونه مردن را به من آموخت، خدایی که من فقط برای رضای او به جبهه رفتم.
- برای رضای خداوند کار کنید.
- هیچ وقت کارهایتان از روی هوای نفس نباشد.
- با این شیطان درونی که بر ما غلبه کرده مبارزه کنید.
- از جوانان حزب‌اللهی می‌خواهم که کاری کنید که برای جامعه الگو باشید.
- همیشه تقوا را پیشه کنید.
- امام عزیز، رهبر مستضعفان جهان را تنها نگذارید.
- برادرانی که تا به حال مخالف خط امام و مخالف این حکومت بوده‌اید، به آغوش اسلام برگردید.
- فقط اسلام است که ما را از بدبختی‌ها و ظلم و طاغوت رها می‌سازد.
- پدر و مادر عزیزم، شما در معرض امتحان خداوند قرار گرفته‌اید.

نجفعلی معینیان

بسم الله الرحمن الرحیم

«**و لاتحسبن الذین قتلوا فی سبیل الله امواتا بل احیاء عند ربهم یرزقون**»[۱].

«مپندارید کسانی که در راه خدا کشته شدند از مردگانند بلکه آنها زنده‌اند و نزد خداوند روزی می‌خورند».

«مکتبی که شهادت دارد اسارت ندارد»[۲]. (امام خمینی)

با درود فراوان بر ولی عصر، منجی نسل، رهبر جهان اسلام حضرت مهدی(عج) و با درود بر امام امت، قلب مستضعفان جهان، بت‌شکن خمینی کبیر و با سلام بر تمامی شهدای اسلام.

رضایم به رضای خدای شهیدان، خدایی که چگونه زیستن و چگونه مردن را به من آموخت، خدایی که اینچنین عاشقانش به‌سوی او می‌روند و به‌سوی او پر می‌کشند، خدایی که من فقط برای رضای او به جبهه رفتم تا در راه او بجنگم، خدایی که من عاشقانه به‌سوی او رفتم و من او را دوست داشتم و او مرا دوست داشت؛ که من چندین وقت راز و نیاز کردم، با او پیمان بستم و گفتم «اللهم ارزقنا توفیق الشهادة فی سبیلک» تا اینکه روزی رسید و خداوند این دعای مرا مستجاب کرد و من هم به آرزوی خودم رسیدم.

ملت عزیز، من به عنوان یک سرباز کوچک امام زمان(عج) وصیتی با شما دارم که همیشه برای رضای خداوند کار کنید چون قرآن می‌فرماید «**الا بذکر الله تطمئن القلوب**»[۳] یعنی «بدانید که با یاد خدا دل‌ها آرامش می‌گیرد»[۴]. هیچ وقت کارهایتان از روی هوای نفس نباشد، نفس‌پرستی انسان را به بیراهه می‌کشاند. با این شیطان درونی که بر ما غلبه کرده

۱- آل عمران/ ۱۶۹.

۲- امام خمینی. تعبیری که شهید آورده است در صحیفه امام بدین‌صورت آمده است: «ملتی که شهادت برای او سعادت است، پیروز است». صحیفه امام، ج ۱۳، ص ۱۸۷.

۳- بخشی از آیهٔ ۲۸ سورهٔ رعد.

۴- ترجمهٔ بخشی از آیهٔ ۲۸ سورهٔ رعد، «الا بذکر الله تطمئن القلوب».

مبارزه کنید و باید این مبارزه با نفس هم برای خدا باشد و تمام کارها برای خدا باشد. هیچ وقت نماز را سبک نشمارید.

و از جوانان حزب‌اللهی می‌خواهم که کاری کنید برای جامعه الگو باشید. و همیشه تقوا را پیشه کنید، همانطور که علی(ع) می‌فرماید: «اوصیکم بتقوی الله»[1] یعنی «شما را وصیت می‌کنم به تقوا خدا».

از ملت عزیز می‌خواهم که این امام عزیز رهبر مستضعفان جهان را تنها نگذارید. باید قدر این رهبر کبیر را بدانید. باید از خدای بزرگ سپاسگزاری کنیم که اینچنین رهبری را به ما داد که تمام جهان اسلام چشم به او دوخته‌اند. تنها گذاشتن امام یعنی کافر شدن و قرآن را تنها گذاشتن.

برادرانی که تا به‌حال مخالف خط امام و مخالف این حکومت اسلامی بوده‌اید، رو به اسلام بیاورید و به آغوش اسلام برگردید. فقط اسلام است که ما را از بدبختی‌ها و ظلم و طاغوت رها می‌سازد؛ بیایید در خط انقلاب و اسلام و رهبر باشید. اگر افرادی که هنوز ضد انقلاب هستند نمی‌خواهند پیرو خط امام باشند و در همان خط خود باشند –چه اقوام بنده باشند و [می‌خواهند] چه دوست– نباید جنازهٔ مرا تشییع کنند. نباید برای من گریه و زاری کنند. من می‌خواهم فقط افراد حزب‌اللهی جنازهٔ مرا تشییع کنند.

جنازهٔ مرا حتماً در روز جمعه در نماز جمعهٔ تهران تشییع کنید. وصیت دیگر من این است که برای من زیارت عاشورا و دعای توسل بخوانید. برای امام حسین(ع) گریه کنید که مظلوم شهید شد، برای حضرت فاطمه زهرا(علیهاالسلام) گریه کنید که مظلوم شهید شد و سینه‌زنی کنید. در مجالس عزاداری بیشتر قرآن بخوانید و مصیبت امام حسین(علیه‌السلام) بخوانید و قرآن را با صوت زیبا بخوانید.

وصیتی دارم برای برادرم. برادر، شما دیگر باید جای من باشید برای پدر و مادرم، تا آنها برای من ناراحتی نداشته باشند. و از شما می‌خواهم برایم نماز بخوانید و راه مرا ادامه بدهید. همیشه به حرف امام گوش کنید، قرآن بخوانید و یک سرپرست خوبی برای خانواده باشید.

۱– فرازی از وصیت امام علی(علیه‌السلام) به امام حسن(علیه‌السلام)، نامه ۴۷، ص ۹۷۷، فیض‌الاسلام.

پدر عزیزم، اول اینکه با شما خداحافظی نکردم مرا می‌بخشید. شما در معرض امتحان خداوند قرار گرفته‌اید و من یک امانتی بودم که از طرف خداوند پیش شما بودم و می‌بایستی که این امانت خدا را به خودش بدهید و از شما می‌خواهم به عنوان پدر یک شهید کاری کنید که ضد انقلاب ناراحت بشود و با آن مقاومت شما آنها را بکوبید.

و تو ای مادر عزیزم و ای مادر دلسوز و مهربان. تو را به جان زهرا(علیهاالسلام) قسم می‌دهم که مرا ببخشید و شیر پاکی که به من دادید حلالم کنید، چون موقعی که رفتم جبهه با شما خداحافظی نکردم. من می‌دانم شما چه آرزوهایی نسبت به من داشتید. مادر جان، من به آرزوی خودم رسیدم، می‌دانم شما به آرزوی خودت نرسیدی. مادر مهربانم، عروس اسلحه‌ام بود و حجله‌ام سنگرم بود و گلوله‌های سربی شیرینی‌هایی بود که بر سرم می‌ریخت و ماه عسلم را به کربلا سفر کردم.

مادر جان، هیچ وقت غیبت نکن و با افرادی که غیبت می‌کنند و دروغ می‌گویند رفت و آمد نکن. هیچ وقت به فکر مال دنیا نباش. فرزندت مرتضی را همانطور که مرا تربیت کردی آن را تربیت کن، که همانطور [که] من بودم این فرزندت هم باشد. مادر عزیزم، من یک سرباز کوچک اسلام بودم که در راه خدا کشته شدم؛ مبادا با شهید شدن من خودت[1] را اذیت کنی من راضی نیستم که در بین مردم گریه و زاری کنی. گریه کن ولی برای امام حسین(ع) گریه کن.

و تو ای خواهر گرامی‌ام. فرزندانت را به رفتار اسلامی تربیت کن و به‌عنوان یک خواهر شهید حالت انقلابی و اسلامی داشته باشید. هیچ وقت برای مال دنیا حرص نزنید، مال دنیا انسان را به جایی نمی‌رساند.

پدر و مادر عزیزم، هر وقت کربلا آزاد شد به زیارت امام حسین(ع) بروید. و آن پولی هم که دارم بروید زیارت امام رضا(ع) و بقیه آن را به حساب ۲۲۲ شهید رجایی واریز کنید.

خدایا خدایا، تا انقلاب مهدی(عج) خمینی را نگه‌دار

۱- در اصل وصیت «خودم».

از عمـــــــــر مـــــــا بکـــــــاه و بـــــــر عمـــــــر او بیفـــــــزا
رزمنـــــــــــدگان اســـــــــلام نـــــــصرت عطـــــــا بفرمـــــــا

خداحافظ.

«والسلام»
الحقیر نجفعلی معینیان
جبهه جنوب فکه ۶۱/۱۱/۱۸[1]

۱- در نسخهٔ حروفچیدهٔ مبنا، در پایان وصیت شهید آمده است: «وصیت‌نامهٔ برادر شهید نجفعلی معینیان تاریخ شهادت ۶۲/۱/۲۳. التماس دعا دارم».

بسمه الله الرحمن الرحیم

و لا تحسبن الذین قتلوا فی سبیل الله امواتا بل احیا عند ربهم یرزقون

میندارید کسانی که درراه خدا کشته شدند از مردگان اند بلکه آنها زنده اند و نزد خداوند روزی میخورند.

مسکینی که شهادت دارد اسارت ندارد.

" امام خمینی"

باتقدیم درود فراوان بر ولی عصر منجی نسل رهبر جهان اسلام حضرت مصطفی (عج) و باتقدیم درود براامام امت قلب مستضعفان جهان بت شکن خمینی کبیر، وباسلام برتمامی شهدای اسلام.

رضایم به رضای خدای شهیدان خدایی که چگونه زیستن و چگونه مردن را به من آموخت خدایی که اینچنین عاشقانه به سوی او میروند و به سوی او پر میکشند خدایی که من فقط برای رضای او به جبهه رفتم تا درراه او بجنگم خدایی که من عاشقانه به سوی او رفتم و من او را دوست داشتم و او مرا دوست داشت که من چنین وقت را ز و نیاز کردم بلکه او پیمان بستم و گفتم " اللهم ارزقنا توفیق الشهاده فی سبیلك " تا اینکه روزی رسید و خداوند این دعای مرا مستجاب کرد ومن هم به آرزوی خودم رسیدم ملت عزیز من به عنوان یك سرباز کوچك امام زمان و نایبی با شما دارم که همیشه برای رضای خداوند کار کنید چون قرآن می فرماید " الا بذکر الله تطمئن القلوب " یعنی " بدانید که با یاد خدا دلها آرامش میگیرد.

همچوقت کارهایتان از روی هوای نفس نباشد نفس پرستی انسان را به بیراهه میکشاند با این شیطان درونی که برما غلبه کرده مبارزه کنید و باید این مبارزه با نفس هم برای خدا باشد و تمام کارها برای خدا باشد هیچ وقت نماز را سبك نشمارید و از جوانان حزب الهی میخواهم که کاری کنید برای جامعه الگو باشید و همیشه تقوی را پیشه کنید همانطور که علی (ع) میفرماید " اوصیکم به تقوی الله " یعنی شما را وصیت میکنم به تقوی خدا.

از ملت عزیز میخواهم که این امام عزیز رهبر مستضعفان جهان را تنها نگذارید باید قدر این رهبر کبیر را بدانید باید از خدای بزرگ سپاسگذاری کنیم که این چنین رهبری را به ما داد که تمام جهان اسلام چشم به او دوخته اند تنها گذاشتن امام یعنی کافرشدن و قرآن را تنها گذاشتن برادرانی که تا به حال مخالف خط امام و مخالف این حکومت اسلامی بوده اند رویه اسلام بیاورید و به آغوش اسلام برگردید فقط اسلام است که ما را از بدبختیها و ظلم وطاغوت رها میسازد بیایید در خط انقلاب و اسلام و رهبر باشید اگر افرادی که هنوز ضد انقلاب هستند و نمی خواهند پیرو خط امام باشند و در همان خط خود باشند چه اقوام بنده باشند و چه دوست نباید جنازه مرا تشییع کنند. نباید برای من گریه و زاری کنند.

من میخواهم فقط افراد حزب الهی جنازه مرا تشییع کنند جنازه مرا حتما درروز جمعه در نماز جمعه تهران تشییع کنید و وصیت دیگر من این است که برای من زیارت عاشورا و دعای توسل بخوانید برای امام حسین (ع) گریه کنید که مظلوم شهید شد برای حضرت فاطمه زهرا گریه کنید که مظلوم شهید شد و سینه زنی کنید در مجالس عزا داری بیشتر قرآن بخوانید و مصیبت امام حسین

بخوانید و قرآن را با صوت زیبا بخوانید .
وصیتی دارم برای برادرم :

برادر شما دیگر باید جای من باشید برای پدر و مادرم تا آنها برای من ناراحتی نداشته باشند و از شما میخواهم برایم نماز بخوانید وراه مرا ادامه بدهید همیشه به حرف امام گوش کنید قرآن بخوانید و یک سرپرست خوبی برای خانواده باشید .

پـــــــدر عـــزیزم :

اول اینکه با شما خدا حافظی نکردم مرا ببخشید شما در مسیر امتحان خداوند قرار گرفته اید و من یک امانتی بودم که از طرف خدا به شما بودم و میبایستی که این امانت خدا را به خودم بدهید و از شما میخواهم به عنوان پدر یک شهید کاری کنید که ضد انقلاب ناراحت بشود و با آن مقاومت شما آنها را بکوبید .

و تو ای مـــادر عزیزم و ای مادر دلسوز ومهربانم تو را به جان زهرا قسم می دهم که مرا ببخشید و حلال کنید و موقعی که رفتم جبهه با خدا حافظی نکـــردم من می دانم شما چه آرزو هایی نسبت به من داشتید . مادر جان من به آرزوی خودم رسیدم می دانم شما به آرزوی خودت نرسیدی، مادر زیارتم عروس اسلام برد و جامه ام سنگرم بود و گلوله های سربی جیره نهایی بود که برسینه و ماه حسین را به کربلا سفر کردم مادر جان از رفتنت گریه نکن و با افرادی که گریه میکنند و دروغ میگویند رفت و آمد نکن همچوقت به فکر آن دنیا نباش فرزندت مرتضی را شما طوری تربیت کردی آنرا تربیت کن که شما تصور من بودم این فرزندت هم باشد . مادر عزیزم من یک سرباز کوچک اسلام بودم که در راه خدا کشته شدم مبادا بشهید بدن من خودم را اذیت کنی من راضی نیستم که در بین مردم گریه و زاری کنی گریه کن ولی برای امام حسین (ع) گریه کن .

و تو ای خواهر گرامیم فرزندانت را برفتار اسلامی تربیت کن و به عنوان یک خواهر شهید حالت انقلابی و اسلامی داشته باشید همیشه وقت برای مال دنیا حرص نزنید مال دنیا انسان را به جایی نمیرساند . پدر و مادر عزیزم هر وقت کربلا آزاد شد به زیارت امام حسین (ع) بروید و آن پولی هم که دارم بروید زیارت امام رضا (ع) و بقیه آنرا به حساب ۲۲۲ شهید رجایی واریز کنید

خـــــدایا خـــــدایا تا انقلاب مهـــدی خمینی را نگهـــــــدار
از عمـــــر ما بکـــــاه و برعمـــــر او بیفـــــــزا
رزمندگـــــــان اسلام نصـــــــرت عطا بفـــــرما

خدا حافظ ، والسلام

الحقـــــــــیر تیغعلی معینیـــــان

لبنان جنوب ۱ فکـــــه) ۶۱/۱۱/۱۸

وصیتنـــــامه برادر شهید تیغعلی معینیان تاریخ شهادت ۶۳ / ۱ / ۲۳

التماس دعـــا دارم .



نام: **علیرضا**
نام خانوادگی: **مفیدی**
نام پدر: **یوسف**
نام مادر: **خدیجه**
تاریخ تولد: **یکم شهریور ۱۳۴۶**
محل تولد: **روستای پـل سـفید از توابـع شهرستان قائم‌شهر**
تحصیلات: **سوم متوسطه**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **بیست‌وششم اسفند** ۱۳۶۳
محل شهادت: **شرق رود دجله عراق**
نحوهٔ شهادت: –
مـزار: **گلـزار شـهدای شـهر شـهمیرزاد شهرستان سمنان**

عبارت‌های کلیدی

- حسین مرد خدا بود و در راه معشوق به شهادت رسید.
- حقیر هم به‌عنوان لبیک گفتن به ندای حسین عزیز بر خودم واجب دانستم که برای یـاری او و دینش به جبهه روانه شوم.
- همیشه سعی کنید نمازهای‌تان را در مساجد بخوانید.
- چه خوش است از قیدها رستن با اهل خدا پیوستن.
- چه نیکوست شهادت در راه خدا که کمال انسان است.
- به‌راستی رفتن در جبهه و ثبت‌نام در بسیج چه شوری دارد. به راستی در راه خـدا رفـتن چـه صفا دارد.
- خمینی رهبر من است، هرچه بگوید همان است، گفت بروید ما می‌رویـم، گفـت بمانیـد مـا می‌مانیم.
- همیشه پشتیبان انقلاب باشید. از امام حمایت کنید.
- با کمک‌هایتان جبهه‌ها را تقویت نمایید.
- اخلاق اسلامی را فراگیرید.
- چه زیبا مرگی است شهادت!

علیرضا مفیدی

بسم الله الرحمن الرحیم

«یا ایها الذین آمنوا استعینوا بالصّبر و الصّلوة ان الله مع الصّابرین و لاتقولوا لمن یقتل فی سبیل الله اموات بل احیاء و لکن لاتشعرون»(سورهٔ بقره ۱۵۳-۱۵۴)[۱].

«ای آنان که ایمان آوردید کمک بجویید از صبر و نماز همانا خداوند است با صبرکنندگان و نگویید بدآنان که کشته شدند در راه خدا مردگان بلکه زندگانند و لیکن درنمی‌یابید».

«یا ایتها النفس المطمئنة ارجعی الی ربّک راضیة مرضیه فادخلی فی عبادی و ادخلی جنّتی»[۲].

الله اکبر(۲) اشهد ان لا اله الا الله (۲) اشهد ان محمداً رسول الله (۲) اشهد ان علیاً ولی الله (۲).

من که می‌دانم شبی عمرم به پایان می‌رسد پس چرا عاشق نباشم عاشق مهدی نباشم

جنگ جنگ است و عزت و شرف ما در گرو همین مبارزه است[۳].(امام خمینی)

با سلام بر بقیة الله الأعظم (عج) و با سلام بر اختر تابناک آسمان امامت و ولایت خاتم‌الأنبیا آورندهٔ وحی و قرآن و با سلام و درود بر نایب برحق ولی عصر(عج) حضرت آیت‌الله امام خمینی(مد ظله العالی) آن پیر جماران فرزند زهرا(علیهاالسلام) و راد مرد خستگی‌ناپذیر و با سلام بیکران بر ارواح طیبهٔ تمامی شهیدان از هابیل[۴] تا شهدای کربلا و از شهدای کربلا تا شهدای کربلاهای مکرر ایران به‌خصوص کربلای خونین هفت تیر[۵] و کربلاهای گسترش‌یافته در مرزهای میهن عزیزمان و با سلام بر امت شهیدپرور ایران، ملّتی که در آیین خود واژهٔ بسیار گرانبهایی به‌نام شهادت دارند، ملتی که با همین ایدئولوژی

۱- در اصل وصیت «...۱۵۲-۱۵۴».

۲- فجر/ ۲۷-۳۰.

۳- برگرفته از صحیفهٔ امام، ج۱۳، ص۲۴۳.

۴- ر.ک.تعلیقات.

۵- ر.ک.تعلیقات.

سرآمد تمام ملل جهان اسلام شدند و کسانی که عزیزان خود را در راه اعتلای پرچم توحید فدای اسلام نمودند و با سلام گرم که از اعماق وجودم سرچشمه می گیرد بر غیور مردان جبههٔ توحید این منادیان کفرستیز حق و به امید پیروزی هرچه زودتر این دلاور مردان و بازگشت همگی آنان به آغوش گرم خانوادهشان و به امید برافراشته شدن پرچم اسلام بر تمامی کاخ‌ها و بناهای شرک و استکبار، وصیت‌نامهٔ خود را شروع می‌کنم.

سخنی چند با ملت شهید پرور. همانطوری که امام حسین (ع) با یاران باوفایش که عشق خدا در دل و شور جانبازی در راه حق در سر داشتند شوری در تاریخ بشر درانداخت به‌نام شهادت و طنینی به‌نام عاشورا در گنبد افلاک درافکند [و] او با تقدیم همهٔ هستی خود و خاندان و یارانش در راه حق مثال و سرمشقی شد برای همهٔ رهروان طریق حقیقت تا اینکه رهروان او راهش را ادامه دهند، ملت[1] ایران به‌خصوص جوانان پاک‌باخته و عاشق حسین(علیه‌السلام) این نداها را شنیدند و گروه گروه برای یاری او به جبهه‌ها شتافتند. آری، مگر نه این بود که ما در مجالس و محافل دینی و اسلامی در زیر منابر می‌شنیدیم که حسین(علیه‌السلام) که بود و برای چه کشته شد و در روز عاشورا چه گفت؟

آری، حسین(علیه‌السلام) مرد خدا بود و در راه معشوق به شهادت رسید و در روز عاشورا ندا درداد «هل من ناصر ینصرنی»[2] «آیا کسی هست که مرا یاری نماید؟». ولی با گفتن این سخن جوابی نشنید و جان پاکش را در راه اعتلای اسلام به جانان تسلیم نمود. و ما در همان لحظات که مصیبت امام حسین(علیه‌السلام) خوانده شد، زار زار می‌گریستیم و می‌گفتیم «ای کاش ما در صحرای کربلا بودیم و به یاری او می‌شتافتیم».

ولی روزی آمد مانند امروز که موقع عمل به آن شعارها رسیده و موقع لبیک گفتن به ندای امام حسین(علیه‌السلام) می‌باشد. و ای مردم شهید پرور، حقیر هم به‌عنوان لبیک گفتن به ندای حسین عزیز بر خودم واجب دانستم که برای یاری او و دینش به جبهه روانه شوم تا شاید در درجهٔ اول خدمتی بکنم و بعد اگر امام حسین(علیه‌السلام) مرا پذیرفت در جمع سربازان

۱- در اصل وصیت «و ملت».

۲- ر.ک.تعلیقات.

او درآیم. و رفتن حقیر به جبهه هرگز از روی تعصب نبوده و به‌عنوان اینکه راه حسین راهی حق است من هم این راه را پذیرفتم و قدم در این راه نهادم.

آری، امام حسین (ع) در وصیتی که به برادرش محمّد حنفیه نوشت فرمود: انگیزهٔ نهضت من هوا و هوس و تمایلات بشری نیست بلکه هدف من اصلاح اوضاع نابسامان امّت جدم پیامبر(ص) است. و هدف بنده هم که در بالا متذکر شدم، نشأت[1] گرفته از همان گفتار امام بزرگوار شیعیان می‌باشد و انتخاب این راه برایم به‌عنوان مقام و منصبی[2] نبوده بلکه فقط برای خدا و باز هم برای خدا و یاری دین او، اگر خداوند پذیرای ما باشد به‌عنوان یک سرباز ناچیز اسلام.

و در اینجا ممکن است بعضی‌ها حرف‌هایی بزنند که بنده با بیان این نکته می‌خواهم فکر آنان را از ابهام به‌در آورم و آن اینکه حقیر با آگاهی و شناخت دقیق راه کنونی‌ام را انتخاب کرده و هرگز هیچ زوری هم در کارم نبوده و نمی‌باشد.

به‌راستی که وقتی انسان دربارهٔ دنیا فکر می‌کند آن را متاعی ناچیز می داند و یک ذکر خدا گفتن «سبوح قدوس رب الملائکة و الروح» را بر تمامی دنیا و مظاهر شیطانی و فریبنده‌اش ترجیح می‌دهم. امام سجاد (ع) می‌فرماید: کشته شدن در راه خدا عادت ما و شهادت کرامت ماست. چه خوش است از قیدها رستن با اهل خدا پیوستن، چه زیباست انسان با خدای خود ارتباط برقرار کند که هر چیز را می‌نگرد، جلوهٔ نور خدا در آن می‌بیند، چه نیکوست شهادت در راه خدا که کمال انسان است و چه خوش است در راه خدا در خون غلطیدن. به‌راستی در راه خدا رفتن چه صفا دارد، به‌راستی رفتن در جبهه و ثبت نام در بسیج چه شوری دارد!

آنان که ندای «من لی غیرک»[3] را در برابر چشمان بی‌حیای دشمن سر دادند و شجاع و توانا روح عروج‌یافته‌شان ندا در داد که «خمینی رهبر من است، هرچه بگوید همان است، گفت بروید ما می‌رویم، گفت بمانید ما می‌مانیم، هرچه ایشان بگویند». به‌راستی اینان

۱- در اصل وصیت «نشعت».

۲- در اصل وصیت: «منسبی»

۳- فرازی از دعای کمیل، مفاتیح‌الجنان.

کیانند؟ این پاک بسیجیان رسته از غیر چه می‌اندیشند؟ و این فرزندان راستین انقلاب و امام چه می‌کنند؟

پس ای خدای عزیز، امیدوارم که مرا در بسیج بپذیری و آنچنان لیاقتی به من عنایت فرمایی که در تمام لحظات زندگی‌ام سخن از بزرگی و عظمت تو بر زبانم جاری سازم. خداوندا، به رحمانیت و رحیم بودن قسَمت می‌دهم که گناهانم را ببخشا و بیامرز مرا. خدایا اگر با ریخته شدن خون ناقابل من- که باز هم صاحب آن تو هستی- اسلام پایدار می‌ماند پس هرچه زودتر خونم را در راهت، راهی که تمام بزرگان اسلام آن را از درگاهت طلب می‌نمودند، بریز و اگر صلاح بود بدنم را قطعه‌قطعه گردان تا هر قطعه‌ای از آن جان دوباره گیرد و در برابر دشمنان سدی باشد. خدایا در طول عمرم گناه زیاد کردم، پس ای خدا بدنم را پودر کن تا ذره ذره گناهانم به‌وسیلهٔ آن آمرزیده شود. و دعای دیگرم که همیشه بر سر زبانم بود این است که مرا گمنام بمیران.

در بعد، از تمامی مردم شهیدپرور شهمیرزاد عاجزانه تقاضا دارم که مرا عفو نمایند و هر کس بدی از من دید مرا ببخشد و از خدا برایم طلب مغفرت نماید. و در بعد اینکه، مردم شهمیرزاد، همیشه پشتیبان انقلاب باشید و از امام حمایت کنید و در این برهه عزیزان خود را هرچند وقت یک بار به جبهه‌ها روانه کنید و در هر موقع کمک مالی خواستند با کمک‌هایتان جبهه‌ها را تقویت نمایید. و مسئلهٔ دیگر اینکه مساجد را که سنگر انقلابند پر کنید و کسانی که برایشان مقدور است در بسیج و سپاه ثبت‌نام به‌عمل آورند و در شب‌ها و در تمامی لحظات از شهر محافظت نمایند، تا دشمن جرأت نفوذ نداشته باشد.

و باز هم به‌عنوان کوچک همهٔ شما تقاضا دارم در مجالس و محافل اسلامی شرکت نمایید و از کمبودها و نارسایی‌ها نگران نباشید و توکل به خدا داشته [باشید] چراکه خداوند یاور صابران است. و از مسئولین امر به عنوان یک برادر کوچک می‌خواهم که با مردم باشند و با ملت شهیدپرور همکاری نمایند و همیشه حامی مستضعفین باشند. و در آخر از شما التماس دعا دارم و امیدوارم که مرا ببخشید و چشم‌انتظار دعاهای خیرتان برای آمرزش گناهانم می‌باشم.

سخنی چند با همشاگردی‌ها و دوستان گرامی‌ام. ای برادران هم‌کلاسی و دوستان دورهٔ مدرسه‌ام، واقعا شرمنده‌ام از شما که در این مدت دوستی و رفاقت با شما خوب رفتار

نکردم و شما را رنجاندم و انشاءالله که مرا می بخشید. و از تمامی برادرانی که از حقیر ناراحتی دیدند انتظار دارم مرا ببخشند و دعا نمایند برایم تا خداوند بدین وسیله گناهانم را بیامرزد.

و سخن بعدم این است که ای برادران عزیزم از شما عاجزانه می‌خواهم که سنگر مدرسه را محکم نگه دارید، و آن هم با درس خواندنتان، تا بتوانید انشاءالله در آیندهٔ خیلی نزدیک به یاری خدا، این میهن عزیزمان را از رکود و وابستگی نجات دهید. و مسئلهٔ دیگر اینکه اخلاق اسلامی را فراگیرید و با هم با اخلاق خوب رفتار نمایید و همیشه و در همه احوال احترام استاد خود را داشته باشید. و راهیان راه شهدا بوده و هر چند وقت یک بار راه آنان را که همان رفتن به جبهه‌ها بوده مسیر خود قرار دهید[۱] و سری به آنجا بزنید[۲]. چراکه تا مرزهای میهنمان محفوظ[۳] نباشد درس خواندن برای شما معنی ندارد. و از دوستانم تقاضامندم که شب‌ها در بسیج شرکت کرده و از شهر محافظت نمایند.

و صحبت بعدم در مورد برادران بسیج می‌باشد و آن این است که، ای برادران بسیجی، اخلاق اسلامی را فراگیرید چون این اخلاق اسلامی بسیجیان بوده و می‌باشد که آنان را الگو و نمونهٔ مردم و حتی جهان اسلام قرار داده است. و دیگر اینکه شب‌ها فعالانه در شهر فعالیت کرده و از رخنهٔ دشمن جلوگیری کنید[۴] و همیشه یاور مستضعفین باشید و بسیج را در گشت خلاصه نکنید.

و ای برادران پاسدار و کمیته و بسیجی، مسئولیت شما در برابر خون شهدا بیشتر می‌باشد و برای ادای این مسئولیت یک مسئله‌ای که باید به آن توجه شود در مورد حجاب است که شدیداً با مسئلهٔ بی‌حجابی و بی‌عفتی مبارزه کنید. و در آخر رهرو صدیق راه شهدا بوده و راه آنان را ادامه دهید. و برای حقیر دعا نمایید تا اینکه اگر خداوند پذیرای ما شد در راهش جان نثار کنیم.

۱- در اصل وصیت «دهند».

۲- در اصل وصیت «بزنید».

۳- در اصل وصیت «حفظ».

۴- در اصل وصیت «کنند».

سخنی چند با پدر و مادر عزیزم. با سلام بر پدر و مادر عزیزم. آری ای پدر و ای مادر گرامی‌ام، می‌دانم که چه زحمت‌ها برایم کشیدید و متحمل آن شدید ولی من نتوانستم حق فرزندی را نسبت به شما ادا نمایم. و آن که هیچ، چه رنجها که شما از حرف‌نشنوی من دیدید. خلاصه امیدوارم که با بزرگی‌تان حقیر گناهکار سیاه‌دل را عفو نمایید و دعا کنید که خداوند گناهانم را بیامرزد و مرگ باسعادت را نصیب حقیر و همهٔ شما بگرداند. و از شما می‌خواهم که صابر باشید، چون خداوند با صابرین است و ما همه از خداییم و روزی فرا می‌رسد، چه نزدیک و چه دور، که بایستی به‌سویش برویم. پس اگر قرار است برویم، چرا در راهی قدم نگذاریم که هم سعادت دنیوی و هم سعادت اخروی در آن باشد؟!

ای خوشا با فرق خونین در لوای یار رفتن　　سر جدا پیکرجدا در محفل دلدار رفتن

چه خوب و چه شیرین است جان نثار کردن در راه معبود، چه زیبا مرگی است شهادت! کدامین کتاب و کدامین فلاسفه و دانشمند می‌تواند شهادت را در مکتبمان تفسیر نماید؟ آری، جایی که تفسیر شهادت در آنجا واضح است جبههٔ مدرسهٔ عشق و دانشگاه معرفت و جوانمردی و ایثار است.

پدر و مادر عزیزم، من می‌دانم که فراق فرزند بسیار سخت است. اما در آخرت ثواب و اجر زیادی در نزد خداوند دارد و می‌دانم و مطمئن هستم که شما از دست دادن مرا شکست خودتان نمی‌دانید بلکه مرحلهٔ پیروزی دانسته و خوشحال هستید. چراکه، در این چند بار که من از شما اجازه خواستم برای رفتن، بدون وقفه اجابت نمودید حاجت مرا و موافق بودید و انشاءالله امیدوارم آن امضاها و مهرهای تأیید شما که در زیر رضایت‌نامه موجود است در زیر طومار[1] خانواده‌های شهدا حک شود.

و پیام دیگرم این است که در زندگی‌تان ساده باشید و تشریفات را ازبین ببرید و اساس دینتان [و]، زندگی‌تان را با اساس زندگی امامان وفق دهید و سعی کنید که بیشتر عمرتان را در عبادت معبود بگذرانید و در این دنیا توشه از کارهای خوب پر نمایید تا در آخرت روسفید در حضور پروردگار قدم افراشته نمایید.

۱- در اصل وصیت «تومار».

آری، در زندگی مانند حضرت علی (ع) به‌سر ببرید. ایشان، بااین که امیر و بزرگ مؤمنین و زمامدار مسلمین بودند، موقعی که از دنیا رفت جز قرآنی و شمشیری با دویست‌وپنجاه و به قولی هفتصد درهم چیزی از وی باقی نماند. و از فقیران حمایت کرده و به یتیمان دلجویی می‌داد و غریبان را غم‌خوار بود. و شما هم اینگونه زندگی کنید تا خداوند از شما راضی و خشنود شود.

و دیگر اینکه از شما پدر و مادر عزیزم تقاضا دارم از کمبودها و کوتاهی‌ها نگران نباشید، که روزی فرا می‌رسد و این مسائل حل می‌شود. و دیگر اینکه همیشه سعی کنید نمازهایتان را در مساجد بخوانید.

و تو ای پدر عزیزم، اگر خداوند مرا لایق دانست و به درگاهش حقیر را پذیرفت اگر توانستید جای خالی مرا پر کنید. لااقل برای مدتی هم شده سری به جبهه‌ها و سنگرهای خونین بزنید. و تو ای مادر عزیزم، در کمک‌رسانی با مادران و خواهران دیگر همدست شو و برای جبهه در حد توان کوشا باش. و اگر شهادت نصیب حقیر شد در سوگ و ماتم گریه مکنید، بلکه اشک شوق جاری سازید و به مظلومیت حسین(علیه‌السلام) و یارانش بگریید تا اینکه اشک‌های شما سیلی شود و تمام ظالمان را فراگیرد. و شما ای خواهران گرامی‌ام، امیدوارم که برادرتان را ببخشید، چراکه حق برادری را آنطور که شایسته بود انجام ندادم و باعث ناراحتی شما در زندگی‌تان شدم. و از شما می‌خواهم که حجابتان را حفظ نمایید و در مساجد و مجالس شرکت کنید و درس‌های اسلامی و تعالیم مذهبی را فراگیرید.

و ای پدر و مادرم، به برادرم احمد رضا بگویید که مرا ببخشد، چراکه اذیت‌های زیادی از جانب من بر او واقع شد و به او بگویید نمازش را سر وقت بخواند و همان دعای همیشگی‌اش را تکرار نماید با صدای بلند. و درسش را خوب بخواند. و از تمام فامیلان، و دایی‌ها و خاله‌ها و عمه‌ها و همهٔ وابستگان تقاضا دارم که مرا ببخشند و هر بدی که از حقیر به آنان روا داشتم ببخشند و از خداوند طلب رحمت و آمرزش گناهانم را بنمایند.

و در آخر بیاناتم متذکر می‌شوم که ای پدر و مادرم، حقیر از مال دنیا چیزی به غیر از جسم خاکی‌ام ندارم، که صاحب آن هم خداوند است. و هیچ بدهکاری از نظر پولی ندارم،

اما اگر کسی ادعای طلب‌کاری نمود به او بدهید. و فقط ۵ روز روزه بر گردنم واجب است که بگیرم[۱]، که بعد آن را به دستور عالم و هرچه گفت عمل نمایید.

و در آخرین ساعات نوشتن، از خداوند متعال عاجزانه می‌خواهم که گناهانم را بیامرزد و اگر لایق بودم مرا پذیرا به درگاهش برده و مرگم را شهادت در راهش قرار بدهد. و از مردم شهمیرزاد عاجزانه می خواهم که هر بدی از حقیر دیدند مرا ببخشند؛ و همچنین از دوستان و پدر و مادر و وابستگانم. و در آخر اینکه، خداوند به شما پدر و مادر گرامی‌ام صبر عنایت فرماید و شما را در صف خانواده‌های شهدا قرار بدهد. خداوندا، مرا در تهذیب نفس و فراگرفتن اخلاق عالیهٔ اسلامی موفق بگردان.

به امید پیروزی هرچه زودتر رزمندگان در تمامی جبهه‌های حق علیه باطل و به امید ظهور هرچه زودتر دادگستر جهان و به امید طول عمر نایب آن حضرت و به امید بازگشایی راه کربلای حسینی و زیارت عاشقان آن حضرت در حرم مطهر آن سالار شهیدان و به امید برافراشته شدن پرچم حق بر اعلی قلل عالم و به امید سرافراز شدن اسلام و مسلمین.

در مسلخ عشق جز نکو را نکشند — روبه‌صفتان زشت‌خو را نکشند
گر عاشق صادقی ز مردن مهراس — مردار بود هر آن که او را نکشند[۲]

حقیر و ذلیل و شرمندهٔ درگاه حق.

علیرضا مفیدی

۶۲/۱۲/۳

۱- در اصل وصیت «بگیریم».

۲- این رباعی منسوب به میرزادهٔ عشقی است. اما در دیوان اشعار او وجود ندارد.

یا أیّها الّذین آمنوا استعینوا بالصّبر والصّلوٰة إنّ اللّه مع الصّابرین. ولا تقولوا لمن یقتل فی سبیل اللّه أموات بل أحیاء ولکن لا تشعرون.

سوره بقره (۱۵۴-۱۵۲)

ای برادران ایمان دردیه کمک بجوئید از صبر و نماز همانا خداوند است با صبر کنندگان و نگوئید در باره کسانیکه کشته شدند در راه خدا مردگان هستند بلکه زنده گانند ولیکن درک نمی‌یابید.

یا أیّتها النّفس المطمئنّة ارجعی إلی ربّک راضیة مرضیّة فادخلی فی عبادی وادخلی جنّتی.

الله اکبر (۲) - اشهد ان لا اله الا الله (۲) - اشهد ان محمد رسول الله (۲) - اشهد ان علی ولی الله (۲)

من که می دانم شبی صبح به پایان می رسد — پس چرا عاشق نباشم تا عاشق سر بنهم

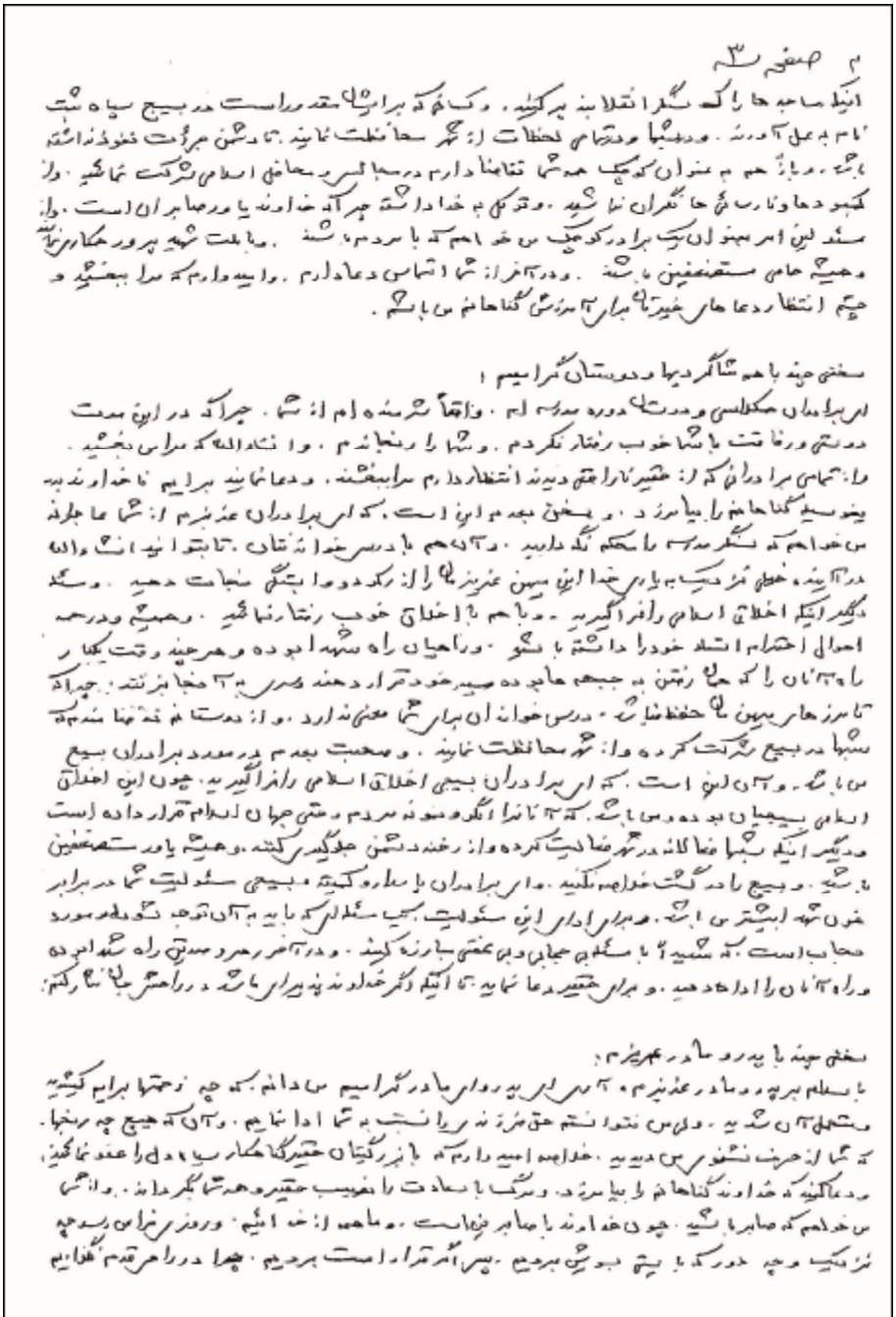
جنگ ما جنگ است و هجرت و سنگر ما کربلا و همین مبارزه است است. « امام خمینی »

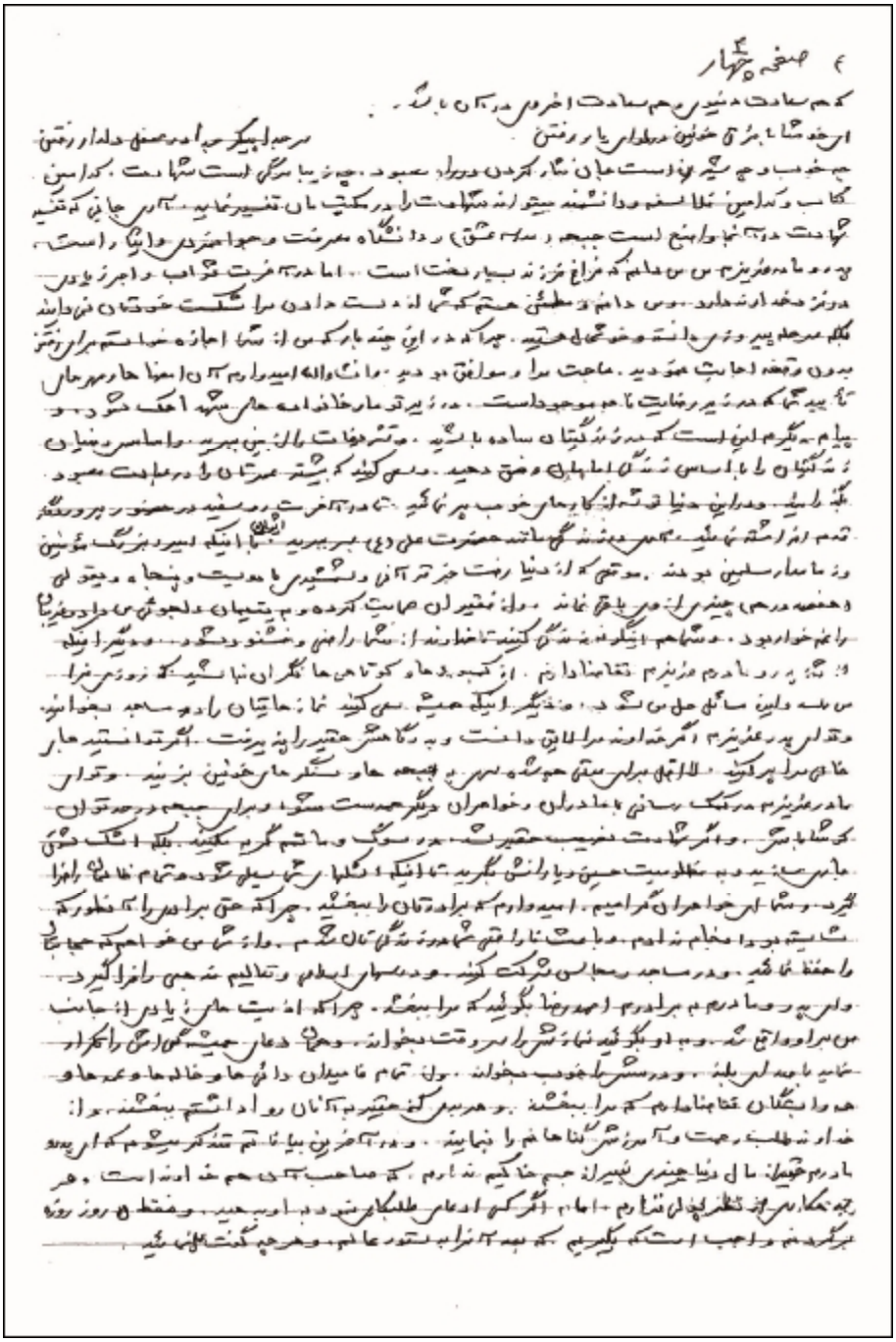
با سلام بر بقیة الله الاعظم (عج) و با سلام بر امت شهید پرور و ولایت مدار و با سلام بر نائب برحق ولی عصر حضرت آیت الله العظمی امام خمینی (مد ظله العالی) و آن پیر جماران، مرد نستوه و رادمرد خستگی ناپذیر و با سلام بر ارواح طیبه تمامی شهیدان از هابیل تا شهید امروز کربلا و از شهدای کربلا تا شهدای گمنام که با هنر سنگر ایران مخصوصاً کربلای خونین هفت تیر را با هنر شیرین شهادت در سنگرهای سنگین عزیزمان و با سلام بر امت شهید پرور ایران، ملتی که در آئین خود واژه سازش نمی‌شناسد و نام شهادت دارند. ملتی که با همین ایمان راه شهادت را سرآغاز تمام عیار اسلام نمودند، و کسانی که عزیزان خود را در راه اقتدار پرچم توحید و اسلام نمودند، و با سلام گرم و گرمتر از احساس و وجودم سر بوسه می گیرم، بر تمامی سردار جبهه توحید این شادیان کفر ستیز حق، و هم امید پیروزی هر چه زودتر این دلاوردان و بازگشت هنرمندان با سربلندی و افتخار به آغوش گرم خانواده شان. و هم امید برافراشته شدن پرچم اسلام بر تمامی کاخهای ستمگران و استکبار، وصیت نامه خود را شروع می کنم.

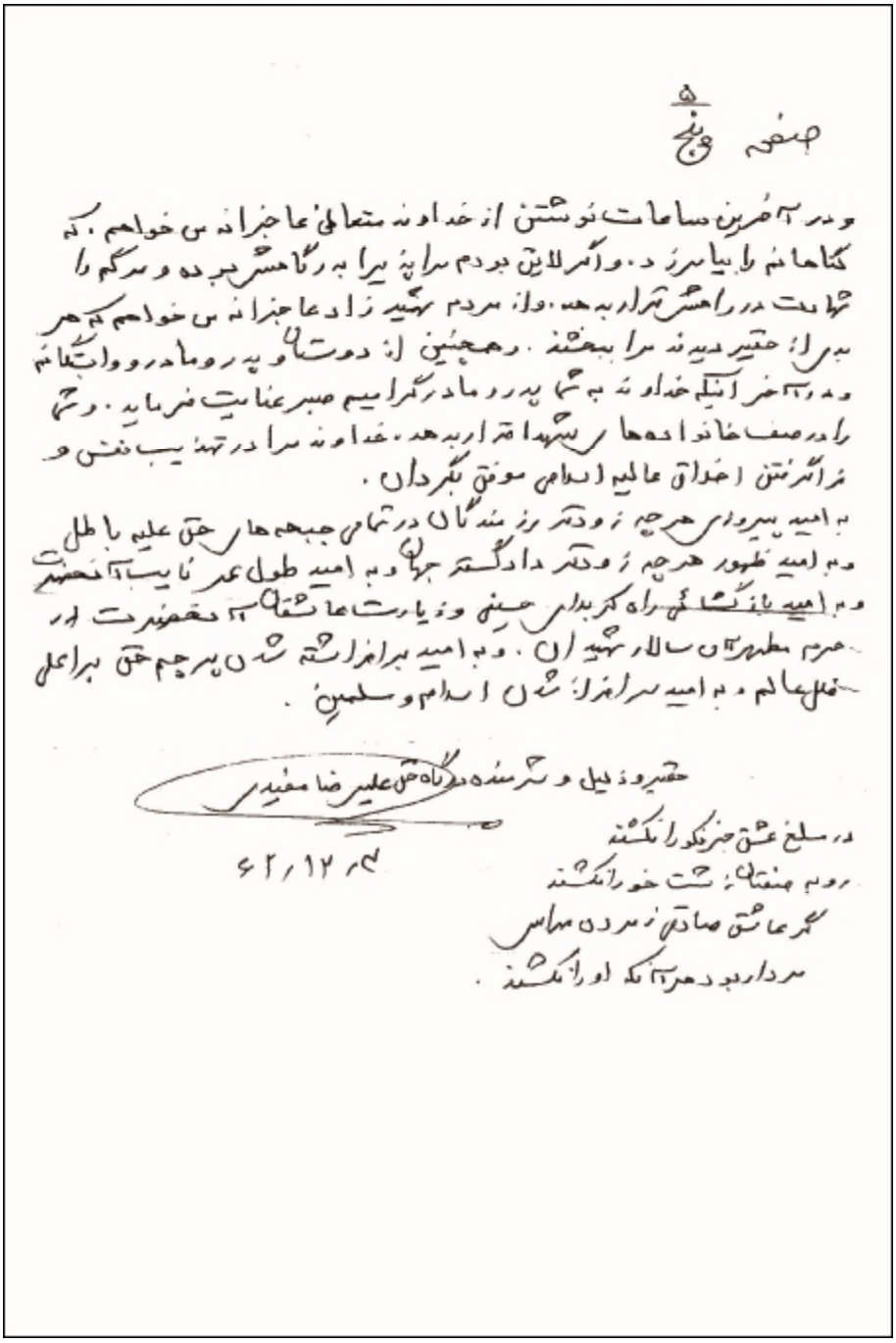
سخنی چند با ملت شهید پرور:

همانطور که امام حسین (ع) با یاران با وفایش که عشق خدا در دل و شور جانبازی در راه حق در سر داشتند، شکوهمندانه تاریخ بشریت را با خون پاک و مطهرشان با عاشورا، درخشنده و فراموش ناشدنی نمودند و با تقدیم همه هستی خود خانواده و یاران با ایثار در راه حق، شالوده سرشق شدن برای همه آزادگان طول تاریخ بشریت تا آنکه رهروان او راه او را ادامه دهند، و ملت ایران مخصوصاً جوانان پاک با عشق و عاشق حسین، این ندا را شنیده و گردن گرده برای یاری او به جبهه ها شتافتند. و بر همگان واضح و مبرهن است که ما در مسیر دین و اسلامی در زیر لوای رهبر کبیر انقلاب حسین گونه عمل کرده و در روز عاشورا چه گفت و بر حسین رفت خدا بود در راه معشوق و شهادت رسید. در روز عاشورا نداد هل من ناصر ینصرنی و یا کسی هست که راه را بر من نمایاند، دل با گفتن این سخن جواب شنیدن دارد یا گفتار راه استقلال اسلام و جانبازی شنیده شود. و با در نظر گرفتن لحظات که مصیبت امام حسین خوانده می شد، از او زار می گریستیم و می گفتیم ای کاش با او در محضر









صفحه پنج

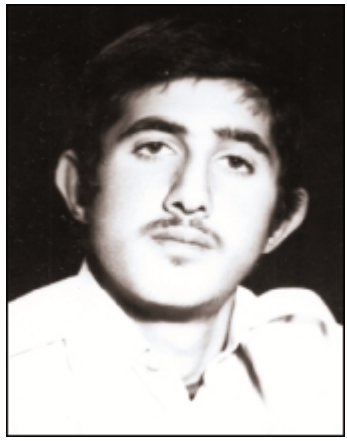
و در آخرین ساعات نوشتن از خداوند متعالی عاجزانه می خواهم که گناهانم را بیامرزد. و اگر لایق بودم مرا به رگامش برده و سرگم را شهادت در راهش نصیبم بنماید. و از مردم شهید زاد عاجزانه می خواهم که مرا حقیر ندیده مرا ببخشند. و همچنین از دوستان و پدر و مادر و وابستگانم و در آخر از ایل خاندانه به شما پدر و مادر گرامیم صبر عنایت فرماید. و شما را در صف خانواده های شهدا قرار دهد. خداوند مرا در تهذیب نفس و اثر گذاشتن اخلاق عالیه اسلامی موفق بگرداند.

و امیدوارم هرچه زودتر رزمندگان در تمامی جبهه ها حق علیه باطل و امید ظهور هرچه زودتر دادگستر جهان و امید طول عمر نایب امام خمینی و امید بازگشایی راه کربلای حسینی و زیارت عاشقان و حضرت در حرم مطهر سالار شهیدان. و امید برافراشته شدن پرچم حق برای عالم و امید سرافرازی اسلام و مسلمین.

حقیر و ذلیل و شرمنده درگاه حق علیرضا مفیدی

۶۲/۱۲/۴

در سلخ عشق جز نکو را نکشند
روز هفتاد و شست خو را نکشند
گر عاشق صادق ز زدن مهراس
مردار بود هر آنکه او را نکشند.



نام: **ابوالقاسم**
نام خانوادگی: **مقدسی**
نام پدر: **رحمت‌الله**
نام مادر: **ربابه**
تاریخ تولد: **بیستم آبان ۱۳۴۴**
محل تولد: **روستای غنی‌آبـاد از توابـع شهرستان دامغان**
تحصیلات: **پایان دوره راهنمایی**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **بیست‌وپنجم تیر ۱۳۶۱**
محل شهادت: **شلمچه**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش خمپاره**
مزار: **گلزار شهدای زادگاهش**

عبارت‌های کلیدی

- چه خوش مرگی که در راه خدا باشد.
- موتورم را فروخته پول آن را به جبهه بفرستید.
- به امید پیروزی حق بر باطل و اسلام بر کفر و سلامتی رزمندگان.
- به امید پیروزی رزمندگان و آزادی قدس از دست اشغالگران.

ابوالقاسم مقدسی

بسم الله الرحمن الرحیم

«بسم الله الرحمن الرحیم و به نستعین و الحمد لله رب العالمین»

«**و لاتحسبن الذین قتلوا فی سبیل الله امواتاً بل احیاء عند ربهم یرزقون**»[۱].

شکر و سپاس خدای را که ما را آفرید و به ما خواندن و نوشتن آموخت[۲] و زمین را گهواره‌ای آفرید و کوه‌ها را همانند میخ آفرید[۳] و «برای هدایت بشر پیامبران را فرستاد»[۴]. خدا را شکر که به من فرصت داد تا چند کلمه‌ای به شما عرضه بدارم. چون معلوم نیست که چه موقع مرگ فرامی‌رسد و ما را درمی‌گیرد، طبق موازین اسلامی باید هر مسلمانی برای بعد از مرگ خود وصیتی بنویسد، که قرآن می‌گوید: «**کل نفس ذائقة الموت**[۵]**- انا لله و انا الیه راجعون**»[۶]. مرگ فرا خواهد رسید در هر کجایی که باشد، چه در جبهه و چه در خانه. چه خوش مرگی که در راه خدا باشد!

من ابوالقاسم مقدسی فرزند رحمت‌الله شمارهٔ شناسنامه ۳۹۳ تاریخ تولد ۱۳۴۴ اعزامی ازبسیج سپاه پاسداران دامغان. دارایی من فقط هشت هزار تومان در دست علی‌اصغر مقدسی برادر من و مقدار چهار هزار و پانصد تومان در دست علی‌اکبر مقدسی برادرم می‌باشد و مبلغ سه هزار تومان بانک صادرات می‌باشد و یک دستگاه موتور یاماها ۸۰ از دارایی من است. و مبلغ پانصد تومان آن را به برادرم احمد بدهید و موتور را فروخته پول آن را به جبهه بفرستید. از مقادیر پولی که دارایی من است، یک ماه روزه قرض دارم با این پول ادا نمایید و بقیه آنرا به جبهه‌های جنگ بفرستید.

۱- آل عمران/ ۱۶۹. «مپندارید کسانی که در راه خدا کشته شده‌اند مرده‌اند بلکه زنده‌اند و نزد پروردگارشان روزی می‌خورند».

۲- ترجمه آیه‌های ۳ و۴ سوره الرحمن، «خلق الانسان»، «علّمه البیان».

۳-ترجمه آیه‌های ۶ و ۷ اسوره نباء، «الم نجعل الارض مهاداً و الجبال اوتاداً».

۴-ترجمه بخشی از آیه ۲۸ سوره فتح، «هو الذی ارسل رسوله بالهدی».

۵- بخشی از آیات آل عمران/ ۱۸۵، انبیاء/ ۳۵، عنکبوت/ ۵۷. «هر کسی مرگ را می‌چشد».

۶- بخشی از آیه ۱۵۶ سورهٔ بقره. «ما از آن خداییم و به سوی او باز می‌گردیم».

و محل دفن من در قریه غنی‌آباد دامغان می‌باشد. به امید پیروزی حق بر باطل و اسلام بر کفر و سلامتی رزمندگان و پیروزی آنان و آزادی قدس[۱] از دست اشغالگران، همهٔ شما را به خدا می‌سپارم.

عازم کربلایم ای برادر. خدایا خدایا، تو را به‌جان مهدی(عج)، تا انقلاب مهدی(عج)، خمینی را نگه‌دار. خداحافظ. دیدار ما در روز محشر.

خداحافظ شما

ابوالقاسم مقدسی

۱- ر.ک.تعلیقات.

بسم‌ا... الرحمن الرحیم و به‌نستعین و الحمدل.. رب العالمین

و لاتحسبن الذین قتلوا فی سبیل ا... اموا تاً بل احیاء عند ربهم یرزقون

شکر و سپاس خدای را که مارا آفرید و بما خواندن و نوشتن آموخت و زمین را گهواره‌ای آفرید و کوه‌ها را همانند میخ آفرید و برای هدایت بشر پیامبران را فرستاد خدارا شکر که به‌من فرصتی داد تا چند کلمه‌ای به‌شما عرضه بدارم چون معلوم نیست که چه‌موقع مرگ فرا میرسد و مارا در میگیرد طبق موازین اسلامی باید هر مسلمانی برای بعد از مرگ خود وصیتی بنویسد که قرآن میگوید: کل نفس ذائقة الموت ـ انا ل.. و انا الیه راجعون مرگ فراخواهد رسید در هر جائی که باشد چه درجبهه و چه درخانه، چه خوش مرگی که در راه خدا باشد.

من ابو القاسم مقدسی فرزند رحمت ا... شماره شناسنامه ۳۹۳۴ تاریخ تولد ۱۳۴۴ اعزامی از بسیج سپاه پاسداران دامغان دارائی من مقدار هشت‌هزار تومان در دست علی اصغر مقدسی برادرمن و مقدار چهار هزار و پانصد تومان در دست علی اکبر مقدسی برادرم میباشد و مبلغ سه‌هزار تومان بانک صادرات میباشد و یکدستگاه موتور یاماها ۸۰ از دارائی من است و مبلغ پانصد تومان آنرا ببرادرم احمد بدهید و موتور را فروخته پول آنرا به‌جبهه بفرستید ازمقادیر پولی که دارائی من است یک‌ماه‌روزه قرض دارم با این پول اداء نمائید و بقیه آنرا به‌جبهه‌های جنگ بفرستید و محل دفن‌من در قریه غنی آباد دامغان میباشد بامید پیروزی حق بر باطل و اسلام بر کفر و سلامتی رزمندگان و پیروزی آنان و آزادی قدس از دست اشغالگران همه شمارا بخدا میسپارم. خداحافظ شما ابو القاسم مقدسی

(خداحافظ دیدار ما، در روز محشر)

عازم کربلایم ای برادر، خدایا، خدایا تو رابجان مهدی تا انقلاب مهدی خمینی رانگهدار



نام: **علی**
نام خانوادگی: **مقدسی**
نام پدر: **محمدابراهیم**
نام مادر: **زهرا**
تاریخ تولد: **بیستم دی ۱۳۴۱**
محل تولد: **روستای غنی‌آباد از توابع شهرستان دامغان**
تحصیلات: **پایان دوره ابتدایی**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **بیست‌وششم تیر ۱۳۶۱**
محل شهادت: **شلمچه**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش خمپاره**
مزار: **گلزار شهدای زادگاهش**

عبارت‌های کلیدی

- امروز وصیت من همان حرف اسلام و قرآن است.
- دیگر دلیلی وجود ندارد که ما پیرو امام خود نباشیم.
- بهانه‌ای نداریم که انقلاب اسلامی‌مان را یک معجزه الهی و انقلاب خدایی ندانیم.
- بهانه‌ای برای شرکت نکردن در نماز جمعه و جماعات وجود ندارد.
- توجه به کتاب قرآن و احادیث و گفته‌های ائمه نمایید.
- در خط اسلام حرکت نمایید.
- والدین از آمدن فرزندان‌شان به جبهه جلوگیری نکنند که این‌جا مانند دانشگاهی است که شاگردان ثبت‌نام می‌کنند.

علی مقدسی

بسم الله الرحمن الرحیم

«من المؤمنین رجال صدقوا ما عاهدوا الله علیه فمنهم من قضی نحبه و منهم من ینتظر»[۱]
«از مؤمنین کسانی هستند که به عهد خود وفا نموده و به خدای خود پیوستند و عده‌ای دیگر در انتظار شهادت به‌سر می‌برند».

سپاس خداوندی را که ما را آفرید و پیامبران و ائمه را جهت هدایت ما انسان‌های سرکش قرار داد و آنان را مبعوث به این رسالت نمود که هدایتگر انسان‌ها به‌سوی الله باشند و این خط رهبری و هدایتگری را در همچنین زمانی برای ما انسان‌ها قرار داده. و امروزه بر اساس ادامه و استمرار حرکت پیامبران، رهبر و هدایتگر ما در غیبت امام عصر(عج) حضرت امام خمینی می باشد، پس درود به رهبر و حرکت‌دهنده و جهت‌دهندهٔ ما به‌سوی الله یعنی حضرت امام خمینی.

مردم شهیدپرور و خانوادهٔ گرامی‌ام، امروزه وصیت من همان حرف اسلام و قرآن است. من از خود وصیتی ندارم. من می‌گویم که اسلام گفته پیرو رهبر خود باشید. امروزه دیگر دلیلی وجود ندارد که ما پیرو امام خود نباشیم و دیگر هیچ بهانه‌ای نداریم که انقلاب اسلامی‌مان را یک معجزهٔ الهی و انقلاب خدایی ندانیم. دیگر بهانه‌ای برای شرکت نکردن در نماز جمعه و جماعات وجود ندارد. پس دیگر حجت بر همه تمام است.

همهٔ شما می‌دانید که باید رعایت مسائل و احکام اسلام را نمایید ولیکن می‌خواهم این جملات من تذکری برای شما باشد که شاید توجه بیشتر نمایید و به درون و دل خود مراجعه نمایید. با خود بگویید[۲] که چقدر برای اسلام و ایران اسلامی فعالیت کرده‌ام، با خود بگویید که چقدر در جهت تزکیه و دوری از نفس رنج کشیده‌ام. توجه به کتاب قرآن

۱- بخشی از آیهٔ ۲۳ سورهٔ احزاب.
۲- در نسخهٔ حروف چیدهٔ مبنا «نگویید».

و احادیث و گفته‌های ائمه نمایید و در خط اسلام حرکت نمایید و برای هر کارتان یک انگیزه‌ای الهی داشته باشید و در کارتان[۱] به یاد خدا باشید.

درود بر خمینی، درود بر خمینی، درود بر خمینی.

از والدین می‌خواهم که فرزندان خود را تشویق بکنند و اجازه بدهند برای کمک به جبهه‌های جنگ و رزمندگان اسلام بیایند و هرچه سریع‌تر کافران را از روی زمین پاک کنند. والدین جلوگیری نکنند از آمدن فرزندانشان به جبهه، که اینجا مانند دانشگاهی است که شاگردان ثبت‌نام می‌کنند.

می‌خواهم که محل دفن من در روستایمان غنی‌آباد باشد در کنار قبور اسماعیل و رضا جعفرآبادی و سر قبر من دعای وحدت بخوانند و شب‌های جمعه بر سر مزارم حمد و ستایش خدا بکنند. از والدینم می‌خواهم که برای شهادت من گریه نکنند چون که خدا ما را خواسته بود و من عاشق و به معشوقم پیوستم و نباید ناراحت شوند و گریه بکنند که دشمنان ما خوشحال می‌شوند. دیگر عرضی ندارم به جز دوری و سلامتی شما و سلامتی و طولانی شدن عمر امام به درازای نور خورشید و پیروزی رزمندگان اسلام و پیروزی ارتش الله بر ارتش کفر صدام بعثی.

از والدینم می‌خواهم که در حدود ۱۵ روز روزه دارم که کفاره‌اش را بدهند و حدود این چند روزی هم که در ماه رمضان در جبهه بودم و نمازهایم را که نخواندم کفاره‌اش را بدهند از برادر بزرگم می‌خواهم که من در حدودی نذر دارم ، ۱۰۰ تومان امام رضا ، ۱۰۰ تومان قم ، ۱۰۰ تومان شاه عبدالعظیم ، ۲۰۰ تومان به سید زهرا و ۲۰ تومان بنام صدقه بدهید، پرداخت نمایید.

از خون جوانان وطن اسلام پیروز خواهد شد و قدس[۲] آزاد خواهد شد.

«والسلام»

علی مقدسی

۱- در نسخهٔ حروف‌چیدهٔ مبنا «رفتن کارمان».

۲- ر.ک.تعلیقات.

بسم الله الرحمن الرحیم

وصیت نامه علی مقدسی

من المومنین رجال صدقوا ما عاهدوا الله علیه فمنهم من قضی نحبه و منهم من ینتظر.

از مومنین کسانی هستند که به عهد خود وفا نموده و به خدای خود پیوستند و عده‌ای دیگر در انتظار شهادت به سر می‌برند

سپاس خداوندی را که ما را آفرید و پیامبران و ائمه را جهت هدایت انسانها مبعوث فرمود و آنان را مبعوث به این رسالت نمود که هدایتگر انسانها بسوی الله باشند و این خدا رهبری و هدایتگری را در هر زمانی برای ما انسانها قرار داده و امروزه برای ادامه و استمرار حرکت پیامبران رهبر و هدایتگر ما در غیبت امام عصر حضرت امام خمینی می‌باشد پس درود به رهبر و حرکت دهنده و جهت دهنده ما بسوی الله یعنی حضرت امام خمینی مرد م شهید پرور و خانواده گرامی امروزه وصیت من بجای خرد اسلام و قرآن است من از خود وصیتی ندارم من می گویم که اسلام گفته که پیرو رهبر خود باشید. امروز دیگر دلیلی وجود ندارد که ما پیرو امام خود نباشیم و دیگر هیچ بهانه‌ای نداریم که انقلاب اسلامی ما یک معجزه الهی و انقلاب خدائی میباشد. دیگر بهانه‌ای برای ترک نکردن در نماز جمعه و جماعات وجود ندارد و من دیگر حجت بر همه تمام است همه شما میدانید که باید رعایت مسائل و احکام اسلام را نمائید ولیکن من خواهم این جملات من تذکری برای شما باشد که شاید توجه بیشتر نمائید و به درون و دل خود مراجعه نمائید با خود بگوئید که چقدر برای اسلام و اسلامی فعالیت کرده‌ام. با خود بگوئید که چقدر در جهت تزکیه و دوری از نفس زدن کشیده‌ام.

توجه به کتاب قرآن و احادیث و گفته‌های ائمه نمائید و در خط اسلام حرکت نمائید و برای هر کارمان یک انگیزه الهی داشته باشید و در رفتن کارمان بیاد خدا باشید.

درود بر خمینی درود بر خمینی درود بر خمینی

از والدین عزیزم که فرزندان خود را تشویق کنند و اجازه دهند برای جبهه‌ها و جنگ و رزمندگان اسلام بیایند و هر چه سریعتر کافران را از روی زمین پاک کنند والدین جلوگیری نکنند از آنان فرزندانشان به جبهه که اینجا مانند دانشگاهی است که شاگردان تربیت می‌کند.

می‌خواهم که محل دفن من در روستایمان علی آباد باشد در کنار قبور اسماعیل و رضا جعفرآبادی و سر قبر من دعای وحدت بخوانند و شهیدان جمعه بر سر مزارم جمع و ستایش خدا بکنند. از والدینم میخواهم که برا

ص ۲

شهادت من گریه نکنند چون که خدا مارا خواسته بود و من عاشق و به معشوقم پیوستم و نباید ناراحت شوم و گریه بکنند که دشمنان ما خوشحال میشوند .

دیگر عرضی ندارم بجز دوری و سلامتی شما و سلامتی طولانی شدن عمر امام به درازای نور خورشید و پیروزی رزمندگان اسلام و پیروزی ارتش الله بر ارتش کفر صدام بعثی .

از والدینم میخواهم که در حدود ۱۵ روز روزه دارم که کفاره آن را بدهند و حدود این چند روز هم که در ماه رمضان در جبهه بودم و نماز دایم را که نخواندم کفاره آن را بدهند از پدر برادر بزرگم میخواهم که من در حدود این چقدر نذر دارم ، ۱۰۰ تومان امام رضا ، ۱۰۰ تومان قم ، ۱۰۰ تومان شاه عبدالعظیم ، ۲۰۰ تومان به سید زهرا و ۲۰ تومان به نام صدقه بدهید .

از خون جوانان وطن اسلام پیروز خواهد شد و قدس آزاد خواهد شد .

والسلام



نام: **علی‌اکبر**
نام خانوادگی: **مقدسی**
نام پدر: **محمد ابراهیم**
نام مادر: **زهرا**
تاریخ تولد: **پنجم مهر ۱۳۲۶**
محل تولد: **روستای غنی‌آباد**
تحصیلات: **در حد خواندن و نوشتن**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **یکم خرداد ۱۳۶۷**
محل شهادت: **ماووت عراق**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش**
مزار: **گلزار شهدای زادگاهش**

عبارت‌های کلیدی

- از همسر خود می‌خواهم مرا عفو کند و امیدوارم که در تربیت بچه‌ها کمال تلاش خود را بنماید.
- از پدر و مادر خود می‌خواهم که بعد از شهادت من همچون حسین(علیه‌السلام) و زینب(علیهاالسلام) بردبار و کوشا باشند.
- از برادرانم می‌خواهم که این راه را که راه سعادت است ادامه بدهند.
- از خواهرانم می‌خواهم که همچون زینب(علیهاالسلام) محکم و استوار باشند.
- امیدوارم که امام عزیز که راه او راه حق تعالی است و همینطور صاحب زمان امام مهدی(عج) ما را به عنوان سرباز حقیر خود بپذیرد.
- من برای احیای پرچم حق (**لا اله الا الله**) در جهان و انجام تکلیف الهی و مبارزه با استعمارگران شرق و غرب و یاری کردن رهبر عزیزمان امام خمینی پا به جبهه‌های نور علیه ظلمت نهادم.

علی‌اکبر مقدسی

بسم الله الرحمن الرحیم

اول سلام به احمد(صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) و دوم به ساقی کوثر، سوم به فاطمه(علیهاالسلام) چهارم به [...][1] پیامبر.سلام کرده‌ام و سلام بابرکات، که بر حبیب خدا ختم انبیا صلوات سلام کرده‌ام؛ که تا شما سلامت باشید و زیر علم مهر محمد باشید.

«ربّنا انّنا سمعنا منادیاً ینادی للایمان انْ آمنوا بربکم فآمنا ربّنا فاغفر لنا ذنوبنا و کفر عنا سیئاتنا و توفّنا مع الابرار»[2]. (آل عمران/ ۱۹۳)

سلام من به پدر و مادر خودم، که مرا اینچنین و در این راه پرورش داده‌اید. و از پدر و مادر خود می‌خواهم که بعد از شهادت من همچون حسین(علیه‌السلام) و زینب(علیهاالسلام) بردبار و کوشا باشید. شما باید اینطور فکر کنید از کسی امانتی گرفته‌اید و حالا بدو برگردانده‌اید. وصیت من به پدر و مادرم این است که وصی من پدر بزگوارم می‌باشد. اگر چیزی داشته‌ام خودتان همراه با خانواده‌ام آن را حل کنید. امیدوارم که در این کار مهم کمال دقت را نمایید. سفارش دیگر به مادر ارجمندم دارم که در پرورش و رشد من سختی‌ها و بی‌خوابی‌ها و بی‌غذایی‌ها را تحمل نمود که مرا حلال کند: و همین‌طور در شهادت من کمال صبوری را داشته باشد.

وصیت من به خانواده‌ام این است که امیدوارم که مرا ببخشید، که اگر من برای شما سرپرست خوبی نبوده‌ام در روز جزا خداوند به شما پاداش عظیمی می‌دهد. امیدوارم که در تربیت بچه‌ها و نور چشمهایم کمال تلاش خود را بنمایی و در مورد درس خواندن آنها تا جایی که امکان دارد بکوشید. از همسر خود می‌خواهم که مرا عفو نماید. چون، شما بودید که ما را بدین راه پرفیض واداشته‌اید. اگر من در راه خدا جهاد کردم شما مشکلات زیادی را متحمل شدید.

۱- خوانا نیست. عباراتی که در متن با [...] مشخص شده‌اند خوانا نیست.

۲- معنای آیه: «پروردگارا ما صدای منادی را شنیدیم که به ایمان دعوت می‌کرد که به پرودگار خود ایمان بیاورید و ما ایمان آوردیم پروردگارا گناهان ما را ببخش و بدی‌های ما را بپوشان و ما را با نیکان بمیران».

از برادرانم می‌خواهم که این راه را که راه سعادت است ادامه بدهند و مگذارند اسلحه من بر زمین افتد. از خواهرانم می‌خواهم که بردباری را پیشه خود نمایند. همچون زینب(علیهاالسلام) محکم و استوار باشید. از کلیهٔ دوستان و همشهری‌ها می‌خواهم که این راه را که راه جهاد و اسلام است ادامه دهند.

امیدوارم که امام عزیز که راه او راه حق تعالی است و همینطور صاحب زمان امام مهدی(عج) ما را به عنوان سرباز حقیر خود بپذیرد. من برای احیای پرچم حق (**لا اله الا الله**) در جهان و انجام تکلیف الهی و مبارزه با استعمارگران شرق و غرب و یاری کردن رهبر عزیزمان امام خمینی پا به جبهه‌های نور علیه ظلمت نهادم.

برای من ۲۰ روز روزه انشاءالله گرفته شود.

پیام من به ملت شهیدپرور ایران این است که همچون حسین(علیه‌السلام) نگذارید پرچم اسلام بر زمین افتد و در یاری امام عزیزمن کوتاهی نکنید.

«والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته»

علی‌اکبر مقدسی

ما اگر شهید بشویم، قید و بند دنیا را از روح برداشتیم و به ملکوت اعلی و به‌جوار حق تعالی رسیدیم[۱]. (امام خمینی)

وصیت‌نامه امور مالی

به مقدار ۳۰ هزار تومان پول بابت ماشین داده‌ام خمس آن را ندادم. دیگر تا آنجایی که من یادم است بدهکار به کسی نبوده‌ام. اگر کسی مطالبه کرد که اگر مدرکی داشت بپردازید. والسلام[۲].

۱- صحیفهٔ امام، ج ۱۵، ص ۱۲۸.

۲- در اصل وصیت «و سلام».

صورت حساب عمو اکبر: جمعاً ۴۴ هزار و خورده‌ای طلبکار[۱] بوده‌ام، ۲۰ هزار تومان آن را داده و بقیه آن مانده است. و ۵ کارتن و نیم، الکترود داشته است؛ داداش عباس، آن را هر قدری که مطالبه کرد به آن بپردازید. یک مقدار هم سنگ برش آن است، آن هم سه قسمت بشود یکی مشتی حجت یکی عمو اکبر و دیگری هم خودم. والسلام.

داداش[۲] عباس: از بابت بدهکاری عروسی‌اش مقدار ۵۰ هزار تومان بدهکار است که فاکتورهای آن [در] خانه موجود است. دیگر، به مدت ۱۵ ماه و ۱۰ روز با هم کار کرده‌ایم به مقدار ۶۴ هزار تومان گرفته‌ام، دیگر بقیه آن را هر قدری که می‌دانید عادلانه بپردازید. دیگر، از حسابی که پول ماشین داده‌ایم ۳۰ هزار تومان، که ۱۵ هزار تومان آن را از بابا گرفته‌ام ۱۰ هزار تومان آن را از غلامعلی و ۱۰ هزار تومان آن را از حاجی علی‌اصغر با این حساب، شما ۵ هزار تومان دیگر هم از اینجا بدهکار هستید. والسلام.

از حاج عباسعلی: مدت ۶ روز کار کرده‌ام ۲ روز آن را همانجا داده است، ۱۰۰۰هزار تومان دیگر هم موقع[۳] مکه رفتن داد و ۱۵۰۰ تومان دیگر بدهکار است. والسلام.

حاج عبدالله: کار شاهرود کل کارش ۱۲ هزار تومان دستمز[د] است ۱ هزار تومان اول داده است و ۱ هزار تومان هم برنج آورده است، ۱۰ هزار تومان دیگر بدهکار است. والسلام.

حاجی علی‌اصغر کل کار گرگان ایشان ۲۰ هزار تومان بوده است، مقدار ۲ هزار تومان آن جنس‌هایی که خود او خریده است الکترود و غیره، ۱۰ هزار تومان هم دستی داده است، ۸ هزار تومان دیگر بدهکار است. والسلام.

داداش علی‌اصغر: من با داداش علی‌اصغر حساب مشترک داشته‌ایم. باید از همدیگر بگذریم. شما هم داداش جان مرا ببخش، اگر کم یا زیاد شده مرا حلال کن. و اما راجع[۴] به

۱- در اصل وصیت «تلبکار».

۲- در اصل وصیت «۳- داداش».

۳- در اصل وصیت «موقعه».

۴- در اصل وصیت «راجب».

موتور: موتور ایشان را کاملاً تعمیر کنید به دست ایشان بسپارید. متشکرم. ۶ هزار تومان خمس آن را حتماً به آقای شاهچراغی بپردازید. والسلام.

دیگر عرضی ندارم، جز، سلامتی شما را از خداوند متعال خواستارم.

یک [...] دیگر [...] من و داداش علی‌اصغر ما در تهران. ۱۶۰ هزار تومان پیش حاج حسن داشتیم که من [...] گرفتم. ۴۴ هزار تومان دادیم پول ماشین. ۲۵ هزار تومان که باقی مانده را داده است به داداش اصغر [...] از یکدیگر گذشتیم [...] دیگر عرضی[1] ندارم. والسلام.

برادر شما شهید علی اکبر مقدسی

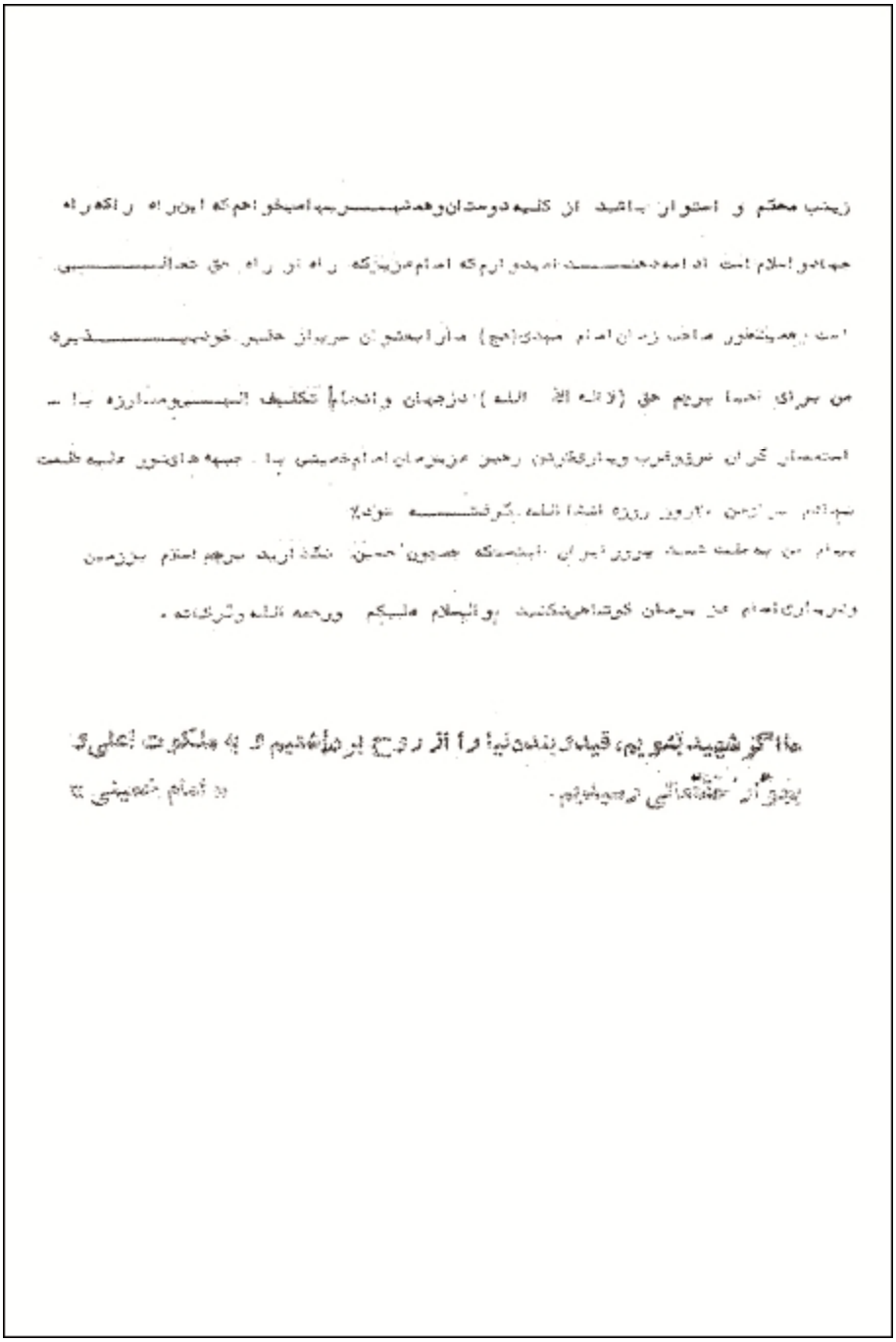
۱- در اصل وصیت «عرزی».

((بسم الله الرحمن الرحیم))

این سلام به احمد و دوم به ساقی کوثر ـ سوم به فاطمه ـ چهارم به عیسی پیش پیدا مسر سلام کرده ام وسلام بابرکات که بزحمتی خداختم انبیا سلوات سلام کرده ام که خداحافظ سلامت باشید وزیر علم میر محمد باشد ـ ربنا اغفرلنا ذنوبنا وکفر عنا سیئاتنا وتوفنا مع الابرار ـ آل عمران ـ ۱۹۳

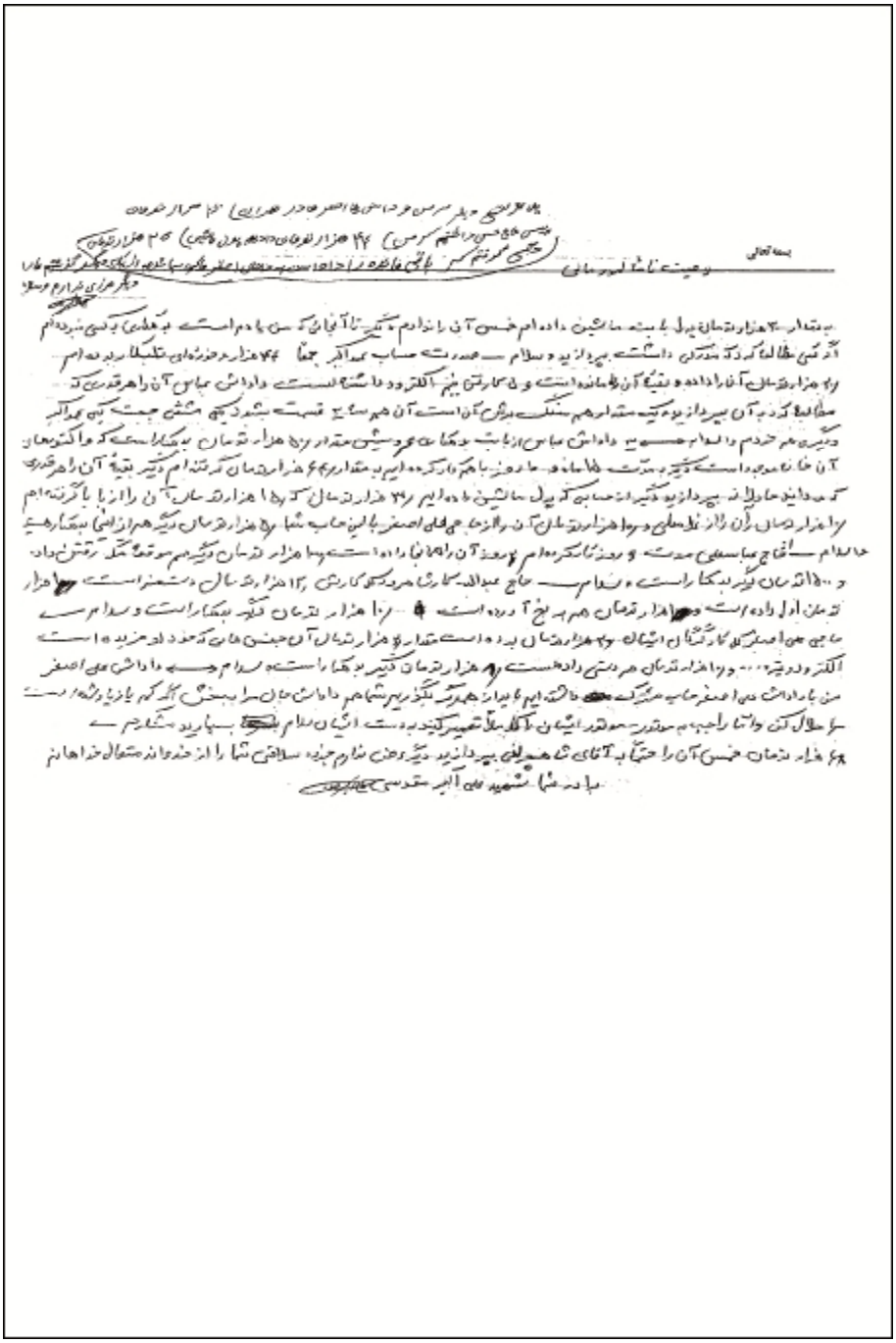
سلام من بپدر ومادر خودم که مرا اینچنین ودراین راه پرورش داده اید و از پدر ومادر خود میخواهم که بعد از شهادت من همچون حسین وزینب بردبار وکوشا باشید شما باید اینطور فکر کنید از کی اینقدر عجول گرفته اید وحالا بدی برگردانده اید وصیت من به پدر ومادرم اینست که وصی من پدر بزرگوارم چیزی داشته ام خودش همراه با خانواده ام آنرا حلال کنید امیدوارم که در اینکار نهایت کمال دقت را داشته باشد مادرش نگر به صابر ارجمندم دارم که در پرورش ورشد من کوشیده او بخواهیکی بی خدا بها را تحمل نمود که مرا حلال کند وهمینطور در شهادت من کمال صبوری را داشته باشد وصیت من به خانواده ام اینست که امیدوارم که مرا ببخشید که اگر من بی ادبی خدا سرپرست خوبی بوده ام ودر روز جزا خداوند پاداش عظیمی بدهد

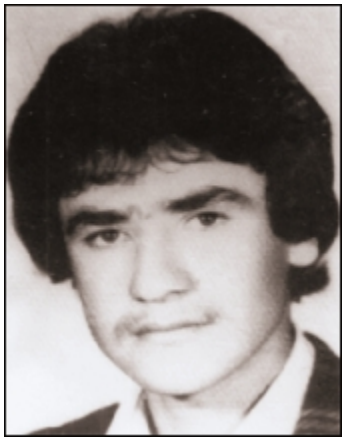
امیدوارم که در تربیت بچه ها و نور چشمانم کمال تلاش خود را بنمایند ودر مورد درخواست آنها تا جاییکه امکان دارد بکوشید از همسر خود میخواهم که مرا فراموش نکند خون شما بر زمین نریزد که مسیر ادبین راه سرفصل را داشته باشد اگر من در راه خدا جهاد کردم تا مشکلاتی را متحمل شده ام بر ادرم میخواهم که این راه را رها نکند راه شهادت امتداد یابد هدف مقدس انقلاب اسلامی من بر زمین نماند از خواهرانم میخواهم که بپدر ومادرم بی ادبی نکنند



زینب محترم و استوار باشید از کلیه دوستان و همشهری‌ها میخواهم که این راه را که راه
جهاد و اسلام است ادامه دهند امیدوارم که امام عزیز که راه او راه حق و عدالت
است را همیشه ناظر و نگران امام مهدی (عج) مادر ایشان حسین خمینی
من برای احیا پرچم حق (لا اله الا الله) در جهان و اعتلا تکلیف الهی و مبارزه با
استعمار گران غرب و شرق و یارگیری رهبر عزیزمان امام خمینی با جبهه های نور علیه ظلمت
بپا خاستم در این راه از هیچ چیز دریغ نکردم و نخواهم کرد
پیام من به ملت شهید پرور ایران اینست که همچون حسین نگذارید پرچم اسلام بزمین
و در یاری امام عزیز کوتاهی کنید والسلام علیکم ورحمه الله وبرکاته .

ما اگر شهید نشویم، قیام ما نمی‌تواند آثار و نتایج بزرگی داشته باشد و حکومت اسلامی
بوجود آید. « امام خمینی »





نام: **علیرضا**
نام خانوادگی: **مقدسی**
نام پدر: **سیف‌الله**
نام مادر: **زهرا**
تاریخ تولد: **هجدهم شهریور ۱۳۴۷**
محل تولد: **شهرستان گرگان**
تحصیلات: **پایان دوره راهنمایی**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **بیست‌ودوم دی ۱۳۶۵**
محل شهادت: **شلمچه**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش**
مزار: **گلزار شهدای روستای غنی‌آباد از توابع شهرستان دامغان**

عبارت‌های کلیدی

- امام امت و ولایت فقیه را چون جان گرامی دوست بدارید و یاری نمایید.
- اگر شهید شدن توفیق من گردید، برای من گریه نکنید.
- این دنیا محل آمد و رفت است.
- ما امانتی هستیم در این دنیا و چه بهتر که این امانت در راه خدا باز گردانده شود.
- خواهرانم، امیدوارم همان‌گونه که من در جبهه کار حسینی انجام داده‌ام شما در پشت جبهه زینب‌گونه عمل کنید.
- مملکت ما به جوانان باسواد حزب‌اللهی خیلی احتیاج دارد.

علیرضا مقدسی

بسم الله الرحمن الرحیم

«ان الله اشتری من المؤمنین انفسهم واموالهم بانّ لهم الجنّـة یقاتلون فی سبیل الله فیقتلـون و یقتلون وعداً علیه حقاً فی التوریة و الانجیل و القران»[۱].

«خدا جان و مال اهل ایمان را به بهشت خریداری کرده و آنها در راه خدا جهاد می‌کنند کـه دشمنان دین را بکشند و یا خود کشته شوند این وعده قطعی است بر خدا و عهـدی اسـت در تورات و انجیل و قرآن یاد فرموده است».

با درود بر قائم آل محمد منجی بشریت امام زمان (عج) و نایب برحقش امام خمینـی و با درود بر شهدای راه حق از شهدای کربلا تا شهدای کربلاهای ایران.

این بندهٔ حقیر علیرضا مقدسی ضمن اقرار به وحـدانیت ایـزد منـان و اقـرار بـه نبـوت پیامبران عظام از آدم تا خاتم و اقرار به ولایت علی‌بن ابیطالب(علیه‌السلام) و یـازده فرزنـدش، از امت شهیدپرور و ایثارگر کشورمان [می‌خواهم] که راه امام خمینی که همان راه حـسین(ع) فاطمه(س) است را ادامه داده و نگذارید پرچم این قافله را که از عباس[۲] یاور دلاور او به ما یادگار رسیده است به زمین بیفتد و امام امت و ولایت فقیه را چـون جـان گرامـی دوسـت بدارید و یاری نمایید. و از معلولین خوب حفاظت کنید چـون آنهـا بـا ریخـتن قـسمتی از خون خود و با از دست دادن قسمتی از بدن خود از اسلام و کشورمان دفاع کرده‌اند.

با سلام به مادر عزیـز و پـدر بزرگـوارم، ایـن مربیـان خـوب و موفـق در راه خـدا کـه توانسته‌اند که این امانتی خود را به‌خوبی به خدا بازگردانند. پدر و مادرم، اگر شـهید شـدن توفیق من گردید برای من گریه نکنید. چون این دنیا محل آمـد و رفـت اسـت. مـا امـانتی هستیم در این دنیا و چه بهتر که این امانت در راه خدا بازگردانده شود.

۱- بخشی از آیهٔ ۱۱۱ سورهٔ توبه.

۲- ر.ک.تعلیقات.

برادرم محمد و ابوالفضل، امیدوارم که در درسهایتان موفق باشید چون مملکت ما به جوانان باسواد حزب‌الله خیلی احتیاج دارد. خواهرانم، امیدوارم همان‌گونه که من در جبهه کار حسینی انجام داده‌ام شما هم در پشت جبهه زینب‌گونه عمل کنید.

پدر و مادرم، اگر من در ایام جوانی با شما تندی و یا کار خطایی از من سر زده است مرا ببخشید. و از اهالی می‌خواهم که همگی، اگر از من خطایی دانسته یا ندانسته سر زده است مرا ببخشید پدر و مادرم، من مدت یک سال نماز و دو سال روزهٔ قرضی دارم، از شما می‌خواهم که قضایش را برای من به‌جا آورید. و محل دفن من هم، هر جایی که پدر و مادرم رضایت داده‌اند مرا به خاک بسپارید. التماس دعا.[1]

علیرضا مقدسی

به امید پیروزی رزمندگان اسلام و برقراری پرچم سرخ اسلام در سراسر جهان.

۱- در ذیل نسخهٔ حروف‌چیدهٔ مبنا: «آنها که بر حق بودند شهید شدند».

ان الله اشتری من المومنین انفسهم واموالهم بان لهم الجنه یقاتلون فی سبیل الله فیقتلون ویقتلون وعدا علیه حقا فی التورات والانجیل والقران . توبه آیه ۱۱۱

خدا جان و مال اهل ایمان را بهبهشت خریداری کرده و آنها در راه خدا جهاد می کنند یعنی دشمنان دین را بکشند یا خود کشته شوند این وعده قطعی است بر خدا و عهدی است که در تورات و انجیل و قرآن داده شده است .

با درود بر قائم آل محمد منجی بشریت امام زمان (عج) و نایب برحق او امام خمینی و با درود بر شهید راه حق از شهدای کربلا تا شهدای کربلاهای ایران این بنده حقیر علیرضا مقدسی ضمن اقرار به وحدانیت یزدان و اقرار به نبوت پیمبران اعظام از آدم تا خاتم (ص) و اقرار به ولایت علی بن ابیطالب (ع) و فرزندان او از امت شهید پرور و ایثارگر کشور مان که را امام خمینی را که همان راه حسین فاطمه زاد است (ع) داد مونگذارید پرچم این قافله را که از زهرا (س) یادگار است بزمین بیفتد و امام امت و ولایت فقیه را چون جان گرامی دوست بدارید و یاری نمائید .

و از معلولین خوب حفاظت کنید چون آنها با ریختن قسمتی از خون خود و با از دست دادن قسمتی از بدن خود از اسلام و کشور مان دفاع کرده اند . با سلام بعاد رعزیز و پدر بزرگوارم پسر مربیان خوب و موفق در راه خدا که توانستند کمانین امانتی خود را به خود به خدا بازگردانند پدر و مادرم اگر شهید شدن توفیق من گردید برای من گریه نکنید چون این دنیا محل آمد و رفت است ما امانتی هستیم در این دنیا و چه بهتر که این امانت در راه خدا را بازگردیده شود برادر محمد و با بالفضل امیدوارم که در درسهایتان موفق باشید چون مملکت ما به جوانان با سواد حزب الله خیلی احتیاج دارد خواهرانم امیدوارم همانگونه که من در جبهه کار حسینی انجام داده ام شما هم در پشت جبهه زینب (س) گونه عمل کنید پدر و مادرم اگر من در ایام جوانی با شما تندی یا کار خطائی از من سرزده استدعا را ببخشید .

و از همگی دوستانم خواهم که همگی اگر از من خطائی دانسته یا ندانسته سرزده است مرا ببخشید . پدر و مادرم من مدت بیست سال نماز و دو سال روزه قرضی دارم از شما خواهم که قضایش را برای من بجا آورید و محل دفن من هم هرجائی که پدر و مادرم رضایت داده اند مرا به خاک بسپارید . التماس دعا

علیرضا مقدسی

با امید پیروزی رزمندگان اسلام و برقراری پرچم سرخ اسلام در سراسر جهان

آنها که بر حق بودند شهید شدند



نام: **علیرضا**
نام خانوادگی: **مقدسی**
نام پدر: **محمدحسین**
نام مادر: **رقیه**
تاریخ تولد: **بیستم مرداد ۱۳۴۲**
محل تولد: **روستای غنی‌آباد از توابع شهرستان دامغان**
تحصیلات: **اول راهنمایی**
ارگان اعزام‌کننده: **سپاه**
تاریخ شهادت: **بیست‌ویکم بهمن ۱۳۶۴**
محل شهادت: **اروند رود**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش**
مزار: **گلزار شهدای زادگاهش**

عبارت‌های کلیدی

- اسلام عزیز با رهبری فقیه عالی‌قدر امام امت و نایب امام زمان(عج)، با راهنمایی ایشان، به دست ما رسیده است.
- باید به جنایتکاران جهان و مخالفان آزادی گفت که اسلام دین سازش نیست، اسلام دین تحقیر شده نیست.
- امام امت، خمینی کبیر را که رهبر و سالار این دگرگونی است و اکنون پرچم‌دار ولایت است تنها نگذارید.
- هیچ وقت صحنه را خالی نکنید.
- گوش به فرامین امام و پشتیبان ولایت باشید.

علیرضا مقدسی

بسم الله الرحمن الرحیم

۱- **مشخصات کامل**: علی مقدسی، اعزامی از دامغان، روستای غنی آباد.

۲- **هدف از آمدن به جبهه**: یاری نمودن به اسلام.

۳- **پیام:**

«یا ایّها الذین امنوا هل ادلکم علی تجارة تنجیکم من عذاب الیم تؤمنون بالله و رسوله و تجاهدون فی سبیل الله باموالکم و انفسکم ذلکم خیر لکم ان کنتم تعلمون»[۱].

«ای اهل ایمان آیا شما را به تجارتی سودمند که شما را از عذاب دردناک آخرت نجات بخشد دلالت کنم آن تجارتی است که به خدا و رسول ایمان آرید و به مال و جان در راه خدا جهاد کنید این کار از هر تجارت اگر دانا باشید برای شما بهتر است».

حمد [و] سپاس شایستهٔ خدای مهربانی است که انسان را آفرید و انبیا را واسطه هدایت بندگان خود گردانید و درود [و] سلام بر خاتم انبیا(صلی الله علیه و آله و سلم) و علی مرتضی(علیه السلام) و خاندان او که پیشوایان[۲] هدایت و سالار و سرور بشریت‌اند.

حال که آن سروران با نثار خون خود راه اسلام و صراط مستقیم به ما آموختن[د] را[ه] تکامل از کجاست و خدایی شدن به چه طریق است و مبدأ کجاست و مقصد کجاست، دنیا چیست، هدف از خلقت انسان چیست، با در دست داشتن کتابی بزرگ یعنی قرآن کریم.

حال که پس از چندین سال با دادن خون‌های فراوان از علمای بزرگ گرفته تا شهدایی دیگر در ۱۵ خردادها[۳] و غیره اسلام عزیز با رهبری فقیه عالی‌قدر امام امت و نایب امام زمان(عج)، با راهنمایی ایشان به دست ما رسیده، ما هم به عنوان یک مسلمان بر خود وظیفه دیدم که از اسلام دفاع[۴] کنم.

۱- صف/ ۱۱-۱۰.

۲- در اصل وصیت «پیشویان».

۳- ر.ک.تعلیقات.

۴- در اصل وصیت «دفاء».

هم‌اکنون که ابرجنایتکاران جهان و مخالفان[۱] آزادی کوبندگان کلمهٔ حق بر کشور ما یورش برده‌اند، آنها تنها مقصودشان اسلام [است]. حال که می‌بینید اسلام در برابر جهان ندای [حق] سر داده است [و] اسلام و همهٔ حق‌جویان عالم آن سرود را سر می‌دهند که «اسلام زنده است» و از آن با خون که بزرگترین چیز برای انسان است دفاع می‌کنند.

اکنون که جهان استکبار می‌بیند که همین اسلام‌اندیشان و آزادگان جهان و پویندگان راه حق [و] سردادگان کلام توحید در هر نقطه‌ای که هستند چه لبنان چه سودان و چه پاکستان و چه افغانستان و دیگر ممالک جهان و چه در زندان‌های دربسته و در هر جا و مکانی که هستند آن قول‌های توخالی را به باد استهزاء گرفته‌اند و آنها را مسخره می‌دانند[۲]، ما هم که یک مسلمان هستیم و به‌ویژه شیعهٔ علی (ع) و امت رسول گرامی یعنی محمد عبدالله صلی‌اله‌علیه و آله [و] سلم و باز هم به‌ویژه ایران دارای رهبری آگاه و روشن در همهٔ مسائل است- تا پای خون با نثار جان از اسلام عزیز که امانتی است به دست [ما دفاع می‌کنیم].

و ما هم مأموریت داریم که آن را به مقصد برسانیم و به جهانیان انشاءالله‌تعالی بفهمانیم که اسلام یعنی چه. باید به آنها گفت که اسلام آن دین سازش نیست، اسلام دین تحقیر شده نیست، اسلام حقیقی که ما شعار آن را می‌دهیم توخالی نیست.

این حقیر علی مقدسی، اگر خداوند توفیق شهادت به من عنایت کرد به مردم دلاور ایران این وصیت را دارم که امام امت خمینی کبیر که رهبر و سالار این دگرگونی است و اکنون پرچم‌دار ولایت است [را] تنها نگذارید. گرچه او اتکایش[۳] به خداست، هدفش خداست، ولی بر شما مردم غیور است که [از] او و دین او حمایت کنید و هیچ وقت صحنه را خالی نکنید.

وصیتی بر برادرانم دارم که گوش به فرامین امام باشید و پشتیبان ولایت در هر حال. وصیتی به پدر و مادرم. گرچه زحمت زیادی برای من کشیده‌اید و من برای شما فرزند

---

۱ - در اصل وصیت «مخلفان».

۲ - در اصل وصیت «مسقره می‌دادند».

۳- در اصل وصیت «اتکاهش».

خوبی نبوده‌ام ولی مرا ببخشید. وصیت دیگر به همسر: همسرم، شما موظف[۱] هستید که فرزندمان را خوب تربیت کنی که در آیند[ه] برای اسلام مفید باشد، خدای نخواسته یک موقع دور از امر ولایت نشود.

در آخر[۲] امام [را] یار[ی] کنید به نفع شما است. و در همه وقت او را دعا کنید. و شکر نعمت ولایت.

«والسلام»
علی مقدسی
۶۴/۱۱/۷

۱- در اصل وصیت «موضف».
۲- در اصل وصیت «آواخر».

بسمه تعالی

وصیتنامه رزمندگان

محل الصاق عکس

این وصیت‌نامه‌ها انسان را می‌لرزاند و انسان را بیدار میکند.
(امام خمینی)

برادر رزمنده توصیه میشود نکات ذیل را در نوشتن وصیت نامه خود رعایت نمائید:

۱ــ مشخصات کامل: علی مقدمی - اعزامی از دامغان روستای نبی‌آباد

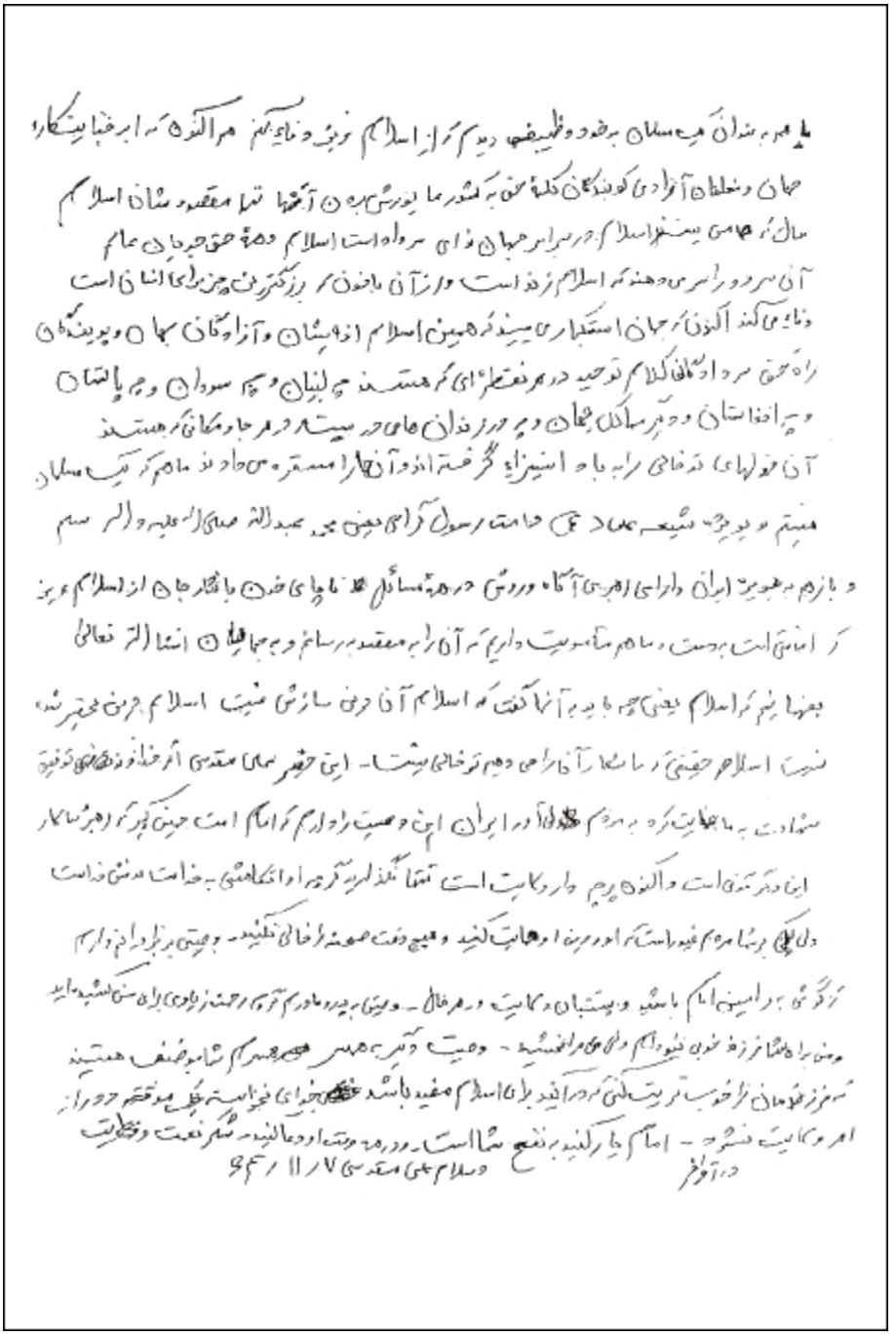
۲ــ هدف از آمدن به جبهه: مبارزه با دشمن اسلام

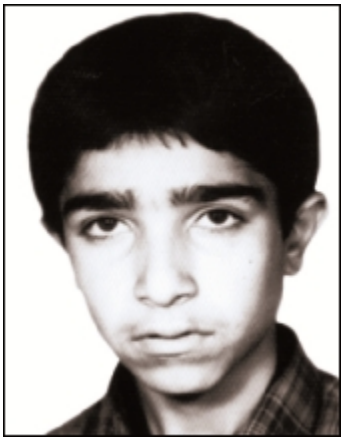
۳ــ پیام:

یا ایها الذین آمنوا هل ادلکم علی تجارة تنجیکم من عذاب الیم ۝ تؤمنون بالله ورسوله وتجاهدون فی سبیل الله باموالکم وانفسکم ذلکم خیر لکم ان کنتم تعلمون ۝

ای اهل ایمان آیا شما را به تجارتی رهنمون کنم که شما را از عذاب [illegible]

[illegible]





نام: **علی**
نام خانوادگی: **مقصودی**
نام پدر: **احمد**
نام مادر: **بلقیس**
تاریخ تولد: **هفدهم دی ۱۳۴۹**
محل تولد: **شهمیرزاد توابع شهرستان مهدیشهر**
تحصیلات: **اول متوسطه**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **بیستم شهریور ۱۳۶۶**
محل شهادت: **جزیره مجنون**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش**
مزار: **گلزار شهدای زادگاهش**

عبارت‌های کلیدی

- مهم‌ترین مسئله در هر کشور و هر انقلابی اطاعت از رهبر و هدایت‌کنندهٔ آن نهضت است
- عزیزان، در خط امام و ولایت فقیه باشیم.
- عزیزان، جبهه‌ها را پر کنید، نگذارید جبهه‌ها خالی بماند.
- بزرگترهای شهر، امروز شما وظیفه هدایت افراد گمراه را به عهده دارید.
- ما وارد جنگ شدیم و به پیروزی خواهیم رساندش.
- ای خواهران، زینب‌وار در صحنهٔ زندگی و انقلاب ظاهر شوید.
- جای خالی مرا در جبهه پر کنید.
- اگر بعد از شهادت تکه‌هایی از جسمم به درد کسی خورد که بتواند ثوابی برای من باشد که باری از گناهانم کم کند خود مختارید و می‌توانید آن را انجام دهید.

علی مقصودی

بسم الله الرحمن الرحیم

«**ان الله اشتری من المؤمنین انفسهم و اموالهم بانّ لهم الجنّة**»[۱] (قرآن کریم)
«خداوند از مؤمنین جان‌ها و مال‌هایشان را در قبال بهشت خریداری می‌کند».

با سلام و درود بر یگانه منجی عالم بشریت حضرت مهدی(عج) و نایب برحقش حضرت امام خمینی این قلب تپندهٔ امت اسلامی و با سلام و درود بر شهدا، اسرا، معلولین و مجروحین جنگ تحمیلی و انقلاب اسلامی و با سلام و درود بر شما امت حزب‌الله به‌خصوص شما همشهریان عزیزم. اینجانب فیروز (علی) مقصودی بندهٔ «لا اله الا الله» گوی خدا بنابه وظیفه این چند کلمه را در ۷ محرم‌الحرام سال ۱۳۶۶ مرقوم می‌دارم.
عزیزان من، مهم‌ترین مسئله در هر کشور و هر انقلابی اطاعت از رهبر و هدایت‌کنندهٔ آن نهضت است و این مسئله است که آن انقلاب را به پیروزی کامل می‌رساند و آن را در کوره راه مصائب و مشکلات سالم به سرمنزل می‌رساند. در انقلاب عظیم ما نیز این مسئله به‌خوبی مشهود است. در انقلاب ما بزرگ‌مرد تاریخ، امام و هادی ما این سید بزرگوار جماران هادی ما شده و ما را از منجلاب فساد [رهانیده]؛ فسادی که اگر چند سال دیگر بر ما حاکم بود دیگر قدرت سر بلند کردن و اجرای مراسم عزاداری حسین را نداشتم. اما این سید و آقای همهٔ ما سر برافراشت و ما را دوباره عزت بخشید و هدایت‌کنندهٔ راهمان شد. پس عزیزان، در خط امام و ولایت فقیه باشیم و سعی کنیم هرگز از این خط منحرف نشویم، که کوچک‌ترین لغزش در این راه موجب فساد دنیا و آخرت ما خواهد شد و این همه عبادت‌ها و شرکت در مراسم عزاداری حسین(علیه‌السلام) و غیره ما باطل و پوچ خواهد شد.

مسئله دوم مسئله جنگ و جبهه است. عزیزان من، امروز جنگ به مرحله‌ای رسیده که دشمن زبون شده و قدرت اجرای هیچ کاری را در خطوط مقدس ما ندارد، امروز رزمندگان ما با قدرت تمام در حفظ و حراست این خطوط تلاش می‌کنند، امروز یک

۱- بخشی از آیهٔ ۱۱۱ سورهٔ توبه.

همیاری عظیم موجب پیروزی نهایی ما خواهد شد. عزیزان، جبهه‌ها را پر کنید، نگذارید جبهه‌ها خالی بماند، نگذارید سلاح‌های برجا مانده شهدا بر خاک‌های گرم مرزهای کشورمان بی‌صاحب بماند. پر کردن جبهه توسط شما عزیزان حزب‌الله موجب این می‌شود که دیگر منافقین[۱] قدرت سر بلند کردن در شهرها را نداشته باشند.

مسئله سوم صحبتی با بزرگ‌ترهای شهر. ای پدران و بزرگان ما ای کسانی که یک عمر برای تکایا و عزاداری و مساجد زحمت کشیده‌اید و یک عمر عبادت کرده‌اید، امروز اینها جزء مقدسات ماست اما این تکلیف ما را به پایان نمی‌رساند، امروز وظیفهٔ شما خطیرتر و مهم‌تر از این است، امروز شما وظیفهٔ هدایت افراد گمراه را به‌عهده دارید، امروز شما باید در رأس مسائل شهر قرار گیرید. فقط عبادتِ تنها کاری ازپیش نمی‌برد. پس عده‌ای از مردم شهمیرزاد خودما از روی ناآگاهی دچار انحراف شده‌اند؛ آن انحرافی که موجب آن کم‌کاری خودمان بوده است.

مسئله چهارم مسئله سه‌ماههٔ تابستان شهمیرزاد است. عزیزان شهمیرزادی ای کسانی که در سه‌ماههٔ زمستان در شهمیرزاد زندگی می‌کنید و قدرت و اجرای کوچک‌ترین فساد در شهمیرزاد را به احدی نمی‌دهید. چه شد غیرتمان، چه شد مردانگیتان؟ چرا می‌گذاریم در تمام استان شهمیرزاد جزء یکی از شهرهای بی‌تفاوت به‌شمار آید، چرا می‌گذاریم این سوسول‌ها و بی‌تفاوت‌ها در شهر ما هر جور که خودشان خواستند بگردند و هرج ومرج و فساد در شهر ما بکنند، چرا می‌گذارید مقدسات ما را لکه‌دار کنند؟ من به شما توصیه می‌کنم، به شما هم‌رزمان و جوانان غیرتمند شهمیرزادی، با قدرت جلو این مسئله بایستید و نگذارید اینها در شهر ما رشد کنند و در هم بکوبیدشان. با برادران کمیته همکاری لازم بشود[۲] تا انشاءالله در آینده نزدیک بتوانیم شهری سالم داشته باشیم و مهمانان سه‌ماهه ما نیز بتوانند تفریح‌های سالم را اعمال نمایند.

اما مسئله دیگر صحبت با بی‌تفاوت‌ها است. ای بی‌تفاوت‌ها ای کسانی که قلب رزمندگان و امت حرب‌الله ما را مالامال از خون کردید. می‌دانید حضرت علی(ع) به شما

۱- ر.ک.تعلیقات.

۲- در اصل وصیت، در بالای این قسمت جمله نوشته شده است: «و در این مورد با برادران کمیته همکاری کنید».

چه می‌گوید؟ می‌گوید: ای مردنماهای نامرد، شما مردنما هستید، ظاهر شما شبیه مرد است اما در باطن بسیار پستی دارید، ما خربزه خوردیم و پای لرز آن نیز می‌نشینیم، ما انقلاب کردیم و آن را به پیروزی می‌رسانیم و در برابر مشکلات ایستادگی می‌کنیم، ما وارد جنگ شدیم و به پیروزی خواهیم رساندش. اما این رسم مردانگی نیست. حال که خودتان به جبهه نمی‌آیید یک جوان را گمراه نکنید و او را از رفتن جبهه جلوگیری نکنید لااقل وقتی از جبهه بازگشت با آن سخنان نیش دارتان قلب او را جریحه‌دار نکنید. والله در آخرت مسئولید.

و اما صحبتی با خواهران حزب‌الله و خانواده شهدا. ای خواهران، زینب‌وار در صحنه زندگی و انقلاب ظاهر شوید، با پوشش ظاهر خود قدرت دهن‌کجی به انقلاب را به منافقین ندهید. ای خانوادهٔ شهدا، شما عزیزانِ این مردم، شما محترمین این مردمید؛ مبادا این احترام مورد غرور گردد، که انشاءالله نمی‌گردد.

و اما صحبتی با پدر و مادر و برادران و خواهران عزیزم، پدرم، من می‌دانم واقفم که شما خیلی بیش از حد برایم زحمت کشیدید و مرا بزرگ کردید اما من همین که قدرتی جسمانی و فکری یافتم قدم به جبهه و انقلاب نهادم و امیدوارم که از این امر خوشحال باشید چون فرزند شما انشاءالله سرباز آقامان امام حسین(علیه‌السلام) و امام زمان(عج) است و این جای بسی خوشحالی است و جبران آن زحمات را انشاءالله می‌کند.

مادر عزیزم ای کسی که مرا با شیرهٔ جان پروریدی و من نتوانستم باری از پشت شما بردارم، اما خوشحالم که تو خوشحال هستی که من پای در مسیر اسلام نهادم و در این راه کشته شدم. امیدوارم در آخرت با زهرای مرضیه(علیهاالسلام) و فاطمه زهرا(علیهاالسلام) محشور شوید. خواهرانم، با حجاب خود مشت محکمی به دهان یاوه‌گویان چپ‌گرا بزنید و اجازه دهن‌کجی به منافقین را ندهید و با شرکت در بسیج خواهران این امر را مستحکم کنید. و اما برادرانم، اسلحهٔ من در صحرای گرم خوزستان بی‌صاحب است، آن را یاوری کنید، مگذارید اسلحهٔ من بی‌صاحب بماند. جای خالی مرا در جبهه پر کنید، که انشا الله خداوند اجر شهید را به شما بدهد.

مادرم، توفیق شهادت نصیبم شد هرگز برایم اشک نریزید و لباس سفید بپوشید. اگر جسمم به دست شما رسید هر کجا خواستید مرا دفن کنید اشکالی ندارد، اما اگر در میان

شهدای شهمیرزاد باشد بهتر است و اگر جسمم به دست شما نرسید خود را در جای فرزندان بی‌بابای شکرویان بگذارید که هنوز خبری از بابا ندارند. اگر بعد از شهادت تکه‌هایی از جسمم به درد کسی خورد که بتواند ثوابی برای من باشد که باری از گناهانم کم کند خود مختارید و می‌توانید آن را انجام دهید. مادرم هر وقت خواستی برای من گریه کنی برای سالار شهیدان و علی اکبر حسین(علیه‌السلام) گریه کن، که انشاءالله خداوند شما را در صف زنان مؤمنه قرار دهد.

در آخر، چند دعا و شما را به خدا می‌سپارم. خدایا این بندهٔ گنهکار را در زمرهٔ شهدا[ی] خود قرار بده. خدایا از سر تقصیرات من درگذر و مرا در آخرت شفیع شهدا قرار بده. خدایا رهبر کبیر این انقلاب را از جمع بلایا حفظ بفرما. خدایا به پدر و مادر و بازماندگان شهدا صبر و اجر عنایت بفرما.

و در آخر، توصیه‌ای:

مبادا خویشتن را واگذاریم — امام خویش را تنها گذارید[1]

ز خون هر شهیدی لاله‌ای رست — مبادا روی لاله پا گذارید

۶۶/۶/۱۰

بنده گنهکار خدا مقصودی

۱- در اصل وصیت «مبادا خویشتن را واگذارید، امام خویش را تنها گذارید، ز خون هر شهیدی لاله‌ای رست، مبادا روی لاله پا گذارید».

بسم ا... الرحمن الرحیم

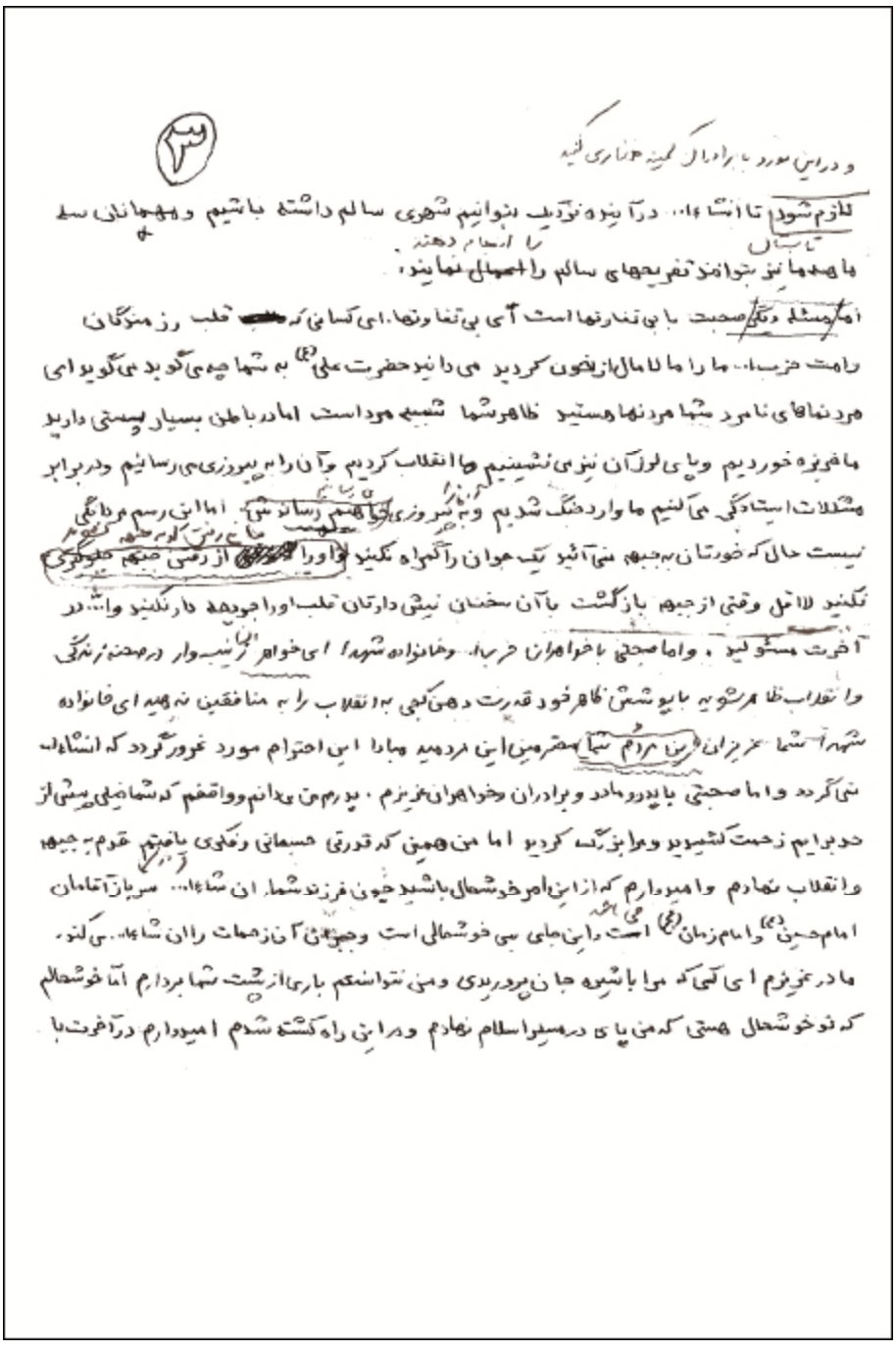
إِنَّ اللّٰهَ اشْتَرٰى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنَّ لَهُمُ الْجَنَّةَ (قرآن کریم)

خداوند از مومنین جانها و مالهایشان را در قبال بهشت خریداری می‌کند. با سلام و درود بر مبلغ اسلام و منجی عالم بشریت حضرت مهدی (عج) و نائب برحقش حضرت امام خمینی این طلب تهیه شده است اسلام را با سلام و درود بر شهدا، اسراء، مفقودین و مجروحین جنگ تحمیلی و انقلاب اسلامی و با سلام و درود بر شما ملت عزیز ا... بخصوص شما همشهریان عزیزم. اینجانب فیروز (علی) مقصودی بنده الله الا الله گوی خدا بنده و ظلیم این چند کلمه را در ۷ محرم الحرام سال ۱۳۶۶ مرقوم می‌دارم.

عزیزان من مهم‌ترین مسئله در هر کشور و هر انقلابی اطاعت از رهبر و هدایت کننده آن نهضت است و این مسئله است که آن انقلاب را به پیروزی کامل می‌رساند و آن را در کوره راه مصائب و مشکلات سالم به سرمنزل مقصود می‌رساند در انقلاب عظیم ما نیز این مسئله به خوبی مشهود است در انقلاب ما بزرگ مرد تاریخ امام و هادی ما این سید بزرگوار و کوهیار هادی ما بوده و ما را از منجلاب شاه و منادی که آن چند سال دیگر بر ما حاکم بود دیگر قدرت سر بلند کردن و اجرای مراسم عزاداری حسین را نداشتیم اما این سید و آقای همه ما سربرافراشت و ما را دوباره عزت بخشید و هدایت کشور را همان شد بنی عزیزان خط امام و ولایت فقیه باشیم و سعی کنیم هرگز از این خط منحرف نشویم که کوچکترین لغزش در این راه موجب فساد دنیا و آخرت ما خواهد شد و این همه عبادتها و شرکت در مراسم عزاداری حسین و غیره ما باطل و هیچ خواهد شد. مسئله دوم مسئله جنگ و جبهه است عزیزان من! امروز جنگ به مرحله‌ای رسیده که دشمن زبون شده و قدرت اجرای هیچ کاری را در خطوط مقدم ما ندارد امروز

(۲)

رزمندگان ما با قدرت تمام در حفظ و حراست این خطوط تلاش می‌کنند امروز یک همیاری عظیم موجب پیروزی نهایی خواهد شد عزیزان جبهه‌ها را بیاد بیاورید و فراموش نکنید جبهه‌ها خالی نماند فراموش نکنید سلامهای برجا مانده شهدا برخاکهای گرم سنگرهای کشورمان بی صاحب نماند پرکردن جبهه توسط شما عزیزان خوب ا... موجب این می‌شود که دیگر منافقین قدرت سرکوبی در شهر را نداشته باشند. مسئله سوم صحبتی با بزرگترهای شهر ای پدران و بزرگان ما ای کسانی که یک عمر برای تکاپو و نوآوری و مجاهدت کشیده اید و یک عمر عبادت کرده اید امروز اینها حوزه مقدسات ماست اما این تکلیف ما را به پایان نمی‌رساند امروز وظیفه شما خطیرتر و مهمتر از این است امروز شما وظیفه دارید افراد گمراه را به عهده دارید امروز شما باید در رأس مسائل شهر قرار گیرید. فقط عبادت تنها کاری از پیش نمی‌برد. یک عده‌ای از مردم شهرمان خود ما از روی ناآگاهی و چه بسا انحراف شده اند آن انحرافی که موجب آن کم کاری خودمان بوده. مسئله چهارم مسئله سه ماهه تابستان شهرمان است عزیزان شهرمان عزیزادی ای کسانی که در سه ماهه زمستان در شهرمان زندگی می‌کنید و قدرت و جای کوچکترین فساد در شهرمان را به احدی نمی‌دهید چه شد غیر تمان چه شد مردانگیتان چرا می‌گذارید در تمام استان شهرمان از یکی از شهرهای بی تفاوت بشمار آید چرا می‌گذارید این سوسولها و بی تفاوتها در شهرما هرجور که خودشان خواستند بگردند و هرج و مرج و فساد در شهر بکنند چرا می‌گذارید مقدسات ما را کله دار کنند. من به شما توصیه می‌کنم به شما همرزمان و جوانان غیرت مند شهرمان عزیزادی با قدرت جلو این مسئله بایستید و نگذارید اینها در شهر ما ریشه کنند و در هم بکوبید شان را، با برادران کمیته همکاری



۴۶

زهرای مرضیه و فاطمه زهرا محشور شوید. خواهرانم با حجاب خود مشت محکمی بر دهان یاوه گویان چپ‌گرا بزنید و اجازه ندهید که منافقین را نه‌هید و با شرکت در بسیج خواهران این امر را مستحکم کنید و اما برادرانم اسلحه من در صحرای گرم خوزستان بی صاحب است آن را یاوری کنید مگذارید اسلحه من بی صاحب بماند. جای خالی برادر جبهه بگذارید که ان شاءالله خداوند او هر شهید را به شما برگرداند مادرم امیدوارم توفیق شهادت نصیبم شد هرگز برایم اشک نریزید و لباس سفید بپوشید. اگر جسم بریده بریده بدست شما رسید هرگونه خواستید مرا دفن کنید اشکالی ندارد اما اگر در میان شهدای شهید زاده شوند خداست و اگر جسمم بدست شما نرسید خود را در دامان فرزندان بی بابای شکنجه‌گران بگذارید که هنوز خبری از بابا ندارند اگر بعد از شهادت تکه‌های جسمم بورد کسی خورد که نتواند صدایی برایم باشد که بارها از آنها دم کم کنند خود مختارید و می توانید آن را انجام دهید. مادرم هر وقت خواستی برای من گریه کنی برای سالار شهیدان و علی اکبر حسین گریه کن که انشاءالله... خداوند شما را در صف زنان مومنه قرار دهد در آخر چندی و شما را به خواهم - ارم

خدایا این بنده گنهکار را در زمره شهدا خود قرار بده.

خدایا از سر تقصیرات من در گذر و مرا در آخرت شفیع شهدا قرار بده.

خدایا رهبر بی‌نظیر انقلاب را از جمیع بلایات حفظ بفرما.

خدایا به پدر و مادر و بازماندگان شهدا صبر و اجر عنایت بفرما.

و در آخر توصیه‌ای به مبادا خویشتن را و آلوده امام خویش را تنها گذارید

زخون هر شهیدی لاله‌ای روید مبادا روی لاله پا گذارید

۶۶/۶/۱۰ بنده کمترین خدا مقصودی



نام: **احمد**
نام خانوادگی: **مقیمی**
نام پدر: **محمد**
نام مادر: **خدیجه**
تاریخ تولد: **یکم دی ۱۳۴۲**
محل تولد: **شهر بسطام از توابع شهرستان شاهرود**
تحصیلات: **سوم متوسطه در رشته برق**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **دوم فروردین ۱۳۶۱**
محل شهادت: **عین‌خوش**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش**
مزار: **گلزار شهدای زادگاهش**

عبارت‌های کلیدی

- مواظب رهبر باشید.
- جامعه‌ای که در آن بخواهد حکومت الله حکم‌فرما باشد، شرط آن این است که باید شهید بدهد، باید خون بدهد و هجرت کند.
- با میل خودم با اشتیاق فراوان به مرز جنوب کشور اعزام شدم.
- سفارش می‌کنم امام را بهتر بشناسید.
- به آن‌ها که فریب خورده‌اند و امام را نمی‌شناسند، بگویید بروند مطالعه کنند و سر عقل بیایند که او روح خدا و طاغوت‌شکن است.
- امید است که در روز بازخواست خداوند ما را از یاران حسین علیه السلام قرار بدهد.

احمد مقیمی

بسم الله الرحمن الرحیم

«و لاتحسبن الذین قتلوا فی سبیل الله امواتا بل احیاء عند ربهم یرزقون»[۱].

شاید وصیت نوشتن برای جوانانی که هنوز عمری و سالی نگذرانده‌اند بسیار سخت باشد. وصیت‌نامه به‌معنای آن است که انسان خود را برای مرگ و یا شهادت آماده می‌سازد و مرگ یعنی رها کردن همه آن امیدها و آرزوها. چه سخت است هر لحظه باید خود را برای مرگ آماده نمایی! همه اینها به یک طرف، بعد از مرگ را که اعمالت گواه است [به یک طرف]. پس اگر می‌خواهد مرگ تو را دریابد پس خود را در ترازوی خویش بسنج. و وای بر تو که بی‌حاصل یک عمر، و حتی یک روز بی‌حاصل زندگی کرده است. بیندیش ببین کجایی و چه کار می‌کنی. پس آن وقت که به سجده می‌افتی و سپاس می‌گزاری. و روزی که در راهش به میدان بروی در یک طرفش کفر است با تمام امکانات و در طرف دیگر جوانانی سلحشور و باایمان که برای حق مبارزه می‌کنند برای [...][۲].

ای ملت مسلمان و دلیر، شما عزیزان خود را در راه انقلاب از دست دادید و فرزندانی رشید در راه گسترش قرآن بدهید، مواظب رهبر باشید و مراقب این منافقان[۳]. اگر شما حافظ رهبر و جانشینان و قرآن و اسلام باشید به صراط مستقیم هدایت می‌شوید. جامعه‌ای که در آن بخواهد حکومت الله حکم‌فرما باشد شرط آن این است که باید شهید بدهد و باید خون بدهد و باید هجرت بکند. و مکتب مبارزه است بر علیه ستمگران.

و حالا با میل خودم با اشتیاق فراوان به مرز جنوب کشور اعزام می‌شوم و می‌توانم بگویم که تا به حال اینطور خوشحال نبودم. این حدیث از پیغمبر(صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) نقل شده است

۱- آل عمران/ ۱۶۹. «هرگز گمان مبر کسانی که در راه خدا کشته شدند مردگانند بلکه آنان زنده‌اند و نزد پروردگارشان روزی داده می‌شوند».

۲- خوانا نیست.

۳- ر.ک.تعلیقات.

«**جاهدوا باهوائکم [و] انفسکم**»[۱]، «یعنی با هوای نفستان مبارزه کنید تا مالک آن بشوید». و در جای دیگر مبارزه با نفس را جهاد اکبر[۲] تلقی کرده است.

در آخر، سفارش می‌کنم امام را بهتر بشناسید. او نمایندهٔ امام زمان و از خداوندش [...][۳] او مانند ابراهیم و محمد(صلی الله علیه و آله و سلم) بت‌شکن می‌باشد. هرگز پایتان از [...][۴] امام امت خمینی بت‌شکن بیرون نگذارید. اگر به درد مستضعفان نخورید شکست خواهید خورد. به آنها که فریب خورده‌اند و امام را نمی‌شناسند بگویید بروند مطالعه کنند و سر عقل بیایند. او روح خداست. او طاغوت‌شکن است و ادامه‌دهندهٔ راه حسین (ع) و راه علی (ع) است.

امیدوارم که پدر و مادرم در طول عمر من که گناهان و اشتباهات زیادی از من سر زده است ببخشایند و مرا در دنیا و آخرت ببخشند. و همچنین از چهار برادر عزیزم و دو خواهر گرامی‌ام و همچنین آقا داداش حسن یوسفی نیز خیلی عذرخواهی می‌نماییم. امید است که در روز بازخواست خداوند ما را از یاران حسین علیه السلام قرار بدهد و ما را بیامرزد اگر من لیاقت شهید شدن را داشتم و شهید شدم استدعا دارم که محمود مسئولیت‌های سنگین را قبول و اجرا نماید.

«والسلام علیکم و رحمة الله»

احمد مقیمی

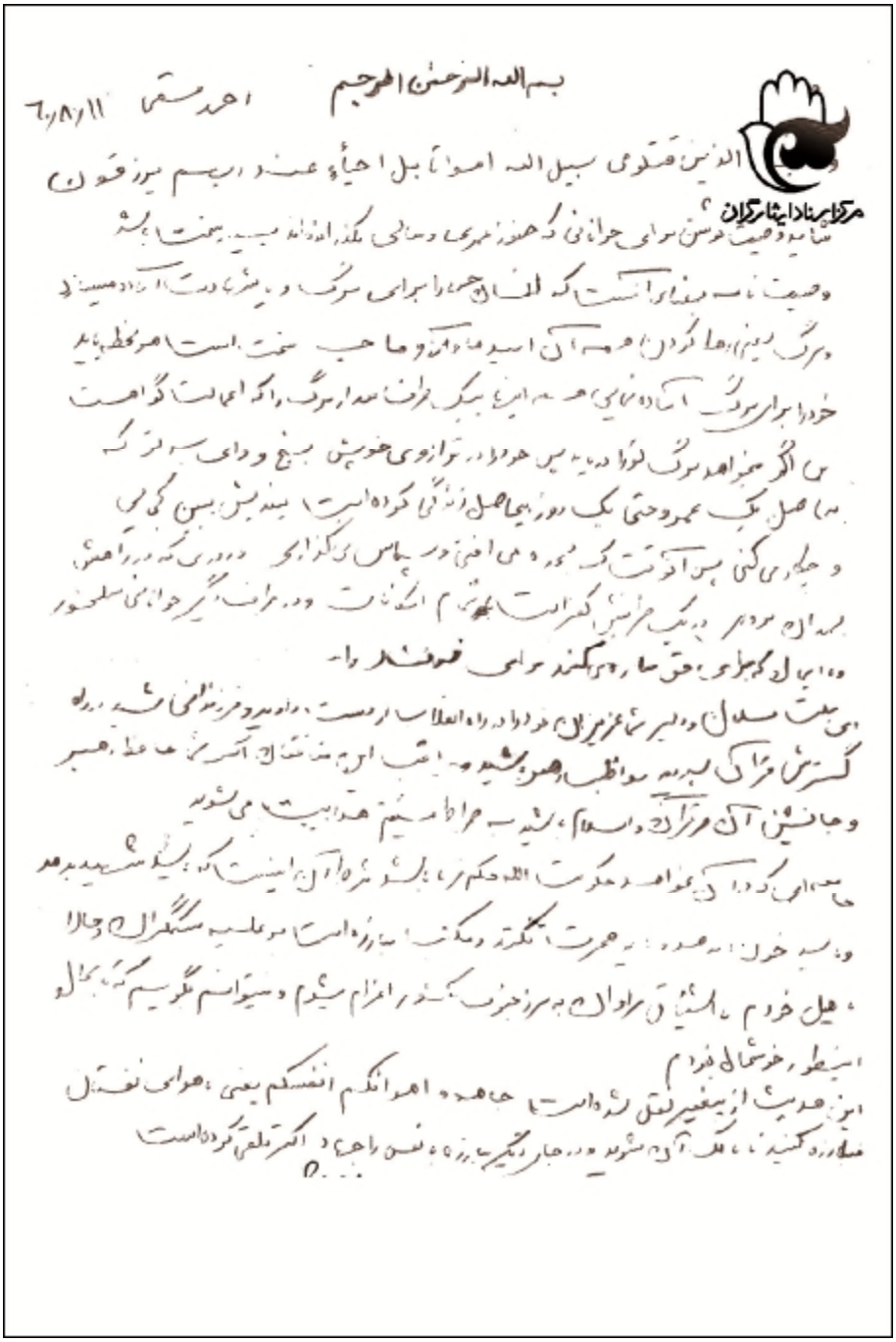
۶۰/۸/۱۱

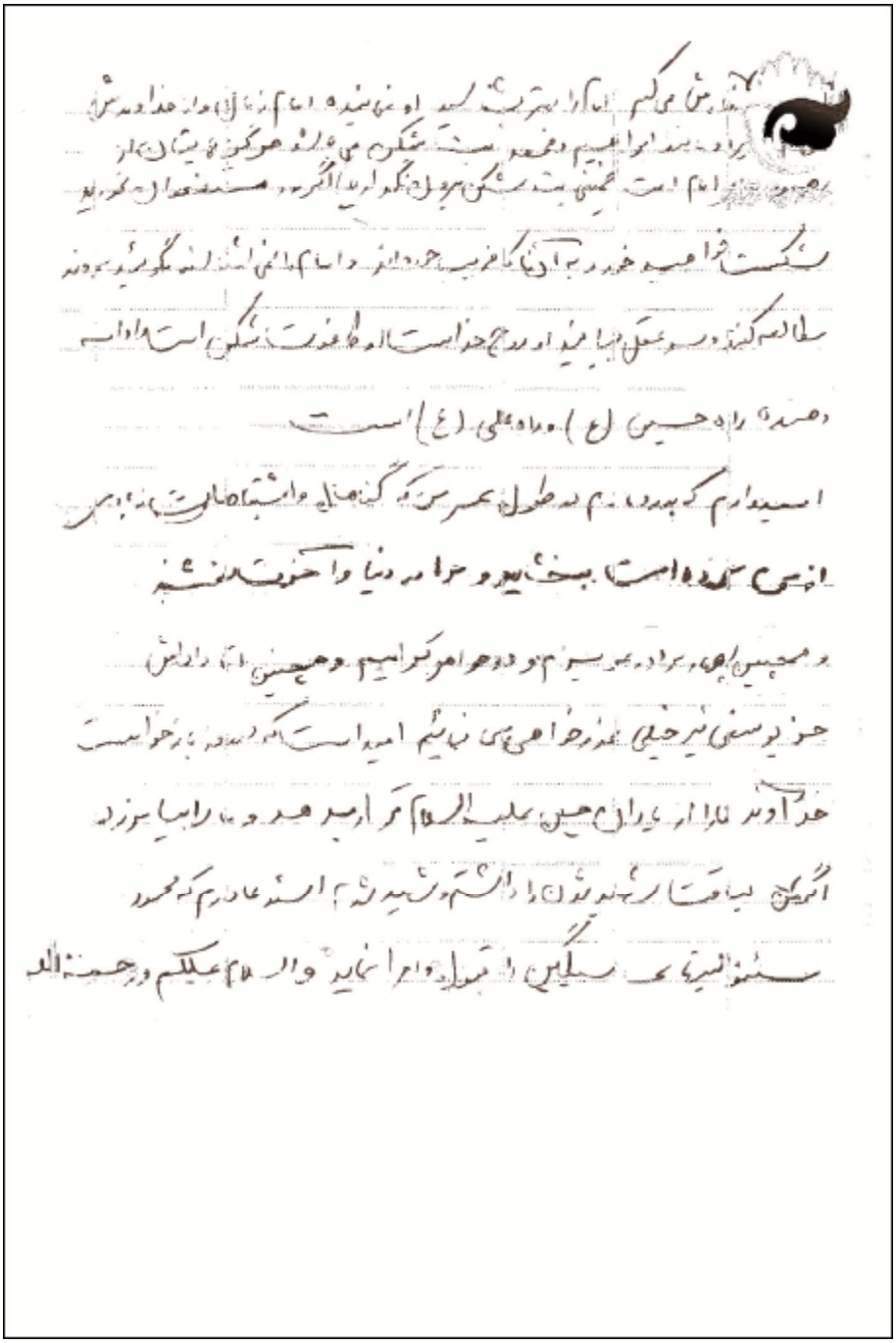
۱- مجموعه ورا، ج ۲، ص۵۴۹.

۲- نهج‌الفصاحه، ص ۸۹۰، حدیث ۶۰۲.

۳- خوانا نیست.

۴- خوانا نیست.







نام: **محمدعلی**
نام خانوادگی: **مکاری‌نسب سمنانی**
نام پدر: **عبدالعلی**
نام مادر: **ستاره**
تاریخ تولد: **بیست‌وهفتم اسفند ۱۳۴۶**
محل تولد: **شهرستان سمنان**
تحصیلات: **دوم راهنمایی**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **بیست‌وپنجم اسفند ۱۳۶۳**
محل شهادت: **دجله‌عراق**
نحوهٔ شهادت: –
مزار: **امامزاده‌یحیای زادگاهش**

عبارت‌های کلیدی

- از شما می‌خواهم که مانع رفتن فرزندانتان به جبهه نشوید.
- جبهه هر جایش چه خط مقدم و چه پشت خط کلاس اخلاق است.
- ای مردم عزیز و شهیدپرور سمنان، همیشه و هر جا به یاد خدا باشید.
- جز خدا و قرآن و اسلام چیز دیگری به دردتان نمی‌خورد.
- فقط اعمال خوب شماست که بدرتان می‌خورد.
- همیشه به‌یاد خدا باشید.

محمدعلی مکاری‌نسب‌سمنانی

بسم الله الرحمن الرحیم

«و لاتحسبن الّذین قتلوا فی سبیل الله امواتاً بل احیاء عند ربّهم یرزقون»[۱]

«گمان مبرید کسانی که در راه خدا کشته می‌شوند مرده‌اند بلکه زنده‌اند و در نزد خدای خود روزی می خورند».

اینجانب محمدعلی مکاری‌نسب یا به قول دوستان (میثم خجسته‌فر) وصیت‌نامه خود را آغاز می‌کنم، با سلام و درود بیکران بر منجی عالم بشریت حضرت حجة‌بن الحسن العسکری(عج) و نایب برحقش امام خمینی و با درود بر تمامی خانواده‌های شهدا و اسراء.

من حقیر و کوچک پیامی برای شما مردم بزرگوار و فداکار، که حتی لیاقت صحبت کردن را هم ندارم چه رسد به پیام دادن برای شما. ولی از شما همشهریان محترم و عزیز می‌خواهم که مانع رفتن فرزندانتان به جبهه نشوید، چون جبهه هر جایش چه خط مقدم و چه پشت خط کلاس اخلاق است، کلاس ایثار و ایثارگری‌ها است و اگر می‌خواهید که این برایتان اثبات شود برای یک بار یعنی یک مأموریت کوتاه پانزده روزه برای بازدید به جبهه بیایید و ناظر این همه خوبی‌ها باشید، خوبی‌هایی که در شهر حتی در خوش‌ترین روزها با آن برخورد نکرده‌اید و اگر نیایید به نظر اینجانب حقیر دیگر در عمرتان نخواهید دید مگر اینکه باز یزید قصد مقابله با حسین(علیه‌السلام) و یارانش را داشته باشد.

ای مردم عزیز و شهیدپرور سمنان، همیشه و همه جا به‌یاد خدا باشید، که جز خدا و قرآن و اسلام چیز دیگری به دردتان نمی‌خورد. هنگامی‌که مردید پدرانتان را در یک قبر، همسرانتان را در یک قبر و فرزندانتان را در یک قبر می‌گذارند و در اینجا فقط اعمال خوب شماست که به درتان می‌خورد، نه دیگر پدر و مادر، فقط و فقط اعمال است. پس همیشه به‌یاد خدا باشید.

ای عزیزان هم سن و سالَم، قرآن جوانی را زینت زندگانی‌مان قرار داده است. ای محصلان عزیز ای امیدان آینده مملکت اسلامی، شما هم به درس خود برسید و همیشه

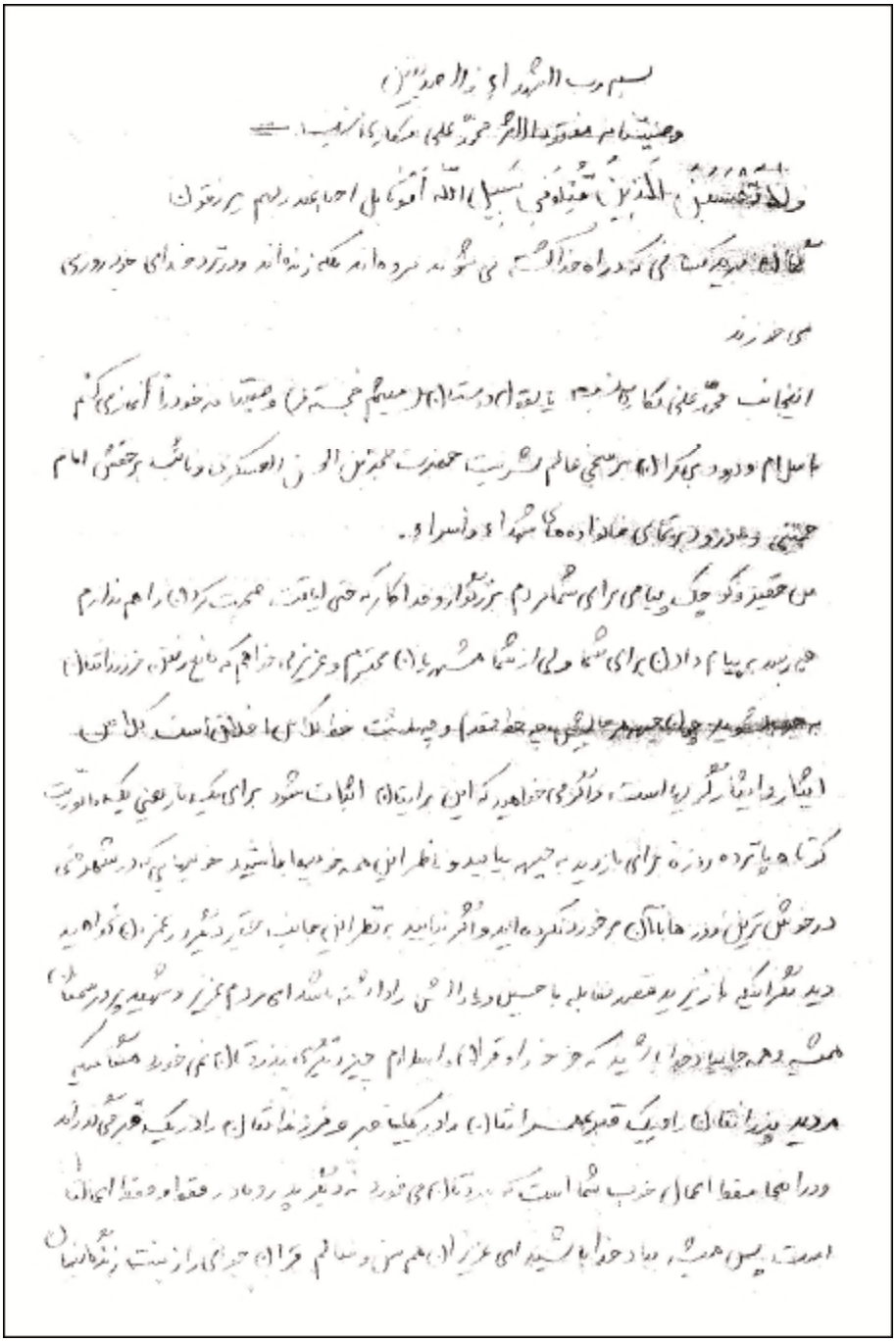
۱- آل عمران/ ۱۶۹.

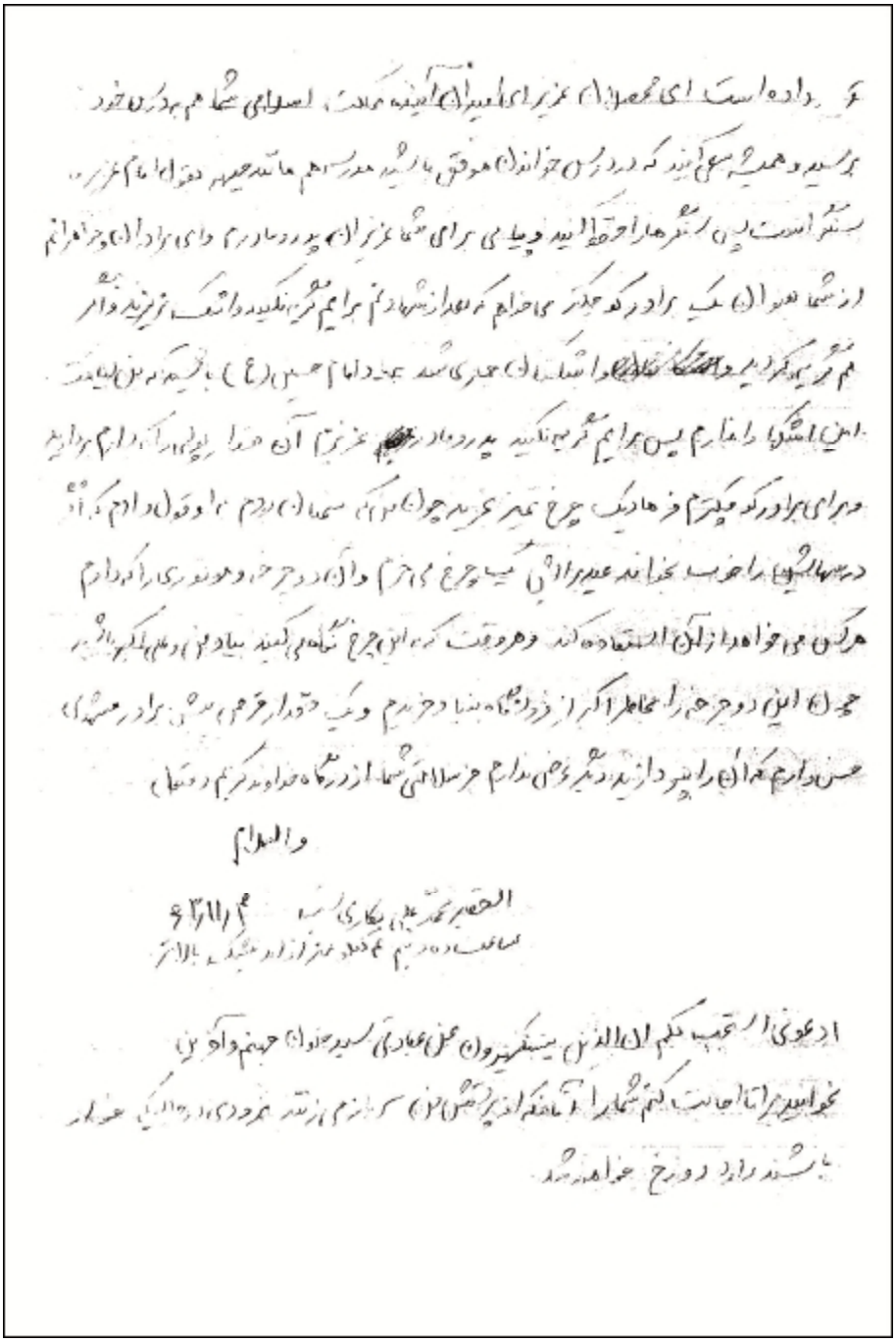
سعی کنید که در درس خواندن موفق باشید. مدرسه هم مانند جبهه، به قول امام عزیزمان، «سنگر است پس سنگرها را حفظ کنید»[۱]. و پیامی برای شما عزیزان، پدر و مادرم. و ای برادران و خواهرانم، از شما به عنوان یک برادر کوچکتر می‌خواهم که بعد از شهادتم برایم گریه نکنید و اشک نریزید و اگر هم گریه کردید و اشکتان جاری شد به یاد امام حسین(ع) باشید، که من لیاقت این اشک‌ها را ندارم. پس برایم گریه نکنید. پدر و مادر عزیزم، آن مقدار پولی را که دارم بردارید و برای برادر کوچکترم فرهاد یک چرخ تمیز بخرید چون من که سمنان بودم به او قول دادم که اگر درسهایش را خوب بخواند عید برایش یک چرخ می‌خرم. و آن دوچرخه و موتوری را که دارم هر کس می‌خواهد از آن استفاده کند و هر وقت که به این چرخ نگاه می‌کنید به یاد من و علی اکبر باشید چون این دوچرخه را به‌خاطر اکبر از فروشگاه بنیاد خریدم. و یک مقدار قرض پیش برادر مشهدی حسن دارم که آن را بپردازید. دیگر عرضی ندارم جز سلامتی شما از درگاه خداوند کریم و متعال.

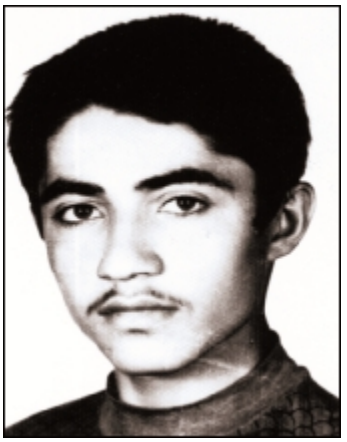
«والسلام»
الحقیر محمدعلی مکاری‌نسب ۶۳/۱۱/۴
ساعت ده و نیم ۴ کیلومتر از اندیمشک بالاتر

«**ادعونی استجب لکم ان الذین یستکبرون عن عبادتی سیدخلون جهنم داخرین**»[۲].
«بخوانید مرا تا اجابت کنم شما را آنان که از پرستش من سر باز می‌زنند به‌زودی در حالی‌که خوار باشند وارد دوزخ خواهند شد».

۱- صحیفهٔ امام، ج۷، ص۳۶۶.
۲- بخشی از غافر/ ۶. در اصل وصیت «...و آخرین».







نام: **محمود**
نام خانوادگی: **مکرمی**
نام پدر: **محمدحسین**
نام مادر: **خدیجه**
تاریخ تولد: **یکم آبان ۱۳۴۳**
محل تولد: **شهرستان دامغان**
تحصیلات: **اول متوسطه**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **بیست‌وششم تیر ۱۳۶۲**
محل شهادت: **سردشت**
نحوهٔ شهادت: **اصابت گلوله**
مزار: **گلزار شهدای فردوس‌رضای زادگاهش**

عبارت‌های کلیدی

- اینک که از بند اسارت آزاد شده‌ام و به سوی جبهه‌ها پرواز نموده‌ام بسیار خوشحال هستم.
- خوشحالم از آنکه جایی رفته‌ام که امام زمان(عج) بر آن سرزمین قدم نهاده است.
- خوشحالم از آنکه به سرزمینی که مملو از عشق به خدا و توسل برادران رزمنده به ائمه معصومین است قدم نهاده‌ام
- آنقدر به جبهه می‌روم و می‌جنگم تا شهید شوم.
- مبادا از رفتن فرزندانتان به جبهه جلوگیری کنید.
- همه مثل خاندان وهب جوانانتان را به جبهه‌های نبرد بفرستید.
- هرگز دشمنان بین شما تفرقه نیندازند و شما را از روحانیت متعهد جدا نکنند.
- حضورتان را در جبهه‌های حق بر علیه باطل ثابت نگه‌دارید.
- صداقت و اخلاص خود را همچنان حفظ کنید.
- بارخدایا رهبر ما را نگه‌دار باش عمرش را به بلندی آفتاب قرار بده.
- بارخدایا پرچم «لا اله الا الله» را در روی کره زمین به اهتزاز درآور.

محمود مکرمی

بسم الله الرحمن الرحیم

«و لاتحسبن الذین قتلوا فی سبیل الله امواتا بل احیاء عند ربهم یرزقون»[۱].

«هرگز مپندارید آنان که کشته شدند در راه خدا مردگانند بلکه آنان زندگانی هستند که نزد پروردگارشان روز[ی] می‌خورند».

وصیت‌نامه اینجانب محمود مکرمی، فرزند محمدحسین مکرمی، شماره شناسنامه ۲۱۰، متولد سال ۱۳۴۳، صادره از دامغان، وصیت‌نامه‌ام را اول با حدیثی از رسول خدا شروع می‌کنم. قال رسول الله(صلی الله علیه و آله و سلم): «اشرف الموت قتل الشهادة»[۲]. «شرافتمندترین مرگ‌ها شهادت است».

با سلام و درود بر مولا امام زمان (عج) امام عصر و منجی عالم بشریت و با سلام و درود بر یگانه رهبر ایران حضرت امام خمینی و با سلام بر سپاهیان جبهه‌های جنگ و با درود بر جانبازان انقلاب اسلامی ایران و با درود بر شهیدان همیشه جاوید انقلاب خونبار اسلامی ایران که با خون خود انقلاب اسلامی ایران را رنگین نمودند و نهال انقلاب را آبیاری نمودند. با درود بر امامی که شب را زنده نگه می‌دارد و در نیمه‌های شب گریه می‌کند و مانند قطرات باران اشک می‌ریزد و برای پیروزی رزمندگان دعا می‌کند و شب تا به صبح به عبادت مشغول است.

اینک که از بند اسارت آزاد شده‌ام و به‌سوی جبهه‌ها پرواز نموده‌ام بسیار خوشحال هستیم، خوشحال از آنکه از ظلمت رها شدم، که به جایی رفته‌ام به دیاری رفته‌ام که در آنجا خون هزاران شهید ریخته شده است و امام زمان(عج) بر آن سرزمین قدم نهاده است و به سرزمینی که مملو از عشق به خدا و توسل برادران رزمنده به ائمه معصومین است قدم نهاده‌ام. ای خداوند بزرگ و یکتا، تو را ستایش می‌کنم این نعمت بزرگ را به من داده‌ای.

۱- آل عمران/ ۱۶۹.

۲- بحارالانوار، ج۹۷، ص۸.

ای خداوند، من در برابر این نعمت بزرگت چنین گویم: آنقدر به جبهه می‌روم و می‌جنگم تا شهید شوم.

من سفارش دارم به جوانان [که] هنوز در خواب غفلتند، که پا به جبهه نگذاشته‌اند. ای جوانان نکند در رختخواب ذلت بمیرید که حسین(ع) در میدان نبرد شهید شد، ای جوانان مبادا در غفلت بمیرید که علی(علیه‌السلام) در محراب عبادت شهید شد و مبادا در حال بی‌تفاوتی بمیرید که علی اکبر[1] حسین(علیه‌السلام) در راه حسین(ع) و با هدف شهید شد.

ای مادران مبادا از رفتن فرزندانتان به جبهه جلوگیری کنید که فردا در محضر خدا نمی‌توانید جواب زینب(س) را بدهید که تحمل ۷۲ شهید را نمود. همه مثل خاندان وهب[2] جوانانتان را به جبهه‌های نبرد بفرستید و حتی جسد او را هم تحویل نگیرید، زیرا مادر وهب فرمود سری را که در راه خدا داده‌ام پس نمی‌گیرم.

برادران، استغفار و دعا را از یاد نبرید که بهترین درمان‌ها برای تسکین دردهاست و همیشه به یاد خدا باشید و در راه او قدم بردارید. و هرگز دشمنان بین شما تفرقه نیندازند و شما را از روحانیت متعهد جدا نکنند، که اگر چنین کردند روز بدبختی مسلمانان و روز جشن ابرقدرت‌هاست. ای برادران عزیزم، حضورتان را در جبهه های حق علیه باطل ثابت نگه دارید. در امام بیشتر دقیق شوید و سعی کنید عظمت او را بیابید و خود را تسلیم او بسازید و صداقت و اخلاص خود را همچنان حفظ کنید.

اگر فیض شهادت نصیبم گشت آنان که پیرو خط سرخ امام خمینی نیستند و به ولایت او اعتقاد ندارند بر من نگریند و بر جنازه من حاضر نشوند، اما باشد که دماء شهدا آنان را نیز معقول سازد و به رحمت الهی نزدیکشان کند. پدر و مادرم، اگر من شهید شدم سلام مرا به رهبر عزیزم برسانید و به او بگویید «امام عزیزم، تمام عمرم فدای یک لحظهٔ عمرت» و بگویید «ای امام عزیز تا آخرین قطرهٔ خونم سنگر اسلام را ترک نخواهم کرد. با خداوند پیمان می‌بندم که در تمام عاشوراها و کربلاها با حسین(علیه‌السلام) همراه باشم و سنگر او را

۱- ر.ک.تعلیقات.

۲- ر.ک.تعلیقات.

خالی نکنم تا هنگامی‌که همه احکام اسلام در زیر پرچم اسلامی امام زمان(عج) به اجـرا در آید».

و در آخر ای دوستان و برادران عزیزم، اگر از من بدی سر زد مرا حـلال کنیـد. پـدر و مادرم، انشاءالله اگر شهید شدم برای من گریه نکنید و اگر هم خواستید اشک بریزید، بـرای شهدای کربلا اشک بریزید به هنگام شهادتم عزا نگیرید، جشن بگیرید و به همدیگر تبریک بگویید و شیرینی بدهید و برای شهادت من لباس سیاه نپوشید. پـدر و مـادرم، اگـر از مـن بدی دیدید[1] مرا حلال کنید. اگر از جبهه سالم برگشتم جبران آن همـه بـدی‌هـا را خـواهم کرد. من برای شما فرزند خوبی نبودم، امیدوارم که مرا ببخشید. اگر توفیق شـهادت نـصیبم شد ناراحت نباشید و افتخار کنید که فرزندتان را در راه خدا هدیه نمودید.

برادرم و خواهرم، درس‌هایتان را خوب بخوانید و به پدر و مادر کمک کنید. نمازهایتان را به‌موقع بخوانیـد، روزه بگیریـد، پـشتیبان اسـلام و رهبـر باشـید. خـواهرانم، بایـد شـما زینب‌وار[2] باشید و حجاب داشته باشید.

پدر و مادرم، اگر توفیق رفتن به کربلا نصیبتان شد کـه قبـر مطهـر و شـش‌گـوش امـام حسین(علیه‌السلام) را زیارت کنید، از امام حسین(علیه‌السلام) بخواهید که در روز قیامت روز رستاخیز شفاعت مرا بکند. اگر شهید شدم پیکرم را در فردوس رضا، دامغان، کنـار قبـر سـایر شـهدا دفن نمایید.

در آخر از شما برادران بسیج می‌خواهم که فعالیت خود را از دست ندهید و به وصـیتی که شهید ترابی نموده است عمل کنید، تا چشم منافقین[3] کور شود.

مقداری نماز دارم که بدهید برا[ی] من بخوانند و مقـداری روزه دارم کـه بدهیـد بـرایم بگیرند. از تمام امت شهیدپرور ایران می‌خواهم که به آنچه رهبـر مـی‌گویـد عمـل کنیـد و پشتیبان انقلاب و امام باشید و برای سلامتی و طول عمرش دعا کنید. در پایان وصیت‌نامه‌ام

۱- در اصل وصیت «دیدین».

۲- در اصل وصیت «همچون زینب‌وار».

۳- ر.ک.تعلیقات.

چند دعا می‌کنم. یک سفارش دیگر: بر روی قبرم کلمهٔ ناکام را ننویسید، چون من کام خود از شهادت گرفته‌ام.

بارخدایا رهبر ما را نگه‌دار باش و عمرش را به بلندی آفتاب قرار بده[۱].

بارخدایا مجروحین و معلولین انقلاب را شفای عاجل عطا بفرما.

بارخدایا رزمندگان اسلام را در جبهه‌ها پیروزشان بگردان.

بارخدایا یاران باوفای امام را نگه‌دار باش.

بارخدایا شهدای ما را با شهدای کربلا محشور بگردان.

بارخدایا پرچم «**لا اله الا الله**» را در روی کرهٔ زمین به اهتزاز[۲] درآور.

بارخدایا توفیق شهادت در راهت را نصیب ما بگردان.

خدایا، بارالها، معبودا، معشوقا، مولایم، من ضعیف و ناتوان دوست دارم چشم‌هایم را دشمن در اوج دردش از حدقه در بستان درآورد و دست‌هایم را در تنگ چزابه قطع کند و پاهایم را در خونین‌شهر از بدن جدا سازد و قلبم را در سوسنگرد آماج رگبارهایش کند و سرم را در شلمچه از تن جدا نماید، تا در کمال فشار و آزار دشمنان مکتبم ببینند که گرچه چشم‌ها و دست‌ها و پاها و قلب و سینه و سرم را از من گرفته‌اند اما یک چیز را نتوانسته‌اند که بگیرند و آن ایمان و هدفم است که عشق به الله و معشوقم و به مطلق جهان هستی و عشق به شهادت و عشق به امام و اسلام است.

«والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته»[۳]

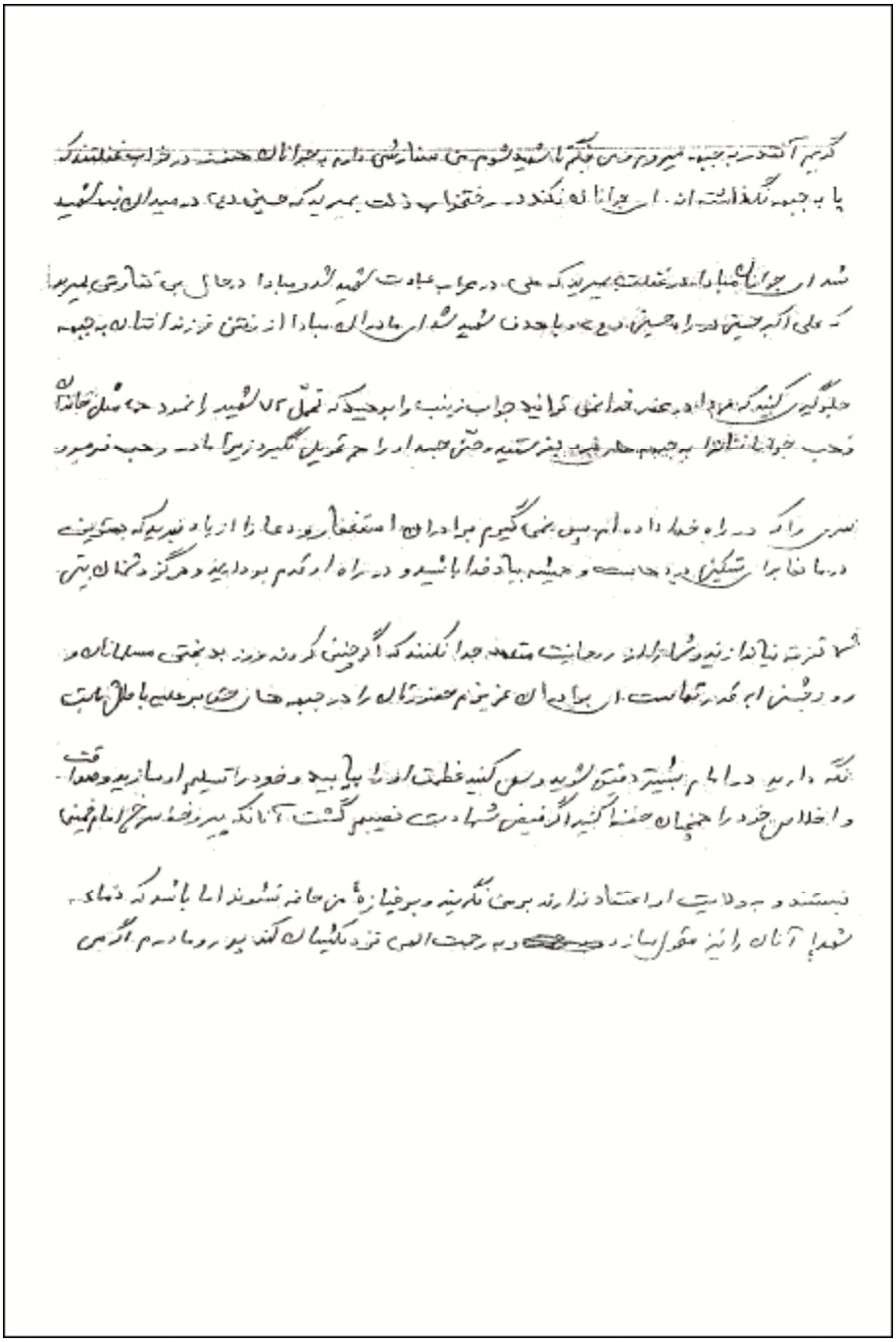
محمود مکرمی

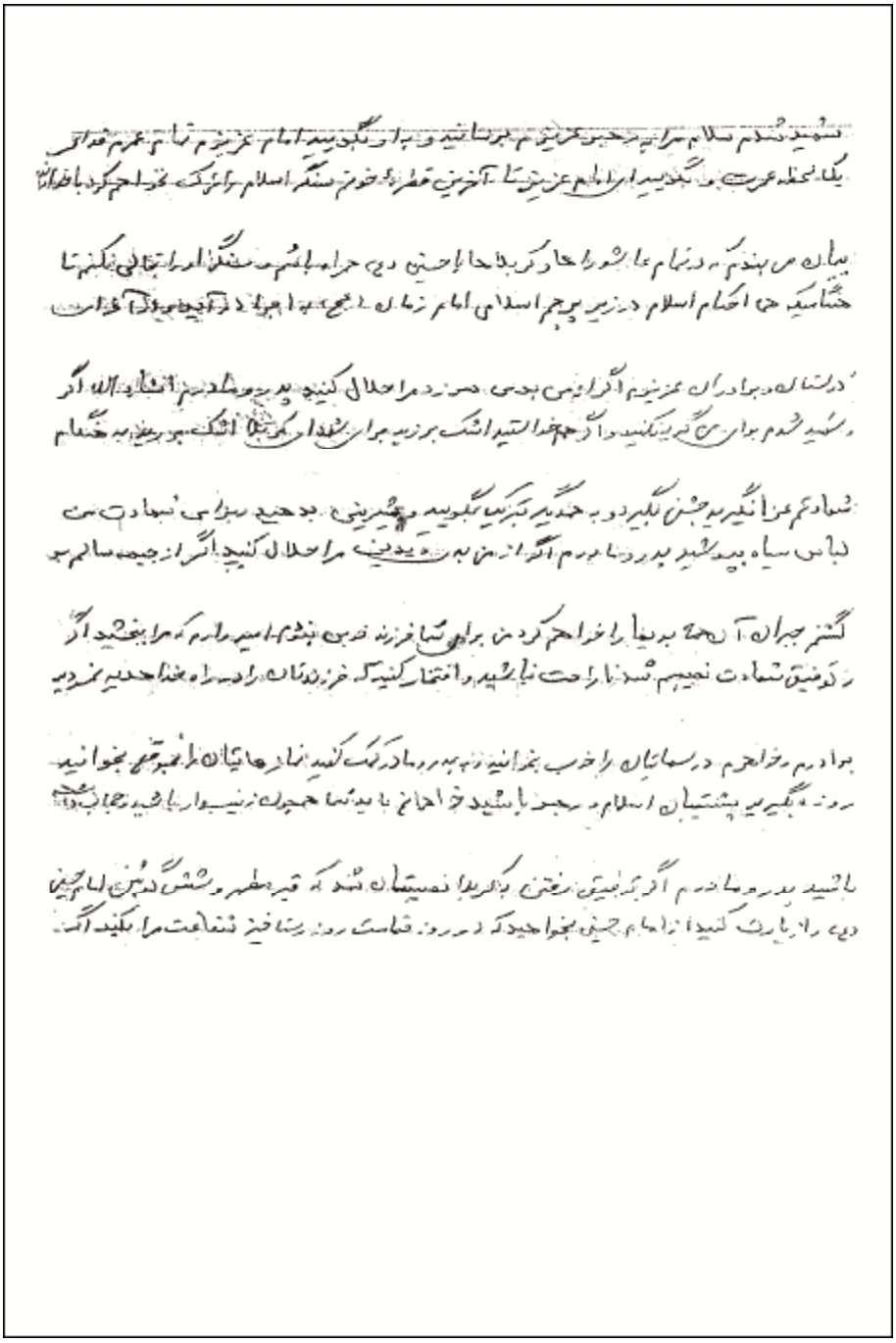
۱- در اصل وصیت «بدهید».

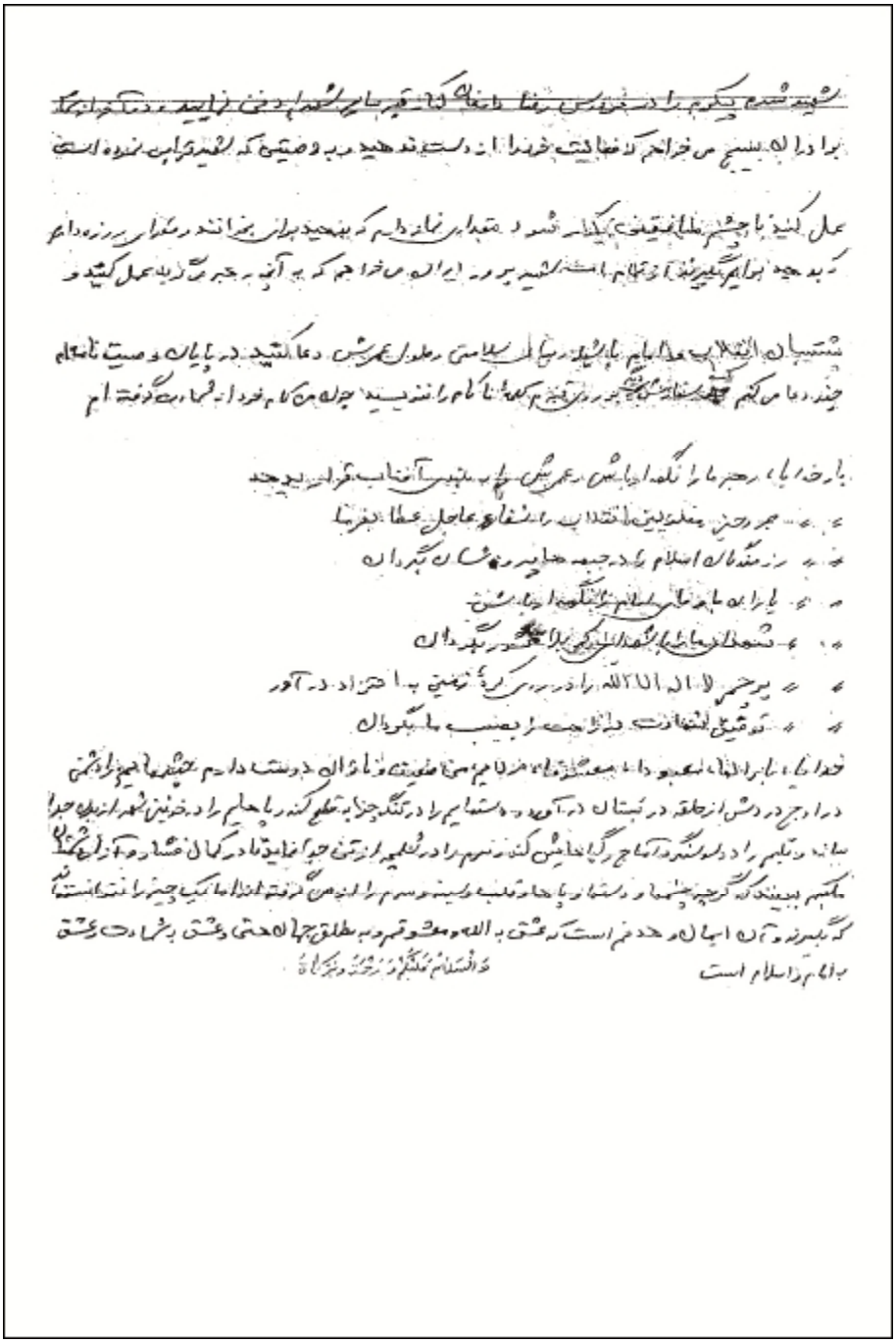
۲- در اصل وصیت «احتزاز».

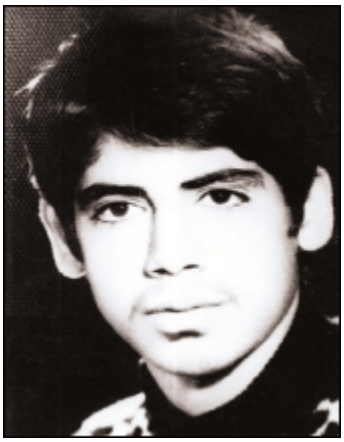
۳- در اصل وصیت «... رحمته و برکاة».











نام: **اسماعیل**
نام خانوادگی: **ملاحسنی**
نام پدر: **محمدتقی**
نام مادر: **عذرا**
تاریخ تولد: **بیستم خرداد ۱۳۴۵**
محل تولد: **شهرستان شاهرود**
تحصیلات: **دانشجوی رشته تربیت بدنی**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **هشتم بهمن ۱۳۶۵**
محل شهادت: **شلمچه**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش**
مزار: **گلزار شهدای روستای مغان**

عبارت‌های کلیدی

- معبودا از شر شیطان محفوظم دار که تنها تو را دارم.
- خدایا به مقربان درگاهت توبه‌ام را بپذیر و به لطف و کرمت مرا بهره‌مند ساز.
- مردم قدر امام عزیز را بدانید و به سخنانش جامه عمل بپوشید.
- اگر بی‌اعتنایی نسبت به عنایات امام امت کنید از قافله عقب می‌افتید.
- از خدا بخواهید ایمان‌تان را نسبت به روز جزا زیاد گرداند.
- اگر ایمان قوی نباشد حتما شیطان سراغمان می‌آید.
- خواهران، حجاب خود را آن‌طور که اسلام دستور داده است حفظ کنید.
- خواهران، کاری زینب‌گونه کنید و گریه شما برای من فقط برای شناساندن حق باشد.

اسماعیل ملاحسنی

بسم الله الرحمن الرحیم

«الهی و ربّی من لی غیرک اسئله کشف ضُرّی والنظر فی امری»[۱].

«معبودا پروردگارم کیست برای من جز تو تا درخواست کنم که بر طرف کند بد حالیم را و توجه کند در کارهایم».

با سلام و درود خدمت آقا امام زمان(عج) و نایب بر حقش خمینی کبیر پیر جماران بت‌شکن دوران و با سلام به ارواح طیبه شهدای راه حق و با سلام به امت شهیدپرور و به‌نام آن کس که حیات و ممات همه به‌دست اوست و به‌نام آن کس زبان تو گفتن مدح هر که جهان را به این زیبایی و منظمی سازنده است و هر ذره‌ای از آن کمال مخصوص بخود دارد. و به‌نام آن کس که رجعت همه به او ختم می‌شود.

بار الها کثرت گناهان بر دوشم سنگینی می‌کند و با داشتن این همه گناه خجالت می‌کشم که سخنی بگویم که موجب رنجش تو شود. خداوندا زیاد ظلم کرده‌ام به خودم که در طلب تو بود بارها گوش به حرف نفس اماره‌ام دادم و باعث شد که از تو ای مولا دور شوم و قساوت قلبم زیاد شود و در حق تو ای معبود ظلم کنم. بار الها حال از این گناهانم از تو طلب مغفرت می‌کنم چون جز تو کسی را ندارم که به او پناه ببرم تا روحم آرامش یابد.

بار الها بدنم از فرط گناهانم ضعیف شده است و چه بی‌شرم است این بنده‌ات که بارها از تو فرار کرده و حال روبه مولای خویش آورده است. معبودا از شر شیطان [...][۲] محفوظم دار که تنها تو را دارم. خدایا خطایم را ببخش و از گناهانم در گذر که خود گفته‌ای بندگان توابت را دوست داری پس خدایا به مقربان درگاهت توبه‌ام را بپذیر و به لطف و کرمت مرا بهره‌مند ساز.

۱- فرازی از دعای کمیل، مفاتیح الجنان.

۲- خوانا نیست.

هنگامی که مرگ در نظرم مجسم می‌شود لرزه بر بدنم می‌افتد که چگونه می‌تواند این بدن ضعیف فشار قبر را تحمل کند و باز خواست‌های ملائکه را پاسخ‌گو باشد. بار پروردگارا ایمانم را قوی کن و مرا در این راهی که قدم گذاشته‌ام محکم و استوار نگه‌دار. که اگر ذره‌ای غرور گیرد سقوط خواهیم کرد. زیرا هر چه دارم از توست پس این نعمات را به لطف و بزرگواریت از این بنده حقیر سلب مفرما. ای مولا از همه بی‌نیاز هستی و همه به تو نیازمند.

و تذکر و سخن با امت شهیدپرور: مردم قدر امام عزیز را بدانید و به سخنانش جامه عمل بپوشید شما که تمام اوقات خود را صرف کارهای روزانه می‌کنید. آیا بهتر نیست ساعتی هم برای فکر کردن روی سخنان امام و بررسی کارهای روزانه کنار گذارید. اگر بی‌اعتنایی نسبت به عنایات امام کنید از قافله عقب می‌افتید و در منجلاب گناه غوطه‌ور می‌شوید. و همیشه از خدا بخواهید ایمانتان را نسبت به روز جزا زیاد گرداند زیرا اگر این قسمت تقویت شد سدی می‌شود برای جلوگیری از خطاها و گناهان مردم [...][1] شیطان قسم خورده است که من انسان را گمراه می‌کنم پس اگر ایمان قوی نباشد، حتماً شیطان بسراغمان می‌آید.

دوستان و عزیزان یک کمی در خود تجدید نظر کنید و عیب و اشکال خود را در هر جایی هست، پیدا کنید که چرا دوستی این دنیا این‌قدر در قلب ما رسوخ کرده است [...][2] دوستی مادر به فرزند خویش. اگر برای انجام اعمال خیر آن را دوست دارید پس خیر دیگر آن جهاد در راه خداست و اگر آن هوای نفس خودش دوست دارید بدانید که گام در راه گمراهی نهاده‌اید و مواظب باشید عزیزان، که هر چه زودتر جلوی این اشکال را بگیرید.

و حال سخنی چند با دوستان دانشجویم که مدتی با آنها بودم. عزیزان شما را به تهذیب نفس و تقوا همراه با فراگرفتن درس سفراش می‌کنم چون هر یک از این دو اگر نامتعادل

۱- خوانا نیست.

۲- خوانا نیست.

کسب شود عیب‌هایی را بدنبال دارد. سعی کنید که فرزندان این مرز و بوم را [...][۱] تربیت کنید زیرا این کودکان امیدان آینده این انقلاب می‌باشند و شما را الگوی خود قرار می‌دهند سعی کنید الگوی خوبی باشید از خدا بخواهید که در این راه شما را موفق گرداند.

خواهران: در مورد شما سخن گفتن کار من نیست و فقط می‌توانم آن‌چه امام در مورد شما گفته است به شما تذکر دهم. خواهران [...][۲] حجاب خود را آن‌طور که اسلام دستور داده است حفظ کنید آن‌طور که امام فرمودند: «از دامن زن است که مرد به معراج می‌رود»[۳] این سخن را همیشه آویزه گوش کنید و در همین راه حرکت کنید دیگر سخنی ندارم که برای‌تان بازگو کنم به امید پیروزی جبهه اسلام علیه کفر جهانی.

سخن با خانواده گرامی‌ام:

پدرم از این‌که فرزندتان را در راه حق و اسلام عزیز داده‌اید ناراحت نباشید و شکر خدا را به‌جا آورید که فرزند خود را خوب تربیت کردید. و آن را تقدیم خداوند کردید. پدرم و خواهرانم و برادرانم، هرگاه خواستید برای من مجلسی بر پا کنید در آن روضه امام حسن(علیه‌السلام) و امام حسین(علیه‌السلام) بخوانید و برای آنها گریه کنید، زیرا گریه کردن برای این مظلومان هم ثواب برای خودتان دارد و هم ثوابی به روح این حقیر می‌رسد خواهرانم فقط شما می‌توانید جای مادرم گریه کنید نه اینکه خدای ناکرده به سر و سینه خود بزنید که اجر خود را ضایع خواهید کرد با هم کاری زینب‌گونه کنید و گریه شما فقط برای شناساندن حق باشد. و در انتها از تمام کسانی که نسبت به من حقی دارند مرا عفو [کنند][۴] آنها حلالیت[۵] می‌طلبم.

۱- خوانا نیست.

۲- خوانا نیست.

۳- صحیفهٔ امام، ج ۷، ص ۳۴۱.

۴- در اصل وصیت فعل «کنند» افتاده است.

۵- در اصل وصیت «هلالیت».

پدرم مقداری پول نزد عمه گذاشته‌ام آن را پنج روز برایم بدهید روزه بگیرند و از شما که تا این حد [...][1] و زحمت برایم کشیده‌اید خیلی متشکرم و التماس دعا دارم و از این بابت که نزد مادرم می‌روم خوشحال باش و خم به ابرو [...][2] خداوند با صابرین است.

از مرگ حذر کردن دو روز روا نیست — روزی که قضا باشد و روزی که قضا نیست
روزی که قضا باشد کوشش ندهد سود — روزی که قضا نیست بر او مرگ روا نیست

«والسلام»
۶۴/۹/۳۰

۱- خوانا نیست.
۲- خوانا نیست.

بسم الله الرحمن الرحیم

الهی قد یئس من کل غیرک فاغثنی و کشف ضری

فانت ثقتی فی امری

همه محبوبا ء پروه دگارم کیست برای من جز تو تا درخواست کنم که بر طرف کند بحالیم را و توجه کند در کارهایم ؛؛

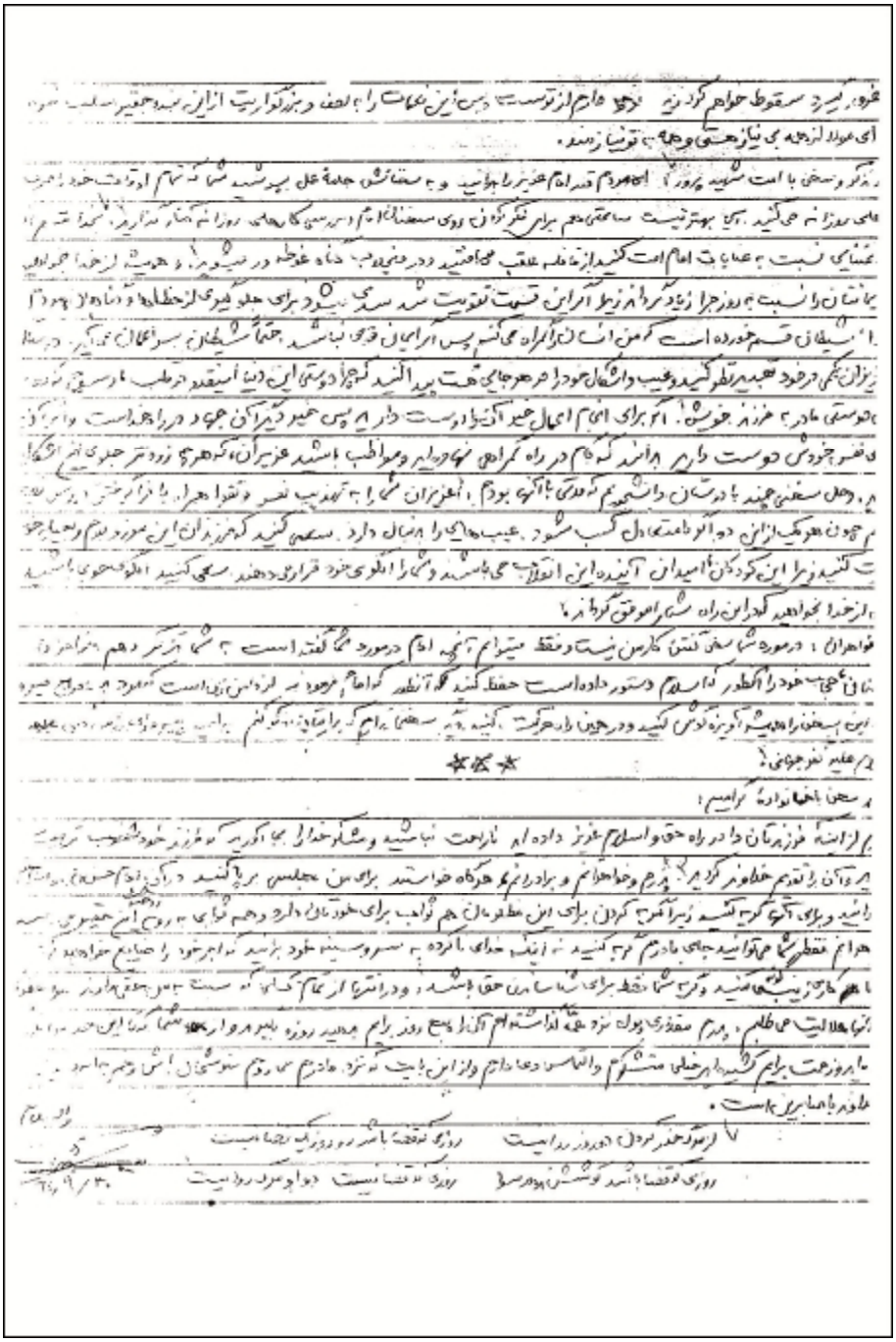
با سلام و درود حضرت آقای امام زمان (عج) و نایب برحقش خمینی کبیر و پیر جماران بت شکن دوران و با سلام ب ارواح طیبه شهدای راه حق و با سلام ب ارث مشرقین پرور ، و بنام آن کس که حیات و ممات همه بدست اوست و بنام آن کس که نام در گفتن مدح او گوهر جان را بپالاید زنایی و سنظر سلسله داست و دفتر دهای از لرزه کمال محضر من بگود داد . و بنام آن کس که رحمت همه ب او تمام میشود .

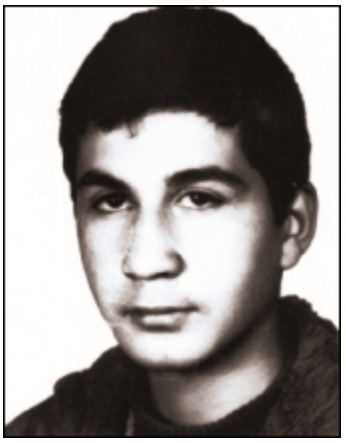
بارالها کثرت گناهان بردوشم سنگینی می کند و با داشتن این همه گناه حیا نمی کنم که سخنی بگویم که موجب رضایش تو شود . خداوندا بنفس خود ظلم کردم ، هنوز هم که در طلب بخشودن بارها گوش ب حرف نفس اماره ام دادم و باعث شد که از توای مولا دور شوم و قساوت قلبم زیاد شود و در حق توای معبود ظلم کنم . بارالها حال از این گناهانم از تو طلب مغفرت می کنم چون جز تو کسی را ندارم که ب او پناه ببرم تا روحم آرامش یابد .

بارالها دیگر از فرط گناهان ضعیف شده است و چه بی شرم است این بنده ات که بارها از تو فرار کرده و حال او ب مولای خویش آورده است . معبودا از شر شیطان نفس محفوظم دار نه تنها ترا دارم . خدایا همه میدانم ببخش و از گناهانم در گذر که خود لغزش بندگان توابت را دوست داری . پس خدایا ب مقدران دریای هیبت تو ام را بپذیر و ب لطف و رحمت خود بهره مند ساز .

همانا می که مرگ در نظرم مجسم میشود لرزه بر اندامم می افتد که چگونه بتوانم این بدن نحیف و ضعیف و پر رعشه را تحمل کند و با خواسته های ملائکه راه سنخ تو باشد . بارپروردگارا ایمانم را قوی کن و مرا در این راهی که قدم نهاده ام محکم و استوار نگهدار . که اگر قدرهای

اسماعیل ملاحسنی





نام: **حمیدرضا**
نام خانوادگی: **ملایی**
نام پدر: **یوسف**
نام مادر: **معصومه**
تاریخ تولد: **نوزدهم مهر ۱۳۴۷**
محل تولد: **شهرستان تهران**
تحصیلات: **دانش آموز اول متوسطه**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **بیست‌وچهارم اسفند ۱۳۶۳**
محل شهادت: **شرق رود دجله‌عراق**
نحوهٔ شهادت: **اصابت گلوله تانک**
مزار: **گلزار شهدای فردوس رضای دامغان**

عبارت‌های کلیدی

- خدا را هزار مرتبه شکر که توانستم در مکتب حسین(ع) اسم‌نویسی کنم.
- در این مکتب حسین(ع) معلم است و شاگرد ممتازهایی همچون قاسم(علیه‌السلام)، علی اکبر(علیه‌السلام) و علی اصغر(علیه‌السلام) دارد.
- پروردگارا از تو می‌خواهم که من در این کلاس در هیچ رتبه‌ای مردود نشوم.
- شهدات به‌طور اتفاقی رخ نمی‌دهد، شهید شدن لیاقت و سعادت بزرگی می‌خواهد که خدا نصیب کند.
- این امام بود که ما را دوباره متولد ساخت، از نیستی به هستی‌مان کشاند.
- ای امت، محافظ امام باشید.
- کار برای خدا هیچ‌گونه ناراحتی و خستگی ندارد.
- هرچه وسیلهٔ شخصی دارم تقدیم به بی‌بضاعت‌ها و یتیم‌ها بکنید.

حمیدرضا ملایی

بسم الله الرحمن الرحیم

«**ان الله یحب الذین یقاتلون فی سبیله صفاً کانّهم بنیان مرصوص**»[۱].

«به درستی که خدا دوست می‌دارد کسانی که پیکار می‌کنند در راه خدا مانند سدی محکم».

به‌نام الله که هستی‌ام از اوست و روح و روان به‌سوی او پرواز می‌کند. سلام بر امام زمان(عج)، سلام بر امام خمینی، درود بر شهیدان که با خونشان درخت اسلام را آبیاری کرده‌اند. خدا را هزار مرتبه شکر که توانستم در مکتب حسین(ع) اسم‌نویسی کنم و شاگرد حسین‌بن علی(ع) باشم؛ مکتبی که در آن شهادت را می‌آموزند و درس ایثار را در بین یکایک بچه‌ها یاد می‌دهند. در این مکتب حسین(ع) معلم است و شاگرد ممتازهایی چون قاسم(علیه‌السلام)[۲]، علی اکبر(علیه‌السلام)[۳] و علی اصغر(علیه‌السلام)[۴] دارد و شاگردهای معمولی آن رزمندگانی هستند که در جبهه شهید شدند و من جزء یکی از شاگردهایی هستم که در حال آموختن این درس هستم و امیدوارم من هم مثل شاگرد اول‌های این کلاس باشم.

پروردگارا از تو می‌خواهم که من در این کلاس در هیچ رتبه‌ای مردود نشوم که حسین‌بن علی(ع) مرا از مکتب خود بیرون نکند. و من این را در این مکتب درک کرده‌ام که شهادت به‌طور اتفاقی روی نمی‌دهد، بلکه شهید شدن لیاقت و سعادت بزرگی می‌خواهد که خدا نصیب کند.

ای امام، جان‌ها فدای تو که از سلاله[۵] پاک فاطمه‌ای(س) و دست‌پروردهٔ مکتب حسین(علیه‌السلام). ای امت حزب‌الله این امام بود که ما را دوباره متولد ساخت، از نیستی به هستی‌مان کشاند؛ امامی که با توطئه‌های پی‌درپی مبارزه کرد و توانست به یاری خدا انقلاب و اسلام را تا به اینجا برساند. ای امت، محافظ امام باشید، به سخنان پندآمیز و

۱- صف/ ۴.

۲- ر.ک.تعلیقات.

۳- ر.ک.تعلیقات.

۴- ر.ک.تعلیقات.

۵- در اصل وصیت «ثلاله».

گهربار او گوش فرادهید و اینقدر قلب نازنینش را درد نیاورید. بعضی‌ها هی نق می‌زنند و می‌گویند چرا این کم است، آن گران است. ای کوردل‌ها مگر جنگ جهانی اول و دوم یادتان رفته که قحطی بود؟ چرا اینقدر دولت را در منگنه می‌گذارید، چرا نمی‌گذارید کارش را به نحو احسن انجام دهد.

ای برادر و خواهرها اینها همه آزمایش است، آزمایشی که خدا به هر نحوی از انسان‌ها می‌کند. سعی کنید با روی سفید از پیشگاه خدا بیرون آیید، که سرافراز برای اسلام باشید. امام حسین(ع) هم در ظهر عاشورا در کربلا آنطور آزمایش شد. می‌بینید که در پیش همه به ویژه خدا عزیز است. به تمام مادرانی که جگرگوشهٔ خود را از دست داده‌اند توصیه می‌کنم که هیچ‌گونه ناراحتی نداشته باشند، چون که فرزندانشان برای خدا رفته‌اند و کار برای خدا هیچ‌گونه ناراحتی و خستگی ندارد.

بارپروردگارا خودت صبر جلی به این خانواده عنایت فرما.

ای عزیزان، مادر و پدرم، اگر من لیاقت یافتم و به جمع شهدا رفتم خدایی نکرده برای من گریه نکنید، چون در عاشورا وقتی که امام حسین(ع) و یارانش شهید شدند کسی بر بالین آنها نبود که گریه کند، کسی نبود برای علی اکبر گریه کند. اگر شما برای من گریه کنید دشمنان خدا خوشحال می‌شوند. ای مردم، ای مادرم و ای پدرم یک جسد مرده گریه ندارد. شما برای روح گناهکار من گریه کنید البته در خفا.

معلوم نیست که من شهید شدم خدا مرا قبول کند. پس از شما التماس دعا دارم. مادرم، هرچه وسیلهٔ شخصی دارم تقدیم به بی‌بضاعت‌ها و یتیم‌ها و بچه‌های شهدا بکنید. چون امامان روی یتیم‌ها خیلی تکیه کرده‌اند. در ضمن هر جا که مادرم خواست مرا دفن کنید. مادر و پدرم، امیدوارم اجر و ثواب شما را خدا بدهد چون شماها بودید که من را در دامان پاک خود بزرگ کردید و خدا را شکر می‌کنم که مانند بعضی از بچه‌ها ولگرد و بی‌تفاوت نبودم. و در پایان از همهٔ عزیزانی که مرا می‌شناسند خواهش می‌کنم که مرا حلال کنند. دیگر عرضی ندارم جز صبر در کارهای‌تان و دعا برای من.

فرزند حقیر شما و بنده ناچیز خدا

حمید

اهواز ۶۳/۷/۲۹

بسم ا... الرحمن الرحیم

ان الله یحب الذین یقاتلون فی سبیله صفاً کانهم بنیان مرصوص

« بدرستیکه خدا دوست میدارد کسانیکه پیکار می کنند در راه خدا مانند سدی محکم »

بنام ا... که هستیم از او ست و روح و روان بسوی او پر واز میکند. سلام بر امام زمان سلام بر امام. خمینی درود بر شهیدان که با خون شان درخت اسلام را آبیاری کرده اند خدارا هزار مرتبه شکر که توانستم در مکتب حسین (ع) اسم نویسی کنم و شاگرد حسین بن علی (ع) باشم. مکتبی که در آن شهادت را می آموزند و درس ایثار را در بین یکایك بچه ها یاد میدهند. در این مکتب حسین (ع) معلم است و شاگردممتازهایی همچون قاسم، علی اکبر و علی اصغر دارد و شاگردهای معمولی آن رزمندگانی هستند که در جبهه شهید شدند و من جزء یکی از شاگردهایی هستم که در حال آموختن این درس هستم و امیدوارم منهم مثل شاگردان اولهای این کلاس باشم.

پروردگارا از تو می خواهم که من در این کلاس در هیچ رتبه ای مردود نشوم که حسین بن علی (ع) مرا از مکتب خود بیرون نکند. و من این را در این مکتب درك کرده ام که شهادت بطور اتفاقی روی نمی دهد بلکه شهید شدن لیاقت و سعادت بزرگی می خواهد که خدا نصیب کند. ای امام جانها فدای تو که از ثلاله پاك فاطمه ای (س) و دست پرورده مکتب حسین (ع).

ای امت حزب الله این امام بود که مارا دوباره متولد ساخت از نیستی به هستی مان کشاند. امامی که با توطئه های پی در پی مبارزه کرد و توانست بیاری خدا، انقلاب و اسلام را تا به اینجا برساند ای امت محافظ امام باشید بسخنان پند آمیز و گوهربار او گوش فرا دهید و اینقدر قلب نازنینش را در دنیاورید. بعضی ها هی نق میزنند و میگویند چرا این کم است، آن گران است ای کوردلها مگر جنگ جهانی اول و دوم یادتان رفته که قحطی بود چرا اینقدر دولت را در منگنه میگذارید چرا نمی گذارید کارش را بنحو احسن انجام دهد.

ای برادر و خواهرها اینها همه آزمایش است. آزمایشی که خدا به هر نحوی از انسانها میکند. سعی کنید باروی سفید از پیشگاه خدا بیرون آئید که سرافراز بر ای اسلام باشید امام حسین (ع) هم در ظهر عاشورا در کربلا آنطور آزمایش شد میبینید که در پیش همه بویژه خدا عزیز است بتمام مادرانی که جگرگوشهٔ خودرا از دست داده اند توصیه می کنم که هیچگونه ناراحتی نداشته باشند چون که فرزندانشان برای خدا رفته اند و کار برای خدا هیچگونه ناراحتی و خستگی ندارد.

بار پروردگارا خودت صبر جمیلی به این خانواده عنایت فرما

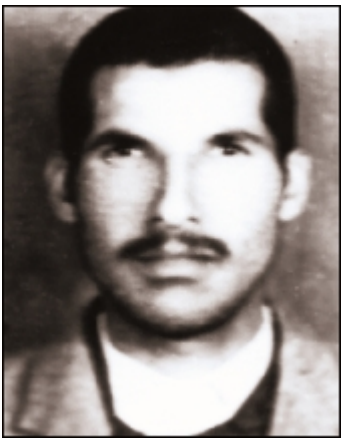
ای عزیزان مادر و پدرم اگر من لیاقت یافتم و به جمع شهدا رفتم خدایی نکرده برای من گریه نکنید چون در عاشورا وقتی که امام حسین(ع) و یارانش شهید شدند کسی بر بالین آنها نبود که گریه کند. کسی نبود برای علی اکبر گریه کند. اگر شما برای من گریه کنید دشمنان خدا خوشحال میشوند.

ای مردم ای مادرم و ای پدرم یک جسد مرده گریه ندارد شما برای روح گناهکار من گریه کنید البته در خفا. معلوم نیست که من شهید شدم خدا مرا قبول کند پس از شما التماس دعا دارم مادرم هر چه وسیله شخصی دارم تقدیم به بی بضاعتها و یتیمها و بچه های شهدا بکنید چون امامان روی یتیمها خیلی تکیه کرده اند.

در ضمن هر جا که مادرم خواست مرا دفن کنید. مادر و پدرم امیدوارم اجر و ثواب شما را خدا بدهد چون شما ها بودید که من را در دامان پاک خود بزرگ کردید و خدا را شکر میکنم که مانند بعضی از بچه ها و اگر دو بی تفاوت نبودم. و در پایان از همه عزیزانیکه مرا می شناسند خواهش میکنم که مرا حلال کنند. دیگر عرضی ندارم جز صبر در کارهایتان و دعا برای من

فرزند حقیر شما و بنده ناچیز خدا- حمید

اهواز ۶۳/۷/۲۹



نام: **رمضان‌علی**
نام خانوادگی: **ملک‌برمی**
نام پدر: **علی‌محمد**
نام مادر: **فاطمه**
تاریخ تولد: **پانزدهم مهر ۱۳۲۱**
محل تولد: **روستای برم**
تحصیلات: **چهارم ابتدایی**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **بیست‌وچهارم اسفند ۱۳۶۳**
محل شهادت: **شرق رود دجله**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش**
مزار: **گلزار شهدای زادگاهش**

عبارت‌های کلیدی

- رفتم به جبهه تا اسلام را یاری نمایم.
- من شهید شده‌ام تازه زندگی خودم را آغاز نموده‌ام.
- بیایید به جبهه‌ها که انشاءالله به‌زودی زود کربلای حسینی را آزاد می‌کنیم.
- برادران عزیز، این را بدانید که از امام و ولایت فقیه همیشه پشتیبانی نمایید.
- تنها راهی را که می‌تواند برای شما خوب باشد راه خداست و حمایت از ولایت فقیه.
- به شما وصیت می‌کنم که یار و وفادار امام بوده و به جبهه‌ها بیایید.
- نماز فراموشتان نشود و تقوا را پیشهٔ خود سازید.
- به امید پیروزی رزمندگان و فتح کربلای حسینی و خواندن نماز جماعت در قدس عزیز به امامت امام بزرگوارمان.

رمضانعلی ملک‌برمی

بسم الله الرحمن الرحیم

«و لاتحسبن الذین قتلوا فی سبیل الله امواتا بل احیاء عند ربهم یرزقون»[۱].

«مپندارید آنان که در راه خدا کشته می‌شوند مرده‌اند بلکه آنان زنده‌اند و در نزد خدای خویش روزی می‌خورند».

«ملتی که شهادت برای او سعادت است پیروز است»[۲]. (امام خمینی)

اول با سلام بر رهبر کبیر انقلاب اسلامی ایران، امام امت، خمینی بت‌شکن که با رهبریت خودشان ما را از منجلاب فساد نجات دادند و سلام بی‌کران بر روان پاک شهیدان انقلاب اسلامی که با خون خود درخت اسلام را آبیاری کردند و رفتند و با رفتن خود اسلام را سرافراز نمودند.

امت اسلامی ایران، ملت شهیدپرور، از آنجا که من خود را یک فرد مسلمان دانستم رفتم به جبهه تا اسلام را یاری نمایم و اینک که من شهید شده‌ام تازه زندگی خودم را آغاز نموده‌ام. و این را باید بدانید که، چه معامله‌ای از این بهتر که خون بدهی خونبهایت خدا باشد، خون بدهی فشار قبر نداشته باشی و در بهشتی باشید که درخت‌هایی که نهرهای آب در زیر آنها جاری باشد زندگی کنی، با پیغمبر و امامان همنشین باشی؟

برادران عزیز بیایید به جبهه‌ها، ندای امام خود را لبیک گفته و جای خالی برادرانی را که شهید شده‌اند پر نمایید[۳]. بیایید[۴] به جبهه‌ها که انشاءالله به زودی زود کربلای حسینی را آزاد نموده و از همانجا به طرف قدس[۵] عزیز حرکت کنیم. برادران عزیز، به یاد داشته باشید که ما چقدر توی جبهه‌ها شهید داده‌ایم و لذا اگر شما برادران نیایید به جبهه فردای قیامت

۱- آل عمران/ ۱۶۹. در اصل وصیت «قتلو».

۲- صحیفهٔ امام، ج ۱۳، ص۱۸۷.

۳- در اصل وصیت: «نماید».

۴- در اصل وصیت: «بیاید»

۵- ر. ک.تعلیقات.

یک به یک این شهیدان از ما باز خواست[۱] خواهند کرد. برادران عزیز، این را بدانید که از امام و ولایت فقیه همیشه پشتیبانی نمایید. که تنها راهی که[۲] می‌تواند برای شما خوب باشد راه خدا است و حمایت از ولایت فقیه.

و به شما وصیت می‌کنم که من را در روستای برِم دفن نمایید[۳] و تا موقعی که همسرم زنده است کسی اختیار مالم را ندارد. ضمناً از شما تقاضا می‌کنم که بر سر جنازه من گریه نکنید و خوشحال باشید. زیرا اینکه منافقین[۴] خوشحال خواهند شد.

و در آخر مجدداً به شما وصیت می‌کنم که یار و وفادار امام بوده و به جبهه‌ها بیایید.[۵] و فرزندان عزیزم، به شما وصیت می‌کنم که [از] نماز فراموشتان نشود و تقوا را پیشهٔ خود سازید.

در پایان دعای همیشگی‌مان: خدایاخدایا، تا انقلاب مهدی(عج)، خمینی را نگه‌دار. به امید پیروزی رزمندگان نبرد حق علیه باطل و فتح کربلای حسینی و خواندن نماز جماعت در قدس عزیز به امامت امام بزرگوارمان.

ضمناً وصیت کرده‌ام که یک جوانهٔ گاو دارم که نذر کرده‌ام به جبهه بدهید. یک ماه نماز و روزه قرض دارم که ترتیبشان را بدهید.

رمضانعلی ملک‌برمی

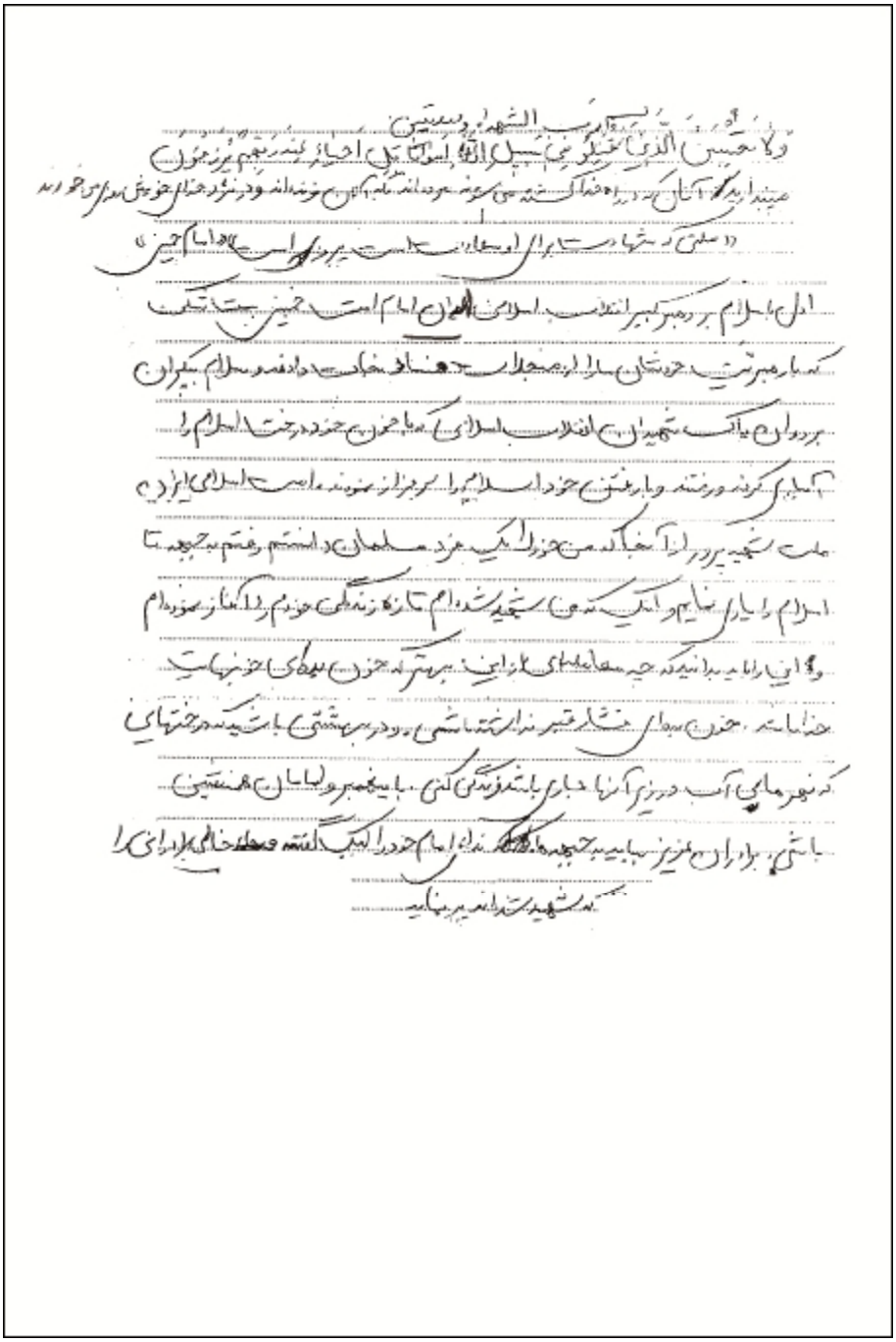
۱- در اصل وصیت «خاست»

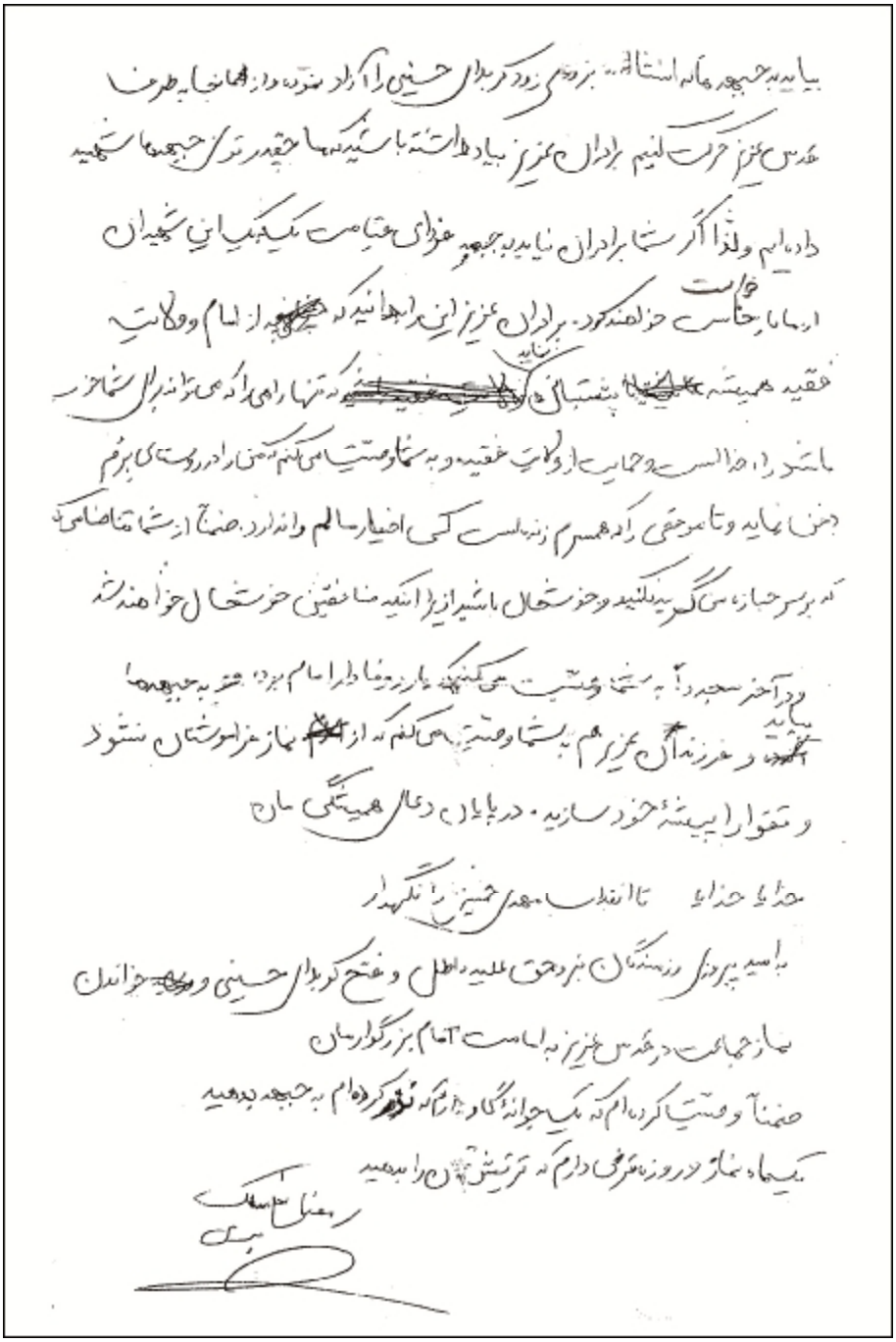
۲- در اصل وصیت «را که».

۳- در اصل وصیت «نماید».

۴- ر.ک.تعلیقات.

۵- در اصل وصیت «بیاید»







نام: **محمد**
نام خانوادگی: **ملک‌جعفریان**
نام پدر: **حسینعلی**
نام مادر: **زهرا**
تاریخ تولد: **یکم آذر ۱۳۴۷**
محل تولد: **روستای دروار**
تحصیلات: **پایان دوره راهنمایی**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **بیست‌ودوم دی ۱۳۶۵**
محل شهادت: **شلمچه**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش به سر**
مزار: **گلزار شهدای زادگاهش**

عبارت‌های کلیدی

- هدف من از آمدن به جبهه تنها رضای خدا و لبیک گفتن به ندای «هل من ناصر ینصرنی» حسین(علیه‌السلام) می‌باشد.
- احساس کردم امروز جبهه بر من واجب می‌باشد.
- پیام من به جوانان این است که حرکت کنید و راه شهیدان را ادامه دهید.
- مگذارید که واقعه کربلا و کوفیان پیمان‌شکن دگر بار پدید آید.
- پدر و مادرها از رفتن فرزندان‌تان به جبهه مانع نشوید.
- ای خواهران من، بکوشید زینب‌وار عمل کنید و پیام‌رسان خون شهدا باشید.
- خدایا تو را شکر می‌کنم که مرا به این دیار کشاندی.
- خدایا از تو می‌خواهم که مرا به دین اسلام زنده نگه‌داری، به همین دین مرا بمیرانی.
- به زر و زیور دنیا دل نبندید که شما را بیچاره می‌کند.

محمد ملک‌جعفریان

بسم الله الرحمن الرحیم

«و لاتقولوا لمن یقتل فی سبیل الله اموات بل احیاء و لکن لاتشعرون»[۱].

«و آنان که در راه خدا کشته می‌شوند را مرده مپندارید[۲] بلکه آنان زندگانند ولی شما این حقیقت را درنمی‌یابید».

«اشهد ان لا اله الا الله و اشهد ان محمداً رسول الله و اشهد ان علیاً ولی الله».

و با نام الله پاسدار حرمت خون شهیدان و با درود به مهدی(عج) و نایب برحقش امام خمینی.

اینجانب محمد ملک جعفریان فرزند حسینعلی. هدف من از آمدن به جبهه تنها رضای خدا و لبیک گفتن به ندای «هل من ناصر ینصرنی»[۳] حسین(علیه‌السلام) می‌باشد و از خدا می‌خواهم که مرا در این راه موفق بدارد، زیرا احساس کردم امروز جبهه بر من واجب می‌باشد.

پیام من برای پدر و مادرم این است که بعد از شهادت من صبر کنید زیرا با صبر خود می‌توانید پوزه صدام و ضد انقلاب را به خاک بمالید.

پیام من به جوانان این است که حرکت کنید و راه شهیدان را ادامه دهید و مگذارید که واقعه کربلا و کوفیان پیمان‌شکن دگر بار پدید آید. و پیام من برای امت حزب‌الله این است که پدر و مادرها از رفتن فرزندانشان به جبهه مانع نشوند، زیرا در این موقعیت اسلام احتیاج به نیرو و یاری دارد. و دست از یاری امام برندارید و جنگ را سرلوحه کارهایتان قرار دهید. از تفرقه و نفاق و دشمنی با یکدیگر بپرهیزید که اساس اسلام بر پایه دوستی می‌باشد.

۱- بقره/ ۱۵۴.

۲- در اصل وصیت «و مپندارید برای کسانی که در راه خدا کشته می‌شوند مرده».

۳- ر.ک.تعلیقات.

و شما ای خواهران من، همانطور که می‌دانید در واقعهٔ انقلاب کربلا دو انقلاب یکی شهادت حسین‌بن علی(علیه‌السلام) و دیگری پیام‌رسانی توسط حضرت زینب(سلام الله علیها) بود. پس شما بکوشید زینب‌وار عمل کنید و پیام‌رسان خون شهدا باشید و در سنگر مدرسه کوشا باشید.

و در ضمن، پدرم و مادرم، بعد از شهادت من سعی کنید لباس سیاه نپوشید، و اگر گریه خواستید کنید برای شهدای کربلا و مظلومیت اباعبدالله(علیه‌السلام) گریه کنید، انشاءالله[۱]، و از بنده[۲] راضی باشید زیرا من نتوانستم حق شما را ادا کنم. و از شما سپاسگزارم که در رفتن من به جبهه به من کمک کردید؛ که در آن دنیا با پیامبر و اولیاءالله محشور شوید.

ای بی‌تفاوت‌ها و ضدانقلاب‌ها کمی تأمل کنید لحظه‌ای به آینده بنگرید و ببینید که اسلام در چه موقعیتی قرار دارد. آیا شما فکر می‌کنید می‌توانید در آن دنیا جوابگوی پیامبر(صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) و حضرت زهرا(س) باشید؟ بیایید کمی از عقلتان برای خودتان به جای نفستان پیروی کنید. به زر و زیور دنیا دل نبندید که شما را بیچاره می‌کند.

در ضمن وصی من پدر ارجمندم می‌باشد. ضمناً اگر کسی درخواست طلب کرد به ایشان بپردازید و اگر از کسی چیزی می‌خواهم آن را حلال می‌کنم و کتاب‌های موجود در مدرسه را که متعلق به من می‌باشد همه را وقف مدرسه نمودم.

خدایا تو را شکر می‌کنم که مرا به این دیار کشاندی. چگونه شکر تو را به‌جای آورم؟ تو چقدر رئوفی! با همه این گناهان باز مرا در نزد مخلوقات رسوا نکردی. خدایا از تو می‌خواهم که مرا به دین اسلام زنده نگه‌دار[ی][۳]، و به همین دین مرا بمیرانی.

«اجرکم عند الله والسلام علیکم و رحمة[۴] الله و برکاته»

محمد ملک‌جعفریان

۱- در اصل وصیت «اله».

۲- در اصیل وصیت «بند».

۳- در اصل وصیت «نگه‌دار».

۴- در اصل وصیت «**برحمة**».

بسم الله الرحمن الرحیم

ولاتقولوا لمن یقتل فی سبیل الله امواتٌ بل احیاء ولکن لاتشعرون

وبیندیشید برای کسانی که در راه خدا کشته میشوند مرده بلکه آنان زندگانند ولی شما این حقیقت را درنمی یابید

اشهد ان لااله الاالله واشهد ان محمد رسول الله ـ واشهد انّ علیا ولی الله

بانام الله پاسدار حرمت خون شهیدان وپاد رود بسعیدی (ره) ونائب برحقش امام خمینی ·

اینجانب محمدملک جعفریان فرزند حسینعلی هدف من ازآمدن به جبهه تنها رضای خدا ولبیک گفتن به ندای هل من ناصرینصرنی حسین میباشد وازخدا می خواهم که مرا در این راه موفق بدارد زیرا احساس کردم امروز جبهه برمن واجب میباشد ·پیام من برای پدرومادرم این است که بعد ازشهادت من صبرکنید زیرا باصبر خود می توانید پوزه صدام وضدانقلاب را به خاک بمالید · پیام من به جوانان اینست که حرکت کنید وراه شهیدان را ادامه دهید ومگذارید کربلا وکوفیان پیمان شکن دگربار پدید آید · پیام من برای ملت حزب‌الله اینست که پدرومادر را ازرفتن فرزندانشان به جبهه مانع نشوید زیرا دراین موقعیت اسلام احتیاج بغیرو یاری دارد · ودستازیاری امام برندارید وجنگ را سرلوحه کارهایتان قرار دهید · ازتفرقه ونفاق ودشمنی بایکدیگر بپرهیزید که اسلام بدان نیازمند میباشد · وشمای خواهران من همانطورکه بدانید · وروا قعه انقلاب کربلا دوانقلاب یکی شهادت حسین‌بن‌علی (ع) ودیگری پیام رسانی توسط حضرت‌زینب (سلام‌الله‌علیها) بود پیروشما بکوشید زینب‌وار عمل‌کنید پیام رسان خون شهدا باشید ودرسنگرمدرسه کوشا باشید ·

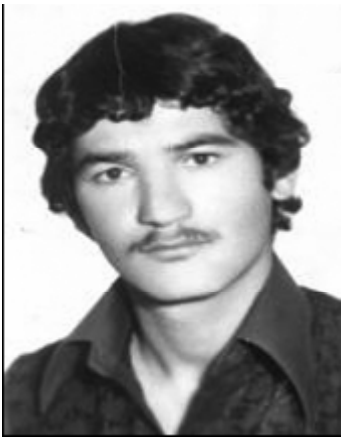
ودرضمن درروزهای بعد ازشهادتم سعی کنید لباس سیاه نپوشید · واگرگریه‌خواستید کنید برای شهدای کربلا ومظلومیت ابا عبدالله گریه کنید انشاء الله وارث ده راضی باشید زیرا من نتوانستم حق شما را ادا کنم وازشما سپاسگزا که درروزهای من به جبهه بامن کمک کردید · که درآن دنیا پاسخگوی اعمال خود باشید · الصبر شورشید · ای بی تفاوتها و ضدانقلاب واکمی تامل کنید لحظه ای به آینده بنگرید وببینید که اسلام در چه موقعیتی قرار دارد آیا شما نمیتوانید درآن دنیا جوابگوی پیامبر (ص) وحضرت زهرا (س) باشید ؟ بیایید کمی ازغلتان برای خودتان بعدای نفستان بپردازید کمتر و زیور دنیا دل نبندید که شما را بیچاره میکند · درضمن یعنی من بدرارحمتم میباشد ·

ضمنا · اگرکسی درخواست طلب کرد بمادرم نپردازید · واگرازدنیی چیزی میخواهم آنرا حلال میکنم ونشانی موجود درمدرسه راکه مربوط بمن میباشد همه را واقف رسمودم ·

خدایا ترا شکر میکنم که مرا به این دیار کشاندی · چگونه شکرترا بجای آورم توچقدر رئوف باهمه این گناهان بازمرا درمنزل مخلوقاتت رسوانکردی · خدایا ازتوی خواهم که مرا به دنیا سلام زنده نگهدارو به همین دین مرا بمیرانی ·

اجرکم عندالله والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

محمد ملک جعفریان



نام: **رضا**
نام خانوادگی: **ملکیان‌برمی**
نام پدر: **علی‌اکبر**
نام مادر: **صغرا**
تاریخ تولد: **هجدهم آبان ۱۳۳۶**
محل تولد: **شهرستان دامغان**
تحصیلات: **پایان دوره متوسطه**
ارگان اعزام‌کننده: **سپاه**
تاریخ شهادت: **ششم شهریور ۱۳۶۱**
محل شهادت: **کرمانشاه**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش خمپاره**
مزار: **گلزار شهدای فردوس رضای زادگاهش**

عبارت‌های کلیدی

- این انقلاب اسلامی و این سرزمین اسلامی تنها پایگاه مستضعفان و محرومان جهان است.
- آمده‌ام که با خون سرخم چراغ خطری باشم برای ابرجنایت‌کاران.
- ما از خون دادن و فدایی دادن در راه آرمان‌های اسلام و قرآن نمی‌هراسیم.
- اگر جوان‌ها بنشینند و حرکتی نداشته باشند چه کسی می‌خواهد جلوی این متجاوزان به اسلام و قرآن را بگیرد؟
- باید خون داد، باید هجرت کرد تا انشاءالله پرچم اسلام را در سراسر جهان به اهتزاز دربیاوریم.
- به امید آن روزی که این انقلاب دست ابرقدرت‌ها را از سر ملت‌ها کوتاه کند.
- وحدت خود را حفظ کنید.
- قدر بزرگترین رهبر الهی یعنی امام عزیزمان را بدانید.
- چشم امید مستضعفان و محرومان و آزادی‌خواهان جهان به انقلاب شما دوخته است.
- این دنیا گذرگاهی بیش نیست تا می‌توانید جوانی خود را در راه اسلام به‌کار ببرید.

رضا ملکیان برمی

بسم الله الرحمن الرحیم

بسم رب الشهداء و الصدیقین

«من المؤمنین رجال صدقوا ما عاهدوا الله علیهم فمنهم من قضی نحبه و منهم من ینتظر و ما بدلوا تبدیلا»[۱].

«انا لله و انا الیه راجعون»[۲].

همانطور که خداوند ما را از نیستی به هستی در این دنیا آفرید همه به‌سوی او بازمی‌گردیم. چه خوب است که با موفقیت هجرت کنیم و توشه‌ای کامل برای این سفر[۳] داشته باشیم!

خدایا به عظمت و جلالت شکر[۴] که به ما نصرت عطا کردی که توانستیم دین خود را نسبت به این انقلاب اسلامی و این سرزمین اسلامی که تنها پایگاه مستضعفان و محرومان جهان است ادا کنیم. خدایا شکر[۵] که شهادت را جایگزین کردی؛ همانطوری که مردن در بستر برای مسلمان آزاده ننگ [است] مرگ خونین در سنگر را نصیب[۶] من گرداندی.

خدایا از شهر و دیار خود دور شدم، از پدر و مادر و زندگی [از][۷] این دنیا دل کندم آمدم[۸] تا جان ناقابلم را در طبق اخلاص ارزانی راهت [را][۹] که رسیدن به شهادت و به درجهٔ کمال است کنم. چون ما از خود نبودیم بلکه امانتی نزد شما در این دنیا برای روزی که نیاز به آن باشد، بودیم.

۱- احزاب/ ۲۳.

۲- بخشی از آیهٔ ۱۵۶ سورهٔ بقره.

۳- در اصل وصیت «صفر».

۴- در اصل وصیت «شرک».

۵- در اصل وصیت «شرک».

۶- در اصل وصیت «نسیب».

۷- در اصل وصیت «در».

۸- در اصل وصیت «آمدی».

۹- اضافه است.

آمده‌ام که با خون سرخم چراغ خطری باشم برای ابرجنایتکاران و راهنمایی باشم برای نجات انسانیت از ظلمت و فساد [...][۱] حقانیت. می‌خواهم انشاءالله بدین طریق صداقت خویش را به‌اثبات رسانده و عهد خویش را نسبت به اسلام راستین محمدی و انقلاب اسلامی که خواست و نیاز محرومین و مستضعفین جهان است وفا کنم. و خودفروختگان[۲] منطقه و ابرجنایتکاران شرق و غرب بدانند ما از خون دادن و فدایی دادن در راه آرمان‌های اسلام و قرآن نمی‌هراسیم، زیرا این شیوهٔ رهبر شهیدان حسین‌بن علی(علیه‌السلام) است. ما این ایثار [و] از خودگذشتگی در راه حق را از او به‌ارث برده‌ایم.

ای خواهر و ای برادر مسلمان که در تشییع جنازه‌ام حضور داری، مبادا بگویی[۳] چرا اینقدر جوان‌ها کشته می‌شوند. راستی اگر جوان‌ها بنشینند و حرکتی نداشته باشد کی می‌خواهد جلوی این متجاوزان به اسلام و قرآن را بگیرد؟ اگر دست روی دست بگذاریم و مظلوم‌وار زیر سلطهٔ ظالم قرار بگیریم آن [وقت][۴] است که نه دین داریم و نه قرآن، نه آرامش و نه آسایش و نه آزادی. پس باید از خود گذشت، باید خون داد، باید هجرت کرد تا انشاءالله پرچم اسلام را در سراسر جهان به اهتزاز دربیاوریم، تا بلکه ما مستضعفان بر سراسر جهان حاکمیت داشته باشیم. به امید آن روزی که این [این][۵] انقلاب دست ابرقدرت‌ها را از سر ملت‌ها کوتاه کند.

ای ملت مسلمان، هوشیار باشید وحدت خود را حفظ کنید؛ قدر بزرگترین رهبر الهی یعنی امام عزیزمان را بدانید، قدر این انقلاب اسلامی را بدانید که پشتوانهٔ آن ده‌ها هزار شهید است. چشم امید مستضعفان و محرومان [و] آزادی‌خواهان جهان به انقلاب و شما دوخته است. در این زمان حساس که دشمن از هر سو برابر انقلاب اسلامی به‌پا خاسته[۶] پشتیبانی خود را در راه تداوم بخشیدن به آن دریغ نکنید. راه حفظ انقلاب اسلامی پشتیبانی

۱- خوانا نیست. عباراتی که در متن با [...] مشخص شده‌اند خوانا نیست.

۲- در اصل وصیت «فروختان»

۳- در اصل وصیت: «بگوئی»

۴- از سیاق کلام بر می‌آید که کلمه ناخوانا «وقت» است.

۵- اضافه است.

۶- در اصل وصیت «خواسته».

از امام و روحانیت مبارز و آگاه است. [...] سراسر جهان به رهبری امام خمینی و آزادی بیت‌المقدس را از خداوند متعال خواهانم.

«والسلام علیکم»

ارادتمند شما

رضا ملکیان

[...] شده تنها روحانیت آگاه است که می تواند از اسلام دفاع کند و دلسوز این [...] مستضعف است. سختی‌ها و محرومیت‌ها را تحمل کنید؛ مردمی که در سختی‌ها و گرفتاری‌ها به فکر یکدیگر باشند پیروزند. باید این انقلاب اسلامی به رهبری امام امت خمینی کبیر [را] به جهان صادر کنیم تا به حقانیت آن پی ببرند تا بلکه در مسیر و تحقق و دفاع از مظلومان جهان قرار گیرد، انشاءالله.

روی سخنم به مادرم است. سلام مادر. امیدوارم که این آخرین [...] را بپذیری و حالت خوب باشد. می دانم مادر، که چه شب‌ها نخوابیدی و چه سختی‌ها که کشیدی و آرزویت این بود که بعد از عمری سختی و رساندن [...] ثمره‌ای از جوانی‌اش ببری اما مادر چه ثمره‌ای از این بهتر که جوانت را بعد از مدتی امانتداری قربانی راه خدا کردی. خدا اجرت دهد مادر، خدا صبرت دهد مادر.

سلام پدر. امیدوارم که حالت خوب بوده باشد. پدر، چه رنج‌ها کشیدی با تاول‌های دستانت! شب و روز زحمت کشیدی و چنان مرا پروریدی و چنان تربیت کردی که به انحراف کشیده نشدم و در راه [...] گام برداشتم. خداوند انشاءالله جزای خیر به شما اعطا کند. پدر و مادر عزیزم، تنها [...] شادی روح من پشتیبانی از امام[1] عزیز و از این انقلاب اسلامی است. و خواهرم صدیقه و معصومه، امیدوارم که حالتان خوب[2] باشد. به اسلام فکر کنید، مدافع [...] باشید، زینب‌وار از انقلاب اسلامی تبلیغ کنید.

برادرم محمود و احمد و ابوالقاسم، انشاءالله که حالتان خوب است. برادران، دنیا پشیزی نمی‌ارزد و این دنیا گذرگاهی بیش نیست تا می‌توانید جوانی خود را در راه اسلام به‌کار

۱- در اصل وصیت «مام».

۲- در اصل وصیت «خو».

ببرید. تعلیم و تربیت شما در راه [...] به‌خاطر قرآن باشد. امیدوارم که همیشه پاسدار اسلام باشید.

دیگر عرضی ندارم. طول عمر برای امام [...][1]

طلبکاری

۱۵۰۰۰ پانزده هزار تومان از برادر محمد گنجی‌زاده طلبکارم. ۱۰۰۰ تومان، [هزار][2]، از برادر بساطی از سپاه پاسداران ایلام طلبکارم. دویست تومان بدهکار به برادر امجدیان از مخابرات استان باختران. ۱۵۰۰۰ پانزده هزار تومان طلبکارم از برادر حسن زارع‌زاده از شهرستان دامغان بابت پول تلویزیون. سه هزار تومان از برادر حسین زارع داماد خودمان طلبکارم. مقداری دیگر که پدرم در جریان است.

دفترچهٔ[3] حساب پس‌انداز بانک سپه از استان باختران که توی ساکم است به مبلغ [...] می‌باشد. و یک موتورسیکلت هوندا ۱۲۵ که کلید آن توی ساکم است، که به این آدرس تحویل بدهید: تهران، انتهای خیابان مالک اشتر، کوی زینبیه، پلاک ۲۳، تحویل شوهر خواهرم برادر حسین [...] . و به مبلغ هشت هزار تومان هم به مادرم بدهکار هستم که تحویل او بدهید.

از این پول‌ها مقدار[4] خیلی کمی مخارج سوگواری. نصف آن را بدهید به پدرم و نصف بقیه را به حساب ۱۰۰ واریز کنید، کمک به جبهه‌ها[5].

به امید پیروزی نهایی رزمندگان اسلام

رضا ملکیان

۶۱/۳/۲۹

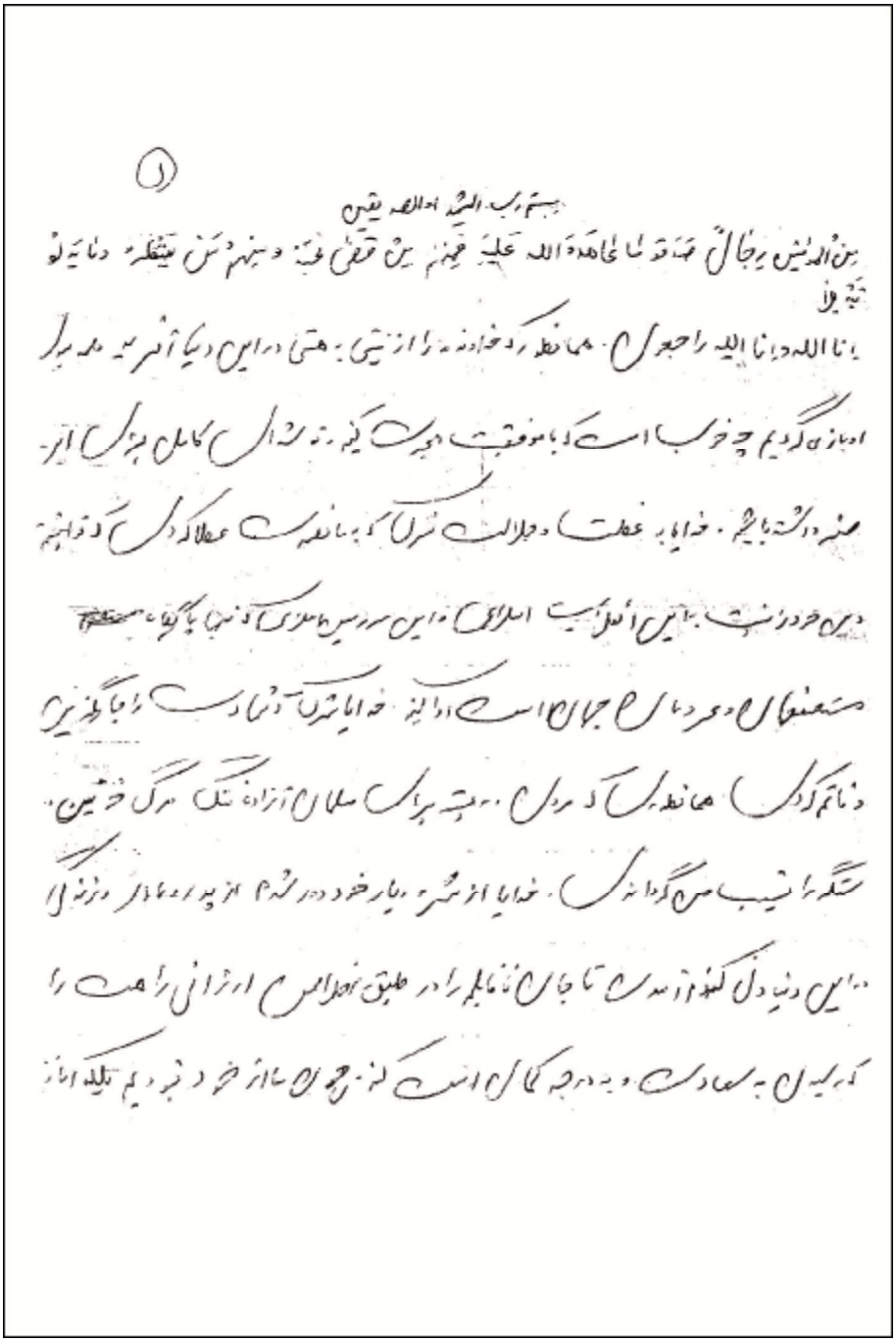
۱- از سیاق کلام بر می‌آید بخشی از وصیت‌نامه افتاده است.

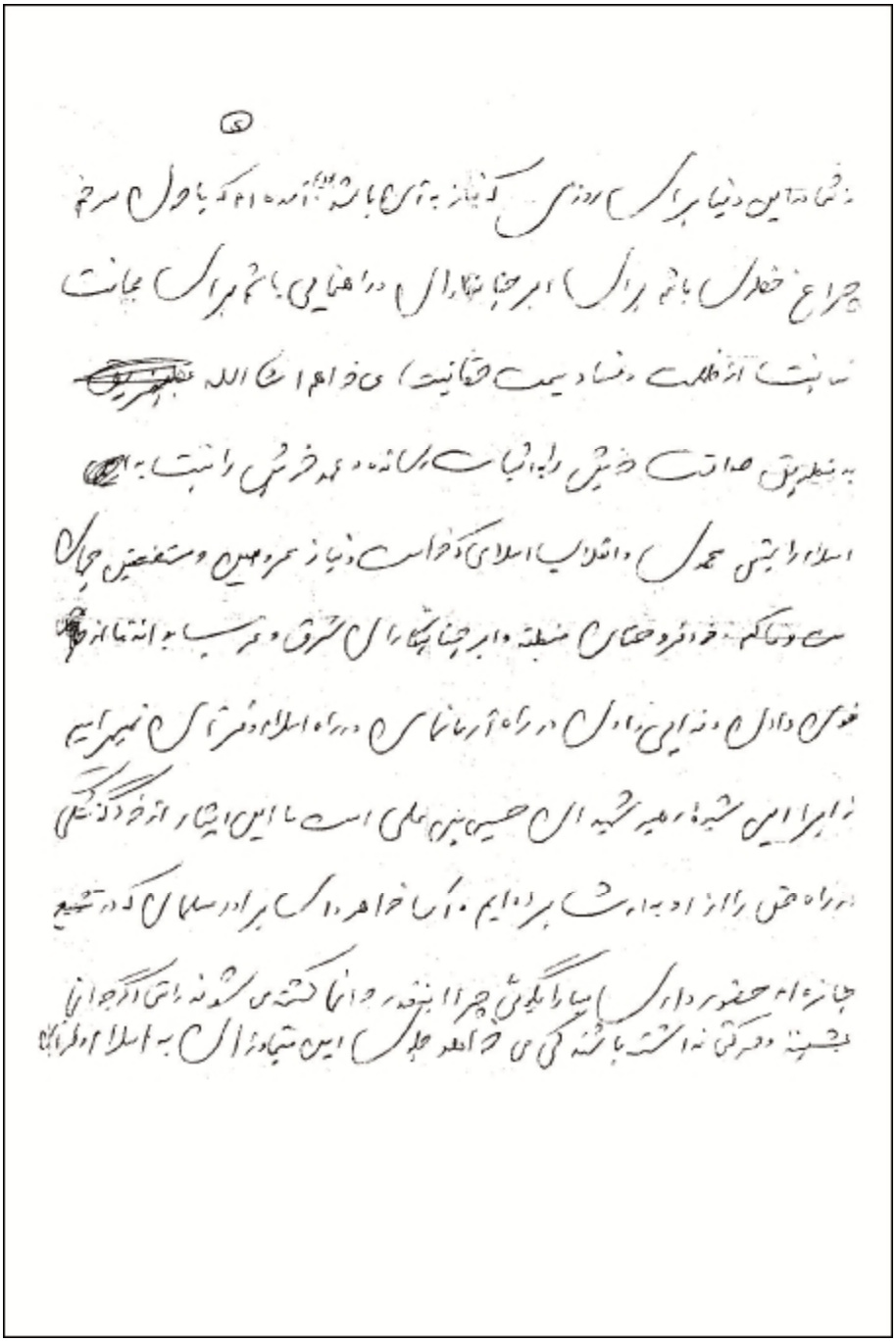
۲- واژهٔ «هزار» اضافه است.

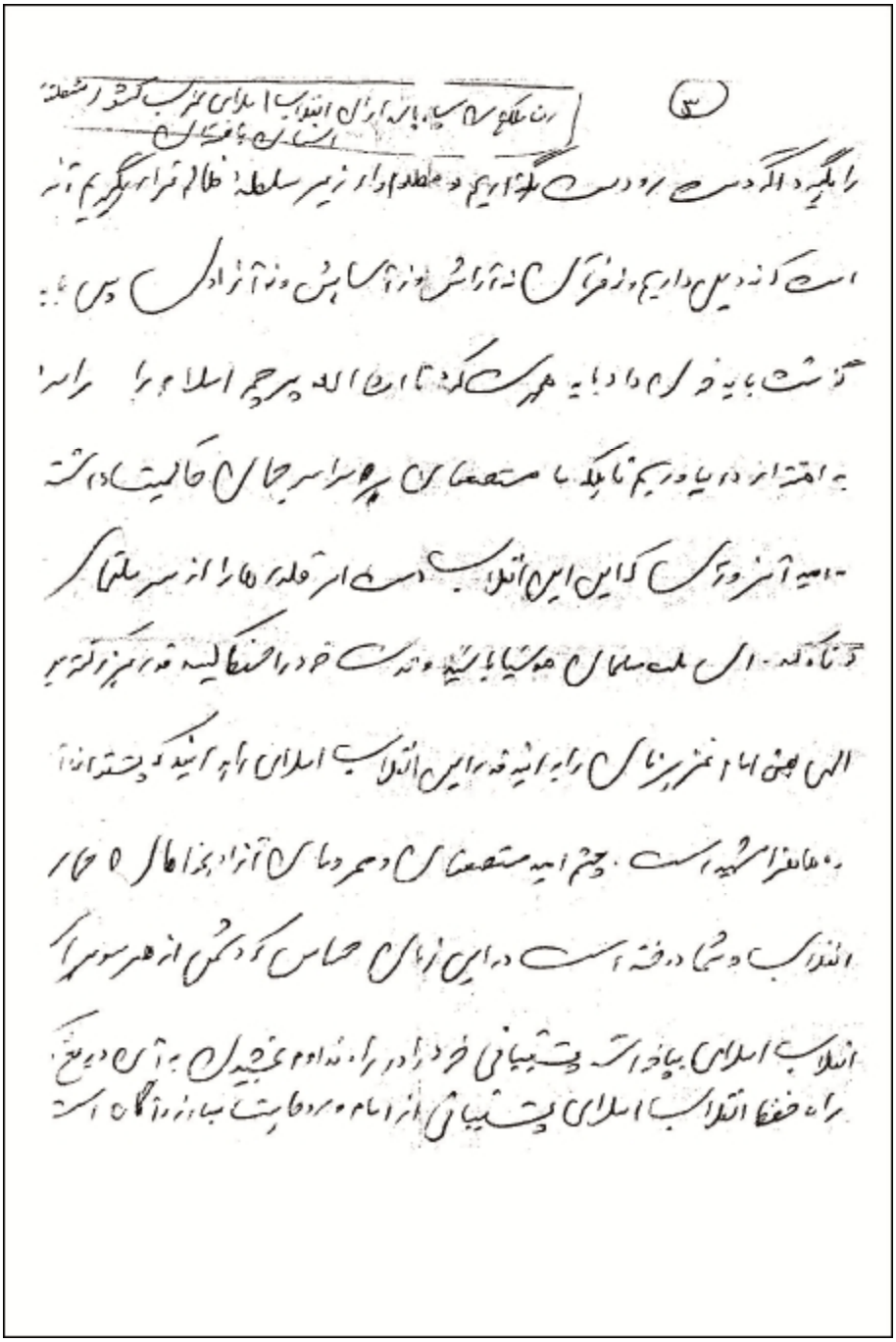
۳- در اصل وصیت «دفترچه‌ای».

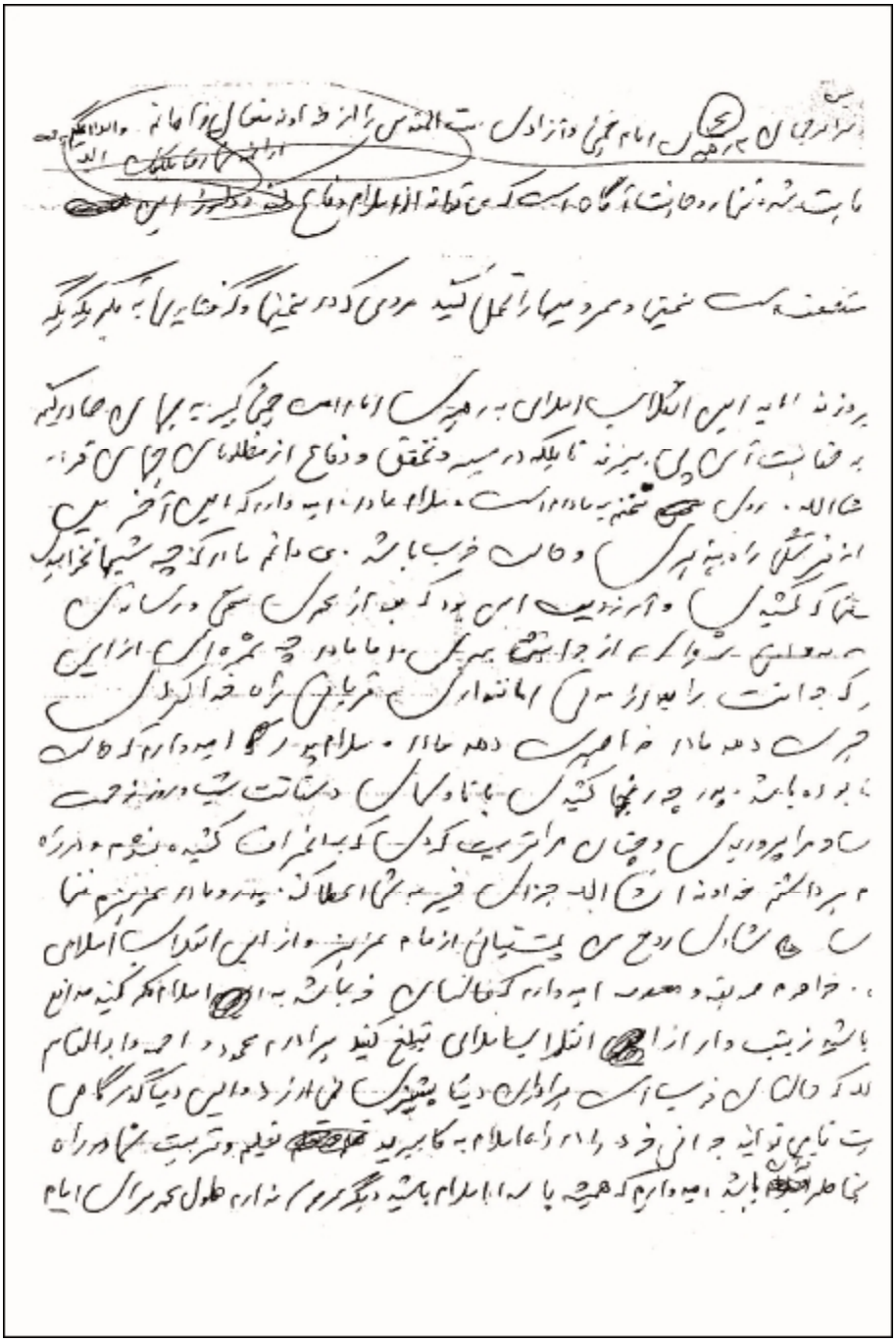
۴- در اصل وصیت «مقداری».

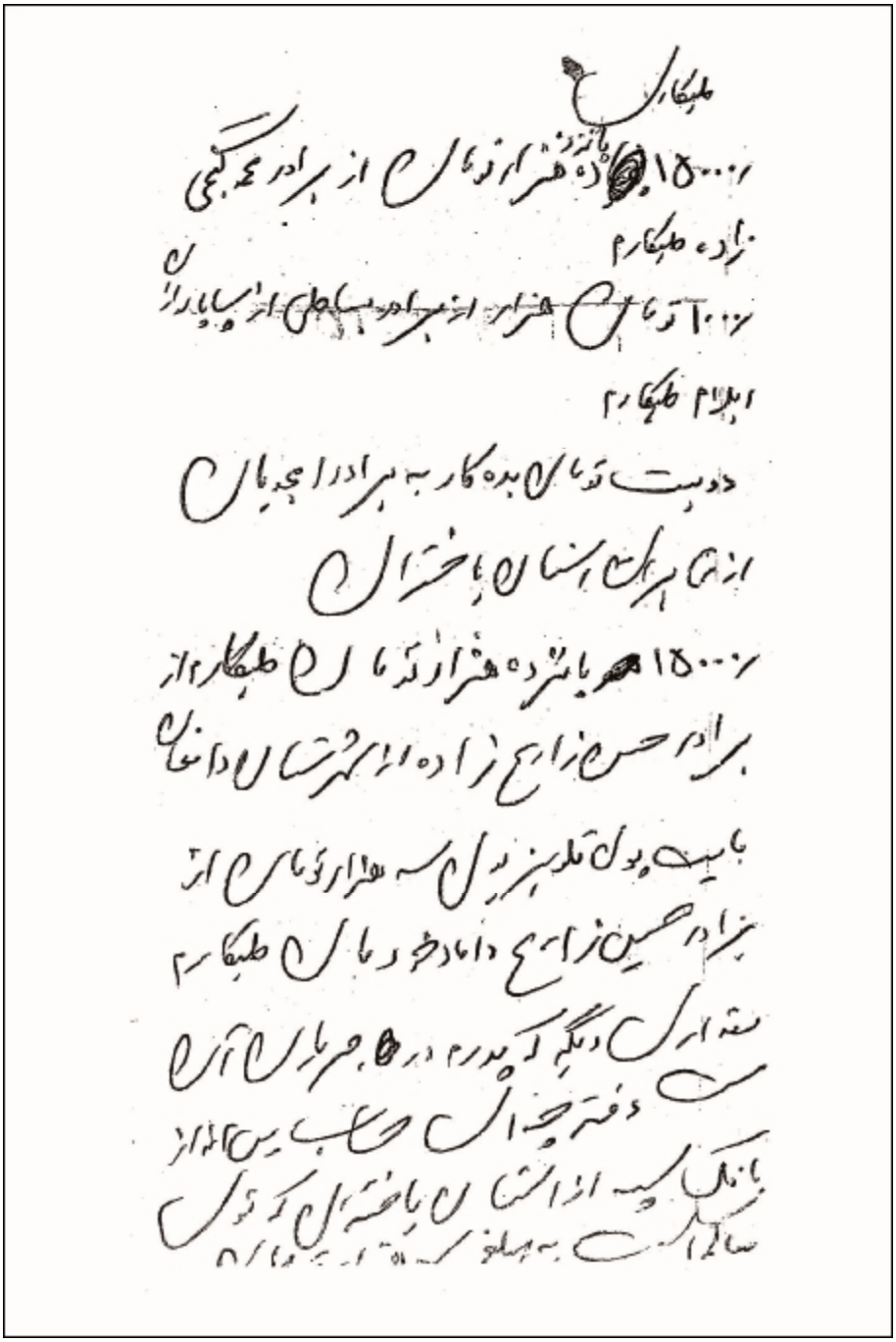
۵- در اصل وصیت: «جبه‌ها»

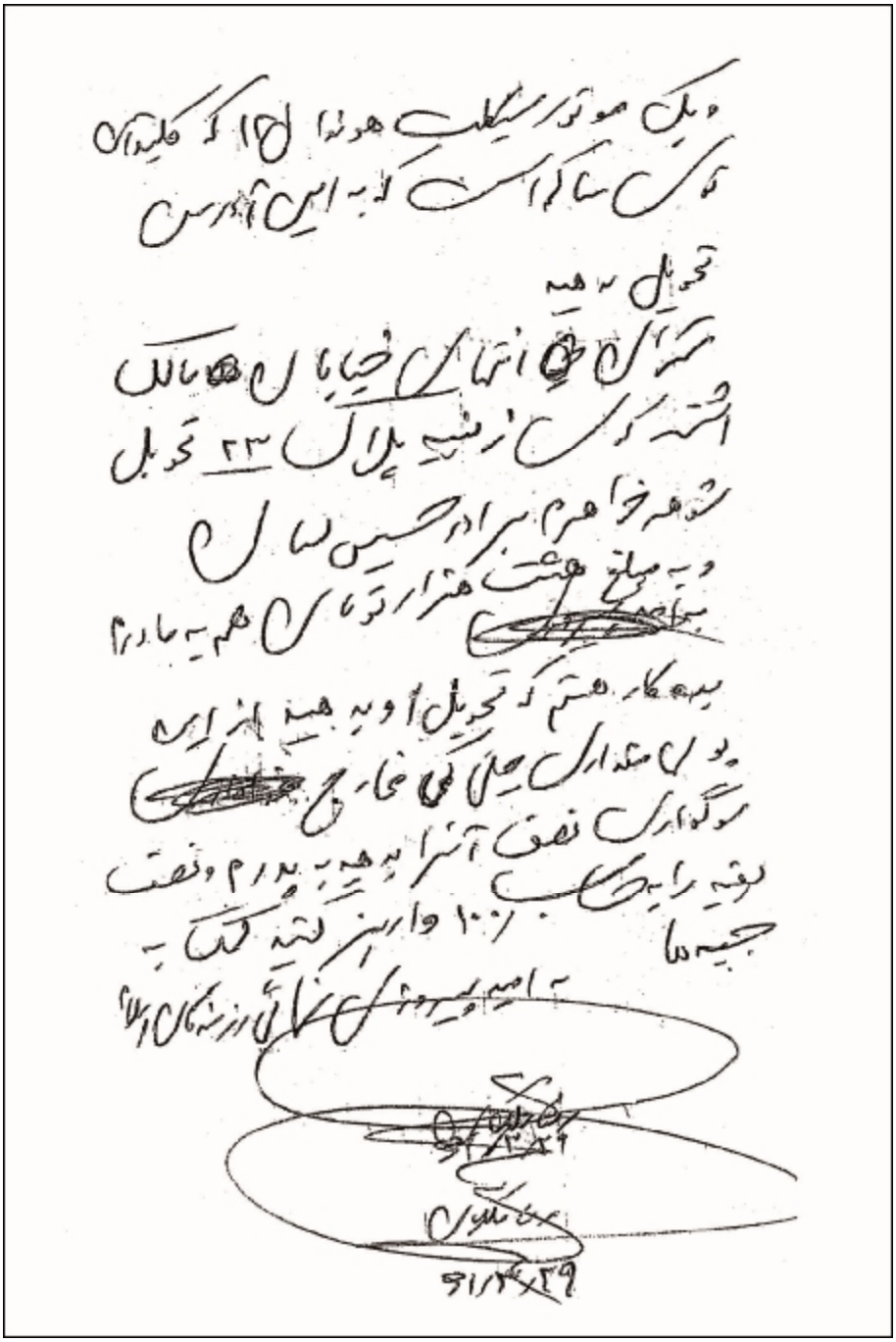














نام: **حسن**
نام خانوادگی: **ممتازی**
نام پدر: **سیف‌الله**
نام مادر: **صغرا**
تاریخ تولد: **سوم شهریور ۱۳۴۱**
محل تولد: **روستای کلاته مـلا از توابـع دامغان**
تحصیلات: **پایان دوره متوسطه**
ارگان اعزام‌کننده: **سپاه**
تاریخ شهادت: **هجدهم بهمن ۱۳۶۱**
محل شهادت: **فکه**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش**
مزار: **بهشت‌زهرای شهرستان تهران**

عبارت‌های کلیدی

- مسئلهٔ مهم برای ما در حال حاضر حفظ اسلام است.
- تک‌تک شما تا آنجایی که می‌توانید در حفظ اسلام سعی و کوشش نمایید.
- اگر ما در این راه خونمان ریخته نشود چه کسی می‌خواهد زنده کنندهٔ اسلام باشد.
- من نمی‌توانستم غیر از این راه راهی دیگر را انتخاب بکنم.
- خواهرم اگر من سعادت داشتم و به آرزویم رسیدم تـو بایـد آن کنـی آن بیندیـشی آن راه را بروی که حضرت زینب(علیهاالسلام) رفت.
- امام را تنها نگذارید.

حسن ممتازی

بسم الله الرحمن الرحیم

[۱]چه می‌توانیم بگوییم مسئلهٔ مهم برای ما در حال حاضر حفظ اسلام است. این وظیفهٔ بر تک تک شماها هم هست که تا آنجایی که می‌توانید در حفظ اسلام سعی و کوشش نمایید این همه شهیدان پاک خونشان برای حفظ اسلام ریخته شد. و ادامهٔ آن بر ما است. اگر نکنیم در نزد خداوند متعال و این همه شهید گلگون‌کفن باید جوابگو باشیم. باید ما جوان بدهیم باید ما بهترین‌ها بدهیم اگر ما در این راه خونمان ریخته نشود چه کسی می‌خواهد زنده کنندهٔ اسلام باشد. بهترین یاران امام بهترین فرزندان این ملت هستی‌شان را برای حراست از اسلام دادند. سرور شهیدان حسین‌بن علی (ع) برای چه تمام هستی‌اش را داد؟ طفل شیرخواره‌اش را داد، برادرش را داد؟ سرش را داد. یارانش را داد برای چه بود؟ برای چه هست که بیش از ۱۰۰ هزار شهید تقدیم انقلاب اسلامی‌مان نموده‌ایم. آیا غیر از مسئله اسلام می‌تواند مسئله دیگر باشد.

پس شما خانوادهٔ عزیزم، نه تنها باید شاد باشید بلکه باید وضو سازید و غسل شهادت بکنید. و سلاحم را برگیرید و سنگر خالی‌ام را پرکنید. من انتظار دارم از تو ای مادری که یک عمر برای من زحمت کشیدی من را حلال کنی. و قطره‌ای اشک برای من نریزید چون من نمی‌توانستم غیر از این راه راهی دیگر را انتخاب بکنم. تو باید همچون مادرانی باشی که در نزد امام می‌آیند و خواستارند که ای امام دعا کن نه تنها دیگر فرزندانشان بلکه خودشان هم شهید شوند. من از تو هم همین روحیه را می‌خواهم.

و اما تو ای خواهرم گفتنی‌ها را در نامه‌هایم برایت گفته‌ام اگر من سعادت داشتم و به آرزویم رسیدم تو باید آن کنی آن بیندیشی آن راه را بروی که حضرت زینب(علیها السلام) رفت تو باید همچون زینب‌گونه‌های کربلای ایران باشی. تو باید از زندگی دنیوی رها شوی و خود را در عالم حرکت به‌سوی خداوند متعال قرار دهی نماز و روزه اخلاق اسلامی

۱- از سیاق کلام برمی‌آید این آغاز وصیت‌نامه نیست. صفحات پیشین وصیت‌نامه در اختیار نیست

حجاب خدمت کردن به هموطنان [...][1] امام این [...] را [...] و در انجام آن سخت کوشا باشی و اما [...] برادرم، برادری که برایم همچون یک پدر بودی [...] و اولین [...] به پای این همه زحمت‌های بی‌دریغ‌تان ولی از خداوند متعال خواستارم که عوضش را به شماها [...] و مرا حلال سازید و از درگاهش [...] به یکایکتان [...].

و در پایان از تمام دوستان و برادران و خواهران خواستارم که من را حلال کنند. امام را تنها نگذارند اسلام عزیز را به پای دارند و هم صدا با انقلاب بر علیه کفار و اجانب به ستیز برخیزند و لحظه‌ای از پای ننشینند. ضمناً وسایل باقی مانده از این حقیر را هرچه هست چه کتابهایم و چه دوربینم همه را به سپاه بدهید و از وسایل شخصیم همه را در راه خدا مصرف نمایید. دیگر عرضی ندارم جز وصیتی دوباره و آن سفارش به تقوا و حفظ اسلام [...] و انقلاب و مرگ بر آمریکا.

در آخر خواهشمندم اگر جنازه‌ای از من باقی مانده بود آن را در بهشت‌زهرا به خاک بسپارید و ضمناً برای کوری دشمنان اسلام و شادی روحم می‌خواهم پدر و مادرم و خانواده‌ام مستقیماً در دفن من شرکت داشته باشند تا آمریکا و کفار بدانند که پدران و مادران ما با دست خودشان فرزندانشان را دو دستی در راه اسلامشان خواهند داد. به امید پیروزی اسلام. از همه شما حلالیت می‌طلبم.

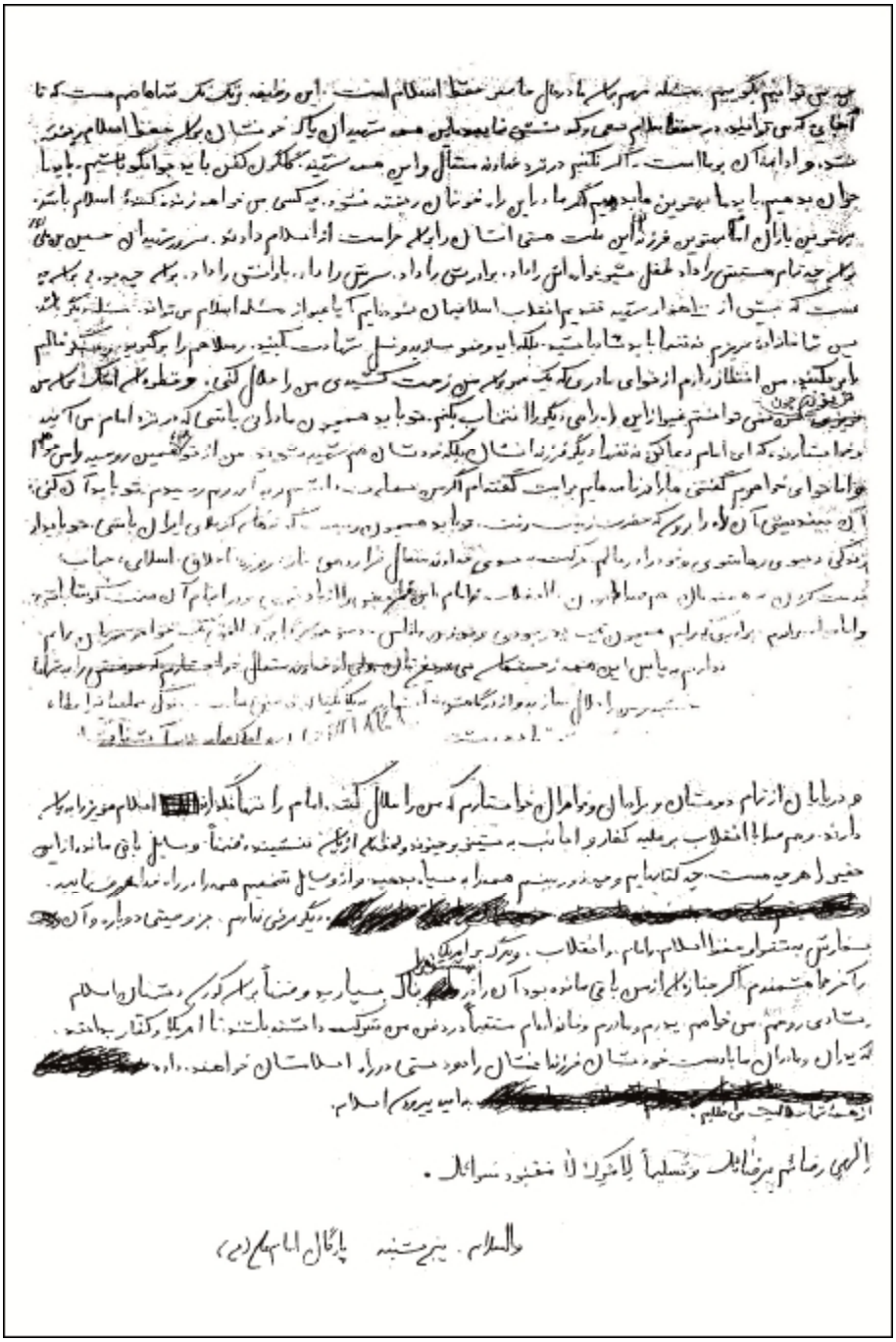
«الهی رضاً برضاک و تسلیماً لأمرک لا معبود سواک»[2].

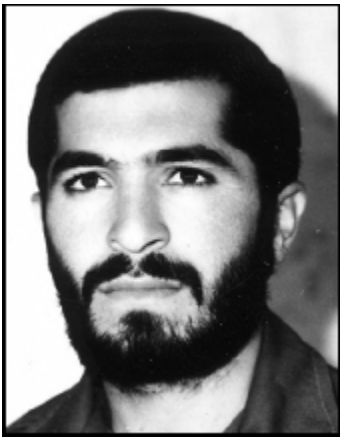
«والسلام»

پنجشنبه پادگان امام علی(ع)

۱- خوانا نیست. عباراتی که با [...] مشخص شده‌اند، خوانا نیست.

۲- در اصل وصیت «الهی رضائم برضائک و تسلیماً لأمرک لا معبود سوائک».





نام: **حسین**
نام خانوادگی: **منتظری**
نام پدر: **فضل‌الله**
نام مادر: **عذرا**
تاریخ تولد: **دهم خرداد ۱۳۴۰**
محل تولد: **روستای قلعه‌نو از توابع شهرستان شاهرود**
تحصیلات: **دیپلم در رشته کشاورزی**
ارگان اعزام‌کننده: **سپاه**
تاریخ شهادت: **بیست‌وپنجم اسفند ۱۳۶۳**
محل شهادت: **شرق رود دجله عراق**
نحوهٔ شهادت: **اصابت گلوله تانک**
مزار: **گلزار شهدای زادگاهش**

عبارت‌های کلیدی

- ملت مسلمان، بر آن باشید که دستاوردهای این انقلاب را بر قلب خود حفظ کنید و در حفظ و حراست ارکان جمهوری اسلامی بکوشید.
- با مبانی احکام اسلام و فقه شیعه و علم جدید و مسائل روز خود را غنی کنید و از اندوخته‌های گرانمایهٔ روحانیت و علما استفاده کنید.
- قدر امام را بدانید، با تمام سخنان او تعبدی برخورد کنید.
- برادرانم، به اسلام و ولایت فقیه تکیه کنید.
- صریحاً شما را به انجام فرامین دینی وصیت می‌کنم.
- پدرم، مادرم، به خدا توکل کرده صبر را، استقامت را پیشه کنید.
- همسرم، از شما تشکر می‌کنم که در مقابل تمامی سختی‌ها و کمبودها و دوری‌ها استقامت کردید.
- خواهرانم، زینب‌وار سعادت زندگی را کسب کنید.

حسین منتظری

بسم الله الرحمن الرحیم

«**احسب الناس ان یترکوا ان یقولوا امنا و هم لایفتنون**»[۱].

«**استغفر الله ربی و اتوب الیه و استغفر الله ربی**».

سپاس بی‌حد خداوند رحمان را که نعمت حیات و زندگی و طریق آزمایش را بر ما نهاد و پیامبری را با قرآن کریم به‌سوی ما فرستاد، او را، چراغ و نور هدایت و ائمهٔ معصومین علیهم‌السلام را در ادامهٔ آن راه و اسوه‌های جهان بشریت قرار داد.

شهادت می‌دهم که خدا یکی است و تمام خلایق و موجودات ارضی و سمایی به تسبیح حق تعالی مشغول و سرانجام‌شان به‌سوی اوست. شهادت می‌دهم ۱۲۴ هزار پیامبر که آخرینش رسول اکرم، محمد(ص) آخرین پیامبر و دوازده امام معصوم علی(علیهم‌السلام) و یازده فرزند امام معصوم [هستند] برای هدایت انسان‌ها از ظلمات به‌سوی نور از ضلالت‌ها به‌سوی صراط مستقیم و از بت‌پرستی و چندگانه‌پرستی به پرستش خالق یکتای عالمیان و مبارزه با جهل و کفر و ظلم و جور فرستاد تا بشریت را در طریق آزمایش الهی راهنمایی[۲] نمایند.

با سلام بر منجی انسان‌ها مهدی منتظر(عج) که در سایهٔ توجهاتش اسلام عزیز با کفر در ستیز [بوده] با قامتی استوار به تمامی عالم نورافشانی می‌کند و پرده و حجب ظلمات را دریده و منور می‌سازد و روح خدا سلالهٔ پاک رسول‌الله(صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) نایب برحقش [را] نصرت داد تا جهانی را که به‌سوی فساد و ظلم و تباهی در حرکت بود با انقلاب اسلامی بیدار [کند] و خیل انسان‌های مستضعف را بر علیه مستکبرین جهان به جبهه فراخواند و پس از ۱۸ سال تلاش و پایمردی و رهبری پیامبرانه و مخلصانه خلق ایران را از زیر یوغ آمریکا و شاه بیرون آورده و ملتش را متحول و اسلامش را زنده [و] کشورش را کشور

۱- عنکبوت/ ۲. «آیا مردم گمان کردند همین که بگویند ایمان آوردیم به حال خود رها می‌شوند و آزمایش نخواهند شد».

۲- در اصل وصیت «راهنمائی».

رسول‌الله(صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) و بقیةالله(عج) گردانید و دیده‌های به‌خواب رفتهٔ جهان و مسلمین را بر تعالیم روح‌بخش اسلام محمدی رهنمون سازد.

ملت مسلمان، برادران و خواهران عزیز. حال که با اراده و مشیتِ مبدأ امور و با زعامت امام عزیز و نعمت انقلاب اسلامی پرچم و بیرق مبارزه با کفر جهانی و حمایت از مستضعفین را در راه اعتلای کلمهٔ الله به‌دست گرفته‌اید و در طول این چند سال مبارک سخت[ی] مشکلات را بر خود هموار و عزیزترین یاران خود را فدای درگاه حق تعالی کردید [و] به برکت خون شهیدان و ایثارگری معلولین و مجروحین و رهبری روحانیت تشیع به‌شکرانهٔ خداوند به بزرگ‌ترین پیروزی‌ها دست یافتید، بر آن باشید که دستاوردهای این انقلاب را بر قلب خود حفظ کنید و بزرگ دستاوردی که [...][1] روحی خودتان است را پاسداری نمایید[2] و در حفظ و حراست ارکان جمهوری اسلامی و ارگان‌های انقلاب اسلامی خصوصاً سپاه و کمیتهٔ انقلاب اسلامی بکوشید و ازپای ننشینید.

و میدان نبرد را از ایران و خاورمیانه به تمام بلاد تحت ستم جهان اسلام و مستضعفین وسعت دهید و به مبدأ انقلاب که روح تعالیم اسلام است و عامل حرکت انقلاب [که] وجود روحانیت گرانقدر و خستگی‌ناپذیر و در رأس آن امام عزیز [است] و به مساجد و حوزه‌های علمی دینیه که مبدأ قیام بودند و به رمضان و محرم و عاشورای ۱۵ خرداد[3] و ۱۹ دی[4] و ۱۷ شهریور[5] ۱۲ و ۲۲ بهمن[6] و ۱۲ فروردین[7] که شهرالله و ایام‌الله می‌باشند و روزهای سرنوشت‌ساز تاریخ اسلام است و به طیف خانواده‌های مستضعف و پابرهنه‌ها و خانواده‌های شهیدداده که انقلاب مدیون آنان است پی ببرید و آنان را سرمشق خود قرار

۱- خوانا نیست.

۲- در اصل وصیت «نمائید».

۳- ر.ک.تعلیقات.

۴- ر.ک.تعلیقات.

۵- ر.ک.تعلیقات.

۶- ر.ک.تعلیقات.

۷- ر.ک.تعلیقات.

دهید و در تمامی ابعاد مبارزه با کفر و الحاد از خدا استعانت بجویید[۱] و در سختی‌ها و مشقات پیش‌قدم باشید که از خصوصیات مؤمنین است و با مبانی احکام اسلام و فقه شیعه و علم جدید و مسائل روز خود را غنی کنید و از اندوخته‌های گرانمایهٔ روحانیت و علما استفاده کنید.

سپاه را در مأموریت جنگ جهانی اسلام علیه کفر و کمیته‌ها را در مقابله با عمال داخلی ابرقدرت‌ها و توطئهٔ شوم داخلی و همگی نیروهای مسلح را در دفاع از جمهوری اسلامی یاری نمایید[۲] که خدا یاری‌تان می‌نماید.

در تمام تصمیم‌گیری‌ها و امور دینی و اجتماعی و اقتصادی و سیاسی، روحانیت را الگو و ضابطهٔ خود قرار دهید. خدا را شاهد می‌گیرم که تاریخ تشیع چنین ولی و رهبر و امامی را بعد از ائمه معصومین(علیهم‌السلام) ندیده. قدر امام را بدانید، با تمام سخنان او تعبدی برخورد کنید. ما که لیاقت شناخت امام را نداشتیم، شاید نسل‌های چند قرن آینده هم موفق به شناخت کامل او نباشند. در عشق و ارادت به آیت‌الله دکتر بهشتی[۳] سوختم و او را ندیدم؛ و لیکن توصیه دارم حرکت‌ها و اندیشهٔ او را جامهٔ عمل بپوشانید و یاد آورید که ایشان همیشه فریاد می‌زدند «در معیار و ضوابط اسلامی هرگز مسامحه نخواهیم کرد» که نکرد و رستگار شد.

پدرم، مادرم، عزیزانم بزرگ‌ترین زحمات طاقت‌فرسا را در رشد و تربیتم انجام دادید و با نان کارگری بزرگم کرده و در مسیر مذهب قرارم دادید، خدا اجرتان دهد، و لیکن هرگز نتوانستم وظیفه‌ام را نسبت به شما انجام بدهم و گوشه‌ای از زحمات شما را جبران کنم. به‌خاطر خدا مرا حلال کنید و به خدا توکل کرده صبر را، استقامت را پیشه کنید و فقدان ما را که از مدت‌هاست پیش‌بینی می‌کردید با یاد خدا جبران کنید.

برادرانم، به اسلام و ولایت فقیه تکیه کنید و نقاط ضعف خود را پر کنید. صریحاً شما را به انجام فرامین دینی وصیت می‌کنم. شما در هدایتم به انقلاب نقش عمده را داشتید و

۱- در اصل وصیت «بجوئید».

۲- در اصل وصیت «نمائید».

۳- ر.ک.تعلیقات.

محبت‌هایی را که در طول عمر احساس کردم کوتاهی داشتم مرا ببخشید و راه خدا را طی کنید و حدود یک ماه نماز و روزهٔ قضا دارم برایم به‌جا آورید.

همسرم، از شما تشکر می‌کنم که محبت‌ها به من کردی و کانون گرم زندگی را برایم زیبا کرده و در مقابل تمامی سختی‌ها و کمبودها و دوری‌ها استقامت کردید. درس‌ها به من آموختید [و] بسیاری حقوق را بر من داشته‌اید ولی به‌واسطهٔ مشغلهٔ کار نتوانستم ادا نمایم. امیدوارم با کمال احسان مرا بخشوده و اگر موجب رنجش خاطر شما شدم حلالیت می‌طلبم. حق دارید از دست دادن من برایت مشکل باشد. خدا امانات خود را می‌گیرد. صبر کن و گریان مشو و استوار بایست و بر حق پابرجا باش و سعادت را آرزو کن و راه نیکان و شهیدان را بپیمای.

خواهرانم، زینب‌وار سعادت زندگی را کسب کنید و آرزو داشته باشید که در جهادتان که زندگی است پیروز و در پرورش فرزندان نیک موفق باشید، که تا کنون بودید. برادر کوچکتان را حلال کرده و اگر کوتاهی داشتم مرا ببخشید.

و در پایان از کلیهٔ برادران پاسدار کمیته و سپاه و خانواده‌های شهدا و اقوام و دوستان و آشنایان و تمامی مردم و ارباب رجوع که به نحوی از حقیر رنجش یا کوتاهی دیدند [تقاضا دارم] مرا حلال کرده و طلب آمرزش نمایید[1].

ضمناً در مورد امور مالی کمیته اگر با توجه به لیست شب آخر بدهکاری دارم برادرم مهدی می‌پردازد.

خدا یار و نگه‌دارتان باد. بر قرار باد جمهوری اسلامی به رهبری ولی فقیه حضرت امام خمینی در کره خاکی تا قیام و انقلاب حضرت مهدی لتراب مقدمه الفداء.

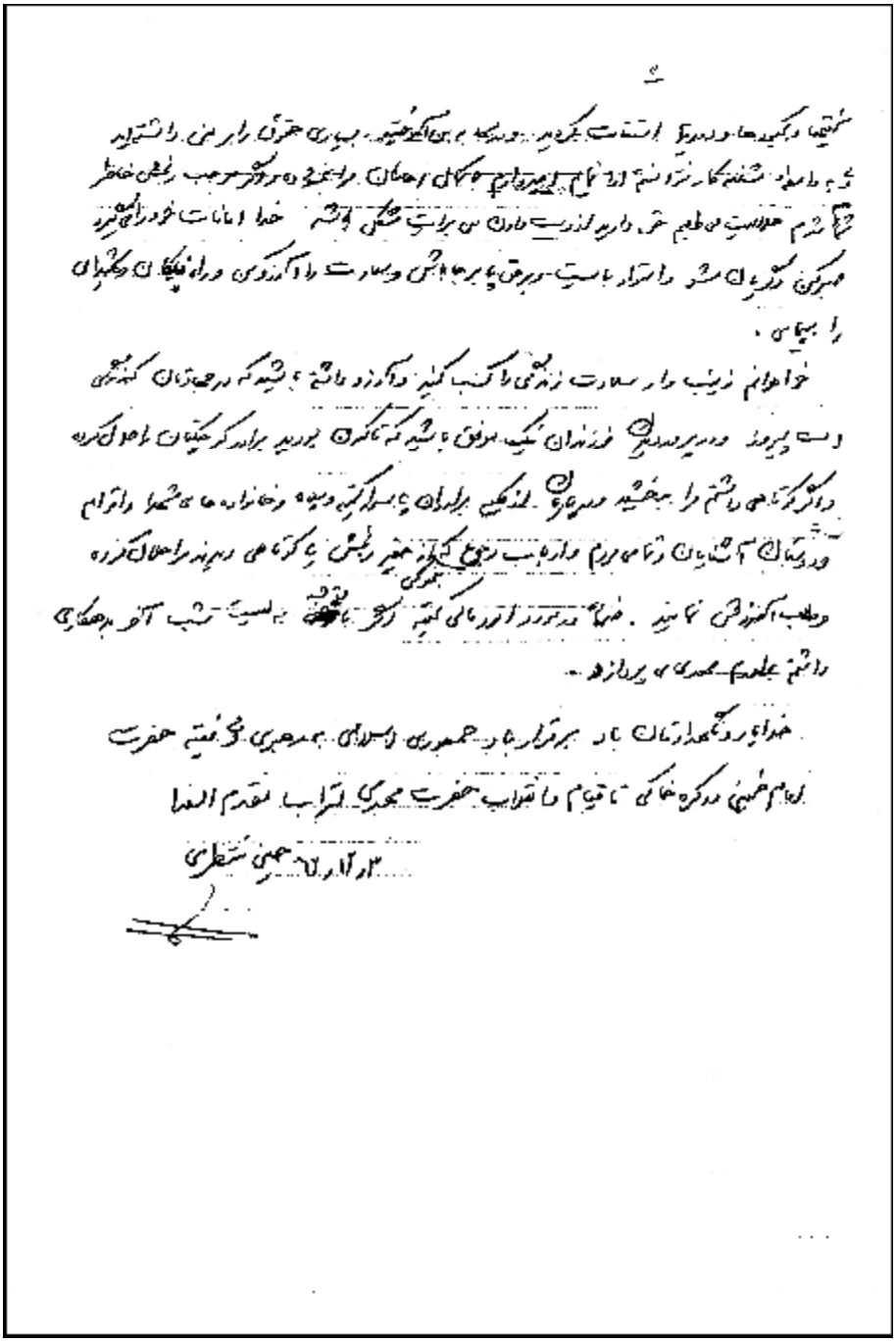
۶۲/۱۲/۳

حسین منتظری

۱- در اصل وصیت «نمائید».









نام: **حسین**
نام خانوادگی: **منتظری**
نام پدر: **محمد**
نام مادر: **زهرا**
تاریخ تولد: **یکم آذر ۱۳۳۶**
محل تولد: **روستای قلعه‌نو از توابع شاهرود**
تحصیلات: **دیپلم طبیعی**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **هفدهم اسفند ۱۳۶۵**
محل شهادت: **شلمچه**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش**
مزار: **گلزار شهدای زادگاهش**

عبارت‌های کلیدی

- مبادا امام و خط امام از یاد برده و امام را تنها بگذارید.
- همیشه یار و یاور اسلام و امام امت و انقلاب اسلامی باشید.
- این حقیر به‌سوی جبهه شتافت و نخواست ندای امام بدون جواب بماند که فردای قیامت نتواند جوابگوی آن باشد.
- فرزندانم را به راه اسلام و خط امام امت خمینی بت‌شکن تربیت نمایید.
- شکر خدای را به‌جا آور که فرزندت جز راه اسلام به راه دیگری نرفت.
- تا توان دارید در راه اسلام و قرآن وحمایت از رهبر کبیر انقلاب امام خمینی کوتاهی نفرمایید.
- از شما می‌خواهم برای تداوم انقلاب اسلامی و رهبریت امام امت خمینی بت‌شکن دعا کنید.
- به رهنمودهای امام گوش داده و عمل نمایید.

حسین منتظری

بسم الله الرحمن الرحیم

«فلیقاتل فی سبیل الله الذین یشرون الحیوة الدنیا بالاخره و من یقاتل فی سبیل الله فیقتل او یغلب فسوف نؤتیه اجراً عظیماً».

«مومنان باید در راه خدا با آنان که حیات مادی دنیا را بر آخرت گزیدند جهاد کنند و هر کس که در جهاد در راه خدا کشته یا فاتح گردید زود باشد او را در بهشت ابدی اجری عظیم دهیم». (سورهٔ نساء، آیهٔ ۷۴)[۱]

با درود به رهبر کبیر انقلاب اسلامی ایران، پیر جماران نایب برحق امام زمان(عج) امام امت، خمینی بت‌شکن و با سلام به قائم مقام رهبری آیت‌الله منتظری[۲] و به امید پیروزی هرچه سریع‌تر رزمندگان کفرستیز اسلام بر صدامیان کافر و به امید اینکه هرچه زودتر پرچم سبز محمدی در دنیا برافراشته گردد و مستضعفین جهان وارثان حقیقی روی زمین گردیده و به حکومت زورگویان و عاصیان خاتمه دهند، سخنی چند به برادران و خواهران عزیز به‌عنوان وصیت ذکر می‌کنم. هرچند این حقیر کوچک‌تر از آن است کلمه‌ای به‌عنوان وصیت به این امت قهرمان شهیدپرور نماید، از آنجایی که پیامبر اکرم(صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) فرموده‌اند «هرکه وقت مرگ وصیت خوب و کامل نکند در مروت او نقصانی وجود دارد و به شهادت نایل نشود»[۳] چند کلمه‌ای به‌عنوان وصیت ذکر می‌کنم؛ هرچند خود لایق پند و نصیحت می‌باشم.

روی سخنم به امت شهیدپرور و همیشه در صحنه است. مبادا امام و خط امام از یاد برده و امام را تنها بگذارید یا پشت به انقلاب نمایید یا خدای ناکرده مانع رفتن فرزندان

۱- در اصل وصیت «... ۷۳».

۲- ر.ک.تعلیقات.

۳- ترجمه «من لم یحسن وصیته عند الموت کان نقصاً فی مروته و عقله». (التهذیب، ج۹، ص۱۷۴، باب الوصیة و وجوبها، ص۲).

خود به جبهه‌ها گردید یا اینکه خدای ناکرده از کمک کردن بـه جبهـه‌هـا کوتـاهی بنماییـد همیشه یار و یاور اسلام و امام امت و انقلاب اسلامی باشید.

برادران عزیز و خواهران گرامی، ما باید آن روزهایی را به‌یـاد آوریـم کـه در ایـام دهـه محرم ندای «هل من ناصر ینصرنی»[1] امام حسین(علیه‌السلام) را تکرار می‌کردیم. این ندا چه بود؟ آیا جز این بود که امام حسین(علیه‌السلام) در روز عاشورا فرمودند «آیـا کـسی هـست دیـن مـرا یاری کند؟» یا اینکه می‌گفتیم: حسین(علیه‌السلام) جان ای کاش زنده بودیم و در رکابت شمـشیر می‌زدیم. آیا این ما نبودیم که می‌گفتیم حامی ولایت فقیـه هـستیم و از ولایـت فقیـه دفـاع می‌کنیم؟ و آیا های دیگر.

حالا امام امت نایب برحق امام زمان(عج) ندای آن روز امام حـسین(علیه‌السلام) را سـر داده، پس بر ما واجب است ندای او را لبیک بگوییم. و این حقیر گفت و برای همـین بـه‌سـوی جبهه شتافت و نخواست ندای[2] امام بدون جواب بماند، که فردای قیامت نتوانـد جوابگـوی آن باشد. ولی تو ای مسلمان و آزاده کمی فکر کن و اینقدر به مادیات فکر نکن و به نـدای این سید که از تبار حسینیان می‌باشد پاسخ مثبت بده. تا کی می‌خواهی در کنج خانـه یـا در پشت میز و محل کسب خود باقی بمانی؟ کمی فکر کن و بر سر عقل بیا. چرا نمی‌خـواهی کمی فکر کنی؟ تا دیر نشده[3] بیدار شو از خواب غفلت و راه خودت یعنی همان راه اسـلام محمدی(صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) و راه امام امت را هرچه زودتر انتخاب کن، که فردا دیر است و پـشیمانی سودی ندارد.

و به افرادی که مرتباً این جوان‌ها و نوگـل‌هـای مـا را بـه حـساب خودشـان نـصیحت می‌کنند و رفتن به جبهه آنها را مورد تمسخر قرار می‌دهند و از رفتن آنها به جبهه ممانعـت می‌نمایند و طعنه‌ها و حرف‌های بیهوده به آنها می‌زنند هشدار می‌دهم هرچه زودتر تـا دیـر نشده سر عقل آمده و به این امـت شـهیدپرور بپیوندنـد و از اینگونـه اعمـال خـود دسـت بردارند.

۱- ر.ک.تعلیقات.

۲- در اصل وصیت «لبیک».

۳- در اصل وصیت «نشد».

وصیت این حقیر به پدر و مادر و برادران و خواهران و همسرم این است: از شماها خواهش می‌کنم اگر خبر شهادت یا جنازهٔ مرا آوردند هرگز ناراحت و غمگین نباشید بلکه خوشحال، صبور، متین بوده و هرگز برایم گریه نکنید و اگر خواستید گریه کنید...

چون [...][۱] دارند امین و ایلیا (فرزندانم) را به راه اسلام و در خط امام امت خمینی بت‌شکن تربیت نمایید. حرف دیگرم [...][۲] در این مدت کوتاه زندگی زحمت داده و ناراحت کردم عذر می‌خواهم، امیدوارم مرا ببخشید. و شما پدر عزیزم که سال‌های سال زحمت کشیدی تا مرا به این سن و سال رساندی تا حداقل عصای دست شما باشم ولی با کمال تأسف اینگونه نشد. و خوشحال باش که توانستی چنین فرزندی برای اسلام و قرآن و انقلاب اسلامی تربیت کنی. اگر در این مدت شما را ناراحت کردم امیدوارم مرا ببخشید.

مادرم ای کسی که شب‌ها بیدار بر گهوارهٔ من نشستی و روزها نیز به خودت زحمت دادی و رنج و مشقت را به خود قبولاندی تا بتوانی طفلی به آن کوچکی را به این سن و سال برسانی که در پیری به دردت بخورد ولی اینطور نشد. چون او را خوب تربیت کرده بودی او جان ناقابل خود را فدای اسلام و قرآن نمود. خوشحال باش و شکر خدای را به‌جا آور که فرزندت جز راه اسلام به راه دیگری نرفت. ولی مادرم، تازه از این به بعد مسئولیت سنگین‌تری را بر دوش شما و پدر مهربانم گذارده‌ام و آن تربیت فرزندانم می‌باشد. خواهش می‌کنم مرا به بزرگی خودتان عفو نمایید.

برادران خوبم، شما را نیز خیلی زحمت دادم. از شما می‌خواهم راهم را ادامه دهید و به دشمنان اجازه سوء استفاده را ندهید و در تشییع جنازه‌ام فعالانه شرکت کنید و تا توان دارید در راه اسلام و قرآن و حمایت از رهبر کبیر انقلاب امام خمینی کوتاهی نفرمایید. و اما خواهرانم مخصوصاً خواهر بزرگم که همیشه به فکر من [...][۳] و علاقه‌ای عجیب به من و خانواده‌ام و فرزندانم داشتی و هیچ وقت نمی‌خواستی وقتی به خانه‌ات می‌آمدیم برگردیم و ناراحت بودی از رفتن ما. حالا از شما می‌خواهم زینب‌وار چون کوهی استوار در مقابل

۱- خوانا نیست.

۲- خوانا نیست.

۳- خوانا نیست.

دشمنان اسلام مقاومت کن و هرگز برایم گریه نکن و تودهنی به دشمنان اسلام بزن ولی به دست آنها بهانه نده که از آن سوء استفاده نمایند.

از شما برادر عزیزم رهنما، کمال تشکر را دارم چون که تا وقتی رامیان بودم و حتی [در] رفتنم به جبهه هر وقت جایی می‌رفتم نمی‌گذاشتی خانواده‌ام کوچک‌ترین کمبودی از هر لحاظ احساس بنمایند. و شما زحمات زیادی برای من کشیده‌ای، خداوند به شما اجر دهد.

در پایان از کلیهٔ دوستان و برادران حلالیت می‌طلبم و عذر می‌خواهم چون شماها زحمات زیادی را متحمل شدید و کمال تشکر و قدردانی را می‌نمایم. از شما می‌خواهم برای تداوم انقلاب اسلامی ایران و رهبریّت امام امت خمینی بت‌شکن دعا کنید و به رهنمودهای او گوش داده و عمل نمایید. برای آزادی اسرا و پیروزی هرچه سریع‌تر رزمندگان در جبهه‌های جنگ تحمیلی حتماً دعا بفرمایید.

خدایا خدایا، تا انقلاب مهدی(عج)، خمینی را نگه‌دار.

«والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته»

حسین منتظری

۱۳۶۵/۱۱/۲۰

[وصیت‌نامه‌ای دیگر]

بسم الله الرحمن الرحیم

وصیت به همسرم پروانه منتظری، سلام.

پس از سلام و سلامتی، با درود به رهبر کبیر انقلاب اسلامی ایران و سلام بر قائم مقام رهبری، آیت‌الله منتظری و درود و سلام بر شهیدان انقلاب اسلامی ایران.

پروانه جان، می‌دانم که از نوشته‌های این حقیر ناراحت می‌شوی، می‌دانم که با آمدن خبر مردنم ناراحت می‌شوی، می‌دانم از کارهایی که تا زنده بودم ناراحت می‌شدی و خیلی می‌دانم های دیگر. پروانه از شما معذرت می‌خواهم، اول، که این نکات را برایت می‌نویسم ولی چاره‌ای ندارم چون در لحظه‌های آخر است و من دارم به جبهه می‌روم و مشخص نیست که آیا برگردم یا نه، چون خواست خداست؛ می‌خواهم چند کلمه به شما بگویم.

اول اینکه وقتی شنیدی این حقیر مرده هرگز ناراحت نشوی و برایم گریه نکنی، چون خودت می‌دانی من ناراحت می‌شوم، صبر را پیشه کن، چون جز صبور بودن هیچ فایده‌ای ندارد. دوم اینکه، پروانه، وقتی این حقیر مرد در مورد خودت هر جور دوست داشتی هر مبلغ خواستی بگو، من به پدر و مادرم وصیت می‌کنم به شما پرداخت نمایند.

و آخرین مسئله که مهم‌ترین مسائل این حقیر می‌باشد این است: در مورد دو فرزندم یعنی امین و ایلیا می‌باشد که یادگاران من می‌باشند؛ از شما می‌خواهم آنها را هرگز به خانهٔ پدرت نبری و آنها را به خانوادهٔ خودم تحویل دهی. چون نمی‌خواهم آنها در خانواده‌ای که در آن بویی از اسلام و نماز و روزه نیست بروند و فردا چون آنها بار آیند [و][1] تربیت آنها مانند تربیت بچه‌های برادرت باشد. پس از شما خواهش می کنم، باز هم، آنها را هرچه سریع‌تر به خانوادهٔ خودم تحویل دهی. و در نامه به آنها نیز این نکته را یادآور می‌شوم. و از وسایل خانه هرچه دوست داشتی حتی همه آنها را می‌توانی ببری. در پایان وصیتم به شما می‌گویم اینقدر در مورد نماز بی‌اهمیت نباش؛ چیزی را که در دوران زندگی‌ام همیشه مرا رنج می‌داد و مرا از درون می‌سوزاند. و مخصوصاً وقتی می‌خواستم به جبهه بروم شما موافقت نمی‌کردی. چون وقتی می‌بینی جبهه احتیاج به نیرو دارد و امام امت می‌فرمایند جبهه‌ها را خالی نگذارید وظیفهٔ شرعی انسان است که به جبهه‌ها برود.

در پایان از حضور شما خیلی عذر می‌خواهم که شما را ناراحت کردم در دوران زندگی کوتاهمان. و همچنین [...][2] این نامه رزمندگان را دعا کنید، از امام امت و آیت‌الله منتظری هرگز فراموش نشود، در تمام نمازها دعا کنید [...][3] به آزادی اسرا نیز دعا نمایید. باز هم مرا ببخشید.

خداحافظ

«والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته»

حسین منتظری

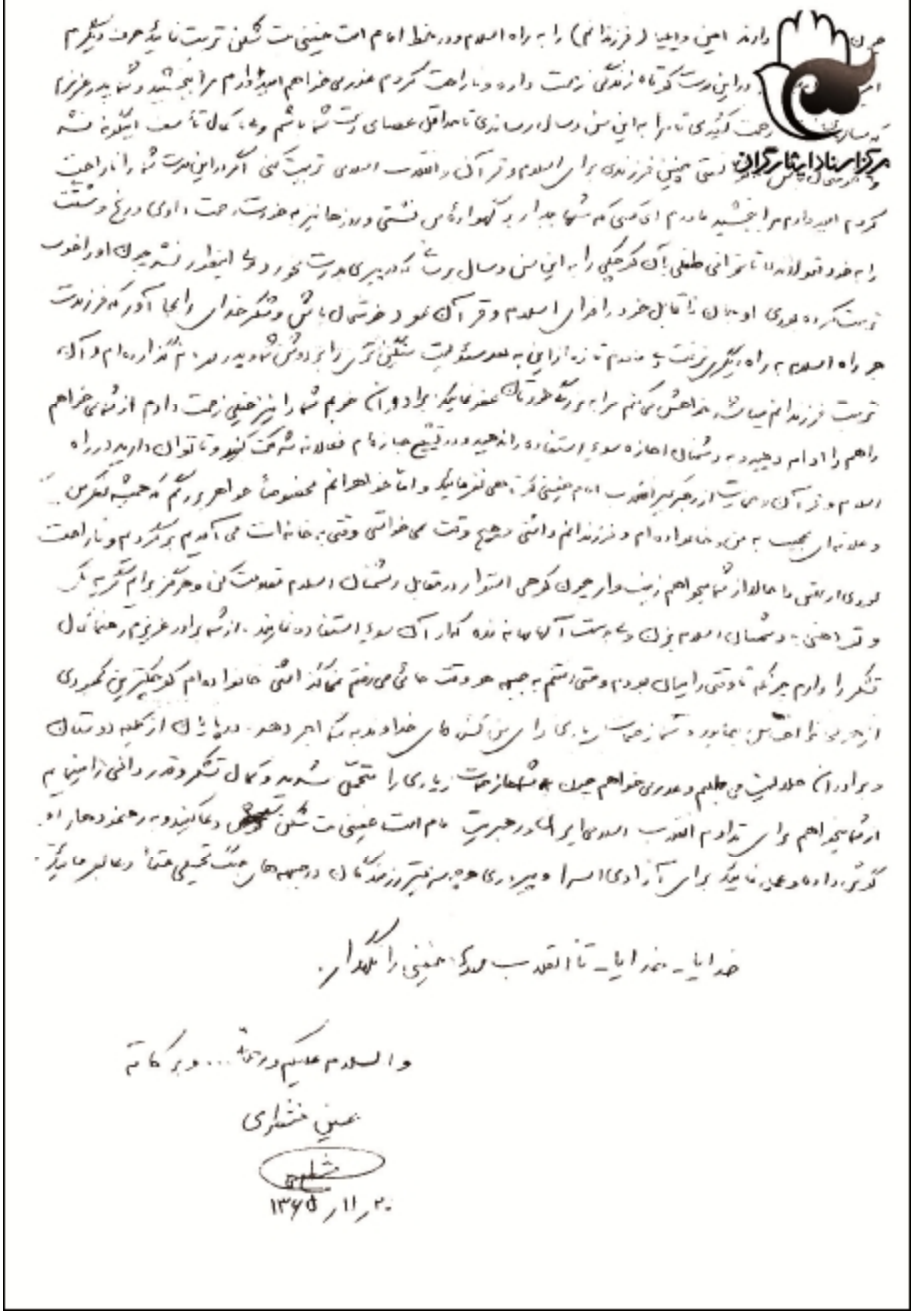
H-P

۱- اضافه است.

۲- خوانا نیست.

۳- خوانا نیست.





بسم الله الرحمن الرحیم

وصیت به همسرم پدر و مادرم [illegible] سلام

بعد از سلام و صلوات با درود به رهبر کبیر انقلاب اسلامی ایران امام و سلام به قائم مقام رهبری آیت الله منتظری و درود و سلام بر شهیدان انقلاب اسلامی ایران

پدر جان می‌دانم که از نوشته‌های این حقیر ناراحت می‌شوی می‌دانم که با آمدن خبر مرگم ناراحت می‌شوی می‌دانم از کارهایی که تا زنده بودم ناراحت می‌شدی و حتی [illegible]

پدر جان از شما معذرت می‌خواهم اول که این کلمات را برایت می‌نویسم چون جایی ندارم چون در لحظه‌های آخر است و من دارم به جبهه می‌روم و مشخص نیست که آیا برگردم یا نه چون خواست خداست می‌خواهم چند کلمه به شما بگویم اول اینکه وقتی پدر جان این حقیر رفت هرگز ناراحت نشوی [illegible] گریه نکن چون خودت می‌دانی من ناراحت می‌شوم صبر [illegible] چون هر [illegible] هیچ فایده‌ای ندارد. دوم اینکه پدر جان وقتی این حقیر مرد [illegible] هر [illegible] [illegible] [illegible] وصیت [illegible] [illegible] آخرین [illegible] که کمترین [illegible] این حقیر [illegible] [illegible] [illegible] یادگاران من [illegible] از شما می‌خواهم [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] می‌خواهم آنها در خانواده‌ای که [illegible] از اسلام و [illegible] [illegible] آنها را [illegible] و تربیت آنها مانند تربیت بچه‌های برادرت [illegible] از شما خواهش می‌کنم [illegible]

[illegible] [illegible] از همسرم [illegible] می‌خواهم که [illegible] ناراحت کردم [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] امام است و آیت الله منتظری هرگز [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] بازهم مرا ببخشید

خدا حافظ

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته

حسین منتظری

H-P



نام: **حسین**
نام خانوادگی: **منتظری**
نام پدر: **محمدحسن**
نام مادر: **ثریا**
تاریخ تولد: **یکم فروردین ۱۳۴۰**
محل تولد: **روستای قلعه‌نو از توابع شهرستان شاهرود**
تحصیلات: **دیپلم در رشته اتومکانیک**
ارگان اعزام‌کننده: **سپاه**
تاریخ شهادت: **دهم اردیبهشت ۱۳۶۱**
محل شهادت: **خرمشهر**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش**
مزار: **گلزار شهدای زادگاهش**

عبارت‌های کلیدی

- پشتیبان ولایت فقیه باشید.
- از روحانیت در خط امام امت خمینی بت‌شکن دفاع کنید.
- شما را به خون صدهزار شهید انقلاب قسم می‌دهم که از بیعت با امام عزیزمان جدا نشوید.
- خدایا تو نیک می‌دانی که فقط برای تو و به خاطر تو، خودم قدم در این راه گذاشتم.
- پدر و مادر گرامی، خدا شما را با شهادت من امتحان کرده است.
- عامل حرکت انقلاب وجود روحانیت گرانقدر و خستگی‌ناپذیر و در رأس آن امام عزیز است.
- قدر امام را بدانید، با تمام سخنان او تعبدی برخورد کنید.
- برادرانم، به اسلام و ولایت فقیه تکیه کنید.
- صریحاً شما را به انجام فرامین دینی وصیت می‌کنم.

حسین منتظری

بسم الله الرحمن الرحیم

«الموت فی حیاتکم مقهورین والحیاة فی موتکم قاهرین»[۱]. (علی (ع))
«مرگ در زندگی ذلت‌بار شماست زندگی در مرگ باعزت شماست».

سلام و درود به رهبر کبیر انقلاب، خمینی بت‌شکن آنکه با صدای رسای خود از جماران توطئه‌های غرب و شرق جهانخوار را با یک سخنرانی برملا می‌سازد. سلام بر سرور شهیدان حسین ابن علی(ع)، سلام بر شهیدان ۱۵ خرداد[۲] و ۱۷ شهریور[۳] و فاجعهٔ ۷ تیر[۴] و شهدای نخست‌وزیری و تمامی شهدای ایران.

به نام خدایی که به یاد او انسان‌های متقی و قلب‌ها آرام می‌گیرد. خدا را سپاس می‌گزارم که در راه او و در راه رهبر کبیر انقلاب امام خمینی قدم برداشتم. تنها آرزویم پیوستن به ملکوت اعلی است، اگر خداوند نصیبم گرداند.

وصیت من حقیر و کوچک به تمام افراد از کوچک و بزرگ: شما را به خدا و به خون صدهزار شهید انقلاب قسم می‌دهم که از بیعت با امام عزیزمان جدا نشوید، که پیروزی در راه و هدف اوست و همیشه پیرو روحانیت مبارز و ولایت فقیه باشید. اطاعت از فقیه اطاعت از الله است. خدایا تو نیک می‌دانی که فقط برای تو و به‌خاطر تو، خودم قدم در این راه گذاشتم. و آیا افتخاری بالاتر که در اینچنین موقعیتی و تحت رهبری چنین امامی به جهاد با کفار می‌خواهم بروم؟

آخر، پدر و مادر گرامی، خدا شما را با شهادت من امتحان کرده است. یعنی باید شما در برابر مرگ صبر زیادی کنید و هیچ نگویید «حسین مرد»، چون من نمرده‌ام بلکه زنده‌ام، چون قرآن می‌گوید «شهیدان نمی‌میرند بلکه زنده‌اند»[۵]. و در پایان، شما را به صبر و

۱- المناقب، ج ۳، ص ۱۶۷، فصل فی حرب صفین، ص ۱۲۳.
۲- ر.ک.تعلیقات.
۳- ر.ک.تعلیقات.
۴- ر.ک.تعلیقات.
۵- اشاره به آیاتی چون بقره/ ۱۵۴ و آل عمران/ ۱۶۹.

استقامت دعوت می‌کنم و می‌خواهم که مرا ببخشید و از من راضی باشید، و اگر جسدم هم به دستتان نرسید ناراحت نباشید.

«والسلام»

حسین منتظری

۶۰/۱۱/۱۷

در راه دوست کشته شدن آرزوی ماست　　دشمن اگرچه تشنه به خون گلوی ماست
از جان گذشته‌ایم و به جانان رسیده‌ایم　　در راه وصل این تن خاکی عدوی ماست

[وصیت‌نامه‌ای دیگر]

بسم الله الرحمن الرحیم

«من المؤمنین رجال صدقوا ما عاهدوا[۱] الله علیه فمنهم من قضی نحبه و منهم من ینتظر»[۲].

با سلام و درود[۳] بر محمد و آل او و سلام بر سرور شهیدان[۴] حسین ابن علی(ع) و سلام و درود به رهبر کبیر انقلاب آن پیر جماران خمینی بت‌شکن و سلام بر شهیدان ۷ تیر[۵] و شهدای جنگ تحمیلی. سپاس خدایی را که اول است و پیش از او اولی نبود و آخر است و پس از او آخری نباشد و سپاس خدایی[۶] را که ما را به توبه و بازگشت از گناه راهنمایی[۷] نموده، توبه‌ای که آن را نیافته‌ایم جز به فضل او احسان او؛ سپاسی که تاریکی‌های برزخ (قبر) را بر ما روشن سازد. بارخدایا، به بخشش خود ما را از بخشش

۱- در اصل وصیت «عاهدو».

۲- بخشی از آیهٔ ۲۳ سورهٔ احزاب. «در میان مؤمنان مردانی هستند که بر سر عهدی که با خدا بستند صادقانه ایستاده‌اند بعضی ایمان خود را به آخر بردند و بعضی دیگر در انتظارند و هرگز تغییر و تبدیلی در عهد و پیمان خود ندادند».

۳- در اصل وصیت «دورد».

۴- در اصل وصیت «شیهدان».

۵- ر.ک.تعلیقات.

۶- در اصل وصیت «خدائی».

۷- در اصل وصیت «راهنمائی».

بخشندگان بی‌نیاز گردان. بارخدایا، اگر بخواهی از ما بگذری از فضل و احسان تو است و اگر بخواهی ما را به کیفر رسانی از عدل و دادگری تو است. پس به نعمت بی‌پایانت ببخش ما را و ما را از کیفرت رهایی[۱] ده. چون ما توانایی[۲] دادگری تو را نداریم به عدالت با ما رفتار مکن.

وصیت من حقیر و کوچک به خانواده‌ام و تمام مسلمین این است که، اولاً پشتیبان ولایت فقیه باشید و از روحانیت در خط امام امت خمینی بت‌شکن دفاع کنید، چون اسلام بدون روحانیت معنی ندارد. ۲- همیشه دنبال‌رو ولایت فقیه و یک تشکیلات صد در صد اسلامی باشید، چون اگر یک تشکیلات اسلامی نباشد انقلاب به شکست می‌انجامد. و هر سخنی را که ولی فقیه گفت بدون چون و چرا بپذیرید. ۳- به این فکر نباشید که جنگ تمام شود و فراوانی و مادیات و غیره زیاد شود. ما اگر صدام را هم[۳] نابود کردیم بایست فلسطین[۴] را هم پیروز گردانیم و تا ظلم در جهان است ما باید دائم در جنگ باشیم، تا امام مهدی(عج) هرچه زودتر ظهور[۵] نمایند.

و در آخر از پدر و مادرم و از تمام کسانی که از من بدی و ناراحتی دیدند می‌خواهم که من حقیر را ببخشند.

خدایا خدایا، تا انقلاب مهدی(عج)، خمینی را نگه‌دار.

«والسلام»

تاریخ ۶۱/۲/۹

وصیت‌نامه حسین منتظری، فرزند محمدحسن منتظری

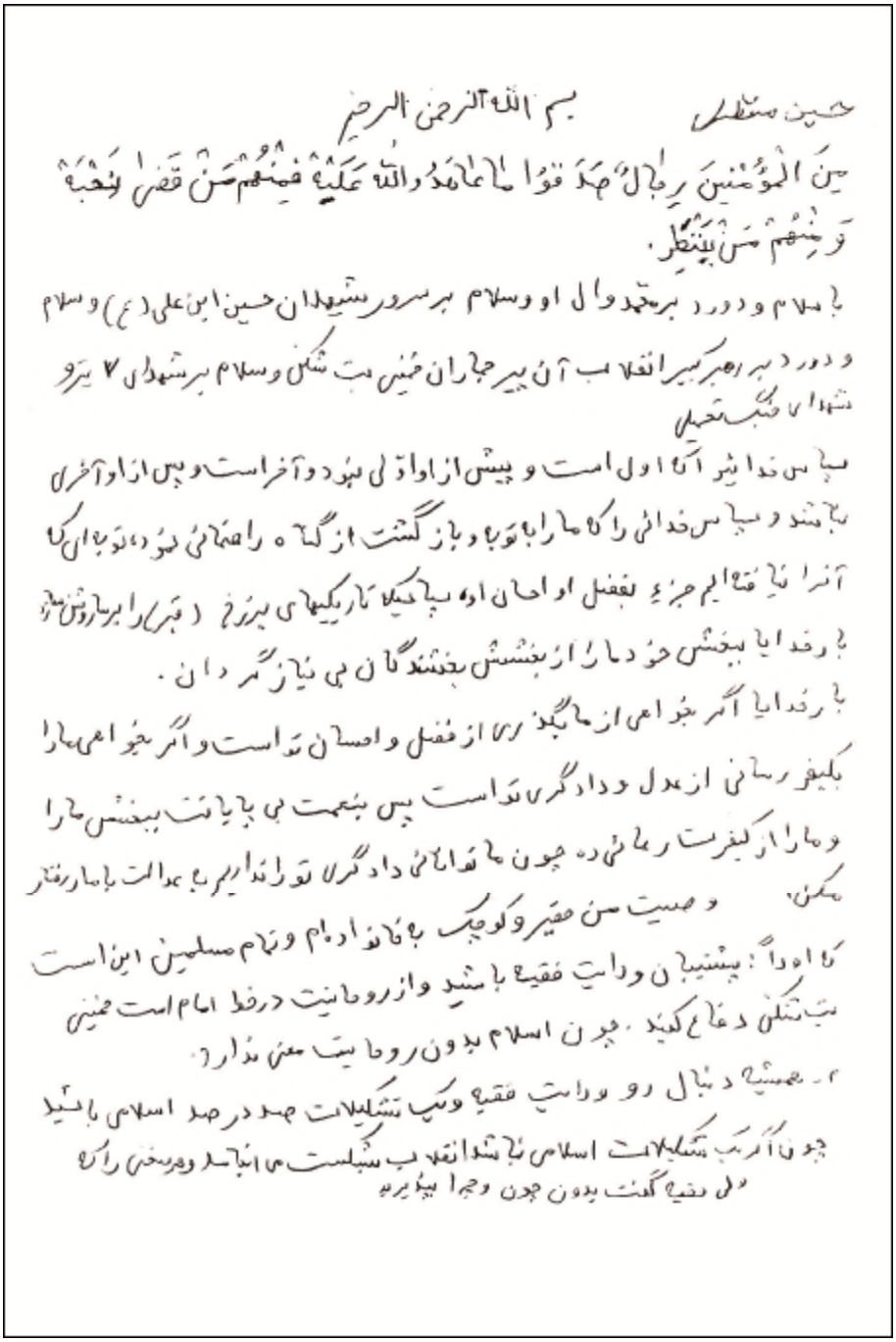
۱- در اصل وصیت «رهائی».

۲- در اصل وصیت «توانائی».

۳- در اصل وصیت «هم را».

۴- ر.ک.تعلیقات.

۵- در اصل وصیت «ظهر».



حسین منتظری

بسم الله الرحمن الرحیم

مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَنْ قَضَىٰ نَحْبَهُ وَمِنْهُمْ مَنْ يَنْتَظِرُ.

با سلام و درود بر محمد و آل او و سلام بر سرور شهیدان حسین ابن علی (ع) و سلام و درود بر رهبر کبیر انقلاب آن پیر جماران مُنیر بت شکن و سلام بر شهدای ۷ تیر و شهدای هفت تحریل

با سپاس خدائی را که اول است و پیش از اوّلی نبود و آخر است و پس از او آخری نباشد و با سپاس خدائی را که ما را با توبه و بازگشت از گناه راهنمائی نمود و توبه ای که آنرا نپذیرد جز به فضل او احسان او، با کیلوگرمی از یکیلوهای پرزخ (قبر) را برنتابد

با خدایا ببخش خود ما را از بخشش بخشندگان بی نیاز گردان.

با خدایا اگر جز اعی از ما بگذرد از فضل و احسان تو است و اگر جز اعی ما را بگیرد ربانی از عدل و دادگری تو است پس بر حمت بی پایانت ببخشای ما را و ما را از کیفرت رهائی ده چون ما تو را دادگر و تو را ای پروردگار با عدالت با ما رفتار میکنی.

وصیت من حقیر و کوچک به افراد ام و تمام مسلمین این است که آنها: پشتیبان ولایت فقیه باشید و از روحانیت در خط امام امت خمینی بت شکن دفاع کنید. چون اسلام بدون روحانیت معنی ندارد.

۲- همیشه دنبال رو ولایت فقیه و کمک تشکیلات جهد در حد اسلامی باشید چون اگر کمک تشکیلات اسلامی نباشد انقلاب شکست می خورد و هر کس را که ولی فقیه گفت بدون چون و چرا بپذیرد

۳ - به این کمر بنا بندید که جنگ تمام شود و قرآنی و مادیات و غیره زیاد شود
ما اگر صدام هم را نابود کردیم با بیت فلسطین را هم پیروز گردانیم و تا ظلم در
جهان است ما باید دائم در جنگ باشیم تا امام مهدی (عج) هر چه زودتر
ظهور نماید و در آخر از پدر و مادرم و از تمام کسانی که از من بدی و ناراحتی
دیده‌اند می‌خواهم که من حقیر را ببخشند. خدایا خدایا تا انقلاب مهدی
خمینی را نگهدار

والسلام تاریخ ۶۲/۱۲/۹

وصیت نامه حسین صفائی فرزند محمد و منصوره

"این وصیت‌نامه‌ها بیدار می‌کنند انسان را." "امام خمینی"

بسم الله الرحمن الرحیم

"الموت فی حیاتکم مقهورین و الحیات فی موتکم قاهرین." "علی (ع)

"مرگ در زندگی ذلت بسار شماست، زندگی در مرگ با عزت شماست"

سلام و درود به رهبر کبیر انقلاب خمینی بت‌شکن، آنکه با صدای رسای خود از جماران توطئه‌های غرب و شرق را همانند کوهی بر جا سخنرانی بر ملا می‌سازد. سلام بر سرور شهیدان حسین ابن علی (ع) سلام بر شهیدان ۱۵ خرداد و ۱۷ شهریور و فاجعه ۷ تیر و شهدای نخست‌وزیری و تمامی شهدای ایران. بنام خدائیکه به یاد او انسانهای متقی و قلبها آرام می‌گیرد، خدا را سپاس می‌گزارم که در راه او و در راه رهبر کبیر انقلاب امام خمینی قدم برداشتم تنها آرزویم پیوستن به ملکوت اعلی است اگر خداوند نصیبم گرداند بیت من حقیر و کوچک به تمام افراد از کوچک و بزرگ شما را به خدا و به خون صد هزار شهید انقلاب قسم می‌دهم که از بیعت با امام عزیزمان جدا نشوید که پیروزی در راه و هدف اوست و همیشه پیرو روحانیت مبارز و ولایت فقیه باشید، اطاعت از فقیه اطاعت از الله است.

خدایا تو نیک می‌دانی که فقط برای تو و به خاطر تو خودم قدم در این راه گذاشتم و آیا افتخاری بالاتر که در چنین موقعیتی و تحت رهبری چنین امامی به جهاد با کفار می‌خواهم بروم

آخر پدر و مادر گرامی، خدا شما را با شهادت من امتحان کرده است یعنی باید شما در برابر مرگ عزیزتان صبر زیادی بکنید و هیچ نگویید حسین مرد چون من نمرده‌ام بلکه زنده‌ام چون قرآن می‌گوید شهیدان نمی‌میرند بلکه زنده‌اند و در پایان شما را به صبر و استقامت دعوت می‌کنم و می‌خواهم که مرا ببخشید و از من راضی باشید و اگر جسدم هم به دستتان نرسید ناراحت نباشید.

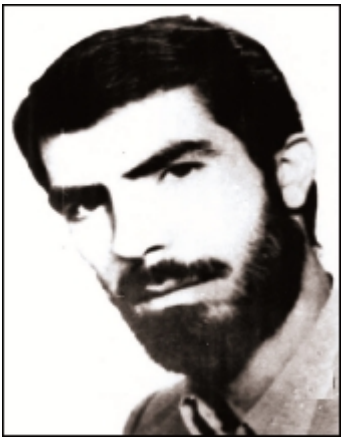
والسلام

حسین منتظری ۶۰/۱۱/۱۷

در راه دوست کشته شدن آرزوی ماست — دشمن اگر چه تشنه به خون گلوی ماست

از جان گذشته‌ایم به جانان رسیده‌ایم — در راه وصل این تن خاکی عدوی ماست

پدر حزب جمهوری اسلامی طعمه نو خرقان +x



نام: **علی**
نام خانوادگی: **منتظری**
نام پدر: **ابراهیم**
نام مادر: **ساره**
تاریخ تولد: **ششم فروردین ۱۳۳۷**
محل تولد: **روستای قلعه‌نو از توابع شهرستان شاهرود**
تحصیلات: **کاردانی راه و ساختمان**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **یازدهم آبان ۱۳۶۱**
محل شهادت: **عین‌خوش**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش**
مزار: گلزار **شهدای زادگاهش**

عبارت‌های کلیدی

- عاقبت نیک از آن تقوی‌پیشگان است.
- برای دفاع از اسلام و حریم جمهوری اسلامی و پاسداری از اسلام عزیز به جبهه جهاد آمدم.
- خدایا معتقدم که ما به خود تعلق نداریم از توییم و بازگشتمان به سوی تو.
- ای خدا ای غفار، به حرمت محمد(ص) و آل او از تمام گناهان و تقصیرات ما بگذر.
- پیوسته به یاد خدا باشید و اعمالتان خالص برای خدا باشد.
- از خدا بخواهید که صفحه دل‌هایمان را از حسد و ریا، کبر، مقام‌پرستی و شهوت پاک و به نور علم و ایمان منور و روشن بفرماید.
- پیام خون شهیدان که پاسداری انقلاب و پذیرش ولایت فقیه و احکام اسلام است.
- مادر، چون کوه استوار باشید و الگو و اسوه و نمونه این امت شوید.
- خواهرانم، سالت اصلی شما تربیت فرزندانی دلسوز برای اسلام و امام است.
- خدا بر ما منت نهاده و رهبری عظیم و پیامبرگونه و علی‌وار بر ما عطا کرده است.
- در جهان سربلند و مفتخریم که از ظلمت و جهل نجات یافتیم و به نور هدایت شدیم.
- ما از آن خداییم و به سوی او بازگشت می‌کنیم.

علی منتظری

بسم الله الرحمن الرحیم

قال الله تعالی: «یا **ایها الذین امنوا هل ادّلکم علی** تجارة **تنجیکم من عذاب الیم تؤمنون بالله و رسوله و تجاهدون فی سبیل‌الله باموالکم و انفسکم ذالکم خیرٌ لکم ان کنتم تعلمون**».[۱]

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید آیا راهنمایی کنم شما را بر تجارتی که نجات دهد شما را از عذاب دردناک ایمان آورید به خداوند متعال و پیغمبر او و جنگ نمایید در راه خدا با مال و جان خودتان که این عمل بهتر است برای شما هرگاه شما علم داشته باشید».

«اللهم ارزقنا توفیق الطاعة و توفیق الشهادة فی سبیلک».

«خداوندا به ما توفیق اطاعت و بندگی و تفیق شهادت در راهت را عطا فرما» اینجانب علی منتظری، اعزامی از بسیج سپاه پاسداران امامشهر شاهرود، شهادت می‌دهم که خدا یکی است و به یکتایی او اقرار می‌کنم او خدایی است که شریک ندارد.

شهادت می‌دهم که محمد(ص) بندهٔ و فرستاده اوست از جانب خدا براستی و درستی برسالت حق برخاست شهادت می‌دهم که دوازده امام حق است و آخرین آنها حضرت مهدی موعود ارواحنا له الفدا می‌باشد که در پرده غیبت است و به فرمان خدا ظهور خواهد کرد، شهادت می‌دهم که معاد و بهشت و جهنم حق است و در قیامت به ذره ذره اعمال انسان رسیدگی خواهد شد و عاقبت نیک از آن تقوی‌پیشگان است.

شهادت می‌دهم که امام خمینی رهبر عظیم‌الشأن انقلاب، ولی فقیه و نائب برحق امام مهدی(عج) می‌باشد و قیام و انقلاب او برحق است و اطاعت از او بر همه واجب.

ای خدای تبارک و تعالی، اینک که مکتب نجات‌بخش ما اسلام عزیز و کشورهای اسلامی ما مورد هجوم کفار گشته است، برای دفاع از اسلام و حریم جمهوری اسلامی و پاسداری از اسلام عزیز به جبهه جهاد آمدم. تا با نثار خونم در راه و با هدیه تن عاریه‌ام به پیشگاه تو ثابت کنم که مسلمانم و فقط تسلیم فرمان تو، خدایا معتقدم که ما به خود تعلق نداریم از توییم و بازگشتمان به سوی تو.

۱- صف/ ۱۰-۱۱.

ای خدا این بنده روسیاه در حالی به سوی تو بازگشت می‌کند که از نتیجهٔ امتحان دنیا سخت نگران است و فقط امید به رحمت بیکران تو دارد. و زبان حالش این دعاست که: «الهی قلبی محجوب و نفسی معیوب و عقلی مغلوب و هوایی غالب و طاعتی قلیل و معصیتی کثیر و لسانی مقر بالذنوب»[۱].

ای خدا این بنده روسیاه تو با این طاعت کم و با این بارسنگین گناهان عاشق لقایت شده‌ام. از شوق دیدارت در قفس تن نمی‌گنجد و برای رسیدن به این آرزو نزدیک‌ترین راه یعنی جهاد و به خون غلطیدن در راه تو را برگزیده است، ای خدا ای غفار، به حرمت محمد(ص) و آل او از تمام گناهان و تقصیرات ما بگذر و جهادمان را قبول و غوطه‌ور شدن در خونمان در راه دفاع از اسلام و کشور اسلامی را نصیبمان گردان و روحمان را به شهدای گلگون‌کفن انقلاب ملحق ساز.

چند کلمه‌ای به عنوان وصیت:

برادران و خواهران پیوسته به یاد خدا باشید و اعمالتان خالص برای خدا باشد و همیشه از او بخواهید که به امام عزیزمان، قلب تپنده[۲] امت روح خدا در کالبد زمان، موسی زمان، مسیح دوران نایب پاک‌جو به حق مهدی معشوق دل‌های عاشق پیر میکده عشق امید مسلمین و مستضعفین جهان امام خمینی را تا انقلاب مهدی(عج) طول عمر با عزت و عظمت عنایت فرماید. عزیزانم پیوسته از خدا بخواهید که صفحه دل‌هایمان را از بیماری‌های حسد و ریا، کبر، مقام‌پرستی و شهوت و... پاک و به نور علم و ایمان منور و روشن بفرماید.

پدر عزیزم، مربی دلسوخته من معذورم و بسیار شرمنده‌ام که نتوانستم فرزند خوبی برایت باشم خجلم که نتوانستم حق آن همه زحماتت را ادا نمایم تو یک پروانه دلسوخته برای من بودی. یک هادی و راهنمای پاک و یک مربی تمام و کامل با تحمل رنج‌ها و محنت‌ها و دردهایی که در دل داشتی و به خوبی از آنها آگاهم و پاداش این زحمات را از خدای بزرگ برایت طلب می‌کنم.

۱- فرازی از مناجات امام علی(علیه‌السلام) در صبح، مفاتیح‌الجنان.

۲- در اصل وصیت «طپنده».

مادر عزیزم، شما در طول زندگی همچون کوهی بودی در برابر انواع سختی‌ها و مشکلات و می‌دانم در راه خدا فقدان من کوچکترین اثری منفی در روحیه شما نخواهد گذاشت بلکه به خاطر خدا همه نوع مشکلات و ناراحتی‌ها را می‌پذیری و صبر پیشه می‌کنی، مادر حق فرزندیت را ادا نکردم شرم می‌کنم، تو برای من یک فرشته بودی تنها یار و همنشین شب‌های تار کودکی تا جوانی از بیماری تا سلامت و در همه حال خلاصه بگویم مادر بودی و الحق که یک مادر با تمام ابعاد. مادر عزیزم، تقاضا دارم، هر موقع دلتنگ شدی ماجرای کربلا را به یاد بیاور و بعد از شهادت من شادی کن و اشک شوق بریزی تا چشم دشمنان اسلام کور شود و افتخار کن که شما به قافله خانواده‌های ایثارگر شهدا و فرزندت به کاروان شهیدان پیوسته است و من خوشحالم که به برادران دیگرم همچون شیخ‌علی که تحمل دوری‌اش الحق بر من مشکل بود وسیدرضایی‌ها و میرکریمی‌ها، حسین منتظری، رضایی، شریعتی، صادیقی‌ها... پیوستم.

مادر اگر جسدم را نیافتند غم مخور که هنوز جنازه‌هایی بدون غسل و کفن ماه‌های ماه در بیابان‌ها افتاده است. خواهرانم، شما این مربیان زندگی‌ام شما باید زینب‌وار در این راه قدم بردارید و پیام خون شهیدان که پاسداری انقلاب و پذیرش ولایت فقیه و احکام اسلام است و از همه مهم‌تر دعاگویی به جان امام عزیزمان، رهبر محبوبمان قلب و روحمان، روح خدا خمینی عزیز است باشید، نکند خدای ناکرده در این آزمایش مردود شوید و ما را شرمگین سازید چون کوه استوار باشید و الگو و اسوه و نمونه این امت شوید تا کافران و منافقین کوردل و راحت‌طلبان بدانند که فرزندان شما از برای نام و نان زنده نبودند، منتظر ندای امامشان بودند.

خواهرانم، بزرگترین مسئله‌ای که باید توجه کنید و رسالت اصلی شماست تربیت فرزندانی دلسوز برای اسلام و امام زیرا که جامعه ما به چنین افرادی نیاز دارد.

برادران عزیزم، که هر کدام در ابعادی مربی بزرگ و پربرکتی برای من بودید، بسیار شرمگینم که نتوانستم حق برادری را ادا نمایم. امیدوارم با مسیری که در پیش دارید و آن حرکت در خط امام و انقلاب است پیروز و موفق باشید و از خدای بزرگ برای ما طلب عفو و آمرزش نمایید. و خلاصه همه همشهریان، دوستان، همسایگان و آشنایان با

کوله‌باری از خجالت از پیشگاهتان می‌روم که نتوانستم خدمتگذاری پسندیده برایتان باشم و طلب عفو و بخشش دارم.

از تمام اهل خانه، فامیلان، دوستان و آشنایان و... حلالیت می‌طلبم و تقاضا دارم در موقع نماز جمعه و دعای کمیل و دعای ندبه و خواندن قرآن و هنگام راز و نیاز شبانه با خدای یکتا همیشه سلامتی امام عزیزمان و پیروزی رزمندگان اسلام و آمرزش گناهانمان را از خدا بخواهند.

«اللهم انصر الاسلام و اخذل الکفر و المنافقین».

«اللهم احفظ امامنا و قائدنا الخمینی».

خدایا خدایا، تو را به جان مهدی(عج)، تا انقلاب مهدی(عج)، خمینی را نگه‌دار

[وصیت‌نامهٔ دیگر]

بسم الله الرحمن الرحیم

وصیت‌نامه علی منتظری:

«**بسم الله الرحمن الرحیم. و لنبلونّکم بشیء من الخوف و الجوع و نقصٍ من الاموال و الأنفس و الثمرات و بشّرِ الصّابرین**».

«و البته شما را به سختی‌ها چون ترس و گرسنگی و نقصان اموال و نفوس آفات زراعت بیازماییم و بشارت و مژده آسایش از آن سختی‌ها صابران است». (قرآن کریم، ۱۵۵ بقره)

قال الحسین علیه‌السلام:

و ان تکن الدنیا تعد نفسه فدار ثواب الله اعلی و اَقبلُ[۱]

و ان تکن الابدان للموت انشأت فَقَتْل امری بالسّیف فی الله افضل

۱- اشعار را استاد مطهری منسوب به امام حسین(ع) داشته است؛ شهید مطهری احتمال داده است که اشعار از امیرالمؤمنین علی(ع) باشد. ترجمهٔ بیت اول «اگر چه دنیا زیبا و نفیس است اما هر چه دنیا زیبا باشد آن خانه پاداش الهی خیلی زیباتر و عالی‌تر است». ترجمهٔ بیت دوم «اگر این بدن‌ها آخر کار باید بمیرد آخرش اگر در بستر هم که باشد باید بمیرد پس چرا ایشان زیبا نمیرد؟ پس کشته شدن ایشان به شمشیر در راه خدا بسیار زیباتر است اگر قرار باشد برای هر کس روزی مقدر باشد، چه بهتر و زیباتر است که آدمی کمتر حریص باشد». (حماسه حسینی، ج اول، ص ۱۵۳-۱۵۲).

و ان تکـــــن الارزاق قـــــسما مقـــــدرا فقلة حرص المـرء فـی الکـسب اجمـل

[...][۱] و اعظم عطا فرمود تا راه نور و حق وحقیقـت بـر مـا نمایانـد و مـا را از ظلمـت مجمل استکبار نجات بخشد و بـه طریقـی کـه ائمـه معـصومین و اولیـاء بزرگـوار الهـی و پیامبران پیمودند هادی و رهبر باشد وامروز که اسلام و با تکیه بر ستون استوار ولایت فقیـه تکیه‌گاه – احکام- شرایع- و منشورات- الهی استوار است می‌رود تـا پـرچم ایـن قیـام بـه دست توانای ظالم برکن امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) آنکه منتقم خون شـهدا و عزیزکننده اولیاء و خوارکننده اعدا است بسپارد.

سخن گفتن از خویشتن کافی است. لحظه بیداری فرا رسیده- همه روز عاشوراست- و اینک حسین(علیه‌السلام) در میدان است- صدای فریاد «هل من ناصر ینصرنی»[۲] بگوش مـی‌رسـد اعداء الله اینک متحد شده‌اند تا چراغ خدا را خاموش کنند ولی نمی‌دانند «**والله مـتم نـوره**»[۳] خدا تابانده است نورش را هرچند آنان از گرایش به نور و روشنایی کراهت دارند [...][۴].

آری خفاشان دون صفت- منافقین[۵]- طاغوتیـان- بـی‌تفـاوت‌هـا- بـی‌تعهـدها- کفـار- مشرکین و ملحدین- می‌خواهند تاریک باشد و ظلمت- و با چـراغ برافروختـه خـدایی بـه مخالفت برخاسته‌اند. اینک که در آزمایش عظیم الهی به سر می بـریم و خـدا بـر مـا منـت نهاده و رهبری عظیم و پیامبرگونه و علی‌وار بر ما عطا کرده آنکه قلبش مملـو از عـشق بـه خداست او که سینه‌اش مخزن اسرار است.[۶] او که همراز و هم سخن مهدیست یـار و امیـد مستضعفان یاور رزمندگان، نایب امام مهدی پیرجماران- امام روح‌الله.

۱- آن‌گونه که از سیاق کلام برمی‌آید، بخشی از وصیت‌نامه افتاده است.

۲- ر.ک.تعلیقات.

۳- صف/ ۸

۴- خوانا نیست.

۵- ر.ک.تعلیقات.

۶- ادامه در صفحه سوم. نسخه حروف‌چینی‌شده وصیت‌نامه موجود است که در آن بخش‌هایی از مـتن جابـه‌جـا شـده است.

سروران- بزرگواران، قدرشناس این نعمت عظیم باشیم اینک در جهان سربلند و مفتخریم که از ظلمت و جهل نجات یافتیم و به نور هدایت شدیم و اینک می‌رویم تا همه جهل و ظلمت را نابود کنیم و جهانی به رهبری مهدی(عجل‌الله تعالی فرجه الشریف) بنا نهیم و به فرموده قرآن جامه عمل پوشانیم که «**ان الارض یرثها عبادی الصالحون**»[۱]. زمین را عاقبت بندگان نیک خدا به ارث خواهند برد.

در ماه محرم و در عاشورای حسینی فریاد حسین بلند است هرچند ماندن در حکومت مهدی(عجل‌الله تعالی فرجه الشریف)- زندگی کردن آرزوی ماست اما اگر بمانیم، آینده شهید می‌شود و اینک برای ماندن آینده باید برویم و برویم تا آینده بماند. و این سیر و حرکت را از حسین(علیه‌السلام) آموخته‌ایم که اگر دین رسول‌الله جز با کشتن ما پا برجا نمی‌ماند و اینک کفار در صددند تا فریاد حق‌طلبانه اسلام را در زمین خاموش کنند پس بر ماست که امانت خدا را به او بازگردانیم- زیرا ما در دنیای خویش به خودمان متعلق نیستیم که از آن خداییم و به سوی او بازگشت می‌کنیم.

بدانید که بنا بفرمایش قرآن اولاد و مال و منال شما را فریفته دنیا نکند دنیا همچون مار خوش‌خط و خال است که ظاهری فریبنده دارد یا همچون زهر مهلک و خوشرنگی است که نوشیدنش با نابودی مساوی است.

در شهادت فرزندانتان صبر پیشه کنید که این آزمایش خداست. و خداوند با صابران است یاد خدا از قلب‌هایتان نرود که (**الا بذکر الله تطمئن القلوب**)[۲].

قرآن زیاد بخوانید و عمل کنید که معجزه الهی و کتاب همه جانبه منزل پروردگار است و صیقل دهنده قلب‌ها[ی] پرگناه و دل‌های خسته است زیرا «ان للقلوب صَدَأ کصدا النّحاس فاجلوها بالاستغفار و تلاوة القرآن»[۳]. برای قلب‌ها، زنگارهایی همچون زنگار مس است پس قلب‌ها را با استغفار و خواندن قرآن جلا دهید.

۱- قسمتی از آیهٔ ۱۰۵، سورهٔ انبیاء.

۲- رعد/ ۲۸. ترجمه «ذکر خدا دلها را آرام می‌کند».

۳- حدیث نبوی است. در اصل وصیت «انّ القلوب صُدالصداء النّحاس وَ جَلت تلاوه القرآن و باستغفار».

در جمعه و جماعات مسلمین شرکت کنید که (یدالله مع الجماعة)[۱] حقوق و روابط بین یکدیگر را- رعایت کنید که هر یک بر دیگری حقی عظیم دارید. در بکار بستن دستورات و فرامین ائمه و- پیشوایان اهتمام کامل بخرج دهید که سعادت دنیوی و اخروی ما در گرو آن است.

دعای توسل- کمیل- ندبه- سمات و... و سایر دعاها هر بیشتر از گذشته خوانده- شود که خواندن طلب نمودن خدای بزرگ به زبان و گفتار ائمه افضل‌تر است.

رهبر عظیم ما – قلب ما- امید ما- یار و یاور ما- و امید همه مستضعفین جهان- پیرجماران ما را از دعا فراموش نکنید و از خدا بخواهید که تا ظهور امام مهدی(عج) عمری با عزت و عظمت به او عطا فرماید- فرج امام زمان و ظهورش را از خدا بخواهید. از خدا بخواهیم که نیاتمان را خالص و فقط برای خود گرداند که «**من اصلح ما بینه و بین الله اصلح الله ما بینه و بین الناس**» هرکه بین خود و خدایش را اصلاح گرداند خدا بین او و بین مردم را اصلاح می‌گرداند.

مسائل انقلاب را کم و کوچک نکنید؟ در همه حال گوش به فرمان ولی فقیه- امام بزرگوار باشید اسلحه‌های از دست افتاده شهدا را خالی نگذارید. به فریاد حسین(علیه‌السلام) لبیک گویید که لحظه امتحان فرا رسیده است از خدا نصرت اسلام و مسلمین و نابودی کفر و منافقین را بخواهید.[۲]

پدر و مادر بزرگوارم، هرچند پاسخگویی و ادای زحمات شما کار آسانی نیست و مرا توان آن نمی‌باشد و نخواهد بود هرگز زحمات شبانه روزی شما را فراموش نمی‌کنم از شما حلالیت می‌طلبم و امیدوارم از خطاهای من درگذرید و مرا ببخشید. و اگر رفتن حاصل شد و شهید شدم غم مدارید و اندوهگین مشوید که اینک سربلند و با افتخار به کاروان پرشور و با عظمت خانواده شهدا پیوستید و امانت خدا را به او بازگرداندید- نکند

۱- رسول اکرم(ص)، بحارالانوار، ج۳۳، ص۳۷۲.

۲- ادامه در صفحه دوم. نسخه حروف‌چینی‌شده وصیت‌نامه موجود است که در آن بخش‌هایی از متن جابه‌جا شده است.

خدای ناکرده شیطان شما را وسوسه کند و شکر خدای را بجای نیاورید و خدای ناکرده، ناراحت شوید؛ که رضای خدا صبر است و خدا صابران را دوست دارد.

برادران عزیزم، شما حق عظیمی بر من داشتید از اینکه نتوانستم حق شما را ادا نمایم پوزش می‌طلبم- امیدوارم مرا ببخشید. راه خدا- یار خدا- تمسک، ولایت و امامت و ولایت فقیه را فراموش نکنید- شکرگذار خدا باشید.

خواهران ارجمند، صبر پیشه کنید درس استقامت از زینب(علیهاالسلام) قهرمان بیاموزید فرزندانتان را برای اسلام تربیت کنید. و راه و یاد شهدا را به ایشان بیاموزید. از خطاهایی که کرده‌ام درگذرید و امیدوارم مرا ببخشید.

دوستان- برادران- خویشان- یاران- اگر سخنانی درشت و خلاف اخلاق اسلامی به شما گفته‌ام مرا ببخشید از خدا بخواهید که از خطاهای ما درگذرد. و ما را مورد مغفرتش قرار دهد.

همشهریان عزیز و بزرگوار، از اینکه نتوانستم خدمتگذاری برای شما باشم خجلم قدر خدمت‌گذاران و عزیزانتان را بدانید- پاسدار حقوق‌شان باشید- شکر نعمت‌های خدای را بجا آورید.

خدا را از یاد مبرید. از خدای بزرگ مغفرت و آمرزش همه مسلمین را طلب کنید. از خدا می‌خواهم که از گناهان من حقیر درگذرد.

اللهم اغفرلنا و ارحمنا و «**تب علینا انّک انت التواب الرّحیم**»[1]، «**ربنا فاغفر لنا ذنوبنا و کفّر عنا سیئاتنا و توفّنا مع الابرار**»[2].

آمین یا رب العالمین

ملتمس دعا، حقیر سراپا تقصیر، بنده روسیاه خدا، خداحافظ.

علی منتظری

۱- بخشی از بقره/ ۱۲۸.

۲- بخشی از آل‌عمران/ ۱۹۳.

بسم تعالی

قال ا.. تعالی

یا ایها الذین آمنو هل ادلکم علی تجارت تنجیکم من عذاب الیم تؤمنون با... ورسوله وتجاهدون فی سبیل ا.. باموالکم وانفسکم ذالکم خیرلکم ان کنتم تعلمون.

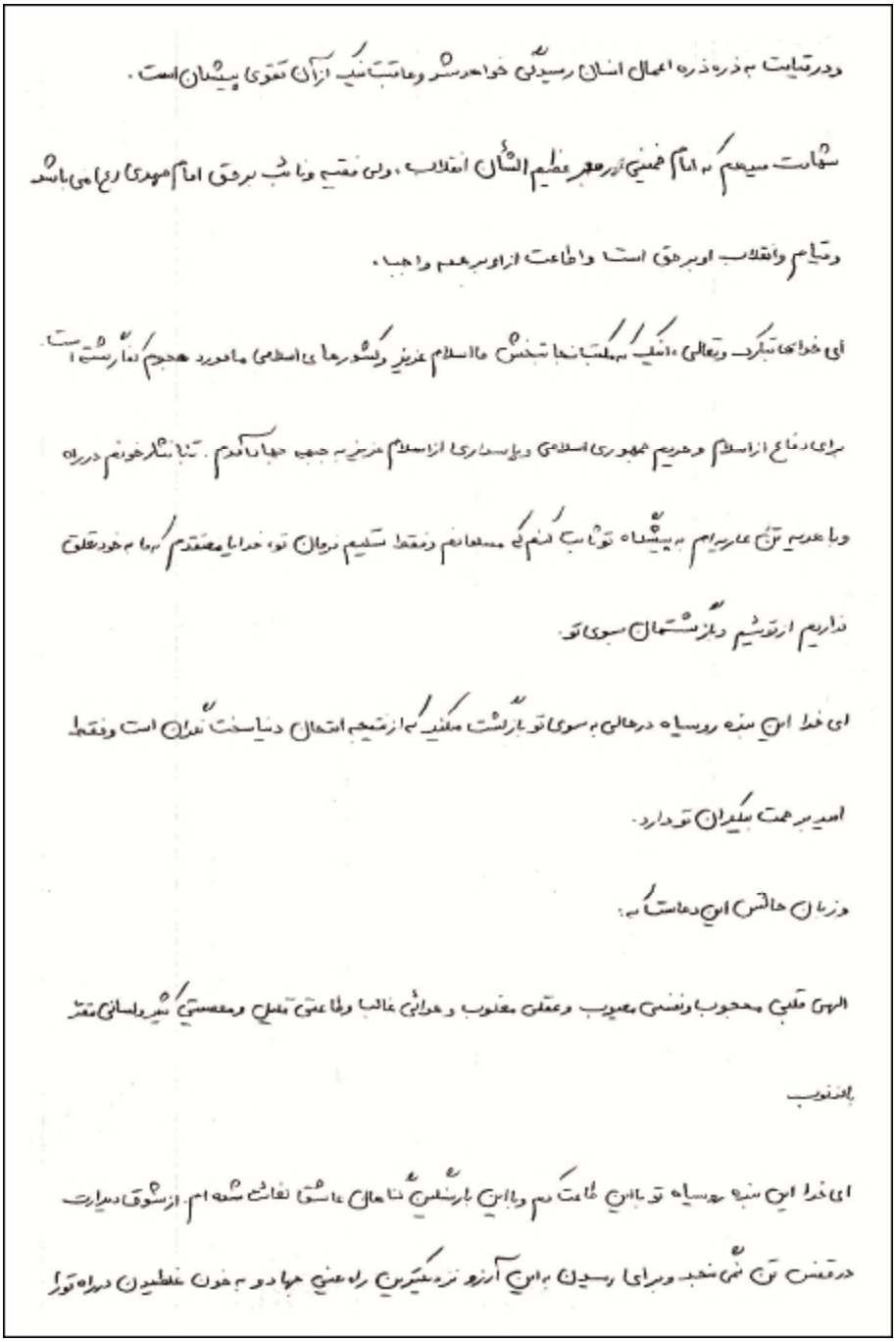
ای کسانیکه ایمان آورده‌اید آیا راضمایی کنم شما را بر تجارتی که نجات دهد شما را از عذاب دردناک ایمان آورید بخداوند متعال وبیغمبرا و وجنب نمائید در راه خدا بامال وجان خودتان که این عمل بهتر است. برای شما اگر شما علم داشته باشید.

اللهم الرزقنا توفیق الطاعه وتوفیق الشهادة فی سبیلک

خداوندا بما توفیق اطاعت وبندگی وتوفیق شهادت در رکاب امام خمینی عزیز را عطا فرما انتخاب علی منتظری امروز از بسیج سپاه پاسداران امامشهر راشاهد بر شهادت میدهم که خدائی است وبه یکتایی او اقرار می‌کنم او خدائی است که شریک ندارد.

شهادت میدهم که محمد (ص) بنده وفرستاده اوست از جانب خدا برای دین و درستی برسالت حق برخاست

شهادت می‌دهم که دوازده امام حق است وآخرین آنها حضرت مهدی موعود (ارواحنا له الفداء) میباشد که در پرده غیبت است وبه فرمان خدا ظهور خواهد کرد. شهادت می‌دهم که معاد وبهشت وجهنم حق است



ودرنهایت به ذره ذره اعمال انسان رسیدگی خواهد شد و عاقبت نیک از آن تقوی پیشگان است.

شهادت میخواهم که امام خمینی رهبر عظیم الشأن انقلاب، ولی فقیه و نائب برحق امام عصر (عج) می باشد

و قیام و انقلاب او برحق است و اطاعت از او بر همه واجب.

ای خدا تا تبارک و تعالی، نیک به مکتب انبیا بخش ما اسلام عزیز و کشورهای اسلامی ما مورد هجوم کفار است.

برای دفاع از اسلام و حریم جمهوری اسلامی و پاسداری از اسلام عزیز به جبهه خواهم رفت. تنها نگرانیم در راه

و با عدم تمرین عازم هستم به پیشگاه تو ای کسی که مستحقم و فقط تسلیم فرمان تو، خدایا مصمم کسی به خود تعلق

داریم از تو شیم و بازگشتمان سوی تو.

ای خدا این سنه روسیاه در حالی به سوی تو بازگشت میکند که از متجم اعمال دنیاست نگران است و فقط

امید به همت بیکران تو دارد.

و زبان حالش این دعاست که:

الهی قلبی محجوب و نفسی معیوب و عقلی مغلوب و هوائی غالب و طاعتی قلیل و معصیتی کثیر و لسانی مقر

با ذنوب

ای خدا این سنه روسیاه تو با این قامت خم و با این بارهای گناهان عاشقانه شده ام. از شوق دیدارت

در قفس تن نمی شکیبد و برای رسیدن به این آرزو نزدیکترین راه عشق جهاد و خون غلطیدن در راه تو را

بزرگوار است، ای خدای غفار به حرمت محمد(ص) و آل او از تمام گناهان و تقصیرات ما بگذر و ما را قبول و غفران و رستگار در خونمان در راه دفاع از اسلام و کشور اسلامی را شفیعان ما و ما را شهدای

گلگون کفن انقلاب ملحق سازد.

چند نکته به عنوان وصیت:

برادران و خواهران! پیوسته به یاد خدا باشید و امیدتان خالص برای خدا باشد و همیشه از او بخواهید به امام

عزیزمان، نائب صالحه امت روح خدا در این زمان، موسی زمان، مسیح دوران، نایب بر حق

مهدی معشوق دلهای عاشق، پیر مکتب عشق اسیر مسلمین و مستضعفین جهان امام خمینی را تا انقلاب مهدی

(عج) طول عمر با عزت و عظمت عنایت فرماید.

عزیزانم! پیوسته از خدا بخواهید که سطح دلهایتان را از بیماریهای حسد، ریا، کبر، مقام پرستی و شهوت و... پاک

و به نور علم و ایمان منور و روشن بدارید.

پدر عزیزم! مرا ببخش که من معذورم و بسیار شرمنده ام که نتوانستم فرزند خوبی برایت باشم. حتی نتوانستم

حق آن همه زحمات را ادا نمایم. تو که پروانه بخشوده برای من بودی، که هدایا و راهنمای پاک و پیام بر تمام

وجودم با تحمل رنجها و محبتها و دردهایی که در دل داشتی و به خوبی از آنها آگاه بودی و پاداش این زحمات را از

خدای بزرگ برایت طلب میکنم

مادر عزیزم، شما در طول زندگی همچون کوهی بودی در برابر انواع سختیها و مشکلات و میدانم در راه خدا فقدان من
کوچکترین اثری منفی در روحیه شما نخواهد داشت بلکه به خاطر خواهی نوع مشکلات و ناراحتی ها را میپذیری و صبر
پیشه می کنی، مادر حق فرزندی را ادا نکردم شرم میکنم، تو برای من یک فرشته بودی تنها یار و همنشین شبهای
تاریک و طولانی تاهیلی از بیماری ناسلامت و در همین حال خدا می بوسیم مادر بودی والحق یک مادر با تمام ابعاد.
مادر عزیزم، تقاضا دارم، هر موقع دلتنگ شدی به مزار برادرم که در بهشت زهرا میباشد و بعد از شهادت من شادی کن و اشک
شوق بریز تا هیچ دشمن اسلام کور نشود و افتخار کن که شما به قافله خانواده های ایثارگر شهدا و همرزمان
یاران شهیدان پیوسته است و من خوشحالم که به برادران دیگرم همچون شیخ علی که تحمل دوری
الحق برون مشکل بود و سید رضائیها و میر بزرگها، حسن منتظری، رضائی، نژهتی، صادقیها... پیوستم
مادر آرام جسدم را با نهایت غم بخور که منور جنازه های بی غسل و کفن ماههای ماه در بیابانها افتاده است.
(خواهرانم) شما این مرثیان زندگی شما با چه زحمت و در این راه قدم بردارید و بیایم خون شهیدان که
پاسدار انقلاب و نگهبان ولایت فقیه و احکام اسلام است و از همه مهمتر دعای شبانه ی امام عزیزمان رهبر
محبوبمان قلبا و روحا، روح خواهشی عزیز است باشید، نفس خدای نکرده در این آزمایش سربلند شوید
و مایه شرمندگی سازید چون کوه استوار باشید و الله و اسوه و نمونه این است شوهر آینده و مادر فقید
کودکان و راحت طلبان نباشند که فرزندان شما از برای نام و نان زنده نبودند، منتظر نامه ای از شما بودند

(خواهرانم: بزرگترین مسئله‌ای که باید توجه کنید و رسالت اصلی شماست تربیت فرزندانی دلسوز برای اسلام و امام زمانمان است و جامعه ما به چنین افرادی نیاز دارد.

برادران عزیزم: هر کدام در اعادی مردم بزرگ و پرارزشی برای من بودید، بسیار شرمنده‌ام که نتوانستم حق برادری را ادا نمایم. امیدوارم با بسیری که در پیش دارید و آن کرامت در خط امام و انقلاب است پیروز و موفق باشید و از خدای بزرگ برای ما طلب عفو و آمرزش نمائید. و خواهر عزیزم همسنگران، دوستان، همسایگان و آشنایان با کوله باری از محبت از پیشگاهتان مرخص که نتوانستم خرسندی سپندیده برایتان باشم و طلب عفو و تحسین دارم.

از تمام اهل خانه، فامیلان، دوستان و آشنایان و... حلالیت می‌طلبم و تقاضا دارم در موقع نماز جمعه و دعای کمیل و دعای ندبه و خواندن قرآن و غیره از روی نیازشان با خدای تعالی همیشه سلامتی امام عزیزمان و پیروزی رزمندگان اسلام و آمرزش شهدایمان را از خدا بخواهند.

اللهم انصر الاسلام و اخذل الکفر و المنافقین

اللهم احفظ امامنا و قائدنا الخمینی

خدایا، خدایا تو را به جان مهدی تا انقلاب مهدی خمینی را نگهدار

عصب این شهید ، از نماز شبی که شبهای سرد زمستان تبریز از نگهبانی برمیگشت با تنی خسته و دستهای پاشی سرما زده به اقامه نماز شب میپرداخت . و با خدای خویش راز و نیاز میکرد . آری این شهید عزیزنه تنها آگاهانه و عاقلانه بلکه عاشقانه در این مسیر گام نهاد استمرار حرکت انبیاء یعنی (خط ولایت فقیه) قدم نهادند امید است که همه ما مانند این شهید ارجمند نه تنها آگاهانه و عاقلانه بلکه عاشقانه به ادامه این انقلاب و پیروزی نهائی آن کوشش کنیم . والسلام

از خدای بزرگ مسئلت داریم که ما را از ادامه دهندگان راه شهدا قرار دهد .

روحش شاد یادش گرامی و راهش پر رهرو باد

وصیت نامه علی میقطینی :

(بسم الله الرحمن الرحیم)

وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ

و البته شما را به سختیها چون ترس و گرسنگی و نقصان اموال و نفوس آفات زراعت مبتلا خواهیم و بشارت و مژده آسایش از آن سختیها صابران است.

(قرآن کریم ۱۵۵ بقره)

****

از امام الحسین علیه السلام :

وَإِنْ تَكُنِ الدُّنْيَا تُعَدُّ نَفِيسَةً ـ فَدَارُ ثَوَابِ اللّٰهِ أَعْلَى وَأَنْبَلُ

وَإِنْ تَكُنِ الْأَبْدَانُ لِلْمَوْتِ أُنْشِئَتْ ـ فَقَتْلُ امْرِءٍ بِالسَّيْفِ فِي اللّٰهِ أَفْضَلُ

وَإِنْ تَكُنِ الْأَرْزَاقُ قِسْماً مُقَدَّراً ـ فَقِلَّةُ حِرْصِ الْمَرْءِ فِي الْكَسْبِ أَجْمَلُ

راه عظیم عاشورا شود تا راه نور و حق و حقیقت بر ما نمایان شود و ما را از ظالمت مجهل استکبار نجات بخشد و به جایگاهی که ائمه معصومین و اولیاء بزرگوار الهی و پیامبران پیمودند هادی و رهبر باشد و امروز که اسلام و پایگاه بزرگ استوار ولایت‌فقیه تکیه گاه احکام شرایع و منشورات الهی استوار است عبور تا با سپردن پرچم این قیام بدست توانای قائم برحق امام مهدی که منتظرون شهدا و عزیزکننده اولیاء و خوارکننده اعداء است بسپارد.

سخن گفتن از خویشتن کافی است. لحظه بیداری فرا رسیده است. امروز روز عاشوراست و اینک حسین در میدان است. صدای فریاد هل من ناصر ینصرنی بگوش میرسد اعداء ... اینک متحد شده اند تا چراغ خدا را خاموش کنند ولی نمی دانند (والله متم نوره ولو کره الکافرون) خدا تابنده است نورش را هر چند آنان از گرایش به نور و روشنایی کراهت دارند دگر نمی دانند. آری خاشاکان دون صفت منافقین و طاغوتیان بی شائبه بی تعهد با کفار مشرکین ملحدین همسو خواهند شد تا اینکه باشد و ظالمت و با چراغ برافروخته خدایی به مقابله برخاسته اند، اینکه در آزمایشگاه عظیم الهی بسر می بریم و خدا بر ما منت نهاده و رهبری عظیم و پیامبر گونه و علوی را بر ما عطا کرده آنکه دلش مملو از عشق به خداست او که سینه اش مخزن اسرار است.

پدر و مادر بزرگوارم هر چند پاسخگوئی و ادای زحمات شما کار آسانی نیست و مرا توان آن نمی باشد و نخواهد بود هرگز زحمات شبانه روزی شما را فراموش نمی کنم از شما حلالیت می طلبم و امید دارم از خطاهای من در گذرید و مرا ببخشید. و اگر رشتن حاصل شد و شهید شدم غم مدارید و اندوهگین مشوید که اینک سربلند و با افتخار به کاروان پرشور و با عظمت

ا وکه حمراز و هم سخن مهدیست یار و امید مستضعفان یاور رزمندگان، قایب! امام مهدی.

پیر جماران ــ امام روح الله •

سروران ــ بزرگواران قدرشناس این نعمت عظیم با شیم انیک در جهان سر بلند و هدف ریشم که از ظلمت و جهل نجا ت یافتیم و به نور هدایت شدیم و اینک میرویم تا همه جهل و ظلمت را نابود کنیم و جهانی بسه ر بسری مهدی بنا نهیم و به فرموده قرآن جامه عمل بپوشانیم که : (اِنَّ الاَرْضَ یَرِثُهَا عِبادِیَ الصّالِحُون) زمین را عاقبت بندگان نیک خدا به ارث خواهند برد •

پدران و مادران ــ خواهران و برادران و همه شما ای سروران و بزرگواران : اینک که در ماه محرم و در عاشورای حسین فریاد حسین بلند است در چند ماندن در حکومت مهدی ــ زندگی کردن آرزوی ماست اما اگر بمانیم • آینده شهید میشود و اینک برای ماندن آینده باید برویم و برویم تا آینده بماند • و این سیر و حرکت را از حسین آموخته ایم که اگر دین رسول الله جز با کشتن ما پا برجا نمی ماند و اینک کفار در صدد ند تا فریاد حق طلبانه اسلام را در زمین خاموش کنیم پس برماست که امانت خدا را به او باز گردانیم ــ زیرا ما در دنیای خویش به وطن متحلق نیستیم که از آن خدائیم و بسوی او باز گشت می کنیم •

بدانید که بنا بفرمایش قرآن ، اولاد و مال، و منال شما را فریفته دنیا نکند دنیا - همچون مار وش خط و خال، است که ظاهری فریبنده دارد یا همچون زهر مهلک و خوشرنگی است که نوشیدنش با نابودی سا وی است •

در شهادت فرزندانتان صبر پیشه کنید که این آزمایش خداست • و خداوند با صابران است یاد خدا از قلبهایتان نرود که (الا بذکرالله ان تطمئن القلوب)

قرآن زیاد بخوانید و دعا کنید که معجزه الهی رکتاب همه جانبه مترقی، پروردگار است و صیقل دهنده قلبها پرتوان و دلهای خسته است زیرا (إِنَّ لِكُلِّ شَيْءٍ صَدَأً لِصَدَأِ الْقُلُوبِ وَجَلَاؤُهَا تِلَاوَةُ الْقُرْآنِ وَبِاسْتِذْكَارٍ) برای قلبهای زنگارگرفته همچون زنگار مس است پس قلبها را با کثرت تلاوت و باستذکار و خواندن قرآن جلا دهید.

در جمعه و جماعات مسلمین شرکت کنید که (يَدُ اللَّهِ مَعَ الْجَمَاعَةِ) است و روابط بین یکدیگر را رعایت کنید که در بسیج دیگری حتمی علیهم دارید. در بکار بستن دستورات و فرامین ائمه و پیشوایان اهتمام کامل بخرج دهید که سعادت دنیوی و اخروی ما در گرو آنست.

دعای توسل، کمیل، ندبه، صحیفه و ... و سایر دعاها در بیشتر از گذشته خوانده شود که خواندن قلب مردم خدای بزرگ با زبان و گفتار ائمه افضل تر است.

رهبر عظیم الشأن ما را در پناه خود حفظ فرماید و ما را یار و یاور او قرار دهد و از مستضعفین جهان و پیروان ما را از دعا فراموش نکنید و از خدا بخواهید که ناظر امام میدی عزیز با عزت و عظمت به اوعطا فرماید. مسئولین امام زمان و نایبش را از خدا بخواهید. از خدا بخواهیم که نیاتمان را خالص و فقط برای خود گرداند که (مَنْ أَخْلَصَ مَا بَيْنَهُ وَبَيْنَ اللَّهِ أَخْلَصَ اللَّهُ مَا بَيْنَهُ وَبَيْنَ النَّاسِ) هر که بین خود و خدایش را خالص گرداند خدا بین او و بین مردم را خالص میگرداند.

مسائل انقلاب را کم و کوچک نکنید؟ در همه حال گوش بفرمان ولی فقیه ـ امام بزرگوار باشید اسلحه های از دست افتاده شهدا را خالی نگذارید. به فریاد حسین لبیک گوئید که لحظه امتحان فرارسیده است از خدا نصرت اسلام و مسلمین را و نابودی کفر و منافقین را بخواهید.

خانواده شهدا پیوستید و امانت خدا را به او باز گرداندید ـ نگذه خدای نا کرده ـ شیطان شما را وسوسه کند و شکر خدای را بجای نیاورید و خدای ناکرده ناراحت شوید که رضای خدا مهم است و خدا صابران را دوست دارد •

برادران عزیزم شما حق عظیمی بر من داشتید از اینکه نتوانستم حق شما را ادا نمایم پوزش می طلبم ـ امیدوارم مرا ببخشید • راه خدا ـ یاد خدا ـ تمسک به ولایت و امامت و ولایت‌فقیه را فراموش نکنید ـ شکر گذار خدا باشید

خواهران ارجمند : صبر پیشه کنید درس استقامت از زینب قهرمان بیاموزید فرزندانتان را برای اسلام تربیت کنید • راه و یاد شهدا را به ایشان بیاموزید • از خطاهایی که کرده ام درگذرید و امیدوارم مرا ببخشید •

دوستان ـ برادران ـ خویشان ـ یاران ـ اگر سخنانی درشت و خلاف اخلاق اسلامی بشما گفته ام مرا ببخشید از خدا بخواهید که از خطاهای ما درگذرد • و ما را مورد مغفرت قرار دهد •

مشهریان عزیز و بزرگوار : از اینکه نتوانستم خدمتگذاری برای شما باشم خجلم قدر خدمت گذاران و عزیزانتان را بدانید ـ پاسدار حرمتشان باشید ـ شکر نعمتهای خدای را بجا آورید • خدا را از یاد مبرید • از خدای بزرگ مغفرت و آمرزش همه مسلمین را طلب کنید • از خدا میخواهم که از گناهان من بگذرد •

(اللهم اغفرلنا ـ وارحمنا و تب علینا انك انت التواب الرحیم) (ربنا اغفرلنا ذنوبنا وکفر عنا سیئاتنا و توفنا مع الابرار)

(آمین یا رب العالمین)

ملتمس دعا ـ حقیر سراپا تقصیر ـ بنده روسیاه خدا ـ حافظ علی منتظری



نام: **محمد**
نام خانوادگی: **منتظری**
نام پدر: **روح‌الله**
نام مادر: **فاطمه**
تاریخ تولد: **بیست‌ویکم اسفند ۱۳۰۱**
محل تولد: **روستای قلعه‌نو از توابع شهرستان شاهرود**
تحصیلات: **در حد خواندن و نوشتن**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **بیست‌ویکم بهمن ۱۳۶۵**
محل شهادت: **منطقه هفت تپه**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش**
مزار: **گلزار شهدای زادگاهش**

عبارت‌های کلیدی

- برای دفاع از اسلام و قرآن و خدمت به رزمندگان اسلام به جبهه آمده‌ام.
- جبهه‌ها را خالی نگذارید.
- اسلام را زنده نگه بدارید.
- بر نهضت پاک حسینی قسم که هرگز از خمینی برنمی‌گردم.

محمد منتظری

بسم الله الرحمن الرحیم

بسمه تعالی

من برای دفاع از اسلام و قرآن و خدمت به رزمندگان اسلام به جبهه آمده‌ام.

و از مردم شهیدپرور می‌خواهم که راه شهیدان را ادامه دهند و به ندای امام خمینی لبیک گویند و جبهه‌ها را خالی نگذارند و اسلام را زنده نگه بدارند، که در فردای قیامت اجرتان را خدای مهربان خواهد داد انشاءالله.

قسم بر نهضت پاک حسینی که هرگز بر نگردم از خمینی

با تقدیم احترام، فرزند ایشان روح الله منتظری

۶۵/۱۲/۸[۱]

۱- ذیل وصیت شهید منتظری عبارت زیر آمده است « تاریخ شهادت پدرم محمد منتظری فرزند روح الله در تاریخ ۶۵/۱۱/۲۱ می‌باشد محل شهادت هفت تپه آشپزخانه تیپ ۱۲ قائم آل محمد(صلی الله علیه و آله و سلم). (محل دفن پدرم گلزار شهدای قلعه‌نو خرقان می‌باشد)».

(بسم تعالی)

من برای [redacted] دفاع از اسلام و قرآن و خدمت به زرمندگان اسلام
به جبهه آمده ام

و از مردم شهید پرور می خواهم که راه شهیدان را ادامه دهند و به ندای
امام خمینی لبیک گویند و جبهه ها را خالی نگذارند و اسلام را زنده نگه بدارند
که در فردای قیامت اجرشان را خدای مهربان خواهد داد انشاء الله

(قسم به نوشت پاک حسینی)
(که هرگز پیرو نگردم از خمینی)

با تقدیم احترام فرزندانشان روح الله منتظری

تاریخ شهادت پدرم محمد منتظری فرزند روح الله
در تاریخ ۹۵/۱۱/۲۱
می باشد محل شهادت هفت تپه آشپزخانه تیپ ۱۲ امام آل محمد (ص)
[redacted]
(محل دفن گلزار شهدای قلعه نو خرقان می باشد)

۹۵/۱۲/۸



نام: **محمد ابراهیم**
نام خانوادگی: **منتظری**
نام پدر: **حجت‌الله**
نام مادر: **فاطمه**
تاریخ تولد: **یکم شهریور ۱۳۴۸**
محل تولد: **روستای قلعه‌نو از توابع شهرستان شاهرود**
تحصیلات: **سوم راهنمایی**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **بیست‌ویکم بهمن ۱۳۶۴**
محل شهادت: **ام‌الرصاص عراق**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش**
مزار: **گلزار شهدای زادگاهش**

عبارت‌های کلیدی

- من مرگ را منفجر خواهم کرد و گستاخ و سربلند به پیشواز سرخی غروب خواهم رفت.
- پدرم، بدان که اسماعیلت هرگز از فرمان خدا سرپیچی نمی‌کند و مرگ را در راه خدا سعادت می‌داند.
- خواهرانم، زینب‌وار با ناملایمات دست و پنجه نرم کنید و چنان فرزندانی تربیت کنید که ادامه‌دهنده راه شهیدان باشند.
- شما برادرانم، نگذارید اسلحهٔ برادر شهیدتان بر زمین بیفتد.
- راه برادرتان را ادامه دهید که مبادا دشمن داخلی نفوذی در شما کند.
- همیشه به فرمان امام و اسلام باشید.

محمدابراهیم منتظری

بسم الله الرحمن الرحیم

«یا ایها الذین آمنوا اذا لقیتم فئةً فاثبتوا و اذکروا الله کثیراً لعلکم تفلحون».

«ای کسانی‌که ایمان آورده‌اید هرگاه با فوجی از دشمن مقابل شدید استوار و ثابت‌قدم باشید و بسیار خدا را به‌یاد آورید امید است رستگار شوید». (انفال/ ۴۵)

سلام به رهبر مستضعفان و ستم‌دیدگان جهان و بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران و درود بر مردم قهرمان و امت حزب‌الله که با مبارزهٔ گسترده و خستگی‌ناپذیرشان قدرت‌های سلطه‌گر و ستمکار را به زانو درآورده و با خون سرخشان جهت تاریخ را عوض کردند و درود به تمام شهیدان تاریخ از هابیل[۱] تا کربلای حسینی و تا کربلای ایران به خصوص شهیدان به خون خفته جنگ تحمیلی. سخنم را با یاد خدا و با نام خدا آغاز می‌کنم.

اول سخنم با مادر مهربان و عزیزم است. سلام به تو و بر تمام مادران فداکار و زینب‌گونه و درود بر مربی شما فاطمه زهرا(علیهاالسلام). مادرم، در معراج رفتنم لحظه‌هایم خون می‌طلبد و من که حلقه‌ای در این موج شهادتم بی‌صبرانه انتظار مرگی را می‌کشم که شفق‌وار مرا می‌طلبد. من چون موج خروشان در این ظلمت‌زده سرد زندگی بسوی «حیات» و جوانمردی و گستاخی [...][۲]، ذلت را پاره خواهم کرد و اسارت و بندگی را خواهم شکست و در قلهٔ بلند «افتخار» و «انتخاب» «نتوانستن» را به «توانستن» خواهم کشاند.

من مرگ را منفجر خواهم کرد و گستاخ و سربلند به پیشواز سرخی غروب خواهم رفت. مادر جان، می‌دانم که با الهام گرفتن از زینب کبری(علیهاالسلام) در سوگ من گریه و زاری نخواهی کرد و نباید هم بکنی چون با استقامت و تحمل این ناراحتی و فقدان، دشمن شکست‌خورده [را] رسوا و منکوب خواهد شد و روح مرا شاد خواهی کرد.

و اما پدر عزیزم و بزرگوارم، که نتوانستم زحمات شما را جبران کنم، که چون ابراهیم فرزند خود را به فرمان خدا و به فرمان رسول خدا(صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) و امام عزیز به قربانگاه

۱- ر.ک.تعلیقات.

۲- خوانا نیست. .

فرستادید. بدان که اسماعیلت[۱] هرگز از فرمان خدا سرپیچی نمی‌کند و مرگ را در راه خدا سعادت می‌داند و زندگی و حیات را جهاد در راه عقیده دانسته و شهادت را از بهترین نعمت‌های خداوند می‌داند. پدرم، می‌دانم داغ فرزند برایت مشکل است ولی به‌یاد آر که علی‌اکبرِ حسین(علیه‌السلام)[۲] چگونه شهید شد و اگر گریه می‌کنی برای علی‌اکبرِ حسین(علیه‌السلام) باشد. پدرم، که اگر از من [...][۳] دیده‌اید، مرا ببخشید و حلال کنید.

و شما ای خواهرانم، شمایی که برای من یک الگو و نمونه بودید، من هیچ چیز نمی‌توانم برایتان بگویم چراکه شما استاد و مربی اخلاقی و غیره برایم بودید. ولی فقط چند جمله تذکر دارم. خواهرانم، شما نیز زینب‌گونه باشید و پیام‌رسان خون برادرتان. خواهرانم، زینب‌وار با ناملایمات دست و پنجه نرم کنید و چنان فرزندانی تربیت کنید که ادامه‌دهندهٔ راه شهیدان باشند. و شما برادرانم، نگذارید اسلحهٔ برادر شهیدتان بر زمین بیفتد. و راه برادرت[ان] را ادامه دهید که مبادا دشمن داخلی نفوذی در شما کند و همیشه به فرمان امام و اسلام باشید که مبادا دچار مشکلی شوید.

خدایا، جانم دادی و جانم را خواهی گرفت و مرا در آن صراطی قرار ده که هیچ‌گاه در لحظهٔ جان دادن غبطه[۴] نخورم. خدایا به حدی گناه کردم که از دستوراتت شرمنده هستم. مرا از بخشیدگان درگاه خود قرار ده. دیگر عرضی ندارم جز صبر و استقامت برای تمامی اعضای خانواده، دوستان و آشنایان. سلام مرا به همهٔ دوستان و آشنایان برسانید.

خدایا خدایا، تا انقلاب مهدی(عج)، خمینی را نگه‌دار. الهی آمین.

محمدابراهیم منتظری

۶۴/۱۰/۱۹ دی ماه

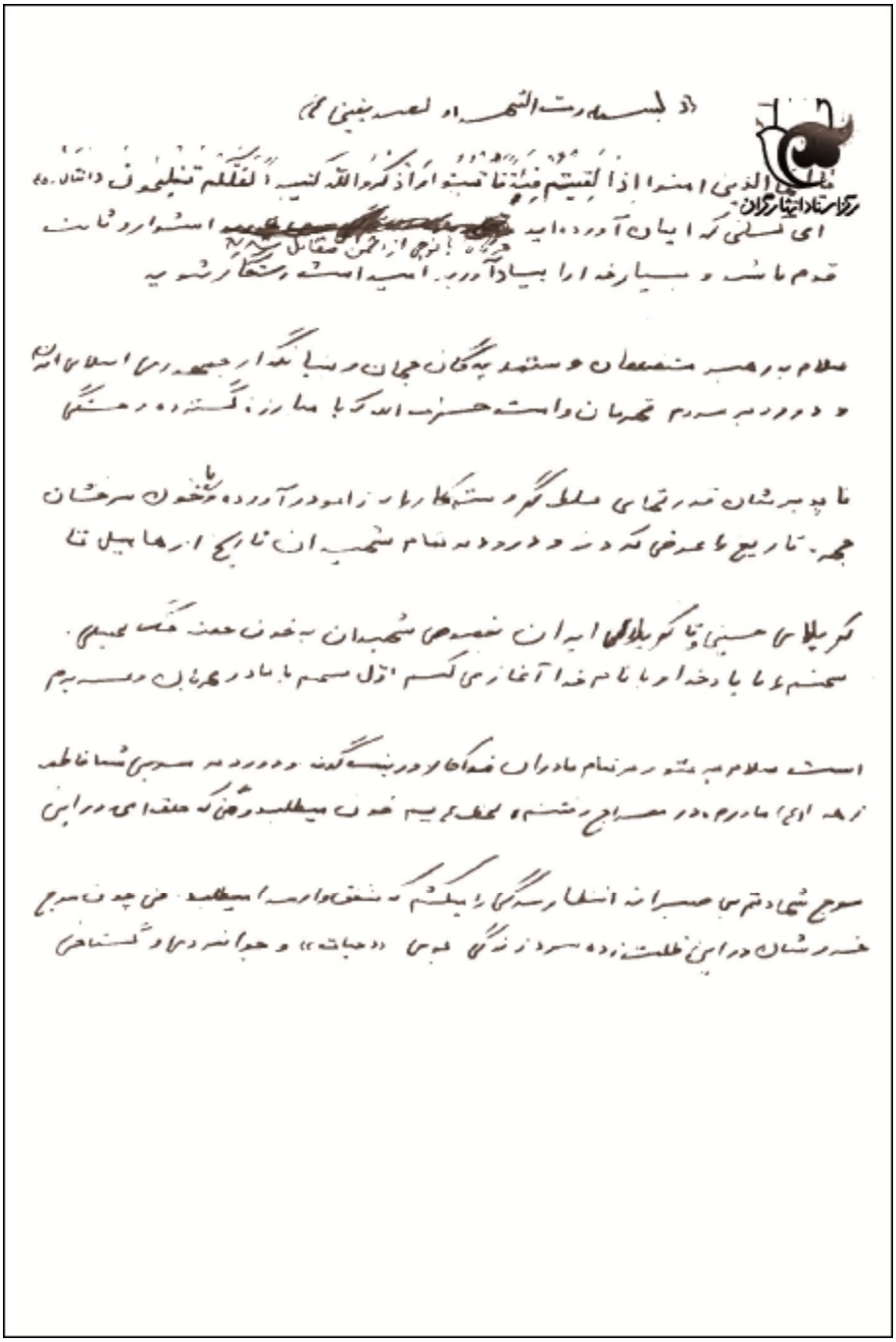
ضمناً بنده یک ماه روزه قرض دارم.

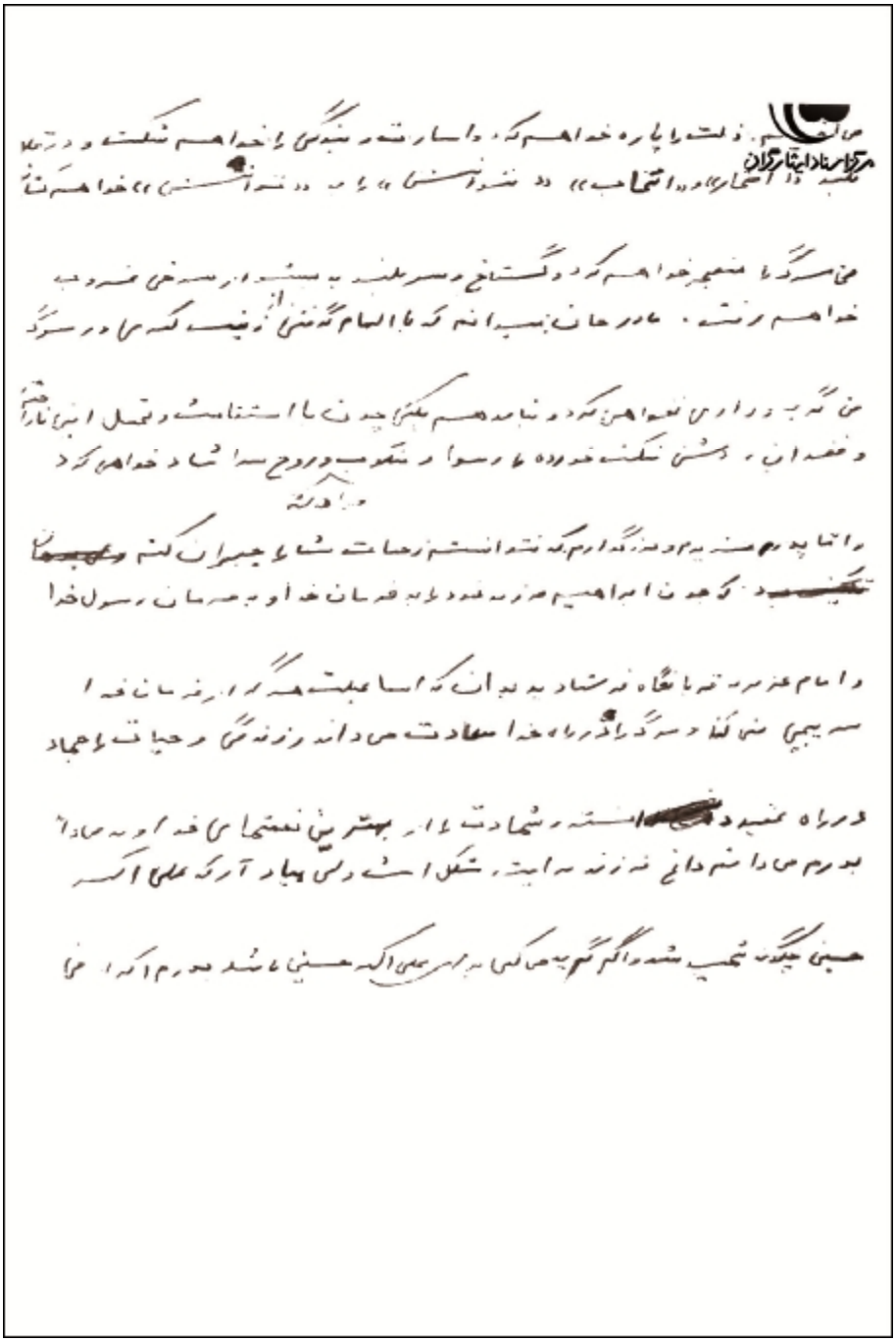
۱- ر.ک.تعلیقات.

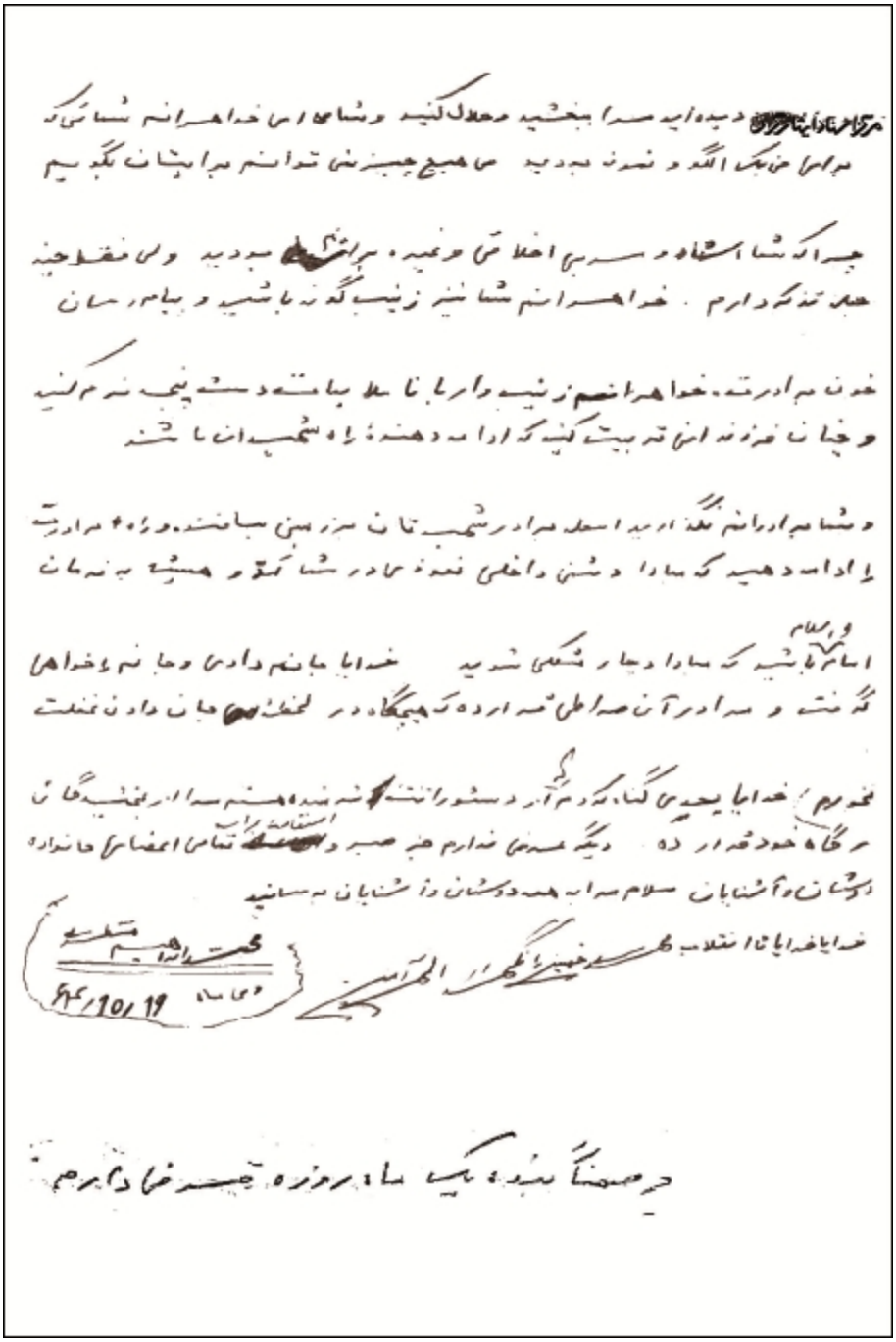
۲- ر.ک.تعلیقات.

۳- خوانا نیست.

۴- در اصل وصیت «غفلت».









نام: **محمدحسن**
نام خانوادگی: **منتظری**
نام پدر: **رمضانعلی**
نام مادر: **زهرا**
تاریخ تولد: **یکم دی ۱۳۴۷**
محل تولد: **شهرستان شاهرود**
تحصیلات: **سوم متوسطه رشته اقتصاد**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **بیست‌وپنجم** اسفند **۱۳۶۳**
محل شهادت: **رود دجله عراق**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش**
مزار: **گلزار شهدای روستای قلعه‌نو شهرستان زادگاهش**

عبارت‌های کلیدی

- شهیدان ایران مانند شهیدان کربلا از یاران حسین(علیه‌السلام) هستند.
- هدف از رفتن به جبهه دفاع از مملکت اسلامی و دین اسلام و ملت ایران است.
- در مراسم دینی بخصوص دعای کمیل و توسل شرکت کنید چون ما زنده به نمازیم.
- با منافقین مبارزه کنید.
- باید راه شهیدان را ادامه بدهید.
- من به نوبه خود کلام امام امت را لبیک گفتم و به جبهه آمدم.

محمدحسن منتظری

بسم الله الرحمن الرحیم

با درود بر رهبر کبیر انقلاب و بعد روحانیون و مردم مسلمان و شهیدپرور ایران. اکنون که به جبهه می‌روم و برعلیه باطل می‌جنگم امیدوارم این شهادت که حتی به زبان آوردن آن برایم مشکل است نصیبم[۱] گردد.

من این راه را خود انتخاب نموده و گواهی می‌دهم که شهیدان ایران مانند شهیدان کربلا از یاران حسین(ع) هستند. در مرگ من گریه نکنید بلکه خوشحال باشید. هدف از رفتن به جبهه دفاع از مملکت اسلامی و دین اسلام و ملت ایران [است] و همچنان که امام امت گفتند «که بر همه واجب کفایی است که به جبهه بروند»[۲] من نیز به نوبهٔ خود کلام رهبر را لبیک گفتم. چیزی که باعث شد به جبهه بروم شهیدان عزیزمان [بود] که هنوز چند روز از شهادت دو برادر نگذشته بود که باز شهیدی دیگر به ملکوت اعلی پیوست آری هر انسان مسلمانی وجدانش به ساکت ماندن قبول نمی‌کند و خونش به‌جوش می‌آید. و باید همچنان که این شهیدان می‌گویند راهشان را ادامه دهیم.

آری برادران، اگر شخصی شهید شود باید برادران و خواهران چند برابر فرزندهای خود را به جبهه بفرستند. برادران، تا آنجا که می‌توانید و برایتان امکان دارد به جبهه بیایید. جبهه محل خودسازی است.

پیام من به ملت ایران این است. البته من کسی نیستم که بخواهم برای ملت ایران پیام بدهم چون ملت خود پیامند ولی به عنوان اشاره می‌گویم که تا آنجا که می‌توانند در مراسم دینی و اجتماعی شرکت کنند، به خصوص در دعای کمیل و دعای توسل چون ما زنده به دعا و نمازیم. و با منافقین مبارزه کنند و تا آنجا که می‌توانند به جبهه بروند. و باید به خواهران بگویم شما باید هم‌چون زینب[۳](علیها السلام) باشید و فرزندانی چون آنان تربیت کنید.

۱- در اصل وصیت: «نسیبم».

۲- تبیان، شمارهٔ ۲۴ (جنگ و دفاع در اندیشه امام) ص ۷۰.

۳- در اصل وصیت «زینب‌وار».

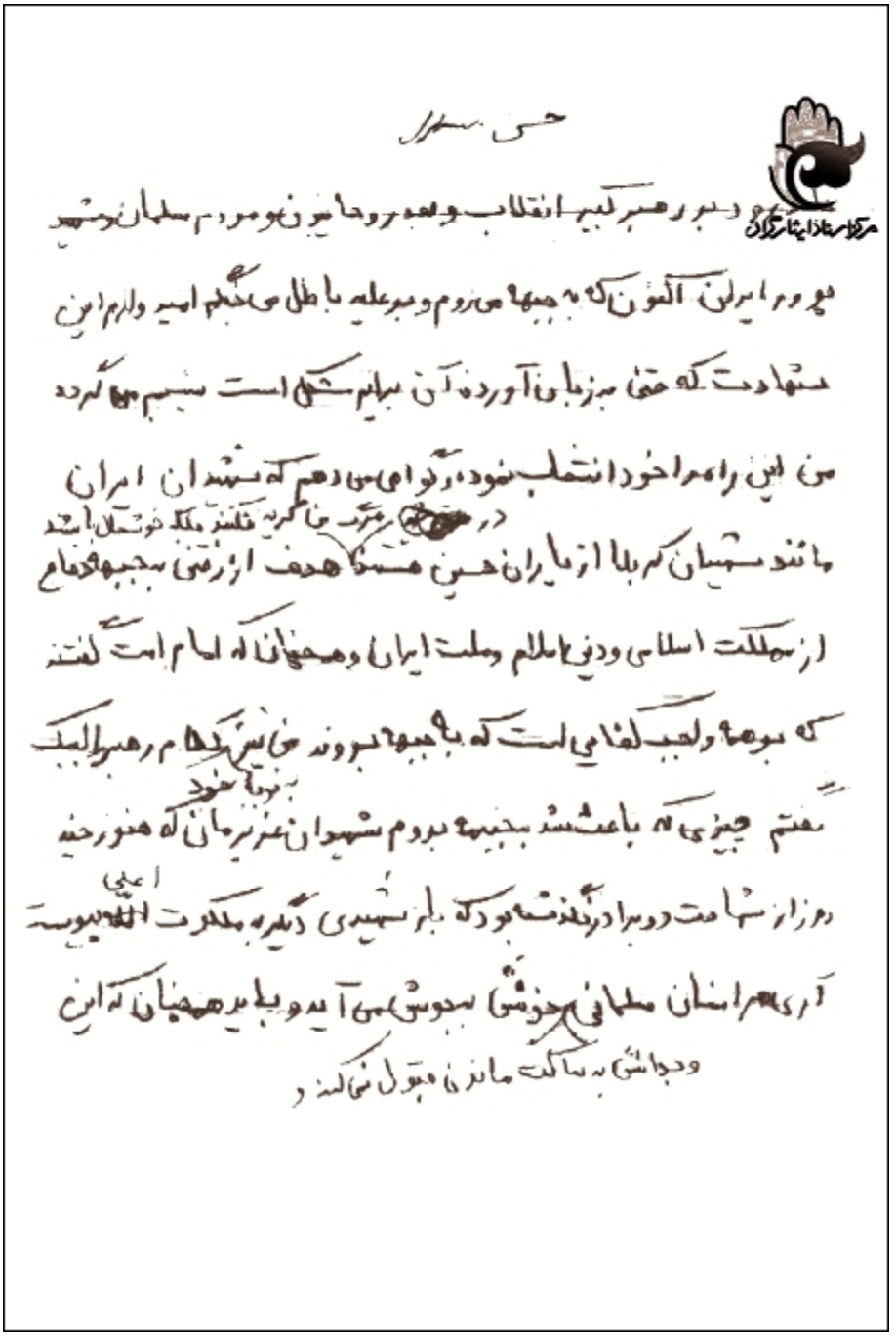
و از مادر و پدر عذر می‌خواهم که نتوانستم حق فرزندی را ادا کنم. و اگر نعش مرا نیافتید ناراحت نباشید، که هنوز مادرانی جسد فرزندان خود را نیافته و حتی فرزندانشان توسط خمپاره پاره‌پاره شده‌اند.

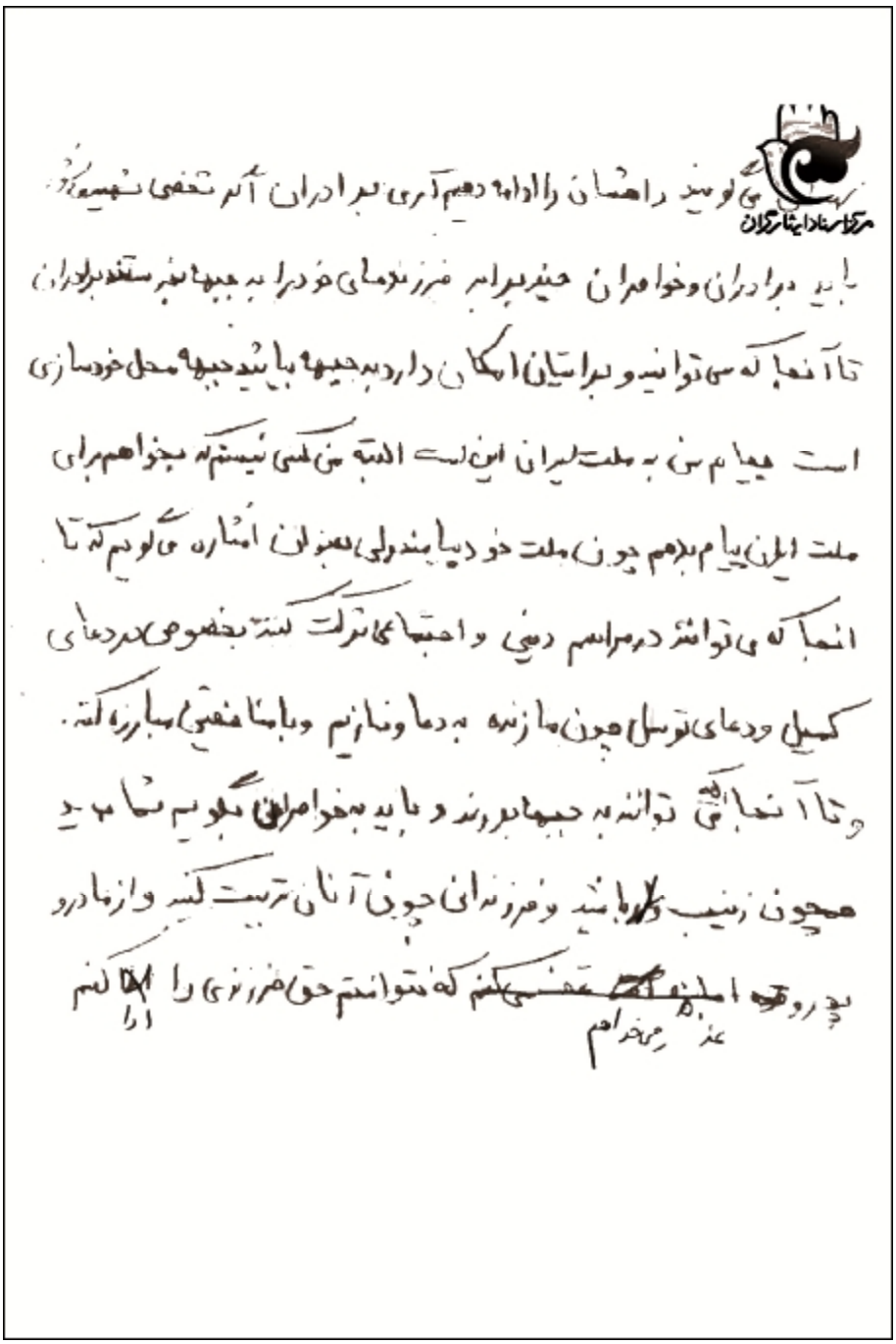
و از کلیه قومان و خویشان و همسایگان و دوستان اجازهٔ بخشش می‌خواهم. اگر بدی به شما کرده‌ام مرا ببخشید. فقط، از مادران می‌خواهم که فرزندان خود را مشتاقانه عازم جبهه کنند.

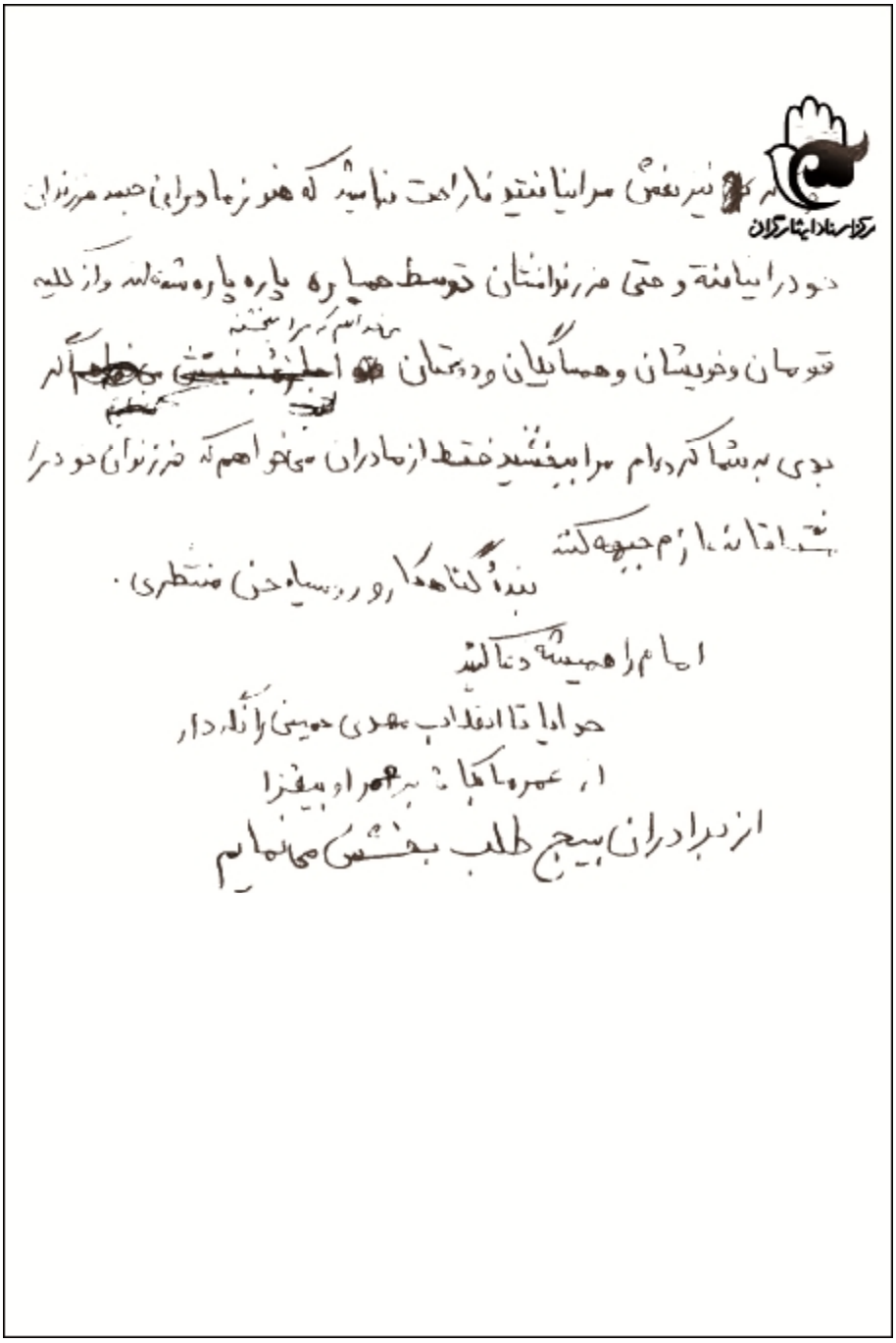
بندهٔ گناهکار و روسیاه، حسن منتظری

امام را همیشه دعا کنید. خدایا خدایا، تا انقلاب مهدی(عج)، خمینی را نگه دار، از عمر ما بکاه و بر عمر او بیفزا.

از برادران بسیج طلب بخشش می‌نمایم.









نام: **محمدحسن**
نام خانوادگی: **منسوبی**
نام پدر: **رمضان**
نام مادر: **صدیقه**
تاریخ تولد: **یکم مرداد ۱۳۴۶**
محل تولد: **شهرستان بهشهر**
تحصیلات: **پایان دوره راهنمایی**
ارگان اعزام‌کننده: **سپاه**
تاریخ شهادت: **بیست‌ونهم تیر ۱۳۶۶**
محل شهادت: **جزیره مجنون عراق**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش**
مزار: **فردوس رضا از توابع زادگاهش**

عبارت‌های کلیدی

- خواهشمندم امام عزیزمان را دعا کنید.
- دعاگوی رزمندگان اسلام باشید.
- اگر شهادت نصیب من شد شما باید افتخار کنید که چنین فرزندی داشتید که در راه خدا دادید.
- راه من و شهیدان را ادامه بدهید.
- چه مرگی بهتر از شهادت در راه خدا.
- جهاد در راه خدا بالاترین چیزهاست.

محمدحسن منسوبی

بسم الله الرحمن الرحیم

«و لاتحسبن الذین قتلوا فی سبیل الله امواتاً بل احیا عند ربهم یرزقون»[۱].

«نپندارید کسانی که در راه خدا به شهادت رسیده‌اند مرده‌اند بلکه زنده‌اند و در نزد خداوند روزی می‌خورند».

با درود و سلام بر رهبر کبیر انقلاب اسلامی و با درود به امت شهیدپرور ایران و با درود و سلام به خانواده‌های شهدا. اینجانب محمدحسن منسوبی، فرزند رمضان‌علی منسوبی وصیت‌نامهٔ خود را شروع می‌کنم.

پدر و مادر جان، دل من گواهی آن را می‌دهد که وصیت خود را شروع کنم ولی چاره ندارم. ابتدا از آمدن به جبهه: چیزی [...][۲] به‌سوی خداوند رفتن نیست و لبیک گفتن به ندای «هل من ناصر ینصرنی»[۳] و ادامه دادن راه شهدا[ی] اسلام و انجام دادن راه تکلیف خود و جهاد در راه خداوند که جهاد بالاترین چیزهاست. و پیام من به این امت قهرمان ایران این است که خواهشمندم امام عزیزمان را دعا کنید و دعاگوی رزمندگان اسلام باشید.

پیام به شما پدر و مادرم این است: برای من زحمت کشیده‌اید و من را تربیت و درس عبرت دادید تا زیر بار ظلم نروم و راه حسین(علیه‌السلام) و شهیدان را ادامه بدهم. اگر شهادت نصیب من شد شما باید افتخار کنید که چنین فرزندی داشتید که در راه خدا داده‌اید. پیام من به بستگان و دوستانم این است که راه من و شهیدان را ادامه بدهید و نگذارید اسلحهٔ من روی زمین افتاده شود. و من گریه نمی‌خواهم، من پیروی می‌خواهم؛ و چه مرگی بهتر از شهادت در راه خدا؟!

محمدحسن منسوبی

آنها که بر حق بودند شهید شدند[۴]. (امام خمینی)

۱- آل عمران/ ۱۶۹.

۲- خوانا نیست.

۳- ر.ک.تعلیقات.

۴- صحیفهٔ امام، ج ۸، ص ۳۷۰. جملهٔ امام این است «آنها که اهل حق بودند، شهید شدند».



محمد حسن منسوبی

بسمه تعالی

ولا تحسبن الّذین قتلوا فی سبیل ا... امواتا بل احیا عند ربهم یرزقون

نپندارید کسانی که در راه خدا به شهادت رسیده‌اند مرده‌اند بلکه زنده‌اند و در نزد خداوند روزی میخورند.

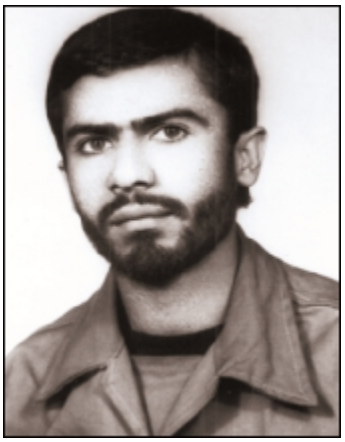
با درود و سلام بر رهبر کبیر انقلاب اسلامی و با درود به امت شهید پرور ایران و با درود و سلام به خانواده های شهدا.

اینجانب محمد حسن منسوبی فرزند رمضانعلی منسوبی وصیتنامه خود را شروع میکنم.

پدر و مادر جان دل من گواه باشید که وصیت خود را شروع کنم ولی چاره ندارم ابتدا از آمدن به جبهه چیزی و بسوی خداوند رفتن نیست و لبیک گفتن به ندای هل من ناصر ینصرنی و وظیفه دادن راه شهدا اسلام و انجام دادن راه تکلیف خود و جهاد در راه خداوند که جهاد بالاترین چیزهاست و پیام من به این امت قهرمان ایران این است که خواهشمندم امام عزیزمان را دعا کنید و دعاگوی رزمندگان اسلام باشید پیام به شما پدر و مادرم این است برای من زحمت کشیده‌اید و من را تربیت و درس عبرت دادید تا زیر بار ظلم نروم و راه حسین (ع) و شهیدان را ادامه بدهم اگر شهادت نصیب من شد شما باید افتخار کنید که چنین فرزندی داشتید که در راه خدا داده‌اید پیام من به بستگان و دوستانم این است که راه من و شهیدان را ادامه بدهید و نگذارید اسلحه من روی زمین افتاده شود و من گریه نمی‌خواهم من پیروی می‌خواهم و چه مرگی بهتر از شهادت در راه خدا.

محمد حسن منسوبی

آنها که بر حق بودند شهید شدند. «امام خمینی»



نام: **محمدرضا**
نام خانوادگی: **منشی‌زاده**
نام پدر: **عباس**
نام مادر: **شکر**
تاریخ تولد: **دوازدهم اردیبهشت ۱۳۴۱**
محل تولد: **روستای عبدالله آباد از توابع دامغان**
تحصیلات: **سوم متوسطه**
ارگان اعزام‌کننده: **سپاه**
تاریخ شهادت: **بیست‌ونهم آبان ۱۳۶۲**
محل شهادت: **پنجوین عراق**
نحوهٔ شهادت: –
مزار: **گلزار شهدای زادگاهش**

عبارت‌های کلیدی

- من راهی به سوی الله را انتخاب کرده‌ام و امیدوارم بتوانم به آخر راه که شهادت است برسم.
- رادران و خواهرانم بعد از من، با پدر و مادرم به خوبی رفتار کنید تا آنها از شما راضی باشند.
- مادر و پدرم، افتخار کنید که چنین فرزندی تربیت کرده‌اید که بتواند در راه خدا قدم بردارد.
- مبادا بعد از کشته شدن من نسبت به اسلام و رهبر بدبین شوید.
- هدف من جز الله و قرآن و اسلام هیچ چیز دیگری نیست.
- باید تا آخرین لحظات زندگی خود از اسلام و قرآن دفاع کنید.
- من به دلخواه به جبهه اعزام شده‌ام و امیدوارم که بتوانم قدمی برای رضای خدا بردارم.

محمدرضا منشی‌زاده

بسم الله الرحمن الرحیم[۱]

به نام خداوند بخشنده مهربان. وصیت محمدرضا منشی‌زاده فرزند عباس.

من این وصیت را در تاریخ ۵۹/۱۱/۲۴ می‌نویسم، پدر و مادر مهربانم من از تمام کارهایی که[۲] برای بزرگ شدنم[۳] انجام دادید خیلی ممنون هستم امیدوارم که اگر زنده بودم[۴] زحمات شما را از [سر] قلب و جان انجام دهم. من یک راه را برای خودم انتخاب کرده‌ام. یک راه پرپیچ و خم. راهی به سوی الله. من این راه را انتخاب کرده‌ام. امیدوارم بتوانم به آخر راه که شهادت است برسم. اگر هم نتوانستم بدان که ما لیاقت شهید شدن را نداریم. من در این راه قدم برداشتم امیدوارم که با پیروزی اسلام و نابودی دشمنان اسلام دوباره به پیش پدر و مادر و برادران و خواهران و دوستان عزیزم برگردم[۵] اما اگر در این راه کشته شدم[۶] سعادتی از این بالاتر چه بهتر.

از تمام برادران و خواهرانم می‌خواهم که بعد از مرگ من با پدر و مادرم به خوبی رفتار کنید تا آنها از شما راضی باشند چون خداوند می‌فرماید «اگر پدر و مادر از انسان راضی نباشد خدا از او راضی نمی‌شود». از برادرم حمید و مجید و علی وقتی بزرگ شده‌اند و از مادر و از پدرم می‌خواهم که من مقدار[ی] نماز قضا[۷] و مقدار[ی] هم روزه قضا دارم که اگر می‌تواند آن را برای من انجام دهند.

۱- در حاشیه بالای صفحه شهید نوشته «آدرس عبدالله آباد، دامغان، منزل عباس منشی‌زاده».

۲- در اصل وصیت «کارهای».

۳- در اصل وصیت «بزک شده‌ام».

۴- در اصل وصیت «زندای».

۵- در اصل وصیت «بد کردم».

۶- در اصل وصیت «شده‌ام».

۷- در اصل وصیت «غذا».

من نتوانستم که زحمات پدر و مادرم را انجام دهم اگر زنده ماندم و سالم برگشتم زحمات آنها را اگر توانستم انجام می‌دهم و اگر کشته شدم[۱] برادران می‌خواهم که با پدر و مادر به خوبی رفتار کند که مبادا آنها ناراضی باشند.

پدر عزیزم و مادر مهربانم و برادران و خواهرانم و دوستان و آشنایانم برای من گریه نکنید بلکه بعد از کشته شدن من شادی نمایید و به تمام دوستان و آشنایان شیرینی بدهید مادر و پدرم مبادا برای من گریه کنید بلکه باید افتخار کنید که چنین فرزندی[۲] تربیت کرده‌اید که بتواند در راه خدا قدم بردارد و از پدر و مادر خیلی ممنون هستم که من را به وظایف اسلامی آشنا کرده‌اند و بعد از کشته شدن من، من را کنار قبر شهید مظفر[۳] دانشور در عبدالله آباد دامغان دفن کنید و یک پارچه سیاه در خانه زنید[۴]. مادر در هر شب جمعه یادی بکن از ما. مادرم و پدر و برادرانم مبادا که بعد از کشته شدن من نسبت به اسلام و رهبر بدبین شوید.

باید تا آخرین لحظات[۵] زندگی خود از رهبر و اسلام و قرآن دفاع کنید و رهبر عزیز را تنها نگذارید و هرچه رهبر می‌گویند از دل [و] جان انجام دهید. مبادا که کاری کنید که دل رهبر عزیز را به درد آورید [و] امیدوارم که شما هم بتوانید بعد از مرگ من راه من را همچنان ادامه دهید تا پیروزی اسلام [و] قرآن. امیدوارم که با پیروزی اسلام و نابودی دشمنان کافر [با][۶] سلامتی کامل به نزد پدر و مادر و برادر و خواهر و آشنایان و دوستان برگردم[۷].

۱- در اصل وصیت «کشته شده‌ام».
۲- در اصل وصیت «فرزنده‌ای».
۳- در اصل وصیت «مضفر».
۴- در اصل وصیت «زن».
۵- در اصل وصیت «درجات».
۶- در اصل وصیت «و».
۷- در اصل وصیت «برکردم».

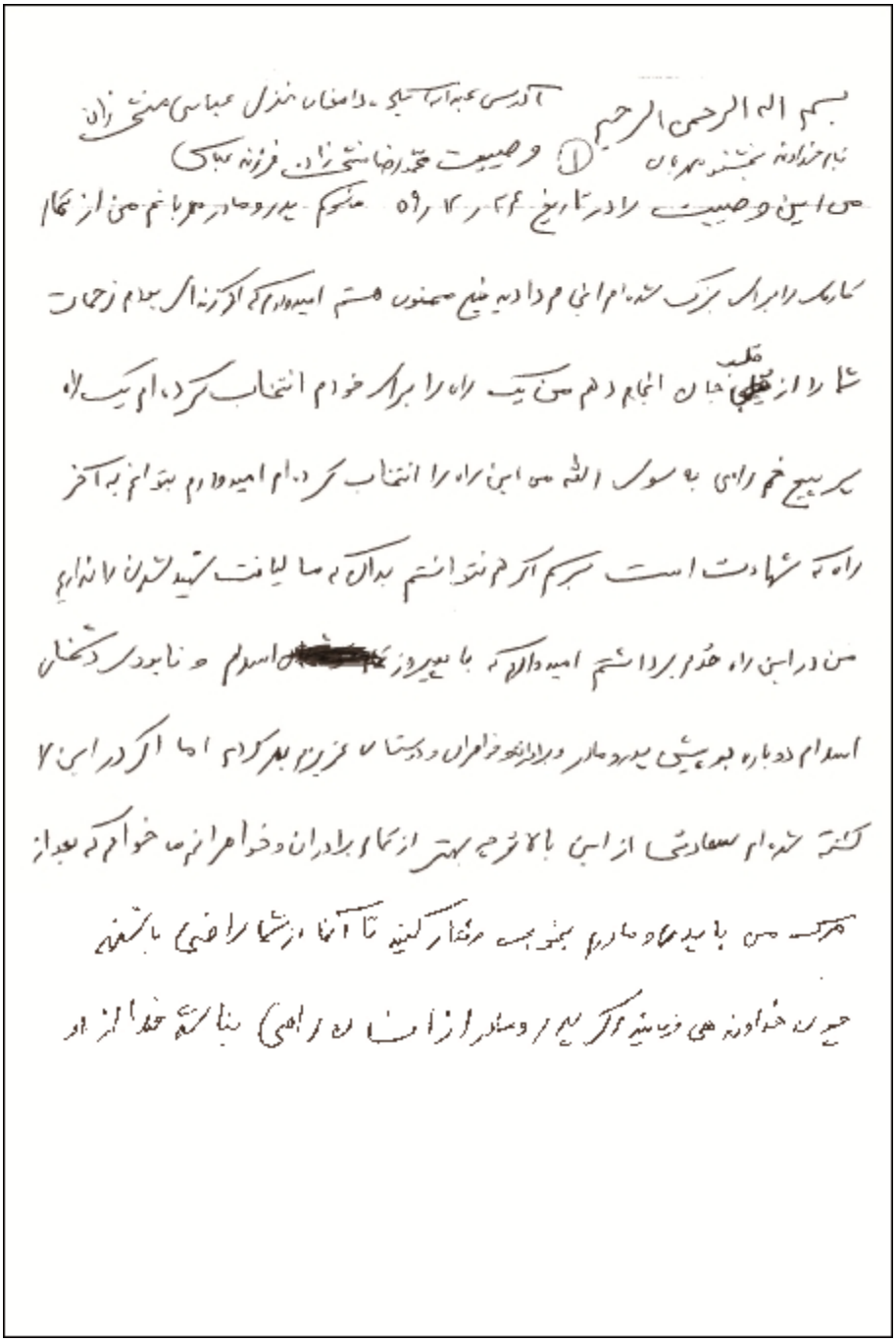
درود بر رهبر انقلاب اسلامی ایران و درود بر شهیدان راه اسلام. هدف من جز الله و قرآن و اسلام هیچ چیز دیگری[۱] نیست. من راه خود را انتخاب کرده‌ام و خود به دلخواه به جبهه اعزام شده و مرا به این کار مجبور نکرده‌اند. بلکه [در این] راه دلخواه، امیدوارم که بتوانم که قدمی که برمی‌دارم برای رضای خدا باشد.

منشی‌زاده

۱۲/۲۴/[...][۲]

۱- در اصل وصیت «دیکری».

۲- سال تحریر وصیت خوانا نیست.



بسم الله الرحمن الرحیم ① وصیت محمدرضا منشی‌زاده فرزند عباس

من این وصیت را در تاریخ ۶۴/۱۲/۵۹ مینویسم پدر و مادر مهربانم من از تمام

کارها را برای شما انجام دادم ولی هنوز هستم امیدوارم که اگر زنده ماندم انجام

شما را از قلب جان انجام دهم من یک راه را برای خودم انتخاب کردم و آن یک راه

بی هیچ غم راهی با رسول الله من این راه را انتخاب کردم امیدوارم بتوانم به آخر

راه که شهادت است برسم اگر هم نتوانستم بدان برسم لیاقت شهید شدن را نداشتم

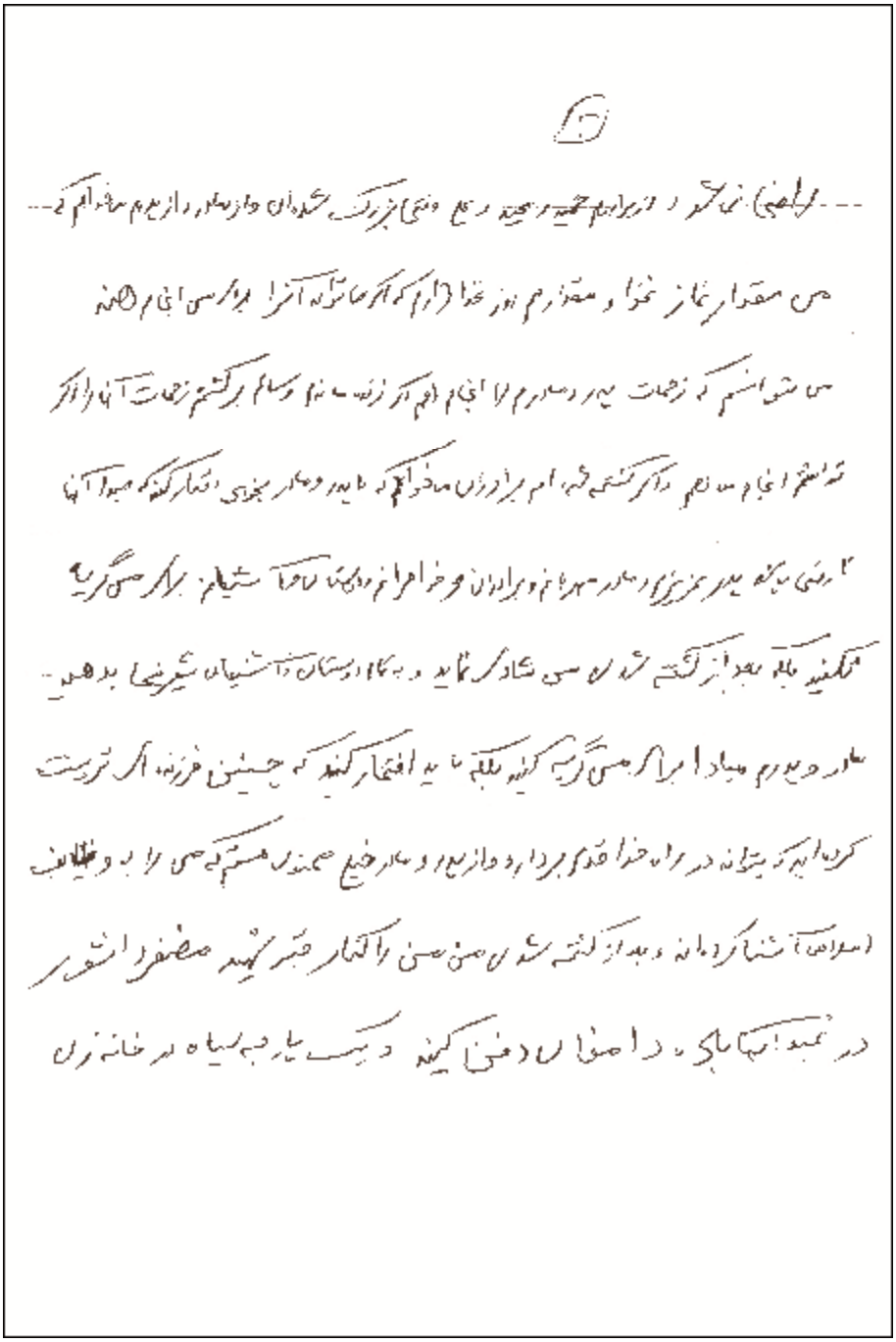
من در این راه قدم برداشتم امیدوارم که با پیروزی [redacted] اسلام و نابودی دشمنان

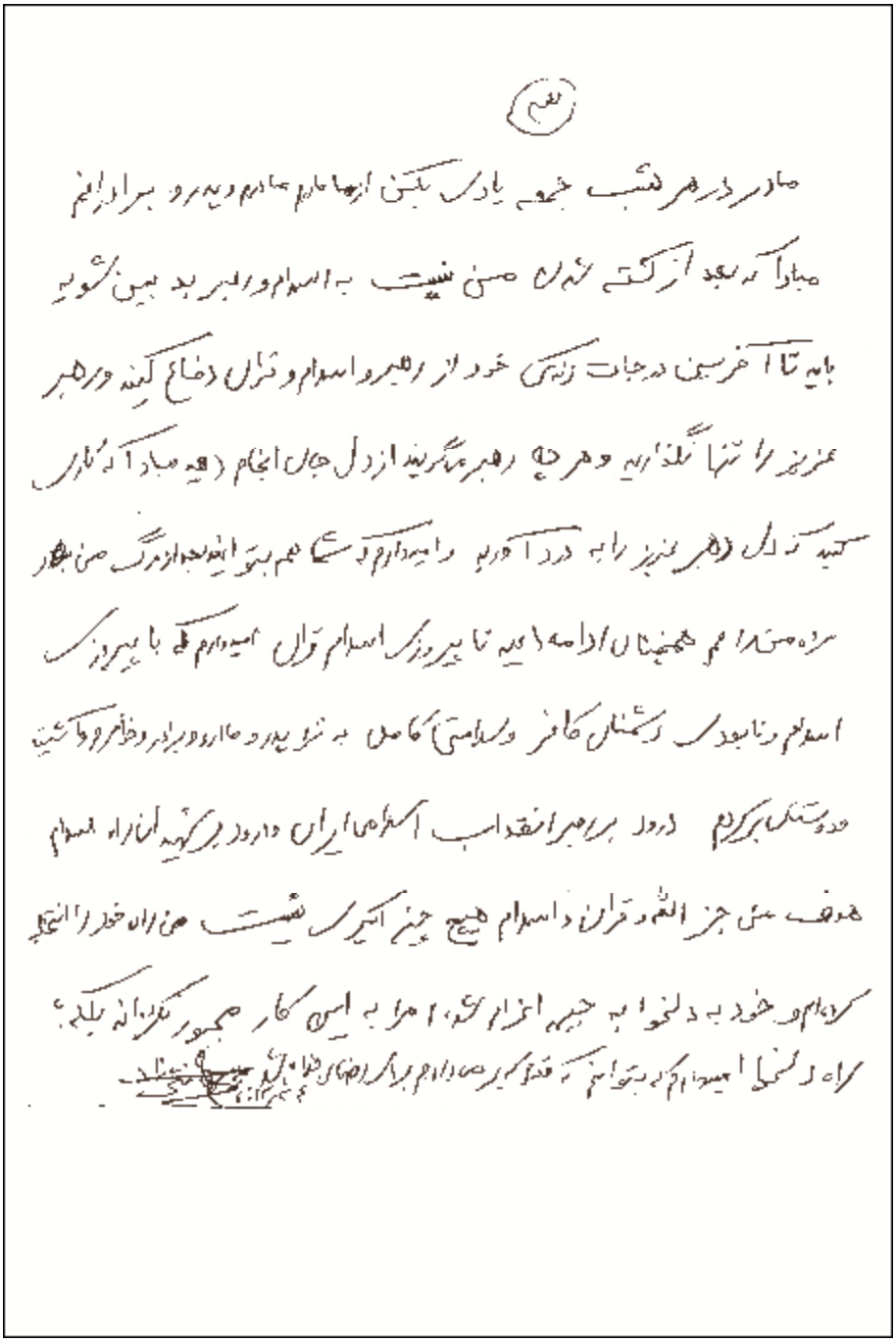
اسلام دوباره به پیش پدر و مادر و برادران و خواهران و دوستان عزیزم برگردم اما اگر در این راه

کشته شدم سعادتی از این بالاتر هیچ بهتر از شما برادران و خواهران عزیز من خواهم که بعد از

مرگ من باید عزادار هم نباشید مرا فراموش کنید تا آنجا از شما راضی باشم

همیشه از خداوند بهی خواهید که پدر و مادر از آن راهی بنا شده خدا از او







نام: **محمدرضا**
نام خانوادگی: **منصوریان**
نام پدر: **عزت‌الله**
نام مادر: **فاطمه**
تاریخ تولد: **یکم آذر ۱۳۴۰**
محل تولد: **روستای حاجی‌آباد از توابع دامغان**
تحصیلات: **چهارم متوسطه**
ارگان اعزام‌کننده: **سپاه**
تاریخ شهادت: **بیست‌ونهم آبان ۱۳۶۲**
محل شهادت: **پنجوین عراق**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش**
مزار: **گلزار شهدای زادگاهش**

عبارت‌های کلیدی

- ای زندگان، قافلهٔ مرگ همچنان به مقصد نیستی در حرکت است پس بیدار باشید تا بتوانید جسورانه مرگ را انتخاب کنید.
- امروز روز امتحان است امروز روز ندای حسین(علیه‌السلام) است.
- باید اسلام را یاری کرد، زیرا امروز تمامی کفر جهانی بر علیه اسلام برخاسته‌اند.
- ما رزمندگان تا آخرین قطره خون از خاک کشور اسلامی‌مان دفاع می‌کنیم.
- از شما می‌خواهم که این حسین زمان خمینی بت‌شکن را تنها نگذارید و دستورهای او را که همان دستورهای امام زمان (عج) است به‌اجرا درآورید.
- شهادت مرگ پر افتخاری است که بارها به آن نزدیک شدم.
- شهید مقامی والا دارد.
- به جبهه می‌روم نه برای انتقام، بلکه به منظور احیای دینم و تداوم انقلابم و امنیت میهنم.

محمدرضا منصوریان

بسم الله الرحمن الرحیم

«و لاتقولوا لمن یقتل فی سبیل الله اموات بل احیاء و لکن لاتشعرون»[۱].

ما با سلاح ایمان و اسلام پیش می‌بریم و خواهیم برد و همهٔ اینها را سرکوب خواهیم کرد[۲]. (امام خمینی)

با سلام و درود فراوان به امام زمان (عج)[۳] و نایب برحقش خمینی بت‌شکن و ملت شهیدپرور و رزمندگان ایران و با سلام و درود به شهدای کربلا مخصوصاً شهدای کربلای ایران.

بر اساس وظیفه چند کلمه وصیت می‌کنم:

ای زندگان آگاه باشید که قافلهٔ مرگ همچنان به مقصد نیستی در حرکت است و شما نیز به زودی بدان ملحق می‌شوید. بیدار باشید تا بتوانید جسورانه مرگ را انتخاب کنید. قبل از آنکه در چنگال مخوفش گرفتار شوید و بمیرید. همانطور که خود شما بهتر از من می‌دانید امروز روز امتحان است، امروز روز ندای حسین(علیه‌السلام) است آیا کسی مرا حسین(علیه‌السلام) را یاری می‌کند؟ و این ندا امروز از زبان امام امت خمینی بت‌شکن برخاسته که می گوید: «ای کاش من یک پاسدار بودم»[۴].

باید اسلام را یاری کرد زیرا امروز تمامی کفر جهانی برعلیه اسلام برخاسته‌اند. ای امام صلح این کافران را نپذیر و ما رزمندگان تا آخرین قطره خونمان دفاع می‌کنیم و تا دشمنان اسلام را از خاک کشور اسلامی‌مان بیرون نکنیم ازپای نخواهیم نشست. و از شما می‌خواهم که این حسین زمان خمینی بت‌شکن را تنها نگذارید و دستورهای او را که همان دستورهای امام زمان (عج) است مو به مو به‌اجرا درآورید.

۱- بقره/ ۱۵۴.

۲- صحیفهٔ امام، ج ۱۳، ص ۲۵۲. جمله امام «ما با آن سلاح ایمان و ....».

۳- در نسخهٔ حروف‌چیدهٔ مبنا: (عج) تعالی فرجه الشریف.

۴- صحیفهٔ امام، ج ۱۵،ص ۴۹۶.

شهادت مرگ پرافتخاری است که بارها به آن نزدیک شدم ولی نصیبم نشده. شاید لایق شهید بودن نیستم زیرا که شهید مقامی والا دارد و من فردی گناهکار و خوارم. اینک با یاری خدا به جبهه می‌روم نه برای انتقام، بلکه به منظور احیای دینم و تداوم انقلابم و امنیت میهنم پای در پوتین می‌کنم و از خدا می‌خواهم که شهادت را نصیب این حقیر کند.

همچنین پدر جان، من راهم را شناختم و دنبالش رفتم و خوشحالم. من امروز احساس می‌کنم که دوباره جریان کربلا تکرار می‌شود. آیا می‌شود جواب فرزند پیامبر را نداد؟ والله نه[۱].

۱- حسب ظاهر وصیت‌نامه ناتمام است. معمولاً ذیل وصیت، نام و نام‌خانوادگی و تاریخ تحریر و امضاء دیده می‌شود.

بسم‌ا... الرحمن الرحیم

ولاتقولوا لمن یقتل‌فی سبیل‌ا... اموات بل‌احیاء و لکن لاتشعرون...

ما باسلاح‌ایمان و اسلام‌پیش‌می‌بریم‌وخواهیم‌بردوهمه اینها را سر کوب خواهیم کرد .

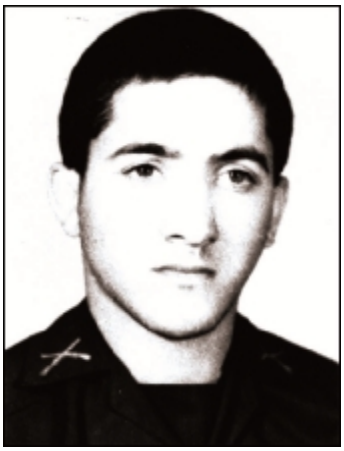
(امام خمینی)

اسلام‌ودرودفراوان‌به‌امام‌زمان(عج)تعالی‌فرجه‌الشریف و نایب برحقش‌خمینی بت‌شکن و ملت شهیدپرور و رزمندگان ایران و باسلام ودرود به شهدای کربلا مخصوصاً شهدای کربلای ایران .

براساس‌وظیفه‌چند کلمه‌وصیت‌میکنم :

همان‌ای‌زندگان آگاه‌باشید که‌قافله‌مرگ‌همچنان بمقصد نیستی در حرکت است و شما نیز بزودی بدان‌ملحق‌میشوید بیدار باشید تابتوانید بهترین راه‌مرگ‌را انتخاب کنیدقبل از آنکه بچنگال‌مخوف مرگ گرفتارشوید و بمیرید همانطور که خود شما بهتر از من میدانید امروز روز امتحان‌است‌امروز روز ندای‌حسین‌است آیا کسی مرا حسین(ع) یاری‌میکند و این ندا امروز از زبان‌امام‌امت‌خمینی بت‌شکن برخاسته که میگوید : ای کاش من یك پاسدار بودم . ایداسلام‌را یاری کرد زیرا امروز تمامی کفر جهانی بر علیه اسلام برخاسته‌اند. ای‌امام صلح بین کافران‌را نپذیرو مادرزمندگان‌تا آخرین‌قطره‌خون‌نمان‌دفاع‌میکنیم وتا دشمنان اسلام را از خاك کشور اسلامیمان بیرون‌نکنیم‌از پای‌نخواهیم‌نشست. و ازشما میخواهم که‌این‌حسین زمان‌خمینی بت‌شکن‌را تنهانگذارید ودستورهای‌او را که‌همان‌دستورهای‌امام زمان(عج) تعالی‌فرجه‌الشریف‌است‌موبمو با جرادر آورید و شهادت‌مرگ پرافتخاری‌است که بارها به آن نزدیك‌شده‌ولی نصیبم نشده‌شایدلایق‌شهیدبودن‌نیستم‌زیرا که شهید مقامی والا دارد و من‌فردی گناهکاروخوارم،اینك‌با یاری‌خدابه جبهه میروم نه برای انتقام بلکه بمنظور احیای‌دینم‌وتداوم‌انقلابم‌و امنیت‌میتوانم‌پای‌درپوتین‌میکنم‌وازخدامیخواهم که‌شهادت‌را نصیب این حقیر کند .

همچنین‌پدرجان‌من‌راهم‌راشناختم‌ودنبالش‌رفتم وخوشحالم . من‌امروز احساس‌میکنم که‌دوباره‌جریان کربلاتکرارمیشودآیا میشودجواب فرزند پیامبر (ص)را نداد وا... ند .



نام: **احمد**
نام خانوادگی: **منظمی**
نام پدر: **علی‌اکبر**
نام مادر: **زهرا**
تاریخ تولد: **دهم فروردین ۱۳۵۴**
محل تولد: **شهرستان شاهرود**
تحصیلات: **سوم متوسطه**
ارگان اعزام‌کننده: **ژاندارمری**
تاریخ شهادت: **بیست‌وپنجم تیر ۱۳۷۵**
محل شهادت: **عراق**
نحوهٔ شهادت: **اصابت گلوله**
مزار: **گلزار شهدای زادگاهش**

عبارت‌های کلیدی

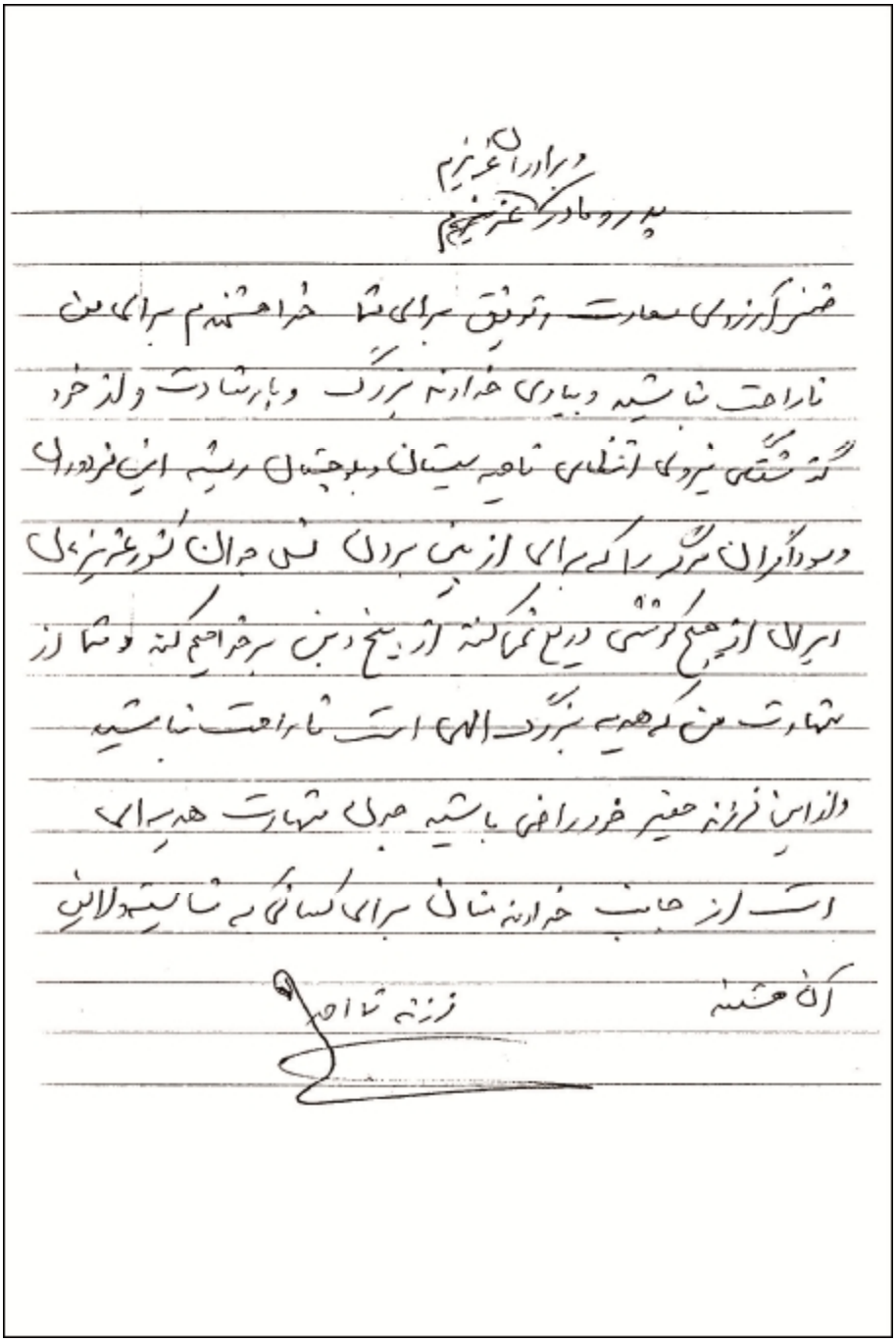
- شهادت هدیه‌ای است از جانب خداوند برای کسانی که شایسته و لایق آن باشند.
- ریشه سوداگران مرگ را از بیخ و بن خواهیم کند.

احمد منظمی

بسم الله الرحمن الرحیم

پدر و مادر و برادران عزیزم، ضمن آرزوی سعادت و توفیق برای شما خواهشمندم برای من ناراحت نباشید و به یاری خداوند بزرگ و با رشادت و از خودگذشتگی نیروی انتظامی ناحیه سیستان و بلوچستان ریشه این مزدوران و سوداگران مرگ را که برای از بین بردن نسل جوان کشور عزیزمان ایران از هیچ کوششی دریغ نمی‌کنند از بیخ و بن برخواهیم کند و شما از شهادت من هدیه بزرگ الهی است ناراحت نباشید و از این فرزند حقیر خود راضی باشید چون شهادت هدیه‌ای است از جانب خداوند منان برای کسانی که شایسته و لایق آن هستند.

فرزند شما، احمد



برادر و خواهر عزیزم
پدر و مادر عزیزم

قبل از هر چیز سعادت و توفیق برای شما خواهانم برای من
ناراحت نباشید و بیتابی نکنید زیرا که بزرگ و با رشادت و لذا خود
گذشتگی نیروی انتظامی ناحیه بیستان و بویژه این فرزندان
و سربازان سرگرد را که برای از بین بردن نفس جان شریف
ایران از هیچ کوششی دریغ نمی‌کنند از صمیم قلب خواهیم که شما از
شهادت من کوچک بزرگ الهی است ناراحت نباشید
و از این فرزند حقیر خود راضی باشید چون شهادت هدیه‌ای
است از جانب خداوند متعال برای کسانی که شایستگی این
را داشته

فرزند شما احمد



نام: **غلام**
نام خانوادگی: **موثق**
نام پدر: **داوود**
نام مادر: **تماشا**
تاریخ تولد: **هجدهم شهریور ۱۳۲۶**
محل تولد: **شهرستان اردبیل**
تحصیلات: **پایان دورهٔ ابتدایی**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **چهارم مرداد ۱۳۶۷**
محل شهادت: **اسلام‌آباد غرب**
نحوهٔ شهادت: **اصابت گلوله**
مزار: **گلزار شهدای شهرستان شاهرود**

عبارت‌های کلیدی

- همانا جدایی از ولایت را جدایی از امامت می‌دانم.
- چون تکلیف شرعی و الهی خود دیدم با شوق و بصیرت و با میل ارادهٔ خود عازم به جبهه‌های حق علیه باطل شدم.
- تا زمانی که جان در کالبد بدنتان وجود دارد از حق و حقیقت پاسداری کنید.
- از شما امت مسلمان تقاضا دارم که جبهه‌ها را خالی نگذارید.
- امام امت، این یاور مستضعفان و نعمت الهی در این عصر را تنها نگذارید.
- ملتی که بخواهد عزیز زندگی کند باید از جهاد و جنگ و سنگر و سلاح نهراسد.
- از همسرم تقاضا دارم که به فرزندانم درس شهادت و ایثار و شجاعت بیاموزد.
- از مادر، برادران و خواهران می‌خواهم که صبور باشند و ادامه‌دهنده راه شهدا باشند.

غلام موثق

بسم الله الرحمن الرحیم

«و لا تقولوا لمن یقتل فی سبیل الله اموات بل احیاء ولکن لا تشعرون»[۱]

حمد و ستایش خدای بی‌همتا را که تمام صفات جمیله را در بردارد و بر ذات بی منتهی اوست که حی است و قیوم رحمان است و رحیم و شهادت می‌دهم بر یگانگی خدا که نیست خدایی جز خدا یگانه و شهادت می‌دهم بر تمامی پیامبران خدا از آدم تا خاتم‌الانبیاء محمدابن عبدالله(ص) که راز عالم بقا [...][۲] و هدایت مردم را به سوی [...] تکامل بخشد و شهادت می‌دهم بر تمامی ائمه اطهار و امامان به حقم علی(ع) علیه‌السلام و یازده فرزند معصوم او می‌باشند و جدایی از آنها را جزء خواری و ذلت چیز دیگر نمی‌دانم و بعد از پیامبر هدایت مردم را بدست گرفتند و یکی پس از دیگری جان خود را برای اعلای کلمه الله فدا نمودند که درود و صلوات[۳] و تهیّت بر ارواح مطهره و پاکشان باد و پس از غیبت امام زمان(عج) معتقد به ولایت [...] می‌باشم که ادامه‌دهندگان راه آن امامان می‌باشند و همانا جدایی از ولایت را جدایی از امامت می‌دانم.

اینجانب غلام موثق فرزند داوود اعزامی از شاهرود چون تکلیف شرعی و الهی خود دیدم با شوق و بصیرت و با میل ارادهٔ خود عازم به جبهه‌های حق علیه باطل شدم لازم می‌دانم که چند نکته را بعنوان وصیت‌نامه [...] و مخصوصاً خانوادهٔ گرامی‌ام تذکر دهم هرچند که اینجانب کوچکتر از آنم که برای شما امت قهرمان سخنانی را بعنوان پیام داده باشم از شما امت مسلمان عاجزانه تقاضا دارم که جبهه‌ها را خالی نگذارید و امام امت این پیرجماران و موسی زمان و یاور مستضعفان و نعمت الهی در این عصر و دوره استثمار [...] انسان‌های گرفتار را شرافت و عزت بخشید تنها نگذارید و اسلام را یاری کنید تا زمانی که جان در کالبد بدنتان وجود دارد از حق و حقیقت پاسداری کنید و با بذل جان و مال

۱- بقره/ ۱۵۴.

۲- خوانا نیست. عباراتی که با علامت [...] مشخص شده خوانا نیست.

۳- در اصل وصیت «صلوة».

جبهه‌ها را گرم نگه‌دارید که باشد خداوند نعمت و رحمتش را بر ما افزون نماید و سپاس شهیدان این پروانه‌های کوی عشق و عاشقان الله را بر زمین نگذارید و در اصلاح نفس خود بکوشید که اگر خود را شناختید خدا را می‌شناسید. اینجانب به جبهه می‌روم بلکه بتوانم تکلیف خود را به اسلام عزیز که خون‌بهای هزاران شهید از بهترین بودند ادا نماییم و پیروی از سرور شهیدان حسین بن علی(ع) بنماییم. و می‌روم که مانند قطره کوچک به سیل خروشان و بیکران انصار روح‌الله بپیوندم تا بتوانیم به یاری خداوند و با کمک به هم ستمگران جهان را از بین برده و مژدهٔ فتح و پیروزی را برای امت همیشه پیروز و خانواده معظم شهدا به ارمغان آوریم.

ملتی که بخواهد عزیز زندگی کند باید جنگ‌جو باشد و رزمنده قومی که بخواهد عزت و شرافت خیر و کرامت شجاعت را [...] بگذارد و باید از جهاد و جنگ و سنگر و سلاح نهراسد و آنکه [که][1] به جبهه می‌رود باید شمع وجود خویش را بسوزاند و از سوزاندن وجود خود [...] ملتی هستیم که [...] سر داد ولی دست ذلت نداد و جان داد ولی طومار ستم را امضاء [...] حال که باید همگی خوب و بد فرعون و موسی حق‌گو[...] بروند و بمیرند چرا مرگی را انتخاب نکنیم که [...] باشد چرا آنگونه نرویم که ائمه معصومین رفتند چرا باشیم تا ذلیل شویم و نرویم تا عزیز گردیم.

اما [...] من به خانواده‌ام این است که اگر شهادت نصیبم گردید که بهترین مرگ است در مصائب بردبار باشید و استقامت نمایید و صبر را پیشه خود قرار دهید که خداوند صابران را دوست می‌دارد و [...] در بین زنان جامعه از اسلام عزیز تبلیغ نمایید از خون شهیدان پاسداری کنید و خود هم از مبارزه عقب‌نشینی نکنید.

و از همسرم تقاضا دارم که فرزندانم را خوب تربیت [...] فرزندان شوند که در آینده برای جامعه سودمند باشند و به آنها درس شهادت و ایثار و شجاعت [به][2] آنها بیاموزید آنها را [...] نماز و احکام اسلامی راهنمایی خوب باشید. و در آخر می‌خواهم از همه که امام عزیز را تنها نگذارید و از اوامر او به خوبی اطاعت نمایید و جبهه را پرکنید و از مادر

۱- اضافه است.

۲- اضافه است.

و برادران و خواهران می‌خواهم که این حقیر را حلال نمایند و از خطاهای من درگذرند و صبور باشند و ادامه‌دهنده راه شهدا باشند.

اینجانب غلام موثق وصی [...] خود قرار دادم همسرم را تا زمانی‌که خانه من می‌باشد و با فرزندانم زندگی نمایید وقتی‌که می‌خواست جدا شود، می‌تواند مهریه شرعی خود را که در سند رسمی ازدواج ثبت گردیده برداشت نماید و همچنین اینکه مبلغ یکهزاروپانصد تومان سهم امام بدهکار می‌باشم که وصی‌ام پرداخت نمایید و دیگر از دیونم [...] مبلغ تومان به خواهر بزرگم به نام [...] بدهکار می‌باشم و همچنین مبلغ پنج هزار تومان به مادرم بدهکار می‌باشم که وصی‌ام بدهکاری مرا بپردازد و مبلغ پانصد تومان سهم سادات بدهکار می‌باشم و مابقی اموالم که به ارث به فرزندانم می‌رسد پسران و دخترانم به طور شرع مقدس اسلام هر کس سهم خود را می‌برد این وصیت‌نامه بطور [...] وصیت‌کننده آگاه و عاقل و در حال صحت و اختیار من دون الاکراه و الاجبار و در حالیکه تمام اقاریر شرعیه او ناقد بود وصیت نمودم در تاریخ بیست‌وچهارم دی ماه یکهزاروسیصدوشصت‌وشش برابر با [...] جمادی‌الاول یکهزاروچهارصدوهشت هجری قمری به پایان رسید و آنچه که از وصایای افتاده است وصی‌ام می‌تواند طبق شرع اسلام رفتار نمایند.

«والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته»

وصیت‌کننده، غلام موثق

وصی، فاطمه کیلی

[وصیت‌نامهٔ دیگر]

بسم الله الرحمن الرحیم

سلام بر شهیدان اسلام درود بر رزمندگان حق بر باطل اینجانب غلام موثق فقط برای خدا و قرآن و اسلام این راه را انتخاب کردم. حرف اول و آخر خود را میزنم از امام امت رهبر انقلاب اسلامی کناره نگیرید. که از قرآن و اسلام کنار شده‌اید. خداوند عظیم را عبادت کنید که راه نجات دنیا و آخرت است برای مسلمین خدمت کنید که خواست خداوند مهربان و بخشنده می‌باشد. از مادر و دیگر زن‌مادرم و کسانم می‌خواهم که مرا ببخشند و حلالم نمایند جز رضا خدا به هیچ کاری دست نزنید که عاقبت ندارد. مادر و خانواده‌ام و

دیگر نزدیکانم را به خداوند بزرگ و توانا می‌سپارم خدایا، تا انقلاب مهدی(عج)، خمینی را نگه دار.

غلام موثق

[وصیت‌نامهٔ دیگر]

بسم الله الرحمن الرحیم

وکیل زندگی‌ام همسر اینجانب می‌باشد. تا زمانیکه سرپرست بچه‌هایم است اختیارات کامل زندگی‌ام را دارد. بعد از آن حق قبالهٔ[۱] خود را دارد.

زمین شهر اردبیل را به برادرم فروخته‌ام. و زمین‌های ده را با برادرم شریک هستم و پسرم امیر بعد از من پرچم اسلام را باید به دوش بگیرید. جان تو و جان دیگر برادرت و خواهرت و مادرت. همگی شما را به خداوند بزرگ می‌سپارم و برادر زنم ابراهیم به خانه‌ام سرکشی کنید. هروقت مادرم به شاهرود آمد، احترام او را نگاه دارید و مرا به اردبیل ببرید دفن[۲] نمایید.

«والسلام من الله[۳] توفیق»

غلام موثق

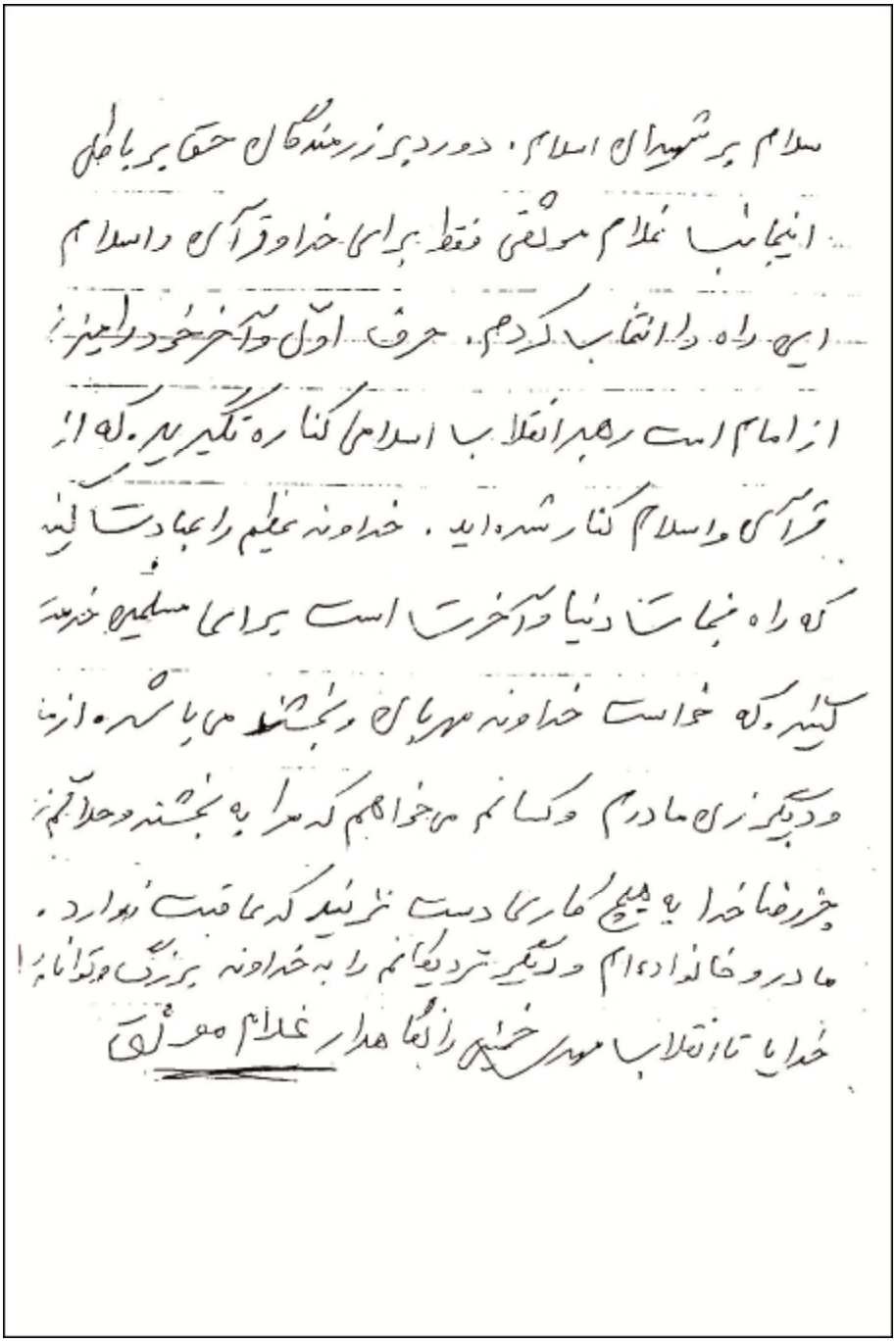
۱- در اصل وصیت «قوباله».

۲- در اصل وصیت «دفع».

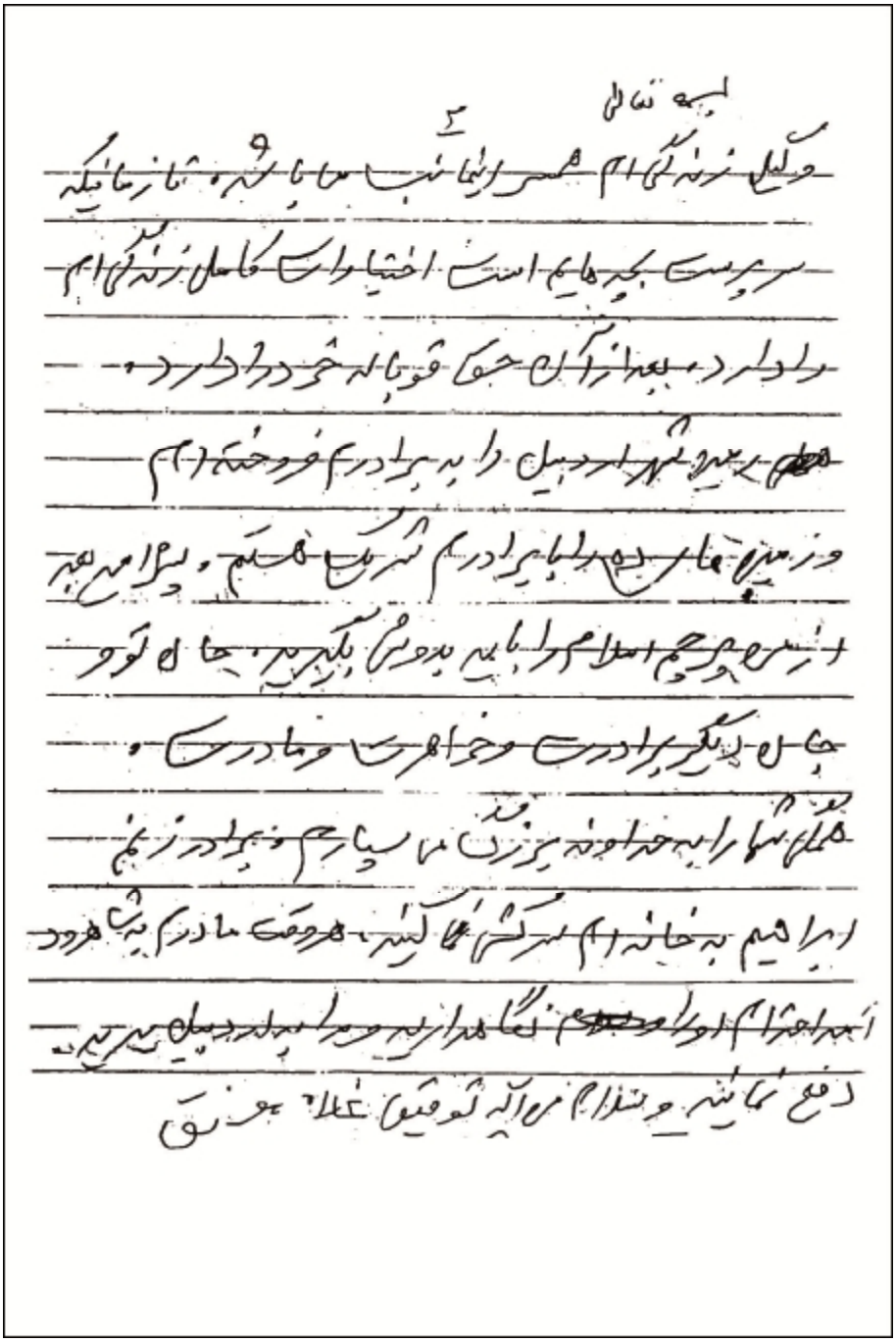
۳- در اصل وصیت «من اله».







سلام بر شهیدان اسلام، درود بر زحمتکشان جهان بالخص
انیجانب غلام موثقی فقط برای خدا و قرآن و اسلام
این راه را انتخاب کردم. حرف اول و آخر خود را میزنم
از امام است رهبر انقلاب اسلامی کناره نگیرید. که از
قرآن و اسلام کنار شده اید. خداوند تعلیم را عبادت کنید
که راه نجات دنیا و آخرت است برای مسلمین خدمت
کنید. که خواست خداوند مهربان و بخشنده می باشد. از شما
و دیگر زن مادرم و کسانم میخواهم که مرا به بخشند و حلالم
چون رضا خدا به هیچ کاری دست نزنید که مغایرت نداشته باشد.
مادر و خانواده ام و دیگر نزدیکانم را به خداوند بزرگ و توانا میسپارم!
خدایا تا انقلاب مهدی خمینی را نگاهدار غلام موثقی





نام: **علیرضا**
نام خانوادگی: **موحدی**
نام پدر: **احمد**
نام مادر: **سکینه**
تاریخ تولد: **بیست‌ونهم فروردین ۱۳۴۱**
محل تولد: **شهر بسطام از توابع شاهرود**
تحصیلات: **اول متوسطه**
ارگان اعزام‌کننده: **سپاه**
تاریخ شهادت: **بیست‌وهشتم فروردین ۱۳۶۶**
محل شهادت: **شلمچه**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش**
مزار: **گلزار شهدای زادگاهش**

عبارت‌های کلیدی

- درود بر شهیدان راه حق و حقیقت آنان که با اهدا خون خود درخت اسلام را آبیاری نمودند.
- به شما بگویم اگر امروز دست از امام برداشتید دست از امام زمان(عج) برداشتید.
- جبهه‌ها و رزمندگان را فراموش نکنید.
- مسجدها را خالی نگذارید.
- امر ولایت فقیه را اطاعت کنید و فقط در خط امام حرکت کنید.
- انشاءالله خداوند به شما خانوادهٔ پاک شهیدان صبر زینبی و اجر بدهد.

علیرضا موحدی

بسم الله الرحمن الرحیم

به نام الله پاسدار حرمت خون شهیدان خدایی که رحمن است و رحیم قهار است و غفار است و رئوف[۱] به نام او که به ما هستی بخشید و ما را در ورطهٔ آزمایش بزرگ قرار داد، تا ببیند آیا می‌توانیم در قبال نعمت‌های بیکران که به ما عطا فرموده است شکر نعمتش را به جا آوریم. به نام خدای واحدی که پیامبران و ائمه اطهار را از میان ما برگزید، آنها را مأمور کرده، ما را از ظلمت‌ها به سوی نور هدایت کنند، خدایا ما [...][۲] گزار و از مقربین درگاهت قرارمان بده و سلام بر مهدی موعود(عج) [منجی][۳] عالم بشریت سلام بر او که با عدل علی‌گونه‌اش، عدالت را در سراسر [دنیا][۴] گسترده می‌گرداند، سلام بر او که رزمندگان در جبهه‌ها با عشق او با یاد [...] پیروزی‌های بی‌مانند را به جای می‌گذارند و آنگونه برای اسلام می‌رزمند که حسین(ع) جنگید.

درود بر مهدی(عج) که شهدای زمان شهادتشان را با [...] خونین صدای یا مهدی سر دادند و سلام بر امام امت خمینی کبیر قلب طپنده [...] امید مستضعفان جهان و درود بر او که جامعه ما را از قهقرای فساد به سوی [...] هدایت فرمودند. خداوند انشاءالله او را تا انقلاب مهدی(عج) و در کنار مهدی(عج) برای اسلام و مسلمین حفظ کند و درود بر شهیدان راه حق و حقیقت آنان که با اهدا [خون][۵] خود درخت اسلام را آبیاری نمودند و عاشقانه به ندای مولایشان لبیک گفتند و به سوی ملکوت اعلی پرکشیدند درود بر شهیدان که با پیکرهای غرقه به خون خود فریاد الله اکبر را در سراسر جهان به طنین افکندند و درود بر راه آنها که راه حسین(ع) است و قرآن.

۱- در اصل وصیت «رعؤف».

۲- خوانا نیست. عباراتی که با علامت [...] مشخص شده است خوانا نیست.

۳- از سیاق کلام بر می‌آید که کلمه ناخوانا «منجی» است.

۴- از سیاق کلام بر می‌آید که کلمه ناخوانا «دنیا» است.

۵- از سیاق کلام بر می‌آید که کلمه ناخوانا «خون» است.

خدمت خانوادهٔ عزیزم بخصوص پدر و مادرم که زحمت‌های بسیار کشیدند و این حقیر را بزرگ کردند و حقیر هم نتوانست [زحمت‌های][1] شما را جبران کند، بلکه فرزند خوبی هم برای شما نبود، سلام و دعای فراوان می‌رسانم [...][2] که همگی حالتان خوب باشد و این حقیر را بخشیده باشید و خدمت خانواده هم خیلی سلام می‌رسانم و البته همه آنها مثل پدر و مادر و برادر و خواهر [...] و من از آنها عذر می‌خواهم در این مدتی که در خدمتشان بودم نتوانستم [...] برای آنها باشم و از همگی شماها می‌خواهم که از درگاه خداوند متعال برای من [طلب][3] عفو [و] بخشش کنید.

اما اصل مطلب اینکه می‌خواهم چند کلامی را بعنوان وصیت بنویسم. سلام بر شما ای خانوادهٔ شهیدپرور اول بگویم من کوچک‌تر از آن هستم [...] باشم به شماها وصیتی کنم ولی یک حرف دارم و امیدوارم از فرزند کوچکتان این [حرف][4] را بپذیرید. ای خانوادهٔ عزیز به شما بگویم همانگونه که شهدا وصیت کردند امام [را تنها][5] نگذارید به شما بگویم اگر امروز دست از امام برداشتید دست از امام زمان(عج) برداشتید، [اگر از][6] امام زمان(عج) دست برداشتید از حضرت رسول(صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) دست برداشتید و اگر از رسول خدا دست بردارید از خدا دست برداشتید[7].

به گوش باشید که امروز شما را ملت رسول‌الله(صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) خوانده‌اند و باید مانند [...] رسول اکرم رسالت خویش را به اتمام برسانید. پس جبهه‌ها و رزمندگان را فراموش نکنید که همگی [در] انتظار دعا و کمک شما عزیزان می‌باشند.

۱- از سیاق کلام بر می‌آید که کلمه ناخوانا «زحمت‌های» است.

۲- خوانا نیست. عباراتی که با علامت [...] مشخص شده است خوانا نیست.

۳- از سیاق کلام، کلمه ناخوانا «طلب» است.

۴- از سیاق کلام، عبارت ناخوانا «را تنها» است.

۵- از سیاق کلام، عبارت ناخوانا «اگر از» است

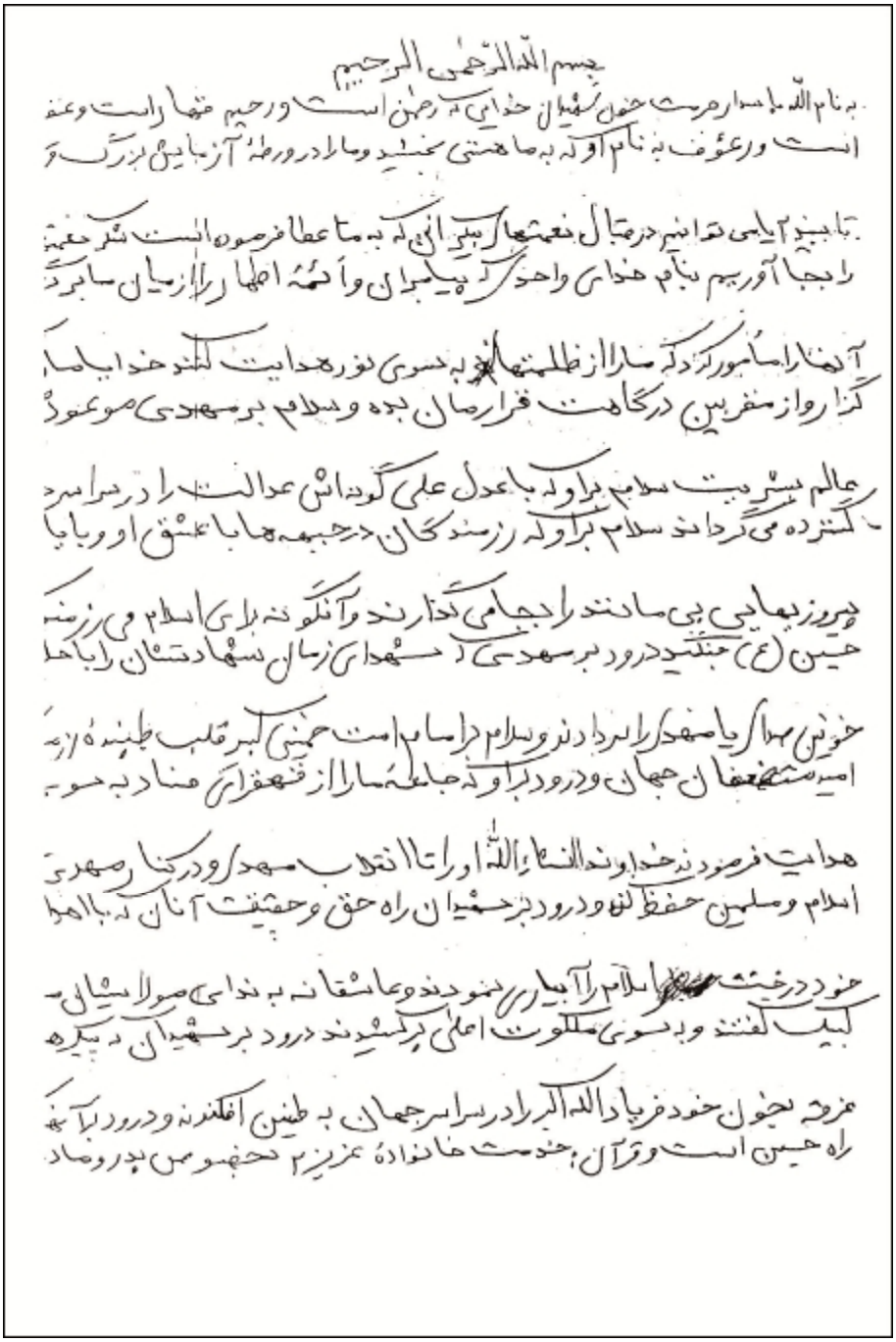
۶- از سیاق کلام، کلمه ناخوانا «حرف» است

۷- در اصل وصیت «برداشته».

و از برادران و خواهرانم تقاضا دارم که [دعا را][1] ترک نکنند و مسجدها را خالی نگذارید. امر ولایت فقیه را اطاعت کنید و فقط در خط [امام][2] حرکت کنید و امیدوارم که همهٔ شما خانوادهٔ عزیزم این حقیر را بخشیده باشید و انشاءالله به شما خانوادهٔ پاک شهیدان صبر زینبی و اجر بدهد و من از همهٔ شماها طلب [...] می‌کنم و همهٔ شما را به خدای بزرگ می‌سپارم. در پایان خدمت تمام دوستان و آشنایان سلام می‌رسانم و امیدوارم که همهٔ آنها این حقیر را بخشیده باشند.

«السلام علیکم و رحمة الله و برکاته»
خداحافظ، خداحافظ
حقیر علیرضا موحدی
التماس دعا
مورخه ۱۳۶۵/۹/۹ روز یکشنبه

۱- از سیاق کلام، کلمه ناخوانا «دعا را» است.
۲- از سیاق کلام بر می‌آید که کلمه ناخوانا «امام» است.



بسم الله الرحمن الرحیم

به نام الله با سرآرمیدن خون شهیدان خدایی که رحمن است و رحیم. تنها راست و عفو است و رءوف به نام او که به ما هستی بخشید و ما را در ورطهٔ آزمایش بزرگ و

تا بتوانیم در قبال نعمتهای بیکران که به ما عطا فرموده است شکرگزار باشیم و راجا آوریم پیام خدای واحد را که پیامبران و ائمهٔ اطهار را از زمان سابرده

آنها را مأمور کرد که ما را از ظلمتها به سوی نور هدایت کنند خدایا ما را گذار و از مغفرین درگاهت قرار ده و سلام بر مهدی موعود

عالم بشریت سلام بر او که با عدل علی گونه‌اش عدالت را در سراسر گسترده می‌گرداند سلام بر او که زندگان در جبهه‌ها با عشق او و با یا

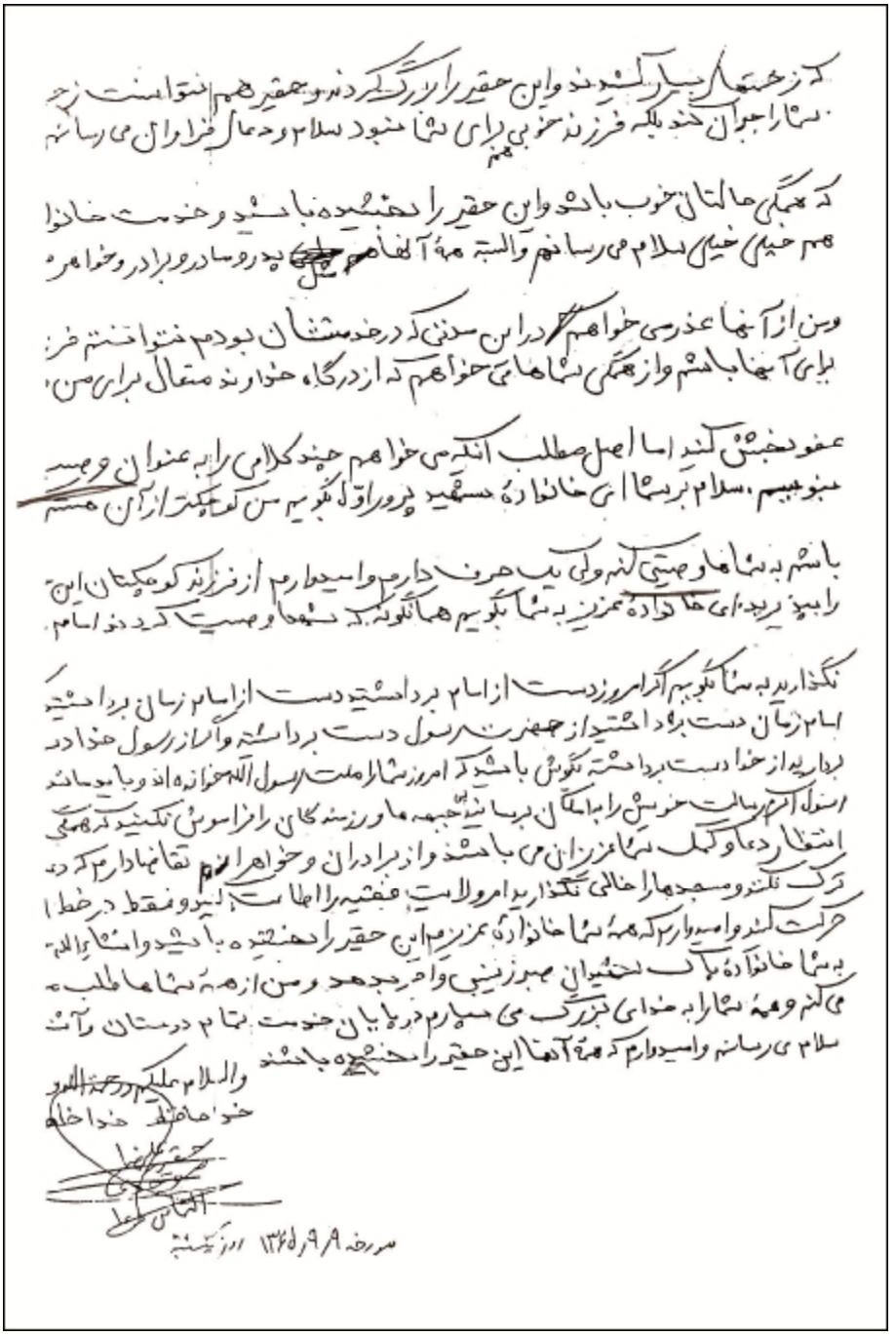
پیروزیهایی پی‌مانند را جاودانه می‌گذارند و آنگونه برای اسلام می‌زنند حسین (ع) جنگید درود بر مهدی که شهدای زمان شهادتشان را با هدا

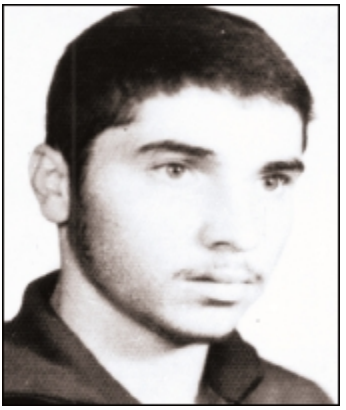
خونین بهار یاس مهدی را برداشتند و سلام بر امام امت خمینی کبیر قلب طپنده ما را امید مستضعفان جهان و درود بر او که جامعهٔ ما را از قهقرا رهانید به سو

هدایت فرمودند خداوند انشاءالله او را تا انقلاب مهدی و در کنار مهدی اسلام و مسلمین حفظ کند و درود بر جمیعان راه حق و حقیقت آنانکه با اهدا

خود در خیبث اسلام را آبیاری نمودند و عاشقانه به ندای مولایشان لبیک گفتند و به سوی ملکوت اعلی پرکشیدند درود بر شهیدان دیگر

مزین به خون خود فریاد الله اکبر را در سراسر جهان طنین افکنند و درود بر آنها که راه حسین است و قرآن. خدمت خانوادهٔ عزیز و محترم من بدرود باد





نام: **محمدرضا**
نام خانوادگی: **مؤذن**
نام پدر: **عبدالحسین**
نام مادر: **نرگس**
تاریخ تولد: **بیست‌وهشتم بهمن ۱۳۴۴**
محل تولد: **شهرستان شاهرود**
تحصیلات: **دوم حوزوی**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **بیست‌وچهارم بهمن ۱۳۶۴**
محل شهادت: **فاو**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش**
مزار: **گلزار شهدای شهرستان شاهرود**

عبارت‌های کلیدی

- ای خدا بر ما عنایت فرمودی تا دین محمد(ص) زنده بماند.
- خدایا توفیق توبه را به همهٔ ما عنایت فرما.
- ما باید هر وقت امام فرمان رفتن به جبهه‌ها را داد از دل و جان فرمان امام را لبیک گوییم.
- ما باید نگذاریم امام ما مثل امام کوفه شود.
- ای آمریکا ای شوروی ای صدام بدان که این امت این رهبر را تنها نخواهند گذاشت.
- هر شهیدی که بر زمین می‌افتد بار مسئولیت شما سنگین‌تر می‌شود.
- ای امت شما باید به این وصیت‌نامهٔ شهدا عمل کنید.
- مثل امام حسین(ع) و زینب(س) باشید که در روز عاشورا چند فرزند خود را فدای اسلام کرد.
- این انقلاب با خون بهترین عزیزان بهشتی‌ها، و رجائی‌ها، باهنرها و دیگر شهدا آبیاری شده است.

محمدرضا مؤذن

بسم الله الرحمن الرحیم

اینجانب محمد رضا مؤذن، فرزند حاج عبدالحسین موذن، که در تاریخ ۶۳/۳/۱۸ به جبهه‌های حق علیه باطل اعزام شدم وصیت خود را به این عنوان به شما می‌گویم و امیدوارم که همهٔ ما به وصیت‌نامهٔ شهیدان عمل نماییم و ما را با ارواح[۱] پاکشان محشور بگرداند و امیدوارم که از ادامه‌دهندگان راه آن عزیزان به‌خون خفته باشیم، انشاءالله.

«بسم الله الرحمن الرحیم و اذا انزلت نازله فاجعَلوا انفسکم دون دینکم»[۲].

«و هرگاه ناگواری (مصیبت) رسید جان را فدای دین کنید».

با سلام و درود بیکران بر مهدی صاحب زمان(عج) و نایب برحقش پیر جماران[۳] و با درود بیکران بر شهدای به‌خون خفته از صدر اسلام از هابیل[۴] تا حسین(علیه‌السلام) و از حسین(علیه‌السلام) تا به کربلای جنوب و غرب کشور و از شهداء غرب و جنوب کشور به شهدای هفتم[۵] تیرماه، انفجار حزب جمهوری اسلامی در رأس همه شهید مظلوم بهشتی[۶]. با درود بیکران بر شهدای محراب و با سلام بر رزمندگان راه حسین(علیه‌السلام) که مخلصانه با کفار بعث در نبردند و خود را تسلیم ذلت نکردند.

خدایا تو خود می‌دانی که ما بندهٔ ضعیف تو هستیم، ای خدا تو خود آگاهی که بندهٔ خطاکار تو هستیم و در مقابل معصومین پاکت شرمسار هستیم، خدایا تو خوب می‌دانی که در مقابل هر امتحانی که از ما کرده‌ای ناموفق بوده‌ایم، خدایا خود بر بندگانت ناظری و از تمام انسان‌های روی زمین مطلع هستی. ای خدا بر ما عنایت فرمودی تا دین محمد(ص) زنده بماند و تا یزیدیان را به خاک مذلت بنشانیم.

۱- در اصل وصیت «ارواه».

۲- فرازی از وصیت حضرت علی(ع) به اصحاب خویش. در اصل وصیت «فاجلوا».

۳- ر.ک.تعلیقات.

۴- ر.ک.تعلیقات.

۵- ر.ک.تعلیقات.

۶- ر.ک.تعلیقات.

خدایا توفیق توبه را به همه ما عنایت فرما، به‌خصوص به این حقیر ضعیف، تا بتوانیم راه شهدا را که «خط سرخ شهادت خط آل علی(علیهم‌السلام) و محمد(صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) است»[۱] ادامه بدهیم.

خدایا شهیدان ما یکی یکی در خون خود غلطیدند و دشمن زبون را از خاک پاک میهن اسلامی به عقب راند[ند] و خود درس مکتب حسین (علیه‌السلام) را به ما آموختند و ما را از زیر سلطهٔ ابرجنایتکاران نجات دادند تا امام زنده بماند و این انقلاب را به صاحب اصلی خود حضرت بقیةالله اعظم(عج) تحویل دهند. آیا با دادن چنین شهیدانی چگونه حاضریم در این شهر بمانیم و شاهد تشییع جنازه این شهیدان باشیم؟

ما باید هر وقت امام فرمان رفتن به جبهه‌ها را داد از دل و جان فرمان امام را لبیک گوییم[۲] و خود را به جبهه‌های حق علیه باطل برسانیم. و چگونه حاضریم بمانیم و از کاروان حسین(ع) که دارد به پیش می‌رود تا کربلا را آزاد سازد عقب بمانیم؟ ما باید نگذاریم[۳] امام ما مثل امام کوفه شود. می‌دانید که امت کوفه[۴] امام را یکه و تنها گذاشتند امام را شهید کردند.

ای آمریکا، ای شوروی، ای صدام، بدان[ید] که این امت این رهبر را تنها نخواهند گذاشت، که شما بر سر ملت‌های مستضعف و ملت ما حکومت کنید.

ای ملت ایران، من چگونه گویم به شما، چگونه بر شما وصیت کنم و حال اینکه همهٔ این شهیدانِ به خاک فتاده بر شما سخن گفتند و خط امام را برای شما متذکر شده‌اند؟ ولی من به‌عنوانِ یک ضعیف‌ترین انسان به شما سرفرازان می‌گویم ای امت اسلامی و امت شهیدپرور انقلاب اسلامی ای ملت، شما خیلی شهید داده‌اید، شما خیلی معلول داده‌اید، شما خیلی اسیر داده‌اید. بدانید که مسئولیت شما سنگین شده است، هر شهیدی که بر زمین می‌افتد بار مسئولیت[۵] شما سنگین‌تر می‌شود.

۱- صحیفهٔ امام، ج ۱۵، ص ۲۲۷-۲۲۶.

۲- در اصل وصیت «گویم».

۳- در اصل وصیت «نگدایم».

۴- ر.ک.تعلیقات.

۵- در اصل وصیت «مسعولیت».

ای امت شما باید به این وصیت‌نامهٔ شهدا عمل کنید، که این وصیت‌نامه‌ها عطر حسین(علیه‌السلام) را به شما می‌آموزد و همینطور که می‌دانید امام هم فرمودند که «وصیت‌نامهٔ شهدا را بخوانید»[۱] به خدا قسم که این شهیدان پاک‌ترین عزیزان این امت‌اند. خدایا به ما توفیق ادامهٔ راه این شهدا و در نهایت ملحق شدن به آنها- به همهٔ ما- عنایت بفرما.

و حال، چند سخنی دارم با شما پدر و مادر عزیزم. شما نباید این هدیه که خدا به شما داده است پهلوی خودتان نگه‌دارید. با این هدیه‌ای که خدا به شما داده باید مثل امام حسین(ع) و زینب(س) باشید که در روز عاشورا چند فرزند خود را فدای اسلام کرد و به این کار افتخار کرد. شما هم باید همینطور باشید. مبادا با دادن فرزند خود خودتان را در امتحان پرودگار ناموفق به در آورید.

پدر و مادر عزیزم، من نتوانستم آن مسئولیتی که [من][۲] بر دوش داشتم [از گردن خود][۳] ادا کنم، من پیش شما خجل هستم. ولی خدا را هم شکر می‌کنم که چنین پدر و مادری دارم که فرزند خود را در راه اسلام و امام فدا کرده‌اند. و امیدوارم که زینب‌وار به دشمنان اسلام بفهمانی که من این فرزند را فقط به خاطر خدا و به خاطر امام در راه خدا داده‌ام.

ولی شما کوردلان بدانید که با رفتن فرزندم یا دیگر شهیدان نمی‌توانید ضربه‌ای به این انقلاب بزنید. این انقلاب با خون بهترین عزیزان بهشتی‌ها[۴]، رجائی‌ها[۵]، باهنرها[۶] و دیگر شهدا آبیاری شده است. و امیدوارم که شما پدر و مادر عزیزم لغزشی در این امتحان خدا از خود نشان ندهید، انشاءالله. این امتحان خداست که از شما کرده است، سعی کنید از این امتحان خدا موفق بیرون آیید.

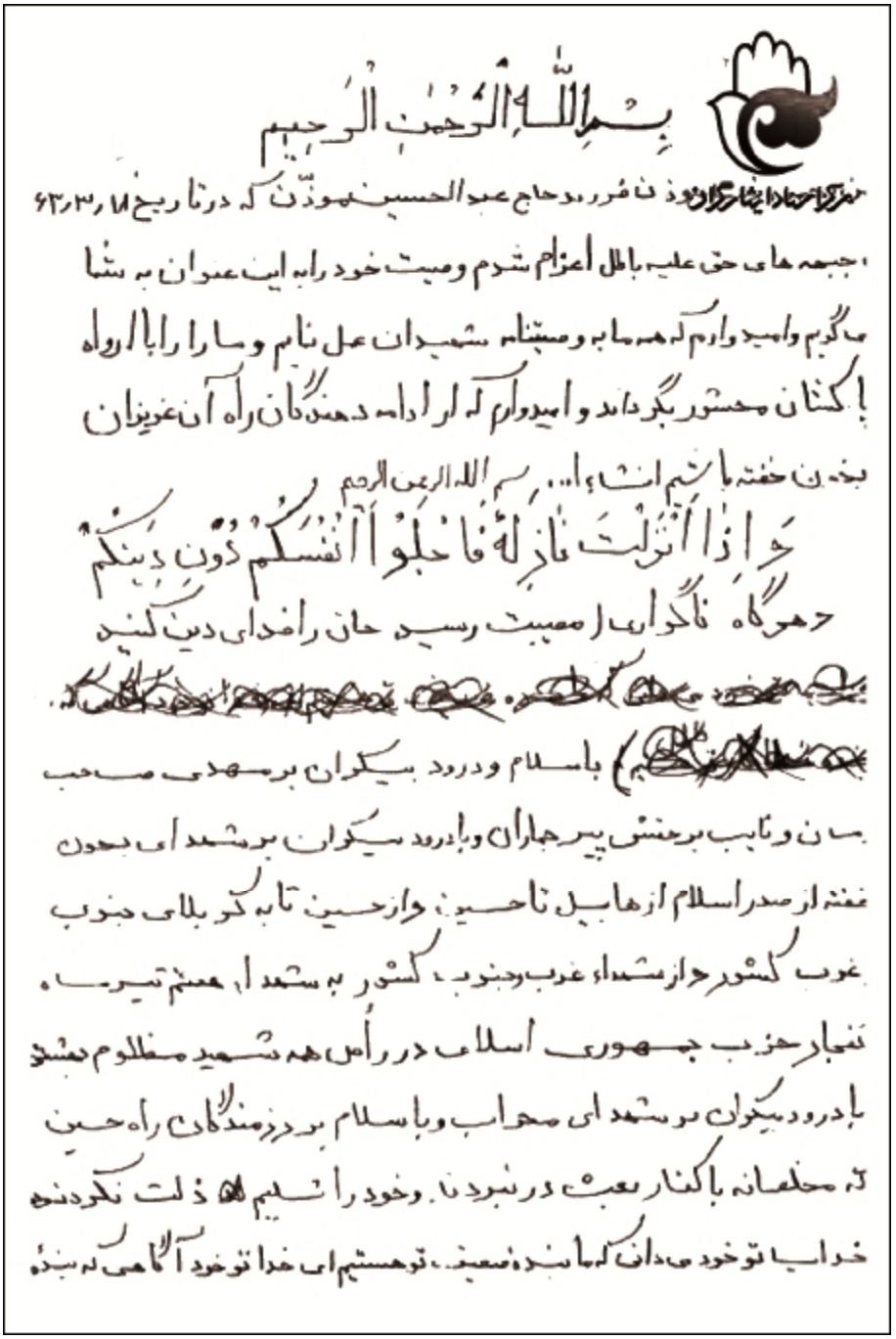
و اما شما برادران و خواهران عزیزم. شما خانوادهٔ شهدا هستید، مبادا از این لطف خدا که شامل حال شما شده است محروم بمانید، مبادا کاری کنید که خدا از شما ناراحت شود.

۱- صحیفهٔ امام، ج ۱۴، ص ۴۹۱.
۲- اضافه است.
۳- اضافه است.
۴- ر.ک.تعلیقات.
۵- ر.ک.تعلیقات.
۶- ر.ک.تعلیقات.

شما باید خوشحال باشید که این‌چنین برادری را در راه خدا بـه میـدان نبـرد فرسـتادید تـا دشمنان را به خاک مذلت بنشانید. و دعا کنید که همهٔ ما در ایـن امتحـان خداونـدی موفـق باشیم، انشاءالله.

۶۳/۸/۲۱

محمدرضا مؤذن



بسم الله الرحمن الرحیم

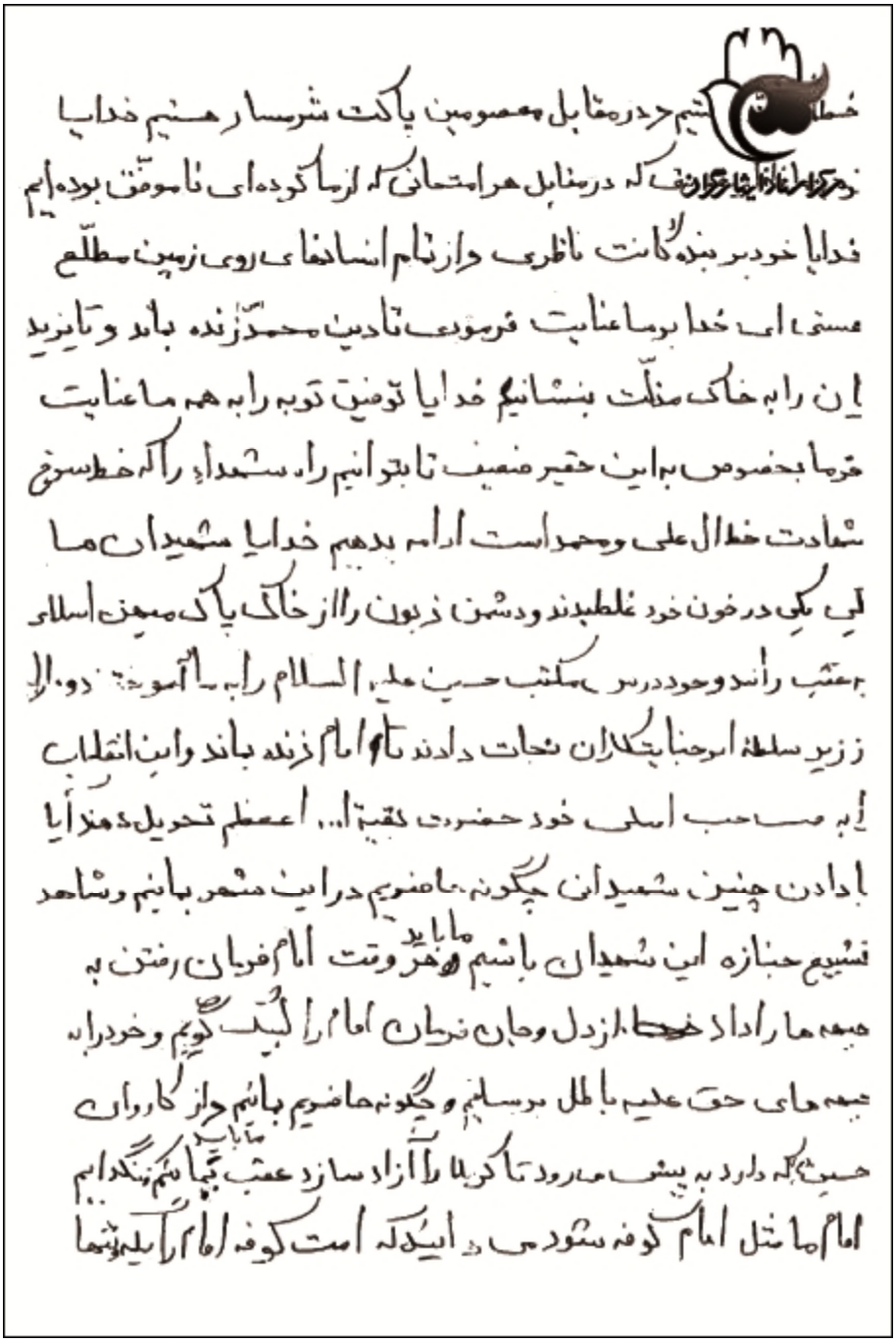
[illegible] مؤذن که در تاریخ ۱۸/۳/۶۳

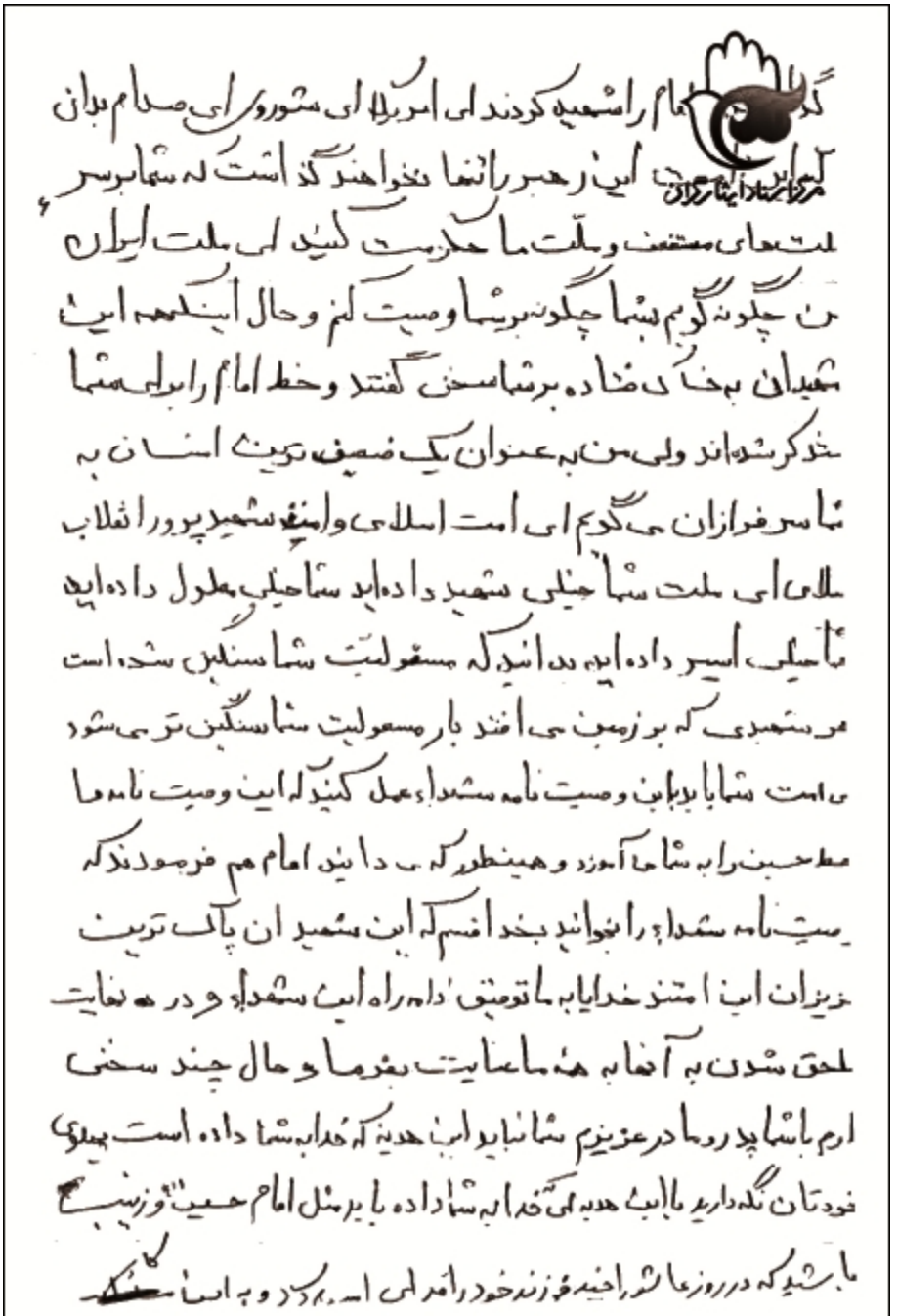
[illegible] جبهه های حق علیه باطل اعزام شدم وصیت خود را به این عنوان به شما
[illegible] گویم وامیدوارم که همه ما به وصیتنامه شهیدان عمل نمائیم و ما را با ارواه
[illegible] کنان محشور بگرداند و امیدوارم که راه ادامه دهندگان راه آن عزیزان
[illegible] خفته باشیم ان شاء الله... بسم الله الرحمن الرحیم

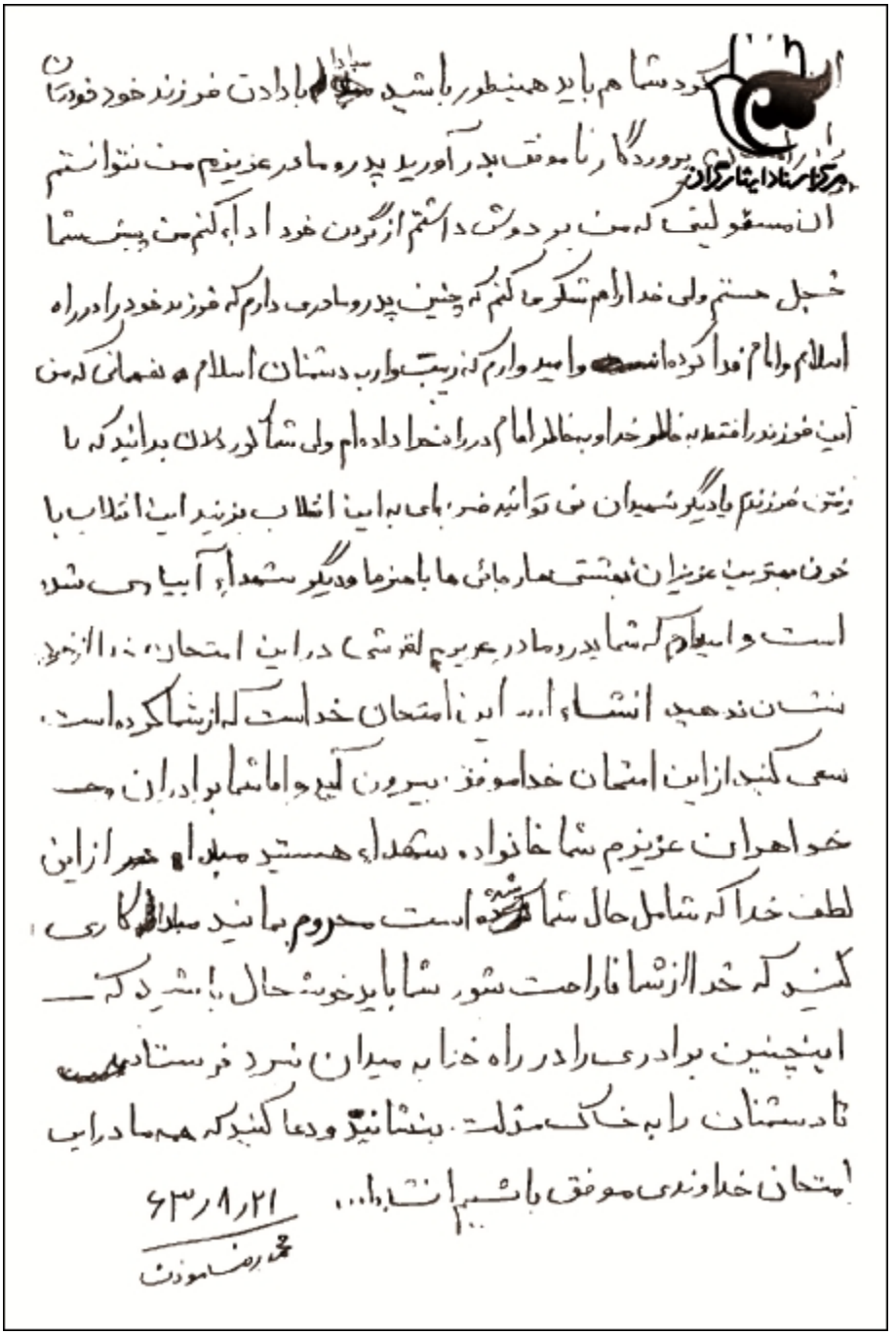
وَإِذَا أُنزِلَتْ سُورَةٌ فَاحْلَوْا أَنفُسَكُمْ دُونَ دِينِكُمْ

هرگاه نامگوارا مصیبت رسید جان را فدای دین کنید

[illegible] باسلام و درود بیکران بر مهدی صاحب
[illegible] زمان و نایب برحقش پیر جماران و با درود بیکران بر شهدای بحرین
[illegible] از صدر اسلام از هابیل تا حسین و از حسین تا به کربلای جنوب
[illegible] غرب کشور و از شهدای غرب و جنوب کشور به شهدای هفتم تیر
[illegible] انفجار حزب جمهوری اسلامی در رأس همه شهید مظلوم دشت
[illegible] با درود بیکران بر شهدای محراب و با سلام بر رزمندگان راه حسین
[illegible] که مخلصانه با کنار بعثت در نبردند. و خود را تسلیم ذلت نکردند
[illegible] خواب تو خود میدانی که ما بنده ضعیف، تو هستی ای خدا تو خود آگاهی که بنده



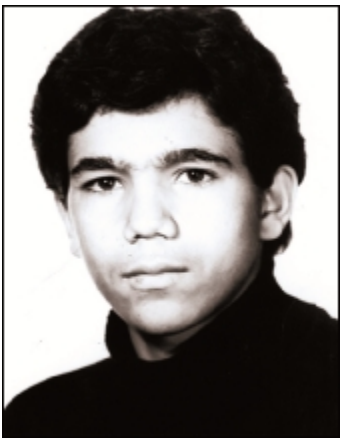




خود شما هم باید همینطور باشید متقابلاً به مادران فرزند خود فرمان
پروردگار را موقف بدر آورید پدر و مادر عزیزم من نتوانستم
ان مسئولیت که من بر دوش داشتم از گردن خود ادا کنم من پیش شما
خجل هستم ولی خدا را هم شکر می کنم که چنین پدر و مادری دارم که فرزند خود را در راه
اسلام و امام فدا کرده است و امیدوارم که در ثواب دشمنان اسلام شریک نباشم همانی که من
این فرزند را مقتدیه خالص خدا و پیرو امام در راه خدا داده ام ولی شما کوشش بدان بدارید که تا
زنده هستم و یا دیگر شهیدان نمی توانید خیلی به این انقلاب فرزند این انقلاب با
خون مقدس عزیزان بهشتی عمار مانند ما با همزمان و دیگر شهداء آبیاری شده
است و امیدوارم که شما پدر و مادر عزیزم لغزشی در این امتحان خدا از خود
نشان ندهید انشاء الله این امتحان خداست که از شما کرده است.
سعی کنید از این امتحان خدا سرفراز بیرون بیایید و اما شما برادران و
خواهران عزیزم شما خانواده شهداء هستید مبادا خدا از این
لطف خدا که شامل حال شما گردیده است محروم بماند مبادا کاری
کنید که خدا از شما ناراحت شود شما باید خوشحال باشید که
اینچنین برادری را در راه خدا به میدان نبرد فرستادید
تا دستشان را به خاک مذلت بنشانید و دعا کنید که همه ما در این
امتحان خداوندی موفق باشیم ان شاء الله...

۶۳/۱/۲۱

محمد رضا موذن



نام: **سیداحمد**
نام خانوادگی: **موسوی**
نام پدر: **سیدمیرزا**
نام مادر: **ماه‌پری**
تاریخ تولد: **یکم خرداد ۱۳۴۵**
محل تولد: **شهرستان شاهرود**
تحصیلات: **سوم راهنمایی**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **بیست‌ودوم اسفند ۱۳۶۱**
محل شهادت: **پاسگاه زید عراق**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش**
مزار: **گلزار شهدای زادگاهش**

عبارت‌های کلیدی

- پروردگارا، ایمان به توست که حرکت می‌آفریند، و امید به توست که نشاط و نیرو می‌بخشد.
- عشق من عشق به شهادت است.
- ای خمینی منم همیشه یار و یاور تو و منم سرباز اسلام.
- تو ای برادر و خواهر از تو می‌خواهم که در راه پاک خون شهیدان قدم برداری.
- از شما می‌خواهم که همیشه در راه حق قدم بردارید.
- ای پدر و مادر عزیزم اگر به شهادت نایل شدم هرگز نمی‌خواهم برسر قبرم گریه کنید.

سیداحمد موسوی

بسم الله الرحمن الرحیم

وصیت‌نامهٔ سیداحمد موسوی

«**من عمل سیئة فلا یجزی الّا مثلها و من عمل صالحاً من ذکر او انثی و هو مؤمن فاولئک یدخلون الجنة یرزقون فیها بغیر حساب**». (سورهٔ مومن[...] آیهٔ ۳۹)

«هرکس کار بدی انجام دهد، جز به همان اندازه مجازات نخواهد شد و هرکس عمل شایسته‌ای انجام دهد، خواه مرد باشد خواه زن، و با ایمان هم باشد این چنین مردمی وارد بهشت می‌شوند، و در آن بی‌اندازه از نعمت‌های الهی بهره‌مند می‌گردند».

پروردگارا، این ایمان به توست که حرکت می‌آفریند، و امید به توست که نشاط و نیرو می‌بخشد از این رو، برترین درخواستهای ما از او اینکه به ما ایمانی استوار به تو و راه تو عطا کنی، و بر بینش پاک و کوشش پیگیرمان بیفزایی.

وصیت‌نامهٔ من جز به عشق الله چیز دیگری نیست جز راهی که در راه او قدم بردارم جز این نیست و عشق من عشق شهادت و برای راه نجات است.

ولی من از آن خیلی کوچک‌تر[1] هستم که به این کلمه شهادت حسین(علیه‌السلام) برسم و تو ای برادر و خواهر از تو می‌خواهم که راه پاک خون شهیدان قدم برداری، نه اینکه خون پاک این شهید حسینی را پامال کنی و از تو می‌خواهم که همیشه در راه حق قدم برداری، ای برادر و خواهر مسلمانم و تو ای خمینی منم همیشه یار و یاور تو و منم سرباز تو، سرباز اسلام که هدفم پیروزی نهایی بر مستکبران است و هرچه دارم فدای پای پاک خمینی باد و تو ای برادر[2] و خواهر همیشه یادتان باشد که خون شهید هرگز پایمال نمی‌شود، این شهید است که در آخرت و در آن دنیا ۷۰ نفر را از آتش دوزخ نجات می‌دهد. و از تو ای پدر و مادر عزیزم از تو می‌خواهم که هرگز در پشت سر من گریه نکنی، زیرا اگر به شهادت نایل شدم هرگز نمی‌خواهم برسر قبرم گریه کنی و همیشه شاد

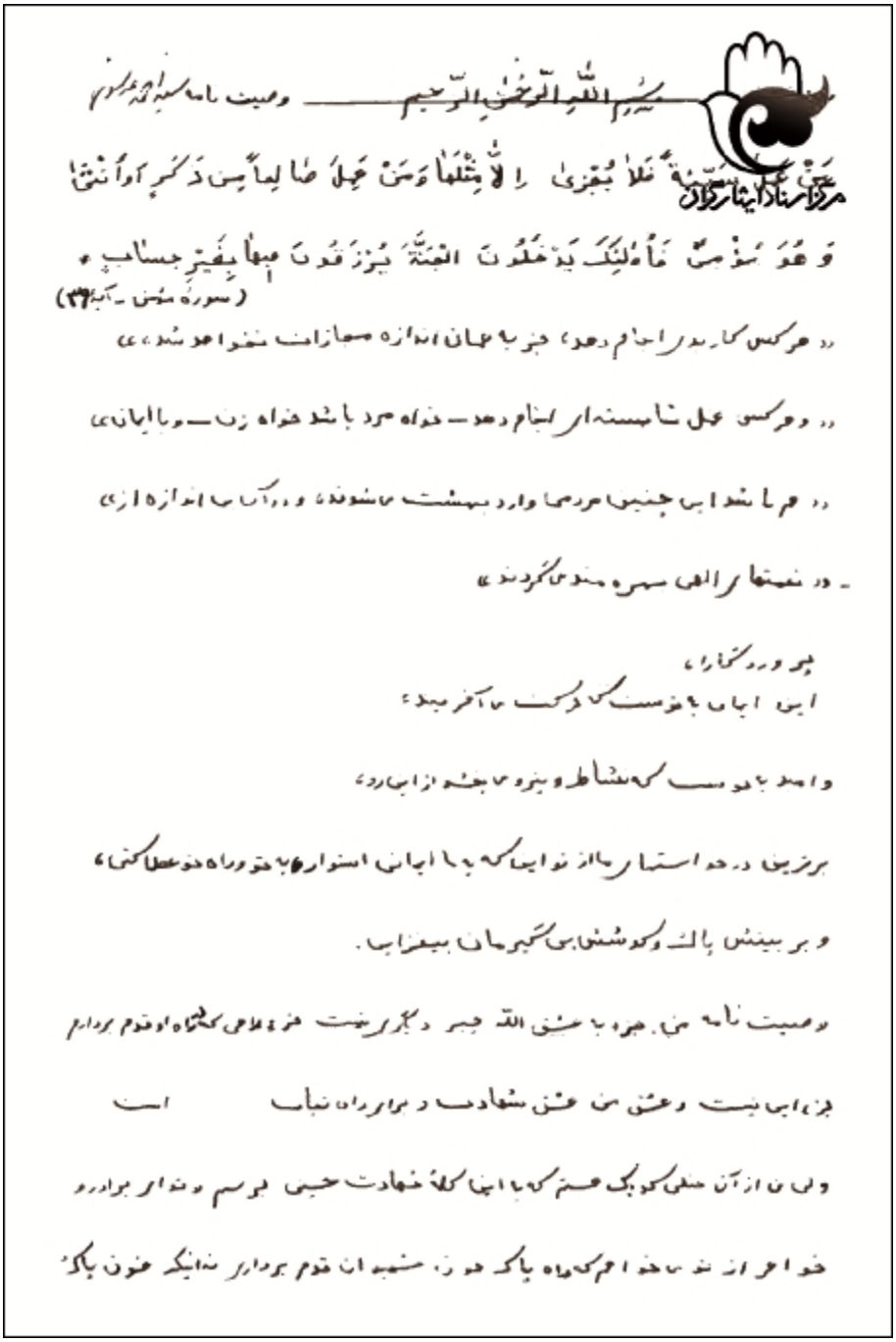
۱- در اصل وصیت «کوچک».

۲- در اصل وصیت «بردار».

باشی که به پسری را در راه اسلام دادی و تو ای مادر شیرت را به من حلال[۱] کن و تو ای پدر عزیزم غم مخور. و از پدر و مادر عزیزم و خواهر و برادرم خداحافظی می‌کنم و همیشه دعا[۲] می‌کنم که خدا یار و یاور شما باشد.

شیون مکن مادر بر مرگ خونبارم — بگذر ز من دیگر عزم سفر دارم
مادر فدای تو این جسم و جان[۳] من — یکدم ز من بشنو جان ز [...] من
در راه ایمان شد [...] دوستانم — مادر حلالم کن عش خدا دارم
مادر [...] این لشکر شیطان — گشته هجوم‌آور بر ملت ایران
باید به پا خیزیم در رزم نادانان — امر خدا باشد بر بخت بیدارم
بنگر که ای مادر تو نوباوهٔ زهرا — گردید گرفتار این فرقهٔ کفار
آورد جوانان را در راه دین اعصار — اما نشد تسلیم بر ظلم این کفار
خون شده مادر [...] به روح الله — همچون حسین جدش درگیر این اعداء[۴]
باید شویم قربان چون اکبر رعنا — در راه ایمان شوری در بردارم
باید فدا سازم چون اکبر لیلا — این جان شیرینم از بهر روح‌الله
همچون تو لیلا باش صابر بر این غم‌ها — یک خواهش دیگر مادر ز تو دارم
گر کشته گردیدم در جبهه ای مادر — بهرم مکن زاری بهرم مکن زاری
بهرم مکن زاری تو ای مادر — یک پرچم سبزی در خانه زن مادر
بهرم چراغان کن شوق خدا دارم — چون قاسم داماد این آرزو دارم
هر شب جمعه [...] آرید[۵] — بر گوشه قبرم قدری از آن مالید[۶]
چون قاسم داماد این آرزو دارم — بعد از من ای مادر دیگر مکن زاری
رفتم کنم از این دین یاری — سربازم من کشتهٔ فدای اسلام من

۱- در اصل وصیت «هلال».
۲- در اصل وصیت «عاد».
۳- در اصل وصیت «جانه».
۴- در اصل وصیت «احراء».
۵- در اصل وصیت «آرین».
۶- در اصل وصیت «مالین».



بسم الله الرحمن الرحیم ـــــــ وصیت نامه سید احمد خمینی

مرکز اسناد ایثارگران

مَنْ عَمِلَ سَيِّئَةً فَلَا يُجْزَىٰ إِلَّا مِثْلَهَا وَمَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِّن ذَكَرٍ أَوْ أُنثَىٰ

وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَٰئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ يُرْزَقُونَ فِيهَا بِغَيْرِ حِسَابٍ

(سوره مؤمن ـ آیه ۴۰)

«هر کس کار بدی انجام دهد، جز به همان اندازه مجازات نخواهد شد،»

«و هر کس عمل شایسته‌ای انجام دهد ـ خواه مرد باشد خواه زن ـ و با ایمان»

«او باشد این چنین مردمانی وارد بهشت خواهند شد و در آن بی اندازه از»

«نعمتها برای الهی بهره‌مند می‌گردند»

پیرو رهنمودهای

این ایام با فرصت کوتاه و آخر مبدء

و امید به فرصت کوتاه و بیرون آمدن از این دوره

بر خود واجب دانستم که با این استوار به خدا و راه خدا وصیتی

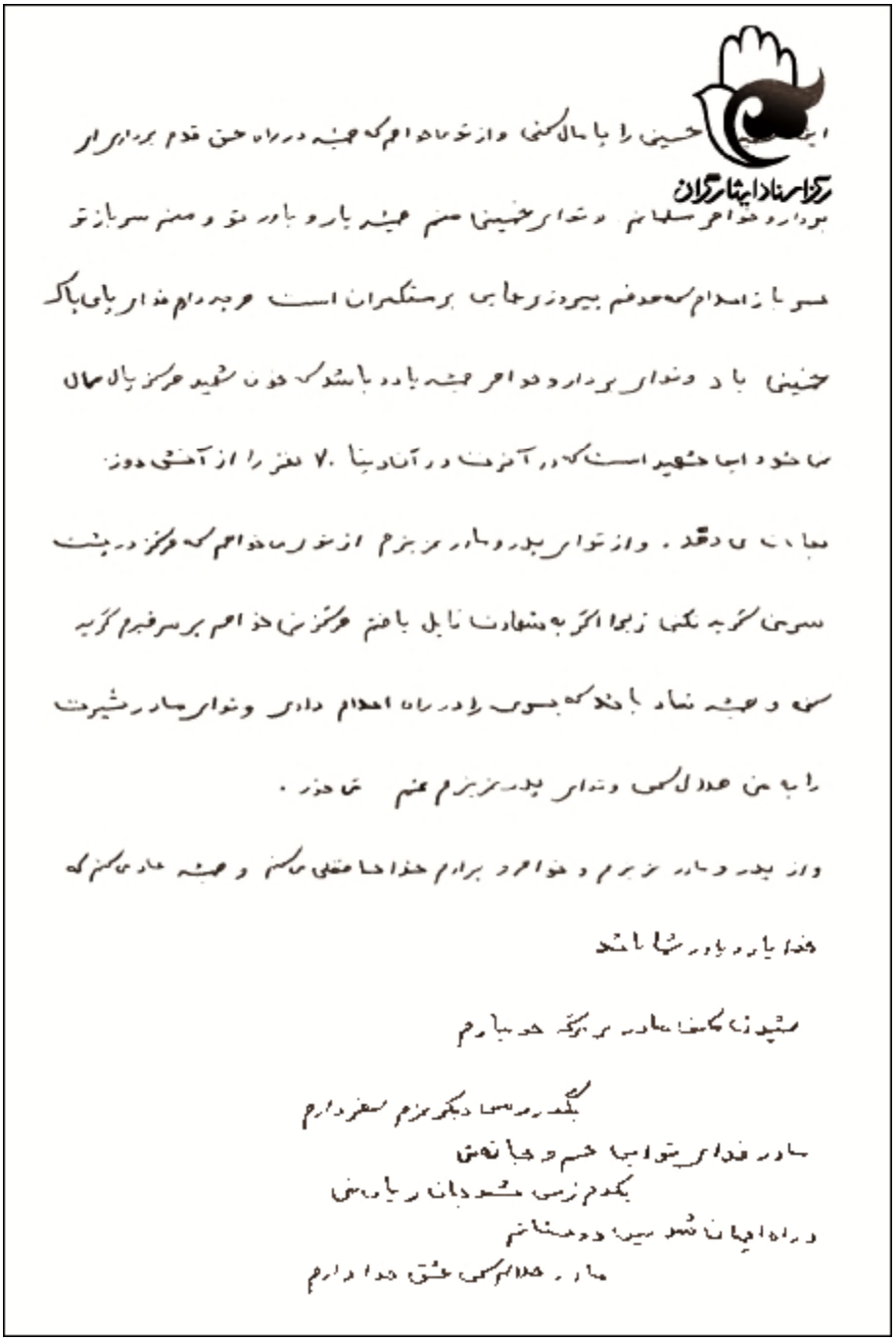
و بر بینش پاک و کوششهای بی‌گیرمان بیفزایم.

وصیت نامه من. چیزی با عشق الله جبر دیگری نیست هزینه‌ای کمتر از او قدم برداشتم

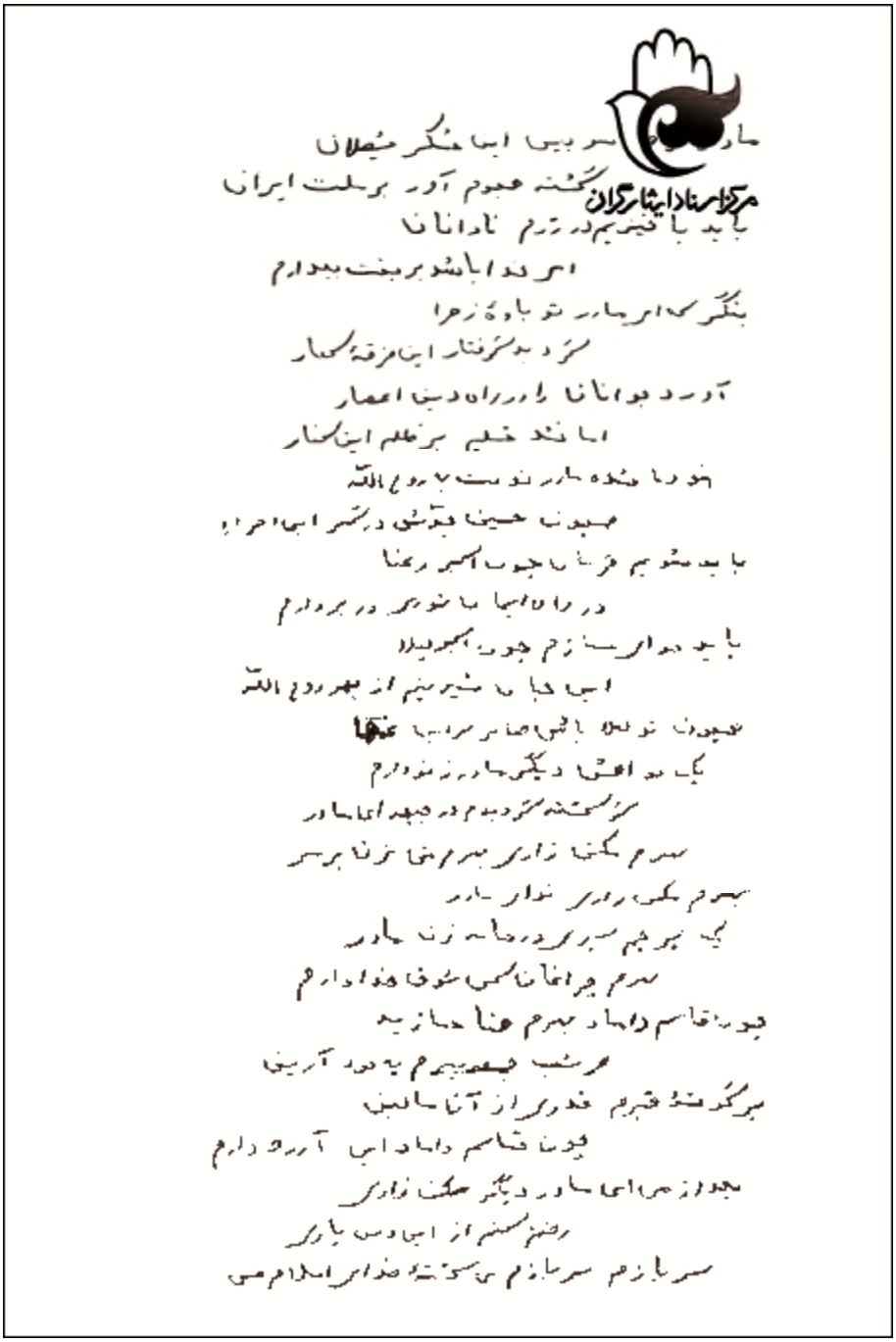
جز این نیست و عشق من عشق شهادت و برداشتن نقاب است

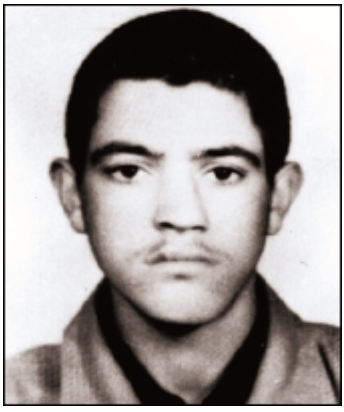
ولی من از آن سخن کوچک هستم که با این کلمهٔ شهادت حسین فهمیم و تنها از برادرم

خواهم از خدا بخواهد که راه پاک خون شهیدان قدم برداشتن تا آنکه خون پاک



ایثارگران





نام: **سیداشرف**
نام خانوادگی: **موسوی**
نام پدر: **سیدعیسی**
نام مادر: **شیرین بیگم**
تاریخ تولد: **یکم اسفند ۱۳۴۷**
محل تولد: **روستای رویان**
تحصیلات: **چهارم ابتدایی**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **بیست‌وسوم بهمن ۱۳۶۵**
محل شهادت: **جزیره مجنون عراق**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش**
مزار: **گلزار شهدای شهرستان زادگاهش**

عبارت‌های کلیدی

- اکنون می‌روم که با خدایم ملاقات کنم.
- من اکنون به‌سوی سنگر خالی همرزمم به‌سوی لانهٔ باصفای جبهه جنگ پرواز می‌کنم.
- نکند خدای ناکرده بی‌تفاوت بنشینی و دنیا را بر آخرت ترجیح بدهی.
- هیچ حزن و اندوهی به خود راه نده که ما پیروزیم.
- من هر روزم را به امید این که به درجهٔ رفیعهٔ شهادت نایل شوم به شب می‌رسانم.
- همواره پشتیبان ولایت فقیه باشید.
- جبهه‌ها را خالی نگذارید.

سید اشرف موسوی

بسم الله الرحمن الرحیم

«بسم رب الشهداء اشهد ان لا الـه الا الله وحـده لا شـریک لـه و اشـهد ان محمـداً عبـده و رسوله».

شکر خدای را توفیق یافتم در راه مبارزهٔ حق علیه باطل شرکت کـنم و آنچـه را دارم در طبق اخلاص نموده تقدیم ایزد منان کنم و آنچه حسین(علیه‌السلام) و یارانش و تمـام رزمنـدگان صدر اسلام پروانه‌وار دور آن گشتند من هم آن را بازیابم؛ یعنی «شهادت».

آیا کسی به خود اجازه می‌دهد که با چشم خود ببیند که جنایتکاران و متجاوزان دسـت به‌سوی اسلامش شرف و کشورش دراز کرده و قصد نابودی آن را داشته باشـند و سـکوت اختیار کند؟ من اکنون می‌روم که با خدایم ملاقات کنم، می‌روم تا آتشی [را][1] که در درونـم مشتعل شده را خاموش نمایم. من اکنون به‌سوی سنگر خالی هم‌رزمم، به‌سوی لانهٔ باصفای جبههٔ جنگ پرواز می‌کنم که دشمن بداند هیچ موقع سنگر خالی نمی‌ماند.

اما باید از رهبرم، امامم، حجت عـصرم خمینـی بـت‌شـکن قـدردانی کـنم کـه مـا را از سیاه‌چال‌ها و گرداب‌های روزگار- که به‌سوی پرتگاهی روانـه بـودم- نجـاتم داد. و تـو ای هم‌رزمم و دوستم خود بهتر می‌دانی که این انقلاب به چه نحـوه‌ای بـه پیـروزی رسـید؛ بـا کشته شدن علی اکبرهـا[2] و علـی اصـغرها[3] و حبیـب‌بـن مظاهرهـا[4]. نکنـد خـدای نـاکرده بی‌تفاوت بنشینی و دنیا را بر آخرت ترجیح بدهی. هیچ حزن و اندوهی به خود راه نده کـه ما پیروزیم. «هیچ قطره‌ای در مقیاس حقیقت در نزد خـدا از قطـرهٔ خـونی کـه در راه خـدا ریخته شود بهتر نیست»[5].

۱- اضافه است.

۲- ر.ک.تعلیقات.

۳- ر.ک.تعلیقات.

۴- ر.ک.تعلقات.

۵- ترجمهٔ حدیث نبوی است. «ما من قطرة احبّ الی الله عزّ و جلّ مـن قطـرة دم فـی سـبیل الله». (الکـافی، ج ۲، ص ۴۸۲).

و ای مادر بعد از مرگم برایم گریه نکنید. به همهٔ دوستان و آشنایان و همرزمانم تبریک بگویید. بگویید جان او هدیه‌ای برای امام امت خمینی بت‌شکن و در راه خداست و برای همین بود که سید به جهاد رفت و شربت شهادت نوشید. و من هر روزم را به امید اینکه به درجهٔ رفیعهٔ شهادت نایل شوم به شب می‌رسانم.

ولی خیلی گشتم شاید تو را پیدا کنم و از تو حلالیت بخواهم و شما را ندیدم. مادر جان، اگر مرا ندیدی حلالم کن. خود بهتر می‌دانی که از اوایل[1] پا گرفتن این انقلاب در تمامی موارد می‌خواستم سهمی داشته باشم. مادر جان، بعد از مرگم اشک مریز و به برادر و خواهرانم هم بگو در سوگ من اشک نریزند زیرا امام بزرگوارمان در سوگ فرزندشان اشک نریختند چون می‌دانست که رضای خدا در این امر می‌باشد. مادر جان، در جهان آخرت بانوی صدر اسلام فاطمه زهرا(علیهاالسلام) از تو گله ندارد.

به پدرم بگویید دیگر پیش جدمان سرشکسته نیستیم چون پسرش راهی را رفت که حسین(علیه‌السلام) و سلاله‌اش رفته‌اند. پدر جان، وصیتم به شما این است که راه مرا ادامه دهید.

و اما شما ای هموطنان و دوستان و آشنایان، اگر از این حقیر ناراحتی یا چیزی دیده‌اید من از شما حلالیت می‌طلبم و وصیتم به شما این است که همواره پشتیبان ولایت فقیه باشید و جبهه‌ها را خالی نگذارید.

خدا یار و یاور شما باد

سید اشرف موسوی

خدایا خدایا، تا انقلاب مهدی(عج)، خمینی را نگه‌دار.

۱- در اصل وصیت «اوئل».

بسم الله الرحمن الرحیم



مرکز اسناد ایثارگران

«بسم الله الرحمن الرحیم» اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له و اشهد ان محمداً عبده

(شکر خدای را توفیق یافتم در راه مبارزه حق علیه باطل شرکت کنم و آنچه را دارم

در طبق اخلاص نهاده تقدیم ایزدمنان کنم و آنچه حسین و یارانش و تمام رزمندگان

صدر اسلام پروانه وار در آن گشتند من هم آن را بازیابم یعنی به شهادت برسم.)

آیا کسی به خود اجازه می‌دهد که با چشم خود ببیند که جنایتکاران و متجاوزان

دست به سوی اسلام شرف و کشورش دراز کرده و قصد نابودی آن را

داشته باشند و سکوت اختیار کند. من اکنون می روم که با خدایم ملاقات

کنم، می روم تا آتشی را که در درونم مشتعل شده را خاموش نمایم. من اکنون

سوی سنگرهائی همرزمم به سوی لانه با صفای جبهه جنگ پرواز می کنم که

دشمن بداند هیچ موقع سنگر خالی نمی ماند امّا باید از رهبرم، امامم، حجت

عصرم خمینی بت شکن قدردانی کنم که ما را از سیاهچالها و کفر و ظلمتهای

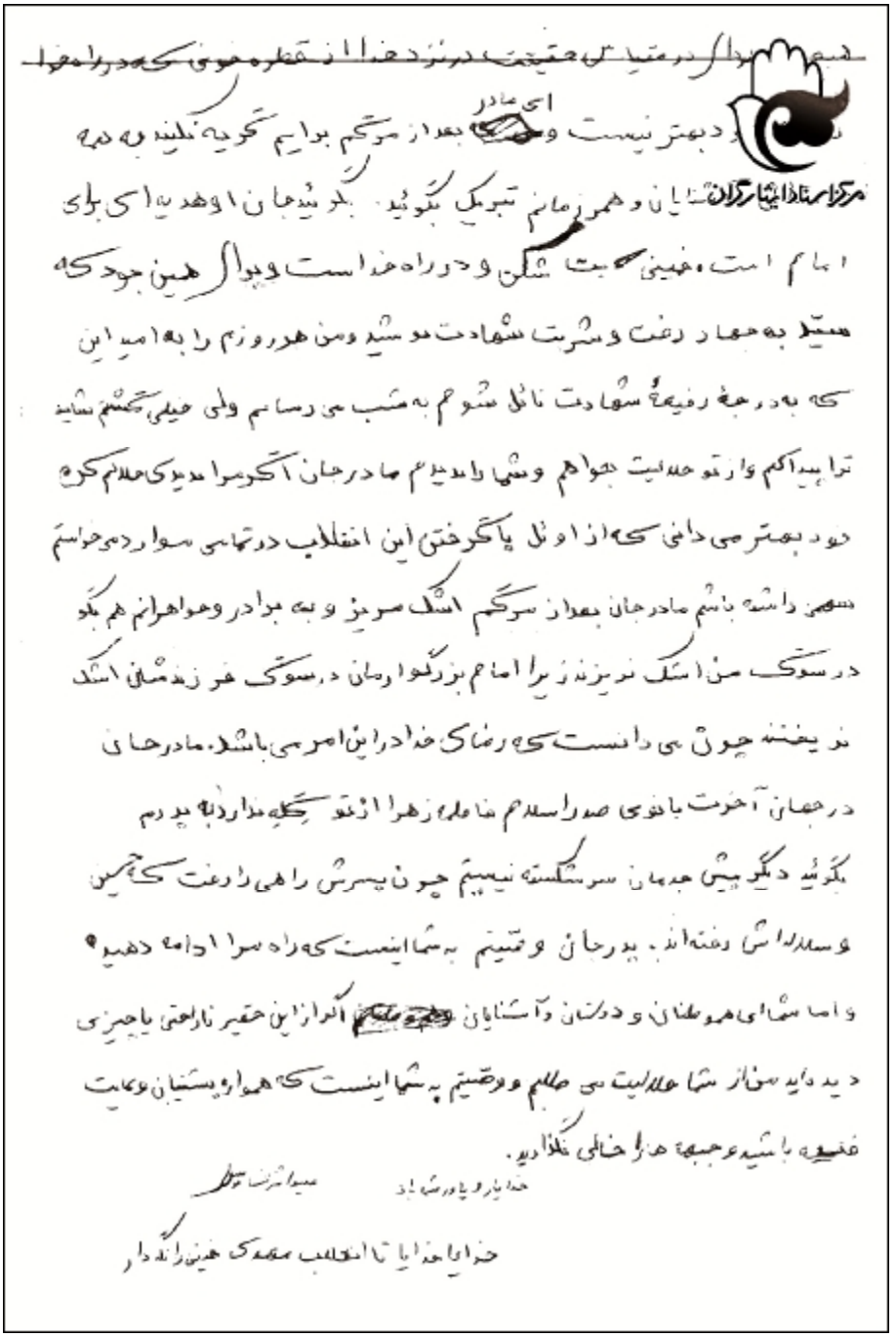
روزگار که به سوی پرتگاهی رهنمون بودم نجات داد.

ای تو ای همرزمم و دوستم خود بهتر می دانی که این انقلاب به چه منظوری

به پیروزی رسید: با کشته شدن علی اکبرها و علی اصغرها و... و حبیب بن-

مظاهرها. نگذار خدای ناکرده بی تفاوت بنشینی و دنیا را بر آخرت ترجیح

بدهی. هیچ حزن و اندوهی به خود راه نده که ما پیروزیم.





نام: **سیدعلی‌اصغر**
نام خانوادگی: **موسوی**
نام پدر: **سیدابوطالب**
نام مادر: **گل‌نسا**
تاریخ تولد: **بیستم اسفند ۱۳۴۶**
محل تولد: **روستای علیان از توابع دامغان**
تحصیلات: **پنجم حوزه**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **بیستم اردیبهشت ۱۳۶۳**
محل شهادت: **بانه**
نحوهٔ شهادت: **اصابت گلوله**
مزار: **گلزار شهدای فردوس‌رضای زادگاهش**

عبارت‌های کلیدی

- امام را دعا کنید که با رهبری‌های خود ما را بر سر مقصد نهایی برساند.
- امیدوارم که اولاً ما و بعد از آن شما اسراف کردن را کنار بگذارید.
- مادر، امیدوارم که با صبر زینب گونه‌ات به تمام منافقین و دشمنان اسلام نشان دهی که ما از دوری فرزندمان باکی نداشته و نداریم.
- پدر، امیدوارم که با صبر علی گونه‌ات به تمام ناکثین و مارقین و قاسطین نشان دهی که از اسلام عزیز تا آخرین قطره خون خودمان دفاع می کنیم.
- ما تا آخرین نفس می‌جنگیم و نمی‌گذاریم که این پرچم توحید و پیروزی که اکنون به دوش امت ما است به زمین افتد.
- برادران، شما در سنگر مدرسه و در سنگر کار محکم و استوار باشید.

سیدعلی‌اصغر موسوی

بسم الله الرحمن الرحیم

«ان الله یحب الذین یقاتلون فی سبیله صفا کانهم بنیان مرصوص»[۱]. (قرآن کریم)

ما در کردستان با کرد نمی‌جنگیم بلکه با کفر می‌جنگیم. (امام خمینی)

با سلام و درود به حضرت مهدی موعود(عج) و با سلام و درود به نایب برحقش رهبر کبیر انقلاب اسلامی ایران بنیانگذار جمهوری اسلامی و رهایی‌بخش مظلومین و مستضعفین از چنگ استعمارگران و ظالمین و با درود به شهدا انقلاب اسلامی ایران بالاخص شهداء جنگ تحمیلی و با سلام و درود به خانواده‌های شهدا و معلولین و مجروحین و اسراء مفقودین امیدوارم که در راه پیشبرد اهداف عالیه اسلام و انقلاب همگی کوشا باشیم و همچنان کوهی محکم و پابرجا استوار باشید.

[...][۲] از شما مقلدان امام امت، امام و رزمندگان را دعا کنید. امام را دعا کنید که با رهبری‌های خود ما را بر سر مقصد نهایی برساند و رزمندگان را دعا کنید که هرچه سریع‌تر جنگ را خاتمه دهند. ۶۳/۱/۱۷

دربارهٔ اسراف نکردن خطاب به پدر و مادر و برادران و خواهران، [...] گذشته خود را تکرار می‌کنم که همان سخن قرآن کریم است که بخورید و بیاشامید ولی اسراف نکنید. چون که در هر دقیقه ۶۰ نفر از افراد این جهان از سیاه- سفید- سرخ- زرد پوست و غیره ... از گرسنگی [جان خود][۳] را از دست می‌دهند امیدوارم که اولاً ما و بعد از آن شما اسراف کردن را کنار بگذارید.۶۲/۱۲/۱۴

[...] اینکه هر بیشتر در بسیج و غیره شرکت جسته و اسلحه شهداء را از زمین بردارید. ۶۲/۱۲/۱۴

۱- صف/ آیه ۴.

۲- بخش‌هایی از وصیت‌نامه که با [...] مشخص شده‌اند، خوانا نیست.

۳- از سیاق کلام بر می‌آید عبارت ناخوانا «جان خود» است.

[...] ناجوانمردانه عراق در جبهه‌ها بوسیله بمب‌های شیمیایی – میکروبی- رادیو اکتیوی. [...] که اگر تا به حال صدام را نشناختیم باید حال صدام را بشناسیم که چرا چونکه استفاده از بمب‌های فوق در [...] ممنوع بوده و اکنون عراق از این بمب‌ها استفاده می‌کند. ۶۲/۱۲/۱۴

توصیه به مادر، امیدوارم که با صبر زینب گونه‌ات به تمام منافقین و دشمنان اسلام نشان دهی که ما از دوری فرزندمان [...] باکی نداشته و نداریم و همچنان با منافقین می‌جنگیم. [...] در نامه‌ای که داده بودید که کی می‌آئید شما باید به فکر این باشید که کی جنگ به نفع اسلام و مسلمین [...] و کی راه حرم حسین علیه‌السلام باز شود و از آنجا به سوی قدس[۱] آن قبله گاه اول مسلمین رهسپار شویم و [...] صاحب الزمان (عج) تعالی و به همراه نایب برحقش خمینی کبیر و خانواده‌های شهدا و معلولین [...] و اسرا و مفقودین و خانواده‌های عزیز رزمندگان نماز جمعه به جا آوریم و سپس از آنجا به سوی [...] (مکه و مدینه) رهسپار شویم و از دست غاصبین صهیونیست بین‌المللی آزاد کنیم و به کمک جهان [...] بشتابیم.

توصیه به پدر، امیدوارم که با صبر علی گونه‌ات به تمام ناکثین[۲] و مارقین[۳] و قاسطین[۴] نشان دهی که ما اگر این جنگ که سهل است، [...] هم که بشود خودمان اسلحه بر دوش گرفته و از اسلام عزیز تا آخرین قطره خون خودمان و تا آخرین [...] می‌جنگیم و نمی‌گذاریم که این پرچم توحید و پیروزی که اکنون به دوش امت ما است به زمین افتد.

برادران، [امیدوارم][۵] که شما همچنان چه در سنگر مدرسه و در سنگر کار محکم و استوار باشید که با استوار و مقاوم بودن شما در [...] مشت محکمی به دهان منافقین[۶] و شایعه‌سازان و ضدانقلاب زده و هیچ‌گونه سوژه‌ای به‌دست منافقین ندهید.

۱- ر.ک. تعلیقات.

۲- ر.ک. تعلیقات.

۳- ر.ک. تعلیفات.

۴- ر.ک. تعلیقات.

۵- از سیاق کلام بر می‌آید عبارت ناخوانا «امیدوارم» است

۶- ر.ک. تعلیقات.

بسم ا... الرحمن الرحیم

ان ا... یحب الذین یقاتلون فی سبیله صفاً کانهم بنیان مرصوص قرآن کریم

ما در کردستان با کرد نمی‌جنگیم بلکه با کفر می‌جنگیم (امام‌خمینی)

باسلام‌ودرود به حضرت‌مهدی‌موعود (عج) و باسلام و درود به نائب برحقش‌رهبر کبیر انقلاب‌اسلامی ایران بنیانگذار جمهوری اسلامی‌و رهائی‌بخش مظلومین‌و مستضعفین ازچنگ استعمارگران و ظالمین‌وباد‌رود به شهدا انقلاب اسلامی‌ایران بالاخص شهداء‌جنگ تحمیلی‌و با سلام‌به اسراء جنگ تحمیلی و باسلام‌ودرود به خانواده‌های شهدا دمعاولین‌دمبردحین‌و اسرامتقوین‌امیدوارم که در راه پیشبرد اهداف عالیه‌اسلام و انقلاب همگی کوشا باشیم و همچنان کوهی محکم و پابرجا استوار باشید.

ما از شما مقلدان امام امت ، امام و رزمندگان را دعا کنید ، امام را دعا کنید که با رهبریهای نه خود ما را به سر مقصد نهائی برساند و رزمندگان را دعا کنید که هر چه سریعتر جنگ را ه خاتمه دهند ۶۳/۱/۱۷

باره اسراف نکردن خطاب به پدر و مادر و برادران و خواهران

من گذشته خودرا تکرار می‌کنم که همان سخن‌قرآن کریم‌است که بخورید و بیاشامید ولی‌اسراف اچونکه‌درهر دقیقه ۶۰ نفر از افراد این جهان‌ازسیاه‌سفید‌سرخ‌زرد پوست‌وغیره... ازگرسنگی را ازدست می‌دهند امیدوارم که‌او لاما و بعدازآن‌شما اسراف کردن را کنار بگذارید. ۶۳/۱۲/۱۴

گر اینکه هر بیشتر در بسیج و غیره شرکت‌جسته‌واسلحه شهداء را از زمین بردارید ۶۳/۱۲/۱۴

و امروز دانه‌عراق درجبهه‌ها بوسیله‌بمب‌های‌شیمیائی میکرو بی‌رادیو اکتیوی.

ه که اگر تابحال‌صدام را نشناختیم بایدحال صدام‌را بشناسیم که چراچونکه‌استفاده ازبمبهای‌فوق‌در ز ممنوع بوده واکنون عراق ازاین بمبها استفاده‌می کند ۶۳/۱۲/۱۴

ه به مادر

وارم که‌با صبر زینب‌گونه‌ات به‌تمام منافقین و دشمنان اسلام‌نشان دهی که‌ما ازدوری فرزندمان ناکی نداشته و نداریم وهمچنان بامنافقین می‌جنگیم

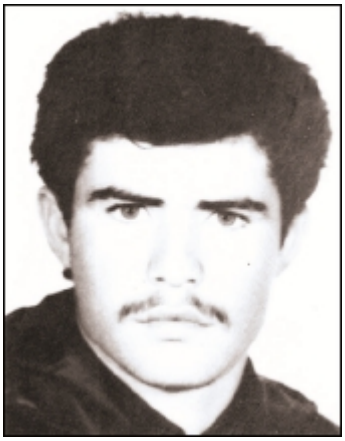
، در نامه‌ای که داده‌بودید که کی می‌آئید شما بایدبفکر این باشید که کی‌جنگ بنفع اسلام و مسلمین و کی‌راه حرم‌حسین‌علیه‌السلام بازشود و از آنجا به‌سوی قدس آن‌قبله‌گاه‌اول‌مسلمین رهسپار شویم و صاحب‌الزمان (عج ا...) تعالی و به‌همراه نائب‌برحقش‌خمینی کبیر وخانواده‌های‌شهدا ومعلولین‌و ن و اسراء ومفقودین وخانواده‌های عزیز رزمندگان نمازجمعه بپاآوریم وسپس از آنجا بسوی ریفین (مکه‌ومدینه) رهسپار شویم وازدست غاصبین صهیونیست‌بین‌المللی آزاد کنیم و به‌کمک ن جهان پشتابیم.

ه به پدر

وارم که‌صبر علی‌گونه‌ات به‌تمام ناکثین و مارقین و قاسطین نشان دهی که‌ما اگر این جنگ که‌سهل‌است انی هم که‌بشود خودمان اسلحه‌بردوش گرفته‌واز اسلام‌عزیز تاآخرین‌قطره‌خون‌خودمان و تاآخرین نگ‌هم جنگیم و نمی‌گذاریم که‌این پرچم‌توحیدو پیروزی که اکنون‌بدوش‌امت‌ماست به‌زمین‌افتد

زان

که‌شما همچنان درسنگر مدرسه‌ودرسنگر کارمحکم و استوار باشید که بااستوار و مقاوم‌بودن شمادر ه‌ست‌محکمی به‌دهان منافقین و شایعه‌سازان و ضدانقلاب زده‌و همچگونه سوءاستفاده‌ای بدست‌منافقین ندهید منتظر همین سرنوشت‌ی‌باشند.



نام: **سیدمحمد**
نام خانوادگی: **موسوی**
نام پدر: **میرجبار**
نام مادر: **فاطمه**
تاریخ تولد: **یکم خرداد ۱۳۴۸**
محل تولد: **شهرستان ابرکوه**
تحصیلات: **پایان دوره ابتدایی**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **بیست‌ویکم بهمن ۱۳۶۴**
محل شهادت: **فاو**
نحوهٔ شهادت: –
مزار: **گلزار شهدای شهرستان شاهرود**

عبارت‌های کلیدی

- همهٔ شما را به تقوا و نظم در کارهایتان دعوت می‌کنم.
- خواهر عزیزم این سیاهی چادر تو از خون من برنده‌تر است.
- نمازهایتان را در مسجد بخوانید.
- از روحانیت جدا نشوید.
- همیشه در خط امت حزب‌الله باشید.
- برای امام دعا کنید.
- از شما ملت همیشه در سنگر می‌خواهم که تا آخرین قطرهٔ خون خود با دشمنان خدا و اسلام مبارزه بی‌امان بکنید.
- همیشه برای نگه‌داشتن این انقلاب باید دست در دست هم داد.
- گذشت خصلت مردان خداست.

سیدمحمد موسوی

بسم الله الرحمن الرحیم

برادرم خود را به ایمان مسلح کن که قدس[۱] در انتظار شماست. همیشه بروید مسجد و نمازهایتان را در مسجد بخوانید به امام عشق بورزند و برای امام دعا کنید وصیت‌نامهٔ شهیدی از فرمانده یکی از گروهان.

بسم‌الله الرحمن الرحیم، به نام خدای بزرگ که او همان رحمان[۲] است و هم رحیم[۳] و با سلام به امام عزیز و شهدای گلگون‌کفن با[۴] توجه به اینکه مرگ حق است و عمر دست خداست، بر آن شدم که وصیت‌نامه‌ای بنویسم. انشاءالله که خدا شما را موفق کند، تا بتوانید به وصیت‌ها عمل کنید.

«من همهٔ شما را به تقوا و نظم در کارهایتان دعوت می‌کنم»[۵] و از همهٔ شما التماس دعا دارم. پدرم و مادر عزیزم دست شما را می‌بوسم و برایتان از خدای بزرگ رحمت[۶] و صبر [می]خواهم چند صباحی نزد شما بوده و شما را خیلی اذیت کردم. امیدوارم که مرا حلال[ـم] کنید و برایم دعا کنید و از خدای بزرگ بخواهید که مرا ببخشد. خواهر عزیزم این را بدان که سیاهی چادر تو از خون من برنده‌تر است و برادر[۷] عزیزم هرچند که کوچکی، خود را به ایمان مسلح کن که قدس در انتظار شماست. انشاءالله که همیشه بروید مسجد و نمازهایتان را در مسجد بخوانید و برای من گناهکار هم دعا کنید. از روحانیت[۸] جدا نشوید پس از [...][۹] نشوید. همیشه در خط امت حزب‌الله باشید و به امام عشق بورزید

۱- ر.ک. تعلیقات.

۲- در اصل وصیت «رهمان».

۳- در اصل وصیت «رهیم».

۴- در اصل وصیت «به».

۵- عبارت شهید دقیقاً ترجمه این حدیث از علی(علیه‌السلام) است: «اوصیکم به تقوی الله و نظم امرکم»، نهج‌البلاغه.

۶- در اصل وصیت «رهمت».

۷- در اصل وصیت «برادرام».

۸- در اصل وصیت «روحانت».

۹- خوانا نیست. عباراتی که در متن با [...] مشخص شده‌اند، خوانا نیست.

و برای امام دعا کنید تا ظهور حضرت مهدی(عج) زنده بماند و این انقلاب خونین را رهبری کند. ای خدای بزرگ در لحظه شهادت به من فرصتی ده تا بتوانم کلام کوبنده «لا اله الا الله» را بر زبان جاری کنم و در حق خمینی این روح بزرگ ایمان، دعا کنم و جسم پرخونم با دست‌های مهدی‌ات(عج) آشنا گردد و با چشمی باز نابودی دشمنانت را ببینم. آمین یا رب العالمین. مهدی جان می‌دانم که سرباز خوبی برایت نبودم اما سرورم و مولایم می‌دانی که گذشت خصلت مردان خداست، پس من امیدوارم زیرا که به امید تو، تویی که عزیز خدایی زنده‌ام. پس بیا و پیش خدا ما را شفاعت کن. خدای بزرگ، تو شاهد باش با تمام وجودم و عنایت تو را فقط می‌خواهم برایم. گریه نکنید. برای حضرت زهرا(س) گریه کنید. برای مظلومیت فرزندانش گریه کنید برای آن حسین(ع) که ندای «هل من ناصر ینصرنی[۱]»اش در نهایت بی‌یاری و مظلومیت برآمد، گریه کنید.

خرم آن روز کزاین[۲] منزل ویران بروم راحت جان طلبم وز پی جانان بروم[۳]

[وصیت‌نامهٔ دیگر]

بسم الله الرحمن الرحیم

سلام به امام امت و رهبر تمامی قوای ارتش و سپاهیان و برادران بسیجی[۴] جمهوری اسلامی ایران و خمینی بت‌شکن. سلام و درود به تمامی شهدای انقلاب اسلامی ایران به‌خصوص شهدای جنگ تحمیلی. سلام بر پدر عزیز و مهربانم که با سختی‌های فراوان مرا بزرگ و تربیت کرد. سلام به مادر مهربانم که با بی‌خوابی‌هایش مرا بزرگ کرد. و به والاترین درجهٔ افتخار یعنی شهادت در راه قرآن کریم و وطن اسلامی خودم رسانید و سلام بر برادران عزیز و مهربانم که با دعا خیرش مرا بدرقه نمودند. وصیت‌نامه خود را شروع می‌کنم. درود بر امت اسلامی کلیه شهراستان‌ها و بخصوص شهرستان شاهرود و

۱- ر.ک. تعلیقات.

۲- در اصل وصیت « ای خوش آن روزی که از این ...».

۳- شعر از حافظ است.

۴- در اصل وصیت «بسیج‌های».

درود بر شما ملت شهیدپرور شاهرود. هم‌اکنون که من به درجهٔ رفیع شهادت نائل آمده‌ام، از شما ملت همیشه در سنگر می‌خواهم که تا آخرین قطرهٔ خون خود با دشمنان [...] خدا و اسلام مبارزه بی‌امان بکنید و با مشتی گره کرده بر دهان یاوه‌گویان شرق و غرب بکوبید.

پدر، مادر عزیزم و خواهر گرامی‌ام می‌خواهم که برای من گریه نکنید و همیشه به یاد شهدای این انقلاب اسلامی باشید.

از پدر عزیز و دل‌خسته‌ام می‌خواهم که کمی استراحت کند و زیاد خود را در رنج و عذاب قرار ندهد. از برادرانم می‌خواهم که هرچند هم[1] کوچک هستند، با تمام قدرت با دشمنان دین و کشورمان مبارزه کنند و حال که من به درجهٔ رفیع شهادت نائل آمده‌ام، پیامی به همهٔ دوستانم دارم که این است آزادی و این است سرود آزادی که با خون تمامی شهدای انقلاب اسلامی نواخته می‌شود. پس ای دوستان و برادران عزیزم این شما هستید که آهنگ این انقلاب را نگه می‌دارید. پس همیشه برای نگه‌داشتن این انقلاب باید دست در دست هم داد، تا این انقلاب همیشه سرافراز برجا بماند و شما پس از شهادت رسیدنم می‌خواهم حجله‌ای بزرگ برایم درست کنید و اسم کوچه‌مان را کوچه شهید بگذارید و سر مزارم با صدای خود بگویید شهیدان زنده‌اند الله اکبر. فاتحه‌ای برای من و تمام شهدای انقلاب اسلامی بخوانید. زنده و جاوید باد راه شهیدان ما و از شما دوستان عزیزم می‌خواهم که این چند کلمه را بر روی سنگ قبرم بنویسید.

هر[2] سوی نظر کردم — هر کوی[3] گذر کردم
خاکستر و خون دیدم — ویرانه به ویرانه
افتاده به هر سویی — گلگون شده گیسویی
دیگر نبود دستی — تا موی کند شانه

۱- در اصل وصیت «هرچیم».
۲- در اصل وصیت «بر».
۳- در اصل وصیت «به هر کویی».

با تمام قلبم صدا می‌زنم خدایا خدایا تا انقلاب مهدی(عج) حتی کنار مهدی(عج) خمینی را نگه‌دار. [...] به خون غلطیده‌اند[1] الله اکبر

ای کربلای حسین(علیه‌السلام) من برای تو می‌میرم که تمامی بلکه تمامی بسیجی‌های ایران برای عشق تو از عزیزترین مال و جان خود دست برمی‌دارند به عشق حسین می‌رسند.

خدایا به من در آخر عمرم فرصتی بده تا بتوانم بر زبانم «لا اله الا الله» جاری نمایم.

هر سوی نظر کردم — هر کوی گذر کردم
خاکستر و خون دیدم — ویرانه به ویرانه
افتاده به هر سویی — گلگون شده گیسویی
دیگر نبود دستی تا موی کند شانه — تا موی کند شانه

با تمام قلبم صدا می‌زنم خدایا خدایا تا انقلاب مهدی(عج) حتی کنار مهدی(عج) خمینی را نگه‌دار.

[...]

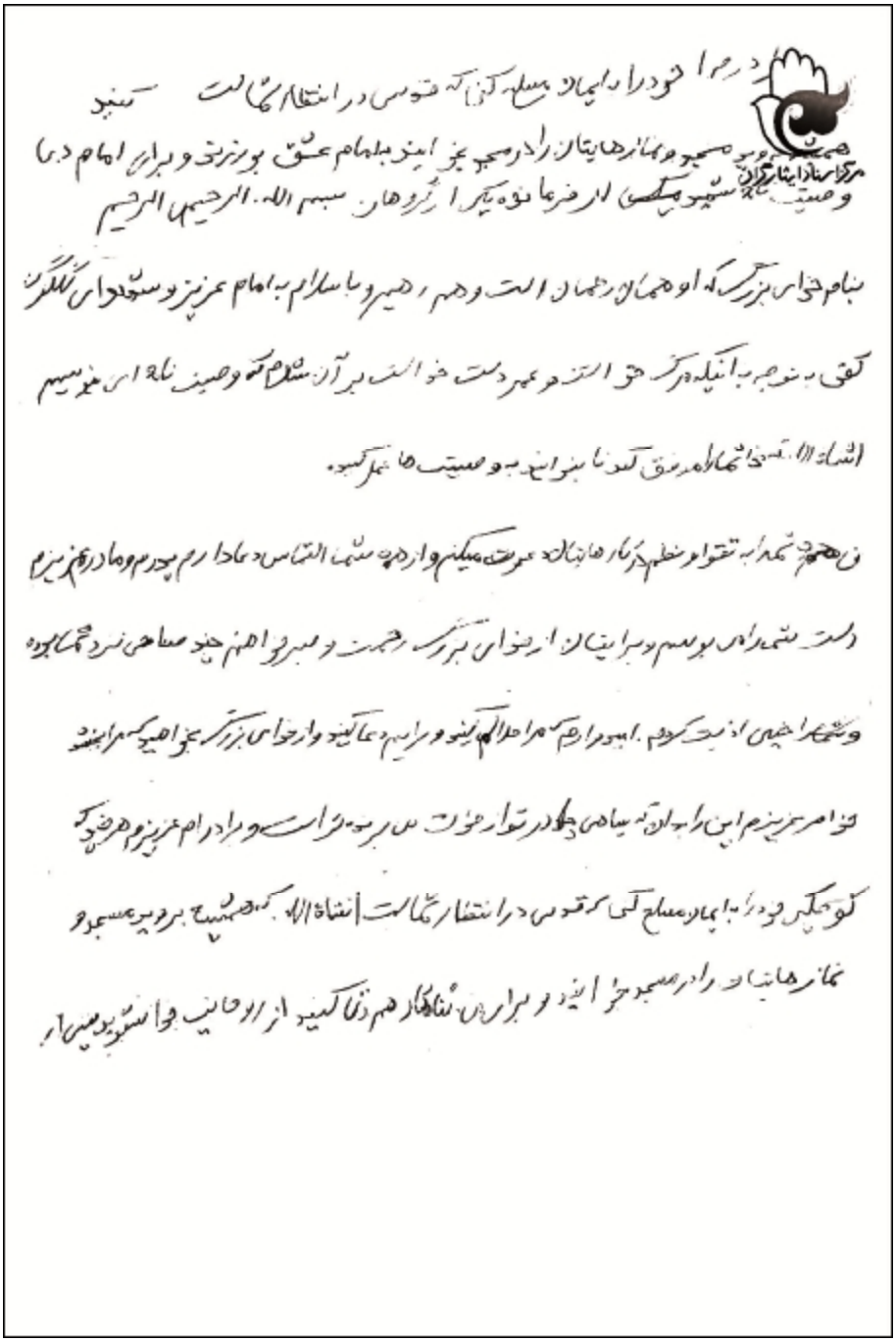
مهدی جان مهدی جان نوبت به ما رسیده — این غنچه‌های پرپر از کربلا رسیده
این نوجوان‌ها از سفر کربلا رسیده — غرقه به خون گردم ای مادرم(۲)
بهشت محمدی در سنگرم ای مادر — بهشت محمدی در سنگرم ای مادر
حلالم کن حلالم تو ای مادر(۲) — نمی‌بینم تو را دیگر ای مادر خداحافظ(۲)
اگر من بمیرم دل ز دنیا من بریدم — مادر اگر من [...]

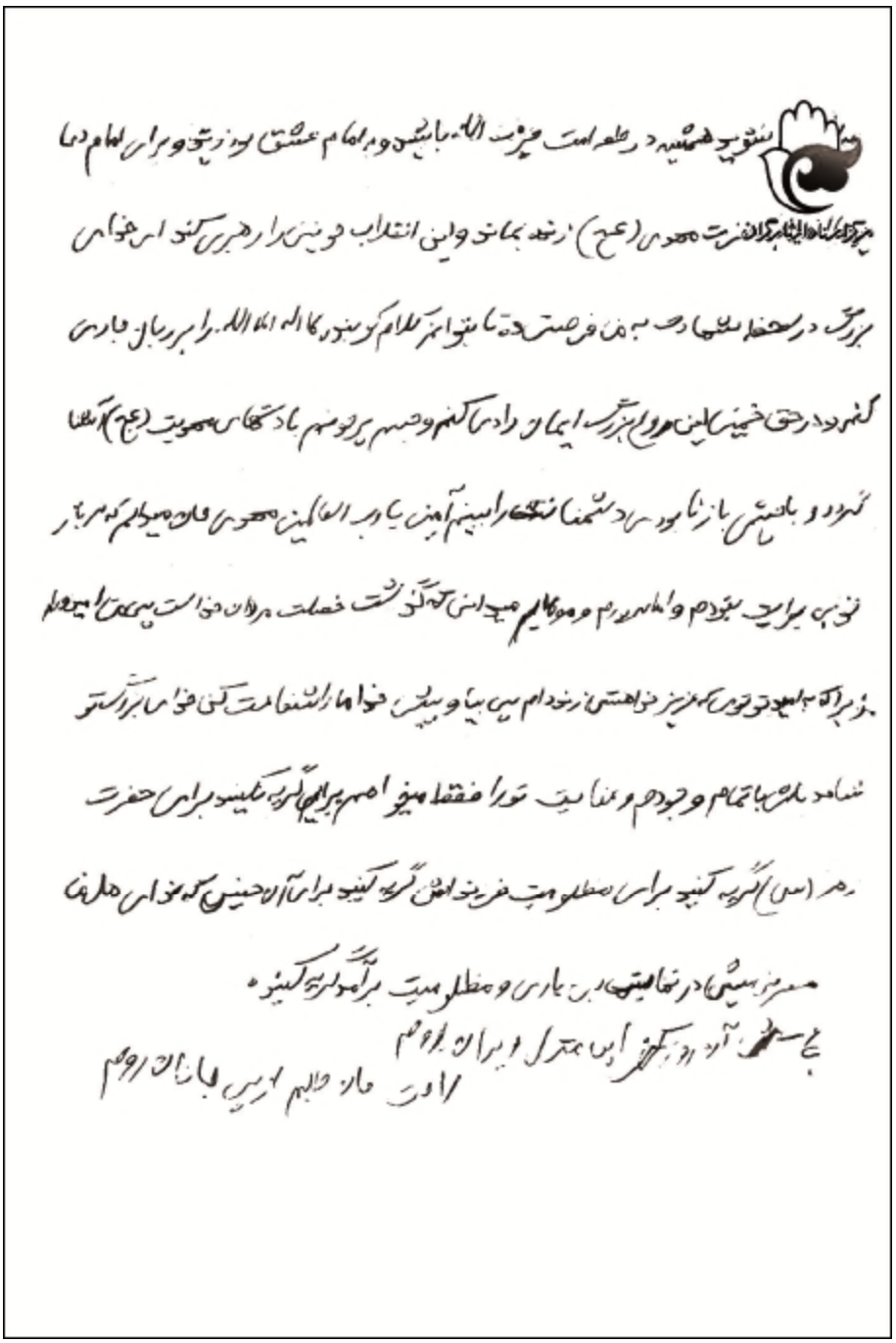
«والسلام»

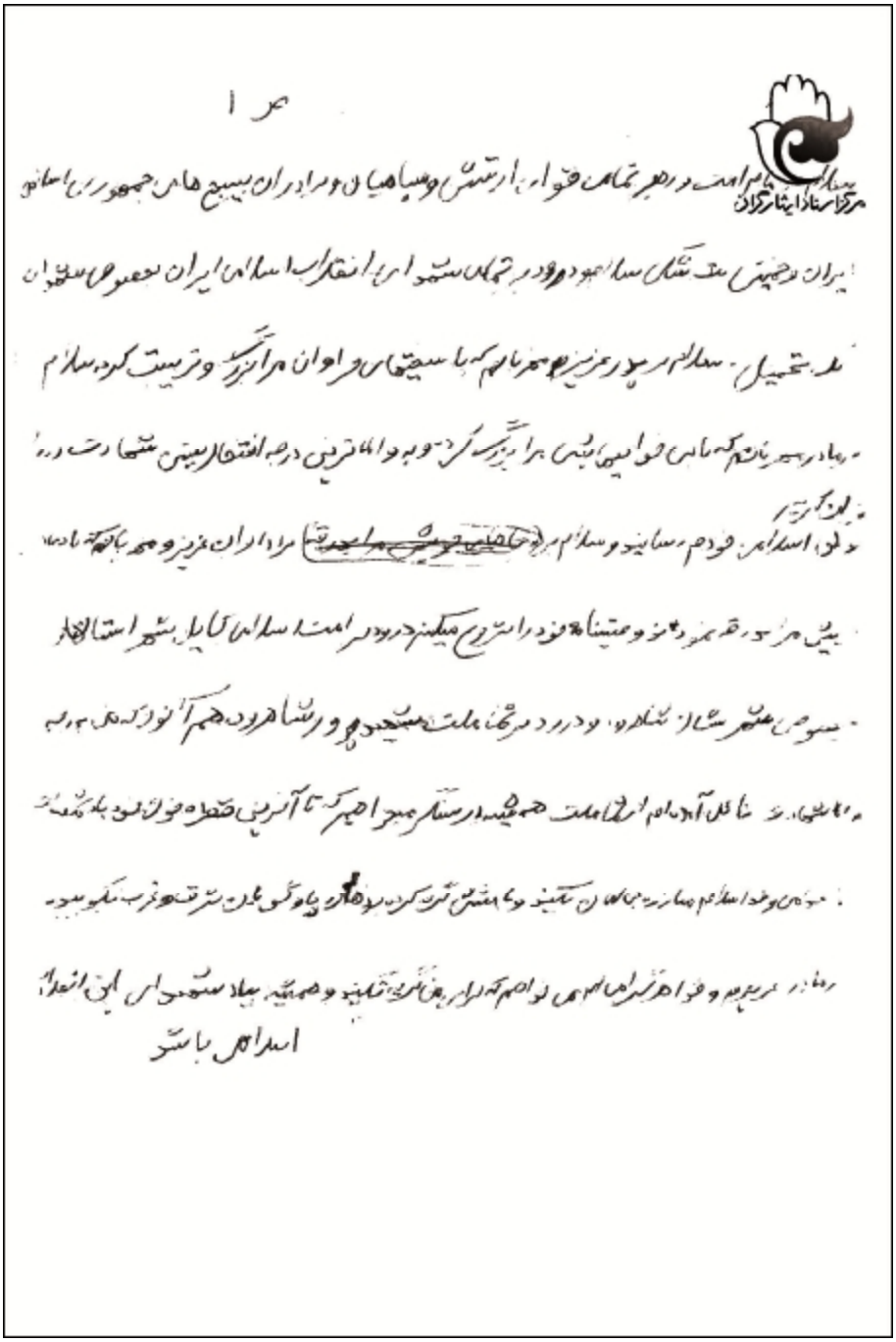
سید محمد موسوی

۱۳[...]/[...]/۲۰

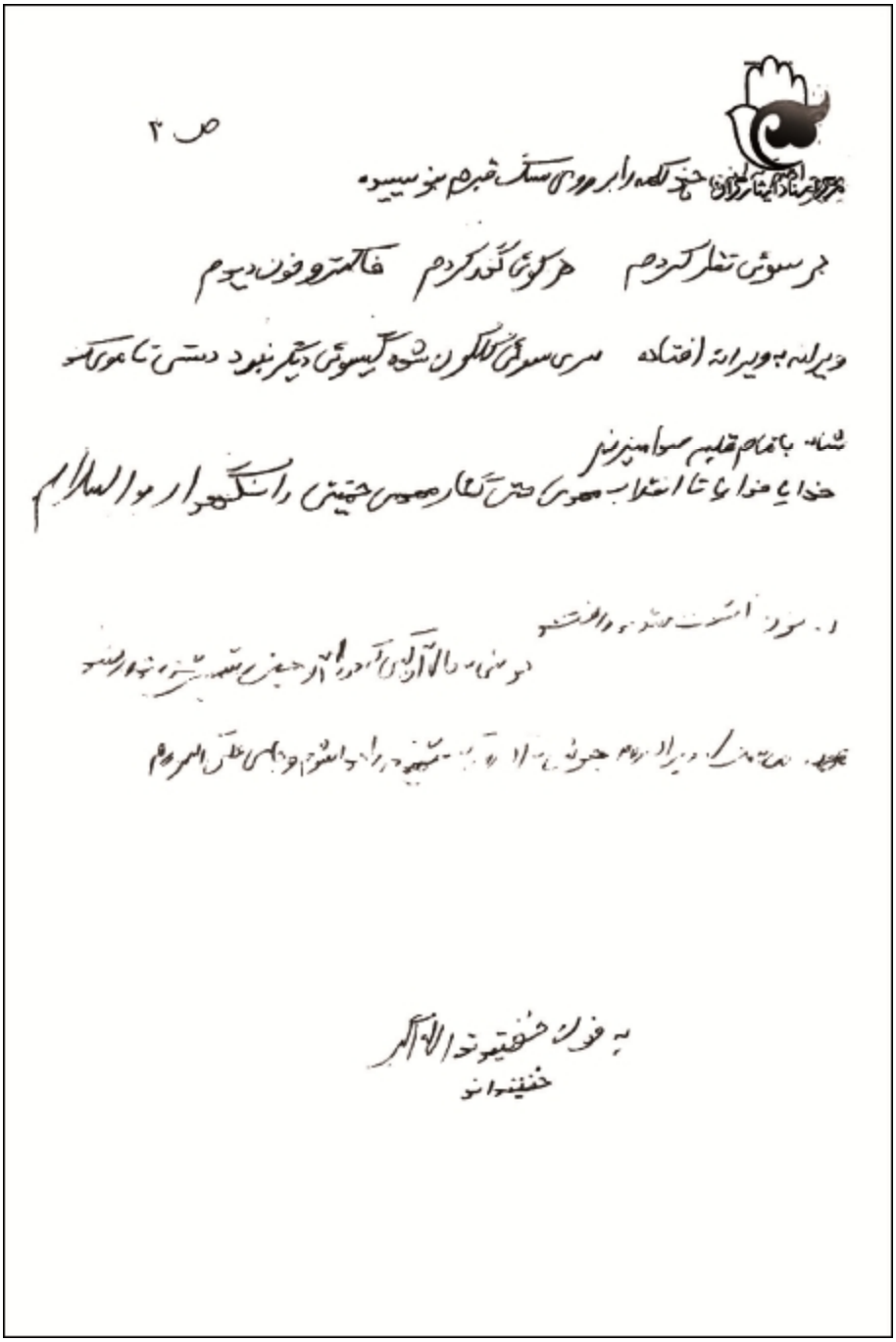
۱- در اصل وصیت «خفتیده‌اند».

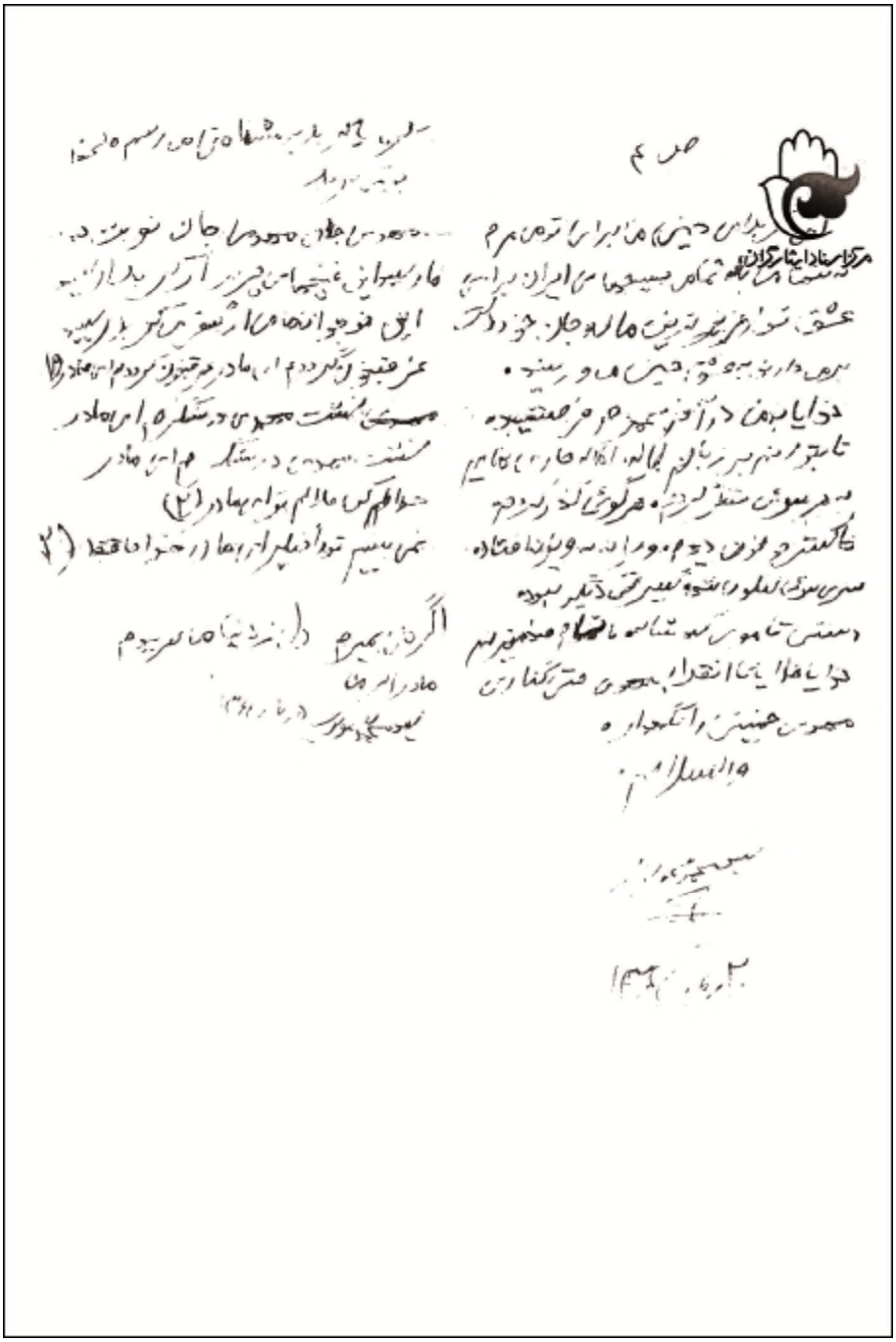














نام: **سیدمحمدرضا**
نام خانوادگی: **موسوی**
نام پدر: **سیدوهاب**
نام مادر: **زهرا**
تاریخ تولد: **ششم فروردین ۱۳۳۶**
محل تولد: **روستای رویان از توابع شاهرود**
تحصیلات: **پایان دوره متوسطه**
ارگان اعزام‌کننده: **سپاه**
تاریخ شهادت: **بیست‌ودوم اسفند ۱۳۶۴**
محل شهادت: **اروندرود**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش**
مزار: **گلزار شهدای زادگاهش**

عبارت‌های کلیدی

- ستایش و سپاس خداوند بزرگ جهانیان را که جان همهٔ ما در دست اوست.
- پدر و مادر عزیز و گرامی‌ام از شما تقاضا دارم که اگر شهادت افتخارم گردید در جنازه من گریه نکنید.
- به همسرم سفارش می‌کنم که فرزندم را خوب تربیت کند تا در آینده پشتیبان اسلام و انقلاب باشد.

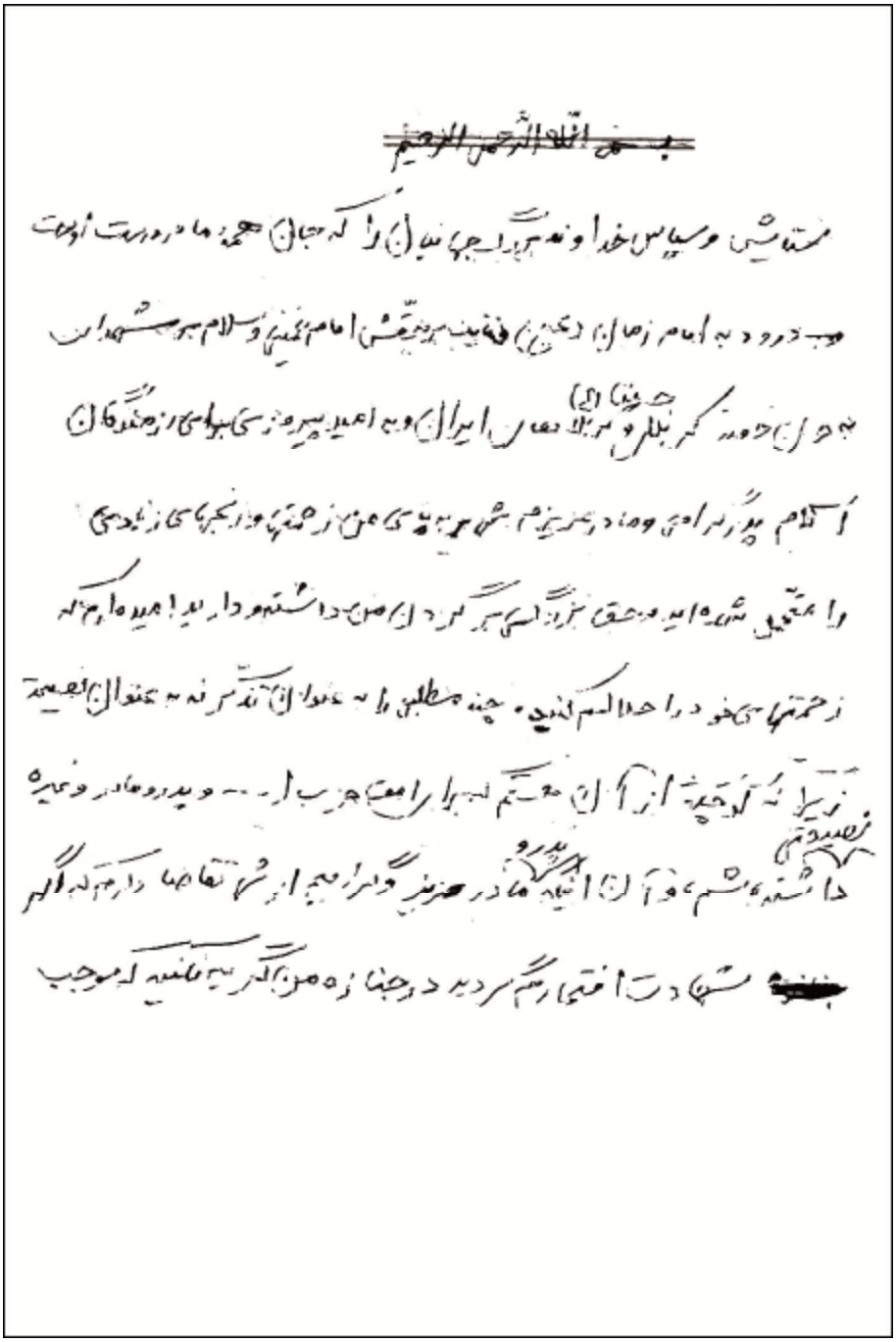
سیدمحمدرضا موسوی

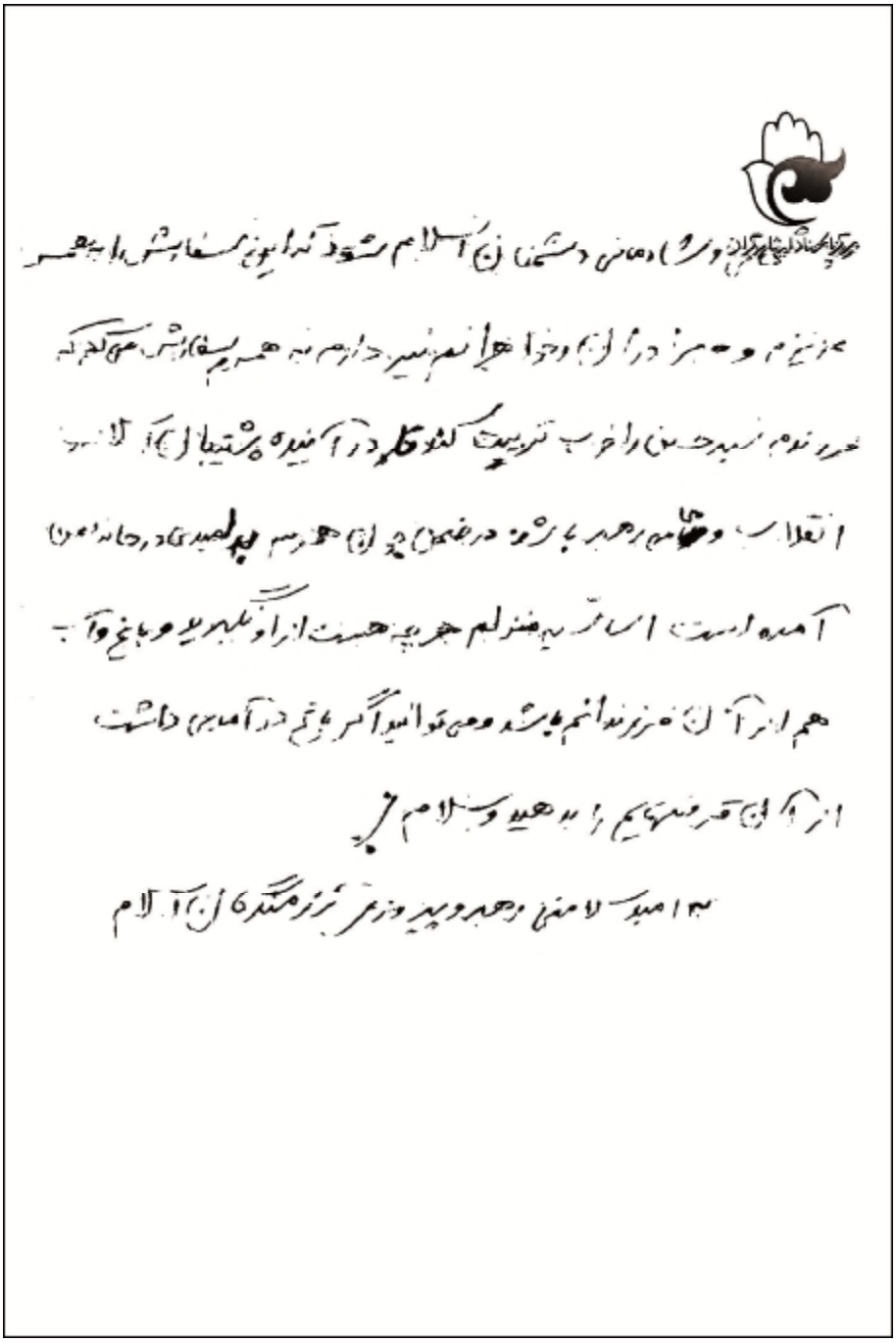
بسم الله الرحمن الرحیم

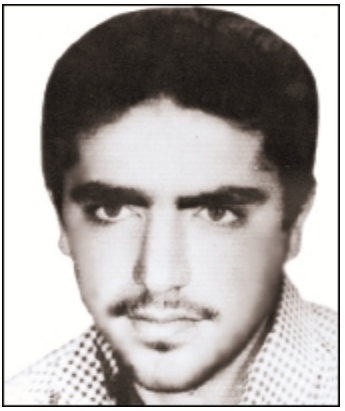
ستایش و سپاس خداوند بزرگ جهانیان را که جان همهٔ ما در دست اوست. درود به امام زمان(عج) و نایب برحقش امام خمینی و سلام بر شهدای به خون خفته کربلای حسین(ع) و کربلای حسین(ع) ایران و به امید پیروزی برای رزمندگان اسلام. پدر گرامی و مادر عزیزم شما به پای من زحمت‌ها و رنج‌های زیادی را متحمل شده‌اید و حق بزرگی برگردن من داشته و دارید امیدوارم که زحمت‌های خود را حلالم کنید. چند مطلبی را به عنوان تذکر نه به عنوان نصیحت زیرا که کوچک‌تر از آن هستم که برای امت حزب‌الله و پدر و مادر و غیره نصیحتی داشته باشم، و آن اینکه پدر و مادر عزیز و گرامی‌ام از شما تقاضا دارم که اگر شهادت افتخارم گردید در جنازه من گریه نکنید که موجب [...] و شادمانی دشمنان اسلام شود که این سفارش را به همسر عزیزم و برادران و خواهرانم نیز دارم به همسرم سفارش می‌کنم که فرزندم سیدحسین را خوب تربیت کند تا در آینده پشتیبان اسلام و انقلاب [...] رهبر باشد. در ضمن چون همسرم به امیدی در خانهٔ من آمده است اثاثیه[1] منزلم هرچه هست از او نگیرید و باغ و آب هم از آن فرزندانم باشد و می‌توانید اگر باغ درآمدی داشت از آن قرض‌هایم را بدهید. والسلام.

به امید سلامتی رهبر و پیروزی رزمندگان اسلام

[1]– در اصل وصیت «اساسیه».







نام: **سید محمود (میرزا محمد)**
نام خانوادگی: **موسوی چاشمی**
نام پدر: **رضا**
نام مادر: **سحر**
تاریخ تولد: **سی‌ام شهریور ۱۳۴۳**
محل تولد: **توابع شهرستان شاهرود**
تحصیلات: **سوم ابتدایی**
ارگان اعزام‌کننده: **سپاه**
تاریخ شهادت: **دهم تیر ۱۳۶۵**
محل شهادت: **مهران**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش**
مزار: **گلزار شهدای زادگاهش**

عبارت‌های کلیدی

- برادر عزیزم، نگذار بعد از من سلاح من به زمین بماند و سلاح را به قلب دشمن نشانه بگیر تا دشمنان نگویند که سلاح‌ها به زمین افتاده است.
- دست از این انقلاب اسلامی برندارید که نابودی انقلاب اسلامی برابر با نابودی اسلام و قرآن می‌باشد.
- پروردگارا ما را یاری فرما تا عالم بدون عمل نباشیم.
- آمرزش می‌طلبیم از خدایی که جز او معبودی نیست.
- خواهران عزیز، حجاب خود را حفظ نمایید که حجاب شما سنگر شماست.
- خواهران و مادران، ادامه‌دهندهٔ راه شهدا باشید.
- به‌فرمان امام عزیز گوش دهید و مانند مردم کوفه امام را تنها نگذارید.
- جبهه‌ها را پر کنید تا دشمنان گمان نبرند که ملت ما از جنگ خسته شدند.
- امت شهیدپرور و خانواده‌های شهدا به فرمان امام عزیز گوش دهند.
- سنگرداران اقتصاد و تولید در کشور، سنگر اقتصاد و تولید را رونق بخشید و تا آنجا که توان دارید در راه خودکفایی ایران بکوشید.

سیدمحمود موسوی‌چاشمی

بسم الله الرحمن الرحیم

به‌نام خداوندی که سزاوار حمد و ستایش بیکران می‌باشد، به‌نام خداوند که پاسدار حرمت خون شهدای گلگون‌کفن است، به‌نام خداوندی که یاری می‌دهد رزمندگان سلحشور و مستضعفین جهان را.

حمد و ستایش بی‌کران بر خداوند تبارک و تعالی که به ما توفیق داد تا در راه خداوند و اسلام و قرآن و مسلمین قدمی مثبت برداریم و بتوانیم خدمتی کوچک در مقابل اسلام عزیز نماییم. و با سلام و درود به روان پاک خاتم‌الأنبیا(ص) و با سلام به روان پاک ائمة‌المعصومین و با سلام و درود فراوان به محضر بقیةالله الأعظم حضرت صاحب‌الزمان مهدی موعود(عج) و صاحب ولایت و با سلام فراوان به محضر رهبر کبیر ایران امام خمینی این بت‌شکن زمانه و با سلام به فقیه عالی‌قدر آیت‌الله منتظری[1] و با سلام و درود فراوان به روان پاک شهدای عزیز از صدر اسلام و سالار شهیدان امام حسین(ع) تا انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی و با سلام به همه رزمندگان سلحشور و فداکار و ایثارگر.

وصیت‌نامه این حقیر سید محمود موسوی:

پدر و مادر مهربان و بزرگوارم و برادر عزیز و خواهران دلسوز. به شما و تمام آشنایان و دوستان وصیت می‌کنم که برای من بعد از شهادتم عزا نگیرید و لباس سیاه نپوشید و برای من گریان نشوید. دلم می‌خواهد که وقتی جنازهٔ من روی دستان به طرف مزار می‌رود کسی گریان نباشد تا دل دشمنان اسلام و انقلاب اسلامی شاد شود، گرچه می‌دانم از دست دادن یک جوان در یک خانواده[2] خیلی سخت است. ولی آیا خون من از خون علی اکبر[3] امام حسین(ع) رنگین‌تر است؟ پس شما مادر عزیز و خواهران من، زینب‌وار دنبال جنازه‌ام

۱- ر.ک.تعلیقات.

۲- در اصل وصیت «خانواد».

۳- ر.ک.تعلیقات.

به‌راه بیفتید و گریه نکنید. و تو ای پدر عزیز و بزرگوارم همچون حسین(ع) صبر داشته باش.

و از همهٔ شما عفو و بخشش طلب می‌نمایم، می‌دانم که به شما ظلم و ستم کردم و آزار فراوان به شما رساندم و تندخویی کردم مخصوصاً از مادر عزیز و خواهران مهربان و دلسوزم که از من بدی دیدید، از شما عاجزانه می‌خواهم که مرا ببخشید و برای من دعا کنید، تا خداوند [به] وسیلهٔ دعا[ی] شما از گناهان این بندهٔ گنه‌کار درگذرد و مورد آمرزش و رحمت خود قرار دهد.

و تو برادر عزیزم، نگذار بعد از من سلاح من به زمین بماند و سلاح را به قلب دشمن نشانه بگیر تا دشمنان نگویند که سلاح‌ها به زمین افتاده و کسی نیست که آنها را بردارد. و هرگز امام را تنها نگذارید و دست از این انقلاب اسلامی برندارید که نابودی انقلاب اسلامی برابر با نابودی اسلام و قرآن می‌باشد.

وصیت دیگر من این است که مرا در کنار شهید عزیز برادر سید تقی عمادی دفن کنید و بر سر مزارم عکس برادر عزیزم را بگذارید.

خدایا پدر و مادر ما را از ما راضی و خشنود بگردان؛ «یا غفار الذنوب و یا ستار العیوب»[1]. بار خدایا گناهان بر دوش‌هایمان سنگینی می‌کند؛ این بار گران را از دوش ما بردار و پدر و مادر ما و تمام مؤمنین و مؤمنات را مورد لطف قرار ده و از گناهانشان درگذر و این بندگان ناچیزت را به‌خاطر گناهان و عیوبشان نزد خودمان رسوا مساز و عاقبت ما را ختم به خیر و ختم به شهادت بگردان.

پروردگارا دعا را وسیلهٔ تقویت روحیهٔ ما و مسبب عمل ما قرار بده و ما را یاری فرما تا عالم بدون عمل نباشیم و نسبت به دعا [و][2] تعهد [و] مسئولیت کنیم و از آن چون امانتی پاسداری کنیم و خود هادی ما باش تا همیشه ظاهر و باطنی طاهر داشته باشیم که این طهارت به دعا و نیایش ما معنا خواهد داد. آمرزش می‌طلبیم از خدایی که جز او معبودی

۱- فرازی از دعا در ما یتعلق به ابواب الکفن. مستدرک، ج ۲، ص ۲۴۱.

۲- اضافه است.

نیست- زندهٔ پاینده، صاحب شکوه و بخشندگی- و به‌سوی این خدا باز می‌گردیم. آمین یا رب العالمین.

خدایا خدایا، تا انقلاب حضرت مهدی(عج)، تا ظهور حضرت مهدی(عج)، خمینی را نگه‌دار، رزمندگان اسلام نصرت عطا بفرما، مجروحین و معلولین را لباس عافیت بپوشان، زیارت کربلا را نصیب رزمندگان حق بگردان.

وصیت‌نامهٔ بندهٔ حقیر خداوند

سیدمحمود موسوی

۱۳۶۶/۷/۸

[وصیت‌نامه‌ای دیگر]

بسم الله الرحمن الرحیم

«اللهم انی اسئلک الأمان»[۱]

«**یوم لاینفع مال و لا بنون الا من اتی الله بقلب سلیم**»[۲]

«پروردگارا از تو ایمنی مسئلت دارم از روزی که مال و فرزند و پدر و مادر هیچ‌کدام نمی‌توانند دفع بلا و عذاب کنند مگر کسی که بیاورد قلبی سالم و پاک را».

سپاس و حمد خدایی را که خالق جهان است. سپاس و حمد خدایی را که به ما توفیق [داد] تا راهی را بشناسیم که در آن راه رضای و خشنودی او در آن است و شکر که ما را ثابت‌قدم در آن راه قرار داد و سپاس بیکران بر آن خالق که به ما توفیق داد تا ادامه‌دهندهٔ راه شهدا و راه امام حسین(ع) که در آن راه رضای او در آن است قرار داد[۳]. خدایا قدم‌های ما را ثابت گردان و بدن‌های ما را قوی و قلبمان را به نور وحدانیت خود پرنور گردان.

با درود و سلام بر منجی عالم بشریت بقیة الله الاعظم حضرت مهدی عجل‌الله تعالی فرجه الشریف[۴] و نایب برحقش حضرت آیت الله العظمی حاج سید روح‌الله موسوی الامام

۱- از مناجات‌های حضرت علی(علیه‌السلام).

۲- شعراء/ ۸۹-۸۸ در اصل وصیت «بقلب تسکین».

۳- در اصل وصیت «دادی».

۴- در اصل وصیت «عج اله».

خمینی این اسوه مقاومت و امید مستضعفان جهان، و فقیه عالی‌قدر آیت‌الله منتظری و با سلام و درود به روان پاک شهدا از صدر اسلام و شهدای کربلا تا انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی ایران. با سلام به شما امت دلاور و شهیدپرور و با سلام و درود بر رزمندگان سلحشور و همیشه در سنگر. چند کلمه به‌عنوان توصیه و وصیت‌نامه به روی کاغذ بر قلم می‌آورم.

با سلام به شما پدر و مادر عزیز و فداکار. پدر عزیز، مبادا برای اینکه فرزند خود را در راه خدا و اسلام و قرآن فدا نمودی عزا بگیری و لباس سیاه به تن نمایی تا دشمنان شاد شوند. اگر چنانچه من لیاقت شهادت را داشتم، دلم می‌خواهد وقتی دنبال جنازه من به‌راه افتادی همچون حسین(ع) صبور و ثابت‌قدم باشی. مادر عزیز، امیدوارم بعد از شهادتم که فدا شدن در راه امام حسین(ع) که راه خدا است، صابر باشی و گریان نشوی و بر سر و صورت مزنی تا دشمنان دل‌شاد شوند. دلم می‌خواهد همچون زینب(س) که فرزندان خود را در راه امام حسین(ع) فدا نمود و صبر و مقاومت نشان داد شما نیز صبر و مقاومت نشان دهی. و لباس سیاه به‌تن منما و عزا مگیر.

گرچه می‌دانم از دست دادن جوانی از یک خانواده خیلی سخت است ولی مگر خون ما از خون علی اکبر امام حسین(ع) رنگین‌تر است، مگر آنها جوان نبودند، مگر آنها پدر و مادر [نداشتند] پس برای امام حسین(ع) و اصحابش گریه کنید. افتخار کنید که فرزند شما در راه خداوند [...][1] و به صراط‌المستقیم رفته. خدا را شکرگزار باشید که به فساد کشیده نشده. افتخار کنید که چنین فرزندی را تربیت کردید که همان راهی رفته است که شما خواستید و رضا و خشنودی خدا در آن است.

ضمناً از زحمات و رنج‌ها و مشقت‌هایی که برای من کشیدید متشکر و سپاسگزارم. از خداوند متعال صبر و مقاومت بسیار برای شما و تمامی خانواده شهدا طلب می‌نمایم.

اما شما برادر عزیز، امید است که بعد از شهادت من به پدر و مادر [را][2] دلداری دهی و سلاح مرا به‌دست گیری و راه ما شهدا را ادامه دهی و به جبهه‌های حق علیه باطل رفته و با

۱- خوانا نیست.

۲- اضافه است.

تجاوزگران به این مملکت مبارزه نمایی تا درس عبرتی باشد بر آنهایی که جهاد را ترک کردند. خواهران عزیز، حجاب خود را حفظ نمایید که حجاب شما سنگر شماست و زینب‌وار زندگی کنید و از خود صبر و مقاومت نشان دهید و با تبلیغ و ارشاد خواهران و مادران ادامه‌دهندهٔ راه شهدا باشید.

وصیتم به امت شهیدپرور و خانواده‌های شهدا این است که راه عزیزانشان را ادامه دهند و به فرمان امام عزیز گوش دهند؛ و مانند مردم کوفه امام را تنها نگذاریم، که انشاءالله نمی‌گذارید و تا به‌حال هم نگذاشتید. جبهه‌ها را پر کنید تا دشمنان گمان نبرند که ملت ما از جنگ خسته شدند و راه شهدا را ادامه نمی‌دهند. از خداوند پیروزی رزمندگان حق و شما امت حزب‌الله را می‌خواهم.

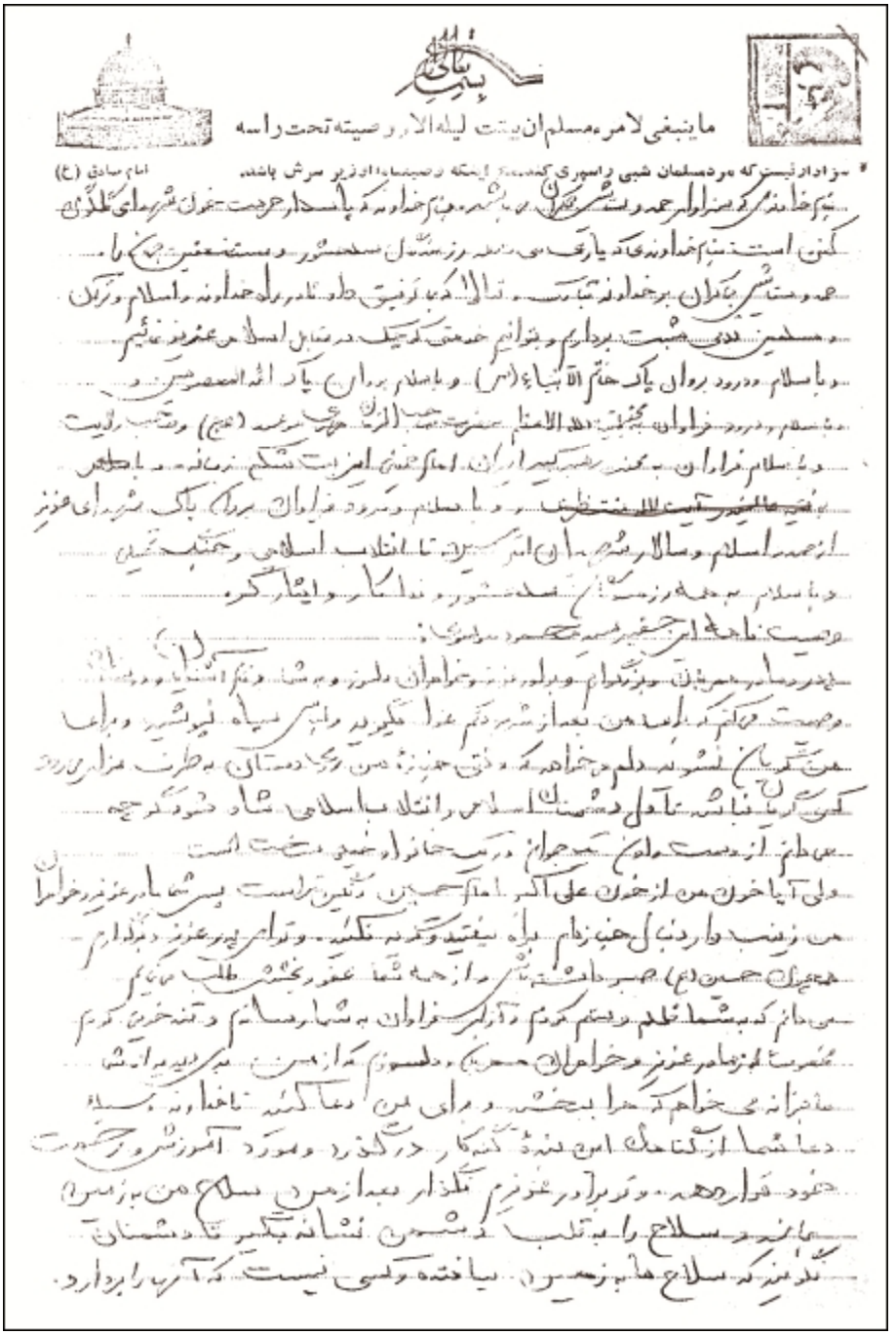
وصیتم به شما سنگرداران اقتصاد و تولید در کشور: ای عزیزان، سنگر اقتصاد و تولید را رونق بخشید و تا آنجا که توان دارید در راه خودکفایی خود و ایران بکوشید. البته تا آنجا که می‌توانید و برای شما امکان دارد به جبهه‌ها بیایید تا هر دو سنگر را داشته باشید که این یک واجب شرعی به‌فرموده امام عزیز است. از خداوند موفقیت و سلامتی در کارها در سنگر اقتصاد و تولید و جبهه‌های حق علیه باطل را برای شما خواهان و خواستارم.

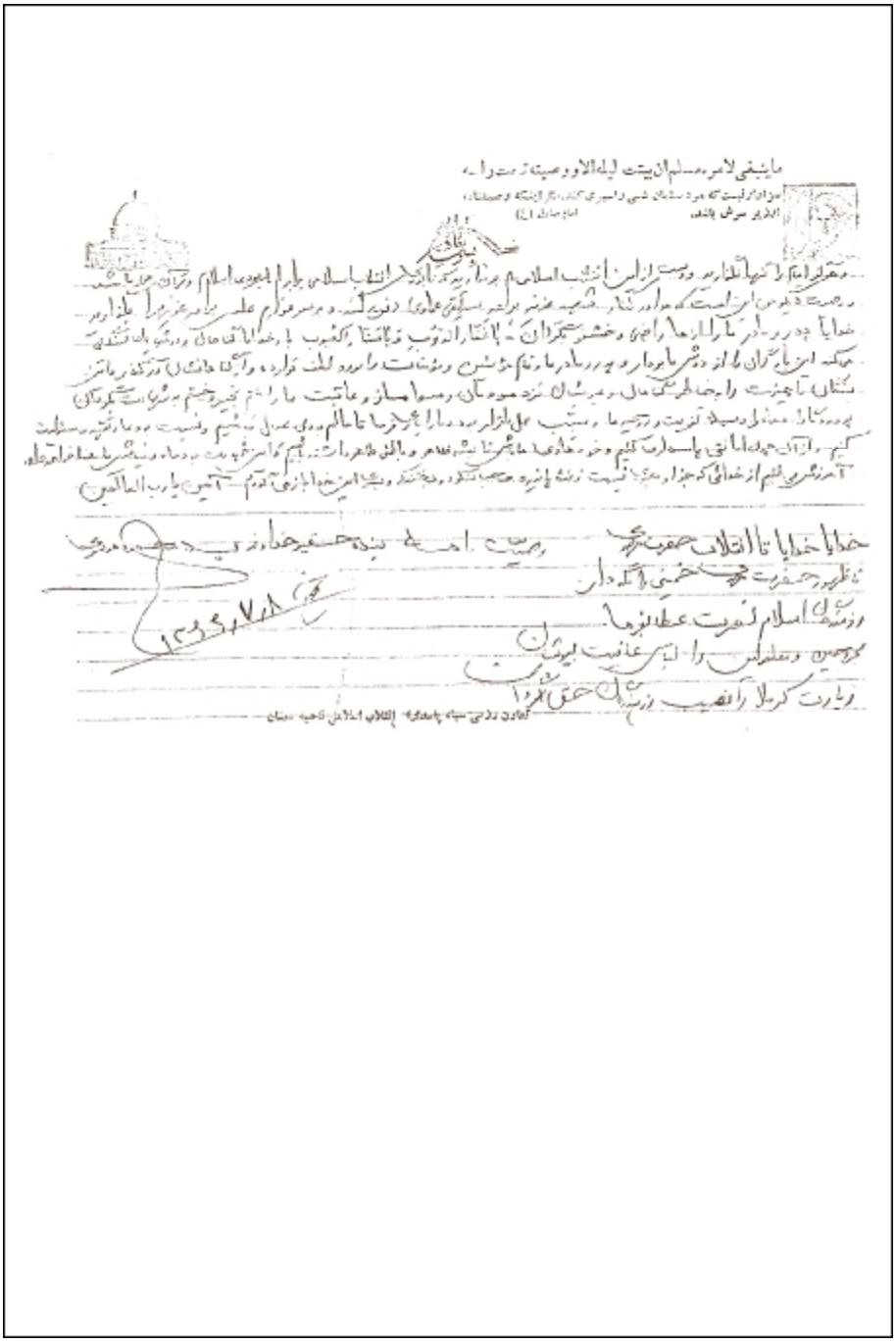
در آخر از شما پدر و مادر عزیز و مهربان طلب عفو و بخشش به‌خاطر نافرمانی و اذیت و آزاری که از من دیدید را دارم و از همه دوستان و خویشاوندان حلالیت می‌طلبم و اگر آزاری از من گنه‌کار دیدید امیدوارم که به بزرگواری خودتان ببخشید و حلالم کنید. خدایا امام عزیزمان این امید مستضعفان جهان تا ظهور آقا امام زمان(عج) و حتی در کنار آن حضرت در پناه خودت او را محافظت بفرما. خدایا پدر و مادر ما را از ما راضی و خشنود بگردان. خدایا ما را بیامرز و شهدای ما را از ما راضی و خشنود بگردان. خدایا عواقب امور ما را ختم به خیر بگردان. پروردگارا قلم عفو بر جرایم اعمال ما بکش.

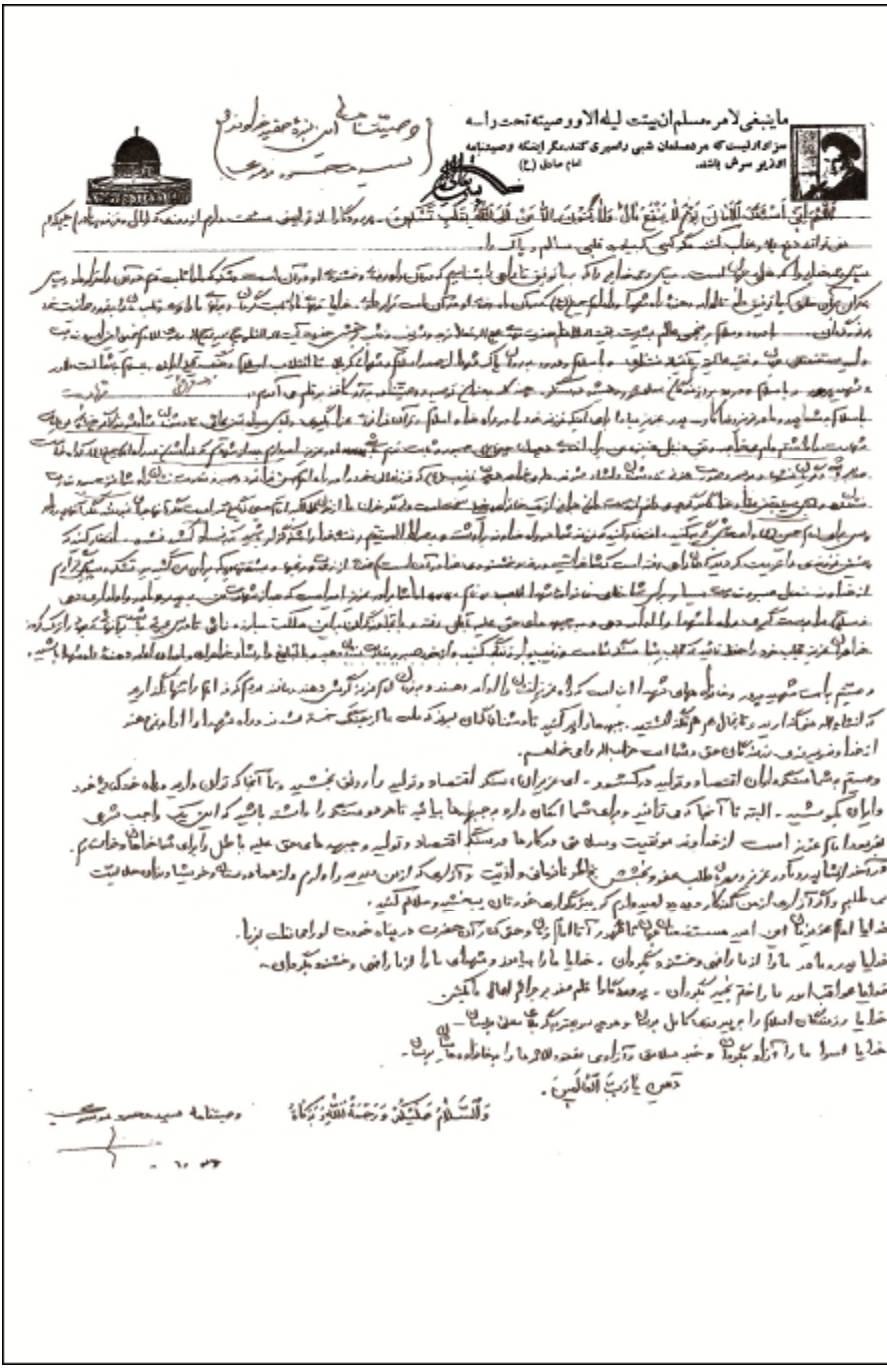
خدایا رزمندگان اسلام را به پیروزی کامل برسان و هرچه سریع‌تر به کربلای معلی برسان. خدایا اسرا[ی] ما را آزاد بگردان و خبر سلامتی و آزادی مفقودالأثرها را به خانواده‌هایشان برسان. آمین یا رب العالمین.

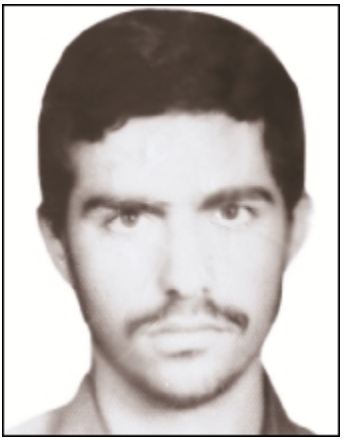
«والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته»

وصیت‌نامه سید محمود موسوی









نام: **سیدمرتضی**
نام خانوادگی: **موسوی‌چاشمی**
نام پدر: **سیدصفی‌الله**
نام مادر: **شهربانو**
تاریخ تولد: **سی‌ام شهریور ۱۳۴۳**
محل تولـد: **روستای چاشـم از توابـع مهدیشهر**
تحصیلات: **اول متوسطه**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **بیستم بهمن ۱۳۶۱**
محل شهادت: **فکه**
نحوهٔ شهادت: –
مزار: **گلزار شهدای زادگاهش**

عبارت‌های کلیدی

- پدر و مادر اگر شهادت افتخار من شد در مرگم بی‌تابی نکنید و صبر و استقامت پیشه کنید.
- پدر و مادر این را بدانید که با مرگم خداوند شما را در امتحان بزرگ قرار خواهد داد.
- خدا را بجویید و تقوا پیشه کنید.
- دو خواهرم را همچون زینب(علیهاالسلام) بزرگ کنید.
- برادر شما را به تقوا و اطاعت از امام و اسلام دعوت می‌کنم.
- برادر سلاحم را برگیر و با کفر بستیز و انتقام شهیدان را بگیر و یا شهادت پرافتخار را دریاب و به شهیدان کربلا ملحق شو.
- از خط امام پیروی کنید و در نماز جمعه‌ها شرکت کنید.

سیدمرتضی موسوی‌چاشمی

بسم الله الرحمن الرحیم

«انا لله و انا الیه راجعون»[۱]

«و لا تحسبن الذّین قتلوا فی سبیل‌الله امواتاً بل احیاء عند ربهم یرزقون»[۲].

«گمان مبرید آنان که در راه خدا کشته شده‌اند مردگانند بلکه زنده‌اند و در پیش خدا روزی می‌خورند».

با سلام و درود بیکران بر ولی‌عصر بقیةالله الاعظم ارواحنا له الفداء و نایب برحقش امام امت خمینی بت‌شکن و سلام و درود بر شهیدان از هابیل تا خاتم از خاتم تا حال و سلام بر سرور شهیدان اباعبدالله و سرور شهیدان ایران شهید مظلوم بهشتی[۳]. شکر و سپاس بر خداوند منان به این بنده حقیر این توفیق داده تا در جبهه حق حضور یابم و دشمنان اسلام بجنگم و خون ناقابل را فدای اسلام کنم.

اما بعد به شما پدر و مادر گرامی سلام. سلام گرم و صمیمانه که از ذرات وجودم برمی‌خیزد امیدوارم بپذیرید. پدر و مادر اگر شهادت افتخار من شد و به لقاء الله پیوستم در مرگم بی‌تابی نکنید و صبر و استقامت پیشه کنید که خدا با صابران است و این را بدانید که با مرگم خداوند شما را در امتحان بزرگ قرار خواهد داد تا ببیند چقدر در گفتارتان صداقت وجود دارد امروز خداوند فرزند حسین امام امت را برانگیخت تا شما امتحان را پس بدهید بکوشید سربلند از امتحان که رساندن خون شهیدان به جامعه چون زینب [...][۴] و صبر و شکیبایی در مرگ فرزند هست. و این را بدانید مرگ سراغ همهٔ ما می‌آید و چه بهتر به ندای «هل من ناصر ینصرنی»[۵] امام امت لبیک بگوییم و در راه خدا جهاد کنیم و شهادت را در آغوش بکشیم و در پیش خداوند و پیامبر اکرم و ائمه روسفید باشیم

۱- بخشی از بقره/ ۱۵۶.
۲- آل‌عمران/ ۱۶۹.
۳- ر.ک. تعلیقات.
۴- خوانا نیست.
۵- ر.ک. تعلیقات.

همچنین این را بدانید و آگاه باشید هرگز راضی نیستم در مرگم گریه کنید به خصوص در جمع، اگر گریه می‌کنید در خلوت آن هم بسیار کم و بهتر اصلاً مگرید همچنین خدا می‌فرماید «من طَلَبَنی وجَدَنی و من وجدنی عَرَفَنی و من عرفنی اَحَبَنی و من احبنی عَشَقَنی و من عشقنی عَشَقَتُهُ و من عشقته قَتَلتُهُ و من قتلته فَعَلَیَ دیتَهُ و من علیَّ دیته فاَنا دیته»[1] پس خدا را بجویید و تقوا پیشه کنید، تا خدا عاشق شما شود و شهادت را افتخار شما کند و از خداوند می‌خواهم ما هم، چنین باشیم و چه سعادت است [برای کسی] که خدا خون‌بهایش باشد. در آخر از شما می‌خواهم مرا حلال کنید، که تا آسوده در جوار حق بیارامم و هر جا که میل شما بود مرا دفن کنید و از شما می‌خواهم دو خواهرم را همچون زینب(علیهاالسلام) بزرگ کنید و می‌دانید ۱۵ روز روزه نگرفتم برایم بگیرید و همچنین ۱۰۰تومان به امامزاده ابوالقاسم بدهکارم بدهید.

اما به شما برادران بخصوص به شما یوسف شما را به تقوا و اطاعت از امام و اسلام دعوت می‌کنم و می‌خواهم از شما در مرگم شکیبا و همچون کوه استوار باشی و سلاحم را برگیر و با کفر بستیز و قلب دشمن سیاه روی را بدر. انتقام شهیدان را بگیر و یا شهادت پرافتخار را دریاب و به شهیدان کربلا ملحق شو که این بهترین سعادت[2] دنیوی و اخروی است و به وظیفهٔ انسانی و شرعی خود عمل کردم در آخر به شما ملت شهیدپرور ایران هرچند من کوچک‌تر از آن هستم پیام برسان اما فقط چند کلمه می‌گویم که از خط امام پیروی کنید و در نماز جمعه‌ها شرکت کنید.

دیگر عرضی ندارم خدایا، خدایا، تا انقلاب مهدی(عج)، تو را به جان مهدی(عج)، خمینی را نگه‌دار، از عمر ما بکاه و بر عمر او بیفزا.

«والسلام»

سیدمرتضی موسوی

مورخ، ۶۱/۱۱/۱۶

۱- ر.ک. تعلیقات ذیل «من طلبنی وجدنی».

۲- در اصل وصیت «شهادت».

بسم الله الرحمن الرحیم

انا لله و انا الیه راجعون

و لا تحسبن الذین قتلوا فی سبیل الله امواتا بل احیاء عند ربهم یرزقون

(گمان مبرید آنان که در راه خدا کشته شده‌اند مرده‌اند بلکه زنده‌اند و در پیش خداوند روزی می‌خورند)

با درود و سلام بر کران رهروان عصر بقیة الله اعظم ارواحنا له الفداء و نائب برحقش امام امت

خمینی بت شکن و سلام و درود بر شهیدان راه بلال تا خاتم از خاتم تا حال و سلام بر سرور شهیدان امام حسین

و سرور شهیدان ایران شهید مظلوم بهشتی شکر و سپاس بر خداوند سبحان به این بنده حقیر این توفیق داد

تا در جبهه حق حضور یابم و دشمنان اسلام بیگانه و خون نامبارک را نثار اسلام کنم.

امیدوارم به شما پدر و مادر گرامی این سلام گرم و صمیمانه که از ته دل و جودم بر می‌خیزد را سودآور باشد

پدر و مادر اگر شهادت افتخار من شد و به لقاء الله پیوستم در مرگم بی‌تابی نکنید و صبر و استقامت

پیشه کنید که خدا با صابران است و این را بدانید یار مرگم خداوند شما را در امتحان بزرگ فرا خواهد داد

تا ببیند چقدر در گفتارتان صداقت و صمیمیت دارید امروز خداوند فرزند حسین امام امت را از گمشدگی

تا شما امتحان را پس بدهید بکوشید سزاوار امتحان که رساندن خون شهیدان به جامعه چون زینب

صبر و شکیبایی در برگ فرزندمست و این را بدانید مرگ سرانجام همه ما می‌آید و چه بهتر تا دل من نگیرد

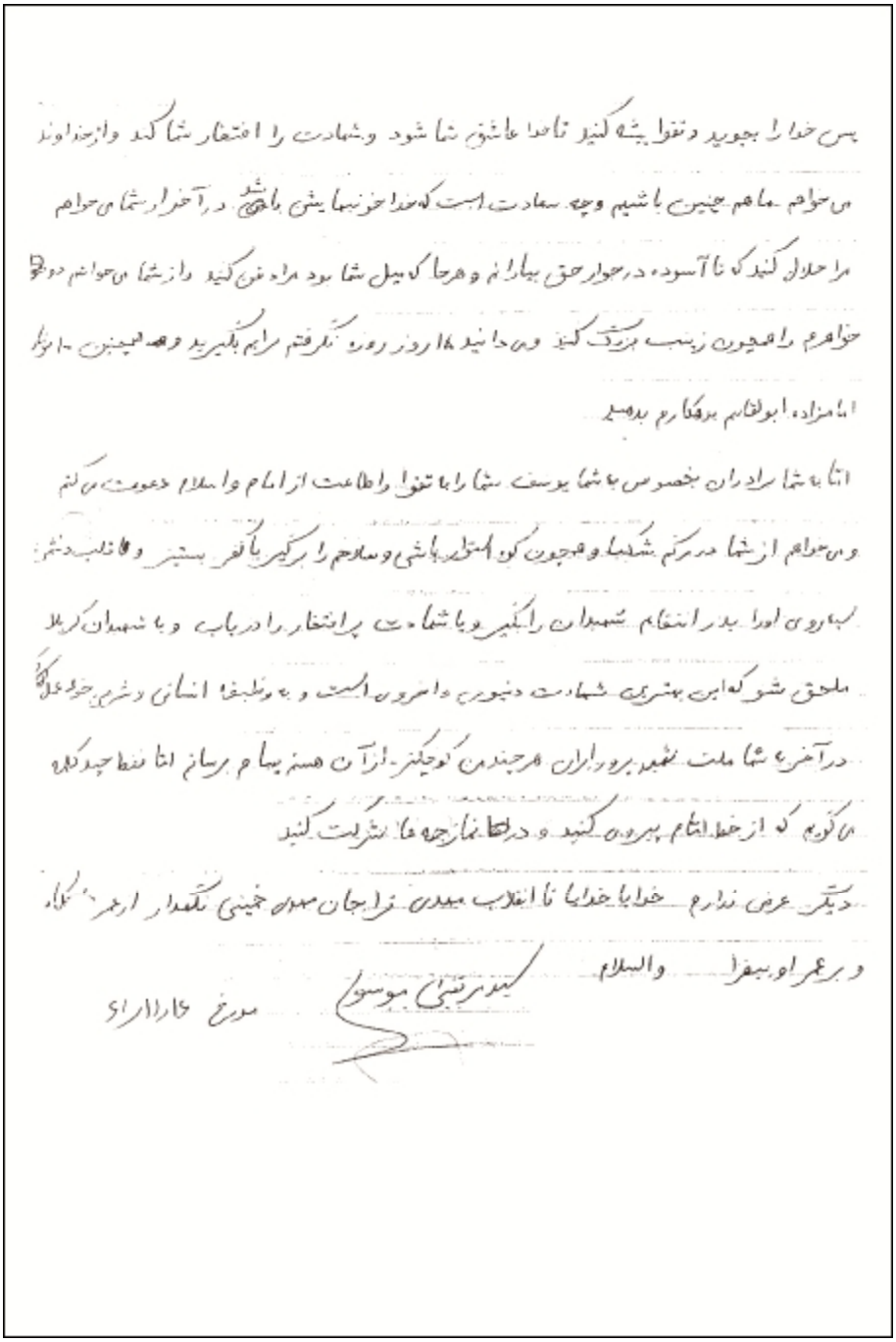
خصوصاً امام امت لبیک بگویم و در راه خدا جهاد کنم و شهادت را در آغوش بکشم و در پیش خداوند

و پیامبر اکرم و ائمه روسفید باشم همچنین این را بدانید و آگاه باشید هرگز راضی نیستم در مرگم

گریه کنید بالخصوص در جمع، اگر گریه می‌کنید در خلوت آن هم بسیار کم و بهتر اصلاً نکنید همچنین

خداوندا فرمایید (من طلبنی وجدنی و من وجدنی عرفنی حبی من حبنی عشقنی

و من عشقنی عشقته و من عشقته قتلته قتلی دیته و من دیته فانا دیته



پس خدا را بجوید و تقوا پیشه کنید تا خدا عاشق شما شود و شهادت را افتخار شما کند و از خداوند می‌خواهم ما هم چنین باشیم و چه سعادت است که خدا خونمان باشد و در آخر از شما می‌خواهم مرا حلال کنید که ناآسوده در جوار حق بیارامم و هرجا که میل شما بود مرا دفن کنید و از شما می‌خواهم دو خواهرم را همچون زینب بزرگ کنید و می‌دانید ۱۸ روز روزه گرفتم برایم بگیرید و همچنین ۱۰ روز امامزاده ابوالقاسم برگذارم بدهید

اما با شما برادران بخصوص با شما یوسف شما را با تقوا و اطاعت از امام و اسلام دعوت می‌کنم و می‌خواهم از شما مدرکم شکیبا و همچون کوه استوار باشی و سلاحم را بر زمین نگذاری و مانند دشمن بیرون او را بدر انتقام شهیدان را بگیری و با شهادت پر افتخار را در بر و با شهیدان کربلا ملحق شوی که این بهترین شهادت دنیوی و اخروی است و به وظیفه انسانی و شرعی خود عمل کرده‌ای

در آخر به شما ملت شهید پرور ایران هرچندین کوچکتر از آن هستم پیام برسانم اینا فقط چند کلمه می‌گویم که از خط امام پیروی کنید و در نماز جمعه‌ها شرکت کنید

دیگر عرض ندارم خدایا خدایا تا انقلاب مهدی از جان مهدی خمینی نگهدار ارجمند گان و بر عمر او بیفزا والسلام

حمیدرضا موسوی

مورخ ۶۱/۱۱/۱۶



نام: **سیدحسین**
نام خانوادگی: **موسوی‌فولادی**
نام پدر: **سیدصادق**
نام مادر: **کوکب**
تاریخ تولد: **هشتم آذر ۱۳۴۳**
محل تولد: **شهرستان مهدیشهر**
تحصیلات: **چهارم متوسطه**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **ششم فروردین ۱۳۶۳**
محل شهادت: **دشت عباس**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش**
مزار: **گلزار شهدای بهشت زهرای تهران**

عبارت‌های کلیدی

- زندگی‌ام به‌خاطر اوست و شدنم در جهت اوست و معشوق و معبود و مرادم اوست.
- حسین(ع) جان لبیک و ای اسلام لبیک و ای زادهٔ حسین(علیه‌السلام) لبیک.
- ای پیشتاز و ای امام و رهبر و ای خمینی، لبیک.
- پشتیبان انقلاب و امام و هر کسی که در خط اوست، باشید.
- بر مزار من تفکر کنید، زیرا تفکر عالی‌ترین راه به مقصد است.

سیدحسین موسوی‌فولادی

بسم الله الرحمن الرحیم

بسم الرب الشهدا و الصدیقین

به نام او که همه چیزم اوست. به‌نام او که زندگی‌ام در جهت اوست و زنده به اویم و سلامتی و زندگی‌ام به‌خاطر اوست و شدنم در جهت اوست و معشوق و معبود و مرادم اوست و در این‌جاست که می‌گویم:

شهادت سرآغاز پایندگی است نترسم ز مرگی که خود زندگی است

خدا را شکر می‌کنم که سال‌های عمرم را تا فرارسیدن یوم‌الله قرار داد. اکنون یوم‌الله دیگری است که پیرو یوم‌الله حسین(ع) می‌باشد؛ همان یوم‌اللهی که در هزار و سیصدواندی سال پیش این حسین(ع) در میدان شهادت در آن روز ندای «هل من ناصر ینصرنی»[1] را سر داد.

لبیک. ما می‌گوییم حسین(علیه‌السلام) جان اگر در آن فضای داغ و خونین کسی به فریادت نرسید و ندای تو را لبیک نگفت ما پیروانت در فضای گرم و خونین ایران زمین دست مردانگی مشت کرده و به ندای غریبی و تنهایی‌ات لبیک می‌گوییم. حسین(علیه‌السلام) جان، لبیک و ای اسلام لبیک و ای زادهٔ حسین(علیه‌السلام) لبیک، ای پیشتاز و ای امام و رهبر و ای خمینی لبیک. و این روش یک عاشق حقیقی است و باید اینگونه باشیم [...][2] حسینی کرده‌ایم و پرچم حسین(علیه‌السلام) را یاور گشته‌ایم و غیر از این یزیدی هستیم. امید است مسیرم را تمام اقوام و دوستانم طی نمایند و پشتیبان انقلاب و امام و هر کسی که در خط اوست باشند.

مادرم و برادرانم و دیگر اقوام و دوستانم بر من نگریند. زیرا گریه بر شهدا و شیر مردان خوب نیست. بر مزار من تفکر کنید. زیرا تفکر عالی‌ترین راه به مقصد است. جنازه‌ام را در کنار سایر شهدا در بهشت زهرا قرار دهید، زیرا افتخاری جز این نیست. مادر عزیزم که

۱- ر.ک.تعلیقات.

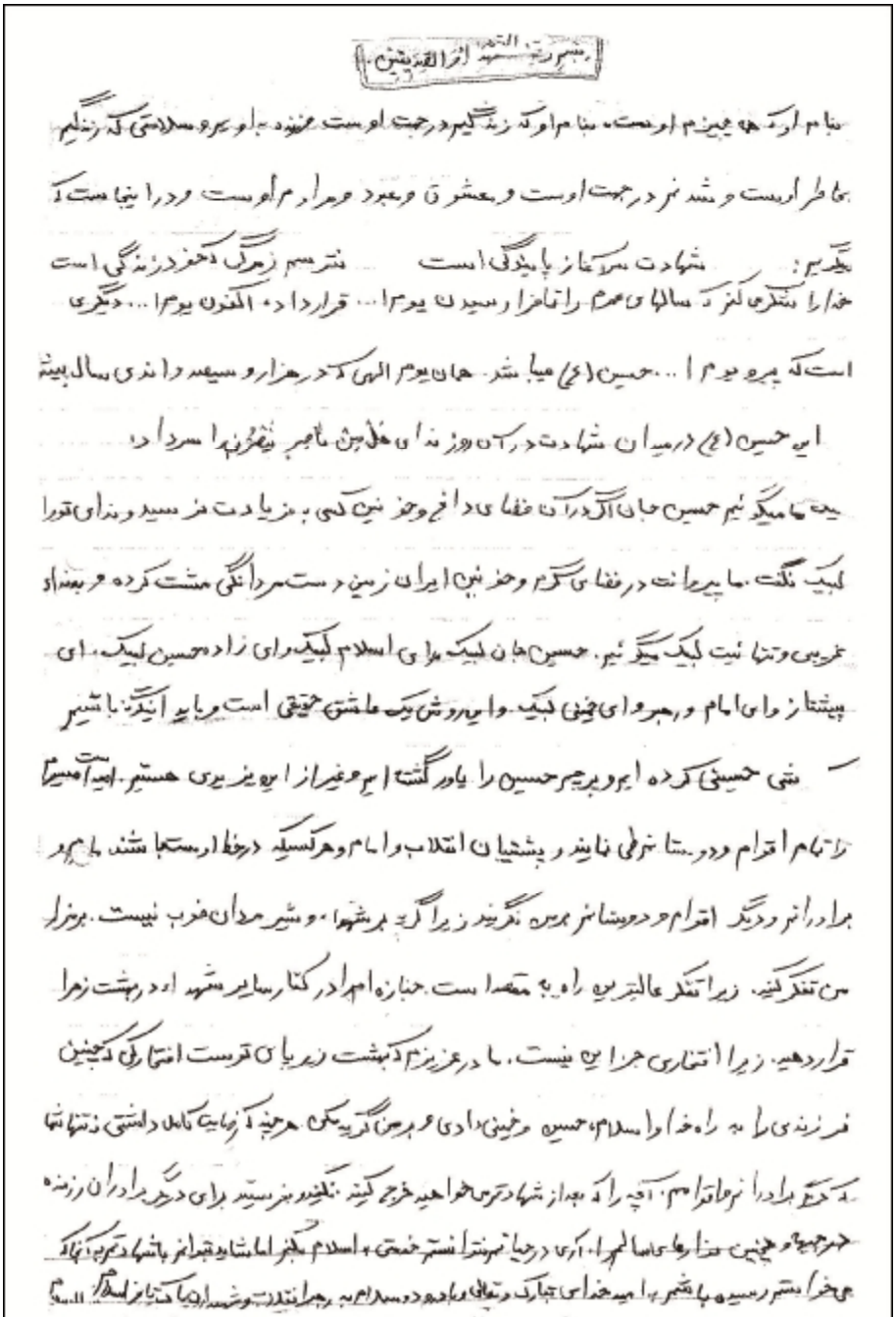
۲- خوانا نیست. .

«بهشت زیر پای توست»[۱]، افتخار کن که چنین فرزندی را به راه خدا و اسلام، حسین(علیه‌السلام) و خمینی دادی و بر من گریه مکن هرچند که رضایت کامل داشتی. نه تنها شما که دیگر برادرانم و اقوامم آنچه را که بعد از شهادتم می‌خواهید خرج کنید نکنید و بفرستید برای دیگر برادران رزمنده در جبهه و همچنین نوارهای سالم را.

آری در حیاتم نتوانستم خدمتی به اسلام بکنم اما شاید بتوانم با شهادتم به آنجا که می‌خواستم رسیده باشم. به امید خدای تبارک و تعالی و با درود و سلام به رهبر انقلاب، شهیدان پاک‌باز اسلام.

«السلام»

۱- مستدرک، ج ۱۵، ص ۱۸۰.





نام: **سیدرضا**
نام خانوادگی: **موسویان**
نام پدر: **سیدحسن**
نام مادر: **بی‌بی سکینه**
تاریخ تولد: **بیستم بهمن ۱۳۴۵**
محل تولد: **روستای کلاته‌سادات از توابع شاهرود**
تحصیلات: **پایان دوره ابتدایی**
ارگان اعزام‌کننده: **سپاه**
تاریخ شهادت: **بیست‌وهشتم آذر ۱۳۶۵**
محل شهادت: **فاو عراق**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش**
مزار: **گلزار شهدای زادگاهش**

عبارت‌های کلیدی

- برادرها و کلیه جوانان راه شهیدان را ادامه دهند.
- راه شهیدان راه حسینی و راه امامان است.
- هدفتان فقط به خاطر خدا باشد.
- شما خواهران باید در سنگر عفت وحجاب با تمامی جنایتکاران مبارزه کنید.
- ای خدای بزرگ تو خود شاهد باش که فقط و فقط به‌خاطر یاری رساندن دین تو به این وادی آمده‌ام.
- دعا به جان امام را فراموش نکنید.
- گوش به فرمان امام باشید و جبهه‌ها را خالی نگذارید.
- اگر واقعاً خداشناس هستید و به او ایمان دارید باید در راهش از همه لذت‌های دنیوی دل بریده به‌سوی معشوق ربانی پرواز کنید.
- برای یک فرد مسلمان الان که مملکت در خطر است، ننگ است که در بستر بمیرد.

سیدرضا موسویان

بسم الله الرحمن الرحیم

بسم رب‌الشهدا و الصدیقین

«و لاتحسبن الذین قتلوا فی سبیل الله امواتاً بل احیاء عند ربهم یرزقون»[۱].
«گمان نکنید کسانیکه در راه خدا کشته می‌شوند مرده‌اند بلکه آنها زنده هستند و نزد پروردگارشان روزی می‌خورند».

با درود و سلام به پیام‌آوران الهی بویژه حضرت محمدبن عبدالله(ص) درود خدا بر همه انبیاء درود و سلام به رهبر کبیر انقلاب اسلامی ایران امام امت خمینی بت‌شکن، درود به خانواده‌های معظم شهدای عزیز.

اینجانب سیدرضا موسویان فرزند سیدحسن وصیت‌نامه‌ام را با نام خداوند متعال آغاز می‌کنم و از شما عزیزان معذرت می‌خواهم که پیام یا سخنی نوشته‌ام ولی از آنجا که خودم را مسئول دانستم و واجب دانستم که «یک فرد مسلمان» از قول امامان است که «باید وصیت‌نامه‌اش زیر سرش باشد»[۲].

اول برای پدر و مادر عزیز و مهربانم، پدر عزیز و مادر مهربانم که برایم [که برایم] زحمت کشیده و مرا بزرگ کردید از شما تشکر و قدردانی می‌کنم، پدر عزیز و مادر مهربانم می‌دانم در این مدت که در خدمت شما بودم آنطوری که وظیفهٔ یک فرزند به پدر و مادر باشد نبود و شما را رنج داده‌ام و به خصوص مادر مهربانم را که گاهی تمسخری نسبت به شما می‌کردم، امیدوارم که بزرگی خودتان مرا حلال کنید. اگر کسی از اقوام از من ناراحتی دیده است از او دلجویی و حلالیت بطلبید و به همه سلام برسانید.

پیام به برادرانم این است نه برادرهای خودم بلکه کلیه جوانان در خط رهبر سفارش می‌کنم راه شهیدان را ادامه دهند که راه آنها راه حسینی و راه امامان است و مسئولیت خون

۱- آل‌عمران/ ۱۶۹.

۲- از رسول اکرم حدیثی نقل شده‌است، «ما ینبغی لامری مسلمٍ ان یبیت لیلة الا وصیّته تحت رأسه»، بحارالانوار، باب ۱، فصل الوصیة و آدابها.

آنها به گردن ما است و ما هستیم که باید ادامه دهندگان راه این عزیزان که جان شیرین خود را نثار اسلام کردند[۱] ادامه دهیم. و دیگر اینکه از شما پدر و مادر عزیزم خواهش می‌کنم طوری برادرانم را تربیت کنید که هنگامی‌که توانستند اسلحه را بگیرند به جبهه بفرستید. هدفتان فقط به خاطر خدا باشد.

شما خواهرهایم باید زینب‌وار در مصبت‌ها استوار و پایدار باشید و با کارها و کردارتان راه امام حسین(علیه‌السلام) را ادامه دهید نه تنها شما خواهرهای خودم بلکه تمامی خواهرهای دیگر باید در سنگر عفت و حجاب با تمامی جنایتکاران مبارزه کنید. پدر عزیز من از تو خیلی خیلی تشکر می‌کنم که توانستی مرا به این سن و سال برسانی تا بتوانم در راه خدا قدم بردارم درود خداوند بر همچون پدرانی و مادرانی که فرزندانی این چنین فداکار و در راه خدا دادند و آنها را فدای انقلاب و اسلام می‌کنند[۲].

پیام من به مادر عزیزم، مادر عزیز و مهربانم این را حقیر می‌دانم که هر مادری آرزو و علاقه‌ای دارد که بعد بزرگ شدن پسرش دامادی او را ببیند. اما این را [...][۳] مادر که این دامادی و این زندگانی موقت و کارائی آن چند مدتی هست. پس از خداوند می‌خواهم که اگر او خواست حقیر دامادی خود را با علی‌اکبر حسین(علیه‌السلام) در آن دنیا انجام دهم و من در واپسین لحظات زندگیم در حالی که در مکانی مقدس و پاک قرار گرفته‌ام از ته دل فریاد می‌زنم ای خدای بزرگ تو خود شاهد باش که من فقط و فقط به خاطر یاری رساندن دین تو به این وادی آمده‌ام و امیدوارم این قطره خون ناقابل من به دریای خون‌های پاکان تو متصل گردد و اثری هرچند کم در جامعه ایجاد گردد.

پیام دیگرم این است که بعد از شهادتم گریه نکنید، بلکه به شهادت فرزندتان افتخار کنید، زیرا با گریه کردن شما دل منافقین[۴] کوردل شاد خواهد شد و از شما می‌خواهم که پیوسته خوشحال و خندان باشید. می‌دانم در این هنگام که وصیت‌نامه‌ام خوانده می‌شود من

۱- در اصل وصیت «کردن».

۲- در اصل وصیت «می‌کند».

۳- خوانا نیست. عباراتی که در متن با [...] مشخص شده‌اند، خوانا نیست.

۴- ر.ک. تعلیقات.

در جمع شما عزیزان پاک نیستم. از شما اقوام خویشان دوستان و آشنایان که نوشته‌ام به گوشتان می‌رسد و از بنده رنجیده یا ناراحتی دیده‌اند حلالیت طلب می‌کنم[۱] و از خدا می‌خواهم مرا حلال کنید. یک پیام به شما عزیزان جوان و توانمندی که قدرت جبهه رفتن را دارید و دیگر عزیزان که بعلت خانه یا کار و خانواده‌شان از رفتن به جبهه سهل‌انگاری می‌کنند. این است که خود خداوند فرموده است «خودم سرپرستی خانوادهٔ شهدا را بعهده خواهم گرفت» پس اگر واقعاً خداوند را می‌شناسید و به او ایمان دارید باید در راهش از همهٔ لذت‌های دنیوی دل بریده و به سوی معشوق ربانی پرواز کنید تا بهشت را نصیب خودتان قرار دهید. خداوند می‌فرماید «من جان شما را به بهای بهشت خریدارم»[۲] و بدانید که در حال حاضر ما در جایی قرار داریم که «جنگ بین اسلام و کفر است»[۳] و نباید لحظه‌ای آرام بگیریم و من همانطوری که امام عزیز فرمودند «صلح بین اسلام و کفر معنی ندارد» و این درس را امام از خودش نگفته بلکه از مولای ما امام حسین(علیه‌السلام) هم است که فرمودند «من زندگی با ستمکاران را ننگ و مردن در راه خدا را سعادت می‌دانم»[۴] پس با این همه سفارش و شجاعت‌های [...] باید بدانیم که مردن در بستر در این زمان و برای ما جز ننگ[۵] چیزی دیگر نیست پس چه خوب به جبهه‌های نور علیه ظلمت برویم و اگر شهادت نصیبتان شد که چه بهتر.

و دیگر اینکه عزیزانی که در این مراسم شرکت کرده‌اید اگر جنازه‌ام [...] ناپدید شد و یا اینکه اسیر شدم از شما می‌خواهم بخصوص پدر و مادرم اصلاً ناراحت مباشید. زیرا من اولین کسی نیستم که اینطوری به دست دشمن اسیر یا ناپدید شده باشم. بلکه عاشقان

۱- در اصل وصیت «طلب حلالیت می‌طلبم».

۲- ترجمه فرازی از آیه ۱۱۱ سوره توبه «ان الله اشتری من المؤمنین انفسهم و اموالهم...».

۳- اشاره به ایت سخن امام دارد که معتقد بود که جنگ ایران و عراق در واقع جنگ و تقابل اسلام با کفر است. «امروز جنگ بین اسلام و کفر است. بر همه مسلمانان واجب است که دفاع کنند از اسلام.» تبیان، دفتر ۲۴، جنگ و دفاع در اندیشه امام خمینی، ص ۷۰.

۴- ترجمه این کلام بلند امام حسین(علیه‌السلام) است «انّی لا اری الموت الا سعادةً والحیاة مع الظالمین الا برما»، فرهنگ عاشورا، جواد محدثی، ص ۲۶۸.

۵- در اصل وصیت «ننگی».

اباعبدالله بوده‌اند که الان چند سالی است که از آنها اثری نیست و زیر چکمه‌های خون‌آشام صدامیان ناپیدا هستند.

پیام دیگرم، پدر جان بنده مدت ۳۰ روز روزه قرضی دارم که نگرفته‌ام و این ۳۰ روز به علت مسافرت و مأموریت بوده است امیدوارم این قرضی را بگیرید تا خاطرم جمع باشد در پایان از همه عزیزان که می‌شنوند این است که راه شهیدان را ادامه دهید. [از] دعا به جان امام فراموش [را] نکنید و بدانید که راه ما راه امام حسین(علیه‌السلام) و در آن هیچ شک و تردیدی نیست. همه عزیزانی که می‌خواهند بعد از شهادتم به سر مزار بیایند، سفارش می‌کنم اول به مزار شهید سیدرضا بروید و بعد سر مراز من [...] و دیگر این‌که وصیت‌نامه‌ام را سیدرضا عمو علی بخواند بطوری که همه متوجه شوید و مرا حلال کنند.

در پایان حیاتم و در آخرین لحظات زندگی از پدر عزیز و مادر مهربانم و برادر و همشیره‌هایم و تمام عزیزان حداحافظی می‌کنم.

خدایا تو خود از اعمال بندگان خود باخبری و من با انبوه گناه [...] و در عوض توکل به تو و با ریختن این قطرهٔ خون از تو می‌خواهم که گناهان مرا ببخشی و مرا در آن دنیا در مقابل شهیدان شرمسار مگردانی. آمین یا رب العالمین.

سیدرضا موسویان

۶۵/۵/۲۷

[وصیت‌نامهٔ دیگر]

بسم الله الرحمن الرحیم

«**و لاتحسبن الذین قتلوا فی سبیل الله امواتا بل احیاء عند ربهم یرزقون**».

«گمان نکنید کسانی که در راه خدا کشته شدند مرده‌اند بلکه زنده‌اند و نزد خدای خود روزی می‌خورند».

با سلام و درود به رهبر عظیم‌الشأن انقلاب اسلامی امام خمینی و با درود به روان پاک شهدای گلگون‌کفن انقلاب اسلامی که با نثار خون خود نهال انقلاب را پرورانیدن و با سلام به رزمندگان دلیر ایران این شیران روز زهدان شب.

با عرض سلام وصیت‌نامه را شروع می‌کنم اینجانب سیدرضا موسویان بنابه امر امام لبیک «هل من ناصر ینصرنی»[۱] را قبول[۲] کردم و به جبهه‌های جنوب رفتم تا هرچه سریع‌تر راه [کربلای] حسینی را گشوده و تمامی مسلمین را از بند مستکبرین نجات دهم نکته‌ای که قابل توجه شما عزیزان است این است که موقعی که شما این وصیت‌نامه را باز کنید بنده در میان شما نباشم از شما خواهش دارم که اگر از بنده بدی دیده‌اید به بزرگواری خودتان بپذیرید (ببخشید).

۱- وصیتی با پدرم، ای پدر جان بنده خیلی شما را اذیت کرده‌ام و به حرف شما گوش نکرده‌ام مرا ببخشید و برادرانم را طوری تربیت کنید تا در آینده یک فرد اسلام‌شناس و با معنویت باشند و راه شهیدان ادامه دهند ۲- مادرجان ای مادری که مانند زهرا مرا به میدان نبرد فرستادید خداوند شما را صبر و اجر عنایت بفرماید در ضمن مادر جان بنده شما را ناراحت کرده‌ام و به شما احسان نکرده‌ام شما به بزرگواری که دارید مرا حلال کنید. ۳- به برادرانم شما باید مانند علی‌اکبر(علیه‌السلام)[۳] باشید و راه شهدا را ادامه دهید و بعد از مرگ من شمااید که راهم را ادامه دهید و در این راه مقدس گام بردارید. ۴- خواهران عزیزم شما باید مانند زینب کبری(علیهاالسلام) در مصیبت‌ها با صبر باشید و تا با این عمل خود اجر صابران را خواهند گرفت و پوزهٔ منافقین[۴] و کسانی که دارند خون این ملت را می‌خورند به خاک بمالید و حجاب خود را حفظ نمایید که سنگرهای شما حجاب است. «**انا لله و انا الیه راجعون**»[۵] «همه ما از خداییم و به سوی او می‌رویم». پس ای برادران عزیز گوش به فرمان امام باشید و جبهه‌ها را خالی نگذارید و به کسانی که با انقلاب اسلامی مخالفند مبارزه کنید که فردای قیامت عذری نخواهید داشت ای عزیزان برای یک فرد مسلمان که الان مملکت اسلامی در خطر است ننگ است که در بستر بمیرد چه خوب است که به جنگ دشمنان بروید و جای ابدی خود را معلوم کنید که خدا از شما خشنود شود و اجر صابران را به

۱- ر.ک. تعلیقات.

۲- در اصل وصیت قبل».

۳- ر.ک. تعلیقات.

۴- ر.ک. تعلیقات.

۵- بخشی از بقره/ ۱۵۶.

شما بندگان خالص عطا خواهد کرد و از تمامی ملت کلاته سادات خواهشی کـه دارم ایـن است که از انسان بدی سر می‌زند [...] که آنطـوری نبـودیم کـه فامیـل‌هـا ناراحـت نـشوند بالاخره اگر از بنده بدی دیده‌اند به بزرگواری خودشان ببخشند باز هم به خانواده خودمـان که شامل پدر و مادر می‌باشد ای پدر جان ای مادر ای برادران و خواهرانم درودتان بـاد کـه مرا به آغوش گرم بدرقه[1] کردید و به ندای «هل من ناصر ینصرنی» لبیک گفتند و شـما هـم قسمتی از ثواب پرهیزگاران را به خود خرید.

در پایان ۱- محل دفن: کنار مزار شهید سیدرضا موسوی البته اگر جنازه‌ام پیدا شود.

۲- از پدر می‌خواهم که اگر کسی از شما تقاضای پول (یعنـی گفـت از پـسرت طلـب دارم) هرچه قدر که گفت بدهید.

۳- سلام مرا به تمامی فامیل‌ها برسانید چون که موقع رفتن موفق به دیدنشان نشدم[2].

۴- از کلیه برادران که در تشییع جنازه شرکت کرده‌اند تشکر می‌کنم.

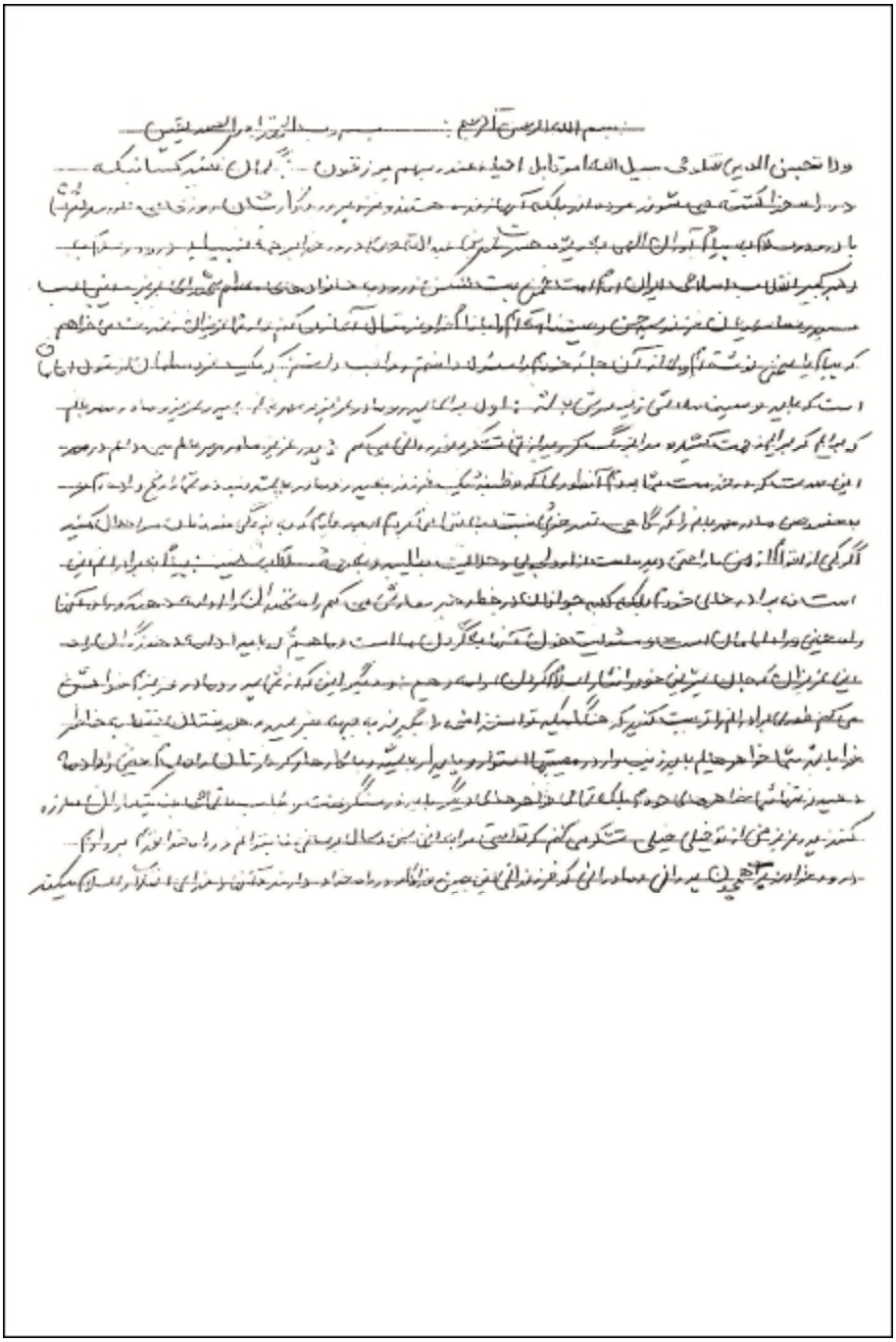
«و ان کان دین محمد لم یستقم الا یقتلی فیاسوف خذینی»[3].

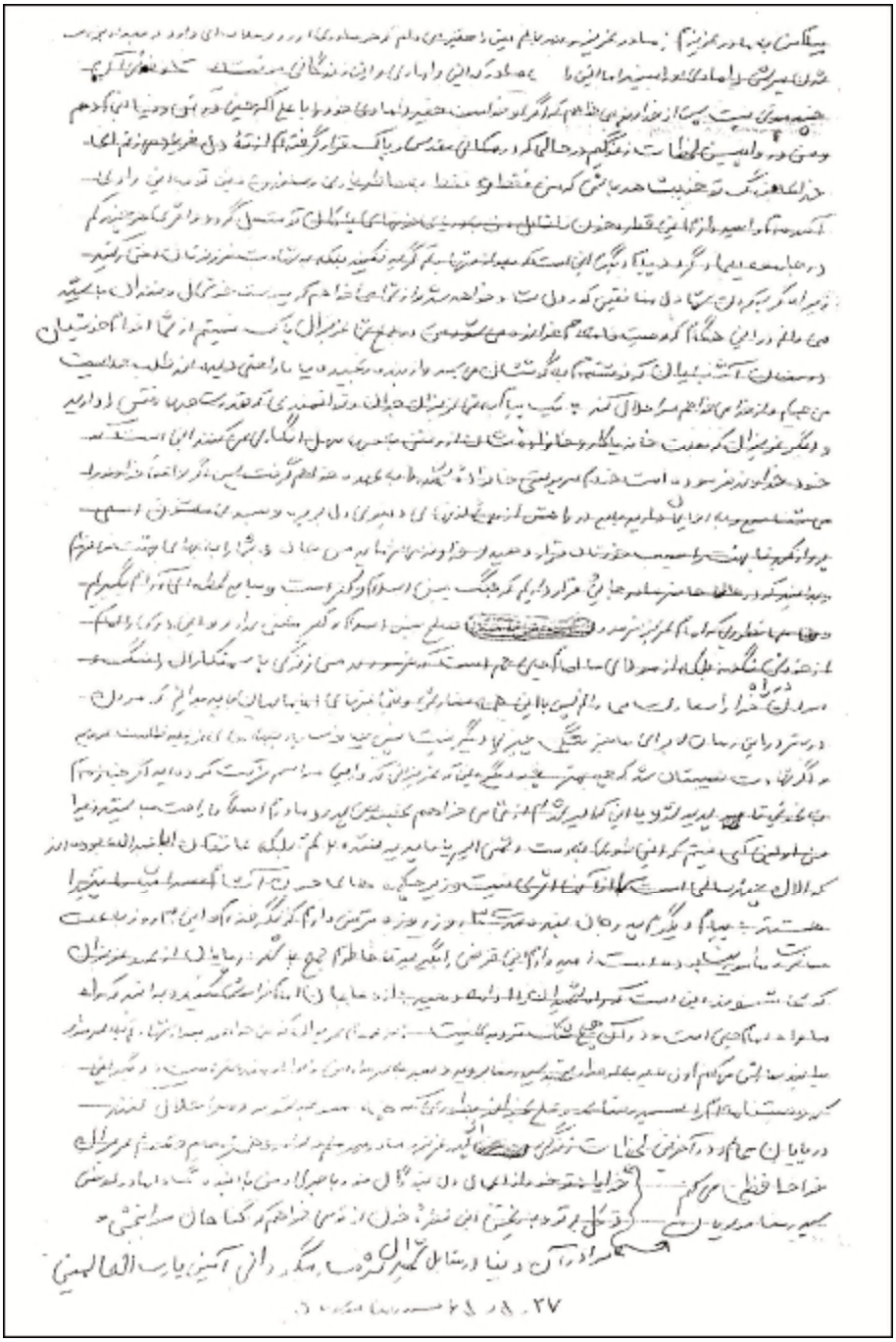
«و اگر باقی نمی‌ماند دین جدم محمد، مگر به قتل من، پس ای شمشیرها مرا در برگیرید».

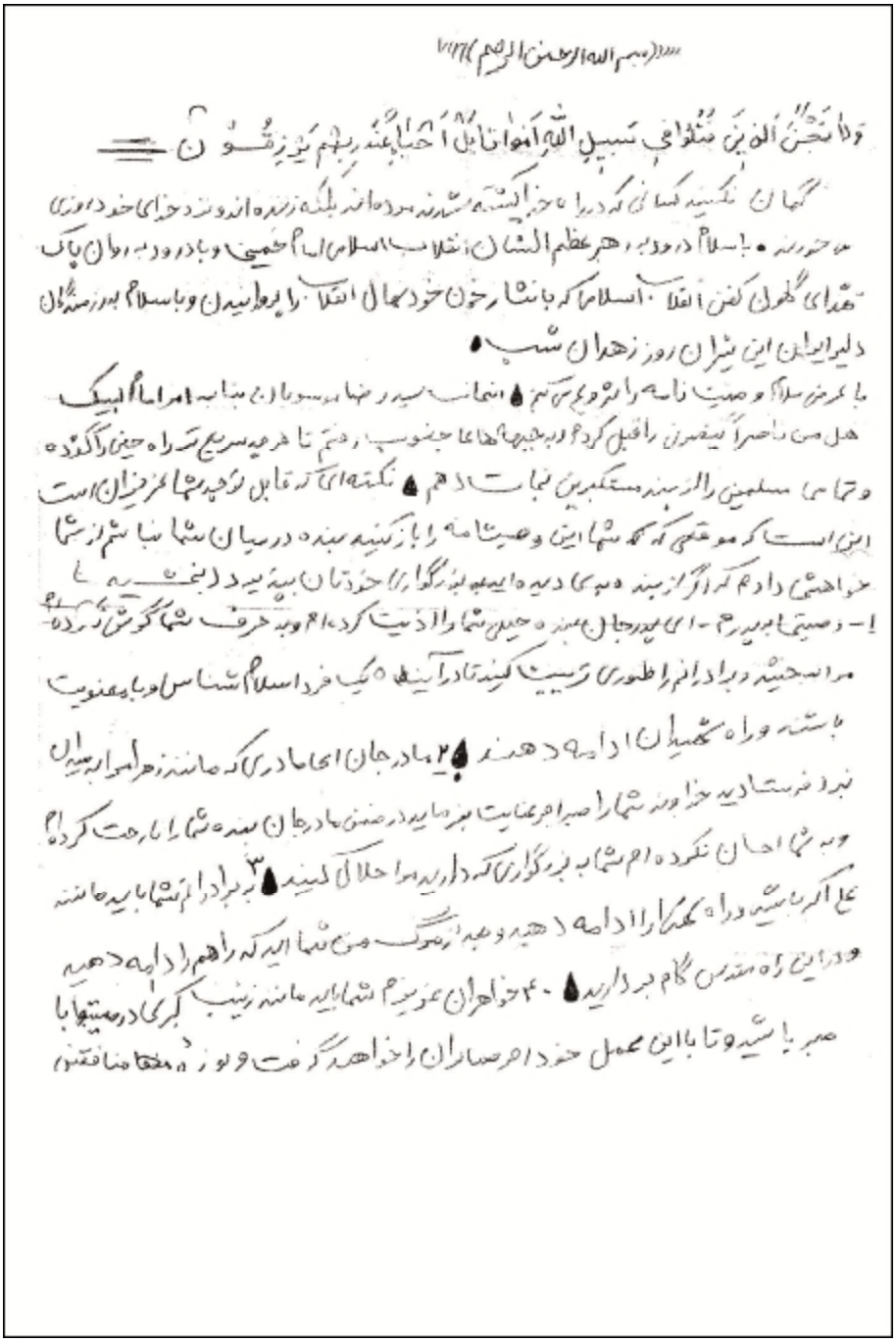
۱- در اصل وصیت «بدرغه».

۲- در اصل وصیت «نرفتم».

۳- ر.ک. تعلیقات. در اصل وصیت «... لم یستقم دین جد محمد ...».







بسم الله الرحمن الرحیم

وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ

گمان نکنید کسانی که در راه خدا کشته شده‌اند مرده‌اند بلکه زنده‌اند و نزد خدای خود روزی می‌خورند. با سلام و درود بر رهبر عظیم‌الشان انقلاب اسلامی امام خمینی و یاد و درود بر روان پاک شهدای گلگون کفن انقلاب اسلامی که با نثار خون خود بهار انقلاب را پدید آوردند و با سلام بر رزمندگان دلیر ایران این سرزمین روز زهدان شب.

با عرض سلام و وصیت نامه را شروع می‌کنم. انتخاب سید رضا به سوی ما بدین امر اسلام ایمان هل من ناصر را شنیدن را قبول کرد و به جبهه‌ها عاشقانه شتافت و هر چه سریع‌تر راه حسین را گرفته و تمامی مسلمین را از سیطره مستکبرین نجات داد. نکته‌ای که قابل توجه شما عزیزان است این است که موقعی که شما این وصیت‌نامه را بازگشایید زنده در میان شما نباشم از شما خواهش دارم که اگر از من کار نیک دیدید به یاد بود گذارید از خودتان بپرسید (بخشیده باد)

۱- وصیت اول من به پدر و مادر عزیزم است که در راه اسلام و به خاطر شما گوش نکردم مرا ببخشید و برادرانم را طوری تربیت کنید تا در آینده یک فرد اسلام‌شناس و با معنویت باشند و راه شهیدان ادامه دهند.

۲- مادر جان از شما می‌خواهم که مانند زهرا سیاه‌پوش نباشید و به خداوند شما را صبر و عنایت فرماید در ضمن مادر جان بنده شما را بخشیده و به شما احسان نکرده‌ام شما به بزرگواری که دارید مرا حلال کنید.

۳- برادرانم شما باید مانند علی اکبر باشید و راه حسین را ادامه دهید و به رهبر عزیز ما امام که راهم را ادامه دهید و در این راه مقدس گام بردارید.

۴- خواهران عزیزم شما باید مانند زینب کبری در مصیبتها با صبر باشید و تا با این محمل خود امر حسینیان را خواهید گرفت و لو زندگانی منافقین





نام: **اسدالله**
نام خانوادگی: **مؤمنی**
نام پدر: **غلامحسین**
نام مادر: **زهرا**
تاریخ تولد: **بیست‌ونهم شهریور ۱۳۴۱**
محل تولد: **شهرستان دامغان**
تحصیلات: **دیپلم**
ارگان اعزام‌کننده: **سپاه**
تاریخ شهادت: **پنجم فروردین ۱۳۶۲**
محل شهادت: **مهاباد**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش**
مزار: **گلزار شهدای فردوس‌رضای شهرستان دامغان**

عبارت‌های کلیدی

- هر لحظه که می‌گذرد به دیدار با خدا و معشوق خودم نزدیک‌تر می‌شوم.
- برای پیروزی و یاری این دین دعا می‌کنم.
- بوی غربت اسلام به مشام می‌رسد. از روحانیت عزیز می‌خواهم که مجدانه در این امر مهم اقدام نمایند.
- دعا برای امام یادتان نرود.
- از یاد خدا غافل نباشید. قرآن را بخوانید.

اسدالله مؤمنی

بسم الله الرحمن الرحیم

«الله اکبر اشهد ان لا اله الا الله اشهد ان محمداً رسول الله اشهد ان علیاً ولی الله».
«اللهم ما بنا من نعمة فمنک لا اله الا انت وحدک لا شریک لک»[۱].

خدایا ما هرچه داریم از توست، جز تو خدایی نیست، اهل توحیدیم، اهل شکریم و از گذشته‌های خود شرمساریم که نعمت‌هایت را از تو ندانستیم؛ «استغفرک و اتوب الیک».

با سلام و درود فراوان بر امام و امت و شهدای عزیزمان که اکنون در جوارشان هستیم. سلام بر ما و شما بندگان صالح خدا. اینک که این وصیت‌نامه را می‌نویسم در دل شب درون سنگر هستم با قلبی آکنده از عشق الهی زیرا هر لحظه که می‌گذرد به دیدار با خدا و معشوق خودم نزدیک‌تر می‌شوم.

من به‌خاطر این جبههٔ کردستان را انتخاب کردم زیرا اسلام به تمام معنا مظلوم است. به‌خدا اسلام در این منطقه مانند مظلومیت حسین(ع) است، به خدا قسم هر وقت تنها می‌شوم بر مظلومیت اسلام در دل شب، در داخل سنگر گریه می‌کنم و برای پیروزی و یاری این دین دعا می‌کنم. ای مسلمانان این مظلوم را یاری کنید. همچون‌که حسین زمان را یاری می‌کنید. خدایا تو یاور همهٔ مظلومان هستی، خدایا دین تو مظلوم است. به‌خدا راست می‌گویم. شما در این منطقه بیایید بوی غربت اسلام به مشام می‌رسد. من از روحانیت عزیز می‌خواهم که مجدانه در این امر مهم اقدام نمایند.

سخنی با پدر و مادرم. مادر عزیزم، از خداوند می‌خواهم ایمانمان را کامل گرداند و مقام یقینمان را برترین یقین قرار دهد و از خداوند متعال خواستارم که هر عمل فاسدی از من سر زده اصلاح کند و همچنین کسانی که از من ناراحتی دیده‌اند مرا مورد عفو و بخشش خود قرار دهند تا بار گناهانم کمتر شود. و دعا کنید گناهان مرا خداوند انشاءالله بیامرزد و بعد از جدا شدن روحم از جسم آلوده با امامان و صالحین محشور شوم. از یاد خدا غافل نباشید، قرآن را بخوانید، کتاب دعا را بخوانید و اشک بریزید و به درگاه خداوند

۱- مناجات امام صادق(ع). و از تعقیبات نماز مغرب و عشاء. مفاتیح‌الجنان، بحارالانوار، ج۸۳، ص۱۲۷.

ناله کنید که همین ناله‌ها و اشک‌ها بود که ما را به این پیروزی‌ها رسانید. شکر خدا را به‌جا آورید و منعم‌شناس باشید.

تا آنجا که برای خانواده‌ام مقدور است نماز و روزه بگیرید. مقداری پول در بانک دارم به بنیاد مسکن انقلاب اسلامی بدهید و یک تخته فرش دارم به یک عروس و داماد که وضع مادی آنها خوب نیست بدهید؛ که حالا که من به دامادی نرسیدم ولی آنها بتوانند به این امر مهم اقدام نمایند. از همه طلب بخشش و آمرزش می‌خواهم و من همه را بخشیدم. از دعا برای امام یادتان نرود.

«والسلام»

اسدالله مؤمنی

مهاباد ۶۱/۹/۱۴ (شب اربعین)

(بسمه تعالی)

ا...اکبر اشهدان لااله الا... ،اشهدان محمدرسول ا...اشهدان علی ولی ا...

اللهم ما بنا من نعمته فمنك لا... الا انت وحدك لا شریك لك

خدایاما هرچه داریم از توست،جز تو خدائی نیست،اهل توحیدیم،اهل شکریم واز گذشته ها خود شرمساریم که نعمتهایت را از تو ندانستیم (استغفرك واتوب الیك) باسلام و درود فراوان بر امام و امت و شهدای عزیزمان که اکنون در جوارشان هستیم. سلام بر ما و شما بندگان صالح خدا اینك که این وصیت نامه را می نویسم در دل شب درون سنگر هستم با قلبی آکنده از عشق الهی زیرا هر لحظه که میگذرد دیدار با خدا و معشوق خودم نزدیکتر میشوم من بخاطر این جبهه کردستان را انتخاب کردم زیرا اسلام بتمام معنا مظلوم است. بخدا اسلام در این منطقه مانند مظلومیت حسین(ع) است بخدا قسم هر وقت تنها میشوم بر مظلومیت اسلام در دل شب،در داخل سنگر گریه میکنم و برای پیروزی و یاری این دین دعا میکنم ای مسلمانان این مظلوم را یاری کنید،همچون که حسین زمان را یاری میکنید:خدایا تو یاور همه مظلومان هستی،خدایا دین تو مظلوم است بخدا راست میگویم ، شما در این منطقه بیائید بوی غربت اسلام به مشام می رسد من از روحانیت عزیز میخواهم که مجدانه در این امر مهم اقدام نمایند.

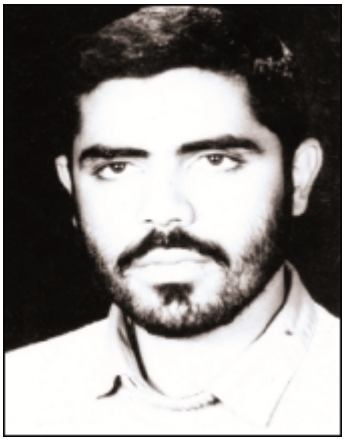
سخنی با پدر و مادرم،مادر عزیزم از خداوند میخواهم ایمانمان را کامل گرداند و مقام یقینمان را برترین یقین قرار دهد و از خداوند متعال خواستارم که هر عمل فاسدی از من سرزده اصلاح کند و همچنین کسانی که از من ناراحتی دیده اند مرا مورد عفو و بخشش خود قرار دهند تا بار گناهانم کمتر شود و دعا کنید گناهان مرا خداوند انشاءا...بیامرزد و بعد از جدا شدن روحم از جسم آلوده با امامان و صالحین محشور شوم. از یاد خدا غافل نباشد قرآن را بخوانید کتاب دعا را بخوانید و اشك بریزید و بدرگاه خداوند ناله کنید که همین ناله ها و اشکها بود که مرا باین پیروزیها رسانید شکر خدا را بجا آورید و منعم شناس باشید

تا آنجا که برای خانواده ام مقدور است نماز و روزه بگیرید، مقداری پول در بانك دارم به بنیاد مسکن انقلاب اسلامی بدهید و یك تخته فرش دارم که یك عروس و داماد که وضع مادی آنها خوب نیست بدهید که حالا من بدامادی نرسیدم ولی آنها بتوانند باین امر مهم اقدام نمایند

از دعا برای امام یادتان نرود

از همه طلب بخشش و آمرزش میخواهم و من همه را بخشیدم

والسلام ـ اسدا...مؤمنی مهاباد ۶۱/۹/۱۴ (شباربعین)



نام: **علی**
نام خانوادگی: **مؤمنی**
نام پدر: **غلامحسین**
نام مادر: **زهرا**
تاریخ تولد: **هفتم خرداد ۱۳۵۰**
محل تولد: **شهرستان دامغان**
تحصیلات: **چهارم متوسطه**
ارگان اعزام‌کننده: **سپاه**
تاریخ شهادت: **بیست‌ونهم تیر ۱۳۶۶**
محل شهادت: **جزیرهٔ مجنون**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش**
مزار: **فردوس‌رضای شهرستان زادگاهش**

عبارت‌های کلیدی

- به فرمان رهبر مسلمانان جهان و مرجع عالی‌قدر حضرت امام خمینی به جبههٔ حق بر علیه باطل شتافتم.
- برادران سپاه و بسیج، شما به‌عنوان بازوی مسلح ولایت فقیه و سربازان اسلام هستید.
- باید به وظیفهٔ خطیری که دارید آگاه باشید.
- دشمن ظالم و یاور مظلوم باشید.
- از رهبر عظیم‌الشأن انقلاب پیروی کنید که واقعاً نایب امام زمان(عج) می‌باشد.
- مادرم، قامتت را بلند گیر و ندای «الله اکبر، خمینی رهبر» سر ده.
- سخن شهیدان پیروی از قرآن و خدا می‌باشد.
- لحظه‌ای از نام و یاد خدا غافل نباشید، در راه دین خدا بکوشید.

علی مؤمنی

بسم الله الرحمن الرحیم

«ان الله اشتری من المؤمنین انفسهم و اموالهم بأن لهم الجنة یقاتلون فی سبیل الله فیقتلون و یقتلون وعداً علیه حقاً فی التوریة و الأنجیل و القرآن و من اوفی بعهده من الله فاستبشروا ببیعکم الذی بایعتم به و ذلک هو الفوز العظیم».

«خدا جان و مال اهل ایمان را به بهای بهشت خریداری کرده آنها در راه خدا جهاد می‌کنند که دشمنان دین را به قتل رسانند و یا خود کشته شوند این وعده قطعی است بر خدا و عهدی است که در سه دفتر آسمانی تورات و انجیل و قرآن یاد فرموده و از خدا باوفاتر کیست ای اهل ایمانت شما به خود در این معامله بشارت دهید که این معاهده با خدا به حقیقت سعادت و فیروزی بزرگی است». (توبه، آیهٔ ۱۱۱)

با سلام و درود بر منجی عالم بشریت این یگانه مرکب‌سوار جبهه‌ها که با ضربت شمشیرش جهان را پر از عدل می‌کند و با سلام و درود بر نایب برحقش این ابراهیم زمان امام خمینی و با سلام و درود بر شهیدان راه حق و فضیلت که با نثار خون خود این انقلاب را بیمه کرده‌اند و با سلام و درود بر معلولین و مجروحین انقلاب و جنگ، این جان‌نثاران قرآن و با سلام و درود بر سربازان امام زمان(عج) که می‌روند پرچم اسلام را در سرتاسر جهان برپا دارند و با سلام و درود بر شما امت شهیدپرور که هر روز با دادن هر شهیدی مقاوم‌تر می‌شوید و با سلام و درود بر پدر و مادر عزیزم که با فرستادن فرزند خود به جبهه خواسته‌اید به نوبهٔ خود اسلام را یاری کنید.

پدر و مادر عزیز و گرامی‌ام، اینجانب با آگاهی کاملی که به شهادت دارم، برای دفاع از اسلام و حیثیت انقلاب اسلامی و دفاع از مملکت اسلامی به فرمان رهبر مسلمانان جهان و مرجع عالی‌قدر حضرت امام خمینی به جبههٔ حق علیه باطل شتافتم.

خداوندا در این دنیا که نتوانستم آنطور که تو می‌خواهی زندگی کنم، پس مرگم را آنچنان قرار ده که لااقل بدینگونه کفاره گناهان کبیره و صغیره را ادا کرده باشم. خدایا تو می‌دانی که برای همین عازم به جبههٔ جنگ کفر و ایمان شدم تا شاید از روی لطف و کرامت مرا از بندگان خود قرار دهی.

برادران سپاه و بسیج، شما به‌عنوان بازوی مسلح ولایت فقیه و سربازان اسلام هستید و در خاطره‌ها یاد سربازان صدر اسلام را زنده می‌کنید. پس باید به وظیفهٔ خطیری که دارید آگاه باشید و آن صیانت از اسلام عزیز است. در این راه باید شب و روز برای رضای خداوند و حراست از دین خدا تلاش کنید. و همهٔ ما مدیون این رهبر و این انقلاب هستیم و باید که این انقلاب را به اقصی نقاط دنیا صادر کرده و مقدمهٔ ظهور حضرت مهدی(عج) را فراهم آوریم. برادران، شما امیدان آیندهٔ انقلاب هستید و شما وارث خون شهیدان می‌باشید. تا می‌توانید دشمن ظالم و یاور مظلوم باشید و از رهبر عظیم‌الشأن انقلاب پیروی کنید که واقعاً نایب امام زمان می‌باشد.

مادرم، از تو می‌خواهم که همچون مادر شهید علم‌الهدی[1] به شهادت فرزندت افتخار کن. پدر و مادرم و قوم و خویشانم، حال که من شهید شدم هیچ ناراحت نباشید و بر سر قبر من گریه نکنید، زیرا کسی نبود که بر سر قبر حسین (ع) گریه کند. مادر جان، داغ فرزند برای مادر خیلی مشکل است ولی من از شما انتظار دارم که مانند بانوی بزرگوار اسلام یعنی حضرت زینب(علیها السلام) در برابر مشکلات و داغ فرزندت مقاومت نموده و سکوت را تا حد امکان مراعات کرده تا دشمنان اسلام و منافقین[2] بدانند که در هر زمانی مادرانی شیر زن چون شما پیرو زینب(س) هستند و فرزندان خود را با افتخار هدیهٔ اسلام می کنند. مادرم، قامتت را بلند گیر و ندای «الله اکبر، خمینی رهبر» سر ده و سخن شهیدان راه خدا را به مردم برسان که همانا سخن ما پیروی از قرآن و خدا می‌باشد.

پدر و مادرم، کوه باشید و چون کوه استقامت کنید، لحظه‌ای از نام و یاد خدا غافل نباشید، در راه دین خدا بکوشید که هرچه بکوشید باز کم است.

مادرم گریه نکن، بخند و خوشحال باش زیرا در راه هدف مقدس گام برداشته و جان باخته‌ام. مادرم، تو بوستان سبز وجود من و من آن غنچهٔ توام که تو پرورده‌ای. مادرم، درود بر تو که بالأخره بر احساس مادرانه‌ات پیروز شدی و فرزندت را روانهٔ میدان نبرد کفار با

۱- ر.ک.تعلیقات.

۲- ر.ک.تعلیقات.

مسلمین کردی و گفتی که تو را در راه خدا به انقلاب اسلامی هدیه می‌کنم و من به وجـود تو افتخار می‌کنم که مادری از سلالهٔ زهرا(س) هستید.

پدر و مادر عزیزم، من ۴ روز روزه بدهکارم. این حقیر از همـهٔ دوسـتان و خویـشان و پدر و مادر و برادارن و خواهران خود طلـب آمـرزش و بخـشش مـی‌خـواهم. و بـه امیـد پیروزی حق علیه باطل.

«والسلام»

علی مومنی

۶۵/۱/۹ اهواز

بسم الله الرحمن الرحیم

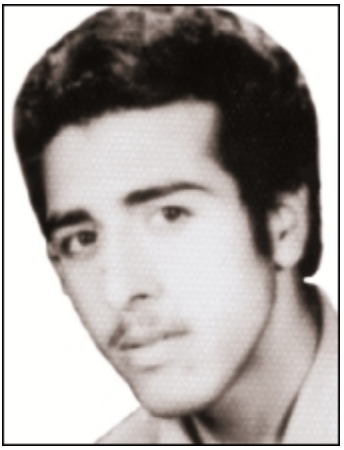
إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَىٰ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُم بِأَنَّ لَهُمُ الْجَنَّةَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلُونَ وَيُقْتَلُونَ وَعْدًا عَلَيْهِ حَقًّا فِي التَّوْرَاةِ وَالْإِنجِيلِ وَالْقُرْآنِ وَمَنْ أَوْفَىٰ بِعَهْدِهِ مِنَ اللَّهِ فَاسْتَبْشِرُوا بِبَيْعِكُمُ الَّذِي بَايَعْتُم بِهِ وَذَٰلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ . (۹، ۱۱۱)

خداجان ومال اهل ایمان رابهای بهشت خریداری‌کرده‌آنها درراه‌خدا جهاد میکنند که دشمنان دین رابقتل رسانند ویاخودکشته شوند این وعده قطعی است برخداوعهد بست که درسه دفترآسمانی توراة وانجیل وقرآن یاد فرموده وازخدا باوفاتر بعهد کیست ای اهل ایمان شما بخود دراین معامله بشارت دهید که این معاهده باخدا بحقیقت سعادت وفیروزی بزرگی است . (توبه آیه ۱۱۱)

باسلام ودرود برمنجی عالم بشریت این یگانه مرکبسوار جبهه هاکه باضربت شمشیرش جهان راپراز عدل میکند وباسلام ودرود برنایب برحقش این ابراهیم زمان امام خمینی وباسلام ودرود برشهیدان راه حق وفضیلت که‌بانثار خون خود این انقلاب راببیه کرده اند وباسلام ودرود برمعلولین ومجروحین انقلاب وجنگ این جان‌نثاران قرآن وباسلام ودرود برسربازان‌امام زمان که میروند پرچم اسلام راگرسرتاسر جهان برپا دارند وباسلام ودرودبرشماامت شهیدپرور که هرروز بادادن هرشهیدی‌مقاومتر می شوید وباسلام ودرود برپدرومادرعزیزم که بافرستادن فرزند خودبه‌جبهه خواسته اید به نهضت خوداسلام راباری کنید پدرومادر عزیز وگرامیم اینجانب با اگاهی کاملی کهبه شهادت دارم برای دفاع‌از اسلام وحیثیت انقلاب اسلامی ودفاع‌ازمملکت اسلامی به‌فرمان رهبر مسلمانان جهان ومرجع طایفه‌در حضرت امام خمینی به‌جبهه حق‌برطبیه باطل شتافتم، خداوندا دراین دنیاکه‌نتوانستم‌آنطور که‌تومی خواهی زندگی کنم‌پس مرگم راآنچنان‌قرارده که لااقل بدینگونه کفاره گناهان کبیره وصغیره رااداکرده باشم خدایا تومی دانی‌که‌برای همین‌طرز به‌جبهه جنگ کفروایمان‌شدم تا شاید ازروی‌لطف وکرامتحرا ازبندگان خود قرارده‌ی . برادران سپاه‌پاسدار شمابعنوان بازوی مسلح ولایت فقیه وسربازان اسلام هستیدودرخاطره ها یادسربازان صدراسلام‌رازنده می‌کنید پس باید بوظیفه خطیری‌که دارید آگاه باشیدوآن‌صیانت‌از اسلام عزیز است دراین راه باید شبوروز برای رضای خداوند وحراست‌ازدین خداتلاش‌کنید وهمه ما مدیون این رهبروانقلاب هستیم وباید که این انقلاب رابه اقصی نقاط‌دنیا صادرکرده ومقدمه ظهور حضرت مهدی (عج) رافراهم آوریم برادران شما امیدان آینده انقلاب هستید وشما وارث خون شهیدان

می باشید نا میتوانید دشمن ظالم ویا ومظلوم باشید واز رهبرعظیم الشان انقلاب پیروی کنید کهواقعاً نایب امام زمان می‌باشد مادرم از تومیخواهم که همچون مادرشهید طالبها به شهادت فرزندت افتخار کنی بدرومادرم وقوم وخویشانم حال کهمن شهید شدم هیچ ناراحت نباشید وبرسرقبرمن گریه نکنید زیراکسی نبودکهبرسر قبرحسین (ع)گریه کند مادرجان داغ فرزندبرای مادرخیلی مشکل استولی من از شما انتظار دارم که مانند بانوی بزرگوار اسلام یعنی حضرت زینب وبرابر مشکلات وداغ فرزندت مقاومت نموده وسکوت راتا حد امکان مراعات کرده تا دشمنان اسلام ومنافقین بدانندکه درهر زمانی مادرانی شیرزن چون شما پیرو زینب (س) هستند وفرزندان خودرا با افتخارهدیه اسلام می‌کنند مادرم قامت رابلندگیروندای باللهاکبر خمینی رهبر سرده وسخن شهیدان راه خدارابمردم برسان که همان سخن ما پیروی از قرآن وخدا می‌باشد مادرومادرم کوه باشید وچون کوه استقامت کنید لحظه ای ازنام ویاد خدا غافل نباشید درراه دین خدا بکوشید که هر چه بکوشید باز کم است مادرم گریه نکن بخند وخوشحال باش زیرا درراه هدف مقدس گام برداشته و جان با خته ام مادرم تو بوستان سبز وجودمن ومن آن ضجه توام کهتورورده ای مادرم درود برتوکه با آخره براحساس مادرانه ات پیروزشدی وفرزندتوا روانه میدان نبردکفاریا مسلمین کردی وگفتی که توراد راه خدابه انقلاب اسلامی هدیه می‌کنم من بوجود توافتخارمیکنم که مادری زسلاله زهرا (س) هستید مادرومادرعزیزم من ۲ روز روزه بدهکارم این حقیر ازهمه دوستان وخویشان وبدرومادروبرادران وخواهران خود طلب آمرزش وبخشش می‌خواهم وبامید پیروزی حق برباطل . والسلام

علی مومنی ۶۵/۱/۹ اهواز



نام: **روح الله**
نام خانوادگی: **مؤمنیان**
نام پدر: **علی‌اکبر**
نام مادر: **سکینه**
تاریخ تولد: **یازدهم فروردین ۱۳۴۵**
محل تولد: **شهرستان مهدیشهر**
تحصیلات: **دانش‌آموز چهارم متوسطه**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **سی‌ام اردیبهشت ۱۳۶۵**
محل شهادت: **مهران**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش**
مزار: **گلزار شهدای زادگاهش**

عبارت‌های کلیدی

- می‌خواهم به جایی رجعت کنم که جای حقیقی من است.
- چند وقتی است احساسی در درون دارم که نمی‌توانم در اینجا بمانم.
- دیگر نمی‌توانم به خودم اجازه دهم که در این دنیای مادی بمانم.
- دل به دریای عشق الهی می‌زنم و خود را فدای عشق الهی می‌کنم.
- هدف از رفتن من به جبهه فقط رضای خداست.
- جهاد و شهادت هر دو سلاح یک مسلمان است.
- چه بهتر در راه خدا جنگیدن و در این راه شربت شهادت نوشیدن.
- باید از اسلام دفاع کرد.
- در یک آزمایش بزرگ الهی قرار گرفته‌ایم.
- بدانید که من آگاهانه در خط سرخ آل محمد(ص) و علی(ع) گام نهادم.
- خندان می‌میرم زیرا که دینم را زنده می‌کنم.
- قرآن را زیاد تلاوت کنید که بهار دل‌هاست.

روح‌الله مؤمنیان

بسم الله الرحمن الرحیم

به‌نام الله یگانه معبود عاشقان و عارفان و شهیدان

«الذین امنوا و هاجروا و جاهدوا فی سبیل الله باموالهم و انفسهم اعظم درجة عند الله و اولئک هم الفائزون»[۱].

«آنان که ایمان آورده‌اند و هجرت کردند و در راه خدا کوشش نمودند به مال‌ها و جان‌های خود پس اجر بزرگی نزد خدا دارند و آنانند رستگاران».

حمد و سپاس خدایی را که همه چیزم اوست، زندگی‌ام در جهت اوست و سپاس او که زنده به اویم و سپاس او که به اویم، زنده بودنم به خاطر اوست، بودنم از اوست، رفتنم از اوست، یادم اوست، جانم اوست، معشوقم اوست، معبودم اوست، مقصودم اوست، مرادم اوست. احساسش می‌کنم با ذره ذرهٔ وجودم، با تمام سلول‌هایم احساسش می‌کنم اما بیانش نتوانم کرد.

حمد بیکران خدای «لا شریک له» را که در این عمر کوتاه مرا با اسلام مأنوس گردانید و مرا به راهی که رضای او در آن است رهنمون ساخت و درود و سلام بر بنده و رسول پاک او محمد(ص) که با آیین الهی که از جانب خدا آورد رستگاری را بر بندگان خدا به ارمغان آورد و با سلام و درود بر یگانه منجی عالم بشریت حضرت بقیةالله‌الأعظم امام زمان(عج) ارواحنا له الفداء و با سلام و درود بر نایب برحقش بزرگ مرجع عالی‌قدر اسلام رهبر عزیز انقلاب اسلامی ایران امام خمینی و با سلام و درود بر شهدای راه حق و فضلیت و آزادی از صدر اسلام تا کنون و با سلام و درود بر تمامی راست‌قامتان صحنه‌های نبرد، رزمندگان دلاور اسلام.

اینجانب بندهٔ حقیر خدا وصیت‌نامه‌ام را شروع می‌کنم تا در آینده روشنگر و نشانگر راه ما و تمامی کسانی که در این ره جان باخته‌اند باشد. خدایا مرا توفیق آن ده که آنچه در دل

۱- توبه/ ۲۰.

و عقیده دارم بی‌ریا بر روی کاغذ بیاورم و آنچه می‌ماند وصیتی باشد وسیله از برای هدایت.

چند مدتی است که در دلم حال و هوایی دیگر دارم و می‌خواهم به جایی رجعت کنم که جای حقیقی من است و از دنیای تنگ و کوچک و زودگذر جدا شوم و به جایی بروم که لایق انسان حقیقی است، چند مدتی است احساسی در درون دارم که نمی‌توانم در اینجا بمانم، دوست دارم به آنجایی بروم که عزیزان اسلام رفته‌اند. حال که چنین است دیگر این روح سرکش و طغیانگر اجازه نمی‌دهد در این دنیای پر از معصیت و گناه بمانم، دیگر نمی‌توانم به خودم اجازه دهم که در این دنیای مادی بمانم، این دل و روح و جان من پرپر کنان عاشق است.

خوش بخون ای مرغ بی‌پروای عشق دم زن از اسرار روح‌افزای عشق[1]

آری این عشق وجودم را می‌سوزاند و هر روز بیشتر و بیشتر. دیگر نمی‌توانم طاقت بیاورم و دل به دریای عشق الهی می‌زنم و خود را فدای عشق الهی می‌کنم.

ای خدای من و ای مولای من، مانعمان شو که عمرمان بیهوده تلف شود و دستهامان تهی ماند و جز گناه چیزی برایمان نماند. چنان عشق خویش را بر جانهامان سرازیر ساز که چشم‌هامان اندک به خواب رود و همواره در غمت گریان باشد و در راهت به کار افتد و تن‌هامان در مسیرت آرام نگیرد و دلهامان بی‌قرار تو باشد.

ای امت حزب‌الله، هدف از رفتن من به جبهه فقط رضای خداست و بس. و در این راه دو هدف را دنبال می‌کنم، ۱- جهاد در راه خدا و مبارزه با کفار و پیروزی اسلام بر کفر ۲- شهادت در راه خدا؛ که هر کدام نصیبم گشت برایم افتخارآمیز است زیرا در هر دو حال پیروزی با ماست. آری جهاد و شهادت هر دو سلاح یک مسلمان است، مسلمانی که راهش، عشقش، قلبش و هدفش حرکت به سوی خدا باشد.

اکنون که دشمنان قسم‌خوردهٔ اسلام کمر همت برای نابودی اسلام بسته‌اند بر شماست ای مسلمانان که جامه ذلت نپوشید و همچون ائمهٔ اطهار(ع) خصوصاً سرور و سالار

۱- شعر از منطق‌الطیر عطار است.

شهیدان امام حسین(ع) مردانه به دفاع از مکتب و آیین و ناموس خود برخیزند و خود را سپر دین خود قرار دهید نه اینکه دین را سپر سازید. آخر اگر قرار است که همه‌مان بمیریم، پس بیایید با افتخار بمیریم و چه بهتر که در راه خدا جنگیدن و در این راه شربت شهادت نوشیدن.

ای امت حزب‌الله، از مرگ نترسید و به استقبال مرگ بروید، به قول امام علی(علیه‌السلام) «مگر شما کودکی را سراغ دارید که از پستان مادر بترسد»[1]. و این را نیز بدانید که همه شما مسئولید در برابر خون شهدای اسلام و ملل مستضعف و تحت ستم عراق، فلسطین، لبنان و آفریقا و غیره و بدانید که اگر سکوت اختیار کنید هرگز در روز قیامت جوابگو نخواهید بود. اکنون به مانند زمان سیدالشهداء(ع) است و باید با خون درخت اسلام را آبیاری نمود تا رشد کند و باید به وظایف اسلامی خودتان عمل نمایید.

و اما والدین عزیزم. می‌دانم که هر پدر و مادری دوست دارد فرزندش در کنارش باشد و هرگز از او جدا نشود. ولی چه کنیم؟ مسئلهٔ اسلام در میان است و ما از همه چیزمان بگذریم، از اسلام نمی‌توانیم بگذریم و چاره‌ای نیست باید از اسلام دفاع کرد. و در یک آزمایش بزرگ الهی قرار گرفته‌ایم که امیدوارم با الطاف خداوندی هم ما و هم شما سربلند و پیروز از این آزمایش الهی سالم به در آییم.

و می‌بخشید از اینکه فرزند خوبی برای شما نبودم و حلالم کنید شاید که از مشمولین رحمت خدا گردم. و بدانید که من آگاهانه در خط سرخ آل محمد(ص) و علی(ع) گام نهادم و صبر داشته باشید چراکه به خدا سوگند که نهضت‌های الهی هرگز با شهادت و آزار رهروانش در هم نمی‌ریزد و تاریخ نیکوترین گواه است. بگذار تا خون‌آشامان ددصفت گلوگاهم را به برق ضربات شمشیرهایشان بدرند، ولی بدانید هرگز نخواهند توانست حصار فکرم را تسخیر کنند و روشنایی یقین و قدرت ایمانم را نمی‌توانند بگیرند چراکه نور آن در نهان قلب من است و قلبم نیز در پیشگاه خدا. زندگانی می‌کردم در حالی‌که به ریسمان ایمان و عقیده‌ام چنگ زده بودم و خندان می‌میریم زیراکه دینم را زنده می‌کنم.

۱- ترجمه این سخن از حضرت امام علی(ع) است. «والله لابن ابی طالب آنس بالموت من الطفل بثدی امّهِ». شرح نهج‌البلاغه، ج ۱، ص ۲۱۳. در اصل وصیت ترجمه این عبارت را از آن امام حسین(ع) دانسته است.

و اما برادرانم و دوستانم، شما اسلحهٔ مرا از زمین بردارید و به نبرد بی‌امان خود تا حاکمیت کامل حکومت الله ادامه دهید. و خواهران گرانقدرم، تنها نصحیت من به شما این است که فاطمهٔ زهرا(س) و حضرت زینب(س) را سرمشق خود قرار دهید. و سفارش دیگر به شماها این است که در تمامی صحنه‌ها حضور فعال داشته باشید و قرآن را زیاد تلاوت کنید که بهار دلهاست و نماز جمعه و جماعات و دعاهای توسل و کمیل و غیره را فراموش نکنید و راه امام عزیز که همان راه اسلام است بپیمایید و هیچگاه تلاطم روزگار شما را از مسیر اصلی که رسیدن بخداست منحرف نسازد و همیشه سعی کنید در زندگی مقیاس خود را اسلام قرار دهید و بر طبق موازین الهی آن عمل نمایید.

و در آخر امیدوارم که خدا ما را از بندگان واقعی خود و سرباز حقیقی مهدی فاطمه(س) قرار دهد.

«**یا ایتها النفس المطمئنة ارجعی الی ربک** راضیة مرضیة **فادخلی فی عبادی و ادخلی جنتی**»[۱].

خدایا خدایا، تا انقلاب مهدی(عج)، خمینی را نگهدار. خدایا خدایا، رزمندگان اسلام، نصرت عطا بفرما.

۶۵/۱/۱۲

[وصیت‌نامه‌ای دیگر]

بسم الله الرحمن الرحیم

مطالبی را که در اینجا می‌آورم به عنوان وصیت خانوادگی است که حضور والدین عزیز و خواهران و برادران عزیزم می‌نویسم.

مطلب اول که باید در اینجا بیاورم این است که: والدین عزیزم، می‌بخشید که بنده فرزند خوبی برای شما نبودم و واقعاً متأسفم که نتوانستم حق فرزندی را به‌خوبی ادا نمایم. ولی والدین گرامی‌ام، امیدوارم که مرا ببخشید تا مورد لطف و رحمت خدای قادر متعال

۱- فجر/ ۳۰-۲۷. «تو ای روح آرام‌یافته به سوی پروردگارت باز گرد و در حالی که هم تو از او خشنودی و هم از تو خشنود است پس در سلک بندگانم درآی و در بهشتم وارد شو».

قرار گیرم. و خواهران و برادرانم، اگر در زندگی حقی از شما را ضایع کردم و حق برادری را نسبت به شما ادا نکرده‌ام جداً از شما عاجزانه می‌خواهم که مرا حلال کنید.

و اصل مطلبی که می‌خواستم بنویسم در رابطه با نماز و روزه است. چونکه بنده امسال در ماه رمضان در جبهه بوده‌ام، یک ماه روزه دارم، و شما برای آمرزش گناهان بنده هم یک ماه اضافه کنید و دو ماه روزه برایم بدهید. و نماز هم تا آنجا که توانستم به‌جا آوردم ولی شما نماز را یک سال بدهید تا برایم نماز بخوانند. و همچنین قرآن‌خوانی و استغفار برای حقیر فراموش نفرمایید.

در رابطه با وسایل شخصی، خودتان به‌هر صورت صحیح می‌دانید عمل کنید.

[وصیت‌نامه‌ای دیگر]

بسم الله الرحمن الرحیم

همانطوری که برادران عزیز رزمنده می‌دانند و از آنجایی که هر برنامه و عملیاتی در جبهه مسلماً شهدایی را به دنبال خواهد داشت- که این مسئله از اول جنگ بوده و همیشه ادامه دارد- [و][1] به هر حال عده‌ای از بندگان خالص خدا به‌سوی او پرواز می‌کنند طبق این برادرانی که در زیر امضاء می‌کنند باید خود را در پیشگاه خدا مسئول بدانند و به قول خود عمل نمایند که اگر در جبهه به شرف شهادت نایل آمدند، طبق این قرارداد باید [...][2] فراموش نفرمایند و در روز قیامت که دستگیره‌ای برای هیچ کس نیست آنها دست دوستان خود را بگیرند و شفیع آنها باشند، انشاءالله.*

«والسلام»

۱- اضافه است.

۲- خوانا نیست.

* در ذیل اصل وصیت امضای ۱۸ نفر آمده است.



روح الله موسویان

بسم الله الرحمن الرحیم

الذین آمنوا وهاجروا وجاهدوا فی سبیل الله باموالهم وانفسهم اعظم درجة عندالله واولئک هم الفائزون

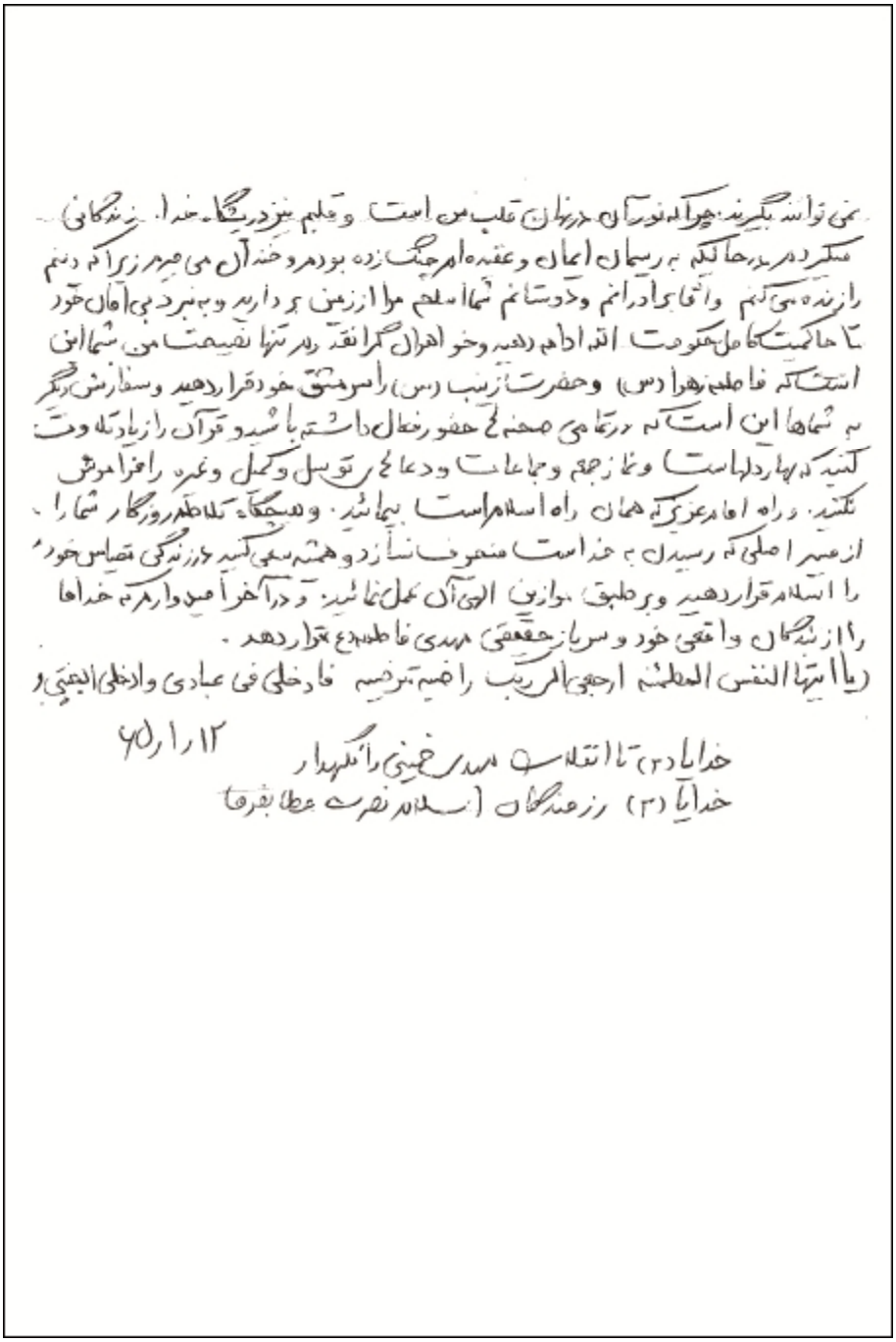
آنانکه ایمان آوردند و هجرت کردند و در راه خدا کوشش نمودند بمالها و جانهای خود، پیش اجر بزرگی نزد خدا دارند و آنانند رستگاران.

حمد و سپاس خدایی را که همه چیز از اوست، زندگیم در جهت اوست و سپاس او که زنده ام و سپاس او که به اوم. زنده بودنم به خاطر اوست. بودنم از اوست. رفتنم از اوست یادم از اوست. جانم اوست. معشوقم اوست. معبودم اوست. مقصودم اوست. مرا او دوست، احساس می کنم با ذره ذره وجودم. با تمام سلولهایم احساسش می کنم اقیانوسش توانم کرد. حمد بیکران خدای را شکر که ما را در این عمر کوتاه سوی اسلام ناب محمدی گرداند و مرا به راهی که فضای اوج آن است رهنمون ساخت و درود و سلام بر بنده و رسول برگزیده او محمد (ص) که با آئین الهی که از جانب خدا آورد رستگاری را برای بندگان خدا ارمغان آورد و باشد درود بیکران منجی عالم بشریت حضرت بقیة الله الاعظم امام زمان (عج) روحی له الفداء و با سلام و درود بی تابم به حقش بر تمام موجودات عالم بخصوص رهبر عزیز انقلاب اسلامی نایب الائمه امام خمینی و با سلام و درود بی شمار بر راه حق و فضیلت و آزادی از صدر اسلام تاکنون و با سلام و درود بی تمامی است تا قیام صبح ۴ بر یزد، رزمندگان دلاور اسلام، اینجانب بنده حقیر خدا وصیت نامه ام را شروع میکنم تا در آینده روشنگر و نشانگر راه ما و تمامی کسانیکه در این ره جان باخته اند باشد. خدایا. مرا توفیق آن ده که آنچه در دل و عقیده دارم بر تابی روی کاغذ بیاورم آنچه می ماند وصیتی باشد و سیله ای برای هدایت. خدایا! چندین سال است که در دلم حال و هوای دیگر دارم و می خواهم به جائی رجعت کنم که جای حقیقی من است و از دنیای رنگ و لعاب و زودگذر جدا شوم و به جائی روم که لایق انسان حقیقی است. چند وقتی است احساسی در درون خود دارم که نمیتوانم در اینجا بمانم. دوست دارم به آنجائی روم که عزیزان اسلام رفته اند حال که چنین است. دیگر این روح سرکش و طغیانگر اجازه نمیدهد در این دنیای پر از معصیت و گناه بمانم. دیگر نمی توانم به خودم اجازه دهم که در این دنیا دیگر بمانم این دل و روح و جان من پرکشان عاشق است

خوش بخوان ای مرغ پرّان عشق دم بزن از اسرار روح افزای عشق

آری این عشق وجودم را می سوزاند و هر روز پیرتر و پیرتر. دیگر نمی توانم طاقت بیاورم

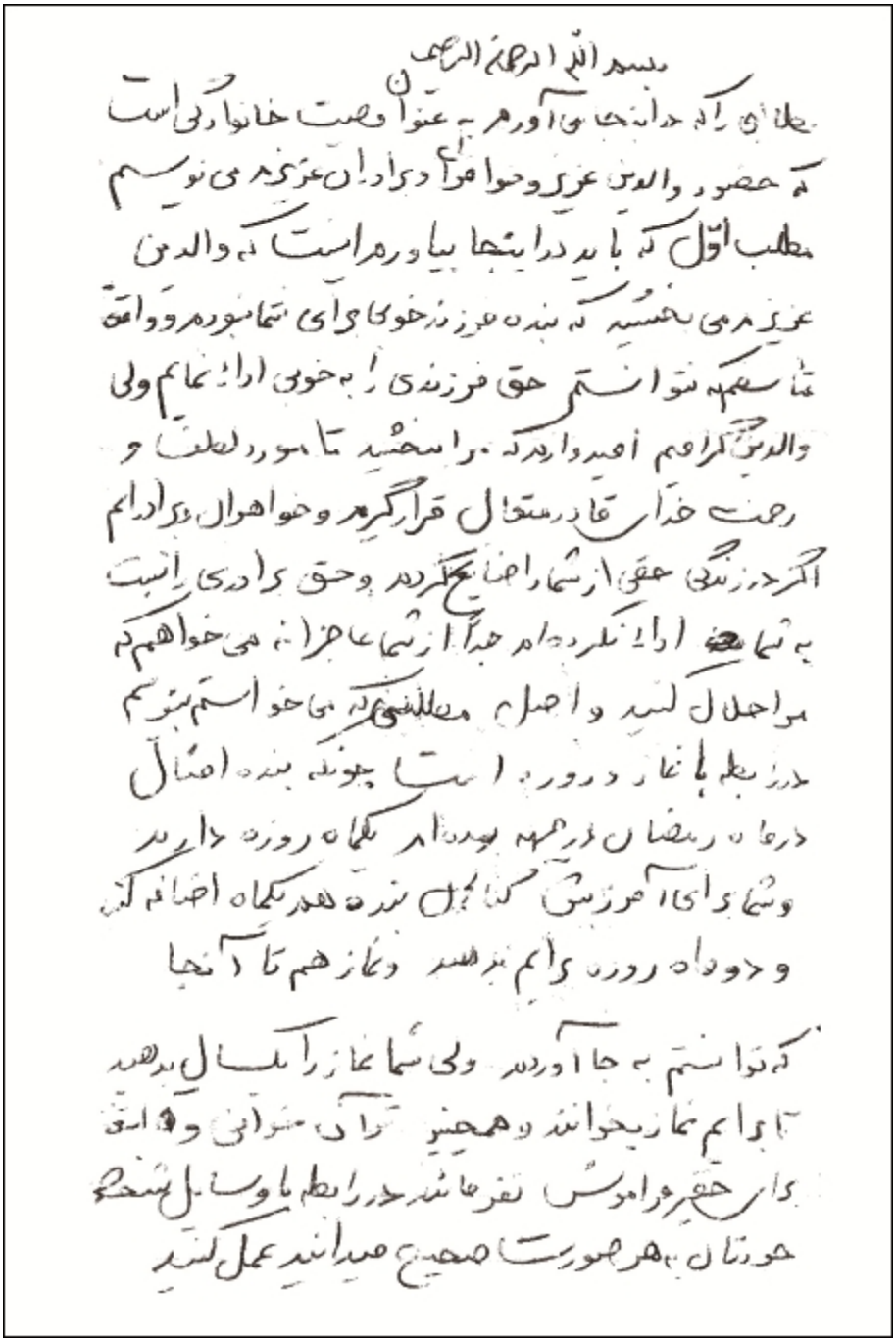




می‌توانند بگیرند. چرا که قرآن در زمان غیبت من است و تعلیم بزرگ خدا را زندگانی
میکردم بدرجاتکم به ریسمان ایمان و عقیده‌ام چنگ زده بودم و خدا آن می‌میرم زیرا که دینم
را زنده می‌کنم و آقا برادرانم و دوستانم شما سلحم مرا از من برداریم و به نبرد بی‌امان خود
تا حاکمیت کامل حکومت الله ادامه دهید و خواهران گرانقدر رهبر تنها نصیحت من شما این
است که فاطمه زهرا (س) و حضرت زینب (س) را سرمشق خود قرار دهید و سفارش دیگر
به شما این است که در تمامی صحنه‌ها حضور فعال داشته باشید و قرآن را زیاد تلاوت
کنید که بهار دلهاست و نماز جمعه و جماعات و دعای توسل و کمیل و غیره را فراموش
نکنید و راه امام عزیز که همان راه اسلام است بپیمائید و سرانجام خدا را
از صمیم قلبی که رسیدن به خداست منظور نظر دارید و همیشه سعی کنید در زندگی تماس خود
را با اسلام قرار دهید و بر طبق موازین الهی آن عمل نمائید و در آخر امیدوارم که خدا ما
را از بندگان واقعی خود و سرباز حقیقی مهدی فاطمه قرار دهد.
(یا ایتها النفس المطمئنة ارجعی الی ربک راضیة مرضیة فادخلی فی عبادی وادخلی الجنتی)

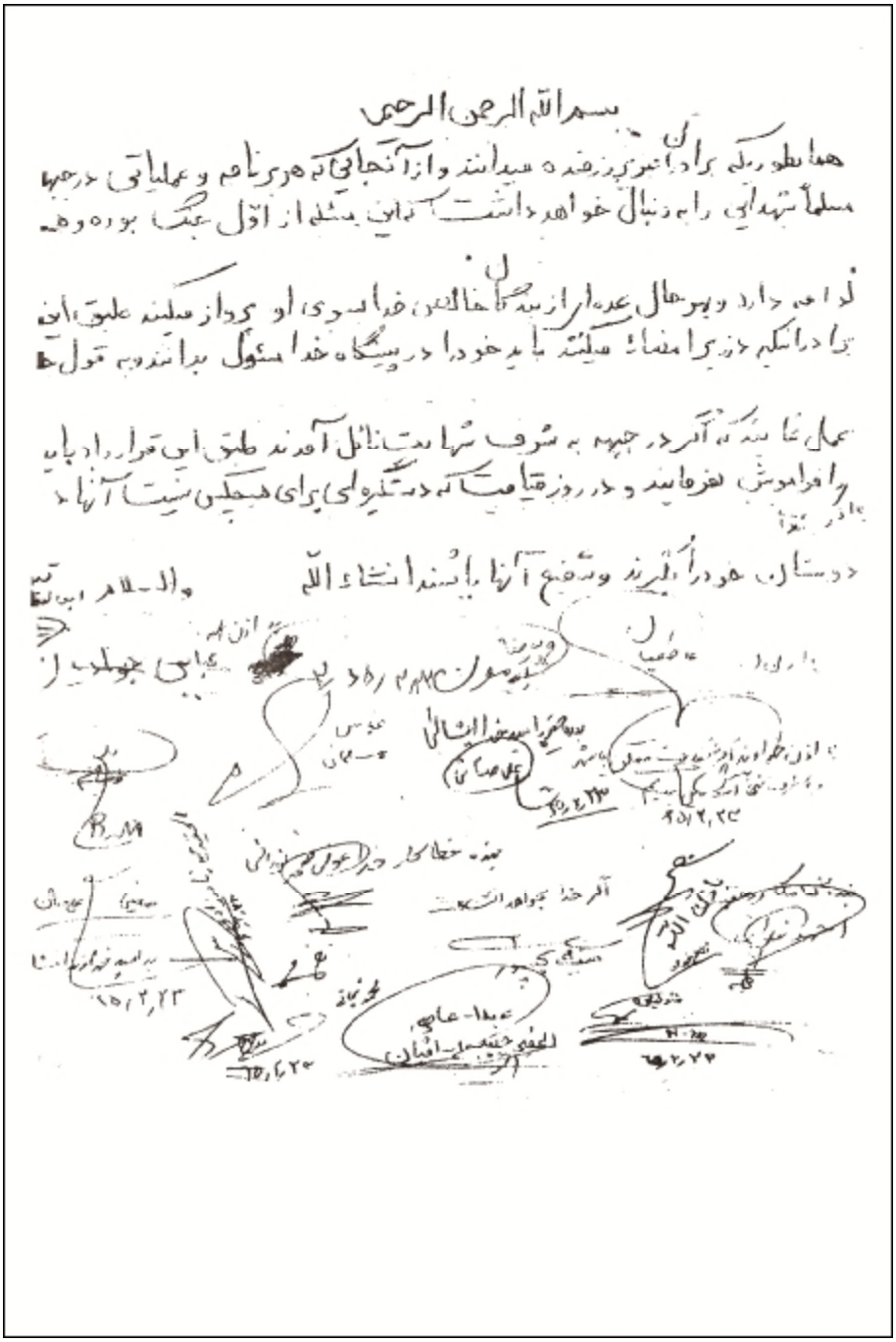
۶۰/۱/۱۲

خدایا (۲) تا انقلاب اسلامی رهبر خمینی را نگهدار
خدایا (۳) رزمندگان اسلام را نصرت عطا بفرما



بسم الله الرحمن الرحیم

عطای را که در اینجا می آورم به عنوان وصیت خانوادگی است
که حضور والدین عزیز و خواهرم دریاد آن عزیز می نویسم
مطلب اول که باید در اینجا بیاورم این است که والدین
عزیزم می بخشید که بنده عزیز نتوانستم وظایفی را که
شما بر عهده من داشتید تمام و کمال انجام دهم ولی
والدین گرامی امیدوارم که مرا ببخشید تا مورد لطف و
رحمت خدای تعالی قرار گیرم و خواهران عزیزم
اگر در زندگی حقی از شما ضایع کرده و حق داری
به شما ندادم حلال کنید و اصلا مطلبی که می خواستم بنویسم
در رابطه با نماز و روزه است چون بنده اهمال
در نماز و روزه داشتم امیدوارم که ماه روزه داری
و شما را آموزش کامل بدهم هر ماه انجام کنم
و دو ماه روزه پی در پی بگیرم و نماز هم تا آنجا
که توانستم به جا آورده ولی شما نماز را کامل بدهید
تا برایم نماز بخوانند و همچنین قرآن می توانی و
برای خود فراموش نفرمائید در رابطه با وسایل شخصی
خودتان به هر صورت صحیح میدانید عمل کنید





نام: **ناصر**
نام خانوادگی: **مؤمنیان**
نام پدر: **عباس**
نام مادر: **فاطمه‌زهرا**
تاریخ تولد: **یازدهم اردیبهشت ۱۳۳۵**
محل تولد: **شهرستان مهدیشهر**
تحصیلات: **چهارم متوسطه**
ارگان اعـزام‌کننـده: **سـتاد جنـگ‌هـای نامنظم**
تاریخ شهادت: **سی‌ام خرداد ۱۳۶۰**
محل شهادت: **دهلاویه**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش**
مزار: **گلزار شهدای زادگاهش**

عبارت‌های کلیدی

- پدر و مادر مرا ببخشید و بعد از مرگ من هرگز گریه و ناراحتی نباشد.
- رهنمودهای امام را گوش نمایید.

ناصر مؤمنیان

بسم الله الرحمن الرحیم

مورخه ۶۰/۳/۱۶

به‌نام خداوند بخشندهٔ مهربان

«انی لا اری الموت الا سعادهٔ و الحیاهٔ مع الظالمین الا برما»[۱].

«من رفتن از جهان را جز خوشبختی چیزی نمی‌دانم و زندگی کردن با ستمکاران را جز نکبت چیزی نمی‌شمارم».

وصیت به برادر بزرگم که بعد از من وصیت من را مو به مو اجرا نماید. بعد از فوت من، من [را] در بهشت زهرا دفن نمایید. و مبلغ ۵ هزار تومان به صاحب‌خانه دادم، بگیرید برای مستضعفان صرف نمایید.

و به پدر و مادر بگویید مرا ببخشید و بعد از مرگ من تبریک بگویند هرگز گریه و ناراحتی نباشد که شما را نمی‌بخشم.

و یک تقاضای من این است که رهنمودهای امام را گوش نمایید. تو دهان ضد انقلاب مخصوصاً منافقین[۲] بزنید.

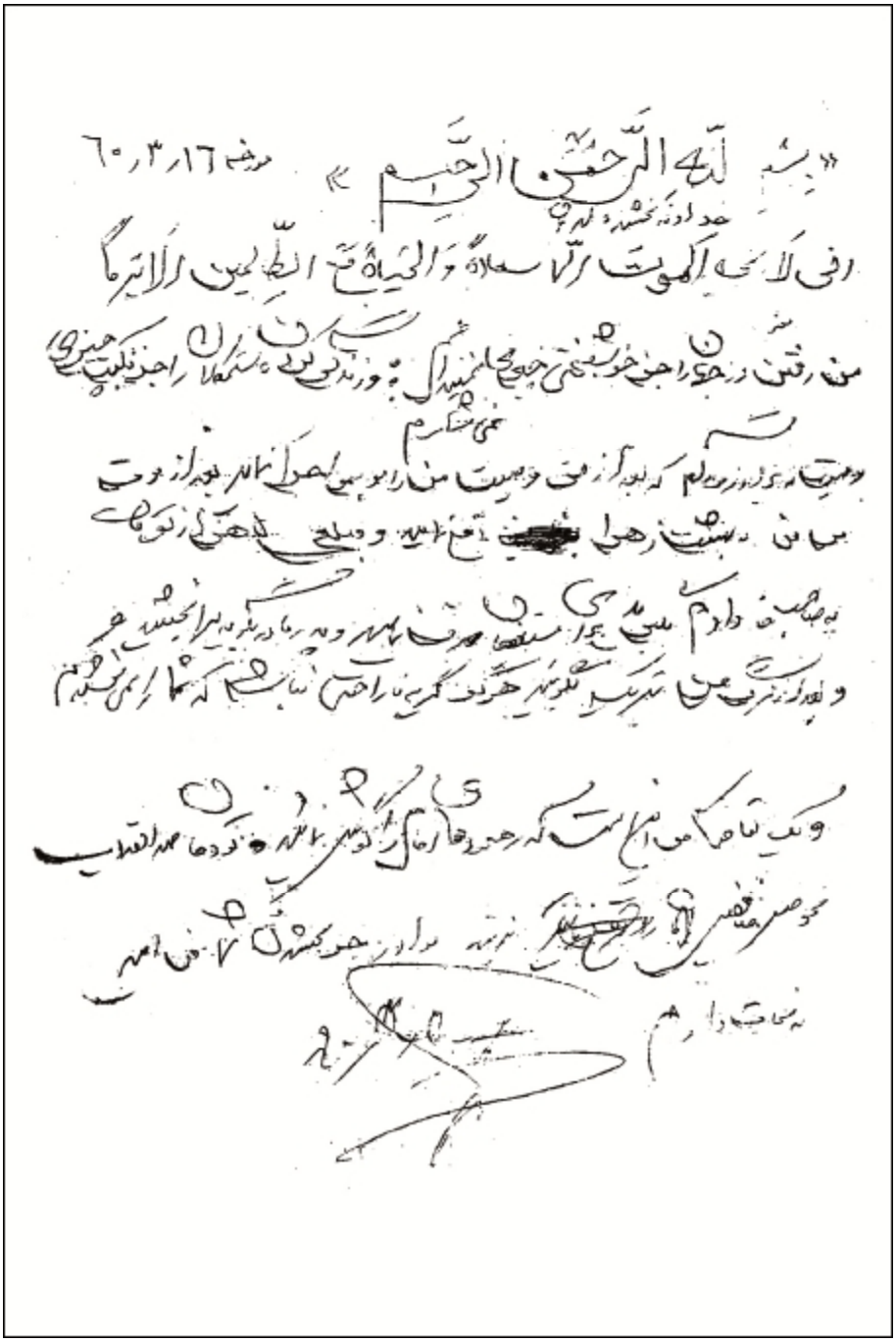
برادر [...][۳] شما من امید به نجات دارم.

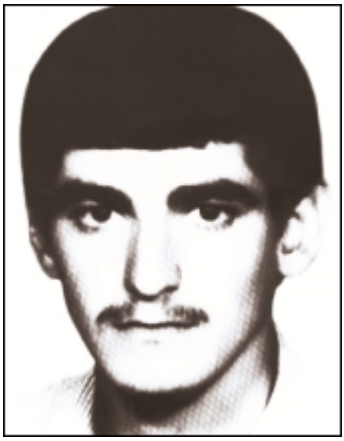
ناصر مؤمنیان

۱- سخن امام حسین(ع) در سندالامام‌الشهید، ج۲، ص۴۷۸.

۲- ر.ک.تعلیقات.

۳- خوانا نیست.





نام: **اسدالله**
نام خانوادگی: **مونسان**
نام پدر: **حسین**
نام مادر: **خاور**
تاریخ تولد: **یکم اسفند ۱۳۴۴**
محل تولد: **شهر سرخه از توابع سمنان**
تحصیلات: **سوم متوسطه**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **بیست‌ویکم اسفند ۱۳۶۳**
محل شهادت: **شرق رود دجله**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش**
مزار: **گلزار شهدای زادگاهش**

عبارت‌های کلیدی

- سپاس خدا را که بینش به من عطا کرد تا اسلام را برگزینم و احکام آن را عمل نمایم.
- خانواده عزیز در مقابل سختی‌ها استوار باشید که دشمن از استقامت شما به زانو درمی‌آید.
- مبادا برای من اشکی بریزید و باید خوشحال باشید که امانت خود را تحویل داده‌اید.
- دعا کنید که خدا شهادت مرا بپذیرد.
- برادران عزیز همیشه گوش بفرمان امام عزیزمان باشید.

اسدالله مونسان

بسم الله الرحمن الرحیم

«من المؤمنین رجال صدقوا ما عاهدوا الله علیه فمنهم من قضی نحبه و منهم من ینتظر و مابدلوا تبدیلا».

«از مؤمنین مردانی هستند که بر پیمانی که با خدا بستند صادقانه ایستادند عده‌ای از آنان در گذشتند و عده‌ای در انتظار شهادت‌اند و چیزی را از عقیده و اراده و سلوک تغییر ندادند». (احزاب آیهٔ ۲۳[۱])

با درود و سلام خدا بر انبیاء و اولیاء الله و ائمهٔ معصومین(ع) و درود و سلام خدا بر منجی عالم بشریت امام زمان(عج) و درود و سلام بر نایب برحقش، امید مستضعفین خمینی بت‌شکن و با درود و سلام بر ارواح پاک سالار شهیدان حسین‌بن علی(علیه‌السلام) و اصحاب و یاران باوفای او و کربلاهای ایران و با درود و سلام بر شما امت حزب‌الله و همیشه در صحنه.

از آنجایی که خواستم قدم کوچک و ناقابلی در خدا برداشته و بتوانم در راه پیشرفت اسلام و قرآن خدمتی کرده و به ندای حسین زمان لبیک گفته باشم، راهی جبهه گشتم. سپاس خدا را که مرا نعمت سلامت عطا فرمود، سپاس خدا را که در خانواده‌ای مذهبی بدنیا آمده‌ام، سپاس خدا را که در سن جوانی ما شور و هیجان انقلابی مردم مستضعف و مسلمان ایران [...][۲] و از انحراف مصون ماندم. سپاس خدا را که بینش به من عطا کرد تا اسلام را برگزینم و احکام آن را عمل نمایم.

و بار خدایا از تو می‌خواهم، گناهانم را ببخشی و مرا از لغزش‌های دنیایی مصون بداری و از تو می‌خواهم از عمرم بکاهی و به یک لحظه عمر رهبر و امام عزیزمان بیفزایی چون او به حق، نایب امام زمان(عج) و حامی قرآن موسی عمران و عیسی دوران، بت‌شکن زمان می‌باشد و او را برای ملل مستضعف جهان تا انقلاب مهدی(عج) نگهداری.

۱- در اصل وصیت «احزاب ۲۲».

۲- خوانا نیست.

بار الها جوان بودم، گول هوای نفس [را] خوردم، گناه کردم، نعمت دادی ناسپاسی کردم. سلامت عطا فرمودی، شکر نکردم. اسلام و قرآن را فرستادی با ناطق آن، بازهم اطاعت نکردم. رهبری دوراندیش و با تقوا فرستادی، باز خواب بودم غفلت نمودم. مردان صالح و پاک و باتقوا و الگو قرار دادی، درس عبرت نگرفتم.

گناهانم بس بزرگ و سنگین، نمی‌دانم چه گویم از کدامین گناه شروع کنم، تو بخشنده‌ای. بار الها به حق شب زنده داران تاریخ و به حق صالحان زمان کشته‌شدگان راه حق مرا از لغزش‌ها و سرکشی‌ها در برابر دستوراتت محفوظ بدار و به راه راست هدایت فرما و مرا جزء سربازان اسلام و لشکریانت قرار ده که لشکریانت همیشه غالبند و شهادت را نصیبم گردان.

و اما سخنی با شما خانواده عزیز دارم، نمی‌دانم چه بگویم زبان قادر به گفتن نیست و قلم از نوشتن عاجز است. من در طول زندگی فرزند خوبی برای شما نبودم و نتوانستم آرزوهای شما را برآورده کنم و در طول زندگی آنقدر شما را آزردم که نمی‌توانم پوزشی بطلبم و فقط از خدای بزرگ برای شما اجر و پاداشی خواهانم. شما امانت‌داران خوبی بودید و امانت خدایی را خوب نگهداری و تربیت نمودید. امروز روزی است که باید امانت را به صاحب امانت باز گردانید.

درود بر تو پدری که ابراهیم‌گونه فرزندانت را به قربانگاه عشق می‌فرستید من در وجودم غرور و کبر و تکبر حکم‌فرما بود و گاهی لغزش‌ها که مرتکب گناه می‌شوم. ولی شما خانواده عزیز در مقابل سختی‌ها استوار باشید که دشمن از استقامت شما به زانو درمی‌آید.

از گریه کردن خودداری کنید. ولی اگر خواستید گریه کنید و طاقت نیاوردید برای تمام شهدا مخصوصاً شهیدان کربلای حسین(ع) گریه کنید. مبادا برای من اشکی بریزید و باید خوشحال باشید که امانت خود را تحویل داده‌اید و برای تحویل دادن امانت‌های دیگر آماده شوید. سعی کنید که تمام فرزندان خود را در راه دین و قرآن اگر لازم شد، فدا کنید. هروقت با دوستان و آشنایان می‌نشینید، برای طول عمر رهبر و اماممان دعا کنید و دعا کنید که خدا شهادت مرا بپذیرد.

اما سخنی با برادران عزیز، از شما می‌خواهم که برای من ناراحت نباشید. راه من راهی است که خداوند در قرآن می‌فرماید، قبول کردم. شما سعی کنید که گوش به حرف‌های منافقین[۱] ندهید و همیشه گوش بفرمان امام عزیزمان باشید و گفته‌های امام را انجام دهید. در خاتمه [وصیت]نامه شما را به خداوند بزرگ می‌سپارم.

در ضمن از امت حزب‌الله و شهیدپرور عاجزانه می‌خواهم که در برابر آن حقی که برگردنم دارند مرا مورد عفو و بخشش خود قرار دهند و همچنین از کلیه دوستان و آشنایان طلب عفو و مغفرت می‌کنم و در آخر آن مبلغ پولی که دارم مبلغ ۵۰۰۰ هزار تومان جهت رد [...][۲] به حسینیه شهدا واریز نمایید.

به قبرستان گذر کردم صباحی — شنیدم ناله و افغان و آهی
بدیدم کله‌ای با خاک می‌گفت — که این دنیا نمی‌ارزد به کاهی

«والسلام»
اسدالله مونسان
«و من‌الله التوفیق»
۶۳/۱۲/۱۵

[وصیت‌نامهٔ دیگر]

بسم الله الرحمن الرحیم

با درود و سلام فراوان به رهبر کبیر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی امام خمینی و با درود و سلام فراوان به رزمندگان سرتاسر جبهه‌های نبرد حق علیه باطل و با درود و سلام فراوان به شما خانواده و عموی عزیزم چند کلمه بعنوان وصیت عرض می‌نمایم.

۱- ر.ک. تعلیقات.
۲- خوانا نیست.

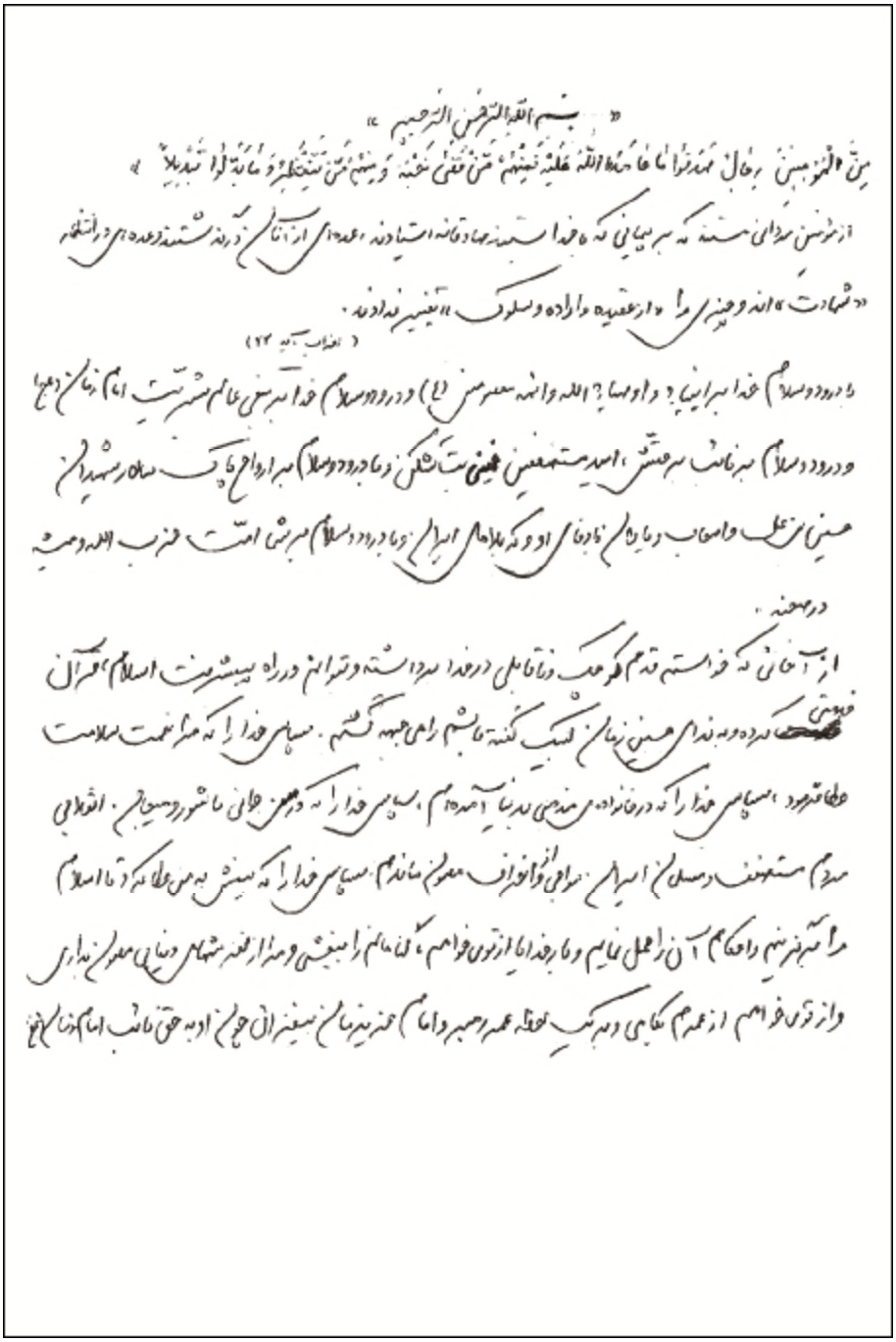
عمو جان از اینکه نتوانستم آرزوهای شما را برآورم و آنطوری که شما خواستی باشم باید به بزرگی خود ببخشید و از شما می‌خواهم که اگر شهادت نصیب من روسیاه شد، آن مبلغ پولی [که] شما و پدر از من طلب دارید، با فروختن موتور آن مبلغ را برداشته و خلاصه حلالم کنید و از کلیه همسایگان خصوصاً مشهدی اسداله فریدون و غیره از جانب من عفو و مغفرت طلبید.

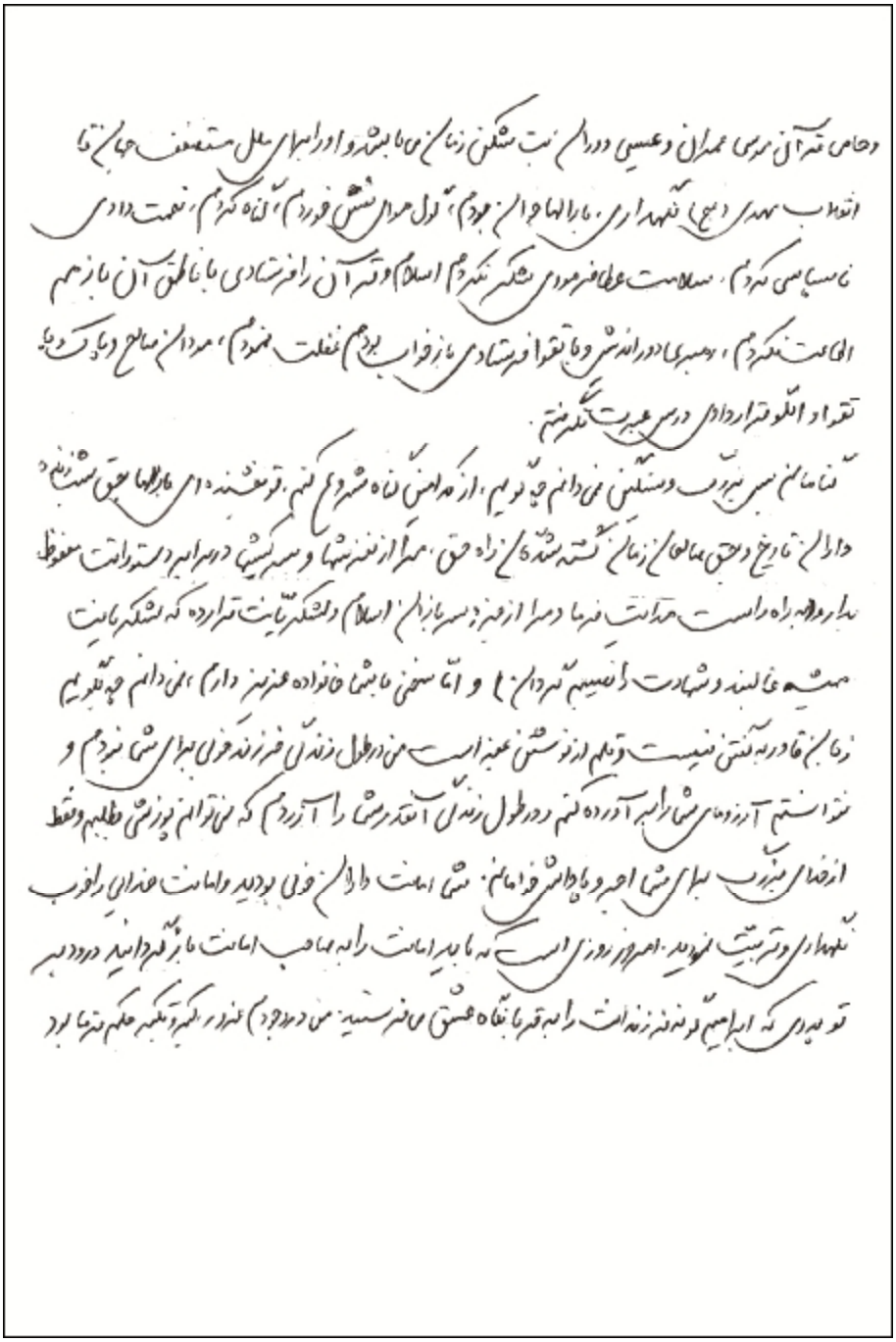
«والسلام»

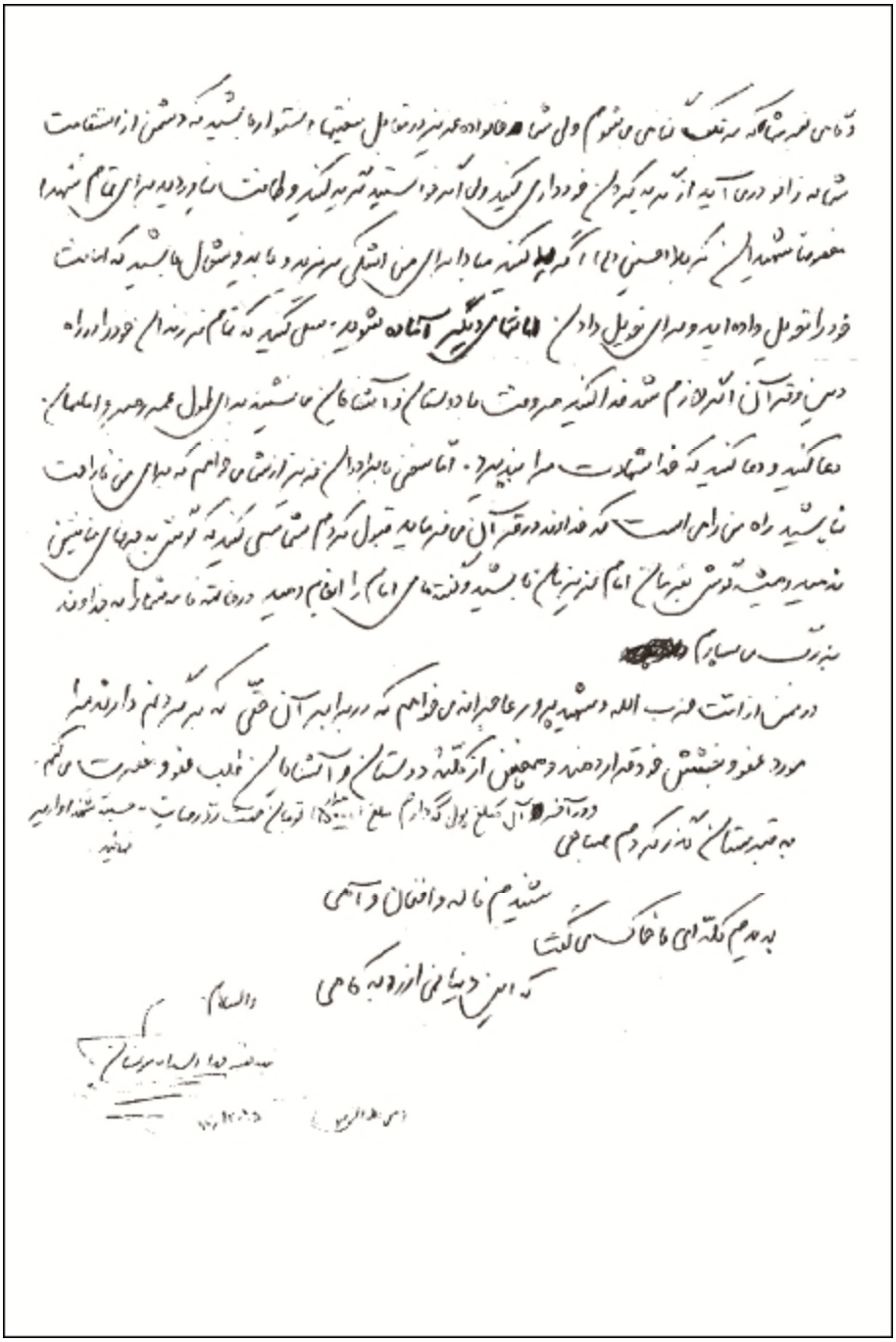
بندهٔ حقیر خدا اسدالله مونسان

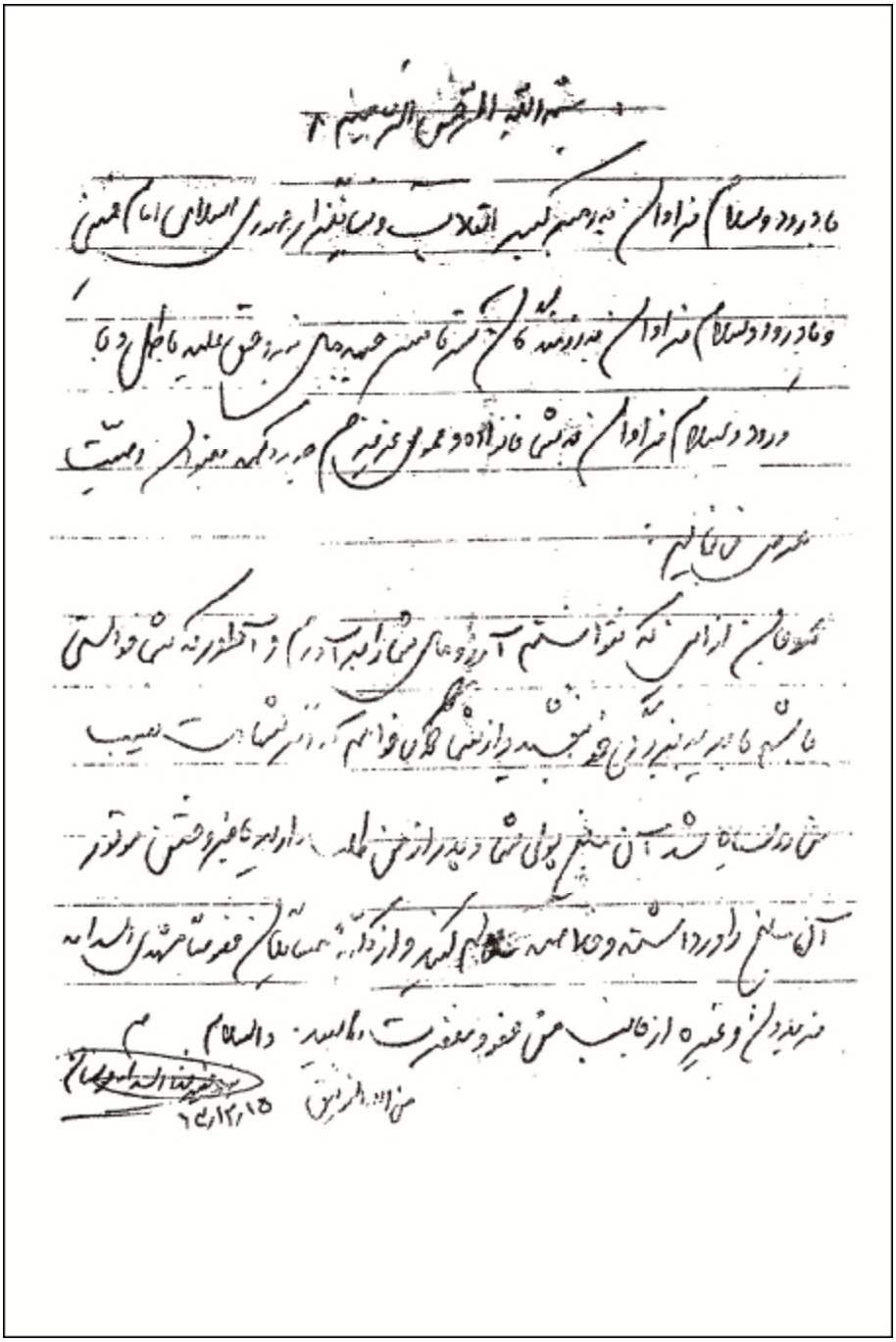
«من الله التوفیق»

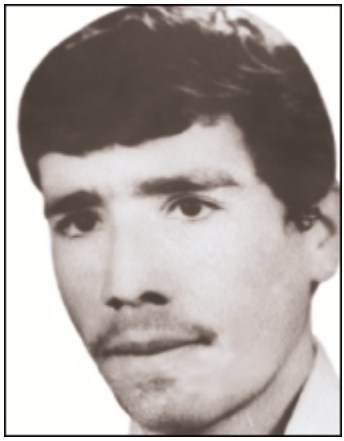
۶۳/۱۲/۱۵











نام: **حسینعلی**
نام خانوادگی: **مونسان**
نام پدر: **علی‌اکبر**
نام مادر: **سکینه**
تاریخ تولد: **یکم اردیبهشت ۱۳۴۳**
محل تولد: **شهر سرخه از توابع سمنان**
تحصیلات: **دانشجوی سال اول تربیت معلم**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **بیست‌وهشتم آبان ۱۳۶۲**
محل شهادت: **پنجوین عراق**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش**
مزار: **گلزار شهدای زادگاهش**

عبارت‌های کلیدی

- وظیفهٔ یکایک ماست که در این عاشورای پرشور حسینی، شرکت کنیم.
- ناراحت نباش، که اسلام با این خون‌ها زنده می‌ماند.
- برادر، راه خونین حسین(علیه‌السلام) را ادامه دهید.
- همیشه در خط اسلام به مبارزه خود ادامه دهید.
- خواهرم، همیشه حجاب خود را رعایت کن.
- دست از حسین زمان خمینی بت‌شکن برندارید.
- صف‌های نماز جمعه و جماعت را هرچه بیشتر پر کنید و فشرده‌تر برقرار نمایید.
- ای دانشجویان و معلمان گرامی، با سلاح فرهنگی خود به تعلیم، تربیت و سازندگی جامعه مشغول شوید، ولی قبل از ساختن دیگران به خودسازی بپردازید تا بتوانید با قدم‌های استوارتر به جامعه خدمت کنید.

حسینعلی مونسان

بسم الله الرحمن الرحیم

«فلیقاتل فی سبیل الله الذین یشرون الحیوة الدنیا بالاخرة و من یقاتل فی سبیل الله فیقتل او یغلب فسوف نؤتیه اجراً عظیماً». (سورهٔ نساء، ۷۴)

«مومنان باید در راه خدا با آنان که حیات مادی دنیا را بر آخرت برگزیدند جهاد کنند و هر کس در جهاد به راه خدا کشته شد یا فاتح گردید زود باشد که او را اجر عظیم دهیم».

«شهادت کمال انسان است». (امام خمینی)

یا الله یا الله رمز لشکریان اسلام، یا الله یا الله یا الله رمز پیروزی مسلمین، یا الله یا الله نابودکنندهٔ ستمکاران[۱]، یا الله یا الله نابودکنندهٔ ظلم و ستم در روی زمین.

سلام علیکم، با سلام و درود بر خاندان رسالت از آدم(ع) تا خاتم و با سلام و درود بر خاندان ولایت و امامت و با سلام و درود بر یگانه منجی عالم بشریت حجةابن‌الحسن ارواحنا له الفدا(عج) و با امید ظهور هرچه سریع‌تر آن حضرت و سلام و درود بر یگانه پرچم‌دار اخیر اسلام خمینی کبیر و سلام و درود بر شهدای حق و حقیقت و سلام و درود بر خانواده‌های شهدا، معلولین و مجروحین و خانواده‌های اسرا و رزمندگان اسلام. اکنون که بیش از چند روزی به عملیات باقی نمانده است می‌خواستم چند کلمه‌ای به‌عنوان وصیت بنویسم.

«السلام علیک یا ثار الله و ابن ثاره و الوتر الموتور»[۲]. سلام بر تو ای کسی که [از][۳] خون پاک تو و پدر بزرگوارت [را] به ناحق ریختند. خدا انتقام می‌کشد و از ظلم وارده به تو دادخواهی می‌کند. آری مصحف تاریخ بار دیگر رنگ خون به خود می‌گیرد و عاشورا تکرار می‌گردد، تا انتقام خون حسین(علیه‌السلام) گرفته شود. و اما در این عاشوار نیز همانند عاشورای حسینی قافله‌ای می‌خواهد و وظیفهٔ یکایک ماست که در این عاشورای پرشور

۱- در اصل وصیت «ستمدران».

۲- فرازی از زیارت عاشورا. مفاتیح‌الجنان. در اصل وصیت «وبن ثاره و الوتر و الموتور»

۳- در اصل وصیت «از» اضافه است.

حسینی شرکت کنیم. و چون ما آرزوی شرکت در عاشورای حسینی را داشته‌ایم من خدا را سپاس می‌گویم که این لیاقت را پیدا کرده‌ام که برای پاسخگویی به نـدای «هـل مـن ناصـر ینصرنی»[۱] حسین زمان خمینی کبیر پاسخ گفته و راهی کربلای پرشور حسینی شدم و یقینـاً می‌دانم که این راه انبیا و اولیا بوده است و از خدا می‌خواهم ما را جـزء ایـن راهیـان قـرار دهد. اما اگر در این راه مورد رضای خدا قرار گرفتیم و به لقاءالله پیوستم این عنـایتی بـوده است که خداوند نسبت به بنده حقیر خانواده ما کرده است.

و اینک چند سخنی با پدر و مادر و امت حزب‌الله دارم. ای پـدر عزیـزم، کـه بـا دسـت پینهٔبستهٔ خود ما را به این قامت رساندی و بعد از آن عاشـقانه مـا را روانـهٔ کـربلا کـردی، امیدوارم در فراق من ناراحت نباشید و خدا را سپاس گوی که فرزندت به راهی رفته اسـت که حسین(علیه‌السلام) آن را انتخاب نمود. و ای مادر ارجمندم، اگرچه[۲] از دسـت دادن فرزنـدت برای تو سخت است، ولی مسئله آن است که اسلام باید زنده بماند نه فرزند. پس ناراحـت نباش، که اسلام با این خون‌ها زنده می‌ماند، و به مردم اعلام کن کـه فرزنـد مـن بـه‌خـاطر عشق به مکتب اسلام این وادی را پیموده نه چیز دیگر.

اما برادرم، راه خونین حسین(ع) را ادامه دهید، متوجه شیاطین داخلی و خارجی باشـید که شما را وسوسه نکند و همیشه در خط اسلام به مبارزهٔ خود ادامه دهیـد. و ای خـواهرم، در تربیت فرزندان کوشا باش و آنها را علی اکبر[۳] گونه و زینب‌وار تربیت کن که آیندهٔ ایـن مملکت به دست آنهاست و همیشه حجاب خود را رعایت کن که سیاهی چادر تو از خون من رنگین‌تر است؛ که این عمل تو باعث کوری امپریالیسم شرق و غرب خواهد شد.

ای امت حزب‌الله، از بدی‌هایی که از طرف من به شما شده مرا ببخشید و از خـدا بـرای من طلب استغفار کنید و دیگر اینکه تا جان در بدن دارید دسـت از حـسین زمـان خمینـی بت‌شکن برندارید و برای طول عمر او دعا کنید. و جبهه را به هیچ عذری فرامـوش نکنیـد که سرنوشت اسلام و مسلمین در این جنگ است، و دیگر اینکه صف‌هـای نمـاز جمعـه و

۱- ر.ک.تعلیقات.

۲- در اصل وصیت «اگر چنانچه».

۳- ر.ک.تعلیقات.

جماعت را هرچه بیشتر پر کنید و فشرده‌تر برقرار نمایید و با ایـن صـف‌هـای مـستحکم و آهنین خاری باشید در چشم دشمنان.

اما دوستان، سلاح آغشته به خون را از زمین برگیرید و به پیکار علیه ظلمت ادامه دهیـد تا پرچم «لا اله الا الله» در بلندترین قلهٔ جهان برافراشته شود.

ای دانشجویان و معلمان گرامی، با سـلاح فرهنگـی خـود بـه تعلـیم و تربیـت جامعـه پرداخته و به سازندگی آن مشغول شوید ولی قبل از ساختن دیگران به خودسازی بپردازیـد تا بتوانید با قدم‌های استوارتر به جامعه خدمت کنید و با سلاح نظامی خـود ایـن جنـگ را پیش ببرید و نسبت به جنگ بی‌تفاوت نباشید.

در پایان اگر جنازهٔ من به دست شما رسید در بهشت شهدای سرخه دفن نمایید. از همهٔ شما التماس دعا دارم.

«والسلام علی من اتبع الهدی»

بندهٔ حقیر خدا، حسینعلی مونسان

۶۲/۶/۲۱



بسمه تعالی

" فلیقاتل فی سبیل الله الذین یشرون الحیوه الدنیابالاخره ومن یقاتل فی سبیل الله فیقتل اویغلب فسوف نوتیه اجرا " عظیما "

" سوره نساء ـ / ۷٤ "

" مومنان باید در راه خدا باآنان که حیوه مادی دنیارابرآخرت برگزیدند جهاد کنند ومرکس در جهاد براه خدا کشته شد یافاتح گردد بزودی باو که اورااجری عظیم دهیم "

شهادت کمال انسان است " امام خمینی "

یاالله یاالله رمزلشکریان اسلام ، یاالله ، یاالله رمزپیروزی مسلمین ، یاالله یاالله نابود کننده ستمگران ، یاالله یاالله نابودکننده ظلم وستم در روی زمین .

سلام علیکم ، باسلام ودرود برخاندان رسالت ازآدم تاخاتم وباسلام ودرود برخاندان ولایت وامامت وباسلام ودرود بریگانه منجی عالم بشریت حجت ابن الحسن ارواحناله الفداء وباامید ظهور هرچه سریعترآن حضرت وسلام ودرود بریگانه پرچمدار اخیراسلام خمینی کبیر وسلام و درود برشهدای حق وحقیقت وسلام ودرود برخانواده های شهداء ، مصلولین ومجروحین وخانواده های اسراء ورزمندگان اسلام ، اکنون که بهمن ازچند روزی به عملیات باقی نمانده است میخواستم چند کلمه ای بعنوان وصیت بنویسم .

السلام علیک یاثارالله وبن ثاره والوتروالموتور . سلام برتوای کسیکه در خون پاک تووید ر بزرگوارت را بناحق ریختند خدا انتقام میکشد وازظالم رانده بتود اد خواهی میکند . آری مصحف تاریخ بار دیگررنگ خون بخود میگیرد وعاشورانکرارمیگردد تاانتقام خون حسین گرفته شود واماد راین عاشورانیزمانند عاشورای حسینی قافله ای میخواهد ووظیفه یکایک ماست که در راین عاشورای پرشورحسینی شرکت کنیم وچون ماآرزوی شرکت در عاشورای حسینی راداشته ایم ، من خدا را سپاس میگویم که این لیاقت راپیدا کرده ام که برای پاسخگویی به ندای هل من ناصرینصرنی حسین زمان خمینی کبیرپاسخ گفته وراهی کربلای پرشورحسینی شدم ویقینا " مهدانم که این راه انبیاء واولیاء بوده است وازخدا میخواهم ماراجزء این راهیان قرارد هد ، امااگر در راین راه مورد رضای خدا قرارگرفتیم وبه لقاء الله پیوستم این عنایتی بوده است که خداوند نسبت به بنده حقیروخانواده ماکرده است واینک چند سخنی باید رومادر وامت حزب الله دارم ای پدر عزیزم که باد ست پینه بسته خود مارابه این قامت رساندی وبعد ازآن عاشقانه مارا روانه کربلای امید کردی ازم در فراق من ناراحت نباشید وخدا راسپاسگوی که فرزندت به راهی رفته است که حسین آنرا انتخاب نمود . وای مادر ارجمندم ، اگرچنانچه ازدست دادن فرزندت برای توسخت است ولی مسئله آن است که اسلام باید زنده بماند نه فرزند

پس ناراحت نباشید که اسلام با این خونها زنده میماند و به مردم اعلام کن که فرزند من با خاطر عشق به مکتب اسلام این وادی را پیمود و نه چیز دیگر، امابرادرم راه خونین حسین (ع) را ادامه دهید متوجه شیاطین داخلی وخارجی باشید که شما را وسوسه نکنند و همیشه در خط اسلام به مبارزه خود ادامه دهید.

وای خواهرم: در تربیت فرزندان کوشا باش و آنها را چنان طوری اگر کونه وزینب وار تربیت کن که آینده این مملکت بدست آنها است و همیشه حامی خود را رعایت کن که سیاهی چادرت از خون من رنگینتر است که این عمل تو باعث کوری امپریالیسم شرق و غرب خواهد شد.

ای امت حزب الله:

از بدیهایی که از طرف من بشما شده مرا ببخشید و از خدا برای من طلب استغفار کنید و دیگر اینکه تا جان در بدن دارید دست از حسین زمان خمینی بت شکن برندارید و برای طول عمر او دعا کنید و به هیچ عذری فراموش نکنید که سرنوشت اسلام و مسلمین در این جنگ است و دیگر اینکه صفهای نماز جمعه و جماعت را هرچه بیشتر پر کنید و فشرده تر برقرار نمایید و با این صفهای مستحکم و آهنین خوار باشید در چشم دشمنان.

امادوستان: سلاح آغشته بخون را از زمین برگیرید و به پیکار علیه ظالمت ادامه دهید تا پرچم لا اله الا الله در بلندترین نقطه جهان برافراشته شود.

ای دانشجویان و معلمان گرامی با سلاح فرهنگی خود به تعلیم و تربیت جامعه پرداخته و به سازندگی آن مشغول شوید ولی قبل از ساختن دیگران به خودسازی بپردازید تا بتوانید با قدمهای استوار تر به جامعه خدمت کنید و با سلاح نظامی خود این جنگ را چنان ببرید و نسبت به جنگ بی تفاوت نباشید.

در پایان اگر جنازه من بدست شما رسید در بهشت شهدای سرخه دفن نمایید.

از همه شما التماس دعا دارم. والسلام علی من اتبع الهدی "

" بنده حقیر خدا: حسینعلی مونسان

۶۲/۶/۲۱



نام: **احمد**
نام خانوادگی: **مهاجری**
نام پدر: **علی**
نام مادر: **بتول**
تاریخ تولد: **هفتم خرداد ۱۳۱۸**
محل تولد: **روستای قلعه‌نو خرقان از توابع شاهرود**
تحصیلات: **پایان دوره ابتدایی**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **بیست‌وپنجم دی ۱۳۶۵**
محل شهادت: **هفت تپه**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش**
مزار: **گلزار شهدای زادگاهش**

عبارت کلیدی

✿ توفیقات ربانی شامل حال اینجانب شده که به وحدانیت الهی و نبوت جمیع انبیاء و خاتمیت حضرت محمدبن عبدالله صلی الله علیه و آله و ولایت و عصمت ائمه اثنی عشر و حضرت فاطمهٔ زهرا صلوات الله علیهم اجمعین اقرار می‌کنم.

احمد مهاجری

بسم الله الرحمن الرحیم

علیهذا توفیقات ربانی شامل حال اینجانب احمد شهرت مهاجری دارای شناسنامهٔ شماره ۵۳ صادره از شاهرود فرزند علی ساکن قلعه نو خرقان شده که به وحدانیت الهی و نبوت جمیع انبیاء و خاتمیت حضرت محمدبن عبدالله صلی الله علیه و آله و ولایت و عصمت ائمه اثنی عشر و حضرت فاطمهٔ زهرا صلوات الله علیهم اجمعین و بکلیه عقاید اسلامیه اصولاً و فروعاً اقرار و در حال صحت و اختیار من دون الاکراه و الاجبار در حالتی که تمامی اقاریر شرعیه از من ممضی و نافذ بود وصیت نموده و وصی خود قرار دادم آقای مهدی شهرت مهاجری بشناسنامه شماره... صادره از ... را که با نظارت آقای مهدی مهاجری شهرت... دارای شناسنامه شماره... صادره از... .

دیون و بدهکاری‌های من از این قرار است:

۱- مهریه زوجهٔ دائمی خود:

شهرت... شمارهٔ شناسنامه... صادره از... فرزند... مبلغ که در قباله[1] ذکر شد.

۲- غلامحسین حسینی.

۳- ۲۰۰ ریال حق آقای کریمی چند سال پیش.

۴- مبلغ ۵۰۰ ریال از سال ۴۶ به بابا [...][2] دکان علی‌محمد [...][3] بوده، خودش می‌داند از او سوال شود.

به وصیت‌های من که در این اوراق بشرح رفته است عمل نمایید:

۱- محل دفن: قلعه نو خرقان

۲- نماز وحشت

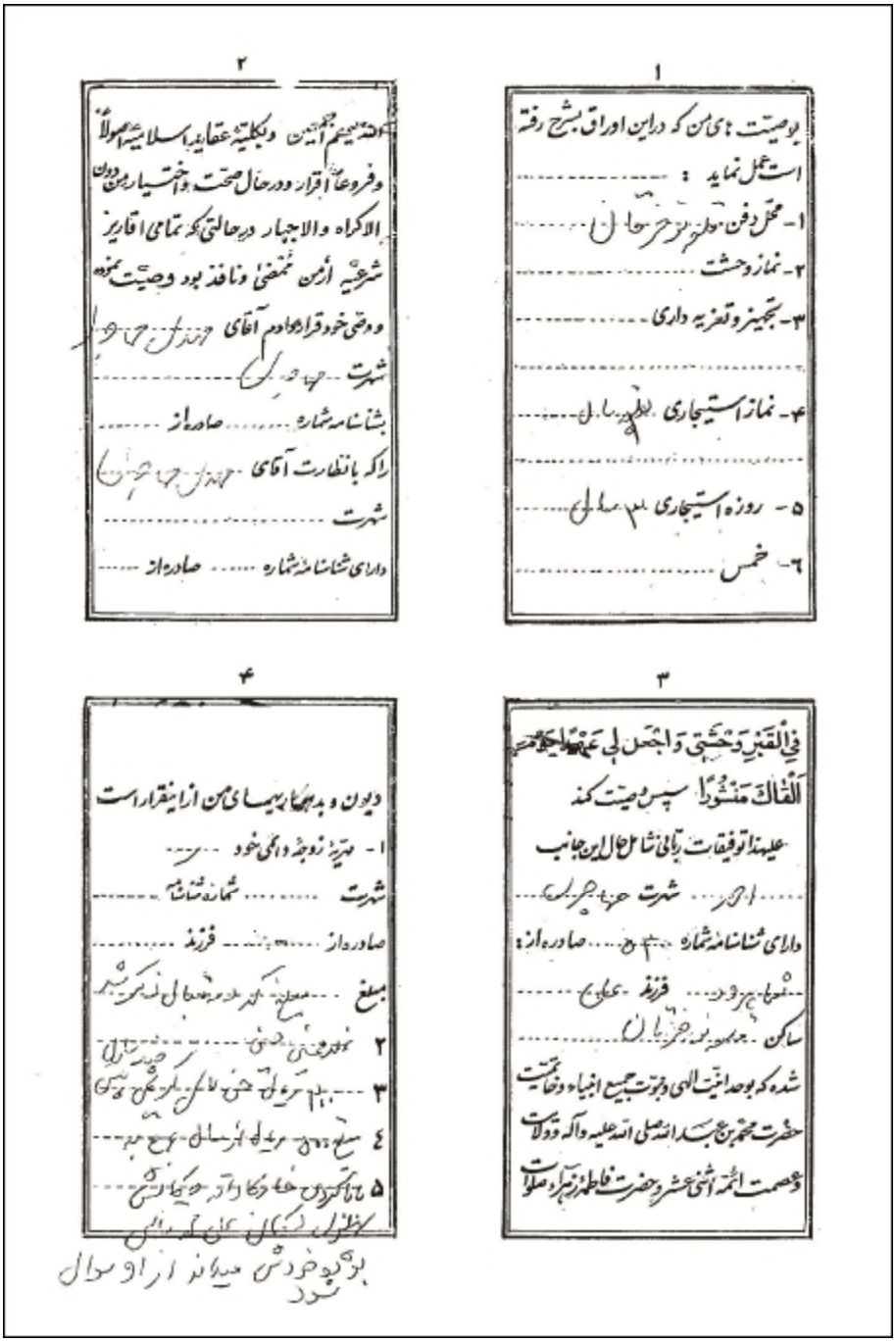
۳- تجهیز و تعزیه‌داری

۱- در اصل وصیت «قبال».

۲- خوانا نیست.

۳- خوانا نیست.

۴- نماز استیجاری: ۳سال
۵- روزه استیجاری: ۳سال
۶- خمس:





نام: **حسن**
نام خانوادگی: **مهدوی**
نام پدر: **مسلم**
نام مادر: **طیبه**
تاریخ تولد: **یکم فروردین ۱۳۵۱**
محل تولد: **روستای میقان**
تحصیلات: **اول متوسطه**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **بیست‌ودوم دی ۱۳۶۵**
محل شهادت: **شلمچه**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش**
مزار: **گلزار شهدای زادگاهش**

عبارت‌های کلیدی

- خواهران را توصیه به حفظ حجابشان می‌کنم.
- اگر می‌خواهید گریه کنید برای آقا ابا عبدالله الحسین(علیه‌السلام) گریه کنید.
- من از میان همه درس‌ها درس شهادت و فداکاری و از میان همهٔ راه‌ها فقط راه حسین(علیه‌السلام) را برگزیدم.
- در عزای من بردبار و صبور باشید.

حسن مهدوی

بسم الله الرحمن الرحیم

با سلام و درود فراوان به امام زمان(عج) و امام امت و تمامی رزمندگان.

بسیجی دیدهٔ بیدار عشق است　　بسیجی پیر میدان‌دار عشق است
اگر چه کوچک و کم سن و سال است　　ولیکن در عمل سردار عشق است

پدر و مادر عزیز و گرامی، نماز و روزه را به پا دارید، برادرانم حسین و عباس را به نماز و روزه گرفتن دعوت کنید. خواهران را توصیه به حفظ حجابشان می‌کنم. اگر که ما در اینجا هستیم ولی خواهران هم با حجابشان چنان مشتی به دهن رژیم عراق خواهند زد که دیگر برنگردد.

پدر عزیز و گرام من، از اینکه نتوانستم برای شما یک فرزند خوب باشم معذرت می‌خواهم و امیدوارم که مرا حلال کنی. مادر جان، من نه تنها محبت‌های شما را جبران ننمودم بلکه با اعمال بد خویش باعث آزار و رنجش شما شدم. ای مادر جان، الان که عازم خطم برای عملیات، فقط یک چیز مرا رنج می‌دهد و آن هم نگرانی از اینکه شما و پدر گرامی‌ام مرا حلال نکنید. و لیکن من می‌دانم که شما، هرچند که من قساوت قلب داشتم ولی تو مرا می‌بخشی.

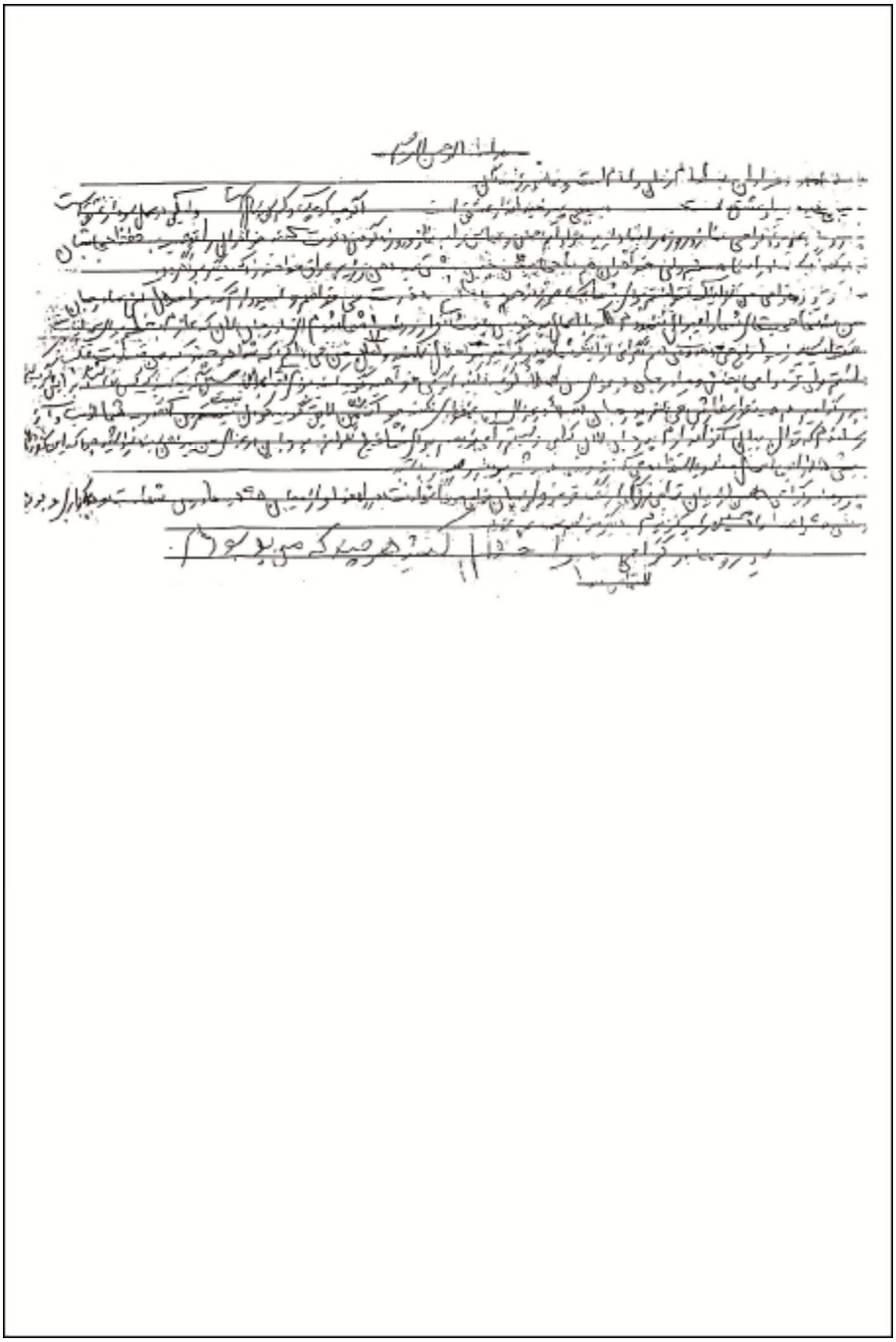
و مادر جان، در عزای من اصلاً گریه نکنید. اگر می‌خواهید گریه کنید برای آقا [ابا]عبدالله[ال]حسین(علیه‌السلام) گریه کنید، که کسی نداشت که برایش گریه کند. به پدر گرامی‌ام هم همینطور سفارش می‌کنم، پدر جان، اصلاً در عزای من غم‌خواری نکنید، چراکه من لایق گریه کردن نیستم. من آنقدر به شما اذیت و آزار رساندم که توان بیان آن را ندارم. پدر جان، الان که این وصیتم را می‌نویسم برای شما خیلی نگرانم. پدر جان، در عزای من پیراهن سیاه نپوشید چراکه این کوردلان و [...][1] از این اعمال شما سوء استفاده می‌کنند و شما همیشه بردبار و صبور باشید.

۱- خوانا نیست.

پدر و مادر گرامی، من از میان تمامی رنگ‌ها رنگ قرمز و از میان تمامی مرگ‌ها شهادت در راه خدا و از میان همهٔ درس‌ها درس شهادت و فداکاری و از میان همهٔ راه‌ها راه حسین(علیه‌السلام) را برگزیدم. دیگر مزاحم شما نمی‌شوم.

پدر و مادر گرامی، مرا حلال کنید هر چند که من بد بودم.

التماس دعا





نام: **حسین**
نام خانوادگی: **مهدوی**
نام پدر: **علی‌اکبر**
نام مادر: **گل خانم**
تاریخ تولد: **یکم فروردین ۱۳۴۱**
محل تولد: **روستای حسین آباد**
تحصیلات: **سوم متوسطه، اقتصاد**
ارگان اعزام‌کننده: **سپاه**
تاریخ شهادت: **یکم آذر ۱۳۶۳**
محل شهادت: **کوهدشت**
نحوهٔ شهادت: **سانحه رانندگی**
مزار: **گلزار شهدای زادگاهش**

عبارت‌های کلیدی

- سفارش دیگری که باید کنم آن است که قدر امام را بدانید.
- همچنان در طول زندگی خود همکار و همیار روحانیون شوید.
- شهادت هدیه‌ای است گرانبها از جانب خداوند تبارک و تعالی برای بندگان خالص خود.
- به الله سوگند من سعادت خویش را نمی‌یابم مگر در پیمودن خط خونین ابا عبدالله الحسین(علیه‌السلام).
- جهاد در راه خدا گذشتن از علایق نفسانی و حسینی‌وار شدن و حسینی‌گونه شدن است.
- قبل از آنکه مرگ تو را دریابد و هیچ کاری از تو بر نیاید به خویش باز گردی.
- مبادا در دنیا دل به هواهای نفسانی بسته و پیوستگی خود را به این انقلاب و اسلام جدا و دور سازید.
- برادرانم، تقوا را فراموش نکنید.
- اگر با تقوا باشید در این برهه از زندگی پیروزید.
- سعی کنید هر عملی انجام می دهید، فقط خالص برای خدا باشد.

حسین مهدوی

بسم الله الرحمن الرحیم

پس از سپاس و ستایش بیکرانِ پروردگار جهانیان که به من بینشی داد که بتوانم به پیکار علیه کفار بپردازم و همچنین با درود به حضرت محمد(صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) و خاندان بی‌آلایش او که به‌راستی پیشوایان راه سعادت بشرند و با درود فراوان به حضرت مهدی(عج) و نایب برحقش خمینی کبیر رهبر انقلاب اسلامی ایران و با درود و سلام بر پدر و مادرم که با قبول مشکلات و مشقات فراوان مرا بزرگ نمودند [و] سپس با رفتن من به جبهه توافق نمودند، اینک بر آن شدم که نکاتی را یادآور شوم.

اما ای عزیزان و ای دوستانی که این وصیت‌نامه را می‌شنوید و یا می‌خوانید نگاهی به اطراف مکانی که زندگی می‌کنید بیفکنید. آیا چه چیزی را متوجه می‌شوید؟ به‌راستی که عده‌ای از دوستان قدیمی خود را می‌شناسی که یا در جبهه به‌سر می‌برند و یا اینکه به شهادت رسیده‌اند. به هر صورت جای آنها در بین شماها خالی می‌باشد. آیا چگونه فکر می‌کنید؟ آیا دیگر به خود اجازه خواهی داد که راکد باشید و دیگر از خود حرکتی انجام ندهید تا با ریختن خون خود بتوانید انتقام خون آن عزیزان را بگیرید و دین خود را نسبت به خون شهدا و امت اسلامی ادا کنید؟ به‌راستی که از مجموع این خون‌ها سیلی به وجود خواهد آمد که مخرب تمام سدهایی است که مانع رسیدن انسان به قرب الهی می‌شوند.

و حال اگر سعادت مرا یاری نمود و در جبهه شهید شدم، امیدوارم صبر و پایداری کنید چون بالأخره من باید راهی را انتخاب می‌کردم و راه خداست و این راه به‌خاطر دل و نفس نیست. و سفارش دیگری که باید کنم آن است که قدر امام را بدانید و نسبت به گفته‌ها[ی] او بی‌تفاوت نباشید و همچنان در طول زندگی خود همکار و همیار روحانیون شوید. به‌راستی که اگر روحانیون ما را در مسیر انقلاب راهنمایی نمی‌نمودند[1] پیروز نمی‌شدیم.

۱- در اصل وصیت «نمودم».

اگر توفیق شهادت نصیبم[۱] شد مرا چون مولایم علی(علیه‌السلام) بدون هیچ تشریفاتی و با همان لباس‌های رزم به خاک بسپارید.

«من المومنین رجال صدقوا ما عاهدوا الله علیه فمنهم من قضی نحبه و منهم من ینتظر و ما بدلوا تبدیلا»[۲].

«بعضی از آن مؤمنان بزرگ مردانی هستند که به عهد و پیمان که با خدای خود بستند کاملاً وفا کردند بعضی هم بر آن عهد ایستادگی کردند تا در راه او شهید شدند و برخی به انتظار مقاومت کرده و به هیچ وجه عهد خود را تغییر ندادند».

شهادت هدیه‌ای است گرانبها از جانب خداوند تبارک و تعالی برای بندگان خالص خود که نصیب هر کسی نمی‌شود. انسان باید در راهی سیر کند که سعادتش در آن خط باشد. به الله سوگند من سعادت خویش را نمی‌یابم مگر در پیمودن خط خونین ابا عبدالله الحسین(علیه‌السلام) که راه تمامی شهدای انقلاب اسلامی است.

جهاد در راه خدا گذشتن از علایق نفسانی و حسینی‌وار شدن و حسینی‌گونه شدن است. و ببین کجایی و چکار می‌کنی. آنچه گذشت هیچ است و آنچه خواهد آمد کو؟ و چه می‌دانیم که چه خواهد آمد؟! پس من هستم و اکنون پس برخیزم و به فکر خویش باشم. «الیوم عمل بلاحساب و غداً حساب و لاعمل»[۳]. «امروز میدان کار و فردا بازار مزد است. امروز عمل است بدون حساب و فردا حساب است بدون عمل».

ای دوستان عزیز. آنگاه که محیط را از همهٔ انسان‌ها خالی می‌بینید دمی و لحظه‌ای از همه جا قطع نظر کنید و همهٔ محسوسات خود را کنار بگذارید و از همه جا ببرید و به سوی خویشتن برگردید و در غلاف وجود خود فرو روید و به وقت بنگرید که گذشته‌ها رفته و آینده هم[۴] مجهول الحال است. با خود زمزمه کنید که چه خواهیم شد و تا کی حیات خواهیم داشت و عاقبت چه مرض و حادثه‌ای سراغم خواهد آمد و بالأخره چه

۱- در اصل وصیت «نسیبم».

۲- احزاب/ ۲۳.

۳- نهج‌البلاغه، ج ۲، ص ۳۱۸. از خطبه‌های حضرت امیر(ع). در اصل وصیت «بلاعمل».

۴- در اصل وصیت «آینده‌ام».

روزی و با چه کیفیتی این قفس تن خواهد شکست و مرغ محبوس روح پرواز خواهد کرد. چه آنکه، این مطلب قطعاً مورد شک نیست و بالأخره شدنی است که آیا به کجا و چگونه خواهیم رفت.

و اما شما ای پدر و مادرم بدانید و مطمئن باشید من امروز در راه جاودانه‌ام گام نهادم که انتهای آن انشاءالله حکومت مستضعفین جهان است. بارها پیش خودم زمزمه نمودم که شما برای من زحمت بسیار کشیدید و من هم در آخر نتوانستم زحمات شما را جبران نمایم. در حق شما خیلی کوتاهی نمودم و دین خود را نسبت به شما بطور صحیح ادا نکردم. ولی می‌دانم که قطعاً به مکانی خواهم رفت که تا نفوس کامل و روان‌ها تطهیر نباشد کسی نمی‌تواند به این منزلگه دسترسی پیدا کند. پس چه بهتر که این زندگی و دنیای رقت‌بار و پررنج و شکنجه‌زای موجب غرق در گناه و معصیت را رها و به‌سوی او تنها عاشق مؤمن شتافته یک حرکت و یک سفر آن موقعی معنی و مفهوم پیدا می‌کند که مقصد واقعی در انتظار باشد زیرا مقصد است که به حرکت و تکاپو معنی و مفهوم می‌دهد. همانطوری که علی(ع) می‌فرماید «دنیا خانهٔ عبور و آخرت خانهٔ اقامت است»[1]، آخرت است که به دنیا معنی می‌دهد. برادرم، دنیا جای کار و عمل است و آخرت مکان نتیجه‌گیری و حساب پس دادن. در اینجا امکان تغییر سرنوشت از طرف خود انسان به وسیله تغییر [هست] ولی در آخرت نیست.

همهٔ اینها یک طرف، لحظهٔ بعد از مرگ را به خاطر آور که دیگر یارای هیچ نداری و تنها اعمالت گواهت و شهادت کردارت. پس چه خوب قبل از آنکه مرگ تو را دریابد و هیچ کاری از تو برنیاید به خویش بازگردی و خود را در ترازوی خویش بسنجی، با خود سرایی «وای بر من... که تمام عمرم بی‌حاصل، تمام عمرم غرق در گناه، تمام عمرم در پوچی و بیهودگی»! بله، به کوله‌بارت که برای خودت بسته‌ای نظر کن و ببین چه داری برای جواب. هیچ. تمام عمر در پوچی در پی هواهای نفسانی و شناور در اشتباه. وقتی به گذشته‌ای نه چندان دور نظر می‌کنی بسان رها شده‌ای در ظلمت که در انتظار باریک نوری

۱- بحارالانوار، ج ۶۷، ص ۳۶۵. «فانّ الدّنیا معبر الاخرة فالمهد».

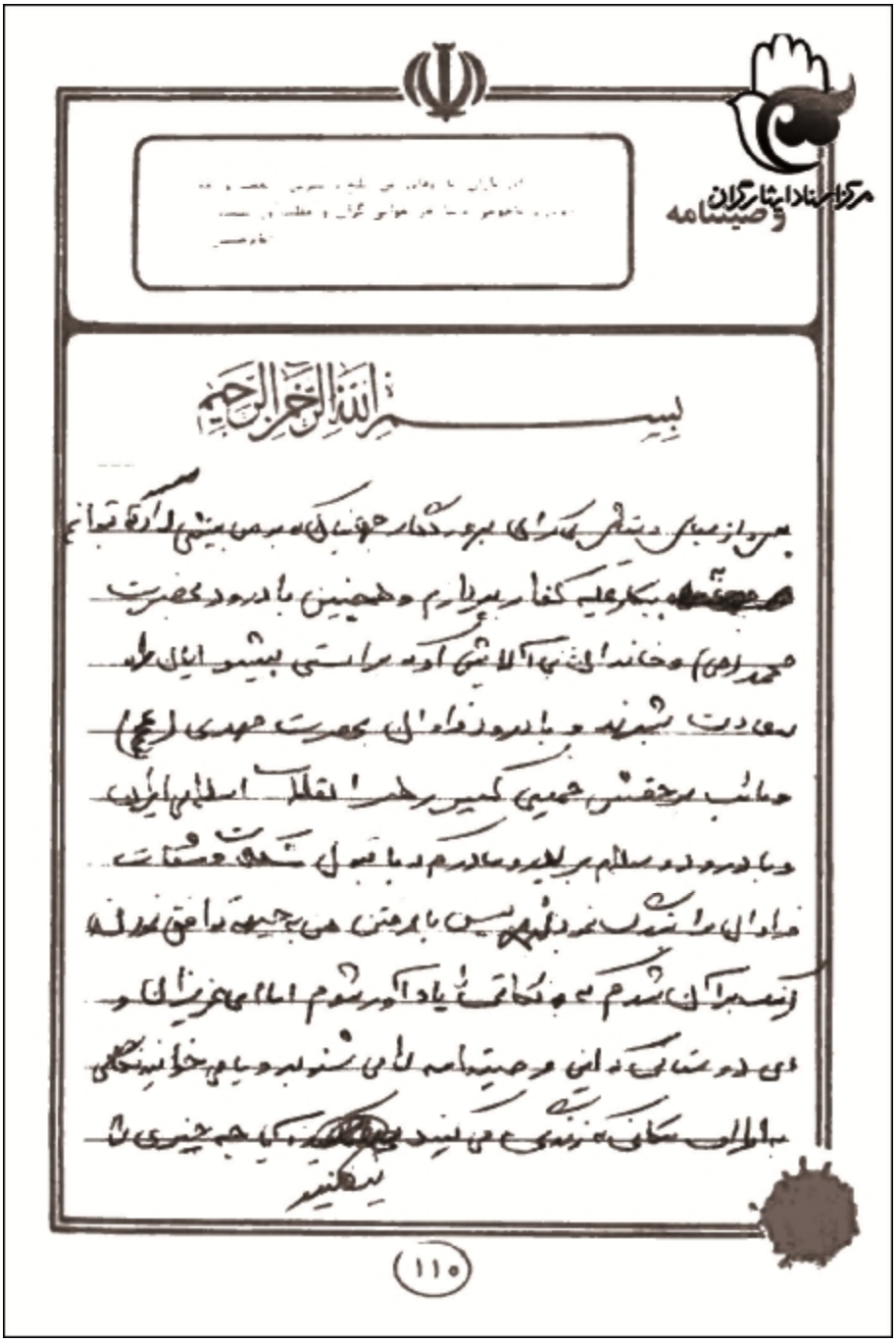
است تا راه یابد ولی نور از او دور است که دیگر هیچ امید نجاتی نـدارد و یـا شـناوری در دریای بی‌کران که هیچ امید رهایی ندارد.

برادرانم، ای کاش احساس می‌کردید در چه موقعیتی به سر می‌برید. بـه خـدا مـسئولید موظفید که در چنین زمانی قرار گرفته‌ایـد. مبـادا در دنیـا دل بـه هواهـای نفـسانی بـسته و پیوستگی خود را به این انقلاب و اسلام جدا و دور سازید. برادرانم، تقوا را فراموش نکنید. اگر باتقوا باشید در این برهه از زندگی پیروزید. و قطعاً هـم از روی اراده بـر هـوای نفـس خود مسلطید. سعی کنید هر عملی که انجام می‌دهید فقط خالص برای خدا باشد.

در خاتمه، برایم از تمام اقوام و دوستان حلالیت بطلبید. خداوندا امام عزیزمان را در پناه آقا امام زمان(عج) محفوظ نگه دار. خدایا رزمندگان اسلام را در جبهه‌های حق علیـه باطـل پیروز و هرچه زودتر آنها را به کربلای حسینی برسان.

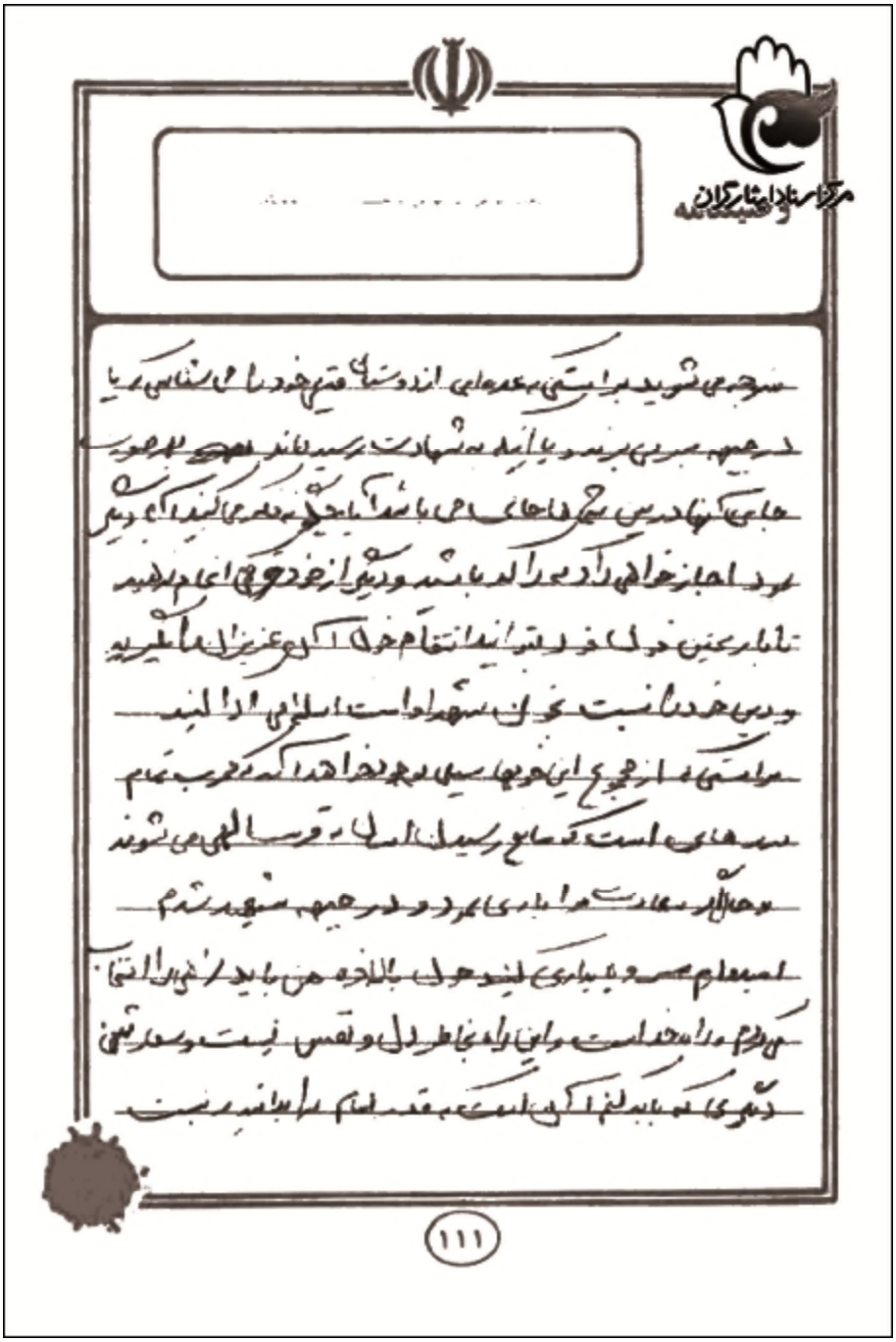
«والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته»

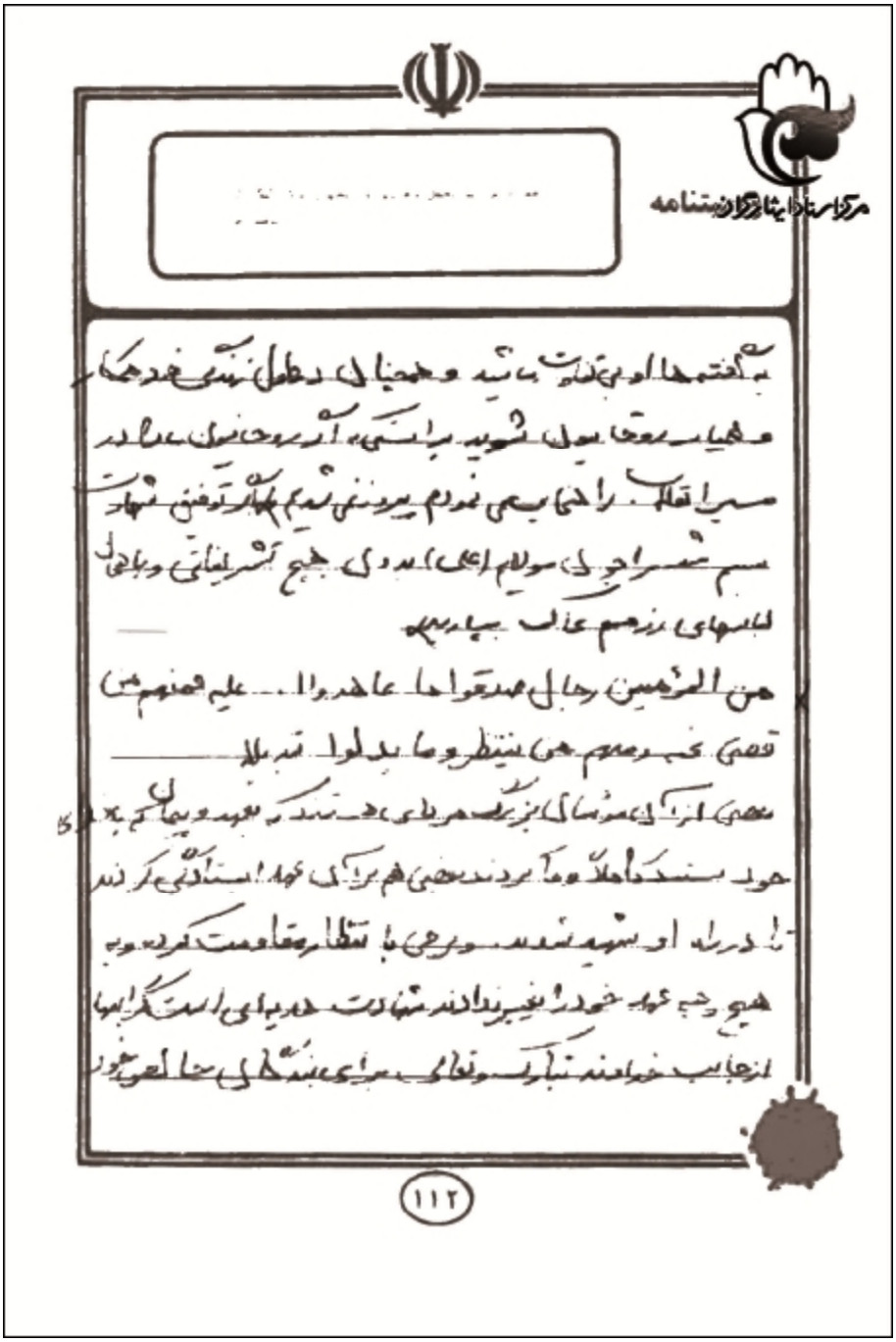
حسین مهدوی

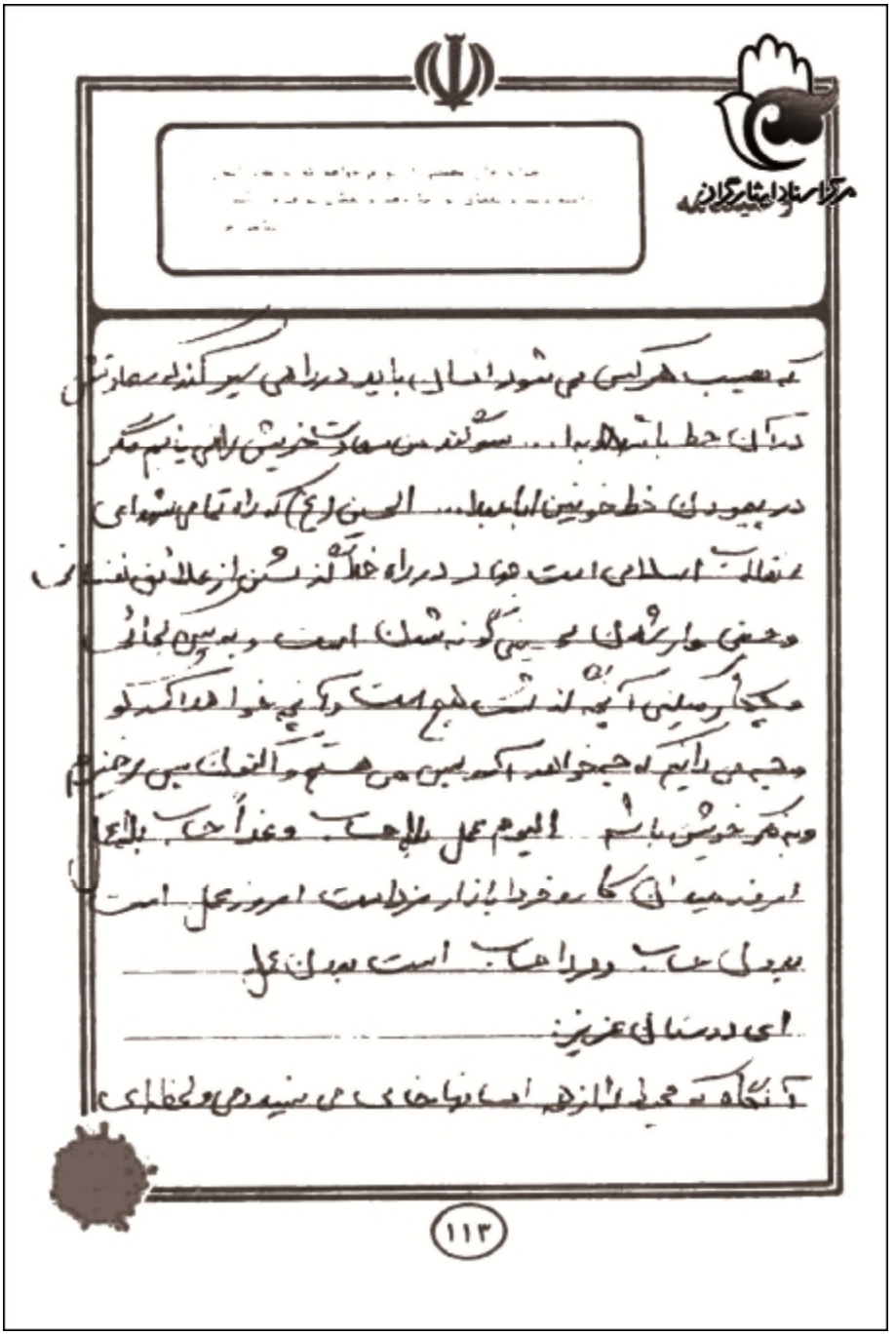

مرکز اسناد ایثارگران
وصیتنامه

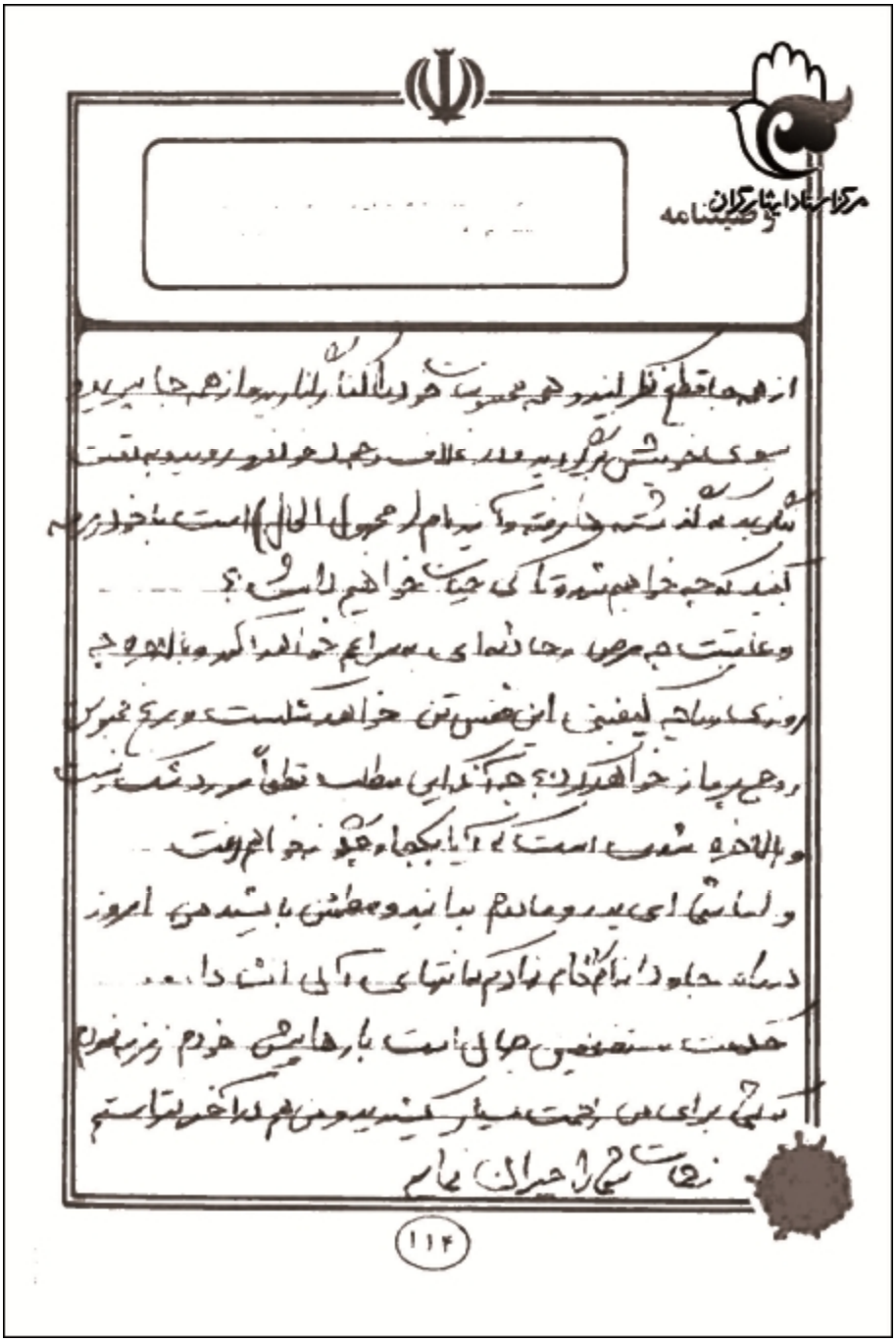
بسم الله الرحمن الرحیم

(۱۱۰)

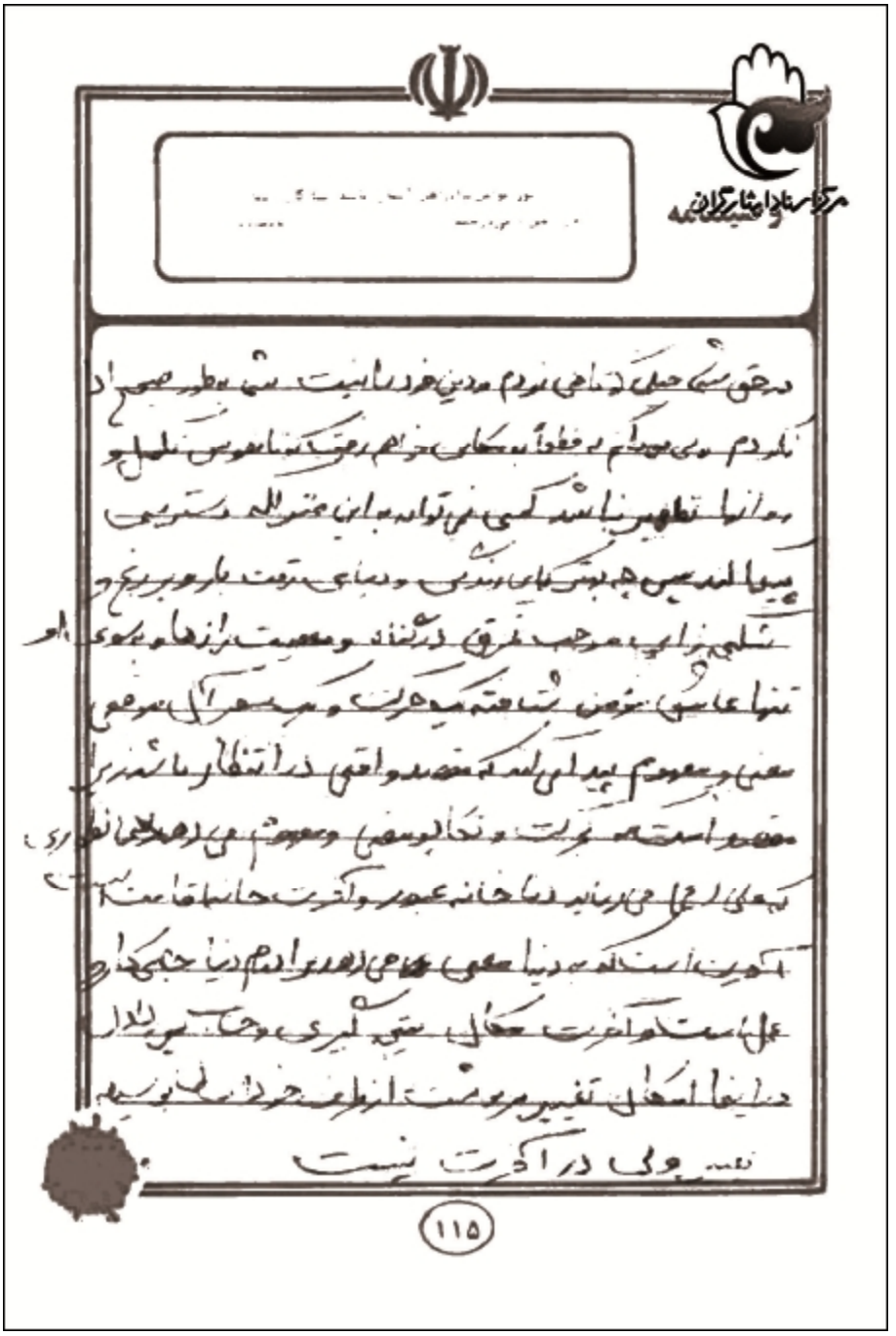


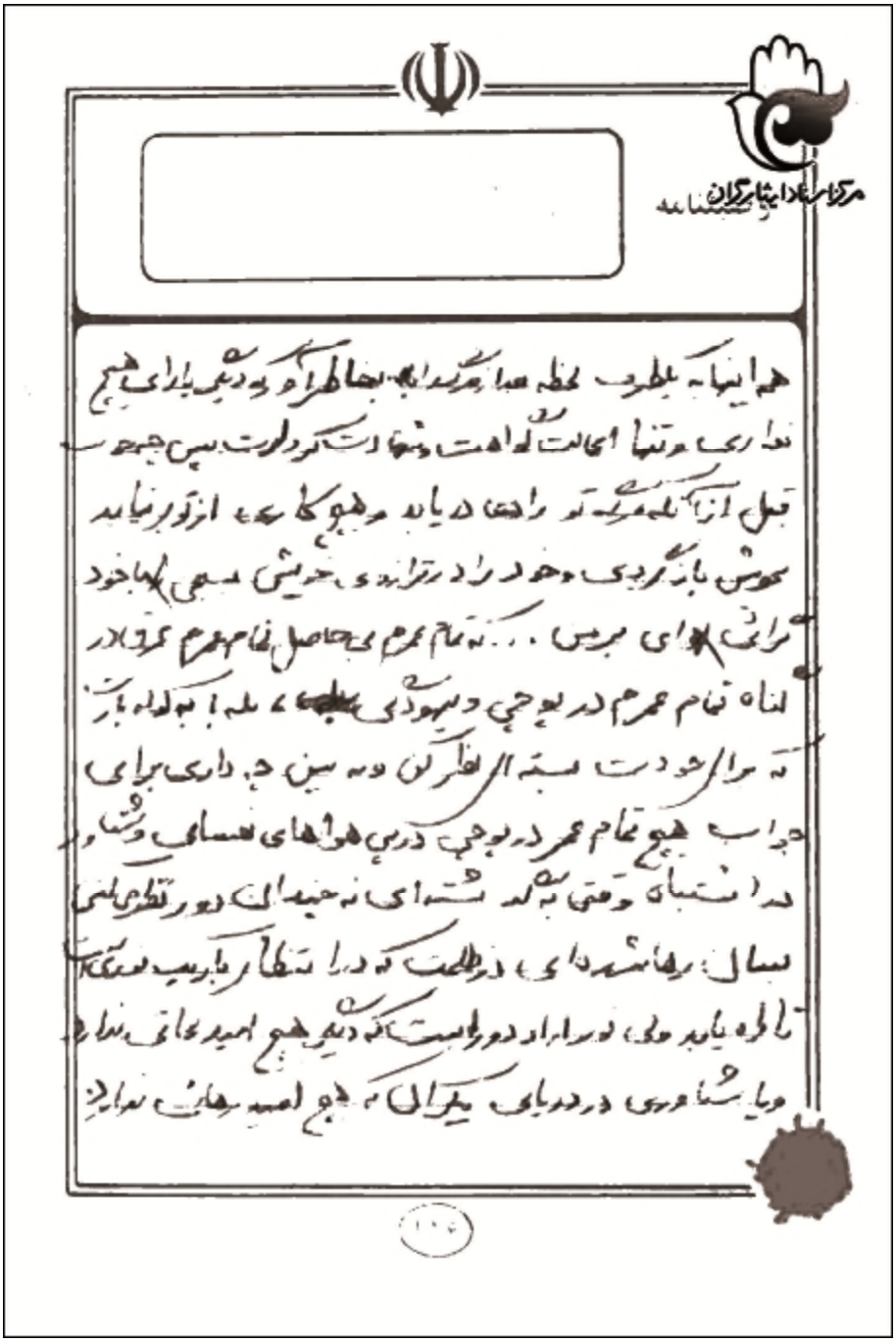

مرکز اسناد ایثارگران وستنامه

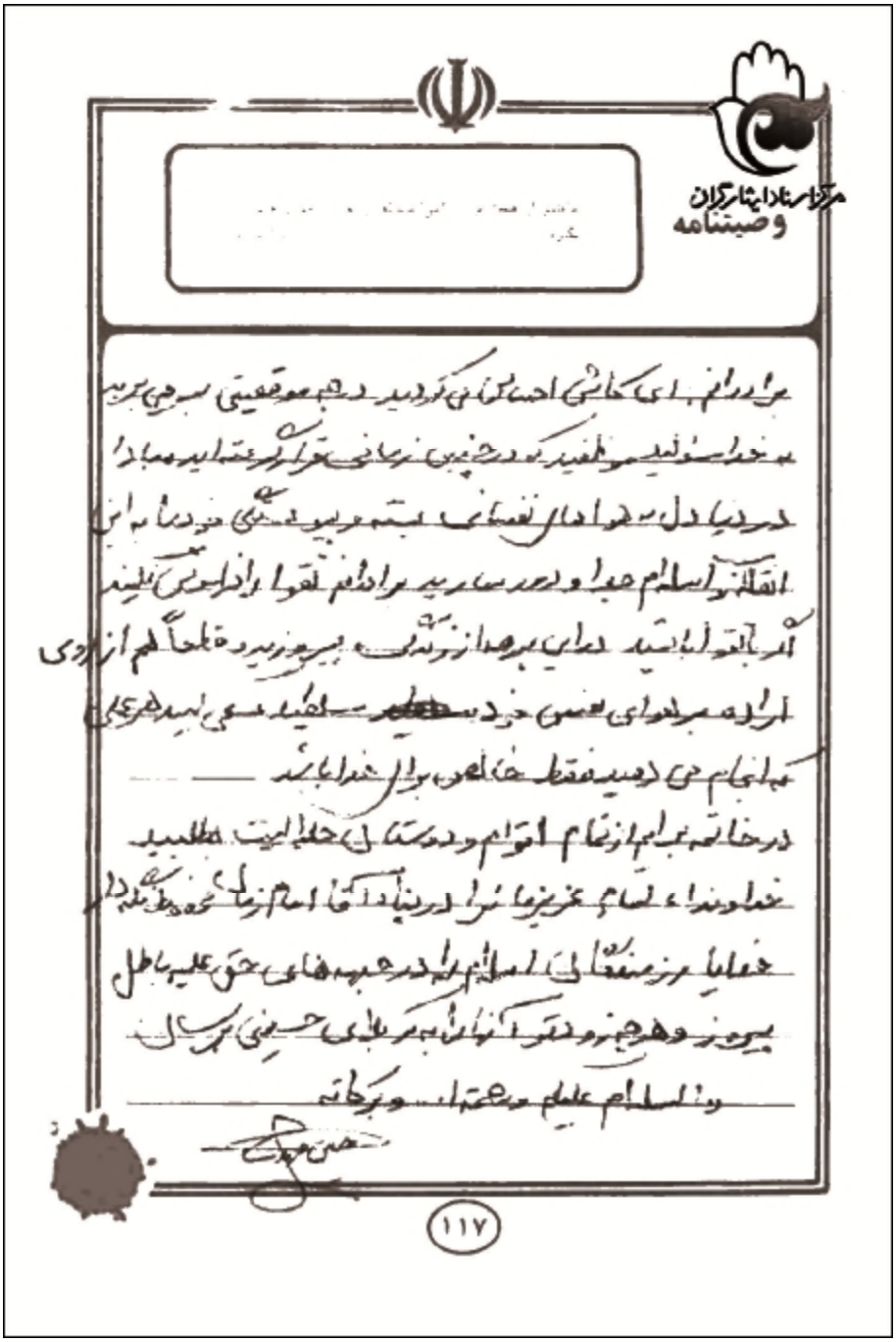



مرکز اسناد ایثارگران
وصیتنامه

۱۱۴






مرکز اسناد ایثارگران
وصیتنامه

(۱۱۷)



نام: **علیرضا**
نام خانوادگی: **مهدی‌ئی**
نام پدر: **شعبانعلی**
نام مادر: **حمیده**
تاریخ تولد: **بیستم فروردین ۱۳۴۳**
محل تولد: **روستای میقان از توابع شهرستان شاهرود**
تحصیلات: **پایان دورهٔ ابتدایی**
ارگان اعزام‌کننده: **سپاه**
تاریخ شهادت: **هشتم آذر ۱۳۶۰**
محل شهادت: **بستان**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش**
مزار: **گلزار شهدای زادگاهش**

عبارت‌های کلیدی

- دنیا دار آزمایش است.
- عزم دارم که نمیرم تا هنگامی که دشمن را به لرزه بیندازم.
- هرگز در برابر هیچ قدرتی تسلیم نخواهیم شد.
- هیچ نمی‌خواهم به‌سادگی کشته و یا اسیر شوم باید دگرگون کنم.
- تو ای امام و روحانیت مبارز، از ما راضی باش.
- تمامی اعضای بدن و جانمان را هدیه می‌دهیم تا اسلام و قوانین حیات‌بخشش در سراسر جهان گسترش یابد.
- پیرو خط امام و ولایت فقیه باشید.
- امام را تنها نگذارید.

علیرضا مهدی‌ئی

بسم الله الرحمن الرحیم

بسمه تعالی

به‌نام خداوند بخشندهٔ مهربان. «**الذین آمنوا و هاجروا و جاهدوا فی سبیل الله باموالهم و انفسهم اعظم درجة عندالله و اولئک هم الفائزون**»[۱]

«آنان که ایمان آوردند و هجرت کردند و جهاد نمودند در راه خدا با مال‌ها و جان‌هایشان آنان بزرگ‌ترین مقام و مرتبه را در نزد پروردگارشان دارند و افراد رستگار [و] پیروز همینان هستند».

«**و لنبلونّکم بشیء من الخوف و الجوع و نقصٍ من الاموال و الانفس و الثمرات و بشّر الصابرین**»[۲].

دنیا دار آزمایش است و خوشا به‌حال مقاومت‌کنندگان، آنانی که در حوادث زندگی راه بندگی پروردگار را پیشهٔ خود کردند و با تحمل مشقات فراوان در عمل ثابت کردند که فقط بندهٔ الله [...][۳]. عزم دارم که نمیرم تا هنگامی که دشمن را به لرزه بیندازم. شهید اسلام و آن هم اسلام راستین فقط در پیروی از امام[۴] خمینی می‌باشد و بس. و هنگامی که دشمنان اسلام دیدند که اسلام مقدس‌تر از آن است که آنان تصور می‌کردند، هنگامی که ثابت کردیم که ما پیروان امام خمینی فقط بندگان خداوندیم و بس، هرگز در برابر هیچ قدرتی تسلیم نخواهیم شد آنگاه اثری به جایی نماند که دشمن یا نابود شده یا تسلیم. در آن هنگام دیگر آرزویی[۵] ندارم به غیر از لقاءالله.

۱- توبه/ ۲۰.

۲- بقره/ ۱۵۵. «قطعاً همهٔ شما را با چیزی از ترس و گرسنگی و کاهش در مال‌ها و جان‌ها و میوه‌ها آزمایش می‌کنیم و بشارت ده به استقامت‌کنندگان».

۳- ادامه عبارت شهید افتاده است.

۴- در اصل وصیت «ایمام».

۵- در اصل وصیت «آرزوی».

هیچ نمی‌خواهم به‌سادگی کشته و یا اسیر شوم. باید دگرگون کنم با [...][۱] در برابر حق سر جای خودشان بنشانیم. به قول امام «اگر پیروز شدیم اسلام پیروز است و اگر شهید شدیم چه بهتر باز هم ما پیروزیم»[۲]. و من آرزو دارم هنگامی که شهید می‌شوم ضربه‌ای به دشمن زده باشم محکم و فراموش‌ناشدنی دشمن بداند ما عاشقان شهادت تا دمار[۳] از روزگار مزدوران آمریکا و از اطرافیان درنیاوریم ساکت نخواهیم نشست.

و تو ای امام و روحانیت مبارز[۴]، از ما راضی باش و خشنود که برای ایفای، دین و دفاع از دین زبان [و] تمامی اعضای بدن و جانمان را هدیه می‌دهیم تا اسلام و قوانین حیات[۵]بخشش در سراسر جهان گسترش یابد. «والسلام[۶] علیک یا اباعبدالله».

به مادرم بگویید بقیهٔ برادران را یک‌جوری بزرگ کند که ادامه دهندگان[۷] را[ه] شهیدان باشد. پیرو خط امام و ولایت فقیه باشید و امام را تنها نگذارید.

این وصیت‌نامه را در تاریخ ۶۰/۱/۹ [نوشتم].

علیرضا مهدی‌ئی

این سینه را چون سینه‌ها هفت آبه شو از کینه‌ها

۱- چند واژه یا افتاده است و یا خوانا نیست.

۲- صحیفهٔ امام، ج ۱۳، ص ۵۰۳.

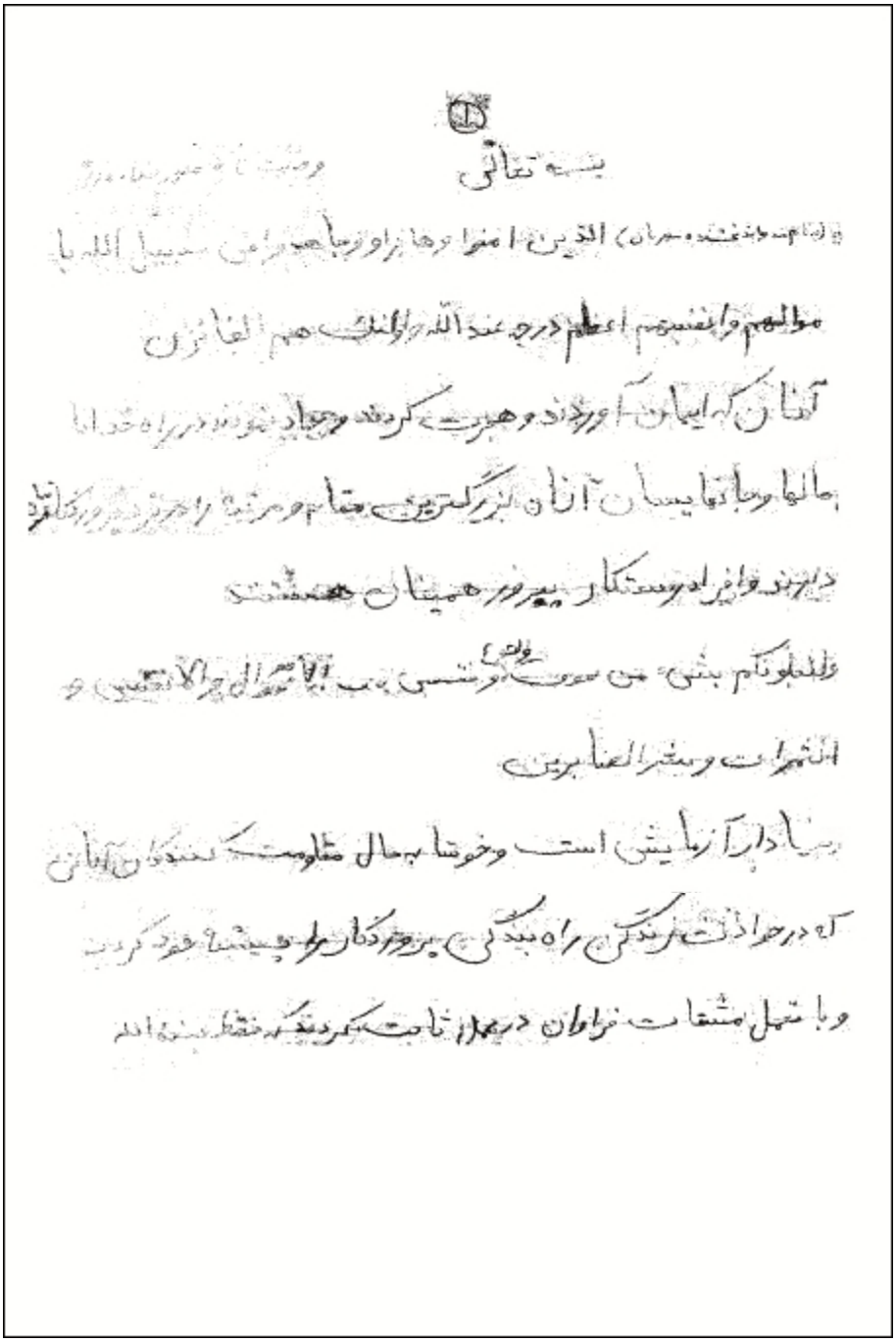
۳- در اصل وصیت «ما».

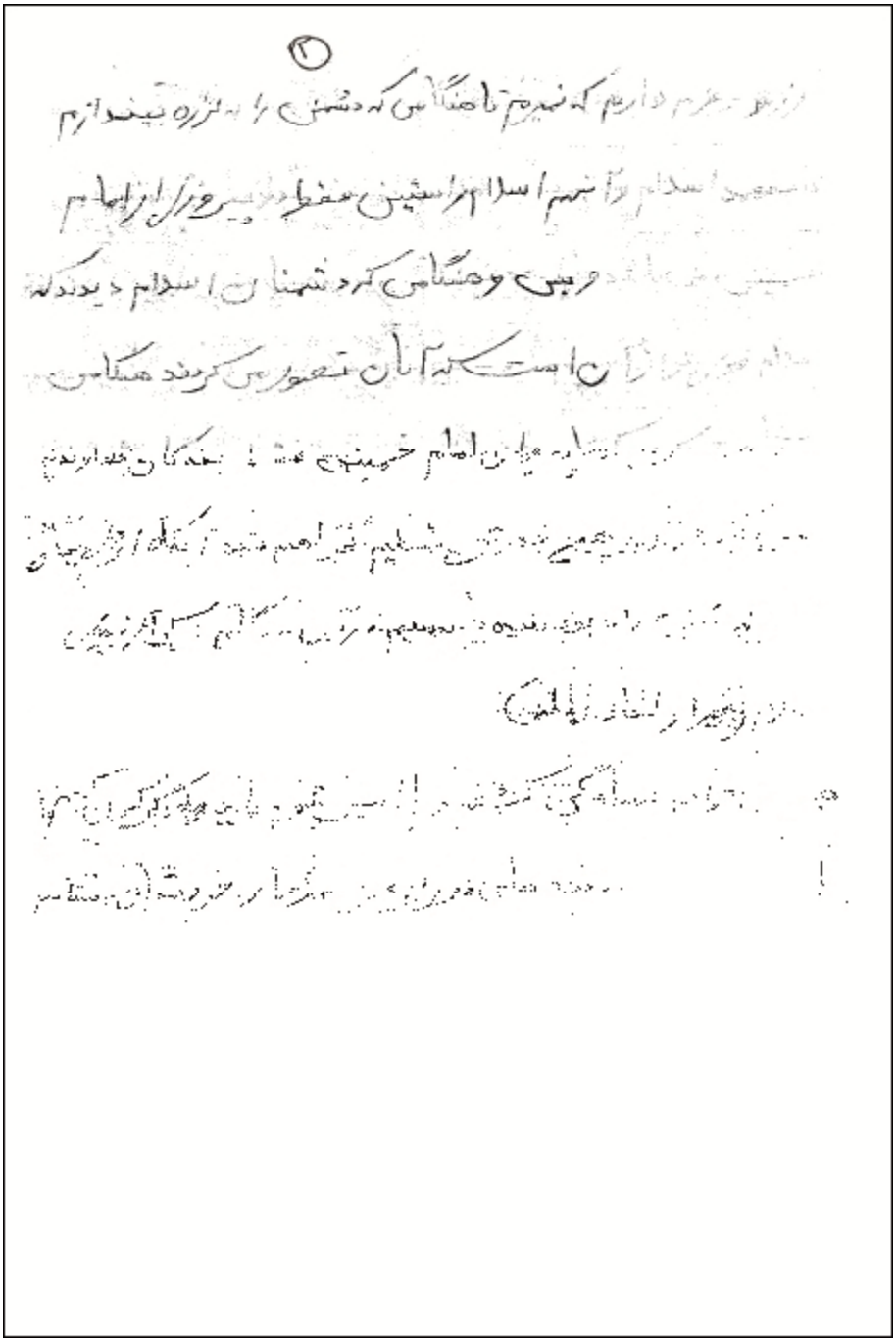
۴- در اصل وصیت «مبارزه».

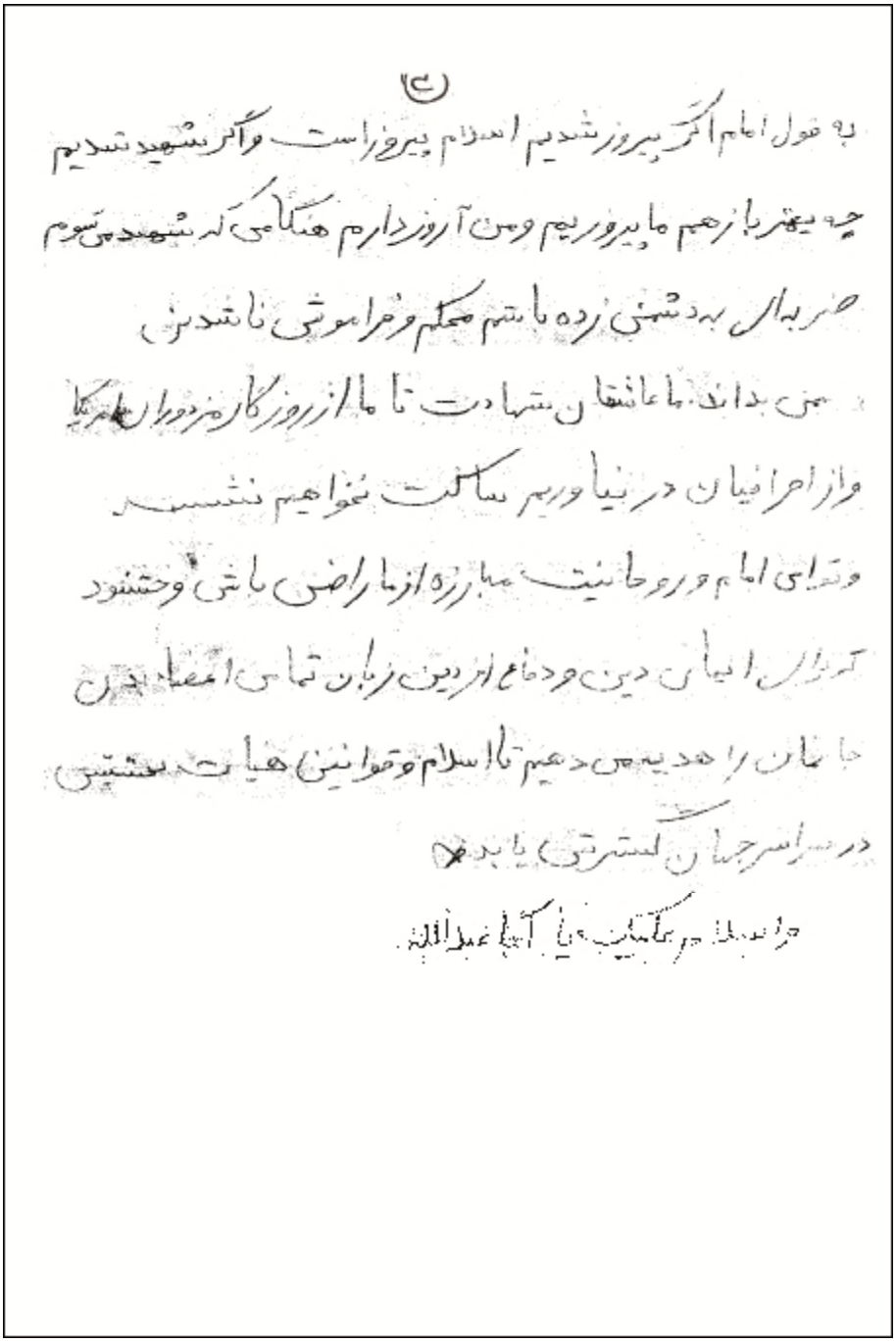
۵- در اصل وصیت «هیات».

۶- در اصل وصیت «واسلام».

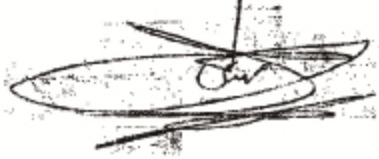
۷- در اصل وصیت «داهنگان».







به مادرم بگویید بقیه برادران را که هنوز بزرگ نشده
کنار ادامه دهنده راه شهدا باشند
راه خط امام و ولایت فقیه باشند و همه امام را تنها نگذارند
این وصیت نامه را در تاریخ ۶۰/۱/۹
علیرضا موحدی



این بقیه از چون بقیه ها
هفت آیه شوار کینه ها



نام: **گل‌محمد**
نام خانوادگی: **مهدی‌ئی**
نام پدر: **حسین**
نام مادر: **نازخانم**
تاریخ تولد: **یکم شهریور ۱۳۴۶**
محل تولد: **روستای میقان از توابع شهرستان شاهرود**
تحصیلات: **تا دوم راهنمایی**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **بیست‌وپنجم اسفند ۱۳۶۳**
محل شهادت: **رود دجله عراق**
نحوهٔ شهادت:
مزار: **گلزار شهدای زادگاهش**

عبارت‌های کلیدی

- استکبار جهانی و عمالش به میهن اسلامی ما هجوم آورده‌اند و می‌خواهند اسلام عزیز را از میان ملت‌ها بردارند.
- مثل خاندان وهب جوانانتان را به جبهه‌های نبرد بفرستید.
- استغفار و دعا بهترین درمان‌ها برای تسکین دردهاست.
- همیشه به‌یاد خدا باشید.
- هرگز دشمنان بین شما تفرقه نیندازند و شما را از روحانیت متعهد جدا نکنند.
- حضورتان را در جبهه‌های حق علیه باطل ثابت نگه‌دارید.
- در امام بیشتر دقیق شوید و سعی کنید عظمت او را بیابید.
- صداقت و اخلاص خود را همچنان حفظ کنید.
- با خداوند پیمان می‌بندم که در تمام عاشوراها و در تمام کربلاها با حسین(ع) همراه باشم.
- اکنون باز یوم‌الله دیگری است، حماسهٔ عاشورای ۶۱ هجری تکرار شده است.
- می‌خواهم از شما که با یاد شهیدان کربلا قلب خود را آرامش دهید.

گل‌محمد مهدی‌ئی

بسم الله الرحمن الرحیم

به‌نام خداوند بخشندهٔ مهربان

«**ان الله یحب الذین یقاتلون فی سبیله صفاً کانّهم بنیان مرصوص**»[۱].

«به‌درستی که خدا دوست دارد کسانی که در راهش چون دژهای استوار پیکار می‌کنند».

با سلام بر حضرت مهدی(عج) منجی عالم بشریت و نایب برحقش خمینی کبیر و با سلام و درود بر شهیدان گلگون‌کفن از صدر اسلام تا کربلای خونین دشت ایران و با درود بر رزمندگان دلیر و پرتوان اسلام، این رهروان راه امام حسین(ع) و این ادامه‌دهندگان راه شهیدان و با سلام و درود بر ملت قهرمان و شهیدپرور.

هموطنان عزیز، هم‌اکنون که استکبار جهانی و عمالش به میهن اسلامی ما هجوم آورده‌اند و می‌خواهند اسلام عزیز را از میان ملت‌ها بردارند ما وظیفه داریم که در جبهه و در پشت جبهه حضور به‌هم رسانیم و با این کفار به مقابله برخیزیم تا هرچه زودتر اسلام عزیز در تمام جهان گسترش یابد.

آنقدر به جبهه می‌رویم و می‌جنگیم تا شهید شویم. ای جوانان نکند در رختخواب ذلت بمیرید که حسین(ع) در میدان نبرد شهید شد. ای جوانان مبادا [...][۲] حسین(ع) در راه حسین(ع) و با هدف شهید شد، ای مادران مبادا از رفتن فرزندانتان [به] جبهه جلوگیری کنید که فردا در محضر خدا نمی‌توانید جواب زینب(علیهاالسلام) را بدهید که تحمل ۷۲ شهید را نمود. همه مثل خاندان وهب[۳] جوانانتان را به جبهه‌های نبرد بفرستید و حتی جسد او را هم تحویل نگیرید، زیرا مادر وهب فرمود «سری را که در راه خدا داده‌ام پس نمی‌گیرم».

۱- صف/ ۴.

۲- خوانا نیست.

۳- ر.ک.تعلیقات.

برادران، استغفار[۱] و دعا را از یاد نبرید که بهترین درمان‌ها برای تسکین دردهاست و همیشه به‌یاد خدا باشید و در راه او قدم بردارید و هرگز دشمنان بین شما تفرقه نیندازند و شما را از روحانیت متعهد[۲] جدا نکنند، که اگر چنین کردند روز بدبختی مسلمانان و روز جشن ابرقدرت‌هاست. حضورتان را در جبهه‌های حق علیه باطل ثابت نگه‌دارید. در امام بیشتر دقیق شوید و سعی کنید عظمت او را بیابید و خود را تسلیم او سازید و صداقت و اخلاص خود را همچنان حفظ کنید.

اگر فیض شهادت نصیبم [...][۳] جنازهٔ من حاضر نشوند. اما باشد که دماء شهدا آنان را نیز متحول سازد و به رحمت الهی نزدیکشان کند. سلام مرا به رهبر عزیزم برسانید و بگویید[۴] تا آخرین قطرهٔ خونم سنگر اسلام را ترک نخواهم کرد. با خداوند پیمان می‌بندم که در تمام عاشوراها و در تمام کربلاها با حسین(ع) همراه باشم و سنگر او را خالی نکنم، تا هنگامی که همهٔ احکام اسلام در زیر پرچم اسلامی امام زمان(عج) به‌اجرا درآید. معبودم الله، مکتبم اسلام، کتابم قرآن، حزبم حزب‌الله، رهبر روح‌الله.

خداوند را سپاس می‌گویم که مرا در این برهه از زمان به دنیا آورد و به من توانایی[۵] داد تا در صف جندالله قرار گیرم. خمینی را درود می‌فرستم. او را از صمیم قلب دوست می‌دارم، زیرا مرا آنچنان رهبری [عطا] نمود تا به محبوبم الله رسیدم. آن گلوله را دوست دارم که قلبم را سوراخ‌سوراخ می‌کند و آن خمپاره و ترکش را دوست می‌دارم که پیکرم را پاره‌پاره می‌کند، چرا که مرا از این خاکدان پست رهایی[۶] می‌بخشد و به لقاءالله پیوند می‌دهد.

۱- در اصل وصیت «استقفار».
۲- در اصل وصیت «متعد».
۳- در اصل وصیت افتاده است.
۴- در اصل وصیت «بگوئید».
۵- در اصل وصیت «توانائی».
۶- در اصل وصیت «رهائی».

اکنون باز یوم‌الله دیگری است، حماسهٔ عاشورای ۶۱[۱] هجری تکرار شده است، حسین زمان ما خمینی صدای «هل من ناصر ینصرنی»[۲] سر داده است. اینک ما می‌گوییم «حسین جان، اگر در آن فضای داغ و خونین جز عده‌ای معدود کسی تو را یاری نکرد و ندای تو را لبیک نگفت، ما پیروانت در فضای گرم و خونین ایران زمین دست مردانگی مشت کرده و به ندای غریبت لبیک می‌گوییم. و این است طریق عاشقان حقیقی»[۳].

خداوندا تو شاهدی از آن لحظه‌ای که از خانه‌مان خارج شدم فقط به‌خاطر تو و برای رضای تو آمدم. پدرم و مادرم، خانواده‌ام و دوستانم را ترک گفتم، زیرا عشق من به تو مهم‌تر و مهم‌تر از دوستی آنان بوده. خداوندا مرا لحظه‌ای به خود وامگذار، که به تو محتاجم.

و شما ای پدرم که زحمت‌های بسیاری برای من متحمل شدی، من هیچ‌وقت نمی‌توانم جبران زحمت‌های شما را بکنم و امیدوارم اگر از من ناراحتی دیده‌ای مرا حلال کنی، مادرم، مادر عزیزم که چه رنج‌ها و سختی‌ها و بی‌خوابی‌ها برای من کشیده‌ای و من اگر تمام عمرم را به تو خدمت می‌کردم جبران یک شب بی‌خوابی تو نمی‌شد! امید این که مرا حلال کنی و ناراحتی‌هایی را که برایت به وجود آورده‌ام بر من ببخشایی.

برادرم علی، مبادا از روحانیت متعهد جدا شوی. نمازت، اخلاق و رفتارت و کردارت را مبادا از یاد ببری. تو باید بعد از من راه مرا ادامه دهی و نگذاری تفنگم بر زمین بیفتد. سعی کن همهٔ اوقاتت را به اسلام عزیز خدمت کنی. پدرم، مادرم، برادر و خواهرهایم، صبر و بردباری شما در شهادت من راضی به رضای خدا بودن است و شما با راضی بودن‌تان به رضای خدا چه بسا کاری بزرگ‌تر از من انجام داده‌اید. و می‌خواهم از شما که با یاد شهیدان کربلا قلب خود را آرامش دهید و تنها خواهشی که از شما دارم این است که برای

۱- در اصل وصیت «۶۰».

۲- ر.ک.تعلیقات.

۳- مفهوم قسمتی که داخل گیومه آمده است این فراز از زیارت وارث را تداعی می‌کند. «یا لیتنی کنت معکم فأفوز فوزاً عظیماً». زیارت وارث امام حسین(ع).

من اشک نریزید، که دشمن را خوشحال می‌کنید. و خوشحال باشید که خداوند این نعمت بزرگ را به من و خانواده‌ام ارزانی داشته است، و من امانتی بودم از پیشگاه خدا نزد شما.

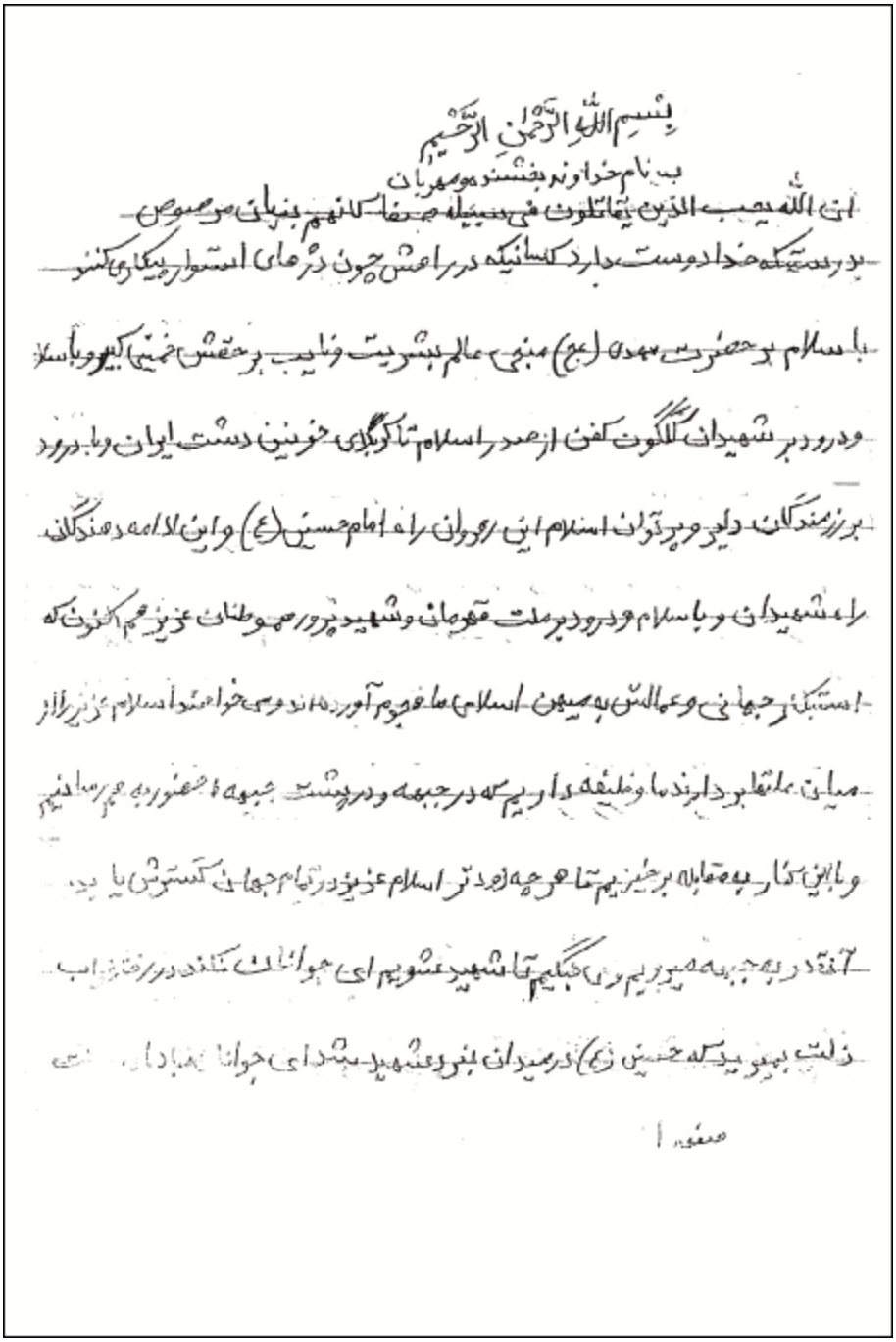
در جشن شهادتم همه را دعوت کنید و شما را به خدا قسم می‌دهم که برای من سیاه نپوشید، که اصلاً برای چنین مقامی عزا گرفتن درست نیست. شما چطور برای عروسی ازدواج آنچنان جشن می‌گیرید؛ که آن پیوستن به همسر است و اینکه یک غریزهٔ[1] جنسی است، ولی شهادت، پیوستن به خداست و اصلاً در برابر آن نمی‌شود مقایسه کرد. این جشن باید میلیاردها برابر از آن بزرگ‌تر باشد که من به خدای خود پیوسته‌ام. و لباس‌های زیبا با بهترین رنگ‌ها بپوشید و اگر خواستید حجله بگذارید، روی حجله را با پارچه سیاه نپوشید و پارچه سبز و سفید بزنید.

در آخر، از همهٔ شما التماس دعا دارم و همهٔ شما را به خدای بزرگ می‌سپارم. «**انا لله و انا الیه راجعون**»[2] «حقاً ما برای خدا هستیم و ما به‌سوی او از بازگشت‌کنندگانیم».

من ز تیر بلا ندارم باک — می‌کنم جان فدا ندارم باک
در ره وصل کعبه مقصود — من از این کافران ندارم باک
گر به یک دیدنت بگیرد جان — این دل و جان ما ندارم باک

گل‌محمد مهدی‌ئی
۶۲/۵/۹

۱- در اصل وصیت «غریضه».
۲- بخشی از آیهٔ ۱۵۶ سورهٔ بقره.



بسم الله الرحمن الرحیم

به نام خداوند بخشنده و مهربان

ان الله یحب الذین یقاتلون فی سبیله صفا کانهم بنیان مرصوص

بر بندگی که خدا دوست دارد کسانیکه در راهش چون دژهای استوار پیکار میکنند

با سلام بر حضرت مهدی (عج) منجی عالم بشریت و نایب برحقش خمینی کبیر و با سلام

و درود بر شهیدان گلگون کفن از صدر اسلام تا کربلای حسین دشت ایران و با درود

بر رزمندگان دلیر و پرتوان اسلام این رهروان راه امام حسین (ع) و این ادامه دهندگان

راه شهیدان و با سلام و درود بر ملت قهرمان و شهید پرور و همه وطنان عزیز هم اکنون که

استکبار جهانی و عمالش به صیون اسلام ما هجوم آورده اند و می خواهند اسلام عزیز را از

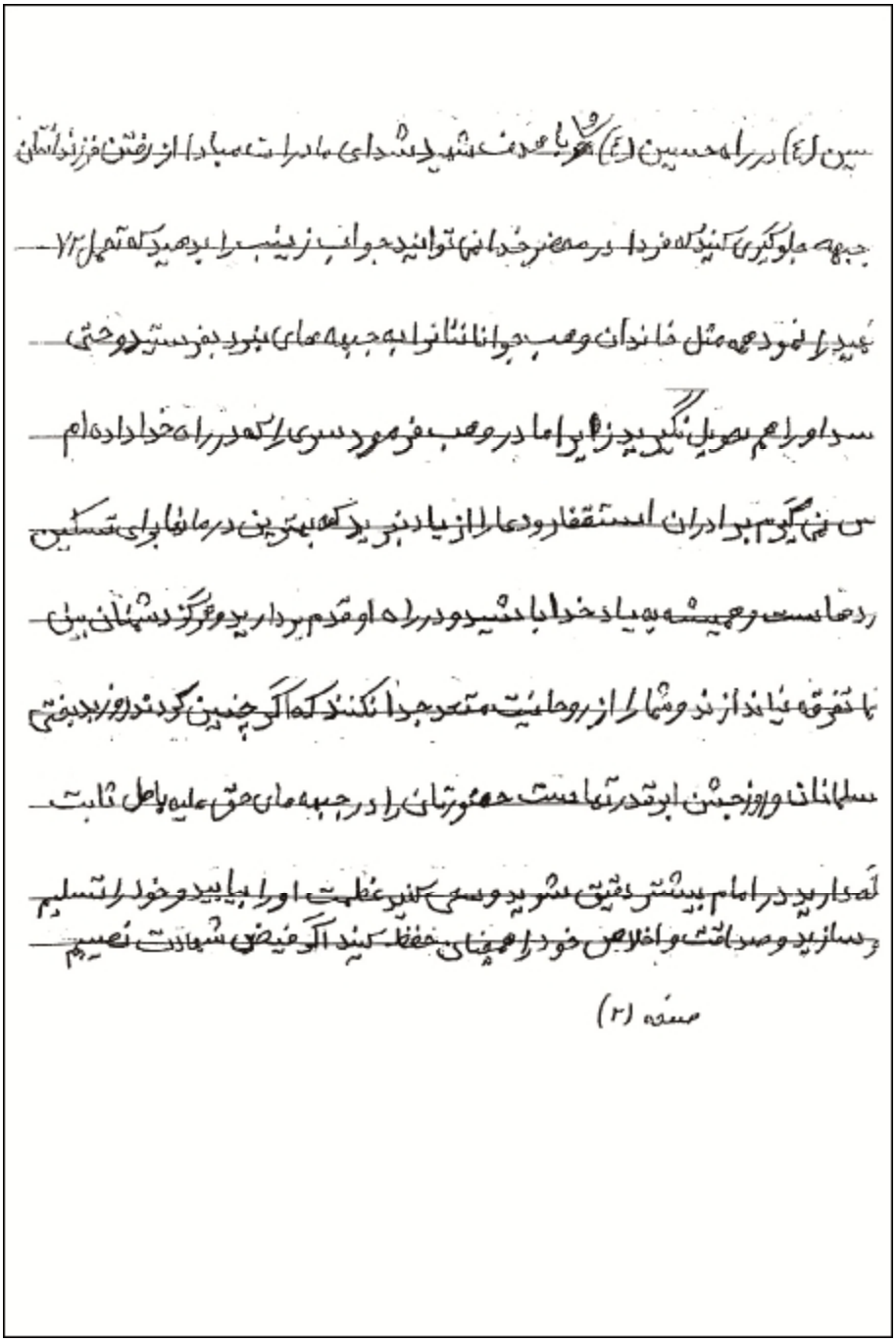
میان ما نابود کنند ما وظیفه داریم که در جبهه و در پشت جبهه ها حضور به هم رسانیم

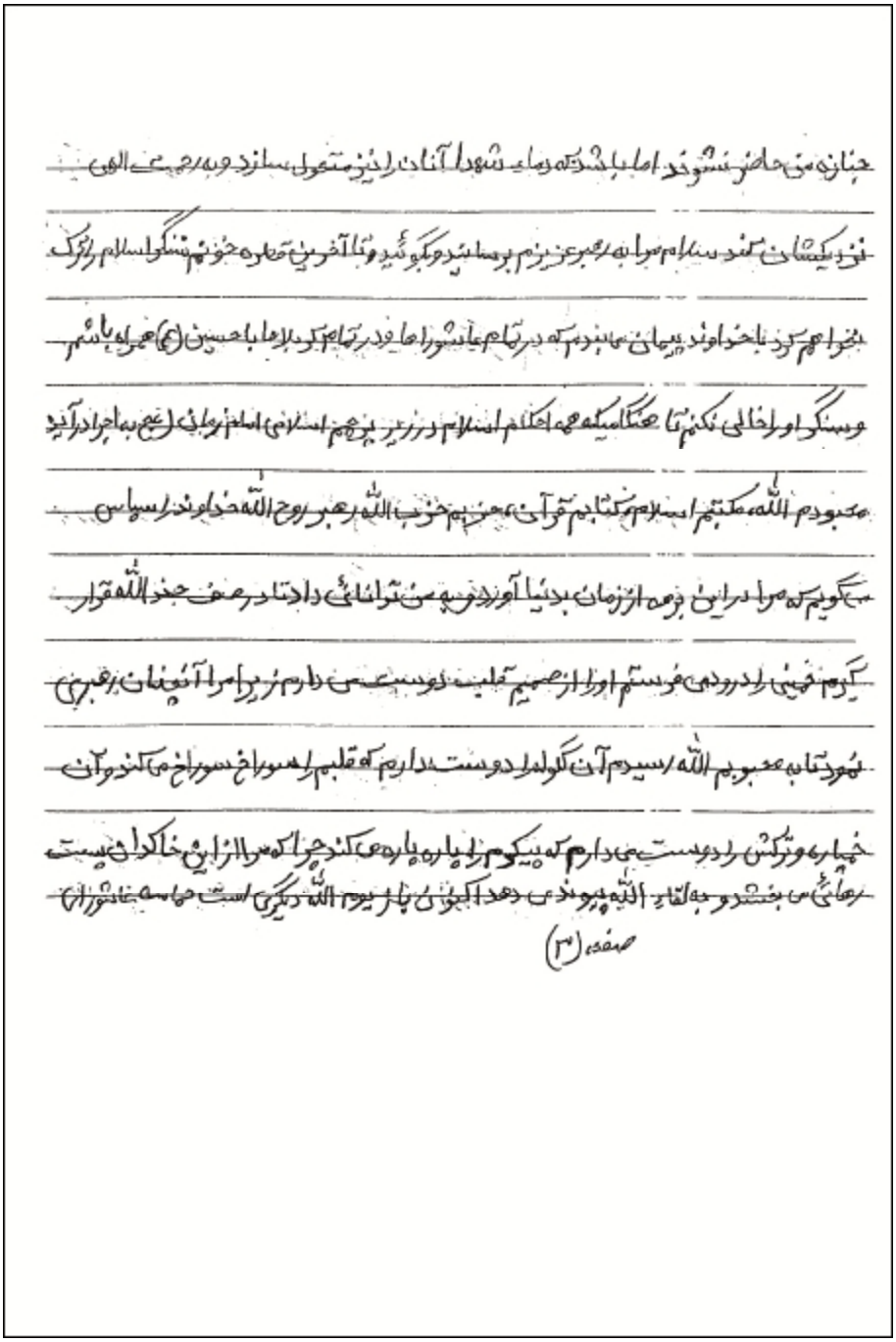
و با این کفار به مقابله برخیزیم تا هر چه زودتر اسلام عزیز در تمام جهان گسترش یابد

آنقدر به جبهه میرویم و می جنگیم تا شهید شویم ای جوانان نکند در رفاه و راحت

زندگی بمیرید که حسین (ع) در میدان جنگ و شهید شد ای جوانان بیدار باشید

صفحه ۱





ع هیچ‌یی تکرار نشده است حسین زمان ما حسین عصر ما علی ناصر یثرب شور ما است

اینک ما می‌گوئیم حسین جان اگر در آن فضای داغ و خونین جزء ای معدود کسی تو را یاری

نکرد و ندای تو را لبیک نگفت ما پیرو و انت در فضای گرم و خونین ایران زمین دست

مردانگی مشت کرده و به ندای غریبت لبیک می‌گوئیم و این است طریق عاشقان حقیقی

خدا را تو شاهدی از آن لحظه‌ای که از خانه‌مان خارج شدم فقط به خاطر تو و برای رضای تو آمدم

پدر و مادرم خانواده‌ام و دوستانم را ترک گفتم زیرا عشق من به تو مهمتر و مهمتر از دوستی آنان

بوده خداوندا مرا لحظه‌ای به خود وا مگذار تو به تمام وجودم و شما ای پدرم که زحمتهای بسیاری برای

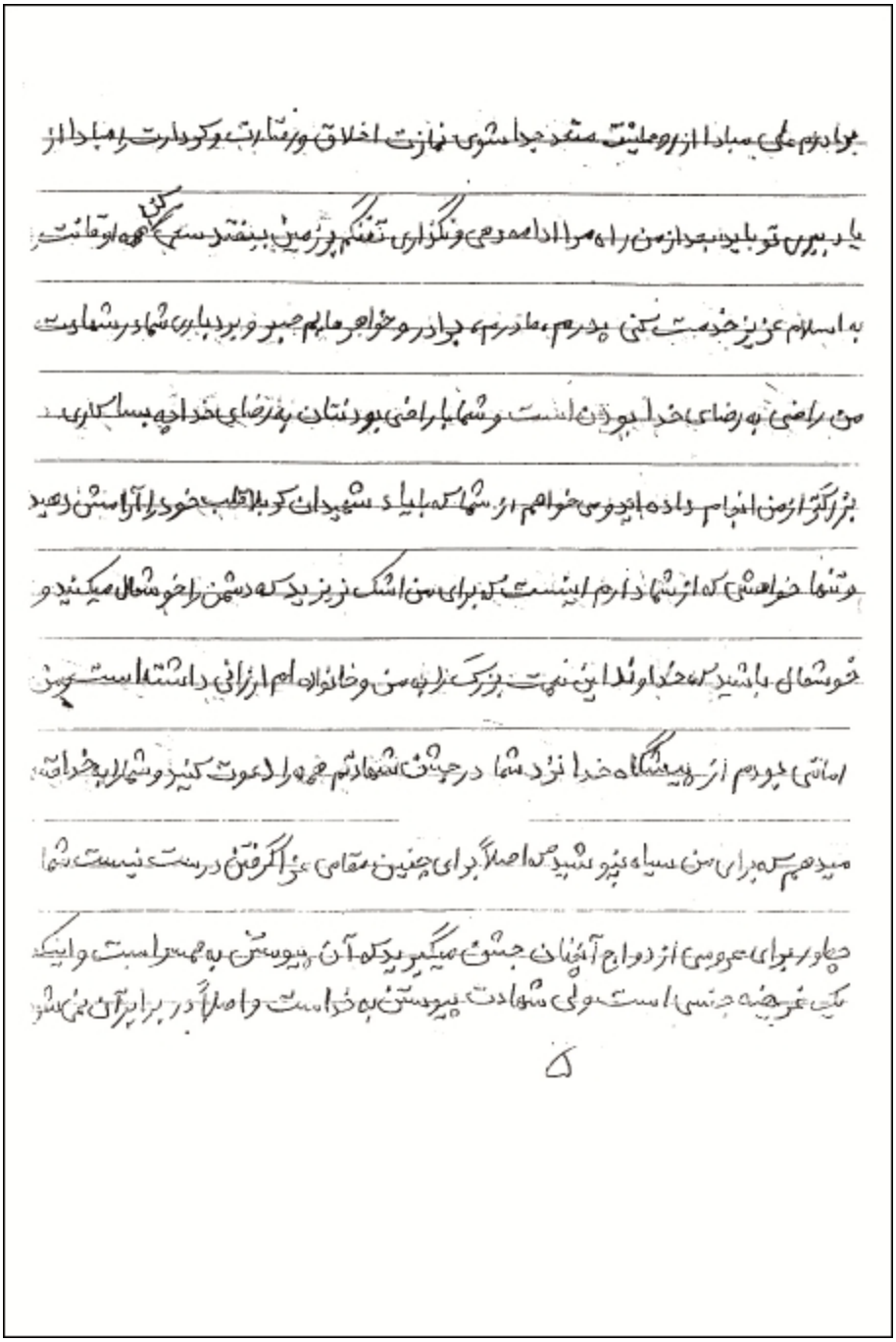
من متحمل شدی من هیچوقت نمی‌توانم جبران زحمتهای شما را بکنم و امیدوارم اگر از من ناراحتی

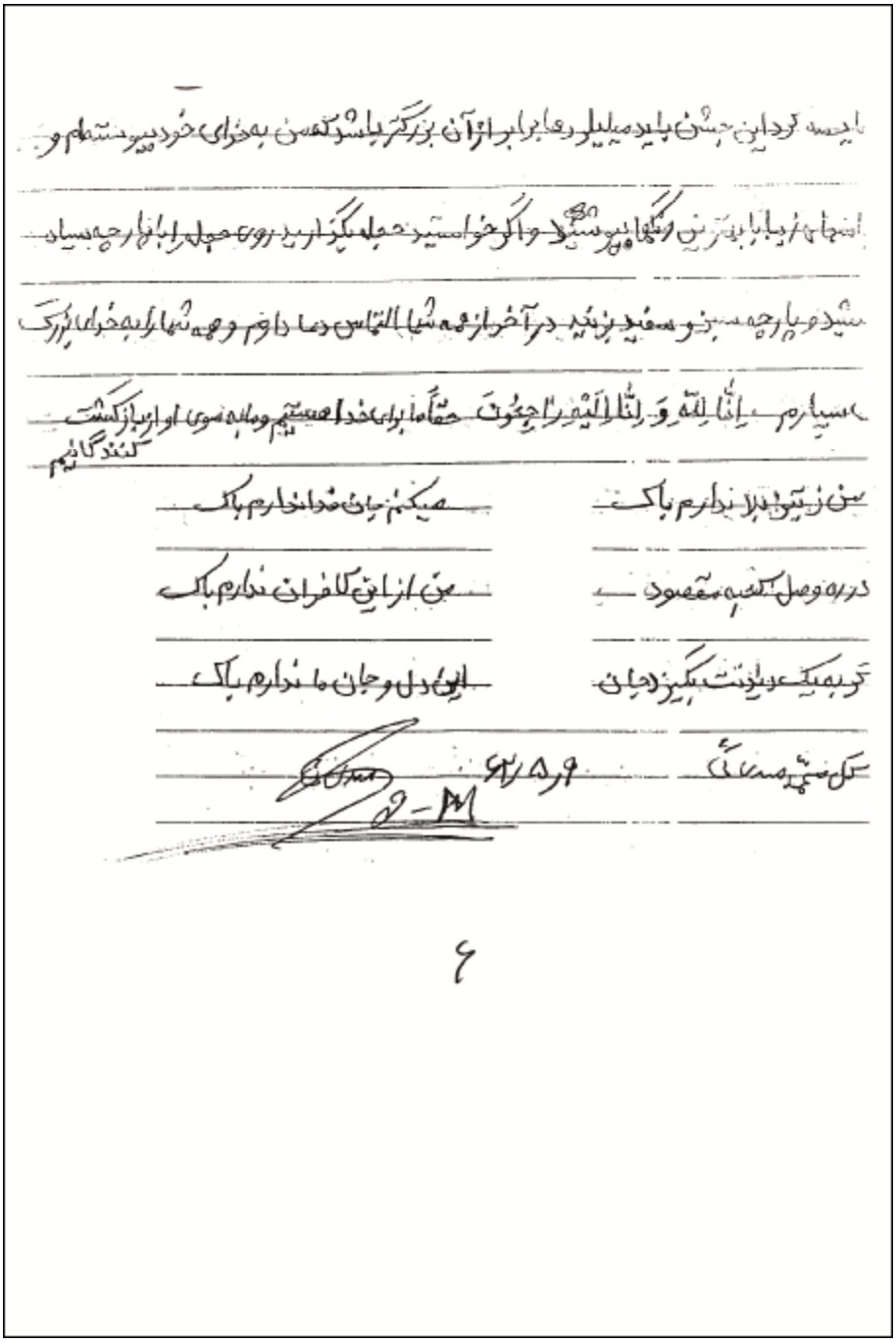
دیده‌ای مرا حلال کنی مادرم مادر عزیزم که چه گریه‌ها و سختیها و بی‌خوابی‌ها برای من کشیدی

و من اگر تمام عمرم را به تو خدمت می‌کردم جبران یک شب بی‌خوابی تو نمی‌شود امیدوارم که را

حلال کنی و ناراحتی‌های را که برایت بوجود آورده‌ام بر من ببخشائی

ع





بایسته تر این جشن باید میلیاردها برابر از آن بزرگتر باشد که من به خدای خود پیوستم و
انسان زیباتر از زیباترین رنگها پیوسته و اگر خواستید جشنی برگزار کنید روی جشن ما بازار چه بسیار
شده و یا چه سبزه و سفید بزنید در آخر از همه شما التماس دعا دارم و همه شما را به خدای بزرگ
سپارم. إنّا لله و إنّا إليه راجعون. حتماً ما برای خدا هستیم و به سوی او بازگشت
کنندگانیم

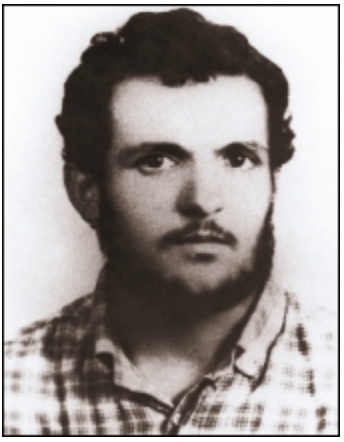
من ز بیگانه دلا نارم باک — صیقلم جان صفا دارم باک

در ره وصل تو چه مقصود است — من از این کافران ندارم باک

تو به یک بوسه دلم بگیر از جان — این دل و جان ما ندارم باک

کل صنم مسعود ۶۲/۵/۹

۶



نام: **نورمحمد**
نام خانوادگی: **مهدی‌ئی**
نام پدر: **شعبان‌علی**
نام مادر: **حمیده**
تاریخ تولد: **دهم مهر ۱۳۴۰**
محل تولد: **روستای میقان**
تحصیلات: **پایان دوره ابتدایی**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **شانزدهم آبان ۱۳۶۲**
محل شهادت: **پنجوین عراق**
نحوهٔ شهادت: –
مـــزار: **گلـــزار شـــهدای شهرســـتان زادگاهش**

عبارت‌های کلیدی

- خدایا، توفیق همرهی با شهدایت را به من کرامت کن.
- خدایا جز تو را در نظر ندارم و برای غیر تو کاری نمی‌کنم.
- ای امت اسلام دست از دامان امام نکشید.
- امام را تنها نگذارید، با او باشید فرمانش را لبیک گویید.
- اطاعت او اطاعت امام زمان علیه‌السلام است.
- با هم متحد باشید.
- برادرهای عزیزم، پرچم برادران شهیدتان را به دوش بگیرید.
- ولایت فقیه را با همهٔ وجود پشتیبانی کنید.
- اما شهادت زندگی [است]، مرگ نیست.
- هیچ راهی بهتر از راه خدا نیست.
- اگر از خدا قهر کنید شیطان رسوایتان می‌کند.

نورمحمد مهدی‌ئی

بسم الله الرحمن الرحیم

«اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له و اشهد ان محمداً رسول الله صلی الله علیه و آله و اشهد ان امیرالمؤمنین علیاً و ابنائه المعصومین حجج الله سلام الله علیهم و اشهد ان الموت حق و ان الصراط حق و ان الجنة و النار حق و ان الساعة اتیة لا ریب فیها و ان الله یبعث من فی القبور»[۱].

خدایا همان‌سان که خود شهادت دادی و فرشتگانت و صاحبان علم از بندگانت شهادت دادند شهادت می‌دهم که تو یکتایی، بی‌مثل و بی‌همتایی، از هر عیب و نقصی مبرایی، آفریدگار ارض[۲] و سمایی، شفابخش دل‌هایی، به تو زیبد ملک خدایی. خدایا با همهٔ وجود شهادت می‌دهم که امام زمان(عج) قلب عالم امکان، امام انس و جان است و چون خورشید پشت ابر پنهان است و روزی از پرده غیبت بیرون می‌آید و جهان را پر از عدل و داد خواهد کرد.

خدایا می‌دانم بیهوده آفریده نگشتم، روزی مرگ به سراغ من نیز مثل هزاران[۳] هزار دیگر می‌آید و شهادت می‌دهم که پس از مرگ [عالم][۴] عالم دیگری نیز هست، عالم برزخ، قیامت و هر کس به حساب کار خویش می‌رسد.

«اللهم انی اسئلک الامان یوم لاینفع مال و لا بنون الا من اتی الله بقلب سلیم»[۵].

«خدایا از تو امان می‌خواهم در روزی که ثروت و فرزندان به کسی سودی نمی‌دهند مگر آنکه با قلب سلیم به‌سوی تو آمده باشد».

خدایا اگر تا به‌حال غفلت کردم، اگر گذشته‌هایی بس تاریک دارم، از حال به‌سوی تو برمی‌گردم «اتوب الیک». عذر گناهم بپذیر و به جرم بیچارگی‌هایم مگیر. خدایا آینده‌هایم را

۱- مصباح المتهجد، ج ۱، ص ۱۷. «فی ذکر غسل میّت».

۲- در اصل وصیت «عرض».

۳- در اصل وصیت «هزارن».

۴- اضافه است.

۵- مناجات حضرت علی(علیه‌السلام). در اصل وصیت «... لا ینفع فیه مال...».

از گذشته منورتر کن، دلم را به شفای قرآنت شفا بخش، توفیق همرهی با شهدایت را به من کرامت کن. خدایا خودم می‌دانم که لیاقت چنین مقامی را ندارم اما از لطف و کرم تو ناامید نیستم؛ شاید به این بندهٔ حقیر نیز عنایتی فرمودی. خدایا هرچه جز [تو] در نظر گیرم باطل است، در هر کار که غیر تو را منظور داشته باشم آن کار تباه است. خدایا جز تو را در نظر ندارم و برای غیر تو کاری نمی‌کنم. «الهی رضا برضاک تسلیما لأمرک لا معبود سواک»[۱]. «خدایا به رضای تو راضی هستم به امر تو تسلیم جز تو کسی را نمی‌پرستم».

ای نایب صاحب‌الزمان(عج)، امام جماران، رهبر بت‌شکن، مرجع تقلید شیعیان، دل به تو داده‌ام و آتش عشقت را در جان دارم و فرمانت را با همه وجود مطیعم چون امام زمان(عج) فرمان اطاعت و [...][۲] را داده است، چون به تو دل دادن به او دل دادن است. اماما، جانی دارم آن را فدایت آورده‌ام. ای کاش صد جان داشتم و نثارت می‌کردم تا تو باشی و مستضعفین زمین را به نیابت مولا رهبری کنی، تا تو باشی و مسلمین را به متابعت پیغمبران و امامان دعوت کنی، تا تو باشی و شیعیان علی(علیه‌السلام) ولی‌الله را درس شهادت‌طلبی و ایثار آموزی. تو پدر رئوف امت اسلامی، تو برادر دلسوز پدران و مادران مظلومی، تو رهبر بزرگ انقلاب ایرانی.

تنت به ناز طبیبان نیازمند مباد وجود نازکت آزرده گزند مباد[۳]

اماما مرا ببخش که نمی‌توانم که آنگونه باید حق تو را ادا کنم.

من چه در پای تو ریزم که پسند تو بود سر و جان را نتوان گفت که مقداری هست[۴]

ای امت اسلام، دست از دامان امام نکشید، او را تنها نگذارید، با او باشید فرمانش را لبیک گویید، که اطاعت او اطاعت امام زمان علیه‌السلام است. ای امت اسلام، خون شهیدان را

۱- فرازی از ادعیه عید اضحی و بعضی آداب «بحار الانوار، ج ۸، ص ۴».

۲- خوانا نیست.

۳- بیت از حافظ.

۴- بیت از غزلیات سعدی.

پاسداری کنید، با هم متحد باشید، به این دو روزهٔ دنیای فانی دلخوش نباشید، تا عزت دنیا و آخرت حاصل‌تان شود.

پدر عزیز و مادر گرامی‌ام را سلام می‌رسانم. امیدوارم که از این فرزند حقیرتان راضی باشید، اگر توفیق شهادت نصیبش شد گریه و زاری نکنید، بی‌تابی نکنید، شکر کنید خدا را که فرزندتان با نااهلان نبود، با اشرار نبود، در راه خدا بود، در راه قرآن جانبازی کرد. هرگاه خواستید گریه کنید به فرزند پیغمبر(صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) حسینِ(علیه‌السلام) فاطمه(علیهاالسلام) گریه کنید، به شهدای کربلا گریه کنید.

پدر جان، در راه خدا باش، راضی به رضای او. شیطان در دلت وسوسه نکند، غمگینت نسازد که باز این فرزندت را نیز مثل فرزند دیگرت از دست داده‌ای. افتخار کن که در راه خدا چنین جوانانی داشتی و فدا کردی. همه کس را این توفیق نیست. اگر همه برادرانم هم در راه خدا کشته شدند خم به ابرو میاور سرافراز و سربلند باش. خدا یار و نگهدار تو باشد.

مادر عزیزم، دست پرمهر تو را می‌بوسم. می‌دانم برایم رنج‌ها کشیدی، خون دل‌ها خوردی اما از خدا می‌خواهم که اجر دنیا و آخرتت عطا فرماید. مادر جان، اگر تقدیر چنین شد که این فرزند حقیرت نیز مثل فرزند دیگرت شهید علیرضا به فوز عظیم شهادت برسد مبادا اندکی ضعف از خودت نشان دهی. نه، قوی باش، دو روزهٔ دنیا می‌گذرد اما سرافرازی از آن کسی است که در امتحان‌ها سرافراز و پیروزمند بیرون آمده باشد.

مادر جان، فاطمه زهرا سلام‌الله علیها را زینب کبری(علیهاالسلام) را، مادران دیگر شهدا را که آنگونه عظمت آفریدند، از یاد خود مبر. مد نظر داشته باش، مادر جان، تنها تو نیستی که مادر دو شهید هستی؛ خیلی بوده‌اند و هستند که چندین فرزندشان را در راه خدا داده‌اند و باز می‌گویند ای کاش صد فرزند داشتم و در راه خدا می‌دادم. مادر جان، مبادا با بی‌تابی و گریه و زاری‌هایت دل دوستان خدا را برنجانی و دشمنان را شادمان کنی. نه، بگذار تا منافقین[1] و کفار بفهمند که مادران ما در راه یاری دین خدا از هیچ مصیبتی باک ندارند، از هیچ مشکلی نمی‌هراسند، از هیچ رنج و سختی روگردان نیستند. بگذار تا بدخواهان بدانند

۱- ر.ک.تعلیقات.

که مادران ما مادر وهب[۱] هستند که در صحرای کربلا وقتی سر فرزندش را به‌سوی او انداختند سر را به‌طرف دشمن پرت کرد و گفت: ما چیزی که در راه خدا دادیم پس نمی‌گیریم. مادر جان، به صبر و استقامتت، به بزرگی روحت، به ایمان و اخلاصت از دل سنگر قرآن درود[۲] می‌فرستم و برایت از خدای بزرگ توفیق بیشتر می‌خواهم.

برادرهای عزیزم، پرچم برادران شهیدتان به دوش بگیرید، مگذارید تفنگشان به زمین افتد، در راه خدا از هیچ کوششی دریغ مورزید، ولایت فقیه را با همهٔ وجود پشتیبانی کنید، در سربازی امام زمان علیه‌السلام از فراز و نشیب‌ها از پستی و بلندی‌ها مهراسید، استوار و سربلند برای پیاده کردن احکام خدا و یاوری امام عزیزمان به پا خیزید خدا یار و نگه‌دار شما باد. خواهران عزیزتر از جانم. می‌دانم داغ‌دارید و در فراق دو برادرتان شاید بی‌تاب باشید، زیرا غم مرگ برادر را برادرمرده می‌داند. اما شهادت زندگی [است]، مرگ نیست، مرگ از آن در بستر مردگان است. «آنها که در میدان جنگ کار زار می‌کنند و کشته می‌شوند مرده نیستند زنده‌اند»[۳]. صبر کنید، استقامت کنید، دلتان با خدا باشید. امیدوار باشید که خدا اجر عظیمتان عنایت می‌کند. خواهران عزیزم، در خانهٔ همسرانتان نمونه باشید، فرزندانتان را به نحو احسن تربیت[۴] کنید. بگذارید از امانت‌هایی که در دست شما سپرده شده است اولیاءالله برخیزند. اگر از این برادرتان بی‌اعتنایی یا رنجشی دیده‌اید امید دارم که مرا ببخشید، عفوم کنید.

خویشان و قومان و همسایگان و حق‌داران و آشنایان را به تقوا و پاکی و کارزار در راه خدا سفارش می‌کنم. دوستان من، هیچ راهی بهتر از راه خدا نیست. راه خدا نرویم، چه راهی برویم؟ اگر سعادت دنیا و آخرت می‌خواهید با خدا آشتی کنید. اگر از خدا قهر کنید شیطان رسوایتان می‌کند. سلام بر شهدای اسلام خصوصاً شهدای انقلاب اسلامی ایران. من به راه برادر شهیدم رفتم و شهادت در این راه سعادت من است. الهی العفو، الهی العفو.

۱- ر.ک.تعلیقات.

۲- در اصل وصیت: «دورود».

۳- ترجمه قسمتی از آیه ۱۵۴ سورهٔ بقره است. «و لا تقولوا لمن یقتل فی سبیل‌الله اموات بل احیاء ...».

۴- در اصل وصیت: «تربییت».

خدایا خدایا، تا انقلاب مهدی(عج)، خمینی را نگه‌دار. حسین(علیه‌السلام) جانم، جانم حسین(علیه‌السلام).

[وصیت‌نامه‌ای دیگر]

بسم الله الرحمن الرحیم

خدایا توفیق شناخت حقوق برادری و ادای آن را نصیب من بفرما.

برادر عزیز ای پاسدار دین خدا، از جبههٔ نبرد حق علیه باطل سلام عرض می‌کنم، امیدوارم که مرا ببخشی. برادر عزیز، خودم می‌دانم و خدا بیشتر می‌داند که چقدر تو را اذیت آزار کرده‌ام. خواستم در این آخرین کلمات اولاً از شما معذرت بخواهم و از پیشگاه پروردگار طلب عفو و بخشش کنم. خدیا مرا ببخش.

برادر حسن جان، فقط یک خواهش دارم و آن اینکه از خدمتگزاری به والدین سرپیچی نکن- که نمی‌کنی و اگر من نتوانستم که آنگونه باشم که باید بودم شما آنگونه باشید که باید باشید. والدین به گردن ما حق بزرگی دارند که هرگز قدرت جبران یک روز از زحمات آنها را هم نداریم. در نمازهایت دعاشان کن، همیشه به فکرشان باش احترامشان[1] کن و با ایشان مهربانی کن. برادر جان، تو پسر بزرگ خانه‌ای وظیفه‌ات سنگین‌تر است، باید بیشتر بکوشی و به فکر باشی. به فکر خواهرها هم باش، ایشان را فراموش نکن. آنها مظلوم با [دل][2] شکسته هستند باید دل ما به حال ایشان بسوزد. برادر، از حلیمه یادت نرود او به گردن من خیلی [حق] دارد. برادرها عباس و موسی را سعی کن در راه خداشان نگه‌داری و نگذاری به بیراهه خدایی نکرده بیفتند.

خویشان، قومان، همسایگان، همه را حق‌شناس باش و حقشان را ادا کن. عموها همگی را سلام می‌رسانم. دایی‌ها را همگی سلام می‌رسانم. خاله‌ها را همگی سلام می‌رسانم. عمه را همگی سلام می‌رسانم. خدا خودش می‌داند که نمی‌توانم و فرصت نیست که تمام یکایک را [نام] ببرم. مرا ببخشند و عفوم کنند.

۱- در اصل وصیت: «احترمشان».

۲- در اصل وصیت «با شکسته».

برادر حسن، امام عزیزمان پیر جماران از یادت نرود. خط سرخ و خونین علوی راه امام خمینی است. سعادت ما در اطاعت از فرمان امام خمینی است. تو پاسدار جوانی، سعی کن در پاسداری نمونه چون آن قهرمان باشی. شهیدانمان یادت نرود. آیا [از][1] شهید علی و غلام را فراموش می‌توان [که] کرد. و هرچه داریم از خون پاک ایشان داریم. هر هفته به مزار پاک شهید علی برو و عوض من هم سلام برسان. برادر، خودم می‌دانم که تو همیشه به گردن من حق دارید.

برادر، نماز و روزه[2] خیلی بدهکارم و بگو برادران حزب‌الله برایم بگیرند و دعا کنند که خدا از سر تقصیر[3] من بگذرند و گناهان مرا ببخشاید. هشت سال نماز و هشت ماه هم روزه برایم بگیرید. ناراحت نشو که خیلی زیاد است. انشاءالله اجر شما در نزد او محفوظ خواهد بود. و بی فیض[4] و فوز نخواهی ماند. به هر که صلاح دانستی بده بگیرند[5]. از همه عوض من طلب بخشش کن. بگو از حزب‌الله و بسیج حمایت کامل و کافی کنند، آنها را تنها نگذارند و به آنها به مهربانی رفتار کنند. جوانان پاکی هستند و مردان ایمان هستند، خدمتگزاران واقعی هستند، خیلی بچه‌های ولایی خوبی هستند. برادر، اگر من [را] هم آوردند هر جا که خودت صلاح می‌دانید دفنم کنید. پس به حرف مردم گوش نکنید. قطعه شهدا، علی شنو.

مؤمن از عزم [و] توکل قاهر است — گر ندارد این دو جوهر کافر است
خیر را او باز می‌داند ز شر — از نگاهش عالمی زیر [و] زبر
کوهسار از ضربت او ریز ریز — در گریبانش هزاران رستخیز

خداحافظ والسلام

مهدی‌ئی

۱- اضافه است.
۲- در اصل وصیت «روز».
۳- در اصل وصیت «تقصر».
۴- در اصل وصیت «فیضه».
۵- در اصل وصیت «بگیرند».

أشهد أن لا إله إلا الله وحده لا شريك له
وأشهد أن محمداً رسول الله صلى الله عليه وآله
وأشهد أن أمير المؤمنين علياً وأبناءه المعصومين حجج الله سلام الله عليهم
وأشهد أن الموت حق وأن الصراط حق وأن الجنة والنار حق وأن الساعة آتية
لا ريب فيها وأن الله يبعث من في القبور

خدایا همانسان که خود شهادت دادی و فرشتگانت و صاحبان علم از بندگانت شهادت دادند شهادت می دهم که تو یکتائی، بی مثل و همتائی از هر عیب و نقصی منزهی آفریدگار عرض و سمائی شناختن دلهائی به توزیبد ملک خدائی
خدایا باهمه وجود شهادت که امام زمان قطب عالم امکان علیه السلام امام انس و جان است و چون خورشید پشت ابر نهان است و روزی از پرده غیبت بیرون می آید جهان را پر از عدل و داد خواهد کرد
خدایا، می دانم بیهوده آفریده نگشتم، روزی مرگ به سراغ من نیز مثل هزاران هزار دیگر می آید و شهادت می دهم که پس از مرگ عالم عالم دیگری نیز هست، عالم برزخ قیامت و هر کس به حساب کار خویش می رسد
اللهم إني أسئلك الأمان يوم لا ينفع فيه مال ولا بنون إلا من أتى الله بقلب سليم
خدایا از تو امان می خواهم در روزی که ثروت و فرزندان به کسی سودی نمی دهند مگر آنکه با قلب سلیم بسوی تو آمده باشد.

خدایا، اگر تا بحال غفلت کردم اگر گذشته هائی بس تاریک دارم از حال بسوی تو برمی گردم أتوب إليك، عذر گناهم بپذیر و به جرم بیشمار گناهانم مگیر
خدایا آینده هایم را از گذشته صورتگر دلم را به شفای توانت شفا بخش تو منی هر بس با شهد ایمان را بسن گرامت کن
خدایا خودم می دانم که لیاقت چنین مقامی را ندارم اما از لطف و کرم تو ناامید نیستم، شاید به این بنده حقیر نیز عنایتی فرمودی
خدایا هر چه جز در خط گیرم باطل است، در هر کار که غیر تو را منظور داشته باشم آن کار تباه است

خدایا جز تو را در نظر ندارم و برای غیر تو کاری نمی کنم
الٰهی رضاً برضاک تسلیماً لامرک لا معبود سواک
خدایا به رضای تو راضی هستم به امر تو تسلیم جز تو کسی را نمی پرستم
ای نائب صاحب الزمان؟ امام جماران، رهبر بت شکن؟ مرجع تقلید شیعیان
دل به تو داده ام، و آتش عشق تو را در جان دارم و موجودیت را با هویت وجود مطیع
چون امام زمان سلام الله علیه فرمان اطاعت و را داده است. چون به
تو دل دادن به او دل دادن است. اما؟
جانی دارم؟ آن را فدای تو کرده ام، ای کاش صد جان داشتم و نثارت
می کردم. تا تو باشی و مستضعفین زمین را نیابت سوا رهبری کنی. تا تو باشی
و مسلمین را بمتابعت پیغمبر و امامان دعوت کنی تا تو باشی و شیعیان علی
ولی الله را درس شهادت طلبی و ایثار آموزی تو پدر رئوف امت اسلامی
تو برادر دلسوز پدران و مادر مظلومی تو رهبر بزرگ انقلاب ایرانی
تنت به ناز طبیبان نیازمند مباد وجود نازکت آزرده گزند مباد
اما ما هرا بخشش نمی توانم که آنگونه باید حق ترا ادا کنم
من چه دریای تو ریزم که نبود تو نبود سر و جان را نتوان گفت که صد داری امت
ای امت اسلام دست از دامان امام نکشید، او را تنها نگذارید با او باشید و با شیوه رهبانش را
لبیک گوئید که اطاعت او اطاعت امام زمان علیه السلام است. ای امت اسلام
خون شهیدان را پاسداری کنید، باهم متحد باشید، به این دورنمای دنیای فانی
دلخوش نباشید. تا عزت دنیا و آخرت حاصلتان شود. پدر عزیز و مادر گرامی
را سلام می رسانم امیدوارم که از این فرزند حقیرتان راضی باشید اگر توفیق جهاد
نصیبش شد، گریه و زاری نکنید، بیتابی نکنید شکر کنید خدا را که فرزندتان
نااهلان نبود، با اشرار نبود، در راه خدا بود، در راه قرآن جانبازی کرد هرگاه
خواستید گریه کنید به فرزند پیغمبر، حسین فاطمه سلام الله علیه گریه کنید
به شهدای کربلا گریه کنید پدرجان، در راه خدا باش، راضی به رضای او
شیطان در دلت وسوسه نکند غفلت نسازد که باز این فرزندت را نیز مثل فرزند
دیگرت از دست داده ای افتخار کن که در راه خدا چنین جوانانی داشتی و خدا
کردی همه کس را این توفیق نیست آری برادر هم در راه خدا کشته شدند
خدم به ابر میاور سر افراز و سربلند باش خدایار و نگهدار تو باشد

مادرعزیزم، دست پرمهرتراهی بوسم، میدانم برایم رنجها کشیدی،
خون دلها خوردی اما از خدا می خواهم که اجر دنیا و آخرت عطا فرماید
مادرجان اگر تقدیر چنین شد که این فرزند حقیرت نیز مثل فرزند دیگرت
شهید علیرضا به فوز عظیم شهادت برسد مبادا اندکی ضعف از خودت نشان دهی،
نه قوی باش، دوروزهٔ دنیا می گذرد، اما سرافرازی از آن کسی است که در امتحانها
سرافراز و پیروزمند بیرون آمده باشد
مادرجان؟ ماطمه زهرا سلام الله علیها را زینب کبری را
مادران دیگر شهدا را که آنگونه عظمت آفریدند از یاد خود مبر،
مدّ نظر داشته باش، مادرجان تنها تو نیستی که مادر دو شهید هستی خیلی بوده اند
و هستند که چندین فرزندشان را در راه خدا داده اند و باز می گویند ای کاش صد
فرزند داشتم و در راه خدا می دادم
مادرجان؟ مبادا با بیتابی و گریه و زاری نهایت دل درستان خدا را برنجانی و دشمنان
را شادمان کنی نه بگذار تا منافقین و کفار بشنوند که مادران در راه یاری دین
خدا از هیچ مصیبتی باک ندارند از هیچ مشکلی نمی هراسند
از هیچ رنج و سختی روگردان نیستند، بگذار تا بدخواهان بدانند که مادران ما
مادرانی هستند که در صحرای کربلا وقتی سر فرزندش را به سوی اوا انداختند
سر را به طرف دشمن برگرداند و گفت ما چیزی که در راه خدا دادیم پس نمی گیریم
مادرجان؟ به صبر و استقامت به بزرگی روحت به ایمان و اخلاصت از دل سنگر قرآن
دوروزه می فرستم و برایت از خدای بزرگ توفیق بیشتر می خواهم
برادرهای عزیزم؟ پرچم برادران شهیدتان به دوش بگیرید
گل اریدِ تفنگتان به زمین نیفتد
در راه خدا از هیچ کوششی دریغ مورزید
ولایت فقیه را با همهٔ وجود پشتیبانی کنید
در سربازی امام زمان علیه السلام از فرازو نشیبها از پستی بلندیها مهراسید
استوار و سربلند برای پیاده کردن احکام خدا و یاری امام عزیزان با خیز یدخدا
یار و نگهدار شما باد
خواهران عزیزتر از جانم میدانم داغدارید، و در فراق دو برادرتان شاید بیتاب
باشید

زیرا غم مرگ برادر را برادر مرده می داند
اما شما دست زندگی مرگ نیست
مرگ از آن دربستر مردگان است
آنها که در میدان جنگ کارزار می کنند و کشته می شوند مرده نیستند زنده اند
صبر کنید، استقامت کنید، دلتان با خدا باشد
امیدوار باشید که خدا اجر عظیمتان عنایت می کند
خواهران عزیزم، در خانهٔ همرانتان نمونه باشید
فرزندانتان را به نحو احسن تربیت کنید
بگذارید از اماناتی که در دست شما سپرده شده است اولیاء الله برخیزند
اگر از این برادرتان بی اعتنائی یا بی‌نظمی دیده اید امید دارم که مرا ببخشید
عفوم کنید
خویشان و قومان و همسایگان و حق داران و آشنایان را به تقوی و پاکی
و کارزار در راه خدا سفارش می کنم
دوستان من، هیچ راهی بهتر از راه خدا نیست
راه خدا نرویم چه راهی برویم
اگر سعادت دنیا و آخرت می خواهید با خدا آشتی کنید
اگر از خدا قهر کنید شیطان رسمان می کند
سلام بر شهدای اسلام حضور آن شهدای ائتلاف اسلامی ایران
من به راه برادرشهیدم رفتم و شهادت در این راه سعادت من است
الهی العفو - الهی العفو
خدایا، خدایا تا انقلاب مهدی خمینی را نگهدار

حسین جان جانم حسین

بسم الله الرحمن الرحیم (۱)

خدایا توفیق شناخت حقوق برادری و ادای آن را نصیب من نما

برادر عزیزی باسداردین خدا از جهت نزد حق علیهما السلام عرض

می کنم امیدوارم که مرا ببخشی

برادر عزیز خودم می دانم وخدا بیشتر می داند چقدر تورا دوست دارم

کودکم خواستم در این آخرین کلمات اولاً از شما معذرت بخواهم

واز پیشگاه پروردگار طلب عفو و بخشش کنم

خدایا مرا ببخشش

برادر عزیز حال فقط تو خواهش دارم و گل اینکه از خدا شکرگزار

والدین سر پیچی نکن کاری نکنی و اگر من نتوانستم که آنگونه باشم باید

بودم شما آنگونه باشید که باشید. والدین به گردن ما حق بزرگی دارند که هرگز

قدرت جبران یک روز از زحمات آنها را هم نداریم پس سفارشات مادرانشان

کن همیشه نگرانشان باش احترامشان کن و با آنان مهربانی کن

(۲)

برادرها ان ترسپر بزرگ خدای وظیفه ات سنگین تر است ما بیشتر
بکوشی و بیشتر باشی
به فکر خواهرها هم باش اینان را به امانت نزد تو میسپارم
نگذار مظلوم باشند
هستند با یاد دل ما به حال ایشان بسوزد
برادر از خلیفه یادت نرود او به گردن من خیلی دارد

برادرها مبادی رضوی را سعی کن در راه خدا نگهداری و نگذاری
بی راهه خدای نکرده بروند
خویشان عزیزان همسایگان همه را حق شناس باش و حسنات را ادا کن

مادر جان
سلام میرسانم
دایی جان سلام میرسانم
خاله جان سلام میرسانم
همه را یکی یکی سلام میرسانم
خدا خودش می داند که نمی توانم فرصت نیست که تمام یکایک را ببوسم
مرا ببخشید و حلالم کنید
برادر حسین امام عزیزمان پیرو یاران راستین خط سرخ و خونین علوی راه امام خمینی است
سعادت ما در اطاعت از امام عزیزمان امام خمینی است تو با سرداری

(۳)

سعی کن در پاسداری نمودن جوان کن قهرمان یاد شهیدان یاد تازه

آیا از شهید علی وعدام را فراموش میتوان کرد

وهرچه داریم از خون پاک ایشان داریم

هر هفته به مزار پاک شهید علی برو وعوض من هم سلام برسان

برادر خودم می دانم که تو همیشه بگردن من حق داری برادر و مادر زحمتی

بد کارم و بگو برادران حزب الله برایم بگیرند دعا کنند که خدا از سر تقصیر

من بگذرد و گناهان مرا ببخشاید

۴۸

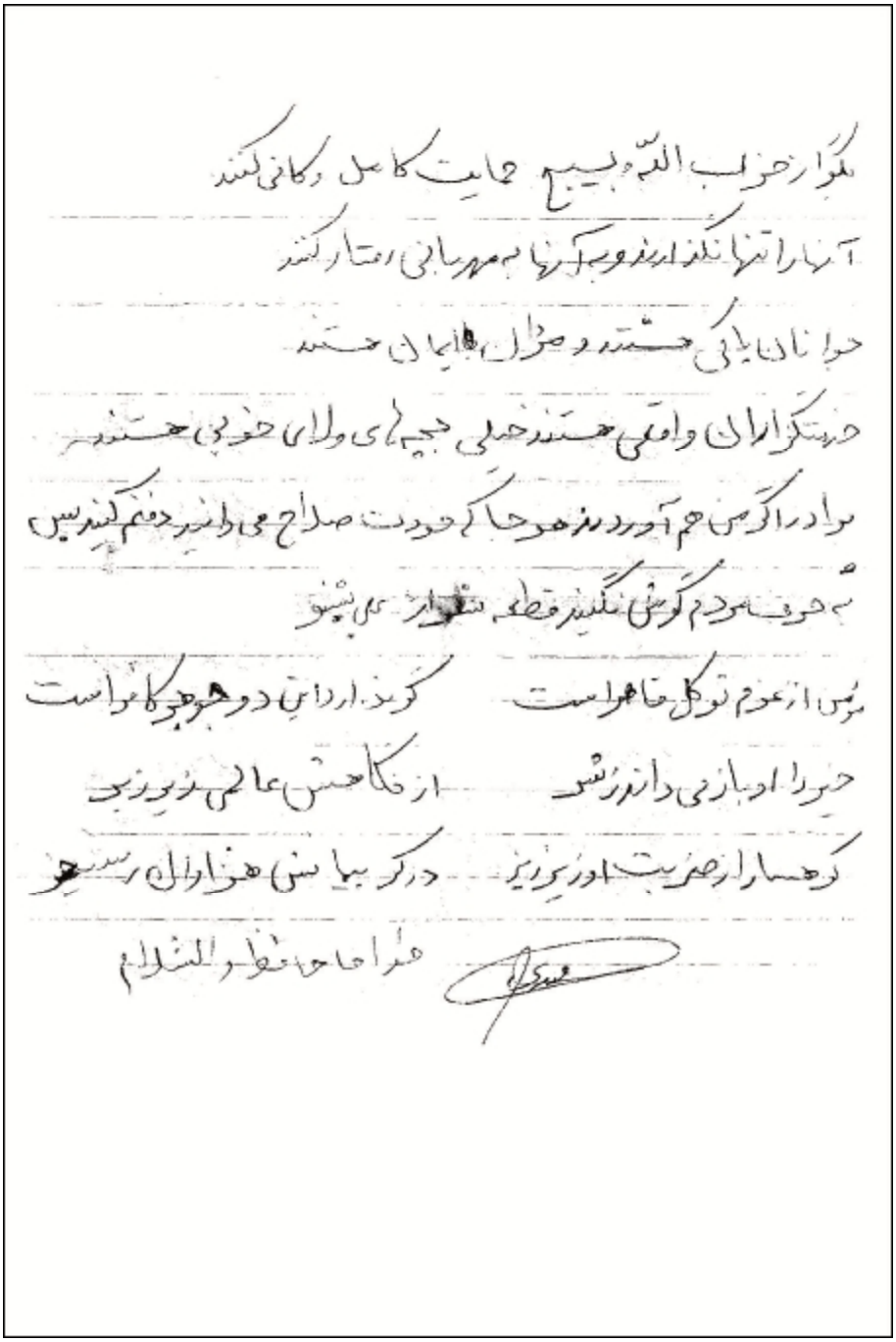
هشت سال قبل بود هشت سال هم روزه برایم بگیرید

ناراحت نشو که خیلی زیاد است

انشا الله اجرت نزد او محفوظ خواهد بود و بی غصه و غم زندگی

مانند بهترکه خدا می داند سر بگذار

از وجه عوض من طلب بخشش کن



نگران حزب الله بسیج حمایت کامل و کافی کنند
آنها را تنها نگذارند و با کمک مهربانی امیدوار کنند
خانواده‌های شهدا و جانبازان هستند
خدمتگزاران واقعی هستند خیلی چیزهای والای خوبی هستند
برادر اگر من هم آوردم نزدم حالا که خودت صلاح می‌دانی دفنم کنید پس
به حرف مردم گوش نکنید قطعه شهدا می‌شنو

پس از عزم توکل خاص است — کز دو عالم توکل خاص است
خیر او بازی دانور شد — از فکاهش عالی نو برزید
کوهسار از صریت او لرزید — در کربیاس هزاران رسید

والسلام



نام: **جعفر**
نام خانوادگی: **مهرابی**
نام پدر: **رمضان**
نام مادر: **صغرا**
تاریخ تولد: **نهم شهریور ۱۳۴۴**
محل تولد: **روستای محمدآباد از توابع دامغان**
تحصیلات: **پایان دوره ابتدایی**
ارگان اعزام‌کننده: **سپاه**
تاریخ شهادت: **پنجم مرداد ۱۳۶۷**
محل شهادت: **اسلام‌آباد غرب**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش**
مزار: **گلزار شهدای زادگاهش**

عبارت‌های کلیدی

- تلاش نمایید که هرچه در توان دارید در راه این انقلاب و امام و اسلام هدیه نمایید.
- با جان و مال دادن، فرزند و خود را در این اجر عظیم شرکت بدهید.
- اگر تانک‌های صدامیان بدنم را له کند دست از اسلام و امام عزیزمان بر نخواهم داشت.
- ای برادران و خواهران مسلمان اسلام را یاری کنید.
- ما هر چی داریم از اسلام داریم.
- پدران و مادران عزیز، فرزندان خود را خوب تربیت کنید.
- پسران خود را به جبهه بفرستید.
- از شما امت حزب‌الله می‌خواهم که امام عزیزمان را تنها نگذارید.
- همیشه یار و یاور روحانیت باشید.
- جبهه‌ها را خالی نکنید.
- خدایا کمکم کن تا همواره در دفاع از آرمان‌های شهدا و خون مطهر آنها لحظه‌ای از پا ننشینم.

جعفر مهرابی

بسم الله الرحمن الرحیم

به‌نام خداوند بخشنده مهربان. وصیت‌نامه خانوادگی. وصیت‌نامه برادر جعفر مهرابی اعزامی از سپاه دامغان، مورخ ۶۳/۱۲/۸.

با سلام به آقا امام زمان(عج)، آرام‌بخش دل‌ها و با سلام به حماسه‌ساز[۱] کربلا امام حسین علیه‌السلام و با سلام به روان پاک شهدا و با سلام به شما[۲] پدر و مادر گرامی. امیدوارم [که] از اینکه دو شهید تقدیم اسلام کرده‌اید ناراحت نباشید. البته شاید چند روز دنیا مقداری سخت باشد اما در آخرت بسیار خشنود خواهید بود.

پدر گرامی، من نتوانستم وظیفهٔ خود را نسبت به شما انجام دهم، بلکه دردسر زیادی هم برای شما ایجاد کردم و شما با خون خود جان مرا نجات دادید. امیدوارم که مرا حلال[۳] نمایید.

و اما مادر عزیزم، که سختی‌ها[ی] بسیار کشیدید، تو یک مادر بسیار خوبی برای من بودید اما من فرزند خوبی نبودم. امیدوارم که مرا ببخشید. و اما همسر، من نتوانستم در این مدتی که با هم بودیم وظیفهٔ خود را نسبت به شما انجام دهم. انشاءالله که مرا ببخشید.

در مورد حاجی هم این را بگویم که حاجی یک استاد برای من بود و من از حاجی و اسماعیل[۴] و احمد و زن حاجی بسیار قدردانی می‌نمایم. و از پدر گرامی‌ام می‌خواهم که اگر در روستا یا قومان و یا دوستان طلبی دارید [به] او بدهید. در آخر از شما می‌خواهم که با همسایه رضاقلی بسیار خوب باشید که در غیر این صورت دشمنان خوشحال می‌شوند.

وصیت‌نامهٔ خانوادگی. اول اینکه در همهٔ امور پدرم وصی من است و دوم اخوی محمد است؛ پدرم بعد از من هرچه و هر کاری که می‌خواهد کند.[۵] دوم انشاءالله اگر خدا به ما

۱- در اصل وصیت «حماسه‌سازه».

۲- در اصل وصیت «شماه».

۳- در اصل وصیت «حل».

۴- در اصل وصیت «اسمائیل».

۵- در اصل وصیت «کوند».

فرزندی داده از همسرم می‌خواهم که تا آنجا که می‌تواند خوب و اسلامی تربیت نماید و اگر پسر بود نام مقدس [ابو]الفضل را بر او بگذارید تا انشاءالله جای ابوالفضل را در خانه ما پر کند[۱] و اگر دختر بود نامش را فاطمه[۲] یا مریم بگذارید.[۳]

به برادران سپاه بگویید اگر کسی از من طلب دارد بهش بدهید به قومان و آشنایان هم اگر کسی طلب دارد بهش بدهید. و ۲۰۰ تومان هم به صندوق حضرت ابوالفضل(علیه‌السلام) بریزید.[۴]

و در پایان از پدر و مادر عزیز کمال قدردانی را می نماید.

«والسلام»

ساعت ۱۱/۵۵ دقیقه ۶۳/۷/۲۵ .به پدر و مادرم.

امیدوارم که سلام ناقابل فرزندتان را بپذیرید و از اینکه سال‌هاست باعث رنج و زحمت شما شده است او را می‌بخشید و اینجانب اعتراف می‌کنم که من نتوانستم حقوق شما را ادا نمایم و امیدوارم که مرا حلال[۵] نمایید. و به شما اطمینان می‌دهم که تحمل این امور خود یکی از بزرگترین عبادت[ها] است. و انشاءالله تلاش نمایید[۶] که هرچه در توان دارید در راه این انقلاب و امام و اسلام هدیه نمایید[۷] که معلوم نیست این توفیق برای همیشه در نزد امت ما باشد. با جان و مال دادن، فرزند و خود را در این اجر عظیم شرکت بدهید و این توصیه را به همه بنمایید[۸].

وصیت‌نامه مقدمه.

۱- در اصل وصیت «کوند».

۲- در اصل وصیت «فاطمعه».

۳- در اصل وصیت: «بگوزارید».

۴- در اصل وصیت: «برید».

۵- در اصل وصیت: «حال».

۶- در اصل وصیت: «نماید».

۷- در اصل وصیت: «نماید».

۸- در اصل وصیت: «بنمائید».

امت مسلمان، اگر رگبار گلوله‌ها بدن را سوراخ‌سوراخ کند و اگر خمپاره‌های دشمنان بدن را تکه‌تکه کنند، اگر تانک‌های صدامیان بدنم را له کنند دست از اسلام و امام عزیزمان برنخواهم داشت. ای برادران و خواهران مسلمان، اسلام را یاری کنید که ما هرچه داریم از اسلام داریم. اگر این توفیق الهی نصیب من شد و خدا مرا به دیدارش برد که شهید شدم، راضی نیستم که کسانی [که] دورو یا بی‌تفاوت به انقلاب اسلامی هستند در تشییع[1] جنازه‌ام شرکت کنند. پدران و مادران عزیز، فرزندان خود را خوب تربیت کنید و به راه راست هدایت‌شان کنید. بچه‌هایتان را در این موقعیت حساس که امام فرموده است «برادرانی (کسانی) که می‌توانند به جبهه بروند تکلیف شرعی دارند که به مسئولین مراجعه و ثبت‌نام نمایند»- پس پسران خود را- به جبهه بفرستید تا انشاءالله این جنگ را به‌نحو احسن به پیروزی برسانند. و اگر توفیق شهادت نصیبشان شد ناراحت نباشید بلکه افتخار کنید و دعایتان این باشد که فرزندانتان[2] با مرگ شرافتمندانه شهید شدند.

[وصیت‌نامه‌ای دیگر]

بسم الله الرحمن الرحیم

السلام علیک یا ابا عبد الله الحسین(علیه‌السلام)

شهادت تزریق خون به پیکر اجتماع است[3]. (استاد شهید مرتضی مطهری)

وصیت نامه اینجانب جعفر مهرابی فرزند رمضان مهرابی متولد ۱۳۴۴ ساکن شهرستان دامغان

به نام خدایی که به ما توان داد تا در راه رضایش گام برداریم و به کشور عزیزمان خدمت کنیم و با سلام درود بیکران به رهبر کبیر انقلاب اسلامی ایران امام خمینی و با سلام درود به شما امت خداجوی که با شکیبایی و صبرتان و با دادن عزیزانتان در راه

۱- در اصل وصیت «تشیع».

۲- در اصل وصیت «فرزندانتان را».

۳- «پیام انقلاب به ضمیمه شهید ص ۱۰۴، شهید مطهری».

خداوند این پیروزی‌ها را به‌دست آوردید. از شما امت حزب‌الله می‌خواهم که امام عزیزمان را تنها نگذارید و همیشه یار و یاور روحانیت باشید و جبهه‌ها را خالی نکنید.

خدایا من شرمندهٔ برادران شهید و خانواده‌هایشان هستم، خدایا کمکم کن تا همواره در دفاع از آرمان‌های شهدا و خون مطهر آنها لحظه‌ای از پا ننشینم. من همیشه از این می‌ترسم که در قیامت نتوانم جواب شهدا را بدهم و شرمندهٔ آنان باشم، من این راه را برای رضای خداوند رفتم. خدایا از تو می‌خواهم که به هنگام مرگ با روحی شاد به دیدار معبود بشتابم.

من از پدر و مادرم معذرت می‌خواهم؛ از اینکه نتوانستم فرزند خوبی برای شما باشم. من افتخار می‌کنم که پدر و مادری مثل شما دارم که دو شهید تقدیم انقلاب و اسلام کردند. از عیالم نیز حلالیت می‌طلبم. شما در نبودن من پدر و هم مادر هستید؛ از شما می‌خواهم که پسرم ابوالفضل و دخترم مریم را خوب تربیت کنید تا فرد مفیدی برای جامعه باشند.

مرا در روستای محمدآباد کنار قبر برادرم ابوالفضل دفن کنید. به امید پیروزی رزمندگان اسلام و زیارت کربلای امام حسین(علیه‌السلام) و به امید روزی که عدل و داد در سراسر جهان برقرار شود. و در آخر از همهٔ آنان که حقی یا طلبی دارم، می‌بخشم و امیدوارم که اگر کسی به گردن من حقی دارد مرا ببخشد.

«والسلام»



(یک) بنام خداوند بخشنده مهربان وصیت نامهٔ خانوادگی

وصیت نامهٔ برادر جعفر میرابی ایران از سپاه دامغان

باسلام به آقا امام زمان آرام بخش دلهار باسلام به حماسه سازان کربلا امام

حسین علیه السلام و باسلام به روان پاک شهدا و باسلام به شهداء پدر و مادر گرامی

امیدوارم که از اینکه در شهید نمودم ناراحت نباشید

البته شاید چند روز دنیا مخواهی بسیار خشمگین

خواهید بود ولی پدر گرامی من نتوانستم وظیفه خود را نسبت به شهداء انجام

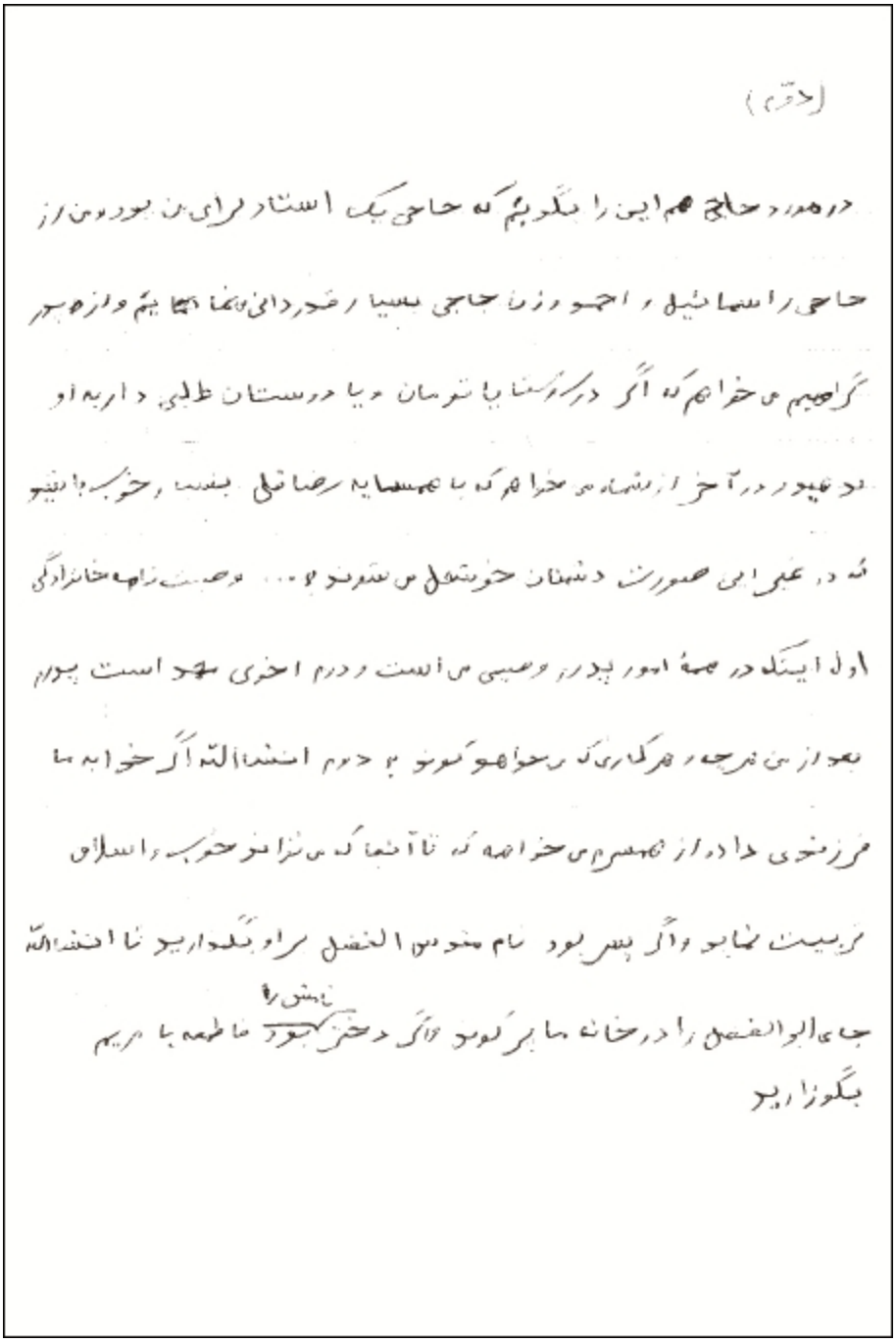
دهم بلکه در دسر زیادی هم برای شما ایجاد کردم ولی شما با خون خود جان ما را

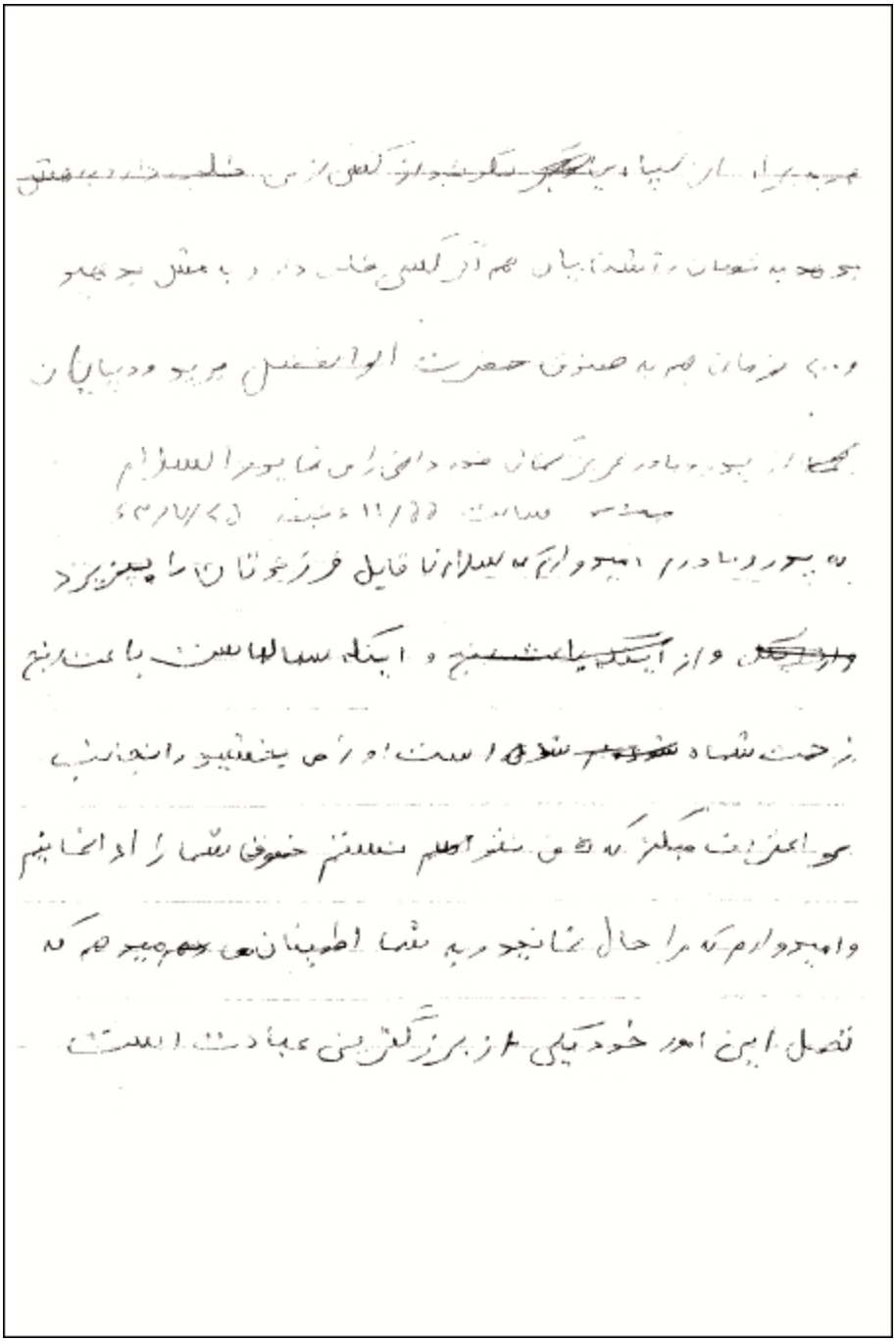
نجات دادید امیدوارم که مرا حلال نمائید و اما مادر عزیزم که سختیها

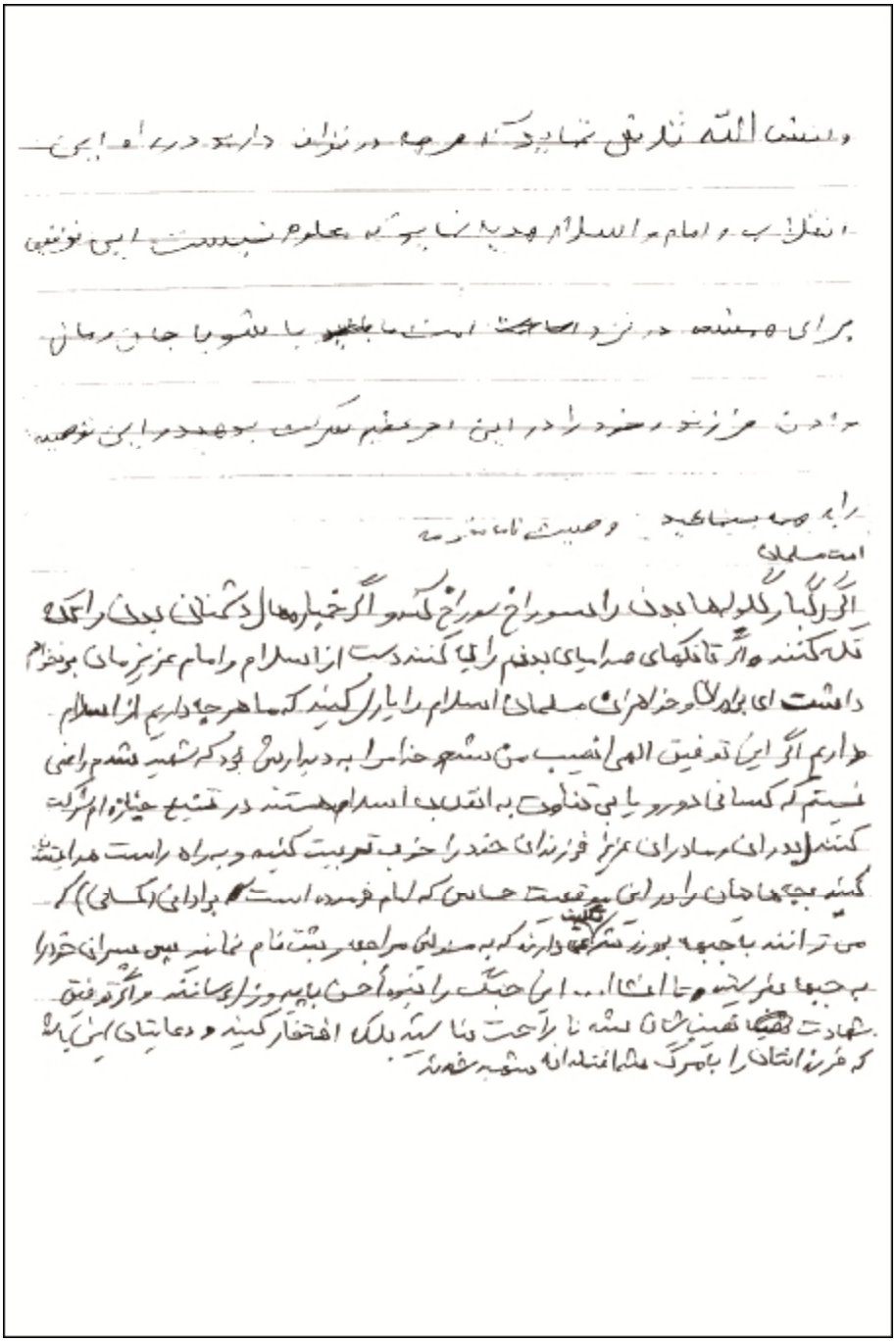
بسیار کشیدید تا یک مادر بسیار خوبی برای من بودید اما من فرزند خوبی

نبودم امیدوارم که مرا ببخشید و اما همسرم نتوانستم در این سنی که با هم

بودیم وظیفه خود را نسبت به شهداء انجام دهم انشاءالله که مرا ببخشید







السلام علیک یا اباعبدالله الحسین (ع)

شهادت تزریق خون به پیکر اجتماع است (استاد شهید مرتضی مطهری)

وصیت نامه اینجانب جعفر مهرابی فرزند رمضان مهرابی متولد ۱۳۴۴ ساکن شهرستان دامغان

بنام خدائی که به ما توان داد تا در راه رضایش گام برداریم و به کشور عزیزمان خدمت کنیم و با سلام درود بی کران به رهبر کبیر انقلاب اسلامی ایران امام خمینی و با سلام درود به شما امت خداجوی که با شکیبائی و صبرتان و با دادن عزیزانتان در راه خداوند این پیروزها را به دست آوردید از شما امت حزب الله می خواهم که امام عزیزمان را تنها نگذارید و همیشه یار و یاور روحانیت باشید و جبهه ها را خالی نکنید، خدایا من شرمنده برادران شهید و خانواده هایشان هستم خدایا کمکم کن تا همواره در دفاع از آرمانهای شهدا و خون مطهر آنها لحظه ای از پا ننشینم من همیشه از این ترس دارم که در قیامت نتوانم جوابشهدا را بدهم و شرمنده آنان باشم، من این راه را برای رضای خداوند رفتم خدایا از تومی خواهم که به هنگام مرگ با روحی شاد به دیدار معبود بشتابم من از پدر و مادرم معذرت می‌خواهم از اینکه نتوانستم فرزند خوبی برای شما باشم من افتخار می کنم که پدرو و مادری مثل شما دارم که دو شهید تقدیم انقلاب و اسلام کردند از عیالم نیز حلالیت مطلبم شما درنبودن من پدر و هم مادر هستید از شما می‌خواهم که پسرم ابوالفضل و دخترم مریم را خوب تربیت کنید تا فرد مفیدی برای جامعه باشند، مرادر روستای محمد آباد کنار قبر برادرام ابوالفضل دفن کنید به امید پیروزی رزمندگان اسلام و زیارت کربلای امام حسین و به امید روزی که عدل و داد در سراسر جهان برقرار شود ودرآخر از همه آنان که حقی یا طلبی دارم می بخشم و امیدوارم که اگر کسی به گردن من حقی دارد مرا ببخشد والسلام



نام: علیرضا
نام خانوادگی: **میرآبی**
نام پدر: **علی**
نام مادر: **معصومه**
تاریخ تولد: **یازدهم بهمن ۱۳۴۱**
محل تولد: **روستای فرومد از توابع شاهرود**
تحصیلات: **پایان دوره ابتدایی**
ارگان اعزام‌کننده: **سپاه**
تاریخ شهادت: **هفدهم خرداد ۱۳۶۷**
محل شهادت: **شلمچه**
نحوهٔ شهادت: **اصابت گلوله**
مزار: **گلزار شهدای زادگاهش**

عبارت‌های کلیدی

- جمهوری اسلامی ثمره تلاش و جانفشانی بهترین عزیزان اسلام است.
- امام عزیزمان نور دو چشمانمان را حمایت کنید.
- ای جوانان عزیز، مبادا در غفلت بمیرید که علی(ع) در محراب عبادت شهید شد.
- ای عزیزان استغفار و دعاها را زیاد کنید.
- همیشه به یاد خدا و در راه رضای او قدم بردارید.

علیرضا میرآبی

بسم الله الرحمن الرحیم

«الذین امنوا و هاجروا و جاهدوا فی سبیل‌الله باموالهم و انفسهم اعظم درجة عندالله اولئک هم الفائزون» (توبه آیهٔ ۲۰)

«آنانکه ایمان آوردند و از وطن هجرت گزیدند و در راه خدا به مال و جانشان جهاد کردند و آنها را نزد خدا مقام بلندی است و آنان بالخصوص رستگاران و سعادتمندان دو عالمند».

پس از حمد و ستایش بی‌پایان بر خداوند باری تعالی که بنده‌اش را آفرید و کمال و افتخارش را شهادت در راهش قرار داد و با سلام و درود بی‌نهایت به پیشگاه مقدس حضرت مهدی(عج) و با سلام و درود بیکران بر نایب برحقش امام خمینی، این حسین زمان(ع) و این جمهوری اسلامی که ثمره تلاش و جانفشانی بهترین عزیزان اسلام است.

بدانید که نوری است از جانب خداوند قادر متعال بر قلب مطهر امت ما تابیده است امام عزیزمان نور دو چشمانمان و این پیر طریقتمان را با خونتان حمایت کنید و قلبتان با او باشد چرا که او نایب برحق حضرت بقیةالله الاعظم حجت‌ابن‌الحسن عسگری امام زمان(عج) است و این امید محرومان و مستضعفان و نور چشم ره گم‌کردگان است قدر این گوهر نایاب و نعمت بزرگ را که خدا به شما داده است بدانید. چرا که راه او راه خدا و انبیا است و سعادت دنیوی و اخروی شماست. و با سلام و درود به روان پاک شهیدان راه حق و آزادی از صدر تا بدر و از بدر تا کربلاهای خونین ایران که شجاعانه جنگیدند و افتخارانه به معبودشان پیوستند و با خون پاکشان درخت اسلام را آبیاری کردند و از خداوند بخواهیم تا بتوانیم راه این شهدا را ادامه بدهیم و جوابگوی خون پاکشان باشیم.

ای جوان‌های عزیز مبادا در غفلت بمیرید که علی(ع) در محراب عبادت شهید شد و مبادا در حال بی‌تفاوتی بمیرید که علی‌اکبر حسین(ع) با هدف شهید شد. ای پدران و مادران مبادا از رفتن فرزندانتان به جبهه جلوگیری کنید که فردای قیامت در محضر خدا نمی‌توانید جواب حضرت زینب(س) را بدهید. ای عزیزان من استغفار و دعاها را زیاد کنید و از یاد نبرید که بهترین درمان‌ها و تسکین دردهاست و همیشه به یاد خدا و در راه رضای

او قدم بردارید. مگذارید تفنگی که از دست برادری افتاد بر زمین بماند تفنگش را بردارید و راهش را ادامه بدهید.

ای پدر عزیزم بنده به ندای «هل من ناصر ینصرنی»[۱] رهبر لبیک گفته‌ام و به صفوف عاشقان حسین(ع) شتافته‌ام و اگر خداوند از بنده راضی شده باشد مبادا ناراحت باشید. بنده یک امانتی بیشتر نیستم که خداوند به شما داده و شما هم در راه رضای حق هدیه کردی. پدر جان بنده اگر لیاقت شهید شدن را داشتم که ندارم مرا در فرومد در جوار شهدای فرومد به خاک بسپارید. دوست ندارم مراسم تجملاتی برایم بگیرید یک مجلس خیلی ساده برگزار[۲] کنید. سلام مرا به امام امت برسانید و از طرف بنده از تمام اقوام و خویشان طلب حلالیت بنمایید و پدر جان مقداری نماز و روزه قضا بدهکارم بدهید تا برایم مدت روزه یکسال دو سال برایم روزه برگیرند و نماز بخوانند.

آری ای پدر عزیز و مهربانم از اینکه این حقیر فرزند خوبی برای تو نبودم و حرف‌های پدرانه تو را کم گوش می‌کردم معذرت می‌خواهم و امیدوارم که مرا ببخشی سلام مرا به تمام قومان و خویشان وبرادران عزیزم برسانید و تو ای خاله‌های مهربان و عمه‌های گرامی ناراحت نباشید و گریه نکنید و از خداوند طلب آمرزش و مغفرت کنید و نکند شب‌های جمعه [...] اگر امکان هست برایتان بیایید یادی از ما بکنید والسلام علیکم.

به امید پیروزی نهایی ظفرمندان[۳] اسلام برقوای متجاوز و کافران بعثی.

در پایان صحبت‌هایم چند کلامی با همسر عزیز و مهربانم دارم ای همسر عزیزم انشاءالله که مرا ببخشی اگر در طول زندگی کوتاهمان بنده آن چه که باید می‌بودم برایت نبودم و شما ناراحت نباش و از خدا طلب صبر برای خودت و طلب مغفرت برای حقیر بکن ای همسر عزیزم خواست پروردگار این بوده و شما از طرف بنده وکیل هستی در امور زندگی می‌دانم که بعد از من زندگی کردن برایت تلخ و مشکل است ولی چاره نیست آری عزیزم صبر داشته باشد که خداوند دوست دارد صابران را آری الان که در حال نوشتن

۱- ر.ک. تعلیقات.

۲- در اصل وصیت «برگذار».

۳- در اصل وصیت «ضفرمندان».

هستم حلقه چشمان را اشک گرفته و می‌گویم خدایا ما برای رضای تو این راه و این هدف مقدس را انتخاب کرده‌ایم.
پس تو ما را در جوار رحمت و [...] قرار ده سلام مرا به پدرت و مادرت برسان و بگو علیرضا می‌گوید بنده مدیون زحمات شما هستم سلام مرا به تمام قومان و خویشان برسان و از همه طلب حلالیت بکن.

«والسلام»

دوستدار شما علیرضا میرابی

۶۷/۲/۱۵

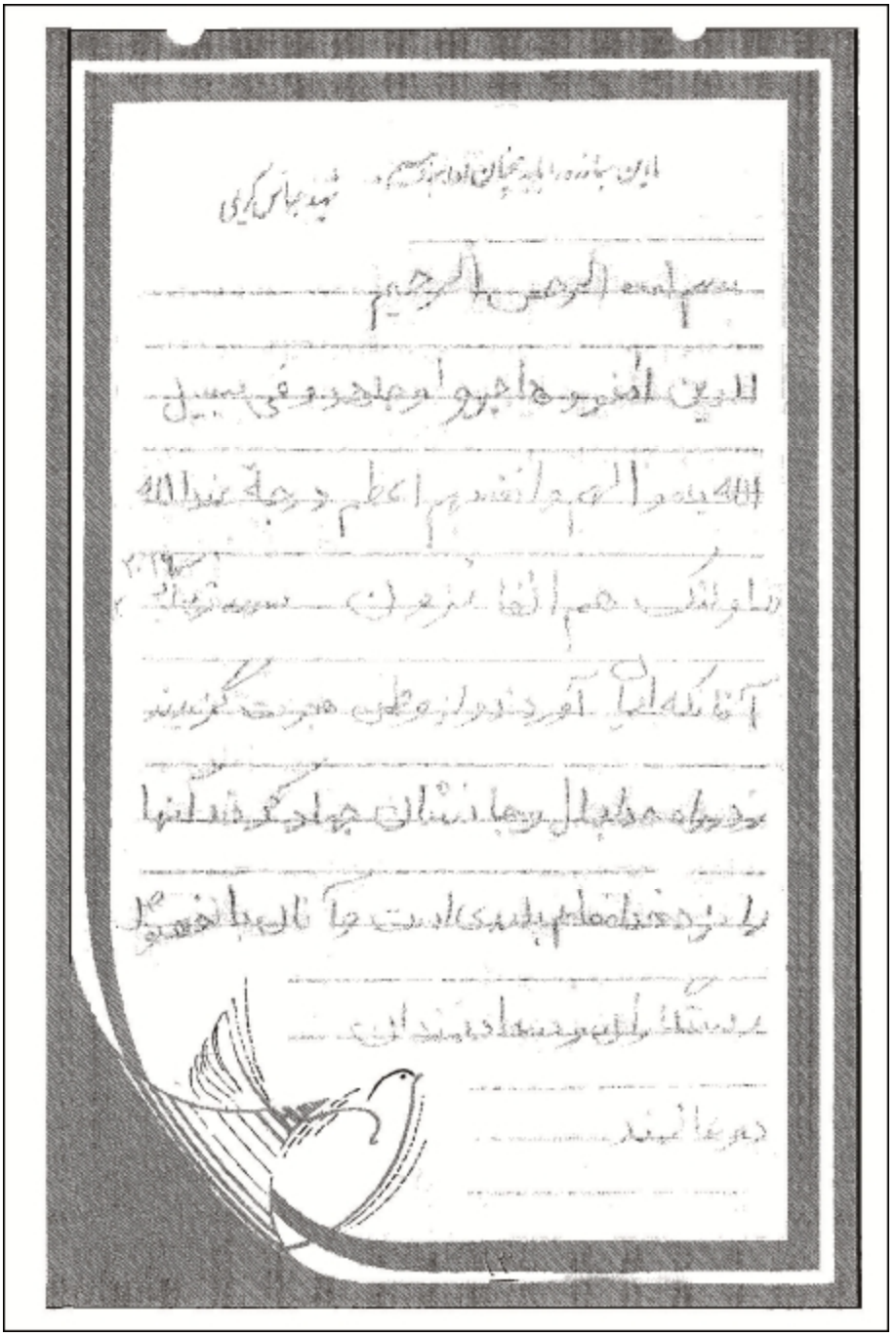
ای عزیزان من وقتی با تفنگ قلبم[۱] را سوراخ کردند[۲] وقتی [با] ترکش خمپاره مغزم را متلاشی کردند وقتی قطعه قطعه گوشت بدنم را از زیر شِینی تانک بیرون آوردند وقتی جسدم را پیدا نکردند[۳] مبادا ناراحت شوید زیرا که من برای رضای خدا این هدف و این راه را انتخاب کردم ای پدر جان و ای برادران عزیزم و ای خواهران عزیزم و ای عزیزان من مبادا در نبودنم گریه کنید که دشمن از گریه شاد شود.

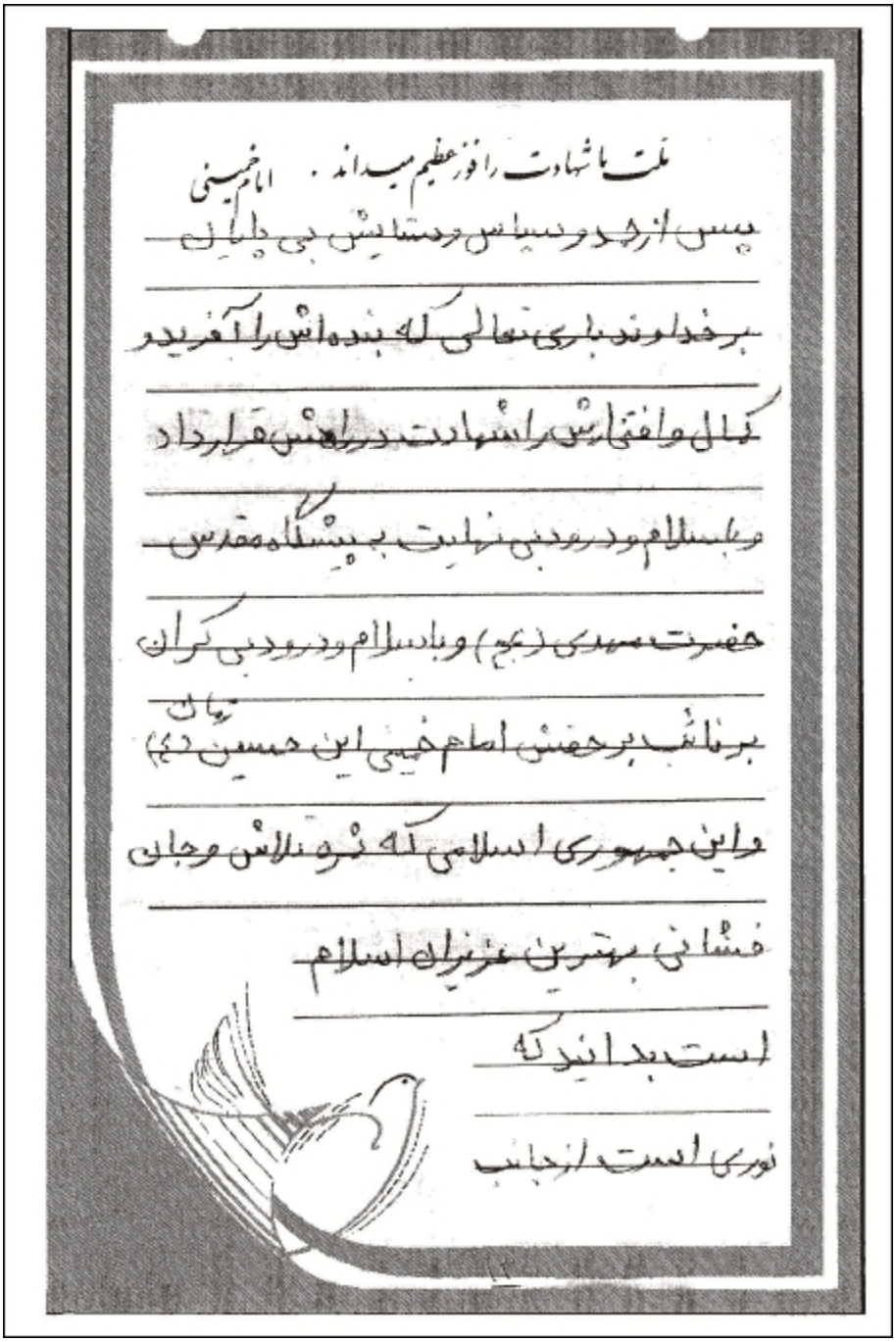
خدایا خدایا تا انقلاب مهدی(عج) حتی کنار مهدی(عج) خمینی را نگه‌دار از عمر ما بکاه و بر عمر رهبر افزا.

ما در ره عشق نقض پیمان نکنیم — گر جان طلبد دریغ از جان نکنیم
دنیا گر از یزید لبریز شود — ما پشت به سالار شهیدان نکنیم

الحقیر علیرضا میرابی

۱- در اصل وصیت «قبلم».
۲- در اصل وصیت «کردن».
۳- در اصل وصیت «نکردن».





ملت ما شهادت را فوز عظیم میداند. امام خمینی

پس از حمد و سپاس و ستایش بی پایان

بر خداوند باری تعالی که بنده‌اش را آفرید

کمال و افتخارش را شهادت در راهش قرار داد

و با سلام و درود بی نهایت به پیشگاه مقدس

حضرت مهدی (عج) و با سلام و درود بی کران

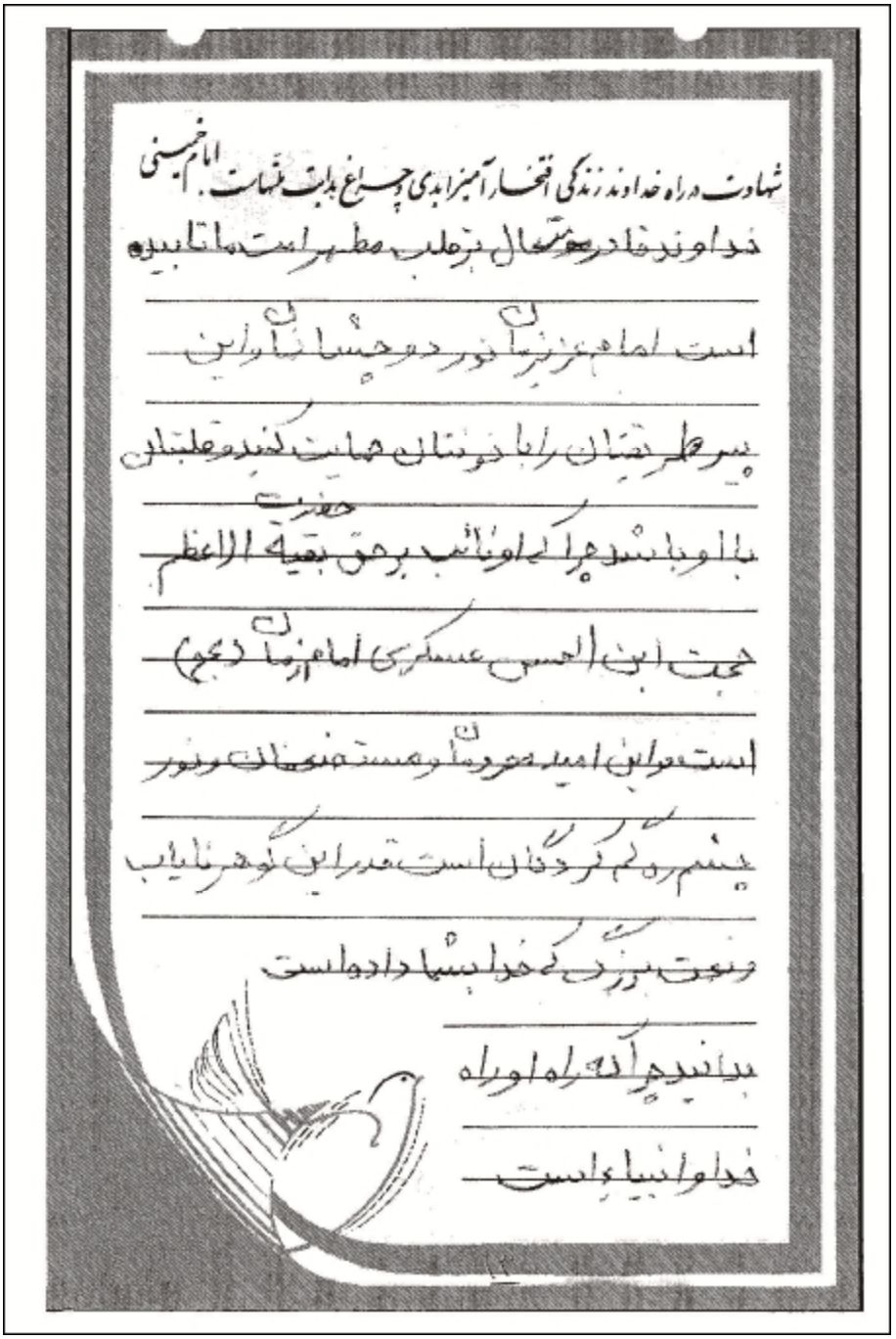
بر نائب برحقش امام خمینی این حسین (ره) زمان

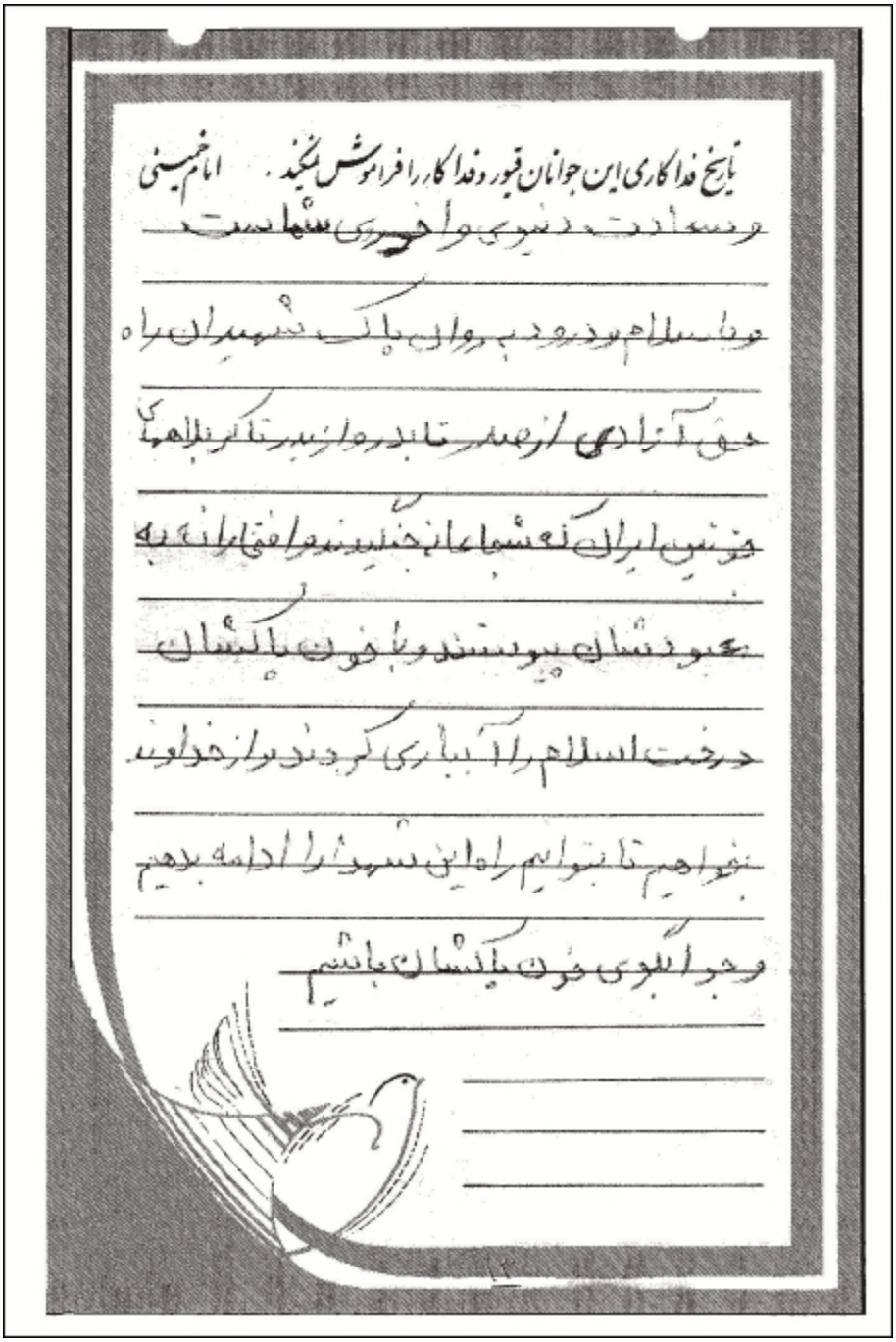
و این جمهوری اسلامی که ثمره تلاش و جان

فشانی بهترین عزیزان اسلام

است بدانید که

نوری است از جانب


شهادت در راه خداوند زندگی افتخار آمیز ابدی چراغ هدایت بشارت. امام خمینی
خداوند قادر متعال بر قلب مطهر است تابیده
است امام عزیز ما نور دو چشمان ما و این
پیر طریقتان را با دوستان حمایت کند و قلبتان
با او باشد و را کی او نائب برحق بقیة الاعظم
حجت ابن الحسن عسکری امام زمان عج
است و این امید مردم و مستضعفان و نور
چشم رهبر کردگان است قدر این گوهر نایاب
و نعمت بزرگ که خدا بشما داده است
بدانید چه آنکه راه او راه
خدا و انبیاء است


تاریخ فداکاری این جوانان قهرمان و فداکار را فراموش نکنید. امام خمینی

و سعادت دنیوی و اخروی شما است

و با سلام و درود به روان پاک شهیدان راه

حق آزادی از صدر تا ذیل و از ذیل تا کربلای

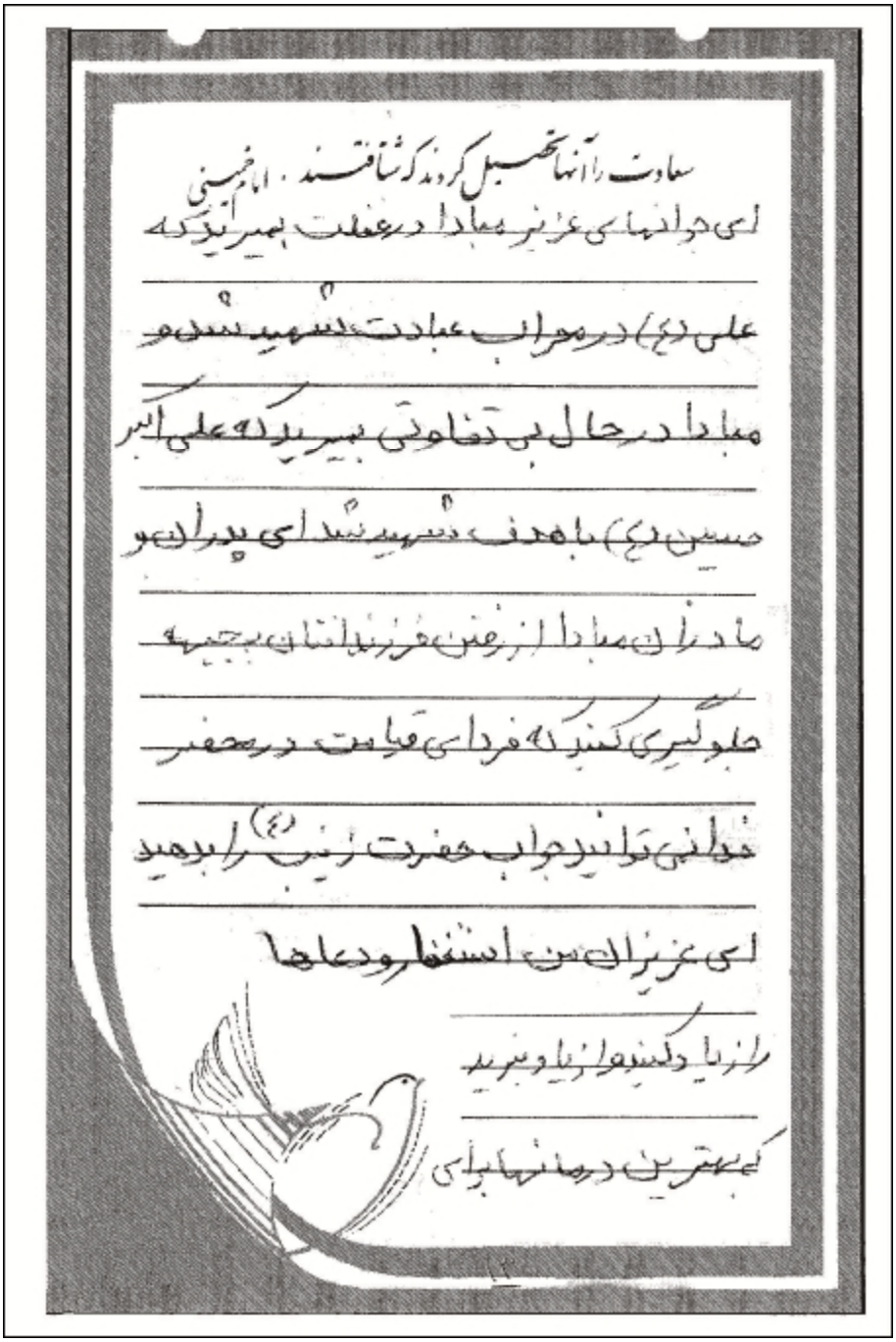
جنوب ایران که شما عاشقانه جنگیدید و افتخار آفریدید به

خون شما پیوستند و با خون پاکشان

درخت اسلام را آبیاری کردند و از خداوند

خواهیم تا بتوانیم راه این شهدا را ادامه بدهیم

و جوابگوی خون پاکشان باشیم


سعادت را آنها تحصیل کردند. امام خمینی

ای جوانهای عزیز مبادا در غفلت بمیرید که

علی (ع) در محراب عبادت شهید شد و

مبادا در حال بی تفاوتی بمیرید که علی اکبر

حسین (ع) با هدف شهید شد ای پیران و

مادران مبادا از فرصت فرزندانتان بجهت

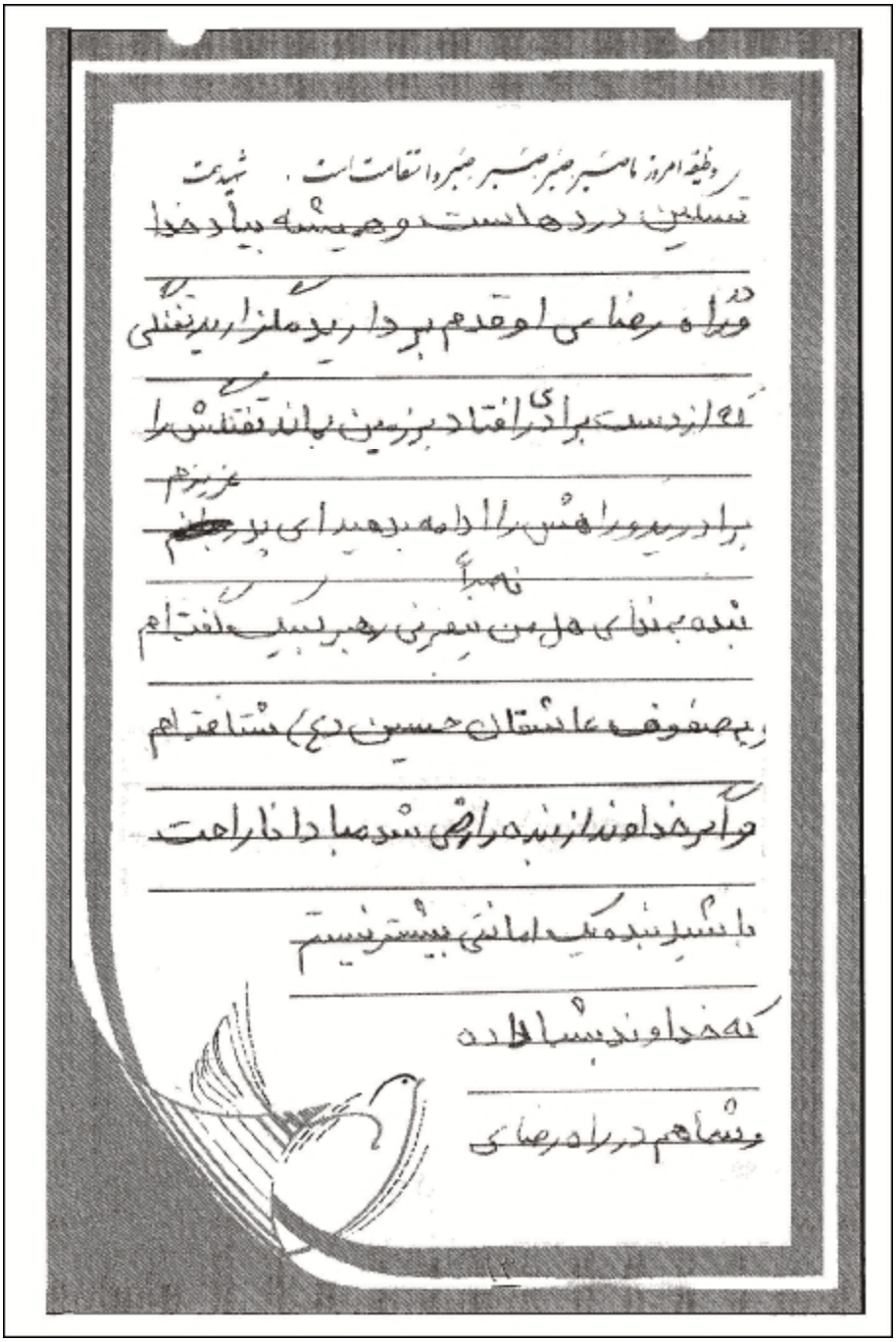
جلوگیری کنید که فردای قیامت در محضر

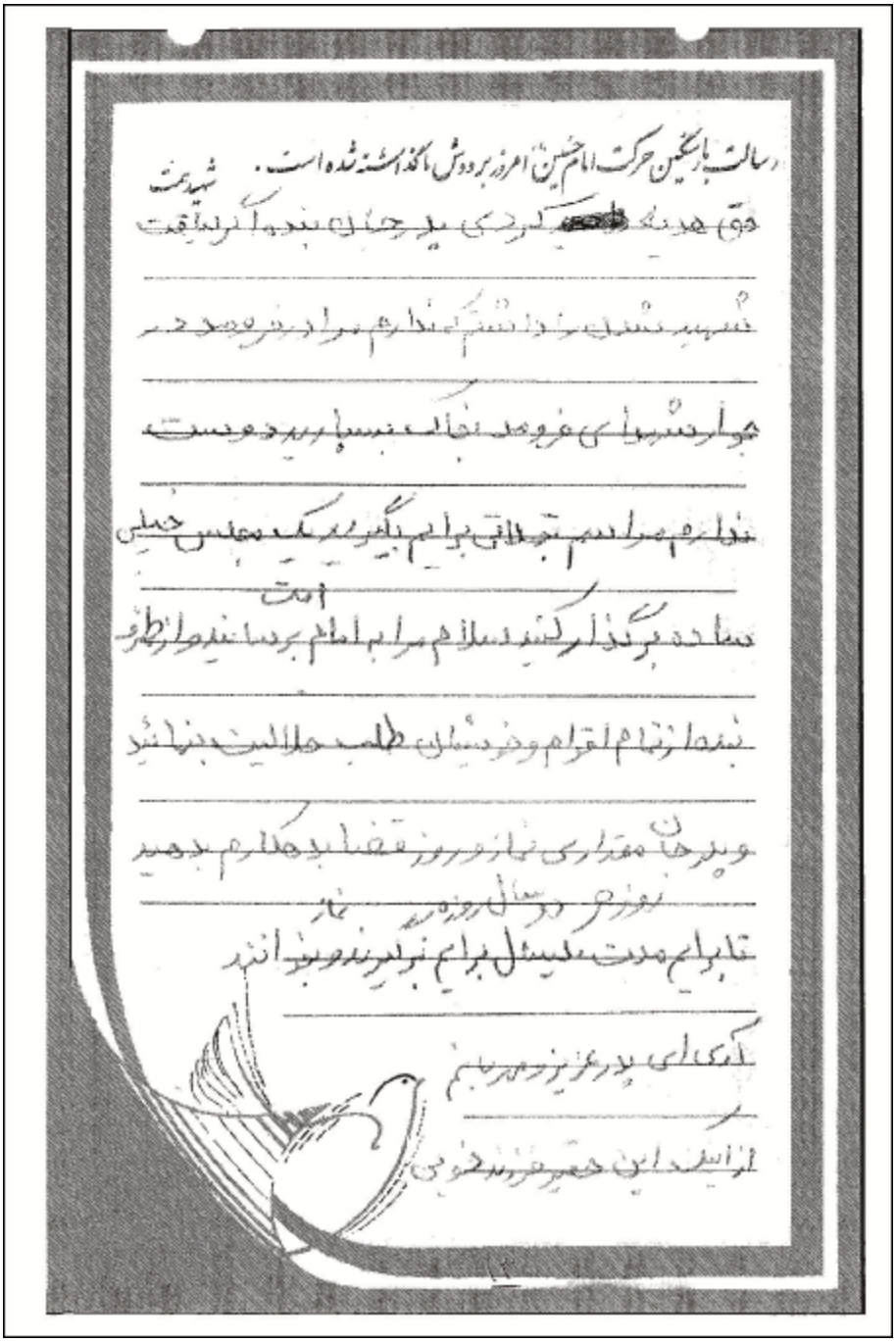
خداوند پاسخ جواب حضرت زینب (س) را بدهید

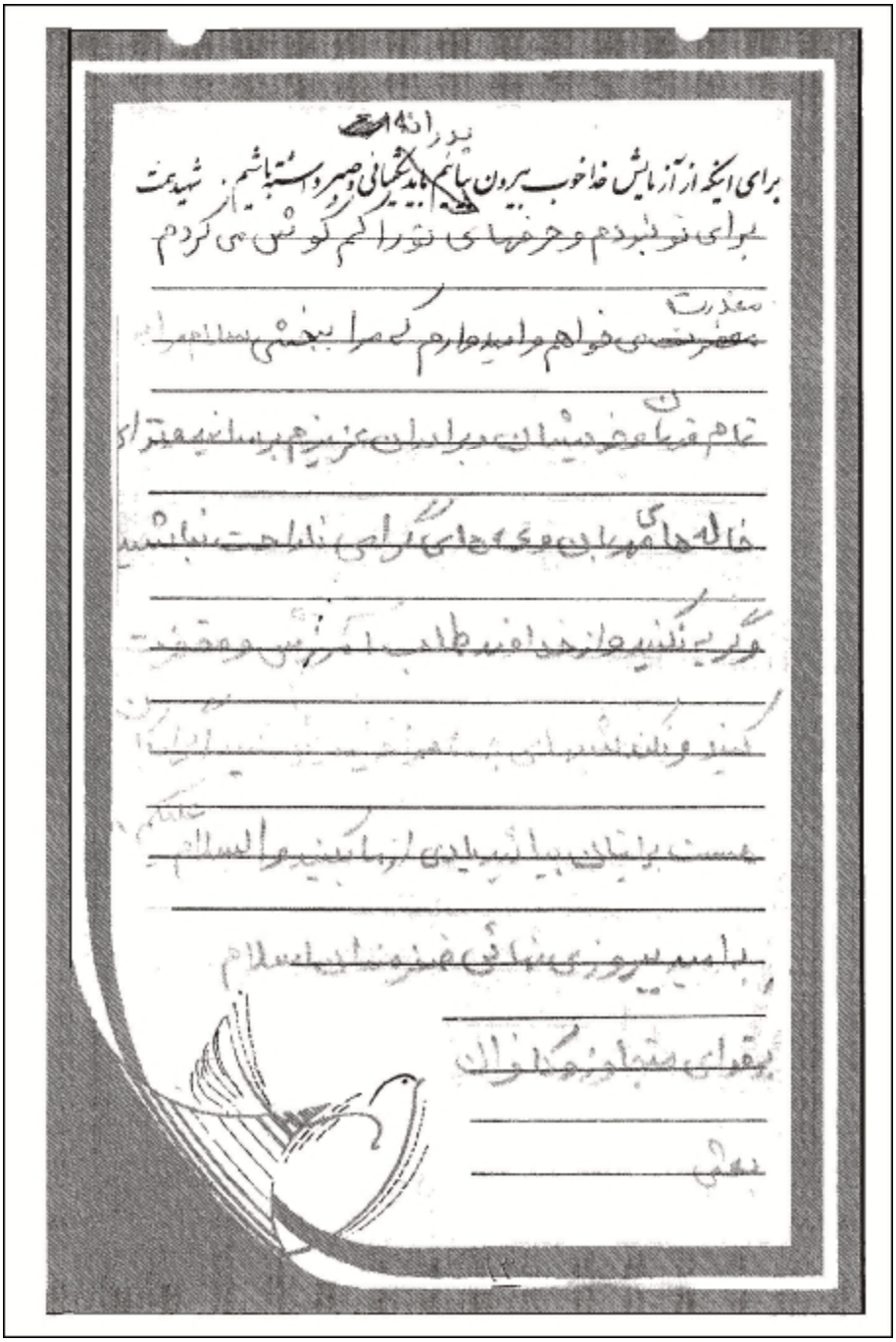
ای عزیزان من استغفار و دعا را

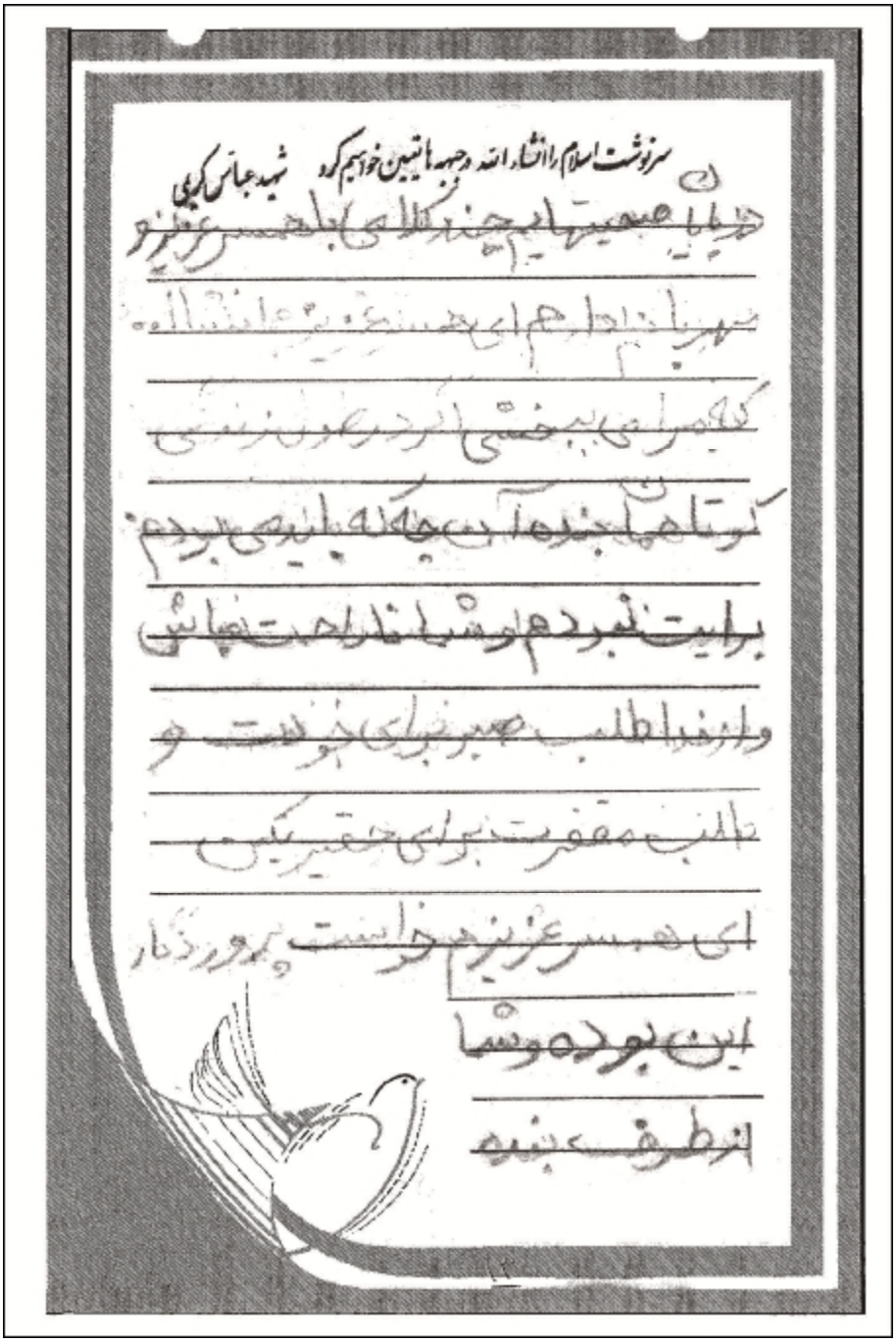
از یاد نکنید از یاد نبرید

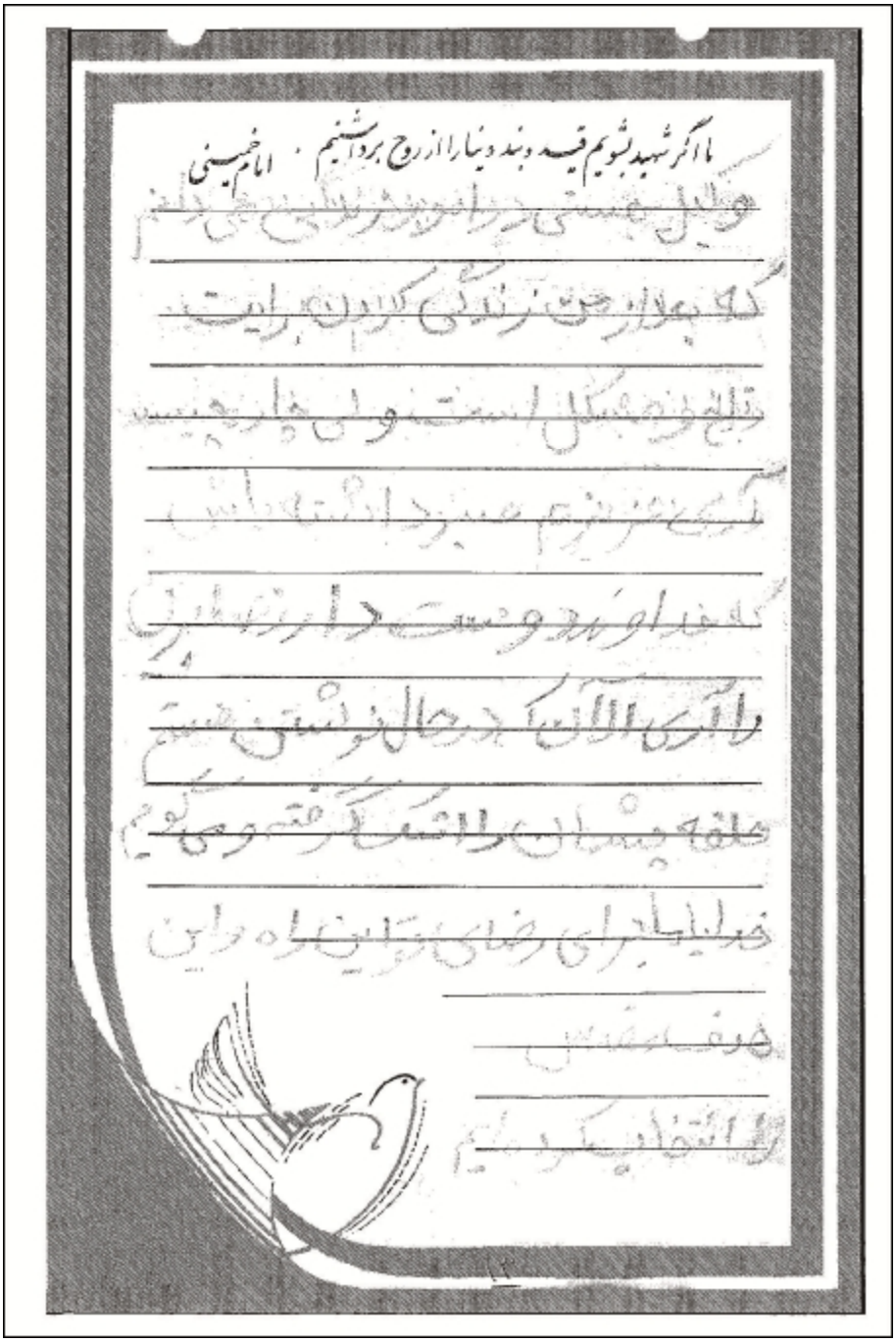
که بهترین درمانها برای

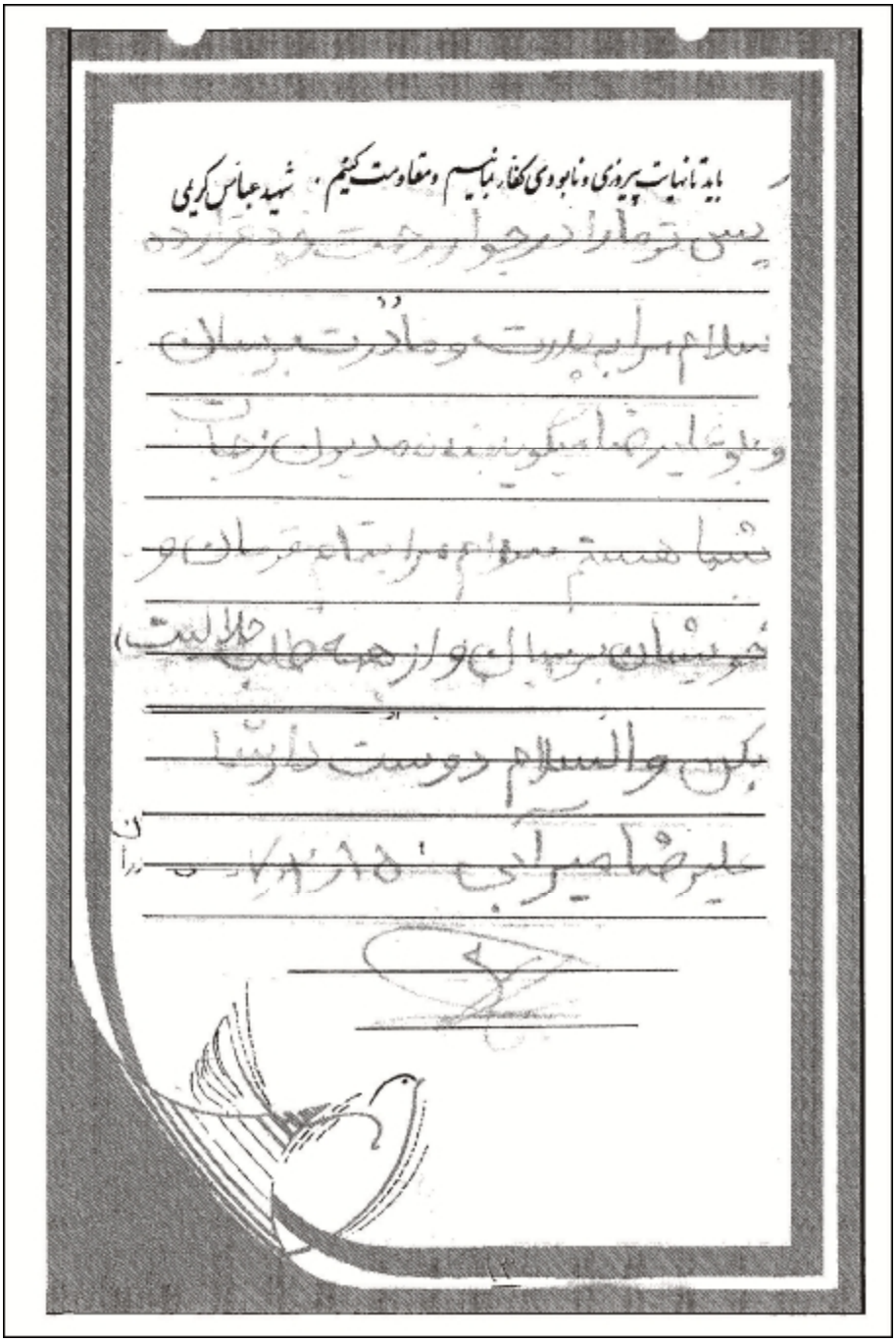

وظیفه امروز ما صبر صبر صبر و صبر و استقامت است. شهادت
تسلیم در دست خداست و همیشه یاد خدا
و راه رضای او قدم برداریم ما از این قتلی
که از دست برادری افتاد بر زمین ما باید تفنگش را
برداریم و راهش را ادامه بدهیم ای پدر جانم
نهایتاً
بنده بنده‌ای هستم من سعی می‌کنم بهترین بنده باشم
و به صفوف عاشقان حسین (ع) بشتابم
و اگر خدا نخواسته جراحتی شد صبا داشته باشید
باشید بنده یک امانتی بیشتر نیستم
که خداوند به شما داده
و شما هم در راه رضای

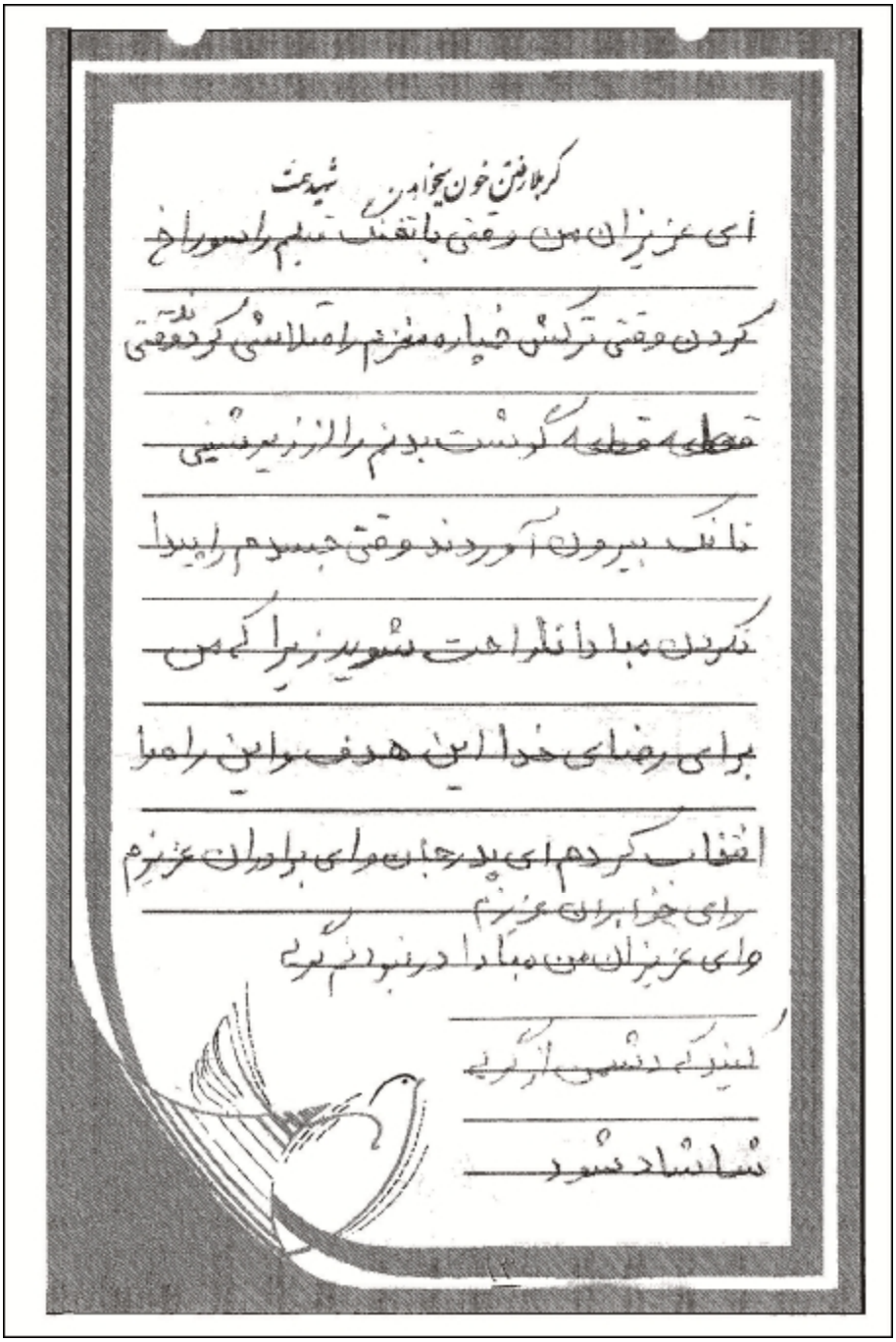





سرنوشت اسلام را انشاء الله در جبهه ها تعیین خواهیم کرد شهید عباس کریمی


ما اگر شهید نشویم قید و بند و ننگ را از روح برداشتیم. امام خمینی


باید تا نهایت پیروزی و نابودی کفار بایستیم و مقاومت کنیم. شهید عباس کریمی



کربلا رفتن خون میخواهد شهادت

ای عزیزان من وقتی با تفنگ تیلم را سوراخ

کردند وقتی ترکش خمپاره مغزم را متلاشی کرد وقتی

قطعه قطعه گوشت بدنم را از زمین میشنی

تانک بیرون آوردند وقتی جسدم را ایدا

کردند مبادا ناراحت شوید زیرا که من

برای رضای خدا این هدف و این راه را

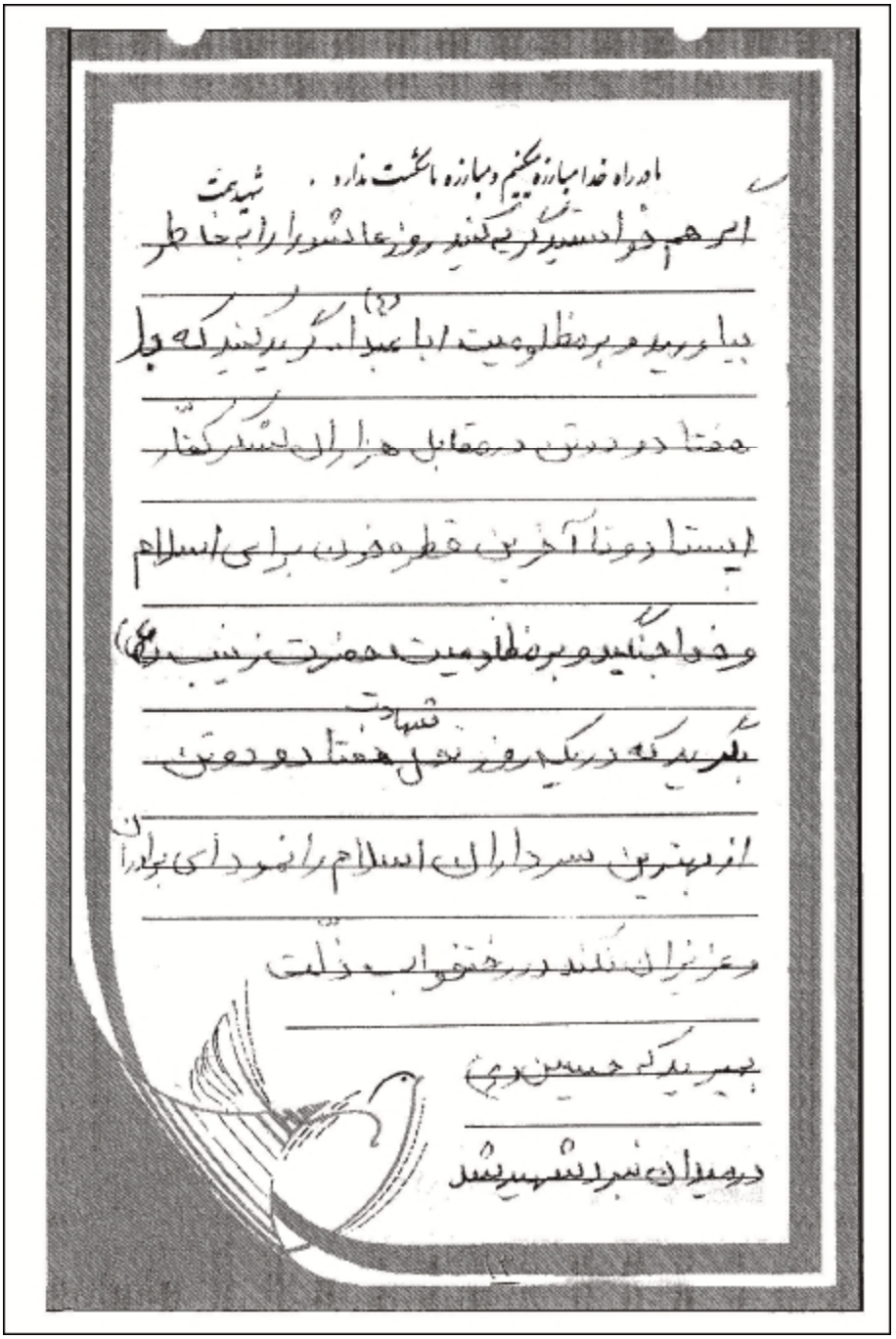
انتخاب کردم ای پدر جان و ای برادران عزیزم

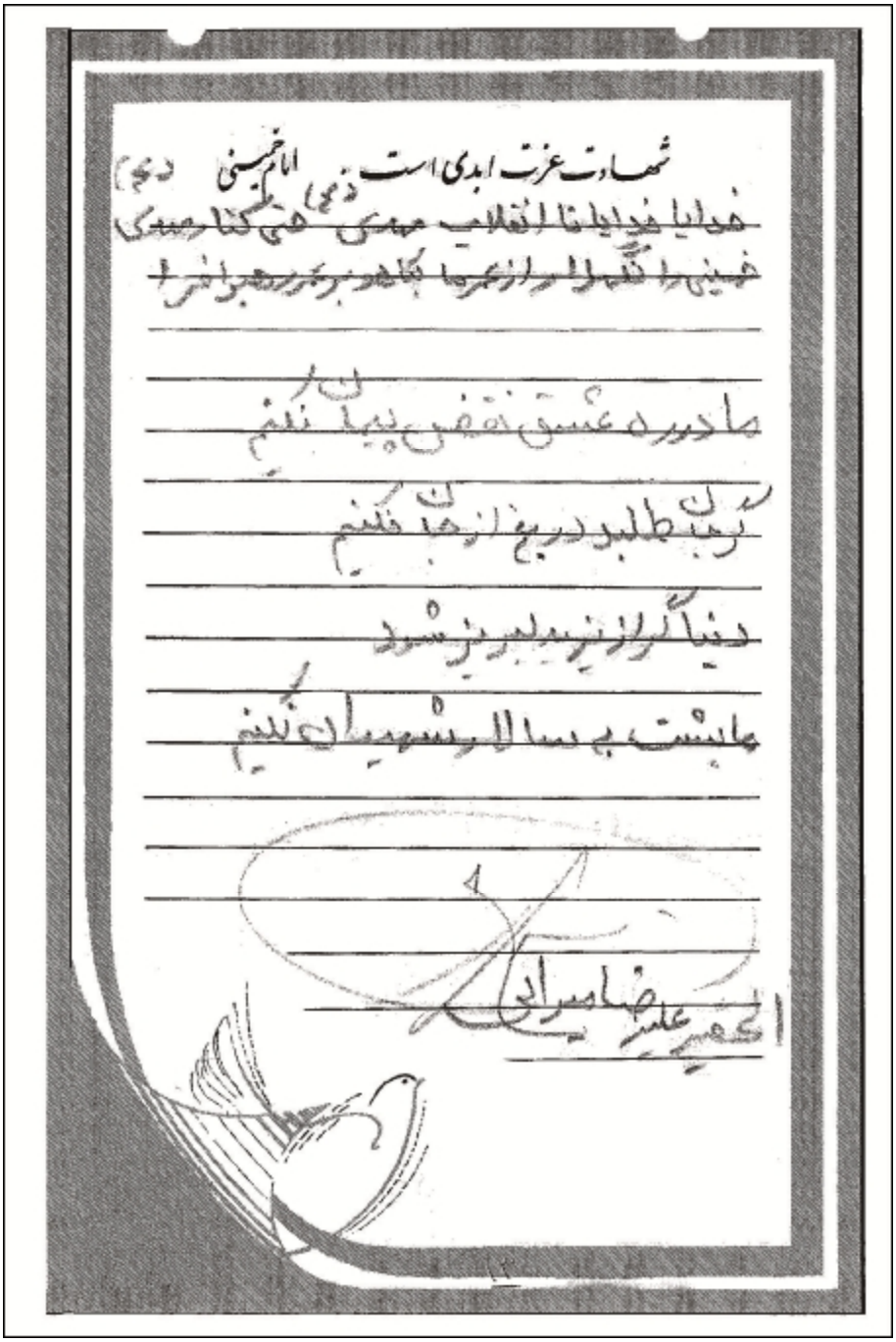
ای خواهران عزیزم

وای عزیزان من مبادا در بدن گریه

کنید که دشمن از گریه

شما شاد شود


ما در راه خدا مبارزه میکنیم و مبارزه ما عشق مذاره .
شهادت
امروز خواستگریه کنید روز عاشورا را به خاطر
بیاورید و بر مظلومیت اباعبدالله گریه کنید که با
هفتاد و دو تن در مقابل هزاران لشکر کفار
ایستاد و تا آخرین قطره خون برای اسلام
و خواهر بر مظلومیت حضرت زینب (س)
شهادت
بگریید که در یک روز نسل هفتاد و دو تن
از بهترین سرداران اسلام را نمودای برادران
و عزیزان کشته در خون خواب ذلت
بگریید که حسین (ع)
در میان نبرد شهید شد



شهادت عزت ابدی است (ره) امام خمینی

خدایا خدایا تا انقلاب مهدی (عج) هی نگذار سید خمینی را نگذار از عزما بگذرد بحق زینب کبری

ما دیده عشق نقش بینا نکنیم

گر بنا طلبد دریغ از جان نکنیم

دنیا گر از این پلید تر میشد

ما پشت به سالار شهیدان نکنیم

الحقیر علیرضا میرابی



نام: یحیی
نام خانوادگی: **میراعلمی**
نام پدر: **اکبر**
نام مادر: **لیلی**
تاریخ تولد: **بیست‌وپنجم فروردین ۱۳۴۱**
محل تولد: **روستای کلاته میراعلم از توابع شاهرود**
تحصیلات: **در حد خواندن و نوشتن**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **نوزدهم اردیبهشت ۱۳۶۱**
محل شهادت: **جاده اهواز خرمشهر**
نحوهٔ شهادت: **اصابت گلوله و ترکش**
مزار: **گلزار شهدای زادگاهش**

عبارت کلیدی

✿ درصورت عدم برگشت من از جبهه وضع اموال اینجانب را در حضور روحانیت خط امام مشخص نمایید.

یحیی میراعلمی

بسم الله الرحمن الرحیم

اموال آقای یحیی میراعلمی

یک برادر دارم به نام عباس میرعلمی و مادرم لیلا غلامی

۲۶۰۰تومان قرض دارم- ۱۰۰۰۰تومان طلبکارم- یک حیاط تهران دارم به مبلغ کلاً ۲۵۰۰۰۰۰تومان.

نماز ۱سال [...][1] داده شود. روزه هم یک ماه پرداخت گردد.

هرچه از پولم ماند خرج مادرم کنید و مادرم اگر فوت کرد باقیمانده را خرج برادرم [...] هرچقدر که برایم [...] بدهید بقیه را به برادرم عباس [...] بدهید.

درصورت عدم برگشت من از جبهه وضع اموال اینجانب را در حضور روحانیت خط امام مشخص نمایید.

با تشکر

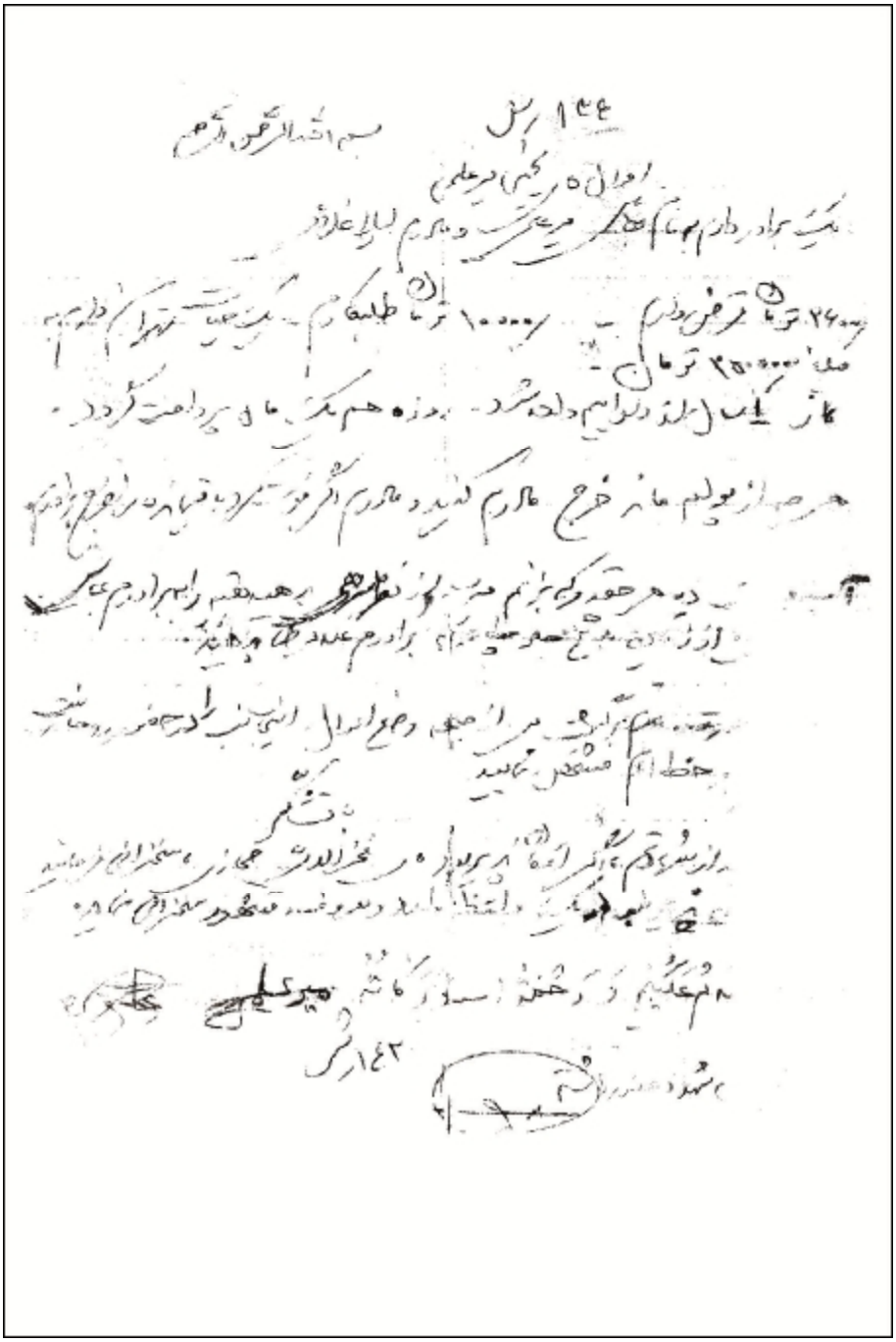
بعد از شهادتم، اگر امکان‌پذیر بود آقای فخرالدین حجازی سخنرانی فرمایند.اگر امکان‌پذیر نبود یک واعظ [دعوت] کنید و معروف و مشهور سخنرانی نمایند.

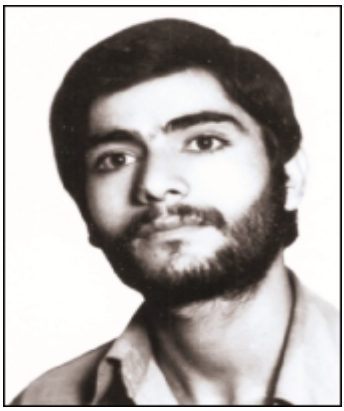
«والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته»

میرعلمی[2]

۱- خوانا نیست. عباراتی که در متن با [...] مشخص شده‌اند، خوانا نیست.

۲- دو نفر ذیل وصیت‌نامه را امضا کرده‌اند. علمی و فرد دیگر نوشته «به شهود حضور داشتم».





نام: **بزرگ**
نام خانوادگی: **میرانی**
نام پدر: **امیر**
نام مادر: **لیلا**
تاریخ تولد: **یکم فروردین ۱۳۴۰**
محل تولد: **روستای علیان**
تحصیلات: **چهارم متوسطه**
ارگان اعزام‌کننده: **ارتش**
تاریخ شهادت: **سیزدهم مرداد ۱۳۶۲**
محل شهادت: **مهران**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش**
مزار: **گلزار شهدای زادگاهش**

عبارت‌های کلیدی

- زندگی بدون جهاد چه معنی دارد؟
- در مکتب ما جهاد و شهادت از ارزش والاتری برخوردار است.
- شما را به تقوای خدا سفارش می‌کنم.
- هرگز در انقلاب فریب نابکاران و گمراهان را نخورید که دین و دنیای خود را به باد خواهید داد.
- با علما و دانشمندان اسلام و مؤمنین ولایت فقیه همنشین و همیار و هم‌صدا باشید.
- خواهر عزیزم، همیشه حجاب اسلامی را رعایت کنید.
- همیشه پیرو خط زینب(علیهاالسلام) و زینب‌وار باشید.

بزرگ میرانی

بسم الله الرحمن الرحیم

«**الذی خلق الموت و الحیوة لیبلوکم ایکم احسن عملا**»[۱].

«اوست آنکه مرگ و زندگی را آفرید تا بیازماید شما را که در صحنه پیکار حق و باطل کدامین از شما نیکوکارتر است».

با سلام به امام امت و ملت شهیدپرور ایران و درود به روان پاک شهیدان راه خدا، وصیت‌نامهٔ برادر شما آقابزرگ میرانی.

پدر بزرگوارم، مادر صبورم، خواهران مهربانم و برادران باایمانم، وقتی که هزاران زن و کودک بی‌گناه زیر بمباران‌های صهیونیست‌های غاصب جهان جان می‌سپارند و غارت می‌شوند و ندای حق‌طلبانهٔ آنها هیچ ثمری ندارد، وقتی که در آفریقا روزانه چندین تن از انسان‌های بی‌گناه بر اثر تبعیض نژادی امپریالیست‌های کثیف از گرسنگی جان می‌دهند ولی هیچ انسانی و هیچ زبانی و هیچ عملی از آنها حمایت نمی‌کند، وقتی که دست‌نشاندگان آمریکا ازجمله صدام خائن روزانه ده‌ها نفر را که بی‌گناه در خانه‌های خود آرمیده‌اند با شلیک توپخانه به خاک و خون می‌کشد، پس دیگر زندگی بدون جهاد چه معنی دارد؟

مادر مهربان، امیدوارم که اصلاً ناراحت نشوی؛ من آرزو داشتم که وقتی از سربازی مرخص شوم زحمات بیشمار تو را جبران کنم ولی می‌دانی که در مکتب ما جهاد و شهادت از ارزش والاتری برخوردار است و نیز اینکه در آیه گفته شده «اوصیکم بتقوی الله و اُخّوفکم من عقابه»[۲]. «شما را به تقوای خدا سفارش می‌کنم و از مجازاتش می‌ترسانم». هرگز در انقلاب فریب نابکاران و گمراهان را نخورید که دین و دنیای خود را به باد خواهید داد.

۱- بخشی از آیهٔ ۲ سورهٔ ملک.

۲- آنچه شهید بعنوان آیه نقل کرده است فرازی از یکی از خطبه‌های نماز جمعه حضرت امام جعفر صادق است. شهید میرانی در اصل وصیت «اوصیکم بتقوی الله و افوفکم عن عقابه» آورده است.

و دیگر آنکه به شما برادران مهربانم سفارش می‌کنم در قلبتان جز محبت حزب‌الله و یاران بهشتی‌ها[۱] و رجایی‌ها[۲] و باهنرها[۳] و مؤمنین به خدا [و حامیان] سازش‌ناپذیر ولایت فقیه گرایش و دوستی دیگر نداشته باشید. همیشه سعی بر این داشته باشید که با علما و دانشمندان اسلام و مؤمنین ولایت فقیه همنشین و همیار و هم‌صدا باشید.

و به مادربزرگم بگویید مرا ببخشد چون نتوانستم محبت‌ها و خوبی‌ها که برای من انجام داده است جبران کنم.

پدر و مادر مهربانم، درود بر شما که چنین فرزندی را تحویل این اجتماع دادید تا بتواند در راه انقلاب خود کمک کند و امیدوارم که خداوند ثوابش را به شما بدهد. مادرم، فقط خواهشی از تو دارم: برای من گریه مکن که دشمنان و منافقین[۴] خوشحالی می‌کنند، شما باید خوشحال باشید که فرزندتان را در راه انقلاب هدیه کردید. و برادران مهربانم، کارهایی که من می‌خواستم برای مادر و پدر انجام بدهم امیدوارم که شما جبران بکنید.

و دوباره سخنم را به خدمت پدر و مادرم عرض می‌کنم. امیدوارم وقتی که من به درجهٔ شهادت نایل آمدم هیچ وقت ناراحت نباشید و برای من جامهٔ سیاه نپوشید، چون این جامهٔ سیاه به تن من می‌ماند همان سیاهی را که شما پوشیده‌اید. و من امیدوارم که حرف‌هایی که من می‌زنم بپذیرید و همیشه در مزارم به‌جای گریه و زاری مردم را جمع کنید و بر سر مزار من شیرینی خیرات کنید. همیشه صبور و شکیبا باشید.

و اما سخنی به برادران و خواهرانم دارم. ای خواهر عزیزم، همیشه حجاب اسلامی را رعایت کنید و همیشه پیرو خط زینب(علیهاالسلام) و زینب‌وار باشید. و اما برادرانم، بعد از شهادت من راه مرا انتخاب کنید و اسلحهٔ مرا به دوش بگیرید و نگه‌دارید.

آقابزرگ میرانی[۵]

۱- ر.ک.تعلیقات.

۲- ر.ک.تعلیقات.

۳- ر.ک.تعلیقات.

۴- ر.ک.تعلیقات.

۵- شهید در پایان وصیت‌نامه «آقا بزرگ میرانی» امضاء کرده است ولی طبق اعلام بنیاد شهید نام شهید «بزرگ» است.

بسم‌الله الرحمن الرحیم

(الذی خلق الموت والحیوة لیبلوکم ایکم احسن عملا)

اوست آنکه مرگ و زندگی را آفرید تا بیازماید شما را که در صحنه پیکار حق و باطل کدامین از شما نیکوکار تر است.

باسلام به امام امت و ملت شهید پرور ایران و درود به روان پاک شهیدان راه خدا وصیت نامه برادر شما آقا بزرگ میرانی ـ پدر بزرگوارم مادر صبورم، خواهران مهربانم و برادران با ایمانم وقتی که هزاران زن و کودک بیگناه زیر بمبارانهای صهیونیست‌های غاصب جهان‌خوار جان میسپارند و غارت میشوند و ندای حق طلبانه آنها هیچ ثمری ندارد وقتی که در آفریقا روزانه چندین تن از انسانهای بیگناه بر اثر تبعیض نژادی امپریالیست‌های کثیف از گرسنگی جان میدهند ولی هیچ انسانی و هیچ زبانی و هیچ عملی از آنها حمایت نمی‌کند، وقتی که دست نشاندگان آمریکا از جمله صدام خائن روزانه دهها نفر را که بیگناه در خانه‌های خود آرمیده‌اند با شلیک توپخانه به خاک و خون میکشد پس دیگر زندگی بدون جهاد چه معنی دارد؟ مادر مهربان امیدوارم که اصلا ناراحت نشوی من آرزو داشتم که وقتی از سربازی مرخص شوم زحمات بیشمار ترا جبران کنم ولی میدانی که در مکتب ما جهاد و شهادت از ارزش والاتری برخوردار است و نیز اینکه در آیه گفته شده: اوصیکم بتقوی ا... وافوفکم عن عقابه. شما را به تقوی خدا سفارش میکنم و از مجازاتش میترسانم. هرگز در انقلاب فریب نابکاران و گمراهان را نخورید که دین و دنیای خود را به باد خواهید داد و دیگر آنکه بشما برادران مهربانم سفارش میکنم در قلبتان جز محبت حزب ا... و یاران بهشتی‌ها و رجائی‌ها و باهنرها و مومنین به خدا سازش ناپذیر و ولایت فقیه گرایش و دوستی دیگر نداشته باشید.

همیشه سعی بر این داشته باشید که با علماء و دانشمندان اسلام و مؤمنین ولایت فقیه همنشین و همیار و همصدا باشید، و به مادر بزرگم بگویید مرا ببخشد چون نتوانستم [redacted] محبتهای او خوبیها که برای من انجام داده است جبران بکنم.

(بقیه در پشت صفحه)

پدر و مادر مهربانم درود بر شما که چنین فرزندی را تحویل این اجتماع دادید تا بتواند در راه انقلاب خود کمک کند و امید وارم که خداوند ثوابش را به شما بدهد مادرم فقط خواهشی از تو دارم برای من گریه مکن که دشمنان و منافقین خوشحالی میکنند شما باید خوشحال باشید که فرزندتان را در راه انقلاب هدیه کردید و برادران مهربانم کارهائی که من میخواستم برای مادر و پدر انجام بدهم امیدوارم که شما جبران بکنید.

و دو باره سخنم را به خدمت پدر و مادرم، عرض میکنم امیدوارم وقتی که من به درجه شهادت نائل آمدم هیچوقت ناراحت نباشید و برای من جامه سیاه نپوشید چون این جامه سیاه بتن من میماند همان سیاهی را که شما پوشیده اید و من امیدوارم که حرفهائی که من میزنم بپذیرید و همیشه در مزارم بجای گریه و زاری مردم را جمع کنید و بر سر مزارم من شیرینی خیرات کنید همیشه صبور و شکیبا باشید و اما سخنی به برادران و خواهرانم دارم ـ ای خواهر عزیزم همیشه حجاب اسلامی را رعایت کنید و همیشه پیرو خط زینب و زینب وار باشید و اما برادرانم بعد از شهادت من راه مرا انتخاب کنید و اسلحه مرا بدوش بگیرید و نگه دارید

آقا بزرگ میرانی



نام: **سیدمهدی**
نام خانوادگی: **میرباقری**
نام پدر: **سیدایوب**
نام مادر: **گل‌دسته**
تاریخ تولد: **یکم مهر ۱۳۴۰**
محل تولد: **روستای خیج از توابع شاهرود**
تحصیلات: **سوم متوسطه**
ارگان اعزام‌کننده: **جهاد**
تاریخ شهادت: **دوم فروردین ۱۳۶۱**
محل شهادت: **رقابیه**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش**
مزار: **گلزار شهدای زادگاهش**

عبارت‌های کلیدی

- خداوندا، تو را سپاس که چنین رهبری نصیبمان کردی.
- امام امت مرا از تاریکی نجات داد و به روشنایی راهنمایی کرد.
- امروز همان زمانی است که باید با جان و دل به سوی شهادت بروم.
- مادر عزیزم، پدر گرامی‌ام از شما می‌خواهم که مرا دعا کنید و در عزایم نگریید.
- قدم به راهی گذاشتم که همیشه زنده بمانم اگر بکشم پیروزم و اگر هم کشته شوم پیروزم.
- همسر محبوبم از تو می‌خواهم تا آنقدر فرزندم را تربیت کنی تا بتواند راه پدر را ادامه دهد.
- بر همهٔ ما واجب است که به ندای امام لبیک گوییم و با قلبی سرشار از عشق به سوی شهادت برویم.

سیدمهدی میرباقری[۱]

بسم الله الرحمن الرحیم

بسم رب[۲] الشهداء و الصدیقین

بسم الله القاصم الجبارین

با درود به رهبر کبیر و شکست‌ناپذیر انقلاب حضرت آیت‌الله العظمی امام خمینی و با درود به روان پاک شهیدان گلگون‌کفن انقلاب اسلامی و با سلام به تمام رزمندگان انقلاب اسلامی در جبهه‌های جنگ حق علیه کفار بعثی.

در این زمان که حدود ۱۹ماه است که کفار بعثی مرز [و] بوم کشور ما را مورد هجوم وحشیانه خود قرار داده و بسیاری از مناطق مسکونی میهنمان را ویران و صاحبانشان را بی‌خانمان کرده و با ندای امام که می‌فرماید «هل من ناصر ینصرنی»[۳] وظیفهٔ هر فرد مسلمان است که به ندای امام لبیک گوید.

خداوندا، تو را سپاس که چنین رهبری نصیبمان کردی تا اسلام تو را بعد از ۱۴۰۰[۴] سال دوباره زنده کرد و نمی‌دانم که چگونه از امام امت تشکر و قدردانی کنم که مرا از تاریکی نجات داد و به روشنایی راهنمایی کرد به من نشان داد که چگونه راه طاغوت را زیر پا گذاشته و راه خدا را در پیش بگیرم تا رستگار و پیروز شوم این همان زمانی است که باید با جان و دل به سوی شهادت و به سوی زیارت سالار شهیدان حسین‌بن علی(ع) برویم و راهی را انتخاب کنیم که امامان ما انتخاب کردند.

۱- بالای سمت راست وصیت‌نامه آمده است «وصیت‌نامه سید مهدی میرباقری از مرز جنوب کشور ۱۳۶۰/۱۲/۲۳».

۲- در اصل وصیت « بسم الله الرب ...».

۳- ر.ک. تعلیقات.

۴- در اصل وصیت «۲۵۰۰».

[...][1] وجود از شما می‌خواهم که اگر به خواست خدا سعادت یار و شهادت نصیبم شد بعد از گنبد مرا به زادگاهم روستای خیج شاهرود و در کنار دیگر برادران شهیدم دفن کنید، من می‌روم تا انشاءالله پوزهٔ دشمن را به خاک بمالم.

دست سیدمهدی با توان حق　　پوزهٔ دشمن بر لجن مالد

و مادر: اگر خواستی فرزندت را ببینی دیگر به جهاد نرو و دیگر به جبهه نیا. مادر جان به گورستان سر و صدایم بزن.

مادر نگو کی بود عروسم در کنار فرزندم　　که بود تفنگ همسرم و سنگرم حجله من
مادر نگو که ریخت نقل بر سر فرزند من　　که ریخت نقل رگبار مسلسل بر سر من
مادر نگو که بود ساق‌دوش پسرم　　که بودند ساق‌دوشانم به خون خفته در بر من

مادر عزیزم پدر گرامی‌ام برادر ارجمندم خواهران رئوفم، خداحافظ و التماس دعا. فقط از شما می‌خواهم که مرا دعا کنید و در عزایم نگریید. دعا کنید تا اسلام و مسلمین زودتر به پیروزی کامل برسند.

همسر محبوبم، نکن چادر مشکی بر سرت، نگو بی‌شوهر شدم، قدم به راهی گذاشتم که همیشه زنده بمانم. اگر بکشم پیروزم و اگر هم کشته شوم پیروزم. از تو می‌خواهم تا آنقدر فرزندم را تربیت کنی تا بتواند راه پدر به خون غلطانش را ادامه دهد. به امید پیروزی خداحافظ همسر محبوبم. به امید دیدار در قیامت، به امید دیدار در نزد جدم فاطمهٔ زهرا(علیهاالسلام) خداحافظ فرزند گرامی‌ام که حتی یک بار هم روی پدر ندیده‌ای و پدر نیز روی تو را خداحافظ فرزند بی‌پدر، مادر خداحافظ.

دنبالهٔ وصیت‌نامه شعری در صفحهٔ دیگری است.

میرباقری ۶۰/۱۲/۲۲

[وصیت‌نامهٔ دیگر]

بسم الله الرحمن الرحیم

۱- خوانا نیست. عباراتی که در متن با [...] آمده است، خوانا نیست.

برادر سلیمان خان احمدی:

سلام، بعد از سلام بدهکاری‌هایم را به اطلاع گرامی‌تان می‌رسانم که اگر به خواست خداوند تبارک و تعالی سعادت یار و شهادت نصیبم شد در جریان باشید.

۱- محمد کلوخی هر چی که خودشان گفتند صحیح است.
۲- سید یحیی هرچی که خودشان گفتند صحیح است.
۳- حسین جودانه، در خیج ۴۰۰تومان معادل ۴۰۰۰ریال.
۴- [...] عجم، در خیج هر چقدر که حسین گفت صحیح است.
۵- و در مورد وسایل و زندگی هر طوری که خودتان می‌دانید در مورد همسرم اقدام کنید و تنها کسی که برای زندگی من زحمت کشیده همسرم می‌باشد و تنها کسی که از من حق زندگی دارد او و بچه‌ام می‌باشد و از شما می‌خواهم که اگر بچه‌ام پسر بود، اسمش را سیدمهدی بگذارید. فرزندی که بعد از شهادت پدر به‌دنیا آید قبل از شهادت پدر [...].

چون این همان زمانی است که سالار شهیدان حسین‌بن علی(علیه‌السلام) فرمود «هل من ناصر ینصرنی»[۱] «آیا کسی هست مرا یاری کند».

این همان زمانی است که حسین‌بن علی(علیه‌السلام) از اسب به زیر افتاد و حالا امام امت خمینی بت‌شکن نیز می‌گوید «هل من ناصر ینصرنی». در این موقع بر همهٔ ما واجب است که به ندای امام لبیک گوییم و با قلبی سرشار از عشق مانند شناگری که به سوی آب می‌رود به سوی شهادت برویم. به امید دیدار قیامت در کنار رستگاران.

«والسلام»
عاشق شهادت، سیدمهدی میرباقری
۶۰/۱۲/۲۲

[وصیت‌نامهٔ دیگر]

بسم الله الرحمن الرحیم[۲]

خون سرخم ریخت در مرز جنوب کشورم تا شود سیراب اسلام مبین
می‌رسانم من سلام از دور بر روح خدا آنکه نام او خمینی باشد و [...]
هم سلام از من رسانید بر حضور مادرم مادر پیرم که بوده آرزو [...]
بر تو ای باب عزیزم می‌کنم از دل سلام زحمت از بهرم کشیدی پر[...]
همسر محبوب و دلسوزم مخور غم این زمان وقت رفتن باشد و رفتم [...]
طفل من چون آمد از ره نام او مهدی بون[۳] گر که دختر بود او باشد سمیه [...]
خالقا اسلام را بنما سرافراز و بلند زنده دارش هم سلامت [...]

خواهشمندم از اول وصیت‌نامه تا به اینجا در گورستان بخوانید تا ناله‌ام بگوش جهانیان برسد.

خداحافظ

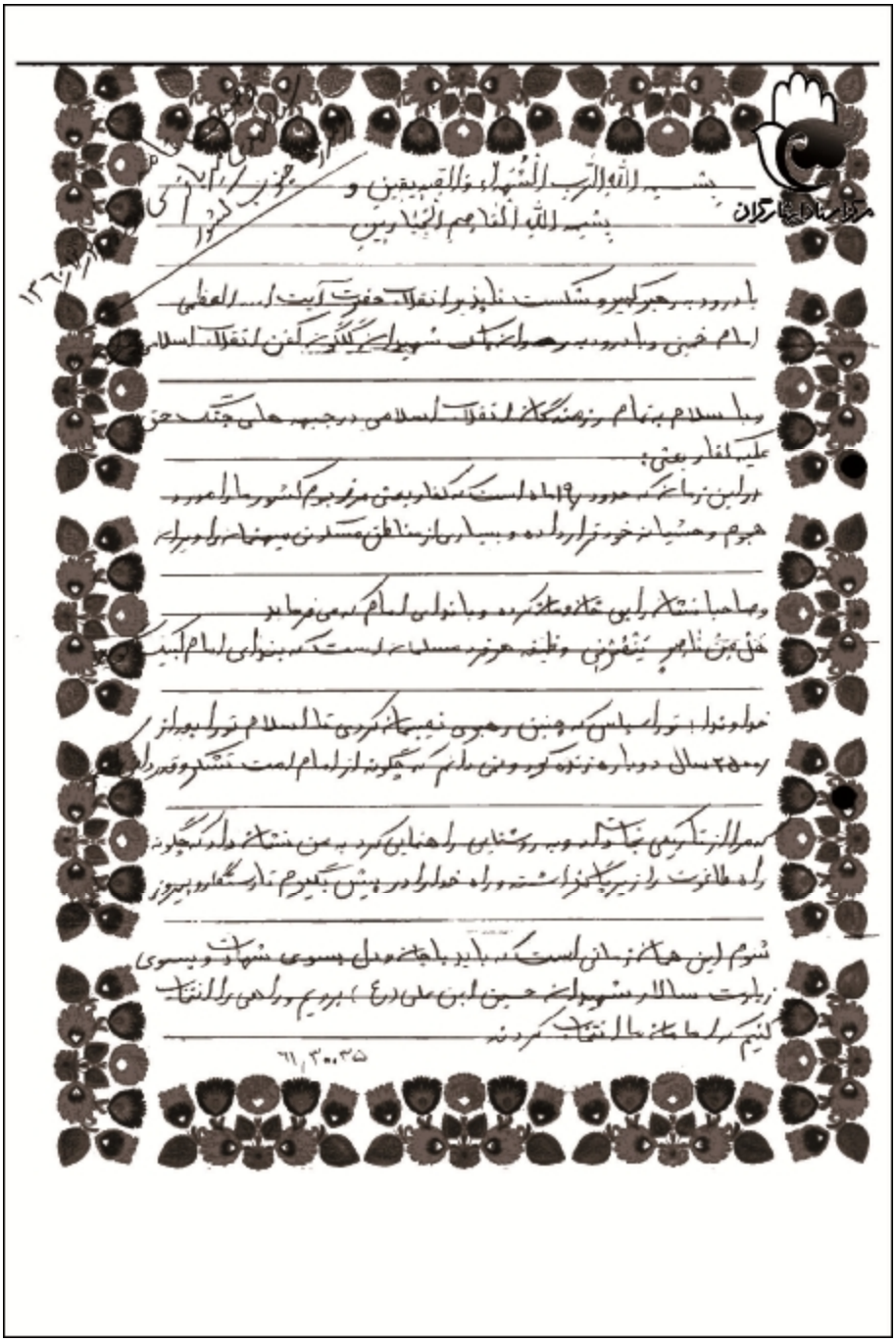
سیدمهدی میرباقری

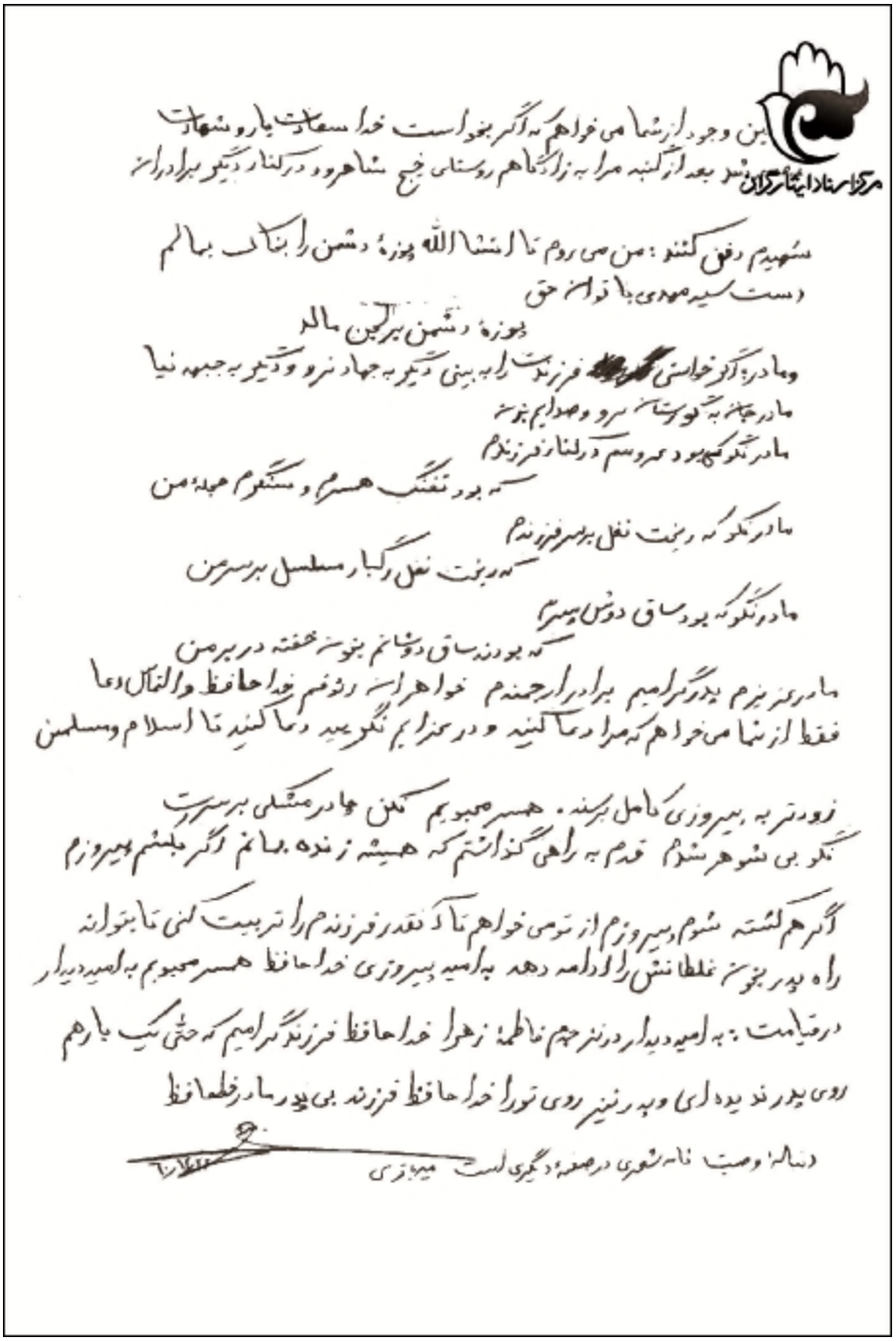
۶۰/۱۲/۲۲

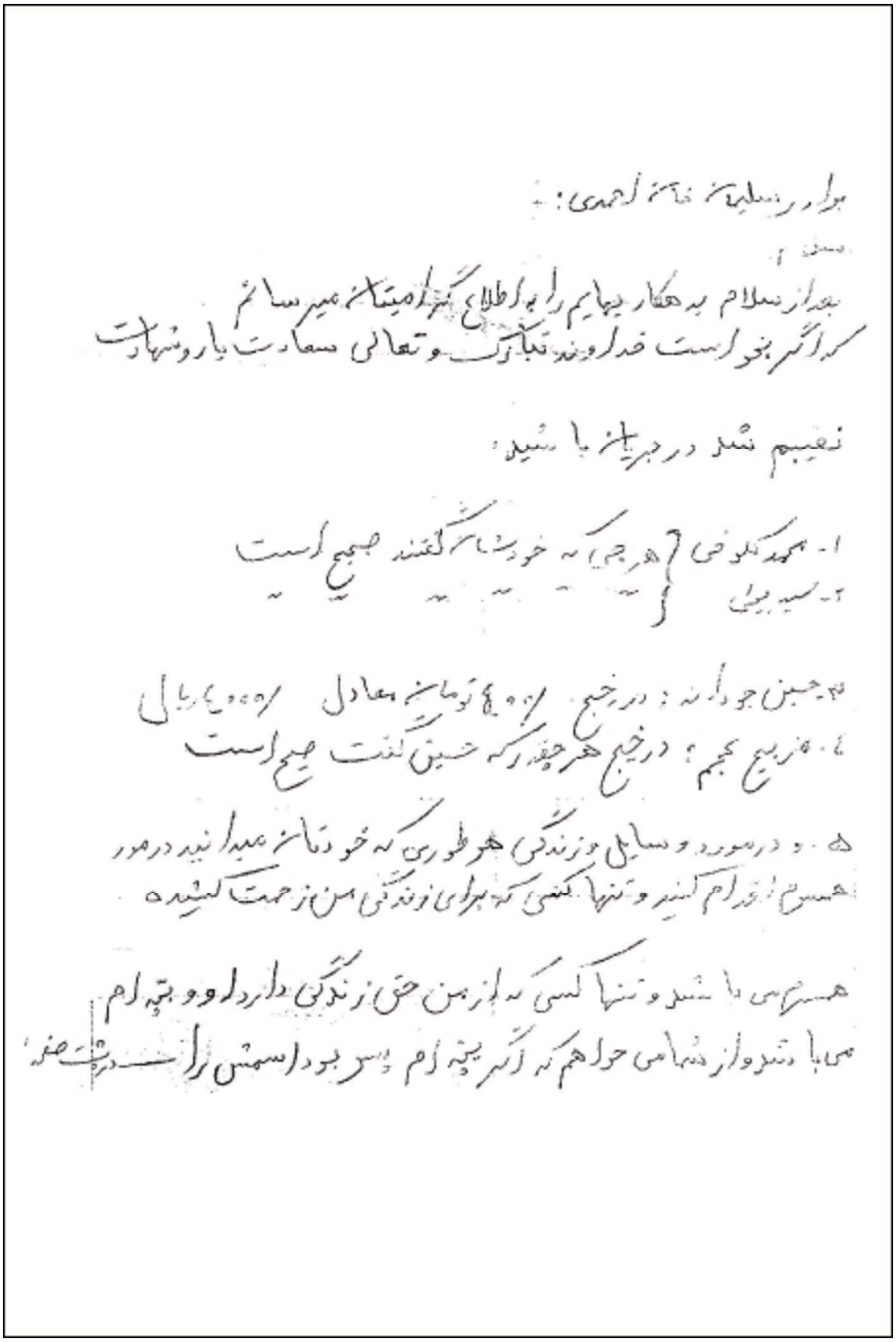
۱- ر.ک. تعلیقات.

۲- شهید در حاشیه سمت راست از بالا به پایین به دست‌نویس نوشته «و در ضمن بچه‌ام را فقط می‌تواند همسرم نگه‌دارد».

۳- به لهجه محلی یعنی بگذار یا باشد.







برادر و خواهر عزیز احمدی:

بعد از سلام به همگی پیام را به اطلاع گرامیتان میرسانم
که اگر بنا بر است خداوند تبارک و تعالی سعادت یار و شهادت

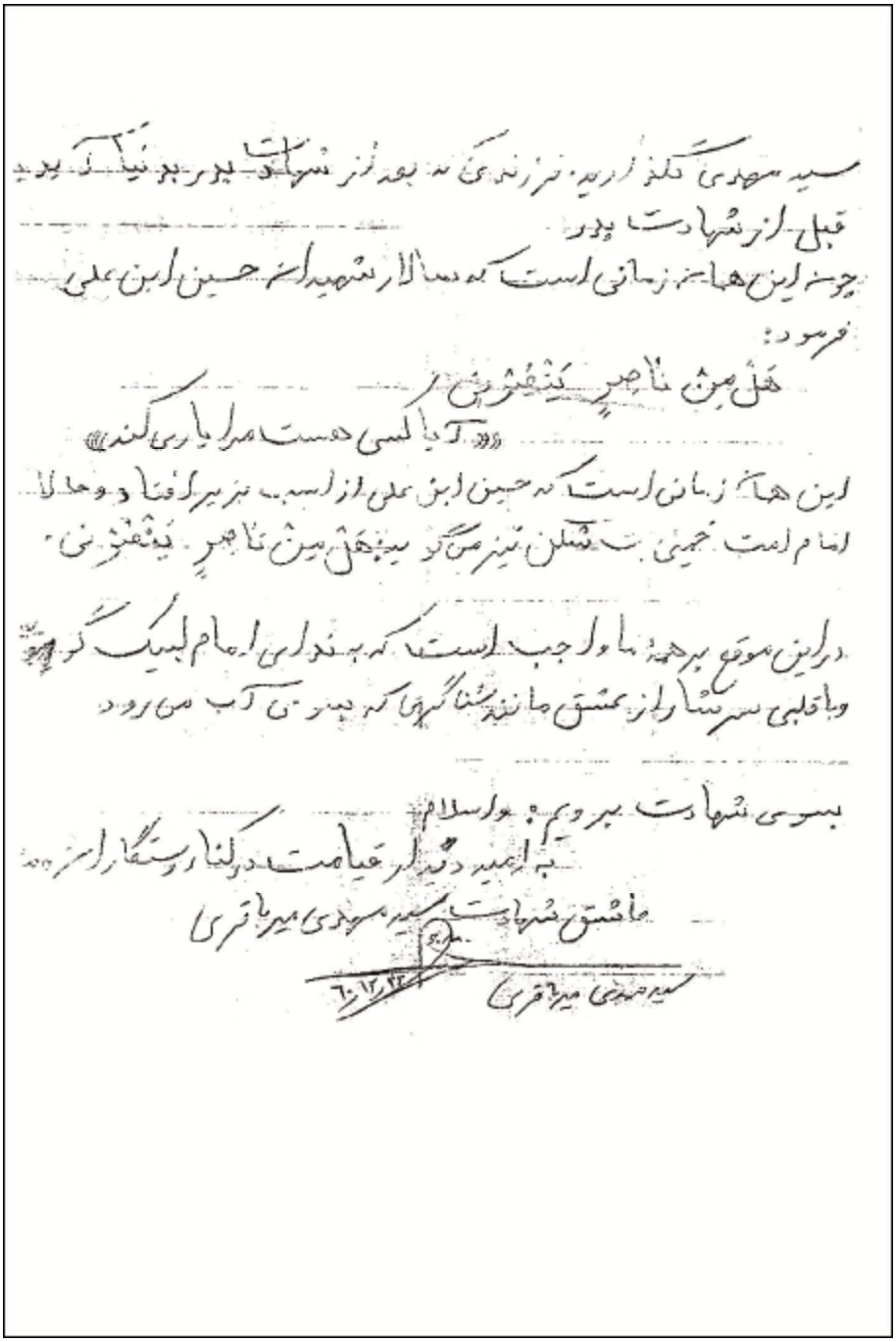
نصیبم شد در جبهه باشید:

۱- همه کلوخی (هر چی که خودشان گفتند صحیح است
۲- سید یحیی

۳- حسین جودانه: در خیبر ۴۰٪ تومان معادل ۴۰۰۰ ریال
۴- ربیع بجم: در خیبر هر چیزه که حسین گفت صحیح است

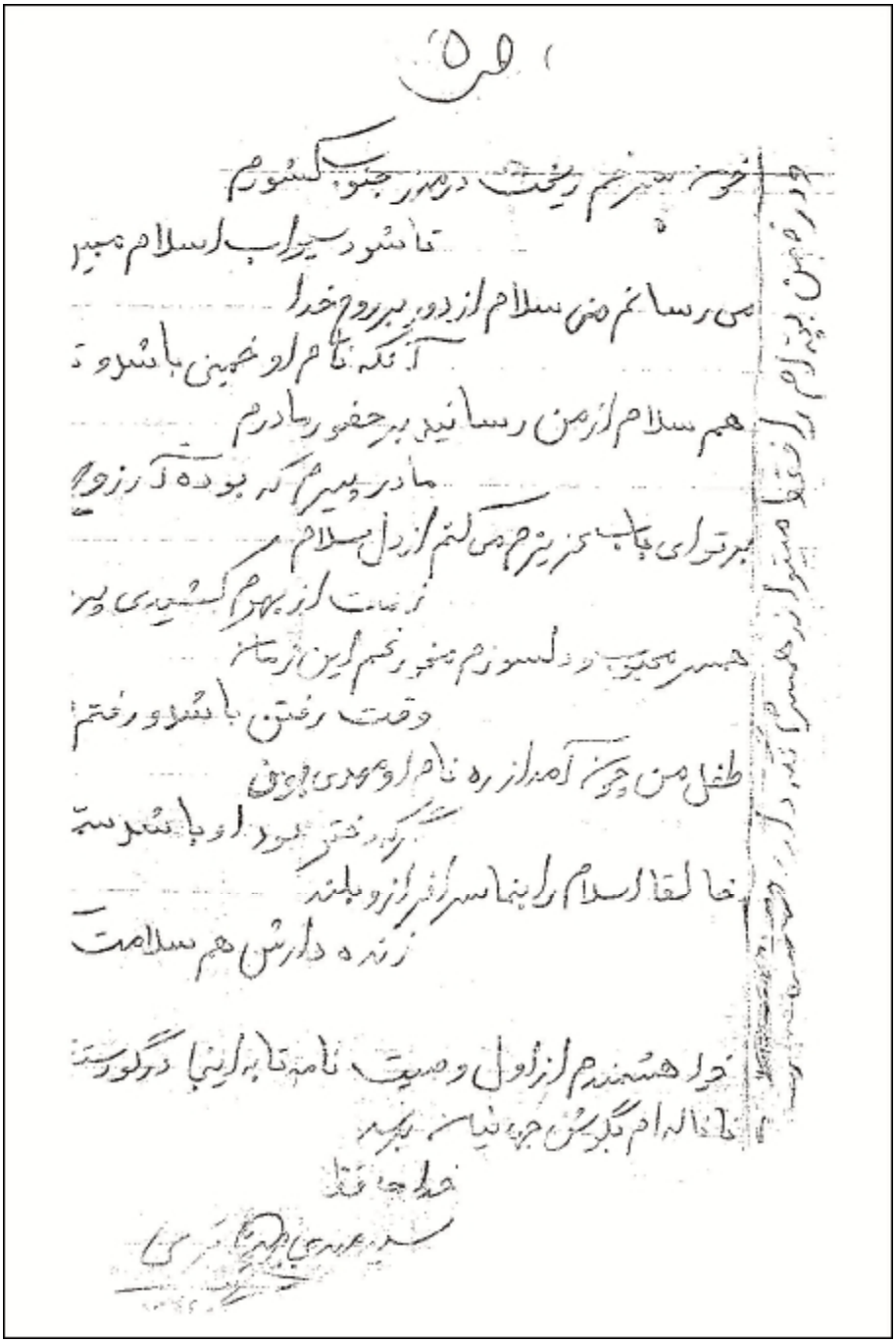
۵- و در مورد وسایل و زندگی هر طوری که خودتان میدانید در مورد
همسرم اقدام کنید و تنها کسی که برای زندگی من زحمت کشیده

همسرم می باشد و تنها کسی که از من حق زندگی دارد او و بچه‌ام
می باشد و از شما می خواهم که اگر بچه‌ام پسر بود اسمش را



سید مهدی کلمه آخرین حرفی که بعد از شهادت پدر بر زبان آورد
قبل از شهادت پدر
چون این ها همه زمانی است که سالار شهیدان حسین ابن علی
فرمود:
هَلْ مِنْ ناصِرٍ یَنْصُرُنی
«آیا کسی هست مرا یاری کند»
این ها همه زمانی است که حسین ابن علی از اسب بر زمین افتاد و حالا
امام امت خمینی بت شکن نیز می گوید هَلْ مِنْ ناصِرٍ یَنْصُرُنی.

در این موقع بر همه ما واجب است که به ندای امام لبیک گوییم
و با قلبی سرشار از عشق مانند شناگرهای که به دریا می زند
بسوی شهادت بپریم. والسلام
به امید دیدار در قیامت در کنار ستمگران زمانه
عاشق شهادت سید مهدی میرباقری
سید مهدی میرباقری ۶۰/۱۲/۲۴





نام: **سیدحبیب‌الله**
نام خانوادگی: **میرحسینی**
نام پدر: **سیدحسن**
نام مادر: **زینب‌السادات**
تاریخ تولد: **هفتم خرداد ۱۳۴۵**
محل تولد: **شهرستان شاهرود**
تحصیلات: **دوم متوسطه رشته ریاضی**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **یازدهم آبان ۱۳۶۱**
محل شهادت: **موسیان**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش**
مزار: **گلزار شهدای زادگاهش**

عبارت‌های کلیدی

- در هر لباسی هستید دست از اسلام عزیز و نایب امام زمان(عج) یعنی امام خمینی نکشید.
- برای طول عمر امام تا انقلاب حضرت مهدی(عج) دعا کنید.
- بیشتر به اسلام عزیز خدمت کنید.
- خواهرم، تو نیز حجاب را همانطور که رعایت می‌کردی بیشتر رعایت کن.
- هیچ‌گاه امام را تنها نگذارید.
- هرچه بیشتر در راه اسلام عزیز خدمت کنید.

سیدحبیب‌الله میرحسینی

بسم الله الرحمن الرحیم

بسم رب الشهداء و الصدیقین

«اللهم اصلح لی دینی فانه عصمة امری و اصلح لی آخرتی فانها دار المقرّی و الیها من مجاورة اللئام مفرّی و اجعل الحیوة زیادة لی فی کل خیرٍ و الوفاة راحة لی من کل شرٍّ اللهم صل علی محمد و آل محمد»[1].

«خدایا دینم را اصلاح کن که دین نگهدار کار من است و آخرتم را اصلاح کن که خانهٔ دائمی من است و بسوی تو از مجاورت لئیمان گریزگاه من است و زندگی مرا مایهٔ فزونی در هر خیری و مرگ مرا وسیله آسایش من از هر شری قرار ده بار الها بر محمد و آلش درود فرست».

درود بر رهبر کبیر انقلاب امام خمینی و سلام بر شهیدان همیشه زندهٔ تاریخ و درود و سلام مجدد بر پدر و مادر عزیز و خواهر و برادران گرامی‌ام و درود بر ملت و خانواده‌های شهیدپرور ایران.

پدر و مادر عزیزم، این وصیت‌نامهٔ من پس از شهادتم است و من قبل از اینکه این سعادت بزرگ الهی نصیبم گردد، شروع به نوشتن آن کرده‌ام و امیدوارم بتوانم با یک پیروزی کامل یا جزئی برای خدا و اسلام و قرآن و اهل بیت جان بی‌ارزشم را به الله این به وجودآورنده و آفرینندهٔ خودم تسلیم نمایم.

پدر و مادرم، امیدوارم من توانسته باشم برای شما فرزند نیکو و صالحی بوده باشم و اگر از من رنجی دیده‌اید مرا ببخشید. و نیز شما ای برادران و خواهر عزیزم، اگرچه من برای شما آن دین برادری‌ام را ادا نکردم ولی امیدوارم شما نیز مرا حلالم کنید. و از شما و تمامی اقوام و دوستان و خویشان و برادران و خواهران دینی خودم عاجزانه می‌خواهم که همیشه در هر جا که هستید در هر پست و مقامی به سر می‌برید و یا در هر لباسی هستید

۱- دعای روز سه شنبه، مفاتیح‌الجنان، ص ۲۵.

دست از اسلام عزیز و نایب امام زمان(عج) یعنی امام خمینی نکشید و همیشه برای طول عمرشان تا انقلاب حضرت مهدی(عج) دعا کنید.

و ای پدر و مادر و برادران و خواهر و دوستان عزیزم، از شما می‌خواهم پس از شهادت من گریه‌ای که دارای نشانه‌ای از ضعف است بر چشمانتان جاری نکنید و همیشه سعی کنید در ایام‌الله وقت خود را به عبادت و بندگی خداوند در مساجد به سر ببرید و نیز هیچ وقت برای من ناراحت نباشید زیرا من به آرزوی خودم رسیدم. و امیدوارم که برادران و دوستان من بعد از شهادتم با پایداری و ایمان هرچه بیشتر از اسلام عزیز با جان و دل دفاع کنند و دشمنان اسلام و قرآن را در هر کجا که هستند نابود نمایند.

پدر و ای مادر مهربانم، هر وقت به یاد من افتادید و خواستید گریه کنید و یا اینکه بر سر قبر من بیایید در آن لحظه به یاد کربلای حسین(ع) باشید و بر حسین(علیه‌السلام) گریه کنید زیرا در آن زمان با کافران و ستمکاران و یزیدیان برای پابرجا ماندن اسلام و آزادی تمام مسلمان از زیر سلطهٔ یزید جنایتکار – و در چه وضع غریبی چگونه– جان خود و فرزندان عزیزشان را دودستی تقدیم حق تعالی نمودند.

و دگر، مادرم، مگر علی اکبر[1](علیه‌السلام)، قاسم[2](علیه‌السلام) و سرباز شش‌ماهه‌اش در عاشورا و کربلای امام حسین(علیه‌السلام) شهید نشدند و مگر عباس[3](علیه‌السلام) را دو دستش را از بدنش جدا نکردند؟ پس پدر و مادر و برادران و خواهر و خویشان عزیزم، من که از آن بزرگواران و لب‌تشنگان بیشتر نیستم بلکه یک بندهٔ گناهکارم. بنابراین بر شهادت من خوشحال باشید زیراکه جایی و راهی را که خود انتخاب کرده بودم یافتم و در آن غرق شدم.

در آخر از شما می‌خواهم که سلام گرم من را اول بر خودتان (خانواده عزیزم) بپذیرید و سپس سلام مرا به عمه‌ها و خاله‌هایم و مادربزرگانم و مخصوصاً حاجی‌آقا و دایی‌ها و عمویم و تمام دوستان و کلاً کسانی که به نحوی در زندگی من مؤثر بودند برسانید.

امیدوارم وصیت من بعد از شهادتم پیامم باشد.

۱- ر.ک.تعلیقات.

۲- ر.ک.تعلیقات.

۳- ر.ک.تعلیقات.

و باز چیزی را که از قلمم افتاد: خواستم اگر گاهی اوقات توانستید بگویید کسی برای من نماز بخواند یا روزه بگیرد.

«والسلام علیکم و رحمة الله»

بندهٔ کوچک خدا

سید حبیب‌الله میر حسینی

۶۱/۴/۲۶

[وصیت‌نامه‌ای دیگر]

بسم الله الرحمن الرحیم

متن وصیت‌نامه برای خانوادهٔ عزیزم. فرزند شما سید حبیب الله میرحسینی.

«**یا ایتها النفس المطمئنة ارجعی الی ربک راضیة مرضیة فادخلی فی عبادی و ادخلی جنتی**».

«ای نفس آرمیده بازگرد به سوی پروردگارت خوشنود و پسندیده پس داخل شو در بندگانم و داخل شو در بهشتم». (آیات ۲۸ تا ۳۰ سورهٔ فجر)[1].

با نام خدا و با سلام و درود فراوان به رهبر کبیر انقلاب و رزمندگان اسلام و ملت شهیدپرور ایران و سلام و درود بسیار بر شهدای راه حق وحقیقت از آدم تا حسین(ع) و از حسین(ع) تا شهدای کربلای ایران.

باری، سلام و درود فراوان بر شما خانوادهٔ عزیز و آگاه و مهربانم. در درگاه خداوند بزرگ شکر می‌گزارم[2] که چنین خانوادهٔ آگاه و در خط امام و واقف بر مسائل دینی و انقلابی به من داده است و خدا را شکر که چنین پدر و مادری صبور با ایمانی قوی به من داد و باز جای شکرش در درگاه خداوند متعال باقی است که خدا چنین برادران و خواهری بر من عنایت کرد و چنین آشنایان و دوستانی آگاه و پیرو خط ولایت فقیه به من داد و آری هزاران شکر و یا بهتر، بی‌نهایت شکر بر خداوند متعال و بخشنده.

۱- در اصل وصیت «آیهٔ ۲۸...».

۲- در اصل وصیت «می‌گذارم».

اگر اینکه باری قلم به روی کاغذ آوردم می‌خواستم مسائلی را با شما درمیان گذارم. در درجهٔ اول اگر شهادت، این مقام بزرگ و جاودان، نصیبم گشت فقط به درگاه خدا شکر گزارید و بر من نگریید و از ملت شهیدپرور بخواهید که بر این مهم تبریک گویند و به آشنایان نیز بگویید مجلس‌های گریه برپا نکنند بر سر قبرم پرچم سبزی نصب[1] کنید و بر بازویم بازوبند سبزی است که آن را باز نکنید تا همه دشمنان بدانند که تا آخرین قطرات خونم پیرو راه حسین(ع) و پیرو راه جدم و همچنین پیرو مادرم زهرا(س) بوده‌ام و از امامم اطاعت کرده‌ام.

خدمت شما عرض کنم که مقداری پول در صندوق قرض‌الحسنه دارم؛ به یاد امام زمانم(عج) بگذارید[2] باشد و اگر خواستید به یاد من به نام عبدالرضا کنید. تمام وسایلم را، هر طور که می‌خواهید عمل کنید. و حال، صحبتی به‌عنوان پیام به شما مادر و پدر و برادران و خواهر عزیزم. مادرم، مرا ببخش از اینکه نتوانستم و اگر می‌شد هم[3] نمی‌توانستم حقی که به گردن من داشتی را ادا نمایم. مادرم، ناراحت مباش زیرا که اجری عظیم در آخرت خواهی داشت و در مقابل فاطمهٔ زهرا(س) و زینب کبری(س) و ائمه اطهار(علیهم‌السلام) سربلند خواهی بود. و پدر عزیزم، مرا ببخشید و مرا عفو کنید که با این همه دلسوزی‌هایتان و این همه زحماتتان نافرمانی و سرکشی زیاد داشتم. پدر عزیزم، نگذارید مادر جان زیاد ناراحت باشد و هوای او را داشته باشید و خود نیز نباید برای من ناراحتی کنید بلکه به درگاه خدا شکر گزارید.

و آری برادرانم، با شما هستم. هرچند که در طول عمرم نتوانستم حق برادری را به شما ادا نمایم ولی از شما عذر می‌خواهم و طلب مغفرت می‌کنم. همانطور که تا کنون باعث افتخار خانواده بوده‌اید، بیشتر به اسلام عزیز خدمت کنید و عبدالرضا را چون خودتان به یاد من خوب تربیت کنید تا یکی از سربازان واقعی امام زمان(عج) به بار آید. و خواهرم تو

۱- در اصل وصیت «نسب».

۲- در اصل وصیت «نگذارید».

۳- در اصل وصیت «می‌شدم».

نیز حجاب را همانطور که رعایت می‌کردی بیشتر رعایت کن و به‌عنوان خواهر یک شهید نمونه باش و مسائل اسلامی را هرچه بیشتر فراگیر.

و آشنایان و دوستان و خویشان، باری، با شما سخن می‌گویم. اگر حق زیادی که به گردن من داشتید ادا نکردم عذر می‌خواهم، مرا ببخشید و هیچ‌گاه امام را تنها نگذارید و هرچه بیشتر در راه اسلام عزیز خدمت کنید. حاجی‌آقا جان، هرچند که در طول عمرم قدر شما را ندانستم و از شما استفادهٔ کامل را نکردم ولی همین بس که برای من افتخاری بزرگ بودید و من همیشه بر وجودتان می‌بالیدم. حاجی‌آقا جان، بر من دعا کنید که خداوند ما را در زمرهٔ شهدای صدر اسلام و کربلای حسین(علیه‌السلام) و حسین‌ابن علی(ع) محشورمان نماید.

مرا ببخشید، خانوادهٔ عزیزم، هر کدام از آشنایان و دوستان و یا کسانی را که بر ما حق داشتند و یا به نحوی با من آشنا بوده‌اند دیدید برای من طلب بخشش و دعا نمایید. و درضمن[1] خودتان از سفارشات و بالأخص دعا یادتان نرود و ذکر خدا را به‌عنوان یک خانوادهٔ شهید فراموش نکنید، که «**الا بذکر الله تطمئن القلوب**»[2] آری «ذکر خدا به قلب‌ها آرامش و راحتی می‌دهد». دیگر بیشتر سفارشی ندارم جز اینکه به هم‌کلاسی‌هایم و هم‌سنگرانم بگویید جبهه را رها نکنند و امام را تنها نگذارند و سنگر جبهه و مدرسه را هرچه بیشتر با تمام توان حفظ کنند. و از شهدا یادشان نرود؛ از شهیدان عزیزمان اکبر چمنی، مجتبی ناطقی، احمد نقی زاده و برادر امیریان تا این حقیر و شهدای آیندهٔ سنگر.

به امید موفقیت و سلامتی همگی شما، از این شعار همیشگی که «خدایا خدایا، تو را به جان مهدی(عج)، تا انقلاب مهدی(عج)، خمینی را نگه‌دار،برای حفظ اسلام، از عمر ما بکاه و، بر عمر او بیافزای» یادتان نرود.

۱- در اصل وصیت «ظمن».

۲- رعد/ ۲۸.

درضمن[۱] روزه‌هایم را که تماماً گرفته‌ام ولی اگر یک ماه برای [من] بگویید نماز بگزارند و قرآن بخوانند خیلی متشکریم. و شما نیز مطمئن باشید همانگونه که در دنیا از یادم نرفتید همگی شما در آخرت در یادم خواهید بود.

«والسلام»

التماس دعا

جبهۀ جنوب- چهارشنبه ۶۱/۷/۲۸

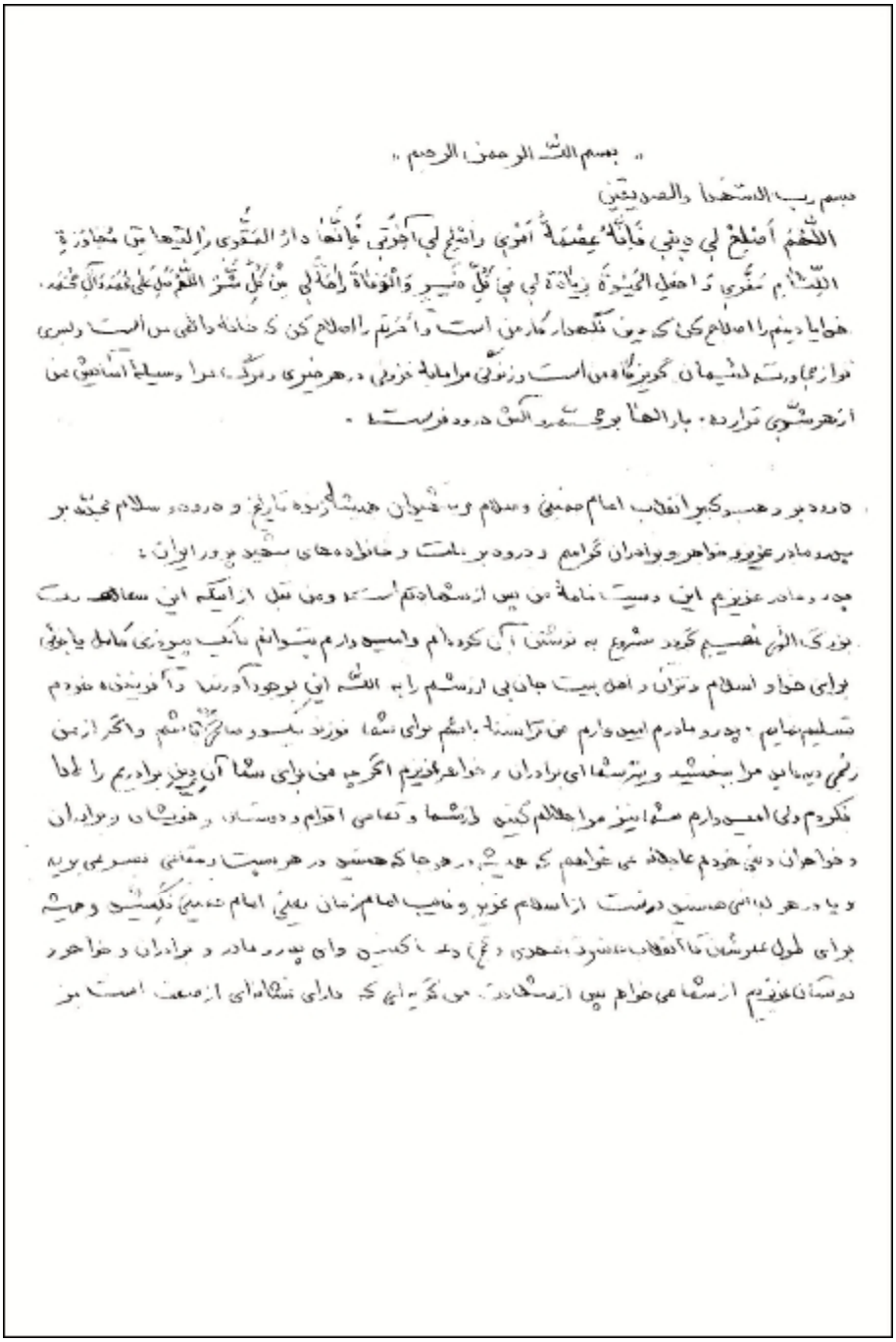
فرزند کوچک و حقیرتان سیدحبیب‌الله میرحسینی

درضمن[۲] قابل تذکر است که دو وصیت دارم، یکی برای ملت بزرگ و شهیدپرور که در بسیج است و دیگر همین وصیت‌نامه که تحویل تعاون گردان داده‌ام می‌باشد.

«و من الله التوفیق»

۱- در اصل وصیت «ظمن».

۲- در اصل وصیت «ظمن».



«بسم الله الرحمن الرحیم»

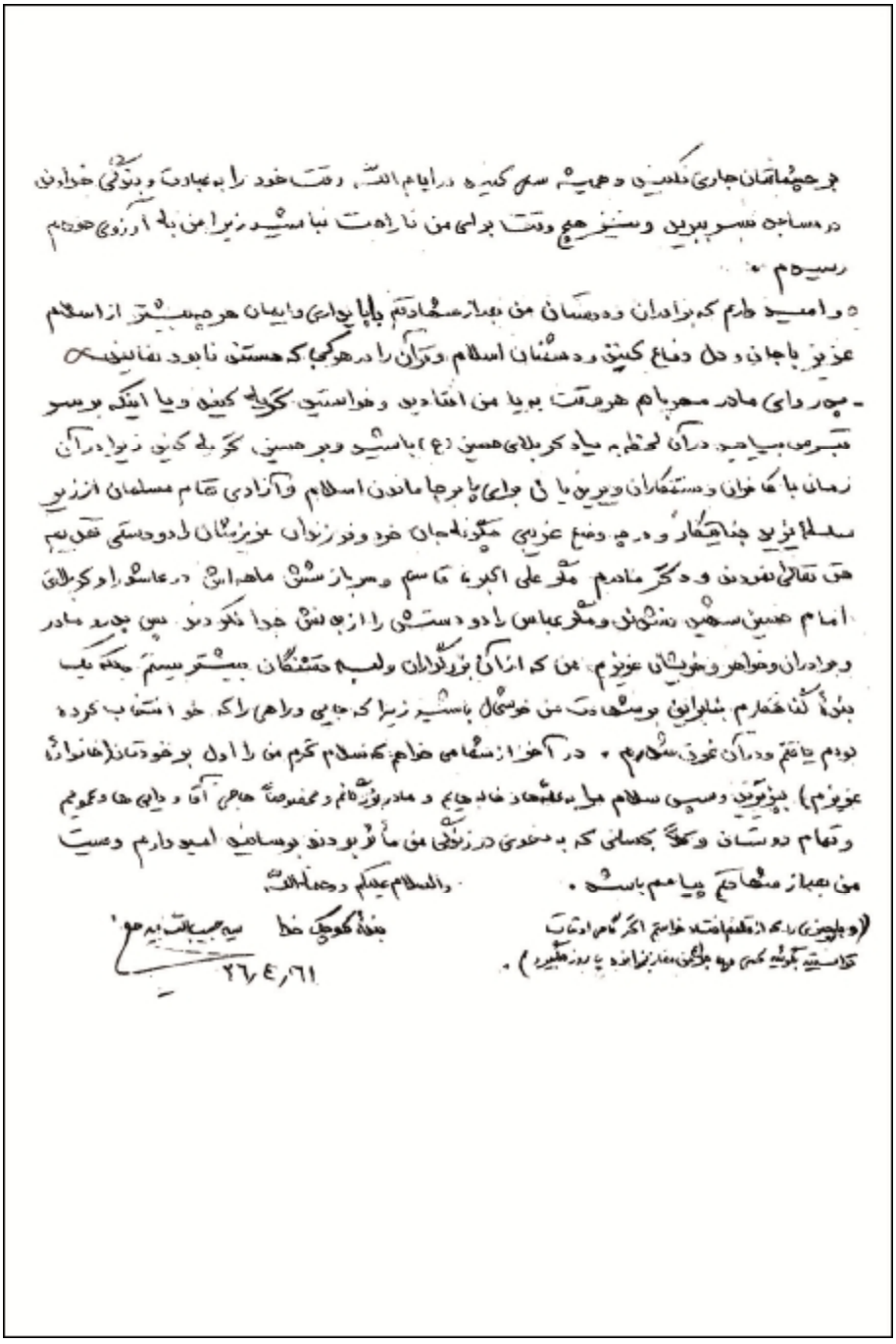
بسم رب الشهدا والصدیقین

اللّٰهُمَّ أَصْلِحْ لِي دِينِي فَإِنَّهُ عِصْمَةُ أَمْرِي وَأَصْلِحْ لِي آخِرَتِي فَإِنَّهَا دَارُ مَقَرِّي وَاجْعَلِ الْحَيَاةَ زِيَادَةً لِي فِي كُلِّ خَيْرٍ وَالْوَفَاةَ رَاحَةً لِي مِنْ كُلِّ شَرٍّ اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ.

خدایا دینم را اصلاح کن که دین نگهدار کارمن است و آخرتم را اصلاح کن که خانهٔ باقی من است و بسوی تو بازمیگردم و زندگانی مرا مایهٔ فزونی در هر خیری و مرگ مرا وسیلهٔ آسایش من از هر شری قرار ده. بارالها بر محمد و آل محمد درود فرست.

درود بر رهبر کبیر انقلاب امام خمینی و سلام بر قهرمان همیشه زنده تاریخ و درود و سلام مجدد بر پیکر مادر عزیز و خواهر و برادران گرامیم و درود بر ملت و خانواده‌های شهید پرور ایران:

چند روز عزیزم این وصیت نامهٔ من بین از شهادتم است و من نقل از اسلام این معامله رابا خدای بزرگ انجام میدهم شروع به نوشتن آن کرده‌ام و امیدوارم بتوانم تا آخر پیروزی کامل یا جزئی برای خواهر اسلام و قرآن و اهل بیت جان بی ارزشم را به الله این بوجود آورنده تقدیم کرده‌ام تسلیم نمایم. پدر و مادرم امیدوارم من را بسبب شهادتم ببخشید و ناراحت نباشید و بدانید که من برای شما خوردن و آشامیدن و لباس و زندگی دنیایی را نخواستم و بیشتر شما ای برادران و خواهرانم اگرچه من برای شما آن چیزها را انجام ندادم ولی امیدوارم شما نیز مرا بخشید و بیشتر شما ای برادران و خواهرانم اگرچه من برای شما آن چیزها را انجام ندادم ولی امیدوارم شما نیز مرا بخشید و تمامی اقوام و دوستان و خویشان و برادران و خواهران دینی خودم عاجزانه می خواهم که هیچ وقت و هر جا که هستید در هر سمت و مقامی تسلیم ولی و یا در هر راهی هستید از اسلام عزیز و نایب امام زمان یعنی امام خمینی نگسلید و همیشه برای طول عمرشان تا انقلاب جهانی مهدی (عج) دعا کنید و از پدر و مادر و برادران و خواهر و دوستان عزیزم از شما می خواهم بین از شهادت من گریه ای که برای شهادای اسلام است نباشد



فرزند شما

(متن وصیت نامه برای خانواده عزیزم) سید حبیب ا... میرحسینی

بسم الله الرحمن الرحیم

یا أیتها النفس المطمئنة ارجعی إلی ربک راضیة مرضیة فادخلی فی عبادی وادخلی جنتی .

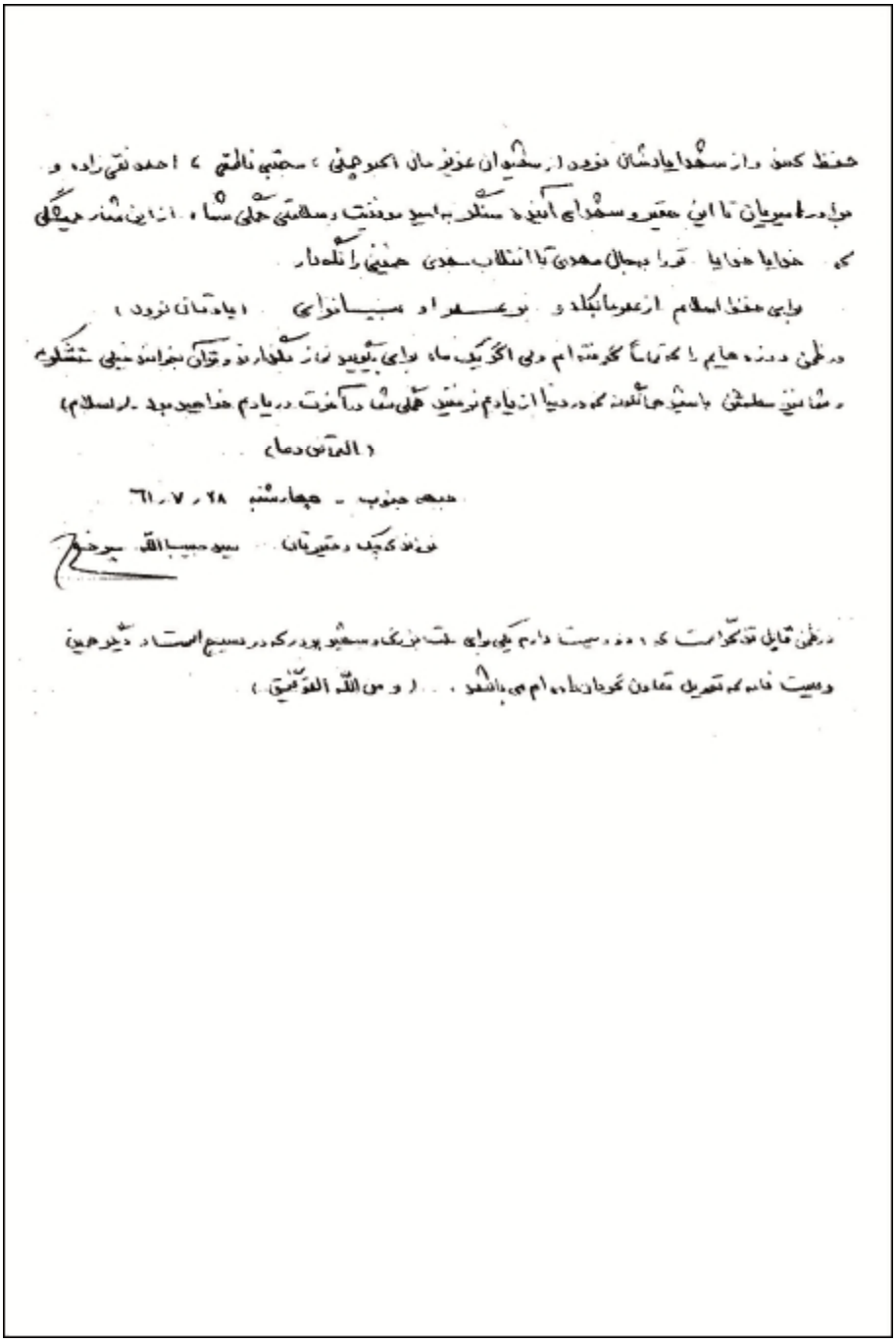
ای نفس آرمیده باز گرد بسوی پروردگارت خوشنود و پسندیده پس داخل شو در میان بندگانم

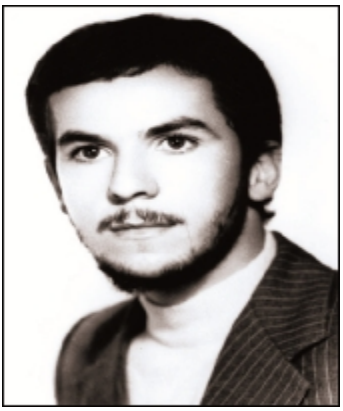
و داخل شو در بهشتم (آیه ۲۸ سوره فجر)

با سلام خدا و سلام و درود فراوان به رهبر کبیر انقلاب و نوادگان اسلام و ملت شهید پرور ایران و سلام و درود بسیار بر شهدای راه حق و حقیقت از آدم تا حسین (ع) و از حسین (ع) تا شهدای کربلای ایران .

پدر سلام و درود فراوان بر شما خانواده عزیز و گرامی و مهربانم . در درگاه خداوند بزرگ شکر می کنم که چنین سعادتی نصیبم گشته و در خط امام و راحل بر مسائل دینی و انقلابی به من داده است و خدا را شکر که چنین پدر و مادری صبور، با ایمان قوی به من داده و در راه خدا و در کنار خدا و در مقابل باطل است که خدا چنین برادران و خواهری بر من عنایت کرده و چنین آشنایان و دوستانی آگاه و پیرو خط ولایت فقیه بمن داد و از این همه را و شکر و یا بهتر بگویم نهایت شکر بر خدا و در مقابل و بخشش و اگر اینگونه پدری ظلم بزرگی خواهد کرد و می خواستم مسائلی را با شما در میان گذارم در درجه اول اگر (شهادت) این مقام بزرگ و جاودان نصیبم گشت سعی نکنید در درگاه خدا شکر گذارید و برین بگریید و از ملت شهید پرور خواهش کنید که برای سفر تدریجی آشنایان نیز بگریند مجلسهای تحریه برپا نکنند . بر سر مزارم پرچم سبزی نصب کنید و برپا نروم . یادبود سبزی است که آنرا بازکنید تا هر دشمنان بدانند که تا آخرین قطرات خون پیرو راه حسین (ع) و پیرو راه حق و همچنین پیرو سادرم زهرا (ع) فرزندم آنرا از امام اطاعت کردم خوشا شما عزیزی که مقاوم باشید و در صف مقدم جبهه امام زمانم ولی باشید و اگر خواستید به یاد من باشید برای خدا گریه کنید . تمام سایلم را هر طور که







نام: **سیدکاظم**
نام خانوادگی: **میرحسینی**
نام پدر: **سیدحسن**
نام مادر: **زینب السادات**
تاریخ تولد: **سوم مهر ۱۳۴۱**
محل تولد: **شهرستان شاهرود**
تحصیلات: **تا دوم راهنمایی**
ارگان اعزام‌کننده: **سپاه**
تاریخ شهادت: **بیست‌ویکم بهمن ۱۳۶۴**
محل شهادت: **پیک‌گردان در اروندرود**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش**
مزار: **گلزار شهدای زادگاهش**

عبارت‌های کلیدی

- در هر مصیبتی که وارد شد صبر پیشه کنید و از خدا کمک بگیرید.
- برای فرج آقا بقیةالله الأعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف و سلامتی نایب عزیزش دعا کنید.
- نمازهایتان را به‌وقت بخوانید و به آن اهمیت فراوان دهید.
- ذکر خدا و خواندن قرآن روزی یک صفحه فراموشتان نشود.

سیدکاظم میرحسینی

بسم الله الرحمن الرحیم

[۱]در آخر از شما می‌خواهم که در هر مصیبتی که وارد شد صبر پیشه کنید و از خدا کمک بگیرید و برای فرج آقا بقیةالله الأعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف و سلامتی نایب عزیزش دعا کنید. از خدای بزرگ برای ما طلب آمرزش کنید. انشاءالله.

«والسلام»

کسی که فراموشتان نخواهد کرد انشاءالله

سید کاظم

ضمناً این چند برگ وصیت‌نامه مخصوص خانه می‌باشد و نواری هم که پر شده [...][۲] است. و مسئله‌ای که فراموشم شد اینکه اگر شد از تریبون نماز جمعه اعلام کنید که اگر اینجانب غیبت کسی را کرده‌ام و کسی حقی به گردنم داشته و نتوانستم ادا کنم یا فراموش شده ما را ببخشد؛ و از درگاه خدا برای ما آمرزش بطلبند.

۳- محل دفن. اگر جنازه‌ام به دستتان رسید کنار شهید سید حبیب‌الله به‌خاک بسپارید و اگر هم نرسید باز هم تشکیل قبر دهید و هر موقعی که آمدید در آنجا از خواندن قرآن به خصوص آیهٔ شریفهٔ یس فراموشتان نشود.

هر کجا هستید از ذکر خدا و خواندن قرآن حداقل روزی یک صفحه فراموشتان نشود، نمازهایتان را به‌وقت بخوانید و به آن اهمیت فراوان دهید و از هر کلامی مقدم بدانید.

۱- با توجه به آغاز دست‌نوشته، بخش به‌جای مانده صفحه آخر وصیت‌نامه است. صفحات پیشین وصیت‌نامه در اختیار نیست.

۲- خوانا نیست.

در آخر از شما می خواهم که در هر حیثیتی که وارد شد صبر پیشه کنید و از خدا کمک بگیرید و برای مرجع تقلید اعلم الاعظم جعل الله تعالی فرجه الشریف و سلامتی نائب بزرگوارش دعا کنید و از خدای بزرگ برای ما طلب آمرزش کنید. انشاء الله

والسلام.

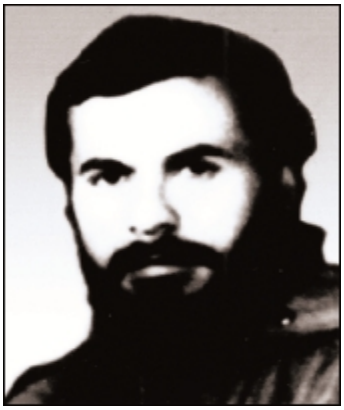
کسی که فراموشتان نخواهد کرد انشاء الله

سید کاظم

ضمناً این چند برگ وصیتنامه مختصری خانه می باشد و وارثی هم که پرسیده معروفی است وسیله ای که فراموشم نشود اینکه اگر شد از تریبون نماز جمعه اعلام کنند که اگر اینجانب غیبت کسی را کرده ام و کسی حقی به گردنم داشته و نتوانستم ادا کنم یا فراموش شده مرا ببخشد و از درگاه خدا برایم آمرزش بطلبند.

۳- محل دفن: اگر جنازه ام بدستتان رسید کنار شهید سید حبیب الله خاک بسپارید و اگر هم نرسید بازهم تشکیل تعزیه دهید و هر موقعی که آمدید در آنجا از خواندن قرآن خصوصی (آیه شریفه دیس) فراموشتان نشود.

هرکجا هستید از خدا بخواهید قرآن حداقل روزی یک صفحه فراموشتان نشود نمازهایتان را بوقت بخوانید و به آن اهمیت فراوان دهید. و از هرکاری مقدم بدانید.



نام: **سیدمحمود**
نام خانوادگی: **میرحسینی**
نام پدر: **سیدجعفر**
نام مادر: **سخاوه**
تاریخ تولد: **سی ام آذر ۱۳۳۹**
محل تولد: **روستای میقان**
تحصیلات: **پایان دوره ابتدایی**
ارگان اعزام‌کننده: **سپاه**
تاریخ شهادت: **هشتم اسفند ۱۳۶۲**
محل شهادت: **جزیره مجنون عراق**
نحوهٔ شهادت: –
مزار: **گلزار شهدای زادگاهش**

عبارت‌های کلیدی

- امیدوارم که مرگم شهادت در راه خدا باشد.
- همیشه پیرو خط امام باشید.
- توطئه‌های منافقین را خنثی کرده و به جبهه‌های جنگ حق علیه باطل بروید.
- دنیا زندانی بیش نیست.
- دنیا محلی است زودگذر.
- رزمندگان ما نه تنها به فیض کامل می‌رسند، بلکه با خون خود با خدای خود معامله می‌کنند.

سیدمحمود میرحسینی

بسم الله الرحمن الرحیم

«یا ایها الذین امنوا اتقوا الله و ابتغوا الیه الوسیلة و جاهدوا فی سبیله لعلکم تفلحون»[۱].

«ای اهل ایمان از خدا بترسید و به وسیله ایمان و پیروی اولیای حق به خدا توسل جویید و در راه خدا جهاد کنید تا رستگار شوید».

درود به پیامبران گرامی از حضرت آدم تا آخرین پیامبر گرامی اسلام حضرت محمد(صلی الله علیه و آله و سلم) و درود به رهبر کبیرمان این پیر جماران امام خمینی و درود و سلام بی‌پایان به شهدای انقلابمان خصوصاً شهدای جنگ تحمیلی. همانطور که با نام خدا وصیت‌نامه‌ام را شروع می‌کنم امیدوارم که مرگم شهادت در راه خدا باشد.

مادرم، وصیتی دارم و آن اینکه اگر فرزندت شهید شد سرت را بالا بگیر، همچون شیر خروشان باش. مادرم، خوب گوش کن مبادا برایم گریه کنی. گریه کردن تو باعث خوشحالی دشمنان اسلام می‌باشد.

همسرم، همچون کوه استوار باش و چون کوه زندگی کن و اگر خداوند فرزندی به ما عطا کرد بگذارید در راه وطنش همچون پدرش شهید شود.

برادران و خواهرانم، تنها وصیتی که به شما دارم. و آن اینکه همیشه پیرو خط امام باشید و توطئه‌های منافقین[۲] را خنثی کرده و به جبهه‌های جنگ حق علیه باطل بروید. چون اسلام غریب است، هرچقدر که قدرت اسلام زیاد است.

ولی دنیا زندانی بیش نیست، دنیا محلی است زودگذر، دنیا جایگاهی است که فقط به خاطر آموزش انسان‌ها خلق شده و چه بهتر که آموزشمان را در جبهه‌ها بگذرانیم و فرماندهی آن جبهه را هم امام زمان(عج) [داشته] باشد. این تنها فیضی است که فقط نصیب

۱- مائده/ ۳۵.

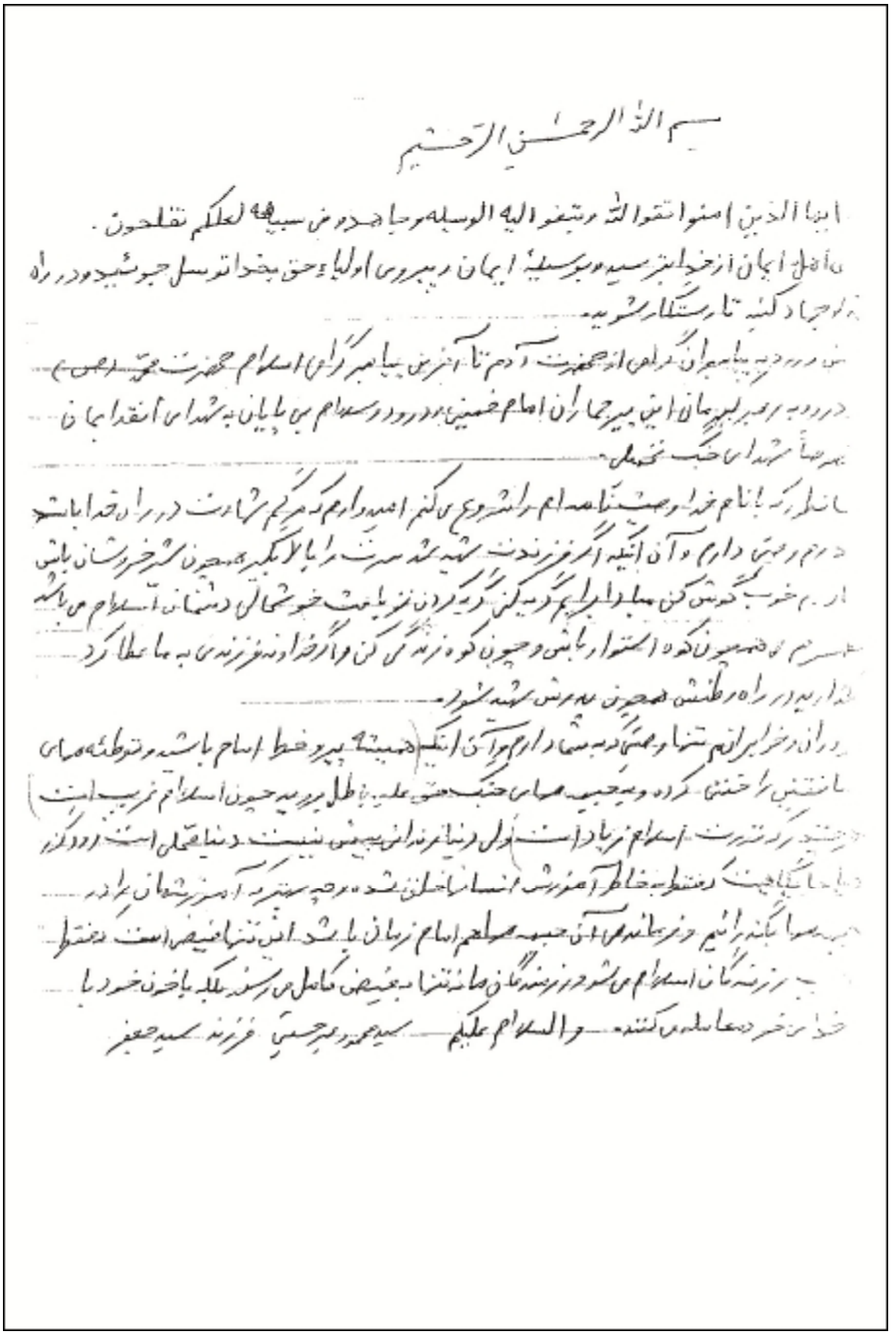
۲- ر.ک.تعلیقات.

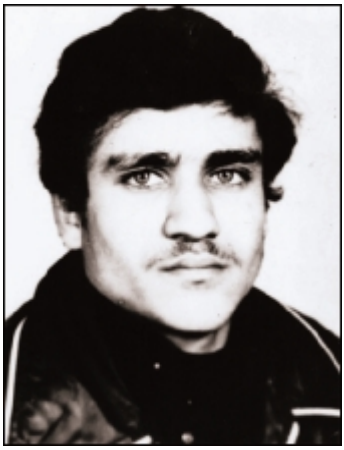
رزمندگان اسلام می‌شود. رزمندگان ما نه تنها به فیض کامل می‌رسند بلکه با خون خـود بـا خدای خود معامله می‌کنند.

«والسلام علیکم»

سیدمحمود میرحسینی

فرزند سید جعفر





نام: **سیدمجتبی**
نام خانوادگی: **میردوستی**
نام پدر: **قاسم**
نام مادر: **صفیه**
تاریخ تولد: **چهارم مهر ۱۳۴۱**
محل تولد: **شهرستان شاهرود**
تحصیلات: **پایان دوره ابتدایی**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **هشتم اردیبهشت ۱۳۶۰**
محل شهادت: **سرپل‌ذهاب**
نحوهٔ شهادت: –
مزار: **گلزار شهدای زادگاهش**

عبارت‌های کلیدی

- به برادرانم بگویید که من درس شهادت را در مکتب اسلام آموختم.
- ما همه سربازیم و همگان از یک ناموس دفاع می‌کنیم.
- بیاییم راه امامان را پیش بگیریم که همان راه حضرت علی(ع) است.

سیدمجتبی میردوستی

بسم الله الرحمن الرحیم

به رهبرم بگویند که من تا خون در رگ داشتم فریاد «خمینی رهبر» را به گوش همه رساندم. به برادارنم بگویید که من درس شهادت را در مکتب اسلام آموختم. ما همه سربازیم و همگان از یک ناموس دفاع می‌کنیم و به جانب یک هدف پیش می‌رویم.

وصیت‌نامه سیدمجتبی میردوستی
از امام‌شهر تاریخ ۶۰/۱/۱

[وصیت‌نامه‌ای دیگر]

بسم الله الرحمن الرحیم

وصیت‌نامهٔ سید مجتبی میردوستی.

سلام به مادر عزیزم و برادر و خواهرانم و مادربزرگ و بابام. امیدوارم اگر بدی و خوبی از من دیده‌اید مرا ببخشید.

ما همه سربازیم و همگان از یک ناموس دفاع می‌کنیم و به جانب یک هدف پیش می‌رویم، چنانچه که حضرت علی(ع) فرموده «این شما هستید که باید محیط استقلال و ناموس اسلام [...][1] سرهای نترس و بی‌باک خود حفظ کنید»! پس [...][2] بیاییم راه امامان را پیش بگیریم[3] که همان راه حضرت علی(ع) است.

دیگر عرضی ندارم به امید پیروزی.

در دریای مرگ شنا کنید تا به ساحل حق رسید.

سید مجتبی میردوستی
[...]/۱۱/۱۲[4]

۱- خوانا نیست.

۲- خوانا نیست.

۳- در اصل وصیت «بگیم‌یم».

۴- خوانا نیست.

بسم الله الرحمن الرحیم

به رهبرم بگویید که من تا خون در رگ داشتم

فریاد خمینی رهبرا به گوشش رساندم

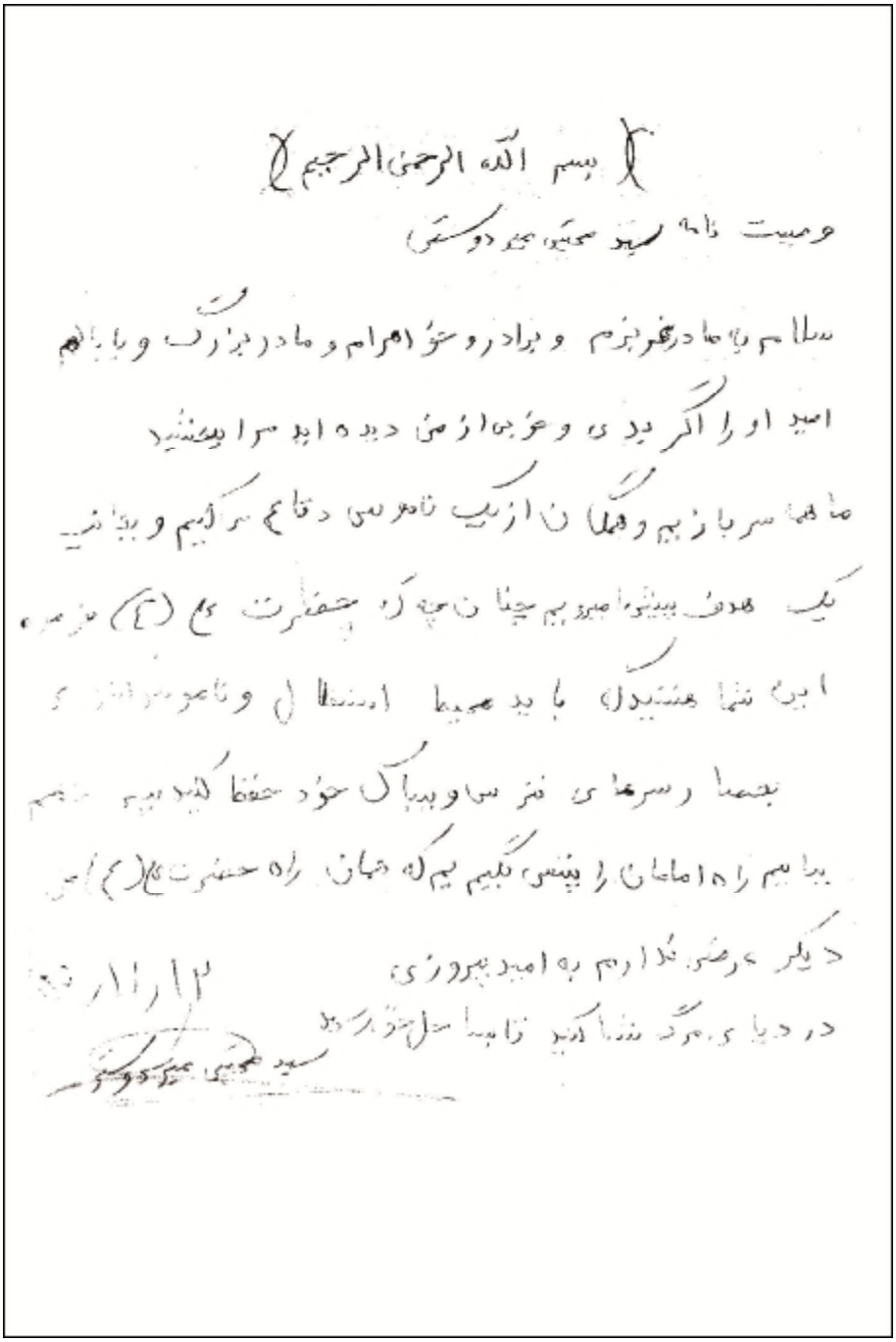
به برادر انم بگویید که من در بین شهادت

را در مکتب اسلام آموختم ما همه سربازیم

وهمگان از یک ناموس دفاع می کنیم وبجانب

یک هدف پیش میرویم

وصیت نامه
ابو محمدی میردولتی
از امام شهر تاریخ
۶۰/۱/۱



بسم الله الرحمن الرحیم

وصیت نامه سید مجتبی میردوستی

سلام به مادر عزیزم و برادر و خواهرام و مادر بزرگ و بابام

امید او را اگر دیدی و عزیزان از من دیدن ابد مرا ببخشید

ما هم سربازیم و همگان از یک نامومی دفاع میکنیم و بدانید

یک هدف پیشوا میدهیم چنان چه که حضرت علی (ع) فرمود

این شما هستید باید همیشه استقلال و ناموس ایران را

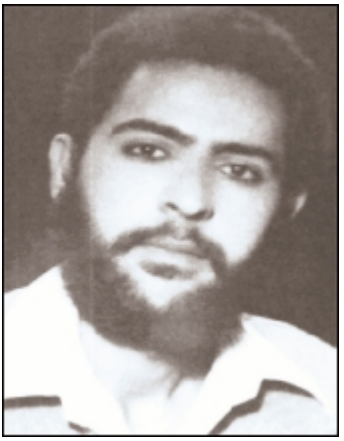
بخصوص رسمای نفر ساوه پاک خود حفظ کنید بهم

بیایم راه امامان را پیش بگیریم که همان راه حضرت علی (ع) است

دیگر وصیتی ندارم به امید پیروزی

در دنیای بعد از مرگ منتظر کنید تا بیایم

سید مجتبی میردوستی



نام: **یحیی**
نام خانوادگی: **میرزاپور**
نام پدر: **اسماعیل**
نام مادر: **رقیه**
تاریخ تولد: **بیستم اردیبهشت ۱۳۴۰**
محل تولد: **شهرستان دامغان**
تحصیلات: **چهارم متوسطه**
ارگان اعزام‌کننده: **سپاه پاسداران**
تاریخ شهادت: **چهاردهم آبان ۱۳۶۱**
محل شهادت: **عین خوش عراق**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش**
مزار: **گلزار شهدای فردوس رضای زادگاهش**

عبارت‌های کلیدی

- امام عزیز فریاد «هل من ناصر ینصرنی» را بلند کرد و با شنیدن این فریاد امام نتوانستم طاقت بیاورم و کوشیدم تا خودم را به جبهه برسانم.
- راه من راهی است که برای اسلام و قرآن و برای نگاه داشتن خاک عزیز اسلامی است.
- من به ندای حسین زمان لبیک گفته تا بتوانم مورد بخشش خداوند قرار گیرم.
- ای برادر، امیدوارم همانطور که در خط اسلام هستی باشی و برای این ملت شهیدپرور و مستضعف بکوشید.
- مادرم امیدوارم خوشحال باشی که جوانی را در راه اسلام و قرآن و ملت شهیدپرور فدا کردی.
- شهیدان ما گفتند ای ملت عزیز مگذارید که جبهه‌ها خالی باشد.
- قدر امام عزیز را بدانید و در هر نیمه‌شب که بیدار هستید، امام را دعا کنید.
- از خداوند بخواهید که عمر امام را زیاد گرداند و انقلابش را به انقلاب حضرت مهدی امام زمان (عج) متصل گرداند.

یحیی میرزاپور

بسم الله الرحمن الرحیم

«من المؤمنین رجال صدقوا ما عاهدوا‌الله علیه فمنهم من قضی نحبة و منهم من ینتظر و ما بدلوا تبدیلاً»[1].

با عرض احترام و درود و سلام بر پیشگاه مقدس منجی انسان‌ها ولی عصر امام زمان (عج) و درود و سلام به پیشگاه نایب بر حقش کوبنده ستمگران و یاور مستضعفان جهان و یگانه رهبر بزرگ عالیقدر ملت ایران حضرت نایب الا مام روح‌الله موسوی خمینی و درود و سلام خدمت مردم شهیدپرور و شهیدان اسلام از کربلای حسین(علیه‌السلام) تا کربلای ایران.

و بعد از عرض احترام، مشخصات خودم که فرزندی از اسلام هستم به عرض شما می‌رسانم. اینجانب یحیی میرزاپور دارای شماره شناسنامه ۸۴۲۳ متولد دامغان در خانواده‌ای محروم رشد نموده تا به این سن و سال رسیدم و متوجه شدم که باید دین خود را نسبت به انقلاب ادا نمایم و تنها راه رفتن به سپاه بود، حال که به این آرزوی دیرینه خود رسیدم باز خیالم راحت نیست و نمی‌توانم روی پای خود ایستاده و بفهمم که برادران و پدران من در جبهه می‌جنگند و شهید می‌شوند و من در این حال باقی بمانم، که فرصت پیش آمد و قسمت بود که امام عزیز فریاد «هل من ناصر ینصرنی[2]» را بلند کرد و با شنیدن این فریاد امام نتوانستم طاقت بیاورم و کوشیدم تا خودم را به جبهه برسانم و بار اول که در جبهه غرب بودم و حال در جبهه جنوب در حال خدمت به اسلام و امام و قرآن و ملت شهیدپرور ایران هستم.

و سخنی با مادر عزیز و مهربانم که ای مادر در اولین سخن با تو باید بگویم که [مادر] مرا حلال کن و [از] این فرزند ناخلف خود رضا باش چون [مادر] قدر تو را ندانسته و تو را می‌سپارم به امام زمان. ناراحت نباش. مادر می‌دانم که تو تمام وقت گرانقدر خود را برای حفاظت و به ثمر رسیدن من صرف کردی و تمام عمرت را برای فرزندی که احترام

---

1. احزاب/ ۲۳.
2. ر.ک. تعلیقات.

تو را نداشت فدا کردی می‌دانم که ناراحت نمی‌شدی و خیلی بردبار و صبور هستی، آنطور که من فکر می‌کنم و انتظار دارم از تو، مادرم [که] هیچ ناراحتی بر خودت راه مده که با ناراحت شدن تو دشمن خوشحال می‌شود، چون [مادرم] راه من راهی است که برای اسلام و قرآن و برای نگاه داشتن خاک عزیز اسلامی است و از همه مهم‌تر آن است که من به ندای[1] حسین زمان لبیک گفته تا اگر مورد بخشش خداوند قرار گرفتم بتوانم با قطره خون خود که در بدن دارم [بتوانم] با ریختن آن راه شهیدان را ادامه داده و درخت قوی اسلام را آبیاری کرده باشم.

مادرم درست است[2] که مادرم هستی، ولی در اصل به گفته امید امام، آیت‌الله منتظری[3] که فرمود پدران و مادران خیال نکنید که فرزندان برای شما هستند، این جوانان فرزندان اسلام و قرآنند و پدران و مادران وظیفه[4] دارند که آنها را پرورش داده و تحویل اسلام و انقلاب بدهند.

سخنی با تو ای برادر: امیدوارم همانطور که در خط اسلام هستی باشی و برای این ملت شهیدپرور و مستضعف بکوشید تا خدا پاداشت شما را بدهد و ای مادر امیدوارم وقتی که به خواست خداوند شهید شدم و افتخار شهادت نصیبم گردید ناراحت نشوی و خوشحال باشی که جوانی را در راه اسلام و قرآن و ملت شهیدپرور فدا کردی.

پیامی که از شهیدان به ارث رسیده به شما ملت همیشه در صحنه می‌گویم ولی من کوچکتر از آن هستم که با شما سخن بگویم شهیدان ما گفتند ای ملت عزیز مگذارید که جبهه‌ها خالی باشد و ندای «هل من ناصر ینصرنی[5]» حسین زمان را لبیک گویید[6] و قدر امام عزیز را بدانید و در هر نیمه‌شب که بیدار هستید امام را دعا کنید و از خداوند بخواهید

---

1. در اصل وصیت «بندای».
2. در اصل وصیت «هست».
3. ر.ک. تعلیقات.
4. در اصل وصیت «وظیفه‌ای که».
5. ر.ک. تعلیقات.
6. در اصل وصیت «گوید».

که عمر امام را زیاد گرداند و انقلابش را به انقلاب حضرت مهدی امام زمان (عـج) متـصل گرداند و سفارش همیشگی فراموش نشود.

خدایا خدایا ترا به جان مهدی خمینی را نگهدار

والسلام علیکم و رحمةالله و برکاته ـ یحیی میرزاپور

بسم ا...الرحمن الرحیم

من المؤمنین رجال صدقوا ماعاهدوا ا... علیه فمنهم من قضی نحبه
و منهم من ینتظر و ما بدلوا تبدیلا

باعرض احترام و درود و سلام بر پیشگاه مقدس منجی انسانها ولی عصر امام زمان (عج) و درود و سلام به پیشگاه نایب برحقش کوبنده ستمگران و یاور مستضعفان جهان و یگانه رهبر بزرگ عالیقدر ملت ایران حضرت نایب الامام روح الله موسوی خمینی و درود و سلام خدمت مردم شهیدپرور و شهیدان اسلام از کربلای حسین (ع) تا کربلای ایران و بعد از عرض احترام مشخصات خودم که فرزندی از اسلام هستم به عرض شما می‌رسانم اینجا نبریجی دیزاپور دارای شماره شناسنامه ۸۴۳۳ متولد دامغان در خانواده‌ای محروم رشد نموده تا به این سن و سال رسیدم و متوجه شدم که باید دین خود را نسبت به انقلاب ادا نمایم و تنها راه رفتن به سپاه بود حال که به این آرزوی دیرینه خود رسیدم باز خیالم راحت نیست و نمی‌توانم روی پای خود ایستاده و بفهمم که برادران و پدران من در جبهه میجنگند و شهید می‌شوند و من در این حال باقی بمانم که فرصت پیش آمد و قسمت بود که امام عزیز فریاد هل من ناصر ینصرنی را بلند کرد و با شنیدن این فریاد امام نتوانستم طاقت بیاورم و کوشیدم تا خودم را به جبهه برسانم و بار اول که در جبهه غرب بودم و حال در جبهه جنوب در حال خدمت به اسلام و امام و قرآن و ملت شهیدپرور ایران هستم و سخنی با مادر عزیز و مهربانم که ای مادر در اولین سخن با تو باید بگویم که مادر مرا حلال کن و این فرزند ناخلف خود رضا باش چون مادر قدر تو را نداسته و تو را میسپارم به امام زمان ناراحت نباش مادر میدانم که تو تمام وقت گرانقدر خود را برای جفا خانه و به ثمر رسیدن من صرف کردی و تمام عمرت را برای فرزندی که احترام تو را نداشت فدا کردی می‌دانم که ناراحت نمی‌شدی و خیلی بردبار و صبور هستی آنطور که من فکر میکنم و انتظار دارم از تو مادرم که هیچ ناراحتی بر خودت راه ندهی که با ناراحت شدن تو دشمن خوشحال میشود چون مادرم راه من راهی است که برای اسلام و قرآن و برای نگاه داشتن خاک عزیز اسلامی است و از همه مهمتر آنستکه من بنده‌ای حسین زمان لبیک گفته تا اگر مورد بخشش خداوند قرار گرفتم بتوانم با قطره خون خود که در بدن دارم بتوانم بار یختن آن راه شهیدان را ادامه داده و درخت قوی اسلام را آبیاری کرده باشم مادرم درست هست

که مادرم هستی ولی در اصل به گفته امید امام آیت‌الله منتظری که فرمود پدران و مادران خیال نکنید که فرزندان برای شما هستند این جوانان فرزندان اسلام و قرآنند و پدران و مادران وظیفه‌ای که دارند که آنها را پرورش داده و تحویل اسلام و انقلاب بدهند سخنی با تو ای برادر، امیدوارم همانطور که در خط اسلام هستی باشی و برای این ملت شهید پرور و مستضعف بکوشید تا خدا پاداشت شما را بدهد و ای مادر امیدوارم وقتی که بخواست خداوند شهید شدم و افتخار شهادت نصیبم گردید ناراحت نشوی و خوشحال باشی که جوانی را در راه اسلام و قرآن و ملت شهید پرور فدا کردی پیامی که از شهیدان به ارث رسیده به شما ملت همیشه در صحنه، می گویم ولی من کوچکتر از آن هستم که با شما سخن بگویم شهیدان ما گفتند ای ملت عزیز مگذارید که جبهه‌ها خالی باشد و ندای هل من ناصر ینصرنی حسین زمان را لبیک گویید و قدر امام عزیز را بدانید و در هر نیمه شب که بیدار هستید امام را دعا کنید و از خداوند بخواهید که عمر امام را زیاد گرداند و انقلابش را به انقلاب حضرت مهدی امام زمان متصل گرداند و سفارش همیشگی فراموش نشود

خدایا خدایا تو را بجان مهدی خمینی را نگهدار

و السلام علیکم و رحمة‌الله و برکاته

یحیی میرزاپور



نام: **عباس**
نام خانوادگی: **میرزامجنی**
نام پدر: **رمضان**
نام مادر: **فاطمه**
تاریخ تولد: **پنجم اردیبهشت ۱۳۲۵**
محل تولد: **روستای مجن از توابع شهرستان شاهرود**
تحصیلات: **دیپلم**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **بیست‌ویکم بهمن ۱۳۶۴**
محل شهادت: **فاو عراق**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش**
مزار: **گلزار شهدای زادگاهش**

عبارت‌های کلیدی

- شُکر سپاس خدای را که پس از چندین قرن توانستیم اسلحه به زمین افتاده شهیدان را برداشته و ندای امام حسین(علیه‌السلام) را لبیک [گوییم] و جزو اصحاب آن حضرت باشیم.
- بدانید که حیات دنیا هیچ ارزشی ندارد واصل و مهم، حیات جاوید اخروی است.
- مادرم: کوه باش و چون کوه صبر و استقامت کن.
- لحظه‌ای از نام و یاد خدا غافل مباش؛ در راه دین بکوش، که هرچه بکوشی کم است.
- خواهرانم حجاب خودتان را حفظ کنید و یاد خدا را فراموش نکنید.
- برادرم راه خدا بهترین و برترین راه‌هاست. پوینده کوشنده در این راه باش.
- زندگی یک کلاس درس بیش نیست که انسان باید دیر یا زود امتحان پس بدهد.
- فرزندانم را خوب تربیت کنید و آنها را با راه خدا و اسلام و از کوچکی با قرآن آشنا کنید و آنها را حسین‌وار و زینب‌گونه تربیت کنید.

عباس میرزامجنی

بسم الله الرحمن الرحیم

«همانا خدا خرید از مؤمنان جان‌ها و مال‌های ایشان را که برای ایشان است بهشت، جنگ کنند در راه خدا پس بکشند و کشته شوند.»[1]

با درود و سلام بر منجی عالم بشریت، امام زمان (عج) و سلام و درود بر نایب[2] بر حق امام زمان، مرجع عالم تشیع، پیر جماران، خمینی کبیر [و] سلام و درود فراوان بر شهدای کربلا و سالار شهیدان، حسین ابن علی (علیه‌السلام) که با خون خودشان درخت اسلام را آبیاری و به دست ما سپردند، و سلام و درود بر شهیدان راه حق و حقیقت کربلای ایران، [و] درود و سلام بر جانبازان خطه توحید و سلام و درود بر خانواده‌های معظم شهیدان و مفقودین و اسیران، [و] درود و سلام بر رزمندگان اسلام. سلام به پیشگاه خداوندشان که بر من منت گذاشت بنا به مسئولیت و وظیفه شرعی و اسلامی که بر دوشم است توفیق حاصل نمود که برای چندمین بار به جبهه‌های نور علیه ظلمت برای نصرت دین خدا عازم شوم خدایا بپذیر[3] این قدم‌های کوچک ما را. شُکر سپاس خدای را که پس [از] چندین[4] قرن توانستیم اسلحه به زمین افتاده [شهیدان را برداشته][5] و ندای امام حسین(علیه‌السلام) را لبیک [گوییم] و جزو[6] اصحاب آن حضرت باشیم و [از][7] دین خدا دفاع کنیم.

پدر و مادر عزیزم چگونه من می‌توانستم مشاهده کنم که هر روز عده‌ای از بهترین جوانان کشته شوند و من به کارهای روزمره مشغول باشم. می‌دانم که از دست دادن من شاید سنگین باشد ولی غم از دست دادن حسین (علیه‌السلام) برای فاطمه زهرا(علیهاالسلام) سنگین

---

1. «ان الله اشتری من المؤمنین انفسهم و اموالهم بأن لهم‌الجنة یقاتلون فی سبیل الله فیقتلون و یقتلون» (توبه/ ۱۱۱).
2. در اصل وصیت «نائب».
3. در اصل وصیت «خدای به پذیر».
4. در اصل وصیت «پس چندین».
5. در اصل وصیت «افتاده و ندای».
6. در اصل وصیت «لبیکً جزء».
7. در اصل وصیت «برای».

نبود؟ مگر آنها نبودند که کشته شدند تا دین اسلام پاینده[1] باشد. بدانید که حیات دنیا هیچ ارزشی ندارد واصل و مهم، حیات جاوید اخروی است.

مادرم: کوه باش و چون کوه صبر و استقامت کن؛ لحظه‌ای از نام و یاد خدا غافل مباش؛ در راه دین بکوش، که هرچه بکوشی کم است و با این صبر و استقامت پوزه دشمن زبون را به خاک مذلّت بمال.

برای من گریه نکنید که دشمن خوشحال شود. هر وقت که به یاد من افتادید بر مظلومیت[2] حسین ابن علی(علیه‌السلام) و فاطمه زهرا(علیهاالسلام) گریه کنید. خواهرانم حجاب خودتان را حفظ کنید و یاد خدا را فراموش نکنید و با حجاب خودتان مشت محکمی به دهان منافقان بزنید.

برادرم: راه خدا بهترین و برترین راه‌هاست. پوینده کوشنده در این راه باش. همسرم امیدوارم که در طول این چند سال زندگی که با هم بودیم اگر در مواردی تندی یا ضعفی بود که من اعتراف می‌کنم که ضعف داشتم من را ببخش و حلالیت می‌طلبم و ان شاءالله که خداوند از تو راضی باشد چون من از شما همسر عزیزم راضی هستم. همسرم زندگی یک کلاس درس بیش نیست که انسان باید دیر یا زود امتحان پس بدهد و اگر من داوطلب به جبهه برای حق و اسلام عازم شدم، شاید موقع امتحانم فرا رسیده باشد.

و وصیت دیگر من همسرم اینست که [از] فرزندانم را خوب[3] تربیت کنید و آنها را با راه خدا و اسلام و از کوچکی با قرآن آشنا کنید و آنها را حسین‌وار و زینب‌گونه تربیت کنید.

در پایان من از همگی شما حلالیت می‌طلبم و شما را دعوت به رهبری پیامبرگونه امام عزیز و فرامین و دستورهای دینی او می‌کنم[4]. امام را فراموش نکنید. خدایا خدایا تا انقلاب مهدی خمینی را نگهدار.

---

1. در اصل وصیت «پایندت».
2. در اصل وصیت «مظلمویت».
3. در اصل وصیت «فرزندانم خوب».
4. در اصل وصیت «دینی امام را».

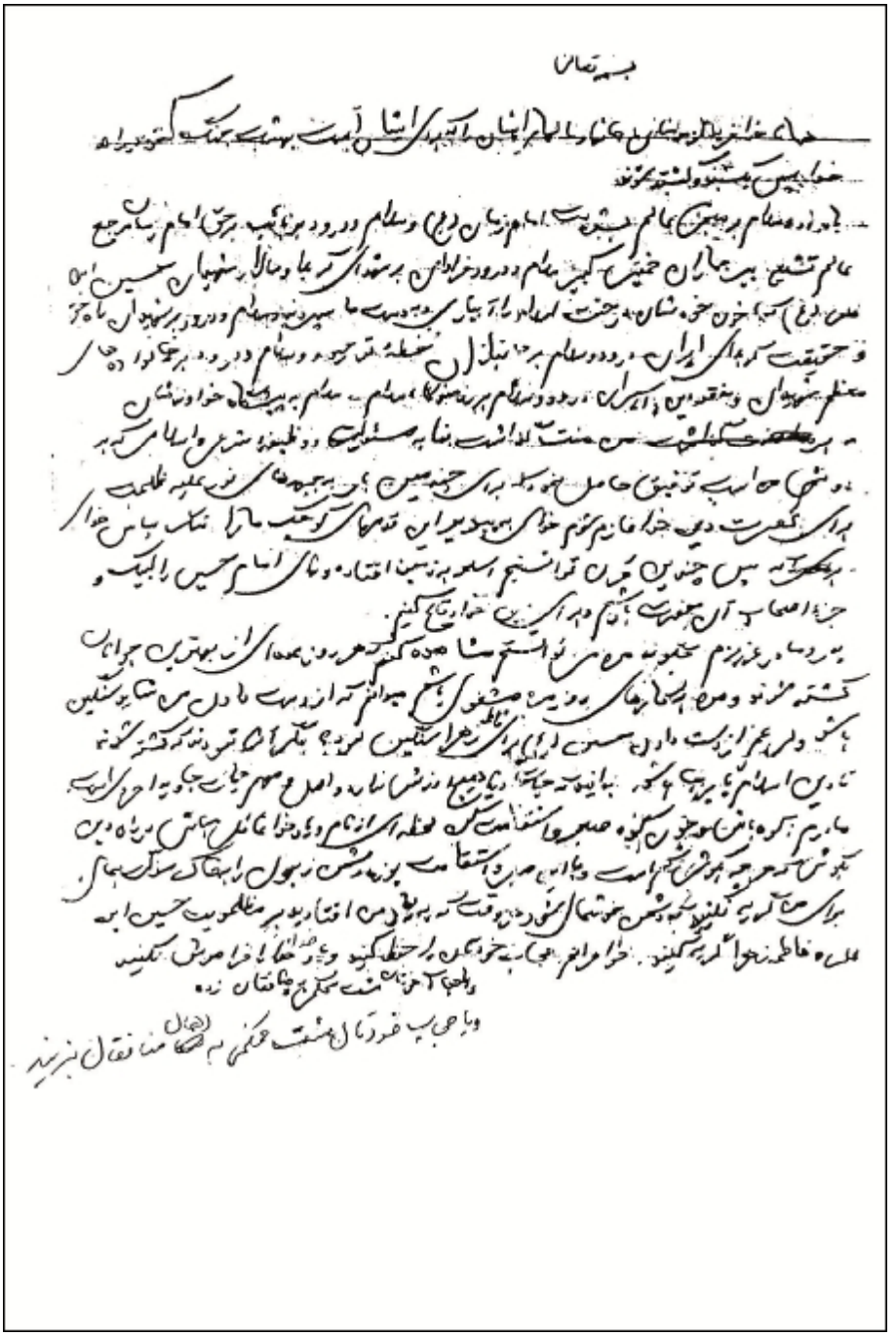
بسمه‌تعالی

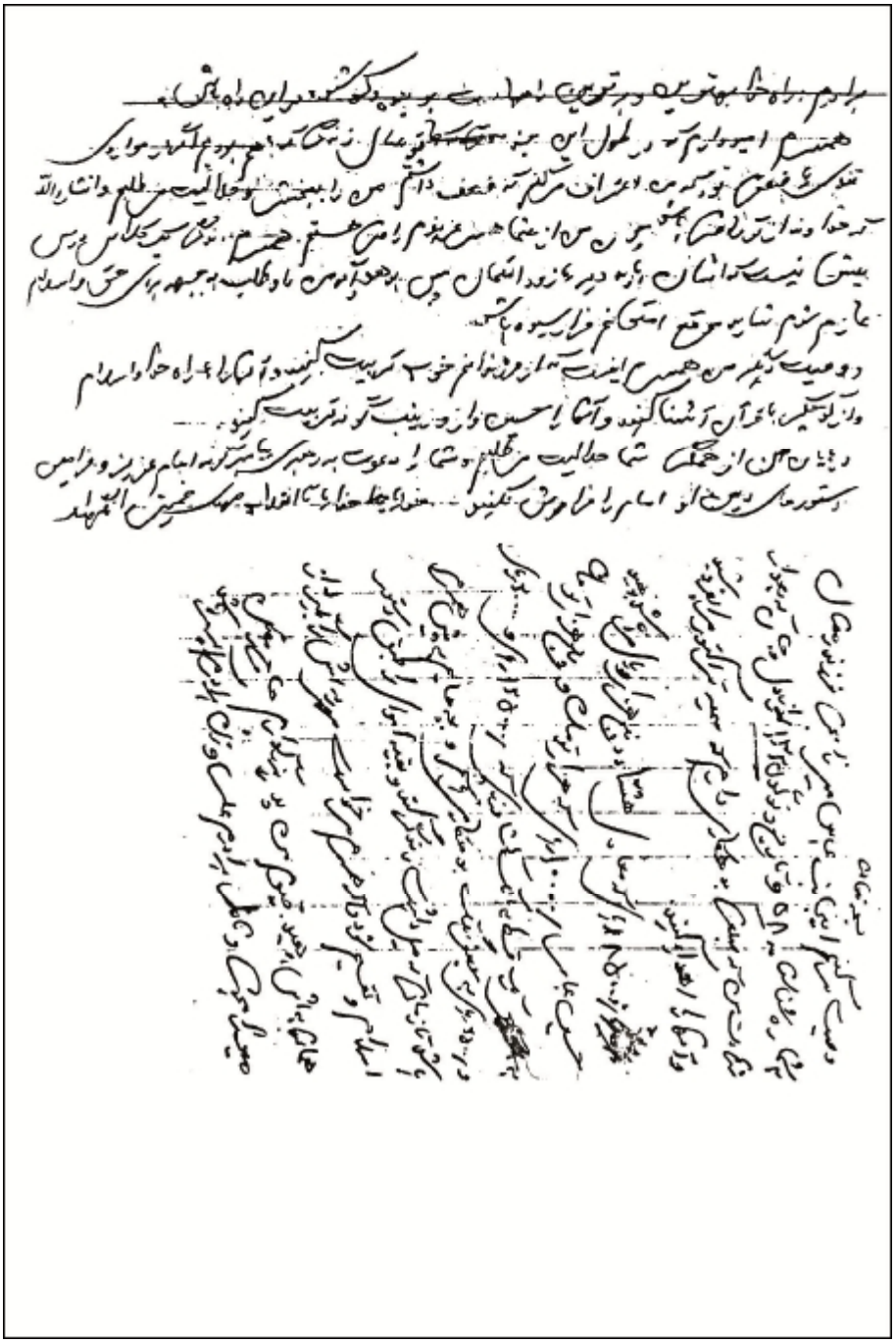
وصیت می‌کنم اینجانب عباس میرزامجنی فرزند رمضان به شماره شناسنامه ۵۸ و تاریخ تولّد ۱۳۲۵ (از دل و جان) که بعد از شهادت من که مبلغی بدهکاری دارم که سهمیه تراکتور مرا بفروشید و آنها را اهداء کنید.

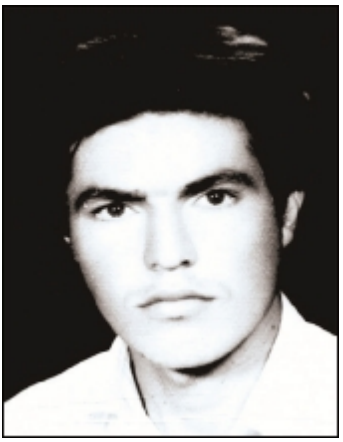
۸۵۰۰۰ ریال که معادل هشتاد و پنج هزار ریال می‌باشد بدهید [به] حسین عباسی.

۱۰۰۰۰ ریال که هزار تومان و پنج هزار تومان به یک قسط بانک کشاورزی که ۱۲۵۰۰۰ ریال و ۲۰۰۰۰ ریال و ۲۵۰۰ ریال به جعفر [...][1] بدهکار می‌باشم و بچه‌هایم به پیش همسرم باشند[2] تا زمانی که میل داشت زندگی کند و بقیه اموال را طبق دستور اسلام [و] تقسیم شود و اگر همسرم می‌خواست مهریه‌اش را بگیرد، از همان‌ها بهش[3] بدهید. قیم[4] من پدر بزرگوارم حاج رمضان میرزا مجنی و ناظر برادرم علی و زنِ برادرم اکبر می‌باشد.

1. خوانا نیست.
2. در اصل وصیت «باشد».
3. در اصل وصیت «به‌اش».
4. در اصل وصیت «قیوم».







نام: **رضا**
نام خانوادگی: **میرزایی**
نام پدر: **حسین**
نام مادر: **ماهرخ**
تاریخ تولد: **یکم فروردین ۱۳۴۰**
محل تولد: **روستای ابراهیم‌آباد از توابع شهرستان میامی**
تحصیلات: **پایان دوره ابتدایی**
ارگان اعزام‌کننده: **سپاه پاسداران**
تاریخ شهادت: **ششم مرداد ۱۳۶۷**
محل شهادت: **اسلام‌آباد غرب**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش**
مزار: **گلزار شهدای زادگاهش**

عبارت‌های کلیدی

- همهٔ ما باید این راه رفتن از این دنیا را به پیماییم، پس چه بهتر که شهادت نصیبم شد.
- شهادت که فوز عظیم است آرزوی پیامبران و ائمه (علیهم‌السلام) بوده و فکر نکنید که هر کس به جبهه بیاید شهید می‌شود.
- هر کس که این وصیت‌نامه را می‌خواند و می‌شنود، بر او لازم می‌شود که هر چه گرفتاری دارد، خانه و زندگی را رها کند و به یاری رزمندگان اسلام بشتابد.
- چنانچه امروز برای دفاع برنخیزیم فردای قیامت جوابی نخواهیم داشت.
- خدایا امام عزیزمان را برای امّت شهیدپرور زنده بدار تا همچنان ما را به راه راست هدایت فرماید که جبهه اسلام صراط مستقیم است.
- برادران عزیزم، برخیزید و اسلحهٔ افتادهٔ مرا برگیرید و دشمنان را ذلیل‌تر و بیچاره‌تر کنید.
- خواهران عزیزم می‌خواهم که زینب‌وار پیام خون مرا به گوش مردمان بی‌تفاوت برسانید.

رضا میرزایی

بسم الله الرحمن الرحیم

«ولا تَحْسَبَنَّ الَّذینَ قُتِلوا فی سَبیل الله أمْواتاً بَلْ أحیاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ یرزَقون»[1] **«قرآن کریم».**
«گمان نکنید آنان که در راه خدا کشته می‌شوند، مرده‌اند، بلکه آنان زنده‌اند و در نزد پروردگار خود روزی می‌خورند».

با سلام به مولا و آقایمان امام زمان (عج) و با درود به امام عزیز خمینی بت‌شکن و با سلام به تمامی امّت حزب‌الله بخصوص خانواده‌های عزیز شهدا، اسرا و مفقودین و جانبازان انقلاب و با سلام بر رزمندگان جان بر کف سپاه توحید و سلام بر ارواح مطهر شهدای گرانقدر اسلام که با نثار پاک‌ترین خون‌هایشان درخت اسلام عزیز را آبیاری کردند و به همهٔ ما درس فداکاری و جانبازی آموختند، روحشان شاد که اکنون در ملکوت اعلی در نزد خداوند روسفید و شاد مانند؛ و سلام بر شما خانوادهٔ عزیزم، پدر عزیزم، مادر عزیزم، برادران عزیزم و خواهران عزیزم. صلوات و سلام خدا بر پیامبر اکرم (صلی‌الله علیه و آله و سلّم) که با محبت بی‌دریغش راه رستگاری را با قرآن کریم به ما نشان داد تا امروز در پرتو انوار هدایت این کتاب عظیم به سعادت واقعی که شهادت فی سبیل الله است برسیم.

پس از حمد و سپاس به درگاه خداوند متعال که توفیق آمدن به جبهه و ادای تکلیف را عطا فرمود به شما خانوادهٔ عزیزم که زحمت کشیدید و مرا با نان حلال و شیر پاک بزرگ کردید تا امروز برای شما باعث افتخار باشم، تشکر می‌کنم و عرض می‌نمایم که می‌دانید من برای شما امانتی بیش نبودم و همهٔ ما باید این راه رفتن از این دنیا را به پیماییم[2]، پس چه بهتر که شهادت نصیبم[3] شد که با سربلندی در فردای قیامت حاضر شوم بر این شهادت‌ها گریان نباشید. زیرا که اگر دانا باشیم و به آیات کریم قرآن یقین داشته باشیم،

---

1. آل عمران/ ۱۶۹.
2. در اصل وصیت «بپیمائیم».
3. در اصل وصیت «نصیبام».

می‌بینیم که این شهادت که فوز عظیم است آرزوی پیامبران و ائمه (علیهم‌السلام) بوده و فکر نکنید که هر کس به جبهه بیاید شهید می‌شود، باید قلب و روحت آنقدر پاک و خالص بشود که مورد رحمت خداوند قرار گیری ـ و من با سلامتی کامل عقل و جسم و روح خودم به اختیار به جبهه آمدم و افتخار می‌کنم که در تیپ ۱۲ حضرت قائم (عج) سرباز ایشان بودم و از قرآن و نوامیس و انقلاب به اندازهٔ وسعم دفاع کردم ـ و هر کس که این وصیت‌نامه را می‌خواند و می‌شنود، بر او لازم می‌شود که هر چه گرفتاری دارد، خانه و زندگی را رها کند و به یاری رزمندگان اسلام بشتابد و بدانید که اسلام و ایران اسلامی مظلوم است و مورد هجوم قرار گرفته و چنانچه امروز برای دفاع برنخیزیم فردای قیامت جوابی نخواهیم داشت ـ خدایا امام عزیزمان را برای امّت شهیدپرور زنده بدار تا همچنان ما را به راه راست هدایت فرماید که جبهه اسلام صراط مستقیم است.

و شما پدر و مادر عزیزم، برای حفظ اسلام همچنان با استقامت باشید و هر کجا مجلسی دارید از فداکاری امام حسین (علیه‌السلام) و یاران باوفایش صحبت کنید و بگویید[1] که فرزندم آخرین سفارشش[2] این بود که امام و جبهه را تنها نگذارید.

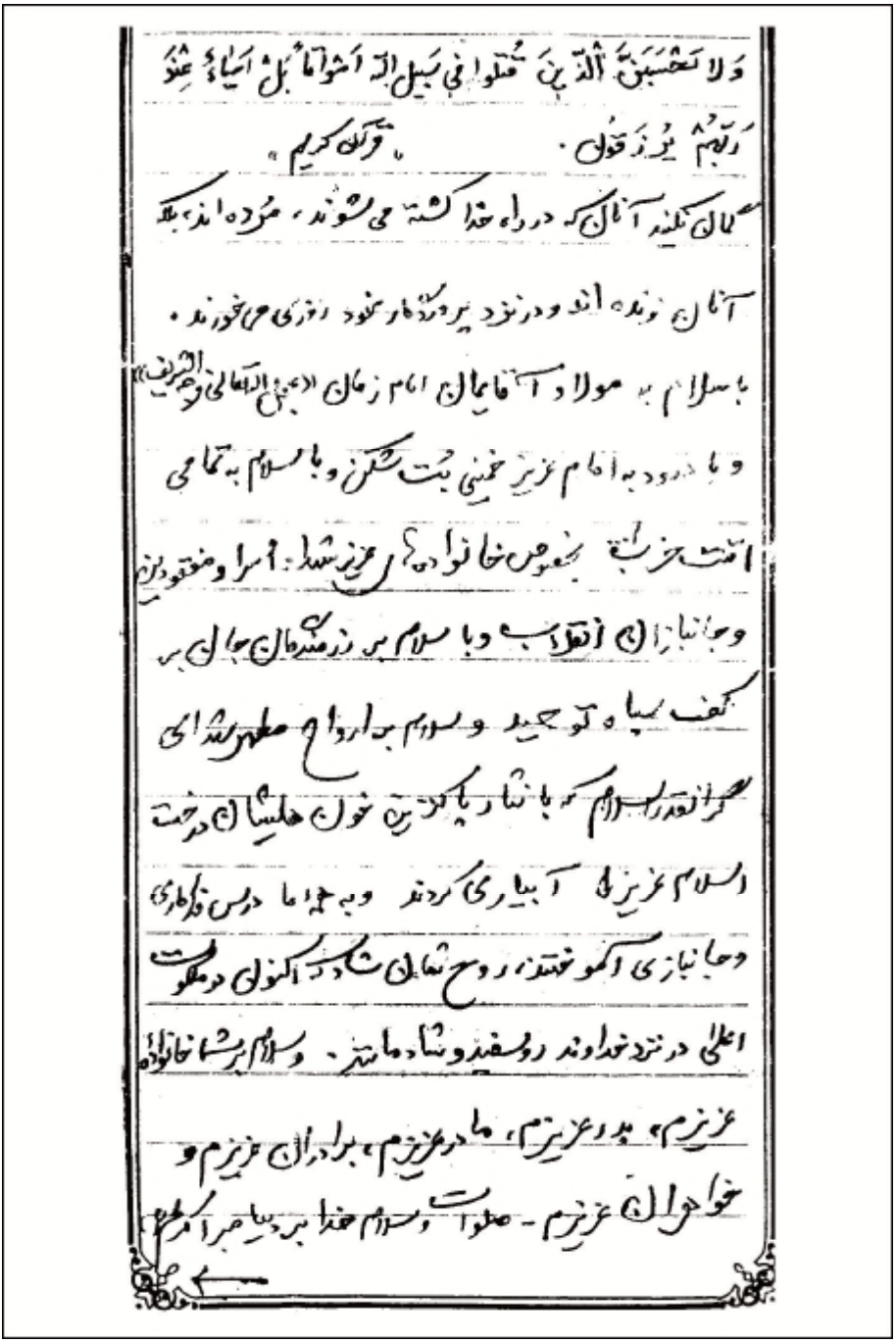
و شما برادران عزیزم، در غم از دست دادن برادرتان غصّه نخورید که دشمنان خوشحال شوند، برخیزید و اسلحهٔ افتادهٔ مرا برگیرید و دشمنان را ذلیل‌تر و بیچاره‌تر کنید و شما خواهران عزیزم می‌خواهم که زینب‌وار پیام خون مرا به گوش مردمان بی‌تفاوت برسانید و خود با حجابتان اسلام را بهتر معرفی نمایید[3]. در آخر سلام گرم مرا به تمام دوستانم، قومان و خویشان و همسایگانم[4] برسانید و از همه التماس دعا دارم و طلب عفو و بخشش ـ خدایا خدایا، تا انقلاب مهدی (عج) خمینی نگهدار

دوستدار همهٔ شما

رضا میرزایی

---

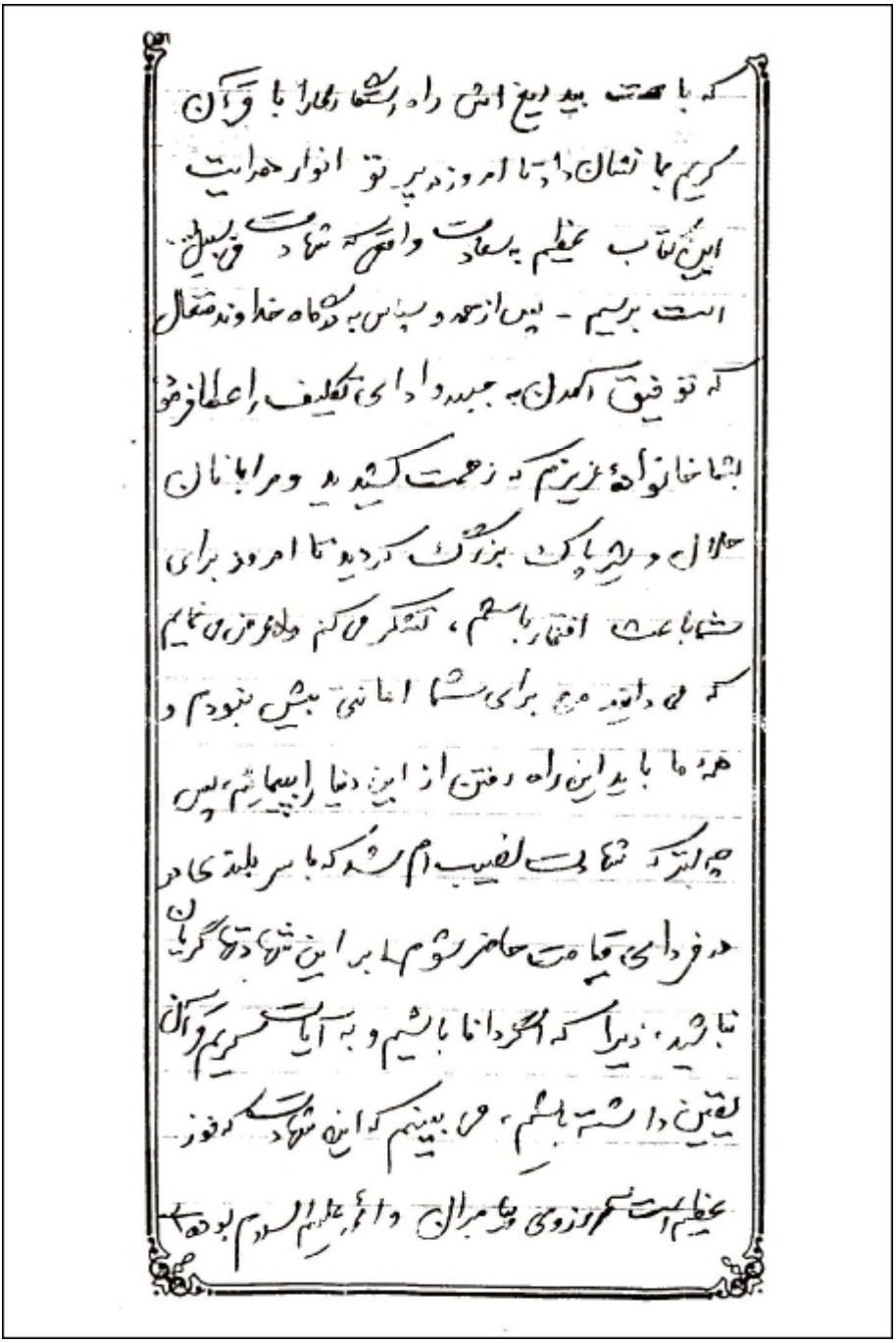
1. در اصل وصیت «بگوئید».
2. در اصل وصیت «سفارش‌اش».
3. در اصل وصیت «نمائید».
4. در اصل وصیت «همسادگانم».

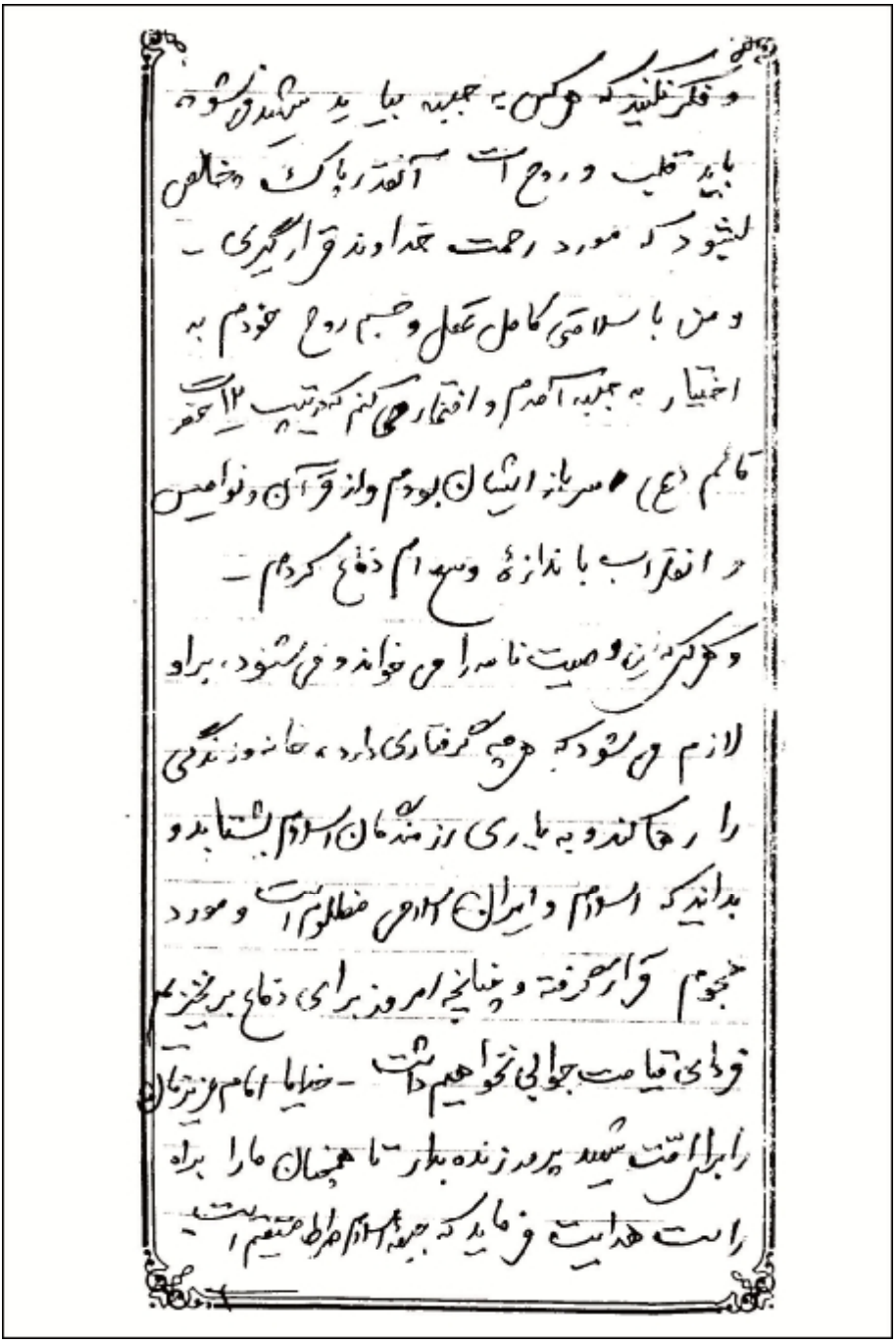


ولا تحسبن الذین قتلوا فی سبیل الله امواتا بل احیاء عند
ربهم یرزقون. قرآن کریم

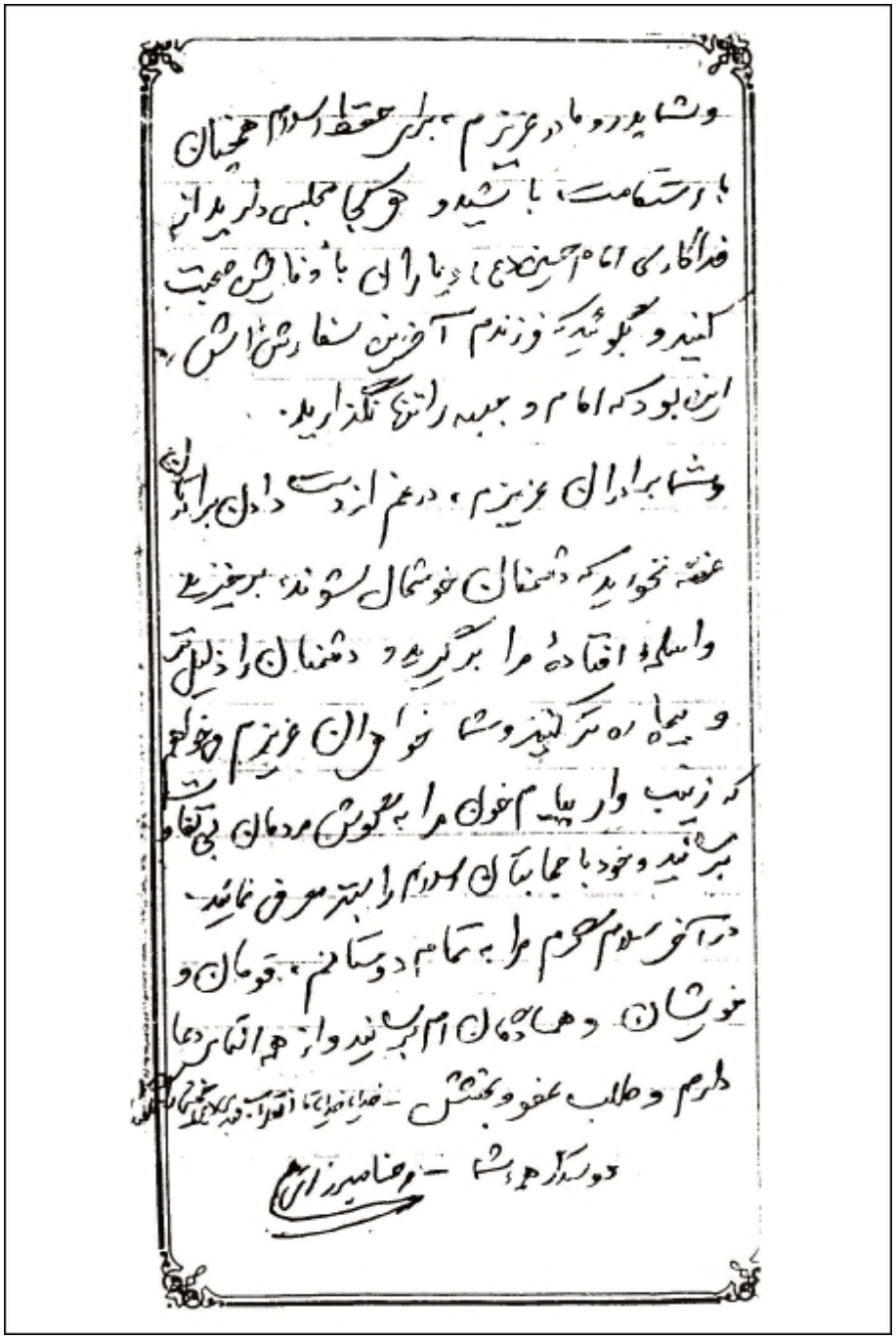
گمان نکنید آنان که در راه خدا کشته می شوند، مرده اند، بلکه
آنان زنده اند و در نزد پروردگار خود روزی می خورند.

با سلام به مولا و آقایمان امام زمان «عجل الله تعالی فرجه الشریف»
و با درود به امام عزیز خمینی بت شکن و با سلام به تمامی
امت حزب الله بخصوص خانواده های عزیز شهدا. اسرا و مفقودین
و جانبازان انقلاب و با سلام بر رزمندگان جوان بر
کف سپاه توحید و سلام به ارواح مطهر شهدای
گرانقدر اسلام که با ناب ترین خون هایشان درخت
اسلام عزیز را آبیاری کردند و به ما درس فداکاری
و جانبازی آموختند، روح تمامی شان شاد. اکنون در ملکوت
اعلی در نزد خداوند رو سفید و شاد ماشند. و سلام بر شما خانواده
عزیزم، پدر عزیزم، مادر عزیزم، برادران عزیزم و
خواهران عزیزم - صلوات و سلام خدا بر روح پاک مرحوم





و فکر نکنید که هرکس به جبهه بیاید شهید می‌شود
باید قلب و روح آنقدر پاک و خالص
باشد که مورد رحمت خداوند قرار گیرد.
و من با سلامتی کامل عقل و جسم روح خودم به
اختیار به جبهه آمدم و افتخار می‌کنم که در تیپ ۱۲ امام
قائم (عج) در سپاه ایشان بودم و از قرآن و نوامیس
و انقلاب با اندازهٔ وسعم دفاع کردم.
و هرکس این وصیت نامه را می‌خواند و می‌شنود، برادر
لازم می‌شود که هرچه بیشتر فداکاری کرده، خانه و زندگی
را رها کند و به یاری رزمندگان اسلام بشتابد و
بداند که اسلام و ایران امام مظلوم است و مورد
هجوم قرار گرفته و چنانچه امروز برای دفاع برنخیزیم
فردای قیامت جوابی نخواهیم داشت. خدایا امام عزیزمان
را برای امت شهید پرور زنده بدار تا همچنان ما را براه
راست هدایت فرماید که جبهه اسلام صراط مستقیم است.





نام: **غلامرضا**
نام خانوادگی: **میرزایی**
نام پدر: **اسماعیل**
نام مادر: **طاهره**
تاریخ تولد: **بیستم مرداد ۱۳۵۰**
محل تولد: **شهرستان تهران**
تحصیلات: **پایان اول راهنمایی**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **بیست و هشتم دی ۱۳۶۶**
محل شهادت: **ماووت عراق**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش**
مزار: **گلزار شهدای روستای ده‌ملا از توابع شهرستان شاهرود**

عبارت‌های کلیدی

- از شما می‌خواهم همواره در خط اسلام و ولایت فقیه بمانید و از حمایت امام امت دست برندارید.
- خون من که در مقابل خون علی‌اکبر و علی‌اصغرهای امام حسین(علیه‌السلام) که بخاطر حفظ اسلام ریخته شد بسیار ناچیز است.
- پدر عزیز از اینکه فرزندت در راه اسلام شهید شد خوشحال باش امیدواریم که از من راضی باشی امیدوارم که همیشه دعاگوی امام امت و رزمندگان اسلام باشید.
- توصیهٔ من به تو برادرم این است که به نماز اهمیت زیادی بدهی.
- از شما امت ایثارگر و همیشه در صحنه می‌خواهم که وحدت و انسجام خود را حفظ کنید.

غلامرضا میرزایی

بسم الله الرحمن الرحیم

«و لاتحسبن الذین قتلوا فی سبیل‌الله امواتاً بل احیاءٌ عند ربهم یرزقون»[1]

«هرگز مپندارید کسانی که در راه خدا کشته شده‌اند مرده هستند بلکه زنده هستند و نزد پروردگارشان روزی می‌خورند». (قرآن کریم)

با سلام و درود به محضر مبارک امام زمان (عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف) و نایب بر حقش امام خمینی رهبر مستضعفین جهان و سلام به ارواح طیبه شهدا از صدر اسلام تا انقلاب اسلامی و شهدای جنگ تحمیلی. شما امت حزب‌الله و شهیدپرور را دعوت به صبر و پایداری در مقابل مشکلات می‌کنم و از شما می‌خواهم همواره در خط اسلام و ولایت فقیه بمانید و از حمایت امام امت دست برندارید.

مادر گرامی و مهربان امیدوارم که شیرت را بر من حلال کنی و اگر تو را اذیت و ناراحت کردم مرا ببخشی و از تو می‌خواهم که صبور و شکیبا باشی و در شهادت من زیاد بی‌تابی نکنی آخر خون من که در مقابل خون علی‌اکبر[2] (علیه‌السلام) و علی‌اصغرهای[3] امام حسین(علیه‌السلام) که بخاطر حفظ اسلام ریخته شد بسیار ناچیز است. پدر عزیز از اینکه فرزندت در راه اسلام شهید شد، خوشحال باش. امیدواریم که از من راضی باشی امیدوارم که همیشه دعاگوی امام امت و رزمندگان اسلام باشید. از خواهران خودم می‌خواهم که زینت‌وار زندگی کنند و با حجاب خود و توصیهٔ این واجب الهی به دیگر خواهران مسلمان از خون شهدا حفاظت کنند.

و توصیهٔ من به تو برادرم این است که به نماز اهمیت زیادی بدهی و درسهایت را خوب بخوانی و اسلحه بر زمین افتادهٔ مرا برگیری و از سنگر اسلام دفاع کنی.

و از شما امت ایثارگر و همیشه در صحنه می‌خواهم که وحدت و انسجام خود را حفظ کنید و جنگ را سرلوحهٔ تمام کارهای خود قرار دهید و از تمام دوستان و آشنایان حلالیت

---

1. آل‌عمران/ ۱۶۹.
2. ر. ک. به تعلیقات.
3. ر. ک. به تعلیقات.

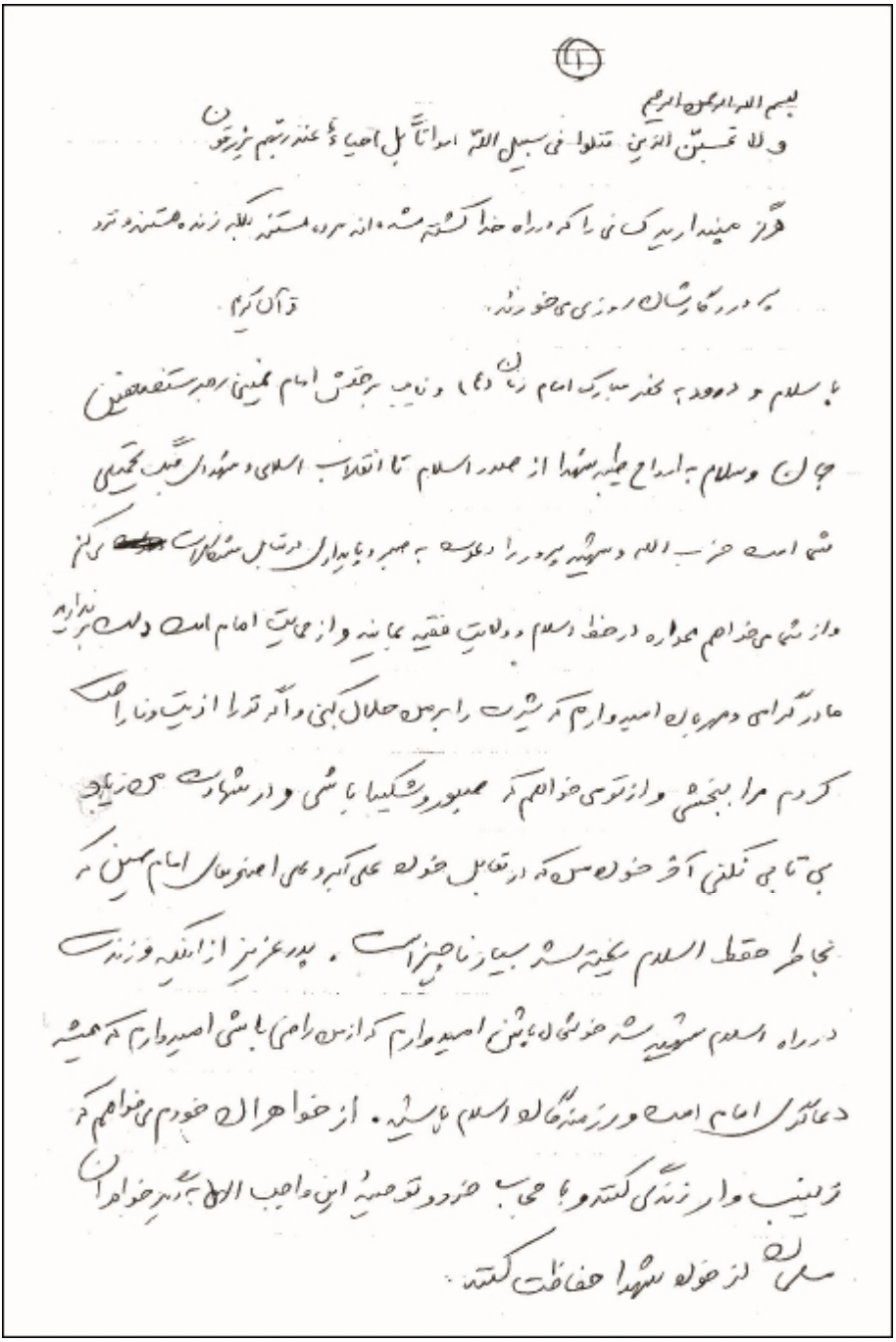
می‌طلبم. در ضمن از پدر گرامی‌ام[1] تقاضا دارم مبلغ ۱۰۰۰ تومان بابت رد مظالم به حساب ۱۰۰ امام واریز کنند و همچنین ۲ سال نماز و روزه (احتیاطاً ممکن است بجا نیاورده باشم) از طرف من آن‌را به جا آورید. پدر جان موتور مرا بفروش و پول آنرا در هر راهی که صلاح می‌دانی خرج کن. در ضمن در صورت امکان بدن مرا در مزار «دهملا» کنار قبور شهدا به خاک بسپارید. والسلام

خدایا خدایا تا انقلاب مهدی خمینی را نگهدار.

جنگ جنگ تا پیروزی

غلامرضا رضایی

1. در اصل وصیت «گرامیم».



بسم الله الرحمن الرحیم

و لا تحسبن الذین قتلوا فی سبیل الله امواتاً بل احیاء عند ربهم یرزقون

هرگز مپندارید کسانی را که در راه خدا کشته شده‌اند مرده هستند بلکه زنده هستند و نزد

پروردگارشان روزی می‌خورند. قرآن کریم

با سلام و درود به خدمت مبارک امام زمان (ع) و نایب برحقش امام خمینی رهبر مستضعفین

جهان و سلام به ارواح طیبه شهدا از صدر اسلام تا انقلاب اسلامی و شهدای گمنام

می‌آید خدمت حزب‌الله و شهید پرور را دعوت به صبر و پایداری در قبال مشکلات [illegible] می‌کنم

و از شما می‌خواهم همواره در حفظ اسلام و ولایت فقیه بکوشید و از حمایت امام امت دریغ نورزید

مادر گرامی و همسر عزیزم امیدوارم که شیرت را بر من حلال کنی و اگر قدری از زحمات را

کردم مرا ببخشی و از تو می‌خواهم که صبور و شکیبا باشی و در شهادت من زیاد

بی‌تابی نکنی آخر خواهرانی که در قبال خواهر علی‌اکبر و علی اصغر های امام حسین که

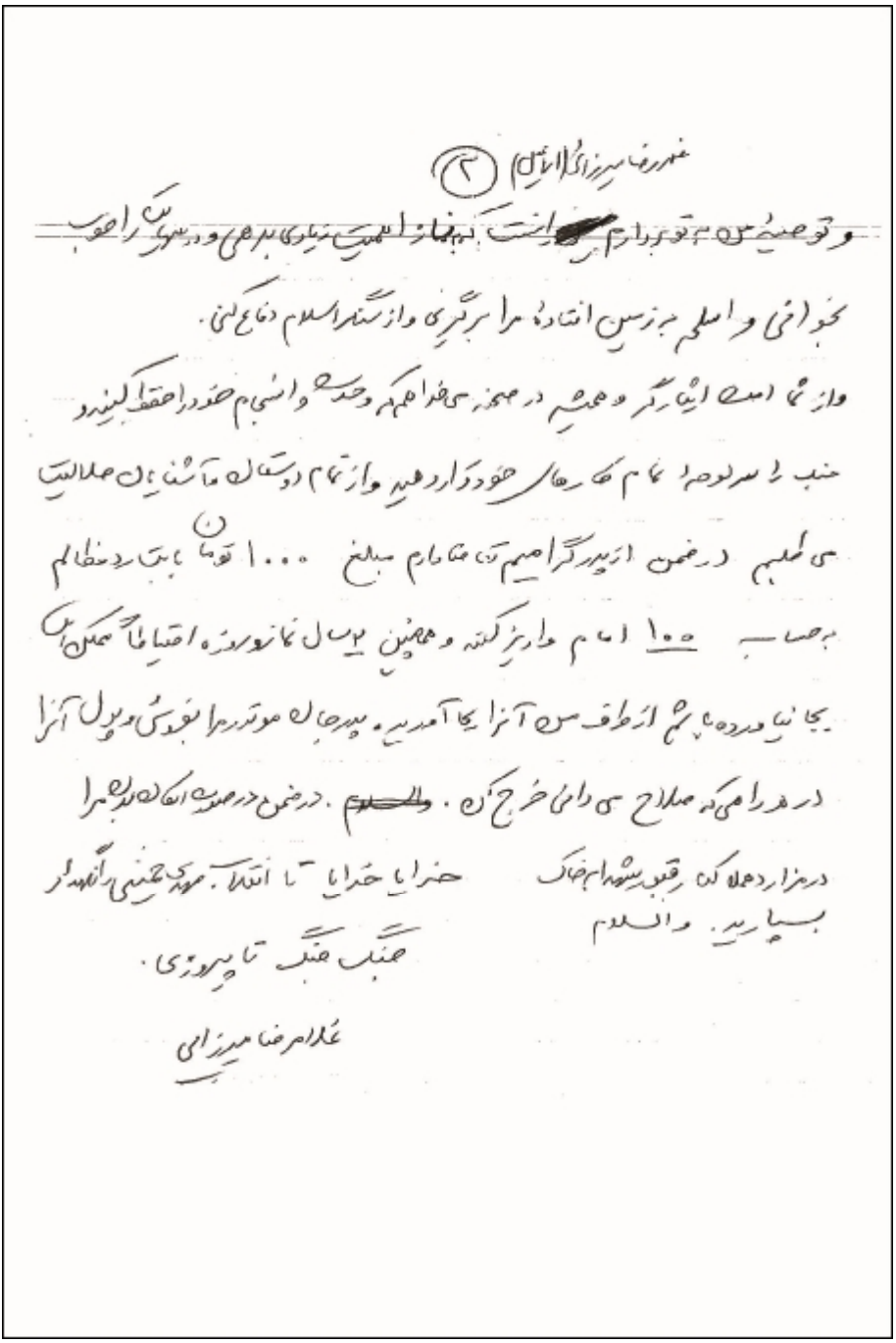
مجاهد حفظ اسلام بکنید بسیار ناچیز است. پدر عزیز از اینکه فرزندت

در راه اسلام شهید شد خوشحال باش امیدوارم که از من راضی باشی امیدوارم که همیشه

دعاگوی امام امت و رزمندگان اسلام باشید. از خواهران خودم می‌خواهم که

زینب وار زندگی کنند و با حجاب خود و توصیه این واجب الهی را به دیگر خواهران

مسلمان از خواهر شهدا حفاظت کنند.



غلامرضا میرزائی (۲)

و توصیه می‌نمودم [illegible] را احترام بجا آورید و در سوگ من [illegible]

نجوانی و اصلی به زمین افتاده مرا برگیرید و از گنداب اسلام دفاع کنید.

و از شما امید ایثارگر و همیشه در صحنه‌ی خدا که وحدت و انسجام حوزه را حفظ کنید و

جنب ولی‌فقیه امام که رهبری خود را در هیچ و از تمام دوستان ما تشکر و سپاسگزاری

می‌کنیم. در ضمن از پدر گرامیم تقاضای مبلغ ۱۰۰۰ تومان بابت رد مظالم

به حساب ۱۰۰ امام واریز کنند و همچنین پرسال نماز روزه احتیاط ما ممکن این

بجا نیاورده‌ایم از طرف من آنرا بجا آورید. پدر جان موتور را بفروش و پول آنرا

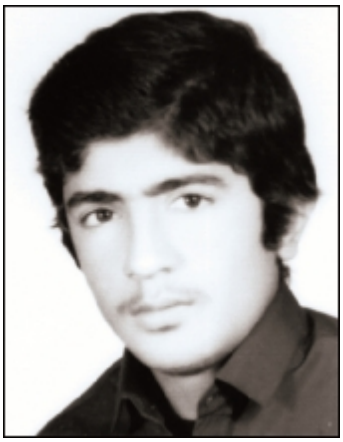
در هر راهی که صلاح می‌دانی خرج کن. والسلام. در ضمن در صورت امکان مرا

در مزار دهلاکن قبور شهدا خاک بسپارید. والسلام

خدایا خدایا تا انقلاب مهدی خمینی را نگهدار

جنگ جنگ تا پیروزی.

غلامرضا میرزائی



نام: **ابوالفضل**
نام خانوادگی: **میرعماد**
نام پدر: **سیدمهدی**
نام مادر: **سیده فاطمه**
تاریخ تولد: **بیست و یکم مرداد ۱۳۴۵**
محل تولد: **روستای آستانه از توابع شهرستان دامغان**
تحصیلات: **چهارم متوسطه**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **دهم فروردین ۱۳۶۴**
محل شهادت: **مهران**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش**
مزار: **گلزار شهدای زادگاهش**

عبارت‌های کلیدی

- گویا زمانی رسیده که به مطلوب خود بپیوندیم، گویا زمانی رسیده که خداوند، خالق جهان ما را فرا می‌خواند.
- گویا زمانی رسیده که دل از دنیا کنده و بال کشیدن به سوی لقائش را می‌بینم.
- این چه شورش است که در دل‌ها ایجاد شده که همه از جان‌ها گذشته و جان را به جان آفرین می‌سپارند.
- دنیا محل گذر است چه خوش است این رفتن در راه خدا و به‌خاطر خالق یکتا باشد.
- وصیت من به برادرانم این است که اسلحهٔ مرا بدست گرفته و نگذارید جای من خالی بماند.
- وصیتم به خواهران حزب‌الهی‌ام این است که حجاب خود را حفظ کنید زیرا آن به بهای خون شهدا بدست آمده.
- اگر شهید شدم به من شهید ناکام نگویید زیرا بهترین کام شهادت است.
- وصیتم به امت حزب‌الله و همیشه در صحنه این است که در نمازهای جمعه و جماعات هر چه باشکوه‌تر شرکت کنید.

سیدابوالفضل میرعماد

بسم الله الرحمن الرحیم

«اِنَّ اللهَ یحِبُّ الَّذینَ یقاتِلُونَ فی سَبیلِهِ صَفًّا کاَنَّهُم بُنیانٌ مَرْصُوص»[1].

«به درستی که خداوند دوست دارد کسانی را[2] که در صف‌های آهنین و به هم[3] پیوسته در راه او (خدا) با دشمنان به نبرد برمی‌خیزند.»

به نام الله پاسدار حرمت خون شهیدان

با درود و سلام به پیشگاه آقا امام زمان (عج) و نایب[4] بر حقش امام خمینی و شهدای جنگ تحمیلی و پدر و مادرهایی که دل از فرزندان (عزیزان) خود کنده و آنها را روانه کربلاهای ایران و میدانهای نبرد با خصم دون و ابرقدرتهای شرقی و غربی کرده و می‌کنند.

گویا زمانی رسیده که به مطلوب خود بپیوندیم، گویا زمانی رسیده که خداوند، خالق جهان ما را فرا می‌خواند، گویا زمانی رسیده که دل از دنیا کنده و بال کشیدن به سوی لقائش را می‌بینم، از هر طرف ناله می‌آید، از هر گوشه‌ای صدای مناجات به گوش می‌رسد، گویا همه زمان حرکت را دریافته‌اند زمان پیوستن به امام حسین (علیه‌السلام) را، گویا می‌شنوید ندای «هل مِنْ ناصِرٍ»[5] حسین زمان، نایب[6] امام زمان، خمینی کبیر را، گویا زمان وداع است، این چه شورش است که در دل‌ها ایجاد شده که همه از جان‌ها گذشته و جان را به جان آفرین می‌سپارند. وصیت من به پدرم این است که پدرم صبر کن و صابر باشد که «خداوند با صابرین است»[7]. پدر جان خدا را شکر کن که خداوند عنایتی به تو کرده که پدر شهید باشی. امیدوارم که شما ای پدرم در نبود من هیچ گونه نگرانی نداشته باشید و برایم

---

1. صف/ ۴.
2. در اصل وصیت «کسانیرا».
3. در اصل وصیت «بهم».
4. در اصل وصیت «نائب».
5. ر.ک تعلیقات.
6. در اصل وصیت «نائب».
7. معنی سوره بقره آیه/ ۱۵۳ «ان الله مع الصابرین».

ناراحتی نکنید، زیرا ناراحتی و گریه شما دل دشمنان را شاد می‌کند. دنیا محل گذر است چه خوش است این رفتن در راه خدا و به‌خاطر خالق یکتا باشد. (وصیت من به مادرم اینست که تو ای مادر مهربانم که مرا از سن دو سالگی پرورش دادی و مرا در آغوش خود می‌گرفتی، تا اینکه به خاطر ما سلامتی خویش را از دست دادی، از تو می‌خواهم که مرا ببخشی. از اینکه نتوانستم در این دنیای[1] فانی برایتان کاری انجام دهم) و وصیت من به برادرانم این است که اسلحهٔ مرا بدست گرفته و نگذارید جای من خالی بماند، و آنچنان برزمید که لرزه بر جان دشمنان مخصوصاً صدامیان اندازید.

وصیتم به خواهران حزب‌الهی‌ام[2] این است که حجاب خود را حفظ کنید زیرا آن به بهای[3] خون شهدا بدست آمده و از همه شماها (خانواده‌ام) می‌خواهم اگر شهید شدم به من شهید ناکام نگویید[4] زیرا بهترین کام شهادت است و وصیتم به امت حزب‌الله و همیشه در صحنه این است که در نمازهای جمعه و جماعات هر چه باشکوه‌تر شرکت کنید و از همهٔ کسانی که باعث آزارشان شدم می‌خواهم که مرا ببخشند.

خداحافظ والسلام

سیدابوالفضل میرعماد ـ ۱۳۶۴/۱/۳

پنج روز، روزه دارم و چند نماز از شما می‌خواهم که پول بدهید تا برایم بگیرند[5] و یا از کسی بخواهید که برایم بگیرد[6].

---

1. در اصل وصیت «دنیا فانی».
2. در اصل وصیت «حزب الهیم».
3. در اصل وصیت «بهاء».
4. در اصل وصیت «نگوئید».
5. در اصل وصیت «بگیرید».
6. در اصل وصیت «بگیرند».

إنَّ اللهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًّا كَأَنَّهُمْ بُنْيَانٌ مَرْصُوصٌ

بدرستیکه خداوند دوست دارد کسانیرا که در صفهای آهنین و بهم پیوسته

در راه او (خدا) با دشمنان به نبرد برمی خیزند.

به نام الله پاسدار حرمت خون شهیدان

با درود و سلام به پیشگاه آقا امام زمان (عج) و نائب برحقش امام خمینی

و شهدای جنگ تحمیلی و پدر و مادرهایی که دل از فرزندان (عزیزان) خود کنده

و آنها را روانه کربلاهای ایران و میدانهای نبرد با خصم دون و ابرقدرتهای

شرقی و غربی کرده و می کنند

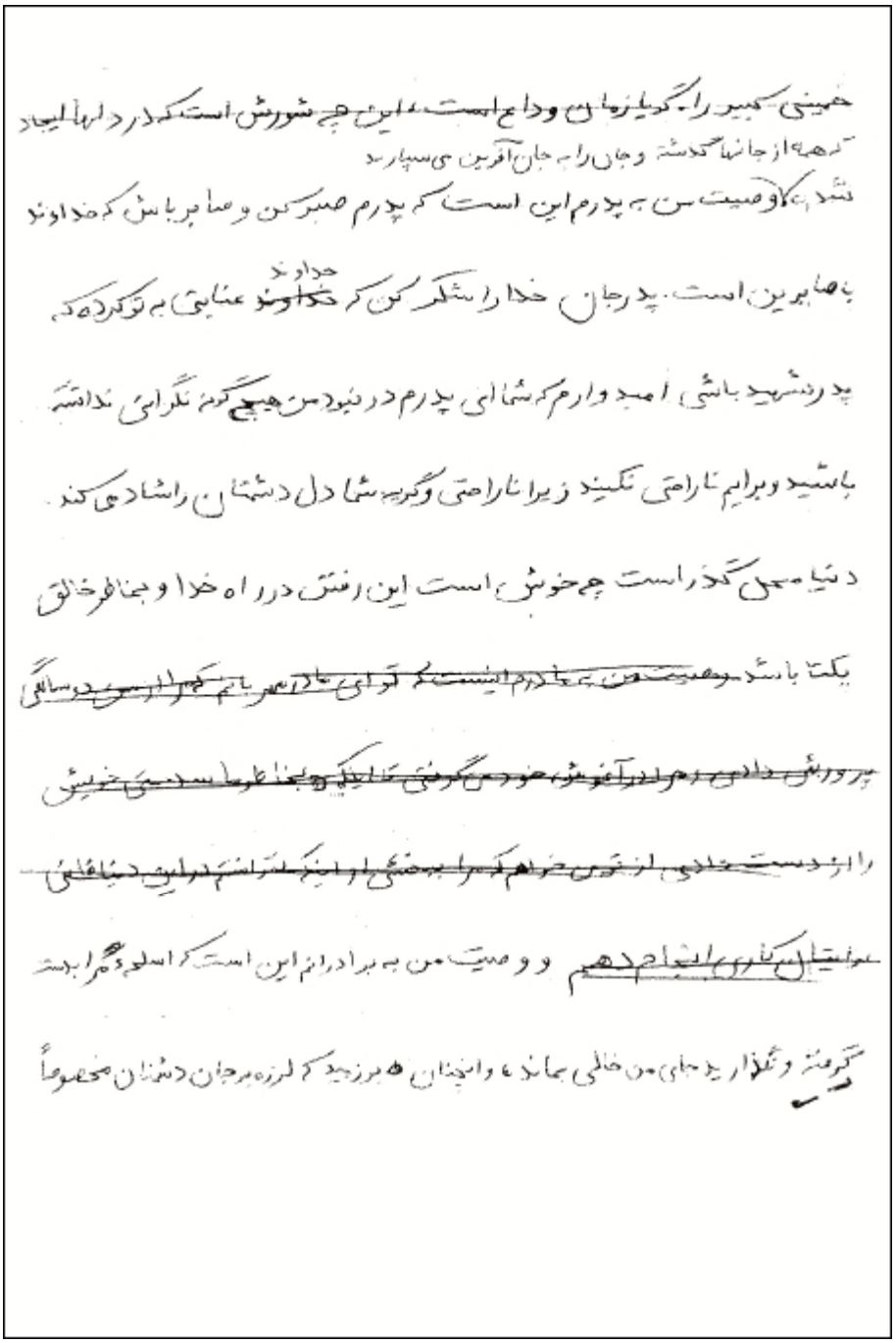
گویا زمانی رسیده که به مطلوب خود بپیوندیم، گویا زمانی رسیده که خداوند، خالق

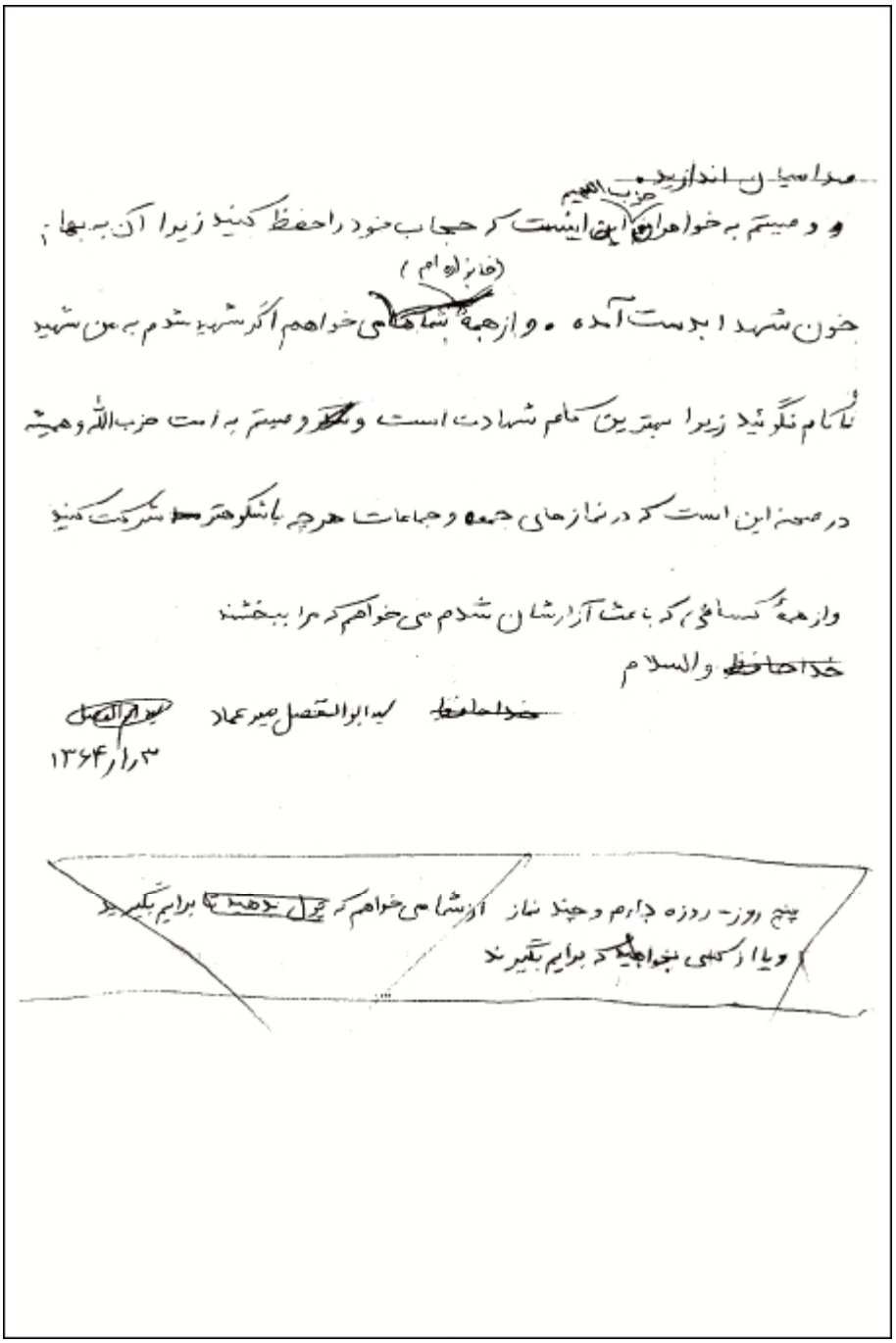
جهان ما را فرا می خواند، گویا زمانی رسیده که دل از دنیا کنده و بال گشودن

بسوی لقائش را می بینم، از هر طرف ندا می آید از هر گوشه ای صدای مناجات

گوش می رسد، گویا همه زمان حرکت را دریافته اند زمان پیوستن به امام حسین (ع)

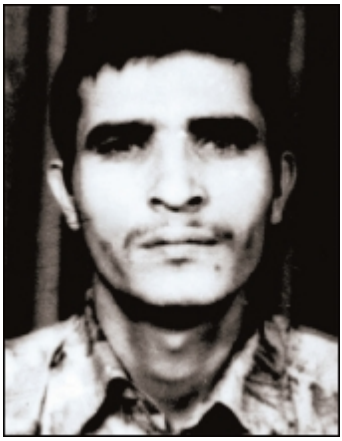
را، گویا می شنوید ندای هل من ناصر حسین زمان، نائب امام زمان





مواسیان اندازید.
و وصیتم به خواهران این است که حجاب خود را حفظ کنید زیرا آن به بها
خون شهدا بدست آمده. و از همهٔ (خانواده) شما هایی خواهم اگر شهید شدم به من شهید
ناکام نگوئید زیرا بهترین کام شهادت است و وصیتم به امت حزب‌الله و همیشه
در صحنه این است که در نمازهای جمعه و جماعات هرچه باشکوهتر شرکت کنید
و از همهٔ کسانی که باعث آزارشان شدم می‌خواهم که مرا ببخشند
خداحافظ والسلام
خداحافظ سیدابوالفضل میرعماد
۱۳۶۴/۱/۳

پنج روز - روزه دارم و چند نماز از شما می‌خواهم که قبول بدهید برایم بگیرید
و یا از کسی بخواهید که برایم بگیرند



نام: **سید غلامرضا**
نام خانوادگی: **میرغنی**
نام پدر: **سید محمد**
نام مادر: **معصومه**
تاریخ تولد: **هجدهم اسفند ۱۳۳۴**
محل تولد: **روستای خیج از توابع شهرستان شاهرود**
تحصیلات: **پایان دوره ابتدایی**
ارگان اعزام‌کننده: **سپاه پاسداران**
تاریخ شهادت: **شانزدهم آبان ۱۳۶۲**
محل شهادت: **پنجوین عراق**
نحوهٔ شهادت: –
مزار: **گلزار شهدای زادگاهش**

عبارت‌های کلیدی

- به عشق دین و مذهب اسلامی خویش به فرمان امام کبیر و قائد اعظم آماده جهاد در راه خدا شدم، تا قطره‌ای از خون خود که در بدن دارم فدای سرزمین اسلامی کنم.
- من به جبهه می‌روم و می‌خواهم راه حسین (علیه‌السلام) را در کربلای غرب و خوزستان ادامه دهم.
- اگر کشته شدم راه حسین (علیه‌السلام) را دنبال کرده‌ام و برای من گریه نکنید برای امام حسین (علیه‌السلام) گریه کنید.
- ای برادران عزیزم باید چنان فرزندانم را ادب کنید که رسالت خون شهیدان را بر دوش بکشند.
- برای اجرای عدالت و قانون الهی به نبرد علیه باطل رفتم و بسیار خوشحال هستم که در این راه رفتم.
- ما به وظیفه‌ای که داشتیم عمل کردیم تا حکومت الهی در سراسر گیتی گسترش یابد.

سیدغلامرضا میرغنی

بسم الله الرحمن الرحیم

«یا ایها الّذینَ امَنوا هَل اَدُلّکم علی تجارَة تُنجیکم مِن عَذابٍ الیم تؤمنونَ باللهِ وَ رَسولِهِ و تُجاهدونَ فی سَبیل اللهِ بِأموالِکم و انفسکمٍ ذلکم خَیرٌ لکم إن کُنتم تعلَمون[1]**»**

«ای اهل ایمان شما را به تجارتی سودمند که شما را از عذاب دردناک نجات بخشد دلالت کنم آن تجارت این است که به خدا و رسول ایمان آورید برای شما بهتر است.»

با سلام و درود بر پیام‌آوران الهی از آدم تا خاتم و جانشینان بر حقش دوازده امام و با سلام و درود بر منجی عالم بشریت مهدی(عج) موعود و با سلام بر امام امت خمینی کبیر پاسدار واقعی اسلام عزیز و احیاء کننده احکام الهی و یاری دهند مستضعفین و خوار کننده مستکبرین و با سلام بر شهدای راه آزادی انسانها از بند اسارت؛ و با سلام بر امت همیشه در صحنه که به حق [...][2] از اسلام و قرآن هستند. بنده خودم را به عنوان عضو سپاه پاسداران معرفی نمودم تا برای دفاع از سرزمین اسلام عزیز با کافران و مشرکان خدا و دین و مذهب به نبرد در افتم و به عشق دین و مذهب اسلامی خویش[3] به فرمان امام کبیر و قائد اعظم آماده جهاد در راه خدا شدم تا قطره‌ای از خون خود که در بدن دارم فدای سرزمین اسلامی کنم.

مادر مهربانم و برادرانم و همسرم و فرزندانم من به جبهه می‌روم و می‌خواهم راه حسین (علیه‌السلام) را در کربلای غرب و خوزستان ادامه دهم و اگر کشته شدم راه حسین (علیه‌السلام) را دنبال کرده‌ام و برای من گریه نکنید برای امام حسین (علیه‌السلام) گریه کنید. ای برادران [...][4] جبهه بروید مبادا جوانانی که در جبهه‌ها هستند، خسته شوند و من سنگینی این مطلب را احساس کردم و برای اجرای عدالت و قانون الهی به نبرد علیه باطل رفتم و

---

1. صف/ ۱۰ـ ۱۱.
2. خوانا نیست.
3. در اصل وصیت « خیش».
4. خوانا نیست.

بسیار خوشحال هستم که در این[۱] راه رفتم چون راه حسین (علیه‌السلام) است ای برادران عزیزم باید چنان فرزندانم را ادب کنید[۲] که رسالت خون شهیدان را بر دوش بکشند و این‌ها را چنان باید بسازید[۳] که امثال رجایی‌ها[۴] و باهنرها[۵] و مانند سربازان [در] اسلام تربیت کنید[۶] که با کفار و منافقان[۷] بجنگند و فرزندانم را با[۸] تربیت اسلامی بار آورید[۹]؛ و به راه راست هدایتشان کنید[۱۰] به راهی که اجرش با خدا است و اگر راه بد را در پیش گیرند مسئول هستید[۱۱] و هیچ عذری از شما نمی‌پذیرم در اولین فرصت قرآن کریم[۱۲] و احکام شرعی و مسائل واجب نماز را به آنها بیاموزید.

اما ما به وظیفه‌ای که داشتیم عمل کردیم[۱۳] تا حکومت الهی در سرتاسر گیتی گسترش یابد و ما توانستیم[۱۴] به شعاری که می‌دادیم که مگر امت بمیرد امام تنها بماند جامه عمل بپوشانیم[۱۵] و از خواهران و برادران می‌خواهم که راه من که[۱۶] راه پیامبر و امامان است ادامه بدهند و در پایان برای سلامتی امام امت و رزمندگان اسلام و امت همیشه در صحنه آرزوی موفقیت از خداوند متعال خواسته و خواهانم.

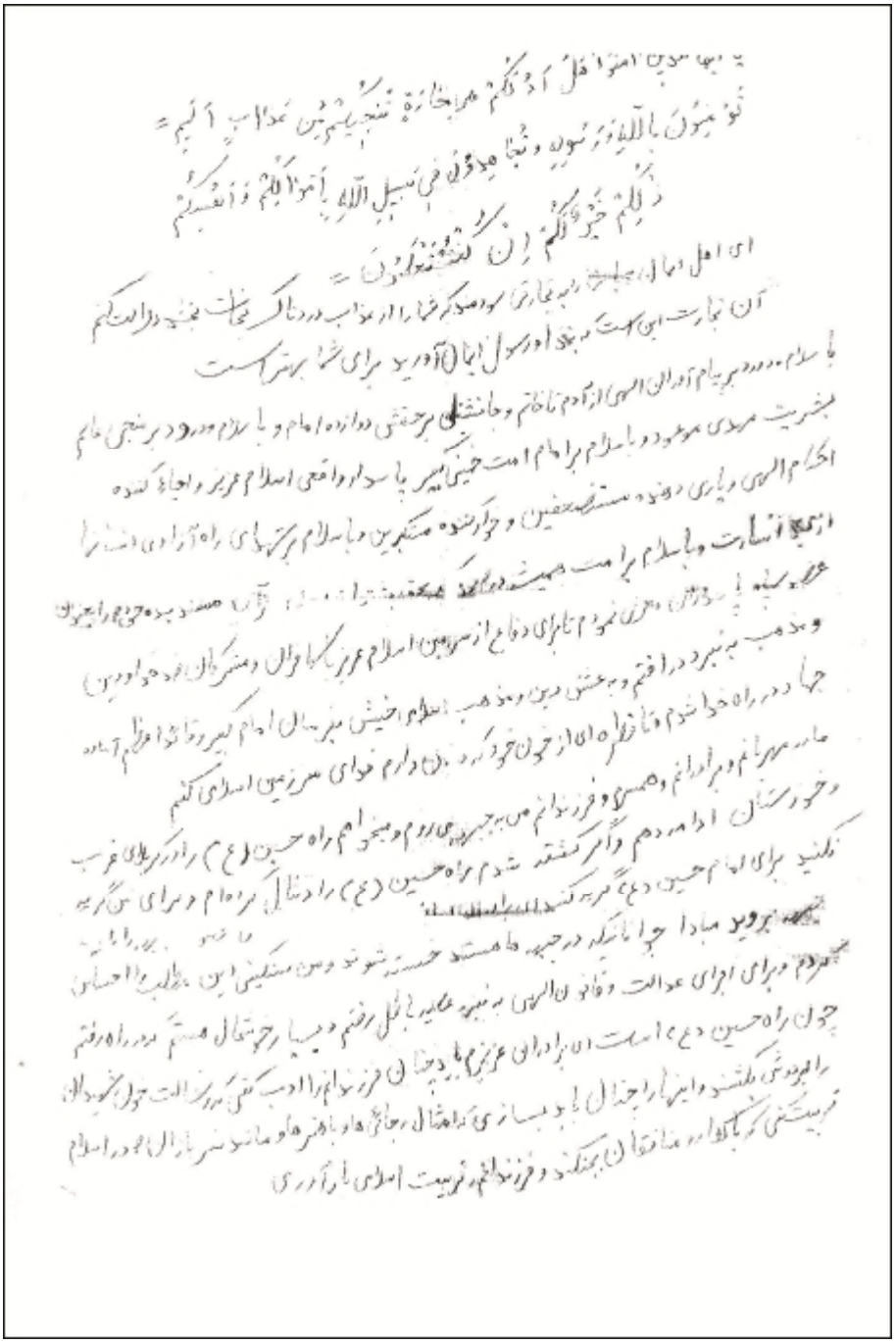
---

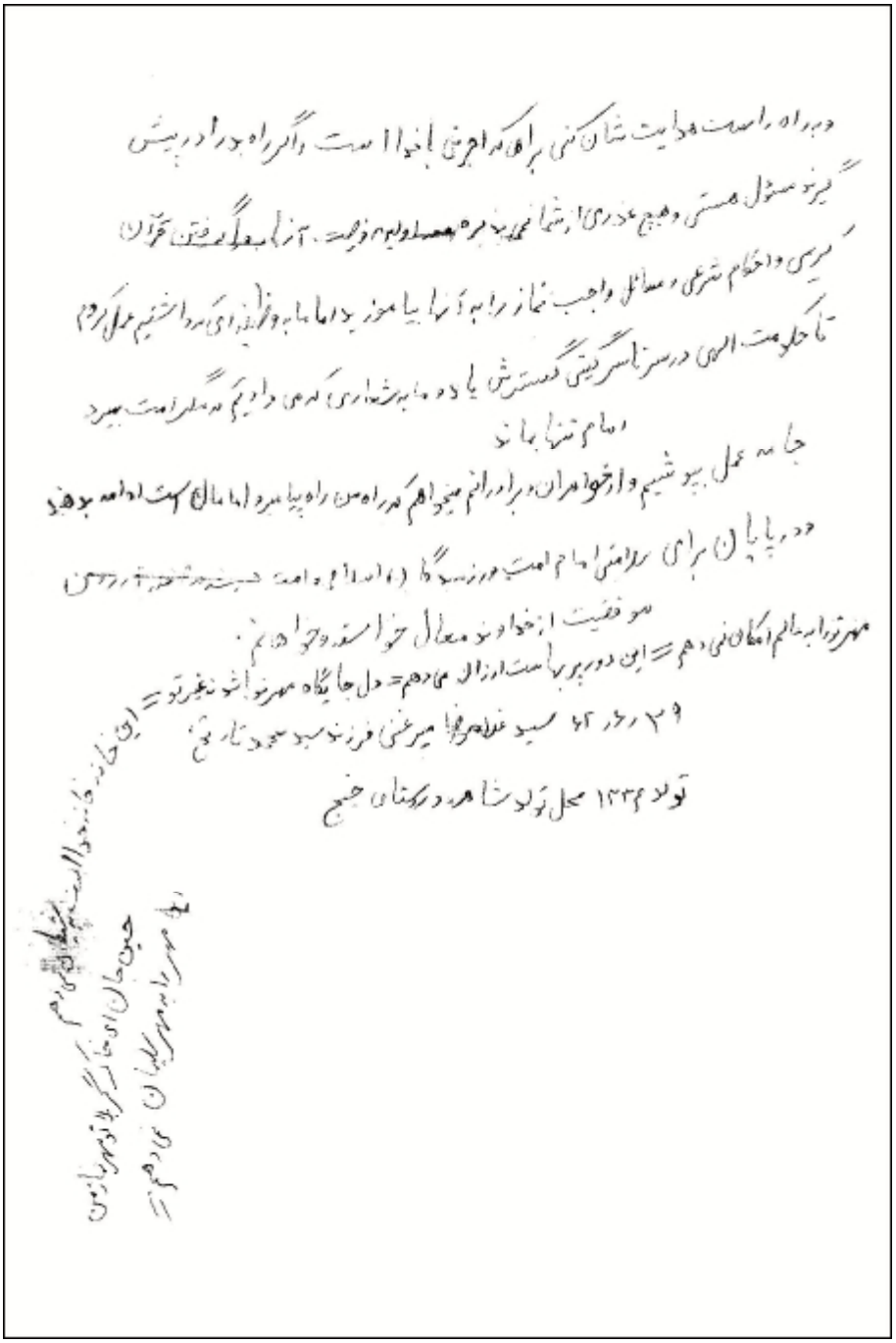
1. در اصل وصیت «در راه رفتم».
2. در اصل وصیت «کنی».
3. در اصل وصیت «بسازی».
4. ر.ک. تعلیقات.
5. ر.ک. تعلیقات.
6. در اصل وصیت «کنید».
7. ر.ک. تعلیقات.
8. خوانا نیست.
9. در اصل وصیت «آوری».
10. در اصل وصیت «کنی».
11. در اصل وصیت «هستی».
12. در اصل وصیت «کریمی».
13. در اصل وصیت «کردم».
14. در اصل وصیت «ما به شعاری».
15. در اصل وصیت «بپوشیم».
16. در اصل وصیت «من راه».

«مهـــر تـــو را بـــه عـــالم امکـــان نمـــی‌دهـــم ایـــن دُر[1] پربهاســـت ارزان نمـــی‌دهـــم
دل جایگـــاه مهـــر تـــو باشـــد نـــه غیـــر تـــو این خانه خانه خداست به شیطان نمـی‌دهـم
حسین‌جان ای خاک کربلای[2] تو مُهـر نمـاز مـن ایـن مُهـر را بـه مُهـر سـلیمان نمـی‌دهـم

۶۲/۶/۲۹ سیدغلامرضا میرغنی فرزند سیدمحمد تاریخ تولد ۱۳۳۴ محل تولد شاهرود روستانی خیج

1. در اصل وصیت «دور».
2. در اصل وصیت «کربلا».







نام: **سید علی اصغر**
نام خانوادگی: **میرکریمی**
نام پدر: **سید علی**
نام مادر: **رقیه‌سادات**
تاریخ تولد: **هشتم تیر ۱۳۴۳**
محل تولـد: **روستای قلعه‌نـو از توابـع شهرستان شاهرود**
تحصیلات: **پایان دوره راهنمایی**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **سوم اردیبهشت ۱۳۶۱**
محل شهادت: **سردشت**
نحوهٔ شهادت: **اصابت گلوله**
مزار: **گلزار شهدای زادگاهش**

عبارت‌های کلیدی

- ما شتاب می‌کنیم تا به آرزوی خود برسیم که شاید جزو شهیدان کربلا محسوب شویم.
- همیشه دعاگوی این مرد بزرگ، این مرد خدا امام خمینی باشید.
- ملت ما نباید بی‌تفاوت در مقابل هر گونه جریان انحرافی باشد.
- چنان پیکار کنند و فریاد تکبیر الله‌اکبر سر دهند که دشمن انقلاب به لرزه بیفتد.

سیدعلی‌اصغر میرکریمی

بسم الله الرحمن الرحیم

«شهید نظر می‌کند به وجه‌الله. (امام خمینی)»[۱]

«کتب علیکم القتال و هو کره لکم و عسی ان تکرهوا شیئاً و هو خیر لکم و عسی ان تحبوا شیئاً و هو شرّ لکم...»[۲]

«واجب[۳] است بر شما جنگ و جهاد در حالی که، این فرمان به شما گران و سنگین و مورد کراهت شماست ولی بدانید که چه بسا چیزی که مورد ناگواری شماست در حقیقت به نفع است و نه بلعکس».

سلام بر تو ای مهدی(عج)، سلام بر تو ای امام عزیز، سلام بر تو که در راه خدا به حیات خود ادامه می‌دهی[۴] و سلام بر شهیدان راه خدا. ای مهدی(عج) عزیز آیا چنین است[۵] که دیگر ظلم پرورش یافته و تمام جهان را فرا گرفته و انگار خیال می‌کنند که دیگر اسلامی نیست و اسلام نابود شده است. اما در ایران اسلام پرورش یافته است و با[۶] طاغوتیان می‌جنگد هم‌چنان که بر علیه حکومت دیکتاتوری پهلوی[۷] جنگید و پیروز شد [به خدا...] بر علیه صدام[۸] و حزب بعث[۹] که همه آنها آمریکایی هستند و در واقع با دنیا می‌جنگند و اسلام پیروزی[۱۰] خود را بر طاغوتیان اعلام داشته و می‌دارد هم‌چنان که خداوند در قرآن کریم می‌فرماید:

---

1. صحیفه امام، ج۱۳، ص۵۱۳.
2. بقره/ ۲۱۶.
3. در اصل وصیت «واجد».
4. در اصل وصیت «می‌دهید».
5. در اصل وصیت «چنین‌ست».
6. در اصل وصیت «بر».
7. ر.ک. تعلیقات.
8. ر.ک. تعلیقات.
9. ر.ک. تعلیقات.
10. در اصل وصیت «اسلام‌پیروزی».

«الا انّ حزب‌الله هم المفلحون»[۱]

چنین است که می‌گویند حزب خدا پیروز است و جنگ به خاطر خدا پیروز است.

[غنیمتی] شمر ای شمع وصل پروانه که این معامله تا صبحدم نخواهد ماند[۲]

پس ما شتاب می‌کنیم تا به آرزوی خود برسیم که شاید جزو[۳] شهیدان کربلا محسوب شویم. ای مادرم بر مزار من مگری[۴] که دشمن در شوق نشیند، هر چند هم که گریه کردن بر شهید، زنده نگه داشتن راه اوست از امت رزمنده‌مان می‌خواهم تا همیشه به فکر خون شهیدان باشند و هرگز لحظه‌ای غفلت مگزینند همیشه دعاگوی این مرد بزرگ، این مرد خدا امام خمینی باشید و از خدا بخواهید او را تا انقلاب مهدی (عج) زنده بدارد و از بلیّات در پناه خود نگه دارد. ملت ما نباید بی‌تفاوت در مقابل هر گونه جریان انحرافی باشد و چنان پیکار کنند و فریاد تکبیر الله‌اکبر سر دهند که دشمن انقلاب به لرزه بیفتد و توان حرف زدن و نای راه رفتن و خوشحالی در صورت او ظاهر نشود[۵]، همچنین علما و طلبه‌های حوزه‌ها و بخصوص حوزه‌های قم که اینها مسئولیت بزرگی به گردن دارند.

الهی این منافقان[۶] از خدا بی‌خبر را هر چه زودتر از صحنه روزگار برانداز.

مادر دخترانت را آن‌چنان تربیت کن که ...[۷].

---

1. مجادله/ ۲۲.
2. بیتی از غزل حافظ با مطلع «رسیده مژده که ایام غم نخواهد ماند / چنین نماند و چنین هم نخواهد ماند».
3. در اصل وصیت «جز».
4. در اصل وصیت «مگرای».
5. در اصل وصیت «نشو».
6. ر.ک. تعلیقات.
7. وصیت ناتمام است.

"الا ان حـــــزب ا ... هـــم المفلحـــــــون "

پیداست که میگویند حـــزب خـــــدا پیـــروز است و جنگ به خاطر خـــدا پیـــــروز است .

غنیمت شمـــر ای شمـــع وصـــــل پـــروانه
که ایـد معـاملـه تا صبحدم نخواهد ماند

پس مـا شتاب میکنیم تا به آرزوی خـود برسیم که شایـد جـز شهیدان کـــربلا محسوب شـــویم . ای مادرم بـــر مزار مـــن مگـــــوای که دشمن در شـــوق نشیند ، هـــر پند هم کـــه گـــریه کردن بر شهید ، زنده نگه داشتن راه اوست از امت زنده مان میخواهم تا همیشه به فکـــر خـــون شهیدان باشند و هـــــرگز لحظه ای غفلت ننمایند همیشه دعاگوی این مـــرد بزرگ ، این مـــرد خدا امام خمینی باشنـــد و از حـــدا بخواهید او را تا انقلاب مهـــدی (عج) زنده بدارد و از بلیات در پناه خـــود نگه دارد ملت ما نباید بی تفاوت در مقابل هـــرگونه جـــریان انحرافی باشـــد و چنان پیکار کنند و فـــریاد تکبیـــر ا ... اکبـــر ســـر دهند کـــه دشمن انقلاب به لـــرزه بیفتد و توان حـــرف زدن و نای راه رفتن و خوشحالی در صـــورت او ظاهـــر نشو همچنین غلط و طلبه های حوزه ها و بخصـــوص حـــوزه های تـــم کـــه اینهـــا مسولیت بزرگی به گـــردن دارند . ال

الهـــی لعـــن منافقان از خدا بی خبـــر را هـــر چـــه زود تر از صحنـــــه روزگار براند از .

مـــــادر کاد ختـــــورت را چنان تربیت کن کـــه ـــ

بسم ا ۰۰۰ الرحمن الرحیم

متن وصیت نامه روحانی شهید
سید علی اصغر میر کریمی :

شهید نظر میکند به وجه ا ۰۰۰ ۰

امام خمینی

کتب علیکم القتال و هو کره لکم و عسی ان تکرهوا شیئا
و هو خیر لکم و عسی ان تحبو شیئا و هو شر لکم ۰۰

واجب است بر شما جنگ و جهاد در حالیکه ،
این فرمان به شما گران و سنگین و مورد کراهت شما ست
ولی بدانید که چه بسا چیزی که مورد ناگواری شماست
در حقیقت به نفع است و نه بلعکس ۰

سلام بر تو ای مهدی ، سلام بر تو ای امام عزیز
سلام بر توکه در راه خدا به حیات خود ادامه میدهید
و سلام بر شهیدان راه خدا ۰ ای مهدی عزیز ایا چنین ست
که دیگر ظلم پرورش یافته و تمام جهان را فرا گرفته و انگار
خیال میکنند که دیگر اسلامی نیست و اسلام نابود شده است
اما در ایران اسلام پرورش یافته است و بر طاغوتیان میجنگد
همچنانکه بر علیه حکومت دیکتاتوری پهلوی جنگید و پیروز شد
بخدا ۰۰۰ بر علیه صدام و حزب بعث که همه آنها آمریکائی
هستند و در واقع با دنیا میجنگند و اسلام پیروزی خود را بر
طاغوتیان اعلام داشته و میدارد همچنانکه خداوند در قرآن
تعریم میفرماید :



نام: **سید مجتبی**
نام خانوادگی: **میرکریمی**
نام پدر: **سید علی‌محمد**
نام مادر: **عذرا**
تاریخ تولد: **دهم فروردین ۱۳۴۱**
محل تولد: **روستای قلعه‌نو از توابع شهرستان شاهرود**
تحصیلات: –
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **بیست‌ویکم بهمن ۱۳۶۴**
محل شهادت: **فاو عراق**
نحوهٔ شهادت:
مزار: **گلزار شهدای زادگاهش**

عبارت‌های کلیدی

- این حقیر مقلد روح‌الله و جان‌نثار اباعبدالله‌الحسین (علیه‌السلام) سیدمجتبی میرکریمی از شاهرود فقط با عشق به امام حسین (علیه‌السلام) رو به جبهه کردم.
- دشمن بداند وقتی که خون در بدن داریم از پای نخواهیم نشست.
- بارها گفته‌ایم حسین(علیه‌السلام) جانمان به فدایت و حالا برای جان فدا کردن رهسپار جبهه شده‌ایم.
- و همه بگویید که هدف ما آزادی راه بسته شده کربلا بوده است.
- نگذارید خون ریخته شده‌ام بر زمین خشک گردد.
- پیامم را با حرکت خونینتان به همه مردم برسانید که امام تنها نیست.
- یک خواهش از شما دارم و آن اینکه پشتیبان ولایت فقیه بوده و در همه حرکات و سکنات خودتان از رهبر عزیزمان خمینی کبیر پیروی نمایید.
- به خانواده‌ام سفارش می‌کنم که بعد از شهادتم زینب‌گونه پیام شهدا را در صحنه‌های انقلاب برساند.
- با هوشیاری و صبر و بردباری و تحمّل در مصائب مشت محکمی به دهان یاوه‌سرایان و منافقان داخلی بزنید و از فاطمه(علیهاالسلام) در زندگی پیروی نمایید.

سیدمجتبی میرکریمی

بسم الله الرحمن الرحیم

وصیت‌نامه برادر عزیز سیدمجتبی میرکریمی

«و لاتحسبن الذین قتلوا[1] فی سبیل‌الله امواتاً بل أحیاء عند ربهم یرزقون»[2]

با سپاس از[3] خداوند توانا که به ما توفیق داد به جبهه برویم و در راه او [...][4] کنیم و با درود بر یگانه منجی عالم بشریت حضرت مهدی (عج) و نایب[5] بر [...] حقش امام خمینی و سلام بر شهیدان انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی.

این حقیر مقلد روح‌الله و جان‌نثار اباعبدالله‌الحسین(علیه‌السلام) سیدمجتبی میرکریمی از شاهرود فقط با عشق به امام حسین (علیه‌السلام) رو به جبهه کرده تا شاید [...] برای آن حضرت باشم تنها هدف و انگیزه من فقط برای رضای خدا [...] کردن دین اسلام و لبیک گفتن به ندای رهبرم می‌باشد، دشمن بداند [...] وقتی که خون در بدن داریم از پای نخواهیم نشست و اکنون که این وصیت را می‌خوانید با [...] خون امضاء کرده‌ام ما که بارها گفته‌ایم حسین(علیه‌السلام) جانمان به فدایت و حالا برای جان فدا کردن رهسپار جبهه شده‌ایم خدایا تو خود که [...] فقط برای رضای تو به جبهه رفته‌ام.

به تمامی قومان و خویشان [...] و آشنایان سفارش می‌کنم که جنگ را[6] فراموش نکنند. این جنگ که[7] تمامی کفر بر [کشور] عزیز ما و اسلام[8] شوریده است. ما نیز باید به نوبهٔ خود در مقابل این دشمن نابکار [بایستیم][9].

---

1. در اصل وصیت «قتلو».
2. آل عمران/ ۱۶۹.
3. در اصل وصیت «به».
4. خوانا نیست. عباراتی که در متن با [...] مشخص‌شده‌اند، خوانا نیست.
5. در اصل وصیت «نائب».
6. در اصل وصیت «از جنگ فراموش نکنند».
7. در اصل وصیت «که تمامی».
8. در اصل وصیت «سلام».
9. در اصل وصیت «امیدا».

دوستان و آشنایان تا وقت نگذشته است بار سفر ببندید و برای نماز در [..] بسوی جبهه حرکت کنید- اگر این مهلت را از دست بدهید و توفیق جهاد [...] کنید بعد از جنگ پشیمانی سودی ندارد و آنان که به جبهه رفته‌اند صفا و [...] جبهه را برای دیگران که نرفته‌اند بازگو کنند تا هرچه بیشتر تشویق رفتن برای جبهه گردند.

خانواده عزیز و گرامی، آنچه را که لازم می‌دانم تذکر بدهم این است که بعد از شهادتم ضدانقلاب همیشه در صدد اذیت و آزار خانواده شهداست در مقابل[1] تهمت‌ها و ناسزاها صبر و شکیبایی پیشه کنید استقامت داشته باشد که خداوند با صبر کنندگان است به همه و همه بگویید[2] که هدف ما آزادی راه بسته شده کربلا بوده است.

از خانواده عزیزم درخواست می‌کنم که مرا در کنار شهید عزیزمان سید مهدی (کریمی) دفن نمایید[3] و دعا کنید که از شهیدان اسلام باشم به امید آنکه خون سرخ شهدا رهگشای راه کربلا باشد دربارهٔ نماز و روزه‌ام می‌خواهم که با نماز قضا را به مدت یک ماه برایم بخوانید و یک ماه نیز روزه برایم ترتیب دهید که بگیرند و مبلغ ۲۰۰۰۰ ریال به برادر عزیز رضا زواری بدهکار هستم لطفاً این مبلغ را به ایشان پرداخته کنید.

برادران عزیزم امیدوارم که در پناه خداوند و اسلام عزیز خدمت‌گزاری[4] نیکو برای مسلمین باشید از شما می‌خواهم که با جوانمردی و شجاعت کامل اسلحه بر زمین افتاده‌ام را بگیرید و نگذارید خون ریخته شده‌ام بر زمین خشک گردد.

پیامم را با حرکت خونینتان به همه مردم برسانید که امام تنها نیست و اگر قطعه‌قطعه-مان[5] کنند و یک‌یک برادرانمان را از هم جدا کنند باز می‌گویم ما همه سرباز تو‌ییم[6] خمینی، گوش به فرمان توئیم خمینی.

---

1. در اصل وصیت «بل».
2. در اصل وصیت «بگوئید».
3. در اصل وصیت «نمائید».
4. در اصل وصیت «گذاری».
5. در اصل وصیت «قطعه‌قطعه‌یمان»
6. در اصل وصیت «توئیم».

خواهران عزیزم همگی‌تان را به خدا می‌سپارم و امیدوارم بعد از شهادتم خواهرانی باشید مانند زینت کبری (سلام‌الله علیه) آنچه که فقط از شما می‌خواهم اینست که چهره‌شاد با نشاط با مردم برخورد کنید که همگی بدانند شما نیز آماده برای مبارزه با دشمن هستید از آنجایی[1] که حجاب شما شهید پرورش می‌دهد و سبب می‌شود که [...] ملکوت اعلی بپیوندد از شما و دیگران می‌خواهم در ترویج این امر مهم بسیار کوشا باشید.

سیدعلی عزیز برادر خانم گرامی، از شما تقاضا می‌کنم که از خانه سرکشی کنید و در امور خانه خانواده را یاری دهید امیدوارم روز قیامت خداوند در بهشت به شما منزلگه [...] نیکویی عطا بفرماید و والسلام علی من اتبع الهدی.

[وصیت‌نامه‌ای دیگر]

بسم الله الرحمن الرحیم

«اللهم وفقنا لماتحبُ و ترضی»[2]

شکر و سپاس خداوند بزرگ را که به ما جان داد و ما را در زمانی به وجود آورد و در مکانی به عقل و هوش آورد که تحت لوای اسلام و زعامت بزرگ مرجع تشیع رهبر کبیر انقلاب اسلامی ایران و امید مستضعفان جهان نایب[3] بر حق[4] امام زمان (عج) حضرت امام خمینی دام‌ظله العالی زندگی می‌کنیم [...] موفق کرد که برای رضای او منزل خویش را رها کرده و[5]از ماده به سوی معنا و از ظلمت به سوی نور هجرت گزیده؛ و در میان دوستانش و اولیائش جای گرفته و علیه کفر جهانی به جهاد برخیزم [...] و از موج به اوج سفر کردم.

پدر و مادر عزیزم چنانچه شهادت در راه خدا نصیبم شد تنها چیزی که از شما می‌خواهم این است که مرا ببخشید و اگر بدی دیدید از حقیر اغماض نمایید[6] و به

---

1. در اصل وصیت «آنجانی».
2. انوارالسّاطعه، ج۵، ص۱۶۳. از ادعیّه نماز سخن است.
3. در اصل وصیت «نائب».
4. در اصل وصیت «حقش».
5. در اصل وصیت «خویش را از ماده».
6. در اصل وصیت «نمائید».

بزرگواری خودتان چشم‌پوشی نمایید[1] یک خواهش از شما دارم و آن اینکه پشتیبان ولایت فقیه بوده و در همه حرکات و سکنات خودتان از رهبر عزیزمان خمینی کبیر پیروی نمایید[2] و رهبر را تنهایش نگذارید.

از برادرانم می‌خواهم که دنباله‌رو رهبر عزیزمان باشند و [از جنگ] فراموش نکنند که «جنگ در رأس همه امور است»[3] و با شرکت خود در جبهه‌ها و صحنه‌های انقلاب توطئه‌های دشمن را نابود و خنثی نمایید[4] به خانواده‌ام سفارش می‌کنم که بعد از شهادتم زینب‌گونه پیام شهدا را در صحنه‌های انقلاب برساند و با هوشیاری و صبر و بردباری و تحمّل در مصائب مشت محکمی به دهان یاوه‌سرایان و منافقان[5] داخلی بزنند و از فاطمه(علیهاالسلام) در زندگی پیروی نموده و پشتیبان ولایت فقیه باشند.

همسر عزیزم از تو می‌خواهم چنانچه در مدتی که با تو بوده و شریک زندگی‌ات بوده‌ام و از من بدی دیده‌اید مرا ببخشید و برایم دعا کنید که خداوند از گناهان من درگذرد.

از تمام قومان و خویشان و برادران دینی می‌خواهم چنانچه از حقیر بدی دیدند مرا ببخشایند و برایم از خداوند طلب مغفرت نمایند و پشتیبان ولایت فقیه باشند. بعد از حقیر پدرم وصی من است مبلغ بیست هزار ریال (برابر با دو هزار تومان) به آقای محمدرضا زواری بدهکارم بپردازید و محل دفن من را کنار قبر شهید سیدمهدی قرار دهید.

در پایان شما را سفارش به ادامه صبر و تقوی و دعا برای پیروزی رزمندگان اسلام و طول عمر رهبر و قائم مقام رهبری[6] حضرت آیت‌الله منتظری[7] و سلامتی و فرج امام زمان (عج) و مجروحین و جانبازان و آزادی اسراء و مفقودین و از خداوند برای خانواده‌های

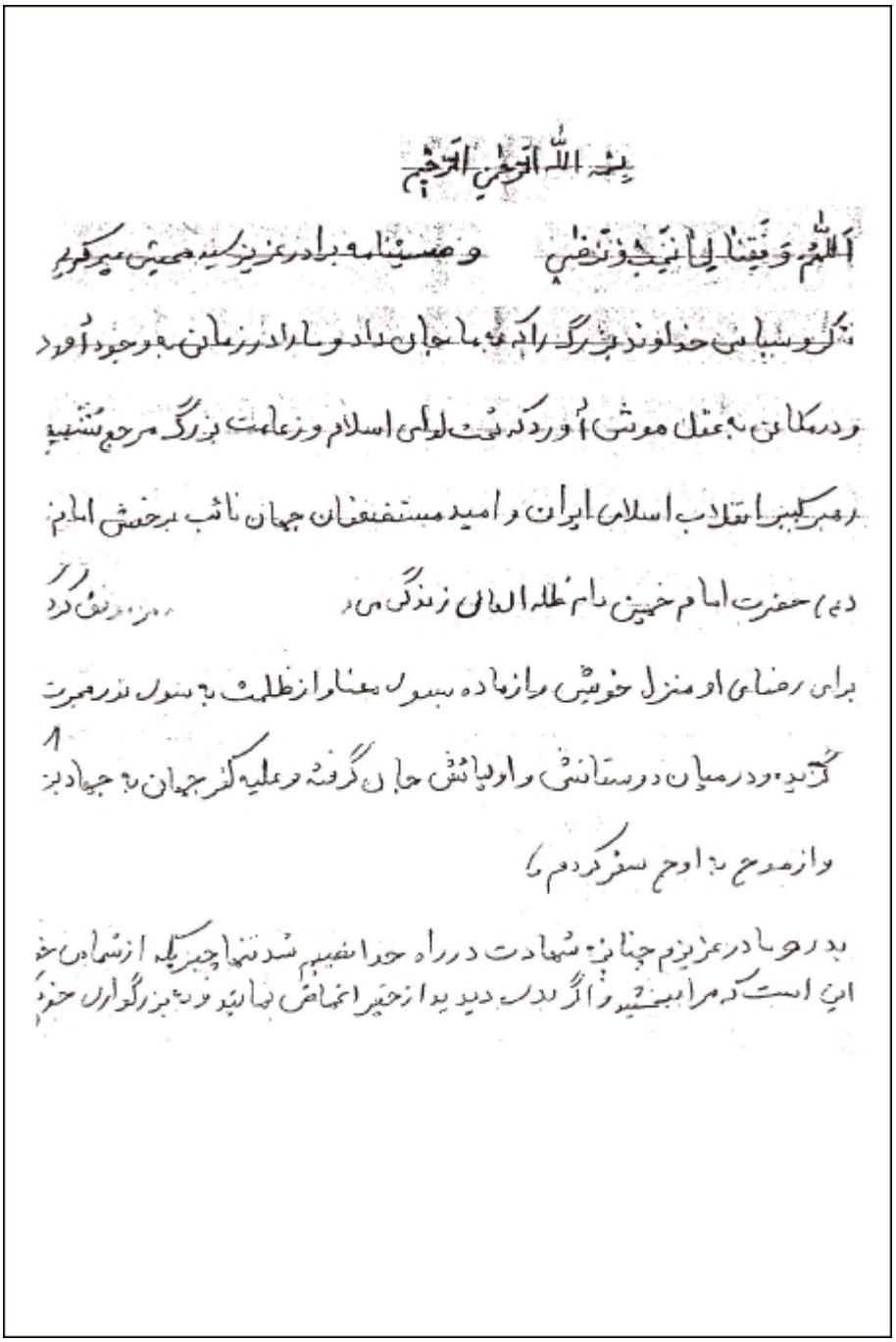
---

1. در اصل وصیت «نمائید».
2. در اصل وصیت «نمائید».
3. صحیفه امام، ج۲۰، ص۳۲۱.
4. در اصل وصیت «نمائید».
5. ر.ک.تعلیقات.
6. در اصل وصیت «رهبریت».
7. ر.ک. تعلیقات.

شهدا و مجروحین و جانبازان اسرا و مفقودان درخواست صبر و برای خـدمتگزاران توفیـق بیش از بیش خواهانم. والسلام علی عبادالله [...].

یگان خدمت رزمی
گردان کربلا
تاریخ اعزام ۶۴/۱۱/۱۵





بسم الله الرحمن الرحیم

اللهم وفقنا لما تحب وترضی وصیتنامه برادر عزیزم را که محض میکنم

شکر و سپاس خداوند بزرگ را که به ما جان داد و ما را در زمان به وجود آورد

و در مکان به عقل هوش آورد که تحت لوای اسلام و زعامت بزرگ مرجع تشیع

رهبر کبیر انقلاب اسلامی ایران و امید مستضعفان جهان نائب برحق امام

(ره) حضرت امام خمینی دام ظله العالی زندگی می

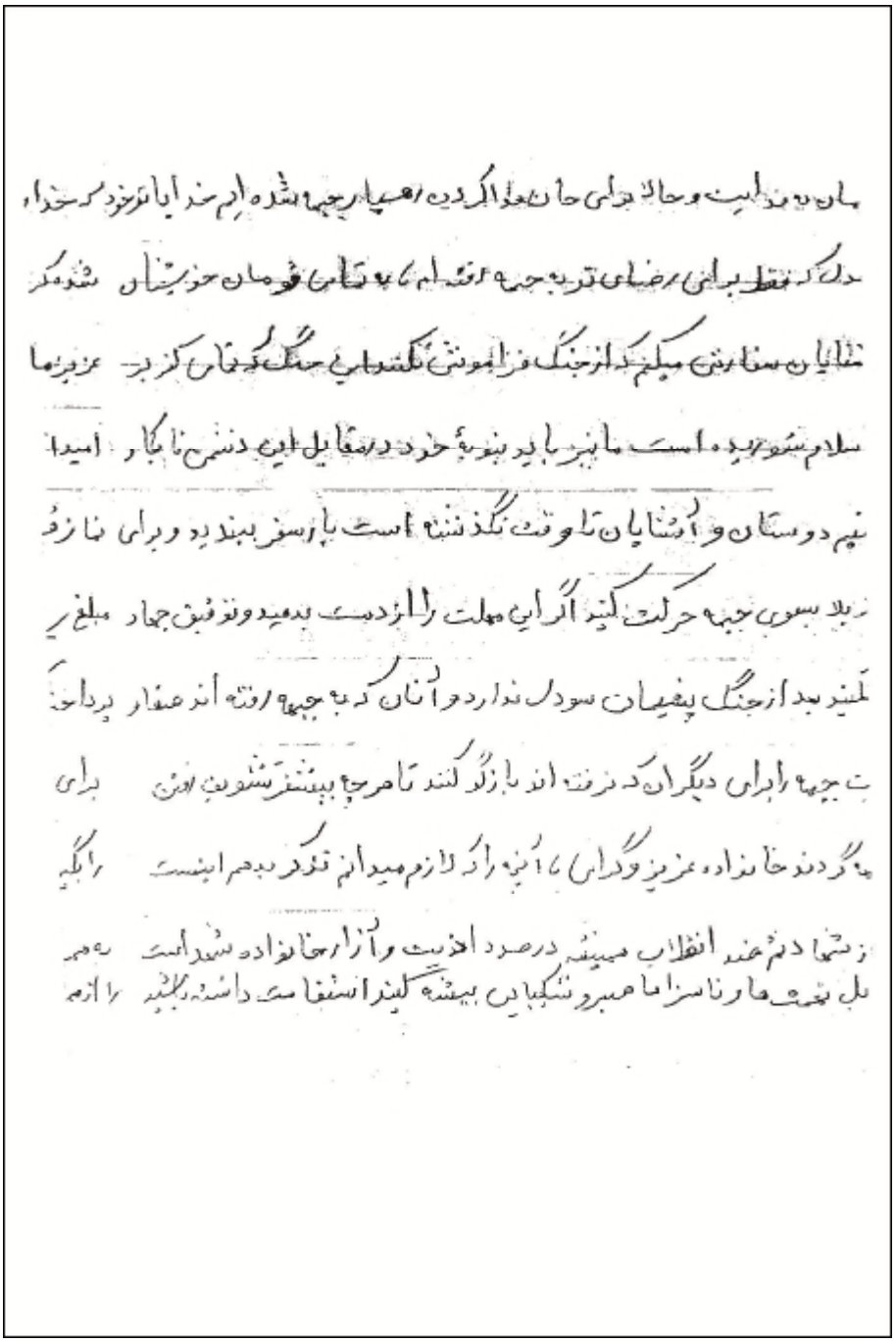
برای رضای او منزل خویش را زیاده بسوی مقصد از ظلمت به سوی نور هجرت

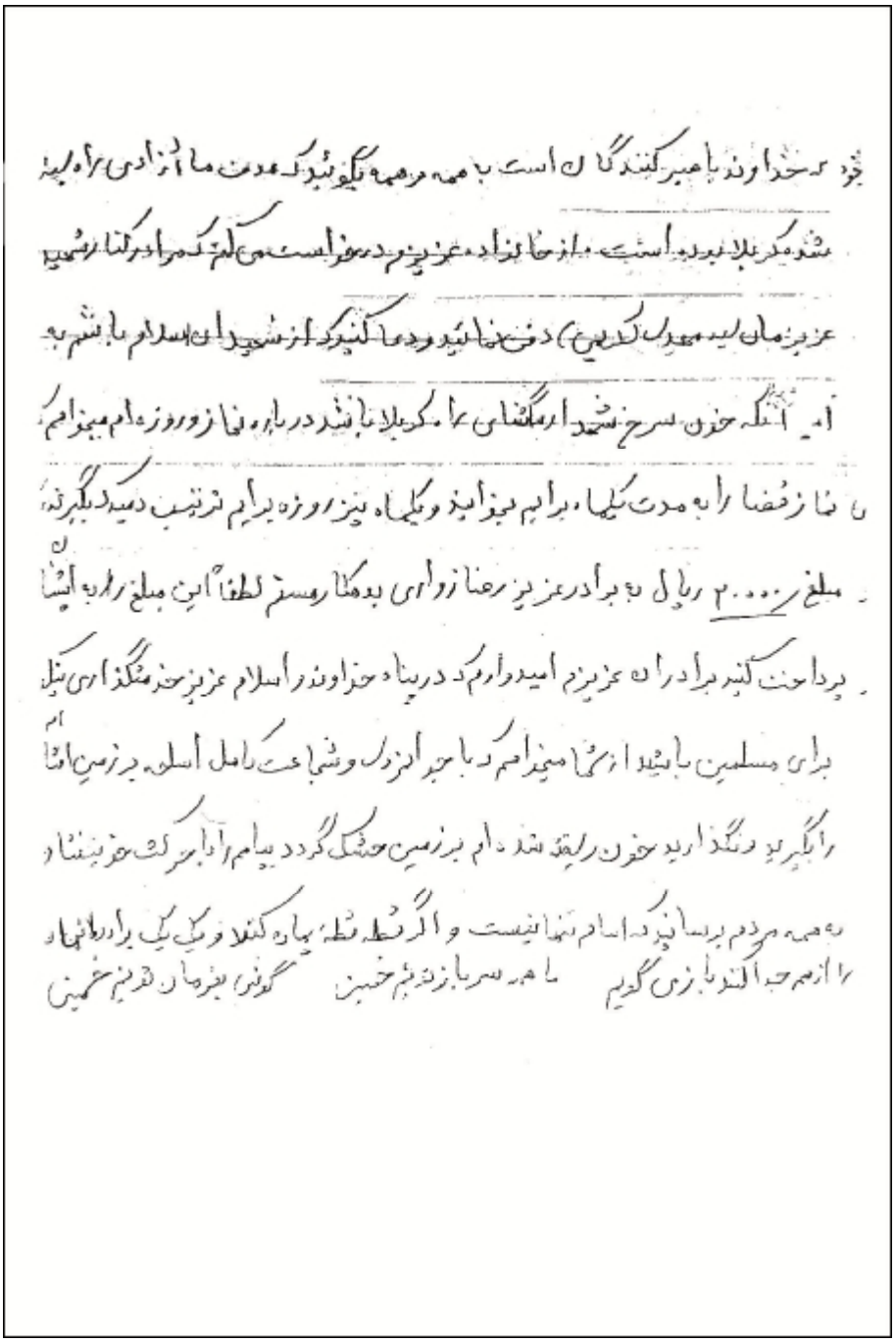
کردید و در میان دوستانش و اولیائش جای گرفته و علیه کفر جهان به جهاد بر

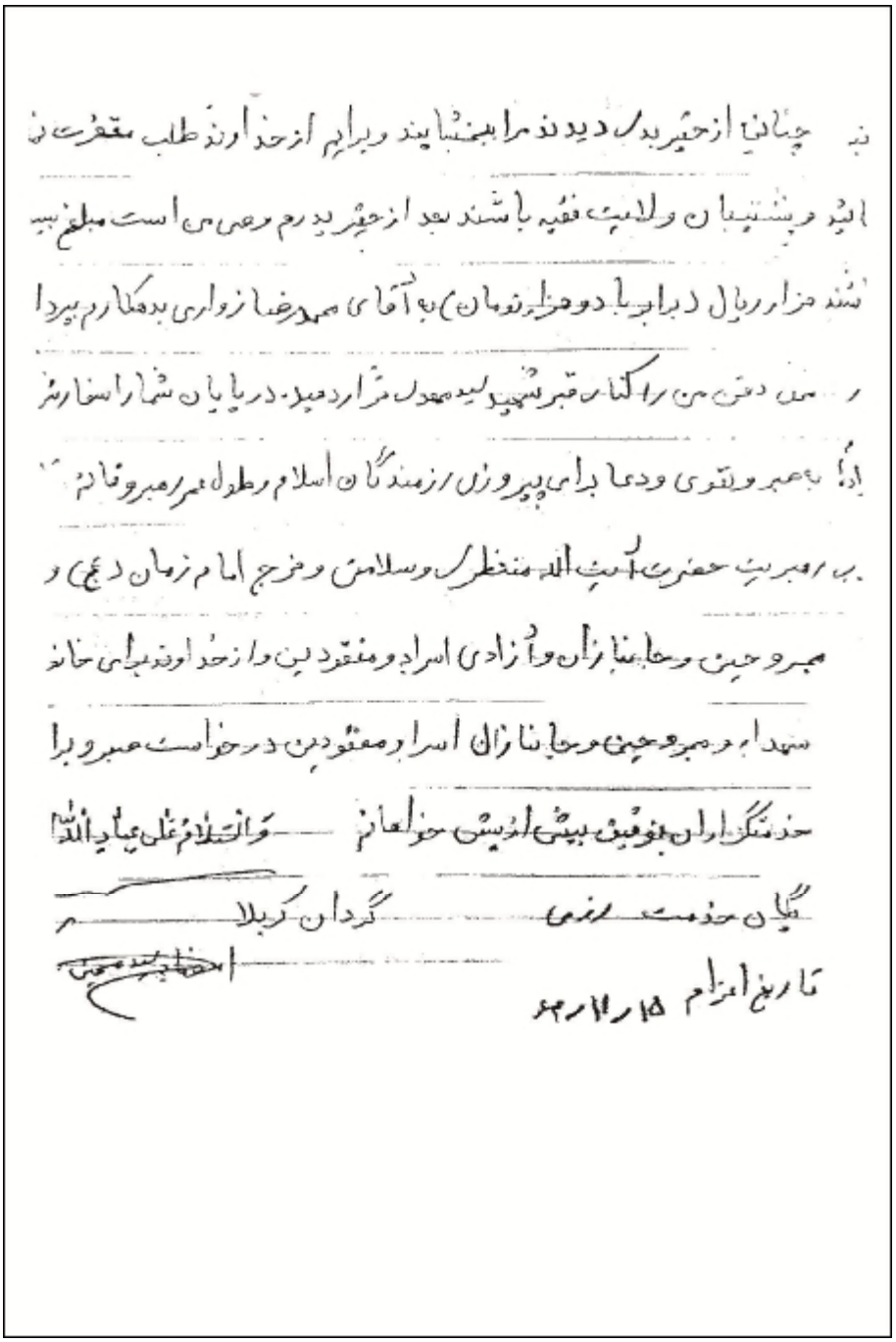
و از مدح به اوج سفر کردم

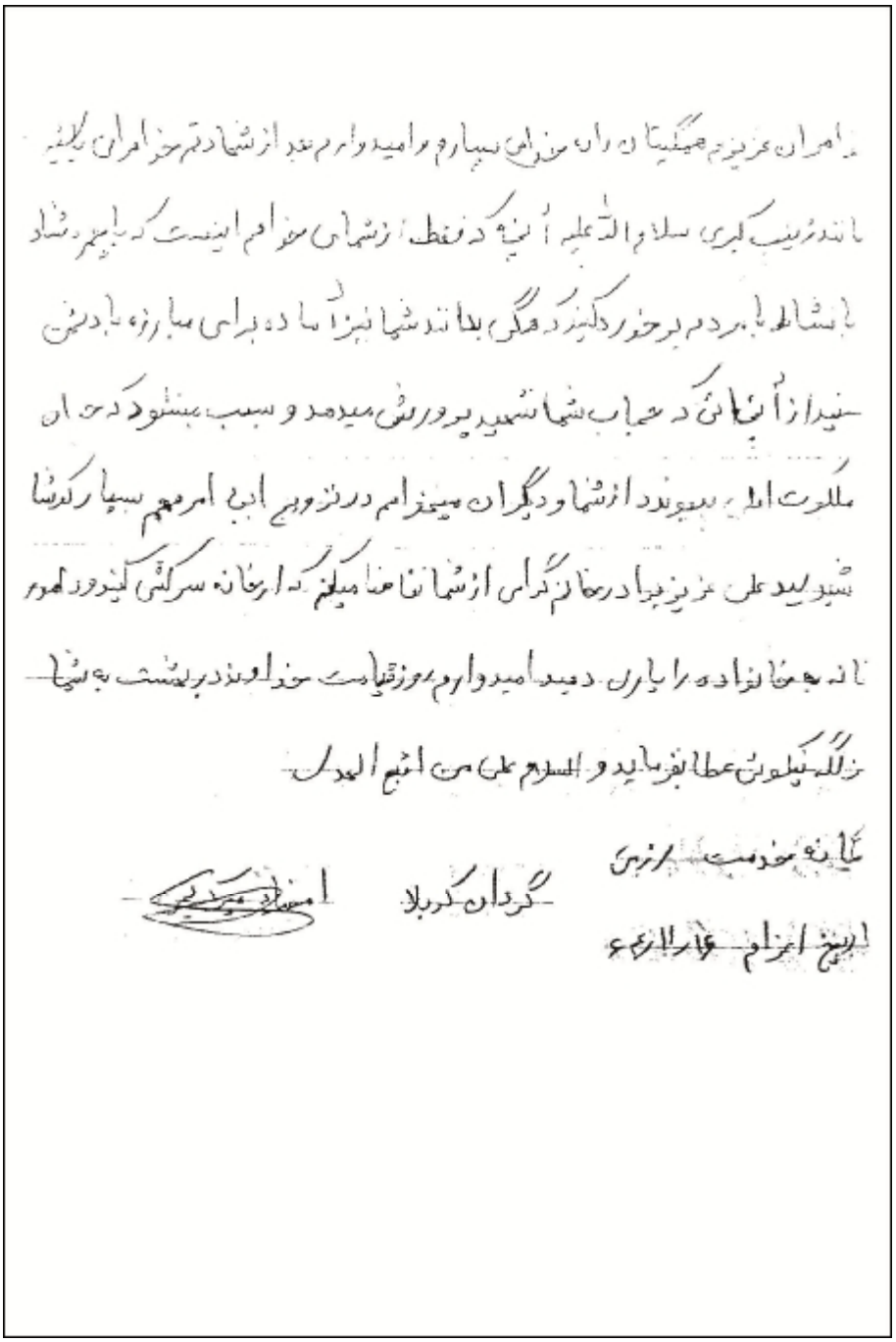
پدر و مادر عزیزم چنانچه شهادت در راه خدا نصیبم شد تنها چیزی که از شما می خ

این است که مرا ببخشید و اگر بدی دیدید از خیر احسان نمائید و به بزرگواری خود

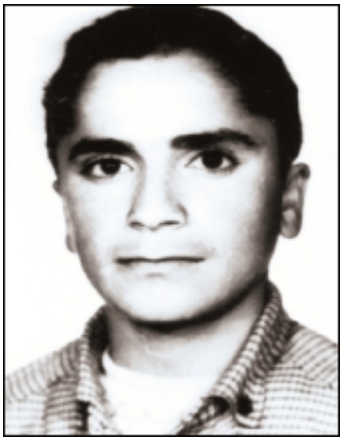












نام: **سید محمد**
نام خانوادگی: **میرکمالی**
نام پدر: **سید کمال**
نام مادر: **فاطمه**
تاریخ تولد: **پنجم تیر ۱۳۴۵**
محل تولد: **شهرستان بهشهر**
تحصیلات: **سوم متوسطه**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **بیست‌وششم شهریور۱۳۶۲**
محل شهادت: **سردشت**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش**
مزار: **گلزار شهدای روستای طاق از توابع شهرستان دامغان**

عبارت‌های کلیدی

- در کلام‌الله مجید کتاب آسمانی ما مسلمان آمده است که شهیدان زنده هستند و در نزد خداوند روزی می‌خورند.
- من هر موقع به شهیدان می‌نگرم احساس می‌کنم وظیفه‌ای بس سنگین بر دوشم است.
- هیچ از اینکه پست و مقامی بدست ما نرسد افسوس و غصه نمی‌خوریم.
- همیشه اگر می‌خواهید رستگار باشید با امام باشید تا در ظلمت تاریکی و جهل و نادانی نیفتید.
- هدف از جبهه رفتن من پاسخ به ندای «هل من ناصر ینصرنی» حسین زمانمان است که او را تنها نگذارید.
- انشاءالله بتوانیم کربلا و بعد از آن قدس را آزاد کنیم.

سیدمحمد میرکمالی

بسمه رب الشهدا و صدیقین

بسم الله الرحمن الرحیم

«وَلا تَحْسَبَنَّ الَّذینَ قُتِلُوا فی سَبیل الله أمواتاً بَلْ احْیاءٌ عِنْدَ رَبِّهُم یرزقُونَ فَرحینَ بما آتیهُمْ اللهُ مِنْ فَضْلِهِ وَ یستَبشِرونَ بالَّذینَ لَمْ یلْحَقُوبِهِمْ مِنْ خَلفِهِم الاّ خَوفٌ عَلَیهِم وَلاهُمْ یحْزَنُونَ.»[1]

«مپندارید کسانی که در راه خدا کشته شدند مردگانند بلکه زنده به حیات ابدی شدند و در نزد پروردگارشان روزی می‌خورند و آنان به فضل رحمتی که از خدا نصیبشان گردیده شادمانند و به آن مؤمنان که هنوز به آنها نپیوسته‌اند بعداً در پی آنها به راه آخرت خواهند شتافت مژده دهند که از مردن هیچ نترسند و از فوت متاع دنیا هیچ غم مخورند».

وصیت‌نامه اینجانب بنده حقیر سیدمحمّد میرکمالی فرزند سیدکمال شماره شناسنامه ۲۱۱ می‌باشد. که من بنده حقیر وضعیت و ناتوان در درگاه خداوند کوچکتر از آنم که برای پدر و مادرم و این امت حزب‌الله وصیتی بکنم چند چیز را لازم به تذکر دیدم که بیان می‌کنم.

دوباره با نام خدای شهیدان و درستکاران سخنم را آغاز می‌کنم پدرم و مادرم و بستگانم و برادرانم و خواهرانم و ای کسانی که با من آشنایی دارید و آشنایان و دوستانم، همانطور که در آیه کلام‌الله مجید کتاب آسمانی ما مسلمان آمده است که شهیدان زنده هستند و در نزد خداوند روزی می‌خورند و آنهایی که به درجه شهادت نایل[2] شوند شادمانند و باز اشاره می‌کند که مؤمنان در پی آنان می‌افتند و به سوی آخرت می‌روند.

بلی ما همان ادامه دهندگان راه شهیدانمان شهید فرجی‌زاده و شهید شیرپور و دیگران می‌باشیم که شهید فرجی‌زاده در طی سخنی که گفته بود که من هر موقع به شهیدان می‌نگرم احساس می‌کنم وظیفه‌ای بس سنگین بر دوشم است. بله اینچنین است. برادر

---

1. آل‌عمران/ ۱۶۹ ـ ۱۷۰.
2. در اصل وصیت «نائل».

شهید فرجی‌زاده هم دنبال کرده راه شهیدان است ۷۲ تن شهدای کربلا تا ۷۲تن شهدای ۷ تیر[1] و شهدای جنگ تحمیلی آن شهیدانی که جان خود را فدای اسلام کردند. ما هم ادامه می‌دهیم تا به هدف الهیمان برسیم که همان الله می‌باشد؛ و هیچ از اینکه کالا و پست و مقامی بدست ما نرسد افسوس و غصه نمی‌خوریم، چون پروردگارمان فرموده است و مژده و بشارت داده است که غم مخورید و ترس و واهمه به خود راه ندهید. آیا کلامی از این زیباتر می‌یابید؟ آیا کسی بهتر از خدا می‌یابید؟ که این چنین حقیقت را بگوید.

پس ای بستگانم غم و اندوه نخورید که چون من اگر در راه خدا شهید شدم شادمان هستم و شما هم شادمان باشید و راه مرا ادامه دهید و ای پدرم و مادرم و زن پدرم[2] و خواهرانم و برادرانم از شما عاجزانه درخواست می‌کنم که اگر شربت شهادت نصیب من شد دوست می‌دارم که گریه نکنید و اگر گریه می‌کنید جلوی مردم گریه نکنید چون منافقین[3] و طاغوتیان [از گذشته] خوشحال می‌شوند اگر آنها را خوشحال کنید خون مرا زیر پا گذاشته‌اند؛ و موضوع دیگر اینکه امام را تنها نگذارید و همیشه اگر می‌خواهید رستگار باشید با امام باشید تا در ظلمت تاریکی و جهل و نادانی نیفتید و بدانید که همیشه غالب هستید و دیگر دوست بدارید یاران امام را همانطور که امام خمینی[4] را دوست دارید.

هدف از جبهه رفتن من پاسخ به ندای «هل من ناصر ینصرنی»[5] حسین زمانمان است که او را تنها نگذارید که من می‌روم اگر شهید شدم به فرموده خداوند شادمانم و اگر فتح و پیروزی برای شما به ارمغان آوردم باز هم خوشحال می‌باشم و باید [این هم] بگویم که تن و روان و جسم و پوستم متعلق به خدا است و او روزی می‌گیرد و بهتر است که در راه اسلام بگیرد. که ان‌شاءالله بتوانیم کربلا و بعد از آن قدس[6] را آزاد کنیم؛ و اگر شهید شدم و

---

1. ر.ک. تعلیقات.
2. در اصل وصیت «زنپدرم».
3. ر.ک. تعلیقات.
4. در اصل وصیت «اما خمینی».
5. ر.ک. تعلیقات.
6. ک. تعلیقات.

امکان بود برای شما یعنی اینکه بدن من در دسترس بود و یا گم نشده بود در قبرستان روستای طاق دفن کنید. اگر شهید شدم چند عدد کتاب اسلامی که دارم به انجمن اسلامی روستای طاق هدیه کنید و نوارهایی که به من هدیه کرده بودند. شما هم به انجمن هدیه کنید. ان‌شاءالله.

و من نذر یا عهد کرده بودم که اگر به جبهه بروم با دشمن اسلام و ایران بجنگم اگر رفتم ۲۰ تومان توی صندوقِ تکیه ابوالفضل بیاندازید.

و ۵۰ تومان کمک به انجمن اسلامی روستای طاق بکنید اگر ان‌شاءالله رفتم. آن را بدهید؛ و در آخر[1]: خدای قلوب کسانی که از من ناراضی هستند راضی بگرداند[2].

(والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته)

دعای همه شهیدان:

خدایا و خدایا ترا به جان مهدی تا انقلاب مهدی خمینی را نگهدار.

وصیت‌نامه سیدمحمّد میرکمالی

1. در اصل وصیت «اواخر».
2. در اصل وصیت «بگردان».



سبحه‌ی الشهدا و صدیقین

بسم الله الرحمن الرحیم

وَلا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ

فَرِحِينَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَيَسْتَبْشِرُونَ بِالَّذِينَ لَمْ يَلْحَقُوا بِهِمْ مِنْ

خَلْفِهِمْ أَلَّا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ. (سوره آل عمران آیه ۱۶۹ - ۱۷۰)

سپاس و ستایش خدای را که شهدا را زنده نگاه داشت و به حیات ابدی رساند و در نزد پروردگارشان روزی می‌خورند و آنان به فضل رحمتی

که از خدا نصیبشان گردیده شاد و خرسندند و به آن کسان که هنوز به آنها نپیوسته‌اند بعد از پی آنها بشارت خواهند شنافت مژده دهند

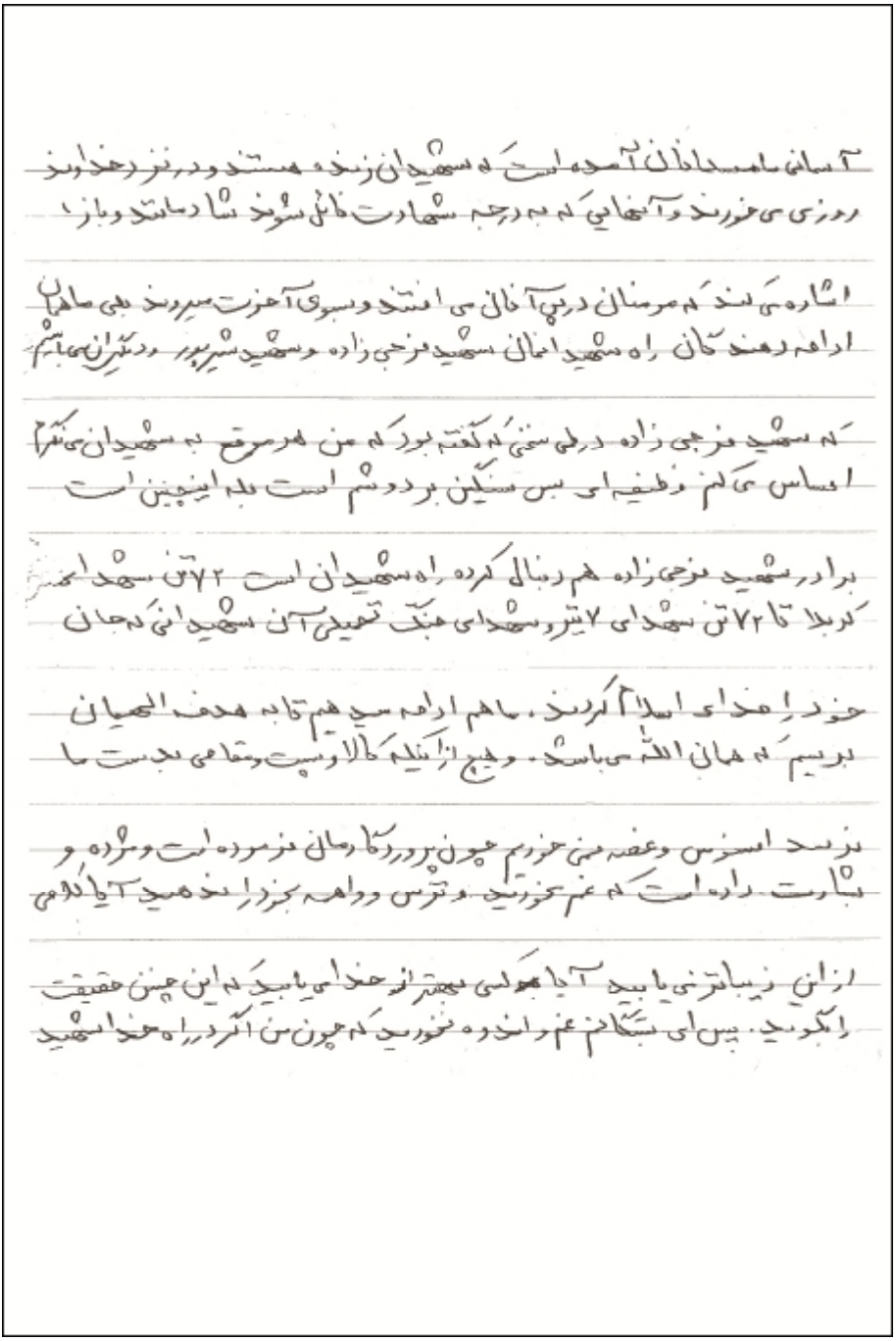
که از مردن هیچ نترسند و از فوت متاع دنیا هیچ غم نخورند.

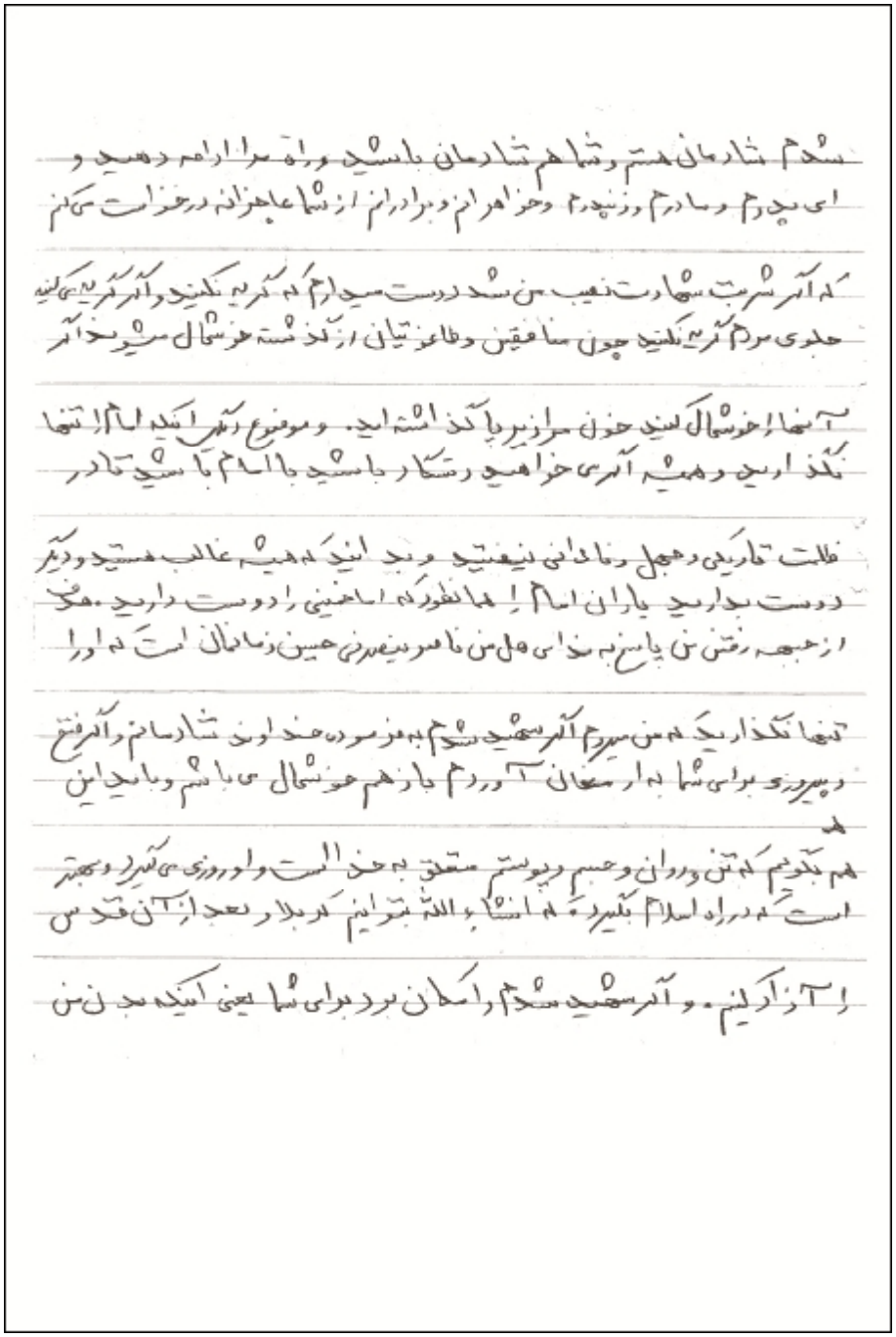
وصیت‌نامه اینجانب بنده حقیر سید محمد میرخانی فرزند سید جلال شماره شناسنامه ۲۱۱ می‌باشد. که من بنده حقیر و ضعیف و ناتوان درگاه خداوند

کوچکتر از آنم که برای بچه‌ها و مادرم و این لشکر حزب‌الله وصیتی بکنم هیچ چیز

الزام به تکرار ندیدم که بیان می‌کنم دوباره بانام خدای شهیدان و درشتاران

بسم آغاز می‌کنم پدرم و مادرم و برادرانم و خواهرانم و برای کسانی که با من آشنایی دارید و آشنایان و دوستانم همانطور که در آیه کلام الله مجید کتاب





در دسترس بود و یا گم نشده بود در قبرستان و روستا طاق دفن کنید.

اگر شهید شدم چند عدد کتاب اسلامی دارم به انجمن اسلامی روستای طاق هدیه کنید و نوارهایی که به من هدیه کرده بودند شما هم به انجمن هدیه کنید انشاءالله.

و من نذر و یا عهد کرده بودم که اگر به جبهه بروم با دشمن اسلام و ایران بجنگم اگر رفتم ۲ تومان نزد مسذق علیه ابوالفضل بیانذارید.

و ۵۰ تومان نگذارید به انجمن اسلامی روستای طاق بدهید اگر انشاءالله رفتم. آن را بدهید. و در اواخر: خدای قلوب ما را از من ما راضی هستند راضی بگردان.

(والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته)

دعای همه شهیدان:

خدایا روزیا تو را بجان مهدی تا انقلاب مهدی خمینی را نگهدار.

وصیت ناصر سید محمد میرکمالی

۱۳۶۱/۹/۱۷



نام: **سید حسن**
نام خانوادگی: **میری**
نام پدر: **ایوب**
نام مادر: **ساره**
تاریخ تولد: **دهم شهریور ۱۳۴۷**
محل تولد: **روستای جودانـه از توابـع شهرستان شاهرود**
تحصیلات: **پایان دوره ابتدایی**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **دوازدهم شهریور ۱۳۶۴**
محل شهادت: **هورالعظیم**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش**
مزار: **گلزار شهدای زادگاهش**

عبارت‌های کلیدی

- اگرچه خود را بیشتر از هر کس محتاج وصیت و پند و اندرز مـی‌دانـم، از خداونـد منـان تمنـا می‌کنم قدرتی به بیان من عطا فرماید که بتوانم از زبان یک شهید دست به قلم ببرم.
- دلم می‌خواهد برادرانم راه من را ادامه دهند.
- از خواهرانم می‌خواهم در اسلامی بودن خودشان نمونه باشند.
- از امت شهیدپرور می‌خواهم که دعا را فراموش نکنند که این دعاهاست که دشـمن را شکـست می‌دهد.

سیدحسن میری

بسم الله الرحمن الرحیم

به نام خدا

سلام‌علیکم[۱]

با نام الله پاسدار حرمت خون شهیدان[۲] از کربلای[۳] حسین(علیه‌السلام)[۴] گرفته تا کربلای ایران. درود[۵] به پیشگاه[۶] مقدس امام زمان(عج) و نایب بر حقش امام امت و درود[۷] بر پیکر پاک شهیدان[۸] و سلام بر خانواده‌های شهدا و سلام بر معلولین و مجروحین جنگ. با یاد و نام خدا و شهادت بر یگانگی او و شهادت بر رسالت فرستاده او محمد بن عبدالله (صلی‌الله علیه و اله وسلّم[۹]) و شهادت بر ولایت علی ابن ابیطالب(علیه‌السلام) چند کلامی به عنوان وصیت‌نامه عرض می‌کنم اگرچه خود را بیشتر از هر کس محتاج وصیت[۱۰] و پند و اندرز می‌دانم.

قبل از آغاز سخن از خداوند منان تمنا می‌کنم قدرتی به بیان من عطا فرماید که بتوانم از زبان یک شهید دست به قلم ببرم. چرا که جملات من اگر لیاقتی پیدا شد و مورد عفو و رحمت الله قرار گرفتم و توفیق و سعادت شهادت را پیدا کردم، تحت عنوان پرافتخار آخرین وصایای شهید با معیارها و شناختی که او از الله پیدا نموده، در زمان نوشتن این وصیت‌نامه از مغز قاصر من، فرسنگ‌ها فاصله دارد. این حقیر نای نوشتن ندارم و آنچه

---

1. در اصل وصیت «عیلکم».
2. در اصل وصیت «شهدان».
3. در اصل وصیت «کربلاء».
4. در اصل وصیت «حسین».
5. در اصل وصیت «دورد».
6. در اصل وصیت «پشگاه».
7. در اصل وصیت «دورد».
8. در اصل وصیت «شهدان».
9. در اصل وصیت «صلم».
10. در اصل وصیت «وصت».

هست پیام شهدایی[۱] است که من رسالت رساندن پیام آنها را بر دوش خود احساس می‌کردم. و درود[۲] بر پدر و مادرمان که ما را از کوچکی[۳] تربیت کرده و گذاشتند در این راه پرسعادت شرکت کنیم و من توفیق یافتم به جبهه بیایم که راه رفتگان[۴] را[۵] ادامه دهم و من اسلحه بر دستم همچون کوهی استوار و [همچون] دریای خروشان.

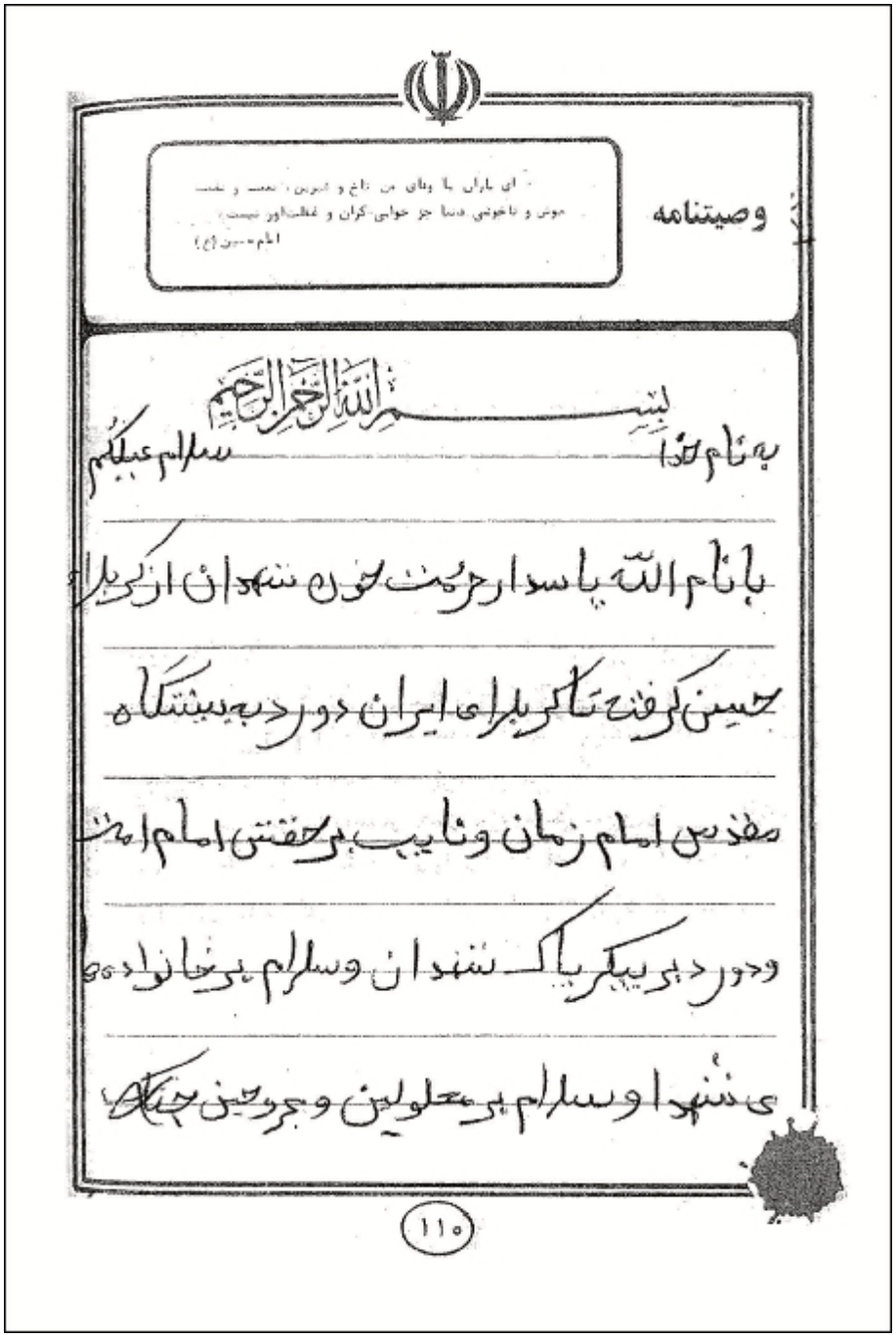
بنده سید حسن میری هستم که [سنم][۶] ۱۵ ساله هستم و من دلم می‌خواهد برادرانم راه من را ادامه دهند و از برادران و خواهرانم هر چند از من بدی در خانه دیده‌اند، مرا به مهربانی خودشان ببخشند و مرا حلال[۷] کنند و من از پدر و مادرم می‌خواهم مرا به مهربانی خودشان ببخشند و از خواهرانم می‌خواهم در اسلامی بودن خودشان نمونه باشند و از پدربزرگ خوبم می‌خواهم اگر شهید شدم برای من کم خرج کنند [و تمنا می‌کنم شهدا زنده‌اند]. قبرم را تمیز[۸] نگه دارند و یک عکس رنگی[۹] برایم بسازند.

و از امت شهیدپرور می‌خواهم که دعا را فراموش نکنند که این دعاهاست که[۱۰] دشمن را شکست می‌دهد از کوچک و بزرگ می‌خواهم به دعا متوسل شوند[۱۱] درود[۱۲] و سلام

1. در اصل وصیت «شهدائی».
2. در اصل وصیت «دورد»
3. در اصل وصیت «گوچکی»
4. در اصل وصیت «رفته‌گان».
5. در اصل وصیت «راه».
6. در اصل وصیت «سن م».
7. در اصل وصیت «هلال»
8. در اصل وصیت «تمیزه».
9. در اصل وصیت «رنگین».
10. در اصل وصیت «هست دشمن».
11. در اصل وصیت «بپیوندند».
12. در اصل وصیت «دورد».

فراوان بر خدا که رسول فرستاد و ملت را[1] به دین هدایت کرد درود[2] بـر خـدا کـه مـا [را] آزاد گذاشت[3] که اسم پاکیزه خودش را بخوانیم.

1. در اصل وصیت «فرستاد ملت به».
2. در اصل وصیت «دورد».
3. در اصل وصیت «گذشت».



وصیتنامه

ای یاران با وفای من داغ و غربتی، محنت و غصه
حزن و ناخوشی دنیا جز خواهی گران و غفلت‌آور نیست.
(امام حسین (ع))

بسم الله الرحمن الرحیم

به نام خدا — سلام علیکم

با نام الله پاسدار حریمت خون شهدان ازکی بلا

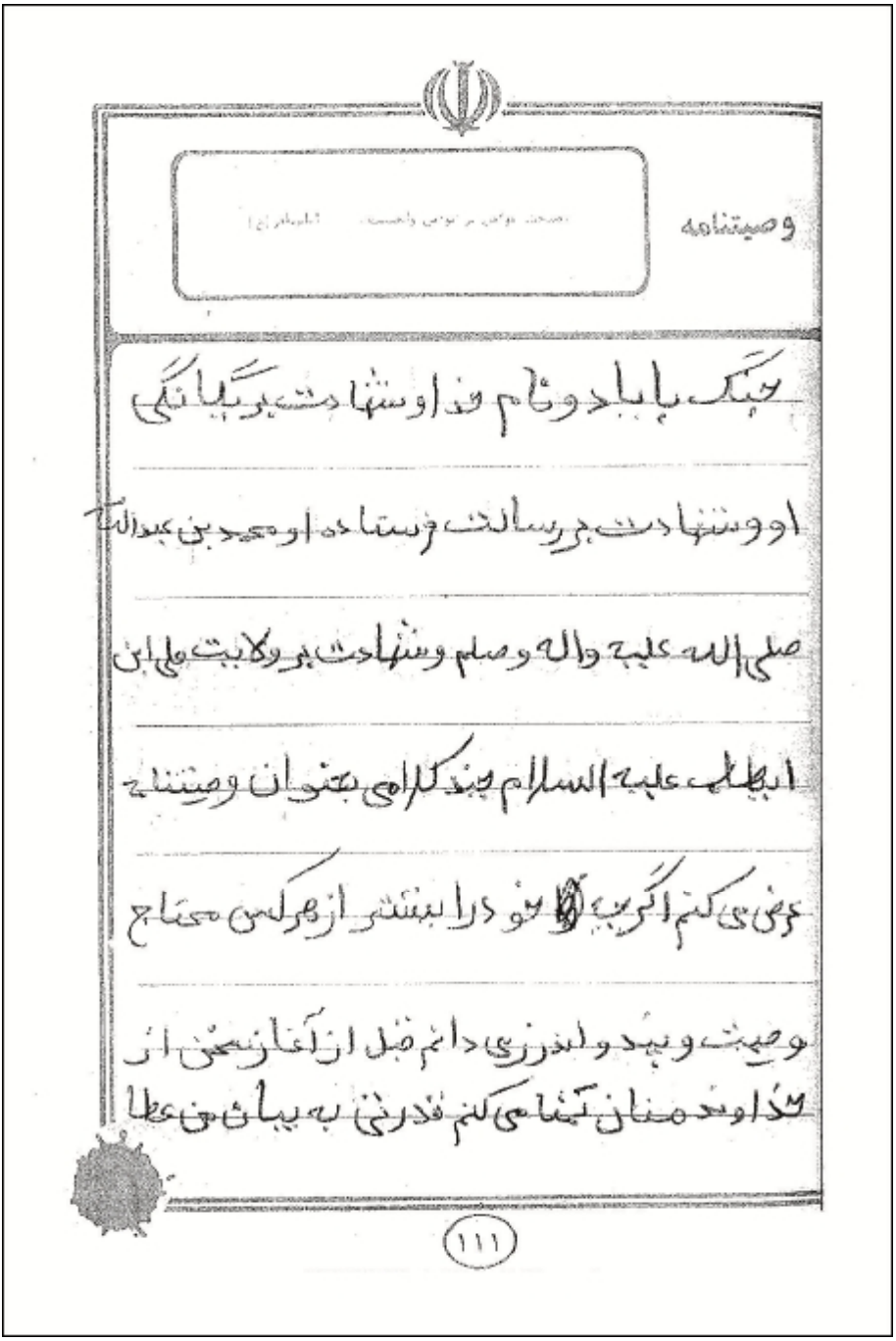
حسین کرفتح تاکربلای ایران دوردیه بینتکاه

مقدس امام زمان ونایب برحقتش امام امت

ودوردیه پیکر پاک شهدان وسلام بی خانواده

ی شهدا وسلام بی معلولین وجردحین جنگ

۱۱۰



وصیتنامه

بنام خدا و شهادت بر یگانگی

او و شهادت بر رسالت فرستاده او محمد بن عبدالله

صلی الله علیه و آله و سلم و شهادت بر ولایت علی ابن

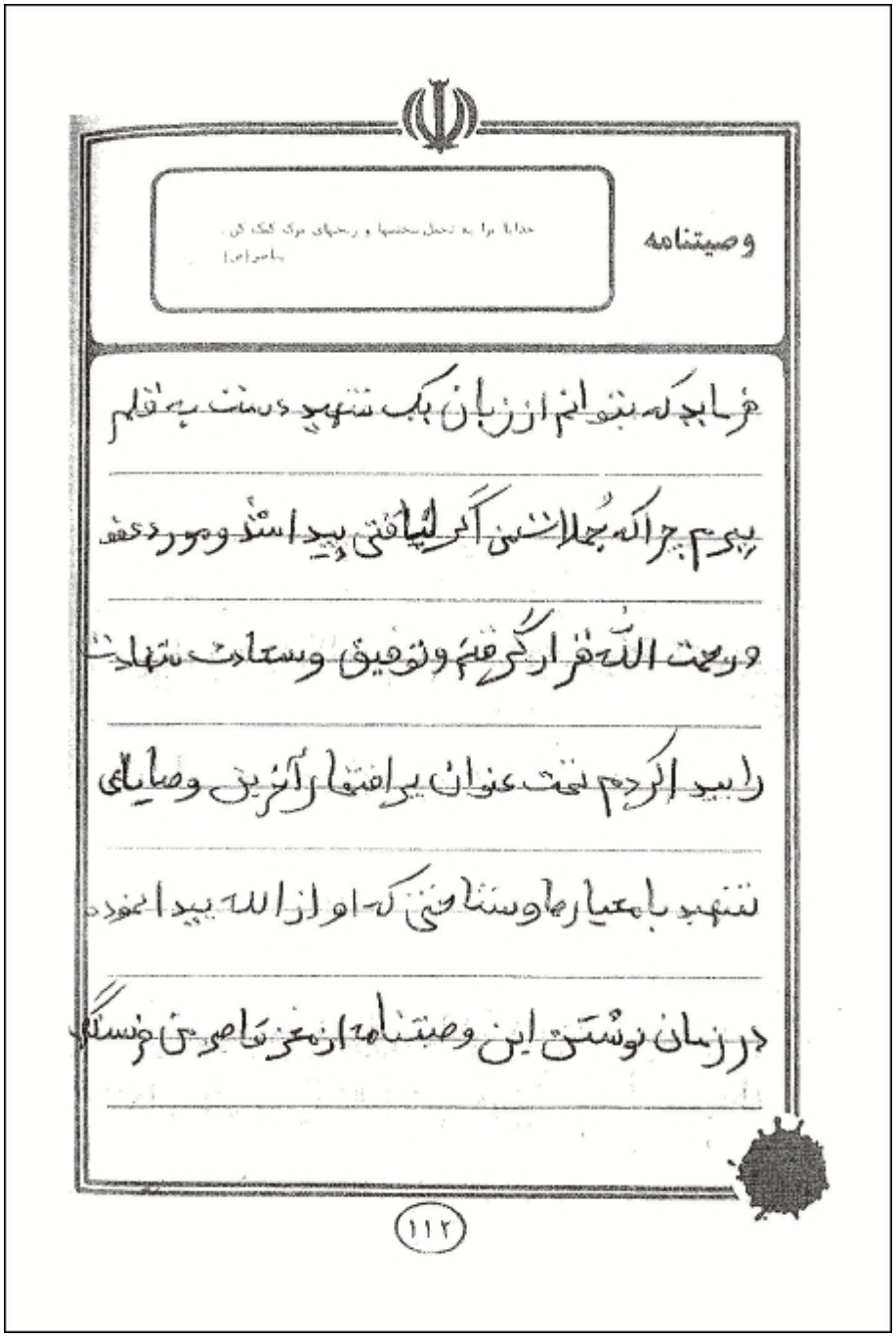
ابیطالب علیه السلام بند کرامی بنوان وصیتنامه

عرض می کنم اگر به [redacted] خود را بیشتر از هرکس محتاج

وصیت و پند و اندرزی دائم قبل از آغاز سخن از

خداوند منان تمنا می کنم قدرتی به بیان من عطا

۱۱۱

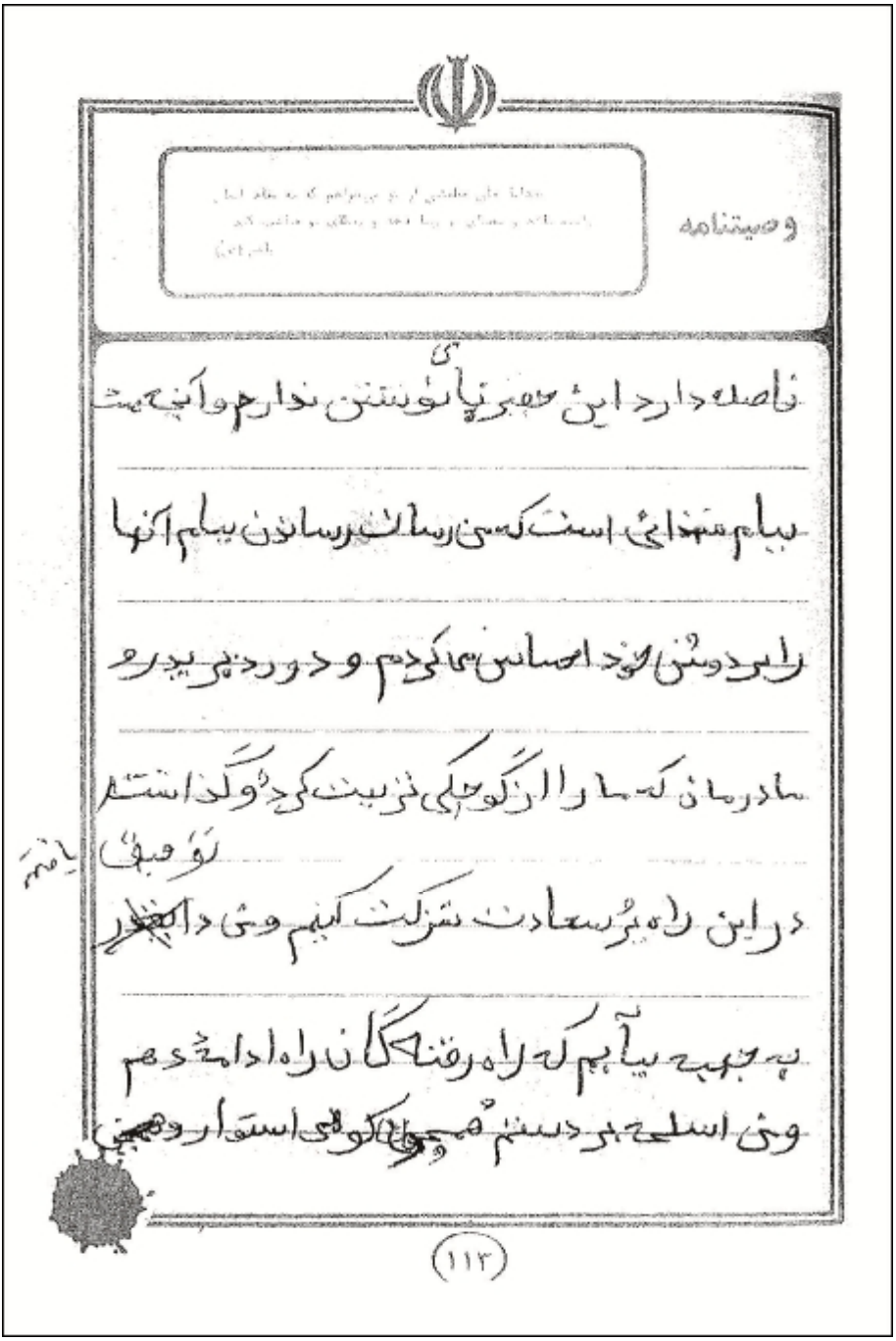


وصیتنامه

خدایا مرا به تحمل سختیها و رنجهای مرگ کمک کن
یا امیرالمؤمنین

خدایا که بتوانم از زبان یک شهید دست به قلم
ببرم چرا که جملاتی اگر لیاقتی پیدا شد و مورد عفو
و رحمت الله قرار گرفتم و توفیق و سعادت شهادت
را پیدا کردم تحت عنوان یکی از آخرین وصایای
شهید با معیارها و ارزشهایی که او از اسلام پیدا نموده
در زمان نوشتن این وصیتنامه از مغز ناصر من خونگرم

۱۱۲



وصیتنامه

ناصله دارد این جهبر پا تو شتن ندارم و آنچه مث

بیام منهای است که من رسالت رسانون بیلم آنها

را بر دوش خود احساس می کردم و در دنیا پدر و

مادرمان که ما را از کوچکی تربیت کرد و گذاشته

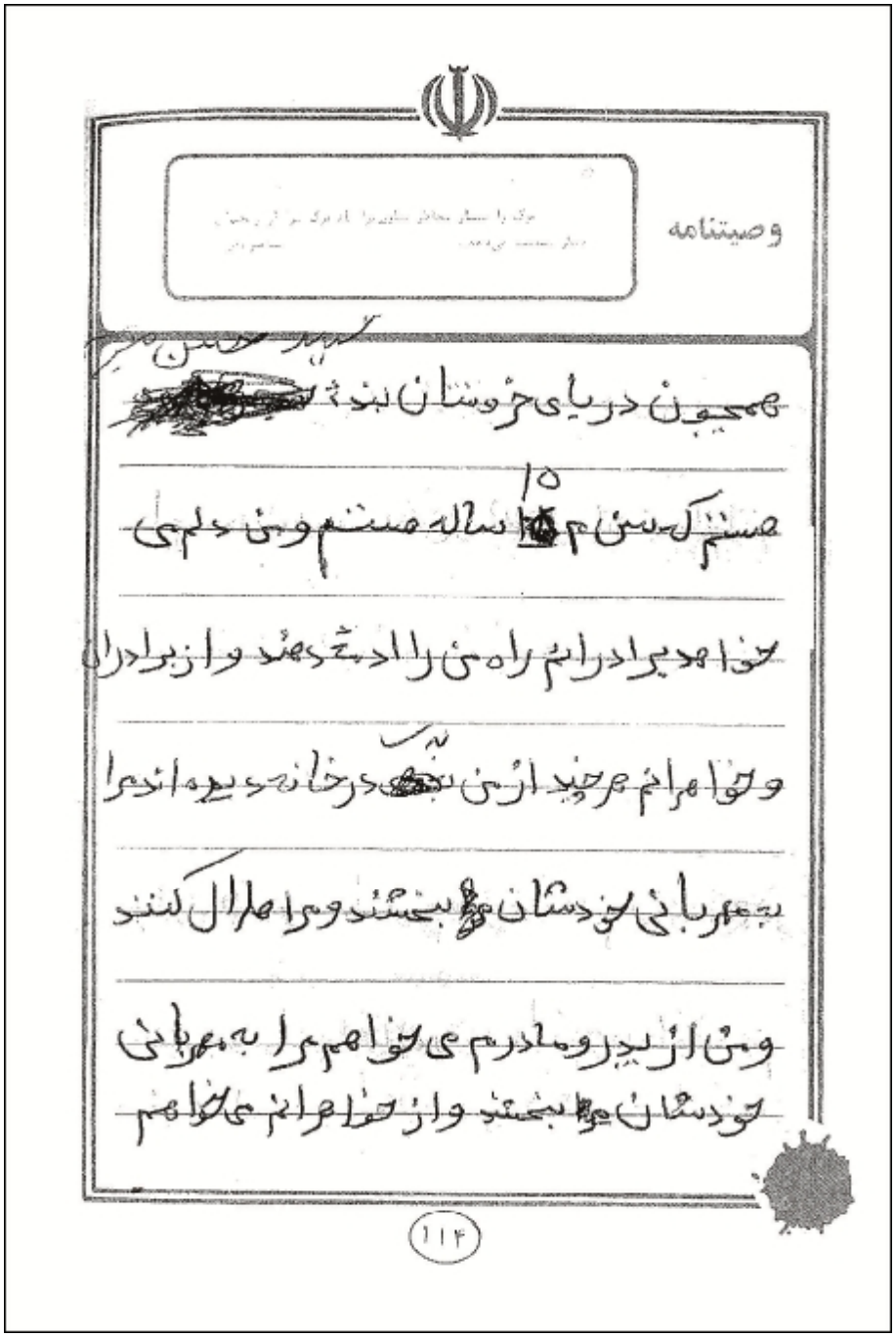
توفیق یافته

در این راه پر سعادت شرکت کنیم و ش دا بطور

به جبهه بیایم که راه رفتگان راه ادامه دهم

و ش اسلحه بر دستم می گیرد و می کوشم استوار و

(۱۱۳)



وصیتنامه

همچون دریای خروشان بنده [redacted]

هستم که سن ۱۵ سالگی هستم و من دلم می

خواهد برادرانم راه من را ادامه دهند و از برادران

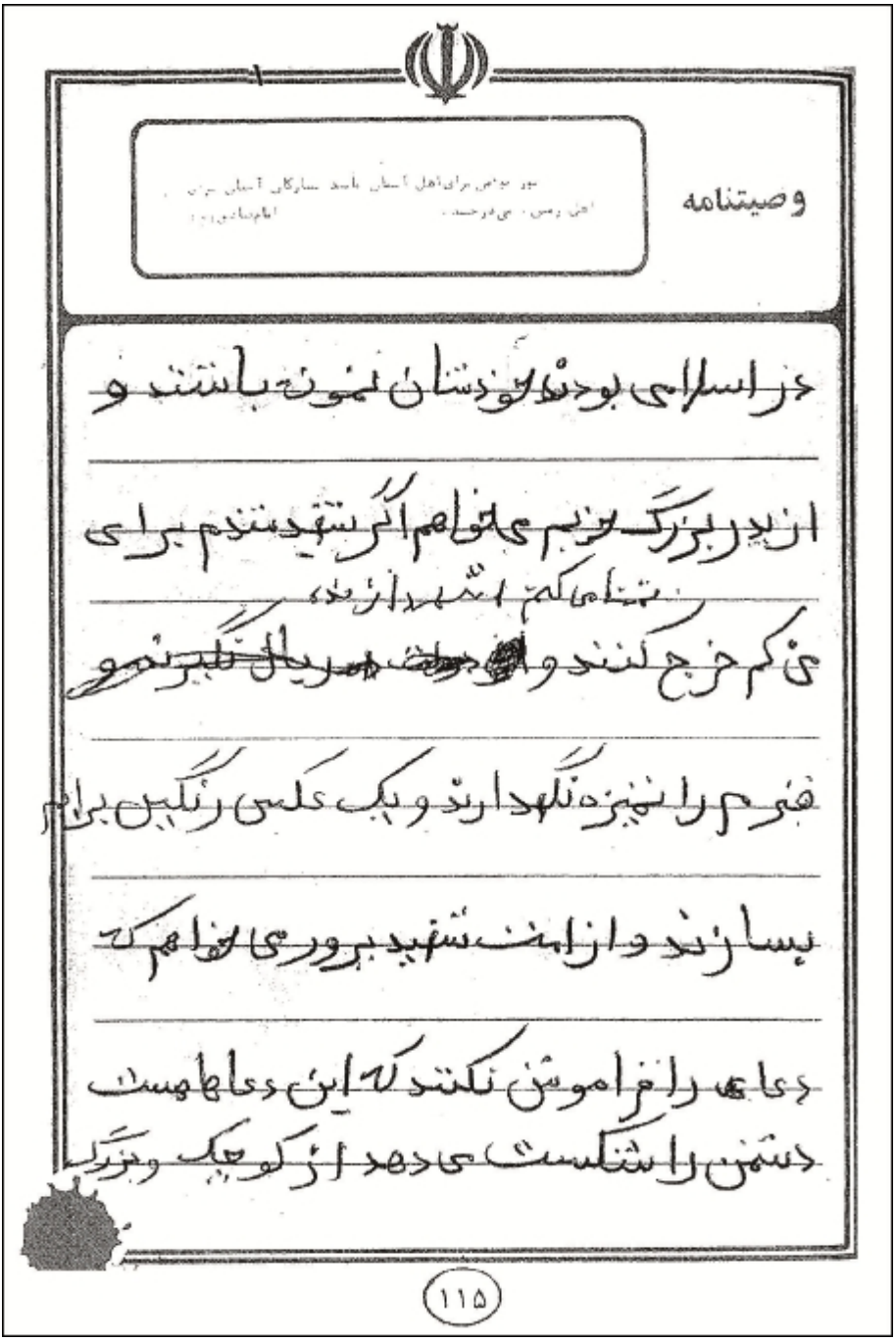
و خواهرانم هرچند از من [redacted] در خانه دیده اند را

به مهربانی خودشان ببخشند و حلال کنند

و من از پدر و مادرم می خواهم را به مهربانی

خودشان ببخشند و از خواهرانم می خواهم

۱۱۴



وصیتنامه

از اسلامی بودن دوستان نمونه باشند و

از پدر بزرگ بزرگوارم اگر شهید شدم برای

تشییع جنازه شهدا از ده

کم خرج کنند و [illegible] ریال نگیرند و

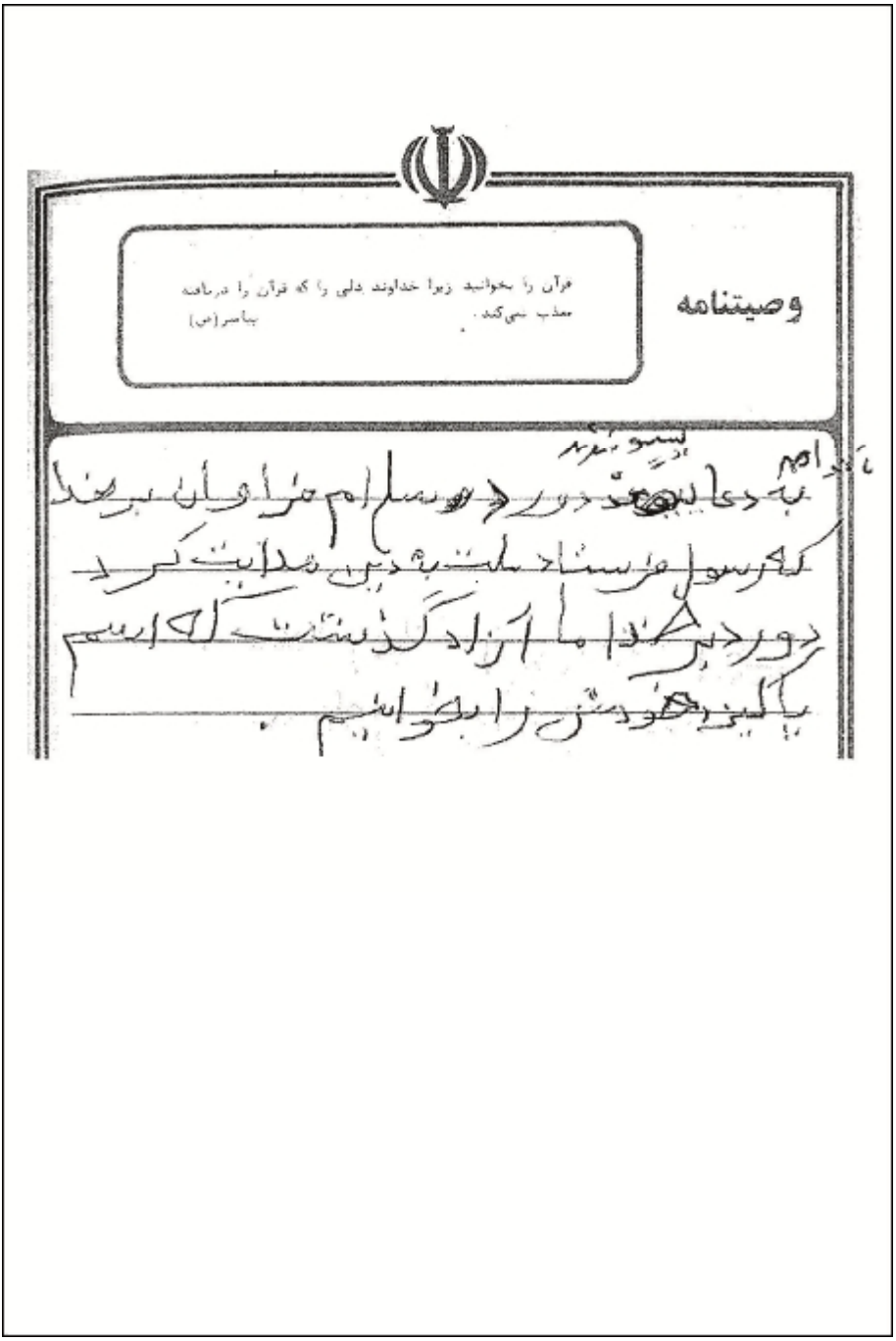
فرم را نیز نگاه دارند و یک عکس رنگین برای

بسازند و از امت شهید بروری خواهم که

دعا را فراموش نکنند که این دعاها هست

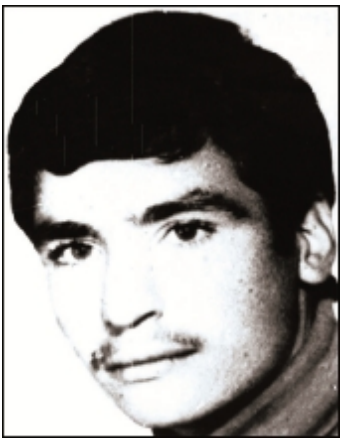
دشمن را شکست می دهد از کوچک و بزرگ

۱۱۵



قرآن را بخوانید زیرا خداوند دلی را که قرآن را درنامه معذب نمی‌کند.
پیامبر(ص)

وصیتنامه



نام: **سیدعلیرضا**
نام خانوادگی: **میری**
نام پدر: محمد
نام مادر: **معصومه**
تاریخ تولد: **یکم تیر ۱۳۴۵**
محل تولد: **روستای طرود از توابع شهرستان شاهرود**
تحصیلات: **پایان دوره راهنمایی**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **شانزدهم آبان ۱۳۶۲**
محل شهادت: **پنجوین عراق**
نحوهٔ شهادت: **اصابت گلوله و ترکش**
مزار: **گلزار شهدای زادگاهش**

عبارت‌های کلیدی

- تنها آرزویم پیروزی و پیشرفت اسلام و شهادت در راه خداست.
- ای کسانی که رسالت زمینی دارید، صدای من و شهیدان را به گوش جهانیان برسانید.
- یک خواهش از شما داریم و آن این است که امام را دعا کنید و نگذارید خدای نکرده تنها بماند.
- ای گروهک‌های ضد اسلام و ای نوکران حلقه به گوش آمریکا تا دیر نشده به اسلام برگردید و از سر راه این امّت و امام دور شوید.
- اگر شهید شدم هیچ ناراحت نباشی و راه شهادتم در راه خدا بوده است.
- به گفتهٔ قرآن «شهیدان زنده هستند و نزد خدایشان روزی دارند.
- به برادرانم بگویید که راهم را ادامه بدهند
- من با آگاهی تمام و دید کامل این راه را که همان راه حسین (علیه‌السلام) است انتخاب نموده و به ندای «هَلْ مِنْ ناصِرٍ یَنْصُرَنی» حسین (علیه‌السلام) که از حلقوم خمینی کبیر بیرون آمده است لبیک گفتم.

سیدعلیرضا میری

بسم الله الرحمن الرحیم

بسم اللهِ القاصِمِ الجَبّارین

«أَلَّذینَ آمَنوا وَ هاجَروا و جاهَدُوا[1] فی سَبیل اللهِ بِأموالِهِمْ و أَنْفُسَهِم أعْظَمُ دَرَجَةً عِندَالله اولئک هُمْ الفائزون.»[2]

«آنان که ایمان آوردند و از وطن هجرت گزیدند و در راه خدا با مال و جانشان جهاد کردند آنان را نزد[3] خدا مقام والایی است و آنان بخصوص رستگاران و سعادتمندان دو عالمند.» «قرآن کریم، سورهٔ توبه آیه ۲۰»[4]

با سلام بر مهدی (عج) و نایب[5] بر حقش خمینی کبیر و شهید مظلوم دکتر بهشتی[6] و شهیدان سوخته، رجایی[7] و باهنر[8] و شهیدان محراب، مدنی[9] و دستغیب[10] و صدوقی[11] عزیز و تمامی رزمندگان در جبههٔ نبرد حقّ علیه باطل.

وصیت‌نامه خود را آغاز می‌کنم. من علیرضا میری فرزند محمّد متولد سال ۱۳۴۵ دارای شمارهٔ شناسنامهٔ ۱۲ صادره از طرود می‌باشم که در مورخهٔ ۱۳۶۱/۴/۱۹ عهد با معبود خود بسته و روانهٔ جبهه‌های نبرد حق علیه باطل شدم و تنها آرزویم پیروزی و پیشرفت اسلام و شهادت در راه خداست.

---

1. در اصل وصیت «جاهدو».
2. توبه/ ۲۰.
3. در اصل توصیت «نز».
4. در اصل وصیت توبه آیه ۱۹.
5. در اصل وصیت «نائب».
6. ر.ک. تعلیقات.
7. ر.ک. تعلیقات.
8. ر.ک. تعلیقات.
9. ر.ک. تعلیقات.
10. ر.ک. تعلیقات.
11. ر.ک. تعلیقات.

برادر و خواهر حزب‌اللهی در این وقت و مکانی که برایت پیام می‌نویسم در حساسترین موقعیت قرار دارم ساعت ۶ صبح است در حالی که در قلب دشمن زبون قرار گرفته‌ام. برادران منتظر شهادتم و عمرم [که] در این دنیا به پوچی و بیهوده گذرانده[1] شده است، اکنون به لحظه و ساعت و دقیقه‌شماری افتاده است، هم‌چون مجرمی که محاکمه می‌شود از ترس خدا به خود می‌لرزم... و شما ای پیام‌رسانان خون شهیدان و ای کسانی که رسالت زینبی دارید، پیام من و شهیدان را به گوش جهانیان برسانید و هر چند ما کوچکتر از آنیم که برای این امّت شهیدپرور [پیام بدهیم] به هر حال ما یک خواهش از شما داریم و آن این است که امام را دعا کنید و نگذارید خدای نکرده تنها بماند...

و شما ای گروهک‌های ضد اسلام و ای نوکران حلقه به گوش آمریکا تا دیر نشده به اسلام برگردید و از سر راه این امّت و امام دور شوید. در غیر این صورت به‌زودی هلاک خواهید شد.

اینک سخنی با پدر و مادرم! سلام بر تو ای پدرم تو باید به هیچ وجه[2] [ناراحت] نباشی[3][4] چون هدیه‌ای را که در راه خدا می‌دهی دیگر نباید آن را از خدا بخواهی و باری پدر جان اگر زنده ماندم چند روز دیگر برمی‌گردم هیچ ناراحت نباش روزی که می‌خواستم بر خصم زبون حمله بَرَم به هر طرف که نگاه کردم ترا ندیدم.

پدر جان از تو خواهش می‌کنم که مرا حلال کن و امیدوارم که اگر شهید شدم هیچ [ناراحت][5] نباشی و راه شهادتم در راه خدا بوده است و به گفتهٔ قرآن «شهیدان زنده هستند و نزد خدایشان روزی دارند»[6] و سلام بر تو ای مادرم مادر مجاهدم که [در] سراسر

1. در اصل وصیت «گذرنده».
2. خوانا نیست.
3. از سیاق کل برمی‌آید که افتاده است.
4. در اصل وصیت «به هیچ وجه نباشی».
5. در اصل وصیت «هیچ نباشی».
6. ترجمه بخشی از سوره آل عمران آیه۱۶۹ است. «و لاتحسبن الّذین قتلوا فی سبیل‌الله امواتاً بل احیاء عند ربّهم یرزقون».

زندگی‌ات [را] درس انسان بودن به [ما آموختی][1] و توی ای مادرم که خط و مشی سالار شهیدان حسین (علیه‌السلام) را به من آموختی، مبادا در مرگ من شیون کنی و بر سر بکوبی و در دوری من اشک بریزی، من حاضر نیستم که حتی یک قطره هم [...][2] برایم بگریید، زیرا در آن دنیا پیش فاطمه زهرا(علیهاالسّلام) خجالت زده و شرمنده هستم و بجای گریه کردن یک خواهش از شما دارم و آن این است که، پیام خونم را به مردم برسانید و بگویید که فریاد «ناصر ینصُرنی»[3] امام خمینی از کوه‌های غرب و جنوب هنوز به گوش می‌رسد و قلب عاشقان در راه خودش را می‌سوزاند به برادرانم بگویید که راهم را ادامه[4] بدهند و مرا در کنار چهار تن شهید دیگر [دفن کنید][5] اینکه مبادا بر سنگ قبرم بنویسید شهید ناکام که شربتی شیرین‌تر از شربت شهادت نیست. والسّلام علیکم و رحمت‌الله و برکاته.

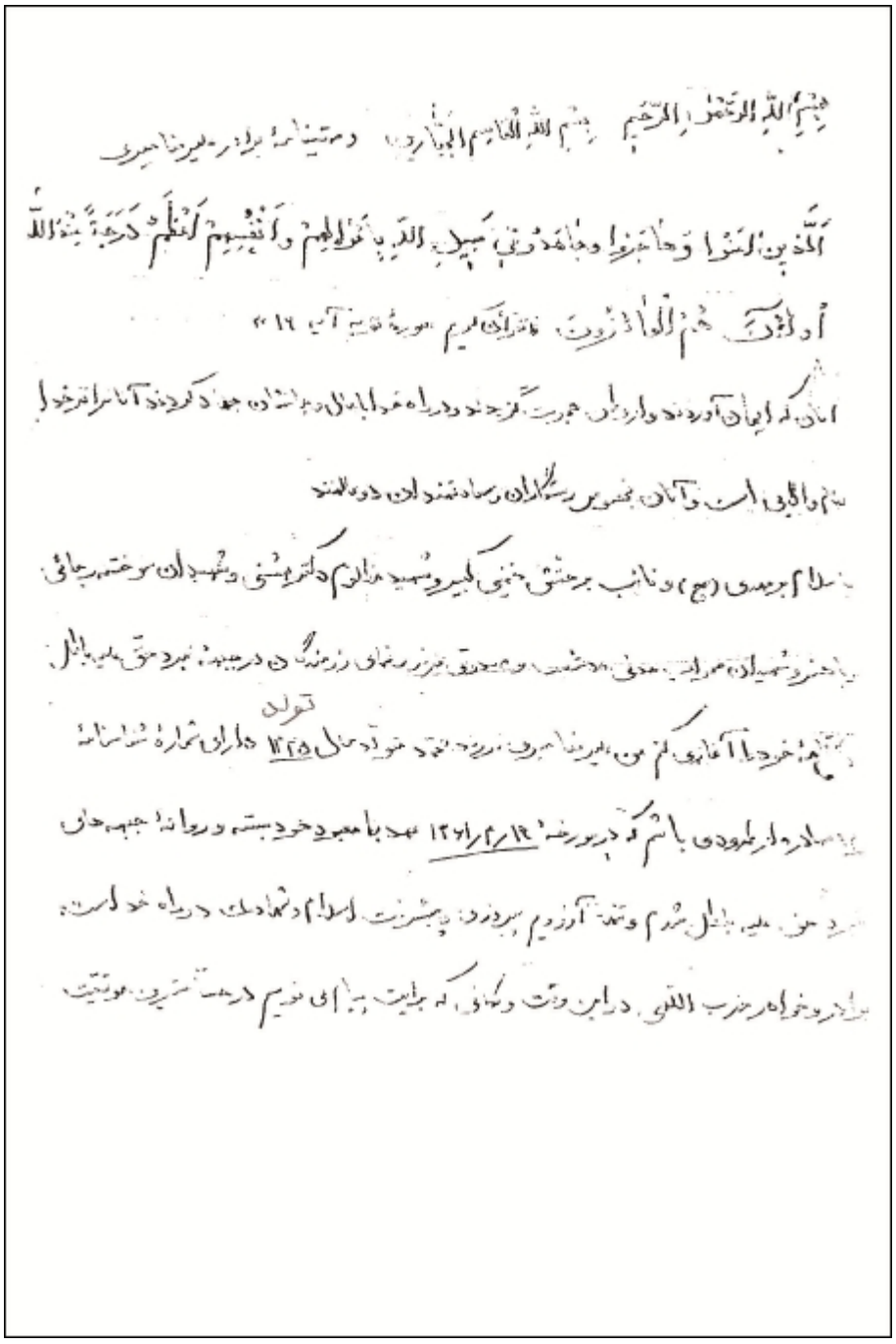
خدایا خدایا تا انقلاب مهدی خمینی را نگهدار از عمر ما بکاه و بر عمر او بیفزا قسمتی دیگر از وصیت‌نامه: من با آگاهی تمام و دید کامل این را که همان راه حسین (علیه‌السلام) است انتخاب نموده و به ندای «هَلْ مِنْ ناصِراً ینْصَرْنی» حسین (علیه‌السلام) که از حلقوم خمینی کبیر بیرون آمده است لبیک گفتم.

دلم می‌خواهد در یک هوای آزاد بمیرم تا آخرین... [...][6].

کوه‌هایی باشند که برادرانم در آنجا پیروزمندانه می‌جنگند.

---

1. خوانا نیست.
2. خوانا نیست.
3. ر.ک. تعلیقات «اصل وصیت «ناصراً ینصرمی».
4. در اصل وصیت «دامه».
5. افتادگی دارد از سیاق کلام باید (دفن کنید) باشد.
6. در اصل وصیت «افتادگی دارد».



بسم الله الرحمن الرحیم بسم الله القاسم الجبارین وصیتنامه برادر سید علیرضا میری

الذین آمنوا وهاجروا وجاهدوا فی سبیل الله باموالهم وانفسهم اعظم درجة عند الله

اولئک هم الفائزون. قرآن کریم سوره توبه آیه ۲۰

انان که ایمان آورده اند و از راه هجرت گزیده اند و در راه خدا با مال و جان جهاد کرده اند آنان را نزد خدا

مقام والایی است و آنان همان رستگاران رسیده اند

با سلام بر مهدی (عج) و نایب برحقش خمینی کبیر و شهید مظلوم و قهرمان و شهیدان سرخ میهن اسلامی

با حزن و تأسف و در عین حال با شوق و علاقه به سرزمین رشد و زندگی در جبهه نبرد حق علیه باطل

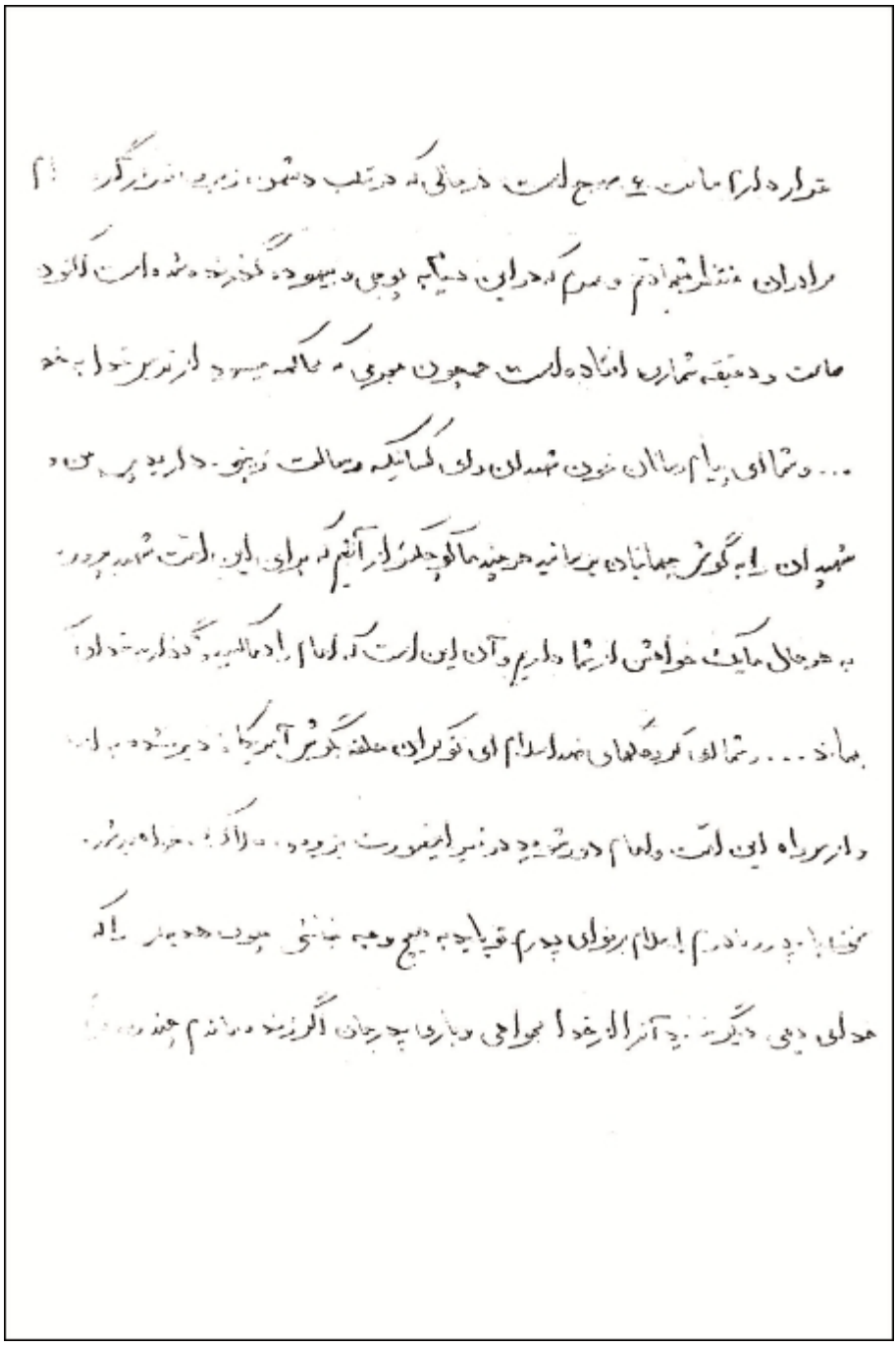
تولد

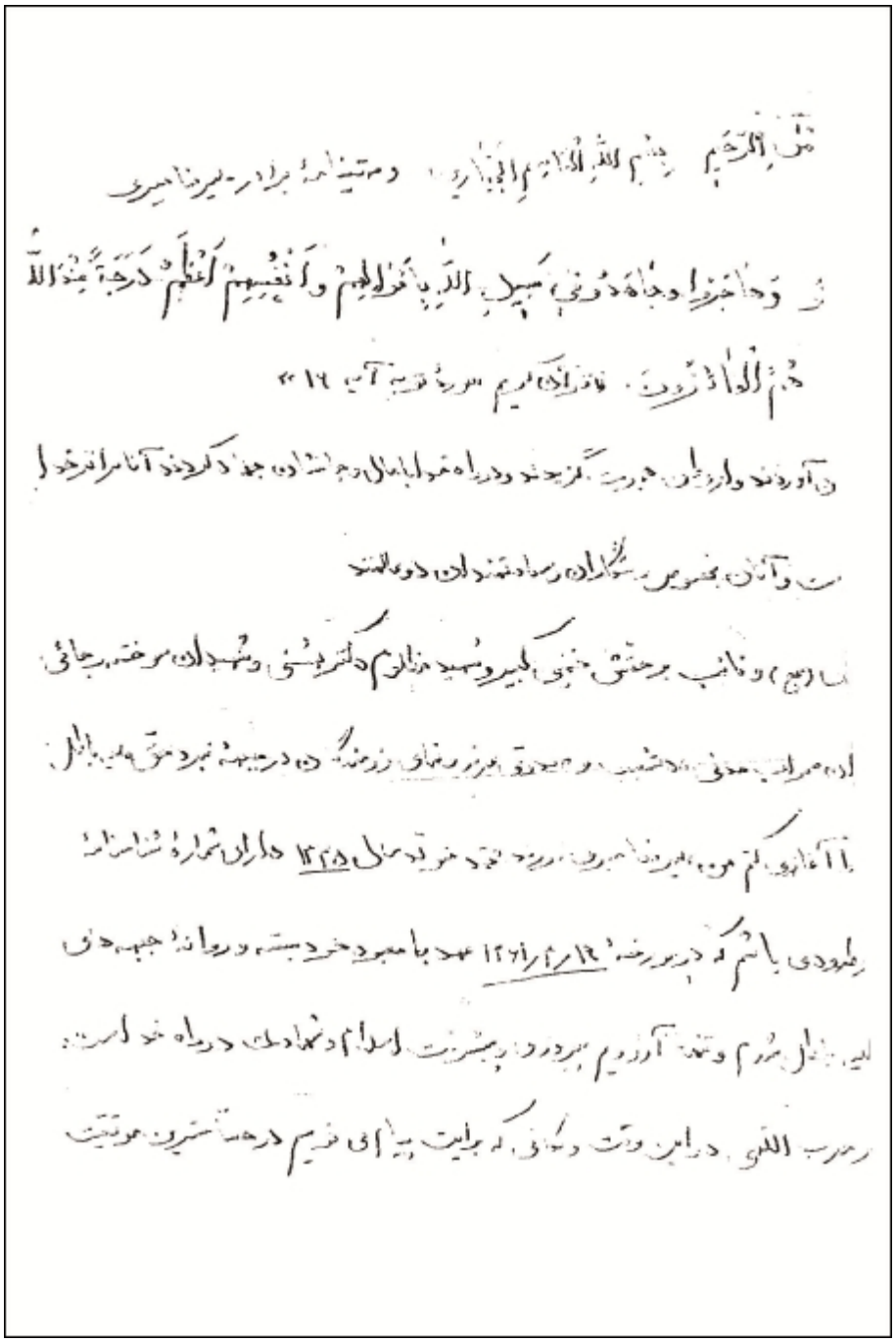
اینجانب خود را آقای کم من علیرضا میری فرزند حاج محمد متولد سال ۱۳۴۵ دارای شماره شناسنامه

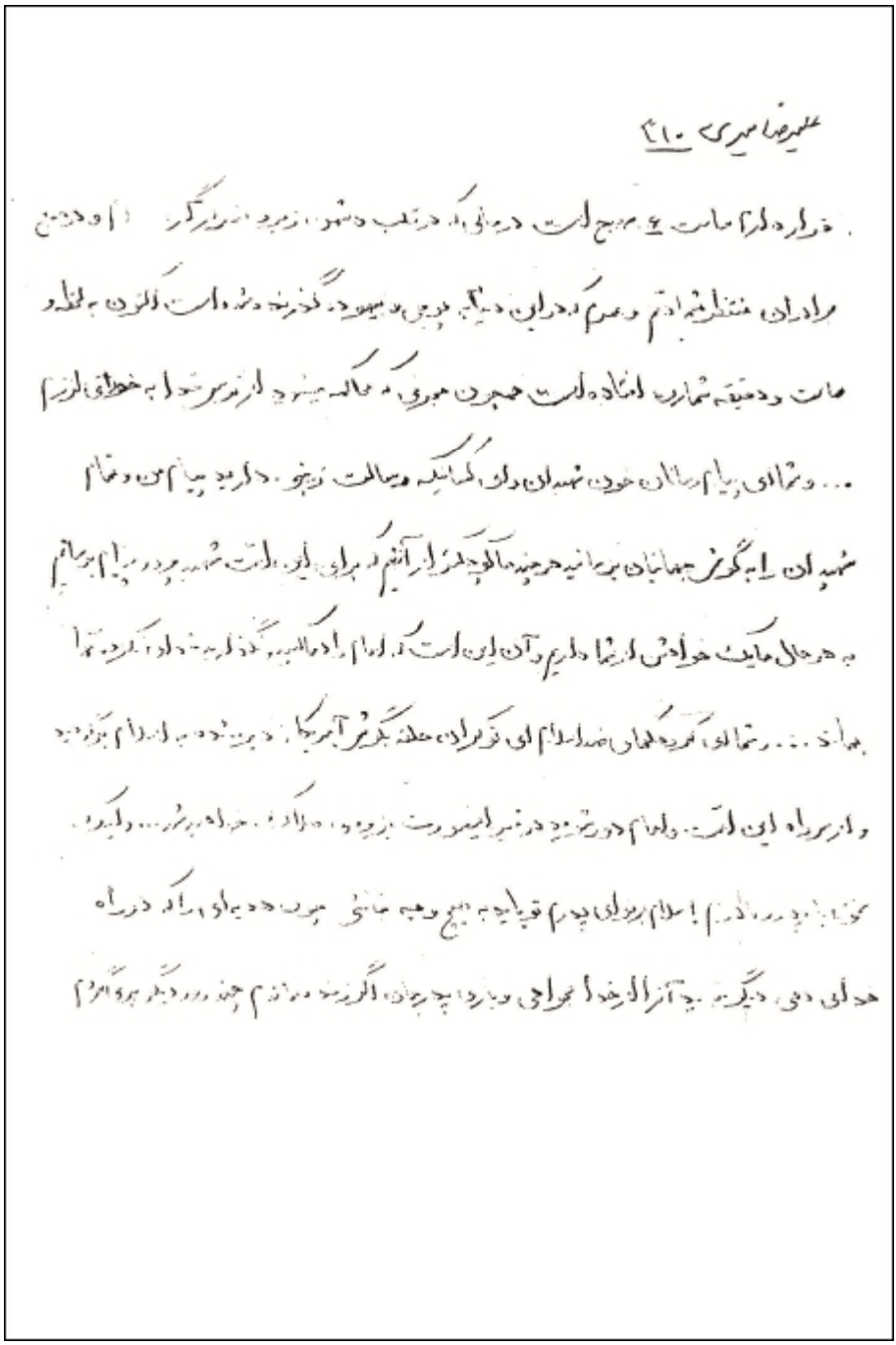
صادره از طرود می باشم که در روز شنبه ۱۳۶۱/۲/۱۲ عهد با معبود خود بسته و روانه جبهه های

نبرد حق علیه باطل شدم و تنها آرزویم پیروزی و عزت اسلام و شهادت در راه خدا است.

از برادر و خواهر حزب اللهی در این وقت و لحظاتی که برایت برای ما نویس دعای خیر موفقیت









نام: **سیدفضل‌الله**
نام خانوادگی: **میری**
نام پدر: **سید ابوطالب**
نام مادر: **زبیده**
تاریخ تولد: **بیستم شهریور ۱۳۴۵**
محل تولد: **شهر کلاته خیج از توابع شهرستان شاهرود**
تحصیلات: **پایان دوره راهنمایی**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **سی‌ویکم تیر ۱۳۶۱**
محل شهادت: **کوشک**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش**
مزار: **گلزار شهدای زادگاهش**

عبارت‌های کلیدی

- پدر و مادرم خیلی افتخار کنند که پسری داشته‌اند و در راه اسلام جانش را فدا کرده‌اند.
- از آنها می‌خواهم که همیشه هدفشان اسلام و قرآن باشد و راه ما را ادامه بدهند.
- برادران حزب‌الهی وصیت می‌کنم، در برابر تمامی ضدانقلاب‌ها پایداری کنند و نگذارند آنها بر علیه انقلاب توطئه می‌کنند.
- ای رهبرم ای حسین زمانم من با شنیدن فرمان تو به سوی جبهه‌ها شتافتم.
- ای امام عزیز من یک نفر به تنهایی ترا هرگز تنها نمی‌گذارم و جان من فدای تو و فدای اسلام و قرآن است.
- گوش به فرمان امام امت باشید و لحظه‌ای این حسین زمان را تنها نگذارید.
- مادرم به عنوان مادر یک شهید محکم و استوار به تکلیف خودت عمل نمایی و زینب‌وار زندگی کنی.

سید فضل‌الله میری[۱]

بسم الله الرحمن الرحیم

بسم ربّ[۲] الشهداء و الصدیقین

۶۱/۲/۲۹ چهارشنبه

با درود به رهبر کبیر انقلاب و با درود به رزمندگان اسلام و با سلام به شهدای گلگون[۳]کفن ایران و با سلام به مردم همیشه در صحنهٔ ایران، اینجانب سیدفضل‌الله میری وظیفهٔ خود دانستم که چند کلامی به عنوان وصیت برای شما و برای مردم آینده[۴] بنویسم.

خدمت پدر و مادر عزیزم سلام می‌رسانم و از آنها می‌خواهم بعد از شهادت من هیچ ناراحت نشوند و خیلی افتخار کنند که پسری داشته‌اند و در راه اسلام جانش را فدا کرده‌اند و از آنها می‌خواهم که همیشه هدفشان اسلام و قرآن باشد و راه ما را ادامه بدهند و حتّی اگر آن برادر کوچکم خواست به جبهه بیاید، مزاحمش نشوند و افتخار کنند که یک پسر در جبهه دارند، تا در آخرت سربلند باشند.

به برادران حزب‌الهی وصیت می‌کنم، در برابر تمامی ضدانقلاب[ها] پایداری کنند و نگذارند آنها بر علیه انقلاب توطئه [می]کنند و اگر ناسزا به انقلاب گفتند، با مشت توی دهان[۵] آنها بزنند و از مادرم می‌خواهم که هرگز برای شهادت من گریه نکند، زیرا که دشمن از گریهٔ تو خوشحال می‌شود.

ای رهبرم ای حسین زمانم من با شنیدن فرمان تو به سوی جبهه‌ها شتافتم و رزمندگان را یاری کردم. ای امام عزیز من یک نفر به تنهایی ترا هرگز تنها نمی‌گذارم و جان من فدای تو و فدای اسلام و قرآن است. من که شهید شدم وصیت مرا به گوش دشمنان برسانید، تا

---

1. بالای وصیت نوشته است «وصیت‌نامه سید فضل‌الله میری».
2. در اصل وصیت «الرب».
3. در اصل وصیت «گلون».
4. در اصل وصیت «آیندهٔ».
5. در اصل وصیت «دهن».

آن کوردلان بدانند که ما چقدر عاشقانه سوی جبهه‌ها می‌رویم و چقدر عاشق شهادتیم. خدایا تو شهادت مرا بپذیر و گناهانم را ببخش.

۶۱/۶/۲۹

[وصیت‌نامه‌ای دیگر]

بسم‌الله الرحمن الرحیم

با درود به رهبر کبیر انقلاب اسلامی امام خمینی و سلام بر شهیدان راه حق (اسلام) اینجانب سیدفضل‌اله میری، بنا به وظیفهٔ شرعی خودم در مقابل فرمان گهربار امام امت خمینی کبیر و جواب مثبت به لبیک این حسین زمان، عازم جبهه نبرد حق علیه باطل می‌باشم. لازم دانستم که چند جمله پیامی را به امت مسلمان تذکر دهم. امیدوارم که خواسته‌های مشروعم را بپذیرید. اولاً پدر عزیزم امیدوارم که این همه زحمت‌ها و محبت‌هایی که در مورد اینجانب داشتید و من نتوانستم که حتی ذرّه‌ای[1] از آن را جبران نمایم و شاید نافرمانی و خدای ناکرده اشتباهی هم داشتم. از شما می‌خواهم که این حقیر را مورد عفو و بخشش قرار دهی و انتظار من این است که برای حفظ اسلام و پیشبرد اهداف مقدس انقلاب اسلامی و تنها راه نجات مستضعفین جهان از زیر بار اَبَر مستکبرین و جهان‌خواران. با دقت گوش به فرمان امام امت باشید و لحظه‌ای[2] این حسین زمان را تنها نگذارید و سعی کنید آن فرمانی که به نظرتان مشکل‌تر است آن را زودتر عملی نمایید[3] و از این نعمت بزرگ خدا داده...[4].

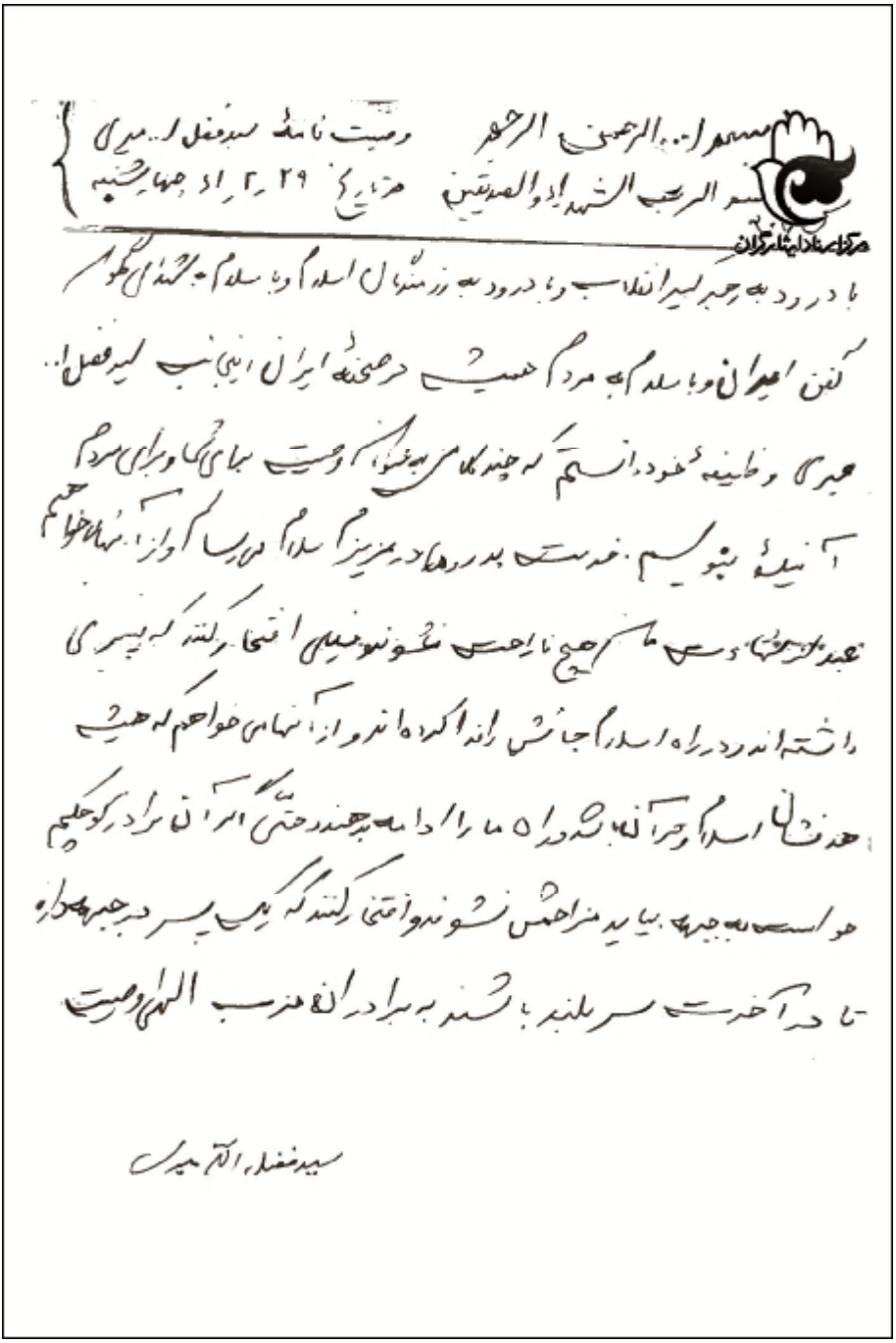
... و می‌خواهم که در شهادت من خوشحال باشی و برادرهایم را در سنگر من بگماری و سلاحم[5] را به آنها بسپاری و پیمانت را با خدای یکتا و بی‌همتا مستحکم‌تر نمایی[6] و راضی به رضای او باشی؛ و امّا تو ای مادرم که فقط من می‌دانم که تو چه زحمت‌هایی

---

1. در اصل وصیت «زره‌ئی».
2. در اصل وصیت «لحظه‌ئی».
3. در اصل وصیت «نمائید».
4. یک سطر از وصیت افتاده است.
5. در اصل وصیت «صلاحم».
6. در اصل وصیت «نمائی».

دربارهٔ من کشیدی و خدای من می‌داند، ولی به یقین بدان، ای مادر عزیز و مهربانم که نتیجه و اجرت و عوض آن زحمت‌ها، فقط دست‌یافتن به مقام شهادت فی‌سبیل‌الله است و نتایج حاصل از آن که در آخرت ان‌شاءالله[1] نصیب شما بشود ولی شما هم ان‌شاءالله[2] باید به عنوان مادر یک شهید محکم و استوار به تکلیف خودت عمل نمایی و زینب‌وار زندگی کنی و در مجلس عزای من بلند گریه و زاری ننمایی که خدای ناکرده افراد ناآگاه و گمراه که هنوز امام امت و اسلام عزیز و این انقلاب اسلامی را نشناخته و درک ننموده‌اند سوء استفاده نمایند و اما امت حزب‌الله که امیدوارم ان‌شاءالله[3] همین طوری که تا به حال مو به مو به فرامین امام امت عمل می‌کردید و درس آزادگی را به ملّت جهان می‌دادید بهتر از این از اسلام و خون شهدا پاسداری نمایید [...][4].

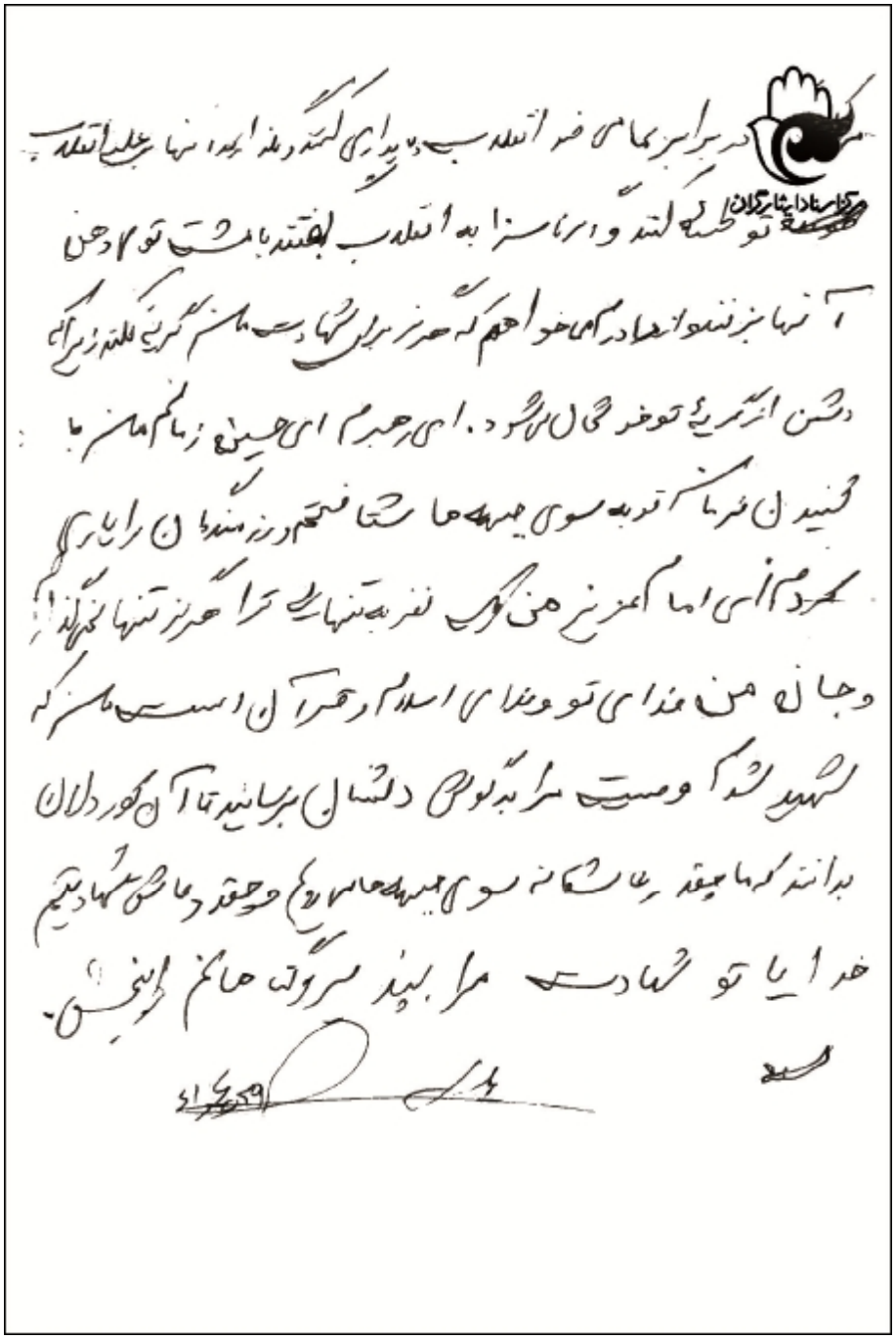
1. در اصل وصیت «اینشاءالله».
2. در اصل وصیت «اینشاءالله».
3. در اصل وصیت « اینشاالله».
4. در اصل وصیت «نمائید». بقیه وصیت‌نامه افتاده و ناخوانا است.

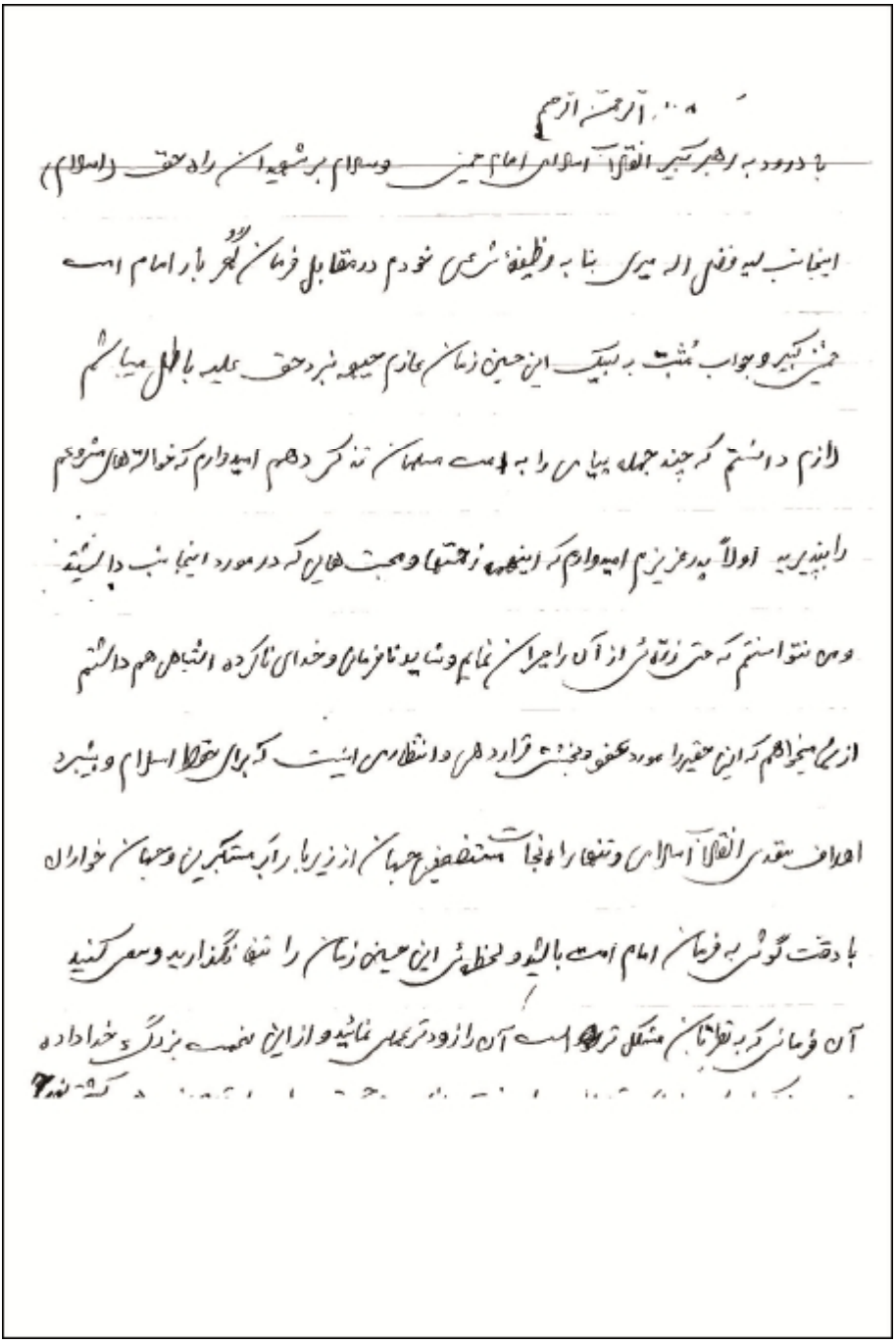


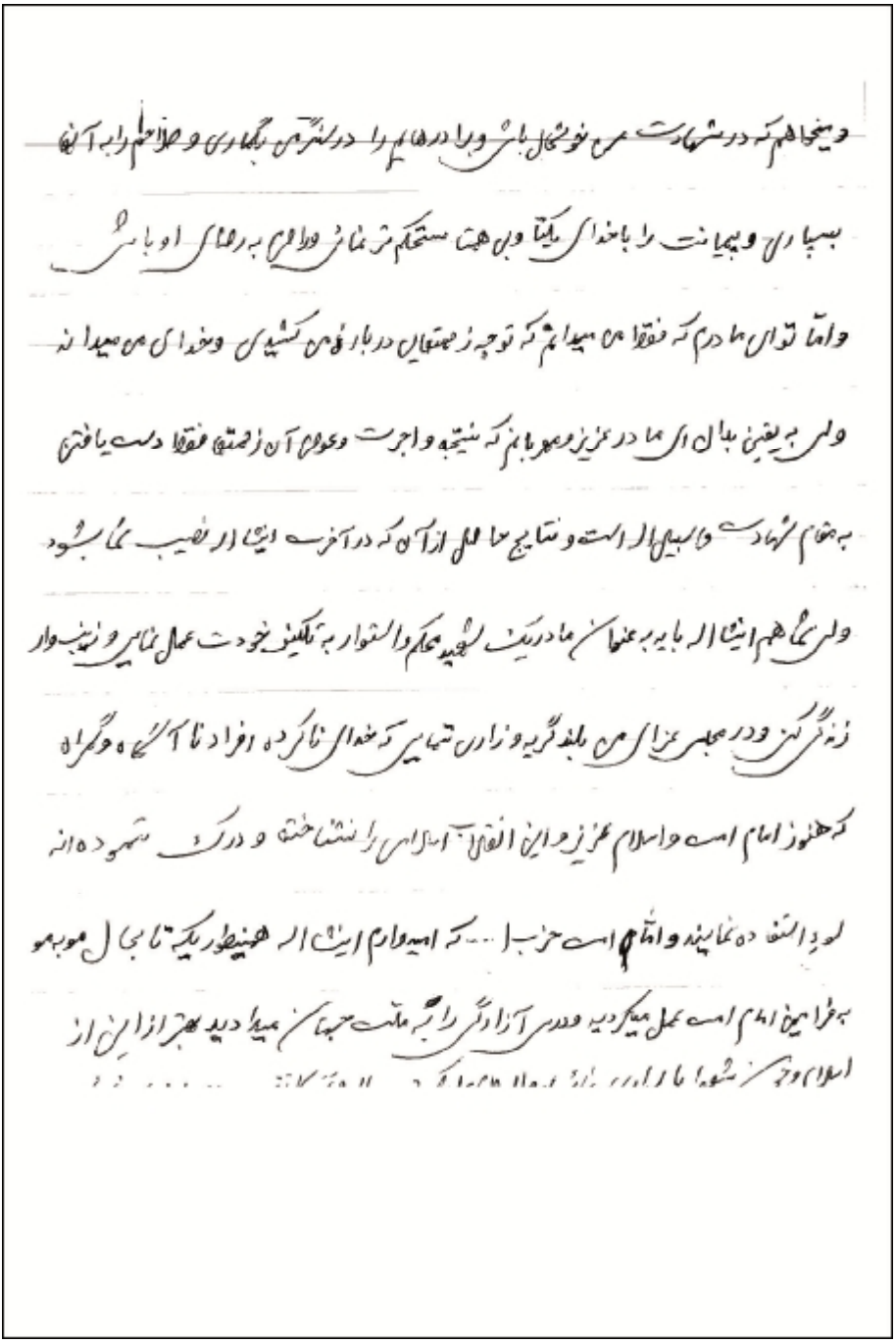
بسم الله الرحمن الرحیم — وصیت نامهٔ سیدفضل‌الله میری
نسل الرغب الشهداء و الصدیقین — مورخ ۲۹ / ۲ / ۶۱ چهارشنبه

با درود به جبهه‌های انقلاب و با درود به رزمندگان اسلام و با سلام به گمنامان گلگون‌کفن ایران و با سلام به مردم حزب‌الله ایران این جانب سیدفضل‌الله میری وظیفهٔ خود دانستم که چند کلمه‌ای به عنوان وصیت برای شما و برای مردم آینده بنویسم. نخست به روحانیت عزیز و اسلام‌شناس و رزمندهٔ اسلام درود می‌فرستم و از شما خواهم که به عهد و پیمانی که با خدا بسته‌اید وفادار باشید و از هیچ کوششی در راه اسلام دریغ نورزید و از شما می‌خواهم که هیچ‌گاه از اسلام و قرآن غافل نشوید و ما را با دادن چند رحمتی از آن یاد کنید. و اما به جبهه بیایید مزاحم نشوید و تلاش کنید که در پشت جبهه‌ها تا آخر سربلند باشید. به برادران حزب‌الله وصیت

سیدفضل‌الله میری









نام: **سیدمحمودرضا**
نام خانوادگی: **میری**
نام پدر: سید حسین
نام مادر: **معصومه**
تاریخ تولد: **یکم فروردین ۱۳۳۷**
محل تولد: **شهرستان شمیرانات**
تحصیلات: **اول متوسطه**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **بیست‌وششم تیر ۱۳۶۱**
محل شهادت: **شلمچه**
نحوهٔ شهادت: –
مزار: **گلزار شهدای شهرستان شاهرود**

عبارت‌های کلیدی

- ما هم روزی پروانه بودیم انیس شب‌های تارمان فرشتگان بودند و شمع محفل ما را مهر و ماه می‌افروختند
- می‌خواهم که از اینجا تا بهشت برین تا خانه نازنین پیغمبر(صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) پرواز کنم.
- باید رفت و از این زندان خلاصی یافت مسلمان زندگی کردن در این دنیا و عصر مغشوش و پر از فتنه‌ها، پایمردی می‌خواهد
- خداوندا در این دنیا که نتوانستم آن طور که تو می‌خواهی زندگی کنم، پس مرگم را آنچنان قرار ده که لااقل بدین گونه کفاره گناهان کبیره و صغیره را ادا کرده باشم. خدایا تو می‌دانی که برای همین عازم جبهه‌های جنگ با کفر شدم، عازم شدم شاید بتوانم قدمی در راه رضای تو بردارم. پاک شوم و اذن دخول کسب کنم.
- به امام امت خمینی عزیزتر از جانم بگویید: محمود برای ادامه وظیفه دینی به جبهه رفت
- به فکر آخرت باشید و بدانید که خداوند در قیامت از اعمال ما سؤال خواهد کرد
- زندگی پست و فانی را با دنیایی پر از صفا و پاکی الهی عوض کنید.

سید محمودرضا میری

بسم الله الرحمن الرحیم

«من طلبی وجدنی و من وجدنی عرفنی و من عرفنی احبّنی»[1]

«هرکس مرا طلب کند پیدا می‌کند و کسی که مرا پیدا کند می‌شناسد و کسی که شناخت دوستم می‌دارد» و کسی که دوستم بدارد عاشقم می‌شود و کسی که عاشقم شود می‌کشم او را و کسی که من او را بکشم خونبهایش با من است و هر کس که خونبهایش من باشم من خودم خون‌بهایش هستم».

بیایید[2] برویم برویم بگردیم پروانه شویم. پرواز کنیم یک لحظه از این هیاهو از این غوغا بر کنار شده و عشقی در سر و شوری در دل بگیریم، بیایید[3] برویم آخر ما هم روزی پروانه بودیم. انیس شب‌های تارمان فرشتگان بودند و شمع محفل ما را مهر و ماه می‌افروختند. آری همان روز که از آلایش مادیات دامن ما پاک بود، همان روز که در بالای بام آسمان[4] آشیان داشتیم که منِ شیدا زده اکنون بال و پرم آراسته می‌خواهم که از اینجا تا بهشت برین تا خانه نازنین پیغمبر(صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) پرواز کنم. شما هم پرواز کنید که به دور شعله فروزان عشق خود را پروانه صفت نابود کنید.

اینک که این نوشته را می‌خوانید خود در میان شما نبوده و فقط یادی از من خواهد بود که پس بگویم که عصر و روزگار سخت و غریبی را می‌گذرانیم. راه پرپیچ و خم طولانی، و توشه اندک، باید رفت و از این زندان خلاصی یافت مسلمان زندگی کردن در این دنیا و عصر مغشوش و پر از فتنه‌ها، پایمردی می‌خواهد، هدایت از طرف خدا و صبر و استقامت طلب می‌کنم. امیدوارم خدا این توفیق را نصیب ما بگرداند که هدایت شده به سوی او راه گیریم، تا از این ظلمتکده به منبع نور و پاکی رسیده و از سرچشمه‌های الهی سیراب سیراب شویم، خداوندا در این دنیا که نتوانستم آن طور که تو می‌خواهی زندگی کنم، پس

1. ر.ک. تعلیقات.
2. در اصل وصیت «بیائید».
3. در اصل وصیت «بیائید».
4. در اصل وصیت «آشمان».

مرگم را آنچنان قرار ده که لااقل بدین گونه کفاره گناهان کبیره و صغیره را ادا کـرده باشـم. خدایا تو می‌دانی که برای همین عازم جبهه‌های جنگ با کفر شدم، عازم شدم شـاید بتـوانم قدمی در راه رضای تو بردارم. پاک شوم و اذن دخول کسب کنم. تا شـاید از روی لطـف و کرمت مرا از عباد[1] خود قرار دهی. از تمام فامیل، دوسـتان، آشـنایان، همـسایه‌هـا، بـرادران ایمانی، هم‌کلاسها و هر که با او رابطه داشتم امید و انتظار عاجزانه دارم، تا اعمال ناشایسته، بدخلقی و خلاف اسلام مرا بر من ببخشایند، تا راه آمرزش گناهانم همـوار شـود. بـه امـام امت خمینی عزیزتر از جانم بگویید:[2] محمود برای ادامه وظیفه دینی به جبهه رفـت و از او بخواهید دعا کند، که خدا این را قبول کند.

اما به خانواده و مادرم:

مادر مهربانم، تو بسیار برایمان زحمت کشیدی ما تو را رنج بسیار داده‌ایم و از فراق من ناراحت نباش. زیرا من به طور امانت چند روزی پیش شما بودم و شـما ثابـت کـردی کـه [این] امانت‌دار خوبی بودی خوشحال باش و از خدا بخواه، این هدیه را از تـو قبـول کنـد. امام حسین(علیه‌السلام) خانواده و یارانش را برای حفظ اسلام فدا کرد. شما هم خوشـحال بـاش که فرزندانت در راه این اسلام جان خود را نثار کنند، خداوند اجر جزیل و صبر جمیـل بـه تو عطا کند ای خواهر و ای برادرانم سعی کنید برای خدا خود را خالص گردانیـد بـه فکـر آخرت باشید و بدانید که خداوند در قیامت از اعمـال مـا سـؤال[3] خواهـد کـرد، پـس ایـن زندگی پست و فانی را با دنیایی پر از صفا و پاکی الهی عوض کنید.[4] شاید حق بـرادری را ادا نکرده باشم. مرا ببخشید سعی کنید اسلام را هر چه بیشتر بشناسید.

والسّلام

سیدمحمودرضا میری

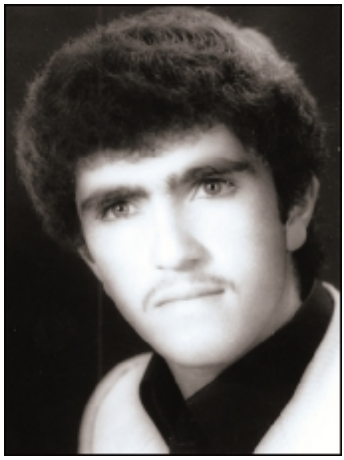
---

1. در اصل وصیت «همی خواهم».
2. در اصل وصیت «بگوئید».
3. در اصل وصیت «سئول».
4. در اصل وصیت «به دنیائی از صفا و پاک الهی بفرستید».

من طلبنی و جدنی و من وجدنی عرفنی و من عرفنی احبنی .....

هرکس مرا طلبکند پیدا میکند وکسی که مرا پیدا کند میشناسد وکسی‌که شناخت دوستم میدارد وکسی که دوستم بدارد عاشقم میشود وکسی‌که عاشقم شود میکشم او را وکسی‌که من او را بکشم خونبهایش با من است و هرکس که خونبهایش من باشم من خودم خونبهایش هستم (خداوند بزرگ حدیث قدسی) بیائید برویم برویم بگردیم پروانه شویم پرواز کنیم یك‌لحظه از این هیاهو از این غوغا برکنار شده و عشق در سر و شوری در دل بگیریم بیائید برویم آخر ما هم روزی پروانه بودیم انیس شمعهای تابان فرشتگان بودند و شمع محفل ما را صبروپاه میافروختند آری همان روزکه از آلایش‌ها دیا تدامن ما پاك بود همان روزکه در بالای بام آسمان آشیان داشتیم که من شیدا زده اکنون بال و پـــرم آرزو ســـته همی‌خواهم که از اینجا تا بهشت برین تا خانه نازنین پیشتر پرواز کنم شما هم پرواز کنید که به دور شعله فروزان عشق خود را پروانه صفت‌تر کنید • اینکه این نوشته را میخوانید خود در میان شما نبوده و فقط یادی از من خواهد بود که پس بگوییم که عصر و روزگار سخت و غریبی را میگذرانیم راه پرپیچ و خم طولانی و توشه اندك باید رفت تا از این زندان خلاصی یافت مسلمان زندگی کردن در این دنیا و عصر خفقان و پر از فتنه ها پایمردی میخواهد هدایت از طرف خدا و صبر و استقامت طلب میکنم امیدوارم خدا این توفیق را نصیبما بگرداند که هدایت شده بسوی او راه گیریم تا از این ظلمتکده به منبع نور و پاکی رسیده و از سرچشمه های الهی سیراب سیراب شویم خداوندا در این دنیا که نتوانستم آنطور که تو میخواهی زندگی کنم پس مرگم (۱) را آنچنان قرار ده که

لا اقل بدینگونه کفاره گناهان کبیره و صغیره را ادا کرده باشم
خدایا تو میدانی که برای همین عازم جبهه های جنگ با کفر شدم عازم
شدم شاید بتوانم قدمی در راه رضای تو بردارم پاک شوم و اذن دخول
کسب کنم تا شاید از روی لطف و کرمت مرا از عبادان خود قرار دهی
از تمام فامیل دوستان آشنایان همسایه ها برادران ایمانی همکلاسها
و هرکه با او رابطه داشتم امید و انتظار عاجزانه دارم تا اعمال
ناشایسته بد خلقی و خلاف اسلام مرا بر من ببخشایند تا راه آمرزش
گناهانم هموار شود به امام امت خمینی عزیز تر از جانم بگوئید محمود
برای ادامه وظیفه دینی به جبهه رفت و از او بخواهید دعا کند که
خدا این را قبول کند • ((اما بخانواده و مادرم
مادر مهربانم • تو بسیار برایمان زحمت کشیدی ما تو را رنج بسیار داده
ایم از فراق من ناراحتنباش زیرا من بطور امانت چند روزی پیش شما بودم
و شما ثابت کردی که این امانت دار خوبی بودی خوشحال باش و از خدا
بخواه این هدیه را از تو قبول کند امام حسین خانواده و یارانش را
برای حفظ اسلام فدا کرد شما هم خوشحال باش که فرزندانت در راه این
اسلام جان خود را نثار کنند خداوند اجر جزیل و صبر جمیل بتو عطا
کند ای خواهر و برادرانم سعی کنید برای خدا خود را حالص
گردانید بفکر آخرت باشید و بدانید که خداوند در قیامت از اعمال ما
سئوال خواهد کرد پس این زندگی پست و فانی را به دنیائی از صفا و پاک
الهی بفرستید شاید حق برادری را ادا نکرده باشم مرا ببخشید سعی
کنید اسلام را هرچه بیشتر بشناسید ••••••
والسلام سیّد محمودرضا میری



نام: **علی**
نام خانوادگی: **میقانی**
نام پدر: عظیم
نام مادر: امه
تاریخ تولد: **چهارم دی ۱۳۴۲**
محل تولد: **شهر بسطام**
تحصیلات: **چهارم متوسطه**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **بیست‌وچهارم اسفند ۱۳۶۳**
محل شهادت: **شرق رود دجله عراق**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش و موج انفجار**
مزار: **گلزار شهدای زادگاهش**

عبارت‌های کلیدی

- همه‌اش به عشق فکر می‌کردم، عشق به الله، عشق به قرآن، عشق به مکتبم و به این عشق افتخار می‌کردم.
- از شما می‌خواهم که مرا ببخشید و مرا حلال کنید.
- شما باید خوشحال باشید که چنین فرزندی پرورش داده‌اید.
- ما امانتی هستیم در این جهان فانی هر وقت خواست او باشد این امانت خود را باز می‌ستاند.
- خودم را نسبت به دینم مسئول می‌دانم و حالا می‌روم که با ریختن خون خود در راه حق، دِین خود را نسبت به خدای خود ادا کنم.
- همهٔ ما رفتنی هستیم و چه خوبست که همه ما در راه خدا گام برداریم و شهادت را انتخاب کنیم.
- خداوند را سپاس می‌گوییم که نعمت جنگ را به ما ارزانی داشت تا بتوانیم قدم‌هایمان را در راه خدا استوار و بدون لغزش از این امتحان الهی سرافراز بیرون آییم.

علی میقانی

بسم الله الرحمن الرحیم

«اشهد ان الله لا اله الله و اشهد ان محمداً رسول الله و اشهد أن علیاً ولی‌الله»[1]

به‌نام الله پاسدار حرمت خون شهیدان

با سلام و درود بر امام زمان (عج) و نایب بر حقش امام خمینی مرجع مجاهد زعیم اکبر قائد اعظم [...][2] و یاور مستضعفان و دشمن مستکبران و باسلام و درود بر سلحشوران جبهه‌های نبرد حق علیه باطل که [...] ستمگران زمان را به خاک و خون بکشند و حکومت الهی را در سرتاسر جهان گسترش دهند و درس شهادت‌طلبی و استقلال‌طلبی را به مردم جهان بیاموزند و می‌روند تا برای قرآن و شرف دین و سرزمین خود حماسه بیافرینند و با سلام و درود بر امت غیور و شهیدپرور کشورمان و با سلام بیکران بر خانواده عزیزم.

از هنگامی‌که قلم به‌دست گرفتم و خواستم این چند خط را بنویسم همه‌اش[3] به شهادت در راه خدا فکر می‌کردم همه‌اش[4] به عشق فکر می‌کردم، عشق به الله، عشق به قرآن، عشق به مکتبم و به این عشق افتخار می‌کردم. افتخار می‌کردم که خدا این عشق را در درون تو [...] میدانم در مواد عصر جنبش انقلاب به جهان آورد و وجود همچون امام خمینی نایب بر حق[5] را برای بیداری ما فرستاد.

پدرم و مادرم سلام، امیدوارم که سلامم را سلامی که از اعماق وجودم سرچشمه می‌گیرد بپذیرید[6] و مرا حلال کنید و از نافرمانی‌های من چشم‌پوشی کنید و کارهای بد مرا نادیده بگیرید. من خود می‌دانم که آن طور که باید به شما خدمت نکرده‌ام شماها زحمات زیادی برای من کشیدید ولی من قدر زحمات شما را ندانستم و خود را مسئول می‌دانم و از شما می‌خواهم که مرا ببخشید و مرا حلال کنید. اکثر شهدا وصیت می‌کنند که در

---

1. شهادتین در مکتب شیعیان.
2. خوانا نیست. عباراتی که در متن با [...] مشخص شده اند، خوانا نیست.
3. در اصل وصیت «همش».
4. در اصل وصیت «همش».
5. خوانا نیست.
6. در اصل وصیت «بپذیری».

سوگواری آنها گریه و زاری نکنید. ولی من می‌گویم[1] گریه کنید و گریه کنید. عقده‌های خود را خالی کنید. بلکه شما باید خوشحال باشید که چنین فرزندی پرورش داده‌اید و در را خدای خود داده‌اید چون که ما امانتی هستیم در این جهان فانی هر وقت خواست او باشد این امامت خود را باز می‌ستاند. «**انا لله و انا الیه راجعون**».[2]

و شما ای برادران و خواهرانم شما هم نباید ناراحت باشید. باید افتخار کنید که برادرتان در راه حق شهید شده [...] نبودم و خودم را نسبت به دینم مسئول می‌دانم و حالا می‌روم که با ریختن خون خود در راه حق، دِین خود را نسبت به خدای خود ادا کنم و شما برانید که همهٔ ما رفتنی هستیم و چه خوبست که همه ما در راه خدا گام برداریم و شهادت را انتخاب کنیم چون مرگ در بستر برای یک مسلمان که بتواند برزمد ننگ است.

لازم است بگم من [...] می‌خواهید بفرستید برای جنگ‌زده‌ها [...] و ۱۰۰۰ تومان هم بدین به مستمندان.

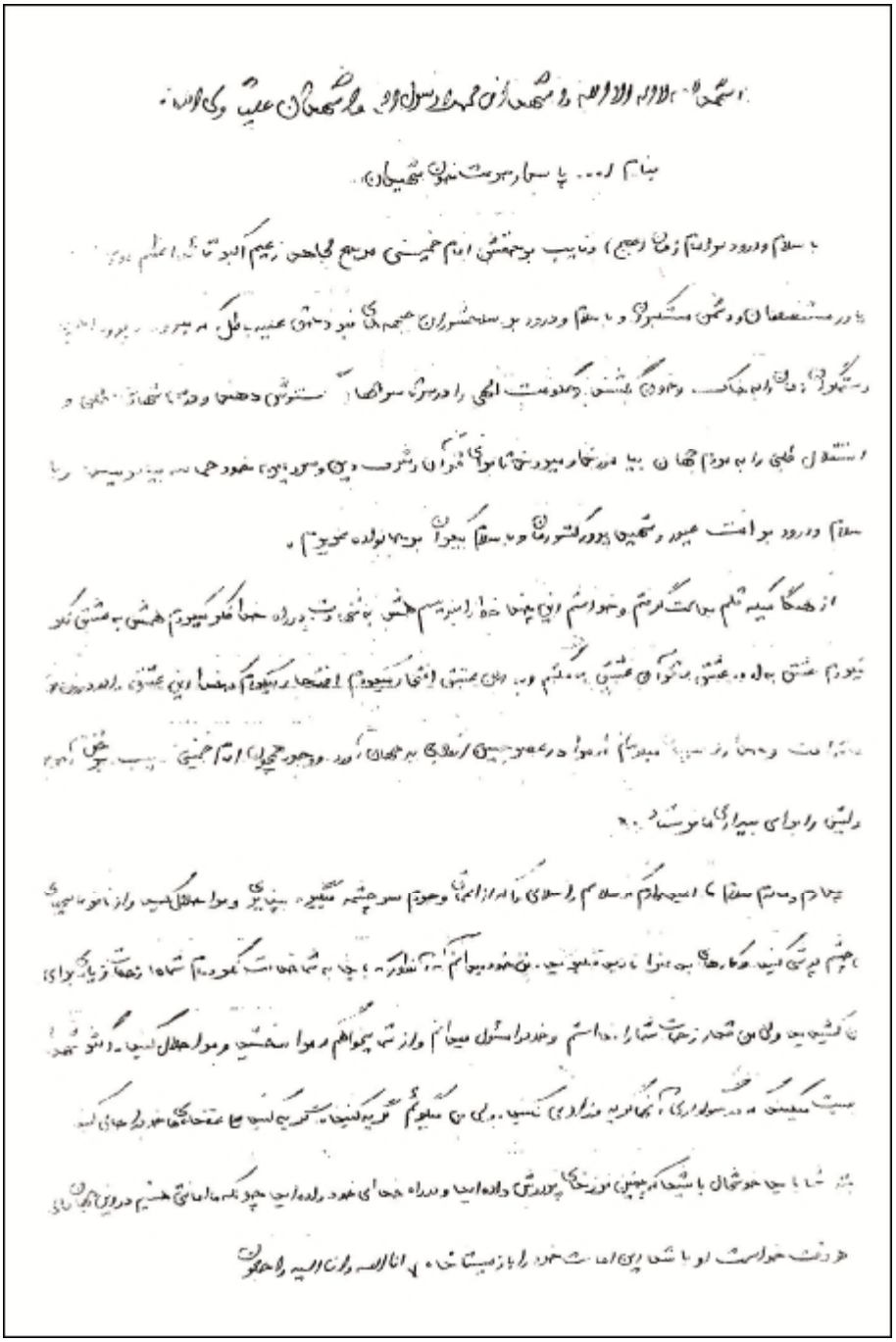
علی میقانی

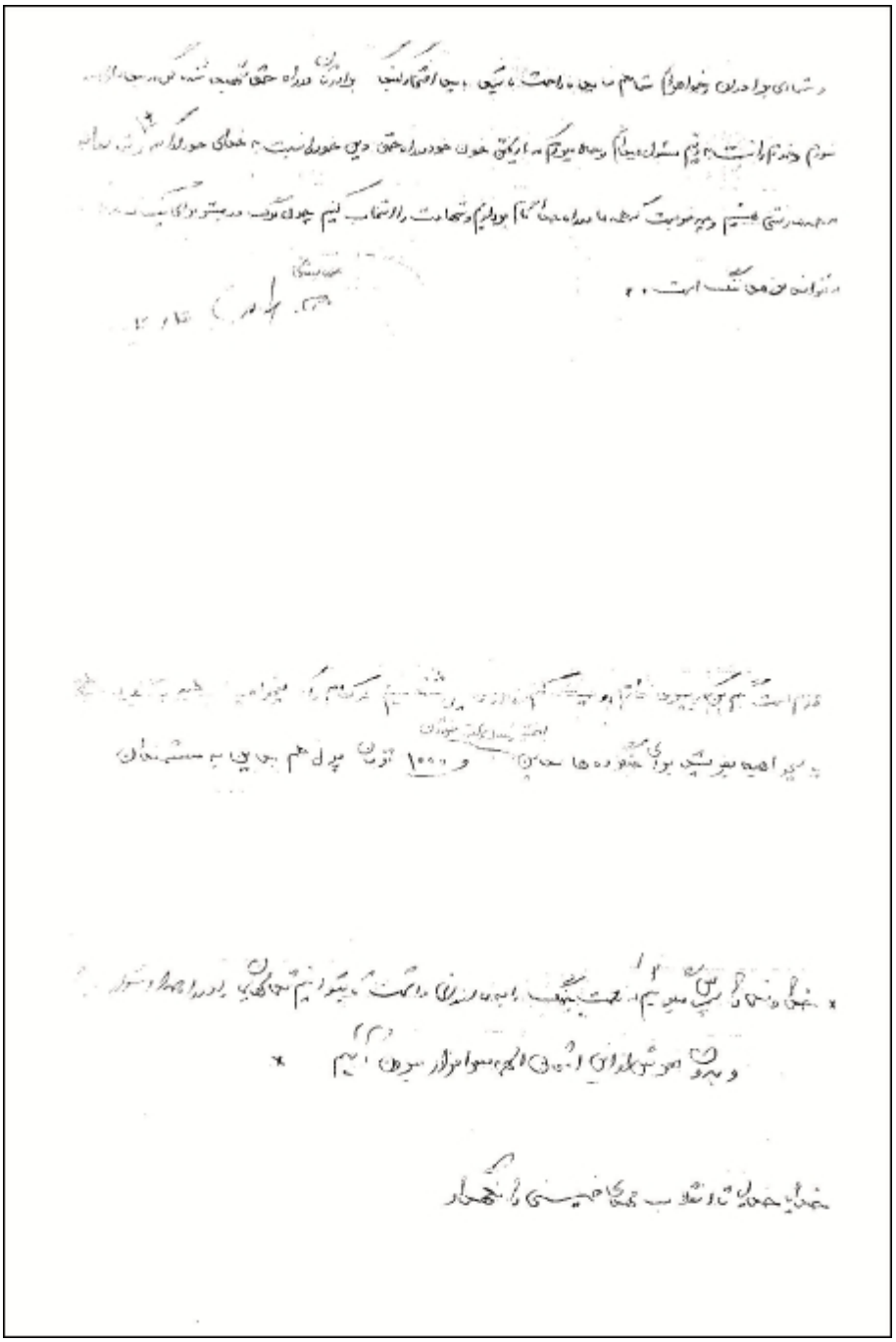
خداوند را سپاس می‌گوییم که نعمت جنگ را به ما ارزانی داشت تا بتوانیم قدم‌هایمان را در راه خدا استوار و بدون لغزش از این امتحان الهی سرافراز بیرون آییم.

خدایا خدایا تا نقلاب مهدی خمینی را نگهدار.

---

1. در اصل وصیت «می‌گوئم».
2. بقره/ ۱۵۶.







نام: **محمد**
نام خانوادگی: **میقانی**
نام پدر: **مهدی**
نام مادر: **فاطمه**
تاریخ تولد: **بیستم فروردین ۱۳۴۰**
محل تولد: **روستای میقان از توابع شهرستان شاهرود**
تحصیلات: **دیپلم**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **بیست‌وپنجم اسفند ۱۳۶۳**
محل شهادت: **جزیره مجنون عراق**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش**
مزار: **گلزار شهدای زادگاهش**

عبارت‌های کلیدی

- برای چندمین بار هست که عازم به جبهه‌های حق علیه نور شدم فقط و فقط برای رضای خدا بوده و احساس مسئولیت کردن و ادا کردن تکلیفی که به گردن من هست
- بر شما باد ای معلمین و دبیران تربیت کننده شهدا، که محصلین را تربیت اسلامی کنید
- اگر می‌خواهید گریه بر شهیدانتان کنید گریه بر شهادت حسین(علیه‌السلام) کنید.
- از شهید شدن مهراسید چون شهادت آرمان ما هست و از پیغمبر و امامان به ما رسیده است.
- مردم را برای جبهه آمدن ارشاد کنید.
- از اینکه عزیزانتان را فدای اسلام کرده‌اید افتخار کنید.
- چرا نشسته‌اید چرا برنمی‌خیزید و... مگر غیر از خدا کسی را بهتر دارید؟ بر شما باید که به کمک روح‌الله بشتابید.
- از مادیات بکاهید و به معنویات خود بیفزایید چون این دو روزه دنیا فانی شدنی است و می‌گذرد.
- کتابخانه‌ها را پر کنید، بیشتر درس بخوانید. ای امت شهیدپرور و دلاور به یاری حسین زمان بشتابید.
- جبهه‌ها را پر کنید برای اینکه دشمنان به مرز و بوم اسلام تجاوز کرده‌اند.
- اسلحه شهدا را نگذارید بر زمین بیفتد. فرزندانتان را به جبهه‌ها بفرستید

محمد میقانی

بسم‌الله الرحمن الرحیم

«انا لله و انا الیه راجعون»[1]

بنام الله وصیت‌نامه خود را شروع می‌کنم بنام الله یاری دهنده روح خدا، بنام اللهی که ما از او هستیم و به سوی او برمی‌گردیم. بنام الله پیامبران و ائمه معصومین. بنام اللهی که یاری دهنده مستضعفین و خوار[2] کننده مستکبرین است.

بنام اللهی که به امام ما نیرویی دارد که ما را سوی خود هدایت کند و همچنین ما از او پیروی کنیم، بنام خدای شهدا و صدیقین.

با درون و سلام به پیغمبران مخصوصاً پیامبر خاتم که انسانها را از ظلمت نجات داد و سلام و درود بر امام‌ها و رهبران ما مخصوصاً منجی عالم بشریت و نایب بر حقّش روح خدا فرمانده کل قوا نیرو دهنده مستضعفین ایران و جهان.

سلام و درون بر شهیدان و رهروان او، مخصوصاً سرورشان از صدر اسلام و ۷۲ تن یارش و تا کربلای ایران و شهیدان گمنام.

سلام و درود بر شما امت شهیدپرور و غیور که بر ندای رهبر خود لبیک گفتی و بیشتر خواهید گفت.

ای امت دلاور اسلام من که برای چندمین بار هست که عازم به جبهه‌های حق علیه نور شدم فقط و فقط برای رضای خدا بوده و احساس کردن مسئولیت و ادا کردن تکلیفی که به گردن من هست و لبیک گفتن به ندای «هل من ناصر ینصرنی»[3] حسین زمان بوده است.

و بر شما باد ای معلمین و دبیران تربیت کننده شهدا، که محصلین را تربیت اسلامی کنید و از شما می‌خواهم که مرا ببخشید، از اینکه حقّی که بر گردنم داشتید، انجام نداده‌ام؛ و در آخر:

ای پدر، مادر، خواهر، برادر، امّت شهیدپرور.

---

1. بقره/ ۱۵۶.
2 در اصل وصیت «خار».
3. ر.ک. تعلیقات.

اگر می‌خواهید گریه بر شهیدانتان کنید گریه بر شهادت حسین(علیه‌السلام) کنید.

اگر می‌خواهید گریه بر اسارت فرزندانتان کنید گریه به اسارت زینب(علیهاالسلام) و اهل و عیال(علیهاالسلام)[1] حسین(علیه‌السلام)، کنید.

اگر گریه برای مظلومیت خود می‌خواهید گریه کنید بر مظلومیت امام علی (علیه‌السلام) و فرزندانش. [کنید]

به امید دیدار شماها در روز رضوان[2] و پیروزی رزمندگان و سلامتی امام و فرج امام زمان(عجل‌الله تعالی فرجه الشریف).

خدا یارتان باشد. حسین‌جان جانم حسین ۱۳۶۲/۸/۲۰

از شهید شدن مهراسید چون شهادت آرمان ما هست و از پیغمبر و امامان [...][3] به ما رسیده است و در آخر مرا ببخشید که حق شما ملت ایثارگر را به‌جا نیاورده‌ام و ای پدر و ای مادر و ای بابا و ننه، درود[4] خدا بر شما ای شهیدپروران. صبر کنید اکنون که دایی علی و سید غلام و دایی نورمحمّد شهید شده‌اند، صبر و استقامت کنید که پیروزی با ماست و امام زمان می‌آید و انتقام خون عزیزانتان را می‌گیرد؛ و مردم [را] برای جبهه آمدن ارشاد کنید هیچگونه ناراحتی به خود راه ندهید، که باعث رنجیدن قلب یاران امام و خوشحال شدن کافران و منافقان[5] شود؛ و خود از اینکه عزیزانتان را فدای اسلام کرده‌اید افتخار کنید و بگویید ای کاش صد فرزند این چنانی داشتم و فدای اسلام می‌کردم. برادران و خواهر را تربیت اسلامی کنید بگویید درس بخوانند و مرا ببخشند که حقتان را به جا نیاورده‌ام و تو ای خواهر عزیز و گرامی‌ام[6] تو را به استقامت زینب‌وار دعوت می‌نمایم (که داری) غمگین مباش خوشحال باش که چنین افرادی را داشتی و فدای اسلام نمودی و شما ای

1. در اصل وصیت «ایال».
2. در اصل وصیت «رزوان».
3. خوانا نیست.
4. در اصل وصیت «درورد».
5. ر.ک. تعلیقات.
6. در اصل وصیت «گرامیم».

خانواده‌های شهدا باید نمونه باشید، تا دیگران از شما درس بگیرند؛ و از [شما] عاجزانه[1] طلب بخشش[2] می‌کنم.

فقط بدهید به عموهایم بخوانند: و شما عموها و اقوام من: چرا نشسته‌اید چرا برنمی‌خیزید و... مگر غیر از خدا کسی را بهتر دارید؟ بر شما باید که به کمک روح‌الله بشتابید. که فتح نهایی نزدیک است، از مادیات بکاهید[3] و به معنویات خود بیفزایید چون این دو روزه دنیا فانی شدنی است و می‌گذرد اگر راه سعادت و خوشبختی را می‌خواهید سخنان امام را گوش کنید و به همه اقوام این سخنان را بگویید و در آخر از شما طلب عفو می‌نمایم، که حقّ شما را به جا نیاورده‌ام.

و ای هم‌کلاسیها[4] و محصلین و مسئولین کتابخانه‌ها، ای کسانی که چرخ آینده مملکت باید به‌دست شما بچرخد، هشیار باشید. امام را امام را، ... به جبهه‌ها بیایید جای شهدا را در همه جا مخصوصاً در سر کلاس درس پر کرده و به‌یاد آنان باشید. کتابخانه‌ها را پر کنید، بیشتر درس بخوانید. ای امت شهیدپرور و دلاور به یاری حسین زمان بشتابید[5] و نگذارید[6] تنها بماند که ان‌شاءالله[7] یاری می‌کنید و کرده‌اید به دستورات او عمل کنید چون گفتار او گفتار امام زمان(عج) است و گفتار امام زمان گفتار پیغمبر(صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) و ائمه (علیهم‌السلام) است و گفتار ائمه (علیهم‌السلام) نیز گفتار خداست و دولتمردان را کمک و یاری کنید چون برخاسته و برگزیده از رهبر اسلام هستند.

جبهه‌ها را پر کنید برای اینکه دشمنان به مرز و بوم اسلام تجاوز کرده‌اند.

اسلحه شهدا را نگذارید بر زمین بیفتد. فرزندانتان را به جبهه‌ها بفرستید و همچنین [به] سپاه و حوزه‌ها را پر کنید و شما مادران را به صبر و استقامت دعوت می‌کنم و کارتان بسیار مهم و سنگین است. «پیام رساندن خون شهدا».

---

1. در اصل وصیت «آجزانه».
2. در اصل وصیت «ببخش».
3. در اصل وصیت «بکائید».
4. در اصل وصیت «کلاسیان».
5. در اصل وصیت «زمانبشتابید».
6. در اصل وصیت «نگزارید».
7. در اصل وصیت «اینشاالله».

به پدر و مادرم: مرا در مزار دایی دفن نمایید.
سلام مرا به تمام اقوام و مخصوصاً امام برسانید.

خداحافظ

محمد میقانی

۱۳۶۲/۸/۲۰

[وصیت‌نامه‌ای دیگر]

بسم الله الرحمن الرحیم

اشهد ان لا الله الا الله و محمّداً رسول الله و علیاً ولی‌الله حق و القبرُ نکیر و منکر حقاً

به نام الله، آفریدگار عالمیان؛ به نام اللهی که نور و ظلمت، خوبی و بدی، عزّت و ذلّت و همه و همه را برای آزمایش انسان آفرید. به نام او که تمام نعمت‌هایش را به ما ارزانی داد و ما را در این وادی و در این بُرهه[1] از زمان قرار داد با چنین رهبر و انقلابی. به نام او که پیامبران و امامان (علیهم‌السلام) را برای ما فرستاد تا ما را راهنمایی کنند و راه عزّت را شناسانده، از ظلمت و جهل نجات دادند.

شکرش که به ما نیرو و جان داد تا بتوانیم از این نیرو استفاده بکنیم و حمد و ثناءِ او را بیشتر که به ما عقل داد تا بیاندیشیم[2] و راه نجات را بیابیم و حمد او بی‌حد و بیشتر که به ما نیروی ایمان عطا فرمود. درود و سلام بر پیامبر و ائمهٔ اطهار که ما را از وادی جهالت به سوی کمال و وادی نور هدایتمان کرده، می‌کنند و چونان شمعی در جلوی ما در تاریکی‌ها بوده و هستند. درود بر سرور شهیدان حسین ابن علی (علیه‌السلام) و رهروان او تا کربلاهای ایران و درود بر ا مام عصر، قلب عالم امکان، انتقام‌گیرنده خون حسین و شهیدان دیگر و همچنین نائب برحقش، خمینی بت‌شکن. درود و سلام بر شما امّت حزب‌الله و همیشه در صحنه که شهیدان و فرزندان خود را در راه اسلام دادید تا راه را برای ما باز کنند، که کردند تا ما آزاد بیاندیشیم و آزاد زندگی کنیم.

---

1. در اصل وصیت «بُره».
2. در اصل وصیت «به اندیشیم».

خدمت خانواده عزیزم سلام. پس از تقدیم عرض سلام امیدوارم که حال شما خوب و خوش بوده باشد. هرگاه از احوالات اینجانب فرزند خود، محمد میقانی خواسته باشید، خوب در این موقع هستم و به دعاگویی شما مشغول می‌باشم. باری عرض می‌شود که غرض از مزاحمتم این بود که خواستم طلب عفو و بخشش کنم. خواستم بگویم که مادرم خیلی به گردنم حق داشتی؛ پدرم خیلی برایم زحمت کشیدید، ولی من برای شما کاری انجام ندادم. خواست از شما دارم که مرا ببخشید و مرا دعا کنید.

خواهرانم و برادرانم از اینکه حق شما را بجا نیاورده‌ام بنده را [عفو][1] کنید. آن چند نکته را که دست تو خواهر گرامی می‌باشد و این چند جمله و چند جمله‌ای که در نامه‌ای که برای [...][2] نوشته‌ام سرهم کنید و بقیه وصیت‌نامه‌هایی[3] که قبلاً نوشته‌ام باطل می‌باشد.

چند نکته را که تازه به یادم آمده برایتان می‌نویسم و بدین چیزها جامهٔ عمل بپوشانید. یکی اینکه چند کتاب در داخل کتاب‌هایم می‌باشد از کتابخانه و همچنین دو تا نوار، یکی نوحه موسوی و دیگری نوار آهنگران[4] که کمی از آن صدای دکتر شریعتی است، جدا کنید و آن کتاب‌هایی که از خودم هست و احتیاج ندارید ببرید کتابخانه و همچنین خمس و ذکاة‌هایی که از خودم بود، بدهید و بعد از آن استفاده کنید برای خودتان.

و ببینید کسی از من پول یا چیزی می‌خواهد به او بدهید. چون من خیلی ظلم کرده‌ام هزار (۱۰۰۰) تومان حق مظالم به دفتر امام بدهید و همچنین اگر یادتان باشد یک روز برفی بود که از مدرسه آمده بودم و چند تومانی از جایی[5] که سرسره‌بازی[6] جوان‌ها[7] می‌کردند، پول پیدا کرده بودم و مصرف کرده بودم؛ آن پول‌ها تقریباً ۱۵ الی ۲۰ تومان بود و از

---

1. در اصل وصیت یک کلمه افتادگی دارد اما به سیاق جمله باید «عفو» باشد.
2. خوانا نیست.
3. در اصل وصیت «وصیت‌نامه‌های».
4. صادق آهنگران از مداحان دوران دفاع مقدس بود که در اکثر عملیات جنگی کنار رزمندگان به نوحه‌خوانی می‌پرداخت و در تقویت روحیه رزمندگان نقش مهمی داشت.
5. در اصل وصیت «جای».
6. در اصل وصیت «سرسربازی».
7. در اصل وصیت «جوانانها».

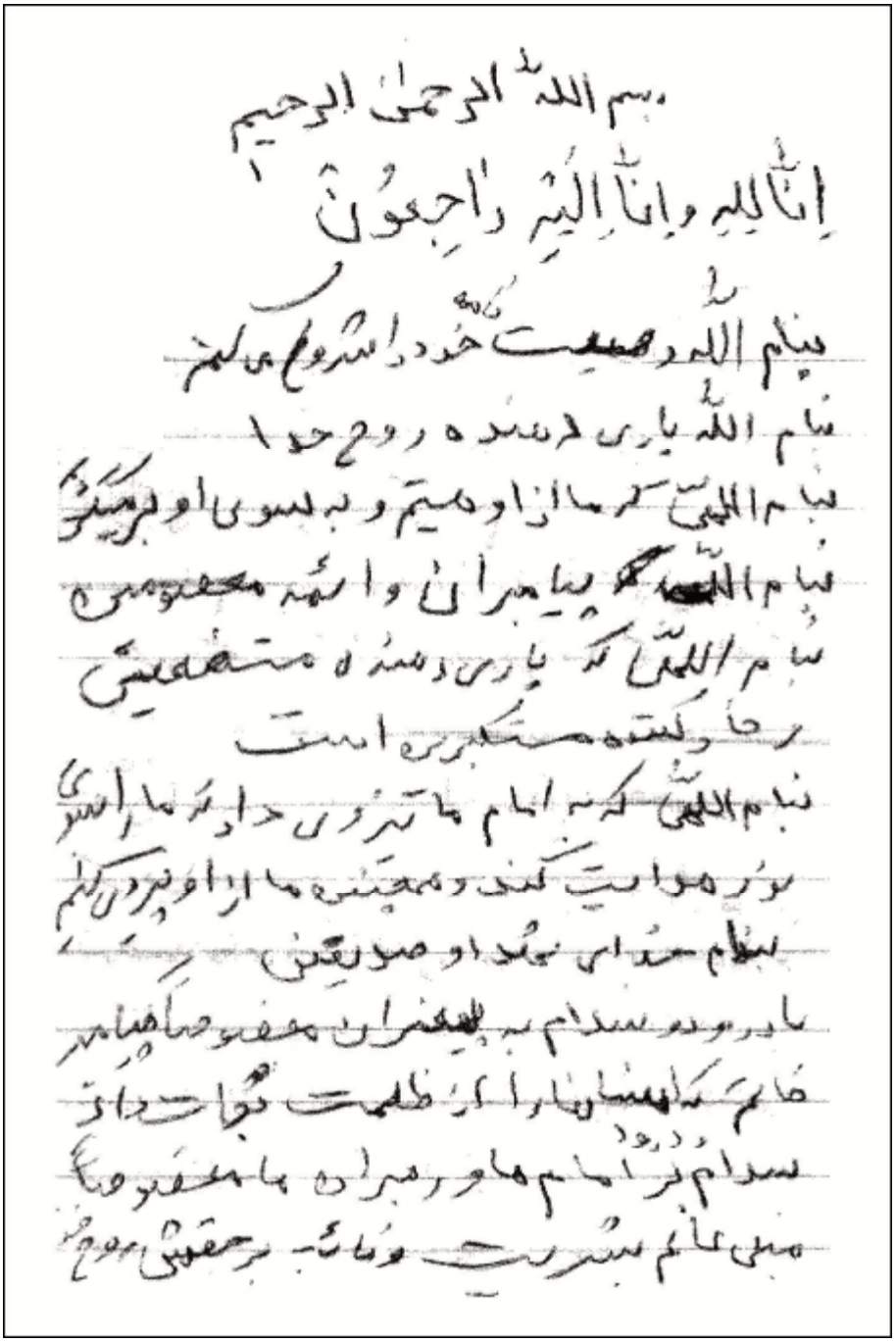
علی‌رضا ترابی، پسر آمنه و [...][1]باقر بسطامی پسر عباس باقر که این دو نفرشان یادم است، به اینها پولشان را برگردانید و از باغ حاجی رمضان و باغ اسماعیلشان (شاه حسینی) و باغ گواهی و باغ حسین حسن، بعضی وقت‌ها [...] آنها را هم راضی کنید و اگر کسی حقی داشت و حقش را می‌خواست، اگر شد [...] کنید. از دکان اکبر پسر رستم کمی وسیله زمان ۳ تا ۱۰ یا ۱۱ سالگی [...] که جمع پول آنها تقریباً ۵۰ تومان بود، به او برگردانید.

به امید پیروزی اسلام

محمد میقانی

۶۳/۱۱/۱۳

1. مواردی که با [...] مشخص شده‌اند، خوانا نیست.



بسم الله الرحمن الرحیم

انا لله و انا الیه راجعون

بنام الله وصیت خود را شروع می‌کنم

بنام الله یاری دهنده روح خدا

بنام الله که ما از او هستیم و به سوی او برمی‌گردیم

بنام الله که پیامبران و ائمه معصومین

بنام الله که یاری دهنده مستضعفین

رها و کننده مستکبرین است

بنام الله که به امام ما تیروی داد تا ما را

یاری و هدایت کند و معجزه ما از او پیروی کنیم

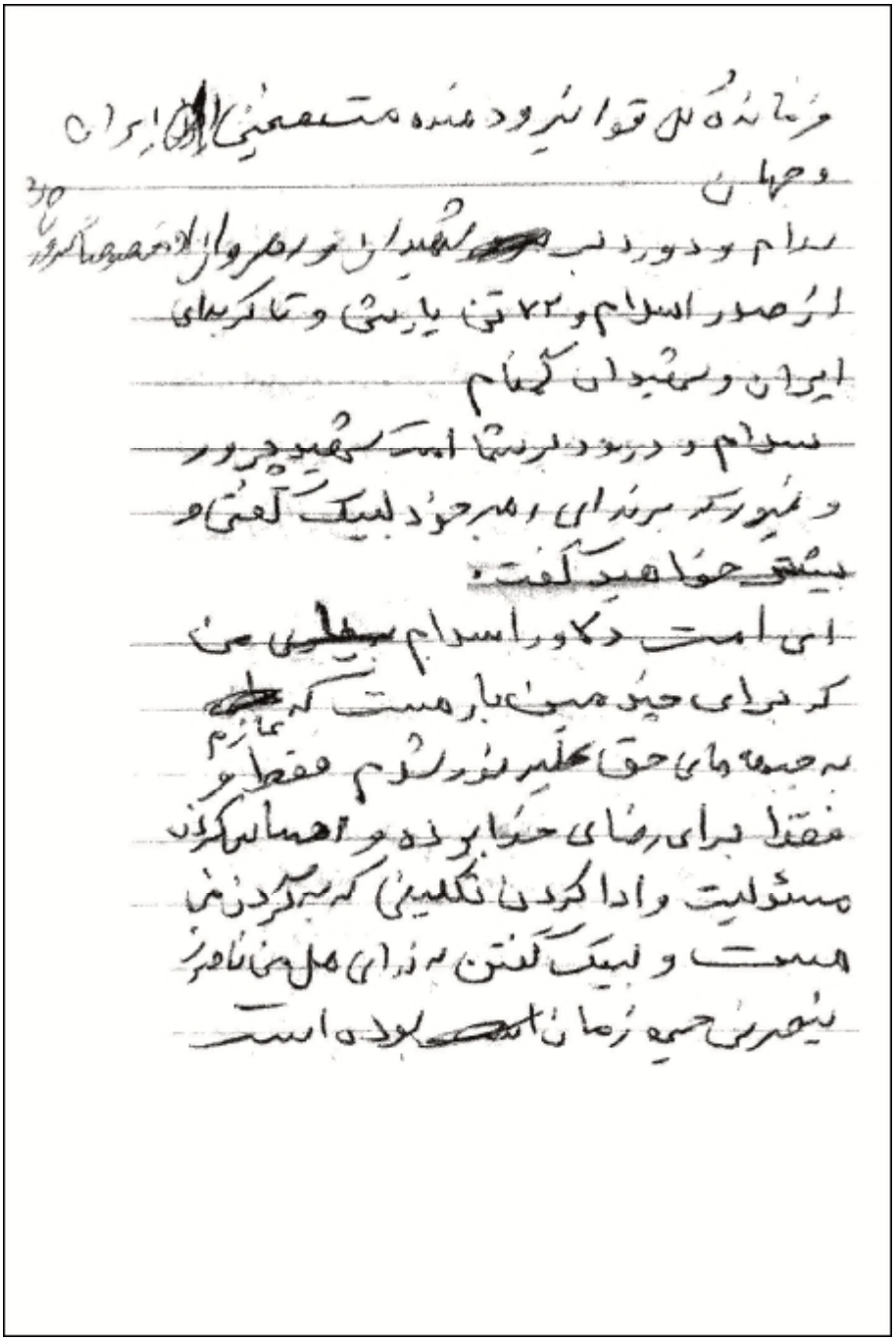
بنام خدای شهدا و صدیقین

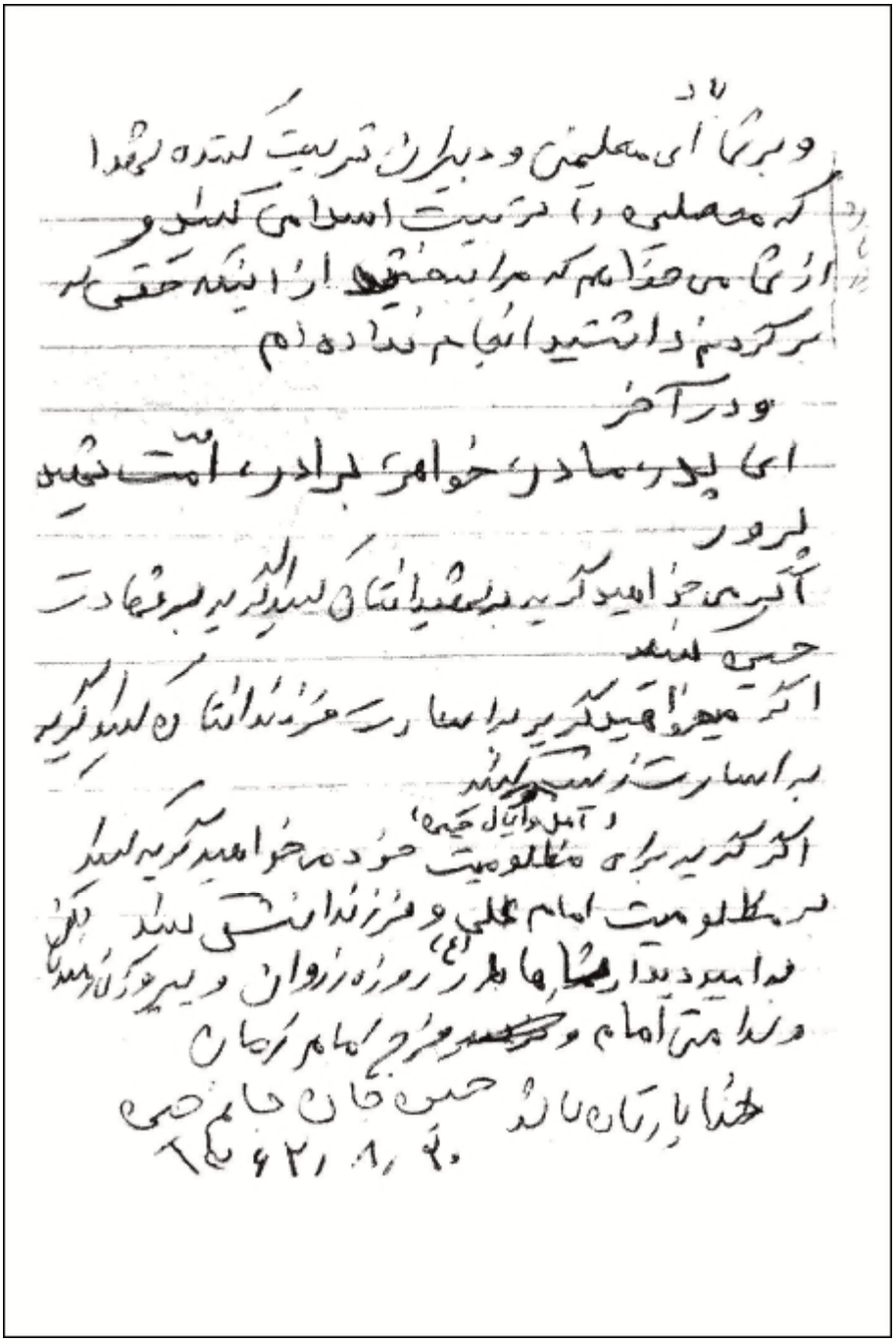
یاری و سلام به پیغمبران معصوم خاتم

خاتم که انسانها را از ظلمت نجات داد

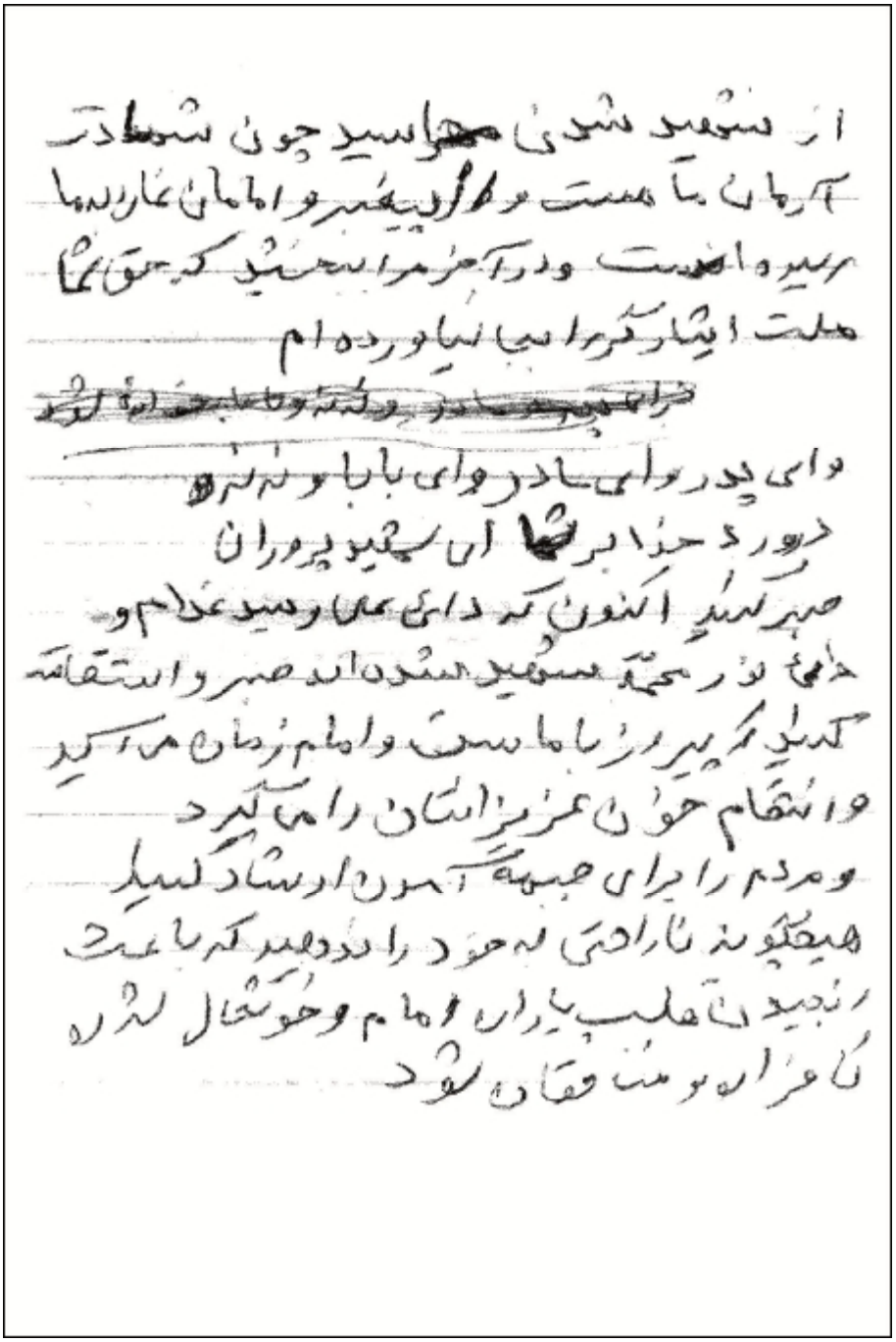
سلام بر امام ما و رهبر ما معصوم

منجی عالم بشریت و نائب برحق امام عصر

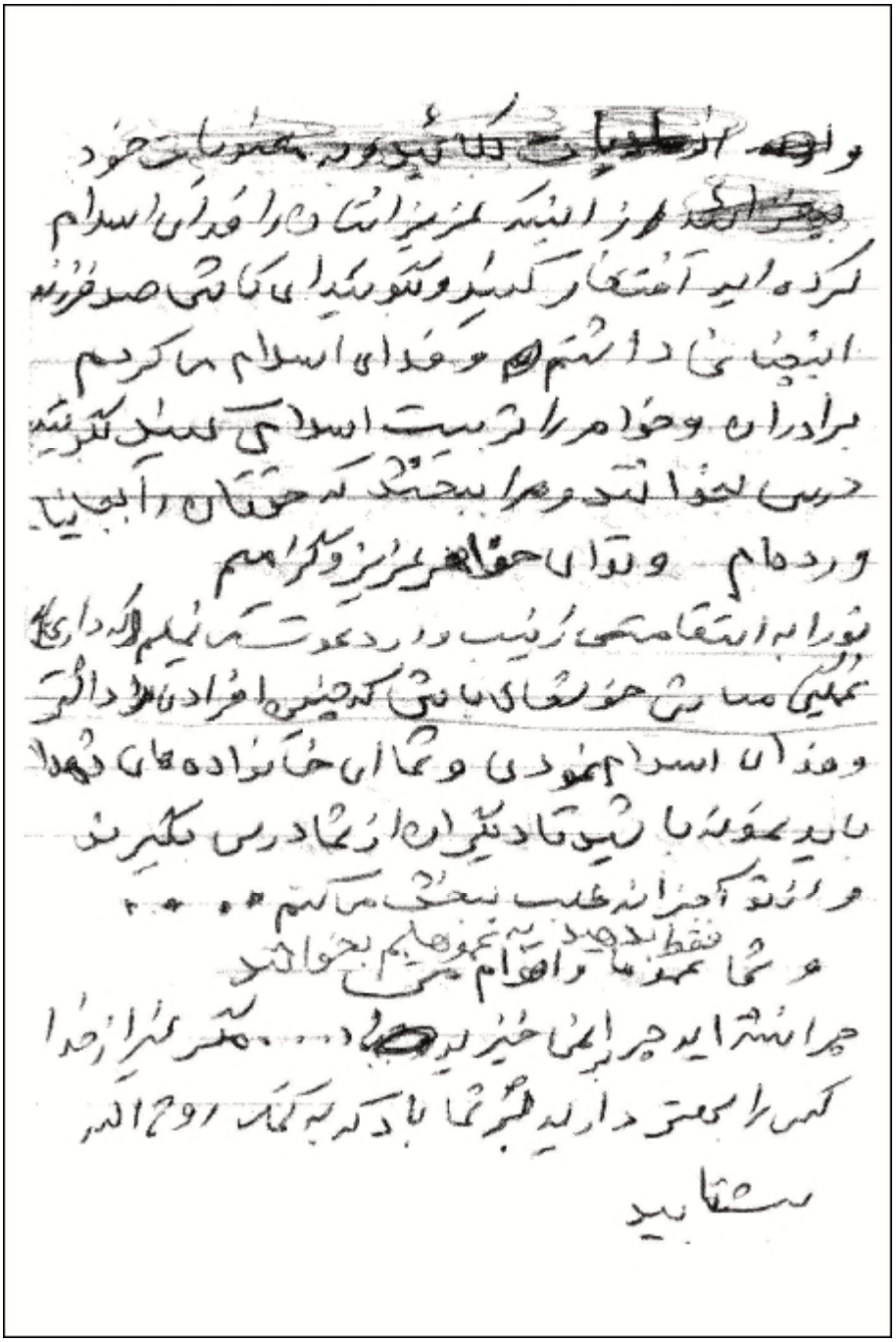


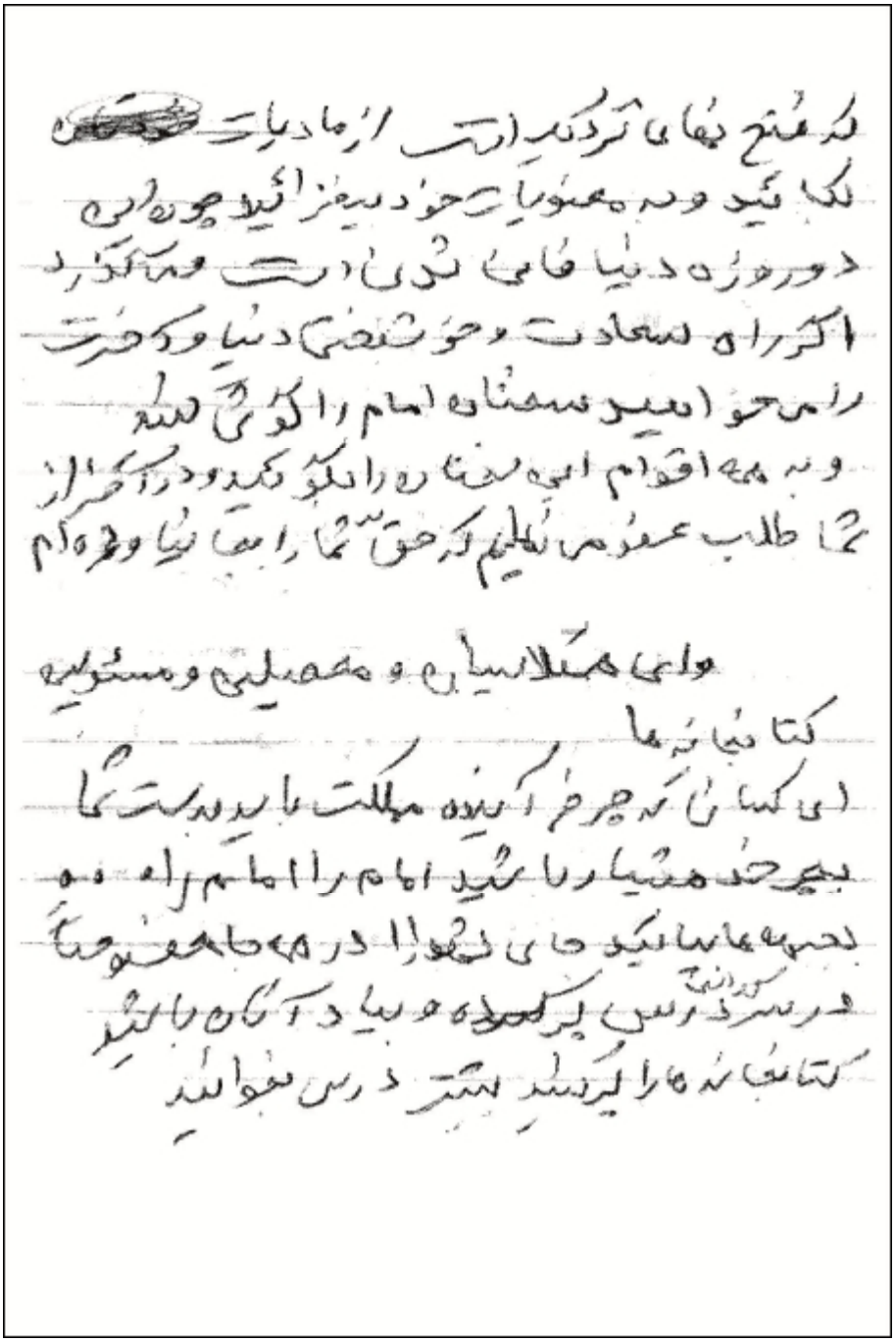


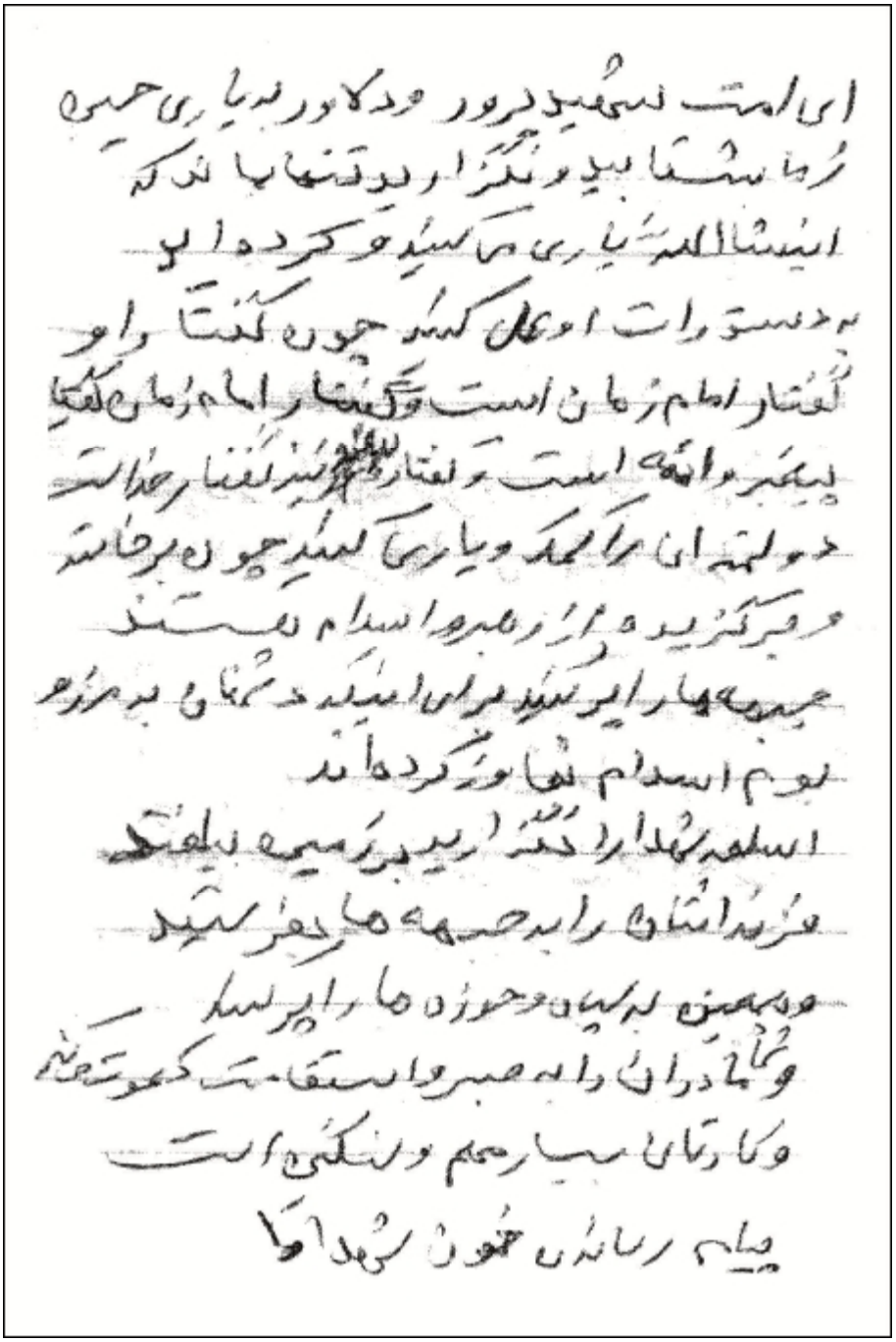
و برای معلمین و دبیران تربیت کننده شهدا
که معلمی را تربیت اسلامی کنند و
از من حلالم کنند که من را بخشیده از اینکه حقی بر گردنم داشتید انجام نداده ام
و در آخر
ای پدر، مادر، خواهر، برادر، امت شهید
پرور
آگر می خواهید که به شهدا کمک کنید که به شهادت
حتمی برسند
اگر میخواهید که به اسارت مزدوران کمک کنید که
به اسارت درنیایند
اگر که به برای مظلومیت خود می خواهید که به کمک
به مظلومیت امام علی و فرزندان علی کمک کنید
می خواهید با ما در روز رستاخیز و پیروز گردید
و با امت امام و رهبر امام زمان
خدا یار و یاور شما باد حسین خان حاج حسنی
۶۲/۱۰/۲۰

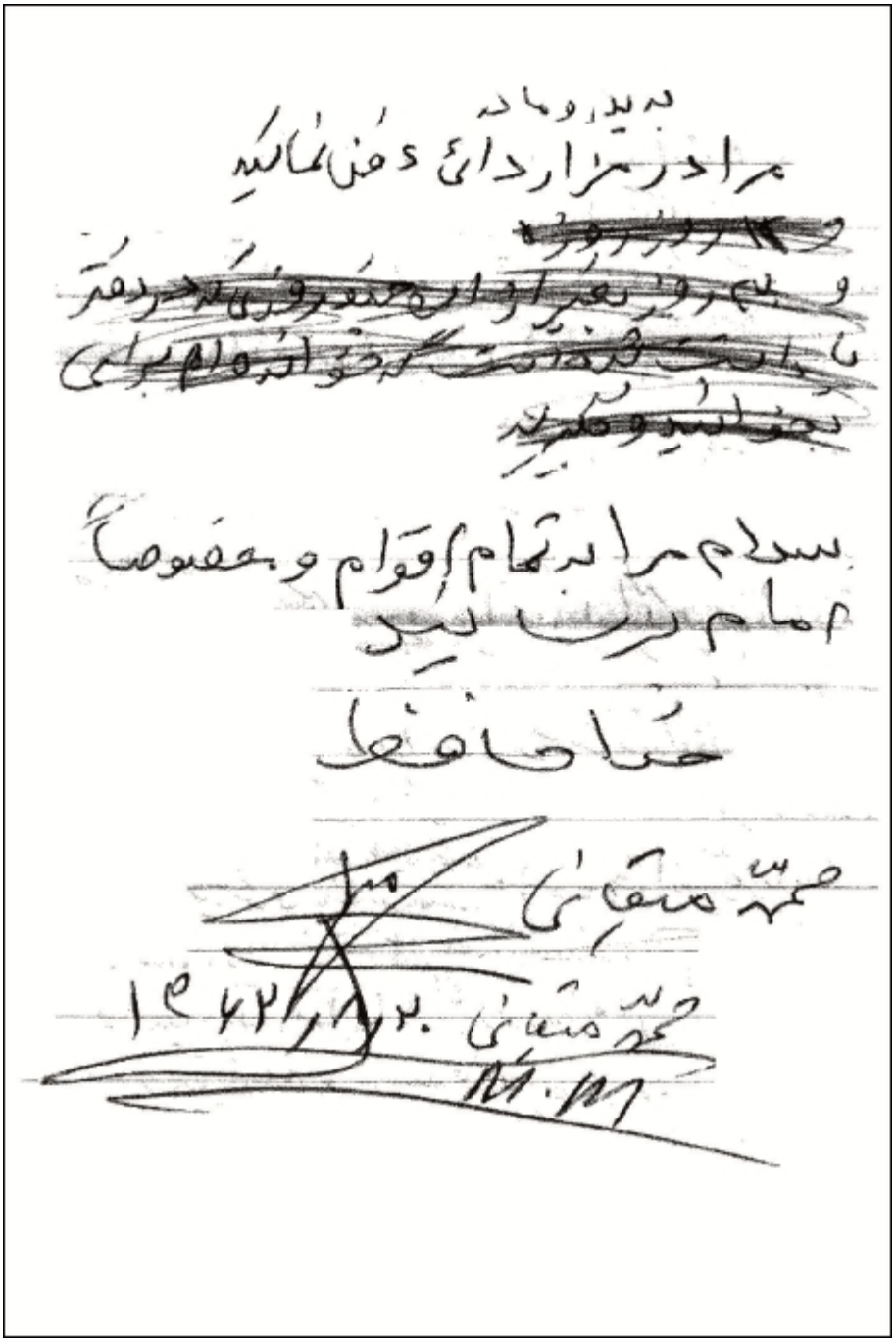


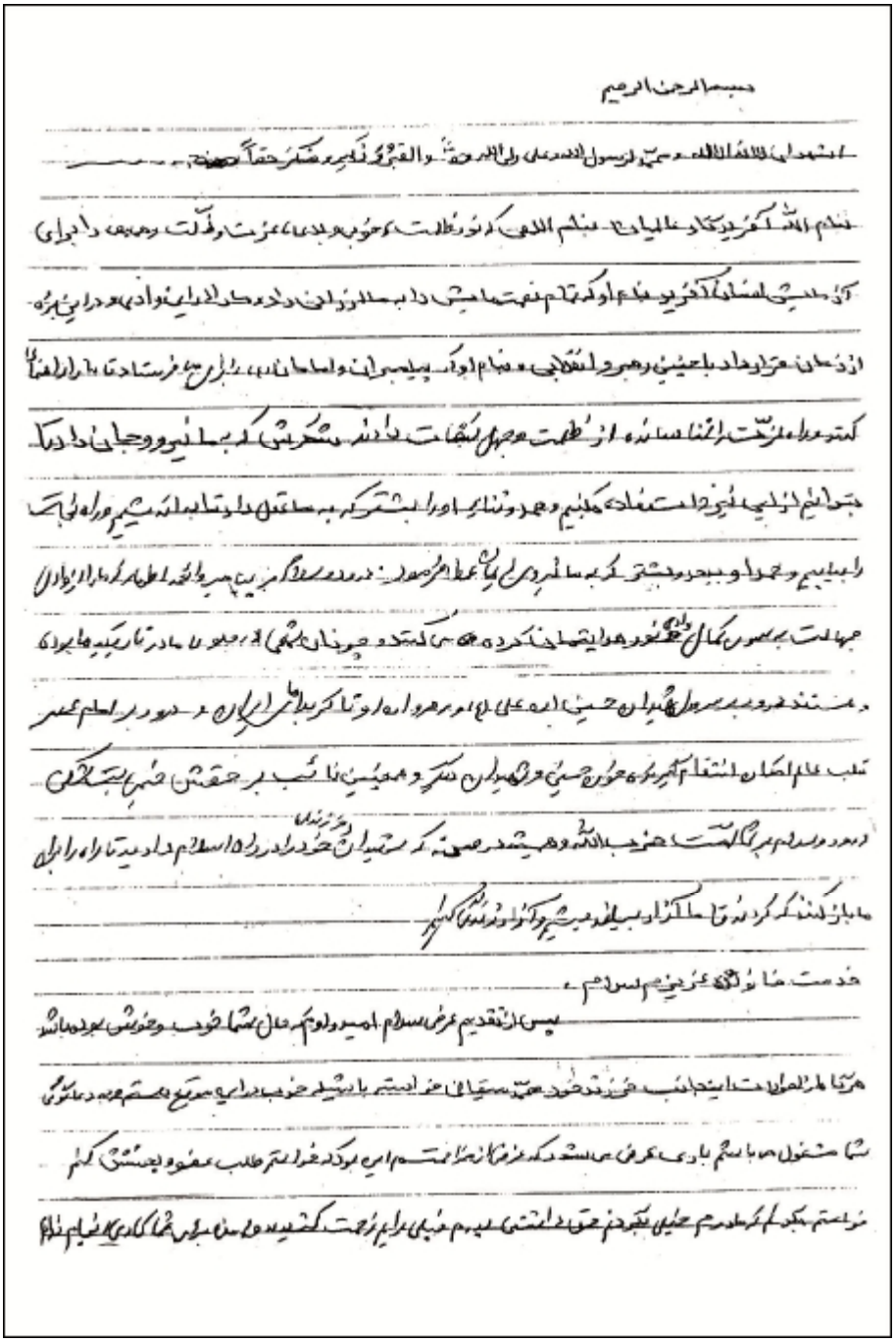
از شهید شدن هراسید چون شهادت
آرمان ما هست و راه پیغمبر و امامان عزیز ما
رسیده است و در آخر مرا بخشید که حق ما
ملت ایثارگر را ادا نموده ام
[illegible]
و ای پدر و ای مادر و ای یاور و تکیه گاه
درود خدا بر شما ای شهید پروران
صبر کنید اکنون که دای شما و شهید عزیز و
دلاور تان رحمة شهید شده اند صبر و استقامت
کنید که پیرو راه ما هست و امام زمان ما می آید
و انتقام خون عزیزانتان را می گیرد
و مردم را برای جبهه آنان ارشاد کنید
هیچگونه ناراحتی به خود راه ندهید که باعث
رنجیدن قلب یاران امام و خوشحال شدن
کافران و منافقان شود

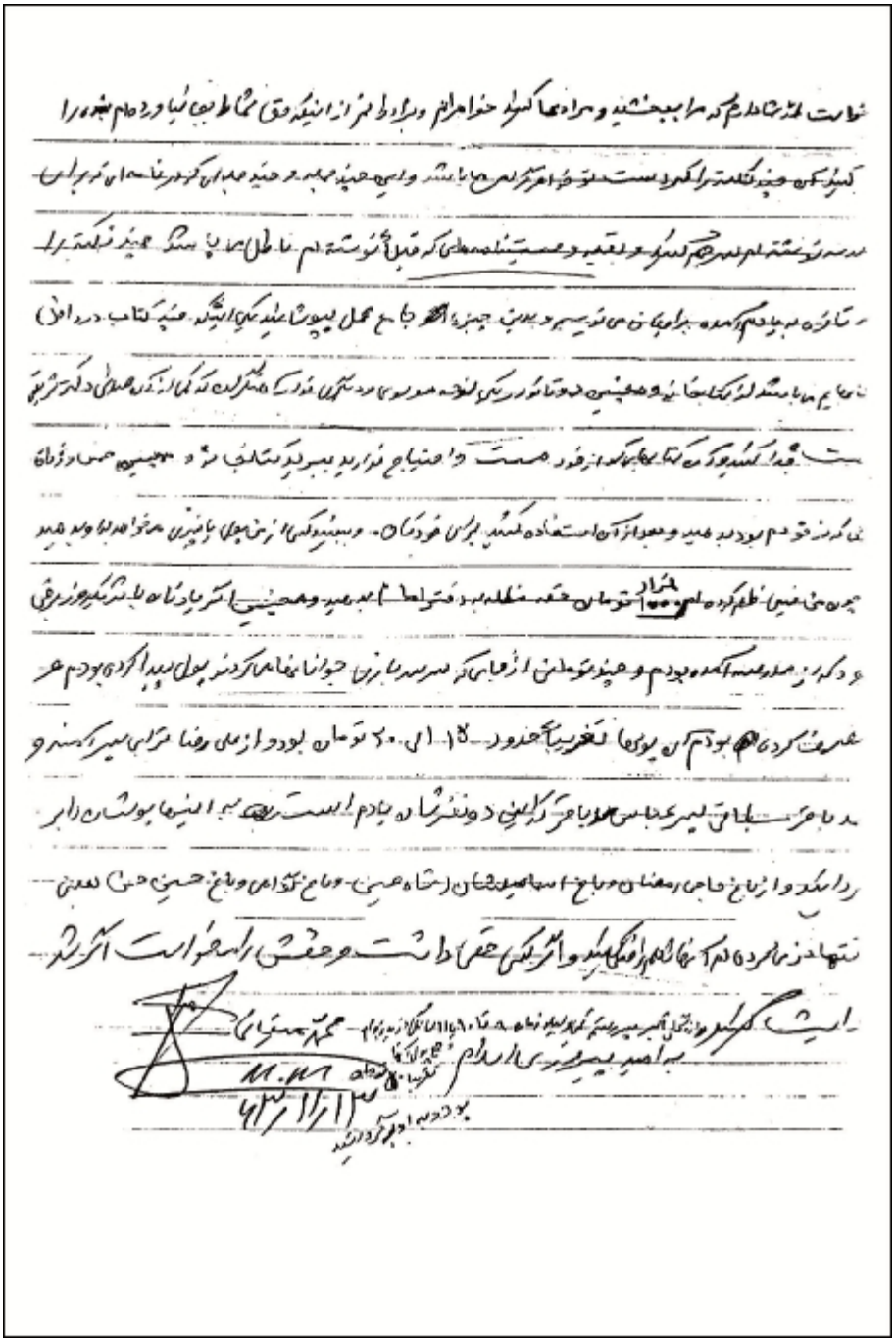


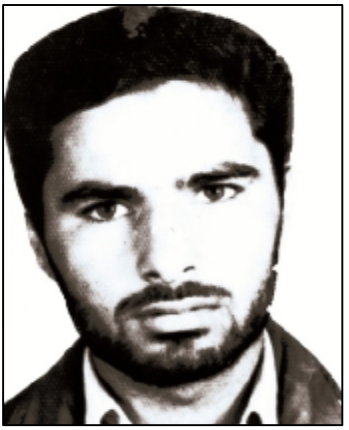












نام: **رضا**
نام خانوادگی: **نادری باجگیران**
نام پدر: **محمدولی**
نام مادر: **ایراندخت**
تاریخ تولد: **دهم آبان ۱۳۴۶**
محل تولد: **شهرستان شاهرود**
تحصیلات: **چهارم متوسطه**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **پنجم مرداد ۱۳۶۷**
محل شهادت: **اسلام‌آباد غرب**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش**
مزار: **گلزار شهدای زادگاهش**

عبارت‌های کلیدی

- خدایا در این مکان مقدس تو را به چهارده معصوم قَسَمَت می‌دهم که به من توفیق روگردانی از گناه، و روی آوردن به سویت را با عبادات خالصانه و گریه و زاری به درگاهَت را در دل شب عنایت فرمایی.
- خدایا لطف و مرحمت تو نهایت ندارد و مانند دریایی است که اگر بخواهی می‌توانی با یک موج کل گناه و عصیان خلایق را پاک کنی.
- الها: تو غنی هستی از مجازات ما و ما ضعیف در برابر عذابت. پس درگذر از گناه ما.
- خدایا من را توفیق آن دادی که پای به مکانی بگذارم که همه‌اش نور و صفا و همه‌اش عشق بود و آن خاک گلگون، جبهه نام داشت.
- درد عاشقی پوست و گوشت و استخوانم را درهم می‌فشرد و من سرمست از این شور بارها به جبهه آمدم.
- بارالها: به آرزوی وصال تو پای در این دیار نهادم.
- بارالها: تو رحیمی، تو بخشنده‌ای و تنها تویی مولا و سرور من.
- انسان باید ببیند که جبهه چه وقت به او نیاز دارد، یعنی جنگ را با زندگی‌اش تطبیق دهد.
- اگر اعزام بود بروید سپاه و تکلیف خودتان را از مسئولین سؤال کنید.
- اگر وظیفه شما جبهه رفتن بود و نرفتید و خدای نکرده جبهه به خاطر کمبود نیرو با مشکلاتی مواجه شد، آن وقت وای بر ما که به مصیبت بزرگی گرفتار شدیم.

رضا نادری باجگیران

بسم‌الله الرّحمن الرّحیم

پروردگارا:

نمی‌دانم چه شده است مرا، قلب خود را سیاه می‌بینم و چشم خود را خشک از اشک، می‌خواهم ناله و افغان خود را بلند کنم و دل را آینه معرفت و عشق نسبت به تو کنم، اما در دل جز هوا و هوس و تاریکی چیز دیگر را مشاهده نمی‌کنم.

پروردگارا:

در این چهارشنبهٔ آخر سال، که ناله و افغان یاران خود را در دعای توسل می‌شنوم، به گریه‌های آنها حسرت می‌خورم و به آن سجده‌های اشک‌آلود خالصانه غبطه[1] می‌خورم، خدایا نمی‌دانم چرا از این مناجات‌ها محرومم، وقتی نفس خود را به پای میز محاکمه می‌کشانم از آینده و آخرت خود بیمناک می‌شوم، یک سال دیگر نیز سپری شد و من جز[2] اندوه و حسرت چیزی برای خود نیندوختم. «هر کسی از ظن خویش یار و مونس من شد»[3] و از درون من نجست که چه سگی در وجودم لانه کرده، همه گمان واهی در رابطه با من دارند و تنها این منم که از خودم خبر دارم و می‌دانم که اسیری هستم در بند شیطان، سگ نفس دائماً بر من حمله‌ور می‌شود و مرا به گناه وا می‌دارد.

الها: می‌خواهم خوب شوم اما حریف خود نمی‌شوم، خدایا در این مکان مقدس و به این شب عزیز، تو را به چهارده معصوم قَسَمَت می‌دهم که به من توفیق روگردانی از گناه، و روی آوردن به سویت را با عبادات خالصانه و گریه و زاری به درگاهَت [را] در دل شب عنایت فرمایی، و مرا از زمره مخلصانت قرار دهی.

پروردگارا:

در ظلمات و تیرگی روح خود کابوس‌های وحشتناک و دوزخ‌های گرم و سوزان چیزهایی هستند که بیم و ترس را بر وجودم مستولی می‌کند. کابوس‌هایی که من با اعمال

---

1. در اصل وصیت «قبطه».
2. در اصل وصیت «جزء».
3. اشاره به شعر مولانا (هر کسی از ظن خود شد یار من* از درون من نجست اسرار من).

زشت خود بر نفس خویش روا داشتم، گناهان بی‌شماری که مرا از مقام والای انسانیت به اسفل السافلین درجات سوق داد.

الها: نمی‌دانم که چگونه عذر به درگاهت بیاورم. چگونه ترا بخوانم تا از من درگذری، من از روی جهل و نادانی بود که به دام شیطان افتادم، نه از روی کفر و سرکشی. مگر نه این بود که بعد از هر گناهی ترا می‌خواندم و درِ خانه تو را به صدا در می‌آوردم. تو خود گفتی که اگر صدبار گناه کردی و صدبار هم توبه شکستی باز به نزد من آی. پس ای معبود، من اکنون با حالتی زار و پشیمان از گذشته رو به سویت کرده‌ام. خدایا لطف و مرحمت تو نهایت ندارد و مانند دریایی است که اگر بخواهی می‌توانی با یک موج، کل گناه و عصیان خلایق را پاک کنی.

الها: تو غنی هستی، از مجازات ما و ما ضعیف در برابر عذابت، پس درگذر از گناه ما، روزگارانی خود را می‌دیدم و تو را هیچ، من با تو بیگانه بودم، از سر غفلت و نادانی بر هر گناهی دامن می‌زدم. حیوانی بودم پست، گناه بر من عادتی شده بود و روز و شام معصیت‌ها می‌نمودم، ترا شکر می‌گویم که با همه این گناهان باز هم مرا مورد لطف خود قرار می‌دادی و پرده عصمت و آبروی[1] مرا ندریدی.

خدایا از سر خجالت چه بگویم، چگونه شکر این نعمت تو را بجای آورم. روزها سپری شد و هر روز من از تو دورتر می‌شدم، تا زمانی که انقلاب اسلامی پای گرفت و حکومت عدل برپا شد، با شروع انقلاب در دل خود نوری را مشاهده کردم که نغمه آستان ربوبیت تو را سر داده بود، این تحوّل روزها و شب‌ها بر من بیشتر آشکار می‌شد، دیگر معنی دوستی با تو را درک کردم بعد از هر گناهی قوه‌ای مرا به سوی تو می‌کشید، در اندرون[2] من حالات روحانی ریشه دوانده بود. تا اینکه درهای رحمت بیکران تو به روی این عاصی گشوده گشت و من را توفیق آن دادی که پای به مکانی بگذارم که همه‌اش نور و صفا و همه‌اش عشق بود و آن خاک گلگون، جبهه نام داشت. کم‌کم در این بازار عشق و عاشقی واژه شهادت را درک کردم.

---

1. در اصل وصیت «عابروی».
2. در اصل وصیت «اندون».

من دیگر از ژرفای زندگی پست دنیا و دلبستگی‌هایش بیرون آمده بودم. رابطه من با تو نزدیک و نزدیکتر شد و تا اینکه مرا عاشق خود کردی.

بارالها:[1] درد عاشقی پوست و گوشت و استخوانم را درهم می‌فشرد و من سرمست از این شور بارها به جبهه آمدم، بارالها[2]: به آرزوی وصال تو پای در این دیار نهادم اما نمی‌دانم که پایان این ظلمات و تاریکی کی خواهد بود و کی خورشید تابان شهادت تیرگی شب را کنار می‌زند و فجر و سپیده، آسمان تار دل مرا روشن می‌سازد.

بارالها:[3] اگر چه کالایی ناچیز با خود به همراه دارم و در این بازار جان فروشان، ارزشی برای آن نمی‌توان قائل شد، اما ای خدای من این متاع اندک را بپذیر. من با این عشق است که زنده‌ام، نفس می‌کشم و در پس آینده‌های نه چندان دور صحنه‌های خونین شهادت را رقم می‌زنم، ای فریادرس فریاد کنندگان و ای نهایت آمال دلباختگان نظری فرما [تا من][4] در این وادی یکه‌تاز بر بالین تندر شهادت با جامه خونین و قطعه‌قطعه شده به دیدارت بیایم، الها: در آن لحظه دوست دارم که فرصتی به من دهی چرا؟

الها: تو رحیمی، تو بخشنده‌ای و تنها تویی مولا و سرور من، دوست دارم که در آن لحظه رو به قبله کنم و سر را به سجده گذارم و در حالت طاعت و بندگی، تو را برای چند بار دیگر بخوانم. الهی العفو بگویم و مولای خود امام زمان (عج) را صدا بزنم و آنگاه شهادتین خود را بر زبان جاری سازم و سپس آزادانه و سبک‌بال به سویت پرواز کنم.

شاید که به این طریق از جرم و گناه من بگذری و من با پاره کردن تمام غل و زنجیرهای گناه و معصیت به سویت آزادانه رجعت کنم و پای در سرای ربوبیت تو نهم.

* * *

سخنی که با شما برادران و دوستان دارم، خصوصاً عزیزانی که در خط جبهه و جنگ هستند درد دلی[5] است که شاید بیشتر شهدای گرانقدر ما داشته‌اند و آن درد، مظلومیت

---

1. در اصل وصیت «بارلها».
2. در اصل وصیت «بارلها».
3. در اصل وصیت «بارلها».
4. در اصل وصیت «و ما را».
5. در اصل وصیت «در دلی».

اسلام است، برادران عزیز انتظاری که از شماهاست از سایرین نیست، انتظاری که شهدا و امام از شما دارند، جدای از عام مردم است. چرا که شما همگی در جبهه بوده‌اید و مظلومیت اسلام و جنگ را در بعضی از مواقع مشاهده نموده‌اید که چگونه در بعضی از عملیات‌ها به خاطر کمبود نیرو، چه بر سر ما آمده، چطور حاصل خون و دست‌رنج شهدا و رزمندگان در آخر کار به علت نبودن نیروی پشتیبانی، بی‌ثمر گشته و چقدر شهید و مجروح و مفقودالاثر به خاطر همین مسئله در خاک لاله‌گون جبهه به جای مانده و چقدر خانواده‌ها بی‌سرپرست، و چقدر انتظار فرزندان و همسران و پدران و مادران هم‌سنگری‌های شما به یأس مبدل گشته.

برادران عزیز چه شده است بعضی از ما را که به یک بار یا چند بار جبهه رفتن خود اکتفا کرده‌ایم و این مسئله که ما وظیفه‌مان را انجام داده‌ایم جلو[1] کشیده و دیگر پای در جبهه‌ها [پای] نمی‌گذارید.

عزیزان من، مشکل بزرگ این است که ما نباید زندگی‌مان را با جنگ تطبیق دهیم، یعنی فکر بکنیم که هر وقت بیکار هستیم باید به جبهه برویم، این طرز تفکر برای کسی که امام دارد و می‌خواهد تکلیفی، زندگی کند اشتباه است، چرا که مقلد امام، از خود قدرت تصرفی در رابطه با امور زندگی ندارد، پس انسان باید ببیند که جبهه چه وقت به او نیاز دارد، یعنی جنگ را با زندگی‌اش تطبیق دهد، یعنی اگر درس بود، اگر مسئله ازدواج بود و اگر هزار کار مهم دنیوی دیگر بود وقتی که به ما گفتند، جبهه به شما نیاز دارد، باید پشت پا به همه آنها زد. آیا مسئله اسلام مهمتر است یا درس و دیپلمت.

به خدا قسم در روز قیامت حساب امثال ما بسیار سخت خواهد بود. اگر جوابی در برابر چهره غرق در خون شهیدان خصوصاً رفقای شهیدتان در روز محشر دارید. پس در شهرها بمانید و اسلام و جبهه را به خاطر درس، به خاطر دانشگاه، زن و شوهر و پدر و مادر خالی بگذارید.

---

1. کنایه از پیش کشیدن و بهانه قراردادن می‌باشد.

عزیزان من، جبهه‌تان و داستان و زندگی خودتان را تکلیفی از پیش ببرید. یعنی اگر اعزام بود بروید سپاه و تکلیف خودتان را از مسئولین سؤال کنید، مسائل و مشکلات خود را با آنان در میان بگذارید و ببینید که چه در جواب به شما خواهند داد.

اگر تکلیف شما این بود که بمانید و دیگر با خیال راحت در شهر به اموراتتان رسیدگی کنید و اگر فردای آن روز صد شهید نیز تشییع[1] کردند با خیال آسوده در تشییع[2] جنازه آنها شرکت کنید چرا که تکلیف خودتان جبهه رفتن نبوده و اما اگر وظیفه شما جبهه رفتن بود و نرفتید و خدای نکرده جبهه به خاطر کمبود نیرو با مشکلاتی مواجه شد، آن وقت وای بر ما که به مصیبت بزرگی گرفتار شدیم. دیگر با چه رویی می‌توانید پیکر پاک شهدایتان را، دوستان غرق در خونتان را تشییع[3] کنید، بی‌گمان باید جوابگوی فرزندان یتیم شهدا آنهایی که حتی چهره پدر خود را یک‌بار هم ندیده‌اند باشید؛ و جواب آن درس و زندگی و امثالهم نیست.

«در سر قبرم این مطلب نوشته شود»

۱) ای برادر کجا می‌روی، کمی درنگ کن ـ آیا با کمی گریه و یک فاتحه خواندن ـ تنها بر مزار من و امثال من مسئولیتی را که با رفتن خود بر دوش تو گذاشته‌ایم را از یاد خواهی برد یا نه، ما نظاره‌گر خواهیم بود که تو با این مسئولیت سنگین چه خواهی کرد و اما مسئولیت، ادامه دادن راه ماست و ادامه راه ما، حضور تو در جبهه است، آنگاه که، جبهه نیاز به تو دارد و تکلیف تو حضور در جبهه است.

۲) مبلغ ۲۵۰۰۰/ریال به عنوان حق مظالم بپردازید.

۳) مبلغ ۱۰۰۰۰۰/ ریال، را به واحد اطلاعات عملیات تیپ ۱۲ به عنوان کمک به جنگ هدیه نمایید.

۴) از کلیه دوستان و آشنایان تقاضا دارم که هر یک ۲ روز روزه قضا و ۳ روز نماز قضا برایم بجا آورند.

---

1. در اصل وصیت «تشیع».
2. در اصل وصیت «تشیع».
3. در اصل وصیت «تشیع».

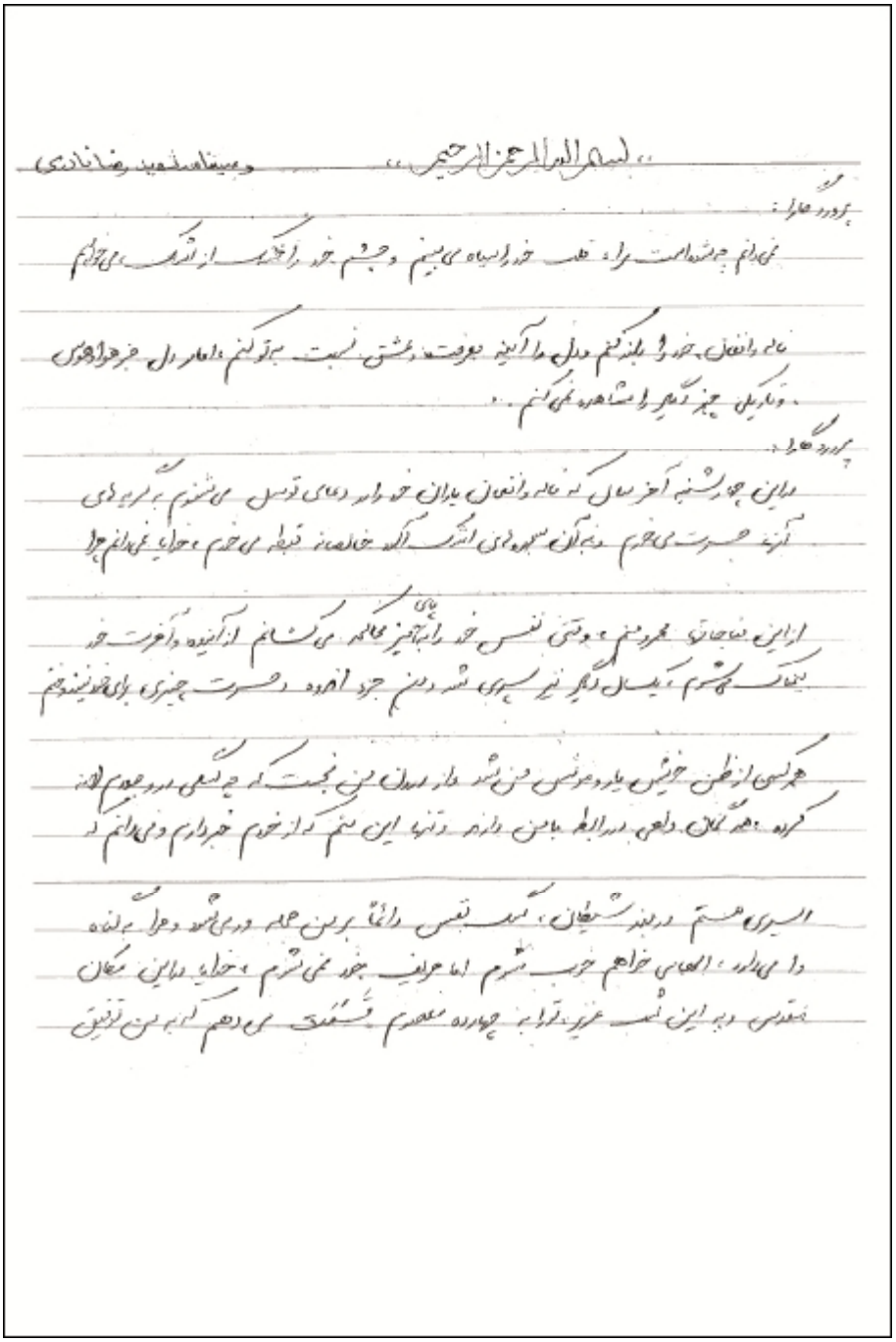
۵) پیکر مرا در مزار شهدای شاهرود در کنار دوست شهیدم، علی کلباسی دفن کنید و اگر جنازه‌ام برنگشت، مزار هر یک از شهدا مزار من است.

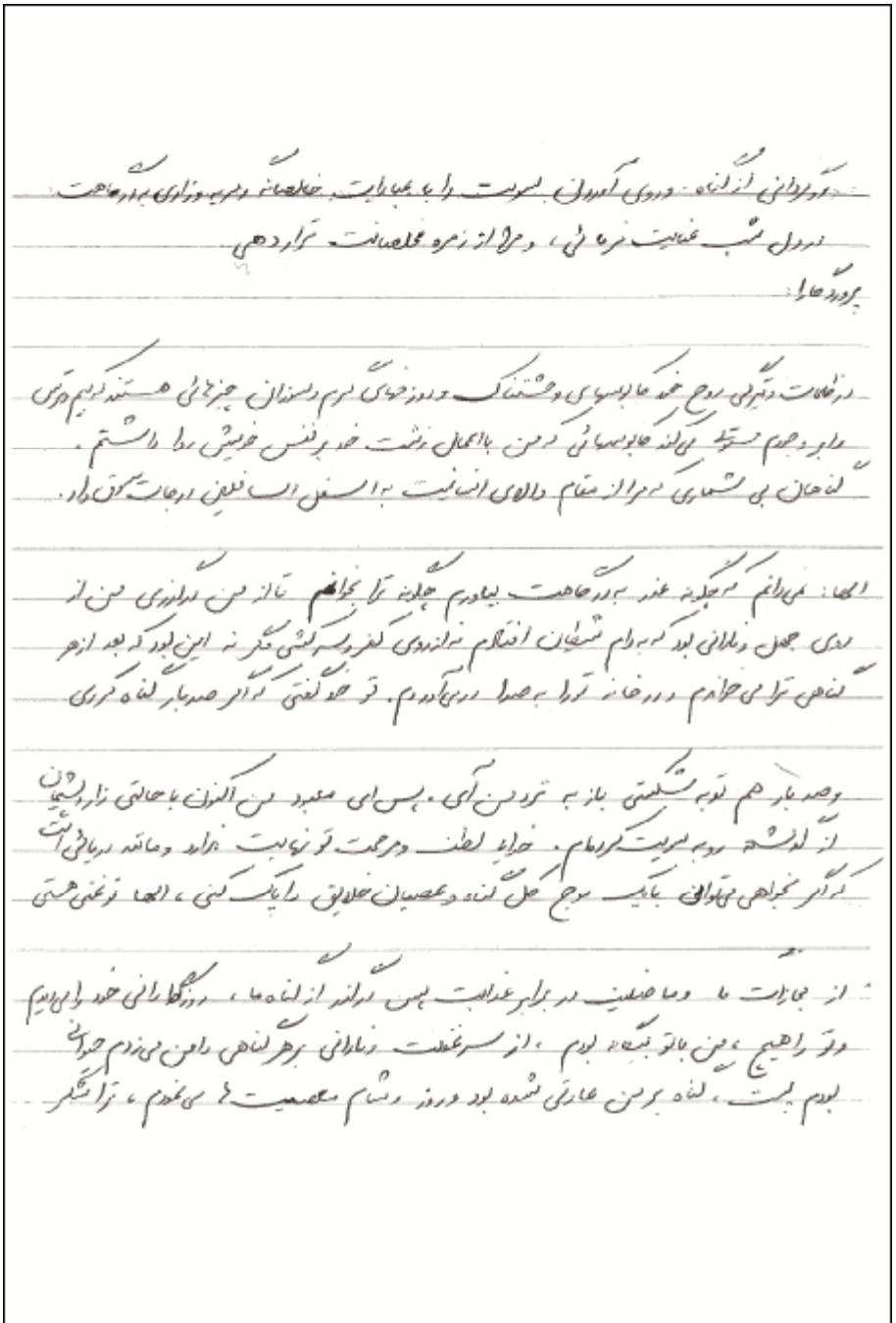
در نهایت از تمامی دوستان حلالیت می‌طلبم و امیدوارم که هر بدی که از طرف من به شما رسیده است را به بزرگواری خود ببخشایید.

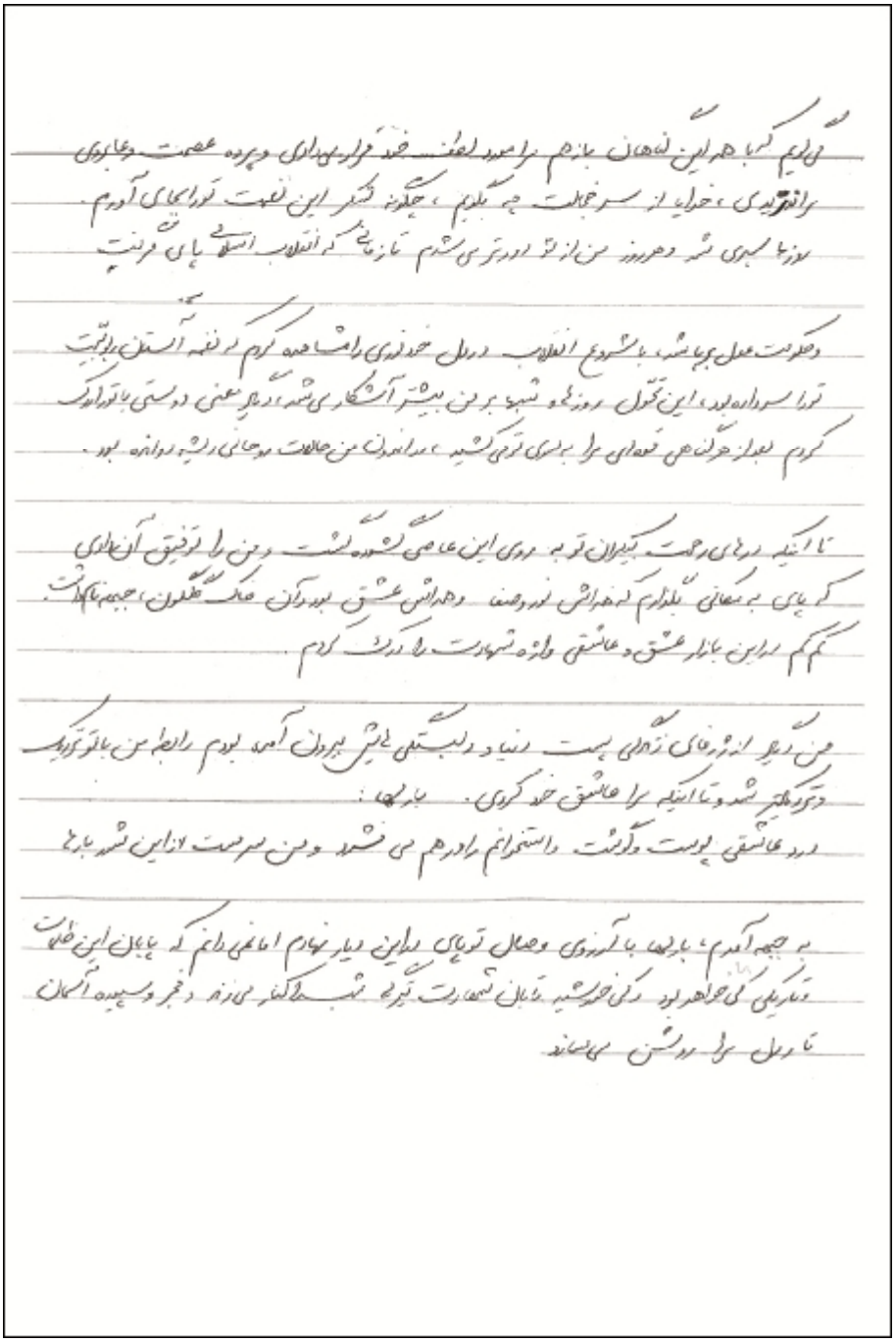
«اشهدان لا اله الا الله و اشهد ان محمداً رسول‌الله»[1]

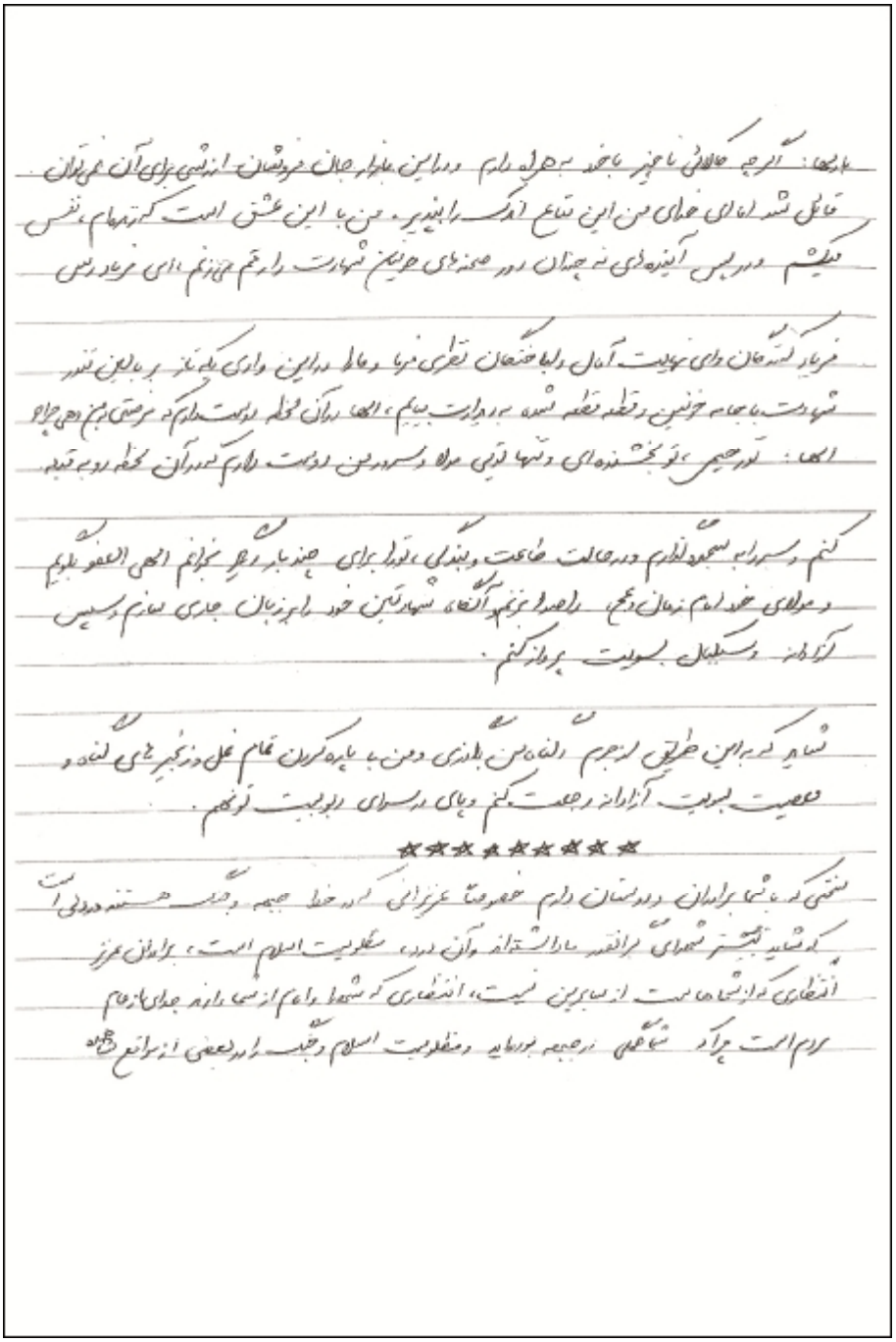
عبدالعاصی رضا نادری

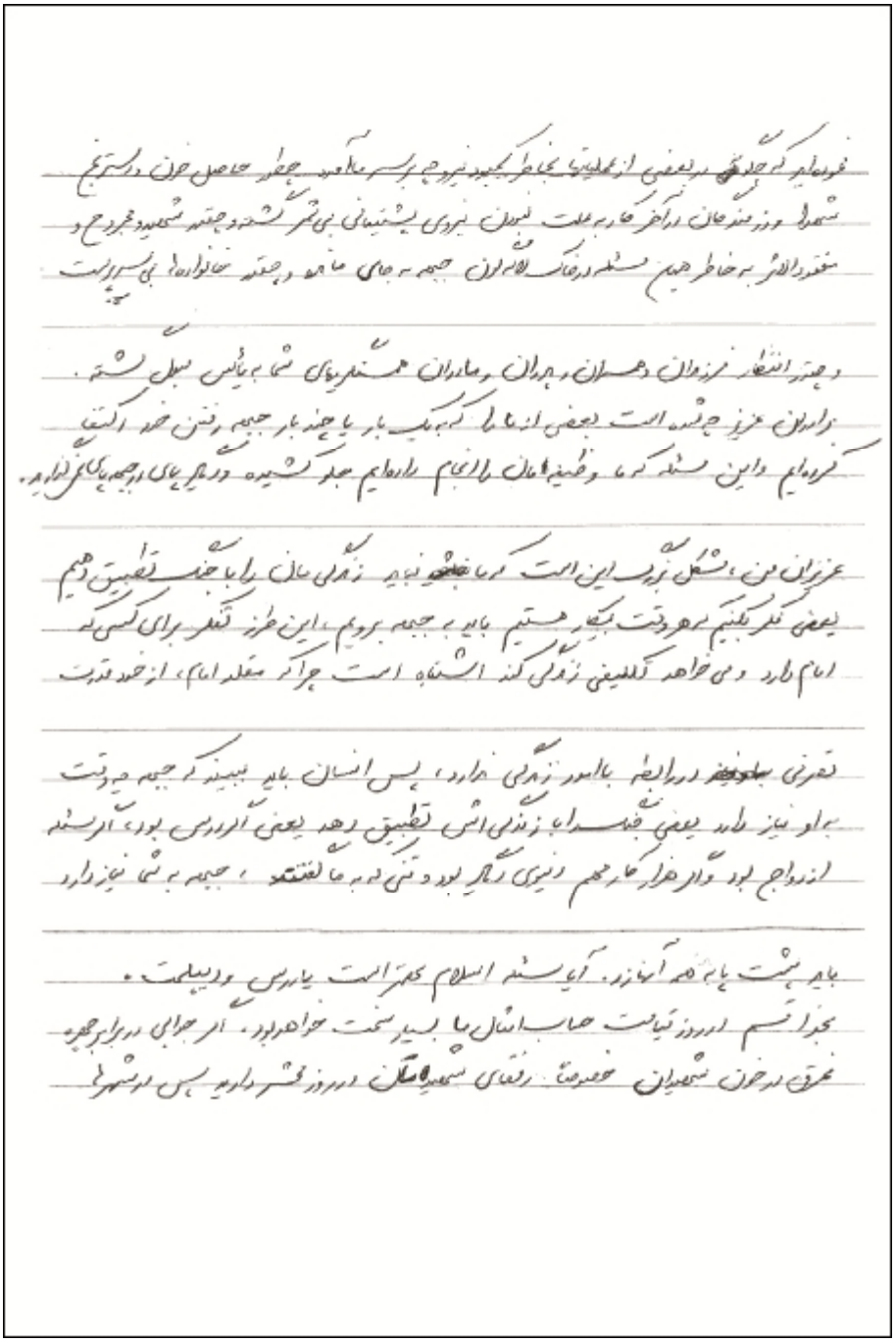
1. شهادتین در مکتب شیعیان.

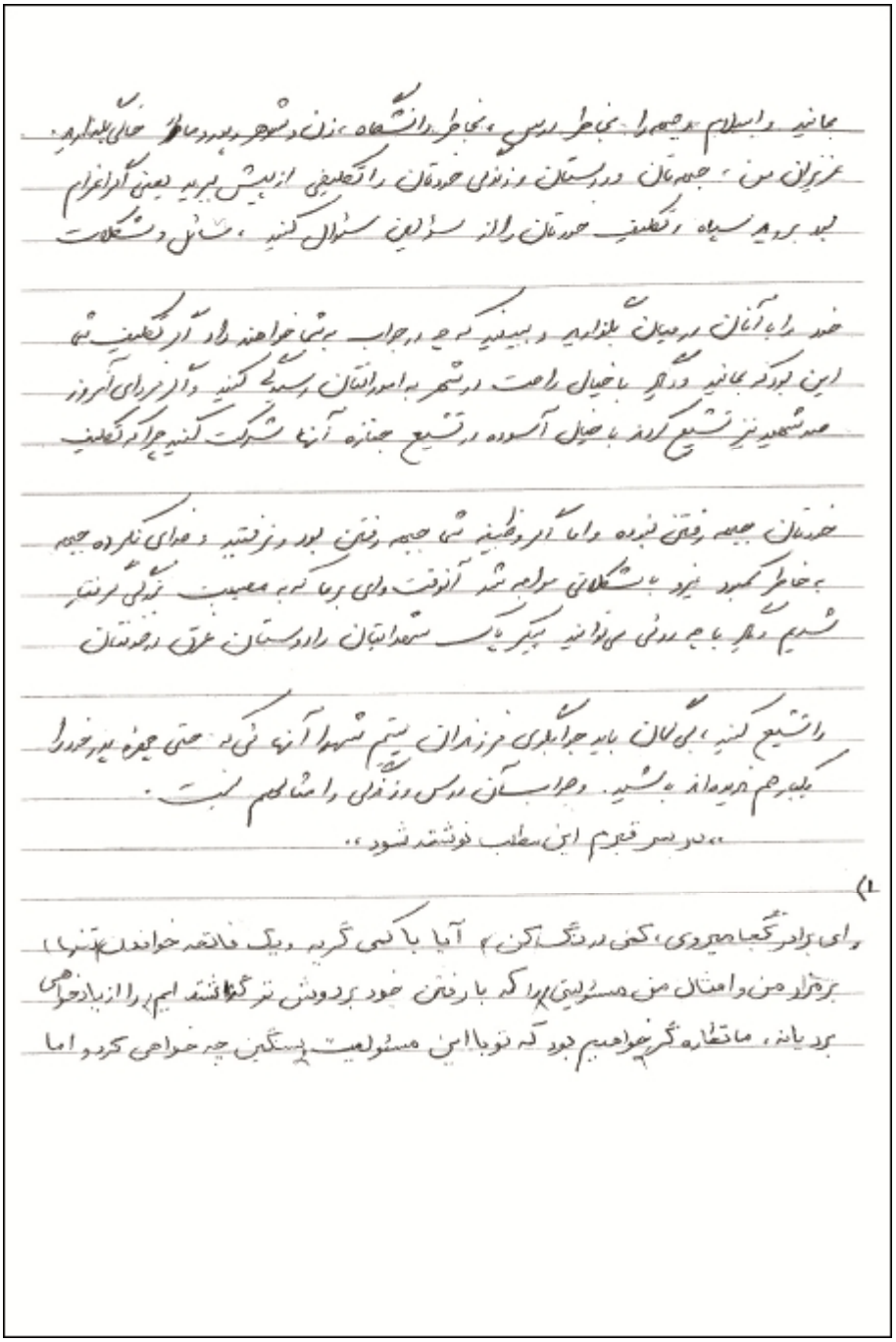












مسؤولیت پرداخت دادن به صاحبان و اداره‌ها حضور در جبهه است، آنگاه که جبهه نیاز به نیرو دارد، و تکلیف تر حضور در جبهه است.

۲) مبلغ ۲۵۰۰۰ ریال به عنوان حق مقام پرداخت می‌شود.

۳) مبلغ ۱۰۰۰۰۰ ریال به واحد اطلاعات عملیات تیپ ۱۲ به عنوان کمک هزینه داده می‌شود.

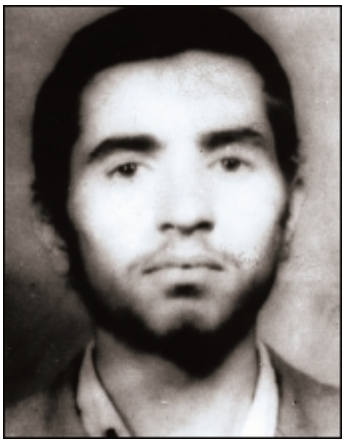
۴) از کلیه دوستان و آشنایان تقاضا دارم که هر یک ۲ روز روزه قضا و یک روز نماز قضا برایم بجا آورند.

۵) هیچ یک از مزار شهدای گمنام و کنار دوست شهیدم علی طالبی دفن نکنید و اگر جنازه‌ام برگشت مزار هر یک از شهدا مزار من است.

وصیت از تمامی دوستان حلالیت می‌طلبم و امیدوارم که هر جا که از حرف من به شما رسیده است را به بزرگواری خود ببخشید.

اشهد ان لا اله الا الله واشهد ان محمداً رسول ا...

محمد العلی رضا نادری



نام: **سیدمحمدرضا**
نام خانوادگی: **نادری**
نام پدر: **سلیمان**
نام مادر: **کلثوم**
تاریخ تولد: **بیست‌وپنجم شهریور۱۳۴۶**
محل تولد: **در روستای میقـان از توابـع شهرستان شاهرود**
تحصیلات: **سوم متوسطه**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **پانزدهم اسفند ۱۳۶۳**
محل شهادت: **بیمارستان نمازی شیراز**
نحوهٔ شهادت: **قطع نخاع**
مزار: **گلزار شهدای زادگاهش**

عبارت‌های کلیدی

- بنده با میل و اشتیاق به این راه شتافتم و تا جای امکان و تا موقـع شـهادت، در ایـن راه پایـدار خواهم ماند.
- تا پای شهادت در سنگر ایستادگی خواهم کرد و در این برهه از زمان تشخیص دادم که در خانه نشستن و در بستر راحت آرمیدن. شرط مسلمانی نیست.
- نگویید شهیدان را ناکام، نگویید بلکه به کام اصلی خود یعنی شهادت رسیده‌اند.
- مادران بدانید که تربیت کودکان خود از خون من سازنده‌تـر اسـت و فرزنـدان خـود را تربیـت اسلامی و قرآنی بدهید نه تربیت شیطانی.
- عزای امام حسین (علیه‌السلام) را همچنین پرشور نگه دارید.
- جبهه‌ها را خالی نکنید که جای شهدا است و کتاب‌های کتابخانه‌ها را نگذارید گـرد و غبـار فـرا گیرد.
- دعاها را پرشور و حال نگه دارید و «نماز به پا دارید که نماز ستون دین است.
- با همدیگر برادرانه زندگی کنید و برادروار باشید تا خداوند از شما راضی باشد.
- مبادا امام را این قلب تپنده ملت اسلام را آن نور دیدگان مستضعفان را تنها بگذاریـد او را دعـا کنید.
- مجالس شهدا را گرم نگه دارید و نگذارید یاد شهیدان از قلوب برود.

سیدمحمدرضا نادری

بسم‌الله الرحمن الرحیم

«و لاتحسبّن الذین قتلوا[1] فی سبیل‌الله امواتاً بل احیاءٌ عند ربهم یرزقون»[2]

[...][3] سزاوار آفریدگار است که تمام آدمیان را جان داد و روح معنوی در وجود او دوانید و در سرما عقل قرار داد، اینجانب با ایمان به پروردگار واحد و قهار قدم در این راه گذاشتم و نیازمند لطف و کرم او می‌باشم و با درود بر پیامبر خاتم رسول گرامی اسلام(صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) و امامان(علیهم‌السلام) و برگزیدگان راه حق، به ویژه صاحب العصر امام زمان(عج) و با درود بر رهبر کبیر انقلاب.

من بنا به وظیفه شرعی چند کلمه‌ای به عنوان وصیت برای امت حزب‌الله می‌نویسم:

اولاً بنده با میل و اشتیاق به این راه شتافتم و تا جای امکان و تا موقع[4] شهادت، در این راه پایدار خواهم ماند و تا پای شهادت در سنگر ایستادگی خواهم کرد و در این برهه از زمان تشخیص دادم که در خانه نشستن و در بستر راحت آرمیدن. شرط مسلمانی نیست.

پروردگارا: خودت گفته‌ای «مرا بخوانید تا شما را اجابت کنم»[5] و الا این ذره ناچیز را چه جای آنکه در برابر عظمت و جلال و بزرگی تو به زبان آید.

برادران و خواهران عزیز از شما می‌خواهم که در عزای من گریه و زاری نکنید، که چون قاسم[6](علیه‌السلام) که در روز عاشورا به عموی خود حسین بن علی(علیه‌السلام)[7] گفت: «مرگ را چون عسل شیرین می‌بینم» [و] گریه برای امام حسین(علیه‌السلام) سالار شهیدان کنید و

---

1. در اصل وصیت «قتلو».
2. آل عمران/ ۱۶۹. ترجمه: «مپندارید آنان که در راه خدا کشته شده‌اند مرده‌اند بلکه زنده‌اند و نزد خدایشان روزی می‌خورند.»
3. خوانا نیست.
4. در اصل وصیت «موقعه».
5. ترجمه: «اُدعونی اَستجب لکم»ـ غافر/ ۶۰.
6. ر.ک. تعلیقات.
7. «اَحلی مِن العسل». از سخنان در ؟ حضرت قاسم بن حسن(علیه‌السّلام) در لحظه‌ای است که از امام حسین(علیه‌السّلام) اذن میدان ؟ و جنگیدن گرفت.

نگویید شهیدان را ناکام، نگویید بلکه به کام اصلی خود (شهادت) رسیده‌اند و سخنی با مادران بدانید که تربیت کودکان [خود] از خون من سازنده‌تر است و فرزندان خود را تربیت اسلامی و قرآنی بدهید نه تربیت شیطانی و عزای امام حسین (علیه‌السلام) را همچنین پرشور نگه دارید و عزا را عزای کربلایی (جبهه‌ای) کنید.

جبهه‌ها را خالی نکنید که جای شهدا است و کتاب‌های کتابخانه‌ها را نگذارید گرد و غبار فرا گیرد [...][1] خواندنها و آگاه شدن‌ها بوده که اسلام را پیروز و سرافراز نگه داشته و دعاها را پرشور و حال نگه دارید و «نماز به پا دارید که نماز ستون دین است».

سخنی با برادران محصل که برادران و خواهران عزیز شما نسل نو انقلاب هستید، درس بخوانید و سنگر خود را حفظ کنید و درس خواندنتان درس خواندن طلبگی باشد، نه درس خواندن آمریکایی. درس را برای خداوند بخوانید، برای رضای خدا، برای یاری اسلام بخوانید نه برای مدرک و غیره. هیچ عبادتی را کوچک نشمارید، که ممکن است کسی صد سال نماز بخواند وارد بهشت نشود و کسی با عبادت کوچکی وارد بهشت شود و با همدیگر برادرانه زندگی کنید و برادروار باشید تا خداوند از شما راضی باشد، مبادا برای چیز ناچیزی بر سر همدیگر داد بکشید، که این دو روزهٔ دنیا هیچ ارزشی ندارد و امام را این قلب تپنده ملت اسلام را آن نور دیدگان مستضعفان را تنها بگذارید او را دعا کنید. برادران پاسدار را این کسانی که از جان و هستی خود گذشته‌اند و در رکاب امام زمان (عج) هستند را یاری و کمک دهید. برادران حزب‌الله را در امور اجتماعی و مذهبی ... کمک کنید و مجالس شهدا را گرم نگه دارید و نگذارید یاد شهیدان از قلوب برود.

و برادران محصل در انجمن‌های اسلامی شرکت کنید و سخنی با برادران انجمن اسلامی ارگان‌ها که ای برادران شما باید نمونه باشید در اخلاق و رفتار و در درس خواندن. مبادا از شما سستی و بی‌حالی دیده شود و اخلاقی از شما سر بزند که قلب امام زمان (عج) را برنجاند؛ و با منافقین[2] و با این دو رویان[3] سرسخت برخورد کنید و پوزه کثیف آنها را بر خاک بمالید.

---

1. خوانا نیست.
2. ر. ک. تعلیقات.
3. در اصل وصیت «درویان».

مبادا در برابر آنها ساکت بنشیند و جبهه‌ها را پر کنید که جبهه‌ها دانشگاه انسان‌سازی است. برای فرج امام زمان (عج) دعا کنید و ای مادران و برادران حزب‌الله مبادا از آمدن فرزندان خود به جبهه‌ها خودداری کنید که قلب امام به درد می‌آید و بنا به تکلیف شرعی عمل نمایید و غیبت نکنید. که بدترین گناه است می‌خواستم بیشتر بگویم، ولی وقت شما گرامی‌تر است و دوستان و آشنایان راه شهیدان را ادامه دهید و اسلحه به زمین افتاده‌ام را در دست بگیرید و بر خصم زبون بتازید که شما پیروزید پدر و مادرم می‌دانم که شما را ناراحت کردم و با شما تندی نمودم، مرا عفو کنید و حلالم نمایید، مادرم شیرت را حلالم کن و برای من گریه نکن و مبادا بی‌صبری از خود نشان دهید که شما نزد امام زمان(عج) روسفید می‌باشید.

برادران و خواهران اگر از من خطا و اشتباهی[1] با تندی دیدید به بزرگی خودتان مرا عفو و حلال نمایید، ببخشید اگر جمله‌بندی درست نبود و وقت گرامی شما را گرفتم مرا حلال نمایید و خطایم بپوشانید؛ و همیشه در رضای خدا قدم گذارید.

رضای دوست بدست آر و دیگران بگذار — هزار فتنه چه غم باشد ار برانگیزند
مرا که با چو تو محبوبی آشتی افتاد — رواست گر همه عالم به جنگ برخیزند[2]

و برادران عزیز و گرامی مطلب اصلی فقط اسلام است و دشمن اصلی کفّار هستند :

کی رفته ای زدل که تمنا کنم تو را — که بودی نهفته که پیدا کنم ترا[3]
با صد هزار جلوه برون آمدی که من — با صد هزار دیده تماشا کنم ترا[4]

تبلیغات شیطان صفتان را گوش فرا ندهید و وحدت را حفظ کنید و همدیگر را موعظه کنید و زبان خود را نگه‌دارید و آن را زندانی کنید و همدیگر را امر به معروف و نهی از

1. در اصل وصیت «اشتاهی».
2. غزل از سعدی شیرازی.
3. غزل از فروغی بسطامی است در اصل وصیت «ای رفته‌ای زدل...».
4. در اصل وصیت «با صدهزار جلوه روان آمدی؟».

منکر کنید؛ و برادران گرامی با همدیگر با ملایمت و مهربانی رفتار نمایید و هر کار که می‌کنید برای رضای خدا باشد و جبهه‌ها را پر کنید.

هان اهل قلم، قلم تفنگ است امروز برگیر سلاح خود، که جنگ است امروز
برخیز که بی‌بهانه سنگر گیریم در خانه به هر بهانه، ننگ است امروز

و نمی‌خواستم وقت شما را زیاد بگیرم امّا وظیفه خود دانستم که دگر باشم که وظیفه خود را به اتمام برسانم و وقت شما را زیاد گرفتم. ببخشید مرا حلال نمایید.

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته
وصیت نامه حقیر محمدرضا نادری
۶۳/۸/۲ ـ ۲۸ محرم‌الحرام سال ۱۳۶۳

و من اگر جسد داشتم، مرا در میقان بر سر مزار شهدای کوچه محمد شهید، کنار شهید مهدی دفن نمایید.

گردان کربلا ـ گروهان امام حسین، اعزامی از شاهرود (امامشهر) مهدی میقان
اسلامشهر، میقان کوچه شهید محمّد

(۱)

بسم الله الرحمن الرحیم

و لا تحسبن الذین قتلوا فی سبیل الله امواتا بل احیاء عند ربهم یرزقون

مرکز اسناد ایثارگران

سزاوار آموزگار است که تمام آدمیان را همان داد و روح معنوی در وجود او و امید در سرشت عقل قرار داد اینجانب با ایمان به پروردگار واحد و قهار قدم در این راه گذاشتم و نیاز مند لطف و کرم او می باشم و با درود بر پیامبر خاتم رسول گرامی اسلام و امامان و پرچمداران راه حق بویژه صاحب العصر امام زمان و با درود بر رهبر کبیر انقلاب سنی بنا به وظیفه شرعی میثاق نامه ای به عنوان وصیت برای استاد عزیز ... می نویسم اولاً بنده با میل و اشتیاق به این راه شتافتم و تا پای جان و تا سرحد شهادت در این راه پایدار خواهم ماند و تا پای شهادت در سنگر اسیتادگی خواهم کرد و در این برهه از زمان تشخیص دادم که در خانه نشستن و در بستر راحت آرمیدن شرط مسلمان نیست.

پروردگارا! خودت لغتهای مرا بخوان تا بتوانم تا شما را اجابت کنم و از این ذره ناچیز را چه برای آنکه در برابر عظمت و جلال و بزرگی تو به زبان آید.

برادران و خواهران عزیز از شما می خواهم که در امر ازدواج سنگر و یاری نکنید که چون تا سیم که در روزها شور ابه عموی خود حسین بن علی گفت سود را چون عسل شیرین می بینم و گریه برای امام حسین (ع) سالار شهیدان کنید و نگذارید شهیدان را تا نام نبرید بکار بگذارید نام اصلی خود را بیان رسیده اند و سفارش با یاران بدانید که تربیت کودکان خود از خون شهدا سازنده تر است و فرزندان خود را تربیت اسلامی و قرآنی بدهید نه تربیت شیطانی.

و عزای امام حسین (ع) را همچنان پرشور نگه دارید و مزار برای کربلائی رفتگان کنید.

ی نکشید که جای شهدا است و کتابهای کتابخانه‌ها را نگذارید دیگران و غیار مزاحم آیند

برادران و خواهران ایثارگران شما را آماده شوشها بودند که اسلام را پیروز و سرافراز نگهداشتند و دعاها را

پرشور و جان نگهدارید و نماز به پا دارید که نماز ستون دین است.

سفارش با برادران عزیز است که برادران و خواهران عزیز شما سنگر انقلاب هستید درس بخوانید و سنگر

خود را حفظ کنید و در درس خواندنتان درس خواندن طلبگی باشد نه درس خواندن امریکایی

درس را برای خدا بخوانید برای رضای خدا برای یاری اسلام بخوانید نه برای مدرک و نمره

هیچ عبادتی را کوچک نشمارید که ممکن است کسی سر سال نماز نخواند وارد بهشت نشود

و کسی با عبادت کوچکی وارد بهشت شود و با هم دیگر برادرانه رفتار کنید و برادر و یار باشید

تا خداوند از شما راضی باشد. برای چیزهای جزئی به سر هم دیگر داد نکشید که این دوره

و نیامیج ارزشی ندارد و امام را این قلب تپنده ملت اسلام را از دست ندهید و یاران مستضعفان را

تنها نگذارید لبود دعا کنید برادران پاسدار را این کسانی که از جان و هستی خود گذشتند و در رکاب

امام زمان (عج) هستند یاری و کمک دهید برادران حزب الله را در امور اجتماعی و سیاسی... کمک

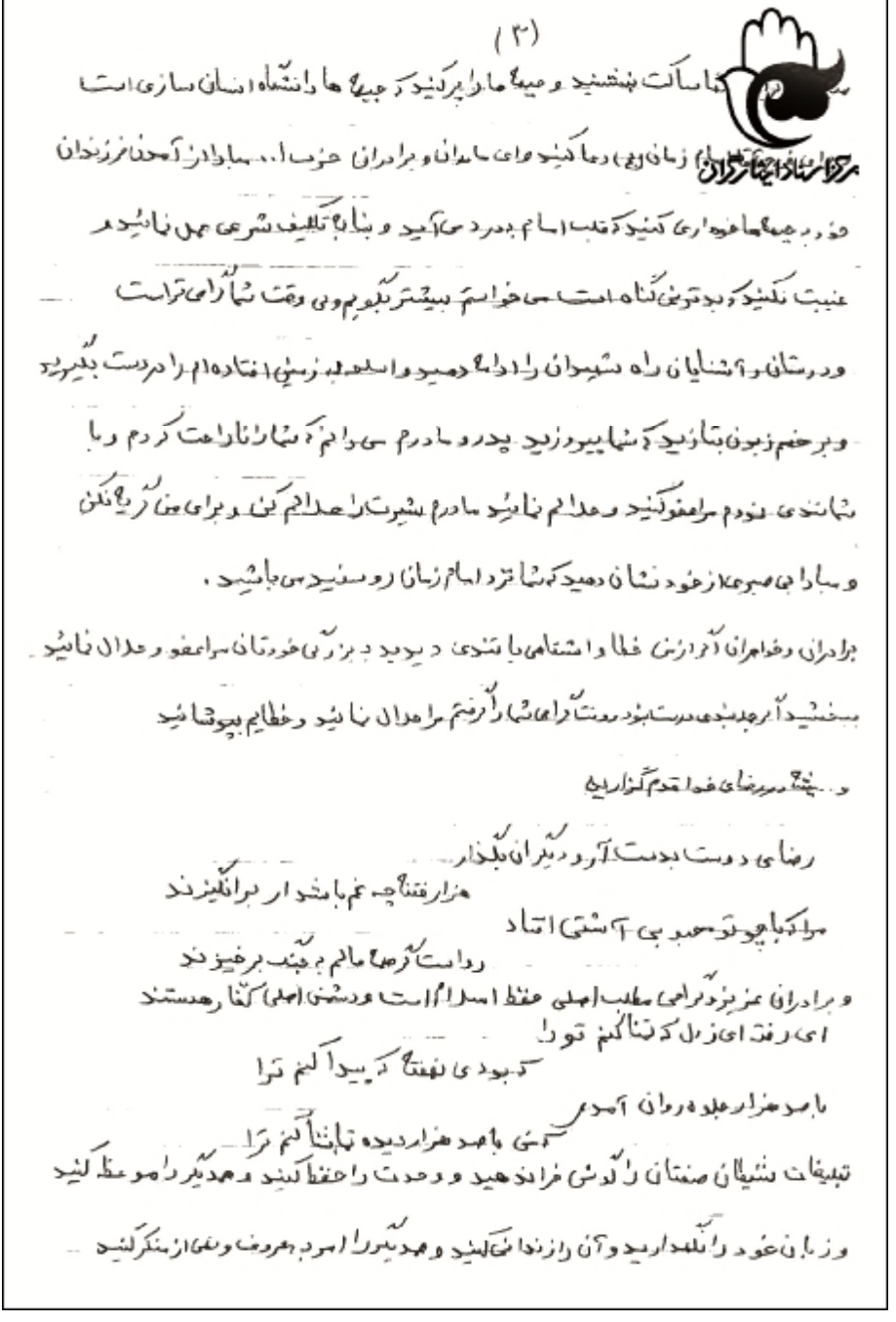
کنید و سعی نکنید آبروی شما را نگهدارید و نگذارید با دشمنان از قلمرو بروید.

و برادران محترم در انجمنهای اسلامی شرکت کنید و سعی با برادران انجمن اسلامی ارگانهای دیگر برادران شما باید

متحد باشید در اخلاق و رفتار و در درس خواندن سبب از شما سستی و بی‌حالی دیده نشود و اخلاق

از شما سرمشق گیرند که قلب امام زمان (عج) را خرسند کنید و با ما فقیر و با این درویشان سر صفت بر خورد کنید

و پرونده کثیف ما را پر نکنید با ادب باشید.



(۲)

[illegible] ساکت بنشینید و صبحها را پر کنید از چیزها را نشناسید انسان سازی است

[illegible] زمان ولی دعا کنید برای سلامتی و برادران جوان [illegible] بادا در آمحضر زندان

خود را صبحها فراموش کنید که تقاب اسلام بدرد می‌آید و بنابه تکلیف شرعی عمل نمایید و

غیبت نکنید که بدترین گناه است می‌خواستم بیشتر بنویسم ولی وقت شما گرامی تراست

و دوستان و آشنایان راه شیطان را ادامه دهید و اسلحه زمینی افتاده ام را در دست بگیرید

و بر خصم زبون بتازید که شما پیروزید پدر و مادرم می‌دانم که شما را ناراحت کردم و با

شناختی که نسبت به من دارید مرا عفو کنید و حلالم نمایید مادرم بشیرت را حلالم کن و برای من گریه نکن

و سایر اعضای خود نشان دهید که شاگرد امام زمان رو سفید می‌باشید.

برادران و خواهران اگر از من خطا و اشتباهی با شخصی دیدید بزرگی خود تان مرا عفو و حلال نمایید

ببخشید اگر چند سطری درست نبود وصیت گرامی شما را نوشتم مرا حلال نمایید و خطایم بپوشانید

و [illegible] رضای خدا قدم گذارید

رضای دوست بدست آور و دگران بگذار

هزار نقش چو غم با شود ز لوح ضمیر بر انگیزند

مرا کجا چو تو محبوب آشتی افتاد

روا مدار که ما هم ز جنب برخیزند

و برادران عزیز و گرامی مطلب اصلی حفظ اسلام است و دشمن اصلی کفار هستند

ای رفته ای ز دل که تمنا کنم تو را

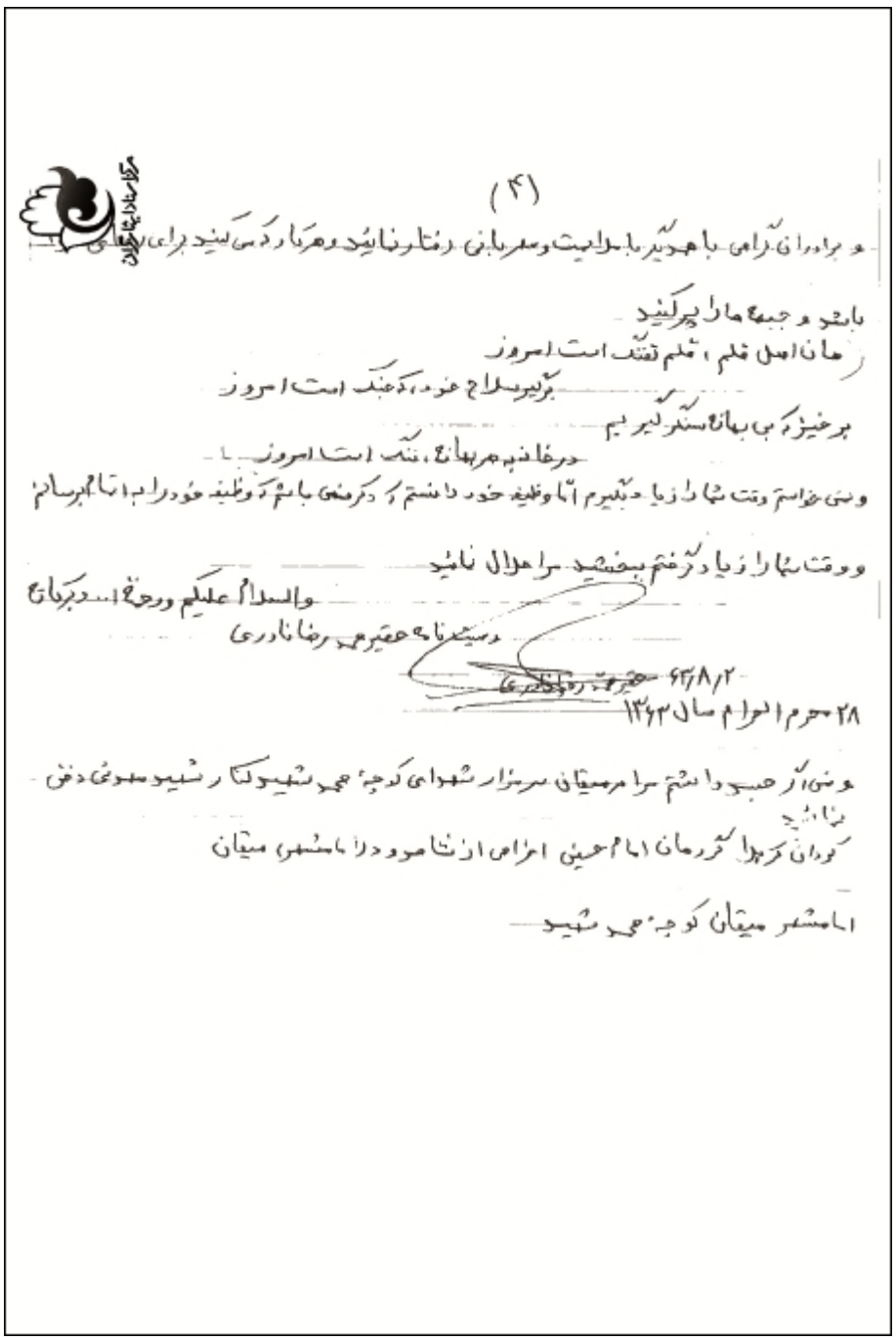
کی بوده ای نهفته که پیدا کنم ترا

با صد هزار جلوه روان آمدی ولی

می با صد هزار دیده تماشا کنم ترا

تبلیغات شیطان صفتان را گوش فرا ندهید و وحدت را حفظ کنید و همدیگر را موعظه کنید

و زبان خود را نگه دارید و آن را زندانی کنید و همدیگر را امر به معروف و نهی از منکر کنید



(۴)

و برادران گرامی با همگیر با سلامت و سربلندی رفتار نمائید و هر بار که می‌بینید برای یکدیگر

باشید و جبهه ها را پر کنید

جهان امروز جهان قلم، قلم تفنگ است امروز

برگیرید سلاح خود، که جنگ است امروز

هر خیزد که بی بهانه ستم گیریم

در فکر هر بهانه، تفنگ است امروز

و من خواستم وقت شما را زیاد بگیرم اما وظیفه خود دانستم که در مقابل شما وظیفه خود را به اتمام برسانم

و وقت شما را زیاد گرفتم ببخشید مرا حلال نمائید

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

وصیتنامه حقیر محمد رضا نادری

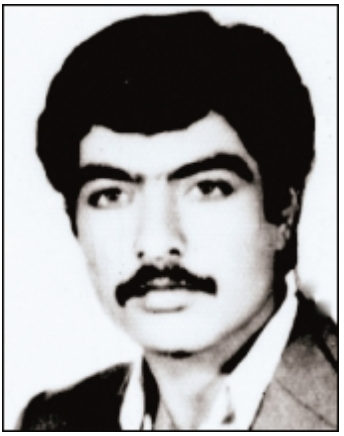
۶۳/۸/۲

۲۸ محرم الحرام سال ۱۳۶۳

و من اگر خوب دانستم مرا میان سربازان شهدای گمنام شهر شیراز دفن

کردند کربلای گردان امام حسین امیدوارم از شما خوب دانسته میان

امامزاده میقان کوچه می شهید



نام: **علی‌اصغر**
نام خانوادگی: **نادعلی**
نام پدر: **حسینقلی**
نام مادر: **صغرا**
تاریخ تولد: **دهم دی ۱۳۴۰**
محل تولد: **شهرستان شاهرود**
تحصیلات: **دیپلم**
ارگان اعزام‌کننده: **ژاندارمری**
تاریخ شهادت: **بیست‌وپنجم شهریور ۱۳۶۱**
محل شهادت: **باقرآباد کردستان**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش**
مزار: **گلزار شهدای زادگاهش**

عبارت‌های کلیدی

- چه بهتر از دنیا رفتن در سنگر دفاع از اسلام و قرآن عزیز باشد.
- چه زیباست لحظه جان دادن و به معبود خود رسیدن در دل سنگر.
- برادران عزیزم هرچه در توان دارید در راه فراگیری علم به کار ببرید تا ان شاء الله این مملکت اسلامی الگویی برای دیگر ممالک زیر سلطه دنیا باشد.
- برای ظهور ولی عصر دعا کنید.

علی‌اصغر نادعلی

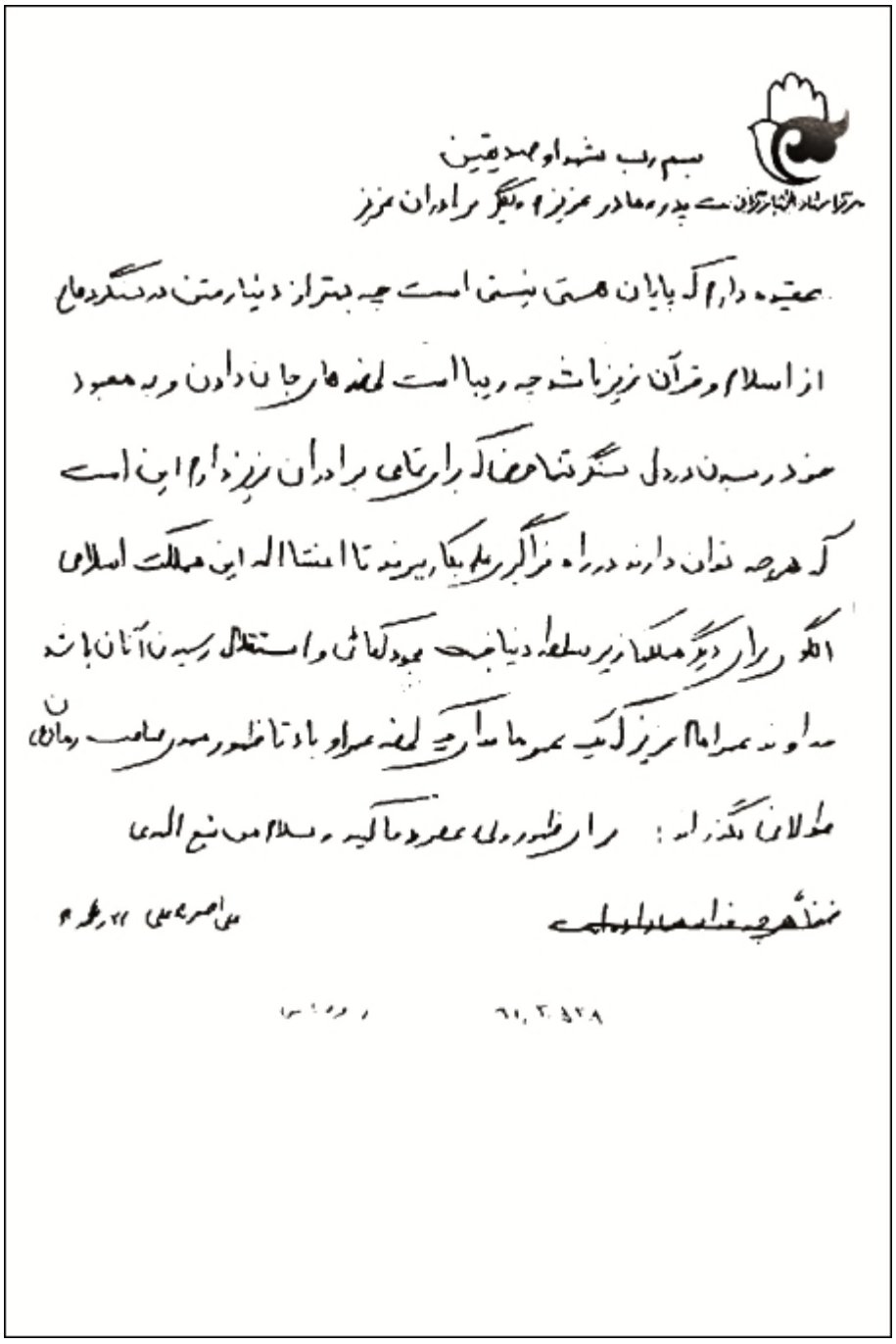
بسم الله الرحمن الرحیم

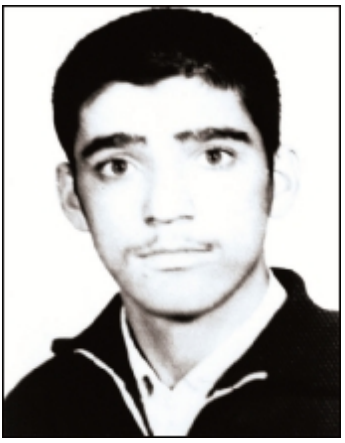
بسم رب الشهدا و الصدیقین[۱]

[باسلام[۲]] خدمت پدر و مادر عزیزم و دیگر برادران عزیز:
عقیده دارم که پایان هستی نیستی است، چه بهتر از دنیا رفتن در سنگر دفاع از اسلام و قرآن عزیز باشد. چه زیباست لحظه[۳] جان دادن و به معبود خود رسیدن در دل سنگر. تنها حرفی که برای تمامی برادران عزیز دارم این است که هرچه توان دارند در راه فراگیری علم بکار ببرند، تا انشاءالله[۴] این مملکت اسلامی الگویی[۵] برای دیگر مملکت‌ها[ی] زیر سلطه دنیا جهت خودکفایی و استقلال رسیدن آنان باشد. خداوندا عمر امام عزیز که یک عمر ما فدای یک لحظه [عمر] او باد، تا ظهور مهدی صاحب زمان (عج) طولانی بگرداند. برای ظهور ولی‌عصر دعا کنید.

والسلام علی مَن اِتَّبع الهُدی[۶]
علی اصغر نادعلی[۷]
۶/۲۴/ [...][۸]

1. در اصل وصیت «صدیقین».
2. در اصل وصیت ناخوانا است ولی از سیاق عبارت برمی‌آید که باید «باسلام» باشد.
3. در اصل وصیت «لحظه‌های».
4. در اصل وصیت «انشاالله».
5. در اصل وصیت «الگوی».
6. در اصل وصیت «وسلام من تبع الهدی».
7. ذیل وصیت به خط شهید نادعلی نوشته شده «ضمناً هرچه خداوند داده است...» و خود شهید آنرا خط زده است.
8. سال تحریر وصیت‌نامه ناخوانا است.





نام: **محمدحسن**
نام خانوادگی: **نادعلی**
نام پدر: **امامقلی**
نام مادر: **فاطمه**
تاریخ تولد:هفتم بهمن ۱۳۴۷
محل تولد: **روستای شریف‌آباد از توابع شهرستان شاهرود**
تحصیلات: **چهارم متوسطه**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **چهارم دی ۱۳۶۵**
محل شهادت: **شلمچه**
نحوهٔ شهادت:
مزار: **گلزار شهدای زادگاهش**

عبارت‌های کلیدی

- چه زیباست عاشقانه و عارفانه به سوی خدا شتافتن و چه زیباست راه شهیدان را ادامه دادن و چه زیباست در راه خدا جنگیدن.
- چه زیباست امر رهبر را اطاعت کردن و چه زیباست آگاهانه به استقبال شهادت رفتن و چه مشکل است ماندن و وارث خون شهیدان شدن.
- سعی کنید، دنیا را بشناسید و فریب زرق و برق دنیا را نخورید.
- خدایا از تو می‌خواهم که مرگم را شهادت در راه خودت قرار دهی.
- خدایا: محتاجم مکن که تهمت بزنم زیرا تهمت خیانت ظالمانه‌ای است. خدایا: مرا از بلای غرور و خودخواهی نجات ده تا حقایق وجود را ببینم و جمال زیبای ترا مشاهده کنم.
- یکی از عوامل مهم پیروزی انقلاب اسلامی و تداوم آن وحدت کلمه می‌باشد.
- رهبری امام امت (ولایت فقیه) یکی دیگر از عوامل پیروزی انقلاب و تداوم آن بوده و می‌باشد.
- بر ماست که در کلیه امور پیرو ولی فقیه و از روحانیون متعهد و مسئول و در خط امام که به عنوان بازوان ولی فقیه می‌باشند حمایت کنیم.
- هیچ‌گاه سنگر نماز وحدت آفرین و دشمن‌شکن جمعه را ترک نکنید.
- به دعای کمیل و توسل توجه خاصی داشته باشید.
- قرآن را به طور صحیح یاد بگیرید و صبح‌ها حداقل یک صفحه قرآن را بخوانید.

محمدحسن نادعلی

بسم الله الرّحمن الرّحیم

«یا ایّهاالذین آمنوا اذا لقیتم الذّین کفروا[1] زحفاً فلاتولوهم الادبار»[2]

«ای اهل ایمان هر گاه با تهاجم و تعرض کافران در میدان کارزار روبرو شوید، مبادا از بیم آنها پشت به دشمن کرده و از جنگ بگریزید».

بنام خدای عزّ و جل که «همه از آنیم و به سوی او باز می‌گردیم»[3] و آفریننده و خالق جهان است. با سلام بر پیشگاه مقدس آقا امام زمان (عج) و با سلام به رهبر[4] عزیزمان پیر جماران[5] شب زنده‌دار تاریخ و بیدارکنندهٔ جهانیان و با سلام بر شهیدان شهیدانی که با خون این انقلاب را آبیاری کردند و آنرا به پیروزی رساندند و با سلام بر خانواده‌های شهدا و با سلام بر شما امت رزمنده‌پرور و با سلام بر شما پدر و مادر گرامی و تمام اقوام و خویشان و دوستان، حال می‌خواهم چند کلامی را به عنوان وصیت بر روی کاغذ بیاورم[6]

چه زیباست عاشقانه و عارفانه به سوی خدا شتافتن و چه زیباست راه شهیدان را ادامه دادن و چه زیباست در راه خدا جنگیدن و چه زیباست امر رهبر را اطاعت کردن و چه زیباست آگاهانه به استقبال شهادت رفتن و چه مشکل است ماندن و وارث خون شهیدان شدن.

خدایا ترا سپاس که ما را هدایت کردی و ما را از منکرات بازداشتی، خدایا ترا سپاس که توفیق پیدا کردم در راه خونین رهبر همیشه بیدار، نایب بر حق مهدی باشم. ای کاش عمق دنیا را زودتر [از] شناخته و درک کرده بودم و از این دنیای فانی دل می‌کندم. شما

---

1. در اصل وصیت «کفرو».
2. الانفال/ ۱۵.
3. ترجمه: «انّا لله و انّا الیه راجعون».
4. در اصل وصیت «برهبر».
5. ر.ک. تعلیقات.
6. قبل از شروع وصیت در نسخه تایپی وصیت آورده‌اند: (وصیت‌نامه بسیجی عاشق محمدحسین نادعلی فرزند امام علی، بشماره شناسنامه ۲ صادره از شاهرود می‌باشد).

سعی کنید، دنیا را بشناسید و فریب زرق و برق دنیا را نخورید. من که رفتم لااقل شما کار نیک کنید و معصیت و گناه انجام ندهید، تا خالص و پاک این دنیای فانی را وداع کنید. خدایا در این چند صباحی که در این دنیا بودم تو می‌دانی که من گناه بسیار کرده‌ام و من خجل و شرمنده، رو به سوی تو آورده‌ام. امیدم به لطف و کرم توست. تو مهربان و رئوف هستی. «خدایا تو با فضل خود با ما رفتار کن نه با عدل» چون ما بنده ضعیفیم و طاقت عدل تو را نداریم.

خدایا از تو می‌خواهم که مرگم را شهادت در راه خودت قرار دهی که شهادت بهترین مرگ‌هاست. بارالها: آن چنان قدرتی به من عطا کن و آن چنان لطفی در حق من بنما که در آخرین لحظات عمرم. نام تو را بر زبان داشته باشم. بارالها: به پدر و مادرم صبری چون علی (علیه‌السلام) و فاطمه (علیهاالسلام)، عطا کن تا به جای گریه و زاری کردن برای من به درگاهت شکر و تسبیح گویند. خدایا خوش دارم گمنام و تنها باشم. تا در غوغای کشمکش‌های پوچ مدفون شوم[1].

خدایا: محتاجم مکن که تهمت بزنم زیرا تهمت خیانت ظالمانه‌ای است. خدایا: مرا از بلای غرور و خودخواهی نجات ده تا حقایق وجود را ببینم و جمال زیبای ترا مشاهده کنم. خدایا: به سوی تو می‌آیم. از عالم و عالمیان می‌گریزم تو مرا در جوار رحمت خود سکنی ده، خدایا نگذار دروغ بگویم، زیرا دروغ ظلم کثیفی است.

دوستان و برادران همان‌گونه که توجه دارید یکی از عوامل مهم پیروزی انقلاب اسلامی و تداوم آن وحدت کلمه می‌باشد از شما به عنوان یک برادر کوچک تقاضا دارم هرچه بیشتر در حفظ اتّحاد کوشا بوده و دست از تفرقه و جدایی بردارید که همانا تفرقه باعث شکست است. ضمناً رهبری امام امت (ولایت فقیه) یکی دیگر از عوامل پیروزی انقلاب و تداوم آن بوده و می‌باشد و بر ماست که در کلیه امور پیرو ولی فقیه و از روحانیون متعهد و مسئول و در خط امام که به عنوان بازوان ولی فقیه می‌باشند حمایت کنیم و از شما می‌خواهم که هیچ‌گاه سنگر نماز وحدت آفرین و دشمن‌شکن جمعه را ترک نکنید و به

1. در اصل وصیت «شود».

دعای[1] کمیل و توسل توجه خاصی داشته باشید، از ارگان‌های انقلابی چون سپاه پاسداران، جهاد سازندگی، حزب جمهوری اسلامی[2]، بسیج مستضعفین و سایر ارگان‌های انقلابی حمایت کنید و با آنها همکاری لازم را بنمایید. من براساس رسالت و مسئولیتی که حس نموده بودم در راه خدا و برای پاسداری و حراست از انقلاب کبیر اسلامی که خونبهای ده‌ها هزار کشته و مجروح است به جبهه آمده و به جنگ علیه صدام و صدامیان پرداختم.

شما ای پدر و مادر عزیز افتخار کنید که فرزندی تربیت کرده‌اید که عاشق اسلام و قرآن بود و می‌کوشید تا حق پیروز شود و مرا حلال کنید شما سال‌ها برایم زحمت کشیده‌اید و رنج برده‌اید؛ و اما، مادر بدان که شهدا زنده‌اند و کفار نابودند و شما فرزندی برای اسلام تربیت کرده‌اید که برای دفاع از اسلام و انتشار آن در جهان، شرکت و جان خود را در راه حسین (علیه‌السلام) فدا کرد و شما ای پدر و مادر عزیزم شما در نزد خدا اجری عظیم دارید و من نمی‌گویم که گریه نکنید بلکه برای حسین (علیه‌السلام) و یاران مظلومش گریه و زاری کنید.

ای پدر و مادر و برادران و خواهرانم [از] نماز جمعه یادتان نرود و در نماز جماعت شرکت کنید و نماز را در اول وقت بخوانید و شب‌های جمعه بر سر مزار بیایید و فاتحه‌ای بخوانید و روح شهدا را شاد کنید و به یاد[3] شهدا و خانواده‌های آنها باشید. برادرانم امیدوارم راهم را که راه حسین (علیه‌السلام) و انبیاء است ادامه دهید و امام را تنها نگذارید و پیرو ولایت فقیه باشید.

برادران و خواهرانم درس را فراموش نکنید و کتاب‌های متفرقه را در مواقع بیکاری بخوانید و قرآن را به طور صحیح یاد بگیرید و صبح‌ها حداقل یک صفحه قرآن [را] بخوانید و دعای[4] کمیل و دعای توسل و دیگر دعاها را بخوانید و [از] دعا برای امام و رزمندگان یادتان نرود و نیز برای تعجیل ظهور حضرت مهدی(عج) دعا کنید.

---

1. در اصل وصیت «بدعای».
2. ر.ک. تعلیقات.
3. در اصل وصیت «بیاد».
4. در اصل وصیت «دعا».

یک ماه برای من روزه بگیرید و یک ماه هم نماز بخوانید و اگر امکان دارد مرا در کنار مرقد پاک دوست عزیزم مجید اسد یا در کنار مرقد پاک دوست مهربانم محمدرضا صمدی به خاک بسپارید.

چراغ‌هایی که برای مسجد شریف‌آباد نذر کرده بودم بخرید و نصب کنید تا یادگاری از من در مسجد باشد. در آخر امیدوارم شما پدر و مادر و برادرانم و خواهرانم و قوم و خویشان و تمام دوستان و آشنایانی که مرا می‌شناختند و [از] تمام امت شهیدپرور شاهرود مرا حلال کنید و از شما التماس دعا دارم و اگر بدی از من دیده‌اید مرا ببخشید.

والسّلام ـ التماس دعا

برادر کوچک شما محمدحسن نادعلی

در مسلخ عشق جان فدا باید کرد — یعنی به حسین اقتدا باید کرد

با سر به لقای یار باید رفتن — دینی است که این‌گونه ادا باید کرد

خدایا خدایا تا انقلاب مهدی خمینی را نگهدار

دیدار روی مهدی نصیب ما بفرما ـ رزمندگان اسلام نصرت عطا بفرما.

بسمه تعالی

(یا ایهاالذین امنوا اذا لقیتم الذین کفروزحفا" فلاتولوهم الادبار")

ای اهل ایمان هرگاه با تهاجم و تعرض کافران در میدان کارزار روبرو شوید مبادا ازبیم آنها پشت بدشمن کرده و از جنگ بگریزید ·

بنام خدای عزوجل که همه از آنیم و بسوی او باز می‌گردیم و آفریننده و خالق جهان است · با سلام بر پیشگاه مقدس آقا امام‌زمان (عج) و با سلام برهبر عزیزمان پیر جماران شب زنده دار تاریخ و بیدار کنندهٔ جهانیان و با سلام بر شهیدان ، شهیدانی که با خون این انقلاب را آبیاری کردند و آن را به پیروزی رساندند و با سلام بر خانواده های شهدا و با سلام بر شما است رزمنده پرور و باسلام بر شما پدر و مادر گرامی و تمام اقوام و خویشان و دوستان · حال می خواهم چندکلامی را بعنوان — وصیت بر روی کاغذ بیاورم ·

(وصیت‌نامه بسیجی عاشق ، محمد حسن نادعلی ، فرزند امامقلی ، شماره شناسنامه ۲ صادره از شاهرود می‌باشد) ·

چه زیباست عاشقانه و عارفانه بسوی خدا شتافتن و چه زیباست راه شهیدان را ادامه دادن و چه زیباست در راه خدا جنگیدن و چه زیباست امر رهبر را اطاعت کردن و چه زیباست آگاهانه بـه استقبال شهادت رفتن و چه مشکل است ماندن و وارث خون شهیدان شدن ·

خدایا ترا سپاس‌که ما را هدایت‌کردی و ما را از منکرات بازداشتی ، خدایا ترا سپاس‌که توفیق پیدا کردم در راه خونین رهبر همیشه بیدار نایب برحق مهدی باشم · ای کاش‌عمق دنیا را زود تراز شناخته و درک کرده بودم و از این دنیای فانی دل می‌کندم · شما سعی کنید دنیا را بشناسید و — فریب زرق و برق دنیا را نخورید من که رفتم لااقل شما کارنیک کنید و معصیت و گناه انجام ندهید تا خالص و پاک این دنیای فانی را وداع کنید · خدایا در این چند صباحی که در این دنیا بودم تو میدانی که من گناه بسیار کرده ام و من خجل و شرمنده رو به‌سوی تو آورده ام امیدم به لطف و کرم— توست تو مهربان و رئوف هستی · خدایا تو با فضل خود با ما رفتار کن نه با عدل چون ما بندهٔ — ضعیفیم و طاقت‌عدل تو را نداریم خدایا از تو می‌خواهم که مرگم را شهادت در راه خودت قرار دهی که شهادت بهترین مرگهاست · بارالها : آنچنان قدرتی به من عطا کن و آنچنان لطفی در حق من بنما که در آخرین لحظات‌عمرم نام تو را برزبان داشته باشم · بارالها ، به پدر و مادرم صبری چون چون علی (ع) و فاطمه (س) ، عطا کن تا به جای گریه و زاری کردن برای من به درگاهت شکر و— و تسبیح گویند · خدایا خوش‌دارم گمنام و تنها باشم تا در غوغای کشمکشهای پوچ مدفون شود ·

خدایا محتاجم مکن که تهمت بزنم زیرا تهمت خیانت ظالمانه ای است · خدایا : مرا از بلای —

ص/ ۲

غرور و خود خواهی نجات ده تا حقایق وجود را ببینم و جمال زیبای ترا مشاهده کنم . خدایا ؛ بسوی تو می‌آیم از عالم و عالمیان می‌گریزم تو مرا در جوار رحمت خود سکنی ده . خدایا نگذار دروغ بگویم زیرا دروغ ظلم کثیفی است . دوستان و برادران همانگونه که توجه دارید یکی از عوامل مهم — پیروزی انقلاب اسلامی و تداوم آن وحدت کلمه می باشد از شما بعنوان یکبرادر کوچك تقاضا دارم هرچه بیشتر در حفظ اتحاد کوشا بوده و دست از تفرقه و جدائی بردارید که همانا تفرقه باعث شکست است ضمناً رهبری امام امت (ولایت فقیه) یکی دیگر از عوامل پیروزی انقلاب و تداوم آن بوده و می باشد و بر ماست که در کلیه امور پیرو ولی فقیه و از روحانیون متعهد و مسئول و در خط امام که به عنوان بازوان ولی فقیه می باشند حمایت کنیم و از شما می خواهم که هیچگاه سنگر نماز وحدت آفرین و دشمن شکن جمعه را ترك نکنید و بدعای کمیل و توسل توجه خاصی داشته باشید از ارگانهای انقلابی چون سپاه پاسداران و جهاد سازندگی و حزب جمهوری اسلامی و بسیج مستضعفین و سایر ارگانهای انقلابی حمایت کنید و با آنها همکاری لازم را بنمائید . من براساس رسالت و مسئولیتی که حس نموده بودم در راه خدا و برای پاسداری و حراست از انقلاب کبیر اسلامی که خونبهای دهها هزار کشته و مجروح است به جبهه آمده و به جنگ علیه صدام و صدامیان پرداختم شما ای پدر و مادر عزیز افتخار کنید که فرزندی تربیت کرده اید — که عاشق اسلام و قرآن بود و می کوشید تا حق پیروز شود و مرا حلال کنید شما سالها برایم زحمت کشیده اید و رنج برده اید . و اما مادربدان که شهدا زنده اند و کفار نابودند و شما فرزندی برای اسلام تربیت کرده اید که برای دفاع از اسلام و انتشار آن در جهان شرکت و جان خود را در راه حسین (ع) فدا — کرد و شما ای پدر و مادر عزیز شما در نزد خدا اجری عظیم دارید و من نمی گویم که گریه نکنید بلکه برای حسین (ع) و یاران مظلومش گریه وزاری کنید . ای پدر و مادر و برادران و خواهرانم از نماز جمعه — یادتان نرود و در نماز جماعت شرکت کنید و نماز را در اول وقت بخوانید و شبهای جمعه بر سر مزار بیائید و فاتحه‌ای بخوانید و روح شهدا را شاد کنید و بیاد شهدا و خانواده‌های آنها باشید برادرانم — امیدوارم راهم را که راه حسین (ع) و انبیاء است ادامه دهید و امام را تنها نگذارید و پیرو ولایت فقیه باشید .

برادران و خواهرانم درس را فراموش نکنید و کتابهای متفرقه را در مواقع بیکاری بخوانید و قرآن را بطور صحیح بیاد بگیرید و صبحها حداقل یك صفحه قرآن را بخوانید و دعا کمیل و دعای توسل و دیگر دعاها را بخوانید و از دعا برای امام و رزمندگان یادتان نرود و نیز برای تعجیل ظهور حضرت — مهدی (عج) دعا کنید .

یك ماه برای من روزه بگیرید و یك ماه هم نماز بخوانید و اگر امکان دارد مرا در کنار مرقد پاك — دوست عزیزم مجید اسد یا در کنار مرقد پاك دوست مهربانم محمد رضا صمدی به خاك بسپارید .

ص/ ۳

چراغهائی که برای مسجد شریف آباد نذر کرده بودم بخرید و نصب کنید تا یادگاری از من در مسجد باشد . در آخر امیدوارم شما پدر و مادر و برادرانم و خواهرانم و قوم خویشان و تمام دوستان و آشنایانی که مرا می‌شناختند و از تمام امت شهید پرور شاهرود مرا حلال کنید و از شما التماس دعا دارم و اگر بدی از من دیده اید مرا ببخشید .

والسلام

" التماس دعا "

برادر کوچك شما محمد حسن نادعلی

در مسلخ عشق جان فدا باید کرد

یعنی به حسین اقتدا باید کرد

با سر به لقای یار باید رفتن

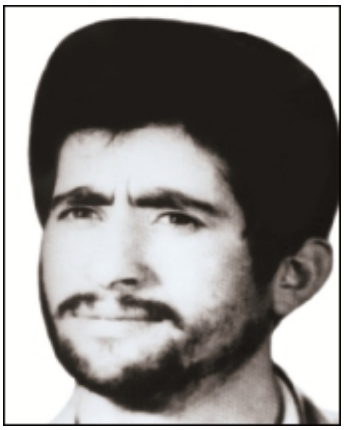
دینی است که اینگونه ادا باید کرد .

خدایا خدایا

تا انقلاب مهدی خمینی را نگهدار

دیدار روی مهدی نصیب ما بفرما

رزمندگان اسلام نصرت عطا بفرما .



نام: **علی**
نام خانوادگی: **نادعلیان**
نام پدر: **علی‌گل**
نام مادر: **لیلا**
تاریخ تولد: **بیست و سوم شهریور ۱۳۳۲**
محل تولد: **شهرستان مهدیشهر**
تحصیلات: **پایان دوره ابتدایی**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **بیست‌ودوم بهمن ۱۳۶۱**
محل شهادت: **رقابیه**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش**
مزار: **گلزار شهدای زادگاهش**

عبارت‌های کلیدی

- من اکنون در دانشگاه الهی، آنجا که غیر از خدا انسان به چیزی نظر ندارد، می‌باشم.
- از برادران و خواهران می‌خواهم که به خدا توکل کنند و نماز بخوانند و در هر آن یاد خدا و قرآن و امام باشند و امر او را سرلوحه زندگی خود نمایند
- و به دوستان و امت حزب‌الله سفارش می‌کنم که پیرو امام باشند و در فتوایش عمیقاً فکر کنند.
- ان‌شاءالله که روزی برسد تا پدر و مادر و تمامی مردم ایران بتوانند با آزادی قبر امام حسین (علیه‌السلام) و سایر اهل‌بیت عصمت و طهارت را در بغل گیرند
- خداوند به امام عزیز طول عمر عطا فرماید تا با یاری مستضعفین بر مستکبرین پیروز و آنها را از صحنه روزگار نابود نماید

علی نادعلیان

بسم‌الله الرّحمن الرّحیم

بعد از شهادت به یگانگی خدا و شهادت بر اینکه محمّد(ﷺ) بنده و رسول خدا و دوازده نفر اوصیاء بر حقّ رسول‌الله، امامان معصوم و والیان ولایت کلّیهٔ الهیه با صدّیقهٔ طاهره حضرت زهراء سلام‌الله علیهم اجمعین می‌باشند و بعد از اقرار به تمام شئون شریعت محمّدی(ﷺ)، در عین تندرستی و بدون اجبار اینجانب آقاعلی نادعلیان دارای شناسنامه ۲۰۶ صادره از مهدی‌شهر فرزند علی گل ساکن مهدی‌شهر.

وصّی خود قرار دادم آقای سیدحسن شاهدانی را که با نظارت آقای عباسقلی نادعلیان به وصیت‌های من که در این اوراق شرح داده شده عمل نماید:

۱ـ محل دفن سرزمین خدا ۲ـ نماز وحشت امت محمد هر کسی باشد. ۳ـ تجهیز و تعزیه‌داری قرآن.

نماز و روزه استیجاری آقا با خدا [ی]خود است. و خمس و زکات ندارد. کفارات ندارد. نیابت حجّ ندارد.

و از این موارد قسمتی که از افضل‌تر که حساب نمی‌شود از ثلث مالم برداشته و بقیه ثلث را در مورد زیر به مصرف برساند: دادن حق زن و حق مهریه می‌باشد و بقیه مال ندارند.

دیون و بدهکاری‌های من از این‌قرار است: یک میلیون و پانصدهزار ریال بابت خانه به عباسقلی نادعلیان و سند خانه به مادرم.

و مطالبات من بدین شرح است: حق حقوق از کارخانه پاک ریس بگیرید ماهانه حقوقم بدین شرح می‌باشد. ۲۶۰۰۰ تومان حقوق است و ۱۰۰ تومان هم حق جیره غیرنقدی خاویار است از کارخانه بگیرند. و قیومیت اطفال خود را بالحاظ غبطه اصغار واگذار می‌کنم به آقای ندارد.

امضاء وصّی　　امضا ناظر　　امضاء قیم

وصیت‌نامه بنده خدا و پیرو قرآن و عترت پیامبر و ولی فقیه، مجتهد اعلم، خمینی بت‌شکن

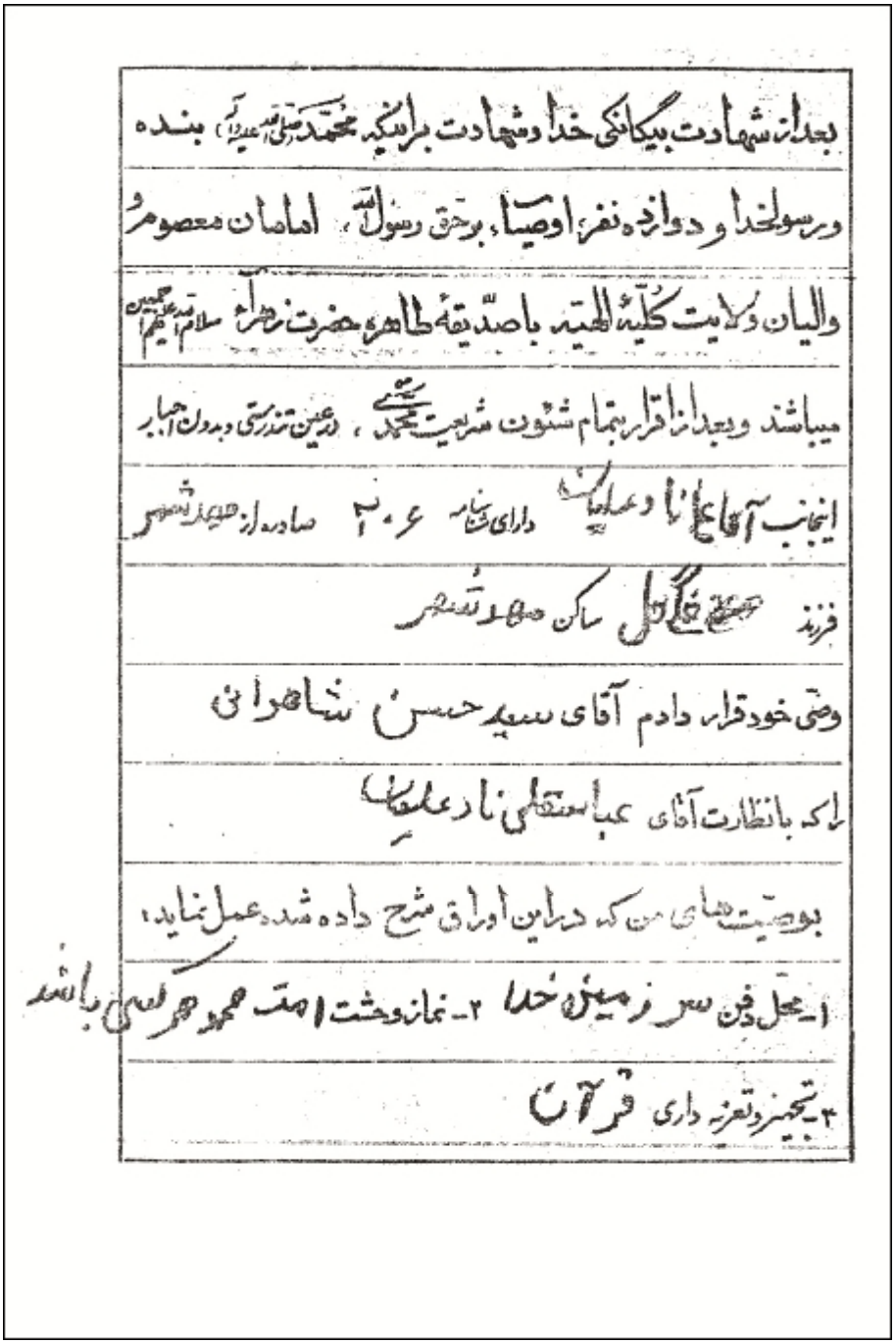
سلام علیکم

پس از سلام وصیتم را چنین شروع می‌کنم: امید است که شاید مورد لطف خداوند یکتا قرار گیرم و مثل شیفتگانش به وصالش نائل آیم. اکنون که به جبهه آمده و جهاد در راه خدا را شروع نموده‌ام، میل دارم مورد لطفش قرار گیرد، تا شاید به گناهان گذشته‌ام را عفو[1] بنماید و در رستاخیز روسپید باشم. من اکنون در دانشگاه الهی آنجا که غیر از خدا انسان به چیزی نظر ندارد، می‌باشم. امید دارم که پس از قبول شهادت، پدر و مادرم به خدا متوسل شده و از خدا بخواهند که ائمه[2] معصومین را شفیعم[3] نماید؛ و از برادران و خواهران می‌خواهم که به خدا توکل کنند و نماز بخوانند و در هر آن یاد خدا و قرآن و امام باشند و امر او را سرلوحه زندگی خود نمایند و اصول و فروع دین را انجام دهند؛ و به دوستان و امت حزب‌الله سفارش می‌کنم که پیرو امام باشند و در فتوایش عمیقاً فکر کنند. اکنون کفّار خوار و ذلیل شده‌اند و راه فرار را پیش گرفته‌اند. امیدوارم که با یاری خداوند نابود شوند و دین خدا در تمامی سرزمین پیاده شود. ان‌شاءالله که روزی برسد تا پدر و مادر و تمامی مردم ایران بتوانند با آزادی قبر امام حسین (علیه‌السلام) و سایر اهل‌بیت عصمت و طهارت را در بغل گیرند و تمامی مردم مسلمان با صلح و صفا با هم زندگی نمایند. من تا آنجا که برایم امکان داشته است، نماز را خوانده‌ام و در جبهه نیز نماز قضا بجا آورده‌ام. ان‌شاءالله که خدا مرا آمرزیده خواهد کرد. خداوند به امام عزیز طول عمر عطا فرماید تا با یاری مستضعفین بر مستکبرین پیروز و آنها را از صحنه روزگار نابود نماید؛ و از امت حزب‌الله می‌خواهم که برای پیروزی و سلامتی رزمندگان اسلام و سلامتی امام عزیز و ظهور حضرت مهدی(عج) دعا نمایند.

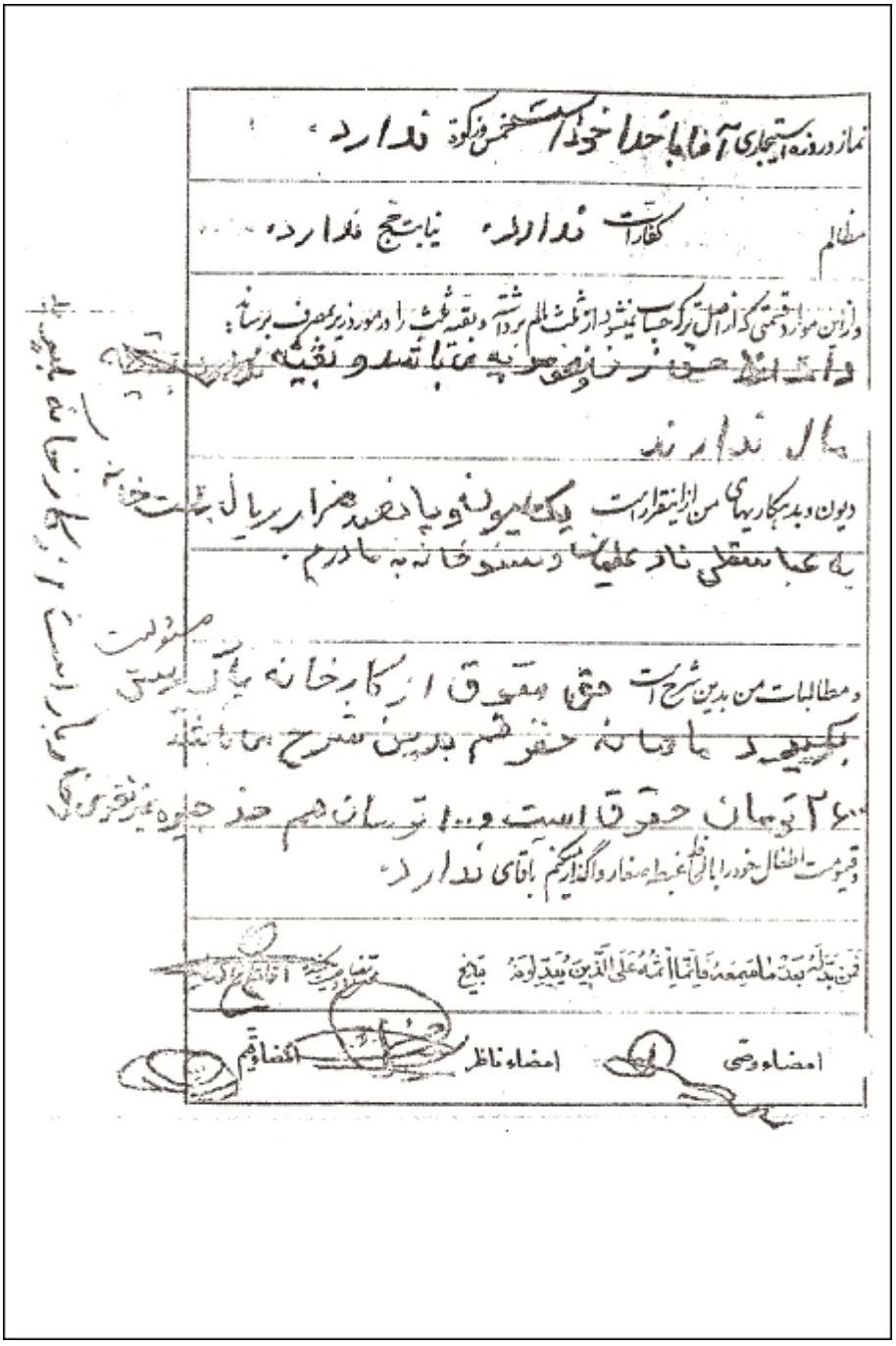
آقاعلی نادعلیان

---

1. در اصل وصیت «عفی به گناهان گذشته نماید».
2. در اصل وصیت «اعمه».
3. در اصل وصیت «شفیع‌ام».



بعد از شهادت بیگانگی خدا و شهادت برانکه محمد صلی الله علیه و آله بنده
و رسول خدا و دوازده نفر اوصیا، برحق رسول الله، امامان معصوم و
والیان ولایت کلیه الهیه باصدیقه طاهره حضرت زهرا سلام الله علیهم اجمعین
میباشد و بعد از اقرار بتمام شئون شریعت محمدی، در عین تندرستی و بدون اجبار
اینجانب آقای نادعلیان دارای شناسنامه ع ۳۰۲ صادره از حوزه شمیرانات
فرزند صفی قلی ساکن محله تشمیر
وصی خود قرار دادم آقای سید حسن شاهرانی
را که بانظارت آقای عباسقلی نادعلیان
بوصیت های من که در این اوراق شرح داده شده عمل نماید،
۱- محل دفن سر زمین خدا ۲- نماز وحشت امت محمد هر کسی را بداند
۳- تجهیز و تغزیه داری قرآن



نماز و روزه استیجاری آقا یا خدا خودش حسن و زکوة ندارد.

مظالم کفارات ندارد. نیابتی حج ندارد.

و از این موارد قسمتی که از اصل ترکه جبران میشود از ثلث مالم برداشته و بقیه ثلث را در مورد زیر مصرف برسانند:

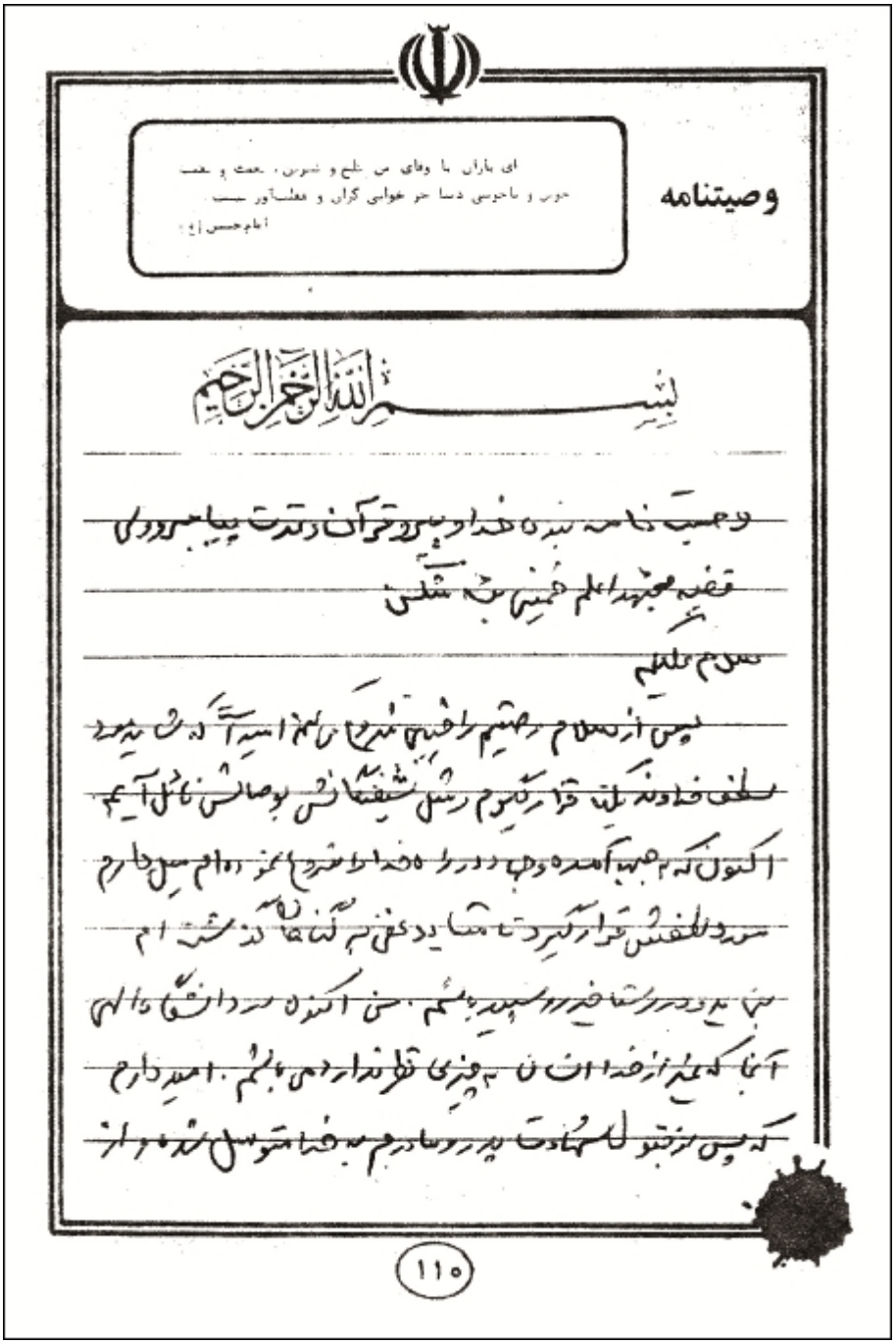
مال ندارم.

دیون و بدهکاریهای من از اینقرار است یک میلیون و پانصد هزار ریال بابت خانه که هنوز مقداری از آن باقی است و مبلغی نیز بابت مغازه که در آن کار میکردم.

و مطالبات من بدین شرح است حق سرقفلی از کارخانه یاس سبز که در آن کار میکردم و مبلغ ۲۰ تومان حق است و ... تومان هم حق جیره بنزین که قیمت اطفال خودرا با آن خریداری میکنم باقی ندارد.

فمن بدله بعد ما سمعه فانما اثمه علی الذین یبدلونه بیع

امضاء وصی امضاء ناظر امضاء قیم



وصیتنامه

ای یاران با وفای من بلخ و شبرین، بعمت و نعمت
خوش و ناخوشی دنیا جز عوامی گران و غفلت‌آور نیست
امام خمینی (ره)

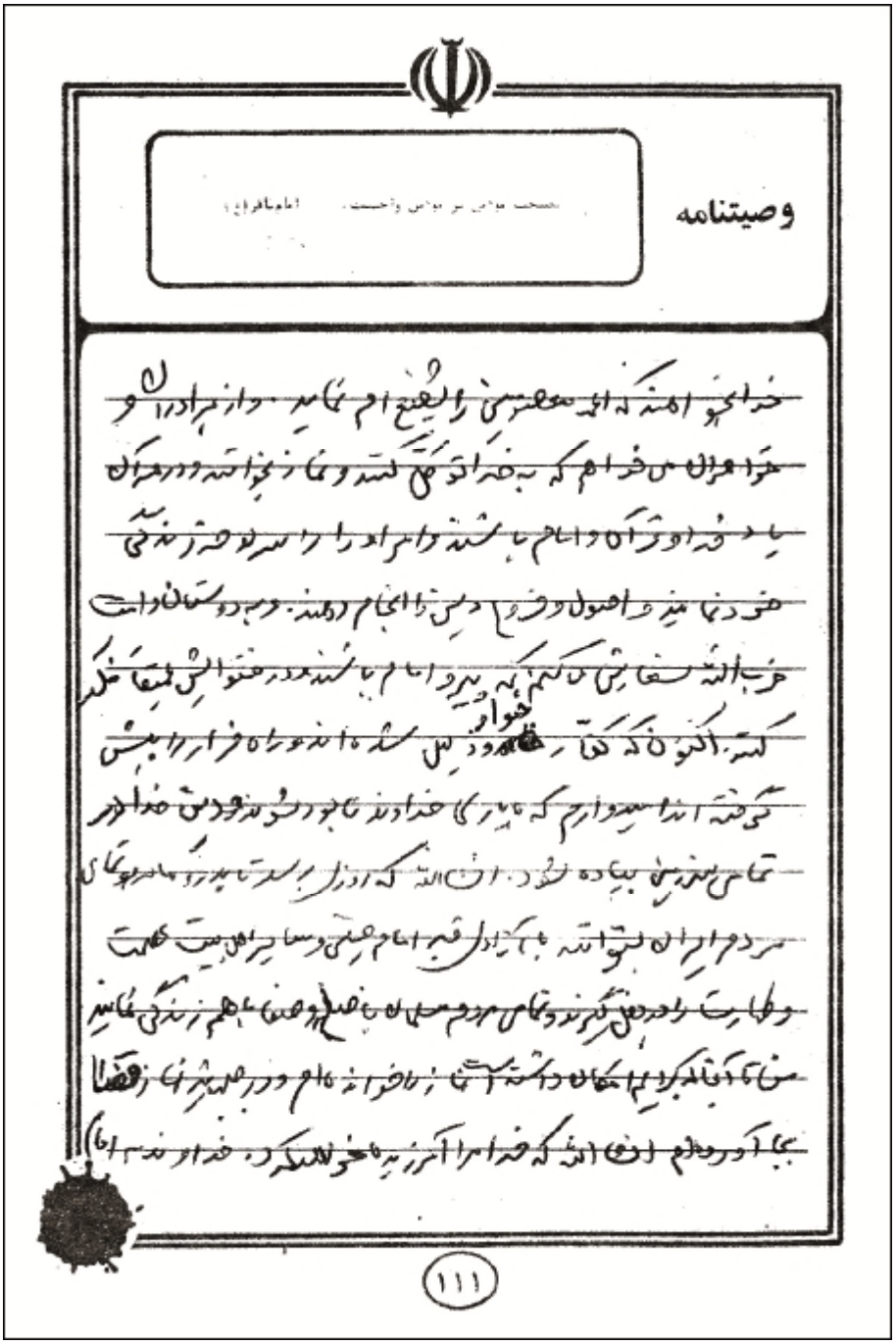
بسم الله الرحمن الرحیم

وصیت نامه بنده خدا و پیرو قرآن و عترت پیامبر و ولی
فقیه مجتهد اعلم خمینی بن مصطفی

سلام علیکم

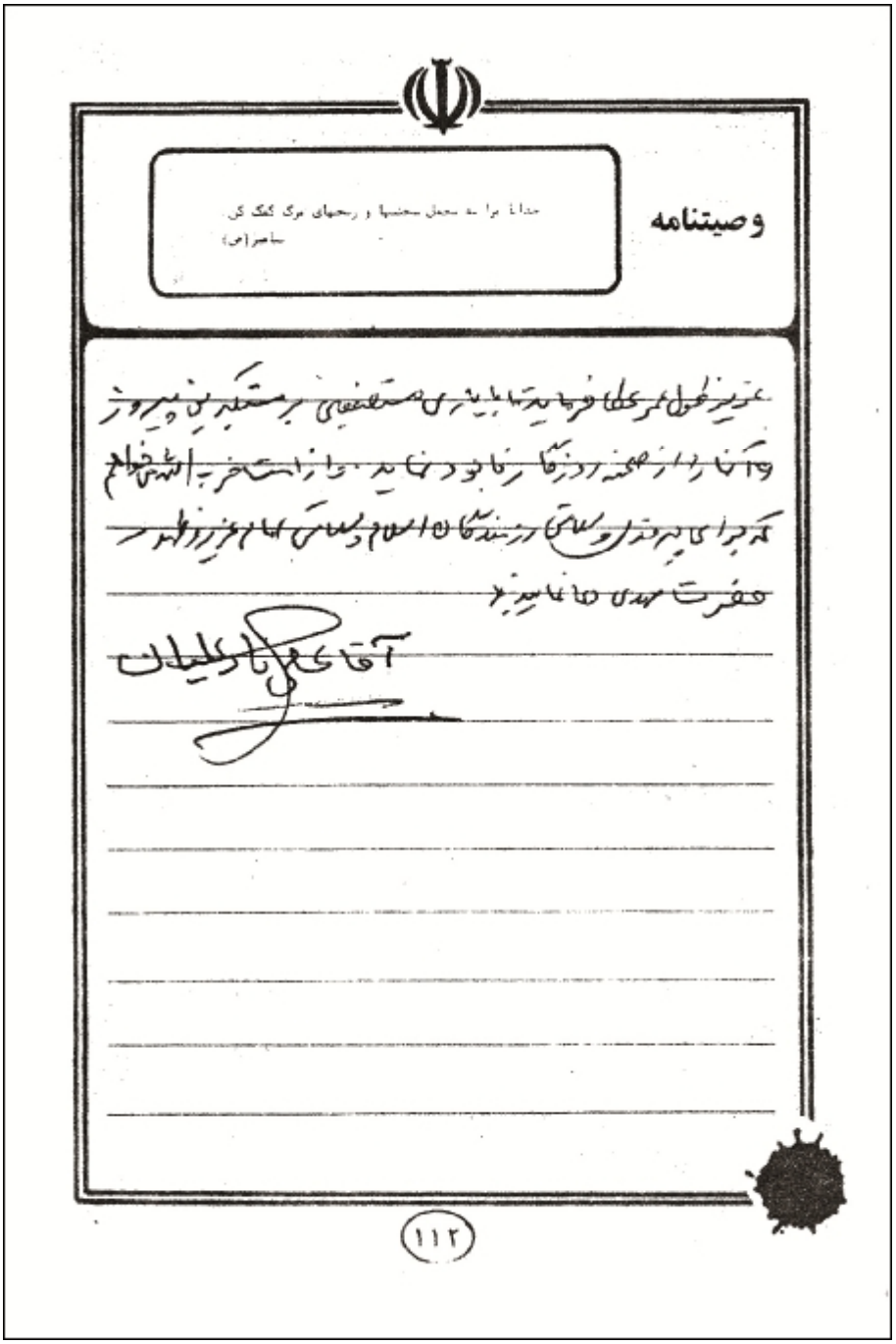
پس از سلام و تحیه فراوان به شما ای ملت شریف و
لطف خداوند بلند قرار بگویم رشد شگفتانی بوصالش نائل آیم
اکنون که به سن هفتاد و دو سالگی رسیده و به خدا و شرع و قرآن و امام عشق دارم
سرد و نفس قرار گیرد تا شاید کمی از گناهانم کاسته شود
بنابراین در وصیت خود به شما عزیزان آینده سرداران و ادامه
دهندگان راه انبیاء و اسلام و قرآن و پیروان راستین آنها که میراث خدایان است چیزی نمی‌گذارم
که بدان وابستگی پیدا کنید و مانع رسیدن به خدا شود و از

۱۱۰



وصیتنامه

(۱۱۱)



وصیتنامه

ابدا را به سعل سعنیا و رحمای مرگ کمک کن
ناصر(ص)

عزیز دل مرگ فرمایید تا بنده ی مستضعفی بر مستکبرین پیروز
و آنان را از صحنه روزگار نابود نماید. و از است خرب الله خواهم
که برای پیروزی اسلام در سنگرها اسلام و مسلمین همواره
حضرت مهدی (عج) باشید.

آقای علی نادعلیان

۱۱۲



نام: **محمدعلی**
نام خانوادگی: **نادعلیان**
نام پدر: **محمدقلی**
نام مادر: **نسا**
تاریخ تولد: **چهارم اردیبهشت ۱۳۴۸**
محل تولد: **شهرستان مهدیشهر**
تحصیلات: **خواندن و نوشتن**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **بیست‌ودوم بهمن ۱۳۶۴**
محل شهادت: **ام‌الرصاص عراق**
نحوهٔ شهادت: –
مزار: **گلزار شهدای فردوس رضای زادگاهش**

عبارت‌های کلیدی

- درود خدا بر عالمان فداکار این پیروان حقیقی انبیاء که با تمامی محرومیت‌ها توانستند خط سرخ شهادت را در همه زمان‌ها و همه مکان‌ها ادامه دهند.
- درود خدا بر شهیدان انقلاب اسلامی در طول تاریخ که با خون سرخ خود نهال اسلام را آبیاری نمودند
- درود خدا بر امت شهیدپرور ایران که با قدرت ایمان در مقابل ابرجنایتکاران شرق و غرب، هم‌چنان مقاوم ایستاده‌اند.
- خدایا من نمی‌دانم چطور و چگونه ترا شکر کنم که توفیق شهادت را به من ارزانی داشتی.
- توصیه می‌کنم، نسبت به مسائل بی‌تفاوت نباشید.
- مبادا در حال بی‌تفاوتی بمیرید که رزمندگان اسلام در جبهه‌ها با هدف شهید می‌شوند
- برادر عزیزم و خواهر گرامی همیشه نمازتان را اول وقت بخوانید
- برای رزمندگان و پیروزی اسلام و فرج هرچه زودتر امام زمان(عج) دعا کنید.
- قرآن را یاد بگیرید و یاد بدهید
- سعی کنید در جامعه الگو، باشید.

محمدعلی نادعلیان

بسم الله الرّحمن الرّحیم

بسمه تعالی

«و لاتحسبّن الذین قتلوا فی سبیل الله امواتاً بل احیاء عند ربهم یرزقون»[1]

«مپندارید کسانی که در راه خدا کشته شده‌اند مرده‌اند بلکه زنده‌اند و نزد خدا روزی می‌خورند.»

حمد و ستایش مخصوص خدایی است که خواندن و نوشتن را به ما آموخت و به قلم و نوشته‌هایش سوگند خورد. سلام و درود خدا بر پیامبر بزرگ اسلام حضرت محمد (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) تنها نجات‌بخش انسان از قید اسارت‌ها و بردگی‌ها، سلام و درود خدا بر امامان و پیامبران راستین تشیع که درس پیروزی خون بر شمشیر را خود در عمل بر دیگران نیز آموختند. سلام و[2] درود خدا بر عالمان فداکار این پیروان حقیقی انبیاء که با تمامی محرومیت‌ها توانستند خط سرخ شهادت را در همه زمان‌ها و همه مکان‌ها ادامه دهند.

سلام و درود خدا بر رهبر کبیر و سازش‌ناپذیر جهان اسلام حضرت امام خمینی که اسلام را از انزوا بیرون آورد و حیثیت و آبروی از دست رفته مسلمانان را بار دیگر به دامن[3] اسلام و قرآن بازگرداند و سلام و درود خدا بر شهیدان انقلاب اسلامی در طول تاریخ که با خون سرخ خود نهال اسلام را آبیاری نمودند.

سلام و درود خدا بر رزمندگان اسلام این شهیدان زنده در تمامی جبهه‌های حق علیه باطل که فتح و نصرت خداوند را با جهادشان ارمغان آوردند. سلام و درود خدا بر امت شهیدپرور ایران که با قدرت ایمان در مقابل ابرجنایتکاران شرق و غرب، هم‌چنان مقاوم ایستاده‌اند. تا آیه نمونه بودن بر همه مردم جهان را تفسیر کنند.

1.. آل عمران/ ۱۶۹.

2. در اصل وصیت «بر».

3. در اصل وصیت‌نامه «بدامن».

سلام و درود خدا بر شما نوآموزان قرآن که دریچه قلب خود را بر انوار الهی گشوده‌اید. نهضتی را شروع کرده‌اید: سلام و درود خدا بر شما فرزندان قرآن که می‌توانید خواندن[1]، قرآن را فراگیرید، تا بدانید و سپس آن را بشناسید تا عمل کنید. «هنگامی که فتنه‌ها و آشوب‌ها همچون پاره‌های شب تاریک بر شما سایه افکند به قرآن پناه ببرید». از سخنان پیامبر اکرم(صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) در اصول کافی. بهترین شما کسی است که قرآن را فرا گرفته و به دیگران نیز بیاموزد.(پیامبر اکرم(صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم))، نهج‌الفصاحه.

قرآن را بیاموزید زیرا که آموزش قرآن بهار دل‌هاست. (امام علی (علیه‌السلام))[2]، از خدا بترسید درباره قرآن مبادا دیگران به سبب عمل نمودن به قرآن بر شما سبقت گیرند. (امام علی (علیه‌السلام)) نهج‌البلاغه). این وصیت‌نامه‌ها انسان را می‌لرزاند و بیدار می‌کند. (امام خمینی)[3] با درود فراوان به رهبر کبیر انقلاب اسلامی ایران امام خمینی و با سلام بر شما ملت قهرمان ایران وصیت‌نامه خود را شروع می‌کنم:

شهادت کلید آزادی من از قفس و تنها حرکت یک مسلمان بالاترین آرزوی مشتاقان و عاشقان است. ای ملت قهرمان ایران من چه می‌توانم بگویم و چه می‌توانم بنویسم؟ خدایا من نمی‌دانم چطور و چگونه ترا شکر کنم که توفیق شهادت را به من ارزانی داشتی. از تو می‌خواهم توفیق دیگری را نیز به من عطا کنی که آنچه در سر دارم بدون ریا روی کاغذ بیاورم.

ملت قهرمان ایران این شما بودید که انقلاب کردید ما را پرورش دادید و راهنمایی کردید تا به آرزویمان رسیدیم. من کوچکتر از آن هستم که پیامی برای شما داشته باشم. اما به هر حال توصیه می‌کنم، نسبت به مسائل بی‌تفاوت نباشید. در هر کدام در رشته‌ای که می‌توانید کوشش کنید، که اکنون اسلام به تلاش و کوشش در راه خدا نیاز دارد کارگر در کارخانه، معلم در مدرسه، [تا] سرباز [به] پیروزی کامل برسد و زمینه‌ساز برای انقلاب و

1. در اصل وصیت «خواند».
2. وسائل‌الشیعه، ج۶، ص۱۶۷.
3. صحیفه امام، ج۱۶، ص۱۳.

حکومت حضرت مهدی (عج) خواهم شود.[1]، صدوقی[2] و مدنی[3] و دستغیب[4] و اشرفی[5] در محراب عبادت شهید شدند و مبادا در حال بی‌تفاوتی[6] بمیرید که رزمندگان اسلام در جبهه‌ها با هدف شهید می‌شوند، مادران عزیز مبادا از رفتن فرزندانتان به جبهه جلوگیری کنید که فردای قیامت در محضر خدا نمی‌توانید جواب حضرت زینب(علیهاالسلام) و مادران شهید داده را بدهید.

پدر و مادر گرامی و ارجمندم نمی‌دانم، چگونه از شما تشکر کنم. من به آرزویم رسیدم. امیدوارم شما مرا حلال کنید. خواهر و برادران عزیز امیدوارم مرا ببخشید. برادر عزیزم و خواهر گرامی همیشه نمازتان را اول وقت بخوانید و در امور [کار] به پدر و مادر کمک کنید و همیشه در صحنه انقلاب باشید و تحت فرمان و پیام‌های امام عزیز و منتظری[7] نستوه باشید و همیشه برای رزمندگان و پیروزی اسلام و فرج هرچه زودتر امام زمان(عج) دعا کنید. از خدا بخواهید شماها را خدمت‌گزار اسلام قرار بدهد. دعا کنید، درس خود را به نحو[8] احسن بخوانید و قرآن را یاد بگیرید و یاد بدهید، سعی کنید در جامعه الگو، باشید. برادر عزیز تو وقتی توانایی رزمی داشتی، سنگر مرا خالی نگذار و خواهر عزیز تو زینب‌گونه باش و حجابت را حفظ کن چون حجاب تو [برتر از] خون من است.

خدایا، خدایا تا انقلاب مهدی خمینی را نگهدار
«والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته»

---

1. در اصل وصیت «واقع شود».
2. ر.ک. تعلیقات.
3. ر.ک. تعلیقات.
4. ر.ک. تعلیقات.
5. ر.ک. تعلیقات.
6. در اصل وصیت «بیتفاوتی».
7. ر.ک. تعلیقات.
8. در اصل وصیت «نحوه».



بسمه تعالی

" ولاتحسبن الذین تقتلوا فی سبیل الله امواتا " بل ـ

احیاء عندربهم یرزقون " .

" بیندار بدشمنانی که در راه خدا کشته شده اند مرده اند

بلکه زنده اند نزد خدا روزی میخورند " .

حضور شما ای مستمری خدایی است که توانمن زور شتن

را بدانا نوخته و به قلم زشته تایش سوگند خورد . سلام و درود خدا بر پیامبر بزرگ اسلام، مشوت محمد (ص)

تنها نیات بخش انسان از قیود اسارتها و بردگی ها . سلام و درود خدا بر امامان و ... بران راستین تاریخ که ـ

درس پیروزی خون بر شمشیر را در در عمل بر دیگران نیز آموخته . سلام بر فرزند خدا بر عالمیان فداکار این سلسله

پیروزان حماسی انبیا . که با تماشای محرومیت عاشورا نستند تا مل سرخ شهادت را در همه زمانها و سه مکانها

ادامه دهند سلام و درود خدا بر رهبر کبیر و پیر رسازش ناپذیر جهان اسلام مشرت امام خمینی که اسلام را از انزوا

بیرون آورد و حیثیت را بدو برد، از دست رفته مسلمانان را بار دیگر بدا عین اسلام و قرآن باز گرداند سلام و درود ـ

خدا بر شهیدان انقلاب اسلامی، در طول تاریخ که با خون سرخ خود نهال اسلام را آبیاری نمودند . سلام و درود

خدا بر رزندگان اسلام این شهیدان زنده در تمامی جبهه های حق علیه باطل که لشکر خدا در برابر

سپاهشان ارمان آورند . سلام و درود خدا بر امت شهید پرور ایران که با قدرت ایمان در مقابل ابر جنایتکاران

شرق و غرب همچنان ستاره ایستاده اند تا آنه نمونه بودن برای همه مردم جهان را تفسیر کنند سلام و درود خدا بر

شما نوآموزان قرآن که در پرتو تعلیم قرآن و ارشادات الهی گشوده ایدئولوژی را شروع کرده اید : سلام و درود

خدا بر شما آموزندگان قرآن که میتوانید بخوانید قرآن را اگر میخواهید بدانید و سپس آن را بشناسید تا عمل کنید

عنگامی که نغمه جانسوز آشوبها و سیرین پاره های قلب تاریخ بر شما سایه انگنده قرآن پناه بخرید از سخنان پیامبر

اکرم (ص) . اصول کافی بهترین شما کسی است که قرآن را آموخته و دیگران را آموزش میدهد .

(پیامبر اکرم (ص) . نهج الفصاحه : قرآن را بیاموزید زیرا که آموزش قرآن بسیار فضیلت است (امام علی) .

از خدا بترسید ، از خدا بترسید درباره قرآن عبادا دیگران به سبب عمل نکردن به قرآن بر شما سبقت گیرند ـ

(امام علی (ع) نهج البلاغه) . این وصیت نامه ها انسان را سیار تر در بیدار میکند (امام خمینی) پیام در دفتران

به رهبر کبیر انقلاب اسلامی ایران امام خمینی سلام بر شما ملت قهرمان ایران وصیت نامه خود را ـ

شروع میکنم . شهادت کابوس آزادی من از قفس و تنها حرکت یاک مسلمان با ارزشترین آرزوی مشتاقانه ان و اشتیاق

است . ای ملت قهرمان ایران من چه میتوانم بگویم زیه میتوانم بنویسم ؟ خدایا من نمی دانم چه بگویم .

چگونه تو انکر کنم که توفیق شهادت را سن ارزانی داشتی، از تو میخواهم ترفیع دیگری را نصیب من بنمائی .

کنی که آنچه در سر دارم بدون ریاوری کنم امیدوارم ملت قهرمان ایران این شما بدیدکه انقلاب خود مست

ما را پرورش داد یدورا نهائی کرد یمتا به آرزوی بحان رسیدیم من خود نتوانستم از آن بگذرم که پیامی برای شما داشته

باشم اما در حال حاضر به چگونه نصیحت به مسائل پیچیده نباشد یرکدام در گشته ای که میتوانید فکر کنید ـ

شنیده که اکنون اسلام به تلاش و کوشش در راه خدا نیاز دارد کار کردن کار خانه ـ سلام در مدرسه ـ سرباز در

جبهه زورخانه من در جامعه زیا لاخره همه ملت در همه جا تا ایام انقلاب بیاری الله و به رهبری روح الله به

پیروزی کامل برسدوزعیفه سازبران انقلاب وحکومت حضرت مهدی (عج) واقع شود.

جوانان نگذارید قلمت بسوزیدگه علی (ع) حضرتی ومدلی ودستخیب ، اشرفی درمحراب عبادت ـ شهیدشدند وصیادادر حال بیخبارتی بسوزیدگه رزمندگان اسلام درجبهه حق علیه باطل شهیدمیشوند. مادران عزیزمبادااززفتن فرزندانتان به جبهه جلوگیری کنیدگه فردای قیامت درمحشرشمادانمی توانید بسوال حضرت زینب (س) ومادران شهیدداده رابدهید. پدرومادرگرامی زارچشمم نمی دانم چگونه ازشما تشکرکنم من به آرزویم رسیدم امیدوارم شما سرافکل نکنید. خواهروبرادران عزیزامیدوارم سرافکنده نشید. برادرعزیزم وخواهرگرامی همیشه نمازتان را اول وقت بخوانیددرامورکاربه پدرومادرکمک کنیدوهمیشه درصحنه انقلاب باشیدوفرمان پیامهای امام عزیزمنتظری تعقیب باشیدوهمیشه براین رزمندگان ـ پیروزی اسلام وفرج عرجه زودترامام زمان دعاکنیدوازخدابخواهیدشما راخدمتگزاراسلام قرارید کند. دعاکنیددرس خودرابه نحوه احسن بخوانیدوقرآن رایادبگیریدزیادبدهید ـ سعی کنیددرجامعه الگو ـ باشید. برادرعزیزتووقتی توانایی رزمی داشتی سنگرمراخالی نگذاروخواهرعزیزتوزینب گونه باش وحجابت راحفظ کن چون حجاب توخون من است.

خدایا ، خدایاتاانقلاب مهـــــدی خمینی رانگهدار.

والسلام علیکم ورحمه الله وبرکاته

" تکشیراز : راحدرانگی بنیادشهیدانقلاب اسلامـــــی سمنان "



نام: **محمدحسین**
نام خانوادگی: **نادعلیزاده**
نام پدر:**عباس**
نام مادر: **مرضیه**
تاریخ تولد: **هشتم فروردین ۱۳۴۰**
محل تولد: **روستای بق تابع شهرستان دامغان**
تحصیلات: **پایان دوره ابتدایی**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **سوم فروردین ۱۳۶۱**
محل شهادت: **رقابیه**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش**
مزار: **گلزار شهدای زادگاهش**

عبارت‌های کلیدی

- بر اساس مسئولیتی که احساس کردم در راه الله و برای پاسداری از انقلاب اسلامی که خونبهای هزاران شهید و مجروح است در جنوب کشور آمدم.
- به هر حال این مایه شکر پروردگار است و افتخار برای من و شماست که در این راه بـه درجـه رفیع شهادت می‌رسیم.
- زندگی ذلت‌بار را هیچ‌وقت قبول نخواهم کرد و مرگ سرخ و شهادت را بر آن ترجیح می‌دهم.
- باید جهاد کرد و خون داد تا انقلاب اسلامی پایدار بماند.
- مادر کوه باش و چون کوه استقامت کن لحظه‌ای از نام و یاد خدا غافل مباش.
- ما به خاطر قرآن و پیروزی اسلام خون خود را دادیم.
- خواهرانم شما هم زینب‌وار باشید و به خاطر اسلام بکوشید.
- فریاد ما پیروی کردن از خدا و قرآن و خمینی است.
- از همگی می‌خواهم که همیشه پیرو ولایت فقیه باشید و روحانیت را سرمشق خود قرار دهید.
- تمام ابرقدرت‌ها با تمام وجود ایستادگی کنید و انتقام خون شهیدان را از آنها بگیرید.
- در نمازهایتان امام را دعا کنید.

محمدحسین نادعلیزاده

بسم الله الرّحمن الرّحیم

خط سرخ شهادت، خط آل محمد و علی است.[1]

پس از ستایش خداوند سبحان و درود بر رسول اکرم(صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) و ائمه اطهار (علیهم‌السلام) خصوصاً حضرت مهدی (عج) و نایبش[2] امام خمینی رهبر کبیر انقلاب اسلامی و ملت شهیدپرور ایران و با سلام به پدر و مادر و همسر و فرزند و خواهر و برادرم و تمامی دوستان آشنایان، من محمدحسن نادعلیزاده فرزند عباس بر اساس مسئولیتی که احساس کردم در راه الله و برای پاسداری از انقلاب اسلامی که خونبهای هزاران شهید و مجروح است در جنوب کشور آمدم و به جنگ علیه ضد خدا پرداختم من سربازی خدمت نکرده بودم و بیکار نبودم به خاطر حقوق هم نیامدم فقط به خاطر رضای خدا و احساس مسلمان بودن و برای جهاد فی سبیل‌الله و برای شکست دشمنان، و اگر «هم شهید بشویم پیروزیم و هم بکشیم پیروزیم»[3] به هر حال این مایه شکر پروردگار است و افتخار برای من و شماست که در این راه به درجه[4] رفیع شهادت می‌رسیم. به آنجا می‌رویم که ملکوتش نامند. آنجا که بهشتش نامند، زندگی ذلت‌بار [را] هیچ‌وقت قبول نخواهم کرد و مرگ سرخ و شهادت را بر آن ترجیح می‌دهم و همانطور که قلبم آگاه هست به آرزوی[5] خودم خواهم رسید، پدر عزیزم درود خدا بر تو باد، ولی می‌بخشید که از شما خداحافظی نکردم و مرا حلال کن، من دوست داشتم که عصای پیری تو و مادرم باشم، ولی چاره چیست. باید جهاد کرد و خون داد تا انقلاب اسلامی پایدار بماند، قرآن زنده بماند. مادر کوه باش و

---

1. صحیفه امام، ج۱۵، ص۲۲۶.
2. در اصل وصیت «نائبش».
3. در اصل وصیت «بهر» ـ عبارت شهید برگرفته از سخنان امام خمینی است. «لشکر اسلام هیچ وقت شکست نمی‌خورد. اگر بماند پیروز است و اگر شهید شود باز هم پیروز است. در هر دو جهت». (صحیفه امام، ج۱۳، ص۱۸۷)
4. در اصل وصیت «بدرجه».
5. در اصل وصیت «بآرزوی».

چون کوه استقامت کن. لحظه‌ای از نام و یاد خدا غافل مباش و در راه دین بکوش و هرچه بکوشی باز هم کم است. برادرم امید از خدا دارم که مرا حلال کنی و ناراحت نباشی و استقامت کن و ما به خاطر قرآن و پیروزی اسلام خون خود را دادیم و خواهرانم شما هم زینب‌وار باشید و به خاطر اسلام بکوشید و تو ای همسرم پاره جگرم مهدی من را خوب نگهداری کن و او را با اسلام[1] و قرآن آشنا کن [تا] راه من را ادامه دهد که همان اسلام است. همسرم امیدوارم که مرا ببخشید و حلال کنی و هیچ‌وقت از نام خدا غافل مباش در راه دین خدا بکوش قامتت را بلند کن و ندای الله‌اکبر و خمینی رهبر سر ده و فریاد شهیدان راه خدا را، به مردم[2] برسان که همانا فریاد ما پیروی کردن از خدا و قرآن و خمینی است پدر و مادرم و همسرم و خواهرانم و برادرم امکان دارد در این حمله پرشور اتفاقی واقع شود که جنازه من به دست[3] شما نرسد آنگاه به یاد[4] شهیدان که افتادید. ناراحتی به خود[5] را ندهید و هر وقت دلتان گرفت به گلزار شهیدان بروید و به مزار[6] این همه شهید بنگرید آن وقت خود را فراموش خواهید کرد و در پایان از همگی می‌خواهم که همیشه پیرو ولایت فقیه باشید و روحانیت را سرمشق خود قرار دهید و د ربرابر[7] تمام ابرقدرت‌ها با تمام وجود ایستادگی کنید و انتقام خون شهیدان را از آنها بگیرید و در نمازهایتان امام را دعا کنید.

و [از] تمامی دوستان و آشنایان و هرکس که مرا می‌شناسد امیدوارم که مرا حلال کنند و سلامتی امام و تمامی شما را از درگاه ایزد منان خواهانم.

محمدحسین نادعلیزاده

۶۰/۱۲/۱۵

---

1. در اصل وصیت «باسلام».
2. در اصل وصیت «بمردم».
3. در اصل وصیت «بدست».
4. در اصل وصیت «بیاد».
5. در اصل وصیت «بخود».
6. در اصل وصیت «بمزار».
7. در اصل وصیت «با».

خط سرخ شهادت، خط آل محمد و علی است (امام خمینی)

پس از ستایش خداوند سبحان و درود بر رسول اکرم و آله اطهار خصوصاً حضرت مهدی و نائب امام خمینی رهبر کبیر انقلاب اسلامی و ملت شهیدپرور ایران و پاسلام به پدر و مادر و همسر و فرزند و خواهر و برادرم و تمامی دوستان آشنایان، من محمدحسین نادعلیزاده فرزند عباس بر اساس مسئولیتی که احساس کردم در راه... و برای پاسداری از انقلاب اسلامی که خونبهای هزاران شهید و مجروح است در جنوب کشور آمدم و به جنگ علیه ضدخدا پرداختم، من سربازی خدمت نکرده بودم و بیکار نبودم و بخاطر حقوق هم نیامدم فقط بخاطر رضای خدا و احساس مسلمان بودن و برای جهاد فی سبیل الله... و برای شکست دشمنان، و اگر هم شهید بشویم پیروزیم و هم بکشیم پیروزیم بهر حال این ما یاشکر پروردگار است و افتخار برای من و شماست که در این راه بدرجه رفیع شهادت برسیم. به آنجا میرویم که ملکوتش نامند، آنجا که بهشتش نامند، زندگی ذات باری هیچوقت قبول نخواهم کرد و مرگ سرخ و شهادت را بر آن ترجیح میدهم و همانطور که قلبم آگاه هست و با آرزوی خودم خواهم رسید، پدر عزیزم درود خدا بر تو باد، ولی می بخشید که از شما خدا حافظی نکردم و مرا حلال کن، من دوست داشتم که عصای پیری تو و مادرم باشم ولی چاره چیست باید جهاد کرد و خون داد تا انقلاب اسلامی پایدار بماند، قرآن زنده بماند، مادر کوه، باش و چون کوه استقامت کن لحظه‌ای از نام و یاد خدا غافل مباش و در راه دین بکوش و هر چه بکوشی باز هم کم است برادرم امید از عدا دارم که مرا حلال کنی و ناراحت نباشی و استقامت کن و ما بخاطر قرآن و پیروزی اسلام خون خود را دادیم و خواهر انم شما هم زینب وار باشید و بخاطر اسلام بکوشید و تو ای همسرم پاره جگرم، مهدی، من را خوب نگهداری کن و او را با اسلام و قرآن آشنا کن و راه من را ادامه دهد که همان اسلام است. همسرم امیدوارم که مرا ببخشید و حلال کنی و هیچوقت از نام خدا غافل مباش در راه دین خدا بکوش قامت را بلند کن و ندای الله اکبر و خمینی رهبر سر ده و فریاد شهیدان راه خدا را، بمردم برسان که همانا فریاد ما پیروی کردن از خدا و قرآن و خمینی است پدر و مادرم و همسرم و خواهرانم و برادرم امکان دارد در این حمله پرشور اتفاقی واقع شود که جنازه من بدست شما نرسد آنگاه بیاد شهیدان که افتادید. ناراحتی بخود راه ندهید و هر وقت دلتان گرفت به گلزار شهیدان بروید و بمزار این همه شهید بنگرید آنوقت خود را فراموش خواهید کرد و در پایان از همگی می خواهم که همیشه پیرو ولایت فقیه باشید و روحانیت را سرمشق خود قرار دهید و با تمام ابر قدرتها با تمام وجود ایستادگی کنید و انتقام خون شهیدان را از آنها بگیرید و در نمازهایتان امام را دعا کنید.

و از تمامی دوستان و آشنایان و هر کس که مرا میشناسد امیدوارم که مرا حلال کنند و سلامتی امام و تمامی شما را از درگاه ایزد منان خواهانم.

محمد حسین نادعلیزاده

۶۰/۱۲/۱۵



نام: **نعمت‌الله**
نام خانوادگی: **نادعلیزاده**
نام پدر: **عباسعلی**
نام مادر: **زیور**
تاریخ تولد: **پانزدهم تیر۱۳۴۵**
محل تولد: **شهرستان بهشهر**
تحصیلات: **سوم متوسطه**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **نوزدهم اسفند ۱۳۶۴**
محل شهادت: **اروندرود**
نحوهٔ شهادت: –
مزار: **گلزار شهدای فردوس رضای شهرستان دامغان**

عبارت‌های کلیدی

- زیر بار ظلم نمی‌رویم و از مکتب حسین(علیه‌السلام) درس‌ها آموختیم.
- تا آخرین نفر و نفس از کشور عزیز ایران محافظت می‌کنیم.
- به محرومان دربند کشورهای دیگر، که مسلمان هستند کمک می‌کنیم، تا آنها را از زیر بار ظلم نجات دهیم.
- خواهرم، با حجابت مشت محکمی به دشمنان اسلام می‌زنی.
- امام را تنها نگذارید چرا که «ما اهل کوفه نیستیم امام تنها بماند.
- مرگی که در ادامه راه حسین (علیه‌السلام) و حفظ نوامیس مردم صورت می‌گیرد، همان شهادت است.
- تقواست که شما را از آلودگی نجات می‌دهد.
- شما را به تقوا دعوت می‌کنم.
- کسی که دنبال مقام می‌رود از او دوری جویید.

نعمت‌الله نادعلیزاده

بسم الله الرحمن الرحیم

ما همه مدیون خون شهدا هستیم[1]

با درود فراوان به امام امت و با درود به رزمندگان اسلام و امّت شهیدپرور ایران. می‌ترسم، می‌ترسم در خانه بمانم و به مرگ طبیعی بمیرم، چرا مرگی را که همان شهادت در راه آن افتخار به ارمغان دارد نپذیرم [و] شهادت را می‌پذیریم. ولی زیر بار ظلم نمی‌رویم و از مکتب حسین(علیه‌السلام) درس‌ها آموختیم و به ندای اماممان لبیک می‌گوییم، که تا آخرین نفر و نفس از کشور عزیز ایران محافظت می‌کنیم و به محرومان دربند کشورهای دیگر، که مسلمان هستند کمک می‌کنیم، تا آنها را از زیر بار ظلم نجات دهیم.

مادر جان، خوشا به حالت[2] که پسرت [را]، در راه اسلام دادی و هیچ وقت از شهید شدنم ناراحت نباش و باید خوشحال باشی که در جبهه به معشوق خود رسیدم.

پدرم، همان‌گونه که تا به حال توانستی چرخ خانواده‌ات را بچرخانی و آبرویت را حفظ کنی، مرا خوشحال می‌کنی.

خواهرم، با حجابت مشت محکمی به دشمنان اسلام می‌زنی، همان‌گونه که حضرت فاطمه(علیهاالسلام) فرمودند: «ارزنده‌ترین زینت زن حفظ حجاب است» پس حجابت را حفظ کن.

امام را تنها نگذارید چرا که «ما اهل کوفه[3] نیستیم امام تنها بماند.»

خانوادهٔ محترمم، بر مزارم گریه نکنید چرا مرگی که در ادامه راه حسین (علیه‌السلام) و حفظ نوامیس مردم صورت می‌گیرد که همان شهادت است، بهتر از مرگی است که به حالت[4] طبیعی انجام می‌گیرد و تقواست که شما را از آلودگی نجات می‌دهد.

---

1. بالای برگه تایپی وصیت جمله ای از اما خمینی به چشم می‌خورد: «ما همه مدیون خون شهدا هستیم»،«صحیفه امام، ج۴، ص۲۱۶».
2. در اصل وصیت «بحالت».
3. ر.ک. تعلیقات.
4. در اصل وصیت «بحال».

نماز بر سر جنازه‌ام را امام جمعه محبوب شهرمان بخواند و قدر این امـام جمعـه‌تـان را بدانید و شما را به تقوا دعوت می‌کنم و کسی که دنبال مقام مـی‌رود، از او دوری جوییـد و اگر از طرف من به کسی رنجی رسیده ان‌شاءالله مرا می‌بخشید و عفو می‌کنید.

خدایا خدایا تا انقلاب مهدی خمینی را نگهدار.

والسّلام علیکم و رحمة الله و برکاته

نعمت‌الله نادعلیزاده



و امام خمینی قدس سره »

«ما همه مدیون خون شهداء هستیم»

«بسم الله الرّحمن الرّحیم»

با درود فراوان به امام امّت و با درود به رزمندگان اسلام و امّت شهید پرور ایران .

می ترسم ، می ترسم در خانه بمانم و به مرگ طبیعی بمیرم ، چرا مرگی را که همان شهادت در راه آن (خدا) افتخار به ارمغان دارد نپذیرم ، شهادت را می پذیریم ولی زیر بار ظلم نمی‌رویم و از مکتب حسین درسها آموختیم و به ندای امامان لبیک می گوئیم که تا آخرین نفر و نفس از کشور عزیز ایران محافظت می کنیم و به محرومان دربند کشورهای دیگر،که مسلمان هستند کمک می‌کنیم تا آنها را از زیر بار ظلم نجات دهیم .

مادر جان ، خوشا بحالت که پسرت ، در راه اسلام دادی و هیچ وقت از شهید شدنم ناراحت نباش و باید خوشحال باشی که در جبهه به معشوق خود رسیدم .

پدرم ، همانگونه که تا بحال توانستی چرخ خانواده‌ات را بچرخانی و آبرویت را حفظ کنی مرا خوشحال می کنی .

خواهرم ، با حجابت مشت محکمی به دشمنان اسلام میزنی همانگونه که حضرت فاطمه فرمودند:"*ارزنده‌ترین زینت زن حفظ حجاب است*" پس حجابت را حفظ کن .

امام را تنها نگذارید چرا که "ما اهل کوفه نیستیم امام تنها بماند" .

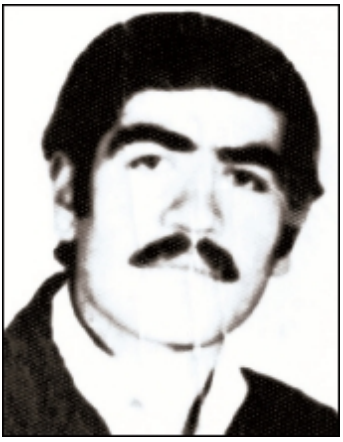
خانوادهٔ محترمم ، بر مزارم گریه نکنید چرا مرگی که در ادامه راه حسین علیه السلام و حفظ نوامیس مردم صورت می‌گیرد که همان شهادت است بهتر از مرگی است که بحال طبیعی انجام می‌گیرد و تقواست که شما را از آلودگی نجات می دهد .

نماز بر سر جنازه‌ام را امام جمعهٔ محبوب شهرمان بخواند و قدر این امام جمعه‌تان را بدانید و شما را به تقوا دعوت می‌کنم و کسی که دنبال مقام می رود از او دوری جوئید و اگر از طرف من به کسی رنجی رسیده انشاءا... مرا می بخشید و عفو می‌کنید .

خدایا خدایا تا انقلاب مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف خمینی را نگهدار

والسّلام علیکم و رحمة الله و برکاته

نعمت ا... ناد علیزاده



نام: **حسینعلی**
نام خانوادگی: **نادمی**
نام پدر: **نادعلی**
نام مادر: **زهرا**
تاریخ تولد: **دوازدهم آبان ۱۳۳۸**
محل تولد : **شهرستان شاهرود**
تحصیلات: **پایان دوره ابتدایی**
ارگان اعزام‌کننده: **جهادگر**
تاریخ شهادت: **ششم دی ۱۳۶۶**
محل شهادت: **اشنویه**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش**
مزار: **گلزار شهدای روستای قلعه آقا عبدالله زادگاهش**

عبارت‌های کلیدی

- من با خدا عهد و پیمان بستم که «خدایا شهادت در راه خودت را نصیب من گردان».
- ای شهادت، شهادت دریچه آزادی من از دنیا، شهادت شهادت منتهای حرکت یک مسلمان، شهادت شهادت آرزوی قلوب عارفان، شهادت شهادت آرزوی مشتاقان و عاشقان.
- ای انقلاب عزیز، سیراب آب شو از خون ما و به ایستادگی‌ات ادامه بده، ای بازوان انقلاب بجوشید از خون ما و به تداوم انقلاب ادامه دهید.
- ای اسلامیان بر خروشید و به رهبری این (رهبر کبیر) پرچم اسلام را در سرتاسر جهان برپا کنید
- ای جوانان همه مسئولید، در برابر ملت‌های تحت ستم فلسطین، لبنان، عراق و... برخیزید و بکوشید تا به یاری «الله» آنها را از زیر یوغ چپاولگران نجات دهید.
- من به بهترین راهها رفتم و به بهترین آرزوهایم رسیدم و این قابل درک نیست، مگر برای آنان که خدا را از هر چیز بهتر دوست دارند.
- ای برادران استغفار و دعا نمایید که بهترین درمان‌ها برای تسکین دردهاست.
- هرگز دشمنان بین شما تفرقه نیندازند.

حسینعلی نادمی

بسم‌الله الرحمن الرحیم

اکنون که زندگی‌نامه‌ام را با یاد خدا آغاز می‌کنم، اینجانب حسین‌علی نادمی فرزند نادعلی که در سال ۱۳۳۱ در روستای قلعه عبدالله از توابع شهرستان شاهرود در خانواده‌ای متدین و محروم دیده به جهان گشودم و دوره تحصیلی ششم ابتدایی را در حومه خاتمه دادم و پس از آن به کارهای روزمره مشغول بکار شدم[1] در سال ۱۳۵۷ جرقه‌ای از آسمان برخاست و «دیو چو بیرون رود ـ فرشته در آید».[2] پس از مدت کوتاهی استکبار جهانی توسط ایادی‌اش جنگ تحمیلی را بر ما تحمیل کردند من با خدا عهد [و] پیمان بستم که «خدایا شهادت در راه خودت را نصیب من گردان که شیرین‌ترین [...][3]»

ای شهادت، شهادت دریچه آزادی من از دنیا، شهادت شهادت منتهای حرکت یک مسلمان، شهادت شهادت آرزوی قلوب عارفان، شهادت شهادت آرزوی مشتاقان و عاشقان، ای ملت آزاده من چه می‌توانم برای شما بنویسم و چه سفارشی می‌توانم برای شما نمایم. این شما بودید که ماها را پرورش دادید و این شماها بودید که ما را مشوق و راهنما بودید. این شماها بودید که ما را در ادامه راه امید می‌دادید و اکنون این خون‌ها چه ارزشی دارد که در راه شما که راه هستی مطلق است، ریخته شود.

ای انقلاب عزیز، سیراب آب شو از خون ما و به ایستادگی‌ات[4] ادامه بده، ای بازوان انقلاب بجوشید از خون ما و به تداوم انقلاب ادامه دهید. ای اسلامیان بر خروشید و به رهبری این (رهبر کبیر) پرچم اسلام را در سرتاسر جهان برپا کنید. ای جوانان همه مسئولید، در برابر ملت‌های تحت ستم فلسطین، لبنان، عراق و... برخیزید و بکوشید تا به یاری «الله» آنها را از زیر یوغ چپاولگران نجات دهید.

---

1. در اصل وصیت «شد».
2. مصرع دوم شعر حافظ «خلوت دل نیست جای صحبت (اغیار)* دیو چو بیرون رود فرشته در آید» و به شعار روزهای ورود حضرت امام و فرار شاه اشاره دارد.
3. خوانا نیست.
4. در اصل وصیت «ایستادگیت».

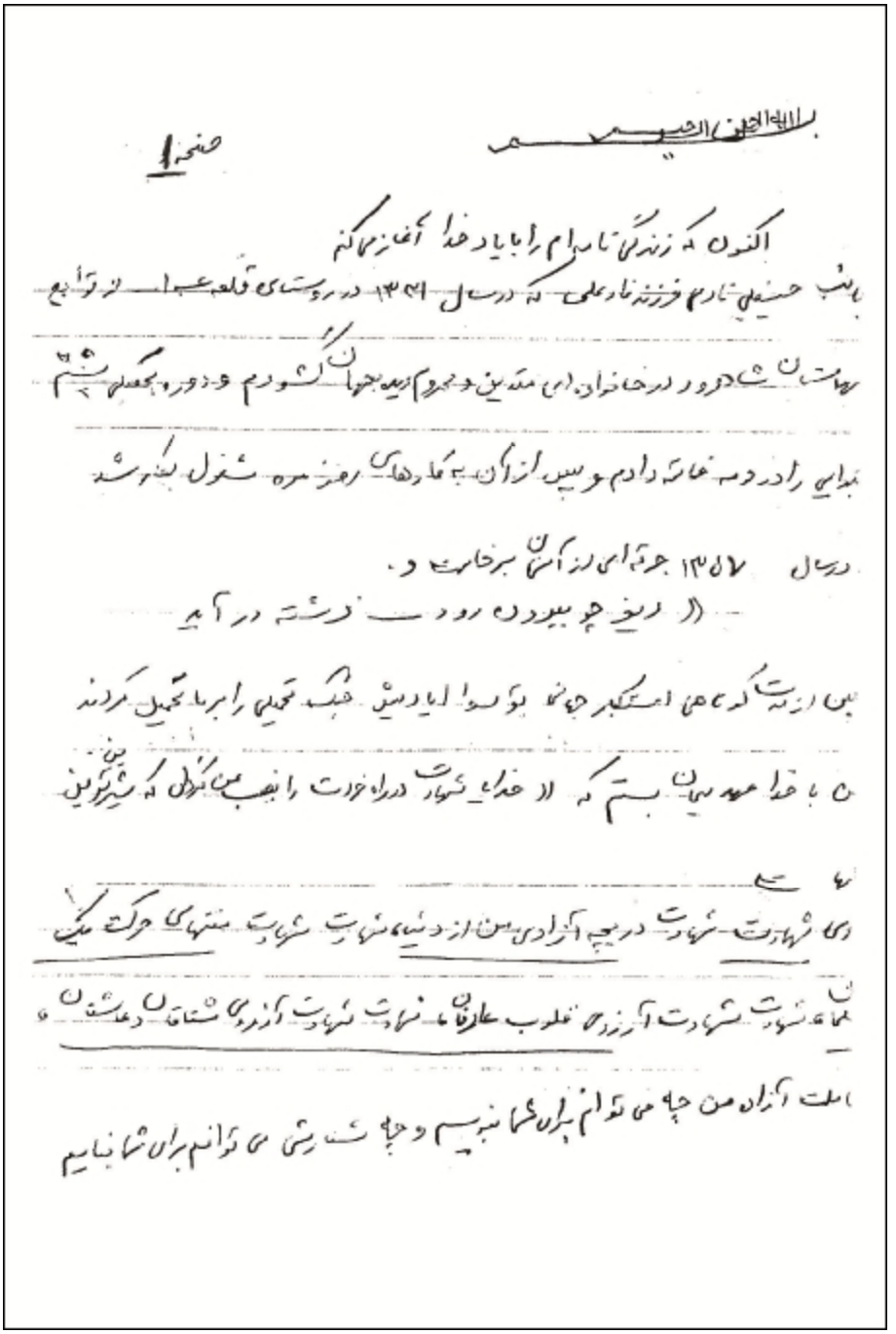
ای مردم بی‌تفاوت نباشید و هر کدام بدست خود تا می‌توانید بکوشید کارگر در کارخانه و کشتزار، سرباز در جبهه، معلم در مدرسه، روحانی در اجتماع و همه مردم در صحنه هرکدام تا می‌توانید فعالیت کنید تا این انقلاب را به پیروزی کامل برسانید. که مقدمه برای انقلاب جهاد حضرت بقیةالله(عج) می‌باشد. و در این راه از هیچ‌کس نهراسید. آری، ای جوانان نکند در رختخواب ذلت بمیرید که حسین(علیه‌السلام) در میدان نبرد شهید شد. ای جوانان مبادا در غفلت بمیرید که علی در محراب عبادت شهید شد و مبادا در حال بی‌تفاوتی بمیرید که علی‌اکبر حسین (علیه‌السلام) [1] در راه حسین(علیه‌السلام) و با هدف شهید شد.

ای مادران! مبادا از رفتن فرزندانتان به جبهه جلوگیری کنید که فردا در محضر خدا نمی‌توانید جواب زینب((علیهاالسلام)) را بدهید که تحمّل ۷۲ شهید را نمود. همه مثل خاندان[2] «وهب» جوانانتان را به جبهه‌های نبرد حق بفرستید و حتی جسد او را هم تحویل نگیرید زیرا مادر «وهب» فرمود سری را که در راه خدا داده‌ام، پس نمی‌گیرم. پس ای اقوام و خویشان بر من اشک تمساح نریزید. اگر واقعاً مرا دوست دارید حالا، راهم را ادامه دهید و با شرکت خود در جبهه‌ها و کمک مالی [به] پشت جبهه‌ها، اسلام را یاری نمایید وگرنه من نمی‌خواهم بیایید و بگویید بدبخت شد و فلان شد. من به بهترین راهها رفتم و به بهترین آرزوهایم رسیدم و این قابل درک نیست، مگر برای آنان که خدا را از هر چیز بهتر درست دارند. ای برادران استغفار و دعا نمایید که بهترین درمان‌ها برای تسکین دردهاست و همیشه به یاد خدا باشید و در راه او قدم بردارید و هرگز دشمنان بین شما تفرقه نیندازند و شما را از روحانیت متعهد جدا نکنند و اگر چنین کنند، روز بدبختی مسلمان‌هاست. روز جشن ابرقدرت‌هاست. حضورتان را در جبهه‌های حق علیه باطل ثابت نگه دارید.

والسّلام علیکم و رحمة[3] الله و برکاته
آنکه همیشه به یاد خمینی است
حسینعلی نادمی

---

1. ر.ک. تعلیقات.
2. ر.ک. تعلیقات.
3. در اصل وصیت «برحمة».



بسم الله الرحمن الرحیم

صفحه ۱

اکنون که زندگی نامه‌ام را با یاد خدا آغاز می‌کنم

بنده حسینعلی نادمی فرزند غلامعلی که در سال ۱۳۴۱ در روستای قلعه‌عباس از توابع

شهرستان شاهرود در خانواده‌ای متدین و محروم دیده به جهان گشودم و دوره ابتدایی را در همان روستا گذراندم و پس از آن به کارهای زراعی مشغول شدم

در سال ۱۳۵۷ جرقه‌ای از آسمان برخاست و

«از نیزه چو بیرون رود سر نوشته در آید»

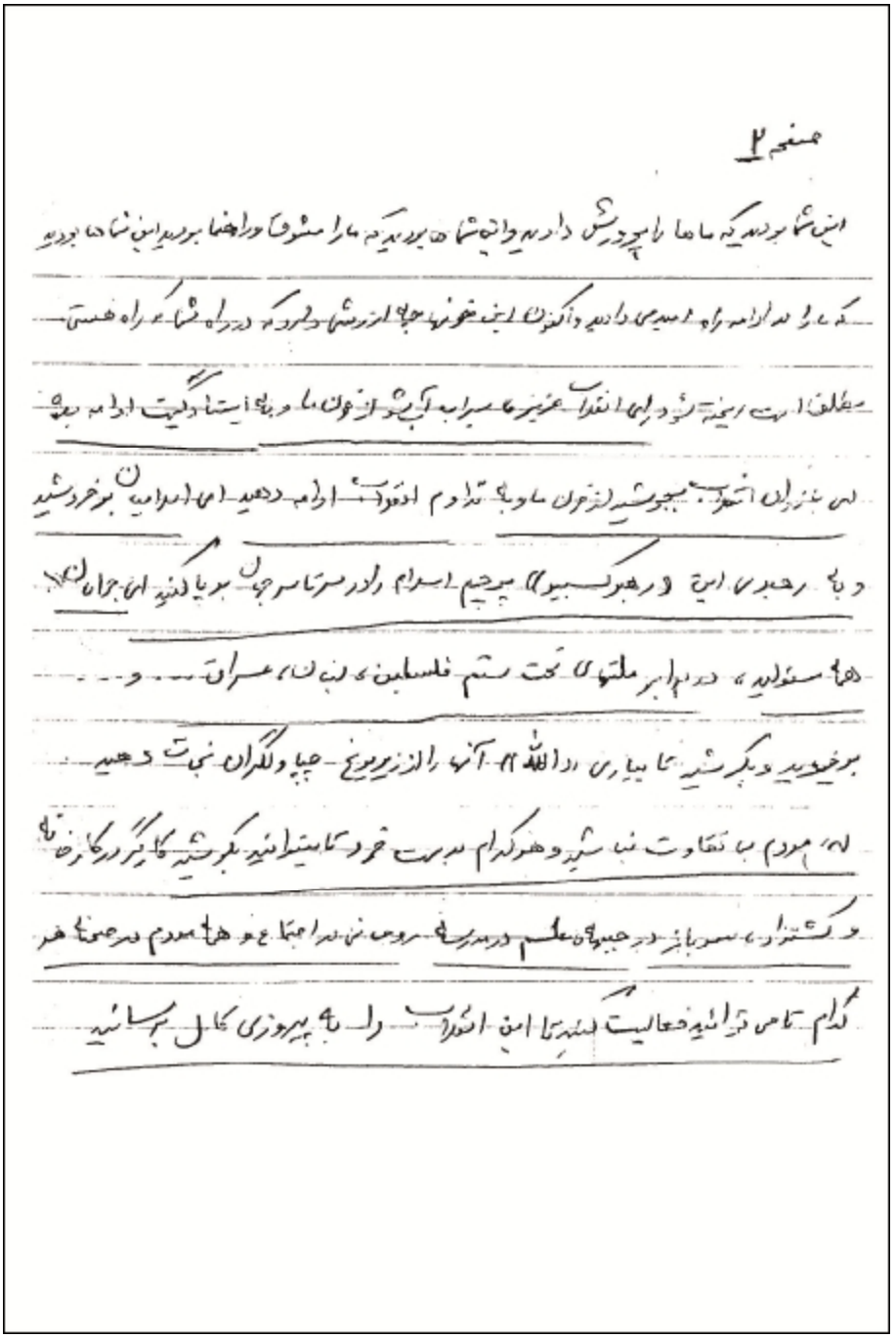
بین از نیت که ما هم استکبار جهانی با توسل به ابزار تحمیلی ما را به تحمیل کردند

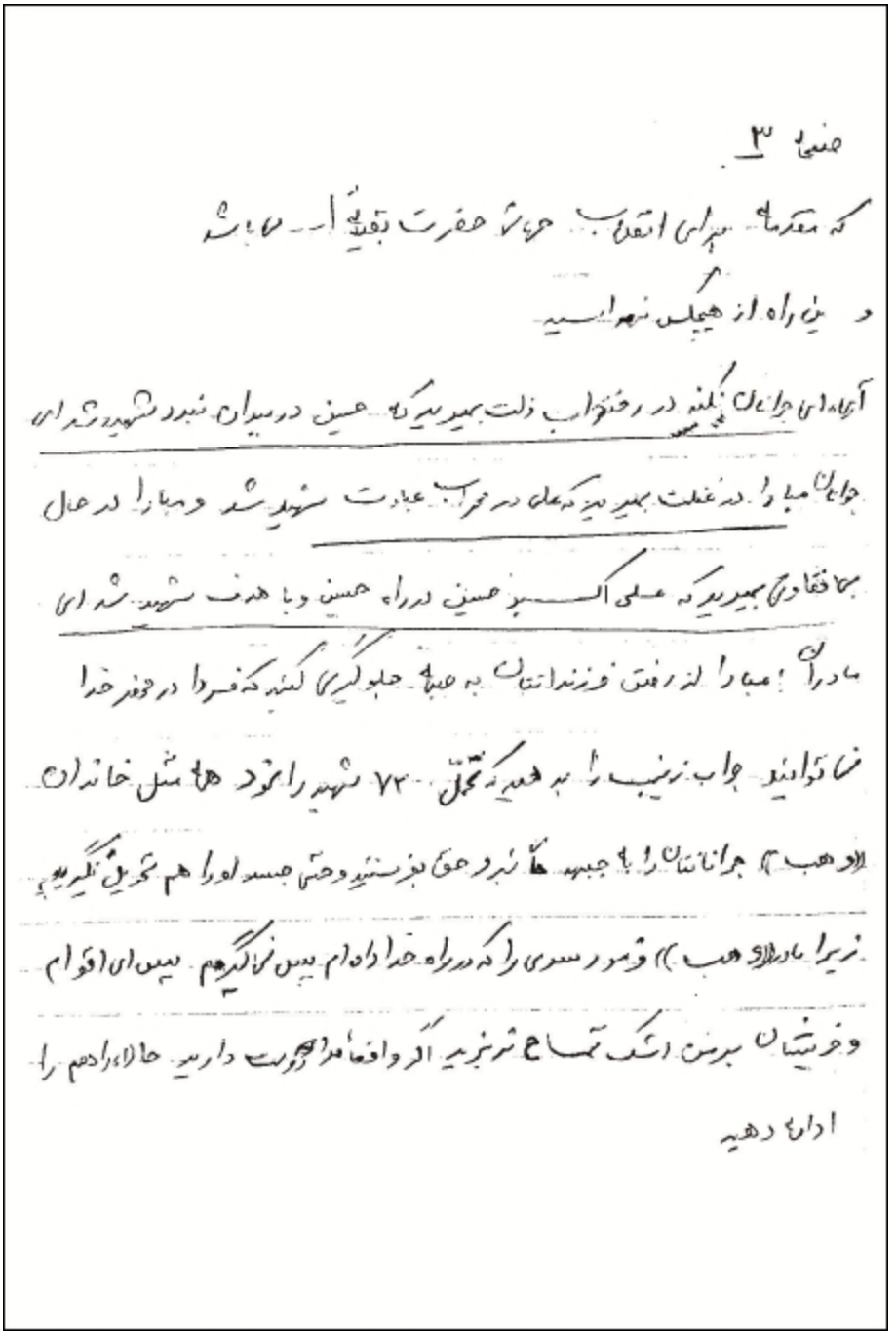
ما با خدا عهد بستیم که الا خدا شهادت در راه خدا را نصب العین خود قرار دهیم

و شهادت شهادت در پی آزادی بیش از دنیا شهادت شهادت منتهای حرکت ما

تمام شهادت آرزوی قلوب عارفان شهادت آرزوی مشتاقان دیدارش

ملت آزاده من چه می‌توانم برای شما بنویسم و چه نوشته‌ای می‌توانم برای شما بنویسم





صفحه ۳

که مقدمه برای انقلاب حضرت بقیة الله باشد

و این راه از هیچکس نمی ایستد

آنچه ای جوانان بگذرد در رختخواب ذلت بمیرید که حسین در میان شهدا شهید شد ای

جوانان مبادا در غفلت بمیرید که علی در محراب عبادت شهید شد و مبادا در حال

بی تفاوتی بمیرید که علی اکبر حسین در راه حسین و با هدف شهید شد ای

مادران مبادا لذت رفتن فرزندانتان به جبهه جلوگیری کند که فردا در حضور خدا

شما نمانید جواب زینب را به هنگامی که تحمل ۷۲ شهید را خود ها مثل خاندان

«وهب» جوانانتان را با جبهه ها نبرد حق نپرستید و حتی جسد او را هم تحویل نگیرید

زیرا مادران «وهب» قسم رسیدن را که در راه خدا داده ام پس نمی گیرم پس ای اقوام

و خویشان بر من اشک تسلا نریزید اگر واقعا مرا دوست دارید حالا راهم را

ادامه دهید

صفحه ۲

و با شرکت خود در جبهه ها و کمک مالی پشت جبهه ها از اسلام و ایران دفاع نمائید و گذارید من تنها هم بیایم و بگویند بدبخت شد و فلان شد من به بهترین راهها رفتم و به بهترین آرزوهایم رسیدم و این قابل درک نیست مگر برای آنان که خدا را از دل چیزی بیشتر دوست دارند

ای برادران استغفار و دعا نمائید که بتوانم در مقابل این همه مشکلات و دردها و سختیها یاد خدا باشید در راه او قدم بردارید و هرگز دشمنان بین شما تفرقه نیندازند و شما را از روحیه مقاومت خود جدا نکنند و اگر چنین کنند روز به بدبختی ما خواهد بود

روز حسین ابرقدرتی است حضرتش را در جبهه ها حق علیه باطل تا ابد نگهدار باشید

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته

آنکه همیشه یاد حسین با اوست

حسنعلی نادری



نام: **کیومرث**
نام خانوادگی: **ناصحی**
نام پدر: **محمود**
نام مادر: **لیلا**
تاریخ تولد: **هجدهم خرداد ۱۳۴۱**
محل تولد: **روستای تویه‌دردار از توابع شهرستان دامغان**
تحصیلات: **دیپلم**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **بیست و دوم دی ۱۳۶۵**
محل شهادت: **شلمچه**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش**
مزار: **گلزار شهدای فردوس رضای زادگاهش**

عبارت‌های کلیدی

- برای کمک به اسلام و مملکت و قرآن و لبیک به گفته‌ها و فرموده‌های امام و موقع حساس مملکت و دینم به جبهه آمده‌ام.
- تا آخرین قطرات خونم در این راه با دشمنان و کفار نبرد خواهم کرد.
- باید از مرحله گریه کردن برای سیدالشهدا(علیه‌السلام) و دیگر شهیدان کربلا که مقدمه پیکار است دست برداشت و به محتوای واقعی کربلا پی برد.
- برادران عزیز قرآن بخوانید و به قرآن عمل کنید. ای کاش ما هم در یادگیری معنای واقعی قرآن کوشش کرده بودیم.
- امام را فراموش نکنید هیچ‌گونه شک و شبهه‌ای در دلتان به وجود نیاید.
- ما باید به وصیت تمام شهیدان عمل کنیم.
- امام عزیز را تنها نگذارید.
- از خداوند می‌خواهیم که ما را از سربازان واقعی امام زمان و لبیک‌گویان به فرمان امام روح‌الله قرار دهد.

کیومرث ناصحی

بسم الله الرحمن الرحیم

«انفروا[1] خفافاً و ثقالاً و جاهدوا[2] فی سبیل الله باموالکم و انفسکم ذالکم خیرٌ لکم ان کنتم تعلمون».[3](قرآن کریم)

ترجمه: «بیرون شوید مجهّز و سبک‌بار و جهاد کنید در راه خدا با مال‌هایتان و جان‌هایتان این برای شما بهتر است اگر علم داشته باشید یا اگر از عالمان باشید».

«اشهدان لا اله الا الله و اشهد انَّ مُحمّداً رسول الله و اشهد انّ علیّاً ولی‌الله». شهادت می‌دهم که نیست معبودی مگر خداوند یکتا و هیچ شریکی برای او نیست و شهادت می‌دهم که محمّد(صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) است رسول و فرستاده خداوند و هدایت کننده مردم به سوی خدا از جهل و گمراهی و علی(علیه‌السلام) است با یازده فرزند او ولی و حجّت بر حق خداوند که پرچم پرافتخار اسلام را در دوران خفقان طاغوت‌ها با ایثار جان خود و همه چیز خود تا به امروز برافراشته نگه داشتند و امروز این پرچم خونین بر دوش آخرین حجت خداوند قرار دارد و به امید آن روز هستیم که با ظهور خود و قلع و قمع کردن ظلم و ستم آن را به روی کاخهای مستکبران و زورگویان تاریخ برافراشته سازد؛ و با سلام بر خمینی عزیز منجی ایران زمین، نایب بر حق امام مهدی(عج) که جان‌ها همچون پروانه‌ای به دور شمع وجودش می‌گردند و از این اسوه مقاومت و صبر درس قدرت و مقاومت و صبر می‌آموزند و در میدان‌های نبرد هم‌چون شیری بر دشمن زبون هجوم می‌برند و با سلام بر رزمندگان عزیز اسلام این یاران باوفای امام زمان (عج) و امام خمینی، این گریه‌کنان واقعی اباعبدالله(علیه‌السلام) آنها راه حسین[4] (علیه‌السلام) را شناختند و در آن را قدم گذاشتند و جامه لقای خداوند را پوشیدند و با سلام بر شهیدان، این شمع‌های برافروخته محفل‌ها و زنده کننده

---

1. در اصل وصیت «انفرو».
2. در اصل وصیت «جاهدو».
3. توبه ـ ۴۱.
4. ر.ک. متعلقات.

تاریخ اسلام. اینجانب کیومرث ناصحی معروف به علی‌اصغر، فرزند محمود ناصحی در این لحظات حساس زندگی‌ام[1] باید بگویم ای عزیزان که این وصیت‌نامه را مطالعه می‌کنید، اسم من همان اسم کوچک من است و بنده نه برای شهرت و نه برای فرار از کار و زندگی و نه برای فرار از مشکلات زندگی بلکه برای کمک به اسلام و مملکت و قرآن و لبیک به گفته‌ها و فرموده‌های امام و موقع حساس مملکت و دینم به جبهه آمده‌ام و تا آخرین قطرات خونم در این راه با دشمنان و کفار نبرد خواهم کرد. اگر خداوند نیرو و مقاومت و صبر را به من عطا فرماید و عزم مرا در این پیکار مقدس راسخ گرداند و فکر زندگی دنیا با آن همه لذات و خوشی‌ها [آن] را از فکر و ذهنم بیرون نماید، آری چون اینجا جایی نیست که انسان بتواند با فکر خراب و آرزوی دنیا و مال و منال آن در سنگر مقدس و پاک، که شهیدان بزرگ و با همتی چون حسین‌ها[2] و ابوالفضل‌ها[3] و کاظمی‌ها[4] و زین‌الدین‌ها[5] و دیگر سرداران در آن جان‌فشانی کرده‌اند، استقامت کند باید دل از این مادیات و پوچی‌ها برید و دل را به پرواز به سوی خدا و وصل لقاء او محکم کرد. باید از مرحله گریه کردن برای سیدالشهدا(علیه‌السلام) و دیگر شهیدان کربلا که مقدمه پیکار است دست برداشت و به محتوای واقعی کربلا پی برد. آری حسین(علیه‌السلام) و یارانش برای چه کشته شدند آیا برای این دنیا آن همه سختی‌ها به خود راه دادند و زن و بچه خود را اسیر دشمن کردند که ما فقط ماهی را به سوگ بنشینیم و شیونی را بجا آوریم و بنشینیم و چند روزی برای آن عزیزان ماتم بگیریم. آیا متوجه هستیم که چرا حسین (علیه‌السلام) حج را نیمه کاره می‌گذارند و به سوی کربلا می‌آید. این همه برای این است که به ما بفهمانند که ای مردم روی زمین ای کسانی که آزاد هستید جهاد در راه خدا بر حج هم برتری دارد، چون تا ظلم و فساد هست تا ناجوانمردی هست، تا ظالم در کاخ خود سرفراز نشسته و تا موقعی که دین خدا آماج ضربات کافران و نبرد آنان قرار دارد و دین خدا و خانه خدا،

1. در اصل وصل «زندگیم».
2. ر.ک. تعلیقات.
3. ر.ک. تعلیقات.
4. ر.ک. تعلیقات.
5. ر.ک. تعلیقات.

مرکز فساد فاسدان است، باید ابتدا جهاد کرد. باید این کثافت‌های از خدا بی‌خبر را قلع و قمع کرد. بعد به عبادت پرداخت. بعد به زیارت حج پرداخت و گریه برای حسین (علیه‌السلام) موقعی ارزش دارد که عقیده برای از بین بردن ظلم باشد و یاد حسین (علیه‌السلام) و راه حسین (علیه‌السلام) را در دل‌ها زنده نگه دارد و ما را در رسیدن به اهدافمان راسخ گرداند. ولی ما عمری گریه کردیم ولی قدس[1] را از ما گرفتند، ما عمری گریه کردیم ولی مسلمانان را در اکثر نقاط این جهان به خاک و خون کشیدند، ما عمری گریه کردیم ولی آنان با ما چه کردند. بر زنان مملکت اسلامی چه کردند، بر منابع اقتصادی ما چه کردند، بر سر مردم ما چه کردند. بر بچه‌های ما چه کردند، به قنداق‌های در بغل ما آرمیده[2] چه کردند، آیا باز هم باید بنشینیم و گریه کنیم؟ آیا باز هم باید بی‌تفاوت باشیم؟ تا بیایند ما را در داخل مسجدها و کنار محراب‌ها در حال گریه به خون بکشند و یا باید حرکت کرد یا باید به جهاد رفت یا باید تقاص گرفت. چه باید بکنیم؟ ای عزیزان خودتان فکر کنید و بقول معروف کلاهمان را قاضی کنیم، نگوییم پیرمرد هستیم، نگوییم از کار افتاده‌ایم، نگوییم کار داریم، نگوییم کشاورزی ما را که آب می‌دهد؟ نگوییم میوه‌های ما رسیده است و نگوییم حالا هوا گرم و یا سرد است و یا تازه ازدواج کرده‌ایم و یا می‌خواهیم ازدواج کنیم. یا تازه صاحب اولاد شده‌ایم و یاهای دیگر.

کشاورزی خیلی مهم است، ولی نباید مانع پیروزی ما گردد و مانع اسلام‌شناسی ما گردد. این کارها هم به جای خود مهم است، ولی دین خدا مهمتر است اسلام می‌گوید باید با تلاش همه جانبه به هر دو طرف قضیه انسان راه پیدا کند اگر دو نفر مشغول کشاورزی و دامداری جایی هستیم، بیاییم با ماندن یک نفر آن کار را انجام دهیم و بقیه به جهاد در راه خدا بپردازیم. هرچند کار آن عزیزان دیگر مشکل می‌شود. ولی مولای علی (علیه‌السلام) می‌فرماید: «هرچند کار مشکل‌تر باشد افضل‌تر است یعنی افضل‌ترین کارها در سختی‌هاست».

---

1. ر.ک. تعلیقات.
2. در اصل وصیت «به قنداق‌های بغل ما درآمیده».

و باید با سختی‌ها بیشتر دست و پنجه نرم کرد. تا به پیروزی همه جانبه دست یافت. چرا باید کافر بر کفر خودش آنقدر محکم باشد. ولی ما، [نه] آیا می‌دانید که اسرائیل تمام زنانش کار داخل شهرها را از قبیل رانندگی، فروشندگی و دیگر کارها را انجام می‌دهند و مردانشان در همه جا بر علیه اسلام و مسلمین توطئه می‌کنند. چرا ما نباید این‌طور باشیم؟ شاید در بعضی مواقع احکام اسلامی جلوگیری از کار زنان کند، ولی وقتی که موفقیت باشد، چرا که نکنیم. الحمدالله آنقدر نیروی جوان در مملکت وجود دارد که آن روز با آن حال که گفتم پیش می‌آید، منظورم دشمن است. برادران عزیز قرآن بخوانید و به قرآن عمل کنید. ما امروز می‌فهمیم که دیگر دیر شده است آری افراد مخلص که به معنای واقعی قرآن پی بردند و شب را در مناجات و روز هم در نبرد چون شیران بی‌باک بر دشمن می‌تازند، ای کاش ما هم در یادگیری معنای واقعی قرآن کوشش کرده بودیم و امروز بدون هیچ‌گونه ترس و واهمه‌ای بر دشمن یورش می‌بردیم ما از قرآن چه فهمیدیم. فقط نماز خواندن و روزه گرفتن را و ازدواج کردن را و به حج رفتن را و خمس و زکات[1] دادن را در حالی که جهاد یکی از مهم‌ترین موارد متذکر در قرآن است که امام می‌فرماید «شرط قبول نماز جهاد است و شرط قبول جهاد نماز» و این خیلی مهم است که بنده خیلی دیر به این واقعیت واقف شدم و ای کاش زودتر به جبهه آمده بودم و زودتر در کنار این عارفان عاشق، این نوشندگان شراب مستی از دست خداوند و این همیشه زندگان تاریخ. آری مسئله قرآن اگر برای ما جا افتاده بود و مسائل اسلام برای من و ما جا افتاده بود، جهاد را هم مانند دیگر مسائل در اولویت زندگی‌مان قرار می‌دادیم. اینکه ما برای رفتن به حج تلاش می‌کنیم و پنج سال در نوبت می‌نشینیم ولی در رفتن به جهاد سستی به خرج می‌دهیم، این در چیست این از ندانستن وظیفه است وقتی در اصل فکر می‌کنیم می‌بینم این هم واجب است آن هم واجب است. پس فرقش چیست؟ چرا ما باید از جهاد روی گردان باشیم؟ اگر هدف از حج زیارت باشد زیارت واقعی و با محتوا، پس در کنار آن جهاد هم باشد ولی اگر حج برای تغییر اسم و رسم است و گردش و سیاحت پس حق با آنانی است که حج و جهاد را از هم جدا می‌دانند ولی حاجیان واقعی را امروز در جبهه بیابید که با محاسن سفید در

1. در اصل وصیت «ذکوة».

پشت خاکریزها آرپی‌جی به سوی تانک عراقی پرتاب می‌کنند[1] و یا با تیربار به روی[2] دشمن آتش می‌بارند[3] برادران عزیز دوستان و رفیقان. ای آنان که افتخار دوستی با شما داشتم، این آخرین سخنان من است که با شما گفتم تا شاید خودم به آن معتقد نبودم و فهم این را نداشتم، ولی امروز در کنار دیگر برادران این مسائل برایمان واضح شده است. اگر با سخنان درشت خود که عمل به آن در من نبوده و در بعضی از شما برادران مشاهده شده است و بنده نمی‌بایست می‌گفتم. و گفتم ببخشید زیرا هر چه نباشد، شما برادران در هر زمینه که فکر می‌کنم از بنده جلوتر بوده‌اید، از نظر تقوا، پاکی، و غیره، دوستان بنده، شهادت بنده، نباید مانع عروسی و یا دیگر برنامه‌های کسی شود. رفیقان و دوستان من زودتر ازدواج کنید و سنت رسول‌الله را بجا بیاورید، مرا حلال کنید از من زیاد خطا دیده شده است و زیاد گناه کرده‌ام. به شما گاهی بی‌احترامی کردم و یا با نام بد شما را صدا زده‌ام، مرا ببخشید دوستان من آخرین سخنم با شما این است که امام را فراموش نکنید هیچ‌گونه شک و شبهه‌ای در دلتان به وجود نیاید. زیرا او نایب بر حق امام زمان(عج) است و هرچه می‌گوید به عنوان یک مقلد باید انجام داد و واجب است که انجام داده شود. اگر فکر می‌کنیم که اگر در کربلا بودیم و حسین (علیه‌السلام) را یاری می‌کردیم[4] [و] امروز به یاری حسین زمان می‌شتابیم، بدانید که آنجا هم این کار را می‌کردیم، زیرا همانطور که الآن به رهبری امام شک داریم. آن روز هم به امام حسین (علیه‌السلام) شک می‌کردیم. همین‌طور که از میان آن همه مسلمانان فقط ۷۲ نفر او را یاری کردند و مانند امروز که قشرهای معلومی امام را یاری می‌کنند و حرف آخرین شهید نوروز[5] باید در گوشمان [طنین] باشد و لااقل ما

---

1. در اصل وصیت «می‌کند».
2. در اصل وصیت «بروی».
3. در اصل وصیت «می‌بارند».
4. آرزوی همراهی با امام حسین در کربلا در زیارت‌نامه‌های آن حضرت به عبارت‌های مختلفی بیان شده‌است «یالیتنی کنت معکم فأفوز فوزاً عظیماً» یا «فزتم والله فَلَیت انی معکم فأفوزَ فوزاً عظیماً»، «فرهنگ عاشورا، جواد محدثی، ص ۵۱۱».
5. از دوستان شهید بوده است که در تاریخ ۱۳۶۵/۱۰/۴ در جبهه جنوب به فیض شهادت نائل آمده است «اعلام شهدای سمنان».

باید به عنوان دوست شهید نوروز را این عمل کنیم که امام قلب من است و پدر و مادر چشم، این خیلی مهم است ما باید به وصیت تمام شهیدان عمل کنیم. برادران عزیز، گناهان من بیش از حد و اندازه است. بیشتر برای من دعا کنید. اگر از بنده ناراحتی دارید، مرا حلال کنید. پدر و مادر عزیز هرچند فرزند خوبی برای شما نبودم و نافرمانی شما را در خیلی جاها کردم. این را به حساب بی‌عقلی بنده بگذارید و بابت این مسئله‌ها بنده را نزد خدا رسوا نسازید. هرچه باشد بخشش از شماست. پدر عزیز هر کس از بابت بنده ناراحت بود، سعی کنید به طریقی وی را از بنده راضی کنید. کسی از بنده مبلغی را نمی‌خواهد. یعنی به طور خلاصه بگویم، هیچ‌گونه بدهی به کسی ندارم. ولی اگر بنده خدایی مبلغی را آورد که لازم نیست اسمش را ببرم آنرا از وی بگیرید و یا حلالش کنید. اختیارش با خودتان است. مسئله‌ای نیست اگر برایتان مشکلی را به وجود نمی‌آورد مدت دو ماه نماز و دو ماه روزه برایم بگیرید و کتاب‌های داخل خانه را که برای من بود در اختیار کتابخانه مسجد قرار دهید، تا دیگران استفاده کنند و باید بگویم بنده لیاقت شهادت را ندارم، ولی اگر خداوند منتی بر من نهاد و مرا جزو[1] میهمانان[2] خوان خویش قرار داد و دل تف زده مرا به مرهم لقاءالله تسکین بخشید، هیچ‌گونه ناراحت نباشید و مرا در کنار مرقد شهید نوروز یا مقبره عمو آخوند، دفن کنید. اختیار پیش شماست. بنده که در زندگی چیزی ندارم ولی آنقدر هم که هست را در اختیار همسرم بگذارید و از فرزند [م] به خوبی سرپرستی نمایید و اسم کوچک مرا بر روی سنگ بنویسید.

مادرم خداوند اجر و جزای ترا بهشت برین قرار دهد و ترا از هم‌نشینان فاطمه(علیهاالسلام) قرار دهد، مرا حلال کن خدای نکرده در دلت از من ناراحتی وجود نداشته باشد که مرا آن دنیا نزد دیگر شهیدان و دیگر فرزندان اسلام مورد مؤاخذه قرار دهند. امیدوارم که خدا صبر بیشتری به شما عنایت بفرماید. مادر عزیز کاری کن که فرزندم یک فرزند مسلمان یک فرزند روشنفکر به احکام و مسائل اسلام [تربیت شود و][3] در این مکتب با شرافت، رشد

1. در اصل وصیت «جزء».
2. در اصل وصیت «میمانان».
3. در اصل وصیت «می‌سازد».

کند. مادرم گریه نکن که گریه تو ریشه خشک منافقان[1] را سیراب می‌کند و آنها را شادمان می‌سازد. خواهر و برادرانم در زندگی‌تان بیشتر از گذشته اسلام را دریابید و اگر برایتان امکان دارد به جبهه‌ها بیشتر فکر کنید و امام عزیز را تنها نگذارید. امامی که ما همه افتخار جان نثار بودن و پیش مرگ بودنش را داریم و از خداوند می‌خواهیم که ما را از سربازان واقعی امام زمان و لبیک‌گویان به فرمان امام روح‌الله قرار دهد. به تمامی دوستان و آشنایان و خانواده‌ام سفارش می‌کنم که حرف این منجی بزرگ را به گوش جان خریدار باشند، تا خداوند ما را مورد عذاب الیم خودش قرار ندهد. خانواده عزیز به شما سفارش می‌کنم [و] در اجتماع گریه نکنید. به امید پیروزی رزمندگان اسلام و طول عمر امام عزیز. خدا نگهدار[2]

تاریخ تکمیل ۱۳۶۵/۹/۳۰

1. ر.ک. تعلیقات.
2. واحد فرهنگی بنیادشهید دامغان که به تکثیر وصیت‌نامه شهید اقدام کرده است، این جمله را از امام خمینی ذیل وصیت‌نامه آورده است: «ما اگر شهید بشویم، قید و بند دنیا را از روح برداشتیم و به ملکوت اعلی و به جوار حق تعالی رسیدیم» «امام خمینی».



بسم الله الرحمن الرحیم

انفروا خفافاً و ثقالاً و جاهدوا فی سبیل الله بامواالکم و انفسکم ذالکم خیر لکم ان کنتم تعلمون. (قرآن کریم)

ترجمه: بیرون شوید مجهز و سبکبار و جهاد کنید در راه خدا با مالهایتان و جانهایتان این برای شما بهتر است اگر علم داشته باشید یا اثر از عالمان باشید.

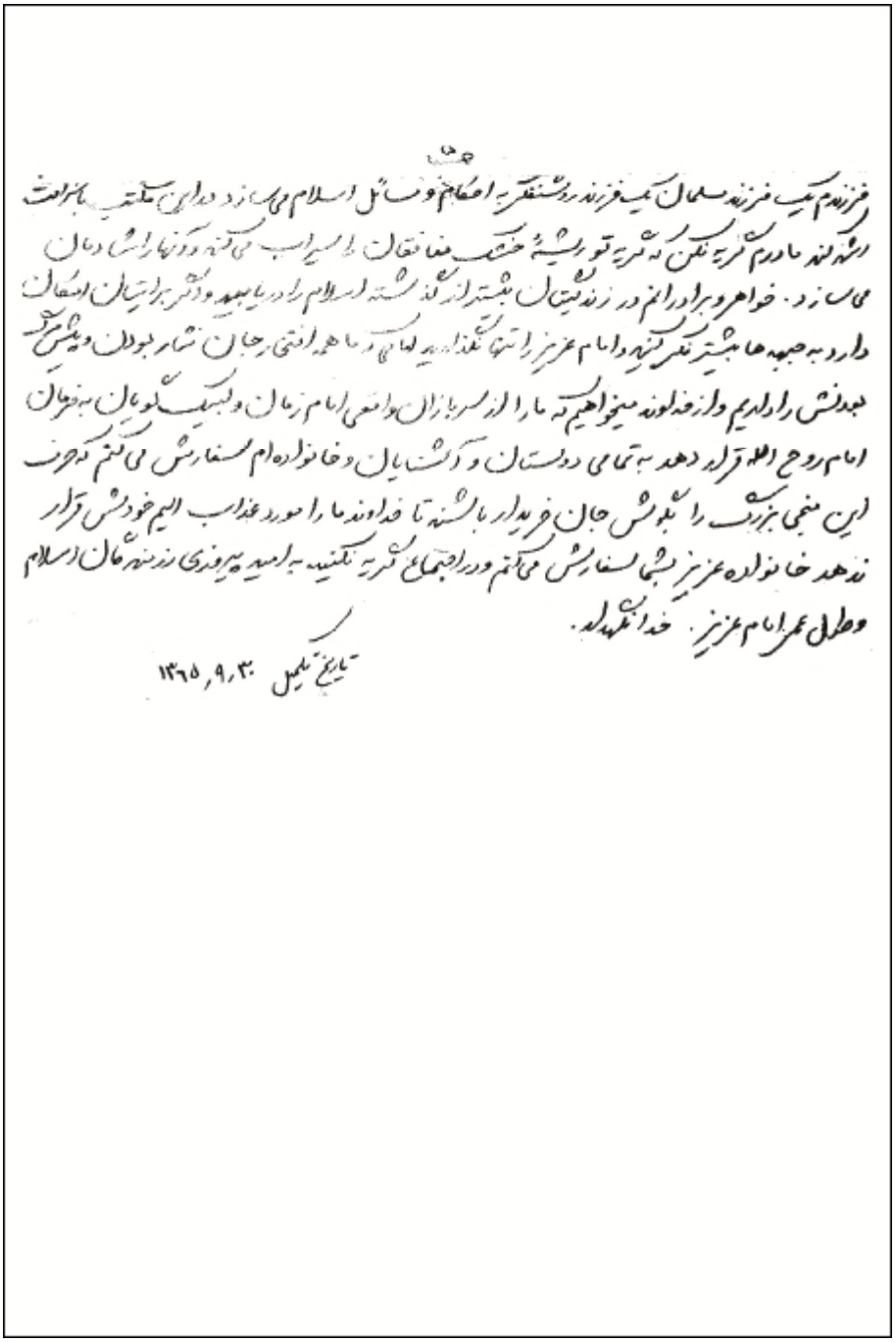
اشهد ان لا اله الا الله و اشهد ان محمد رسول الله و اشهد ان علی ولی الله. شهادت میدهم و نیست معبودی بغیر خداوند یکتا و بیهمتا و شریکی برای او نیست و شهادت میدهم که محمد (ص) است رسول و فرستاده خداوند و هدایت کننده. مردم بسوی خدا از جهل و گمراهی دعوت شده است با بازده فرزند او ولی و حجت برحق خداوند که پرچم پرافتخار اسلام را در دوران جنگهای طاغوتها با ایثار جان خود و همه چیز خود تابه امروز برافراشته نگهداشته و امروز این پرچم خونین بردوش آخرین حجت خداوند قرار دارد و به امید آن روز هستیم که با ظهور خود قلع و قمع کردن ظلم و ستم آنروزی کافرهای مستکبران و زندگانی تاریخ برافراشته سازد و با سلام بر خمینی عزیز نبی ایران زمین نایب برحق امام مهدی که جانها هم چون پروانه ای بدور شمع وجودش می گردند و از این اسوه مقاومت و صبر درس قدرت و مقاومت و صبری آموزند و در میدانهای نبرد هم چون شیری بر دشمن زبون هجوم می برند و با سلام بر زندگان عزیز اسلام این یاران باوفای امام زمان (عج) و امام خمینی و این شریعتمداران واقعی (ایا عبده نه) که راه حسین (ع) را داشتند و در آن راه قدم گذاشتند و جامه لقای خداوند را پوشیدند و با سلام بر شهیدان راه این شمعهای برافروخته محفل ها و زنده کننده تاریخ اسلام. اینجانب کیومرث ناصحی معروف به علی اصغر فرزند محمود ناصحی در این لحظات حساس زندگیم باید بگویم ای عزیزان که این وصیت نامه را مطالعه می کنید اسم من هدف اسم کوچکی من است و نبوده نه برای شهرت و نه برای فرار از نابودی زندگی و نه برای فرار از مشکلات زندگی بلکه برای کمک به اسلام و مملکت و قرآن و بسیج به لقاء الله و فرمودههای امام و موقع حساس مملکت و دیدم به جبهه آمده ام تا آخرین قطرات خونم در این راه با دشمنان و کفار نبرد خواهم کرد و اگر خداوند نیروی خدمت و صبر را به من عطا فرماید و عزم را در این پیکار مقدس



و باید با سختیها بیشتر دست و پنجه نرم کرد تا به پیروزی همه جانبه دست یافت چرا باید کافر بر کفر خودش آنقدر مسلم باشد ولی ما، آیا میدانید که اسرائیل تمام زندانش کارداران شهرهای ما از قبیل دانشگاهی، فرهنگی و دیگر کارها را انجام می دهند و برادرانشان در هر جا بر علیه اسلام و مسلمین توطئه می کنند. چرا ما نباید اینطور باشیم شاید در بعضی موارد اسلامی جلوگیری از کار زنان شود ولی وقتیکه موفقیت باشد چرا آنرا نگزینیم.

الحمدالله آنقدر نیروی جوان در مملکت وجود دارد که آن روز ما آن حال را نگذاشتم پیش می آید منظورم دشمن است برادران عزیز قرآن بخوانید و به قرآن عمل کنید ما امروز می فهمیم که دشمن ما دیروز شهره است آری اولاد مخلص که به معنای واقعی قرآن پی بردند و شب و روز مشغول بودند هم به جوان شیران می باختند بر دشمن می تاختند ای کاش ما هم در یادگیری معنای واقعی قرآن کوشش کرده بودیم و امروز بدون هیچگونه ترس و واهمه ای بر دشمن یورش می بردیم ما الله قرآن چه فهمیدیم. فقط نماز خواندن و روزه نگرفتن را و از اله کردن را و به حج رفتن را و حسن و ذکوة دادن را در حالیکه جهاد یکی از مهمترین موارد متذکر در قرآن است کدام می فرمایید شرط قبول نماز جهاد است و شرط قبول جهاد نماز و این خیلی مهم است که نبنده خیلی دیر به این واقعیت واقف شدم و الکیاتش زودتر به جبهه آمده بودم و زودتر دوستان این عارفان عاشق و این فرزندان شهاب مستی از دست خداوند و این همیشه زندگان تاریخ. آری مسئله قرآن اگر برای ما جا افتاده بود مسائل اسلام برای من و ما جا افتاده بود جهاد در اهم مانند دیگر مسائل در الویت زندگیمان قرار می دادیم. آنها ما برای رفتن به حج تلاش می کنیم و پنج سال در نوبت می نشینیم ولی در رفتن به جهاد سستی بخرج می دهیم این در حقیقت این از ندانستن و خلیفه است وقتی در اصل نظری می نهیم می بینیم این هم واجب است آنهم واجب است پس فرقش چیست چرا ما باید از جهاد رودی گردان باشیم اگر هدف از حج زیارت باشه زیارت واقعی و با محتوا پس در کنار آن جهاد هم باشه ولی اگر حج برای تغییر اسم و رسم است و گرایش و سیاحت پس حق با آنانی است که حج و جهاد را از هم جدا می دانند ولی حاجیان واقعی را امروز در جبهه ها بیابید تا با عاشقان شهید در پشت خاکریزها آبروی حج بسوی تاشکند عراق بیرتاب می کنند و یا با تیربار بر بروی دشمن آتش می بارند برادران عزیز دلستان و رفیقان. ای آنانکه واقعی رد دوستی با شما داشتم این آخرین سخنان من است که با شما گفتم تا شاید خودم به آن معتقد نبودم و فهم لیز انداشتم ولی امروز در کنار برادران این مسائل برایمان واضح شده است اگر با سخنان درشت خود ناخواسته به آن در من نبوده و در بعضی از شما برادران مشاهده شده است و نبنده نمی بایست می گفتم و گفتم ببخشید زیرا هرچه نباشه شما برادران در هر زمینه که





فرزندم یک فرزند مسلمان یک فرزند روشنفکر به احکام و مسائل اسلام می‌نازد و برای یک ملت باعزت
ریشه‌ها و درخت تنومند که شریه تو ریشهٔ خشک منافقان را سیراب می‌کنند و آنها را شاداب و خرم
می‌سازد. خواهر و برادرانم در زندگیتان بیشتر از گذشته اسلام را در یابید و دشمن اسلام
دارد به جبهه‌ها بیشتر فکر کنید و امام عزیز را تنها نگذارید که اگر ما هم افتخار جانثار بودن و پیش مرگ
بودنش را داریم و از خدا می‌خواهیم که ما را از سربازان واقعی امام زمان و لبیک گویان به فرمان
امام روح الله قرار دهد به تمامی دوستان و آشنایان و خانواده‌ام سفارش می‌کنم که حرف
این منجی بزرگ را بگوش جان خریدار باشند تا خداوند ما را مورد عذاب الیم خودش قرار
ندهد خانواده عزیز بشما سفارش می‌کنم در اجتماع شریه نکنید به امید پیروزی رزمندگان اسلام
و طول عمر امام عزیز. خدا نگهدار.

تاریخ تکمیل ۱۳۶۵/۹/۳۰



نام: **مجتبی**
نام خانوادگی: **ناطقی**
نام پدر: **ابوالحسن**
نام مادر: **پوران**
تاریخ تولد: **سوم شهریور ۱۳۴۴**
محل تولد: **شهرتهران**
تحصیلات: **سوم متوسطه**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **دهم اردیبهشت ۱۳۶۱**
محل شهادت: **خرمشهر**
نحوهٔ شهادت: **بمباران شیمیایی**
مزار: **گلزار شهدای شهرستان شاهرود**

عبارت‌های کلیدی

- اگر شهید شدم دیگر برادران و دوستانم راهم را ادامه بدهند.
- من در تمام عمرم تنها آرزویی که داشتم شهادت بود.
- تنها این سعادت را از خداوند خواستارم که آرزوی من که همان شهادت باشد را برآورد.
- پدرم هم می‌خواهم که مرا حلال کند و در تربیت هرچه [بیشتر] خواهرم بیشتر بکوشد.
- اسلام و امام امت را هیچگاه فراموش نکنند.
- اسلام همیشه بر دشمنان خارجی پیروز بوده، ولی از دشمنان داخلی که همان منافقان باشند شکست و ضرر دیده است.

مجتبی ناطقی

بسم الله الرّحمن الرّحیم

[بسم][1] رب شهدا و الصدیقین

«و لاتحسبن الذین قتلوا فی سبیل الله امواتاً بل احیاءٌ عند ربّهم یرزقون»[2]

من وصیتی جز این ندارم که اگر شهید شدم دیگر برادران و دوستانم راهم را ادامه بدهند. واژه شهادت [...][3] است. واژه‌ای که افراد بسیاری آن را هدف خود قرار داده و با عشق و علاقه به سوی آن می‌شتافتند، من در تمام عمرم تنها آرزویی که داشتم شهادت بود. البته شهادت آگاهانه و شهیدی مخلص برای خداوند و برای اسلام عزیز. من هر وقت در تشییع جنازه‌ای شرکت می‌کردم، بیشتر خود را کوچکتر و خاضع‌تر می‌دیدم و عشقم به شهادت در راه خدای باریتعالی بیشتر می‌شد. هر وقت جنازه‌های به خون خفته این شهیدان گلگون کفن را می‌دیدم بی‌اختیار اشک از گونه‌هایم سرازیر می‌شد. ولی این اشک نشانه ضعفم نبود، نشانه علاقه بی‌حدّ و مرز من به شهادت بود. اکنون هم که این وصیت‌نامه را می‌نویسم، تنها این سعادت را از خداوند خواستارم که آرزوی من که همان شهادت باشد را برآورد. ولی خوب خداوند خود آگاه‌تر است، اگر زنده ماندم که پیروزیم و اگر مردم هم لااقل ثوابی در نزد خدا خواهیم داشت و اما مادرم در صورت شهادتم می‌خواهم که در سوگ من گریه نکند و او را به صبر سوره «والعصر» قسم می‌دهم که از من راضی باشد. چرا که من آن طور که باید و شاید محبت‌های شایان او را جبران نکردم و از پدرم هم می‌خواهم که مرا حلال کند و در تربیت هرچه [بیشتر] خواهرم بیشتر بکوشد و توجه برادران[4] عزیزم را به این نکته جلب می‌کنم که خدا و اسلام و امام است را هیچگاه فراموش نکنند و از آنها و همهٔ ملت محروم می‌خواهم که به این نکته توجه کنند که اسلام

---

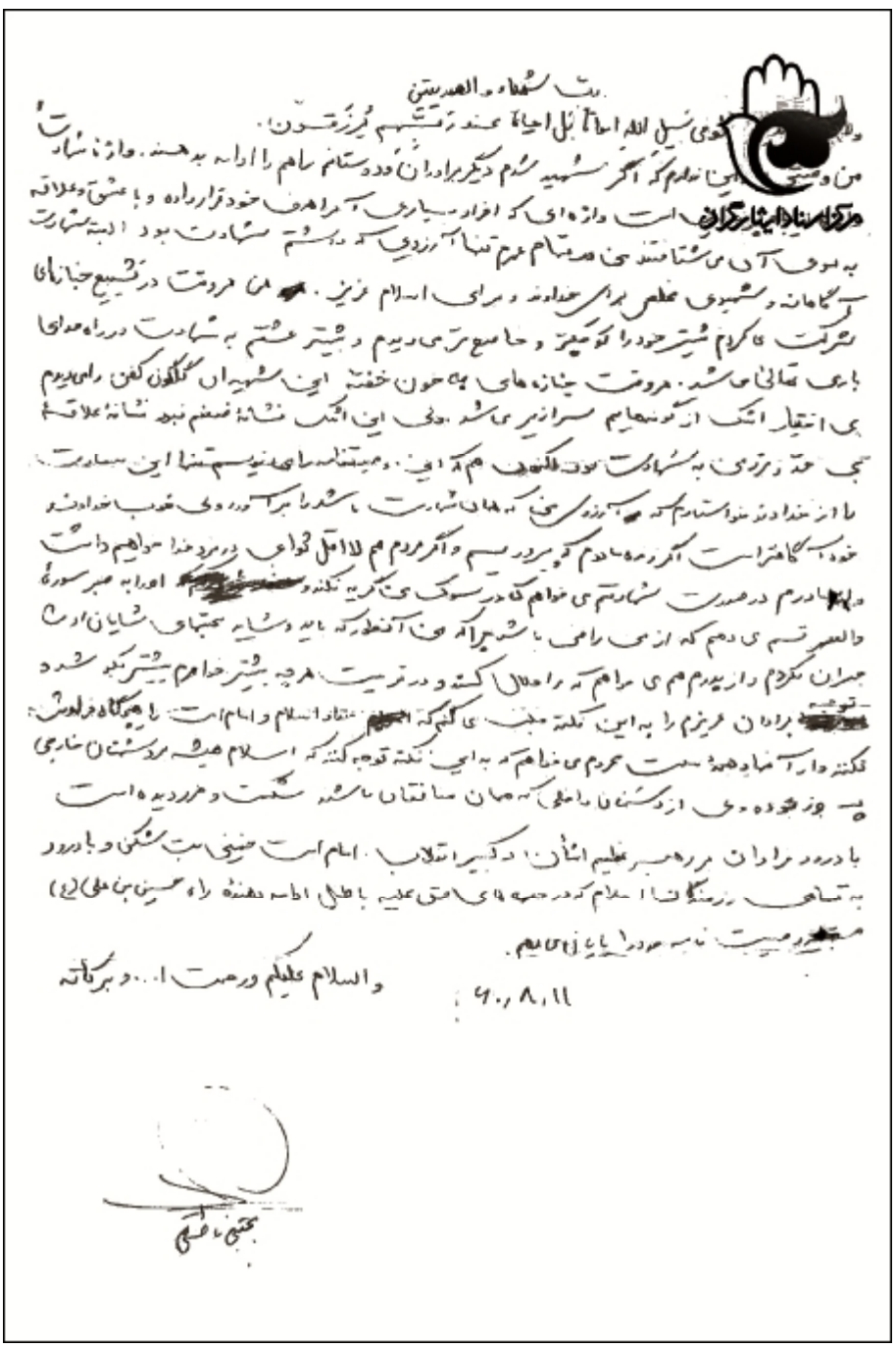
1. خوانا نیست.
2. آل عمران/ ۱۶۹.
3. خوانا نیست.
4. در اصل وصیت «برادان».

همیشه بر دشمنان خارجی پیروز بوده، ولی از دشمنان داخلی که همان منافقان[1] باشند شکست و ضرر دیده است. با درود فراوان بر رهبر عظیم‌الشأن[2] و کبیر انقلاب. امام امت خمینی بت‌شکن و با درود به تمامی رزمندگان اسلام که در جبهه‌های حق علیه باطل ادامه دهنده راه حسین بن علی(علیه‌السلام) هستند وصیت‌نامه خود را پایان می‌دهم.

والسّلام علیکم و رحمةالله و برکاته

۶۰/۸/۱۱

1. ر.ک. تعلیقات.
2. در اصل وصیت «عظیم اشأن».





نام: **مهدی**
نام خانوادگی: **ناطقی**
نام پدر:**محمدجعفر**
نام مادر: فاطمه
تاریخ تولد: **پانزدهم شهریور ۱۳۴۶**
محل تولد: **شهرستان شاهرود**
تحصیلات: **دوم متوسطه**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **بیست و دوم اسفند۱۳۶۲**
محل شهادت: **جزیره مجنون عراق**
نحوهٔ شهادت: **بمباران شیمیایی**
مزار: **گلزار شهدای فردوس رضای زادگاهش**

عبارت‌های کلیدی

- من در راهی گام می‌نهم که در آن راه سیدالشهدا و سالار شهیدان اسلام حسین ابن علی (علیه‌السلام) گام نهاد.
- چه بهتر آنکه مرگ ما شهادت در راه خدا باشد که این سعادت عظیم هم نصیب هر کسی نمی‌شود.
- ارزنده‌ترین زینت زنان حفظ حجاب آنهاست.
- حد نهایی سیر تکاملی انسان، شهادت در راه خداست.
- تا جایی که امکان دارد، در کارهایی خیر شرکت کنید.
- مبادا در این زمان به فکر مسائل مادی و دنیوی باشید.
- مبادا در این زمان از مسائل اخروی و معنوی فاصله بگیرید.
- انسان باید یاد مرگ و به یاد خدا باشد تا این وساوس شیطانی از او دور شود.
- عمر گرانبهایتان را صرف کارهای پوچ و بیهوده نکنید.
- بیشتر به عبادت و راز و نیاز با خدای خود بپردازید.

مهدی ناطقی

بسم الله الرحمن الرحیم

متن وصیت‌نامه برادر حقیرتان مهدی ناطقی تاریخ: ۶۲/۱۲/۳

«إنّ الله اشتری من المومنین أنفسهم و أموالهم بانَّ لهم الجنة یقاتلون فی سبیل الله فیقتلون و یقتلون وعداً علیه حقاً وفی التورية والانجیل[1] و القرآن و من اوفی بعهده من الله فاستبشروا بِبَیعِکُم الذی بایعتم به و ذالک هو الفوز العظیم».[2]

«خداوند از مؤمنان جان‌ها و اموالشان را خریداری می‌کند که در برابرش بهشت برای آنان باشد آنها را در راه خدا پیکار می‌کنند، می‌کشند و کشته می‌شوند. این وعده حقی است بر او که در تورات و انجیل و قرآن ذکر فرموده و چه کسی از خدا بعهد خود وفادار است! اکنون بشارت بر شما به داد و ستدی که با خدا کرده‌اید و این پیروزی بزرگی برای شما است».

با درود و سلام بر یگانه منجی عالم بشریت حضرت صاحب‌الزمان(عج) و با سلام و درود[3] به رهبر کبیر انقلاب یگانه اسطوره[4] مقاومت و با درودهای[5] بیکران بر رزمندگان اسلام که با رزمشان حماسه می‌آفرینند و چنان مشتی به پیکر صدامیان وارد کرده و می‌آورند که دیگر نای نفس کشیدن برایشان باقی نخواهند گذاشت.

و اما بعد من به حکم خدا وظیفهٔ شرعی که بر دوش خود احساس می‌کنم، قلم بر روی کاغذ می‌آورم. ای برادر و خواهر عزیزم و ای پدر و مادر گرامی‌ام[6] ابتدای سخنان خود را با وصیتی از مولای متقیان علی (علیه‌السلام) آغاز می‌کنم که می‌فرمایند «اوصیکم به تقوی الله[7] و

---

1. در اصل وصیت «والنجیل».
2. توبه/ ۱۱۱.
3. در اصل وصیت «دورد».
4. در اصل وصیت «استوره».
5. در اصل وصیت «دوردهای».
6. در اصل وصیت «گرامیم».
7. در اصل وصیت «بتقوالله».

نظم امرکم»[1]: یعنی سفارش می‌کنم شما را به تقوی و پرهیزکاری و نظم و ترتیب در امور زندگیتان». ولی ای برادران و خواهران گرامی برای رسیدن به هر هدف و مقصودی باید کوشش و رنج و رحمت متحمل شد تا به آن هدف و محبوب خود برسی. بله ای برادران باید برای رسیدن به تقوایی کامل و گام نهادن در مسیر حق‌تعالی و خوشنودی خدا باید بیدار خوبیها کشید باید سختی‌های زیادی متحمل شد تا بتوان به هدف[2] متعالی که رسیدن به الله است نایل گردید؛ و اما شما ای پدر و مادر عزیز و گرامی‌ام[3]: باید بدانید و مطمئن باشید که من در راهی گام می‌نهم که در آن راه سیدالشهدا و سالار شهیدان اسلام حسین ابن علی (علیه‌السلام) گام نهاد و در راهی قدم می‌گذارم که عمّارها[4] و یاسرها[5] و شهدای کربلا در آن راه قدم گذارده‌اند و ای مادر و پدرم. شما به خاطر من رنج‌ها و مشقت‌های زیادی کشیده‌اید و من هم نتوانستم زحمات شما را جبران نمایم. در حقّ شما خیلی کوتاهی کرده‌ام ولی امیدوارم که شما من را ببخشید و من را حلال کنید؛ و من از تمام برادران گرامی‌ام[6] که حقّی به گردن[7] من دارند و من نتوانسته‌ام در حقّ آنها انجام وظیفه کنم از صمیم قلب از آنان حلالیت می‌طلبم و عاجزانه می‌خواهم که مرا حلال کنید و بخصوص از همسایگان عزیز طلب مغفرت و آمرزش می‌کنم.

و من کوچکتر از آن خود را می‌بینم که بخواهم کسی را نصیحت کنم. امّا به عنوان تذکر و یادآوری مطالبی را خدمت برادران عرض می‌کنم. ای پدر و مادر گرامی‌ام[8] بدانید که انسان تنها در مقابل مرگ تسلیم است و راه گریزی هم ندارد و هیچ قدرتی نمی‌تواند او را در این معرکه نجات بخشد پس چه بهتر آنکه مرگ ما شهادت در راه خدا باشد که این

1. نامه ۴۷، ص۹۷۷، فیض‌الاسلام، وصیت امام علی(علیه‌السلام) به امام حسن(علیه‌السلام).
2. در اصل وصیت «بهدف».
3. در اصل وصیت «گرامیم».
4. ر. ک. تعلیقات.
5. ر. ک. تعلیقات.
6. در اصل وصیت «گرامیم».
7. در اصل وصیت «بگردن».
8. در اصل وصیت «گرامیم».

سعادت عظیم هم نصیب[1] هر کسی نمی‌شود و فقط نصیب[2] بندگان خالص خدا می‌شود. زیرا تنها حد نهایی سیر تکاملی انسان به وسیله شهادت در راه خداست که صورت می‌پذیرد و امیدوارم که شهادت این پاسدار حقیر قرآن و اسلام باعث شود که شما عزیزان هر چه پرخروش و با مقاومت بیشتری کشتی طوفان‌زده انقلاب را به رهبری[3] امام خمینی یاری کرده و این کشتی را صحیح و سالم به ساحل نجات هدایت کنید و به صاحب اصلی‌اش برگردانید.

و تو ای مادر عزیزم که چهره رئوف و مهربانت در نظرم مجسم [...][4] می‌خواهم که در مرگم حتی یک قطره اشک هم نریزید و بجای آن برای آمرزش گناهانم و رو سپیدی‌ام[5] در مقابل خدای تعالی دعا کنید و تا جایی که امکان دارد در کارهای خیر شرکت کنید که مطمئن هستم که تا جایی که برایت مقدور باشد شرکت می‌کنید و تو ای مادرم اگر جسد من به دست شما نرسید، هیچگونه ناراحت نباشید، زیرا اگر[6] فرزندتان را در راه خدا قربانی کرده‌اید، دیگر نباید منتظر جنازه‌اش باشید.

و برادران عزیزم از شما عاجزانه می‌خواهم که برای قبولی شهادتم در نزد خداوند تبارک و تعالی دعا کنید و ای برادران گرامی انسان زنده است و آفریده شده که به لقاء الله برسد و چه راهی بهتر از اینکه به وسیله شهادت به لقاء خدا نایل گردد؛ و ای امت حزب‌الله باید قدر و منزلت خود را درک کنید و آگاه باشید که در چه موقعیتی قرار گرفته‌اید، خدایی نخواسته مبادا در این زمان به فکر مسائل مادی و دنیوی باشید و از مسائل اخروی و معنوی فاصله بگیرید، که در این صورت شیطان را معبود خود را قرار داده‌اید و مطیع فرمان او خواهید شد. که برای رفع این نقیصهٔ بزرگ انسان همیشه به یاد[7] مرگ و به

---

1. در اصل وصیت «نسیب».
2. در اصل وصیت «نسیب».
3. در اصل وصیت «برهیری».
4. خوانا نیست.
5. در اصل وصیت «روسپیدیم».
6. در اصل وصیت «گر».
7. در اصل وصیت «بیاد».

یاد خدا باشد تا این وساوس شیطانی از او دور شود تا بتواند به درجه[1] جانشینی خدا در زمین برسد.

و ای برادران عزیز: حتی‌الامکان[2] در نمازهای جمعه و جماعات شرکت کنید و موضوع دیگر اینکه قدر فرصت‌ها و وقت‌هایی که به سرعت باد می‌گذرد را بدانید و عمر گرانبهایتان را صرف کارهای پوچ و بیهوده نکنید و بیشتر به عبادت و راز و نیاز با خدای خود بپردازید. که علی (علیه‌السلام) در این را مطلبی می‌فرماید که«ضاعة الفرصَة غصّةٌ»[3]: یعنی اگر فرصت‌ها را از دست بدهی غصه و اندوه به دنبال آن خواهد آمد و پیوسته به جهاد اکبر یعنی مبارزه با نفس بپردازید که قرآن در این رابطه می‌فرماید: «إنّ النفس لامّارة[4] بالسوءِ الا ما رحم ربّی[5]»: یعنی نفس امّاره پیوسته انسان را به سوی بدی و کارهای زشت هدایت می‌کند مگر اینکه خداوند متعال رحم و ترحمی بنماید؛ و پیوسته تقوای خدا پیشه کنید و سعی کنید در هر کاری خدا را در نظر داشته باشید؛

و تو ای برادر و خواهر عزیزم با جدیت تمام درس بخوانید و تو ای خواهرم تو هم می‌توانی با حفظ حجابت به انقلاب خدمت کرده و همان طوری که می‌دانید ارزنده‌ترین زینت زنان حفظ حجاب آنهاست؛ و سخنی هم برای برادران عضو گروه مقاومت ابوذر[6] هم‌کلاسی‌هایم دارم، اینست که اگر تا به حال به جبهه نرفته‌اید برای یک بار هم که شده سری به[7] دانشگاه الهی بزنید و در این دانشگاه نام‌نویسی کنید تا هم در پیش خدا سرافراز باشید و هم دین خود را به شهدا ادا کرده باشید و در ضمن درس خواندن به مسائل اعتقادی و معنوی بپردازید و فرصتی را در طول روز برای این دانشگاه امر مهم اختصاص دهید زیرا علم بودن ایمان هیچ فایده‌ای نخواهد داشت؛

---

1. در اصل وصیت «بدرجه».
2. در اصل وصیت «حدالمکان».
3. غرورالحکم، امام علی (علیه‌اسلام) ذیل حرف (غ).
4. در اصل وصیت «الامارة»
5. یوسف/ ۵۳.
6. ر.ک. تعلیقات.
7. در اصل وصیت «از».

و در خاتمه از همهٔ اقوام و دوستان و همسایگان برایم حلالیت بطلبید و اگر خطا و اشتباهی از روی ناآگاهی از من بندهٔ حقیر خدا سر زده است به دید اغماض بنگرید و به بزرگواری خویش مرا ببخشید و حلالم کنید؛ و از خانوادهٔ گرامی‌ام[1] می‌خواهم که برایم یک هفته روزه و نماز بخوانند؛ و مبلغ ۵۰۰ تومان در راه خدا صدقه دهید.

به امید پیروزی رزمندگان اسلام و فتح کربلای عزیز به‌دست[2] سلحشوران اسلام و به امید زیارت کربلا.

خدایا خدایا تا انقلاب مهدی خمینی را نگهدار

والسّلام علیکم و رحمهٔ الله و برکاته.

برادر حقیرتان مهدی ناطقی: تاریخ ۶۲/۱۲/۲

1. در اصل وصیت «گرامیم».
2. در اصل وصیت «بدست».



بسم الله الرحمن الرحیم

متن وصیت نامهٔ برادر حقیرتان مهدی ناطقی تاریخ: ۳/۱۲/۶۴

مرکز اسناد ایثارگران

اِنَّ اللّٰهَ اشْتَرىٰ مِنَ الْمُؤْمِنينَ اَنْفُسَهُمْ وَاَمْوالَهُمْ بِاَنَّ لَهُمُ الْجَنَّةَ يُقاتِلُونَ فى سَبيلِ اللّٰهِ فَيَقْتُلُونَ وَيُقْتَلُونَ وَعْداً عَلَيْهِ حَقّاً فِى التَّوْراةِ وَالْاِنْجيلِ وَالْقُرْآنِ وَمَنْ اَوْفىٰ بِعَهْدِهِ مِنَ اللّٰهِ فَاسْتَبْشِرُوا بِبَيْعِكُمُ الَّذى بايَعْتُمْ بِهِ وَذٰلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظيمُ، سورهٔ توبه: ۱۱۱

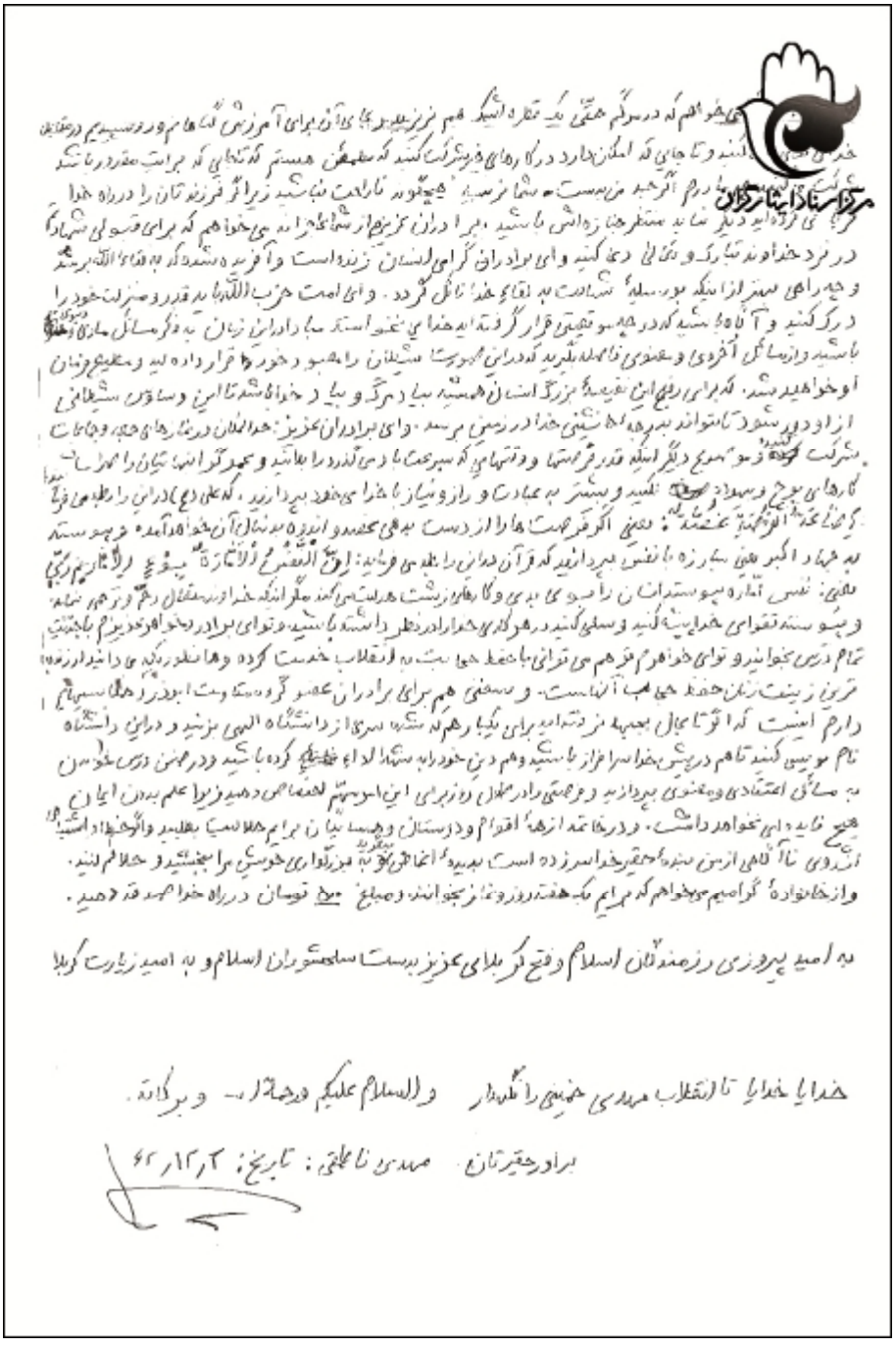
خداوند از مؤمنان جانها و اموالشان را خریداری می‌کند که در برابر برش بهشت برای آنان باشد آنها در راه خدا پیکار می‌کنند و می‌کشند و کشته می‌شوند. این وعده حقی است بر او که در تورات و انجیل و قرآن ذکر فرموده و چه کسی وفادارتر از خدا به عهدش است؟ اکنون شادباد بر شما به داد و ستدی که با خدا کرده‌اید و این پیروزی بزرگی برای شماست

با درود و سلام بر پیشوا و منجی عالم بشریت حضرت صاحب الزمان و سلام و درود بر امت همراه و همیشه در صحنه، بیگانه‌ستیز و مقاومت و با درود های بی‌کران بر رزمندگان اسلام که نام و یاد رزمشان جاودانه خواهد ماند و چنان رزمشنی به پیکر مهاجمان وارد کرده و می‌کند که دیگر یارای نفس کشیدن برای متجاوزان باقی نخواهد گذاشت.

و اما بعد من به حکم خدا و وظیفه‌ای شرعی که بر دوش خود احساس می‌کنم قلم برمی‌دارم تا وصیتی کرده باشم برای برادر و خواهر عزیزم و این پدر و مادر گرامیم. ابتدا به سخنان خود را با وصیتی از مولا و مقتدایمان علی (ع) آغاز می‌کنم که می‌فرماید:

اُوصیکُم بِتَقوَی اللّٰهِ وَنَظمِ اَمرِکُم: یعنی سفارش می‌کنم شما را به تقوی و پرهیزکاری و نظم و ترتیب در امور زندگیتان و ای امت برادران و خواهران گرامی برای رسیدن به هر هدف و مقصدی باید کوشش و رنج و زحمت متحمل شد تا به آن هدف و محبوب خود برسی. بله ای برادران باید برای رسیدن به تکلیف کامل به وظایفتان در مسیر حق تعالی عمل شود خدا را در بیداد خود بیابید باید سختیهای زیادی متحمل شد تا توان رسیدن به هدف متعالی که رسیدن به الله است بوسیله نائل گردید و اما شما ای پدر و مادر عزیز و گرامیم: باید بدانید و مطمئن باشید که من در راهی گام می‌نهم که در آن راه سید الشهداء و سالار شهیدان اسلام حسین ابن علی (ع) گام نهاد و در راهی قدم می‌گذارم که صدها و هزارها و شاید ایرانی کربلا در آن راه قدم گذارده‌اند و ای مادر و پدرم. شما خاطرات زیبا و خشنودیهای زیادی را بوسیله من داشته‌اید و من هم توانستم رضایت شما را فراهم نمایم. و حق شما خیلی گرانها می‌کردم اگر دلی امیدوارم که شما نیز با بخشیدن من را حلال کنید. و من از تمام برادران گرامیم که حقوقی بگردن من دارند و من نتوانستم و یا حق آنها را انجام و ادا کنم از همگی حلالیت می‌طلبم و برای همه آنها از خداوند متعال آمرزش و مغفرت می‌طلبم که مرا حلال کنند و بخشیدن از همگی شما.

و من کوچکتر از آن خود را می‌بینم که بخواهم کسی را نصیحت کنم اما بعنوان تذکر و یادآوری مطالبی را خدمت برادران گرامی می‌کنم. ای پدر و مادر گرامیم بدانید که انسان تنها و بطور قطع مرگ تسلیم است و راه گریزی هم ندارد و هیچ قدرتی هم نمی‌تواند او را از این مرگ نجات بخشد پس چه بهتر آنکه مرگ ما در راه خدا باشد و شهید این سفر عظیم هم نسیب و روزی شود و فقط نسیب بندگان خالص خدا می‌شود زیرا تنها جهاد راه این سیر تکاملی انسان بوسیله شهادت در راه خداست که محبوبانه می‌پذیرد و امیدوارم که شهادت این یاسداران جهاد قرآن و اسلام باعث شود که شما عزیزان هم چون پرچم شتر و با تقوا و بصیر و بشیری گمشده محلوفا نزده از انقلاب را برهبری امام خمینی یاری کرده و از گفتار و راه و خط و مسلم به ساحل نجات هدایت کنید و به مذهب اهلبیت پرداخته و ادامه دهید و امیدوارم که چهرهٔ پرفروغ و مهربانت در نظرم مجسم





نام: **علی‌اصغر**
نام خانوادگی: **ناهیدی**
نام پدر: **محمد**
نام مادر: **نبات**
تاریخ تولد: **بیستم مرداد۱۳۳۶**
محل تولد: **روستای چهارده ورزن از توابع شهرستان دامغان**
تحصیلات: **چهارم متوسطه**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **دوم خرداد ۱۳۶۱**
محل شهادت: **خرمشهر**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش**
مزار: **گلزار شهدای فردوس رضای زادگاهش**

عبارت‌های کلیدی

- من کام خویش را از خدای خودم خواهم گرفت و از شما می‌خواهم برای من گریه و ناراحتی نکنید.
- خوشحال باشید که من سرم را در راه دین و احیای مکتب مقدس اسلام فدا خواهم کرد.
- لبیک ای امام. ای یاور مظلومان و مستضعفان جهان لبیک.
- تا آخرین لحظه و آخرین قطره خونم از اسلام عزیز دفاع خواهم کرد.
- ای کاش چندین جان می‌داشتم و در راه دینم فدا می‌کردم، افسوس که یک جان بیشتر ندارم.

علی‌اصغر ناهیدی

بسم الله الرّحمن الرّحیم

وصیت‌نامه شهید علی‌اصغر ناهیدی

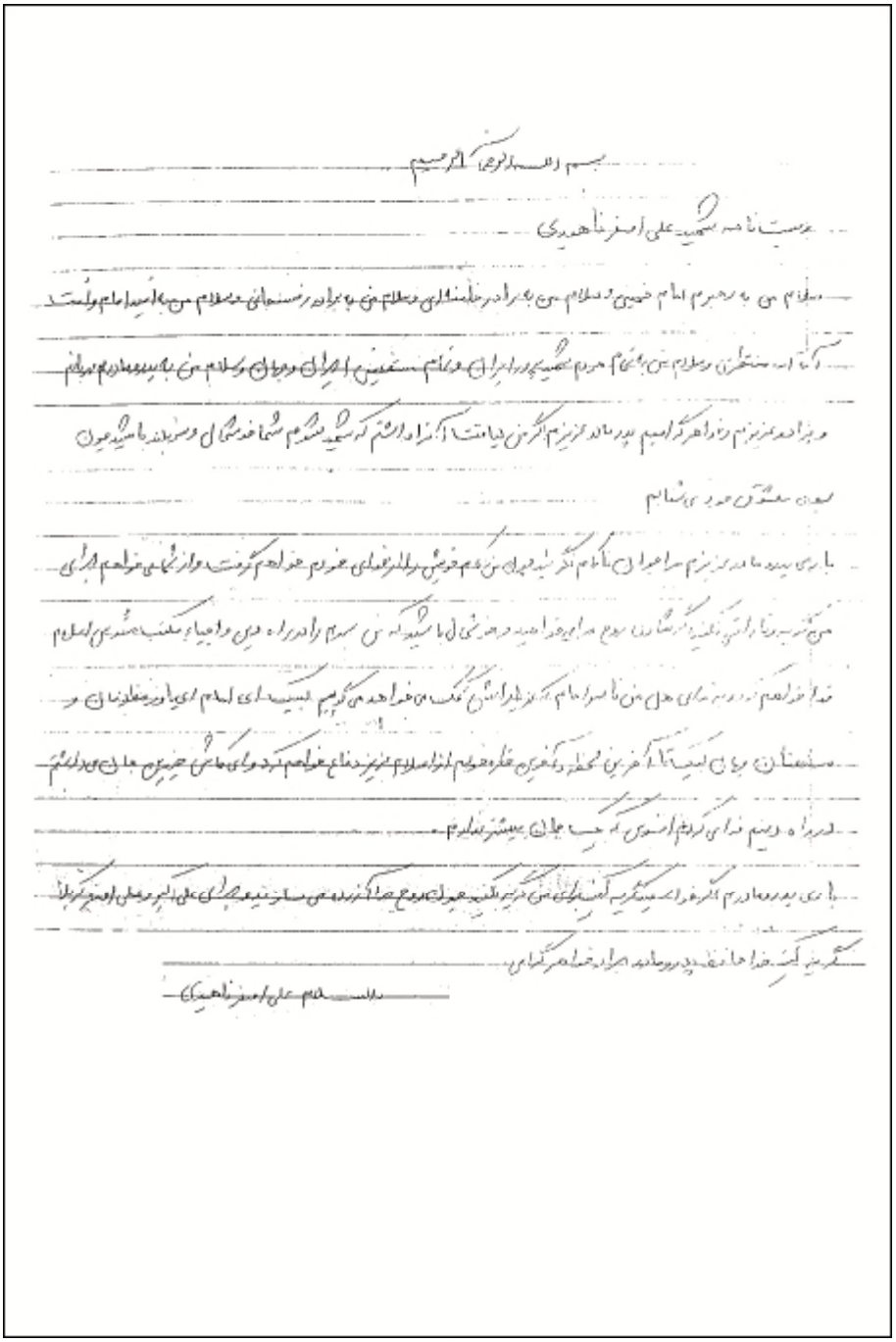
سلام من به رهبرم امام خمینی و سلام من به برادر خامنه‌ای[1] و سلام من به برادر رفسنجانی[2] و سلام من به امید امام و امت آیت‌اله منتظری[3] و سلام من به تمام مردم شهیدپرور ایران و تمام مستضعفین ایران و جهان و سلام من به پدر و مادر مهربانم و برادر عزیزم و خواهر گرامی‌ام[4] پدر و مادر عزیزم اگر من لیاقت آن را داشتم که شهید شوم، شما خوشحال و سربلند باشید، چون به سوی معشوق خود می‌شتابم.

باری پدر و مادر عزیزم مرا جوان ناکام نگویید. چون من کام خویش را از خدای خودم خواهم گرفت و از شما می‌خواهم برای من گریه و ناراحتی نکنید، اگر شادی روح مرا می‌خواهید. و خوشحال باشید که من سرم را در راه دین و احیای مکتب مقدس اسلام فدا خواهم کرد و به ندای «هل من ناصر»[5] امام که از یارانش کمک می‌خواهد، می‌گویم لبیک ای امام. ای یاور مظلومان و مستضعفان جهان لبیک. تا آخرین لحظه و آخرین قطره خونم از اسلام عزیز دفاع خواهم کرد، و ای کاش چندین جان می‌داشتم و در راه دینم فدا می‌کردم، افسوس که یک جان بیشتر ندارم.

باری پدر و مادرم اگر خواستید گریه کنید برای من گریه نکنید چون روح مرا آزرده می‌سازید و برای علی‌اکبر[6] و علی‌اصغر[7] کربلا گریه کنید. خدا حافظ پدر و مادر و برادر[8] و خواهر گرامی. **والسّلام علی‌اصغر ناهیدی**

---

1. ر.ک. تعلیقات.
2. ر.ک. تعلیقات.
3. ر.ک. تعلیقات.
4. در اصل وصیت «گرامیم».
5. امام حسین(علیه‌السلام).
6. ر.ک. تعلیقات.
7. ر.ک. تعلیقات.
8. در اصل وصیت «براد».





نام: **سیدجمال**
نام خانوادگی: **نبوی چاشمی**
نام پدر: **سیدمحمدمهدی**
نام مادر: **سیده بانو**
تاریخ تولد: **هشتم شهریور ۱۳۴۶**
محل تولد: **روستای چاشم از توابع شهرستان مهدیشهر**
تحصیلات: **اول متوسطه**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **بیست‌ودوم دی ۱۳۶۵**
محل شهادت: **شلمچه**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش**
مزار: **گلزار شهدای فردوس رضای زادگاهش**

عبارت‌های کلیدی

- می‌روم تا با خون سرخ خویشتن گواهی دهم که اسلام راستین این است که دامن‌های پاکش چنین دلاورانی را پرورانده است.
- اینان می‌خواهند اسلام را که فریادهایش در حال انفجار می‌باشد، در سینه‌ها خفه کنند.
- ما برای این که این حق را باقی بداریم به میدان پیکار آمده‌ایم.
- شهادت میراثی است که از حسین(علیه‌السلام) سرور شهیدان، به ما ارث رسیده است.
- حسین(علیه‌السلام) بود آموزنده پیکارگران با شمشیر در خط سرخ محمد و آل او.
- در مکتب ما شهادت مرگی نیست که دشمن ما بر مجاهد تحمیل کند.
- شهادت مرگ دلخواهی است که مجاهد، با همه آگاهی و همه منطق و شعور بیداری و بینایی خویش، خود انتخاب می‌کند.
- و ما در راه دفاع از حق از هیچ عملی نباید دریغ ورزیم حتی در این راه جان فدا کنیم.
- منافقان کوردلی را که در هرجا بتوانند به اسلام و امام ضربه می‌زنند، از صحنه‌ها خارج کنید.

سیدجمال نبوی چاشمی

بسم الله الرّحمن الرّحیم

بسم رب الشهداء والصّدیقین

«یا ایها الذین آمنوا[1] هل ادلّکم علی تجارة تُنجیکم من عذاب الیم تومنون بالله و رسوله و تجاهدون فی سبیل الله باموالکم و انفسکم ذالکم خیر لکم ان کُنتم تعلمون».[2]

«ای اهل ایمان آیا شما را به تجارتی سودمند که شما را از عذاب آخرت نجات می‌بخشد دلالت کنم. آن تجارت این است که به خدا و رسول او ایمان آورید و به مال و جان در راه خدا جهاد کنید که این کار اگر دانا باشید از هر تجارت برای شما سودمندتر است».

با سلام و درون فراوان بر یگانه منجی عالم بشریت امام عصر و نایب به حقش[3] پیر جماران، بت‌شکن زمان و یاری دهنده مظلومین، مستضعفین جهان، و با درود و سلام بی‌کران نثار ارواح [فاتح] شهدای در راه حق از آدم[علیه‌السلام] تا خاتم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) تا قائم (عج) و همچنین سلام بی‌پایان بر تشنه‌لبان به خاک سرخ آرمیده، صحرای پربلای کربلا. حمد و سپاس بی‌پایان خالقی را که توفیق یافتم تا در این ره پر نشیب و فراز از غافله عقب نمانم و در میان رهگذران با امواج متلاطم[4] و خروشان موانع را از راه برداشته و به وظیفه خود عمل کنم و به مسیری قدم نهم که رضای رضوان در آن باشد. چون خداوند «با اهدای جان و مال، بندگان مطیعش را به بهشت نوید می‌دهد»[5] و این هم با شهادت میسّر می‌شود؛ و ما هم می‌رویم تا در این راه به لقای حق که ابدی می‌باشد بپیوندیم[6]. می‌روم تا با خون سرخ خویشتن گواهی دهم که اسلام راستین این است که دامن‌های پاکش چنین دلاورانی را پرورانده است و آمده‌ام تا بگویم که اسلام نمرده است اینان می‌خواهند اسلام را که

---

1. در اصل وصیت «آمنوا».
2. صف/ ۱۰ـ۱۱. در اصل وصیت «صف آیه (۹ـ۱۱)».
3. در اصل وصیت «بحقش».
4. در اصل وصیت «متلاتم».
5. ترجمه‌ای آزاد از آیه ۱۱۱ سوره توبه است.
6. در اصل وصیت «بپیوندم».

فریادهایش در حال انفجار می‌باشد را در سینه‌ها خفته کنند و برای همین هم هست که ما برای این که این حق را باقی بداریم به میدان پیکار آمده‌ایم؛ و برای اثبات این حق به شجاعت و دلاوری نیاز دارد و لازمه پایداری این مکتب خون می‌باشد و جان و در نهایت شهادت است برپادارنده مکتب سرخ حسینی و به همراهش مکتب پیر خمینی. شهادت میراثی است که از حسین(علیه‌السلام) سرور شهیدان، به ما ارث رسیده است و ما وارث خون، خون او یعنی شهادت می‌باشیم؛ و این حسین(علیه‌السلام) بود آموزنده پیکارگران با شمشیر در خط سرخ محمد و آل او.

چون شهادت در فرهنگ ما و مذهب ما یک حادثه خونین و ناگوار نیست در مذاهب و تاریخهای اقوام شهادت عبارتست از قربانی شدن قهرمانانی که در جنگ‌ها به دست دشمن کشته می‌شوند. اما در مکتب ما شهادت مرگی نیست که دشمن ما بر مجاهد تحمیل کند. شهادت مرگ دلخواهی است که مجاهد، با همه آگاهی و همه منطق و شعور بیداری و بینایی خویش، خود انتخاب می‌کند. «چون شهید قلب تاریخ است.»[1] همچنان که قلب به رگ‌های خشک اندام خون، حیات و زندگی می‌دهد. جامعه‌ای که[2] رو به مردن می‌رود، جامعه‌ای که[3] فرزندانش ایمان خویش را به خویش ازدست داده‌اند و جامعه‌ای که[4] به مرگ تدریجی گرفتار است، جامعه‌ای که[5] تسلیم را تمکین کرده، جامعه‌ای که[6] اعتقاد انسان بودن را در خود یافته است و تاریخی که از حیات، جنبش و زایش بازمانده است شهید همچون قلبی به اندام‌های خشک مرده بی‌رمق جامعه، خون خویش را می‌رساند[7] و بزرگ‌ترین معجزه شهادتش این است که به یک نسل ایمان جدید به خویشتن را می‌بخشد. آری شهید حاضر، همیشه جاوید.

---

1. منسوب است به دکتر علی شریعتی.
2. در اصل وصیت «جامعه‌ایکه».
3. در اصل وصیت «جامعه‌ایکه».
4. در اصل وصیت «جامعه‌ایکه».
5. در اصل وصیت «جامعه‌ایکه».
6. در اصل وصیت «جامعه‌ایکه».
7. تعابیر شهید مشابه این عبارت مشهور استاد مطهری است «شهادت تزریق خون است به پیکر اجتماع»، حماسه حسینی، ج۱، انتشارات صدرا.

و ما در راه دفاع از حق از هیچ عملی نباید دریغ ورزیم حتی در این راه جان فدا کنیم و در این راه هم «چه کشته شویم و چه پیروز شویم در نهایت پیروزیم»[1] و حالا که با کشته شدن من حق و خون‌های بربادرفته، حق به اثبات می‌رسد؛ و دشمن کودن، خار و زبون می‌شود، پس ای شمشیرها بر من فرود آیید و ای خنجرها جگرگاه مرا بشکافید؛ و ای آتشبارها مرا به آتش بکشید، و در نهایت تقاضا دارم که در تشییع جنازه‌ام پارچه‌ها و پرچم‌های سبز و سرخ که همانا نوید دهنده فتح و ظفر می‌باشد را برافرازید. و آن منافقان[2] کوردلی را که در هرجا بتوانند به اسلام و امام ضربه می‌زنند [را] از صحنه‌ها خارج کنید؛ و فریادهای نفرتشان را در حلقومشان خفه کنید.

پدر و مادر عزیزم از شما به خاطر زحماتی که برای من متحمّل شدید بی‌نهایت سپاسگزارم و از شما می‌خواهم که در هجرم سوگواری نکنید و در نهایت از شما حلالیت می‌طلبم و همچنین از برادران حلالیت می‌طلبم و از آنان می‌خواهم که در همه حال حامی حق باشند. در پایان از کلیه دوستان عزیز و بستگان و آشنایان و همه آنهایی که بر گردن من حق دارند حلالیت می‌خواهم. والسّلام

«به امید پیروزی حق بر باطل» عبدعاصی:

سیدجمال نبوی

خدایا خدایا تا نقلاب مهدی خمینی را نگهدار.

---

1. صحیفه امام، ج۴، ص۴۹۲.
2. ر.ک. تعلیقات.



بسم رب الشهداء والصدیقین

یا ایها الذین آمنوا هل ادلکم علی تجارة تنجیکم من عذاب الیم تؤمنون بالله

ورسوله و تجاهدون فی سبیل الله باموالکم وانفسکم ذلکم خیر لکم ان کنتم تعلمون

ای اهل ایران که پاسخ را تجارتی بودند که شما را از عذاب آخرت نجات می بخشد دلالت کنم.

آن تجارتی است که بخدا و رسول او ایمان آورید و بمال و جان در راه خدا جهاد کنید

کذالکم خیر لکم اگر بدانید از هر تجارت برای شما سودمند تر است. سورهٔ صف - آیه ۹ - ۱۰

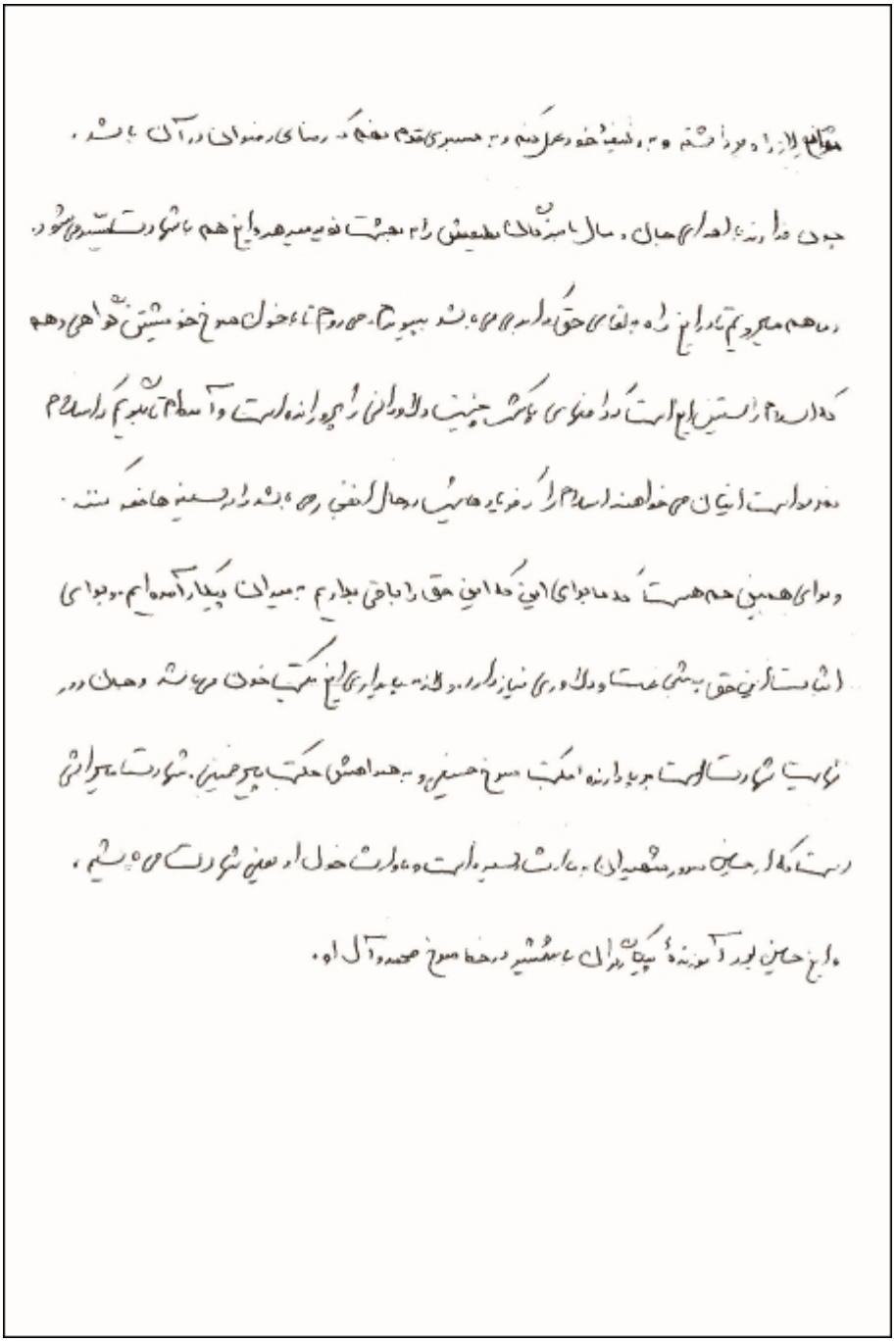
ما مسلمین و در رأس آن جریان شیعی عالم بشریت را تا عصر ظهور نائب بحق صاحب زمان

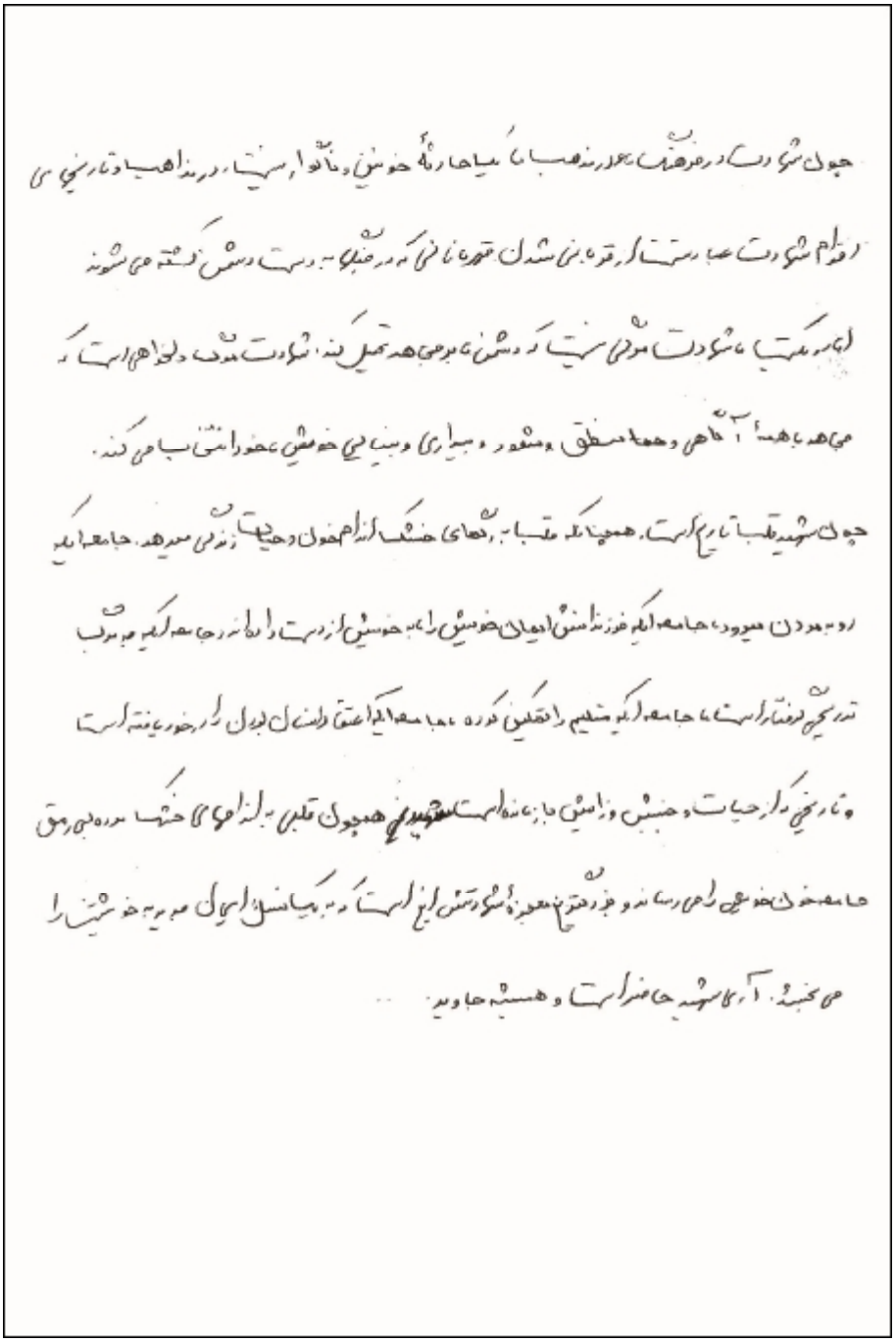
و یاری دهندهٔ مظلومین و مستضعفین جهان، درود و سلام می گوئیم ارواح طیبهٔ شهدای در راه

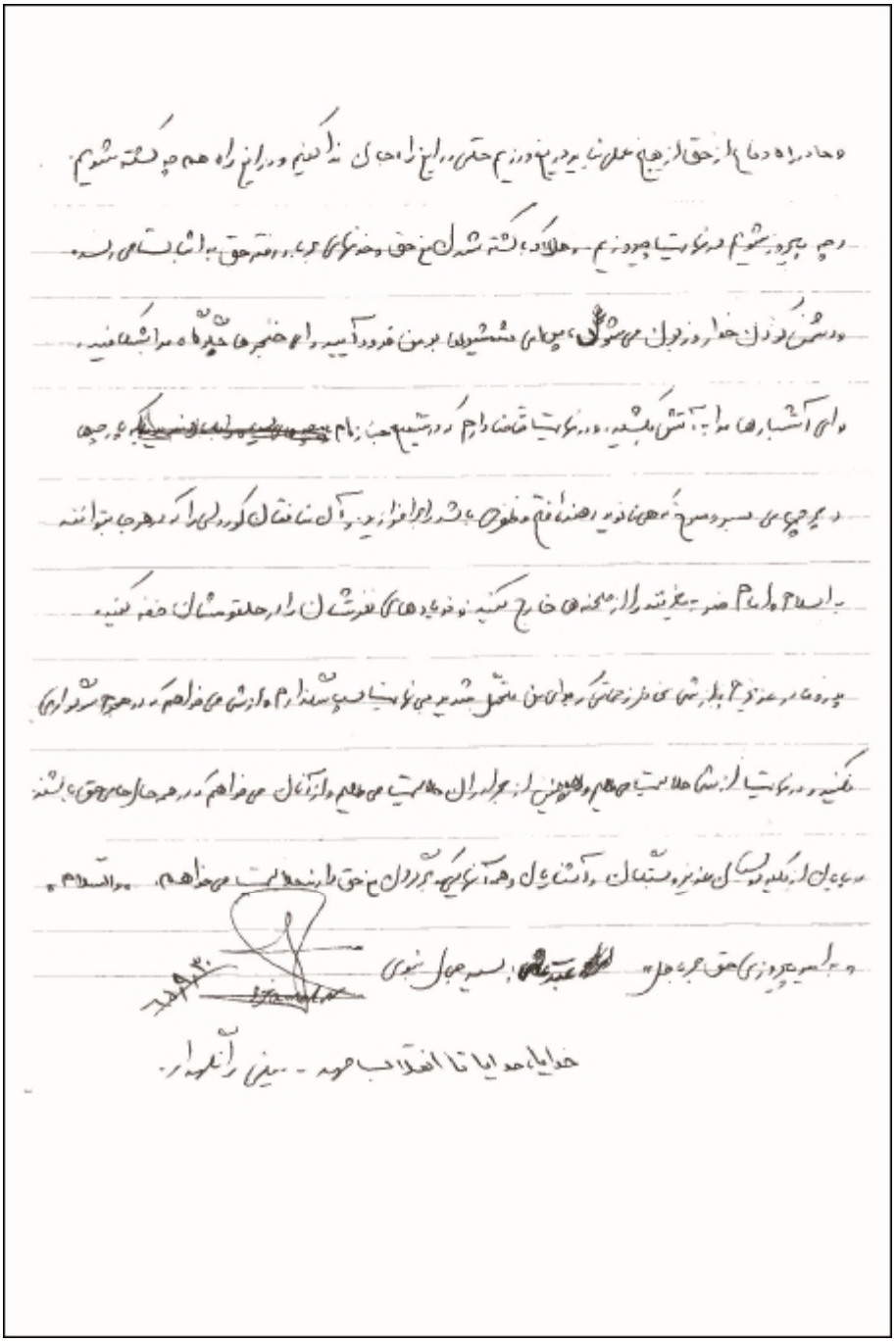
حق از آدم (ع) تا خاتم پیمبران تا امام (ره). و همچنین سلام بی پایان بر شهدای

بیگانه سرخ آسیه صحرای پرپری کربلا. همه و سلام بی پایان خالق را که توفیق یافتم

تا در این ره پرشتاب و نیاز از غافله عقب نمانم و در میان شهیدان با لوح متدانم و خرسند









نام: **سیدصادق**
نام خانوادگی: **نبوی چاشمی**
نام پدر: **حبیب‌الله**
نام مادر:**سیده خاتون**
تاریخ تولد: **سی‌ام فروردین ۱۳۴۶**
محل تولد: **روستای چاشم از توابع شهرستان مهدیشهر**
تحصیلات: **دوم راهنمایی**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **بیست‌ویکم دی۱۳۶۵**
محل شهادت: **شلمچه**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش**
مزار: **گلزار شهدای فردوس رضای زادگاهش**

عبارت‌های کلیدی

- ای ملت قهرمان ایران در پشت جبهه کوشا باشید یاور امام باشید.
- اگر در جبهه زیر هزار ضربت شمشیر جان دهم بهتر از آن است که در رختخواب ذلّت بمیرم.
- ای پدر و مادر اگر فرزندتان از دست رفت ناراحت نباشید.
- برای من عزاداری بپا نکنید که شهید عزاداری نمی‌خواهد.
- هر کس که الله را انتخاب کند خدا عاشقش می‌شود.
- شهادت رستگاری بزرگ است.

سیدصادق نبوی چاشمی

بسم الله الرّحمن الرّحیم

متن وصیت‌نامه شهید سیدصادق نبوی

«والذین آمنوا من بعد و هاجروا و جاهدوا معکم فاولئک مِنکم وأُلُوا الاَرحام بَعْضُهُم أولی ببعضٍ فی کتابِ الله ان الله بکل شئ علیم».[1]

با سلام و درود به پیشگاه ولی عصر حجة بن الحسن مهدی موعود(عج) و نایب برحقش حضرت آیت‌الله خمینی یگانه امید مستضعفان جهان و همچنین درود و سلام به روان[2] تمامی شهیدان کربلای حسین(علیه‌السلام) تا کربلای ایران که هزاران شهید برای یک آرمان در سراسر مرز ایران و عراق برای نابودی باطل به خون خفته‌اند و دست از مال و زندگی خود برداشته‌اند و به جبهه‌ها رهسپار شدند وصیت‌نامه این حقیر کوچک را آغاز می‌کنم:

ای ملت قهرمان ایران در پشت جبهه کوشا باشید یاور امام باشید و در هر کاری یاری نمایید چنان در پشت جبهه باشید [که] کسی در برابر شما نتواند قد علم کند و همیشه مثل موش باشند در سوراخهایشان که تا حتی فرزندهای کوچکتان را هم می‌بینند به سوراخها بروند ای جوانان ایران شما تلاش کنید که همانا دوستانتان در جبهه‌ها جانفشانی می‌کنند مبادا در خانه روی رختخواب بخوابید و بمیرید که دوستانتان در جبهه‌ها مانند علی‌اکبرها[3] و عباس‌ها[4] و اصغرها[5] در جبهه جنگ جان دادند. حسین آن مرد شهامت و شجاعت در میدان شهید شده [...][6] نبرد شهید شد و چنین گفت که اگر در جبهه زیر هزار ضربت

---

1. انفال ـ ۷۵.
2. در اصل وصیت «بروان».
3. ر.ک. تعلیقات.
4. ر.ک. تعلیقات.
5. ر.ک. تعلیقات.
6. خوانا نیست.

شمشیر جان دهم بهتر از آن است که در رختخواب ذلّت بمیرم [...][1] ای جوان‌ها شما هم مثل این مردان و جوانان بایستید مثل آنان [به] شهامت داشته باشید ؟... [...][2]

ای پدر و مادر اگر فرزندتان از دست رفت ناراحت نباشید، بگویید خدایا شکر که چنین فرزندی داشتم و در راه اسلام فدایش کردم و «همیشه به یاد[3] خدا باشید که دل‌ها به یاد خدا آرام می‌گیرد»[4] و [...][5] برای من زحمات زیادی کشیده‌اید همه آنا را از نظرتان پنهان بسازید بگیرید که اصلاً فرزند نداشته‌اید [...][6] ادامه بدهند و برای من [...][7]عزاداری بپا نکنید که شهید عزاداری نمی‌خواهد، بلکه پیرو می‌خواهد [...][8] در غم الله است و هر کس که الله را انتخاب کند خدا عاشقش می‌شود و او را می‌کشد. ... [...][9]

شهادت رستگاری بزرگ است.

خدایا خدایا تا انقلاب مهدی خمینی را نگهدار. از عمر ما بکاه بر عمر او بیفزا

سیدصادق نبوی

---

1. خوانا نیست.
2. خوانا نیست..
3. در اصل وصیت «بیاد».
4. ترجمه «الا بذکرالله تطمئن القلوب» (رعد/ ۲۸).
5. خوانا نیست.
6. خوانا نیست.
7. خوانا نیست.
8. خوانا نیست.
9. خوانا نیست.



متن وصیتنامه شهید سید ...

" با تقدیم آخرین سلام و درود خدا بر پیامبر و آل او که ... و با سلام بر امام امت ولی مستضعفان جهان که ... ما را از ظلمات به نور هدایت فرمود ... "

با سلام به پیشگاه رئیس ... حضرت آیت الله خمینی پناه ... مستضعفان جهان ... و با سلام بر رزمندگان اسلام ... ایران که هزاران شهید برای پاسداری ... و عزیز ما ایران ... برداشته اند به پیمانی که با ... این حقیر نیز ... را آغاز می نمایم :

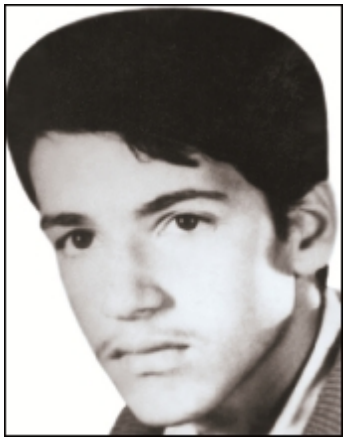
ای ملت ... ایران عزیز بدانید که شما با قیام خود ... را امام باشید ... یاری نمائید بدانید که ... کسی در برابر شما نتواند علم کند و میشه مثل ... باشند و در برابر ... شان ... تا حتی نوزدهم ... کنتان را ... می بینند ... سر از شما بر ندارند ... ای جوانهای ایران شما ... در پشت ... که تلاش کنید که ... مستضعفان در جبهه ... جانفشانی نکنند ... فرخانه ... و کتک اپ بشوایید و بسیج ... در مکانتان در جبهه ... شهدای اکبر ... سپاه را ... در جبهه جنگ جان دادند ... حسین آن ... وشیا ... شهادت در میدان شهود ... آن ... راب ... نمرد شهید شد چنین ... که اگر در جبهه زیر ... ربیت شهریان دم بهتر از آن است که ... راب ... جوانهای ... شما هم مثل این مردان و جوانان ... بایستید مثل آنان به شهادت داشته باشید ... ا ... ان ...

مان پدر ... ادر اگر فرزندتان از دست رفت ... ا ... پدر فرزندی داشتم ... راه اسلام ... ایش کردم و ... شیشه باد ... ها شیشه ... ها بیاد ... آ ... پدر ... ا ... زحمات زیادی کشیده ایده که آنان را از نگرتان پنهان ... بدیگر ... که اصلاً فرزند داشته ... ان ... را ... ا ... مثل ... برای من ... عزاداری بیائید که شهید ... عزاداری ... ی گوا ... که پیرو ... ا ... ا ... ا ... کم الله است ... که الله را انتخاب کند خدا ... تش عیشه ... را ... ا ... ر ... ن بخشید ...

شهادت رستگاری بزرگ است .

خدایا ... خدایا تا انقلاب مهدی ... را نگه دار ... از ... ایشان ... را ... ا ...

... محمد ... جوزی



نام: **سیدقربان**
نام خانوادگی: **نبوی چاشمی**
نام پدر: **سیدمحمد**
نام مادر: **زینب**
تاریخ تولد: **دهم خرداد ۱۳۵۱**
محل تولد: **روستای چاشم از توابع مهدیشهر**
تحصیلات: **سوم راهنمایی**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **بیست‌وهشتم اسفند ۱۳۶۶**
محل شهادت: **گوجارعراق**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش**
مزار: **گلزار شهدای فردوس‌رضای زادگاهش**

عبارت‌های کلیدی

- به امید پیروزی اسلام در تمام جهان.
- خداوند شما را موفق بدارد که تا پایان این مبارزه با امام عزیز باشید.
- ای امت حزب‌الله بدانید، راهی که رفتم انتخاب بود، نه اتّفاق.
- مسلمان بودم و وظیفه‌ام بود تا از اسلام عزیز دفاع کنم هرچند به قیمت جانم تمام شود.
- امّت حزب‌الله این است که هرچه فریاد دارید بر سر جنایتکاران بکشید و به آن عمل نمایید.
- شما ای خواهران عزیز امیدوارم همچون زینب کبری(علیهاالسلام) باشید.
- حجاب را هرگز فراموش نکنید و پاکدامن باشید.

سیدقربان نبوی چاشمی

بسم الله الرّحمن الرّحیم

«إنّ الله اشتری من المؤمنین انفسهم و اموالهم بأنّ لَهُم الجنّة یقاتلون فی سبیل الله[1] فیقتلون و یقتلون»[2]

«خدا جان و مال اهل ایمان را به بهای بهشت خریداری کرده آنها در راه خدا جهاد می‌کنند که دشمنان خدا را به قتل برسانند و با خود کشته شوند». «سوره توبه ـ آیه۱۱۱»

«السّلام[3] علیک یا اباعبدالله، السلام[4] علیک یا ثارالله»[5]، سلام بر تو ای «سفینه نجات کجایی، ای کشتی نجات»[6] که با دادن خون خود و اهل‌بیت تاریخ اسلام را هم‌چون چراغ نورانی نمودی. هرچند در آن زمان نبودیم تا تو را یعنی اسلام را یاری کنیم، ولی در این زمان به فرمان امام خود، لبیک گفته و به یاری اسلام شتافتیم، بارالها ما را در این راه[7] پرفراز و نشیب یاری نما.

با سلام و درود فراوان بر آقا امام زمان(عج) و نایب بر حقش حسین زمان امام خمینی به امید پیروزی اسلام در تمام جهان و با سلام به شما امت حزب‌الله و همیشه در صحنه که به ندای امام عزیز لبیک گفتید و فرزندان خود را به یاری او فرستادید، ان‌شاءالله خداوند شما را موفق بدارد که تا پایان این مبارزه با امام عزیز باشید که صاحب زمان(عج) ظهور کنند و انقلاب را به صاحب اصلی آن بسپارید. ای امت حزب‌الله بدانید، راهی که رفتم انتخاب بود. نه اتّفاق، چرا که مسلمان بودم و وظیفه‌ام بود تا از اسلام عزیز دفاع کنم، هرچند به قیمت جانم تمام شود. پیام من به شما امّت حزب‌الله این است که هرچه فریاد دارید بر سر جنایتکاران بکشید و به آن عمل نمایید.

---

1. در اصل وصیت «سبیله».
2. توبه/ ۱۱۱.
3. در اصل وصیت «اسلام».
4. در اصل وصیت «اسلام».
5. «فرازی از زیارت عاشورا است».
6. ترجمه حدیث «انّ الحسین مصباح الهُدی و سفینة النّجاة».
7. در اصل وصیت نامه«را».

ای امت شهیدپرور امیدوارم مرا ببخشید زیرا به عدّهٔ زیادی از شماها اذیت و آزار رساندم از همه شما طلب حلالیت دارم.

پدر و مادر عزیزم از شما حلالیت می‌طلبم چرا که شما زحمات زیادی برایم کشیدید ولی من حتی نتوانستم زحمات یک شب بیدار ماندن شما مادر عزیزم را جبران کنم. امیدوارم اذیت و آزارهایی که از من دیدی ببخشی. دوباره از شما مادر مهربانم طلب حلالیت می‌کنم و شما ای پدر بزرگوار امیدوارم از من راضی باشی زیرا زحمات شما را جبران نکردم و برعکس به شما اذیت و آزار می‌رساندم و شما را ناراحت می‌کردم از شما هم طلب حلالیت می‌جویم؛ و شما ای خواهران عزیز امیدوارم همچون زینب کبری(علیهاالسلام) باشید و بتوانید به وظایف خود عمل نمایید و با درس خواندن در سنگر مدارس، آیندهٔ روشنی برای این کشور امام زمان(عج) داشته باشید. حجاب را هرگز فراموش نکنید و پاکدامن باشید و شما ای برادر عزیز درس خود را خوب می‌خواندی خوب‌تر بخوان و راه مرا ادامه بده. خواهران و برادران عزیزم اگر شما را آزردم و قلب ظریف شما را به درد[1] آوردم از همه شما طلب مغفرت و حلالیت می‌جویم.

از تمام دوستان هم‌کلاسی و دبیران گرامی خود می‌خواهم که اگر از من اذیت و آزاری دیدند به بزرگواری خود حلالم کنند.

در پایان خدمت پدر و مادر عزیزم عرض می‌نمایم که جنازهٔ مرا به «چاشم» ببرید و اگر امکان داشت در کنار شهید سیدجمال و سیدزین‌العابدین دفن نمایید. مجدّداً از همهٔ شما دوستان و آشنایان و فامیلها[2] و هم‌وطنان عزیز حلالیت می‌جویم

اشهد انّ لا اله الا الله و اشهد أنّ محمداً رسول الله و اشهد أنّ علیّاً ولی‌الله.

والسلام

سیدقربان نبوی ـ ۶۶/۱۰/۲۳

«به امید پیروزی رزمندگان اسلام بر کفر صدّامی»

---

1. در اصل وصیت «بدرد».
2. در اصل وصیت «فامیلان».

سزاوار نیست که مرد مسلمان شبی را سحر کند، مگر اینکه وصیتنامه او زیر سرش باشد. ... امام صادق (ع)

ان الله اشتری من المؤمنین انفسهم و اموالهم بان لهم الجنة یقاتلون فی سبیله فیقتلون و یقتلون.

خدا جان و مال اهل ایمان را به بهای بهشت خریداری کرده، که در راه خدا جهاد کنند، دشمنان خدا را بکشند و یا خود کشته شوند. سوره توبه آیه (۱۱۱)

السلام علیک یا اباعبدالله السلام علیک یا ثارالله سلام بر تو ای سفینه نجات کجائی ای کشتی نجات که با دادن خون خود و اهلبیت تاریخ اسلام را چنین نورانی نمودی. هرچند در آن زمان نبودیم

تا تو را یعنی اسلام را یاری کنیم ولی در این زمان به فرمان امام خود لبیک گفته و به یاری اسلام شتافتیم باراحاما را در این راه پرثمر و شیرین یاری نما.

اسلام

یا اسلام و درود خدا بر تو ای امام زمان و نایب برحقش حسین زمان و امام حی نا امید پیروزی در تمام جهان و با سلام به شما امت حزب الله و همیشه در صحنه که به ندای امام عزیز لبیک گفته و فرزندان خود را به یاری

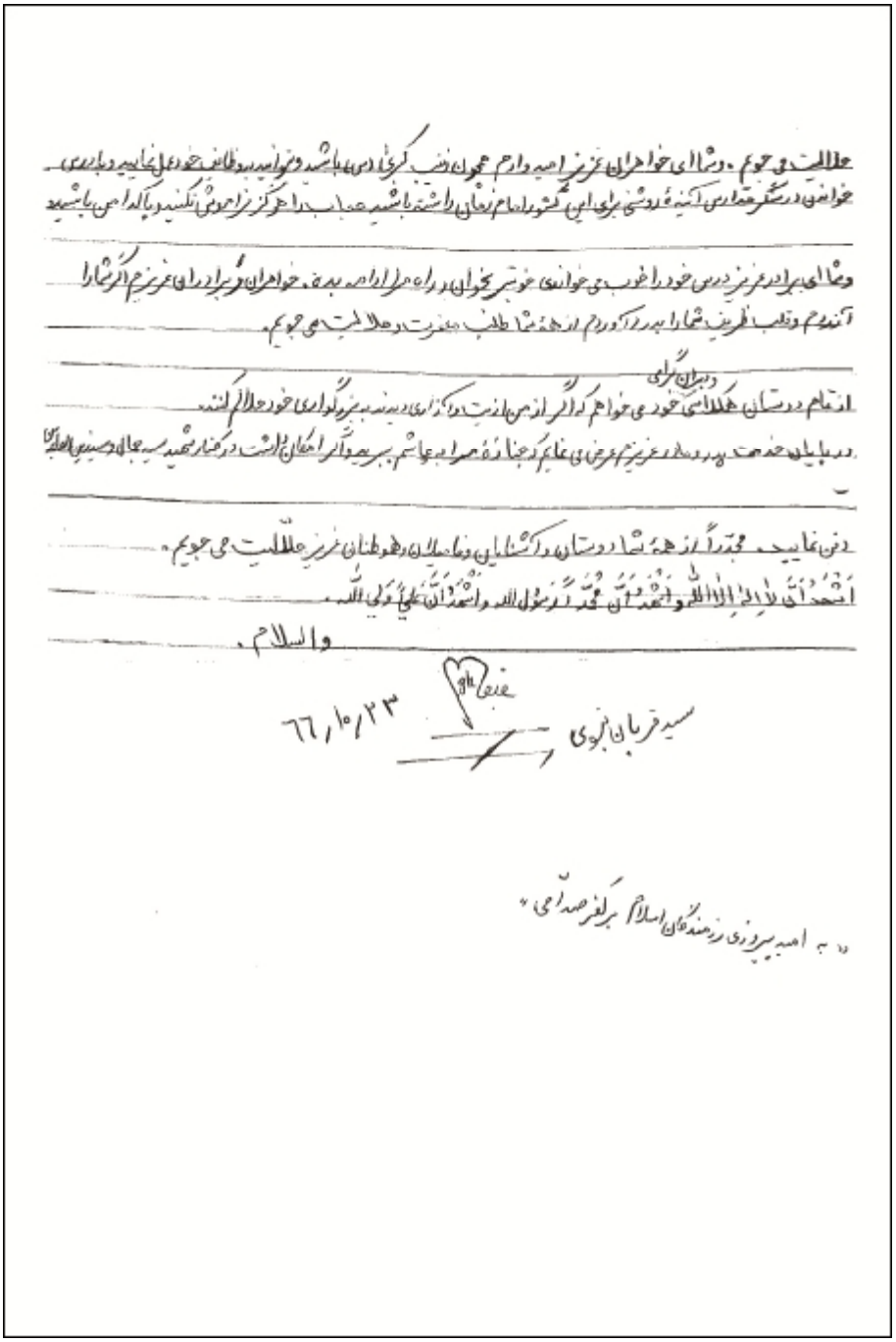
او فرستادید انشاء الله خداوند شما را موفق بدارد تا پایان این مبارزه با امام عزیز باشید و صاحب زمان ظهور کند و انقلاب را به صاحب اصلی آن بسپارید. ای امت حزب الله بدانید راهی که رفتم انتخاب خود

نه اتفاقی چرا که مسلمان بودم و وظیفه ام بود تا از اسلام عزیز دفاع کنم هرچند به قیمت جام تمام شود. پیام من به شما امت حزب الله این است که هرچه زیاد دارید بر سر جنایتکاران بکشید و به آن عمل نمایید

ای امت شهید پرور امیدوارم مرا بخشید زیرا عقیده ام زیادی از شماها اذیت و آزار رسانده ام از همه شما طلب حلالیت دارم.

پدر و مادر عزیزم از شما حلالیت می طلبم چرا که شما زحمات زیادی برایم کشیده اید ولی من حتی نتوانستم زحمات یک شب بیداری شما مادر عزیز را جبران کنم امیدوارم از زحمات و آزارهایی که از من دیده بخشی. درباره

از شما مادر عزیزم طلب حلالیت می کنم و شما ای پدر بزرگوار امیدوارم از من راضی باشی زیرا زحمات شما را جبران نکردم و برعکس همیشه باعث اذیت و آزار می رساندم و شما را ناراحت می کردم از شما هم طلب



علالیت می جویم. و شمای خواهران عزیز امیدوارم همواره در کنار هم باشید و در راه خدا و اسلام بکوشید و خواهش دوستانه ام از شما این است که در مقدارس دینی خود با کمال دقت و کوشش برای این کشور امام زمان داشته باشید و هیچ وقت از درس خود غافل نشوید و با کمال جدیت به تحصیل خود ادامه دهید.

و شمای برادر عزیز درس خود را خوب و خوانی خوب بخوانید و راه مرا ادامه بدهید. خواهران و برادران عزیزم اگر شما را آزرده خاطر کرده ام از شما طلب مغفرت و علالیت می جویم.

و در پایان از تمام دوستان همکلاسی خود می خواهم که اگر از من ناراحت و آزرده دیده شده به بزرگواری خود علالیت کنند و در پایان خدمت پدر و مادر عزیزم عرض می نمایم که جنازه مرا در عاشر بهشت در کنار شهید سید جلال و حسین الحلاج دفن نمایند. مجدداً از همه شما دوستان و آشنایان و فامیلان و هموطنان عزیز علالیت می جویم.

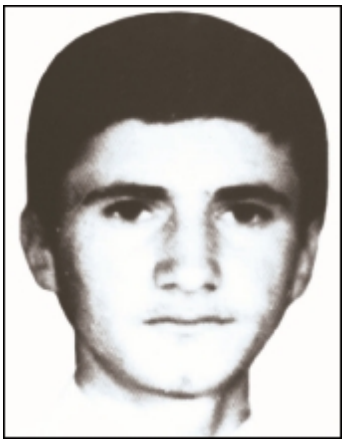
اشهد ان لا اله الا الله و اشهد ان محمداً رسول الله و اشهد ان علیاً ولی الله.

والسلام.

۶۶/۱۰/۲۳

سید قربان نبوی

«به امید پیروزی رزمندگان اسلام بر کفر صدامی»



نام: **نورالله**
نام خانوادگی: **نجاتی**
نام پدر: **فرج**
نام مادر: **لیلا**
تاریخ تولد: **پانزدهم شهریور ۱۳۴۵**
محل تولد: **شهرستان مهدیشهر**
تحصیلات: **طلبه**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **بیست‌ویکم بهمن ۱۳۶۴**
محل شهادت: **ام‌الرصاص عراق**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش**
مزار: **گلزار شهدای زادگاهش**

عبارت‌های کلیدی

- به عنوان یک شخص مسلمان وظیفه شرعی و اسلامی خود دانستم که به جبهه بیایم.
- برای دین و اسلام و آزادی مستضعفان و محرومان از قید و بند جلادان و کفّار و لبیک به ندای حسین زمان خمینی کبیر، روانه جبهه شوم و از دین و شرف و ناموس خود دفاع کنم.
- امیدوارم که خداوند ما را جزو سربازان واقعی امام زمان(عج) قرار بدهد.
- ما در جبهه برای نماز می‌جنگیم .
- حسین ابن علی(علیه‌السلام) در روز عاشورا در چکاچک شمشیرها نماز خواند.
- ای جوانان طبق فرمان امام که فرمان حق است «مساجد را پر کنید».
- ای مردم اخلاص در کارتان باشید و هر کاری که می‌خواهید انجام بدهید اتکا به خدا داشته باشید.
- چنانچه نزدیک کربلا شهید شدم، مرا کربلا دفن نمایید.

نورالله نجاتی

بسم الله الرّحمن الرّحیم

«قُل ان کانَ آباوکم و ابناؤکم و اخوانکم و ازواجکم و عَشیرَتُکم و اموال اقترفتموها و تجارةٌ تَخشون کسادها و مساکن ترضونها أحبّ الیکم من الله و رسوله و جهادٍ فی سبیله فَتَربَّصوا حتی یأتی الله بِأمره والله لایهدی القوم الفاسقین»[1]

حمد و سپاس خدای را عزوجل که خالق خلق است و مدبّر بر امر و طاعتش فزون عزت است و شکرش مزید نعمت و حمد و سپاس خدایی را که برای هدایت انسان پیامبران را فرستاد و حمد و سپاس خدایی را که یونس را در شکم ماهی، ابراهیم را از آتش نجات داد و محمد(صلی الله علیه و آله و سلم) را برای نبوّت فرستاد و در رسالتش وی را همیشه همچون پیامبران قبل کمک و یاری نمود چرا چونکه کار و رسالت برای خدا بود و هدایت خلق به سوی خدا و برقراری و استوار نمودن دین خدا بود و هرکس خدا و دینش را یاری کند و در راه او کوشش و فعالیت کند خدا نیز او را یاری کرده و او را بر دشمنان [او] مسلّط و غالب می‌گرداند.

با سلام و درود بر پیامبران الهی و خصوصاً بر حضرت محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) و سلام و درود بر آل پاک و مطهر ایشان و بر حضرت بقیةالله الاعظم[2] یار مستضعفان کوبنده مستکبران روح‌الفداء مهدی موعود (عج) و نایب بر حقش پیر جماران امید مستضعفان و محرومان خار چشم دشمنان اسلام قلب تپنده مردم امام امت خمینی کبیر دام‌ظله[3] و سلام و درود به روان پاک شهیدان این شهیدانی که جان خود را در راه اسلام و قرآن دادند و همچون سرور و سالارشان (سیدالشهدا) حسین ابن علی(علیه السلام) جان خود را نثار اسلام و قرآن نمودند و هم‌چون شمع سوخته و به ما روشنی بخشیدند تا ما هدایت شویم درود خدا بر ایشان باد.

سلام و درود بر شما امت شهیدپرور شما امتی که صبر و استقامتتان هم‌چون کوه استوار و پابرجاست و جهان را خصوصاً دشمنان اسلام و قرآن را به وحشت انداخته و آنان

---

1. توبه/ ۲۴.
2. در اصل وصیت «العظم».
3. در اصل وصیت «الضله».

انگشت تعجب به دهان[1] گرفته‌اند. با توجه به آیه‌ای که ذکر شد خداوند به رسولشمی‌فرماید. بگو امت را که ای مردم اگر شما پدران و پسران و برادران و زنان و خویشاوندان خود و اموالی را که جمع آورده‌اید و مال‌التجاره که از کسادش بیمناکند[2] و منازل که به آن دل‌خوش داشته‌اید، بیش از خود و رسول و جهاد در راه او دوست می‌دارید پس منتظر باشید تا امر نافذ و قضای حتمی خدا جاری گردد و اسلام را بر کفر غالب و فاتح گرداند و شما دنیاطلبان بدکار از فعل خود پشیمان و زیانکار شوید و خدا فسّاق و بدکاران را به راه بهشت و سعادت هدایت نخواهد کرد.

خداوند انشاءالله ما را و شما را جزو مقرّبان درگاهش قرار بدهد، انشاءالله هدف از جبهه با توجه به موقعیت زمانی و آنچه را که این بنده حقیر نسبت به خود احساس مسئولیت می‌کردم و به عنوان یک شخص مسلمان وظیفه شرعی و اسلامی خود دانستم که به جبهه بیایم و ندای «هل من ناصر ینصرنی»[3] حسین(علیه‌السلام) را لبیک بگویم و برای دین و اسلام و آزادی مستضعفان و محرومان از قید و بند جلادان و کفّار و لبیک به ندای حسین زمان خمینی کبیر روانه جبهه شوم و از دین و شرف و ناموس خود دفاع کنم و دشمن را از خانه و کاشانه خود بیرون برانم و آنهایی که هم‌وطن هم کین و هم آیینم را آواره ساخته‌اند به درک واصل گردانم و به پای خونخواهی از شهیدانمان دفاع نمایم چون که جهاد و دفاع بر هر شخص مسلمان واجب می‌باشد. [و غیر از] [...][4] آن گناه و معصیت است امیدوارم که خداوند ما را جزو سربازان واقعی امام زمان(عج) قرار بدهد[5] و قلب امام زمان را از ما راضی و خشنود بگرداند.

[پیام][6] ای مردم وعده خدا (مرگ) حق است بنابراین مواظب باشید زندگی دنیا شما را فریب ندهد و شما ای ملت عزیز «ستون دین را به پا داشته که اولینش نماز می‌باشد»[7] و ما

---

1. در اصل وصیت «بدهان».
2. در اصل وصیت «پیدا کنید».
3. ر.ک. تعلیقات.
4. خوانا نیست.
5. در اصل وصیت «بد».
6. به وصیت‌نامه اضافه شده است.
7. ترجمه: «الصلوة عمود الّدین».

در جبهه برای نماز می‌جنگیم چون که حسین ابن علی(علیه‌السلام) در روز عاشورا [در][1] چکاچک شمشیرها نماز خواند یکی از یاران امام به حسین بن علی(علیه‌السلام) فرمودند که این چه کاری است انجام می‌دهید. امام فرمودند ما برای نماز می‌جنگیم، نه برای چیزهای دیگر.

ای منافقین[2] کوردل دست از ریا و خودخواهی و خودپسندی و دروغ‌گویی و دشمنی خدا بردارید و ای جوانان طبق فرمان امام که فرمان حق است «مساجد را پر کنید و سنگر مساجد را حفظ کنید[3] و نماز را به پا دارید. چون که مسجد انسان را به راه راست هدایت می‌نماید» و «نماز کارخانه انسان‌سازی است[4]» و «نماز انسان را از فحشاء و منکرات باز می‌دارد[5]» و ای مردم اخلاص در کارتان باشید و هر کاری که می‌خواهید انجام بدهید اتکا به خدا داشته باشید و از خدا کمک بخواهید و در کارهایتان صابر باشید که «خداوند با صابران و توکل کنندگان می‌باشد»[6]؛ و خداوند به ما و به شما یک عقل انسان‌سازی عنایت بفرماید و از نصیحت‌های اسلامی پیامبران که نصیحت‌های حق می‌باشد، توسط مؤمنین آگاهی پیدا کنیم.

نام نورالله نجاتی پدر فرج‌الله شماره شناسنامه ۲۷ تاریخ تولد ۱۳۴۵ تاریخ وصیت‌نامه نوشتن ۶۴/۱۱/۱۶ شماره پلاک ۴۰۰ـ۳۸۳ ـ لA

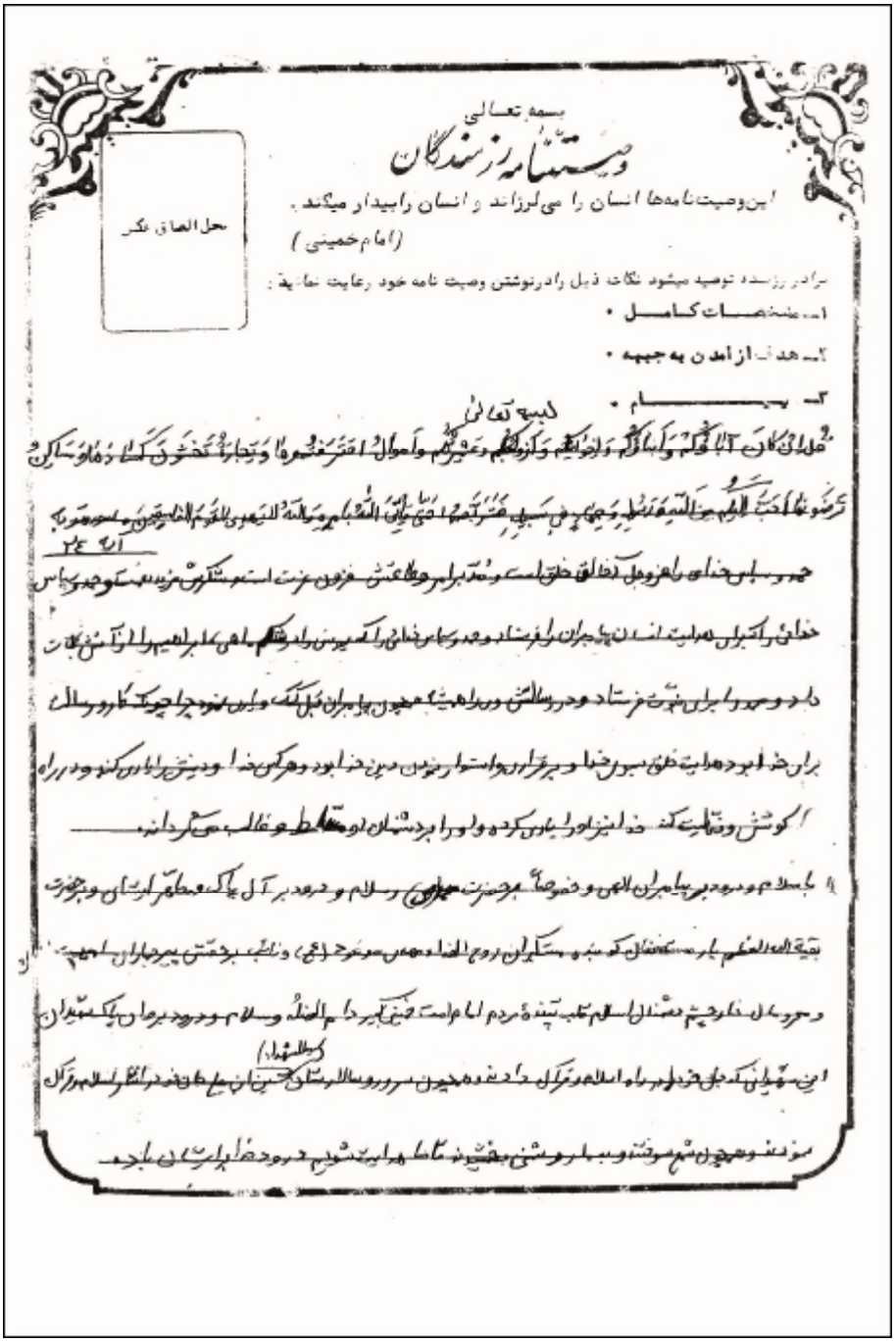
گردان موسی بن جعفر، تاریخ اعزام ۶۴/۱۰/۴

خداوند به شما توفیق اطاعت عنایت بفرماید.

محل دفن خود را بنویسید: مهدی‌شهر قبرستان شهدا (هر جا دلتان می‌خواهد) اگر چنانچه نزدیک کربلا [است] شهید شدم، مرا کربلا دفن نمایید و اگر نزدیکی یکی ازائمه اطهار [است] همان نزدیکی دفن نمایید و اگر نشد، مهدی‌شهر.

---

1. در اصل وصیت «از».
2. ر.ک. تعلیقات.
3. صحیفه امام، ج ۱۲، ص ۳۹۳.
4. صحیفه امام، ج۱۲، ص۳۹۲.
5. صحیفه امام، ج ۱۷، ص۳۹۲.
6. ابراهیم/ ۱۲.



بسمه تعالی

وصیتنامه از زندگان

این وصیت‌نامه‌ها انسان را می‌لرزاند و انسان را بیدار میکند.
(امام خمینی)

محل الصاق عکس

برادر رزمنده توصیه میشود نکات ذیل را در نوشتن وصیت نامه خود رعایت نمایند:

۱ـ مشخصات کامل ·

۲ـ هدف از آمدن به جبهه ·

۳ـ پیام ·

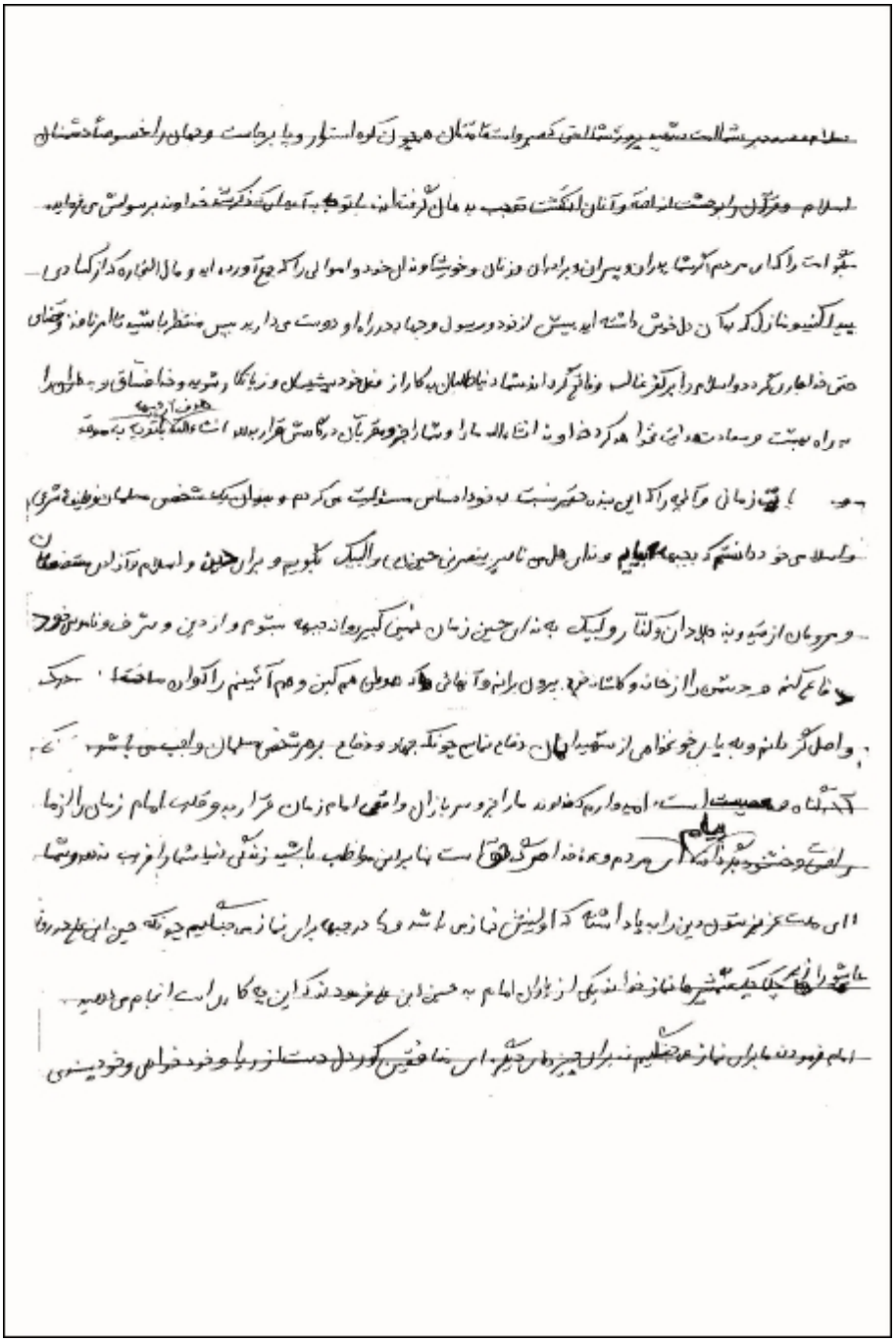
بسمه تعالی

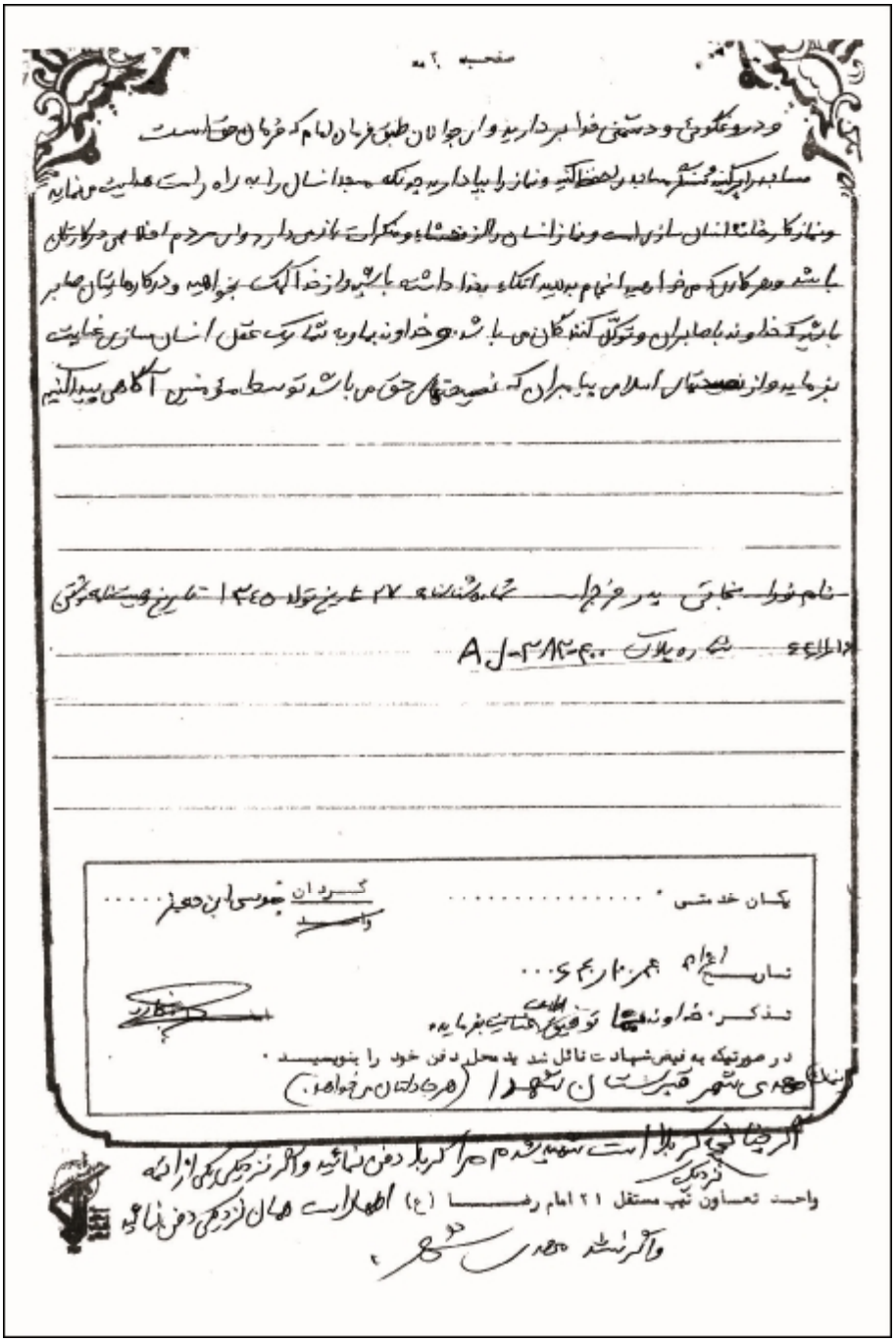
قل ان کان آباؤکم وابناؤکم واخوانکم وعشیرتکم واموال اقترفتموها وتجارة تخشون کسادها ومساکن ترضونها احب الیکم من الله ورسوله وجهاد فی سبیله فتربصوا حتی یاتی الله بامره والله لا یهدی القوم الفاسقین صدق الله العلی العظیم آیه ۲۴

حمد و سپاس خداوند را عزوجل که خالق خلق است و مدبر امر و طاعتش فرمود عزت است و شکرش مزید نعمت و حمد و سپاس خدای را که ایران را مشمول عنایت خاص خود قرار داد و رهبر کبیر و فرزانه‌اش امام خمینی را در این عصر بر ما ارزانی داشت و او را برای هدایت امت به ایران فرستاد و درود و سلام و رحمت خدا بر او که با ایران دل یک کرد و این ملت را چنین یکپارچه و مصمم برای خدا بپا خاست و درود خدا بر او که ما را به راه خدا هدایت فرمود و برقرار و استوار نمودن دین خدا بود و هر که خدا را یاری کند خدا او را یاری میکند و دین را استوار میگرداند و راه را کوشش و فداکاری کند خدا نیز او را یاری کرده و او را بر دشمنان او مسلط و غالب میگرداند.

با سلام و درود بر پیامبران الهی و خصوصاً بر حضرت محمد (ص) و سلام و درود بر آل پاک و مطهر ایشان و بر حضرت بقیة الله العظم یار مستضعفان که منجی مستکبران روح الله موسوی خمینی (ره) و نائب برحقش پیر جماران امید و حمایت ما و چشم دشمنان اسلام کور باد تا قیام قیامت.

و سلام و درود بر روان پاک شهیدان (کربلای ایران) این شهیدان که دل در گرو راه الله و قرآن دادند همچون سرور و سالارشان حسین (ع) ملت ما را در انظار اسلام سرافراز و سرفراز نمودند و چون شمع سوختند و بسیار روشن بخش تا ما هدایت شویم و در صراط ایمان باقی بمانیم.







نام: **رمضانعلی**
نام خانوادگی: **نجار**
نام پدر: **محمدعلی**
نام مادر: **معصومه**
تاریخ تولد: **بیستم اسفند۱۳۴۶**
محل تولد: **شهرستان دامغان**
تحصیلات: **دوم متوسطه**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **پانزدهم خرداد۱۳۶۴**
محل شهادت: **طلائیه**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش**
مزار: **گلزار شهدای فردوس رضـای زادگاهش**

عبارت‌های کلیدی

- سلام به مادرانی که چون زینب، بعد از مرگ عزیزانشان صبر می‌کنند و مقاوم هستند.
- ادامه دهندگان راه شهیدان باشید.
- امام را تنها نگذارید.
- مادرم و خواهرانم امیدوارم که حجاب خود را رعایت کنید.
- بهترین زینت زن حجاب است.
- ای ملت شریف، خدا را ناظر بر کارهایتان بدانید و تقوا را چون جامه به خود بپوشانید.
- مانع از آمدن فرزندانتان به جبهه‌ها نباشید.
- امام را، امام را، امام را، دعا کنید و تنهایش نگذارید.

رمضانعلی نجار

بسم‌الله الرّحمن الرّحیم

«و من یقاتل فی سبیل الله فیقتل او یغلب[1] فسوف نؤتیه اجراً عظیما»[2] الحمدلله رب العالمین.

«حمد و سپاس مخصوص خدایی است که هـوالاوّل صـفت بـی‌انتهـای او و هوالبـاقی صفت ابدی ذات مقدس است و با سلام به اولیاء و اوصیاء خداوند، از حضرت آدم گرفتـه تا حضرت ختمی مرتبت[3] محمد مصطفی(صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) و با سلام به حضرت بقیةالله ارواحنا[4] لـه الفداء و با سلام به نایب بر حق آن حضرت امام است و با سلام به پدرانی که فرزندان خود را چون ابراهیم(علیه‌السلام) به قتلگاه می‌فرستند تا یاری اسـلام را کـرده باشـند و دِیـنِ خـود را نسبت به اسلام ادا کرده باشند و سلام به مادرانی که چون زینب، بعـد از مـرگ عزیزانـشان صبر می‌کنند و مقاوم هستند و با سلام و صلوات خدا بر شهیدان از صدر اسلام تا بـه حـال از بدر[5] آن زمان تا بدر این زمان.

سخنی با خانواده‌ام:

پدر و برادرانم امیدوارم که ادامه دهندگان راه شهیدان باشید و امام را تنهـا نگذاریـد، در ضمن مبلغ ۵۰۰۰ ریال به علت اینکه وقتی به جبهه می‌خواستم بیایم گرفتم، به بـرادر رضـا خدابنده‌لو بدهکارم بپردازید سخنی بـا مـادرم و خـواهرانم امیـدوارم کـه حجـاب خـود را رعایت کنید که بهترین زینت زن حجاب است و بعد از مرگ من گریه و زاری نکنید. اگـر خواستید هم گریه بکنید، در انظار گریه نکنید که دشـمنان مـا شـاد شـوند. امـا سـخنی بـا دانش‌آموزان ای برادران من از شما می‌خواهم که این سنگر را پاک نگه دارید و نگذارید که عوامل شرق و غرب نفوذ کنند در آنجا و با پخش عکس‌ها و نوارهـای کـذا و کـذا اذهـان

---

1. در اصل وصیت «یقلب».
2. نساء/ ۷۴.
3. در اصل وصیت «مرتبة».
4. در اصل وصیت «ارواح هنا».
5. ر.ک. تعلیقات. ذیل عملیات بدر.

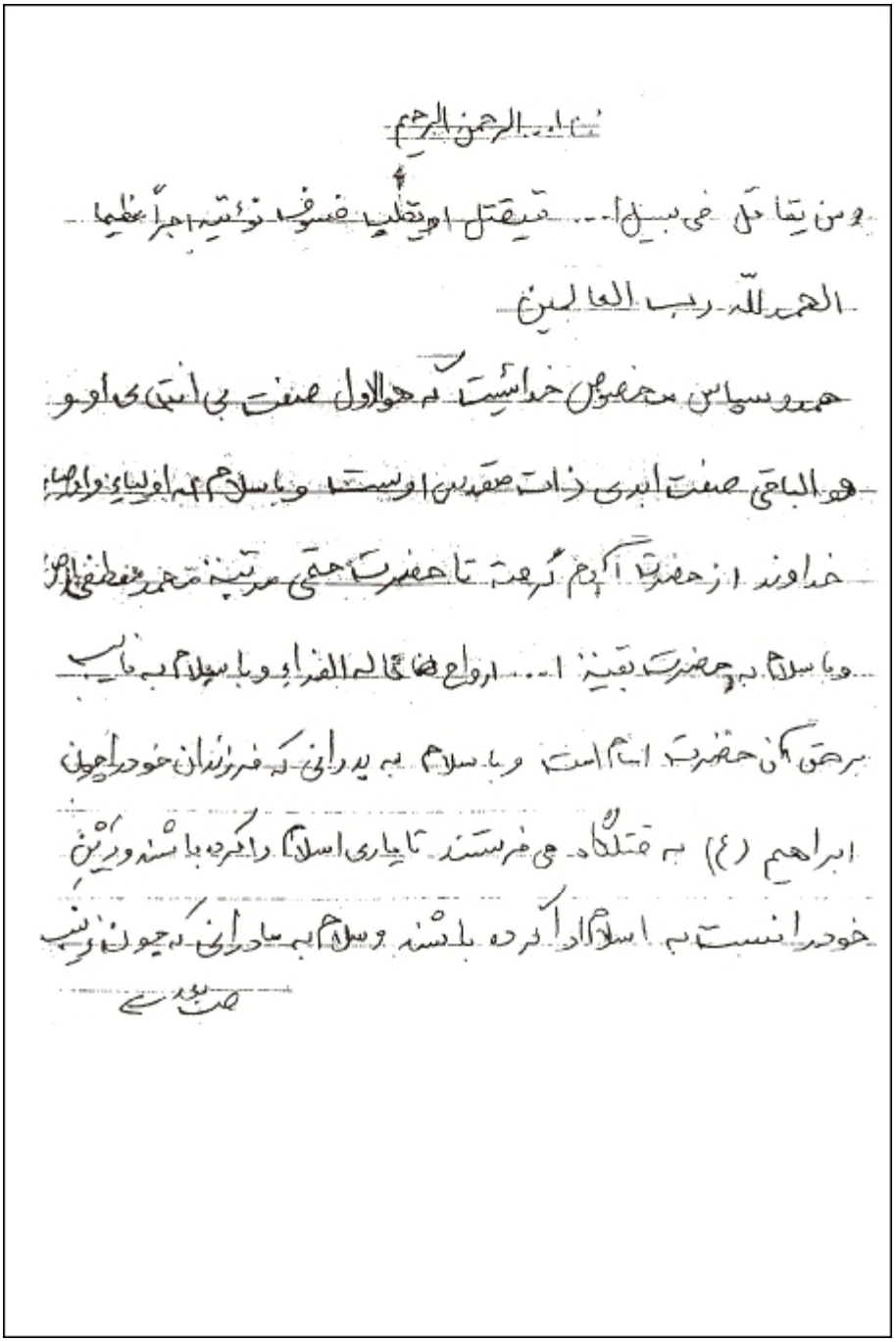
شما را به باطل میل دهند و سخن آخر با ملت شهیدپرور این‌که ای ملت شریف، خدا را ناظر بر کارهایتان بدانید و تقوا را چون جامه به خود بپوشانید و روح خود را با ندای الهی و نور قرآن روشن گردانید باشد تا در بهشت جاودانه باشید. از شما مردم می‌خواهم که مانع از آمدن فرزندانتان به جبهه‌ها نباشید. اسلام به آنها احتیاج دارد بگذارید به جبهه بیایند و یاری اسلام کنند و اگر شهید شدند[1] هیچ ابایی نداشته باشید؛ و اما سخن آخر با ملت شهیدپرور و ایثارگر این سرزمین خونین ایران اینکه امام را، امام را، امام را، دعا کنید و تنهایش نگذارید و پایان سخن اینکه در هر کجا که والدینم خواستند مرا دفن کنند. این وصیت را در صحت بدن نوشته‌ام در تاریخ ۶۳/۱۲/۲۹ هنگام تحویل سال.

حقیر گناهکار رمضان نجار

ملتمس دعا

خدایا خدایا تا انقلاب مهدی خمینی را نگهدار.

1. در اصل وصیت «شدن».



بسم الله الرحمن الرحیم

و من یقاتل فی سبیل الله ... فیقتل او یغلب فسوف نؤتیه اجرا عظیما

الحمد لله رب العالمین

حمد و سپاس مخصوص خداست که هو الاول صفت بی انتهای او و

هو الباقی صفت ابدی ذات مقدس اوست و با سلام به انبیای او و

خداوند از حضرت آدم گرفته تا حضرت خاتم مرتبه محمد مصطفی (ص)

و با سلام به حضرت بقیة الله ... ارواح فدای المقدم و با سلام به نائب

برحق ایشان حضرت امام است و با سلام به پدرانی که فرزندان خود را چون

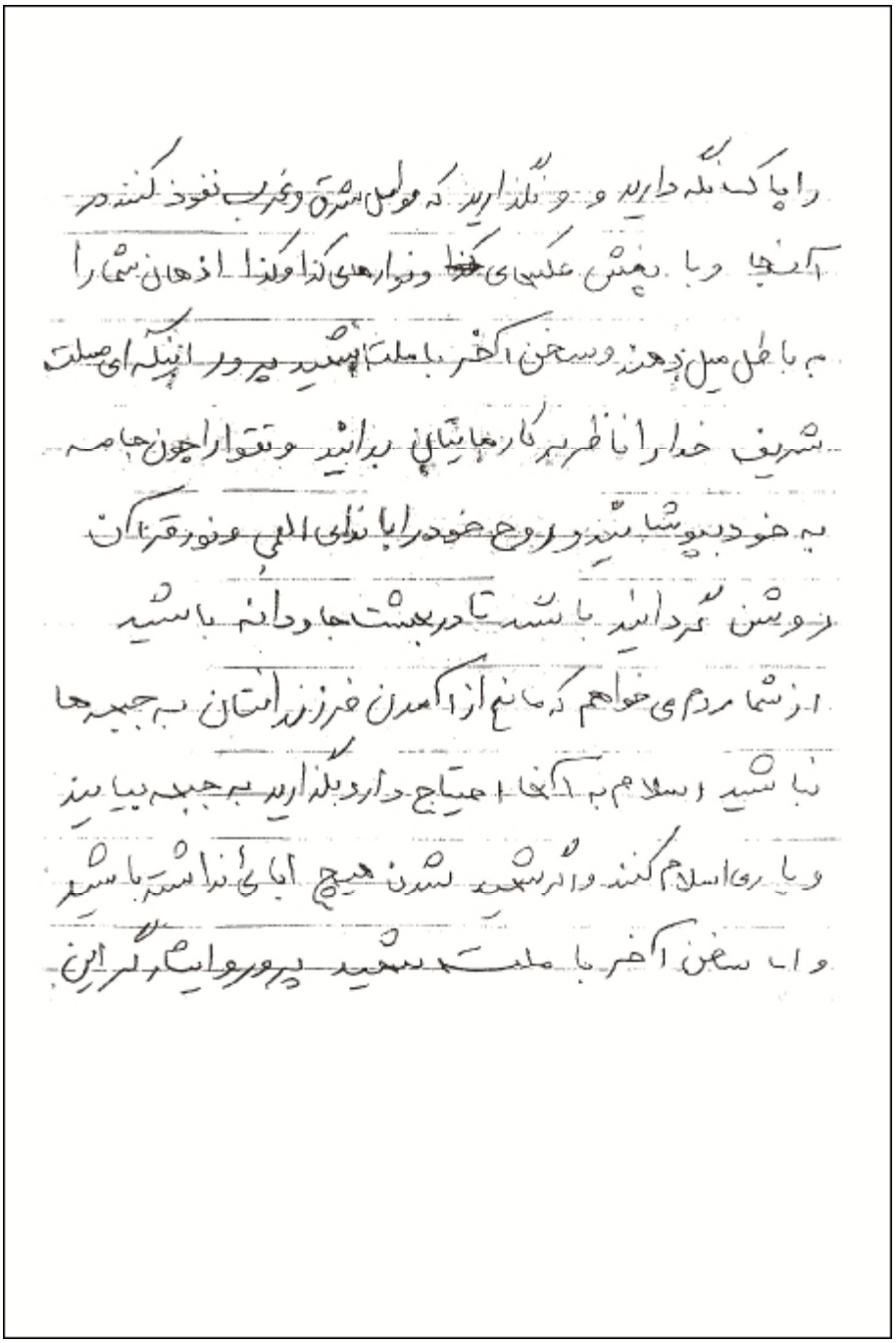
ابراهیم (ع) به قتلگاه می فرستند تا یاری اسلام را کرده باشند و زنانی

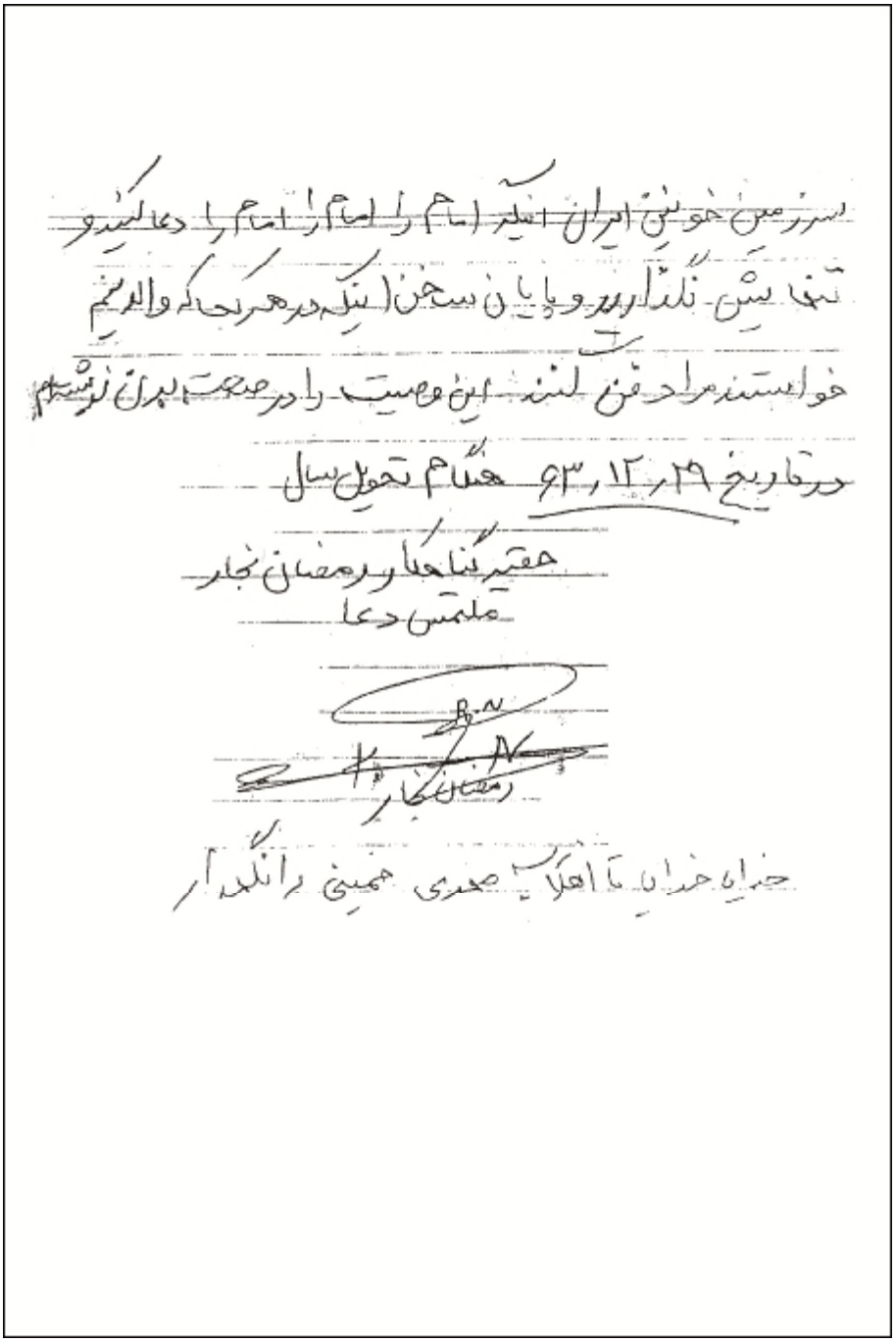
خود را نسبت به اسلام ادا کرده باشند و سلام به مادرانی که چون زینب

صلت بودند

بود از سرگذشت عزیزانتان صبر کنید و مقاوم باشید و با سلام و صلوات
جهاد بر شهیدان از صدر اسلام تا به حال از بدر تا کنون زمان تا بدر این زمان
سخنی با خانواده‌ام

پدر و مادرم امید وارم که ادامه دهندگان راه شهیدان باشید و
نام را شنا نگذارید سخنی در ضمن سلام زیاد به علت اینکه وقتی
به جبهه می خواستم بیایم گفتم به برادر رضا خدا بنده لو بد هکارم بپردازید
سخنی با مادرم و خواهرانم امید وارم که حجاب خود را رعایت کنید
که بهترین زینت زن حجاب است و بدانید مرگ من گریه و زاری نکنید
اگر خواستید هم گریه بکنید در خانه گریه نکنید که دشمنان ما شاد نشوند
سخنی با دانش آموزان ای برادران من از شما می خواهم که این شعار





سرزمین خونین ایران امیر (امام) را امام را دعا کنید و
تنها پیش نگذارید و پایان سخن اینکه در هر جا که والدینم
خواستند مرا دفن کنند این وصیت را در صحت بدن نوشتم
در تاریخ ۲۹/۱۲/۶۳ هنگام تحویل سال
حقیر گناهکار رمضان نجار
ملتمس دعا

رمضان نجار

خدایا خدایا ما اهل این صحرا همین را نگذار



نام: **محمد**
نام خانوادگی: **نجاری**
نام پدر: **عباس**
نام مادر: **مریم**
تاریخ تولد: **بیستم شهریور ۱۳۴۳**
محل تولد: **روستای غنی آباد از توابع شهرستان دامغان**
تحصیلات: **دوم متوسطه**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **بیست‌وششم تیر ۱۳۶۱**
محل شهادت: **شلمچه**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش**
مزار: **گلزار شهدای زادگاهش**

عبارت‌های کلیدی

- شکر خداوندی را که زمین را برای ما به عنوان یک دانشگاهی آفرید تا ما شاگردان این دانشگاه باشیم.
- پیامبران و ائمه و ولایت امر، اساتید این مدرسه و دانشگاه باشند.
- هر انسان باید خود را موظف بداند که در جهت تهذیب نفس و پاک نمودن دل از تمام آلودگی‌ها و زشتی‌ها کوشش نماید.
- ما باید در هر کارمان یک سری از ارزش‌ها و معیارهای اسلامی را داشته باشیم که تمام اعمال و کارهایمان را بر اساس آن انجام دهیم.
- همه شما باید در نماز جمعه‌ها و نماز جماعات و مجالس اسلامی شرکت نمایید و بهره‌مند شوید.
- ای پدران و مادران سد راهی برای آمدن فرزندانتان به جبهه‌های جنگ حق علیه باطل شوید.
- شما نباید هیچ گاه احکام اسلام را زیر پا بگذارید.
- همیشه گوش به فرمان امام بوده و برای امام و رزمندگان اسلام دعا کنید.
- از ملت قهرمان سفارش می‌کنم که از کمک به جبهه‌های جنگ کوتاهی نفرمایند.
- مردم در پشت جبهه دست این منافقان کوردل را قطع بکنند.

محمد نجاری

بسم الله الرحمن الرحیم

«ولاتقولوا لمن یقتل فی سبیل الله امواتٌ بل احیاء و لکن لا تشعرون».[1]

«و به کسانی که در راه خدای خود کشته می‌شوند نگویید مرده‌اند بلکه آنان زنده در نزد خدا هستند و همه شما این حقیقت را نمی‌فهمید».

شکر خداوندی را که زمین را برای ما به عنوان یک دانشگاهی آفرید تا ما شاگردان این دانشگاه باشیم و پیامبران و ائمه و ولایت امر، اساتید این مدرسه و دانشگاه باشند و ما دانشجویان این دانشگاه الهی وظیفه داریم که تا مدتی [را] که در این مکان دنیوی زندگی می‌کنیم درصدد [و] انجام چند مسئله اساسی باشیم:

۱) تزکیه و خودسازی، هر انسان باید خود را موظف بداند که در جهت تهذیب نفس و پاک نمودن دل از تمام آلودگی‌ها و زشتی‌ها کوشش نماید.[2] باید [ریاضت][3] و سختی بکشد تا بتواند از طریق این تزکیه و تهذیب تقرب به سوی الله نماید[4] مسئله بعدی، ۲) حاکم کردن ارزش‌های اسلامی بر خود و بر جامعه است ما باید در هر کارمان یک سری از ارزش‌ها و معیارهای اسلامی را داشته باشیم که تمام اعمال و کارهایمان را بر اساس آن انجام دهیم که این ارزش‌ها را به عنوان قانونی برای خود و برای جامعه بدانیم و کلیه حرکت‌های اسلامی اجتماعی خود را بر اساس این معیارها انجام دهیم، و آنچه را که موافق این معیارها است انجام داده و آنچه را که خلاف آن است رد و نفی نماییم و باید درصدد باشیم که اخلاق خود را یک اخلاق اسلامی نموده و همچنین اعمال و گفتارهای اسلامی داشته باشیم و در هر کارمان یک انگیزه خداوندی داشته باشیم و همیشه در کارهایمان به یاد خدا باشیم.

---

1. بقره/ ۱۵۴.
2. در اصل وصیت «نمایند».
3. در اصل وصیت «زیافت».
4. در اصل وصیت «نمایید».

مردم شهیدپرور و خانواده گرامی‌ام[1] می‌خواهم توجه همگی شما را به چند نکته جلب کنم. هر چند که ما کوچکتر از آنیم که بتوانیم راه را برای شما روشن کنیم، ولی به عنوان یک فرزند از ما قبول کنید.

اول اینکه امروزه همه شما باید در نماز جمعه‌ها و نماز جماعات و مجالس اسلامی شرکت نمایید و بهره‌مند شوید. که [برای][2] به خدا رسیدن فقط از همین راهها موفق خواهید شد. دوم اینکه شما نباید ای پدران و مادران سد راهی برای آمدن فرزندانتان به جبهه‌های جنگ حق علیه باطل شوید و بگذارید فرزندانتان به جبهه‌ها بیایند امروزه دیگر بهانه‌ای برای آنها وجود ندارد که پا به عرصه[3] مبارزه با کفار نگذارند. اگر اینجا دلیلی برای خود[4] آورند، دلیلی برای آنها وجود ندارد و در قیامت دیگر خداوند حرفشان را پذیرا نیست.

سوم اینکه شما نباید هیچ گاه احکام اسلام را زیر پا بگذارید و باید شدیداً مراقب خود [در] جهت اجرای احکام اسلام باشید و همیشه گوش به فرمان[5] امام بوده و برای امام و رزمندگان اسلام دعا کنید.

چهارم اینکه فرزندان خود را به مدارس علمی و اسلامی بفرستید و بگذارید که فرزندانتان برای مملکت [با] مفید بزرگ شوند و عمر خود را بیهوده مصرف نکنند.

من از پدر و مادرم و خویشانم می‌خواهم که برای من گریه نکنند که دشمنان اسلام از گریه شما سوء استفاده کرده و می‌گویند که چقدر اینها ضعیف هستند و می‌خواهم که راهم را ادامه بدهند. [به][6] از ملت قهرمان سفارش می‌کنم که از کمک به جبهه‌های جنگ

---

1. در اصل وصیت «گرامیم».
2. در اصل وصیت «که به خدا».
3. در اصل وصیت «بعرصه».
4. در اصل وصیت «برخود».
5. در اصل وصیت «بفرمان».
6. در اصل وصیت «از».

کوتاهی [نفرمایند][1] و پشتوانه رزمندگان باشند و مردم در پشت جبهه دست این منافقان[2] کوردل را قطع بکنند و نگذارند اینچنین عزیزان را از ملت بگیرند و کشور را عزادار بکنند.

من از خانواده‌ام می‌خواهم که حدود ۱۰ روز از سال‌های گذشته روزه واجب دارم که برایم ترتیبش را بدهند و مدت این چند روز هم که در ماه مبارک در جبهه بودم و کفارهٔ نمازهایی را هم که نخوانده‌ام بدهند، خیلی نخواهد شد.

محل دفن در روستایمان غنی‌آباد در کنار قبر رضا و اسماعیل جعفرآبادی باشد. دیگر عرضی ندارم به جز سلامتی شماها و سلامتی امام عزیز از درگاه خداوند و سلامتی رزمندگان اسلام و پیروزی کامل جنود اسلام بر جنود کفر و امیدوارم که پرچم خونین اسلام آبیاری شده از خون شهیدان در تمام گیتی به احتراز در آید و خواهان طولانی شدن عمر امام به درازای نور خورشید [می‌باشم][3] و من می‌خواهم که بر سر قبرم دعای وحدت بخوانند و دیگر عرضی ندارم. من شهید از تمام شما خداحافظی می‌کنم تا روز قیامت همدیگر را [ببینیم][4] خداحافظ. تاریخ ماه مبارک رمضان روز ۲۰ مورخه ۱۳۶۱/۴/۲۱.

برادر شهید محمد نجاری
اعزامی از غنی‌آباد دامغان شماره شناسنامه ۵
تاریخ تولد ۱۳۴۳

1. در اصل وصیت «نفرمایید».
2. ر.ک. تعلیقات.
3. در اصل وصیت «خورشید و من می‌خواهم».
4. در اصل وصیت «ببینم».

بسم الله الرحمن الرحیم

وَلا تَقُولُوا لِمَنْ يُقْتَلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتٌ بَلْ أَحْيَاءٌ وَلَكِن لَّا تَشْعُرُونَ

و به کسانی که در راه خدا کشته میشوند نگویید مرده اند بلکه آنان زنده در نزد خدا هستند و شما این حقیقت را نمی فهمید

شکر خداوندی را که زمین را برای ما بعنوان یک دانشگاهی آفرید تا ما شاگردان این دانشگاه باشیم و پیامبران و ائمه و ولایت امر اساتید این مدرسه و دانشگاه باشند و ما دانشجویان این دانشگاه الهی وظیفه داریم که تا مدتی را که در این مکان دنیوی زندگی می کنیم در صدد انجام چند مسئله اساسی باشیم

۱- تزکیه و خودسازی: هر انسان باید خود را موظف بداند که در جهت تهذیب نفس و پاک نمودن دل از تمام آلودگیها و زشتیها کوشش نماید باید ریاضت و سختی بکشد تا توانائی از طریق این تزکیه و تهذیب

تقرب جوید که نمایشگر مسئله بعدی [illegible] اسلامی [illegible]

[illegible] یکسری از ارزشها [illegible] داشته باشیم

آن انجام دهیم که این ارزشها را بعنوان قانونی برای خود و برای جامعه بدانیم و کلیه حرکتهای اسلامی اجتماعی خود را براساس این معیارها انجام دهیم و آنچه را که موافق این معیارها است انجام داده و آنچه را که خلاف آن است رد و نفی نمائیم. و باید در صدد باشیم که اخلاق خود را یک اخلاق اسلامی نموده و همچنین اعمال و گفتارهای اسلامی داشته باشیم و در هر کارمان یک انگیزه خداوندی داشته باشیم و همیشه در کارهایمان بیاد خدا باشیم

مردم شهید پرور و خانواده گرامیم می خواهم توجه همگی شما را به چند نکته جلب کنم هرچند که ما کوچکتر از آنیم که بتوانیم راه را برای شما روشن کنیم ولی بعنوان یک فرزند از شما قبول کنید ←

اول اینکه امروزه همه شما باید در نماز جمعه‌ها و نماز جماعات و مجالس اسلامی شرکت نمائید و بصره مندشوید
که بحمدالله از همین فقط از همین راه‌ها موفق خواهید شد.
دوم اینکه شما باید ای برادران و خواهران سنگر راهی برای آموزش فرزندانتان به جبهه‌های جنگ حق علیه
باطل شوید و نگذارید فرزندانتان به جبهه‌ها نیایند امروزه دشمن بهانه‌ای برای آنها وجود ندارد
که با بهره‌ها مبارزه نکنند اگر اینجا دلیلی برخود آورند دشمن برای آنها وجود دارد و در قیامت
دشمن خداوند خودشان را پاسخ‌گو باشند
سوم اینکه شما باید هیچگاه احکام اسلام را زیر پا نگذارید و باید شبانه‌روز مراقب خود در جهت اجرای
احکام اسلام باشید و همیشه کوشش نمائید برای [illegible] اسلام دعا کنید
چهارم اینکه [illegible] فرزندانتان برای مملکت باید
مرگ شوند و عمر خود را بیهوده مصرف نکنند.

من از پدر و مادرم و خویشانم میخواهم که برای من گریه نکنند که دشمنان اسلام از گریه شما سوء استفاده
کرده و می‌گویند که چقدر اینها ضعیف هستند و میخواهم که راهم را ادامه بدهند
از ملت قهرمان و شهیدپرور میخواهم که از کمک به جبهه‌های جنگ حق علیه باطل دست برندارند و پشتوانه رزمندگان باشند.
و مردم در پشت جبهه دست این منافقان کودک را قطع کنند و نگذارند این چنین عزیزان را از ملت
بگیرند و کشور را عزادار بکنند

من از خانواده‌ام میخواهم که حداقل ده روز از مراسمهای گذشت روزه واجب دارم که برایم ترتیبش را بدهند
و مدت این چند روز هم که در ماه مبارک در جبهه بودم و کفاره نمازهای را هم که نخوانده‌ام بدهند خیلی خواهشم
[illegible]
و بیروزی کامل جبهه اسلام بر جبهه کفر را میدانم که پرچم خونین اسلام آبیاران شهدا از خون سرخشان
در تمامی گیتی به اهتزاز درآید و خواهان طولانی شدن عمر امام به درازای نور خورشید
و من میخواهم که بر سر قبرم دعای وحدت بخوانند و دیگر عرضی ندارم من شهید از تمام شما حلالی میکنم
تا روز قیامت همدیگر را ببینیم خدا حافظ تاریخ ماه مبارک رمضان روز ۲۰
سورخ ۲۱/۴/۱۳۶۱

مراد شهید صفت نجاری

[illegible] - شماره شناسنامه [illegible] تاریخ تولد ۱۳۴۲

بسم‌اله الرحمن الرحیم

و به کسانی که در راه خدای خود کشته میشوند نگوئید مرده‌اند بلکه آنان زنده در نزد خدا هستند وهمهٔ شما این حقیقت را نمیفهمید .

شکر خداوندی را که زمین را برای مابعنوان یك دانشگاهی آفرید تا ماشاگردان این دانشگاه باشیم و پیامبران و ائمه و ولایت امر اساتید این مدرسه و دانشگاه باشند و ما دانشجویان این دانشگاه الهی و ظیفه داریم که تا مدتی را که در این مکان دنیوی زندگی میکنیم در صدد و انجام چند مسئله اساسی باشیم :

تزکیه و خودسازی ، هر انسان باید خود را موظف بداند که در جهت تهذیب نفس و پاك نمودن دل از تمام آلودگیها و زشتیها کوشش نمایند باید زیافت و سختی بکشند تابتوانند از طریق این تزکیه و تهذیب تقرب بسوی اله نمائید مسئله بعدی ، ۲ـ حاکمکردن ارزشهای اسلامی بر خود و بر جامعه است ماباید در هر کارمان یك سری از ارزشها و معیارهای اسلامی را داشته باشیم که تمام اعمال و کارهایمان را بر اساس آن انجام دهیم که این ارزشها را بعنوان قانونی برای خود و برای جامعه بدانیم و کلیه حرکتهای اسلامی اجتماعی خود را براساس این معیارها انجام دهیم و آنچه را که ملوفق این معیارها است انجام داد موآنچه را که خلاف آن است رد و نفی نمائیم و باید در صدد باشیم که اخلاق خود را یك اخلاق اسلامی نموده و همچنین اعمال و گفتارهای اسلامی داشته باشیم و در هر کارمان یك انگیزه خداوندی داشته باشیم و همیشه در کارهایمان بیاد خدا باشیم .

مردم شهید پرور و خانوادهٔ گرامیم میخواهم توجه همگی شما را به چند نکته جلب کنم هر چند که ما کوچکتر از آنیم که بتوانیم راه را برای شما روشن کنیم ولی بعنوان یك فرزند از شما قبول کنید ، اول اینکه امروزه همه شما باید در نماز جمعه ها و نماز جماعات و محالس اسلامی شرکت نمائید و بهره مند شوید . که بخدا رسیدن فقط از همین راهها موفق خواهید شد .

دوم اینکه شما نباید ای پدران و مادران سد راهی برای آمدن فرزندانتان به جبهه های جنگ حق علیه باطل شوید و بگذارید فرزندانتان به جبهه ها بیایند امروزه دیگر بهانه‌ای برای آنها وجود ندارد که پا بعرصه مبارزه با کفار نگذارند اگر اینجا دلیلی بر خود آورند دلیلی برای آنها وجود ندارد و درقلمبنامت دیگر خدا حرفشان را پذیرا نیست .

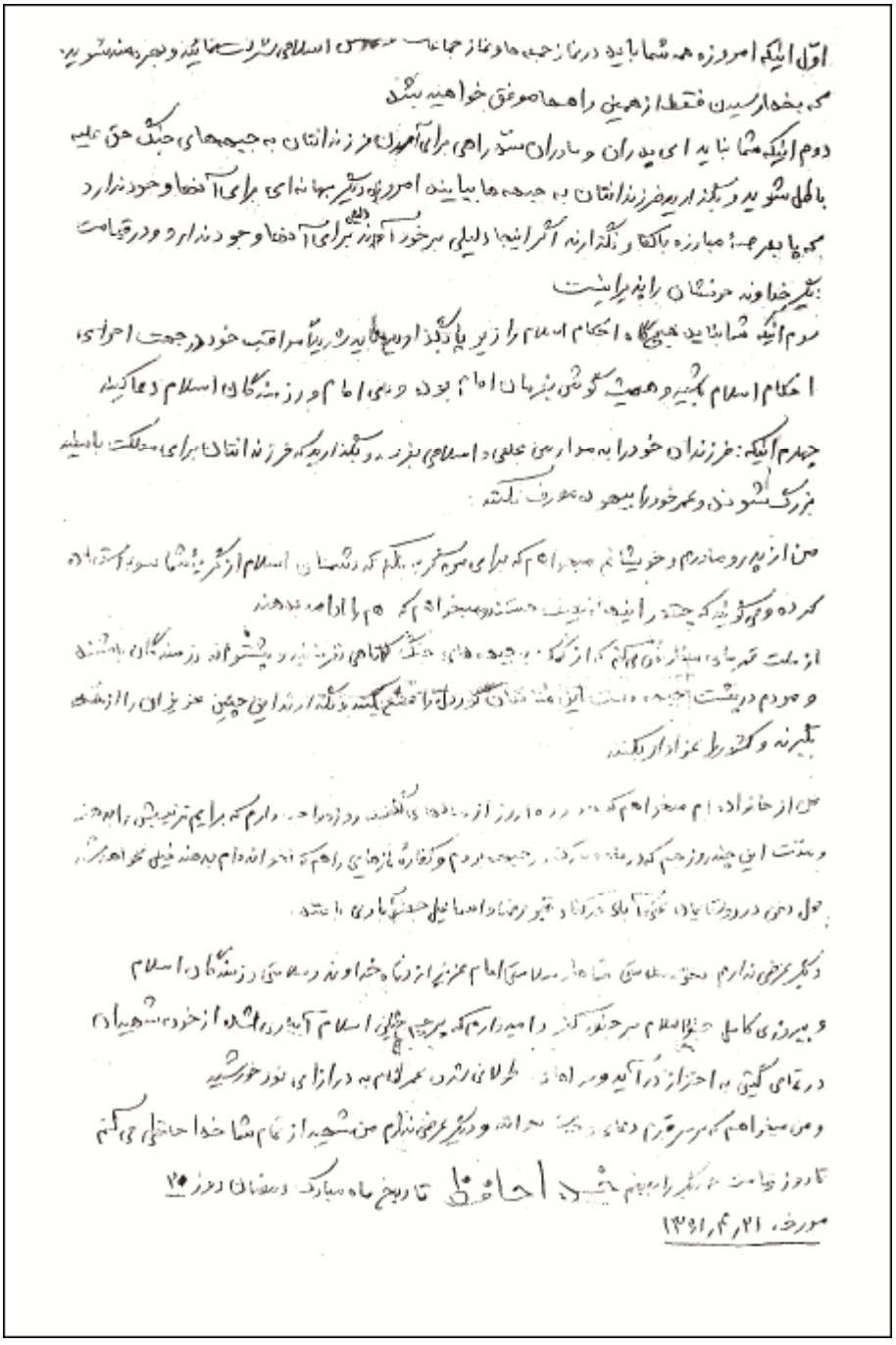
سوم اینکه شما نباید هیچ گاه احکام اسلام را زیر پا بگذارید و باید شدیداً مراقب خود در جهت اجرای احکام اسلام باشید و همیشه گوش بفرمان امام بوده و برای امام و رزمندگان اسلام دعاکنید .

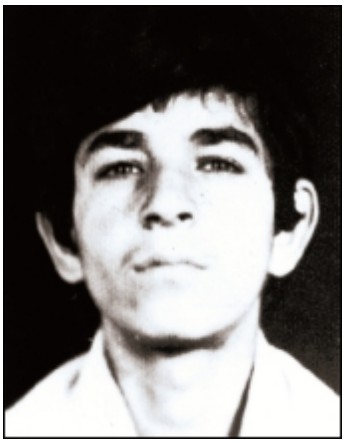
چهارم اینکه فرزندان خود را به مدارس علمی واسلامی بفرستید و بگذارید که فرزندانتان برای مملکت بامفید بزرگ شوند و عمر خود را بیهوده مصرف نکنند .

من از پدر و مادرم و خویشانم میخواهم که برای من گریه نکنند که دشمنان اسلام از گریه شما سوء استفاده کرده و میگویند که چقدر اینها ضعیف هستند و میخواهم که راهم را ادامه بدهند از ملت قهرمان سفارش میکنم که از کمك به جبهه های جنگ کوتاهی نفرمایند و بهتیوانه رزمندگان باشند و مردم در پشت جبهه دست این منافقان کور دل را قطع بکنند ونگذارند این چنین عزیزان را از ملت بگیرند و کشورا عزادار بکنند .

من از خانواده‌ام میخواهم که حدود ۱۰ روز از سالهای گذشته روزه واجب دارم که برایم ترتیبش را بدهند و مدت این چند روز هم که در ماه مبارک در جبهه بودم و کفاره نمازهائی را هم که نخوانده‌ام بدهند خیلی نخواهد شد.
محل دفن در روستایمان فنی آباد در کنار قبر رضا و اسماعیل جعفر آبادی باشد.
دیگر عرض ندارم بجز سلامتی شما ها و سلامتی امام عزیز از درگاه خداوند و سلامتی رزمندگان اسلام و پیروزی کامل جنود اسلام بر جنود کفر و امید وارم که پرچم خونین اسلام آبیاری شده از خون شهید این در تمام گیتی به اهتزاز در آید و خواهان طولانی شدن عمر امام به درازای نور خورشید و من میخواهم که برسر قبرم دعای وحدت بخوانید و دیگر عرض ندارم بمن شهید از تمام شما خداحافظی میکنم تا روز قیامت همدیگر را بنیم خداحافظ

تاریخ ماه مبارک رمضان روز ۱۰ مورخه ۱۳۶۱/٤/۲۱





نام: **ابوالقاسم**
نام خانوادگی: **نجف‌زادگی**
نام پدر: **غلامرضا**
نام مادر: **زهرا**
تاریخ تولد: **یکم اردیبهشت ۱۳۴۵**
محل تولد: **روستای تاش علیا از توابع شاهرود**
تحصیلات: **چهارم ابتدایی**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **بیست‌ودوم تیر ۱۳۶۱**
محل شهادت: **شلمچه**
نحوهٔ شهادت: **اصابت خمپاره**
مزار: **گلزار شهدای فردوس رضای زادگاهش**

عبارت‌های کلیدی

- به نظر من شهادت وحشت نیست و من شهادت را بهترین و بالاترین درجه می‌دانم که خدا نصیب نیکوکاران می‌کند.
- می‌خواهم دینم را به جامعه ادا نمایم و راه شهیدان را ادامه دهم.
- ای پدر عزیز و مادر عزیز در نبود من غم و اندوه به دل را مدهید.
- ای خواهر عزیز از تو می‌خواهم که در کلاس‌های ایدئولوژی و اسلحه‌شناسی شرکت کنی.
- از جوانان وطن می‌خواهم که راه مرا ادامه دهند.

ابوالقاسم نجف‌زادگی

بسم الله الرّحمن الرّحیم

بسم رب الشهدا و الصدیقین

به نام خدا

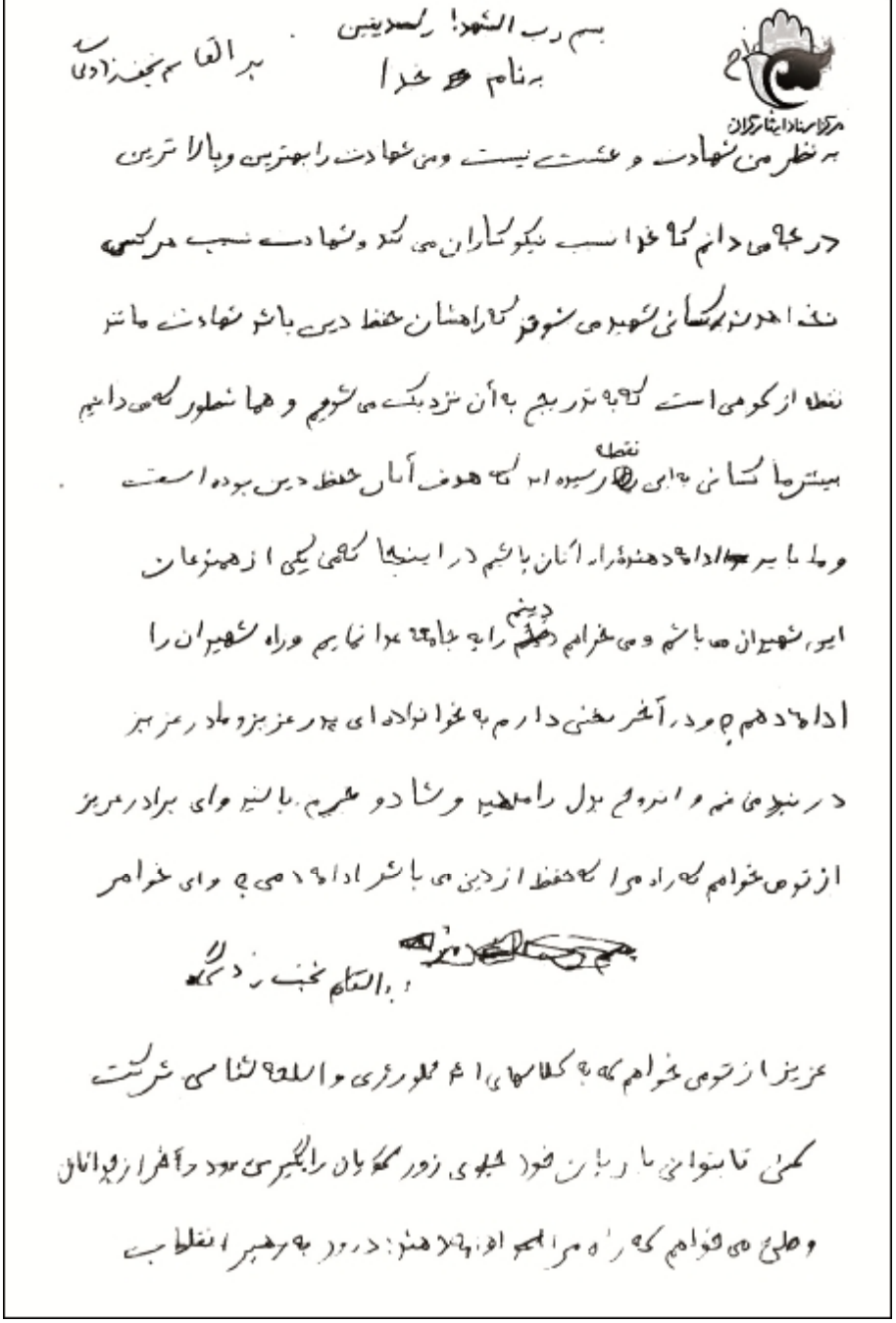
به نظر من شهادت وحشت نیست و من شهادت را بهترین و بالاترین درجه می‌دانم که خدا نصیب[1] نیکوکاران می‌کند و شهادت نصیب[2] هر کس نخواهد شد. کسانی شهید می‌شوند که راهشان حفظ دین باشد، شهادت مانند نقطه از کوهی است که به تدریج به آن نزدیک می‌شویم و همانطور که می‌دانیم بیشتر [ما] کسانی به این نقطه رسیده‌اند که هدف آنان حفظ دین بوده است و ما باید ادامه دهنده راه آنان باشیم.

در اینجا من یکی از هم‌نوعان این شهیدان می‌باشم و می‌خواهم دینم را به جامعه ادا[3] نمایم و راه شهیدان را ادامه دهم. و در آخر سخنی دارم به خانواده[4]ای پدر عزیز و مادر عزیز در نبود من غم و اندوه[5] به دل[6] را مدهید و شاد و خرّم باشید و ای پدر عزیز از تو می‌خواهم که راه مرا که حفظ [از] دین می‌باشد ادامه دهی. و ای خواهر عزیز از تو می‌خواهم که در[7] کلاس‌های ایدئولوژی و اسلحه‌شناسی شرکت کنی تا بتوانی با زبان خود جلوی زورگویان را بگیری و در آخر از جوانان وطن می‌خواهم که راه مرا ادامه دهید: درود به رهبر انقلاب.

ابوالقاسم نجف‌زادگی

---

1. در اصل وصیت «نسیب».
2. در اصل وصیت «نسیب».
3. در اصل وصیت «عدا».
4. در اصل وصیت «خوانواده».
5. در اصل وصیت «اندوح».
6. در اصل وصیت «بدل».
7. در اصل وصیت «به».



بسم رب الشهدا والصدیقین

به نام خدا

ابوالقاسم نجف زادگی

به نظر من شهادت و عشقی نیست و من شهادت را بهترین و بالاترین

درجه می دانم تا خواست نیکوکاران می کند و شهادت سبب مرگی

نفس احمرانه کسانی شهید می شوند تا راهشان خط دین باشد شهادت ما تنها

نقطه ازکومی است که به تربیع به آن نزدیک می شویم و ما همانطور که می دانیم

بیشتر ما کسانی هایی که نقطه رسیده ایم که هدف آنان خط دین بوده است

و ما باید ادامه دهنده راه آنان باشیم در اینجا کلمه کمی از همسرم

ایران شهیدان می باشم و می خواهم دینم را به جامعه ادا نمایم و راه شهیدان را

ادامه دهم و در آخر بخشی دارم به خواننده ای پدر عزیز و مادر عزیز

در سنین من و انروح بزل را ملهم و شاد و عزیز باشید و ای برادر عزیز

از تو می خواهم که راه مرا که خط از دین می باشد ادامه دهی و ای خواهر

والسلام نجف زادگی

عزیز از تو می خواهم که به کلاسهای اش ضمن درس و اطلاعاتی شرکت

کنی تا بتوانی با ربان خود خطبه زور گویان را بگیری و در آخر از برادران

و طلبه می خواهم که راه مرا که ادامه دهند در رود به رهبر انقلاب



نام: **قنبرعلی**
نام خانوادگی: **نجفی**
نام پدر: **عباسعلی**
نام مادر: **کشور**
تاریخ تولد: **نهم اسفند ۱۳۴۱**
محل تولد: **شهرستان دامغان**
تحصیلات: **پایان دوره راهنمایی**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **چهارم دی۱۳۶۵**
محل شهادت: **شلمچه**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش**
مـزار: **گلـزار شـهدای فـردوس رضای زادگاهش**

عبارت‌های کلیدی

- می‌روم به جبهه حق علیه باطل تا فریاد حق‌طلبانه این ملت مظلوم را با رگبار گلولـه بـر گـوش این کافران بعثی و این منافقین این خونخواران و جنایتکاران و آن اربابان به اصطلاح ابرقدرتش برسانم.
- می‌روم تا خط سرخ شهادت را رنگین‌تر کنم.
- بارالها من خواهان شهادتم اما نه به آن معنی که از دنیا و زندگی خسته شده‌ام.
- خواهرم با حجابت هم‌چون زینب(علیهاالسلام) پیرو خون حسین(علیه‌السلام) باش.
- برادرم با رفتن به نمازهای جماعت و مبارزه کردن با نفس خود اسلام را یاری و مرا خوشـحال می‌کنی.
- همسرم در همه حال و در همه جا به یاد خدا باش.
- همسرم، فرزندم را طوری تربیت کن که بعدها یک فرد مفیدی برای جامعه باشد.
- تقاضا می‌کنم که ملت رنج‌دیده و محروم ایران را هرگز فراموش نکنید.
- ما امروز به این ملت محروم مدیون هستیم و باید بجنگیم و بمیریم تا ان‌شاءالله پیروز شویم.

قنبرعلی نجفی

بسم الله الرّحمن الرّحیم

به نام او که دلها پروانه اوست

«ما در ره عشق نقض[۱] پیمان نکنیم — گر جان طلبد[۲] دریغ از جان نکنیم[۳]
دنیا اگر از یزید[یان] لبریز شود — ما پشت به سالار شهیدان نکنیم»[۴]

* * *

«اگر گردم شهید راه میهن — بماند تا قیامت شهرت من
چو[۵] حفظ ملک دین از واجبات است — نباید پس دمی غافل نشستن»

با سلام و درود بر مهدی موعود منجی عالم و هدایت کننده بشر و نایب بر حقش رهبر مستضعفین جهان و [...][۶] بت‌شکن زمان خمینی و با سلام و درود بر تمامی رزمندگان اسلام در جبهه‌های حق علیه باطل و به امید پیروزی هرچه سریع‌تر رزمندگان از خداوند بزرگ سپاسگزارم که تا اینجا [به] من[۷] قدرت و نیرو داد و توانستم خود را به حدّی برسانم که از این نعمت‌ها به خوبی استفاده نمایم و توانایی داد تا چند کلمه‌ای به عنوان وصیت برای خانواده پدر و مادر و خواهر و برادرم و زن و فرزند مهربان خود بنویسم.

می‌روم به جبهه حق علیه باطل تا فریاد حق‌طلبانه این ملت مظلوم را با رگبار گلوله[۸] بر گوش این کافران بعثی[۹] و این منافقین[۱۰] این خونخواران و جنایتکاران[۱۱] و آن اربابان به

به اصطلاح ابرقدرتش برسانم، می‌روم تا خط سرخ شهادت را رنگین‌تر کنم «یا غیاث‌المستغیثین[۱۲] یا حبیب[۱۳] القلوب الصّادقین و یا اله[۱۴] العالمین»[۱۵] ای صاحب اختیار مؤمنان، ای نهایت آرزوی عارفان، ای فریادرس فریادخواهان و ای محبوب دل‌ها و ای خدای جهانیان، گواه باش که در این دنیا به ظاهر[۱۶] در تنهایی زیستم ولی تو را بهترین دوست‌ها، عشق‌ها و آمال‌ها یافتم، پس مرا به سوی خودت فرا خوان.

خدایا شاهد باش که از تمام مظاهر مادی و از تمام عشق‌های دنیوی دل بریدم تا به تو بپیوندم. خدایا شاهد باشد به عشق تو و در راه تو حرکت کردم و اینک فقط رسیدن به تو را انتظار دارم. بارالها من خواهان شهادتم اما نه به آن معنی که از دنیا و زندگی خسته شده‌ام، بلکه می‌خواهم با رنج کشیدن در راه تو و ریختن خونم، به خاطر تو ذره‌ای از گناهانم پاک گردد.

پدر و مادر عزیز و خواهران و برادران مهربانم من برای شما فرزند خوبی نبودم؛ و از شما تقاضا می‌کنم که مرا حلال کنید و تو خواهرم با حجابت هم‌چون زینب(علیهاالسلام) پیرو

---

1. در اصل وصیت «نفس».
2. در اصل وصیت «کلید».
3. در اصل وصیت «بکنیم».
4. در اصل وصیت «می‌کنیم».
5. در اصل وصیت «چه».
6. خوانا نیست.
7. در اصل وصیت «(من)».
8. در اصل وصیت «لکوله».
9. ر.ک. تعلیقات.
10. ر.ک. تعلیقات.
11. در اصل وصیت «جنایتگاران».
12. در اصل وصیت «المستغسین».
13. در اصل وصیت «حبب».
14. در اصل وصیت «یا الله».
15. فرازی از دعای کمیل، مفاتیح الجنان.
16. در اصل وصیت «بظاهر».

خون حسین(علیه‌السلام) باش و تو برادرم با رفتن به نمازهای جماعت و مبارزه کردن[1] با نفس خود اسلام را یاری و مرا خوشحال می‌کنی و [از] دعا کردن به جان تمام رزمندگان و دعا کردن به جان امام یادتان نرود.

و تو همسرم در همه حال و در همه جا به یاد خدا باش و فرزندم را طوری تربیت کن که بعدها یک فرد مفیدی برای جامعه باشد و از تو هم می‌خواهم که تمامی بدیهای من را زیر پا بگذاری و مرا حلال کنی. در ضمن وصی و وکیل من پدرم است و هر کاری که خواست برای من انجام بدهد، شما دخالتی نکنید. او خود [می‌داند][2] که چه‌کار بکند.

پدر مهربان و دلسوز من، اول خدا دوم شما. زن و فرزندم را به شما می‌سپارم و از شما می‌خواهم که به خوبی در غیاب من از ایشان پذیرائی کنید و اما دوستان و همرزمان هر چند که دوست و همرزم خوبی برای شما نبودم ولی از شما عاجزانه تقاضا می‌کنم که ملت رنج‌دیده و محروم ایران را هرگز فراموش نکنید. چرا که ما امروز به این ملت محروم مدیون هستیم و باید بجنگیم و بمیریم تا ان‌شاءالله پیروز شویم و این‌گونه مرگ برای ما افتخار است. به امید ظهور هرچه زودتر حضرت مهدی (عج) و با امید به پیروزی تمامی رزمندگان و با گسترش انقلاب اسلامی ایران به تمامی جهان. با همگی شما خداحافظی می‌کنم. خداحافظ.

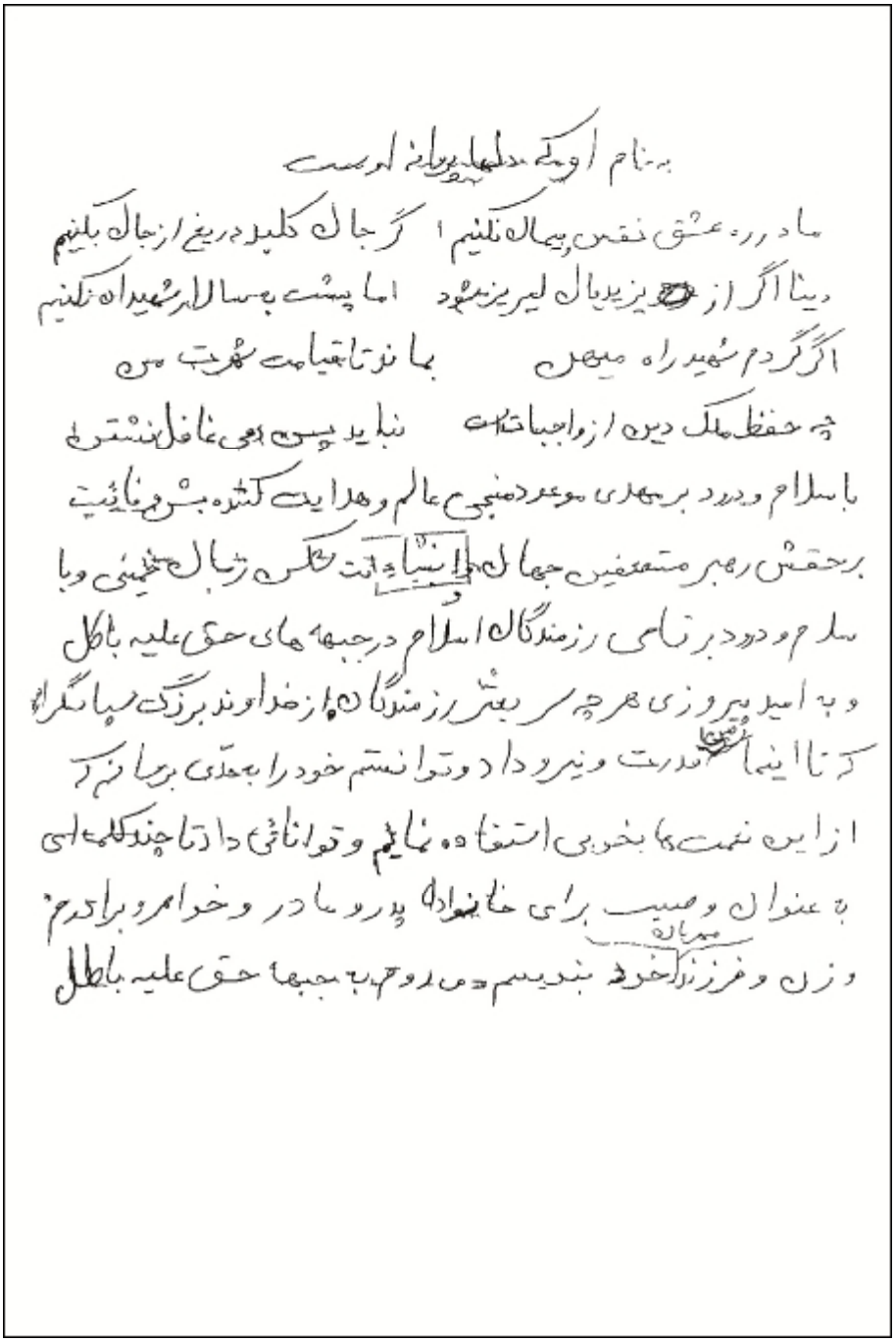
والسلام[3]

مبلغ ۸ هزار تومان به قرض‌الحسنه بپردازید.

قنبرعلی نجفی

---

1. در اصل وصیت «گردن».
2. در اصل وصیت «می‌داد».
3. در اصل وصیت «وسلام».



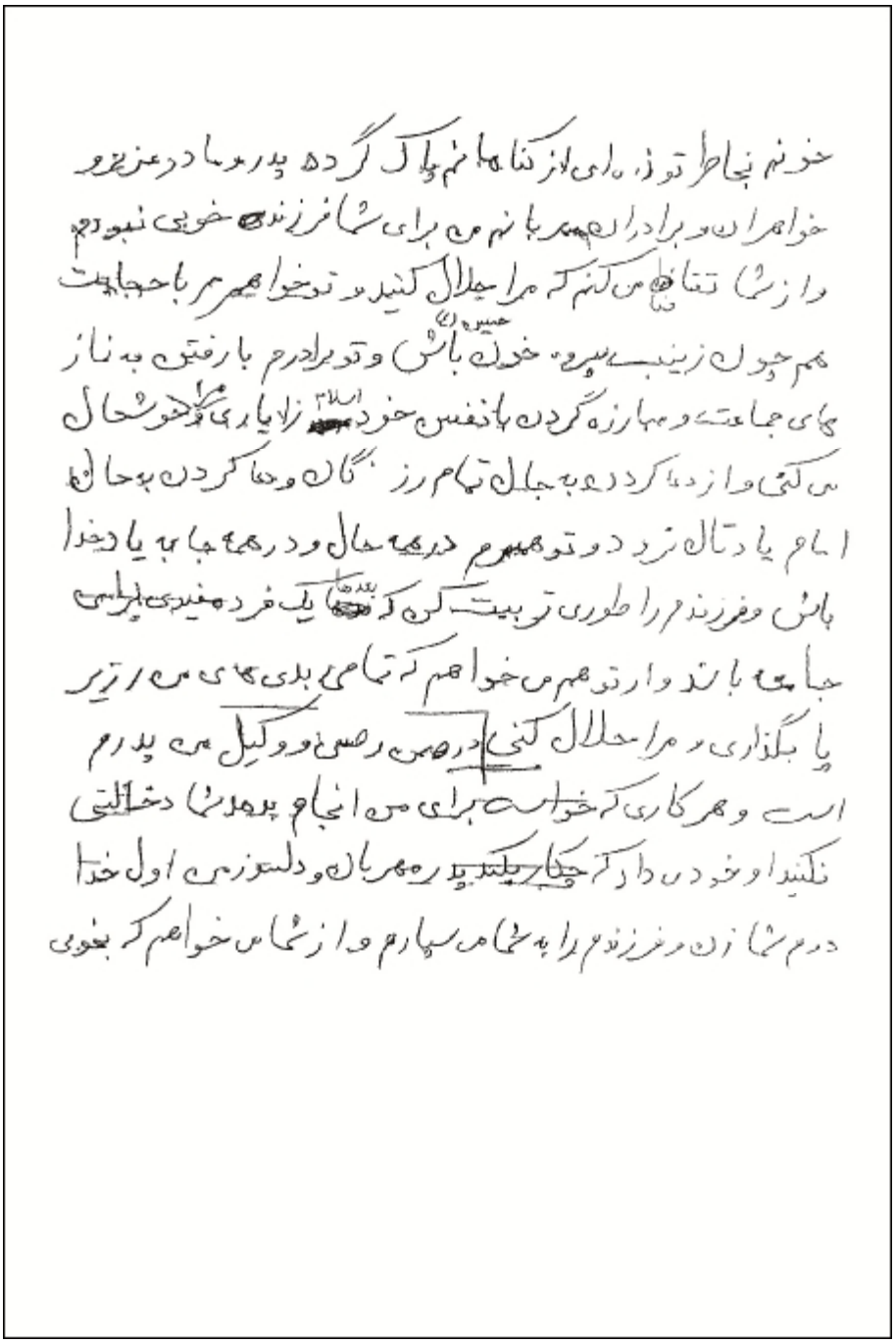
به نام او که دلها به یاد او آرام است

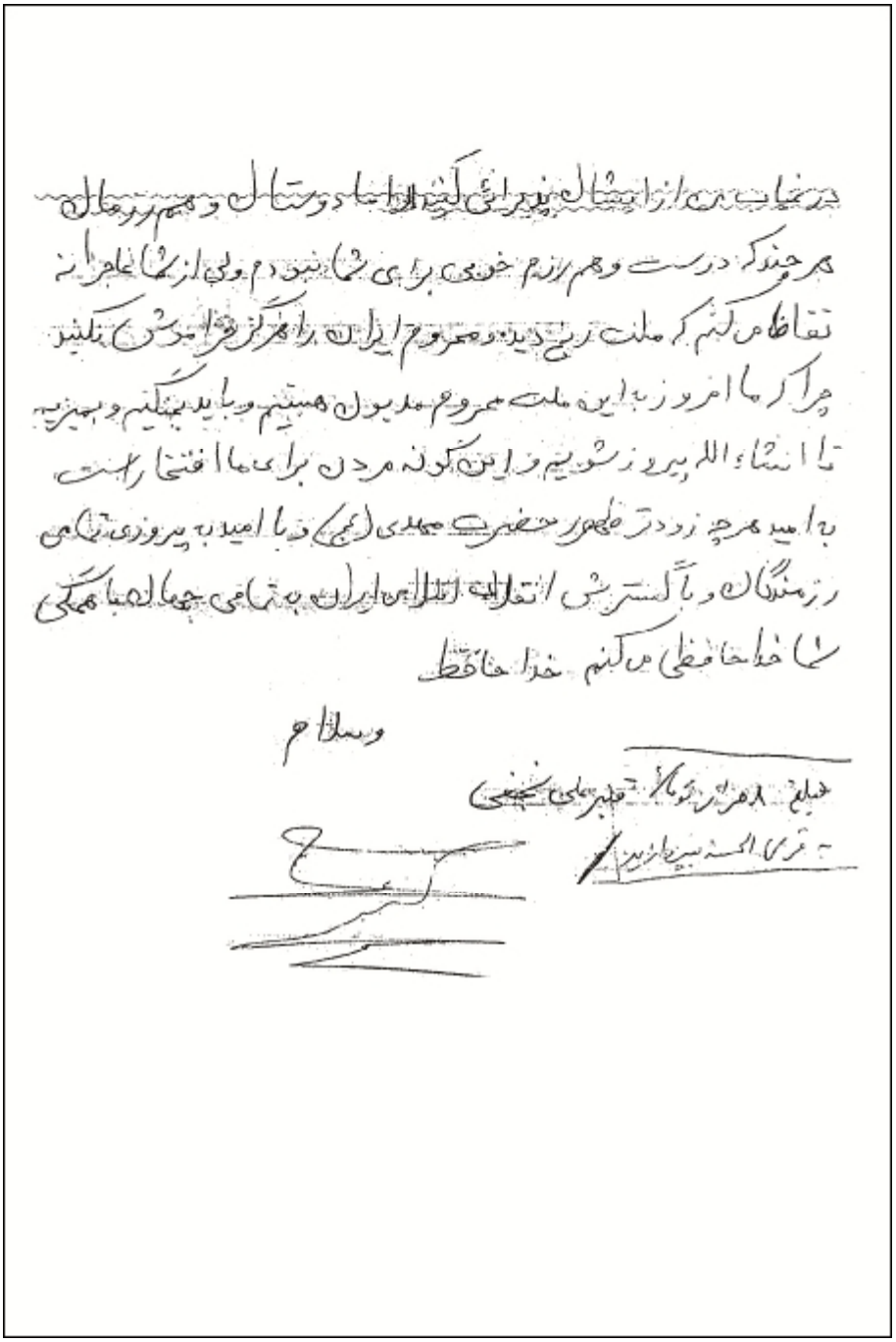
ما در راه عشق نقش بیمار نکنیم اگر جان کلید در بغل از جان بکنیم
دنیا اگر از حسین یزدان لبریز شود اما پشت به سالار شهیدان نکنیم
اگر گردم شهید راه میهن بماند تا قیامت سهم من

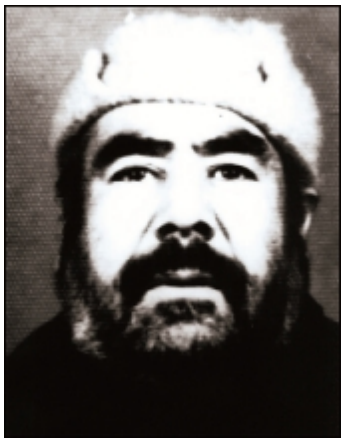
چه حفظ ملک دین از واجبات است نباید پس هیچ غافل نشست

با سلام و درود بر مهدی موعود منجی عالم و هدایت کننده بشریت به انتظار
برحق‌ش رهبر مستضعفین جهان امام امت نایب بر حق امام خمینی و با
سلام و درود بر تمامی رزمندگان اسلام در جبهه های حق علیه باطل
و به امید پیروزی هر چه سریعتر رزمندگان اسلام از خداوند بزرگ میخواهم
که تا اینجا قدرت و نیرو داد و توانستم خود را به جبهه برسانم که
از این نعمت ها بخوبی استفاده نمایم و توانائی داد تا چند کلمه ای
به عنوان وصیت برای خانواده پدر و مادر و خواهر و برادرم
و زن و فرزند آخرم بنویسم من در جبهه حق علیه باطل









نام: **محمداسماعیل**
نام خانوادگی: **نجفی**
نام پدر: **خلیل**
نام مادر: **زینب**
تاریخ تولد: **دهم شهریور ۱۳۱۴**
محل تولد: **روستای قلعه نو از توابع شهرستان شاهرود**
تحصیلات: **سوم ابتدایی**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **بیست‌وپنجم دی ۱۳۶۵**
محل شهادت: **هفت تپه**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش**
مزار: **گلزار شهدای زادگاهش**

عبارت‌های کلیدی

✿ پسرم، اگر خیری از دنیا باید ببری مادر و خواهر و برادران خود را باید رسیدگی و پرستاری بکنی.

محمداسماعیل نجفی

بسم الله الرّحمن الرّحیم

وصیت نموده و وصی خود قرار دادم آقای محمداسماعیل نجفی به شناسنامه شماره ۲۶۴۱ صادره از قلعه نو با نظارت آقای حسین نجفی و دارای شناسنامه شماره ۷۱ صادره از علی‌آباد به وصیت‌های من که در این اوراق به شرح رفته است عمل نماید: محل دفن قلعه نو، نماز وحشت بخواند، تجهیز و تعزیه‌داری در حسینیه قلعه‌نو و نماز استیجاری بخواند، روزه استیجاری ندارم، خمس دارم، زکات[1] دادم، مظالم العباد دادم، نیابت حجّ نداشتم و کفّارات داشتم دادم. از ثلث مالم برداشته و بقیه ثلث را در موارد زیر به مصرف برساند: چیزی داشتم، یک خرج جزئی[2] بدهند. مهریهٔ زوجه دائمی خود از سهم خودم که خانه‌ای دارم یک دانگ[3] بدهند. شهرت اسدفر شماره شناسنامه ۲۱۱ صادره از قلعه آقاعبدالله فرزند ذبیح‌الله[4] مبلغ یک دانگ[5] حیاط[6]، ۲ـ بقیهٔ آن را به وارث خودم داده‌ام. ۳ـ اساس زندگی خانه یک دست اثاث تکمیل، فرش و رختخواب[7] به مادر خودتان کافی بدهید. ۴ـ جمع دانگ حیاط[8] ۶ دانگ[9] ۵ـ ۳ دانگ[10] آن‌را به همسر خود و بقیه وارث [به] بچه‌های خودم و مطالبات من بدین شرح است: ۱ـ بدهکاری من ۱۷۰۰ تومان به تکیه خرقان است. ۲ـ بدهکاری به حاج‌ابراهیم منتظری، ۱۰ هزار تومان ۳ـ بدهکاری من به حاج ابراهیم منتظری برنج ۱۹ کیلو. ۴ـ به تکیه ۵۰۰ تومان ۵ـ از حسین حاج علی‌اصغر حسینی ۴۰۰۰ تومان. ۶ـ

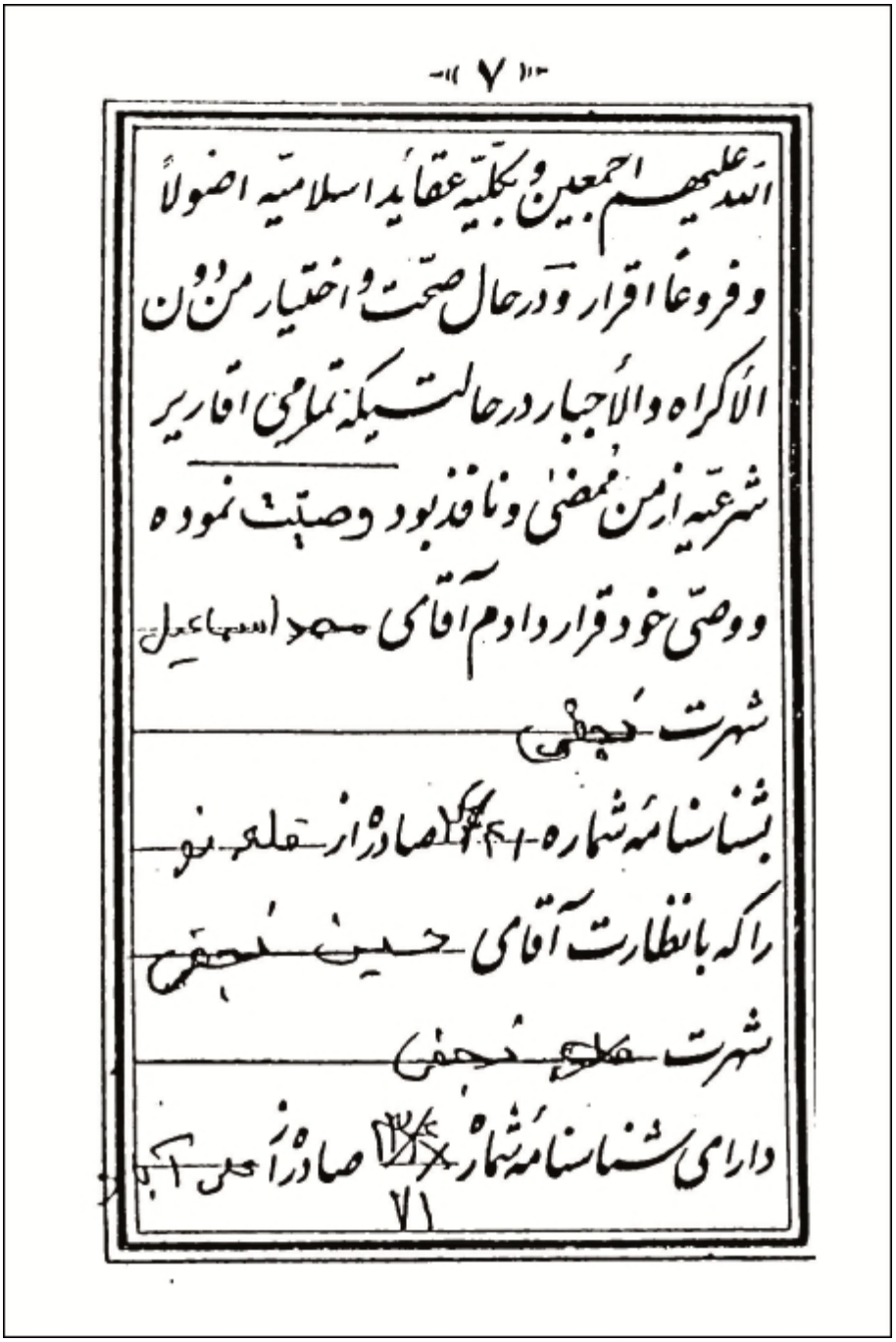
1. در اصل وصیت « زکوة».
2. در اصل وصیت «جزعی».
3. در اصل وصیت «دُنگ».
4. در اصل وصیت «زبیح‌الله».
5. در اصل وصیت «دُنگ».
6. در اصل وصیت «حیات».
7. در اصل وصیت «رخته‌خاب».
8. در اصل وصیت «دنگ حیات».
9. در اصل وصیت «دنگ».
10. در اصل وصیت «دنگ».

بدهکاری آخر ۳۰ هراز تومان. قیومیت اطفال علی‌اکبر علی اصغر خلیل حسین شهربانو خدیجه شهرت نجفی به شناسنامه [...][1] صادره از علی‌آباد فرزند محمداسماعیل واگذار نمودم به تاریخ ۶۵/۱۰/۱۰

آقای حسین نجفی من شما را بیست و پنج سال بزرگ کرده‌ام، زن به تو داده‌ام و شما هم این برادر خودت را سرپرستی می‌کنی و زن [و] زندگی برایشان درست می‌کنی و اگر خیری از دنیا باید ببری مادر و خواهر و برادران خود را باید رسیدگی و پرستاری بکنی تا خیری از دنیا ببری.

1. خوانا نیست.

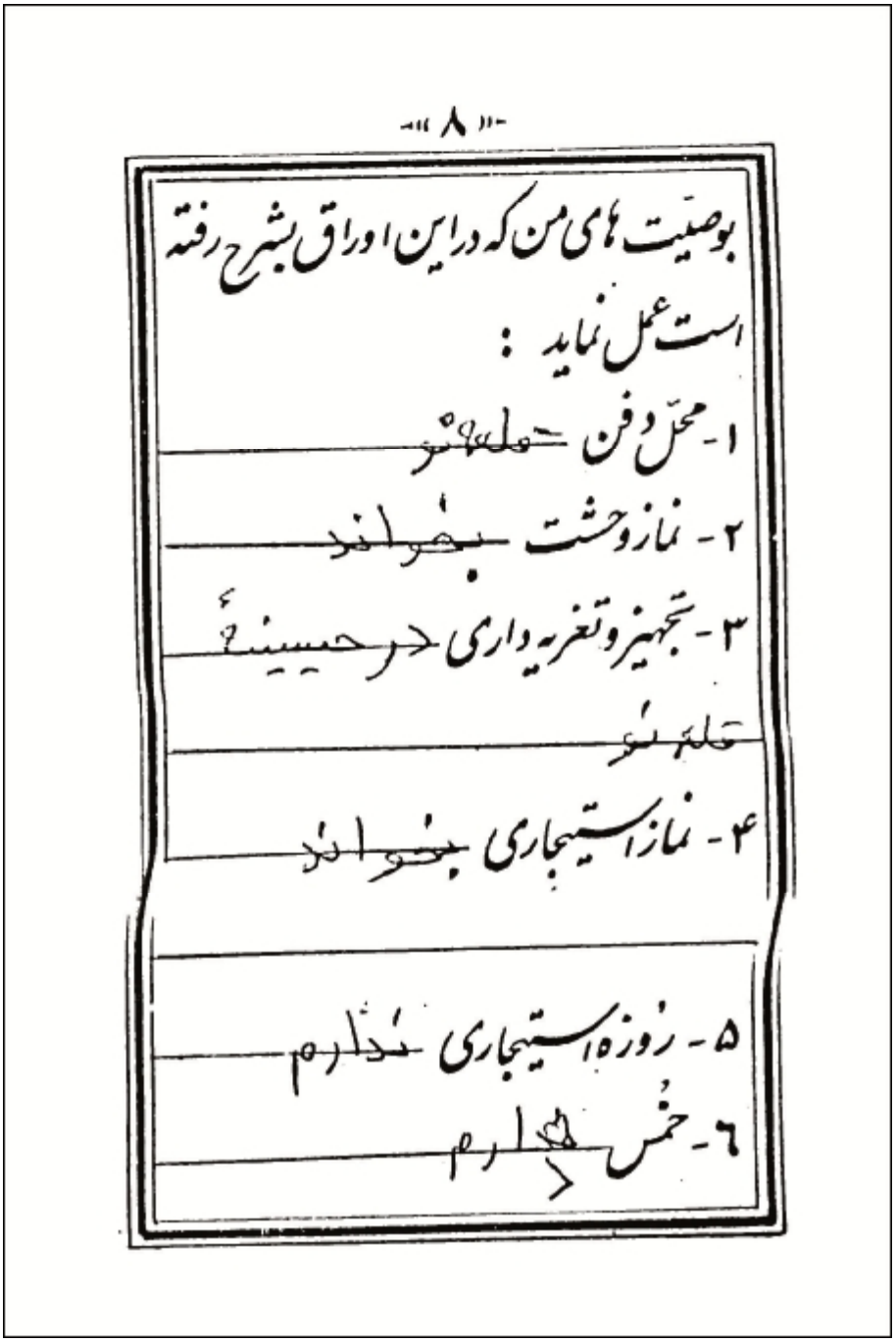
فِی الْقَبْرِ وَحْشَتِی وَاجْعَلْ لِی عَهْدًا یَوْمَ
اَلْقَاکَ مَنْشُورًا ، پس وصیت کند (باب حدیث ۱)
علیهذا توفیقات ربانی شامل حال اینجانب :
اسماعیل نجفی شهرت نجفی
دارای شناسنامه شماره ۱۰۴۲ صادره از :
حلقه نو فرزند خلیل
ساکن حلقه نو رفسنجان
شده که بوحدانیت الهی و نبوت جمیع انبیاء و خاتمیت
حضرت محمد بن عبدالله صلی الله علیه و آله و ولایت
و عصمت ائمه اثنی عشر و حضرت فاطمه زهراء صلوات



-« ۷ »-

الله علیهم اجمعین و بکلیه عقاید اسلامیه اصولاً
و فروعاً اقرار و در حال صحت و اختیار من دون
الاکراه و الاجبار در حالتیکه تمامی اقاریر
شرعیه از من ممضی و نافذ بود وصیت نموده
و وصی خود قرار دادم آقای محمد اسماعیل
شهرت نجفی
بشناسنامه شماره ۴۴۰۴ صادره از قلعه نو
را که با نظارت آقای حسین نجفی
شهرت علی نجفی
دارای شناسنامه شماره ۱۲۸۶ صادره از اصفهان

۷۱



-« ۸ »-

بوصیت های من که در این اوراق بشرح رفته است عمل نماید :

۱- محل دفن ~~ملهنو~~

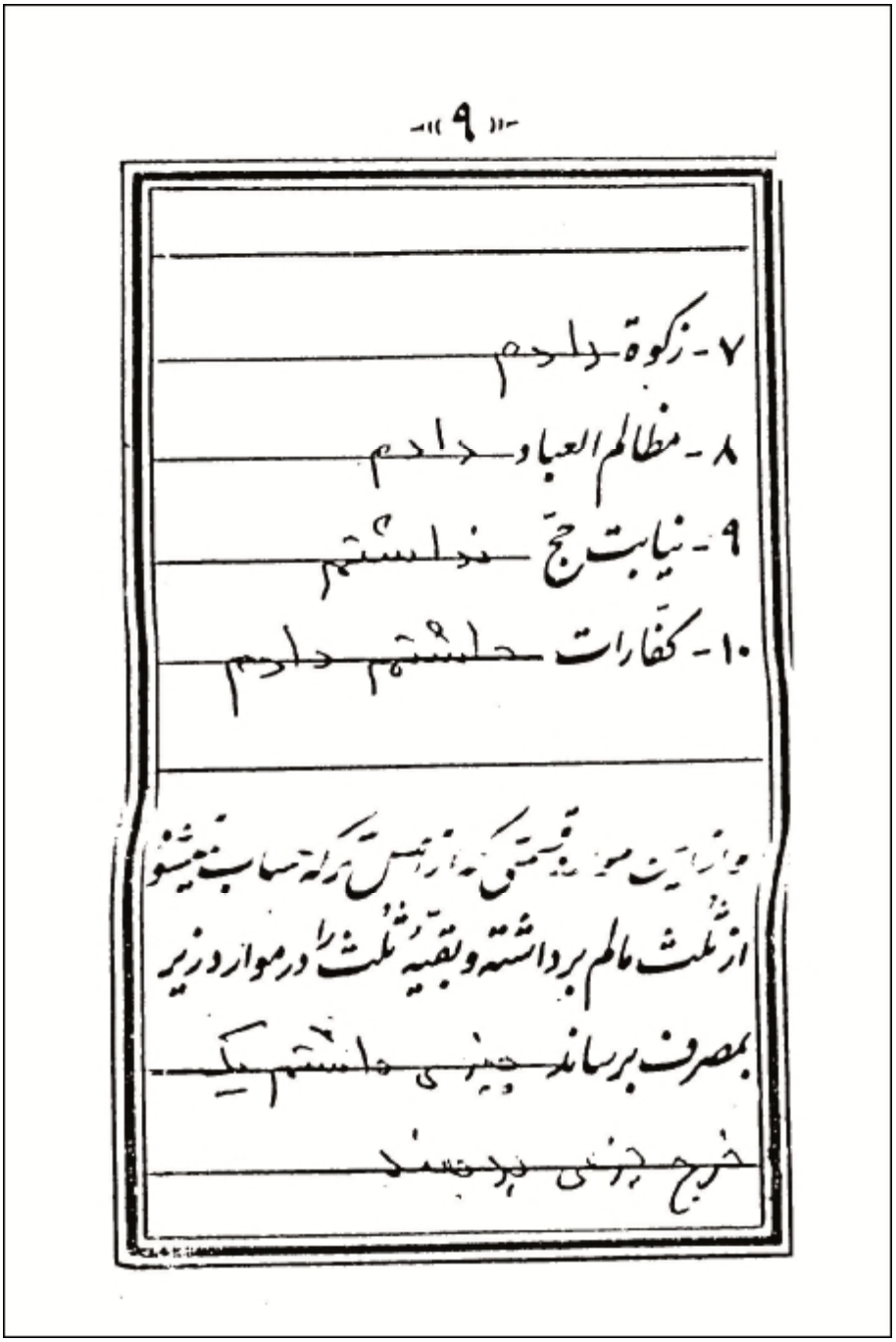
۲- نماز وحشت ~~بخوانند~~

۳- تجهیز و تغزیه داری ~~در حسینیه~~ ~~ملهنو~~

۴- نماز استیجاری ~~بخوانند~~

۵- روزه استیجاری ~~ندارم~~

۶- خمس ~~ندارم~~



-« ۹ »-

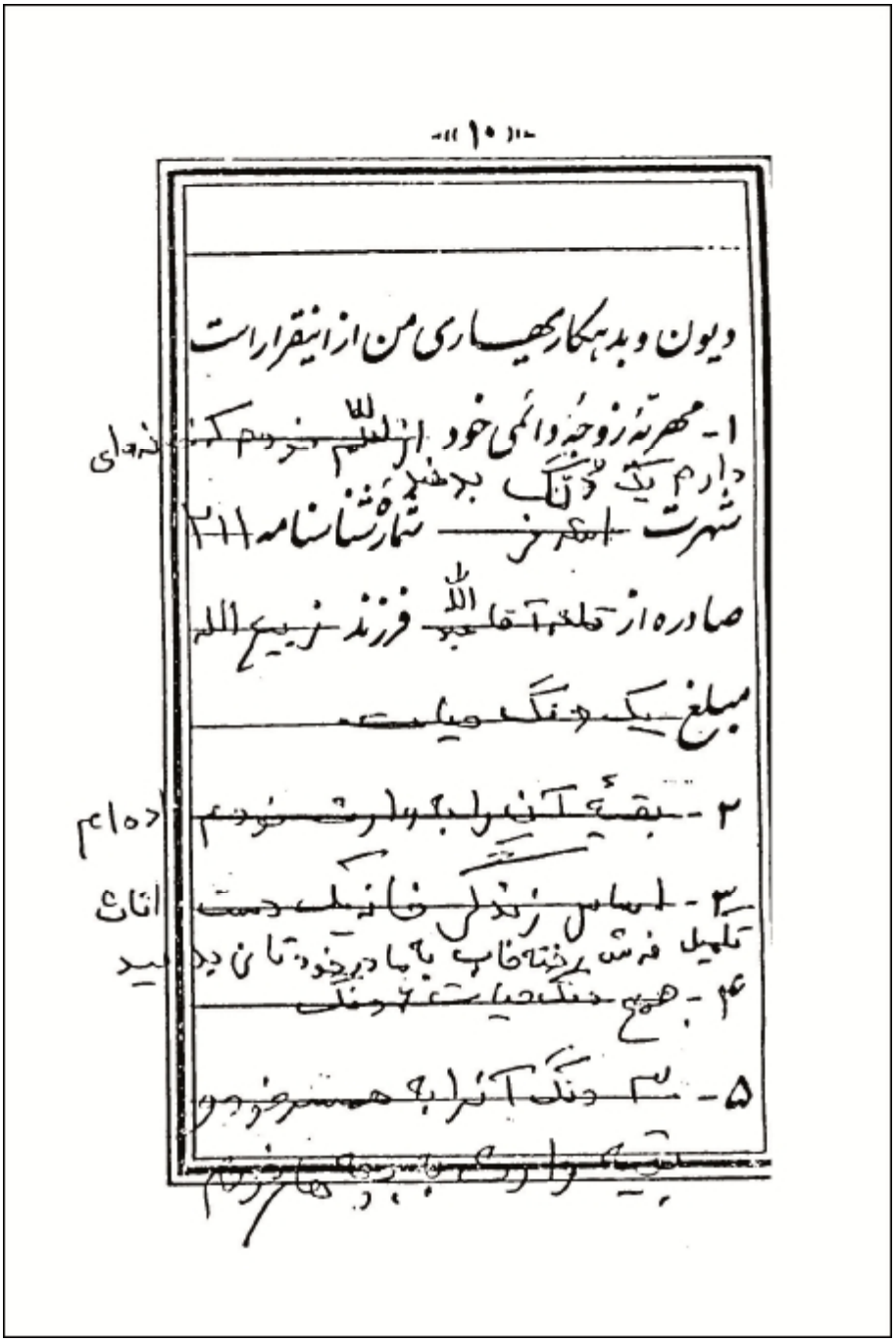
۷- زکوة دادم

۸- مظالم العباد دادم

۹- نیابت حج نداشتم

۱۰- کفارات حلشتم دادم

وارثین موظفند که از بقیه ترکه حساب میشود
از ثلث مالم برداشته و بقیه ثلث را در موارد زیر
بمصرف برسانند چیزی طلبکار نیستم یک
خرج چرتی نمیخواهند



ومطالبات من بدین شرح است :

۱- بدهکاری من ۱۷۰۰ تومان به کلیه فروشگاه است

۲- بدهکاری به حاج ابراهیم منتظری ۱۰ هزار تومان

۳- بدهکاری به حاج ابراهیم منتظری ۱۹ کیلو برنج

۴- بدهکاری به کلیه مردم ۱۰ هزار تومان

۵- از حسن حاج علی اصغر حسینی ۱۰ هزار تومان

۶- بدهکاری آخر ۵۰ هزار تومان

وقیمت اطفال خود را با لحاظ غبطه صغار بجناب حاج آقا علی اکبر علی اصغر خلیلی

حسین شهر بنوشته شهرت فعلی

بشناسنامه شماره ۳۸۷۲ صادره از : ۳۸۷۲ ۳۲۱ ۳۲۱

علی آباد ـــــ فرزند محمد اسماعیل

واگذار نمودم .

فَمَنْ بَدَّلَهُ بَعْدَ مَا سَمِعَهُ فَإِنَّمَا إِثْمُهُ عَلَى الَّذِينَ يُبَدِّلُونَهُ . بتاریخ ۷۱/۱۰/۱۰

امضاء وصیت کننده

امضاء وصی امضاء ناظر امضاء قیم

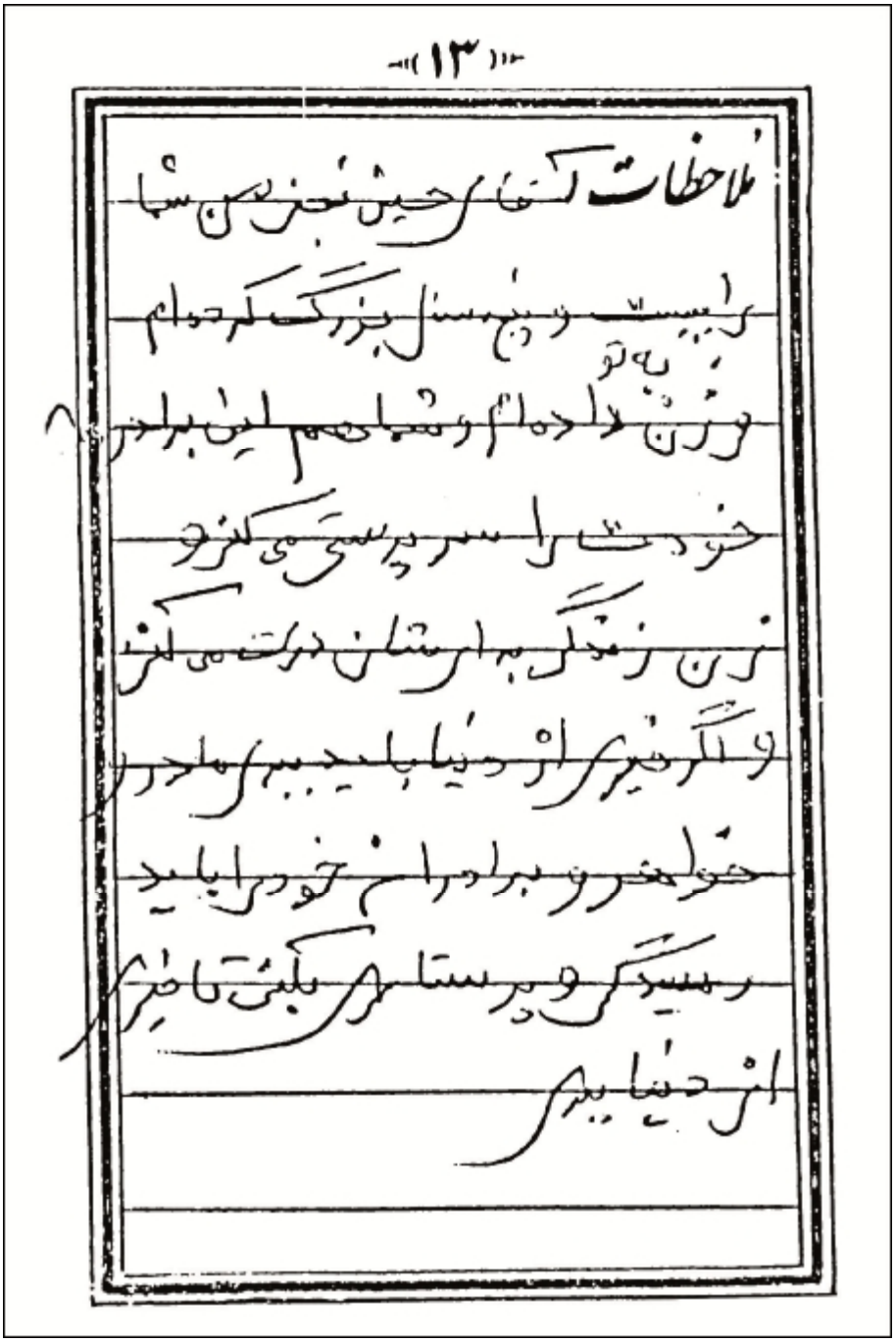
حین‌العجز

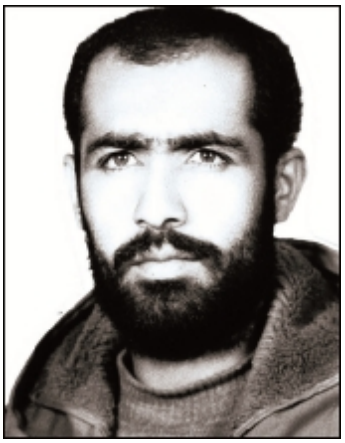
شهود:

۱ - _____

۲ - _____

۳ - _____





نام: **حسین**
نام خانوادگی: **نصرتی**
نام پدر: **عید محمد**
نام مادر: **ثریا**
تاریخ تولد: **یکم مهر ۱۳۳۶**
محل تولد: **روستای حسین‌آباد از توابع شهرستان شاهرود**
تحصیلات: **پایان دوره ابتدایی**
ارگان اعزام‌کننده: **جهادسازندگی**
تاریخ شهادت: **بیستم خرداد ۱۳۶۳**
محل شهادت: **مهاباد**
نحوهٔ شهادت: **سانحه رانندگی**
مزار: **گلزار شهدای زادگاهش**

عبارت‌های کلیدی

- شهادت انسان را به درجه اعلای ملکوتی می‌رساند.
- چقدر شهادت در راه خدا زیباست و مانند گل محمدی می‌ماند که وارثان خون پاک شهیدان از آن می‌بویند.
- خدایا شهادتم را در راه اسلام و قرآن که خاری در چشم دشمنان است بپذیر.
- پدر ارجمندم، با استقامت صبر و شکیبایی از انقلاب اسلامی دفاع کن.
- خواهران مسلمانم شما نیز زینب [گونه] باشید و در راه خدا مبارزه کنید.
- ای برادران عزیزم راه خدا بهترین و برترین راه‌هاست پوینده و کوشنده این راه باشید.
- در هر کجا هستید از روحانیت مبارز دفاع کنید تا اسلام را به تمام جهانیان بشناسانید.
- خون شهیدان را پایمال نکنید.
- هیچ‌وقت امام عزیز رهبر انقلاب را تنها نگذارید.
- اگر شهید شدم امام حسین (علیه‌السلام) را می‌بینم و اگر زنده ماندم قبر شریف او را زیارت خواهم کرد.

حسین نصرتی

بسم الله الرّحمن الرّحیم

وصیت‌نامه حسین نصرتی

«ولا تحسبنّ الّذین قتلوا فی سبیل‌الله امواتاً بل احیاء عند ربهم یرزقون»[۱]

این اعجاز بزرگ قرن و این پیروزی بی‌نظیر و این جمهوری اسلامی محتاج به حفظ و نگهبانی است.[۲]

تا حال من مرده بودم و این لحظه آغاز جهاد و شهادت است، این احساس را در خود می‌بینم که تازه دارم متولد می‌شوم و زندگی جاویدان خود را آغاز می‌کنم. شهادت انسان را به درجه[۳] اعلای ملکوتی می‌رساند و چقدر شهادت در راه خدا زیباست و مانند گل محمدی می‌ماند که وارثان خون پاک شهیدان از آن می‌بویند. خدایا شهادتم را در راه اسلام و قرآن که خاری در چشم دشمنان است بپذیر.[۴] ای مادر مهربان و عزیزم سلام مرا بپذیر[۵] و حلالم کن. مبادا در فقدان من گریه کنی. در بالای خانه‌مان پرچم‌های سبز سوار کن و افتخار کن که فرزندت در راه خدا به این مقام بزرگ رسیده است. ای پدر ارجمندم، مرا حلال کن و با استقامت صبر و شکیبایی از انقلاب اسلامی دفاع کن. مبادا روحیه خود را ببازی و گریه کنی، چون گریهٔ تو باعث ناراحتی من است. و [دعاگوی][۶] خیل پاسداران و رزمندگان و جهادگران اسلام در هر کجای جهان باش. ای همسر مهربانم مرا حلال کن [از تو][۷] می‌خواهم که بعد از من راه مرا ادامه دهی و خواهش دیگرم اینکه از تنها یادگار من

---

[1]. آل‌عمران/ ص۱۶۹؛ ترجمه «آنان را که در راه خدا کشته می‌شوند، مرده مپندارید بلکه زنده‌اند و نزد خدایشان روزی می‌خورند».

[2]. صحیفه امام، ج۱۴، ص۷۷.

[3]. در اصل وصیت «به درجه».

[4]. در اصل وصیت «بپزیر».

[5]. در اصل وصیت «بپزیر».

[6]. در اصل وصیت «به دعای».

[7]. خوانا نیست.

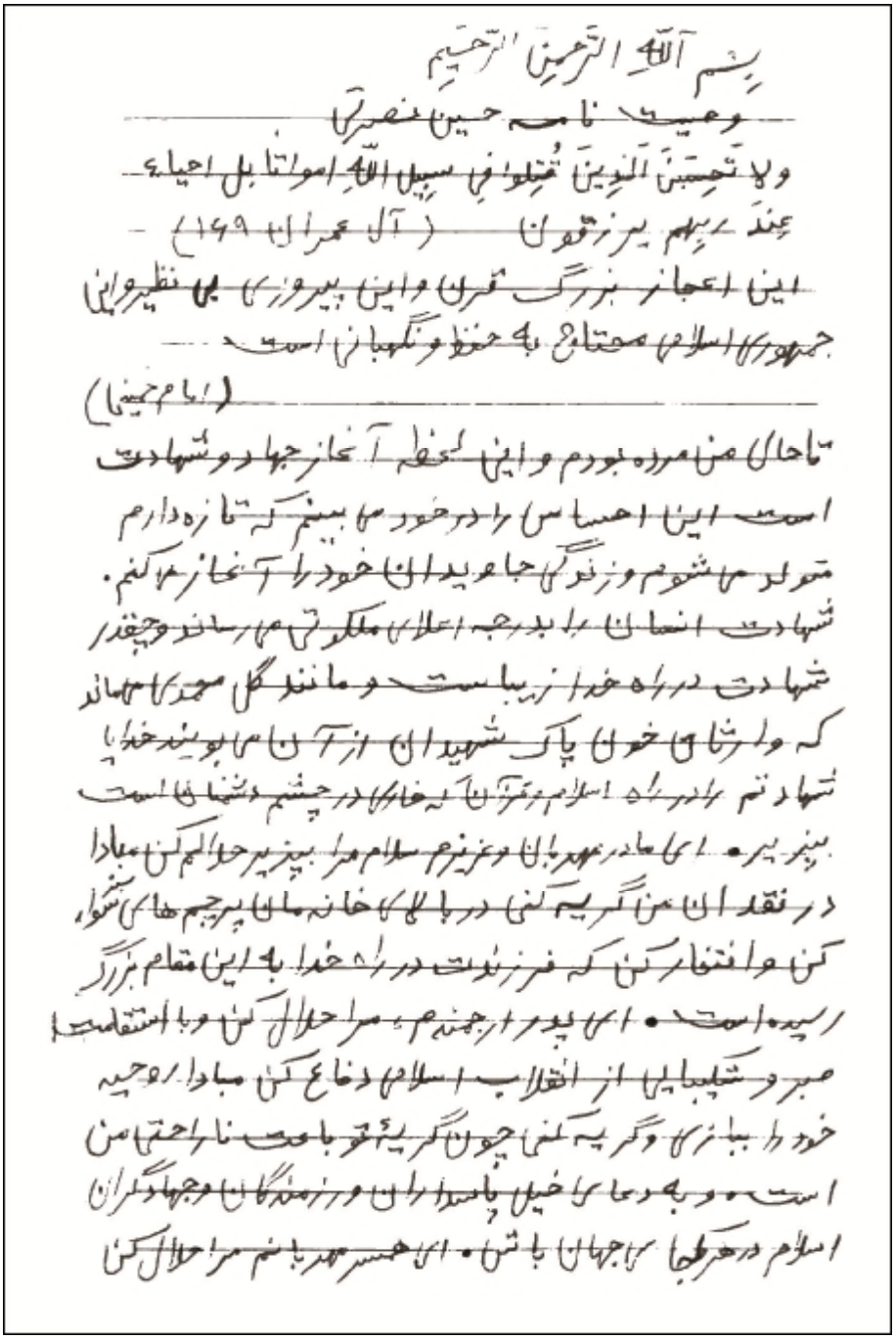
دختر کوچولویم[1] خوب مواظبت کنی و او را سمیه[2] زمان تحویل به جامعه[3] دهید. ای خواهران مسلمانم شما نیز زینب [گونه][4] باشید و در راه خدا مبارزه کنید. و ای برادران عزیزم راه خدا بهترین و برترین راه‌هاست پوینده و کوشنده این راه باشید. ای امت شهیدپرور ایران تنها راه نجات اسلام و رهایی مستضعفین و پیروزی، نهایی پشتیبانی قاطع و بی‌دریغ [خود را] از دولت جمهوری اسلامی و پیوستن به خط امام که همانا خط اصیل اسلام و محمد (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) است. [می‌باشد][5] در هر کجا هستید از روحانیت مبارز دفاع کنید تا اسلام را به تمام جهانیان بشناسانید. خون شهیدان را پایمال نکنید. از توطئه‌های دشمن آگاه باشید و هیچ‌وقت امام عزیز رهبر انقلاب را تنها نگذارید. مرا در هر کجا که پدرم اجازه داد دفن کنید و این را بدانید که اگر شهید شدم امام حسین (علیه‌السلام) را می‌بینم و اگر زنده ماندم قبر شریف او را زیارت خواهم کرد. والسلام[6]

وکیل و وصی بنده پدرم می‌باشد.

حسین نصرتی فرزند عیدی‌محمّد شمارهٔ شناسنامه ۱۸ صادره از حوزهٔ دو شاهرود حسین‌آباد پشت بسطام.

---

1. در اصل وصیت «کوچلویم».
2. در اصل وصیت «صومیه» ـ ر.ک. تعلیقات.
3. در اصل وصیت «جامه».
4. در اصل وصیت «جامه».
5. در اصل وصیت «است. در هر کجا».
6. در اصل وصیت «وسلام».



بسم الله الرحمن الرحیم

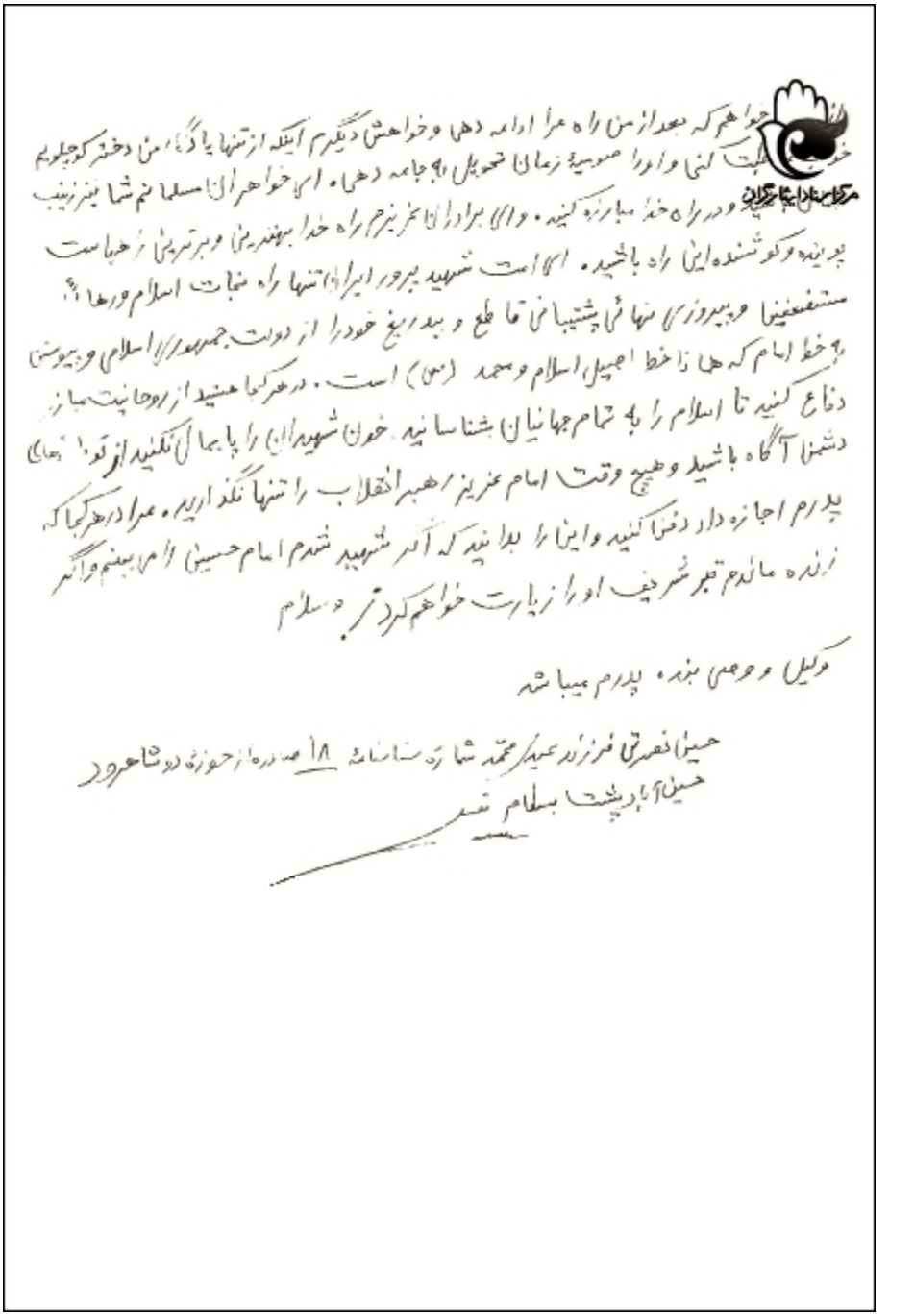
وصیت نامه حسین منصوری

ولا تحسبن الذین قتلوا فی سبیل الله امواتا بل احیاء عند ربهم یرزقون (آل عمران ۱۶۹)

این اعجاز بزرگ قرآن و این پیروزی بی نظیر و این جمهوری اسلامی محتاج به حفظ و نگهبانی است

(امام خمینی)

تا حالی من مرده بودم و این لحظه آغاز جهاد و شهادت است این احساس را در خود می بینم که تازه دارم متولد می شوم و زندگی جاوید ان خود را آغاز می کنم. شهادت انسان را بدرجه اعلای ملکوتی می رساند و چقدر شهادت در راه خدا زیباست و مانند گل محمدی می ماند که وارثان خون پاک شهیدان از آن می بویند خدایا شهادتم را در راه اسلام و قرآن به همگی در چشم و شما ها است بپذیر. ای مادر مهربان و عزیزم سلام مرا بپذیر حلالم کن مبادا در نقدان من گریه کنی در بالای خانه ما پرچم های سیاه کن و افتخار کن که فرزندت در راه خدا به این مقام بزرگ رسیده است. ای پدر ارجمندم مرا حلال کن و با استقامت صبر و شکیبایی از انقلاب اسلامی دفاع کن مبادا روحیه خود را ببازی و گریه کنی چون گریه تو باعث ناراحتی من است. و به دعای خیل پاسداران و رزمندگان و جهادگران اسلام در هر کجا که جهان باشد. ای همسر مهربانم مرا حلال کن



خواهم که بعد از من راه مرا ادامه دهی و خواهش دیگرم اینکه از تنها یادگار من دختر کوچلویم
خیلی مواظبت کنی و او را صبورانه زمان تحویل به جامعه دهی. ای خواهران مسلمانم شما بیز زینب
باشید و در راه خدا مبارزه کنید. و ای برادران غیور راه خدا بهترین و برترین راههاست
برگزیده و کوشنده این راه باشید. امانت شهید پرور ایران تنها راه نجات اسلام و رهائی
مستضعفین و پیروزی نهائی پشتیبانی قاطع و بدریغ خود را از دولت جمهوری اسلامی و پیوستن
به خط امام که خط اصیل اسلام و محمد (ص) است. در هر کجا هستید از روحانیت مبارز
دفاع کنید تا اسلام را به تمام جهانیان بشناسانید. خون شهیدان را پایمال نکنید از توطئه های
دشمنان آگاه باشید و هیچ وقت امام عزیز رهبر انقلاب را تنها نگذارید. مرا در هر کجا که
پدرم اجازه دارد دفن کنید و این را بدانید که اگر شهید شدم امام حسین را می بینم و اگر
زنده ماندم قبر شریف او را زیارت خواهم کرد. والسلام

وکیل و وصی بنده، پدرم میباشد

حسین نصرتی فرزند سعید/محمد شماره شناسنامه ۱۸ صادره از حوزه دوشاخ رود
حسین آباد پشت بسطام شمیم



نام: **یحیی**
نام خانوادگی: **نصرتی**
نام پدر: **یوسف**
نام مادر: **زینب**
تاریخ تولد: **هفدهم اردیبهشت ۱۳۳۴**
محل تولد: **روستای حسین‌آباد از توابع شهرستان شاهرود**
تحصیلات: **پایان دوره ابتدایی**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **سوم مرداد ۱۳۶۵**
محل شهادت: **جزیره مجنون عراق**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش**
مزار: **گلزار شهدای زادگاهش**

عبارت‌های کلیدی

- ما همه اعتقاد به یگانگی خداوند سبحان داریم که ما را خلق کرده و به سوی او بازگشت خواهیم کرد.
- ندای امام حسین (علیه‌السلام) از حلقوم حسین زمان یگانه رهبر و مرجع اعلم و اشجع عصر حاضر ابراهیم دوران پیر جماران یعنی امام خمینی بیرون آمده.
- از اسلامی که با رنج‌ها و سختی‌های حضرت محمد (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) و ائمه اطهار بخصوص امام حسین (علیه‌السلام) که با ریختن خون خود و اصحابش بدست ما رسید، دفاع کنیم.
- در این جنگ که بین اسلام و کفر است» فعالانه شرکت کنیم.
- جبهه‌ها را پر کنیم و نگذاریم سنگرهای اسلام خالی بماند.
- از شما می‌خواهم پیرو ولایت فقیه باشید و از امام امت که فعلاً ولی فقیه زمان و رهبر انقلاب می‌باشند پیروی نمایید.
- به خانواده‌های شهدا و مفقودین و اسرا احترام زیادی بگذارید که اسلام و ملت ایران مدیون آن‌ها هستند.
- قرآن را بخوانید و به آن عمل کنید و در دعاهایتان برای فرج امام زمان (عج) حتماً دعا کنید.
- همیشه در صحنه باشید که همین در صحنه بودن شما بود که دشمنان اسلام و منافقین را ذلیل و خوار و ناامید کرد.

یحیی نصرتی

بسم الله الرّحمن الرّحیم

«انا لله و انا الیه راجعون»[۱]

وصیت‌نامه اینجانب یحیی نصرتی فرزند یوسف

ما همه اعتقاد به یگانگی خداوند سبحان داریم که ما را خلق کرده و به سوی او بازگشت خواهیم کرد. و اعتقاد داریم به ۱۲۴ هزار پیغمبر که اول آن‌ها حضرت آدم و خاتم آن‌ها حضرت محمد ابن عبدالله صلی[۲] الله علیه و آله و سلم و اعتقاد داریم به ۱۲ امام و اعتقاد داریم به فروع دین، که یکی از ارکان فروع دین جهاد است.

[۳]**«الذین آمنوا[۴] و هاجروا[۵] و جاهدوا[۶] فی سبیل‌الله باموالهم و انفسهم»**.[۷] ای کسانی که ایمان آورده‌اید هجرت کنید و جهاد کنید در راه خدا با مال‌هایتان و جان‌هایتان و امروز ندای مظلومیت امام حسین (علیه‌السلام) که در روز عاشورا فرمود «هل من ناصر ینصرنی»[۸] به گوش می‌رسد و امام حسین (علیه‌السلام) این ندا را تنها برای زمان خودش نگفت، بلکه برای تمام عصرها و زمان‌ها و نسل‌ها گفت که «**کل یومٍ عاشورا و کل ارض کربلا**»[۹] هر ماه محرم است و زمین کربلا و این ندای امام حسین (علیه‌السلام) از حلقوم حسین زمان یگانه رهبر و مرجع اعلم و اشجع عصر حاضر ابراهیم دوران پیر جماران[۱۰] یعنی امام خمینی

---

[1]. بقره/ ۱۵۶؛ ترجمه «ما از خداییم و بازگشتمان به سوی اوست».

[2]. در اصل وصیت «ص».

[3]. در اصل وصیت «یا ایها الذین».

[4]. در اصل وصیت «آمنو».

[5]. در اصل وصیت «هاجرو».

[6]. در اصل وصیت «جاهدو».

[7]. توبه/ ۲۰.

[8]. امام حسین(علیه‌السلام). ر.ک. تعلیقات.

[9]. ر.ک. تعلیقات.

[10]. ر.ک. تعلیقات.

بیرون آمده و برای دفاع از اسلام و مسلمین کمک و یاری می‌طلبد و ما را دعوت به جهاد نموده است.

و حال امت شهیدپرور همیشه در صحنه شاهرود و بخصوص روستای زادگاهم حسین‌آباد و تمام کسانی که هر سال در ماه محرم برای اباعبدالله الحسین (علیه‌السلام) عزاداری می‌کنید و می‌گویید «ای کاش ما در صحرای کربلا بودیم و امام حسین (علیه‌السلام) را یاری می‌کردیم»[1] امروز وقت آن رسیده که به گفتارمان صادق باشیم و عمل کنیم و به این ندا لبیک گفته و از اسلامی که با رنج‌ها و سختی‌های حضرت محمد (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) و ائمه اطهار بخصوص امام حسین (علیه‌السلام) که با ریختن خون خود و اصحابش بدست ما رسید، دفاع کنیم و «در این جنگ که بین اسلام و کفر است»[2] فعالانه شرکت کنیم و جبهه‌ها را پر کنیم و نگذاریم سنگرهای اسلام خالی بماند و در مقابل تمامی کفار و منافقین که با هم بر علیه اسلام متحد شده‌اند ایستادگی کنیم و این جنگ را سرفرازانه به نفع اسلام به پایان برسانیم. تا درسی باشد در تاریخ بشریت، برای دشمنان اسلام مانند عاشورا که در تاریخ بجای ماند. و اگر خدای ناکرده از خودمان سستی و بی‌تفاوتی نشان بدهیم و جبهه‌ها خالی از مجاهدین بماند و صدمه‌ای به اسلام برسد در روز قیامت در پیشگاه خداوند سبحان و تمامی شهدا، مسئول و جوابگو باید باشیم و از شما می‌خواهم پیرو ولایت فقیه باشید و از امام امت که فعلاً ولی فقیه زمان و رهبر انقلاب می‌باشند پیروی نمایید و به دستورات ایشان با جان و دل عمل کنید و از شما می‌خواهم باتقوا باشید و مرگ را در نظر داشته باشید تا مرتکب گناه نشوید و به خانواده‌های شهدا و مفقودین و اسرا احترام زیادی بگذارید که اسلام و ملت ایران مدیون آن‌ها هستند و به فرزندان شهدا و مفقودین و اسرا محبت زیاد نمایید که آنها از محبّت پدر محرومند و قرآن را بخوانید و به آن عمل کنید و در دعاهایتان برای فرج امام زمان (عج) حتماً دعا کنید و از خداوند بخواهید تا به آن حضرت اجازه ظهور بدهد و همیشه در صحنه باشید که همین در صحنه بودن شما بود که

---

[1]. ترجمه این بخش از زیارت اول امام حسین (علیه‌السلام) است «یا لَیتنی کُنت معکم فَأفوز فوزاً عظیماً» (مفاتیح‌الجنان، ص۴۲۴)».

[2]. امام خمینی، تبیان، دفتر۲۴، جنگ و دفاع در اندیشه امام خمینی (ره).

دشمنان اسلام و منافقین[۱] را ذلیل و خوار و ناامید کرد (در اینجا به منافقین[۲] کوردل و قصی القلب هم پیامی بدهم و آن اینکه این انقلاب به کوری چشم شما با پیروزی نهایی به صاحب اصلی‌اش حضرت بقیة[۳]الله (عج) سپرده خواهد شد، چه شما بخواهید و چه نخواهید این وعده را در قرآن خداوند خالق به ما داده است. و از کسانی که نسبت به اینجانب حقی و دینی دارند می‌خواهم که اینجانب را به بزرگی خودشان ببخشند و مورد عفو خودشان قرار دهند که لذّتی که در گذشت هست در انتقام نیست.

در پایان از خداوند بزرگ و سبحان می‌خواهم که به آقا امام زمان (عج) اجازه فرج و به نایب بر حقش تا ظهور آن حضرت طول عمر و سلامتی[۴] و به رزمندگان اسلام نصرت و پیروزی و به خدمتگزاران اسلام سلامتی و تندرستی و توفیق خدمت بیشتر و صادقانه و به امت شهیدپرور و همیشه در صحنه ایران سلامتی و تندرستی و صبر و استقامت بیشتر و به خانواده‌های شهدا، مفقودین و اسرا صبر جمیل و اجر جزیل و به مسلمین جهان اتّحاد و آگاهی و به دشمنان اسلام ذلّت و خواری[۵] عطا فرماید.

«در مسلخ عشق جز نکو را نکشند روبه صفتان زشت‌خو را نکشند»[۶]

والسلام علیکم و رحمه الله و برکاته

«ان تنصروا الله ینصرکم و یثبت اقدامکم»[۷]

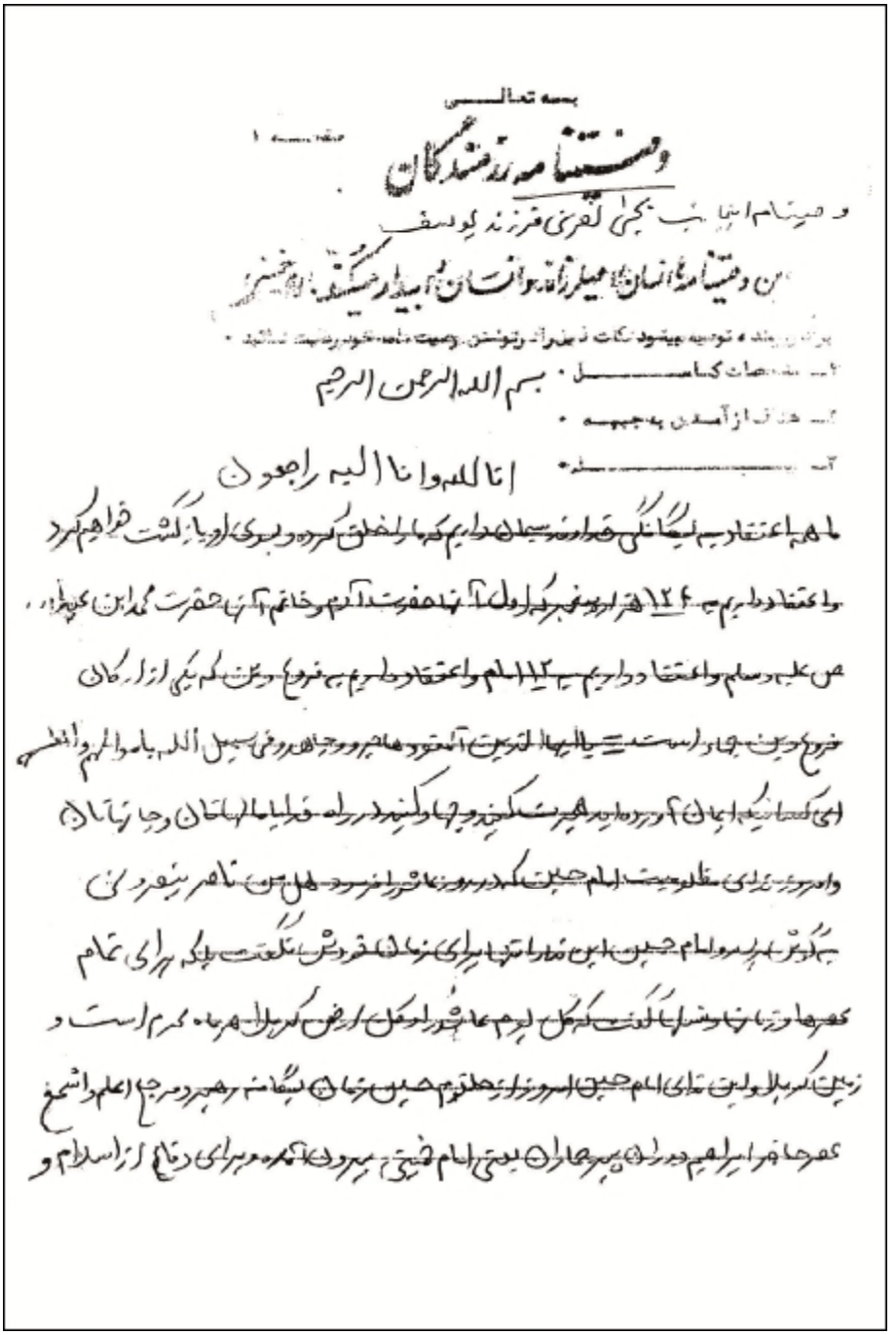
بنده حقیر و ضعیف[۸] **و ناتوان**

۱۳۶۵/۴/۲۰

یحیی نصرتی

---

1. ر.ک. تعلیقات.
2. ر.ک. تعلیقات.
3. در اصل وصیت «بقیثه».
4. در اصل وصیت «سلاتی».
5. در اصل وصیت «خوار».
6. این شعر را بر سنگ مزار میرزاده عشقی نوشته‌اند: اما «هیچ نسخه‌ای از دیوان اشعارش بنام او ثبت نشده است».
7. محمد/ ۷. ترجمه «اگر خدا را یاری کنید خداوند شما را ثابت قدم می گرداند».
8. در اصل وصیت «ظعیف».

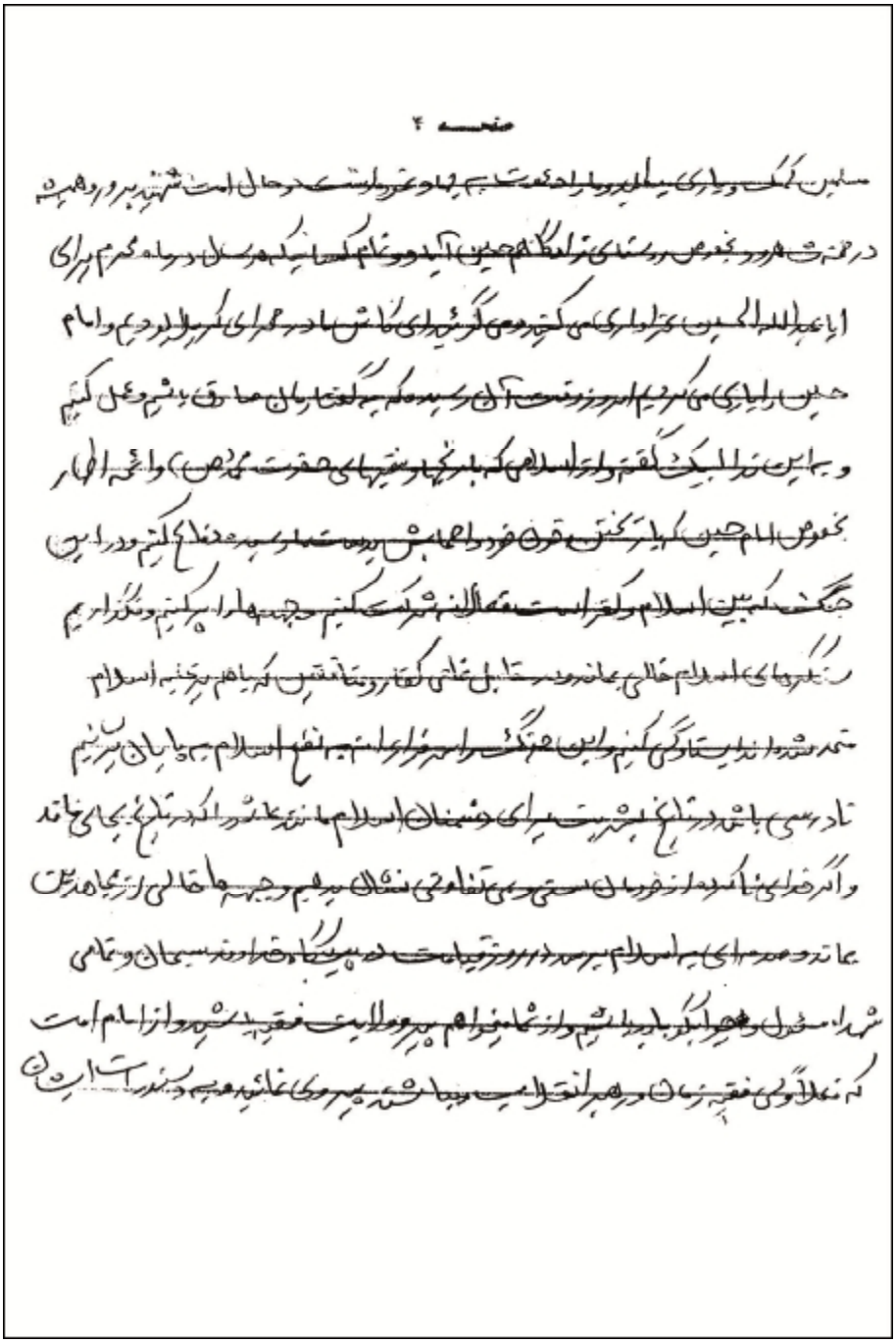


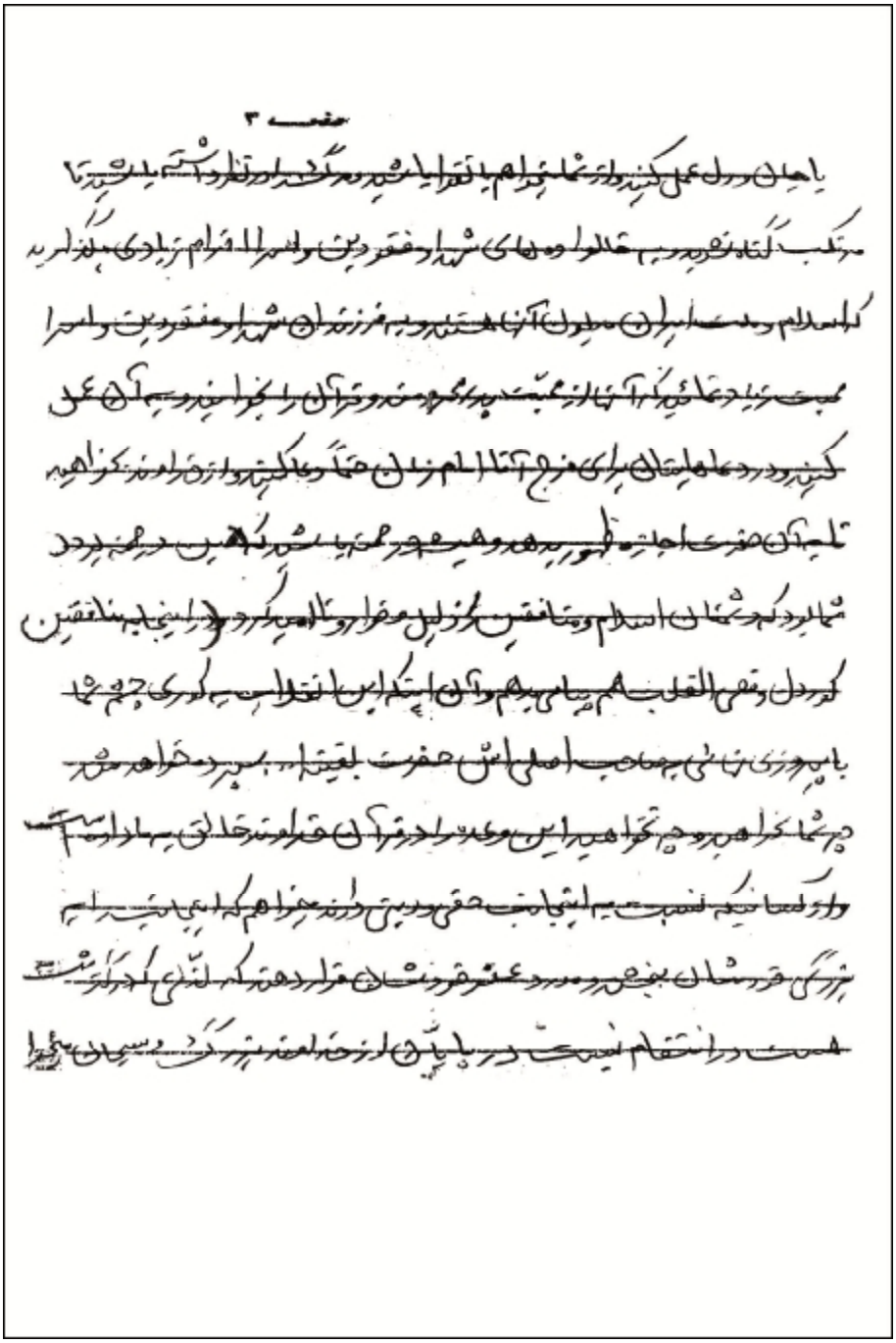
بسم تعالی

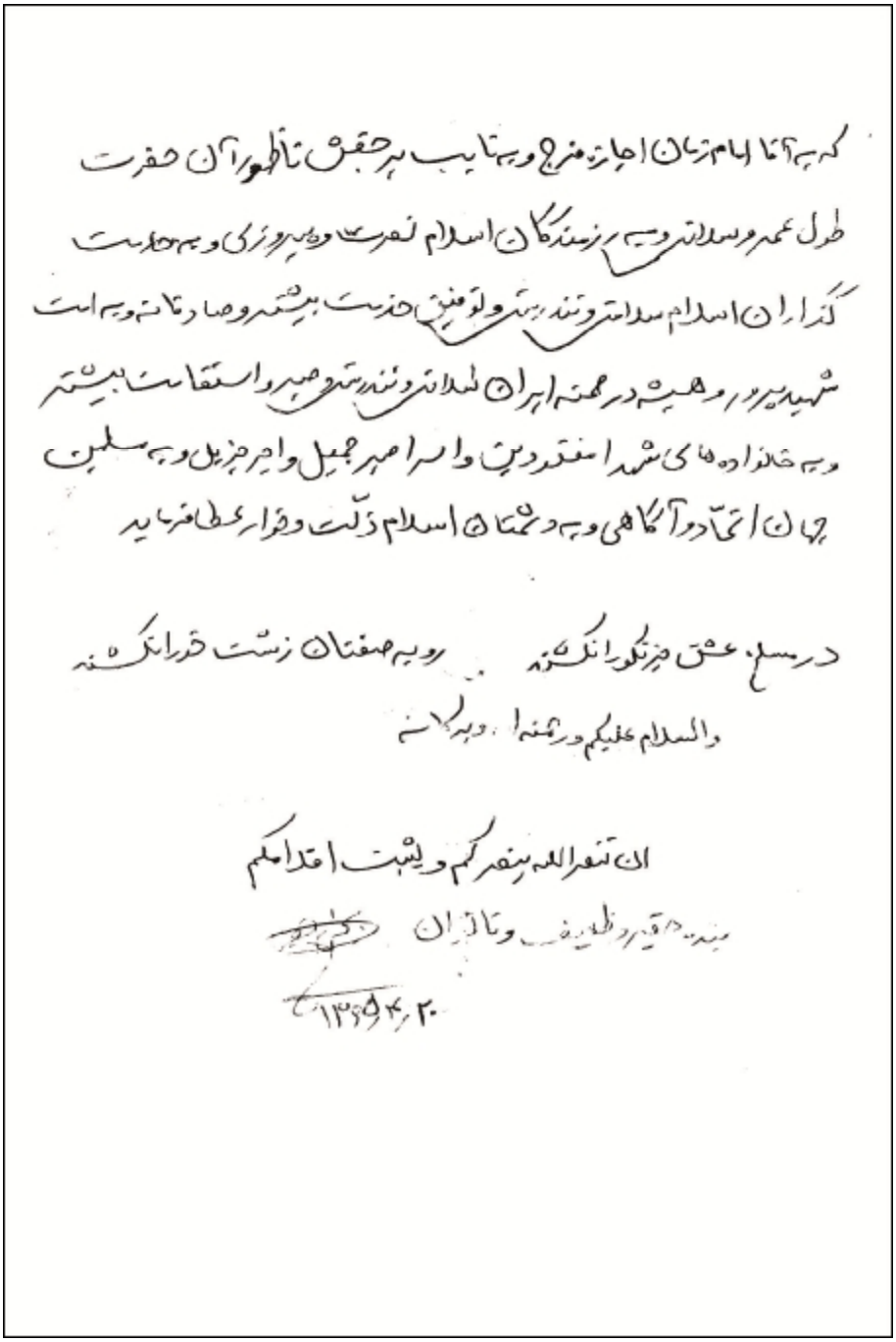
وصیتنامه شهدا

بسم الله الرحمن الرحیم

انا لله و انا الیه راجعون







که به آقا امام زمان اجازه مرخص و به نایب بر حقش تا ظهور آن حضرت
طول عمر و سلامتی و به رزمندگان اسلام نصرت و پیروزی و به حوزه
گذاران اسلام سلامتی و تندرستی و توفیق حضرت بیشتر و صادقانه و به است
شهید پرور و رشید در همه ایران اسلامی و تندرستی و صبر و استقامت بیشتر
و به خانواده های شهدا سعادتمندی و ابراهیم جمیل و اجر جزیل و به مسلمین
جهان اتحاد و آگاهی و به دشمنان اسلام ذلت و فرار عطا فرماید

در سایه عشق فرزندوار انگشته رو به صفتان زشت خدا انگشته

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته

ان تنصروا الله ینصرکم و یثبت اقدامکم

بنده حقیر و ظریف و ناتوان

۱۳۶۵/۴/۲۰



نام: **علیرضا**
نام خانوادگی: **نصرتی‌اول**
نام پدر: **حبیب**
نام مادر: **لیلی**
تاریخ تولد: **یکم تیر ۱۳۴۶**
محل تولد: **روستای خیج از توابع شهرستان شاهرود**
تحصیلات: **دوم راهنمایی**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **بیست‌وپنجم اسفند۱۳۶۳**
محل شهادت: **شرق رود دجله عراق**
نحوهٔ شهادت: –
مزار: **گلزار شهدای زادگاهش**

عبارت‌های کلیدی

- بکوشید تا همیشه در راه مستقیم الهی ثابت و استوار باشید.
- هیچگاه و هرگز از خط امام و رهبرمان که صراط مستقیم الهی است، فاصله نگیریم و استوار باشیم.
- هر کس جبهه‌ها را خالی گذاشت و پشتیبان انقلاب نبود باید در انتظار جواب دردناک الهی باشد.
- در پشت جبهه نمازهای جمعه و جماعت را با شکوه برگزار کنید.
- از روحانیت اصیل و در خط امام جدا نشوید.
- امید دارم با نثار جان ناقابلم رضایت خاطر مولا و معبود خود را فراهم آورم.
- حال وقت امتحان رسیده، وقت انتخاب راه صحیح چه بهتر از این تا دیر نشده استفاده نمایم
- امام حسین(علیه‌السلام) خانواده‌اش را برای حفظ اسلام فدا کرد و تو هم خوشحال باش که فرزندت در راه اسلام فدا شد.
- خداوند محبتی عظیمی به ما نموده و در این برهه تاریخ چنین رهبری را به ما اهدا نموده است، قدرش را بدانید که فردا در روز جزا در پیشگاه خداوند سرافکنده و شرمسار نباشید.

علیرضا نصرتی‌اول

بسم الله الرّحمن الرّحیم

بسمه تعالی

قال الله تبارک تعالی: «**و من الناس من یشری نفسهُ**[1] **ابتغاءَ مرضاتِ الله والله رئوفٌ بالعباد**»[2] شکر خداوند تبارک و تعالی را که در این سنین نوجوانی و جوانی به من این توفیق عظمی را عنایت فرمود تا که قطره‌ای از دریای بیکران مجاهدان راه خداوند باشیم و بدین وسیله نهایت [و] وفاداری[3] خود را به امام و انقلاب و اسلام و قرآن اعلام دارم و جان ناقابل و خدادادی خود را در راه او نثار گردانم؛ و رضایت خاطر مولا و معبود خود را فراهم آورم. انشاءالله[4] که خداوند شهادت را مورد قبول درگاهش و مرا در جوار شهدای کربلا محشور بگرداند و در این لحظات حساس و سرنوشت ساز که عاشقان الله و مجاهدان راه او عزم[5] پیکار دارند و لباس رزم[6] می‌پوشند و سلاح بر کف گرفته‌اند تا با هجوم بی‌وقت خود دشمن زبون بعثی[7] را به دیار عدّم بفرستند. با زبان الکن و ناقص خود برای عزیزانم که چشم به راه راهم در انتظار پیوستن به خیل شهیدان هستند، پیام و کلامی دارم امید که مؤثر واقع گردد. عزیزانم دوستان، برادران و خواهران امت حزب‌الله و همیشه در صحنه و مجاهد و مقاوم شما همیشه و در طول انقلاب وفاداری و عزّت و عظمت خود را نسبت به امام و اسلام ثابت گردید و با ایثار و نثار جان و مال خود پشتیبان و یاور واقعی اسلام بودید.

---

1. در اصل وصیت «نفس».
2. بقره/ ۲۰۷. ترجمه «بعضی مردمانند که از جان خود در راه رضای خدا درگذرند و خدا دوستدار چنین بندگانست».
3. در اصل وصیت «وفداری».
4. در اصل وصیت «الله».
5. در اصل وصیت «عظم».
6. در اصل وصیت «رظم».
7. در اصل وصیت «بعصی».

پس بکوشید تا همیشه در همین راه مستقیم الهی ثابت و استوار باشید و هیچ‌گاه و هرگز از این خط امام و رهبرمان که صراط مستقیم الهی است فاصله نگیریم و استوار باشیم تا پیروزی نهایی واصل گردد و راه کربلای معلای حسین (علیه‌السلام) باز شود و امنیت اسلامی ایران و عراق از زور و جور فرعونیان زمان نجات یابند و بدانید هرکس[1] از این خط امام فاصله گرفت و پشت به امام کرد و جبهه‌ها را خالی گذاشت و پشتیبان انقلاب نبود باید در انتظار جواب دردناک الهی باشد. توصیه و سفارش دیگر این است که در پشت جبهه در صحنه‌های انقلاب حضور همیشگی داشته باشید و نمازهای جماعت و جمعه را باشکوه برگزار کنید و از روحانیت اصیل و در خط امام جدا نشوید و عزیزان دانش‌آموز را به تقوا و دور از گناهان و درس خواندن در راه خدا سفارش می‌کنم و امید دارم همچنان که به درس خود می‌پردازند جبهه و جنگ را فراموش نکنند که اگر درستان در کنار جهاد در راه خدا نباشود هیچ ارزشی ندارد.

در پایان از پدر و مادر عزیزم حلالیت می‌طلبم امیدوارم که مرا به بزرگی و عظمت خود ببخشند که نتوانستم [آنگونه که][2] شایسته مقام پدر و مادر است به شما احترام بگذارم و فرزند خوبی برایتان باشم به هر حال مرا ببخشید و از خداوند متعال بخواهید که این قربانی ناقابل[3] را از شما بپذیرد و قطعاً[4] بدانید که پیشگاه باعظمت امام حسین(علیه‌السلام) و زینب(علیهاالسلام)[5].

[وصیت‌نامه‌ای دیگر]

بسم الله الرّحمن الرّحیم

«ولاتحسبّن الّذین قتلوا فی سبیل الله امواتاً بل احیاء عند ربهم یرزقون»[6]

---

1. در اصل وصیت «هرگز».
2. در اصل وصیت «آنکه».
3. در اصل وصیت «ناقبل».
4. در اصل وصیت «قطع».
5. وصیت‌نامه ناتمام است.
6. آل عمران/ ۱۶۹.

درود بر تو ای روح خدا درود بر تو ای نایب امام زمان (عج)[1] و درود بر تو ای فرزند حسین‌علی(علیه‌السلام)، امام خمینی با سلام به امام مهدی (عج) و سلام به مادر و برادران گرامی‌ام[2] و سلام بر شما ای خواهران اینک که این نوشته را می‌خوانید، خود در میان شما نیستم و فقط یادی از من خواهد بود. عزیزان من مگر فرزندان شما با دیگران چه فرقی دارند؟

انتظارم از پدر و مادر و برادرانم و خواهرانم این است که در مرگ من ماتم نگیرند و در نظر داشته باشید برادران خودمان شهیدان خودمان در منطقه جنگی با چه وضعیتی[3] شهید شدند. ای مادر و ای برادرانم حال که توانسته‌ام بعد از ۱۷ سال راه خود را پیدا کنم، دوست دارم حق را در این راه یاری کنم، من همین راهی را که شما دوست داشتید که همان راه حسین(علیه‌السلام) و راه شهیدان است پیدا کردم و حال وقت امتحان رسیده، وقت انتخاب راه صحیح چه بهتر از این تا دیر نشده استفاده نمایم و راه خود را انتخاب کنم و از خداوند می‌خواهم که مرا در این راه یاری کند.

اما به مادرم، مادر مهربانم چه بسیار بر ما زحمت کشیدی، ما تو را رنج بسیار دادیم. خداوند صبر جزیل و صبر جمیل بر تو عطا[4] فرماید. از فراغ من ناراحت نباش اگر می‌خواستی گریه کنی، بر امام حسین (علیه‌السلام) و علی‌اکبر(علیه‌السلام) و علی‌اصغر و قاسم[5] گریه کن. خوشحال باش و از خدا بخواه که این هدیه ناقابل را خدا از تو قبول بگرداند. امام حسین(علیه‌السلام) خانواده‌اش را برای حفظ اسلام فدا کرد و تو هم خوشحال باش که فرزندت در راه اسلام فدا شد.

و ای خواهرانم و ای برادرانم از شما می‌خواهم که راه مرا ادامه داده و سلاح مرا به زمین نگذارید و شما ای ملت مسلمان همیشه گوش به فرمان امام باشید و از این نعمت

---

1. در اصل وصیت «خدا».
2. در اصل وصیت «گرامی‌یم».
3. در اصل وصیت «وضعیت».
4. در اصل وصیت «اعطا».
5. در اصل وصیت «قاصم».

گرانبها که خداوند نصیب ما کرده است حداکثر استفاده را ببرید[1]. براستی خداوند محبتی عظیمی به ما نموده و در [این] طول تاریخ چنین رهبری را به ما اهدا نموده است، قدرش را بدانید که فردا در روز جزا در پیشگاه خداوند سرافکنده و شرمسار مباشید.

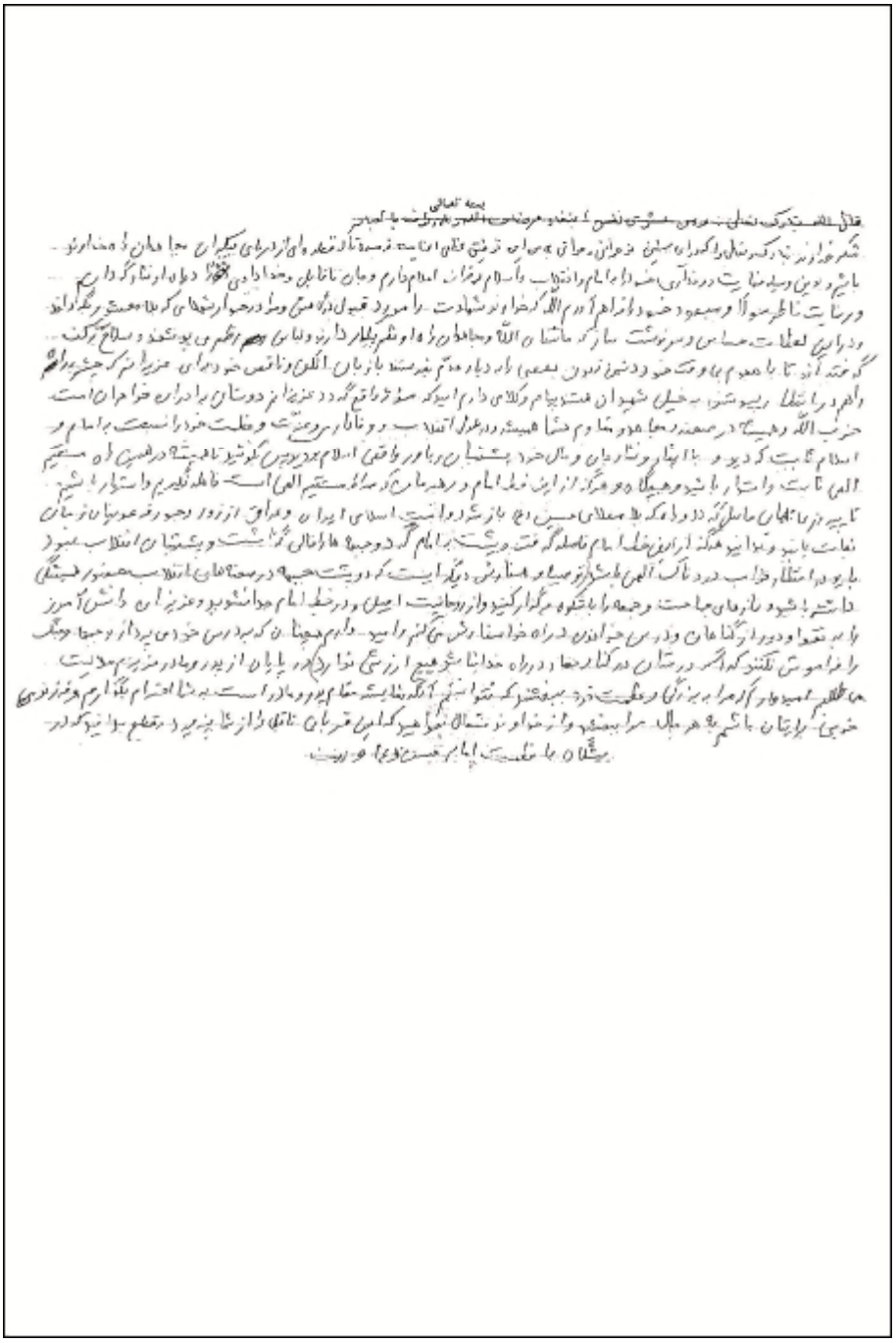
از تمام دوستان و آشنایان و برادران و هم‌کلاسی‌های عزیزم و هر که با او رابطه داشته‌ام امید و انتظار عاجزانه دارم تا اعمال ناشایست و بدخلقی را به من ببخشایند، تا راهِ آمرزش گناهان هموار باشد. ان‌شاءالله توانسته باشم این وظیفه بزرگ و خطیری [را] که بر عهده من بود انجام داده باشم.

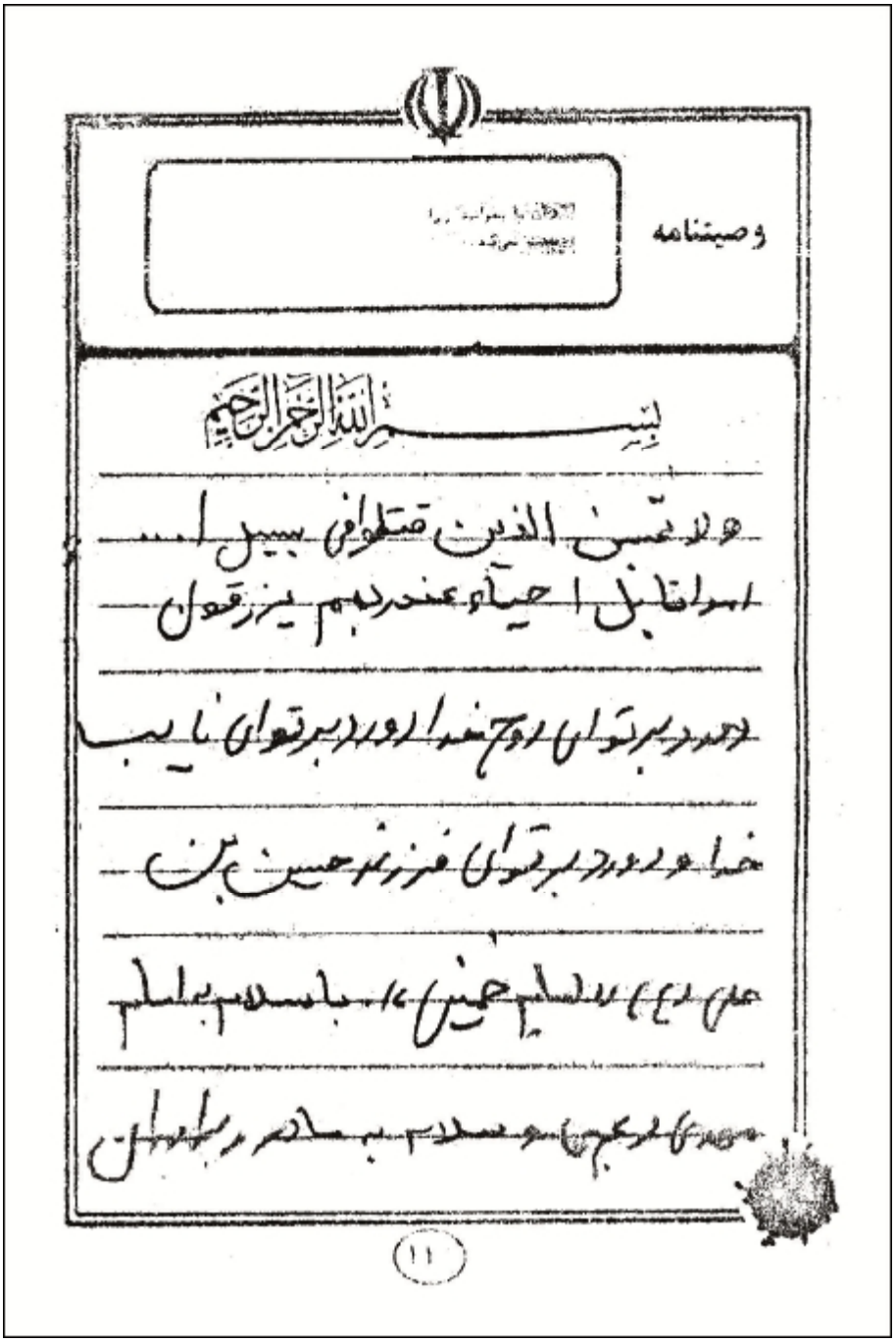
و چند سخن به مردم وطنم

برادرانم دنیا را هدف قرار ندهید دنیا وسیله‌ای بیش نیست برای آخرت و ای بردگان دنیا به راستی به شما می‌گویم که شرافت و عزت را بدست نمی‌آورید مگر با از دست دادن آنچه بدان وابسته‌اید و رها کردن آنچه دوست می‌دارید.

والسّلام علیک

1. در اصل وصیت «بفرمائید».





وصیتنامه

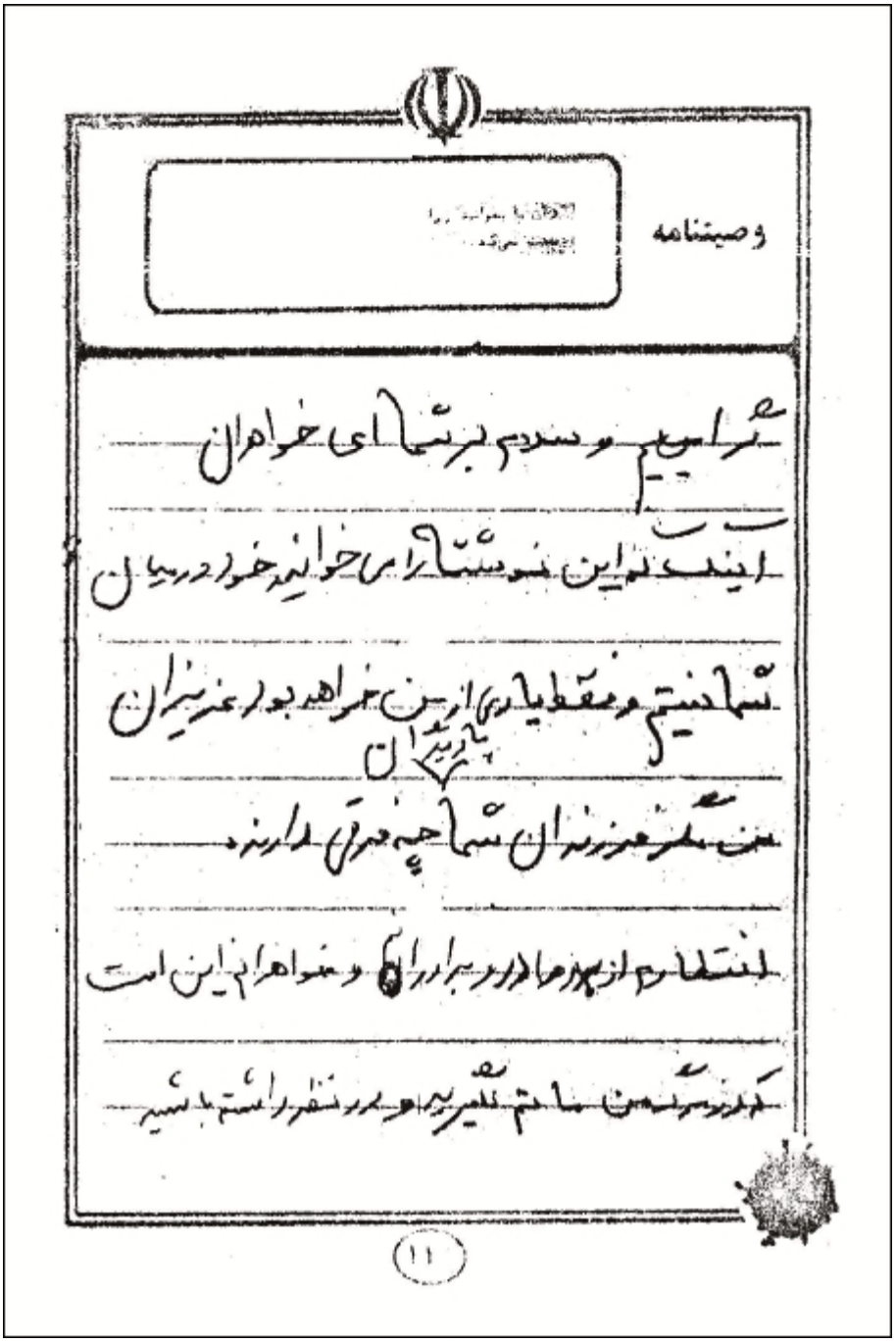
بسم الله الرحمن الرحیم

ولا تحسبن الذین قتلوا فی سبیل الله امواتا بل احیاء عند ربهم یرزقون

وصیت من بر تو ای روح خدا و وصیت من بر تو ای نایب خاص و وصیت من بر تو ای فرزند حسین بن علی علیه السلام حسین، با سلام بر تو

وصیت من بر تو و سلام بر تو در [illegible]

(۱۱)



وصیتنامه

[redacted]

[illegible] و سلام بر شما ای خواهران

اینک این نوشتار را می‌خوانید خود دریابید

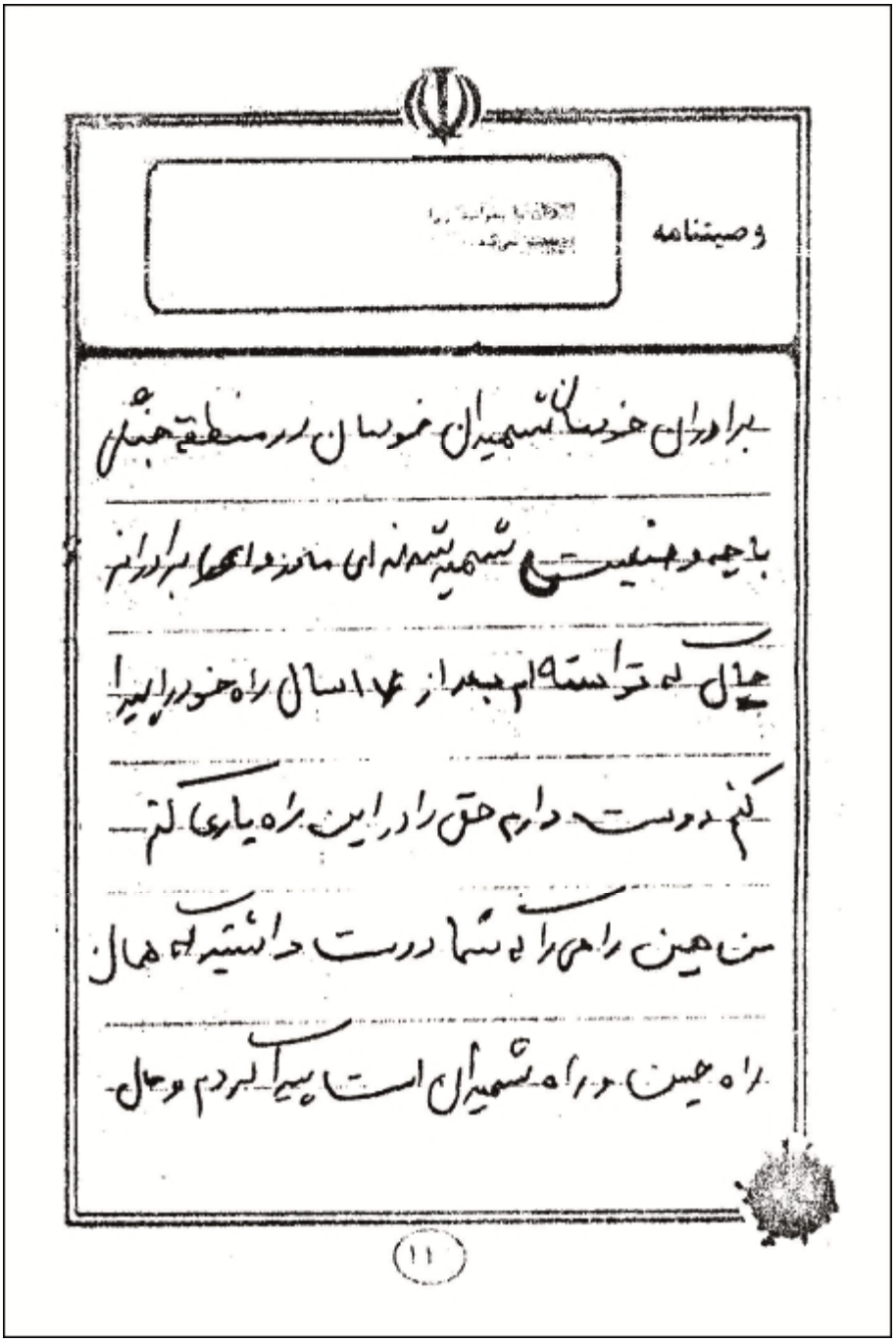
شما دختر و مقداری از من خواهید بود عزیزان

من مگر عزیزان شما چه فرق دارند

انتظارم از پدر و مادر عزیز این است

که در سوگ من ساعتی تأثیر [illegible] و بر من نگریسته باشید

(۱۱)



وصیتنامه

برادران خونسان شهیدان خونسان در سنگر جنگ

با جمله و هنیت شهیدانه ای ماندوارم برادران

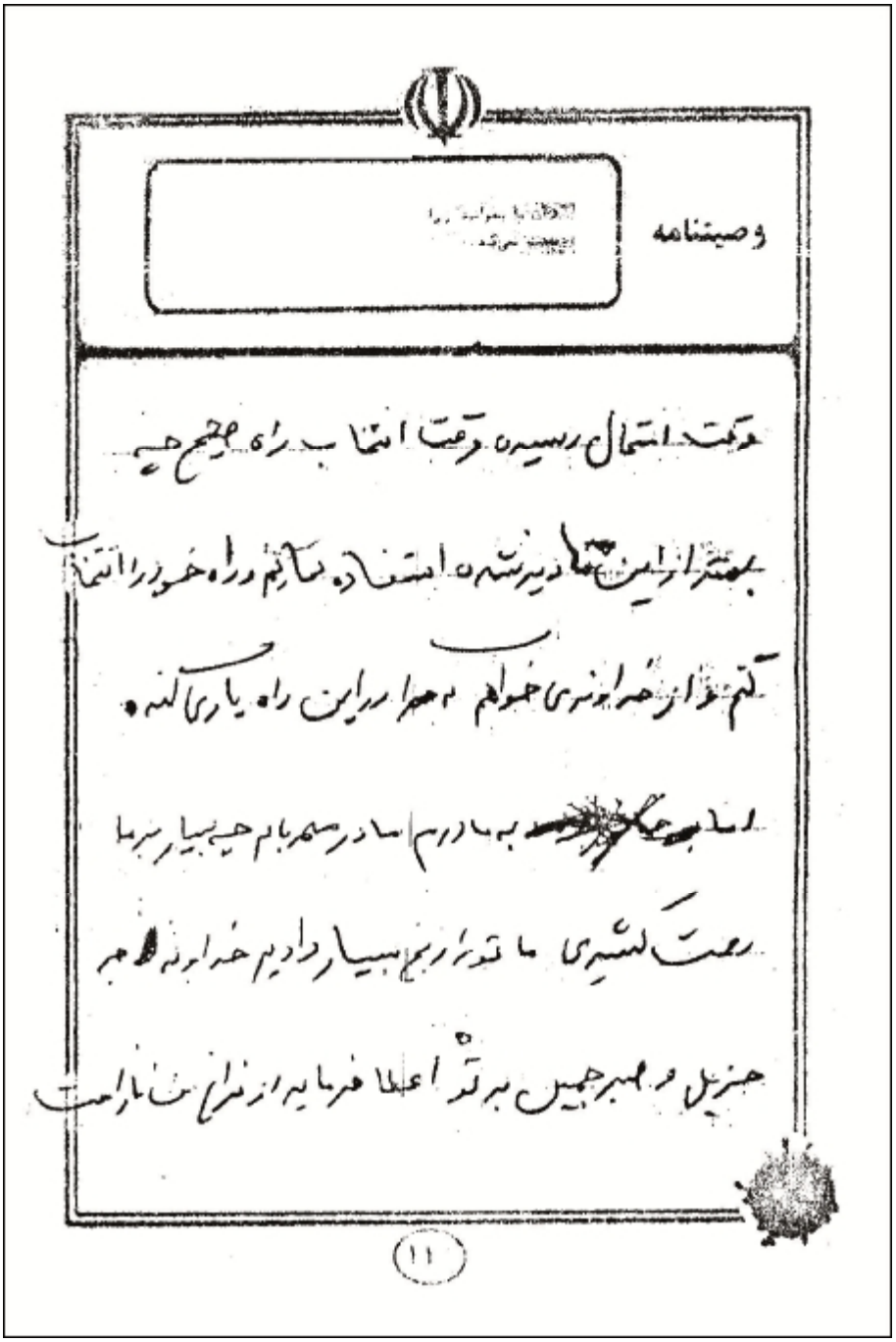
چال که تراسته ام بعد از ۱۶ سال راه خود را پیدا

کنم دوست دارم حق را در این راه یاری کنم

من این راه را به شما دوست داشتنی ها

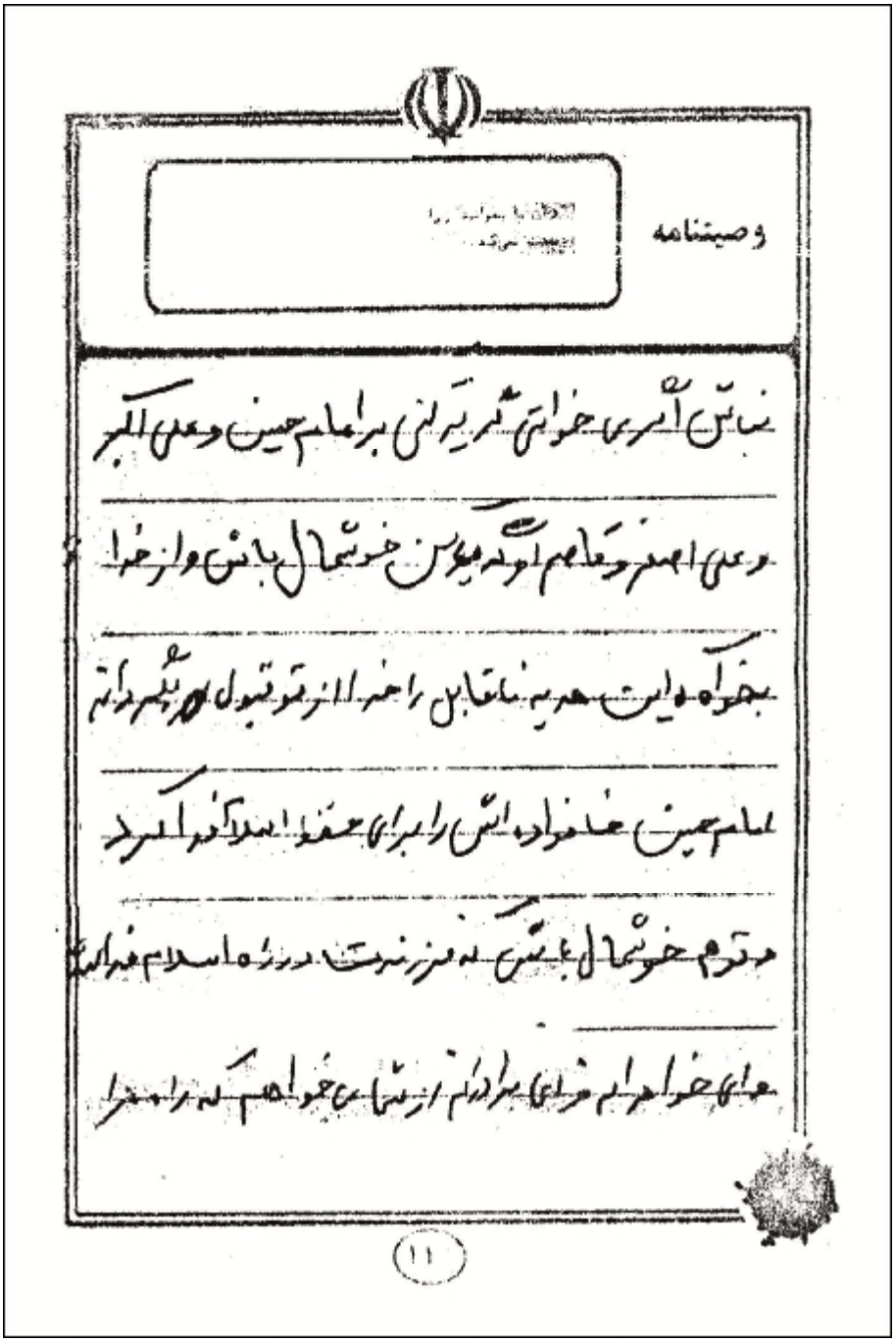
راه حسین و راه شهیدان است پیدا کردم وصال

(۱۱)



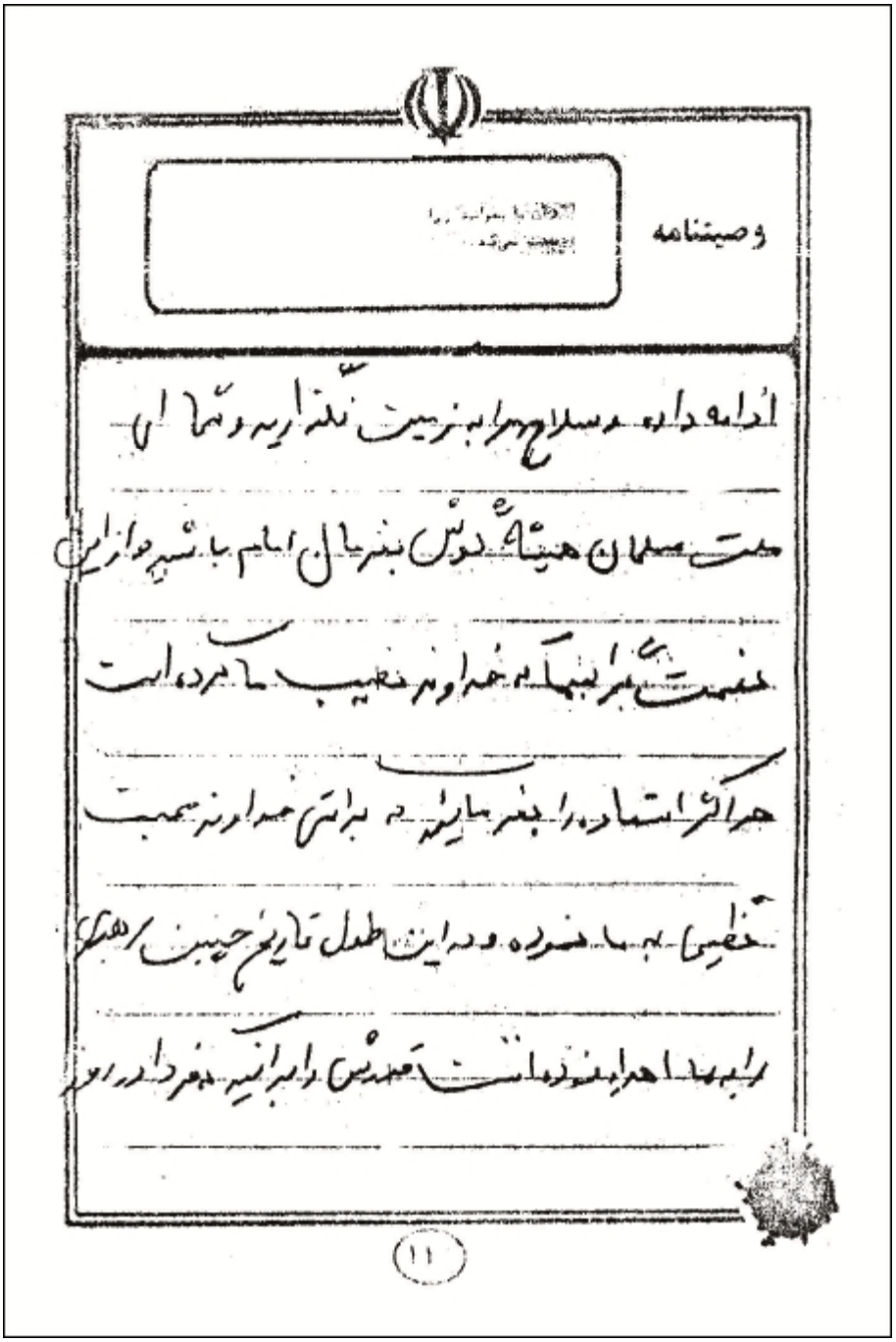
وصیتنامه

(۱۱)



وصیتنامه

(۱۱)



وصیتنامه

ادامه دارد و سلاح‌ها بر زمین گذارده و تمامی

ملت مسلمان هیئت دولت بفرمان امام باشد و از این

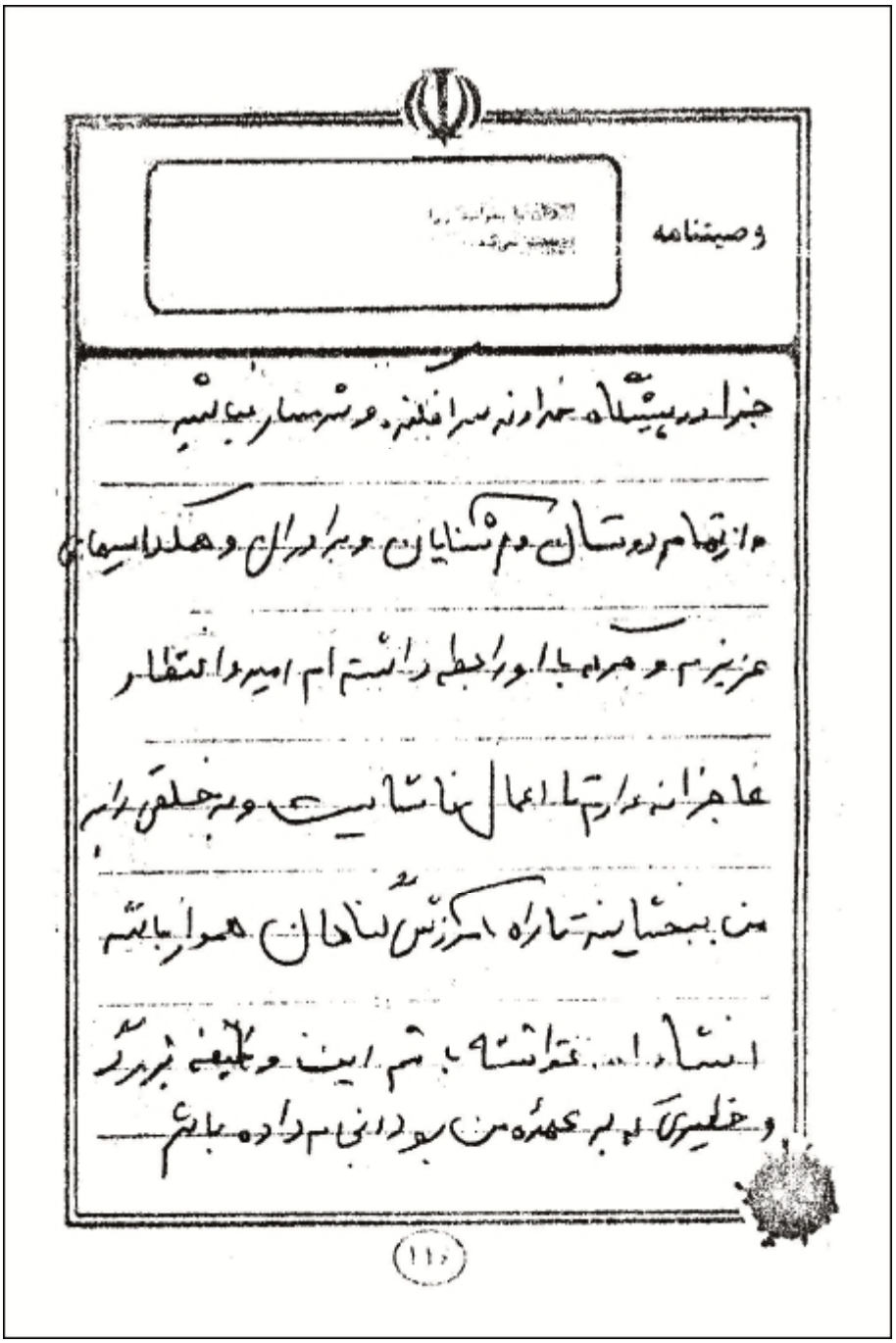
خدمت بزرگ بهمگی به خداوند متعال منت گذارد است

هرگز استعمار را بفرمان خدا و برای خدا و به همت

خلق‌ها نمرده و در این طول تاریخ چنین رهبری

را به ما ارزانی نداشت قدرش را بدانیم بفرمان رهبر

(۱۱)



وصیتنامه

جز امید به پیشگاه خداوند سر افکنده و شرمسار میباشم

از تمام دوستان و آشنایان و برادران و خواهران اسلامی

عزیزم و همه باور داشته ام امیدوار انتظار

غافر انه دارم تا اعمال ناشایست و برخلق را

من ببخشایند تا راه سرزنش نادان هموار باشد

انشاء الله توانسته باشم این وظیفه بزرگ

و خطیر را به عهده من بوده انجام داده باشم

(۱۱)

تعلیقات

- ابوذر غفاری: از کبار صحابه و از مؤمنین قدیم بود ابوذر در شرایط بسیار سخت آغاز نبوت پیامبر و در آن فضای بسته بر سرجمع، با آواز بانگ شهادتین بگفت. مشرکین بارها او را بزدند و او کوچک‌ترین خللی بخود بر سر اسلام راه نمی‌داد. ابوذر را نفی بلد کردند به ربذه. در همان جا درگذشت در اوج سختی و فقر. از رسول‌الله نقل است که درباره او می‌فرماید: ابوذر در امت من بزهد چون عیسی بن مریم است علیه السلام. عثمان به تحریک معاویه او را تبعید کرد.
- **ابوسفیان:** صخربن حرب بن امیر بن عبد شمس از قبیله قریش بود. پدر معاویه و یزید و عُتبه و برادران دیگر داشت. در ده سال پیش از عام‌الفیل متولد شد. از اشراف قریش در جاهلیت بود. در جریان فتح مکه مسلمانی پذیرفت. نقل است که ابوسفیان در زیر لوای پسر خود یزید جنگ می‌کرد. برخی گویند او به زمان جاهلیت مانوی و پس از قبول مسلمانی ملجأ و کهف همهٔ منافقین بود. ابوسفیان مردی جاه‌طلب بود. ابوسفیان در دوران خلافت عثمان در سال ۳۳ هجری درگذشت. گویند سبب اصلی جنگ اُحُد و غزوه احزاب ابوسفیان بوده است. (دهخدا).
- ابوموسی اشعری: عبدالله بن قیس بن سلیم صحابی است **از مردم قریه رِمَع یکی از قرای یمن واز قبیلهٔ اشعر یمن است. پیش** از هجرت از یمن به مکه شد و اسلام آورد. پس از فتح خیبر به یمن برگشت. سال دهم هجرت به امر رسول(صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) والی قسمتی از یمن گردید. در خلافت عمر سال ۱۷ هـق والی بصره و سال ۲۲ هـق حکمران کوفه شد. در خلافت علی(علیه‌السلام) حکم گردید و عمرو بن عاص او را

فریب داد. پس از آن به مکه گریخت و پس به کوفه برگشت و در همانجا درگذشت. «دهخدا»

- اسلام فقاهتی: تعبیر اسلام فقاهتی از حضرت امام خمینی است. شأن بیان و تأکید حضرت امام در این موضوع این است که در سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی برخی از روشنفکران که آبشخور فکریشان متون و آثار غربی بود و به نوعی اختلاط در مبانی و اصول انقلاب رسیدند. به‌خصوص در مسائل و موضوع‌هایی که در ادامه انقلاب با آن روبه‌رو بودند از جمله مسائل سیاسی- اقتصادی و... به‌نوعی گرایش و وابستگی غربی دچار شده بودند، خطر این کار این بود در ادامه دراز مدت از مبانی اصلی دوری شدند و به‌نوعی نگاه و تلقی از اسلام فقاهتی رنگ می‌باخت و اسلام التقاطی حاکم می‌شد. در مواردی هم نسبت به نگاه و حکم اسلام فقاهتی تردید می‌کردند. حضرت امام صریحاً اعلام کردند که اسلام ما اسلام فقاهتی و فقه ما فقه جواهری است با این موضع علمی و محکم و مستند امام تمام حرف‌ها و تلقی‌های ناخالص یا التقاطی رنگ باخت. امام بعدها از همین اسلام در قالب اسلام ناب محمدی در برابر اسلام آمریکایی دفاع کرد و به آن اصالت بخشید (صحیفه امام، دوره ۲۲ جلدی).
- **اسماعیل (ذبیح‌الله)**: اسماعیل فرزند بزرگ حضرت ابراهیم از هاجر بود سال تولدش را ۲۰۸۵ قبل از میلاد نوشته‌اند. شاخص‌ترین نکته در زندگی حضرت اسماعیل این است که وقتی خداوند حضرت ابراهیم را مبنی بر میزان اطاعت و فرمانبری او از خود امتحان کرد از ابراهیم خواست که فرزندش را قربانی کند. حضرت ابراهیم بدون کوچکترین درنگ کارد بر گلوی فرزند نهاد. اما خداوند چون اخلاص ابراهیم را دید، به‌جای قربانی اسماعیل پذیرفت که گوسفندی قربان کند. سنت قربانی در اعمال حج تمتع به همان موضوع برمی‌گردد. حضرت اسماعیل در تجدید بنای کعبه به پدر کمک می‌کرد.
- **اتیوپی**: از کشورهای آفریقای شرقی بین سودان، کنیا، اریتره و سومالی است. پایتخت آن آدیس‌آبابا، دارای حکومت جمهوری فدرال با جمعیت هفتادوسه میلیون و پانصد هزار نفر است. سال‌ها مستعمرهٔ ایتالیا بود. در سال ۱۹۴۱م پس از شکست ایتالیا در

جنگ دوم جهانی از مستعمره ایتالیا آزاد شد. فقر و عقب‌ماندگی میراث سال‌ها استعمار این کشور است.

- اصطلاح چپ و راست: این تعبیر بعد از انقلاب فرانسه رواج یافت. در مجمع ملی نمایندگان فرانسه به نمایندگان تندرو که در طرف چپ پارلمان مستقر بودند «چپ» و به نمایندگانی که در طرف راست پارلمان بودند و با تندروها مخالف بودند «راست» می‌گفتند. بعدها به گروهی که خواهان حرکت‌های تند و انقلابی بودند جناح یا جریان چپ گفتند و به گروه مقابل و مخالف این سیاست‌ها جناح یا جریان راست گفتند. این اصطلاح در سایر کشورها هم به نوعی جای خود را باز کرد و خود مصادیقی یافت. البته هر دو جریان سیاسی در ایران تعاریف خاص بومی داشتند چپ‌ها و چپگرایان و راست‌ها و راستگرایان ایران، مانند فرانسه و سایر کشورها نبودند. ادبیات سیاسی روی کار آمده و نوع تعامل این دو جناح، با دولت‌ها و موضعگیری‌های آنان در ایران با سایر کشورها اگر نگوییم مغایر است، حداقل باید بپذیریم که متفاوت است (مصحح).
- الیاس: نام پیغمبری است مشهور و او پسر زادهٔ سام بن نوح و عمه خضر است. همراه او آب حیات خورده از این رو همیشه زنده است. الیاس از پیامبران بنی‌اسرائیل است پانزده سال دورهٔ نبوتش را نوشته‌اند. الیاس صاحب کتاب نبود. پیامبری شجاع، امین، غیور و متعصب بود. از اهالی بعلبک بود ۹ قرن قبل از میلاد می‌زیست. بنی‌اسرائیل را به ترک بت‌پرستی دعوت می‌کرد ولی قوم دعوت او را اجابت نمی‌کردند و او را آزار می‌رساندند تمام خوارق عادت و معجزاتش را انکار می‌کردند. در قرآن از او چنین یاد شده است و «انّ الیاسَ لَمن المرسلین» (دهخدا).
- **ام لیلی (لیلا)**: لیلی دختر ابومرهٔ ثقفی، همسر امام حسین(علیه‌السلام) و مادر حضرت علی‌اکبر(علیه‌السلام) از زنان فاضل عصر خویش بوده است. برخلاف آنچه مشهود است در کتاب‌های معتبر و مقتل‌ها نامی از ایشان در جریانات کربلا و کوفه و شام نیست (فرهنگ عاشورا، جواد محدثی).
- ام وهب: همسر عبدالله بن حباب کلبی، یکی از زنان شجاع و مجاهدی که در روز عاشورا شاهد وقایع خونین آن روز بود. ام وهب در روز عاشورا در فرستادن فرزند

خود به میدان اصرار داشت و وقتی فرزندش اسیر شد، عمرسعد ملعون سرش را از تنش جدا کرد و سر را به نزد ام وهب آوردند. پس از پاک کردن خون از صورت فرزند و حمد و ستایش خداوند، سر را به سوی دشمن افکند، یعنی آنچه در راه خدا داده‌ام باز پس نخواهم گرفت (بحارالانوار، ج ۱۷، ص۱۷).

- ام‌البنین: همسر علی‌بن ابی‌طالب است. دختر عامریه از خاندان آل وعید که در روز عاشورا چهار فرزند ایشان به‌نامهای (عبدالله، جعفر، عثمان و عباس) یکی پس از دیگری در رکاب امام حسین(علیه‌السلام) شجاعانه جنگیدند تا شهید شدند.
- ام‌کلثوم: دختر علی بن ابیطالب(علیه‌السلام) از حضرت فاطمه(علیهاالسلام) است. بنا به مشهور به همسری عمر خلیفه دوم درآمد. در تنقیح‌المقال آمده است که ام‌کلثوم کنیه حضرت زینب کبری(علیهاالسلام) دختر حضرت علی(علیه‌السلام) است که در کربلا با برادرش امام حسین(علیه‌السلام) همراه بود. سپس به شام و مدینه رفت. برخی گویند حضرت علی(علیه‌السلام) دو دختر داشت که کنیهٔ هر دو ام کلثوم بود.
- امینی، عبدالحسین: علامه عبدالحسین امینی معروف به علامه امینی صاحب الغدیر در سال ۱۳۲۰ هجری قمری در روستای سروها از توابع شهرستان سراب به‌دنیا آمد. خاندانش اهل علم و فضل بود. مقدمات علوم را در تبریز خواند و عاقبت از تبریز راهی نجف شد. از مراجع بزرگی چون سیدابوالحسن اصفهانی، شیخ عبدالکریم حائری، شیخ محمدحسین کمپانی اصفهانی بهره علمی برد. علاوه بر ده‌ها اثر عمیق، دقیق و ارزشمند علمی، از جمله: کامل الزیارات، سیرتنا، سیره نبینا، شهدای راه فضیلت، مدت چهل سال عمرش را به تألیف کتاب بی‌مانند الغدیر در ۲۰ مجلد صرف کرد. برای اثبات حقانیت علی(علیه‌السلام) و خاندان عصمت و طهارت و دفاع علمی از جایگاه علمی و ولایی آنان به ده‌ها کشور و شهر در شرایط سخت سفر کرد. در نهایت امساک و ورع و زهد بسر می‌برد و شبانه‌روز حدود ۲۰ ساعت به تحقیق و تفحص و پژوهش می‌پرداخت. سرانجام در ۱۲ تیرماه ۱۳۴۹ در آستانهٔ ۷۰ سالگی دارفانی را وداع گفت و در محل کتابخانهٔ عمومی خود به‌خاک سپرده شد.
- ان کان دین محمد: تاکنون در هیچ کتاب و منبع معتبری یافت نشده که این عبارت «ان کان دین محمد لم یستقم الا بقتلی فیا سوف و خذینی» را به صراحت به حضرت

امام حسین(علیه‌السلام) بدانند. در موسوعة کلمات الامام الحسین(علیه‌السلام) و در کتاب دایرة المعارف تشیع چنین آمده است. «شیخ محسن (۱۳۳۵– ۱۳۰۵ق) فرزند حاج محمد حونری حائری آل ابی‌الحب، از اعاظم خطبا و شعرای شیعه و صاحب دیوان شعری به نام الحائریات است. قصیده معروفی دارد که زبان حال همه سوگواران در مجالس حسینی است. دو بیت شعر از زبان حال ابی عبدالله الحسین(علیه‌السلام) دارد که چنین است:

- اعطیت ربی موثقاً لاینتهی • • الا بقتلی فاصعدی و ذریتی
- ان کان دین محمد لم یستقم • • الا بقتلی یاسیوف خذینی

- انسان‌سازی: تعبیر «انسان‌سازی» را حضرت امام خمینی برای قرآن و اسلام بارها و به مناسبت‌های گوناگون به‌کار برده است از آن‌جمله‌اند: «اسلام مکتب انسانی‌سازی است» (صحیفه امام، ج ۳، ص ۲۳۷). اسلام یک مکتبی است که برای انسان‌سازی آمده. (صحیفه امام، ج ۴، ص ۸) قرآن کتاب انسان‌سازی است (صحیفه امام، ج ۵، ص ۳۲۶). ابرقدرت‌ها از او [مکتب اسلام] می‌ترسند. از انسان می‌ترسند و اسلام را می‌کوبند چون مکتب انسان‌سازی است. (صحیفه امام، ج ۶، ص ۲۷۸) رزمندگان تحت‌تأثیر سخنان امام این تعابیر را قلمی کرده‌اند که«جبهه‌ها کارخانه انسان‌سازی است».
- بازرگان، مهدی: (۱۲۸۶ تهران– ۳۰ دی ۱۳۷۳ ژنو) معروف به مهندس بازرگان، سیاستمدار، استاد دانشگاه و پژوهشگر مذهبی بود. او نخستین نخست‌وزیر ایران پس از پیروزی انقلاب ۱۳۵۷ش (رئیس دولت موقت) و نخستین دانشیار دانشگاه تهران بود. بازرگان، در کنار آیت‌الله شهید محمود طالقانی و یدالله سحابی، یکی از بنیادگذاران نهضت آزادی ایران و هم‌چنین از فعالان در ارتباط با انجمن اسلامی دانشجویان در دانشکده فنی دانشگاه تهران بود. وی تحصیلات ابتدایی را در مدرسه سلطانیه تهران و متوسطه را در دارالمعلمین مرکزی به پایان رساند و سپس در سال ۱۳۰۶ در میان نخستین گروه محصلان ممتاز اعزامی دولت پهلوی قرار گرفت و به کشور فرانسه رفت. او در مدرسه حرفه‌وفن شهر پاریس در رشتهٔ ترمودینامیک و نساجی تحصیل کرد و پس از هفت سال در سال ۱۳۱۳ به ایران بازگشت. بازرگان

در دادگاه نظامی حکومت طاغوت به ده سال زندان محکوم شد. در پانزدهم بهمن ۱۳۵۷ با حکم حضرت امام خمینی به سمت وزیری منصوب شد.

- باهنر، محمدجواد: (۱۳۱۲– ۱۳۶۰ش) در سال ۱۳۱۲ در کرمان متولد شد و در سال ۱۳۴۲ در پی تحصیل علوم حوزوی به قم عزیمت کرد و از محضر بزرگانی چون آیت‌الله بروجردی، امام خمینی و علامه طباطبایی تلمذ نمود و در عین حال توانست در رشتهٔ الهیات نیز حائز درجهٔ دکترا شود. شهید باهنر در سال ۱۳۲۷ به‌علت سخنرانی علیه رژیم اسراییل دستگیر شد و از سال ۱۳۴۱ فعالیت سیاسی خود را علیه رژیم شاه آغاز کرد. پس از پیروزی انقلاب سمت‌های مهمی چون عضویت در شورای انقلاب، نمایندگی مردم کرمان در مجلس خبرگان، نمایندگی مردم تهران در مجلس شورای اسلامی و نیز وزارت آموزش و پرورش را برعهده داشت و سرانجام در ۸ شهریور ۱۳۶۰ در حادثهٔ انفجار دفتر نخست‌وزیری به همراه شهید رجایی به شهادت رسید.
- بختیار: در سال ۱۲۹۳. هـ ش در شهرکرد متولد و در سال ۱۳۷۰ در پاریس درگذشت. از جمله بنیان‌گذاران نهضت مقاومت ملی بود. در ۱۶ دی‌ماه ۱۳۵۷ با محمدرضا شاه بر سر پست نخست‌وزیری به توافق رسید. با پذیرش نخست‌وزیری از ورود هواپیمای حضرت امام به ایران ممانعت کرد. بختیار با هماهنگی آمریکا و شاه موقتاً در آن سمت قرار گرفت تا آمریکا و عوامل داخلی و سران رژیم پهلوی بتوانند از آتش خشم ملت مسلمان وانقلابی ایران بکاهند و با تسلط مجدد شاه ایشان را مجدداً به خارج از کشور بفرستند. به اصول مذهب و اعتقادات خاصی پای‌بند نبود. بختیار در دوران کوتاه مسولیت مذکور از عهدهٔ کار برنیامد و در برابر رهبری [...] امام و طوفان خشم مردم انقلابی نتوانست دوام بیاورد. پس از ۶ ماه زندگی مخفیانه در تیر ۱۳۵۸ به پاریس گریخت و به فعالیت علیه نظام جمهوری اسلامی پرداخت. در سال ۱۳۷۰ در پاریس درگذشت. بی‌تردید بختیار از مهره‌هایی بود که سال‌ها در آب نمک خوابیده بود تا در فرازی به‌عنوان یک مهره به‌درد آمریکا و شاه بخورد اما در بهمن‌ماه ۱۳۵۷ با اعلام بی‌طرفی ارتش شاه، عملاً دولت او سقوط کرد و از قدرت برکنار شد.

- بلال حبشی: بلال ابن ریاح حبشی مکنی به ابوعبدالله بود. مادر وی حماته نـام داشـت. مؤذن و خزانه‌دار بیت‌المال رسول خداوند(ﷺ) بود. از سابقان و پیشی‌گیرنـدگان در اسلام بود. رنگ پوست او به‌شدت گندم‌گون بود. در غزوه‌های مختلـف از قبیـل بدر، احد و خندق از همراهان پیامبر اکرم(ﷺ) بود. آخـرین بـار هنگـام رحلـت پیامبر(ﷺ) اذان گفت. از آن پس برای احدی اذان نگفت. در سـال ۲۰ قمـری در سن ۶۰ سالگی در دمشق و مرض طاعون درگذشت. مجموعاً از وی چهل و چهـار حدیث نقل شده است (دهخدا).
- بنی‌صدر، ابوالحسن: متولد ۱۳۱۲ همدان. در بهمن سال ۱۳۵۸به‌عنـوان نخسـتین رئـیس جمهوری اسلامی انتخاب شد. خیلی سریع به علت مواضع مخالف با نظام و خروج از مسیر حرکت انقلاب، هم‌صدا با منافقین و برخی مخالفان نظام به نـوعی مقاومـت مسلحانه علیه نظام روی آورد. عـدم کفایـت سیاسـی او از سـوی مجلـس شـورای اسلامی تصویب شد. با تأیید حکم مجلس، از سوی حضرت امـام و اجـرای حکـم، خلع مسئولیت شد. از کشور گریخـت و بـا سـایر مـزدوران و معانـدان و مخالفـان ضدانقلاب همسو شد.
- بیت‌المقدس: «قدس»، نـام دیگـر آن مسجدالاقصـی اسـت. مسـلمانان معتقدنـد معـراج پیغمبر اکرم(ﷺ) از آنجا آغاز شده است و به‌عنوان قبله اول مسـلمانان و دومـین حرم است. اسرائیل بارها در صدد تصرف آن برآمده اسـت و قسـمت‌هـایی از آن را اشغال کرده است. در قدیم آن را اورشلیم می‌خواندند. یهودیان آن را پایتخت یهـود می‌دانند. در آنجا پرستش‌گاه‌هایی ساخته‌اند. کوروش شاه ایرانی در سال ۴۴۵ قبل از میلاد این شهر را آزاد ساخت. امـروز یکـی از مراکـز مقاومـت مسـلمانان در برابـر صهیونیسم متجاوز و غاصب است.
- پادگان دوکوهه: در حدود بیست کیلومتری شهر اندیمشک واقع شده است. این پادگـان در اصل خانه‌های سازمانی پادگانی از ارتش به همـین نـام بـود کـه در شـمال ایـن ساختمان‌ها قرار دارد و مرکز پشتیبانی نیروی زمینی ارتـش اسـت و در دوران دفـاع مقدس به‌طور موقتی در اختیار تیپ ۲۷ محمد رسول‌الله قرار گرفـت کـه بعـدها بـه

لشگر ارتقا یافت و تا پایان جنگ در همین مکان و ساختمان‌ها مستقر بودند و اکنون نیز در اختیار همان لشکر است.

- پایگاه: منظور پایگاه‌های بسیج و مقاومتی بود که از دوران دفاع مقدس به‌عنوان مراکز پشتیبانی و جذب نیرو تحت مدیریت و فرماندهی بسیج تشکیل شده است. بی‌تردید مردمی‌ترین مراکز نظامی و انتظامی در روزگار ماست که با ابتکار حضرت امام خمینی به‌عنوان فرمانده کل قوا تشکیل شد.
- تنگهٔ چزابه: نام منطقه‌ای است در استان خوزستان. این تنگه در شمال غربی بستان ودر راه جاده‌ای است که از مرز به بستان کشیده شده است. در دو سوی این تنگه تپه‌های شنی و هورهویزه جای گرفته‌اند. جاده‌ای در خاک ایران، چزابه را به فکه و جاده‌ای دیگر این منطقه را به العماره در عراق می‌پیوندد. دهانه این تنگه نیز نزدیک به یک‌ونیم کیلومتر می‌باشد. از نقطه از دید رزمی بسیار استراتژیک می‌باشد. در روند جنگ ایران و عراق تنگه چزابه یکی از پنج محور تازش عراق به ایران بود. عراق این منطقه را در دست داشت تا اینکه در عملیات طریق‌القدس در آذر ۱۳۶۱ ایرانیان این نقطه را بازپس گرفتند.
- جبهه ملی: از احزاب سیاسی ایران بود که نطفه اولیه آن از دوران فعالیت‌های دکتر محمد مصدق بسته شد. این سازمان تاکنون به علت نوسانات مختلف بیش از پنج بار تجدید حیات کرده است. فعالیت‌های این جبهه به علت تعارض و مواضع مخالف با نظام جمهوری اسلامی غیرقانونی اعلام شده است. در سال‌های دفاع مقدس نهضت آزادی و سایر تشکل‌های سیاسی جزو مخالفان جدی جنگ بودند. وابستگی شدید آنان به جریان‌های سیاسی- حقوقی غرب، مواضعشان را از نظام جمهوری اسلامی بسیار دور کرده است.
- جزیرهٔ مجنون: منطقه‌ای است در استان بصره عراق که در نزدیکی میدان نفتی مجنون و شهر قرنه قرار دارد. دو رود دجله و فرات در این منطقه به‌هم می‌پیوندند و سرچشمه اروندرود را پدید می‌آورند. این منطقه از آن‌رو مجنون (دیوانه) نامیده شده است که به‌گونه‌ای دیوانه‌وار حجم عظیمی از منابع نفتی را در یک منطقه محدود جغرافیایی جای داده است. از سال ۲۰۰۹ کنسرسیومی از وزارت نفت

عراق، رویال داچ‌شل و پتروناس استخراج آن را برعهده گرفته‌اند. در جریان جنگ ایران و عراق در سال ۱۳۶۲ این منطقه در پی عملیات خیبر به دست نیروهای ایرانی افتاد و ایران بر اتوبان العماره مسلط شد ولی یک‌سال بعد نیروهای عراقی آن را بازپس گرفتند.

- جهاد اصغر: **اشاره دارد به حدیث مشهوری از پیامبر نقل شده است: «قال امیرالمومنین علیه‌السلام: ان رسول‌الله صلی الله علیه و آله بعث سریه فلما رجعوا قال: مرحبا بقوم قضوا الجهاد الاصغر و بقی علیهم الجهاد الاکبر قیل: یا رسول‌الله و ما الجهاد الاکبر؟ قال: جهاد النفس ثم قال صلی‌الله علیه و آله: افضل الجهاد من جاهد نفسه التی بین جنبیه (الامالی ص۵۵۳)، ترجمه: گفت امیرالمومنین(علیه‌السلام) که رسول خدا(صلی‌الله‌علیه‌وآله) گروهی را به مبارزه با کفار فرستاد و هنگامی که بازگشتند فرمود: مرحبا به گروهی که جهاد کوچک‌تر را به انجام رساندند و جهاد بزرگ‌تر برایشان باقی ماند. گفته شد: جهاد بزرگ‌تر چیست؟ فرمود: جهاد نفس، سپس فرمود: بهترین جهاد را کسی انجام می‌دهد که با نفس خویش، که در کنار دارد، جهاد می‌کند.**
- چریک‌های فدایی خلق، گروه پیکار: این گروه کوچک از دل سازمان مجاهدین خلق (سازمان منافقین هکی) زاییده شد. ایدئولوژی اسلام را به مارکسیسم نینیسم تغییر داد. تحت تأثیر شدید کشورهای کمونیستی و بلوک شرق در سال ۱۳۵۱ در انشعابی ایدئولوژیک عملاً مارکسیست شدند. سازمان پیکار برخلاف برخی از احزاب و جریان‌های چپ مارکسیستی در برابر نظام جمهوری اسلامی ایران موضع مخالف گرفت. برنامه‌ای در زمان دولت موقت مشابه برنامهٔ جمهوری دموکراتیک خلق چین ارائه دادند. نشریه‌ای به‌نام پیکار چاپ می‌کردند. حتی اشغال لانهٔ جاسوسی آمریکا را که امام آن را انقلاب دوم می‌دانست تائید نکردند. انتخابات ریاست جمهوری را تحریم کردند. در برابر انقلاب اسلامی مَشی مسلحانه را پیش گرفتند. این سازمان به گروه اقلیت و اکثریت تقسیم شد. شدیداً از سوی امت مسلمان و انقلابی مورد تنفر بودند و به‌علت مخالفت با نظام جمهوری اسلامی از صحنهٔ سیاسی ایران حذف شدند. برخی از افراد آن نیز به کشورهای بیگانه پناهنده شدند.

- چمران، مصطفی: در سال ۱۳۱۱ در خیابان ۱۵ خرداد تهران متولد شد. تحصیلات خود را در مدرسه انتصاریه پامنار آغاز کرد و در مدارس دارالفنون و البرز دوران متوسطه را گذراند. وی در دانشکده فنی دانشگاه تهران ادامه تحصیل داد و در سال ۱۳۳۶ در رشتهٔ الکترونیک فارغ‌التحصیل شد. در سال ۱۳۳۷ با استفاده از بورس تحصیلی شاگردان ممتاز به آمریکا اعزام شد و با درجهٔ ممتاز علمی از دانشگاه برکلی مدرک دکترای خود را در رشتهٔ الکترونیک و فیزیک پلاسما اخذ نمود. وی در زمان اقامت در آمریکا، انجمن اسلامی دانشجویان آمریکا را تأسیس کرد که این اقدامات منجر به قطع بورسیه وی توسط رژیم شاه شد. شهید چمران از ابتدای نوجوانی از محضر اساتیدی چون مرحوم آیت‌الله طالقانی و شهید آیت‌الله مرتضی مطهری استفاده کرد. با آنکه او در آمریکا یکی از دانشمندان مطرح محسوب می‌شد، اما بدون توجه به این درجهٔ علمی از آمریکا به مصر رفت و دورهٔ آموزش نظامی را در آنجا تعلیم دید و از آنجا رهسپار لبنان شد و با کمک امام موسی صدر، سازمان امل را براساس اصول و مبانی اسلام پی‌ریزی کرد. این شهید بزرگوار از قلب بیروت تا قله‌های بلند کوه‌های جبل عامل و در مرزهای فلسطین اشغال شده از خود قهرمانی‌های بسیاری به یادگار گذاشته است. با پیروزی انقلاب پس از ۲۱ سال دوری از وطن به ایران بازگشت و تمام تجربیات خود را در اختیار انقلاب اسلامی قرار داد. پس از حضور وی و خاتمه دادن غائله کردستان، از سوی حضرت امام(رحمه‌الله) به وزارت دفاع منصوب شد. او پس از چندی به نمایندگی حضرت امام خمینی(رحمه‌الله) در شورای عالی دفاع منصوب شد. با شروع جنگ تحمیلی با تشکیل گروه‌های داوطلب و استفاده از رزمندگان مخلص به جنگ‌های نامنظم و چریکی با ارتش بعثی در مناطق جنوب پرداخت و موفقیت‌های بسیاری را نیز کسب کرد. این شهید بزرگوار سرانجام در ۳۱ خرداد ۱۳۶۰ بر اثر اصابت ترکش خمپاره در منطقهٔ دهلاویه به فیض شهادت نائل آمد. شهید چمران نمایندهٔ مردم تهران در دورهٔ اول مجلس شورای اسلامی نیز بود.
- حبیب‌بن مظاهر: از اصحاب رسول خدا و امیرالمومنین علی(علیه‌السلام) بود و در جنگ جمل و صفین و نهروان کنار امام علی(علیه‌السلام) جنگید. حبیب از کسانی بود که برای

امام حسین(علیه‌السلام) نامه نوشت و هنگامی که مسلم‌بن عقیل، نمایندهٔ امام، به کوفه رسید، در منزل مختار به حمایت از او سخن گفت. او به همراه مسلم‌بن عوسجه در کوفه برای امام حسین(علیه‌السلام) بیعت می‌گرفت و در واقعهٔ عاشورا همراه دیگر یاران آن حضرت به شهادت رسید.

- حربن یزید ریاحی: سردار طلیعه سپاه عبیدالله‌بن زیاد بود. روز عاشورا به ناگهان به سپاه اباعبدالله حسین بن علی(علیه‌السلام) پیوست، در رکاب او به یوم الطف شهادت یافت. او را اول قتیل روز عاشورا به کربلا می‌دانند. بعدها حُر به عنوان نماد آزادگی مشهور شد. یقیناً وجود فطرت پاک حُر در تغییر موضع او و خروج از صف باطل و پیوستن به صف حق بسیار مهم بوده است (دهخدا).
- حزب بعث عراق: (به عربی: حزب البعث العربی الاشتراکی) نام حزبی سیاسی بود که با کودتای سال ۱۳۴۷ (۱۹۶۸م) که منجر به حکومت درازمدت حزب بعث شد بر سر قدرت آمد. مبانی نظری این حزب بر پان عربیسم، نوسازی اقتصادی و سوسیالیسم استوار بود. صدام حسین تکریتی یکی از اعضای برجسته حزب بعث محسوب می‌شد که پس از پیروزی انقلاب اسلامی به‌عنوان عامل دست آمریکا و با همکاری و حمایت سایر قدرت‌ها به قصد تجزیه ایران و شکست و جلوگیری از صدور انقلاب اسلامی به ایران حمله کرد. پس از تلفات و خسارات بسیار به دو کشور جای پای آمریکا و لشکرکشی و حضورش را در منطقه باز کرد. و سرانجام از ایران و نیروهای رزمنده ایران به تعبیر حضرت امام سیلی خورد که هرگز از جایش برنخاست. این حزب در طول تاریخ در خدمت اهداف استکبار بوده است از هر دو جریان شاخص شرق و غرب (مصحح).
- حزب توده: این حزب در مهرماه ۱۳۲۰ تأسیس شد. در ابتدا به جهتی که چندین نفر از افسران ارتش شاه به عضویت این حزب درآمده بودند، تحت تعقیب قرار گرفتند و به مجازات‌های حتی اعدام رسیدند. در طول حیات دچار انشعاب‌هایی شد. از قوی‌ترین تشکیلات سیاسی ایران بود که متکی بر خط و مشی سیاسی- سوسیالیستی بود. شدیداً وابسته به مشی سیاسی حزب کمونیست شوروی بودند و به تصورشان رسیدن به جامعه‌ای مانند شوروی سوسیالیستی تنها راه نجات ایران

بود. با وجودی که به ظاهر خودشان را با نظام جمهوری اسلامی همراه می‌دانستند، اما هرگز نمی‌توانستند به لحاظ مشی سیاسی- عقیدتی با حکومتی که متکی بر اسلام و توحید بود همراه باشند. برخی از سران تئوریسین این حزب به جهت مخالفت با نظام اسلامی دستگیر و پس از تبیین جایگاه نظام، نسبت به عملکرد خود احساس شرمساری و حتی ندامت کردند، تا آنجا که احسان طبری به‌عنوان مغز متفکر تئوریسین شاخص این حزب از راه‌های رفته این حزب در طول تاریخ ایران به «کج‌راهه» یاد کرد. به‌علت موضع‌گیری‌های مخالف اهداف نظام جمهوری اسلامی ایران فعالیت این حزب غیرقانونی اعلام شده است.

- حزب جمهوری اسلامی: **مهم‌ترین تشکل مسلمانان انقلابی، با محوریت روحانیت محسوب می‌شد. در ۲۹ اسفند ۱۳۵۷ اعلام موجودیت کرد. بنیان‌گذاران آن روحانیونی چون آیت‌الله دکتر بهشتی، آیت‌الله عبدالکریم موسوی اردبیلی، آیت‌الله اکبر هاشمی‌رفسنجانی، آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای و دکتر محمدجواد باهنر بودند. علاوه بر هیأت مؤسس، آقایان شهید حسن آیت، اسدالله بادامچیان، دکتر عبدالله جاسبی، مهندس میرحسین موسوی، آقای مهدی کروبی، حبیب‌الله عسگراولادی، دکتر سیدمحمود کاشانی، مهدی عراقی و علی درخشان از اعضای شورای مرکزی حزب بودند. با انفجار دفتر مرکزی حزب در ۷ تیر ۱۳۶۰، تعدادی از اعضای اصلی حزب شهید شدند. پس از آن فاجعه، در ۸ شهریور هم دکتر باهنر شهید شد. از آن زمان بود که عملاً حزب تعطیل شد. دبیر کل حزب پس از شهید بهشتی و شهید باهنر، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای شد. این حزب در دوران کوتاه حیات و فعالیت خود در سازمان‌دهی نیروهای انقلاب نقش شایان توجهی را ایفا می‌کرد و در اکثر استان‌ها دارای دفتر نمایندگی بود. تشکل‌های سیاسی چپ و ملی‌گرا حزب جمهوری اسلامی را به‌عنوان اصلی‌ترین رقیب سیاسی خود تا قبل از تعطیلی محسوب می‌کردند.**
- حسینی بهشتی، سیدمحمد: (۱۳۵۷-۱۳۰۷ش) در محلهٔ لومبان اصفهان به دنیا آمد و تحصیلات خود را تا دوم متوسطه در آن شهر ادامه داد و پس از چندی در پی

تحصیل علوم حوزوی راهی شهر قم گردید و چندی بعد برای تحصیل در رشتهٔ الهیات وارد دانشگاه شد و توانست تحصیلات خود را تا اخذ درجهٔ دکتری ادامه دهد. دکتر بهشتی پس از فراغت از تحصیل، فعالیت گسترده خود را در آگاهی نسل جوان و نیز شرکت در فعالیت‌های سیاسی و مبارزاتی در رژیم پهلوی آغاز کرد و پس از انقلاب، پس از فعالیت‌های بسیار گسترده در تمام ابعاد اجتماعی و سیاسی و مذهبی، در هفتم تیرماه ۱۳۶۰ در انفجار دفتر مرکزی حزب جمهوری اسلامی، به دست عناصر کوردل منافق به همراه یاران خود به شهادت رسید.

- حسینیه جماران: این حسینیه توسط سید ابراهیم جمارانی در دهکده‌ای به نام جماران وقف شده است. در سال ۱۳۵۵ توسط اهالی دهکده بازسازی شد. تولیت این حسینیه با حجةالاسلام امام جمارانی بود. از سال ۱۳۵۸ در اختیار حضرت امام خمینی قرار گرفت. این حسینیه محل دیدارها، ملاقات‌ها، سخنرانی‌ها و تمام مراسمی بود که مردم با امام داشتند. پس از استقرار امام در این حسینیه بود که وجهه و شهرت جهانی یافت. حتی برخی از شعرا به تناسب سکونت امام از امام به «پیر جماران» یاد می‌کردند.
- حضرت علی‌اصغر: فرزند شیرخوار امام حسین(علیه‌السلام) بود که روز عاشورا از شدت تشنگی بی‌تاب شده بود. امام حسین(علیه‌السلام) وقتی تمام یاران را از دست داد، خطاب به دشمنان گفت: «ان لم ترحمونی فارحموا هذا الطفل» در همین حال که فرزند روی دست امام بود، حرمله تیری به‌سوی فرزند پرتاب کرد که گوش تا گوش علی‌اصغر(علیه‌السلام) را شکافت و خون گلوی او را به آسمان پاشید. علی‌اصغر را باب‌الحوائج، طفل رضیع، شش ماهه، شیرخواره نیز می‌نامند (فرهنگ عاشورا، جواد محدثی).
- حضرت علی‌اکبر: فرزند ابی‌عبدالله الحسین(علیه‌السلام) بود و در سال ۴۳ قمری در مدینه متولد شد. جوانی خوش‌چهره، زیبا و خوش‌زبان و دلیر بود. از جهت سیرت و خلق‌وخوی و صباحت رخسار شبیه‌ترین مردم به پیامبر اکرم(صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) بود. علی‌اکبر(علیه‌السلام) در روز عاشورا در کنار پدرش امام حسین(علیه‌السلام) فعالانه به مبارزه می‌پرداخت. وی نخستین شهید بنی‌هاشم در روز عاشورا بود. نقل است که در نبرد

روز عاشورا تا دویست تن از سپاه عمربن سعد را به هلاکت رساند. پس از آنکه توسط مرة بن منقذ عبدی بر فرق مبارکش ضربه‌ای وارد آمد، دشمن جرأت پیدا کرد به او هجوم آورد. پس از آن توسط دشمن آماج تیغ شمشیر و نوک نیزه‌ها قرار گرفت و مظلومانه به شهادت رسید. در مورد سن شریف وی برخی ۱۹ سال و برخی ۲۵ سال نوشته‌اند.

- حضرت قاسم: قاسم(علیه‌السلام) فرزند امام حسن(علیه‌السلام) در واقعه عاشورا از امام حسین(علیه‌السلام) اذن میدان گرفت. به‌قدری نوجوان بود که زره و لباس جنگی اندازه‌اش نبود. شجاعانه جنگید و توسط عمربن نفیل اسدی به شهادت رسید.
- خامنه‌ای، آیت‌الله سیدعلی: از شاگردان فقهی، اصولی و پیروان مشی سیاسی- مبارزاتی حضرت امام خمینی هستند. قبل از انقلاب، به‌عنوان یکی از مبارزان شاخص خطه خراسان فعالیت‌های چشمگیری داشت. بارها از سوی رژیم پهلوی بازداشت و چندین سال به ایرانشهر تبعید شدند. از اعضای شورای انقلاب بودند. مسئولیت‌های مهمی چون سرپرستی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، امام جمعه تهران، نماینده امام در شورای عالی دفاع، نماینده مردم تهران در مجلس شورای اسلامی، حضور فعالانه در جبهه‌های جنگ، ترور توسط منافقین در ۱۳۶۰، رئیس جمهوری اسلامی پس از شهادت شهید رجایی، رئیس شورای عالی انقلاب فرهنگی، رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام را بر عهده داشت. سرانجام در ۱۴ خرداد ۱۳۶۸، پس از رحلت حضرت امام خمینی، توسط مجلس خبرگان رهبری به رهبری نظام جمهوری اسلامی ایران انتخاب شدند. از آن تاریخ تاکنون با شایستگی تمام هدایت امت مسلمان ایران را عهده‌دار شد.
- خلقی‌ها: پس از پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی ایران گروه‌های متعدد متکثری که اکثراً وابسته به کشورها و قدرت‌های دیگر بودند با شعار دفاع از حقوق خلق ایران مانند قارچ قد کشیدند. به هر بهانه‌ای برای مسئولین نظام جمهوری اسلامی مانع‌تراشی می‌کردند. هریک با پسوند مُضائی از جمله خلق مسلمان، خلق کرد، خلق عرب، خلق ترکمن، خلق قهرمان، خلق زحمتکش، خلق مستضعف، خلق انقلابی به فریب برخی از افراد پرداخته حتی در مقابل نظام جمهوری اسلامی با

بهانه‌های واهی قد علم کردند. به‌خصوص با اشغال لانه جاسوسی آمریکا مشخص شد بسیاری از آنها مزدور بیگانگان بوده و در جهت اهداف دشمنان انقلاب اسلامی فعالیت می‌کردند. یکی از این گروهک‌ها هم سازمان مجاهدین خلق بود که از همان آغاز پیروزی انقلاب اسلامی با پیگیری خط نفاق به مواضع معاندانه با نظام پرداختند و سرانجام در درون جنگ و پس از آن به‌عنوان سرسپردگان مزدور آمریکا کاملاً در خدمت اهداف آمریکا و صهیونیست‌ها به دشمنی آشکار و مسلحانه در مقابل نظام جمهوری اسلامی پرداختند. اشاره شهیدان به این گروهک‌های به اصطلاح «خلقی» است.

- **خوارج (مارقین):** نام فرقه‌ای است از مسلمانان که بعد از جنگ صفین و مسئله حکمیت به مخالفت خلیفه وقت برخاستند. به علی(علیه‌السلام) اعتراض کردند که چرا به حکمیت گردن نهاده‌ای و فرقه‌ای شدند و به مخالفت علی(علیه‌السلام) پرداختند. روزبه‌روز به شمار آنان افزوده شد. یک‌بار در حزورا گرد آمدند، با علی(علیه‌السلام) جنگیدند و شکست سختی از حضرت علی(علیه‌السلام) خوردند. در دوره بنی‌امیه قدرت بسیار به‌دست آوردند. به دو قسمت شدند قسمتی در عراق و فارس و کرمان تسلط پیدا کردند و دسته‌ای در جزیرةالعرب. این فرقه در عهد امویان یکی از مشکلات بزرگ دولت اسلامی بودند. در نهروان هم بین آنها و حضرت علی(علیه‌السلام) جنگ افتاد و سرانجام شکست خوردند. در آخر یکی از خوارج نهروان به‌نام عبدالرحمن‌ابن ملجم، علی(علیه‌السلام) را در مسجد کوفه در حین نماز به شهادت رساند (دهخدا، با تلخیص).
- دانشجویان مسلمان پیرو خط امام: پس از پیروزی انقلاب اسلامی، عوامل داخلی استکبار جهانی به‌خصوص امریکا به کارهای ایذایی، توطئه، آشوب و تفرقه، ترور و حتی طرح کودتا و تخریب شخصیت‌های انقلاب و شایعه‌پراکنی متعدد می‌پرداخت. به تحریک قومیت‌ها و ناامنی در برخی مناطق از جمله کردستان و گنبد و مناطق مرزی و غیره می‌پرداخت. دانشجویان متعهد و انقلابی با تیزهوشی متوجه شدند این جریان‌ها باید یک مرکز فرماندهی و اطاق فکر داشته باشد پس از بررسی دریافتند که سرنخ همهٔ این مخالفت‌ها و دشمنی و تحرکات ضد انقلابیون در سفارت

امریکاست. عده‌ای از دانشجویان متعهد، جان برکف و انقلابی و شجاع را کـه بـرای خنثی کردن شیطنت‌های امریکا حاضر بودند شهادت را بـه جـان بخرنـد بـه‌عنـوان «دانشجویان مسلمان پیرو خط امام» هم پیمان شدند و با نوشتن وصیت‌نامه بـا شـور انقلابی به سفارت امریکا حمله کردند. سفارت امریکا را اشغال، و اسـناد و مـدارک بسیار مهم و ارزشمندی از به اصطلاح سفارت امریکا به‌دسـت آمـد. بـاوجودی کـه اسناد مهمی را در داخل سـفارت خُـرد کردنـد امـا بعـدها بـا حوصـله و شـکیبایی خارق‌العاده مدارک رشته رشته شده را کنار هم گذاشـتند کـوس رسـوایی امریکـا و بسیاری از عوامل داخلی و خارجی آن زده شـد. از آن تـاریخ بـه بعـد بـه سـفارت آمریکا «لانه جاسوسی» می‌گویند. ضمناً امام خمینی با وجود مخالفـت آقـای مهـدی بازرگان به‌عنوان نخست‌وزیـر، حرکـت انقلابـی دانشـجویان را انقـلاب دوم نامیـد. دانشجویان مسلمان پیرو خط امام در آن برهه خدمت بزرگـی بـه انقـلاب اسـلامی کردند.

- **داود: از انبیاء بنی‌اسرائیل بود که سلطنت را هم در خـور جمـع سـاخت. در سـال ۱۰۷۱ یا ۱۰۸۶ قبل از حضرت مسـیح در بیـت‌لحـم متولـد شـد. ابتـدا شـبانی گوسفندان ایشا می‌کـرد. در ۱۵ سـالگی دختـر طـالوت را نـامزد کـرد. بسـیار خوش‌صدا بود. چون زبـور خوانـدی، از خـوش آوازی او مرغـان هـوا فـرود می‌آمدند. در سال دوازدهم سلطنت او خداوند لقمـان را حکمـت داد و لقمـان سی‌سال در خدمت داود نبی بود. داود استعداد فطری عالی داشت. با سخاوت و عدالت و تقوی و شجاعت و دلیری و ثبات حلم رفتـار مـی‌کـرد. زره را نیـک می‌ساخت.**
- در مسلخ عشق جز نکو را نکشند: این شعر را پس از انقـلاب بـه افـراد متعـدد نسـبت دادند. از زندان سیاسی مخصوص افرادی که از سوی رژیم طاغوت اعدام می‌شـدند تا برخی از شاعران. اما تاکنون مشخص نشده است شاعر و سراینده واقعی این شعر حماسی و مقاومت در ساحت مبارزات سیاسی کیست.
- دستغیب، عبدالحسین: (۱۲۹۲– ۱۳۶۰ش) فرزند مرحوم آقا سید محمدتقی دستغیب، در خانوادهٔ اهل علم و تقوا دیده به جهان گشود. تا سن ۱۲ سـالگی مقـدمات علـوم را

نزد پدر فرا گرفت و سپس در شهر شیراز به تکمیل علوم حوزوی و نیز اقامهٔ نماز جماعت در مسجد باقرخان و تبلیغ احکام دینی و افشای ظلم و ستم دستگاه طاغوت و استبداد رضاخانی همت گماشت. بر اثر افشاگری‌های این عالم مجاهد، رژیم وی را مجبور به جلای وطن و هجرت به نجف اشرف کرد. او بعد از سقوط رضاخان در سال ۱۳۲۱، دیگر بار به ایران مراجعت کرد. مصادف با مبارزات امام خمینی در سال ۱۳۴۲، به امام پیغام فرستادند که حاضر به همکاری در نهضت هستند و در مدت تبعید و زندانی شدن امام، شهید دستغیب نقش رهبری استان فارس را برعهده داشتند؛ تا آنجا که در سال ۱۳۵۶ مدتی در خانهٔ خود حصر شدند. از سمت‌های ایشان در اواخر حیات خود امامت جمعهٔ شیراز و ریاست حوزهٔ علمیهٔ فارس است. شهید دستغیب سرانجام در آذرماه ۱۳۶۰ به هنگام عزیمت به نماز جمعه مورد سوءقصد قرار گرفتند و همراه چند تن از یاران خود به شهادت رسیدند. این شهید سعید و عالم خبیر دارای آثار متعددی در تفسیر و احکام و اخلاق نیز هستند.

- دمکرات: این تشکیلات تحت عنوان «حزب دمکرات کردستان ایران» فعالیت داشته است. مأموریت اصلی این حزب از آغاز تأسیس، فعالیت خودمختاری برای کردستان بوده است. در سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی یکی از جریان‌هایی بود که آرامش را از کردستان سلب می‌کرد. وابستگی‌های شدید آن به سایر قدرت‌ها موجب شد که با نظام جمهوری اسلامی ایران به تقابل بپردازد. حضور قدرتمند و با تدبیر و کارایی خاص نظام در کردستان فلسفه وجودی حزب را از بین برد و نبود پایگاه مردمی آن را به انحلال کشید. بارها با نیروهای مردمی و مسلح درگیر شد. اینک در ایران فاقد پایگاه است و بیشتر در عراق مستقر است.
- رُباب: رباب دختر امروالقیس عدی، همسر سیدالشهدا(علیه‌السلام) مادر سکینه و علی‌اصغر(علیه‌السلام) بود. او در سفر کربلا حضور داشت و همراه اسیران به شام رفت. سپس به مدینه بازگشت و مدت یک‌سال برای سیدالشهدا(علیه‌السلام) عزاداری کرد. مرثیه‌هایی هم در سوگ آن حضرت سرود. خواستگارانی از اشراف و بزرگان قریش را رد کرد و حاضر نشد با کسی ازدواج کند. در سوگ اباعبدالله(علیه‌السلام) پیوسته گریان

بود و زیر سایه نمی‌رفت، از فرط گریه و اندوه بر شهادت امام حسین(علیه‌السلام) یک‌سال بعد (در سال ۶۲ هجری) جان باخت. امام حسین(علیه‌السلام) نیز حضرت سکینه و مادرش رُباب را بسیار دوست می‌داشت.

- رجایی، محمدعلی: (۱۳۱۲– ۱۳۶۰ش) در شهرستان قزوین متولد شد. تحصیلات ابتدایی خود را تا اخذ گواهی‌نامهٔ ششم ابتدایی در همین شهرستان به اتمام رسانید و پس از عزیمت به تهران در سال ۱۳۳۸ وارد نیروی دریایی شد و هم‌زمان، تحصیلات خود را از طریق مدارس شبانه ادامه داد و توانست در رشتهٔ ریاضی در مقطع لیسانس فارغ‌التحصیل شود و به عنوان معلم در مدارس مشغول به کار شود. شهید رجایی چندی بعد فعالیت سیاسی خود را علیه رژیم شاه آغاز کرد. پس از انقلاب، شهید رجایی سمت‌های مهمی چون وزارت آموزش و پرورش، نمایندگی مردم تهران در مجلس شورای اسلامی و در سال ۱۳۵۹ نخست‌وزیری جمهوری اسلامی را برعهده داشت و سرانجام در ۸ شهریور ۱۳۶۰ بر اثر انفجار دفتر نخست‌وزیری به‌دست منافقین کوردل به شهادت رسید.
- رجوی، مسعود: در سال ۱۳۲۷ در طبس به‌دنیا آمد. به عضویت سازمان منافقین درآمد. پس از دستگیری به جهت همکاری صمیمانه با عوامل رژیم طاغوت به‌خصوص در معرفی شبکه سازمان با تخفیف به حبس ابد محکوم شد. پس از پیروزی انقلاب اسلامی از ابتدا به موضعگیری علیه نظام جمهوری اسلامی پرداخت. پس از آن که رهبری سازمان منافقین را به‌عهده گرفت، سعی کرد هواداران سازمان را علیه جمهوری اسلامی به صحنهٔ عمومی کشور بکشاند. با عزل قانونی بنی‌صدر همراه او به پاریس گریخت و به فعالیت‌های سازمانی علیه ایران ادامه داد. دولت فرانسه فعالیتشان را غیرقانونی اعلام کرد. با هماهنگی و همکاری آمریکا برای مقابله با ایران به عراق کوچ کرد و در حواشی بغداد برایشان اردوگاهی موسوم به اشرف از سوی صدام حسین ساخته و در آنجا مستقر شدند. با دریافت کمک از سوی عراق و آمریکا عواملشان را در جبهه‌های جنگ به جمع‌آوری اخبار بسیج کرد. عملیاتی را علیه جمهوری اسلامی ایران به‌خصوص رزمندگان دلاور اسلام طراحی و اجرا کردند، در این عملیات متحمل شکست بسیار سنگینی شدند. با سازمان‌دهی مجدد

از آن تاریخ تاکنون در خدمت منویات آمریکا و عوامل مزدور حزب بعث عراق به مزدوری مشغولند. در جریان ترورهای کور خیابانی و سازمانی در دفتر مرکزی حزب جمهوری اسلامی و دفتر نخست‌وزیری شخصیت‌هایی چون شهید بهشتی، شهید باهنر و شهید رجائی را ترور کردند. علاوه بر این ائمه جمعه بسیاری و نیز پاسداران و نیروهای انقلابی و متعهد دیگری را از نظام جمهوری اسلامی ایران ترور کردند. اینک با رایزنی آمریکا و سایر کشورهای اروپائی درصدد انتقال از عراق به کشور دیگر هستند.

- رقیه: **دختر امام حسین(علیه‌السلام) بود. وی همان است که در خرابه شام پس از شهادت پدر، امام حسین را خواب دید. هنگامی که بیدار شد از حضرت زینب(علیهاالسلام) پدرش را خواست. همه اسرا در خرابه شام به شیون و گریه آمدند. ناله و شیون طفلان را یزید شنید و دستور داد سر امام حسین(علیه‌السلام) را در خرابه شام به اسرا مخصوصاً اطفال نشان دادند. وقتی حضرت رقیه(علیهاالسلام) سر پدر را دید، به قدری منقلب و مضطرب گشت که از شدت گریه و اضطراب روح از تنش جدا شد.**
- روز ۱۳ آبان: ۱۳ آبان‌ماه از روزهای فراموش نشدنی در تاریخ معاصر ایران است. پیوند رویدادهای این روز به‌گونه‌ای است که به خوبی می‌توان از خلال آن تولدی دیگر را یافت. ریختن به بیت حضرت امام خمینی در قم و تبعید ایشان از ایران، حمله به تظاهرات دانشجویان و به خاک و خون کشیدن آنها و بالاخره در نهایت نیز تسخیر لانه جاسوسی آمریکا در این روز روی داد تا برگ دیگری از تاریخ ایران رقم بخورد. آنچه که از خلال این رویدادها به چشم می‌خورد کهنه نشدن آن است و زندگی‌ای که دوباره از کنار این نعمت همیشگی نصیب مردم ایران شد. ۱۳ آبان نشان داد که هنوز دانشجویان و دانش‌آموزان در تمام امور پیشقدم هستند.
- روز ۱۵ خرداد ۱۳۴۲: کفن‌پوشان ورامین در لبیک به ندای انقلاب حضرت امام به‌سوی تهران حرکت کردند و نیروهای امنیتی و مسلح شاه بسیاری از آنان را شهید کردند. پانزده سال بعد از آن، خون شهیدان به ثمر نشست و امام با افتخار از تبعید بازگشت و در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ انقلاب به پیروزی رسید.

- روز ۱۷ شهریور: در ۱۷ شهریور ۱۳۵۷ جمعیت عظیمی از مردم مومن و انقلابی تهران حکومت نظامی ران نادیده گرفتند و با از جان گذشتگی در میدان ژاله (شهدا) تجمع کرده و مزدوران رژیم شاه آنها را به گلوله بستند و تعداد زیادی از تظاهرکنندگان را به خاک و خون کشیدند. بدین‌ترتیب این روز به‌نام جمعه خونین یا جمعه سیاه در تاریخ انقلاب اسلامی ثبت شد براساس شواهد و قراین تاریخی در آن روز رژیم سفاک پهلوی از مزدوران رژیم صهیونیستی جهت کشتار مردم مومن استفاده کردند.
- روز ۲۲ بهمن: پس از اعلان حکومت نظامی، حضرت امام خمینی(ره) اعلام کرد که مردم به حکومت نظامی اعتنایی نکنند. مردم نیز همچنان به یورش خود به مراکز دولتی و نظامی و انتظامی ادامه دادند و تقریباً تمام این مراکز با اندک درگیری و مقاومت، تسخیر شد و به دست مردم افتاد. این درگیری‌ها در روز بعد نیز به شدت ادامه یافت و در این روز هزاران زن و مرد و پیر و جوان، هر یک به اندازه توان خود برای سرنگونی نهایی رژیم ظلم و جور، کوشش کردند. آنها با سنگربندی در خیابان‌ها، سینه سپر کردن در برابر تانک‌ها و با فداکاری و جانفشانی، انقلاب را به پیروزی رساندند. نه فقط در تهران، بلکه در تمامی شهرهای ایران، درگیری مردم با بقایای رژیم شاه جریان داشت. هنگامی که خبر حرکت نیروهای نظامی از شهرهای مختلف ایران به سمت تهران برای سرکوب قیام مردم پخش شد، مردم شهرهای مسیر به درگیری با نیروهای نظامی پرداختند و با بستن راه، مانع حرکت آنها به سمت تهران شدند. برخی از فرماندهان رده بالای ارتش در این درگیری‌ها به دست مردم کشته شدند تا سرانجام، ارتش، بی‌طرفی خود را اعلام کرد. سرانجام روز سرنوشت فرا رسید و در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷، نظام پوسیده ستمشاهی فرو ریخت و ریشه‌های فاسد دودمان سپاه پهلوی از این کشور اسلامی، کنده شده. مبارزه پانزده ساله ملت مسلمان ایران به رهبری امام خمینی(ره) به ثمر رسید و با سرنگونی نظام ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی، انقلاب شکوهمند اسلامی ایران پیروز گردید.
- ریگان، رونالد: (۲۰۰۴-۱۹۱۱) چهلمین رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا در دهه ۸۰ میلادی بود. ریگان با اتکا به اوج‌گیری احساسات راست‌گرایانه در آمریکا در

انتخابات ریاست جمهوری ایالات متحده آمریکا سال ۱۹۸۰ به پیروزی رسید. وی در سال ۱۹۸۹ در حالی کاخ سفید را ترک کرد که دوسوم مردم آمریکا عملکرد وی را در دوران زمامداریش مورد تأیید قرار دادند. این بالاترین نرخ رضایت افکار عمومی آمریکا از یک رئیس‌جمهور بازنشسته در دوران پس از جنگ جهانی دوم بود. ریگان تا سال ۱۹۷۵ فرماندار ایالت کالیفرنیا بود. وی در رقابت‌های انتخاباتی‌اش در مقابل جیمی کارتر شعارهای میانه‌رو داد و توانست از نارضایتی دموکرات‌ها علیه اقدامات کارتر بهره‌مند شود. وی در سال ۱۹۹۴ دچار بیماری آلزایمر شد و ده سال بعد بر اثر همین بیماری درگذشت.

- زین‌الدین، مهدی: **در سال** ۱۳۳۸ در تهران در خانواده‌ای مقید و مذهبی دیده به جهان گشود. در دوران کودکی با قرآن آشنا و مأنوس بود. در سال ۱۳۵۶ موفق به ورود به دانشگاه شیراز شد اما چون پدرش کتاب فروش بسیار فعالی بود او را به خرم‌آباد و سقز و پس از آن به اقلید تبعید کردند. مهدی به تبع از خانواده مجبور شد از ادامهٔ تحصیل در دانشگاه شیراز منصرف شود. پس از پیروزی انقلاب اسلامی زین‌الدین به عضویت واحد اطلاعات و عملیات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی درآمد و در این رسته سازمانی تا عالی‌ترین درجه یعنی مسئولیت فرماندهی اطلاعات عملیات در منطقه دزفول و سوسنگرد و پس از آن به فرماندهی تیپ علی ابن ابی‌طالب دست یافت. زین‌الدین فرماندهی خود ساخته، متخلق، مقاوم، خودساخته، باتقوا و صبور بود. همین ویژگی‌های والای اخلاقی او موجب شده بود که بسیاری از اطرافیانش نیز از او و سیرهٔ اخلاقی او تبعیت کنند. در آبان ماه سال ۱۳۶۸ مهدی زین‌الدین به همراه برادرش در منطقهٔ سردشت کرمانشاه با گروههای مسلح مخالف جمهوری اسلامی ایران درگیر شود و هر دو به فیض شهادت نایل آیند.
- سامری: موسی‌بن ظفر، قریب مهتر حضرت موسی(علیه‌السلام) بود. او گوساله‌ای زرین و مرصع از جواهر ساخته بود. خاک نعل براق جبرئیل(علیه‌السلام) که در روز غرق فرعون به دست آورده بودند در اندرون آن دردمیده هر بانگی که ملایم گاو است از او برآمده با همین حیله، گروهی از قوم یهود گوساله پرست شدند. داستان سامری و

گوساله او در قرآن ذیل داستان حضرت موسی(علیه‌السلام) آمده است. در این داستان، سست اعتقادی قوم یهود نسبت به حضرت موسی مشهود است (دهخدا).

- **ستون پنجم:** به نیروها، جریان‌ها و تشکل‌های رسمی یا غیررسمی می‌گویند که پس از انقلاب‌ها از سوی شکست‌خوردگان انقلاب سازماندهی، مدیریت، هدایت و حمایت می‌شوند تا به مقابله با جریان‌های پیروز بپردازند. این ستون پنجم می‌تواند اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، فکری باشد. نگاه منفی و تند و انتقادآمیز به هر حرکت، تصمیم و پیشرفت، سیاست و جریان حاکم را در دستور کار خود دارند. همیشه از سوی بیگانگان خارجی و حتی داخلی حمایت خاص می‌شوند تلاش می‌کنند که اطلاعات و اخبار و آمار داخلی را در جهت اهداف مخالفان و دشمنان تنظیم و نگارش کنند. بسیاری از کودتاها در کشورهای انقلاب کرده از سوی این افراد و نیروها سازماندهی می‌شود (مصحح).
- سعیدی، سیدمحمدرضا: در سال ۱۳۰۸ شمسی به دنیا آمد و تحصیلات علوم دینی را در مشهد و قم به پایان رسانید. او از محضر آیت‌الله بروجردی و حضرت امام خمینی بهره برد و پس از وقایع ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ بر دامنه فعالیت‌های خود علیه شاه افزود. از این رو از جانب ساواک ممنوع‌المنبر گردید. مسجد او در خیابان غیاثی تهران کانونی برای مبارزه علیه رژیم پهلوی بود. آیت‌الله سعیدی در سال ۱۳۴۵ شمسی در پی سخنرانی علیه رژیم اشغالگر قدس مدت ۶۱ روز در زندان‌های ساواک به سر می‌برد اما پس از آزادی فعالیت‌های خود را از سرگرفت و این بار به دلیل مخالفت با سیاست‌های استعمار رژیم پهلوی و آمریکای جنایتکار، دستگیر و به سبب شکنجه‌های شدید به شهادت رسید. از آثار این شهید مبارز می‌توان به «اتحاد اسلام»، «آزادی زن»، «کار در اسلام» و «چاپ و نشر جزوات آموزشی» اشاره کرد.
- سفینه نوح: نام یک کشتی در داستان‌های کتب مقدس در دین‌های ابراهیمی است. بنا بر این داستان‌ها، نوح پیامبر به فرمان خدا این کشتی را ساخت تا خود، خانواده خود، کسانی که بوی ایمان آورده بودند و نمونه‌ای از هر حیوان را از پیامدهای طوفان نوح نجات دهد. براساس تورات و قرآن، نوح پیامبر دستور ساخت کشتی

بزرگی را از سوی یهوه (الله در قرآن) دریافت کرد که ساخت آن سالها طول کشید، کشتی می‌بایست آنقدر بزرگ می‌بود که علاوه بر آدمیان (خویشان و پیروان نوح) از همه گونه جاندار، جفتی نیز در کشتی جای بگیرد تا بعد از پایان سیل بزرگ ادامه حیات بر روی زمین ممکن باشد. کشتی بعدها بر روی قله کوه آرارات نشست. هنوز برخی از باستانشناسان به جستجو برای یافتن بقایایی از این کشتی ادامه می‌دهند. در بین تمدنهای میانرودان نیز داستانی مشابه وجود داشته است. این داستان در بخش‌های ۶ تا ۹ کتاب پیدایش، اولین کتاب از تورات یهودیان، کتاب مقدس مسیحیان و قرآن (سوره‌های ۱۱ و ۷۱) آمده و نسخه‌ای دیگری از آن نیز دیگر منابع دیده می‌شود. داستان مذکور منجر شده تا تحقیقات بسیاری از سوی پیروان ادیان ابراهیمی برای یافتن بقایای کشتی نوح، به‌خصوص در منطقه آرارات انجام شود. و در سال ۲۰۰۷ کشتی در ارتفاعات قله آرارات در ترکیه پیدا شد که همه باستان‌شناسان می‌پندارن که این کشتی همان کشتی حضرت نوح است.

- سکینه: دختر بزرگوار سیدالشهدا(علیه‌السلام) بود. نام اصلی او را آمنه، امینه، امیمه یا امامه هم نوشته‌اند. لقب سَکینه یا (سُکینه) از طرف مادرش رباب به او داده شد. او که خواهر علی‌اصغر(علیه‌السلام) بود در کربلا حضور داشت. در عاشورا سن او را حدوداً ده تا سیزده سال نوشته‌اند. امام حسین(علیه‌السلام) روز عاشورا به او لقب «خیرة النّسوان» داده است. همراه کاروان اسرای کربلا به کوفه و شام رفت و پس از شهادت سیدالشهدا(علیه‌السلام) تحت کفالت امام سجاد(علیه‌السلام) قرار گرفت. وی محضر سه امام (امام حسین، امام سجاد و امام باقر) را درک کرد. سکینه در پنجم ربیع‌الاول سال ۱۱۷ هجری در زمان هشام‌بن عبدالملک در سن هفتاد سالگی در مدینه درگذشت و قبرش در مدینه است. (فرهنگ عاشورا).
- سلطنت‌طلب: به کسی اطلاق می‌شود که از پادشاهی خاص یا سلسله پادشاهی وی، به‌عنوان حاکم یک کشور مشخص، حمایت کند. سلطنت‌طلبی با واژه سلطنت‌خواهی که به معنی هواداری از نظام پادشاهی به‌عنوان دولت حاکم بر یک کشور است، تفاوت دارد. عموماً سلطنت‌طلب به حامی پادشاه حاکم کنونی یا پادشاهی که توسط یک دولت جمهوری‌خواه برکنار شده است، گفته می‌شود.

سلطنت‌طلب‌ها در خارج از کشور به فعالیت علیه نظام جمهوری اسلامی مشغول هستند بی‌تردید از سوی ابرقدرت‌ها و سایر اقمارشان، مورد حمایت مالی- اقتصادی قرار می‌گیرند.

- سمیه: از جمله نخستین زنانی است که به اسلام ایمان آوردند. سمیه جزء مشهورترین مؤمنانی است که از سوی اشراف مکه شدیداً شکنجه شدند. سمیه همسر یاسر، نخستین شهید زن و اولین شهید در تاریخ اسلام است. (غلامحسین زرگری نژاد، تاریخ صدر اسلام عصر نبوت، چاپ اول، ۱۳۷۸).
- شریف‌امامی، جعفر: فرزند محمدحسین موسوم به نظام‌العلما در سال ۱۲۹۸ ش. در تهران به‌دنیا آمد.م پس از شروع تحصیلات در ایران در مدرسهٔ ایران و آلمان ادامه تحصیل داد. به همراه محصلین اعزامی به آلمان رفت و در رشتهٔ راه‌آهن تحصیل کرد. مدت‌ها رئیس بنیاد پهلوی را در رژیم طاغوت عهده‌دار بود. در بنیاد مذکور به‌صورت یک شبکهٔ ماسونی و مخفی کمک‌های مالی آمریکا را به‌همراه وام‌های دولتهای خارجی به حساب دربار می‌ریخت. خود از چهره‌های شاخص فراماسونی در ایران بود. پس از برکناری منوچهر اقبال از سمت نخست‌وزیری، شریف‌امامی به نخست‌وزیری رسید. پس از برکناری از نخست‌وزیری سال‌ها رئیس مجلس شورای ملی را عهده‌دار بود. در روزهای شور و حماسهٔ ملت ایران در سال ۱۳۵۷ شاه مجدداً او را به نخست‌وزیری منصوب کرد. با ترفندهای سیاسی درصدد انحراف جریان نهضت اسلامی بود و شریف‌امامی همیشه با تشکیلات مخفیانه از جمله تحت پوشش باشگاه سوار کاری به ثروت‌اندوزی برای خود و دربار می‌پرداخت. در ۱۳ آبان‌ماه ۵۷ شریف‌امامی ناتوانی خود را از سمت نخست‌وزیری اعلام کرد، بلافاصله از ایران فرار کرد و در ۲۶ خرداد ۱۳۷۷ در نیویورک درگذشت.
- شلمچه: روستا و منطقه‌ای مرزی در باختر خرمشهر و مرز میان عراق و ایران و نزدیک‌ترین نقطه مرزی به شهر عراق است. میان خرمشهر و شلمچه شهر تازه‌ای به نام مقاومت و روستایی به نام پل‌نو قرار گرفته است. شلمچه یکی از چند محور تاختن ارتش عراق به ایران بود.

- شهدای محراب: حضرت علی(علیه‌السلام) در تاریخ اسلام به‌عنوان شهید محراب معروف است. مولای متقیان علی(علیه‌السلام) در حالی که در محراب نماز به عبادت مشغول بود به شهادت رسید و پس از آن ضربهٔ مهلک ابن ملجم مرادی بود که امام علی(علیه‌السلام) فرمود: «فُزت و رب الکعبه» به خدای کعبه رستگار شدم. در دوران انقلاب اسلامی به‌خصوص پس از پیروزی انقلاب منافقین کوردل طی سلسله عملیاتی به ترور شخصیت‌ها و یاران امام پرداختند. از آن‌جمله به ائمه جمعه و جماعات و روحانیت آگاه و مبارز و در صحنه نیز رحم نکردند و به ترور شهدایی چون آیت‌الله دستغیب، آیت‌الله مدنی، آیت‌الله صدوقی، آیت‌الله اشرفی اصفهانی، آیت‌الله قاضی طباطبایی که چون حضرت علی(علیه‌السلام) در محراب و در مراسم عبادی سیاسی نماز جمعه به فیض شهادت نائل آمدند.
- صانعی، آیت‌الله شیخ یوسف: از مراجع تقلید متولد ۱۳۱۶ش در خانواده‌ای روحانی در روستای نیک‌آباد اصفهان است. پدرشان آقای شیخ محمدعلی صانعی عالمی وارسته و پرهیزکار بود. آیت‌الله صانعی در سال ۱۳۲۵ش وارد حوزه علمیه اصفهان شد و در سال ۱۳۳۰ برای ادامه تحصیل رهسپار حوزه علمیه قم و با جدیت و علاقهٔ وافر دروس حوزه را تا سطح عالی با رتبه اول خواندند. از همان سال وارد درس خارج حضرت امام خمینی شدند و با جدیت تا سال ۱۳۴۲ مستمراً در دروس اصول و فقه و مبانی متقن حضرت امام حاضر بودند. محضر درس آیات عظام بروجردی، محقق داماد و اراکی را درک کرده‌اند. پس از پیروزی انقلاب از سوی امام خمینی به سمت دادستان کل کشور و شورای نگهبان و شورایعالی قضایی منصوب شدند.
- **صدام حسین:** رئیس جمهور کشور عراق بود که با اشاره آمریکا به طمع گسترش کشورش و برای اجرای اهداف آمریکا یعنی شکست یا جلوگیری از توسعه و صدور انقلاب اسلامی به‌خصوص در منطقه، قرارداد رسمی و قانونی الجزایر را غیرقانونی اعلام کرد و تصور می‌کرد ایران پس از انقلاب را می‌شود شکست داد. او جنون‌آمیز و با تمام توان نظامی به ایران لشکرکشی کرد و سرانجام با شکست سنگینی از ایران، فرصت حضور آمریکا را در منطقه فراهم آورد.

- صدوقی، شیخ محمد: در سال ۱۳۲۷ قمری برابر با ۱۲۸۷ شمسی در یزد متولد شد. حدود سی سال در حوزه علمیهٔ اصفهان و قم به فراگیری علوم اسلامی پرداخت، شهید صدوقی در مبارزات اسلامی به رهبری امام خمینی(ره) حضور فعالی داشت و در مبارزات مردم یزد همواره به‌عنوان اولین نفر پیشگام بود، در ۳۱ مرداد سال ۱۳۵۸ از سوی امام خمینی به‌عنوان امام جمعهٔ یزد و نمایندهٔ ولی فقیه منصوب شد. از تألیفات ایشان می‌توان به شرحی بر «مختصر النافع» محقق اول و «حاشیه بر مدارک» اشاره کرد. در آخرین نماز جمعه‌ای که اقامه کرد در ۱۱ تیر ۱۳۶۱ بعد از اقامه نماز جمعه فرد منافقی با در آغوش کشیدن ایشان و رها کردن ضامن نارنجک وی را به شهادت رساند.
- صهیونیسم (صهیونیزم): این جریان سیاسی و ملی‌گرا در اواخر قرن ۱۹ میلادی تشکیل شد. عمده‌ترین هدف آن تشکیل یک کشور یهودی است. بر منابع تاریخی و مذهبی یهود تهیه دارد. این جریان به اشغال سرزمین فلسطین و مناطقی از لبنان پرداخته و سعی دارد یهودیان افراطی دنیا را در سرزمین واقعی فلسطن البته با عنوان اسرائیل گرد آورد. این جریان حتی از سوی سازمان ملل متحد به‌عنوان تشکلی نژادپرستانه معرفی شده است. واژه صهیونیسم برگرفته از صهیون نام تپه‌ای است در اورشلیم که در تورات بدان اشاره شده است. این جریان در واقع جریانی سکولار است و برای رسیدن به اهداف شوم خود به هر کاری دست می‌زند. از سوی ثروتمندان و قدرتمندان آمریکا و انگلیس و سایر کشورهای اروپایی و حتی روسیه مورد حمایت قرار می‌گیرد. با بهانه واهی و بی‌اساس رسیدن به «ارض موعود» یهودیان افراطی را به مناطق اشغال شده فلسطین فرا می‌خوانند و هر روز در همان مناطق اشغالی به شهرک‌سازی پرداخته و به تخریب خانه‌ها و اشغال زمین‌های مردم در فلسطین و لبنان می‌پردازند. پیروزی انقلاب اسلامی و مواضع قاطعانه و حق‌طلبانه حضرت امام خمینی همواره صهیونیست‌ها را به خوف واداشته و جریان بیداری اسلامی که در واقع استمرار و صدور انقلاب اسلامی در منطقه است هر لحظه حیات اشغالگران را به خطر انداخته است. همکاری و وابستگی برخی از سران کشورهای عربی منطقه با دولت غیرقانونی اسرائیل موجب تقویت صهیونیست‌ها شده است.

- طالقانی، سیدمحمود: در سال ۱۲۸۹ ش در روستای گلیرد طالقان دیده به جهان گشود. موفق به کسب اجازه‌نامه اجتهاد از آیت‌الله حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی گردیده و بعد از اتمام تحصیلات به تهران آمد و در مدرسه شهید مطهری (سپهسالار سابق) به تدریس علوم دینی مشغول شد. ایشان در کنگره جهانی شعوب‌المسلمین که در کراچی تشکیل می‌شد شرکت کرد و نیز در کنگره اسلامی قدس که سالی یک‌بار برگزار می‌شد، دوبار در مقام ریاست هیأت نمایندگی ایران به بیت‌المقدس سفر کرد. پس از تشکیل «دارالتقریب بین المذاهب الاسلامیه» که در نزدیکی تشیع و تسنن سهمی به سزا داشته، آیت‌الله طالقانی به نمایندگی مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی برای رساندن پیام ایشان به شیخ شلتوت به آن دیار سفر کرد. به پیروی از امام به مخالفت با رژیم پرداخت و به دلیل فعالیت‌های زیاد در همان سال به زندان افتاد. در زندان با نوشتن تفسیر «پرتوی از قرآن» سعی در آشنا کردن افراد به عظمت قرآن کرد. آیت‌الله طالقانی پس از آزادی از زندان نهایت تلاش خود را در جهت پیروزی انقلاب کرد. وی در انتخابات مجلس خبرگان قانونگذاری از سوی مردم تهران به‌عنوان نماینده انتخاب شد. اولین نماز جمعه در پنجم مرداد ۱۳۵۸ به امامت ایشان در دانشگاه تهران برگزار شد. سرانجام در نوزدهم شهریور ۱۳۵۸ مرحوم طالقانی پس از سال‌ها فعالیت‌های علمی و مبارزات سیاسی علیه رژیم ستم‌شاهی و عمری تلاش خستگی‌ناپذیر در راه پیاده کردن احکام اسلامی دار فانی را وداع گفت و به دیدار معبود شتافت.
- طباطبایی، سیدمحمدحسین: در سال ۱۲۸۱هـ‌ش در تبریز متولد شد. دروس مقدماتی را در ایران خواند و در ۲۳ سالگی عازم نجف اشرف شد. طی یازده سال اقامت در نجف از محضر عالمان نامداری چون: میرزای نائینی، سید ابوالحسن اصفهانی، محمدحسین غروی اصفهانی و میرزا علی آقا طباطبایی استفاده برد. اصول روش رئالیسم و تفسیر المیزان از آثار علامه است. سرانجام در بیست‌وچهار آبان سال ۱۳۶۰ درگذشت.
- طفلان مسلم: محمد و ابراهیم، دو فرزند مسلم‌بن عقیل بودند که در حادثه کربلا اسیر شدند. ابن‌زیاد دستور داد آن دو را زندانی کردند. این دو نوجوان نابالغ مدت

یک‌سال در زندان بودند با کمک «مشکور» زندانیان که هوادار اهل بیت بود، شبانه از زندان گریختند. به خانه زنی پناه بردند که شوهرش در سپاه ابن‌زیاد بود وقتی شوهرش حادث فهمید که آن دو را کنار رود فرات برد و بی‌رحمانه سر از تنشان جدا کرد و پیکرشان را در فرات افکند. سرهای آن دو را برای دریافت جایزه نزد ابن‌زیاد برد، گویند قبر محمد و ابراهیم پسران مسلم بن‌عقیل در چهار فرسنگی کربلا در شهر مسیّب است. (فرهنگ عاشورا، جواد محدثی).

- عباس‌بن علی‌بن ابیطالب(علیه‌السلام): فرزند حضرت علی(علیه‌السلام) از ام‌البنین عامریه است. در صحرای کربلا پس از شهادت سه برادرش جعفر, عبدالله و عثمان نوبت به حماسه‌آفرینی و حضور قهرمانانه و دفاع جانانه‌اش از امام حسین(علیه‌السلام) رسیده است. به طرف شط فرات حرکت کرد در حالی‌که با حضرت امام حسین(علیه‌السلام) هم‌رکاب بود. با وجودی که نبردهای اشقیا آن دو را در مسیر فرات از یکدیگر جدا کردند اما حضرت عباس خود را به فرات رساند، مشک آب را پر کرد بدون آن‌که قطره‌ای آب بنوشد. به‌سوی امام و خیمه‌ها برگشت. در برگشت با نبردهای سپاه دشمن روبرو شد و در محاصره آنها قرار گرفت. در دو حمله دست راست و چپش را قطع کردند و با ضربه‌ای بر فرق مبارکش از اسب سقوط کرد. با وجود آن‌همه زخم و تیر، توان حرکت نداشت و دو نفر از اشقیا او را به شهادت رساندند. عباس به‌خاطر شجاعت و زیبایی فوق‌العاده به «قمر بنی‌هاشم» شهرت داشت. (حسین‌بن علی امام شهدا، مرضیه محمدزاده).
- عبدالله بن جعفر: همسر زینب کبری و داماد علی(علیه‌السلام) و پسر جعفر طیار. وی، نخستین نوزاد مسلمان در حبشه بود. در ایامی که پدرش جعفر بن ابی‌طالب به حبشه هجرت کرده بود، در آن کشور به دنیا آمد. مادرش «اسماء بنت عمیس» بود. اسماء، پس از شهادت جعفر طیار در جنگ موته، به همسری ابوبکر، سپس علی‌بن ابی‌طالب(علیه‌السلام) درآمد. عبدالله بن جعفر، مورد عنایت خاصّ پیامبر اکرم(صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) بود، به‌ویژه که پدرش سردار بزرگ شهید جبههٔ اسلام به‌شمار می‌آمد. عبدالله جعفر، از جمله کسانی بود که به سیدالشهدا نامه نوشت و از او خواست که از سفر به عراق منصرف شود. گرچه خود در کربلا حضور نداشت، اما دو پسرش عون و

محمد را همراه مادرشان حضرت زینب(علیهاالسلام) به کربلا فرستاد و این دو فرزند، در رکاب سالار شهیدان روز عاشورا به شهادت رسیدند. او از اینکه نتوانسته بود در واقعهٔ کربلا شرکت کند تأسف می‌خورد. پس از حادثهٔ عاشورا و شهادت حسین بن علی(علیه‌السلام) وی در مدینه به سوگ نشست و مردم برای تسلیت‌گویی نزد او می‌آمدند. وی در سن ۹۰ سالگی، در سال ۸۰ هجری درمدینه درگذشت و در بقیع به خاک سپرده شد.م برخی هم درگذشت او را در شام و قبر وی را در «باب الصغیر» دمشق، کنار قبر بلال می‌دانند.

- عبیدالله بن زیاد: والی کوفه در زمان حادثهٔ عاشورا، که شهادت امام حسین(علیه‌السلام) و یارانش به دستور او انجام گرفت. ابن زیاد را «ابن مرجانه» هم می‌گویند، زیرا نام مادرش کنیزی زناکار و مجوسی به‌نام «مرجانه» بود. در کوفه پس از عاشورا که اسرای اهل‌بیت را وارد دارالاماره کردند، حضرت زینب(علیهاالسلام) در خطاب به ابن زیاد، او را «یابن مرجانه» خواند و این اشاره به نسبت ناپاک او بود و رسواگر حاکم مغرور کوفه. او از سرداران مشهور اموی بود که در سال ۵۴ هجری از طرف معاویه به حکومت خراسان منصوب شد. در سال ۵۶ از آنجا معزول و به حکمرانی بصره منصوب گشت. پس از مرگ معاویه و روی کار آمدن یزید، وقتی نهضت مسلم بن عقیل در کوفه آغاز شد، با حفظ سمت، والی کوفه نیز شد و اوضاع را تحت کنترل درآورد و مسلم بن عقیل را به شهادت رساند. پس از حرکت امام حسین(علیه‌السلام) از مکه به‌سوی عراق، وی عمر سعد را با لشکری گسیل داشت تا با آن حضرت بجنگد یا او را به بیعت با یزید وا دارد. فرمان کشتن سیدالشهدا و یارانش و اسیر گرفتن اهل‌بیت او را به عمرسعد (که فرماندهٔ سپاه کوفه در کربلا بود) داد. در یکی از درگیری‌ها با سپاه مختار، در سال ۷۶ هجری خودش و جمعی از همراهانش کشته شدند. وی از کسانی است که در زیارت عاشورا، مورد لعن قرار گرفته است: «لعن الله ابن مرجانه» و «والعن عبیدالله بن زیاد و ابن مرجانه». (فرهنگ عاشورا، جواد محدثی).
- عماربن یاسر: از قبیله ثعلبه بود، پدرش از نخستین کسانی بود که به اسلام گروید و در راه نشر دین خداوند رنج و عذاب فراوانی متحمل شدند. در مهاجرت پیامبر

اکرم(صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) از مکه به مدینه همراه رسول‌الله بود. در جنگ صفین و جمل همراه علی(علیه‌السلام) بود. در سال ۳۷ هـق در سن ۹۳ سالگی در جنگ صفین به شهادت رسید. عمار به سبب زهد و تقوای بسیار در ادب فارسی نماد تعبد و پرهیزکاری است.

- عمروعاص: عمرابن عاص واثل سهمی قریشی، مکنی به ابوعبدالله از دُهات عرب. وی ابتدا از دشمنان سرسخت اسلام بود، سپس اسلام آورد واز جانب پیغمبر(صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) به فرماندهی در چند غزوه فرستاده شد. از طرف خلیفهٔ دوم والی فلسطین و پس از فتح مصر والی مصر گشت. خلیفهٔ سوم وی را برکنار کرد. در جنگ صفین بین حضرت علی(علیه‌السلام) و معاویه از سوی معاویه برای حکمیت معرفی شد. به‌علت تیزهوشی، ابوموسی اشعری نمایندهٔ حضرت علی(علیه‌السلام) را فریب داد. در سال ۳۸ (هـ. ق) از جانب معاویه والی مصر گشت و سال ۴۳ (هـ. ق) درگذشت. (دهخدا).
- عملیات بدر: نام عملیاتی است که با رمز یا فاطمه‌الزهرا(علیهاالسلام) در تاریخ ۶۳/۱۲/۱۹ در شرق رودخانه دجله (حد فاصل بین قلعه صالح- الفزنه) انجام شد. این عملیات به آزادی بسیاری از مناطق مهم و نفت‌خیز هور الهویزه و ده روستا و تصرف جاده معروف به خندق شد.
- عملیات بستان: عملیات طریق‌القدس (بستان)، این عملیات در تاریخ هشتم آذرماه ۱۳۶۰ با رمز «یا حسین فرماندهی» در منطقه عمومی غرب شهرستان سوسنگرد و منطقه عمومی بستان انجام گرفت. آزادسازی شهر بستان و تأمین نوار مرزی و دسترسی به هورالهویزه از اهداف شاخص این عملیات بود. علاوه بر آزادسازی بستان و ۷۰ روستای منطقه و ۵ پاسگاه مرزی تنگه بسیار مهم چزابه نیز آزاد شد و حدود ۸۰۰ کیلومتر مربع از خاک کشور از لوث وجود دشمن پاکسازی شد. مدت عملیات چهارده روز بود. بین نیروهای دشمن در شمال غرب و جنوب غربی خوزستان (جاده فکه، جفیر) نیز قطع ارتباط شد. در این عملیات تعدادی از نیروهای اسلام هم به شهادت رسیدند.
- عملیات بیت‌المقدس: در دوران دفاع مقدس سلسله عملیاتی که به این نام موسوم بود ۶ عملیات بود. رمز این عملیات یا علی‌بن ابیطالب(علیه‌السلام) بود. تاریخ عملیات از

۱۳۶۱/۲/۱۰ الی ۶۱/۳/۳ بود. محور عملیات: غرب کارون، جنوب غربی اهواز و شمال خرمشهر. علاوه بر آزادسازی شهر بندری خرمشهر، شهر هویزه و پادگان حمیدیه، جاده مهم و تدارکاتی اهواز- خرمشهر، کرخه خور، جاده سوسنگرد- هویزه، آزاد ساختن بخش وسیعی از مناطق جنوب میهن اسلامی در زیر آتش دشمن و تصرف و تأمین ۸ پاسگاه مرزی نیز فراهم شد.

- عملیات خیبر: این عملیات در تاریخ ۱۳۶۲/۱۲/۳ ساعت ۲۰/۳۰ دقیقه با رمز عملیات یا رسول‌الله(صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) در محور عملیاتی هورالهویزه و جزایر مجنون آغاز شد. مناطق آزاد شده در اثر این عملیات عبارتند از: جزایر مجنون به وسعت ۱۶۰ کیلومترمربع که دارای ۵۰ حلقه چاه نفت بود و چندین روستای منطقه نقش بسیار مفید و کارآمد واحد مهندسی رزمی جنگ جهاد سازندگی در پیروزی این عملیات شایان توجه است به‌خصوص در احداث صدها کیلومتر خاکریز، احداث جاده، احداث ۱۳۲۲ مورد انواع سنگرهای انفرادی و جمعی. و سکوهای متعدد توپ و ضدهوایی، احداث قرارگاه کربلا و ترسیم اسکله‌های شماره ۱ و ۲ در جزایر مجنون را می‌توان یادآور شد.
- عملیات رمضان: این عملیات با رمز یا صاحب‌الزمان(عج) ادرکنی، در تاریخ ۱۳۶۱/۴/۲۳ در محور شرق بصره انجام گرفت. از جمله مناطق آزاد شده پس از این عملیات پاسگاه زید عراق و محورهای شمالی و شمال غرب این پاسگاه است. در این عملیات ۱۳۱۵ نفر از نیروهای دشمن به اسارت درآمدند، تعداد زخمی و کشته‌شدگان بیش از ۷ هزار و ۴۰۰ نفر بودند.
- عملیات فتح‌المبین: این عملیات با رمز یا زهرا(علیهاالسلام) در تاریخ دوم فروردین ۱۳۶۱ با هدف تصرف ارتفاعات منطقه عملیاتی به‌منظور آزادسازی بخش وسیعی از جنوب غربی میهن اسلامی از دست نیروهای بعثی انجام گرفت. وسعت منطقه عملیات حدود ۲ هزار و پانصد کیلومتر مربع بود. مناطقی چون جاده دهلران، دشت عباس، و مناطق دشت چنانه و زمین‌های سرخه و ارتفاعات شمال غربی خوزستان آزاد شدند. مناطقی چون شهرستان دزفول، اندیمشک، شوش، پایگاه چهارم شکاری دزفول، جاده سراسری اندیمشک- اهواز و صدها روستا از زیر آتش سنگین دشمن

بعثی خارج شدند. به چاه‌های نفتی ابوغریب در ارتفاعات تینه دستیابی شد. در این عملیات بسیار مهم و سرنوشت ساز بیش از ۲۵ هزار نفر از نیروهای دشمن کشته و زخمی شدند. تعداد اسرای این عملیات را پانزده هزار نفر ثبت کرده‌اند.

- عملیات کربلای ۱: این عملیات در تاریخ ۵۵/۴/۱۰ ساعت ۲۲/۳۰ دقیقه با رمز عملیاتی یا ابوالفضل العباس(علیه‌السلام) ادرکنی در منطقه مهران آغاز شد. مناطق آزاد شده از اشغال دشمن بعثی عبارتند از: شهر مهران، جاده‌های دهلران مهران و مهران ایلام، چندین روستا و شهرک نیز در اثر همین عملیات آزاد شدند. پاسگاه‌های فرخ‌آباد و پاسگاه‌های تعاون و محمدقاسم و دراجی نیز در اختیار نیروهای ایران قرار گرفت. ده‌ها کیلومتر جاده و خاکریز و احداث جاده‌های متعدد و بکارگیری انواع ماشین‌آلات و سکوی تانک‌های زرهی و فعالیت گروه نیروهای امدادی و پشتیبانی را از سوی واحد رزمی جنگ جهاد سازندگی نباید در توفیق عملیات نادیده گرفت.
- عملیات کربلای ۵: این عملیات در تاریخ ۶۵/۱۰/۱۹ با رمز یا زهرا(علیهاالسلام) در محور شلمچه و شرق بصره آغاز شد. از عملکرد پشتیبانی و مهندسی رزمی بسیار عظیم گسترده‌ای برخوردار بود. مناطق مهم آزاد شده در نتیجهٔ این عملیات عبارتند از: جزایر بوارین، فیاض، ام‌الطویل، ده‌ها روستا و تصرف دریاچه بوییان و بخشی از کانال ماهیگیری ۱۴ کیلومتر پیشروی به طرف بصره و آزادسازی ۱۵۰ کیلومترمربع از مناطق اشغالی، آزادسازی پاسگاههای بوبیان شلمچه، کوت‌سوادی و خین.
- عملیات والفجر ۱: این عملیات در تاریخ ۶۲/۱/۲۰ ساعت ۲۳/۱۰ دقیقه با رمز یاالله یاالله یا الله در منطقه عملیاتی شمال غرب فکه شروع شد. هدف عملیات انهدام نیروهای دشمن و آزادسازی بخشی از اراضی نوار مرزی بود. ارتفاعات متعدد و چندین روستا در حاشیه رودخانه دویریج و پاسگاه پیچ‌انگیزه آزاد شد. در این عملیات ۲۵ نفر از نیروهای عراقی اسیر شدند و هزاران نفر مجروح و زخمی و کشته شدند. فعالیت واحد مهندسی رزمی جنگ جهاد سازندگی و به‌کارگیری نیروها و ادوات جنگی، رزمی، پشتیبانی و امدادی در پیروزی نیروهای اسلام نقش شایان توجهی داشت.

- عملیات والفجر ۳: این علمیات با رمز یا فاطمة الزهرا در تاریخ ۱۳۶۲/۵/۷ ساعت ۲۳/۱۵ دقیقه در منطقه عملیاتی مهران آغاز شد. هدف عملیات تصرف و تأمین ارتفاعات «زالوآب» ۳۴۳ و نمه کلان بوی کوچک و بزرگ بود. علاوه بر مناطق مورد نظر پاسگاه‌های ایران فرح‌آباد، رضاآباد، پاسگاه‌های عراقی زالوآب و دراجی و سد رودخانه کنجانجم و آزادسازی چندین روستای منطقه و خارج نمودن بخش وسیعی از جاده مهران، دهلران از کنترل دشمن انجام شد. واحد پشتیبانی و مهندسی رزمی جنگ جهاد سازندگی در پیروزی این عملیات نقش مهمی داشت.
- عملیات والفجر ۵: این عملیات در تاریخ ۶۲/۱۱/۲۷ در ساعت ۲۴ با رمز یا زهرا(علیهاالسلام) در منطقه عملیاتی چنگوله (حد فاصل مهران- دهلران) انجام شد. ارتفاعات مختلفی و پاسگاه‌های متعددی در اثر این عملیات در اختیار نیروهای ایرانی قرار گرفت. واحد پشتیبانی و مهندسی رزمی جنگ جهاد سازندگی با احداث پل، کانال و بازسازی جاده‌های منطقه در پیروزی این عملیات نقش بسیار مهمی ایفا کرد.
- عملیات والفجر ۸ : این عملیات در تاریخ ۱۳۶۶/۱۱/۲۰ در ساعت ۲۲ در منطقه عملیاتی فاو با رمز یا زهرا(علیهاالسلام) آغاز شد. مناطق آزاد شده در اثر این عملیات عبارتند از: شهر بندری فاو، اسکله‌ها و تأسیسات نفتی شمال و غرب شهر فاو، اسکه‌های قشله و رأس‌البیشه و کارخانه تصفیه نمک عراق و پاسگاه‌های نیروهای دریای دشمن در ۳ سکوی پرتاب موشک سطح به دریا. در این عملیات حدود ۲ هزار نفر از نیروهای عراقی اسیر شدند و کشته‌ها و زخمی‌ها بیش از ۵۰ هزار نفر می‌شد. صدها کیلومتر جاده خاکی و برپایی ده‌ها اسکله و سد خاکی و پل و برپایی ده‌ها دکل دیده‌بانی از سوی واحد مهندسی رزمی جنگ جهاد سازندگی را باید یادآور شد.
- عون بن جعفر: از شهدای کربلاست. پسر جعفر بن ابیطالب (جعفر طیار)، مادرش اسماء بنت عُمَیس بود. در حبشه متولد شد. در جنگ خیبر به حضور رسول(صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) معرفی شد. در جنگ «موته» پیامبر فرزندان او را فراخواند، عبدالله، عون و محمد را حاضر کردند. پیامبر دربارهٔ عون فرمود: در خلقت و اخلاق شبیه من است. در دوران حکومت علی(علیه‌السلام) به آن حضرت پیوست. علی(علیه‌السلام)

دخترش ام‌کلثوم را به همسری او درآورد. عون در زمان امام حسن مجتبی(علیه‌السلام) و امام حسین(علیه‌السلام) از یاران آن دو امام بود. همراه همسرش در کربلا حضور داشت. روز عاشورا به میدان رفت و در نبردی دلاورانه به شهادت رسید. هنگام شهادت ۵۶ ساله بود. (فرهنگ عاشورا، جواد محدثی).

- غزوهٔ احد: یکی از غزوه‌های مشهور پیامبر اسلام(صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) بود که در دامنه کوه احد در ۴ کیلومتری شمال مدینه در روز هفتم شوال سال سوم هجری بین مشرکان قریش و سپاه اسلام رخ داد. در این جنگ دندان رسول خدا شکست، ۷۴ تن از مسلمانان از جمله حمزه سیدالشهدا به شهادت رسیدند و بسیاری نیز مجروح شدند. این جنگ به دلیل غفلت محافظان تنگه احد با شکست مسلمانان مواجه شد.
- غزوهٔ بدر: به جنگ بدر از غزوات پیامبر اکرم(صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) اشاره دارد که در ماه رمضان سال دوم هجری بین مسلمانان و مشرکان مکه در سرزمین بدر، روستای کوچکی میان مکه و مدینه، رخ داد. رسول خدا همراه با ۳۱۳ تن از یاران خویش از مدینه بیرون رفت. پرچم سپاه مسلمین را علی(علیه‌السلام) بر دوش داشت. از سوی دیگر، وقتی سپاه ابوسفیان از حرکت مسلمانان آگاه شد، با فرستادن پیکی به مکه تقاضای کمک کرد. سران قریش هم بی‌درنگ با سپاهی ۹۵۰ نفری عازم بدر شدند. جنگ سختی بین دو طرف درگرفت. مسلمانان با وجود تعداد اندکشان با امداد الهی بر قریش پیروز شدند. هفتادتن از آنان را کشتند و هفتاد تن را به اسارت گرفتند. ابوجهل و حنظله، پسر ابوسفیان، در میان کشتگان بودند. در این جنگ حضرت علی(علیه‌السلام) پایمردی بسیار کرد و در پیروزی مسلمانان سهم زیادی داشت، به‌طوری که گفته می‌شود ۳۶ تن از مشرکان در آن نبرد به دست او کشته شدند. در این جنگ ۱۴ تن از مسلمانان به شهادت رسیدند. (المغازی، جلد ۱، سیره ابن‌هشام، معجم‌البلدان، ج۱، تاریخ طبری، ج۲).
- غزوهٔ حُنین: حُنین محلی است بین طائف و مکه مکرمه که یکی از غزوات رسول خدا(صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) بدان مکان بود. در این غزوه بزرگ جمعی کثیر از صحابه به شهادت رسیدند. در همین محل بار دیگر لشکریان اسلام با تدبیر خاص و مقاومت وصف‌ناپذیر رسول خدا توانستند شکست سختی به کفار بدهند و غنائم و اسیران

فراوان گرفتند. گروهی از فرماندهان لشکر کفار به طائف گریختند. حضرت رسول(صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) آنها را تا طائف تعقیب کرد.

- غزوهٔ خندق: عزوهٔ احزاب همان غزوهٔ خندق است. این غزوه در سال پنجم از هجرت اتفاق افتاد. در آن غزوه عمرو بن عبدود به‌دست امیرالمؤمنین علی(علیه‌السلام) کشته گشت. وقتی یهود بنی‌نصیر و ابوسفیان و مشرکین به مخالفت با حضرت رسالت(صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) عهد بستند و قبایل بسیاری را با خویش همراه ساختند از مکه به‌سوی مدینه حرکت کردند. در حالی‌که ابوسفیان چهارهزار کس با هزار و پانصد نفر شتر و سیصد رأس اسب به‌طرف مدینه حرکت کردند حصرت رسول(صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) با مشورت سلمان فارسی حکم به کندن خندق کردند و با سه هزار نفر از مهاجرین و انصار در دامن کوه سلع که به مدینه متصل بود خندقی حفر کردند. علی(علیه‌السلام) در نهایت رشادت و شجاعت عمربن عبدود را کشت و پیامبر اکرم(صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) در تحسین علی(علیه‌السلام) فرمود: «لمبارزة علی بین ابیطالب یوم الخندق افضل من اعمال امتی الی یوم القیامة». نکتهٔ دیگر اینکه در همین غزوه بود که مردی از غطفان نام او نعیم بن مسعود بود از مهتران عرب بود، خدای او را مسلمانی اندر دل افکند به خدمت رسول‌الله(صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) رفت و مسلمان شد و نیروهای مخالف و مشرکین را به ترک جنگ با رسول‌الله(صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) تشویق کرد. در جریان همین غزوه نیز آیاتی نازل شد که پیامبر(صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) فرمود دیگر قریش به حرب ما نیایند. (دهخدا با تلخیص).
- غزوهٔ صفین: از مهم‌ترین نبردهای زمان خلافت امام علی(علیه‌السلام) بود که در سال ۳۷ هجری بین ایشان و معاویه‌بن ابی‌سفیان در سرزمین صفین- که در ناحیه غربی عراق بین رقه و بالس قرار دارد- رخ داد و به جنگ صفین شهرت یافت. این جنگ به سبب نقشه شوم عمروبن عاص و توسل او به قرآن بر سر نیزه کردن و ماجرای حکمیت با شکست سپاه امام علی(علیه‌السلام) به پایان رسید.
- فکه: منطقه‌ای است بیابانی در شمال غربی خوزستان و جنوب شرقی استان ایلام. منطقه فکه، از جنوب به چزابه و شهر بستان، از شرق به میشداخ و رقابیه، از شمال غرب به عین‌خوش و شهر موسیان، از شمال شرق به چنانه، برغازه و سپس به شهر شوش و از غرب به استان العماره عراق منتهی می‌گردد. طول و عرض جغرافیایی منطقه

عمومی فکه از ۳۱ درجه و ۵۴ دقیقه شمالی تا ۳۲ درجه و ۱۵ دقیقه شمالی و ۴۷ درجه و ۲۵ دقیقه شرقی تا ۴۷ درجه و ۵۵ دقیقه شرقی امتداد دارد. ارتفاع آن از ۰ تا ۱۴۰ متر از جنوب به شمال، گسترده است. فکه به دو بخش شمالی و جنوبی تقسیم می‌شود. بخش جنوبی آن جزء استان خوزستان و شهرستان دشت آزادگان محسوب می‌شود، بخش شمالی آن جزء استان ایلام و از توابع شهرستان دهلران می‌باشد.

- فهمیده، محمدحسین: نوجوان سیزده ساله‌ای که از همان روزهای آغاز حمله صدام به ایران اسلامی ندای امام خمینی را لبیک گفت و علی‌رغم سن کم با اصرار و شگردهای متعهدانه‌اش در دفاع از خرمشهر شرکت نمود و در شرایطی که دشمن سرمست پیشرویهای اولیه برای تصرف خرمشهر با تانکها هجوم آورده بود، وی با شهامت اعجاب‌انگیز خود نارنجک به کمر بست و خود را زیر چرخهای تانک دشمن انداخت. این حادثه که در مهرماه ۱۳۵۹ اتفاق افتاد به‌عنوان سمبل ایمان، رشادت و روحیه شهادت‌طلبی سپاهیان اسلام در برابر کافران بعثی در تاریخ جنگ تحمیلی ثبت گردید. اضافه می‌شود که خانواده این شهید که اهل قریه سراجه قم می‌باشند در زمان جنگ تحمیلی در شهرستان کرج ساکن بودند و این شهید عزیز بسرعت خود را از کرج به خطوط مقدم جبهه در حوالی خرمشهر رساند. این خانواده متدین توفیق آن را داشتند که پس از شهادت حسین، فرزند دیگرشان داوود را نیز روانه جبهه نمایند و افتخار تقدیم دو شهید را نصیب خود فرمایند.
- قابیل: فرزند آدم و حوا و برادر هابیل است. قابیل و اقلیما از حوا متولد شدند. بار دیگر که حوا باردار شد هابیل و لبودا را به‌دنیا آورد. حکم خدا این بود که هریک با دختری که از بطن دیگر متولد شده ازدواج کنند، یعنی هابیل با اقلیما و قابیل با لبودا. چون قابیل این حکم را نپذیرفت و خواهان ازدواج با خواهر بطنی خود بود. خدا گفت قربانی کنند، قربانی هرکس مقبول افتاد حق با اوست. قربانی قابیل پذیرفته نشد و خشمگین شد و برادرش هابیل را به مرگ تهدید کرد. سرانجام با ضربه سنگی هابیل را کشت و او را دفن کرد. خداوند به سزای عمل زشت و گناه

برادرکشی او را از درگاه لطف و مرحمت خود و از وطن و خانواده‌اش راند. (دهخدا).

- قاسطین: لقب آن دسته از اهل صفین که در صف معاویه بودند. امیرالمؤمنین علی(علیه‌السلام) می‌فرماید: «امرت بقتال الناکثین و القاسطین و المارقین». و این لقبی است که گویند رسول خدا به آنان داده است. در یکی از روایات است که پیغمبر(صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) علی(علیه‌السلام) را فرمود: تو پس از من با قاسطین و ناکثین و مارقین جنگ خواهی کرد. (نهج‌البلاغه، شرح ابی الحدید چاپ بیروت).
- قیام ۱۹ دی: قیام ۱۹ دی‌ماه ۱۳۵۶ سرآغاز مرحله نوینی از انقلاب اسلامی می‌باشد که طی آن نخستین تظاهرات گسترده مردم مسلمان ایران بعد از قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ علیه رژیم طاغوت در شهر قم برپا شد. این قیام به علت درج مقاله‌ای توهین‌آمیز در یکی از روزنامه‌های عصر تهران آغاز شد. روحانیون و مردم با گردهمایی در مسجد اعظم قم، آشکارا سرنگونی حکومت پهلوی را خواستار شدند و همین امر سرآغاز اوج‌گیری نهضت اسلامی ایران شد و عاقبت در بهمن‌ماه ۱۳۵۷ به پیروزی منتهی گشت.
- کاشانی، سیدابوالقاسم: روحانی مبارز و شخصیت معروف سیاسی تاریخ معاصر ایران. پس از فرار رضا شاه از ایران مبارزات سیاسی خود را آغاز کرد که در نتیجه این مبارزات توسط نیروهای اشغالگر انگلیسی دستگیر و زندانی شد. اما پس از آزادی در مقام نمایندهٔ مردم تهران به مجلس شورای ملی راه یافت. با حمایت ایشان از دکتر مصدق و تشویق مردم در کمک به دولت، صنعت نفت در سراسر کشور ملی اعلام شد. بعد از روی کار آمدن دولت سرکوب قوام‌السلطنه، آیت‌الله کاشانی مردم را دعوت به قیام کرد که این قیام موسوم به ۳۰ تیر بار دیگر دولت مردمی مصدق را به قدرت رساند. اما پس از کودتای امریکایی زاهدی و بازگشت شاه، آیت‌الله کاشانی نیز خانه‌نشین شد تا اینکه سرانجام بعد از عمری مبارزه با استعمار در ۸۰ سالگی بدرود حیات گفت.
- کاخ سفید: اقامتگاه رسمی و محل کار رئیس جمهور آمریکا در واشینگتن دی.سی.

- کاخ‌های کرملین: محل استقرار روسای جمهور کشور شوروی است. سال‌ها به‌عنوان یکی از ابرقدرت‌های جهان مرسوم به جناح «کمونیستی و چپ» در سیطره بر برخی از کشورهای دنیا در همین مرکز تصمیم‌گیری‌ها صورت می‌گرفت. در واقع نماد قدرت شوروی در برابر آمریکا می‌بود که از طریق کاخ سفید مدیریت می‌شد.
- کارتر، **جیمی**: سی‌ونهمین رئیس جمهور ایالت متحده آمریکا بود، از سال ۱۹۸۱-۱۹۷۷ در این سمتبود. از جناح حزب دمکرات از مهمترین مسائل دوره ریاست جمهوری او، پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷، آغاز جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، تسخیر لانه جاسوسی آمریکا در ایران و کودتای نافرجام طبس را می‌توان نام برد.
- کاشانی، سیدابوالقاسم: روحانی مبارز و شخصیت معروف سیاسی تاریخ معاصر ایران در گذشته پس از فرار رضاشاه از ایران مبارزات سیاسی خود را آغاز کرد که در نتیجه این مبارزات توسط نیروهای اشغالگر انگلیسی دستگیر و زندانی شد اما پس از آزادی در مقام نماینده مردم تهران به مجلس شورای ملی راه یافت. با حمایت ایشان از دکتر مصدق و تشویق مردم در کمک به دولت صنعت نفت در سراسر کشور ملی اعلام شد. بعد از روی کارآمدن دولت سرکوب قوام‌السلطنه آیت‌الله کاشانی مردم را دعوت به قیام کرد که این قیام موسوم به ۳۰ تیر بار دیگر دولت مردمی مصدق را به قدرت رساند. اما پس از کودتای آمریکایی زاهدی و بازگشت شاه، آیت‌الله کاشانی نیز خانه‌نشین شد تا اینکه سرانجام بعد از عمری مبارزه با استعمار در ۸۰ سالگی بدرود حیات گفت.
- کمونیسم: یک ایدئولوژی است که می‌کوشد براساس مالکیت مشترک روش‌ها و ابزارهای تولید و در غیاب مالکیت خصوصی یک سازمان اجتماعی ضد دولت‌گرایی فاقد طبقه‌بندی‌های اجتماعی را ترسیم کند. کمونیسم را شاخه‌ای از مکتب سوسیالیسم می‌دانند. اشکال اولیه سازمان‌های اجتماعی انسانی در مکتب مارکسیسم به «کمون اولیه» مشهور است. با این وجود، کمونیسم یک نوع سازمان اجتماعی را ترسیم می‌کند. این مکتب سال‌های سال به‌عنوان ایدئولوژی روسیه، چین و بسیاری از کشورهای وابسته بدان‌ها در برابر قدرت دیگر یعنی آمریکا بر

مناطقی از جهان سلطه داشته است. این مکتب ساختار اجتماعی- اقتصادی را تبلیغ می‌کرد که در آن دولت (هیئت حاکمه) براساس مکتب اشتراکی ابزار تولید را ترویج می‌کرد. پس از فروپاشی روسیه و تغییر موضع و جهت اقتصادی چین این مکتب تا حدی در جهان تضعیف شده است.

- کودتای طبس: دانشجویان مسلمان پیرو خط امام در ۱۳ آبان‌ماه ۱۳۵۸ سفارت آمریکا را که در واقع محل و مرکز توطئه و جاسوس بود اشغال کردند. آمریکا برای آزادی جوساس‌ها برنامه‌ریزی‌ای را درنظر گرفت. از جمله «دلتافورس» و عملیات «ایگل کل» به نیمه عقاب را می‌توان نام برد. عملیات را با ۱۳۲ نفر نیرو در ۱۳۵۹/۲/۵ رد صحرای طبس شروع کردند. با همکاری بنی‌صدر و تعطیلی حوزه‌های راهداری هوایی ایران نیروهای آمریکایی ابتدا با ۶ دستگاه هلی‌کوپتر را در طبس فرود آمدند. از آنجا که خداوند همواره انقلاب اسلامی را مورد لطف قرار داده است یکی از هلی‌کوپترها در حین برخاستن به هواپیمای سی- ۱۳۰ مستقر در محل برخورد کرد و انفجار عظیمی رخ داد. جیمی‌کارتر رئیس جمهوری وقت آمریکا عملیات را مستقیماً تحت نظر داشت. شهید محمد منتظرقائم فرماندهٔ خبیر و شجاع سپاه پاسداران انقلاب اسلامی نیرو خود را به محل فرود نیروهای آمریکا می‌رساند تا از مدارک و اسناد موجود و همراه آمریکایی‌ها استفاده کند. پس از انفجار و آتش گرفتن هواپیما و هلی‌کوپترها ازسوی کاخ سفید اعلامیه توقف و عملاً شکست عملیات و کودتای طبس اعلام شد. بنی‌صدر که در موضع فرماندهی کل‌قوا بود دستور داد تا هلی‌کوپترهای به‌جای مانده آمریکایی‌ها را بمباران کنند. بسیاری از اسناد محرمانه در این خیانت آشکار بنی‌صدر در آتش سوخت و محمد منتظرقائم که از هلی‌کوپترها پس از فرار آمریکایی‌ها حفاظت می‌کرد به شهادت رسید. متأسفانه از قبل بنی‌صدر جریانی ناسالم را در نیروی هوایی به‌خصوص نیروهای بازمانده از رژیم شاه سازماندهی کرده بود. علاوه بر ازبین رفتن اسناد مهم و شهادت محمد منتظرقائم پنج فروند هلی‌کوپتر مدرن و پیشرفته نیز می‌توانست غنیمتی ارزشمند و تاریخی برای ایران باشد. شکست کودتا سند مبرهنی بر دخالت و رسوایی آمریکا در ایران و در برابر انقلاب اسلامی محسوب می‌گردد.

- کومله: در سال ۱۳۵۷ گروه کومله از ادغام سه گروه چیگرای کرد تشکیل شد به‌نام‌های گروه زحمتکشان کردستان ایران، گروه چاوه و گروه اتحادیه کشاورزان و بعدها با اسامی حزب کمونیست ایران، اتحاد سوسیالیستی کارگری و حزب اتحاد کمونیست کارگری و با تعدد انشعاب فعالیت می‌کردند. در ابتدا پیرو اندیشه و مشی سیاسی مائوسیسم بودند. این گروه از آغاز در برابر نظام جمهوری اسلامی ایران موضع مخالف داشت. حتی زمانی که به‌نام «سازمان کردستان حزب کمونیست ایران» فعالیت می‌کرد به‌ظاهر از خلق کرد دفاع می‌کرد اما به‌علت وابستگی به قدرت‌ها و کشورهای کمونیست بیگانه از منطقهٔ کردستان ایران سلب آرامش و آسایش می‌کرد. در برابر فعالیت‌های سازندگی نیروهای انقلاب در منطقه موضع مخالف داشتند. در تمامی آشوب‌های منطقه دست داشتند. به بهانهٔ استقلال کردستان بسیاری از نیروهای انقلابی پاسدار را به شهادت رساندند. به جنگ مسلحانه در برابر ارگان‌های انتظامی و نظامی پرداختند از جمله گروه‌هایی بود که نظام جمهوری اسلامی آنان را غیرقانونی اعلام کرد.
- **لباس سیاه:** از احادیثی که در کراهت سیاه وارد شده و شیخ حر عاملی در رسائل الشیعه نقل کرده است یکی این حدیث است: «قال امیرالمومنین(علیه‌السلام) فیما علم اصحابه: لا تلبس السواد فانه لباس فرعون» (ج۴، ص۳۸۲) ترجمه: «امیرالمومنین در تعلیم یارانش گفت: سیاه نپوشید که رنگ لباس فرعون است. اما بعضی دیگر از احادیث پوشیدن رنگ سیاه در کفش و عمامه و کساء را روا دانسته‌اند.
- لیبرالیسم: به جریان و تفکری مرتبط با دولت، اطلاق می‌شود که آزادی شخصی را مهم‌ترین هدف سیاسی می‌دانند. لیبرالیسم مدرن در عصر روشنفکری ریشه دارد. به‌صورت کلی، لیبرالیسم به ظاهر بر حقوق افراد و برابری فرصت تأکید دارد. شاخه‌های مختلف لیبرالیسم ممکن است سیاست‌های متفاوتی را پیشنهاد کنند. لیبرال‌ها در نظام جمهوری اسلامی با وجودی که به قدرت رسیدند در ادامه نسبت به برخی مواضع و فتاوای امام موضع‌گیری کردند. از جهت مشی سیاسی چندان پایبندی به اصول و مبانی نظام جمهوری اسلامی ندارند.

- مدرس، سیدحسن: روحانی مبارز و عالمی آزادی‌خواه بود که در پی مبارزات خود علیه ظلم حکومت داخلی و دخالت‌های بیگانگان در زمان کودتای ۱۲۹۹ رضاخان دستگیر و زندانی شد. وی پس از سقوط کابینه سیدضیاء از زندان آزاد و به‌عنوان نماینده مردم تهران به مجلس راه یافت. سرانجام در پی تشدید مخالفت‌های خود علیه حکومت رضا شاه به خواف تبعید و سپس به کاشمر منتقل شد و همان جا به دست عوامل دولتی به شهادت رسید. مدرس از جمله حرفه‌ای‌ترین پارلمانتاریست‌های ایرانی بود که با وجود اقلیت همیشگی، با سخنان خود اکثریت را به سمت خود می‌کشید. شعار معروف «سیاست ما عین دیانت ماست» از شهید مدرس است.
- مدنی، سیداسدالله: در سال ۱۲۹۳ هجری شمسی در آذرشهر آذربایجان شرقی دیده به جهان گشود. در آغاز جوانی برای کسب علم و کمال به شهر مقدس قم عزیمت کرد. دیری نپایید که از استادان معروف حوزهٔ علمیه نجف شد و توانست از مراجع بزرگی چون آیت‌الله حکیم، آیت‌الله حجت‌کوه کمری و آیت‌الله خوانساری اجازه اجتهاد بگیرد. ایشان تمام عمر خویش را در راه ترویج اسلام و مبارزه با رژیم فاسد طاغوت گذراند. پس از پیروزی انقلاب اسلامی از سوی مردم همدان به‌عنوان نمایندهٔ مجلس خبرگان قانون اساسی انتخاب شد. پس از شهادت آیت‌الله قاضی به فرمان امام خمینی امامت جمعه تبریز را به عهده گرفت. آیت‌الله مدنی در بیستم شهریور ۱۳۶۰ پس از اتمام خطبه‌های نماز جمعه همدان با انفجار نارنجک منافقی کوردل به شهادت رسید.
- **مردم کوفه:** از آنجا که جمله مورد نظر ادامه قسمتی است که حذف شده مفهوم عبارت باید این باشد که ما نباید مثل مردم کوفه با امام عزیزمان بیعت ببندیم. مردم کوفه در تاریخ اسلام نماد و سمبل عهدشکنی و بی‌وفایی‌اند. در سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی یکی از شعارهای رایج و پرمعنی که مردم در دیدار با حضرت امام خمینی سر می‌دادند این بود که «ما اهل کوفه نیستیم امام تنها بماند». امروز هم در ملاقات‌هایی که با حضرت آیت الله خامنه‌ای صورت می‌پذیرد یکی از شعارها این است که ما اهل کوفه نیستیم علی تنها بماند.

- مسجد الاقصی: در شهر قدس و نخستین قبله مسلمانان بوده است. این مسجد را حضرت داود(علیه‌السلام) بنا کرد. سپس فرزندش سلیمان تکمیلش کرد. در زلزله‌ای شدید ویران شد در سال ۵۸۵ میلادی توسط صلاح‌الدین ایوبی مرمت شد. نام مسجدالاقصی در قرآن مجید آیه اول از سورهٔ اسراء در آیات مربوط به معراج پیامبر اسلام(صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) آمده است: «سبحان الذی اسری بعبده لیلاً من المسجد الحرام الی المسجد الاقصی» این مسجد بارها از سوی یهودیان افراطی و صهیونیست مورد تهاجم قرار گرفته و در سال ۱۹۶۹ میلادی قسمت جنوب شرقی مسجد به آتش کشیده شد. امروز به‌عنوان یکی از مراکز و پایگاه‌های مهم مقاومت مسلمانان فلسطین نامیده می‌شود.
- مسلم‌بن عَوسَجَه اسدی: اولین شهید عاشورا که در حملهٔ نخست به شهادت رسید از طایفه بنی‌اسد و از چهره‌های درخشان کوفه و هواداران اهل‌بیت بود. از اصحاب پیامبر(صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) و مسلمانان با سابقه به‌شمار می‌رفت. فردی پارسا، شجاع و سوارکاری نامی بود. در همهٔ جنگ‌های امیرالمؤمنین(علیه‌السلام) بیعت می‌گرفت. در کربلا پس از آنکه امام حسین(علیه‌السلام) از یاران خواست تا با استفاده از تاریکی شب از صحنه خارج شوند مسلم برخاست و سوگند خورد اگر هفتاد بار کشته شوم سوزانده شوم و خاکسترم بر باد رود هرگز تو را رها نخواهم کرد. سپاه دشمن چون یارای تن‌به‌تن جنگیدن با او را نداشت او را در سنگ باران کردند. در لحظه‌های آخر که حبیب‌بن مظاهر بالای سر او رفت او را توصیه کرد که مبادا حسین(علیه‌السلام) را تنها گذارد. (فرهنگ عاشورا، جواد محدثی).
- **مشکینی(فیض)، علی‌اکبر:** آیت‌الله علی‌اکبر فیض معروف به مشکینی در سال ۱۳۰۰ در روستایی از توابع بلوک مشکین و در خانواده‌ای متدین و اهل علم دیده به جهان گشود. پدر وی نیز روحانی و اهل علم و تقوی بود. ایشان پس از کسب مقدمات علوم دینی در نجف به ایران بازگشت و پس از رحلت پدر به اردبیل مهاجرت کرد و در آنجا ادامه تحصیل داد. ایشان از نخستین افرادی بود که در نهضت سخنرانی از قیام روشنگرانه امام دفاع کرده و به همراه ۲۷ نفر از اساتید حوزه به نقاط مختلفی مثل کاشمر، ماهان کرمان و گلپایگان تبعید شد. ایفای نقش ایشان در جریانات

مختلف بعد از انقلاب در مسئولیت‌هایی چون عضویت در خبرگان، تدوین قانون اساسی، عضویت در جامعه مدرسین حوزه علمیه قم و ریاست شورای بازنگری قانون اساسی مشهود است. در کارنامه علمی و فرهنگی ایشان تأسیس مؤسسه الهادی و تألیف، تصحیح و ترجمه ده‌ها جلد کتاب و مقاله را می‌توان مشاهده کرد.

- مصدق، محمد: دکتر محمد مصدق در اردیبهشت ۱۲۵۸ به‌دنیا آمد. در مدرسهٔ سیاسی تازه تأسیس به تحصیل پرداخت. در دوره اول به نمایندگی اصفهان وارد مجلس شورای ملی شد. از مدرسهٔ علوم سیاسی پاریس و از دانشگاه نوشاتل درجهٔ دکترای حقوق و جواز وکالت گرفت. در کابینهٔ مشیرالدوله به‌عنوان وزیر دادگستری معرفی شد. مدتی از سوی مردم فارس، والی (استاندارد) ایالت فارس شد. در کابینهٔ قوام‌السلطنه به وزارت دارایی منصوب شد. مدتی والی آذربایجان شد. با وجودی که در کابینهٔ سردار سپه به وی پست نخست‌وزیری پیشنهاد شد نپذیرفت و رحل اقامت در احمدآباد مستوفی افکند. مدتی به بیرجند تبعید شد اما به‌علت بیماری مجدداً او را به احمدآباد برگرداندند. در جریان سی تیر دولت قوام برکنار شد و دکتر مصدق با تصدی وزارت جنگ نخست‌وزیر شد و در ۲۵ آذر تلفن را ملی اعلام کرد و پس از کودتای ۲۵ مرداد ۱۳۳۲ که منجر به فرار شاه از ایران شد. در کارنامهٔ دکتر محمد مصدق ملی اعلام کردن صنعت نفت قابل توجه است. پس از ۲۸ ماه زمامداری و کودتای دیگر شاه به ایران برگشت و مصدق برکنار و محاکمه شد، سرانجام در ۱۴ اسفند سال ۱۳۴۵ چشم از جهان فروبست. (دهخدا).
- مطهری، مرتضی: (۱۲۹۸– ۱۳۵۷ش) در مشهد در خانواده‌ای روحانی متولد شد و در اوان کودکی به تحصیل علم پرداخت. وارد حوزهٔ علمیه شد و چندی بعد، از محضر استادانی چون امام خمینی، آیت‌الله بروجردی و علامه طباطبایی بهره جست. استاد مطهری از سال ۱۳۳۱ بعد از عزیمت به تهران، تدریس و تبلیغ و سخنرانی‌های خود را در مدارس و محافل مذهبی آغاز کرد و در سال ۱۳۴۲ بعد از سخنرانی‌ای مهیج علیه رژیم شاه روانه زندان شد اما پس از آزادی فعالیتهای فرهنگی و آموزشی و مبارزاتی خود را از سر گرفت و تا پیروزی انقلاب و پس از آن لحظه‌ای از آگاهی بخشی به جوانان و جامعه از پا ننشست تا آنجا که به‌عنوان مهم‌ترین نظریه‌پرداز

جمهوری اسلامی نامبردار شد. اما سرانجام در ۱۱ اردیبهشت ۱۳۵۸ به دست گروهک منحرف فرقان به شهادت رسید.

- معاویه: معاویه‌بن ابی‌سفیان زمامداری خودکامه و طاغوتی جبار بود پدرش ابوسفیان و مادرش هند جگرخوار از سرسخت‌ترین دشمنان اسلام بود از زمان عثمان والی شام گشت و با علی(علیه‌السلام) جنگید. و همواره علیه او توطئه می‌کرد. معاویه به هیچ یک از تعهدات صلح‌نامه‌ای که به امام حسن(علیه‌السلام) تحمیل کرد وفا نکرد. از جمله بدعت‌های معاویه بیعت اجباری از مردم گرفتن برای ولایت عهدی فرزند شرابخوار و نالایقش یزید بود. قوی‌ترین گروه مخالفان بیعت با یزید حسین‌بن علی(علیه‌السلام) که هرگز در برابر آن پدر و پسر سکوت نکرد. امام حسین(علیه‌السلام) دربارهٔ بنی‌امیه فرمود: «انا وهم الحضمان الذّان اختصمانی ربهم» «ما و آنان در خصمی هستیم که نزاعمان برسر مسئله خداست». معاویه در تحکیم سلطه بنی‌امیه بر مسلمانان و روی کار آمدن یزید و جنایتهای بعدی سهم عمده داشت.
- مفتح، محمد: در سال ۱۳۰۷ (هـ ش) در همدان دیده به جهان گشود. در آنجا به تحصیل دوره دبستان و مقدمات علوم اسلامی روی آورد. سپس به حوزه علمیه قم مهاجرت کرد. درحالی‌که در این حوزه به درجه اجتهاد رسید، در دانشگاه تهران نیز موفق به اخذ درجه دکتری گردید. نقش شهید مفتح در صحنه‌های مهم مبارزات انقلابی از جمله اقامه نماز دشمن‌شکن عید فطر ۱۳۵۷ بسیار حساس بود. در خطبه‌های نماز جمعه برای اولین بار نام امام خمینی را آشکارا بر زبان جاری کرد و رهبری امام را مورد تأکید قرار داد و مردم را به راهپیمایی برای روزهای بعد دعوت کرد. شهید مفتح با تشکیل شورای انقلاب، از طرف امام به عضویت این شورا درآمد و در این سنگر منشأ خدمات شایانی شد. آیت‌الله مفتح، به‌عنوان عضو هیأت علمی دانشگاه تهران، به تدریس و تحقیق می‌پرداخت. سرانجام در ۲۷ آذرماه ۱۳۵۸ به همراه دو تن از پاسداران جان بر کف خود در مقابل دانشکده الهیات از سوی گروهک منافق فرقان به شهادت رسید و در صحن حرم حضرت معصومه(علیهاالسلام) به خاک سپرده شد.

- **«من طَلَبَنی وجَدَنی و من وجدنی عَرَفَنی و من عرفنی اَحَبَنی و من احبنی عَشَقَنی و من عشقنی عَشَقَتَهُ و من عشقته قَتَلتَهُ و من قتلته فَعَلَیَ دیتَهُ و من دیته فاَنا دیته»:** در هیچ‌کدام از کتب روایی حدیث یا عبارتی دقیقاً مثل این عبارت که به‌خصوص در سال‌های دفاع مقدس به «حدیث قدسی» مشهور بود یافت نشد. در وسائل‌الشیعه حدیثی شبیه به این نقل شده است: «ان الله تعالی قال: من دعانی احیتة و من سألنی اعطیته و من اعطانی شکرته و من عصانی سترته و من قصدنی ابقیة و من عرفنی خیرته و من احبّنی ابتلیته و من احبتُه قتلته و من قتلته فعلی دیته و من علیّ دیته فأنا دیته» (ج ۱۸، ص ۴۱۹).
- منافقین: در سال ۱۳۴۴ با عنوان سازمان مجاهدین خلق با هدف مبارزه با رژیم پهلوی تشکیل شد. اعضای آن در زندان دچار انحراف شدید فکری شدند. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، هر روز با جمهوری اسلامی زاویه مواضعشان بیشتر می‌شد تا در خرداد ۱۳۶۰ علیه جمهوری اسلامی به مشی مسلحانه روی آوردند. فعالیت‌های آنان از سوی حکومت ایران غیرقانونی اعلام شد. پس از آن تغییرات سازمانی وابسته به آمریکا و اقمارش در عراق مستقر شدند و شانه به شانه صدام علیه جمهوری اسلامی ایران فعالیت می‌کردند. سرسپرده صدام شده در تخلیه اطلاعاتی و شکنجه آزادگان و اسرای ایرانی فعالیت می‌کردند. اینک در اردوگاهی در عراق مستقرند به‌عنوان مزدوران آمریکا، انگلیس و اسرائیل همسو با استکبار جهانی و سلطنت‌طلب‌ها و سایر ضدانقلاب‌ها فعالیت دارند.
- منتظری، حسین‌علی: در ۱۳۵۷ از طریق خبرگان رهبری به سمت قائم مقام رهبری انتخاب شد و در ۱۳۶۸ به دستور امام خمینی از این مقام عزل شد؛ در مدتی که ایشان سمت قائم مقام رهبری را برعهده داشتند مورد احترام و علاقهٔ رزمندگان و مردم بودند.
- **موسوی، میرحسین**: در سال ۱۳۶۰ با رأی مجلس شورای اسلامی به نخست‌وزیری جمهوری اسلامی انتخاب شد و تا سال ۱۳۶۸ در این سمت بود. در مدتی که وی نخست‌وزیری را به‌عهده داشت مورد احترام و علاقه رزمندگان اسلام و مردم بود.

- میثم ابن یحیی از موالی: بنی اسد از اجلّهٔ اصحاب حضرت علی(علیه‌السلام) بود. وی بردهٔ زنی از بنی‌اسد بود و حضرت علی(علیه‌السلام) او را خرید و آزاد کرد و میثم نزد علی(علیه‌السلام) باقی ماند سپس در کوفه سکونت گزید و به‌سبب علاقه و ارتباطی که با حضرت علی(علیه‌السلام) داشت عبیدالله بن زیاد امیر کوفه او را زندانی ساخت و سپس بر چوبی به صلیب کشید و او در آن حال شروع به بیان فضایل بنی‌هاشم کرد و چون خبر آنرا به ابن زیاد دادند بدو گفتند که این برده شما را مفتضح ساخت، امر کرد که او لجام نهادند و این نخستین‌بار بود که در تاریخ اسلام کسی را لجام می‌زدند و سپس با نیزه او را بقتل رساندند و آن در سال ۶۰ هـق. و ده روز پیش از ورود امام حسین(علیه‌السلام) به عراق بوده است. (از الاعلام زرکلی، ج۸، ص۲۹۴). ابوسالم میثم از ایرانی‌های کوفه و از اجلهٔ اصحاب حضرت امیرالمومنین علی(علیه‌السلام) بوده و او را عبیداله زیاد ده روز قبل از آنکه حضرت امام حسین به عراق وارد شود در کوفه به قتل رساند. (دهخدا)
- میثم تمار: از صحابه خاص حضرت امام علی(علیه‌السلام) بود. میثم تمار فرزند یحیی و اهل سرزمین «نهروان»- منطقه‌ای میان عراق و ایران- بود. بعضی او را ایرانی و از مردمان فارس دانسته‌اند. به او «ابوسالم» هم می‌گفتند. لقب «تمار» (خرمافروش) را هم از آن جهت به او می‌گفتند، که در کوفه خرمافروش بود. ابتدا غلام زنی از طایفه «بنی‌اسد» بود. حضرت علی(علیه‌السلام) او را از آن زن خرید و آزاد کرد که بعد از آن از یاران و صحابه آن حضرت شد. هم‌چنین وی از اصحاب پیامبر اکرم(صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) به‌شمار آمده است، هرچند از جزئیات زندگی او در سال‌های نخستین حیاتش و در روزگار صدر اسلام، اطلاع مبسوطی در دست نیست. آشنایی میثم با علی(علیه‌السلام) برای او توفیقی بزرگ بود. ازاین‌رو به شاگردی در مکتب علی(علیه‌السلام) مشغول شد. علی(علیه‌السلام) هم با مشاهده استعداد روحی و زمینه مناسب وی دانش و آگاهی‌های بسیاری را به او آموخت. میثم، علم تفسیر قرآن را نزد مولای خود علی(علیه‌السلام) فرا گرفت. و از معارفی که از او آموخته بود کتابی تدوین کرد که کتابش را پسرش از او روایت کرد. به همین جهت، میثم یکی از مؤلفان شیعه به‌حساب می‌آید. نقل است که علی(علیه‌السلام) چگونگی کشته شدن میثم را پیشگویی و به وی گفت: «تو را

بعد از من دستگیر می‌کنند و به دار خواهند زد. در روز سوم از بینی و دهان تو خون روان خواهد شد و محاسنت را رنگین خواهد ساخت». میثم در آخر سال ۶۰ هجری، ده روز قبل از ورود امام حسین(علیه‌السلام) به عراق، توسط عبیدالله‌بن زیاد دستگیر شد و به همان نحوی که امام علی(علیه‌السلام) خبر داده بود به دار آویخته شد و کشته شد.

- میرزا کوچک جنگلی: از مجاهدان مشروطیت و رهبر قیام جنگل. نامش یونس معروف به میرزا کوچک‌خان فرزند میرزا بزرگ از مردم رشت در سال ۱۲۹۸ هق دیده به جهان گشود. مقدمات علوم دینی را در مدرسه صالح‌آباد رشت و مدرسه محمودیه شمیران فرا گرفت. پس از فراز و نشیب‌های بسیار تصمیم به تأسیس نهضت جنگل گرفت. با دکتر شمس‌الاطباء و میرزا کریم‌خان و سردار محیی‌الدین و سایر مجاهدین گیلان برای اخراج بیگانگان از ایران به مبارزه پرداخت. فردی معتقد به احکام شریعت بود. مدتی طلبه علوم دینی بود، اما از مقدمات فراتر نرفت. سرانجام در سال (۱۳۰۰ ش) با مرگ مشکوک او نهضت جنگل هم خاتمه یافت. (دهخدا با تلخیص)
- میرلوحی، سیدمجتبی (نواب صفوی): مشهور به نواب صفوی از رهبران اصلی سازمان فدائیان اسلام همراه سه تن از همرزمانش شهید شد. بدین‌ترتیب رژیم طاغوت مبارزی متعهد و انقلابی را که فقط بر مبنای اسلام‌خواهی سخن گفته بود به شهادت رساند. شهید نواب صفوی در سال ۱۳۰۵ هجری شمسی در خانواده‌ای روحانی متولد شد و تحصیلات متداول را در کنار تحصیلات حوزوی ادامه داد. وی بنیانگذار اولین سازمان انقلابی- مکتبی است که راه‌گشای مبارزات مسلحانه اسلامی بود. فداییان اسلام مبارزه با شاه و عوامل او را در داخل و نیز مبارزه با استعمارگران و قدرت‌های خارجی و روشنفکرنماهای وابسته به غرب را سرلوحه اهداف خود قرار داده بودند.
- ناکثین: لقبی است که امیرالمؤمنین علی(علیه‌السلام) به اهل واقعهٔ جمل می‌دهد. کسانی که در مدینه با علی‌ابن ابیطالب(علیه‌السلام) بیعت کردند و در بصره عهد خود را شکستند و به جنگ با وی برخاستند.

- نوری، فضل‌الله: (حاجی‌شیخ) بن ملا عباس نوری مازندرانی معروف به شیخ نوری از فقهای امامیه و از مراجع تقلید اوایل قرن چهاردهم است. پس از تحصیل علوم دینی مقیم تهران گشت و در وقایع مشروطیت به حمایت و همراهی از محمدعلی شاه قاجار به مخالفت با طباطبایی و بهبهانی دو روحانی صاحب نفوذ و مشروطه‌خواه پرداخت. پس از فتح تهران گرفتار و در ۱۳ رجب ۱۳۲۷ به دار آویخته شد و در قم مدفون است. از تصانیف او تذکرة الغافل و ارشاد الجاهل، صحیفه مهدویت را می‌توان نام برد. (دهخدا).
- نهضت آزادی: حزبی سیاسی بود که در سال ۱۳۴۰ با جدایی از جبهه ملی ایران و تأکید بر هویت ایرانی- اسلامی تأسیس شد. اولین دبیرکل آن آقای مهدی بازرگان بود. که تا هنگام مرگ در این سمت قرار داشت. بعدها به‌علت خروج از مسیر کلی و جهت حرکتی جمهوری اسلامی و اخذ مواضع مخالف از سوی نظام فعالیتشان غیرقانونی اعلام شد.
- واجب کفایی: آن است که با فعل بعضی از مکلفان منظور حاصل شود، هرکه باشد فرق نمی‌کند (عدهٔ مکلفان معین نیست) مانند جهاد. در هر صورت اگر افرادی در زمینه‌ای که حکم واجب کفایی بدان تعلق می‌گیرد انجام وظیفه نمایند، تکلیف از عهده بقیه ساقط می‌گردد. (دهخدا).
- وراثت زمین: تعبیر وراثت ارض در آیه‌های متعددی در قرآن به‌کار رفته است با دو نگاه ویژه: الف) وراثت زمین به آنان‌که هدایت شده‌اند. ب) بازپس‌گرفتن زمین از آنان که از پیشینیان آن را به ارث برده‌اند. در آیه ۷۴ سورهٔ زمر چنین آمده است: «وقالوا الحمدلله الذی صَدَقَنا وَعدَهُ و اورثنا الارض...» ترجمه: «و گویند سپاس و ستایش خدای راست که وعده خویش را به ما راست داشت و زمین (بهشت) را به ما میراث داد.
- هابیل: فرزند آدم و حوا، برادر قابیل است. هابیل و لبودا از یک بطن از حوا زاییده شدند و قابیل و اقلیما از بطن دیگر به دنیا آمدند. حکم خدا این بود که برادر و خواهر تنی نمی‌توانند ازدواج کنند، باید هابیل با اقلیما و قابیل با لبودا ازدواج کنند. قابیل نپذیرفت و در حسادت با برادر، قابیل هابیل را کشت. هابیل نخستین کسی

بود که توسط برادر کشته شد. گویند جایی که قابیل هابیل را به خاک سپرد در کوهی حدود سراندیب بود. وقتی قرار شد هر دو برادر (قابیل و هابیل) به درگاه خدا قربانی آورند، از هابیل که گوسفندی را آورده بود، قربانی پذیرفته شد و از قابیل پذیرفته نشد و همین امر قابیل را به قتل برادر تحریک کرد. هابیل شبان بود. هابیل فرزند دوم آدم و حواست. (دهخدا)

- هاشمی‌رفسنجانی، علی‌اکبر: از روحانیون مبارز قبل از انقلاب است که در جوانی پیرو مشی فکر سیاسی مبارزاتی حضرت امام شد. قبل از انقلاب مکرر از سوی رژیم پهلوی دستگیر شد. پس از انقلاب اسلامی عهده‌دار مسئولیت‌هایی چون: سرپرستی وزارت کشور، ریاست مجلس شورای اسلامی، ریاست جمهوری، ریاست شورای عالی انقلاب فرهنگی، امام جمعه موقت تهران، رئیس مجلس خبرگان رهبری و... شد. هم‌اکنون ریاست مجمع تشخیص مصلحت نظام را بر عهده دارند.
- **هاشمی‌نژاد، سیدعبدالکریم:** در سال ۱۳۱۳ در بهشهر متولد گردید. از سن ۱۴ سالگی در محضر آیت‌الله کوهستانی، سپس در قم نزد آیات عظام بروجردی و امام خمینی(ره) به تحصیل علوم دینی پرداخت. وی از همان اوایل انقلاب در سال ۱۳۴۱ مبارزات خویش را علیه رژیم ستمشاهی آغاز نمود و با خطبه‌ها و سخنرانی‌های پرشور و انقلابی در نشر افکار انقلابی اسلام و افشای ماهیت رژیم پهلوی تمامی توان خود را به کار برد. کتاب مشهور وی «مناظره دکتر وپیر» یکی از کتب ممنوعه در زمان طاغوت به شمار می‌رفت. او پس از پیروزی انقلاب انقلاب اسلامی به عنوان نماینده خبرگان مشهد مقدس در مجلس قانونگذاری انتخاب و مسئولیت دبیری حزب جمهوری اسلامی مشهد را عهده‌دار شد. از دیگر آثار این عالم مجاهد می‌توان به کتاب‌های ذیل اشاره نمود: هستی‌بخش، مشکلات مذهبی روز، مسائل عصر ما، درسی که حسین به انسان‌ها آموخت.
- هشت شهریور: در ۸ شهریور ۱۳۶۰ دفتر نخست‌وزیری بر اثر انفجار بمب که توسط منافقان کار گذاشته شده بود، دو هم‌رزم دیرینه، شهید محمدعلی رجایی به‌عنوان رئیس جمهوری اسلامی و دکتر محمدجواد باهنر به‌عنوان نخست‌وزیر در این حادثه دلخراش به درجه رفیع شهادت نائل آمدند.

- هفت تیر (سرچشمه): دفتر مرکزی حزب جمهوری اسلامی واقع در سرچشمه تهران محل گردهمایی بسیاری از شخصیت‌های سرشناس کشوری بود که در شب هفتم تیر ۱۳۶۰ به‌وسیلهٔ بمب منفجر گردید و بیش از ۷۲ تن از چهره‌های انقلابی و نمایندگان مجلس، اعضای هیأت دولت و اعضای حزب جمهوری اسلامی به‌دست منافقان به طرزی فجیع به شهادت رسیدند. در این حادثه غیر انسانی تعدادی از شخصیت‌های انقلاب اسلامی- که در رأس آنان شهید آیت‌الله دکتر سیدمحمد حسینی بهشتی قرار داشت- به درجهٔ رفیع شهادت نائل آمدند.
- هل من ناصر ینصرنی: عبارتی که در کتاب «موسوعة کلمات الامام الحسین(علیه‌السلام)» آمده این است: «هل من راحم یرحم آل الرسول المختار، هل من ناصر ینصر الذریة الاطهار، هل من مجیر لابناء البتول، هل من ذاب یذب عن حرم الرسول» (ص ۵۰۶) ترجمه: آیا دلرحمی هست که بر آل رسول مختار رحم کند؟ آیا یاری کننده‌ای هست که ذریت پاک رسول(صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) را یاری کند؟ آیا فریادرسی هست برای فرزندان بتول(علیهاالسلام)؟ آیا مدافعی هست تا از حرم رسول(صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) دفاع کند؟
- هیهات من الذله: از روایت‌ها مشهور و شعار حضرت امام حسین(علیه‌السلام) است که در مقابل دشمنان خویش بیان شده است. (نفس‌المهموم، ص۱۳۱، متقل خوارزمی، ج۲، ص۷، بحارالانوار، ج۴۵، ص۸۳). مفهوم این عبارت برای شاعران مایه سرایش اشعار حماسی بلندی شده است. ترجمه «از من دور است که به ذلت تن بدهم». البته این تعبیر جزیی از سخنان گهربار آن حضرت است که در روز عاشورا فرمود: «الا و ان الدعی من الدعی قد رکزنی بین السلة و الذله و هیهات له ذلک من، هیهات منا الذله...» (فرهنگ عاشورا، جواد محدثی، ص۵۰۵).
- یاسر: پسر عامر از نخستین شهیدان تاریخ اسلام، پدرِ عمار یاسر و همسر سمیه بود. یاسر از اعراب عنسی مذحجی قحطانی یمن بود که همراه دو برادرش «حارث» و «مالک» از یمن به مکه راه افتاد تا برادر چهارمش را که بر اثر قحطی و خشکسالی و فساد اوضاع حکومت یمن، آواره شده بود، پیدا کند. پس از آنکه سه برادر از پیدا کردن برادر گمشده خود ناامید شدند، مالک و حارث بازگشتند، ولی یاسر در مکه ماند و با رئیس قبیله بنی‌مخزوم- ابی‌حذیفة بن مغیره- هم‌پیمان شد. ابوحذیفه،

سمیه دختر خباط را، که بزرگوارترین و پاکدامن‌ترین کنیز وی بود، به ازدواج یاسر درآورد و پس از آن سمیه را نیز آزاد کرد و بنا گذاشت که فرزندان این زن و شوهر نیز جزء آزادگان (احرار) شناخته شوند. از این ازدواج، پسری به‌نام «عمار» زاده شد، که بعدها به یکی از یاران نزدیک پیامبر(ﷺ) تبدیل شد و در راه اسلام کشته شد. هنگامی‌که حضرت محمد(ﷺ) به پیامبری برگزیده شد و آیین اسلام را به‌طور ناآشکارا وارد مکه نمود، یاسر و سمیه و فرزندشان عمار که در آن هنگام، جوانی رشید و قوی بود، جزء نخستین نفراتی بودند که به دین اسلام گرویدند و تمام خطرات احتمالی را با جان و دل پذیرا شدند. با اسلام آوردن این خانواده و پذیرش آیین توحید و یکتاپرستی و نفی و طرد کفر و شرک، آزار و اذیت‌ها و شکنجه‌های کفار قریش نسبت به آنها آغاز شد و روزبه‌روز فزونی می‌یافت و شدت می‌گرفت. هنگامی که یاسر و همسرش سمیه به پیشنهاد پسرشان عمار اسلام آوردند، مغیره، ابوحذیفه، حکم پسر هشام، و ابوجهل او و همسرش را به شکنجه گرفتند. مشرکان این سه نفر را در گرمترین مواقع مجبور می‌کردند که خانه خود را ترک بگویند، و در زیر آفتاب گرم و باد سوزان بیابان به‌سر ببرند. ابوجهل می‌گفت: یکی از این سه امر موجب رهایی و آسایش شما خواهد بود: ۱. ناسزاگویی (سب و شتم) به حضرت محمد(ﷺ)؛ ۲. بیزاری (تبری) جستن از او؛ ۳. بازگشت به لات و عزی. ولی از زبان آنها سخنی جز «الله اکبر» و «لا اله الا الله» و بد گفتن به لات و عزی و یاد کردن نام حضرت محمد(ﷺ) با کمال احترام چیزی شنیده نمی‌شد. حضرت رسول(ﷺ) برای همدردی و جویا شدن از حال آنها به نزدشان می‌آمد و با رأفت و مهربانی می‌گفت: «ای افراد خاندان یاسر شکیبا باشید! موعد شما بهشت است».

- یحیی، ابوزکریا: از امرای دولت موحدین است. مدتی والی‌گری آفریقا را دشات. در همانجا به فکر استقلال افتاد. به شکایات مردم و محاکمات می‌پرداخت، با لباس مبدل شب‌ها به گردش و کنجکاوی احوال مردم می‌رفت وارزاق میان مردم محتاج و نیازمند توزیع می‌کرد. به سرپرستی علما و دانشمندان و حمایت از ارباب علم و

هنر می‌پرداخت. مدتی در آفریقا فرمانروایی نمود. در سال ۶۴۷ هجری درگذشت. (دهخدا)

- یعقوب: یعقوب بن اسحاق بن ابراهیم نام پسر اسحاق پیغمبر و او را اسرائیل نیز گویند با عیصو از یک شکم زاییده شدند. نام پیغمبری که پدر یوسف بود. یعقوب دارای دوازده فرزند بود، یعقوب یوسف را که از سایر فرزندان نیکوکارتر بود به جانشینی خود برگزید و همین امر موجب حسادت سایر فرزندان شد. داستان تعامل برادران یوسف با او در قرآن آمده است. یعقوب در ۲۲۰۶ پیش از میلاد مسیح بدنیا آمده است. در فراق فرزندش یوسف سالها گریست تا نابینا شد. وقتی یوسف به عزیزی مصر برگزیده شد پدر را از کنعان به نزد خویش فرا خواند و در آنجا چشمان یعقوب روشن گشت. نوشته‌اند که یعقوب ۱۴۷ سالگی روح پاک را تسلیم کرد و جسد مبارکش را در حنوط نمودند و در مصر به‌خاک سپردند. (دهخدا)